فردا که پیشگاه حقیقت شود پدید
شرمنده رهروی که عمل برمجاز کرد
حافظ

پنجاه سال نفت ایران

گزارش

مصطفی فاتح

۱۲۳۶

از انتشارات شرکت سهامی چهر

تهران

۱۳۳۵ خورشیدی

بها ۲۰۰ ریال

شرکت سهامی چاپ

فهرست مندرجات کتاب

صفحهٔ

آغاز سخن

فصل اول ـ نفت از آغاز تاکنون ۱

بخش نخستین ـ پیدایش نفت ۲
بخش دوم ـ نفت در گذشته و تاریخچهٔ آن ۵
بخش سوم ـ کشف نفت درقرن نوزدهم ۱۴
بخش چهارم ـ اهمیت اقتصادی نفت ۲۰
بخش پنجم ـ اهمیت سیاسی نفت ۲۶
بخش ششم ـ منابع عمدهٔ نفت جهان ۲۷
بخش هفتم ـ ذخایر نفت جهان ۵۳
بخش هشتم ـ محصول کنونی نفت در کشور های مختلف جهان ۵۸

فصل دوم ـ نفت از نظر علمی و صنعتی

بخش نخستین ـ طریقهٔ علمی کشف واستخراج نفت ۶۳
بخش دوم ـ تصفیهٔ نفت ۶۸
بخش سوم ـ حمل ونقل نفت ۷۷
بخش چهارم ـ فروش نفت ۸۵
بخش پنجم ـ علل عظمت صنعت نفت ۸۹
بخش ششم ـ مطالعات علمی ۹۲
بخش هفتم ـ زیانهائی که گاهی درکار نفت پیش میآید ۹۵
بخش هشتم ـ محصولات شیمیائی از نفت ۹۷
بخش نهم ـ کارتل نفت ۱۰۲
بخش دهم ـ نظارت دربازار های نفت وتعیین بهای محصول ۱۲۱

فصل سوم ـ مبارزه و رقابت درراه نفت

بخش نخستین ـ مبارزه برای تحصیل امتیاز نفت ۱۳۰
بخش دوم ـ نفت مکزیك و ملی شدن آن ۱۳۳
بخش سوم ـ امتیازات نفت درامریکای جنوبی ومرکزی ۱۰۲
بخش چهارم ـ رقابت برای تحصیل امتیازات نفت درخاورمیانه ۱۴۴
بخش پنجم ـ رقابت برای بدست آوردن نفت روسیه ۱۵۱
بخش ششم ـ ایجاد همکاری بجای رقابت ۱۵۳
بخش هفتم ـ شرایط امتیاز درگذشته و حال ۱۵۴

صفحه

فصل چهارم - نفت خاورمیانه و اهمیت آن

بخش نخستین ـ اهمیت نفت خاورمیانه ۱۶۴
بخش دوم ـ نفت ایران ۱۷۳
بخش سوم ـ نفت عراق ۱۷۳
بخش چهارم ـ نفت بحرین ۱۸۳
بخش پنجم ـ نفت عربستان‌سعودی ۱۸۵
بخش ششم ـ نفت کویت ۱۸۹
بخش هفتم ـ نفت منطقهٔ بیطرف ۱۹۳
بخش هشتم ـ نفت قطر ۱۹۵
بخش نهم ـ نفت سایر کشور های خاورمیانه ۱۹۷
بخش دهم ـ گاز نفت درخاورمیانه ۲۰۲
بخش یازدهم ـ تأثیر اقتصادی واجتماعی نفت درخاورمیانه ۲۰۵

فصل پنجم - انرژی اتمی

بخش نخستین ـ اتم ۲۱۶
بخش دوم ـ شکافتن اتم ۲۲۱
بخش سوم ـ استفاده از انرژی اتم برای مقاصد جنگی ۲۲۶
بخش چهارم ـ همکاری بین‌المللی ۲۳۰
بخش پنجم ـ کورهٔ اتمی واستفاده از حرارت برای‌تولید انرژی ۲۳۲
بخش ششم ـ استفاده برای پی‌گیری ۲۳۶
بخش هفتم ـ رقابت انرژی اتم با انرژی های دیگر ۲۳۸
بخش هشتم ـ تحصیل انرژی ازخورشید ۲۴۱

فصل ششم ـ تاریخچهٔ نفت جنوب ایران

بخش نخستین ـ امتیازات نفت ایران درقرن نوزدهم ۲۴۵
بخش دوم ـ امتیاز دارسی وجریان تحصیل‌آن ۲۵۰
بخش سوم ـ آغاز عملیات وتحصیل سرمایه ۲۵۵
بخش چهارم ـ پیشرفت عملیات تاجنگ اول و شرکت دولت انگلستان ۲۵۹
بخش پنجم ـ اولین اظهارنظر مردم دربارهٔ امتیاز دارسی ۲۶۷
بخش ششم ـ اختلافات بادولت ایران پس‌از جنگ اول جهانی ۲۷۲
بخش هفتم ـ توسعهٔ صنعت نفت ایران پس‌از جنگ اول جهانی ۲۷۸
بخش هشتم ـ مذاکرات برای تجدید امتیاز ۲۸۲
بخش نهم ـ شرایط پیشنهادی کدمن ومذاکرات بعد ۲۸۶
بخش دهم ـ الغای امتیاز دارسی ۲۹۰
بخش یازدهم ـ مذاکرات برای عقد قرارداد ۱۹۳۳ ۲۹۸

صفحه

فصل هفتم - دنبالهٔ تاریخچهٔ نفت

بخش نخستین - قرارداد ۱۹۳۳ ۳۰۵
بخش دوم - توسعهٔ صنعت نفت ایران پس‌از قرارداد ۱۹۳۳ ۳۰۷
بخش سوم - صنعت نفت ایران درموقع جنگ ۳۱۴
بخش چهارم - صنعت نفت ایران پس‌از جنگ ۳۱۹
بخش پنجم - وضع مالی شرکت نفت درمدت امتیاز ۳۲۱

فصل هشتم - نفت شمال ایران

بخش نخستین - نفت شمال ۳۲۶
بخش دوم - امتیاز نفت بشرکت امیرانین ۳۴۲
بخش سوم - قرارداد اکتشاف واستخراج معادن با شرکت هلاندی ۳۴۳
بخش چهارم - نفت سمنان ۳۴۴

فصل نهم - کشمکش بر سر نفت ایران

بخش نخستین - نظر دول بزرك بنفت ایران درموقع جنگ دوم جهانی ۳۵۰
بخش دوم - تقاضای شوروی برای امتیاز نفت شمال ۳۵۵
بخش سوم - قدمهائی که برای سازش بین امریکا وانگلیس برداشته شد ۳۵۷
بخش چهارم - غائلهٔ آذربایجان ۳۶۱
بخش پنجم - حکومت قوام واولتیماتوم امریکا وقرارداد نفت ۳۷۲

فصل دهم - قیام ایران برای استیفای حق خود

بخش نخستین - اقدام برای استیفای حق ایران ۳۸۵
بخش دوم - قرارداد الحاقی ۳۸۸
بخش سوم - پیش‌بینی راجع بقرارداد الحاقی ۳۹۶
بخش چهارم - اقدامات مجدد دولت برای تعدیل قرارداد الحاقی ۴۰۱
بخش پنجم - جریان وقایع سیاسی تاموقع ملی‌شدن نفت ۴۰۳
بخش ششم - قانون اجرای اصل ملی‌شدن نفت وشروع زمامداری دکترمصدق ۴۰۸

فصل یازدهم - قصور وغفلت شرکت نفت

بخش نخستین - کمی درآمد ایران از نفت ۴۱۴
بخش دوم - بهای فراورده های نفت درایران ۴۱۹
بخش سوم - غفلت شرکت دربط دادن صنعت‌نفت بااقتصاد عمومی کشور ۴۲۱
بخش چهارم - سازمان اداری شرکت ۴۲۴
بخش پنجم - رفتاری‌که شرکت با کارکنان خود مینمود ۴۳۰
بخش ششم - صرفه‌جوئی بسیار درهزینه ۴۴۸

صفحه

بخش هفتم ـ اطمینان‌شرکت به‌پشتیبانی طبقهٔ حاکمه ٤٥١
بخش هشتم ـ بی‌اعتنائی شرکت باحساسات عمومی ٤٥٤

فصل دوازدهم ـ نتایج سوء سیاست انگلیس

بخش نخستین ـ سیاست انگلستان درگذشته ٤٥٨
بخش دوم ـ سیاست انگلستان درایام جنگ ٤٦٢
بخش سوم ـ سیاست انگلستان پس‌از جنگ ٤٧٢

فصل سیزدهم ـ علاقمندی دیگران بنفت ایران و غفلت متصدیان امور

بخش نخستین ـ سیاست دولت شوروی دربارهٔ نفت ایران ٤٧٩
بخش دوم ـ علاقمندی امریکا بنفت ایران ٤٩١
بخش سوم ـ غفلتهای متصدیان امور ٥٠٨

فصل چهاردهم ـ جریان ملی‌شدن نفت ایران

بخش نخستین ـ نهضت ملی کردن نفت از نظرکلی ٥١٥
بخش دوم ـ اطمینان بعاقبت‌کار ٥١٧
بخش سوم ـ مذاکرات با هیئت اعزامی ازطرف شرکت‌نفت ٥٢٤
بخش چهارم ـ مذاکرات با هیئت اعزامی ازطرف دولت انگلیس ٥٥٢
بخش پنجم ـ خلع ید و اخراج‌کارکنان انگلیسی ٥٦١
بخش ششم ـ شورای امنیت ٥٦٨
بخش هفتم ـ پیشنهاد بانك بین‌المللی ٥٨٤
بخش هشتم ـ دیوان بین‌المللی دادگستری ٥٩٢
بخش نهم ـ استعفای دولت و تشکیل کابینهٔ دوم مصدق ٥٩٦
بخش دهم ـ پیشنهاد های دولتین امریکا وانگلیس ٦٠٩
بخش یازدهم ـ قطع رابطه با انگلستان ٦٢٩
بخش‌دوازدهم ـ پیشنهاد های مجدد دولتین امریکا و انگلیس ٦٣٧
بخش سیزدهم ـ وخیم شدن وضع اقتصادی ٦٤٣
بخش چهاردهم ـ آخرین تلاش ٦٥٤
بخش پانزدهم ـ نگرانیهای‌امریکا ٦٥٩

فهرست نامها ٦٦٦

غلط نامه

کسانی که با خطوط و زبانهای غربی آشنائی دارند ملاحظه کرده‌اند تقریباً کلیهٔ مطبوعات آنان برعکس مطبوعات فارسی خالی از هرنوع سهو وغلط چاپخانه‌ای میباشد. اما مؤلفین وناشرین ایرانی با تمام مجاهدتها نتوانسته‌اند کار خودرا بی‌عیب و علت از کار درآورند. انصاف باید داد که غلط‌گیرها و حروفچین های ما نهایت مهارت را درکار خود دارند اما چه میتوان کرد که با این الفبای درهم و برهم طلسم آسا ارتکاب غلط اجتناب ناپذیر است و بقول روزنامهٔ «ملانصرالدین» اگر نقطه - گزاری و مرکز سازی کلمهٔ پنجشنبه از طرف خطاطی ۲٤ ساعت وقت بخواهد پس تمام عمر ما صرف نقطه‌گزاری ومرکزسازی روز های هفته وماه خواهد شد. بنابرین باتقدیم این عذر موجه از خوانندگان خواهشمند است قبل از شروع کتاب بغلط نامهٔ زیر توجه نموده وپس از تصحیح اغلاط بمتن کتاب مراجعه نمایند.

☆☆☆

صفحه	سطر	غلط	صحیح
آغاز سخن			
۱۸	۱٦	گردند	گردد
۲۱	۹	هجوم هم	هجوم
۲٦	۱٤	میازود	میافزود
۲۸	۲٦	میترسند	میپرسند
۳۰	آخر	اسعد	اسفند
متن کتاب			
۱٦	آخر حاشیه	Droke	Drake
۳۸	۱۱	سومانرا	سوماترا
۳۹	۷	اندونری	اندونزی
۳۹	۱٤	کاش	کاوش
٤٦	۱	ود	بود
٤٦	۱۸	قاط	نقاط
٤۷	٤	تصفیه	نصفه
٤۷	۸	۹۵۳	۱۹۵۳
۵۰	۹	قرغانه	فرغانه
٦٤	۷	شناسای	شناسان
۷٦	۱۳	دول	دولت
۸۷	۲۱	صنعتی نفت‌جهان	صنعتی
۸۷	۲۲	خودرا	را
۸۷	۲۷	اس	است

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۰۶	٦ (حاشیه)	Compana	Company
۱۰۷	۲٤	دورکه	دور
۱۰۹	۹	شرکت را	شرکت
۱۱۰	۲۵	استاندارد و	استاندارد
۱۱۱	آخر	میرسید	میرسد
۱۱۳	٤	بنیان	بنیاد
۱۱٤	۷	میباشد	میباشند
۱۱٤	۹	تقربا	تقریباً
۱۱٤	۳۰	اتلاف	ائتلاف
۱۱۵	۱ (حاشیه)	۱۱۳٤	۱۳۳٤
۱۱۹	۲۵	امتیاز به	امتیازیه
۱۲۰	٤	بیست درصد	بیست و پنج درصد
۱۲۱	۱٤	آنرا	آنها را
۱۲۷	آخر	بدلال	بدلائل
۱۳۱	۱۹	رده	بوده
۱۳۱	۳۱	است٤	است
۱۳۱	۲ (حاشیه)	(٤) دو	دو
۱۳٦	۷	کند	کنند
۱۵٤	۱۷	بود ،	بوده
۱۵۵	۳۰	که که	که
۱۵۷	۸	براوی	برای
۱۵۹	۲	شده‌اند	شده‌است
۱۵۹	۱۰	بیش	و بیش
۱۵۱	۳٤	شزکتهای	شرکتهای
۱٦۰	۱۸	منابج	منابع
۱٦۰	۳۲	استخراج	استخراج
۱٦۱	۱٤	ایالت	ایالات
۱٦۵	۲۰	۱۹۵۱ ز	۱۹۵۱ از
۱٦۹	۱٤	ناملئون	ناپلئون
۱٦۹	۲۸	سیاسی خود	سیاسی
۱۷۵	۲۱	شرایط فوق	شرایط
۱۸٦	۱۵	هومز	تویچل
۱۸٦	۲۸	کرد	کردند
۱۸۸	۵	شرک	شرکت
۱۸۸	۲۸	پس	پیش
۱۹۷	۱٦	عران	عراق

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۲۰٤	آخر	خبرنکاران	خبرگان
۲۱۰	۱۰	وقامی	وقایعی
۲۱۸	۹	توریو	توریوم
۲۲۰	۲۵	–	+
۲۲٤	۲۰	داددده	داده
۲۲٦	۲۳	که زدادن	که ازدادن
۲۳٤	۹	شوند	میشوند
۲۳۷	۲	در رطب	درطب
۲۳۸	۳	آفات	آفتاب
۲٤۰	۱۱	بارآورد	بارآور
۲٤۰	۱۳	نمود	نماید
۲٤۱	۱٤	بمصرف	مصرف
۲٤۲	۱	لاو وزایة	لاووازیه
۲٤۸	۱ (حاشیه)	RH.	Sir H.
۲۷۵	۱ (حاشیه)	Si	Sir
۲۸۷	٤	نطقی	نطقی که
۲۸۸	۵	ان طولانی	طولانی
۳۰۲	۲۰	شرکت	کشور
۳۰۸	۱۲	اقتتاح	افتتاح
۳۲۰	۳	۱۹۰۱	۱۹۵۱
۳۲٦	۱۳	خوشتایار	خوشتاریا
۳۲۸	۱٤	۹۱٦	۱۹۱٦
۳۲۸	۲۸	استراج	استخراج
۳۳۱	۹	اعتباری	اعتبار
۳۳۹	۱٦	درلت	دولت
۳٤۵	٤	۱۹٤۲	۱۳٤۲
۳٤٦	۳	میرسید	میرسد
۳٤۷	۲۰	فرمانها	فرمانهای
۳۵۰	۱۰	فعد	بعد
۳٦۹	۱ (حاشیه)	هنگ	هنگام جنگ
۳۵۷	۳	ترومن	وروش ترومن
۳۸۱	۱۲	چنانکه در	چنانکه
۳۸٦	۲٤	مأمور	مأمورین
۳۸۸	۲۳	تهرای	تهران
۳۹۳	۱۸	پیشنهاد د	پیشنهاد

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۳۹۸	۲۰	دعوت	دعوتی
۳۹۸	۲۶	هس	هست
٤۰۰	۲۹	متبنگی	میتینگی
٤۱۵	۲۰	قسمتی	قسمتی از
٤۲۳	٦	خریدار	خرید از
٤۲۵	آخر (حاشیه)	بود ه	بود که
٤۳۷	۱	مضقه	مضیقه
٤۳۸	۲۳	نماییدهٔ	نمایندهٔ
٤٤٦	۳۳	بتبعیضات	تبعیضات
٤٤۸	۱۳	قرا ند	قرار
٤٦۲	۵	میدانید	میدانند
٤٦۲	۲۲	یذیرفت	پذیرفت
٤٦٤	۱۵	سررنش	سرزنش
٤۷۳	۱۷	۱۳۳۱	۱۳۲۱
٤۷٦	٦	میبرند	میبردند
٤۸۹	۲	نماند	نماید
٤۹٦	۲۵	بمه	بیمه
٤۹٦	۳۰	دولت‌امریکا دولت‌امریکا	دولت امریکا
۵۰۹	۳۱	وکمترین	کمترین
۵۱۲	۳۲	کادرر	درکار
۵۲٤	۳۲	نمایغدگان	نمایندگان
۵۳۳	۲	ارادهٔ	ادارهٔ
۵۳۹	۲	مصدق که	مصدق را که
۵٤۷	۲٦	بی‌اندازه‌ای	بی‌اندازه
۵۵۲	۱۵	نماینم	نمائیم
۵۷٤	۱۱	باین	بااین
۵۷٦	۹	وضع	تاوضع
۵۹۲	۱	ازطرت	ازطرف
۵۹٤	۵	است ز	است از
٦۱٤	٦	طمع وزر	طمع ورز
٦۱٦	٤	حکومت هائی	حکومت های
٦۳۱	۲۷	قاون	قانون
٦۳٦	۱	وو از	واز
٦٤۱	۲٦	۱۳۳	۱۳۳۱
٦٤۹	۳٤	برتی	بزشتی

آغاز سخن

صحبت نفت

درده سال اخیر صحبت نفت نقل مجلس ها شده و باید هم باشد وچه خوب بود که از سالهای پیش این موضوع مورد توجه واقع میگشت . اهمیت نفت برای ایران بقدری زیاد است که میتوان آنرا ازهر نظر یکی ازمسائل حیاتی محسوب داشت .

ولی چه باید کرد نادانی و بی خبری تودهٔ مردم که معلول مستقیم فساد طبقهٔ حاکمه این کشور بوده ومیباشد مردم را از بسیاری ازمصالح ضروری خویش بی خبر گذاشت و نتیجه این شد که مافقط ازده سال پیش بفکر نفت وصحبت نفت افتادیم .

معذالك بازهم دیر نشده وبازهم وقت باقی است . اگر متصدیان امور بگذارند و بخواهند که مردم بطور جدی ازحقایق مربوط بنفت آگاه شوند درمدت کوتاهی جبران مافات خواهدشد . هوش و نبوغ ملت ایران وعلاقمندی افراد صالح درین محیط نامساعدی که طبقهٔ حاکمه ازدیرزمانی ایجاد کرده است بازهم موجب همه نوع امیدواری میباشدو چنانکه مشاهده میشود درظرف همین چندسال که صحبت نفت بمیان آمده هریك ازاشخاص خیرخواه وعلاقمند بقدرمقدور باتألیف کتاب ورساله وجمع آوری وانتشاراطلاعات مفید تا حدی دررفع ابهام کوشیده اند وجامعه را بپارهٔ ازحقایق آشنا نموده اند بقسمی که اکنون معلومات مردم دربارهٔ نفت وبخصوص نفت ایران بمقدارزیادی توسعه یافته است. اما چیزی که هست بازهم بسیاری ازحقایق مجهول ومکتوم مانده و پرده برداری از آن مجهولات کمك بزرگی به پیشرفت مصالح ملی ما ازنظر نفت خواهد کرد .

مقالات ورساله ها و کتابهائی که تاکنون دربارهٔ نفت انتشاریافته هریك درحد خود قابل استفاده وشایان تحسین وحاکی ازحسن نیت بانیان آن است ولی نمیتوان گفت که ازهرحیث افادهٔ مرام میکند چون حسن نیت و احاطهٔ کلی برتمام مسائل نفت هریك موضوع جداگانه ای میباشد واگراین هردو باهم توأم گردد البته کمال مطلوب بدست میآید . درکشوری که بزرگترین و مهمترین در آمدش از نفت است باید صد ها کتاب اقتصادی وسیاسی وفنی دربارهٔ نفت منتشر گردد تامردم اهمیت حقیقی این مایع سیاه رادرك کرده وبه بهترین وجهی راه استفاده آنرا بیابند .

من نیز که یکی از پروردگان این آب وخاك و مدیون ومرهون ملت و کشورخود میباشم بفکر افتادم که باندازهٔ توانائی خویش دررفع این نقیصه یعنی آشکار نمودن مجهولات مربوط بقضیهٔ نفت خدمتی انجام دهم ومعلومات واطلاعات وتجربیاتی که درظرف سی سال بواسطهٔ تماس واصطکاك با قضیهٔ نفت وامورمتنوع مربوط بنفت داشته ام برایگان در اختیارملت عزیزخود بگذارم و مطالبی راکه بعقیدهٔ خود دانستن آن برای مردم ایران

بسیار مفید و ضروری میباشد با خود بخاك نبرم . افراد می روند و ملت ها باقی میمانند و وظیفهٔ هر فردی است که باندازهٔ توانائی خویش برای ملت جاویدان خود یادگاری بگذارد .

من مدعی نیستم که تألیف من جامعترین تألیفات مربوط بنفت میباشد ولی میتوانم بگویم که آنچه را من دربارهٔ نفت مینویسم متکی باسناد ومدارك ومبتنی برتجربیات و اطلاعات عملی سی ساله است که تاکنون چنین تألیفی دربارهٔ نفت بزبان فارسی منتشر نشده است .

چرا تاکنون ننوشتم

سالهاست که من این نیت خیررا داشته‌ام ومیخواسته‌ام هموطنان خودرا بحقایق مهمی ازنظر نفت آشنا سازم ولی قادر باجرای نیت خودنبودم. چرا ؟

۱ـ چون تا سال ۱۳۳۰ در مؤسسات نفت شاغل مقامی بودم . اگردرآن اوقات بتألیف این کتاب میپرداختم ممکن بود مغرضین پیرایه‌ای برآن بسته ومندرجات آنرا با شغل رسمی من ارتباط دهند بعلاوه اشتغال دریك مقامی باکشف حقایق سودمندومردم‌پسند سازگار نمیباشد .

۲ـ چون مشاغل رسمی واداری فرصت جمع آوری وتدوین همهٔ این مطالب مهم رانمیداد ووقت کافی برای چنین کاری نبود .

۳ـ چون غلیان احساسات عمومی مانع ازتفهم وقضاوت بیطرفانه درقضیهٔ نفت بود ونظرمن برآن بود وهست که قضیه نفت را ازنظر بیطرفی درحدود معلومات خویش تجزیه وتحلیل کنم وامید است که بابیطرفی وبی نظری کامل هم موردمطالعه وبررسی خوانندگان واقع گردد .

اینك که خوشبختانه مانع مفقود ومقتضی موجود گشته این خدمت راآغاز کرده‌ام و پیش ازشروع بموضوع چندسطری نیزدرباب سوابق خودمینویسم تاخوانندگان بانویسنده آشنائی پیدا کنند .

مختصری از زندگانی من

من درشهر اصفهان متولد شده‌ام ودرمدارس محلی تحصیلات ابتدائی خودرا پایان رسانیدم. پدرم که درعصرخود یکی ازاشخاص مطلع بتمدن وفرهنگ جدید بودوازمعلومات قدیم هم بهره‌ای داشت علاقمند بود که فرزندان خود را حتی‌الامکان با معلومات جدید وقدیم آشنا سازد.خانهٔ پدری مامرکز تجمع آزادی‌خواهان وروشن‌فکران آن‌زمان بود.مرحوم سیدجمال‌الدین اصفهانی و مرحوم ملك المتکلمین وبسیاری دیگرازرجال متجددآنروز اصفهان ازمعاشرین ومصاحبین خانوادگی مابودند .[۱]

---

(۱) دکترمهدی ملکزاده درجلداول ازتاریخ انقلاب مشروطیت ایران صفحهٔ ۳۵۱ چنین می نویسد: «حاجی فاتح الملك تحصیلاتش رادردارالفنون تهران تمام کرده بود وازصاحبمنصبان تحصیل کرده وتربیت شدهٔ افسران اطریشی بود وپس ازخاتمه تحصیلاتش بمقام ریاست قشون اصفهان نائل شد و درآن سامان متوطن گشت. اومردی بود روشنفکر وآزادیخواه وخانه‌اش محفل آزادمردان آنزمان بود ونظربحسن شهرت و اعتمادی که مردم باوداشتند دردورهٔ دوم تقنینیه بنمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب گردید»

این جریانات سبب شد که مرا برای تکمیل تحصیلات از اصفهان بمدرسهٔ عالی آمریکائی آن زمان بتهران فرستادند و پس از پنج سال تحصیل در آن مدرسه بامریکا اعزام شدم . ابتدا در دانشگاه جانز هاپکینز[1] در شهر بالتیمور[2] در رشتهٔ علوم طبیعی و مقدمات پزشکی مشغول تحصیل شدم ولی پس از یکسال آن رشته را مطابق ذوق خود ندیده در دانشگاه کولومبیا[3] در شهر نیویورک بتحصیل رشتهٔ اقتصاد اشتغال یافتم. این دوره چهار سال طول کشید و پس از خاتمهٔ آن دوره و گرفتن دیپلم ، پایان نامهٔ خود را بزبان انگلیسی در بارهٔ « وضع اقتصادی ایران » تألیف نمودم که بعدها بصورت کتاب جداگانه‌ای انتشار یافت .

بازگشت بوطن

پدرم بامسرت فراوان فرزند جوان تحصیل کرده خود را پذیرفت و بامید اینکه اکنون موقع مناسب خدمتگزاری فرا رسیده نامه ای بوزیر دارائی وقت که ازدوستان نزدیك وی بودنگاشته مرا برای انجام خدمات مربوطه معرفی نمود . تحصیلات من چنانکه گفته شد در رشتهٔ اقتصاد بود و تصور میکنم در آنموقع یگانه کسی که درسراسر ایران دارای دانشنامهٔ عالی در علم اقتصاد بود منحصر بمن بود .

پیش خود خیال میکردم که طرح‌ها و پیشنهاد های ضروری راجع باصلاح اوضاع اقتصادی تهیه میکنم و باکمك اولیای امور آنها را عملی ساخته خدمات مهمی در راه منافع ملی انجام میدهم و آنچه را که از استادان بزرگ علم اقتصاد آموخته‌ام عملاً به همکاران میآموزم . آری اینها تصورات و تخیلات جوانی بود که باقلبی پراز آمال و آرزو بعد ازسالها غربت وزحمت به میهن خود بازگشته بود ومیخواست دین وجدانی خویش را باین آب وخاك ادا کند .

اما اندیشه های دورودرازمن به یکباره دود و بهوا شد زیرا وزیرمالیه ومنشی مخصوص او ورئیس کارگزینی وزارتخانه و همهٔ اشخاص مربوط دانشنامه و پایان نامه وتحصیلات ومعلومات من ونیازمندی کشوررا بهیچ انگاشته صاف وپوست کنده گفتند که مقام پیشکاری فارس و اصفهان ویزد برای تو درنظر گرفته شده ولی هریك ازاین پیشکاریها بترتیب بیست هزار وده هزاروپنج هزارتومان پیش کشی میخواهد . بایداین مبلغ را بپردازی وبمقرمأموریت بروی واضعاف مضاعف آنراوصول کنی وپیشکشهای بیشتری تقدیم داری و پیشکاریهای بهتری دریابی تاکم کم بمقام منیع وزارت برسی و اگر استعداد بیشتری بخرج دهی شاید نخست وزیرهم بشوی . نیازی بده وفیض ببر ودانشنامه وپایان نامه را درماوراء مرزهای ایران بگذار و کیسهٔ زر همراه بیار !!! خواننده میتواند روحیه وفکرمرا درآنموقع درك کند که چگونه بنیاد و اساس آمال وآرزوهای من یکباره ویران گشت و حاصل زحماتم باآتش فساد اولیای امور یکجا سوخت .

پس ازاین پیش‌آمد پیغام زننده‌ای برای وزیردارائی فرستاده عطایش‌را بلقایش

---

(۱) Johns Hopkins University (۲) Baltimore (۳) Columbia University

بخشیدم وتهران مخوف را ترك گفته برای شکوه باصفهان پیش پدر رفتم . درآن هنگام پدرم سخت بیمار بود وچندی بعد از ورود من بدرود زندگی گفت . مرگ پدر وتأثیر عمیق فساد دستگاه های دولتی تهران طوری مرا منقلب ساخت که تصمیم به مهاجرت از این کشور گرفتم و برای گرفتن گذرنامه بمرکز آمدم .

آغاز خدمت نفت

آمدن من به تهران مصادف باموقعی شد که شرکت نفت ایران وانگلیس درصدد تأسیس اداره‌ای درتهران برآمده بود ، چه تاآن موقع کارهای شرکت درتهران بوسیلهٔ سفارت انگلیس انجام میگرفت ، ولی نظر بتوسعهٔ اموراداری شرکت واختیارات ناشیه ازامتیاز نفت تأسیس یك ادارهٔ مرکزی درتهران ضروری مینمود وطبعاً بیش ازهرچیز ادارهٔ مزبور بیك معاون ایرانی تحصیل کرده احتیاج داشت وازاینروازدور وازنزدیك بامن مذاکره شد که سمت معاونت آن اداره را بپذیرم . من درابتدا از قبول آن مقام امتناع داشتم زیراشنیده بودم که کارمندان ایرانی شرکت درخوزستان مورد تحقیرواقع میشوند و بعنوان «منشی» و «میرزا» زیردست بیگانگان انجام وظیفه مینمایند لـذا نمیخواستم بچنین کاری تن دردهم .

اما ازطرفی بمن اطمینان داده شد که درسمت خود از تمام مـزایای یك کارمند عالیرتبهٔ انگلیسی برخوردارمیشوم وازطرف دیگرامید داشتم که بااحراز مقام معاونت بتوانم به همقطاران ایرانی خود خدماتی شایان بنمایم . ازآن رو در اواخر سال ۱۳۰۰ شمسی بعنوان معاون مستر فـرلی[1] نخستین نمایندهٔ شرکت درتهران مشغول خدمت گشتم .

روابط دولت وشرکت درآن ایام منحصراً بوسیله این اداره برقرار بود . آنچه شرکت بموجب امتیاز ازدولت میخواست وآنچه دولت ازشرکت تقاضاداشت توسط این اداره انجام میگرفت وطبعاً من تماس بیشتری با رجال خودمانی پیدا کردم وبه تحقیق دانستم که بیشترطبقهٔ حاکمهٔ ایران ازوزیر ووکیل ونامه نگار و رجال و سیاستمداران وغیره وغیره همه ازقماش وزیردارائی‌اند . میهن ودین وملك ووجدان برای آنها پشیزی ارزش ندارد . معبود ومقصودآنها زوروزراست وهرکس مقاصد پلیدآنها را تأمین کند بنده وار درخدمتش میایستند ودروغ وتقلب و ریاکاری آن هم باسلوب شرقی سرمایهٔ زندگی ومحصول مکتب فاسد این طبقه میباشد . اگرفرصتی پیش آید قصد دارم نمونه‌ای ازرفتار وکردار وطرزفکروعملیات طبقهٔ حاکمه ومتصدیان امورآن زمان را درکتاب جداگانه‌ای منتشر نمایم تاهمه کس بداند طبقه‌ای که باین کشورحکومت میکندتاچه اندازه آلوده بدوروئی وفساد ودروغ و ریاکاری وبند وبست های کثیف واعمال پلید است . درین مدت کسانی را دیدم که درلباس آزادیخواهی دلالی سیاسی می کردند و اشخاصی را شناختم که حاضر بودند منافع کشور خود را فدای پول نموده و از هیچگونه پستی وفرومایگی روگردان نباشند .

---

(۱) Mr.W.C.F.Fairley

باری دراین اثناء موضوع اعطای امتیاز نفت شمال بامریکائیان پیش آمد ووقایعی رخ داد که خلاصه‌ای از آن فصلی ازاین کتاب است . چیزی از آن حوادث نگذشته که که لرد کدمن[1] یکی ازرجال نامی انگلستان برای مشارکت در جشن تاجگذاری شاه فقید بتهران آمد . وی در آن هنگام معاون ریاست هیئت مدیرهٔ شرکت نفت بود و بعدها بریاست هیئت مدیره انتخاب شد . این مرد اکنون درقید حیات نیست وهرچه بود خوب یابد درگذشته است ولی باید بگویم که انصافاً نسبت بایران و ایرانیان و حقوق حقهٔ مردم ایران نظرمساعد داشت چنانکه شرح افکار وعملیات او درمتن کتاب خواهدآمد . روی حسن‌ظن وی نسبت بایرانیان آمدنش را مغتنم شمرده تقاضا کردم مرا از شغلی که داشتم ومستلزم تماس با افراد طبقهٔ حاکمه بود معاف بدارد بعلاوه چون سلیقهٔ شرکت نفت را درمورد اعطای امتیاز نفت شمال بامریکائیان نمی‌پسندیدم میل نداشتم که در آن هنگام شغل معاونت اداره شرکت را درتهران دارا باشم .

لرد کدمن عذرهای مرا مواجه دانست وقول داد که پس از بازگشت بانگلستان شغل مرا تغییردهد. اینك که صحبت از لرد کدمن و تاجگذاری رضاشاه بمیان آمدضرر ندارد که دومطلب دیگری هم که مربوط بآن موقع میباشد بعنوان «معترضات» گفته شود وسپس باصل موضوع رجوع گردد .

انجمن ایران

شایدخوانندگان بدانند که آن سالها درلندن انجمنی بنام « انجمن ایران » وجود داشته که هدفش توسعهٔ روابط وتحکیم مبانی دوستی میان دوکشورایران وانگلستان بود . من شرحی بآن انجمن نگاشتم که بسیاری ازایرانیان بمزایای تربیت انگلوساکسونها واقفند اماچون هزینهٔ تحصیلی دربریتانیا گران تراز جاهای دیگراروپامیباشد ناچارفرزندان خودرا به بلژیك وفرانسه وسویس وآلمان میفرستند. حال اگر انجمن بتواندبامساعدت شرکتهای انگلیسی مقیم ایران مانندشرکت نفت[2] ـ شرکت لینچ[3] ـ شرکت کشتیرانی استریك[4] ـ بانك سابق شاهنشاهی[5] وغیره تسهیلاتی برای دانشجویان ایرانی فراهم سازد هم ایرانیان از مزایای تربیت انگلوساکسونها بهره‌مند خواهندشد وهم انگلیسها تماس بیشتری باطبقهٔ تحصیل کردهٔ ایرانی پیدا میکنند .

پس از چندی پاسخ امیدبخشی ازانجمن مزبور برای من رسید که وعده داده بود اقدام لازم را کرده ونتیجه را بعداً اطلاع خواهد داد . سرانجام کـه لرد کدمن بایران آمد یکی از تقاضا های من ازاو انجام همین منظور بود که خوشبختانه موردقبول واقع گشت واز همان اوقات شرکت نفت بدون آنکه درانتظار سایر شرکتهای انگلیسی باشد متعهد شد که سالی دو دانشجوی ایرانی را برای تکمیل تحصیلات دررشته وعلوم مربوط به نفت بهزینهٔ خود بانگلستان بفرستد . این ترتیب تا انعقاد قرارداد ۱۹۳۳ (۱۳۱۲ شمسی) برقرار ماند وضمن آن قرارداد جریان مزبور طی ماده‌ای مخصوص گنجانده

---

(۱) Lord Cadman
(۲) Anglo-Iranian Oil Company Ltd.,
(۳) Lynch & Company
(۴) F.C.Strick & Company
(۵) Imperial Bank of Persia

شد که شرکت نفت هرسال ده‌هزار لیره برای هزینهٔ تکمیل تحصیلات دانشجویان ایران بپردازد. پس از آن دولتهای عراق و عربستان سعودی و کویت وغیره هم همین تقاضا را از شرکتهای نفت کردند و خوشبختانه موفق شدند و در نتیجهٔ یك اقدام و پیشنهادخالی از آلایش بانجمن‌ایران نه‌تنها عده‌ای از جوانان ایران بلکه بسیاری ازجوانان کشور های خاورمیانه هم موفق به کسب علوم وفنون گشته وخواهند شد والبته خشنودی‌خاطر وترضیه وجدان برای من که ساعی ومقدم باین امر خیر بوده‌ام بزرگترین پاداش است بخصوص که اکنون می‌بینم بیشتر جوانان تحصیل کرده‌ای که امروز درصنعت‌نفت ایران شاغل مقام های مهم میباشند از نتیجهٔ پیشنهاد من تحصیلات خودرا درانگلستان‌تکمیل کرده و بامساعی خود بمقامات کنونی رسیده‌اند .

ظروف مطلا

واماموضوع‌دوم که‌بدبختانه بواسطهٔ کوته‌نظری‌متصدیان‌امر بروفق‌مصالح‌ملی انجام نگرفت آن بود که هنگام تاجگذاری شاه‌فقید شرکت‌نفت درصدد برآمدحسب‌المعمول هدیه‌ای تقدیم دارد . آن ایـام میان تهران و اهواز راه شوسه نبود وچنانکه میدانیم راه خرم‌آباد هم وجود نداشت. من فرصت را مغتنم شمرده باولیای شرکت القاء کردم بجای هدیهٔ خصوصی‌راه تهران-اهواز را شوسه کرده بشاه وملت ایران اهد انمایند.

بااینکه پیشنهاد مزبور متضمن مخارج هنگفتی برای شرکت بود ، که تنهاهزینهٔ نقشه برداری ومطالعات مقدماتی آن به‌یکصد هزار لیره میرسید، معذلك پیشنهاد من با موافقت ضمنی تلقی گشت ودر مرحلهٔ اول شرکت پیشنهاد مرا تعدیل کرده‌وباولیای امور اطلاع داد که حاضراست بهزینهٔ‌خود نقشه‌برداری ومطالعات مقدماتی‌راه‌مزبوررا بنماید. عوض اینکه درباریان و رجـال کوته نظر از پیشنهاد شرکت استفاده کرده و پافشاری نمایند تا همهٔ هزینهٔ ساختن راه را شرکت قبول نماید مدعی شدند کـه بهتر است در چنین موقعی شرکت هدیهٔ بخصوصی تقدیم دارد و صحبت نقشه برداری راه را بموقع دیگر محول‌نماید . نتیجه این شد که تملق‌گوئی و خودشیرینی‌برنیت‌پسندیده‌ای غلبه‌کرد و شوسه‌کردن راه اهواز دراثر کوته‌نظری ودسایس‌آنها بچند تکه ظروف مطلاکه برای تزیین میز ناهـارخوری ساخته شده بود وچندهزار لیره بیشتر نمیارزید تبدیل یافت وملت ایران از یك استفادهٔ رایگان محروم ماند.

منظور اصلی از تذکر دو موضوع فوق نه خودنمائی و نه فضیلت شماری بوده بلکه مقصود استحضار ملت ایران از فساد طبقهٔ حاکمه ومتوجه ساختن‌آنان باین‌نکته است که تـا سررشته‌کاربدست اینگونه مردم بی‌وجدان بوده وهست تمام راههای‌سعادت برروی مردم ایران از هرجهت بسته میماند و تا یك طبقهٔ بخصوصی با این روح شریر و خبیث درصدد پایمال‌کردن حقوق مردم ایران میباشد نباید امیدی باصلاح اوضـاع کشور پیدا کرد . در هرحال از ذکر این « معترضات » پوزش خواسته دنبال مطلب اصلی میرویم.

مسافرت بجنوب وانگلستان

لرد کدمن که از ایران رفت بنا بقولی که داده بود مرا از اشتغال در تهران و تماس طاقت فرسای با رجال ناپاك وفاسد بطور موقت معاف داشت و دستور داد که برای مطالعهٔ اوضاع مؤسسات نفت بخوزستان بروم. چنانکه دربالا گفته‌شددرآن ایام راه شوسه‌ای بین تهران وخوزستان وجود نداشت ومن ازطریق کشور عراق بخرمشهر رفتم ودر ظرف ششماه تمام تأسیسات نفتی خوزستانرا بازدید کردم وچیزی که بیش‌از هرقسمت مرا متأثر واندوهگین ساخت وضع ناهنجارکارکنان ایرانی بود که بدتر از کارمندان هندی وپاکستانی درپست‌ترین اماکن به‌بدترین‌وضع امرار حیات میکردند.

این هموطنان تیره روز نمیتوانستند باور کنند که یك ایرانی میتواند در شرکت نفت دارای مقام‌عالی باشد ودرآبادان‌بارئیس کل شرکت هم‌منزل گردد.روزی کارمندان ایرانی شرکت مرا برای صرف چای بمنزل خود دعوت کردند تا از نزدیك گرفتاری‌ها و ناملایمات خودرا برای همقطار ایرانی خود شرح دهند. درهمین محفل بی ریب وریا یکی از همکاران بعادت معمول مرا « صاحب » خواند ومن با مهربانی ملامت‌آمیز از این عنوان تبری جسته خودرا خدمتگزار عادی هموطنان خود معرفی نمودم. شاید افرادی از حضار آن‌مجلس این کتاب را بخوانند ومنظرهٔ تأثرآور ودر عین‌حال‌محیط صفا و صمیمیت و مملو از احساسات عمیق آن جلسه را بخاطر بیاورند که چگونه از شعف وشادی گریستیم‌وبخدمتگزاری دراعتلای نام‌ایران وایرانیان مصمم وهم‌عهدشدیم.

پس از بازگشت از خوزستان بتقاضای خودم و باموافقت لرد کدمن بانگلستان رفتم ودر آنجا با رؤسای مؤثر ومهم شرکت نفت دربارهٔ چند موضوع مهم واساسی وارد مذاکره شدم و نسبت بدو موضوع بخصوص بمقدار زیادی توفیق یافتم.

تجدید نظر در قرداد

پس‌از چندسال خدمت درمؤسسات شرکت‌نفت ومطالعهٔ اوضاع اسفناك‌کارمندان وکارگران ایرانی شرکت وجریان نامطلوب امتیاز نفت شمال،باولیای امور شرکت لزوم تجدیدنظر درقرارداد وامتیازنامه را تذکر دادم و بآنان مدلل داشتم که امتیاز دارسی ازنظر ملت ودولت ایران مبتنی برموضوع مجهولی بوده‌است زیرا درآنموقع نه نفتی درایران کشف شده بود ونه ملت ودولت از مزایا واهمیت نفت خبری داشتند و مطابق هر قانون و شریعتی قرارداد برروی موضوع مجهول پایدار نخواهد بود. اولیای شرکت‌نفت و بخصوص لرد کدمن با تصدیق صحت نظریهٔ من واینکه مقتضیات زمان‌باادامهٔ جریان امتیاز دارسی وفق نمیدهد متعذر بآن بودند که چون تجدید امتیاز مستلزم توسعهٔ مؤسسات و استخراج مقادیر نفت بیشتری است و شرکت در حال حاضر اعتبارات مکفی برای انجام این منظور ندارد لذا نمیتوان در آن باره اقدام عاجلی نمود ولی وعده میدادند که درآیندهٔ نزدیکی پیشنهاد مرا مورد توجه قرارخواهندداد.

پخش نفت در ایران

واما موضوع دوم که از طرف من پیشنهاد شد این بود که شرکت نفت با تمام وسائل در پخش و توزیع مواد نفتی درسراسر ایران اقدام کند تا از این راه اولا در

وضع زندگی مردم ایران تحول وتجددی پیش آید و با استعمال نفت وبنزین و سایر مواد نفتی نهضتی درتمام مظاهر اجتماعی ما پدید آید و ثانیاً ازاین طریق علاقمندی بیشتری نسبت بصنعت نفت درایران ابراز گردد ودر واقع شرکت نفت وایرانیان یك نوع همکاری مؤثری داشته باشند .

درآن ایام وضع پخش مواد نفتی چنان بود که فقط در خوزستان و بنادر جنوب نفت وبنزین ایران بفروش میرسید ودر تهران واصفهان وهمدان و قزوین و کرمانشاه مقدار کمی بنزین مظروف فروخته میشد که آنرا هم از راه عراق بشهر های مرکزی وغربی ایران حمل میکردند. درغالب نقاطی هم که محصول نفت ایران بفروش میرفت متصدیان فروش تجارتخانه های مختلف انگلیسی بودند که از شرکت نفت نمایندگی گرفته وباین کار میپرداختند ولی مقدار عمدهٔ نفت و بنزینی که درآن زمان درسراسر ایران فروخته میشد از روسیهٔ شوروی وارد میگشت و چون وسائل لازم در دسترس نبود استفاده از نفت سوخت و گازاویل و سایر مواد نفتی هم بآسانی مقدور نبود.

از سال ۱۳۰۶ که بایران بازآمدم متوالیاً بااولیای شرکت راجع بحل این مشکل که همان پخش مواد نفتی بود مذاکره ومکاتبه داشتم تاآنکه خوشبختانه پس ازدوسال اصرار وابرام نتیجهٔ مطلوبه حاصل گشت وشرکت اداره‌ای بنام اداره پخش مواد نفتی درسال ۱۳۰۸ تأسیس نمود .

پس ازچندی ریاست این اداره بمن واگذار گردید وهیجده سال درتشکیل وتوسعهٔ این اداره رنج بردم وبافسادمحیط مبارزه کردم. نتیجه آن شد که بواسطهٔ فراوانی انواع سوخت نفتی درسراسر ایران وسائل حمل ونقل موتوری بمقدار قابل توجهی فزونی یافت ومردم در ده ها وشهر های دور ونزدیك بااستعمال سوخت جدید آشنا گشتند وکشور از واردکردن مواد نفتی خارجی بی نیاز گشت وبتدریج فروش موادنفتی بدون ظرف معمول شد وسرمایهٔ هنگفتی ازطرف شرکت برای ایجاد وسایل فروش مصرف گردید وصنایع جدید وکارخانه‌ها که سوخت آنها نفت بود تأسیس گردید وسوخت راه آهن سرتاسری بوسیله نفت تأمین گردید وبهتر از هرچیز اینکه کلیه کارمندان و کارگران ادارهٔ پخش همه ایرانی بودند که بتدریج جای خارجیان را گرفته بودند ودر ظرف مدت مزبور طوری از خود لیاقت و امانت بروز دادند که طرز عملشان برای خودی و بیگانه ضرب المثل گردید. روزیکه ادارهٔ پخش تأسیس شد کلیهٔ موادنفتی که ازطرف شرکت درایران بفروش میرسید درحدود سالی پنجاه هزار تن بود و پس از هیجده سال این مقدار نزدیك رقم یك ملیون تن در سال رسیده بود .

معاونت کل شرکت

درسال ۱۳۲۶ که شرکت تاحدی بمعایب کار خود در قسمت کارکنان ایرانی مقیم خوزستان متوجه شده بود مرا بسمت معاونت کل شرکت درایران انتخاب نمود و چون مرکز کار های عمدهٔ شرکت درخوزستان بود واقدام باصلاحات درآن نواحی راضروری تشخیص میداد مراکه پیوسته از طرز رفتار شرکت نسبت به کارکنان ایرانی انتقاد میکردم بااختیارات لازم بآبادن فرستاد.

سه سال ونیم تمام درآن محیط سوزان ماندم وبرای تقلیل عدهٔ کارمندان خارجی وافزایش کارمندان ایرانی ورفع تبعیض ها و فراهم ساختن وسایل آسایش ایرانیان وساختن خانه ومسکن برای کلیه کارکنان شرکت اعم ازکارگر وکارمند نقشه های وسیع ودامنه داری طرح کردم . برنامه‌ای که طرح ریزی شد این بود که پس ازده سال عموم کارکنان شرکت دارای خانـه ومسکن بشوندوسایروسایل آسایش آنها نیزاز هرجهت فراهم گردد. سه سال اول این برنامه اجراشدوبشهادت عموم همکاران ایرانی درمدت کوتاهی که من درخوزستان بودم وضع زندگی آنها بکلی تغییر یافت و ازآنچه برای آسایش آنها مقدوربود فروگذارنشد . طبق بیلان شرکت که منتشر گشته است درسه سال آخری که شرکت مزبور درایران عمل میکرد سی‌ونه ملیون لیره صرف خانه سازی و تهیهٔ وسایل آسایش کارکنان و توسعهٔ بهداری و افزایش تسهیلات فرهنگی شد درصورتی که سالهای پیش چنین مبالغی خرج نمیشد واین خود نمونه‌ای است ازجدیتی که من درتشویق وترغیب شرکت بکاربردم تابرنامهٔ مزبورعملی گردد .

کناره گیری

پس ازتصویب قانون ملی‌شدن نفت همهٔ مردم انتظار داشتند که امـورصنعت نفت بدست کسانی سپرده شود که اطلاعاتی داشته وتجربیاتی اندوخته بودند ودرگذشته هم لیاقت وکاردانی خود را عملاً نشان داده بودند ولی بزرگان قوم برآن شدند که برای دوستان وخویشان وهمکاران سیاسی خودکاری تهیه کنند . عده‌ای بی‌خبرازنفت را بعنوان هیئت مدیره بخوزستان اعزام داشتند که این صنعت بزرگ را بدست گیرند چون همکاری بااین هیئت برای من امکان پذیرنبود چندین ماه قبل از اینکه کارکنان بیگانه اخراج شوند ازدستگاه نفت کنار رفتم و چنانکه گفته شد درصدد تألیف این مجموعه برآمدم که حاصل تجربیات یك عمراست و امیدوارم باانجام این خدمت تا حدی دین خود را بهموطنان محروم خود ادا کرده باشم .

محیط فاسد

درطی صفحه های پیش مکررازمحیط فاسد نام برده شده وبه مواردی‌هم اشاره گشته است . بدنیست که مختصری هم درین باب نوشته شود تاخوانندگان بهتر بتشخیص دردآشنا گردند ودردرمان آن بکوشند . بدیهی‌است وضع خوب یابد هرجامعه‌ای بطور ناگهانی بوجـود نیامده بلکه زادهٔ حوادث گذشته بوده است . بنیاد اجتماعی امروز کشورماهم سوابقی دارد که مطالعهٔ آن بسیارسودمند واصلاح آن‌هم بدون بررسی وقایع گذشته مقدورنیست . پس بهتراست اندکی بتاریخ گذشته برگردیم واساس وریشهٔ مفاسد کنونی را درآن جستجو کنیم .

پس‌ازحملهٔ مغول وتاتار بیشترکشورهای اسلامی وازآن‌جمله ایران گرفتارمصائب شدیدی شدند وفقروجهل وویرانی که نتیجهٔ مستقیم آن قتل ها وغارت ها بود بقیهٔ مردم ایران را که جان بسلامت بردند بحال اسفناکی انداخت . حکومت های ملوك‌الطوایفی وسلطنت های استبدادی که توأم بانشرخرافات و جهالت مزمن بود فقر ومسکنت را همواره شدیدتر کرد وروز بروز بردرد جامعه وافراد میافزود .

دولت صفوی هم اگرچه توانست یك حکومت مقتدر مرکزی در ایـران تشکیل بدهد وامنیتی‌فراهم سازد ولی شالودهٔ اقتصادی‌آن متکی بهواخواهی ازطبقهٔ مخصوصی ازجامعه بود و نسبت به بهبود وضع زندگانی اکثریت مردم توجهی نداشت و چـون شالوده وبنیان صحیحی برای اجتماع طرح نکرد وازدورهٔ تجدید (رنسانس) عظیم‌غرب هم که درآن اوان‌آغازشده بود سرمشقی نگرفت و قدمی برنداشت که ایران هم بتواند ازآن بهره مند شده و همدوش دنیای غرب پیشرفت نماید درقسمت اصلاحات اقتصادی واجتماعی وفرهنگی توفیقی نیافت وعاقبت خود نیزآلودهٔ مفاسد اجتماع ومحیط گردید تاآنجا که بسرنوشت شوم حملهٔ افغان گرفتارشده ازهم پاشید.

قیام نادری وظهور زندیه هم حوادث زودگذری بودند ودردی را ازنظر مصالح اجتماعی‌واقتصادی درمان‌نکردند. تأسیس سلسلهٔ قاجاریه بابدبختی بزرگتری توأم شد وآن مواجهه باسیاست های استعماری روس و انگلیس درشمال وجنوب ایران بود که سازگاری وناسازگاری این دورقیب مصائب جدیدی برای مردم ایران ایجاد کرد. جنك های ایران وروس وازدست رفتن قفقازوترکستان وجدائی افغانستان‌وویران ماندن جنوب ایران‌دست‌بدست‌ستمگری‌واجحافات‌پادشاهان‌قاجارداده وبرشدت‌فقروا‌ستیصال تودهٔ‌مردم میافزودوتضاداین دوسیاست‌استعماری هم‌بدبختی‌های جدیدی‌را ایجادمیکرد.

وضع عمومی در آغاز قرن بیستم

دراواخر قرن نوزدهم میلادی ودرطلیعهٔ قرن‌بیستم یعنی‌همان هنگام که کشورهای اروپا و امریکا در توسعه و تقویت دوران جدید اقتصادی واجتماعی خود می کوشیدند و صنایع ماشینی جدید با معجزات شگفت انگیزخود چهرهٔ زندگی بشری را دگرگون می‌ساخت مردم ایران بارسم وروش پوسیده وکهن درتاریکی جهل ونادانی وزیر یوغ استبداد شاهان قاجار بسرمیبردند.

شاه‌قبله عالم‌ومالك‌الرقاب وظل‌الله بود. درکاخهای‌آراستهٔ‌خود به عیش‌وعشرت مشغول وتقریباً ازچگونگی زندگی ملت (که رعایای وی‌نامیده میشدند)خبری‌نداشت. صدراعظم ووزیران وولاة وحکام بفرمان شاه معین میشدند بی‌آنکه شایستگی و دانش ایشان ملاك این‌انتخابات نسنجیده باشد. شاه حق‌داشت که بارعایای خود بهرطریق که اراده کند رفتارنماید وکسی‌را حق‌اعتراض‌نبود. شاه ازریختن‌خون مردم نه‌باکی داشت ونه‌دریغی ازیغمای اموال وتاراج خواستهٔ‌آنان نه‌پروائی‌داشت‌ونه‌احترازی. خود ازعلم ودانش‌عاری بود واگرمیتوان برای وی معرفتی تصورنمود همان چندبیت‌اشعاروجملات محفوظ شاعران ومنشیان سلف ومختصری تاریخ مغلوط و افسانه‌آمیز بود.

ولاة وحکام اغلب ازشاهزادگان و خوانین بودند. ولیعهد درتبریزسکنی داشت وبرادران و پسران شاه در شهرهای بـزرگ مانند شیراز ومشهد وکرمان واصفهان وشاهزادگانی که نسبت دورتری باشاه داشتند درشهرهای کوچکترحکومت میکردند. این حکام وخوانین که درقلمرو خود صاحب اختیارمطلق بودند ذره‌ای ازعاطفهٔ انسانیت بهره‌ور نبودند وبه شقه کردن وگردن زدن و شمع آجین کردن و بدارآویختن وطناب

انداختن و کورساختن کسانی که خار راه آنها بودند اشتغال داشتند وهمواره با ظلم و ستمگری بگردآوردن مال ومنال مشغول بودند .

تدبیر و تمشیت امور اداری کشور بدست صدراعظم ووزیران ومستوفیان بود که بیشتر از درجات پست بتأیید استعداد ذاتی ولیاقت فطری و فراستی که برشاهزادگان برتری داشت ترقی نموده درقلب ولاة وحکام وحتی پادشاه خود را جا کرده ومقامات مهم کشوررا اشغال مینمودند .

کارمندان دولت ومستوفیان اکثریت طبقهٔ باسواد کشوررا تشکیل‌میدادند وبعضی ازآنها بودندکه در ایام سلطنت ناصرالدین شاه تا اندازه‌ای بمدنیت اروپائی پی برده وخیرهٔ تماشای‌آن‌بودندوازغایت دلباختگی درخاطرشاه قبول این‌فرهنگ‌عالی وشگرف را تشویق میکردند ولی غالباً باسدّ قوی ارتجاع وکهنه پرستی روبرو شده طعمهٔ خشم پادشاه وشاهزادگان قرارمیگرفتند زیرا پادشاه‌خودخواه‌بخوبی‌میدانست که دگرگونی اوضاع باعث سرنگونی‌کاخ قدرتش خواهد شد .

طبقهٔ باسواد دیگری که درکشور وجود داشت‌روحانیون وآخوند ها و ذاکرین‌و مداحان وشاعران درباری بودندکه جملگی گرداگرد قدرت سلطنت حلقه زده وپادشاه را ظل‌الله خوانده و در حفظ قدرت اوکوشش بسزا داشتند .گاهی ازجانب روحانیون بزرگ که خود صاحب نفوذی عظیم بودند علی‌رغم امیال شاه تظاهراتی میشد وازاین لحاظ شاه ازاین طبقه خوفی‌آمیخته بانفرت‌داشت ودرخفا میکوشید تاآنهارا رسواکند یابوسیلهٔ تطمیع راضی نگاهدارد وهمین بیگانگی و اختلاف بین برخی از روحانیون ودربارموجب قوت کار آنانی‌شدکه خواستند بعدها مشروطه را درایران‌برقرارکنند .

شاه‌وشاهزادگان‌وخوانین‌ووزیران‌ومستوفیان‌وروحانیون‌وبازرگانان‌برأس‌اجتماع قرارداشتند وهمهٔ ثروت کشور دردست‌آنها بود و زیر لگد آنها یك تودهٔ‌عظیم‌گرسنه ونادان و غفلت‌زده عمری با خفت وبیچارگی بسرمیآورد . اکثریت مردم بکشاورزی وایلات به‌گله‌داری وعدهٔ قلیلی هم ببازرگانی وگروهی هم درشهرها بصنایع دستی و جمعی هم به‌دکانداری مشغول بودند واز تحولات عظیم جهان بی‌خبر و بااعتقاد راسخ بسرنوشت وقضا وقدر اوامر حکمفرمایان واحکام ارباب شریعت راکورکورانه پیروی میکردند .

ملت درزندگی خودکوچکترین دخالت را نداشت وهنوز آن هشیاری و شعور در او پدید نیامده بودکه برعلیه غارتگران وآدم‌کشان اعتراض‌کند. او تصور میکرد که ارادهٔ خداوند چنین خواسته است. باید پادشاهی مستبد باشد و مردمرا با تازیانه وشمشیر وطناب دار بتسلیم اموال و ناموس خود وادارد ووجود شاهزادگان وقیح و رشوه‌خوار و تملق‌دوست و بی‌معرفت لازمهٔ وجود اجتماع است وکسی‌را جزمستوفیان لیاقت واستعداد درك خدمات دولتی نیست وهیچ آفریده‌ای مانند آخوند از اسرار و رموز آفرینش‌آگاهی ندارد .

دولت باهمهٔ غفلت ازکار خلق یك سیاست را عنودانه تعقیب مینمود وآن بی‌خبر وجاهل‌نگاهداشتن مردم بود. ناصرالدین‌شاه میگفت من‌میخواهم که مردم کشورمن‌ندانند

که آیا بروکسل پایتخت کشوری یا نام یك نوع کلمی است ودرتخت تأثیر همین سیاست بود که این مستبد سرسخت از نفوذ مدنیت باختری در ایران جلوگیری میکرد و حال آنکه خواه ناخواه فرهنگ اروپائیان درایران راه یافته و اندك اندك مشغول تنویر افکار بود .

سیاستهای استعماری روس وانگلیس هم از وضع آشفته وخراب کشور حداکثر استفاده میکردند و باتحصیل امتیازات گوناگون وسایل استثمار مردم ایران را فراهم میکردند و هریك ازاین دوسیاست سعی میکردکه در دربار نفوذ بیشتری کسب کرده و به کمك دسته‌ای از مزدوران وعوامل خود که اغلب از درباریان ورجال بودندتفوق و رجحانی برای سیاست خویش تحصیل نماید .

نهضت مشروطه خواهان

هیچ قدرت ونیروئی قادر نیست که از سیر جبری تاریخ و پیشرفت بشر جلوگیری کند وآنانیکه جز این تصور میکنند سخت در اشتباه هستند. تمام مساعی پادشاهان قاجار برای بی خبرگزاردن و جاهل نگاهداشتن مردم سودمند واقع نشد و از شصت هفتاد سال پیش جسته وگریخته مردمی در ایران پیدا شدند که صدای خودرا باعتراض بلند کنند.

مدرسهٔ دارالفنون که بتشویق امیرکبیر روشن‌فکر تأسیس شده بود ومدارس خارجی که مبلغین مذهبی برپا کرده بودند وکتابها و روزنامه های فارسی که در استانبول و مصروهندوستان وقفقاز چاپ ودر ایران منتشرمیشد درمحیط مساعدایران تأثیربسزائی کرد . معلمین بیگانه بادانش آموزان ایرانی تماس نزدیك یافتندوفرزندان شاهزادگان ووزیران ومستوفیان که دماغی نقش‌پذیر داشتند از خلال بیانات این بیگانگان جهانی نیکوتر تماشا کردند که درآن آزادی و عدم امتیاز و سعادتمندی فراهم‌میبود. پس بعضی ازآنها شیفتهٔ آن جهان شدند وآهسته‌آهسته ودر پرده به تبلیغ‌مرام آزادی پرداختند. بعضی عناصر مترقی از مردم کشور هم باروپا سفر کردند و با افکاری منقلب و سری پرشور به‌میهن خود بازگشتند تا نهیبی بمردم خفته بزنند وآنها را از آن نکبت و افلاسی که بخطا زندگانیش نامیده بودند برهانند .

درسال ۱۲۷٤ هجری شمسی میرزا رضا کرمانی باچندگلوله ناصرالدین شاه را از پای درآورد واین بت استبدادی را درهم شکست. بااین‌جسارت میرزارضامبارزه‌ای که در ده بیست سال اخیر پادشاهی ناصرالدین شاه با شدتی قابل ملاحظه زیر پرده دنبال میگردید علنی وآشکار شد . آزادیخواهان درنشر عقائدخود جری‌تر و عنودتر شدند ودربار در زمان مظفرالدین شاه ابهت وقدرت پوشالی خودرا از دست داد و رعب شاه از دلها بدررفت. علت مزاج وضعف نفس شاه جدید در هرج و مرج دربار مؤثر واقع گردید . تهی شدن خزانه شاه را بقرضه های متوالی از خارج واداشت و ناخشنودی مردم از سفر های بوالهوسانهٔ شاه ووامهای بیهودهٔ او افزون‌تر گردید.

ستمگریهای خارج ازحد درباریان وحکام وفساد دستگاه استبدادی وتشریفات و تبلیغات آزادیخواهان وتأثیر مدنیت اروپائی تدریجاً درایران بحرانی پدید آورد و

آن طبقه ازمردم که سوادی داشته ونسبت باوضاع اعتراضاتی میکردند کم کم انقلابی را پدید آوردند. سیاست خارجی هم کمك شایانی باین بحران کرد زیرا در آن هنگام حکومت تزاری روس که با دربار روابط حسنه داشت مورد رقابت شدید امپراتوری انگلستان بود. بریتانیا با تسلط کامل بر هندوستان باوضاع داخلی ایران و حکومتهای آن ذیعلاقه بود وبیم آنرا داشت که حکومت تزار روس برایران تسلط یافته وبمنافع آن درخاورمیانه لطمه‌ای برساند. این دولت بهترین طریق نیل بمقصد را دراین دانست که نهضت آزادیخواهی را درایران تقویت کند و باینوسیله نفوذ روس را در دربار ایران ضعیف نماید. لذا رقابت این دو امپراتوری در نزاع قوای ارتجاعی و انقلابی ایران تجلی کرد. انگلیسها بتقویت نهضت آزادیخواهی در ایران پرداختند وروسهای تزاری به تضعیف آن همت گماشتند واین سیاست گاه به پیروزمندی این یك وگاه به ظفر آن دیگری منجر گردید.

مشروطه‌خواهان عبارت بودند از متجددین و ترقی خواهان و روشن فکران و ستم کشیدگان حساس و روحانیونی که بعلت ایمان بعدالت این مرام را پذیرفته بودند. علت آنکه این طبقات بیشتر در سلك مشروطه خواهان وارد شدند این بود که تقریباً چنانکه گذشت تنها طبقهٔ باسواد کشوررا تشکیل میدادند واطلاع ازاصول مشروطیت و پای بندی بدان اندك مایه سوادی لازم داشت. شرح انقلاب مشروطه ووقایع سلطنت محمدعلی‌شاه وخلع او در تاریخهای معاصر بتفصیل ذکر شده ولازم بتکرار نیست و درین‌جا فقط بتجزیه وتحلیل نهضت آزادی ایران میپردازیم.

شکست نهضت

غالب گفته‌میشود که نهضت مشروطه‌خواهی وتقاضای برقراری حکومت دموکراسی درایران نابخته وعجولانه بوده وعلت اینکه نتایج مطلوبه از آن حاصل نشد این بود که مردم برای چنین حکومتی حاضر نبودند. تا اندازه‌ای این مطلب مقرون بحقیقت میباشد ولی نبایدفراموش کرد که همین نهضت نارس درتحول وضع اسفناك سابق تأثیر بسزائی داشت و زمینه را هم مآلاً برای حکومت دموکراسی واقعی بتدریج فراهم خواهد کرد.

همان‌طور که گفته شد انقلاب مشروطه ونهضت آزادیخواهی ابتدا ازطرف یکعده عناصر روشن‌فکر ومترقی شروع و پی‌افکنده شد ولی چون از یکطرف شمارهٔ این اشخاص بسیار کم ومحدود بود و از طرف دیگر برزگران وکارگران و تودهٔ واقعی همچنان در جهل و بی‌خبری و نکبت و بدبختی خود بسر میبردند و ازاین نهضت فقط نامی میشنیدند و تصور مشروطیت برای ایشان توأم با تصورات مذهبی بود از اینجهت نمی‌توانستند معنی آزادی ومقاصد آزادیخواهان را درك واز ایشان تقویت کنند.

سرانجام وقتیکه نهضت آزادی طلبی مختصر توسعه‌ای یافت وحکومت مشروطه برقرار گشت بطوریکه ممکن بود دیر یا زود بتوفیق آن امیدوار شد یك‌عده از همان

طبقه حاکمه (که خود یا پدرانشان زمامداران رژیم استبداد بودندو تمام کوشش و فداکاری آزادی‌خواهان برای خلاصی از قید ظلم وستمگری آنان‌بود) چون دیدند که بزودی‌کاخ قدرتشان سرنگون خواهد شد ناگاه لباس مشروطه خواهی بتن‌کرده و بهمدستی گروهی شیاد استفاده‌جو خودرا بمیان آزادی‌خواهان انداخته و چنان غوغا و هیاهوئی برپا کردند که صدمرتبه فریادشان از آزادی‌خواهان واقعی بلندتر شد. وچون عده‌شان برعدهٔ آزادی‌خواهان حقیقی فزونی داشت و به حربهٔ عوام‌فریبی ومکر وحیله هم مسلح بودند وجهل و نادانی تودهٔ مردم هم مانع از این بود که بتوانند بین این دو دسته تفکیك کنند عاقبت نه‌فقط توانستند که خودرا مشروطه خواه و آزادی طلب جلوه دهند بلکه موفق گشتند که حتی آزادی‌خواهان راستگو را هم بکلی برکنار نموده و برنهضت آزادیخواهی مسلط گشته وزمام انقلاب مشروطه را دردست گیرند. در نتیجه اگرچه اسم مشروطه غالب‌شد ولی درحقیقت آزادی‌خواهان‌حقیقی بکلی‌شکست‌خوردند وهمان طبقهٔ کهنه مستبدان قدیم باسم مشروطه‌خواهان جدید پیروز گشته برسرکار باقی ماندند وتمام اختیارات حکومت‌را بی‌کم‌وکاست دردست خود حفظ کردند.

دورهٔ اول‌مجلس شورای‌ملی‌شاید‌بهترین ادواربوده‌است زیرا انتخابات‌نمایندگان روی اصول صنفی انجام شد وگرچه تودهٔ برزگران ایران نمایندگانی درآن مجلس نداشتند لااقل‌طبقات متوسط چندنفری نماینده داشتند وازلحاظ منافع صنف‌ودستهٔ‌خود اظهارنظری مینمودند . اکثریت مجلس دوم و سوم ازطبقهٔ حاکمه تشکیل شده بود و درآنوقت کهنه مستبدین که لباس مشروطه خواهی‌را دربرکرده بودند هنوز آن نیرو و قدرت رابدست‌نیاورده بودند که مانند‌دوره‌های‌بعدتمام نمایندگان‌را ازطبقهٔ‌حاکمه‌انتخاب نمایند. ازمجلس چهارم‌به‌بعدانتخاب نمایندگان‌بیشتر نقاط کشوربدستوردولت وطبق‌نظر طبقهٔ حاکمه انجام یافت وهرچه جلوتر رفته‌ایم دخالت دولت درامرانتخابات شدیدتر و بی‌رحمانه تر بوده است تاآنکه دردوره های بعدکاربجائی رسید که بی‌پروا صورتی از نمایندگانی که بایدانتخاب شوند ازتهران‌تلگراف شده وکسانی که درآن‌صورت‌بودند انتخاب میشدند وکارانتخابات بجائی‌رسید که هرچه دولت خواست وهرکه را دستورداد مأمورین‌محلی‌انتخاب کرده وبه‌مجلس‌فرستادند .

درقسمت زندگانی‌اقتصادی مردم هم‌حکومتهای مشروطه‌تحول‌بزرگی‌ایجادنکرد. درآغازمشروطیت تقریباکلیهٔ ثروت کشور(که بیشترآن عبارت از املاك مزروعی بود) در دست شاهزادگان و ولاة و حکام و خوانین و مستوفیان و روحانیون متمول بود که قسمتی‌ازآنرا به زوروجبرازمردم گرفته وقسمت‌دیگرش را بعنوان خرید خالصه‌ازپادشاه گرفته بودند .

مشروطه خواهان حقیقی برضد این انحصارثروت که درنتیجهٔ انحصارمشاغل‌دولتی وچاپیدن مردم بدست‌آمده بود قیام کردند ولی چنانکه دربالا گفته شد چندی بعد همین طبقهٔ حاکمهٔ فاسدوارد دستهٔ مشروطه خواهان‌شده وخود پیشوایان‌نهضت‌آزادی گردیدند وازاین راه برثروتهای سابق افزوده وروبهٔ مستبدین سلف را بخوبی پیروی کردند .

ولی نهضت مشروطیت بهیچوجه تأثیری درزندگانی اقتصادی تودهٔ عظیم کارگران و برزگران و مولدین حقیقی ثروت نداشت.

سیاست‌های بیگانه هم آنچه توانست در تضعیف نهضت آزادیخواهانهٔ ایران کوشید. چندماه پس از اعلام مشروطیت پیمان شوم ۱۹۰۷ میلادی را منعقد کرده و ایران را به‌مناطق شمال و جنوب و بیطرف تقسیم کردند. شرکت انگلستان دراین پیمان برخلاف انتظار آزادیخواهان ایران وعموم‌جهان بود ولی سیاستمداران آن کشورمتعذر شدند که وضع جهان چنین اقدامی را ایجاب میکرده است. درنتیجهٔ این‌پیمان‌روسهای تزاری محمدعلی میرزا را تشویق کردند که مجلس شورای ملی‌را بتوپ بسته و آزادی خواهان‌را کشته و به بند اندازد وهمین که اعتراضات مردم جهان بلندشد وعلل سیاسی‌دیگری پیش‌آمد و انگلیسها دریافتند که‌نفوذروسهاممکن‌است‌دوباره‌موازنهٔ‌سیاست استعماری دودولت‌رادر ایران براندازد به‌ملیّون کمك کرده‌وموجبات‌خلع و تبعیدآن‌پادشاه‌ستمگروخونخواررافراهم ساختند. ازآن وقت به بعد تاهنگام انقلاب روسیه سیاست‌استعماری روس و انگلیس باهم متفق وهمرنك شده ودرجلوگیری ازانجام اصلاحات درایران وتقویت طبقهٔ فاسد حاکمه هم‌عقیده‌وهم‌رأی بودند،چنانکه‌روی‌همین‌زمینه‌شوستر آمریکائی‌را که‌قصد پاره‌ای‌اصلاحات‌را داشت‌متحداً ازایران‌راندندورجالی‌را که فسادوخیانت بالارث ازاسلاف‌خودبیادگارداشتند برسرکارهای مهم گماشتند.

در جنك جهانگیر اول هم روسها و انگلیسها و ترکها بایران تاخته و مصائب بسیاری بمردم وارد ساختند که نتایج وعواقب‌آن در کتابهای تاریخ معاصروجراید وقت ثبت وضبط است.

پس‌ازجنگ اول جهانی

پایان‌جنك اول‌وآغازانقلاب روسیه درایران‌تحول عظیمی‌پدیدآورد. لنین‌پیشوای انقلاب ازروی‌سیاست یاحقیقت یاهرمنظوردیگری که‌داشت‌سیاست‌دوستانه‌ای‌نسبت‌بایران پیش کشیدوتاآنجا که امکان داشت‌بابخشیدن‌قروض‌وواگذاری‌مؤسسات‌روسی‌درایران در صدد جبران‌خسارات سیاست‌تزاری برآمد.

باوقوع‌انقلاب‌روسیه یکی‌ازحریفان‌سیاست استعماری بیگانگان‌درایران‌ازبین‌رفت و دولت انگلستان خود را تنها پنداشته اندیشهٔ استیلای نفوذکامل خود را دراین کشور از خاطر گذراند و درسال ۱۲۹۸ شمسی با وثوق‌الدوله قراردادی بست که موجب نگرانیهای بسیار برای مردم ایران گردید. تجدد خواهان و پرورش یافتگان مشروطه وآزادی نسبت باین قرارداد اظهارتنفرشدید کردند وچون چندی بعد حکومت شوروی که بواسطهٔ انفکاك قفقاز ازایران‌مجزا بنظرمیرسید اندك اندك نفوذ خودرا درکناره های دریای سیاه ودریای خزر برقرارمینمودآزادیخواهان ایران درپایداری پشت‌گرم شدند و دولت انگلستان نیزصلاح ندانست که نقشهٔ خود را دنبال کند ولهذا قرارداد ملغی گشت.

دراین‌هنگام‌ناامنی‌وآشفتگی‌وضع‌داخلی کشور بحداعلی‌رسیده بود. سرمایه داران و ملاکین و بازرگانان ایرانی که ازکومونیزم خوفی‌ورعبی عظیم داشتند برای آنکه

مال خود را حفظ کنند وبازرگانی خود را رونقی بخشند مرکزیتی وامنیتی میخواستند واندیشهٔ یك حکومت قوی درخاطراین طبقه رخنه کرد. دولت شوروی سرگرم گرفتاریهای داخلی خود بود وانگلستان هم صلاح منافع خودرا درین میدانست که درایران حکومت مقتدری بوجود آید تا از نفوذ عقاید انقلابی وازدست دادن منابع نفتی جلوگیری کند. لذا نقشه‌هائی طرح واجرا شد که بقول سیاستمداران و نویسندگان خارجی و بخصوص خود انگلیسها مظهر بدوی آن کودتا وسپس تشکیل حکومت بیست ساله بود.

حکومت بیست ساله

واما حکومت بیست سالهٔ ایران که درتمام مدت متکی بنظرورأی زمامدار وقت بود بدوقسمت برجسته تقسیم میشود :

قسمت اول ـ یعنی آنزمان که تاحدی زمامدارمتوجه انجام اصلاحات بود وسیاست خارجی نیز برای تحکیم مبانی حکومت جدید با آن موافقت داشت و تا اندازه‌ای برای ملك وملت سودمند اتفاق افتاد. اصلاحات مزبورعبارت بود ازاستقرارامنیت ـ ایجاد ارتش منظم ـ برانداختن حکومت خان خانی ـ الغای کاپیتولاسیون ـ لغوامتیاز نشراسکناس ازطرف بانك شاهی ـ تفکیك روحانیت ازسیاست ـ احداث بانك ملی ـ آزادی زنان ـ متحدالشکل کردن لباس ـ اعزام محصل بخارجه ـ راه‌سازی ـ بکارانداختن وسایل جدید حمل ونقل ـ ساختن راه‌آهن ـ ایجاد صنایع جدید وغیره.

قسمت دوم ـ شرح کامل این دوره در جراید وکتاب های ده پانزده سال اخیر بتفصیل ذکر شده است ولذا از تکرار آن درین‌جا خودداری می‌شود.

درین دوره مالیاتهای ارضی ملغی شد ـ مالیاتهای گزاف غیرمستقیم پایه و اساس روش مالیاتی ایران قرار گرفت ـ به‌بهانهٔ ایجادکارخانه حقوق گمرکی وعوارض مختلف بالابرده شد ـ انحصارتجارت برقرار گردید ـ محصولات داخلی به بهای گزاف ببازار آمد وکارخانه داران وبازرگانان گرانی هولناکی ایجاد کردند ـ خریداسلحه ومهمات مختصرذخیرهٔ درآمد را برباد داد ـ بواسطهٔ کمی درآمد وگرانی معیشت گروهی از برزگران دهات را رها کرده وبشهرها و بخصوص تهران هجوم آوردند تا درکارخانه ها وساختمانها ودرراه‌ها کار کنند ولقمه نانی بدست آورند واین خود سبب شد که بزراعت لطمهٔ بزرگی واردآید ـ سطح زندگی تودهٔ مردم پائین رفت و هزینهٔ زندگی افزوده شد ـ هیچگونه توجهی بامور زراعتی نشد ـ نه سدی بسته شد ونه ماشین زراعتی بکار افتاد ونه قدمی برای زیادکردن آب وبهبودی حال برزگران برداشته شد.

جنگ دوم جهانی

درجنگ دوم جهانی ایران بیطرفی را پیشهٔ خود ساخت وبانهایت جدیت درحفظ آن کوشید ولی توجه لازم بسیاست جهانی وتحولات آن مبذول نگردید وبیگانگان بهانه‌هائی یافتند که بکشور ایران بیرحمانه هجوم آورده و مصائب جدیدی برای مردم ایران فراهم آورند. اگر یك سیاست واقع بینی پیش گرفته شده بود و از روی ناچاری راه

ایران برای رساندن مهمات بروسیه تحت شرایط مناسب وسودمندی دراختیار متفقین گذاشته میشد استفاده های اقتصادی عظیمی درمقابل آن بدست میآمد و بهانه‌ای هم برای هجوم ارتش خارجی موجود نمیگشت . بهرحال جنگ دوم‌جهانی ایران رادچار حکومتی کرد که بغلط آنرا دموکراسی نامیدند .

دورهٔ دموکراسی

ازشهریور ۱۳۲۰ که ارتش های روس وانگلیس وسپس‌امریکا ایران‌را اشغال کردند و بیطرفی یك کشور کوچك بی‌پناه رابرای خاطرمقاصدجنگی‌خویش نقض کردند دورهٔ جدیدی‌درایران بوجود آمد که نام‌آنرا برای گمراه کردن مردم‌دموکراسی گذاشتند ولی درحقیقت جزهرج ومرج سیاسی واقتصادی نام دیگری نداشت .

درآغاز ورود متفقین طبقهٔ حاکمهٔ ایران از بیم اینکه مبادا مورد تعرض واقع شود تاچندی باصطلاح دست بعصا راه رفته وازرژیم‌سابق سخت انتقادکرد ودرستایش دموکراسی وحکومت مردم برمردم تحسین و تمجید بسیار نمود . چیزی نگذشت که ماهیت سیاسی استعماری اثرخودرا بخشید وسیاستمداران انگلیسی بعنوان اینکه باید حکومت وقت را تقویت نمود و ازهرگونه تشنج و تغییری در ایام جنگ خودداری کرد برای سرکوبی ملت بدبخت ایران و استثمار مجدد دنبال همان آلات وادوات قتاله یعنی عمال خیانت پیشه رفتند وباطبقهٔ حاکمه بند و بست محکمی کرده وزمام امور را بدست‌آنها سپردند . ازآنان خدمت خواستند وازخون این مردم بآنان مزد و نعمت دادند .

تایکی دوسال پیش ازشهریور ۱۳۲۰ که هنوزارتش شوروی گرفتاردفع حملات آلمانها بود مأمورین شوروی درایران سیاست سکوت وحتی همکاری باانگلیسها را قبول کرده وبرای ابرازحسن نیت حاضرشدندکه پیمان سه‌گانه را امضا نموده وتعهد نمایندکه پس از جنگ ایران را تخلیه کنند ولی این روش برای مدت زیادی ادامه نداشت وهمینکه دفاع ازحملات مبدل به‌حمله بآلمان شد سیاست شوروی درایران‌علنی وآشکار گردیدبدین‌معنی که مأمورین آندولت حزب‌توده‌را بانهایت جدیت تقویت کرده ومصمم شدندکه بوسیلهٔ این حزب مقاصد خود را درایران پیش‌برده واجرا نمایند .

دربحبوحهٔ‌جنگ رقابت دوگانه سابق‌انگلیس‌وروس درایران‌بتدریج شدت یافت وانگلیسها بدست طبقهٔ حاکمه وشورویها به پشتیبانی‌ازحزب توده غوغای‌عجیبی برپا کردند و همینکه جنگ تمام شد این رقابت‌شکل دیگری پیداکرد وتبدیل‌بجنگ سرد شدکه ازیکطرف‌امریکاوانگلیس‌وازطرف دیگرشورویها هنوزهم‌آنرا ادامه میدهند. حوادثی که بتحریك خارجیان درایام جنگ وپس‌ازآن درایران رخ داد هنوزدرخاطرهٔ مردم باقی ولازم بتکرارنیست . لذا به نتایج این‌جنگ سرد وتأثیرآن دراموردداخلی ایران می‌پردازیم .

حکومت طبقهٔ حاکمه

پس ازشهریورطبقهٔ حاکمه درابتدا وضع خود را بسی‌متزلزل‌میدید وکار بجائی

رسید که سرمایه داران بزرگ هرمقدار ازثروت‌خود را که میتوانستند بنقد تبدیل کرده وبخارج فرستادند ولی همینکه ازپشتیبانی دول غربی مطمئن گشتند ودیدند که امریکا وانگلیس‌هواخواه آنهاهستند توجه خودرا معطوف باین کردند که دستگاه‌دولتی را تبدیل بیك ماشینی برای‌استفادهٔ خودبنمایند وتاممکن باشد خون‌مردم رامکیده‌وآنها را استثمار نمایند. دستگاه دولت محکوم ارادهٔ گروهی ملاك و سرمایه دار و کارخانه داروانحصارچی وبازرگان قرارگرفت که‌مهارت بسزائی‌دربند وبست وپشت‌هم اندازی‌داشتند. انتخابات مجلس‌طبق‌میل‌واراده آنها صورت‌می گرفت و نمایندگانی که بمجلس میرفتند وکیلان بی‌موکلی بودند که درتمام دورهٔ وکالت خود هدفشان روی‌کار آوردن دولتهائی بود که ازیکطرف بحفظ منافع آنها کوشیده وازطرف‌دیگر تسهیلاتی برای‌غارتگری آنهاتهیه نماید. نمایندگان، دولتهای مطیع خودرا زمامدارمیکردند ودولتهاهم نمایندگان‌را انتخاب‌میکردند وبابست وبندهائی که بین آنها بوددوروتسلسل زد وبند را ایجاد میکردند.

جراید وقت چگونگی حکومتهای دمـوکراسی سالهای جنگ و بعد ازآنرا بخوبی تشریح کرده‌اند وهمه کس میداند که دزدی و ارتشا وفساد رواج بسیاری یافت ودرواقع ماشین‌دولت‌یك آلت ووسیله‌ای بود که یك گروه بیرحم‌وبی‌مروتی‌ازآن بهره‌مند گردند. طرق مختلفی که طبقهٔ فاسد حاکمه برای چپاول‌وغارت دستگاه دولت درپیش گرفت متنوع وگوناگون بود که بعضی ازآنها بقرار زیراست:

گرفتن کنتراتهای دولتی بقیمتهای گزاف ـ وصول حق‌العمل ازخریدهای دولتی ـ گرفتن اعتبار ووام ازبانکهای دولتی ـ بانحصار درآوردن بعضی ازکالاها در روزی ولغوآن درروز دیگر ـ گرفتن جوازهای ورود وصدورکالاهای انحصاری ـ محکوم کردن دولت بعناوین‌مختلف وپوچ درمحاکم ـ شانه خالی کردن‌ازپرداخت مالیات وبعدمصالحه کردن با دولت بمبلغ ناچیز ـ ضبط اراضی دولت وثبت کردن آن بنام افراد ذینفع ـ دلالی برای‌فروش‌کالاهای مختلف بدولت بقیمتهای گزاف ـ خریداموال دولتی به بهای ارزان ـ فروختن خانه ها وباغهای خصوصی بدولت ببهای گران که مورد احتیاج‌دولت هم نیست ـ گرفتن ارز خارجی‌ازدولت ببهای رسمی برای احتیاجات خصوصی ـ وادارکردن دولت بپرداخت هزینهٔ تحصیلی‌فرزندان توانگران دراروپا وامریکا ـ گرفتن ارزخارجی بنرخ رسمی برای واردکردن کارخانه یااحتیاجات کارخانه ها وفروختن همان ارز در بازار آزاد بدون آنکه چیزی واردکنند ـ تحصیل معافیت گمرکی برای واردکردن اثاثیه وملزومات بیمارستان‌ها وسایرمؤسسات خیریه وواردکردن کالاهای بازرگانی وخصوصی تحت‌عنوان مزبور ـ تحصیل پروانه های گوناگون مانند پروانه قطع جنگل وغیره وغیره.

مختصر تحقیق وبررسی درامورحکومت ایران واضح میدارد که چرخهای دولت برای این گردش میکند که طبقهٔ حاکمه را مستفیض کند و مردم را بانـواع مختلف استثمار نماید وتنهاسر بقای این طبقه آن است که ازپشتیبانی کسانی که ازتوسعهٔ نفوذ کومونیزم درخاورمیانه میترسند برخوردارمیباشد.

اقتصاد دورهٔ دموکراسی

درایام جنگ که کشور ایران دراشغال ارتش بیگانه بودچندین عامل دست بهم داده وزندگی پرفلاکت تودهٔ مردم را سخت تر از پیش نمود . ازیکطرف قسمتی ازمحصولات کشاورزی کشور بمصرف ارتش بیگانه میرسید وبقیه هم دراحتکارملاکین بزرك بود که بقیمتهای گزاف بمردم میفروختند . ازطرف دیگرواردات ازخارج محدود شده بود وکارخانه داران بی انصاف فرصت را غنیمت شمرده وکالاهای خودرا ببالاترین قیمتی که مقدور بود میفروختند . مختصر کالای خارجی که قبل ازجنگ دردست بازرگانان باقیمانده بود و یا کالا هائی که درحین جنگ وارد شده بود بانحصار عدهٔ معدودی درآمده بود که بهصدها برابر بهای واردشده عرضه میگردید. عده ای هم بنام دلال و کنتراتچی ارتشهای بیگانه بمیان افتاده وپولی را که بیگانگان برای راه سازی وهزینه های مشابه آن خرج میکردند بهخود اختصاص داده وبامزد ناچیزی کارگران را استثمار میکردند.

ورود بعضی از کالای ضروری مانند قند و شکر و دارو وقماش درحین جنگ بسی مشکل بود ومتفقین مقادیر کمی ازاین گونه کالاهارا وارد میکردند و دردسترس دولت قرارمیدادند مشروط براینکه دولت کالاهای مزبوررا بطریق جیره بندی توزیع نماید . دولتهم دستگاههای وسیعی برای این کار ایجاد کرد که فاقد هرگونه نظارت وکنترول صحیح درتوزیع کالاهای مزبور بود ولی درعوض کوپن بازی و جعل کوپن وهزاران نیرنگ دیگررواج گرفت . رؤسای ایلات و خانهای شهرستانها و متنفذین کالاهای مزبور را ازدولت گرفته ودرعوض تقسیم وتوزیع آن بین افراد ایل وبرزگران دهات دربازار آزاد فروخته وثروتهای هنگفتی بدست آوردند درحالیکه هفته ها وماهها میگذشت ومردم رنگ چنین کالائی را نمیدیدند .

همینکه جنگ خاتمه یافت واندك گشایشی برای ورود کالاهای خارجی حاصل شد طبقهٔ حاکمه قانون انحصار تجارت را پیش کشیده وباسهمیه بازی ووسائل دیگرورود کالاهای خارجی را عملاً بانحصارمعدودی درآورده واستفاده های کلان از آن کردند . تحت عنوان عمران وآبادی سازمان برنامه را ایجاد کردند تاقسمت مهمی از درآمد دولت بآن اختصاص یافته و مورد استفادهٔ معدودی سود پرستان قرارگیرد و دورهٔ عمل هفت سال اول سازمان مزبور گواهی برین مدعا میباشد . تا توانستند برمالیات های غیرمستقیم افزوده وازوصول مالیاتهای مستقیم خودداری کردند . وروی همرفته نتیجهٔ سیاست اقتصادی دولتهای دورهٔ دموکراسی این بود که هزینهٔ زندگی بطرزسرسام آوری بالا رفت وادارات دولتی از کارمندان زائد ودرعین حال عاطل و باطل لبریز گردید وبهای پول ایران بواسطهٔ تورم بمنتهی درجهٔ تنزل رسید وصادرات تقلیل یافت وبودجهٔ دولت کسرفاحشی پیدا کرد ونیازمندی به کمك خارجیان روز افزون گشت وکمکهای خارجی مشهور به بلاعوض ووام واعانه ومساعده های خارجی موجب گشت که کشور برای خرج روزانه خود دست بدامان خارجیان درازکند که نتایج آن مشهود است .

جمعیت روز افزون تهران

یکی ازمظاهر ورشکستگی اقتصادی ایران افزایش روز افزون جمعیت تهران

است که موجب ویرانی ولایات و آبادانی مصنوعی تهران گشته است . تهران یك مرکز عمدهٔ تولیدی کشور نیست که بتوان گفت بواسطهٔ افـزایش تولید احتیاج بچنین جمعیتی دارد بلکه بعکس یکی از مراکز عمدهٔ مصرف خواربار و کالاهای متعدد میباشد . عوامل بسیاری که همه غیرطبیعی وزیان آوراست این جمعیت انبوه را بتهران آورده وهرروز هم برعدهٔ آن میافزاید و بدین قراراست :

ورود ارتش شوروی بشمال ایران وحادثهٔ آذربایجان عده‌ای ازمتمولین وسرمایه داران شمال را بتهران آورد ـ قانون انحصارتجارت وسهمیه بازی ازاطراف و اکناف بازرگانان را بسوی تهران سوق داد ـ دزدی وارتشاء واختلاس وسوءاستفاده ازدستگاه دولتی ماجراجویان ودلالان سیاسی وآنهائیکه ماشین دولت را وسیلهٔ استثمارمردم قرار میدهند گروه دیگری را بتهران گسیل داده ـ تحصیل کرده ها و بیکاران که راه اعاشهٔ دیگری جزاستخدام دولت ندارند همه از ولایات رو بمرکـز آورده‌اند ـ کارگران و بیکاران ومستمندان که راه چارهٔ دیگری ندارند همه بتهران هجوم آوردند ـ مختصر برتری ورجحان تهران برولایات ازحیث بهای نان و بهداشت وفرهنگ ووسائل جدید زندگی دستهٔ دیگری را متوجه تهران کرده است وخلاصه چون تهران مرکزومحور بست و بند شده وهمه چیزدر آن تمرکز یافته است روز بروزجمعیت آن افزوده میشود .

کثرت جمعیت تقاضای مسکن را زیادکرده وکسب جدید راه تازه‌ای برای یك دسته مردم ایجادکرده است . تورم پول وکم شدن ارزش آن تاحدی مردم را تشویق کرده است که سرمایه های نقدی خود را تبدیل بزمین نمایند . قیمت زمین بطورغیر منتظره‌ای دراطراف تهران بالارفته ووسیله‌ای به جمعی داده است که اراضی غیرآباد اطراف شهررا به ثبت رسانده ومالك شوند . این اراضی حقاً متعلق بدولت بوده ولی بابند وبست وهزاران نیرنگ امروزآنهارا مالك شده وباسفته بازی وخرید وفروش مصنوعی بهای آنرا بالا میبرند . بالطبع ساختن خانه ومستغلات که نتیجهٔ افزایش جمعیت است دستگاه خانه سازی و ساختمان را توسعه داده وامروز جمع کثیری مشغول تهیهٔ مصالح ساختمانی برای این ساختمانها هستند وهزاران نفرعمله و بنا ونجار وآهنگر وغیره وغیره ازولایات بتهران آمده ودراین کارمشغول شده‌اند . هراندازه جمعیت زیاد میشود تقاضای مسکن را میافزاید و هراندازه که ساختمان اضافه گردد بکارگران ساختمانی افزوده میشود واین دوروتسلسل ادامه پیدا می کند تااینکه یك قسمت نفوس این کشوررا ازکارهای مولده ضروری دست باززده وبآبادانی شهری که انگل وطفیلی کشوراست بپردازند .

بدون شك افزایش جمعیت تهران یکی ازعلائم بدبختی وانحطاط است وهمانطور که خالی شدن جنوب ایران از سکنه و رفتن اهالی بنادرایران به کویت وبحرین و عربستان سعودی نشانهٔ فقروبیچارگی آن نقاط است تجمع بیش ازیك دهم جمعیت کشور درشهری مانند تهران که بکار های تولیدی نمیپردازد ودرآمد همهٔ نقاط ایـران را بپای تخت کشیده و بمصارف بیهوده میرساند علامت یك زندگی غیرسالم اقتصادی میباشد که برهیچکس مجهول نیست .

هجوم بادارات

یکی دیگر ازمظاهر وضع خراب اقتصاد کشور هجومی است که هرروز بادارات دولتی میآورند وازروی ناچاری خدمت دولت راقبول میکنند. ابتدا باید این اصل کلی را قبول کرد که دولت یعنی تنظیم کنندهٔ امورجامعه موظف است که برای مردم کار تهیه کند و آنها را بکارهای مولده بگمارد ویاوسائلی برانگیزد که خودمردم بتوانند برای اعاشهٔ خود بکارهای سودمند بپردازند. هرسال عدهٔ زیادی باسواد ازمدارس مابیرون میآیند ودر جستجوی کارمیروند وچون کاری نیست بادارت دولتی هجوم میآورند. درسابق قانون استخدام تاحدی مانع این بود که کارمندان اضافی استخدام شوند ولی طولی نکشید که این هجوم بادارات افراد طبقهٔ حاکمه را مرعوب نمودولذا بعناوینی مانند کارمندان کنتراتی وفنی وروزمزد ودون پایه عده‌ای را استخدام کردند. این هجوم هم که هنوزهم ادامه دارد موجب شد که هزینه دولت افزایش یابد وکسر بودجه قضیه‌ای مستمر گردد زیرا متمولین که مالیات نمیدهند ووضع مالیات غیرمستقیم هم حدودی دارد. کسر بودجه ایجاد تورم میکند و تورم پول هزینهٔ زندگی را بالامیبرد وافزایش هزینهٔ زندگی حقوق بگیرها را ناراضی کرده و بالمآل آنها را جسور مینماید. پس هرچند یکبار باید بحقوق کارمندان دولت افزود تا آنها را ساکت نگاهداشت.

افزایش حقوق کارمندان هم تأثیرش موقتی است ودرمدت کمی هزینهٔ زندگی بالا رفته وفوائد آنرا زائل میکند. دراین جاهم یك دوروتسلسل دیگری پیش آمده است که عواقب آن بالاخره وخیم خواهد بود. این دوروتسلسل‌ها که ذکر شد همه حاکی ازاین است که زندگی اقتصادی مردم ایران امروز بجائی رسیده که دیر یازود باید یا آنرا اصلاح کرد ویا آنانیکه این وضع غیرمطلوب راایجاد کرده‌اند ازعواقب آن برخوردار گردند زیرا با ناموس طبیعت وباقوانین اقتصادی ستیزگی ممکن نیست.

وضع حقیقی اکثریت مردم

چنانکه دربالا گفته شد حکومت ایران دردورهٔ دموکراسی بدست طبقه مخصوصی بوده است که بمردم تسلط یافته‌اند ووضع زندگی اقتصادی کشور هم طوری شده است که همهٔ ثروت کشور دردست یکعده تمرکز یافته واکثریت مردم دچار محرومیت‌های بسیاری هستند. امروز وضع حقیقی اکثریت مردم بقرار زیراست :-

تودهٔ مردم هنوز مانند سابق وباهمان فلاکت زیر لگد انگل‌ها وطفیلی‌ها جان میکند. برزگر ایرانی همان کرباس آبی پاره پاره‌را میپوشد ودر همان خانهٔ گلین باهمان زندگی چرکین وبی روح زیست میکند. با همان نادانی وبا همان خرافات وبا همان گرسنگی وباهمان فشار وظلم روزهای سختی بسر میبرد تامرك فرارسیده واورا از این زندگی پرمشقت رها دهد. بهای محصولات کشاورزی بالا رفته ولی کالاهائی راکه برزگر برای احتیاج خودلازم‌دارد باندازه‌ای ترقی داده‌اند که جبران کسر خرج اورا نمیکند. مزدکارگر ایرانی درسالهای اخیر افزایش یافته ولی چون از قوهٔ خرید پول کاسته شده درمقابل دستمزد روزانه هنوزقادر بتهیهٔ معاش خود نیست. آنهائیکه باور ندارند خوبست بدهات اطراف شهر خود رفته وبا چشم زندگی سرتاپا

فلاکت برزگررا ببینند و به لانه‌های کثیف شهرها سری بزنند تاعمق بدبختی کارگران را دریابند . زندگی تودهٔ مردم ازپیش بدتر شده وسختی ها ومشقت او افزون تر گشته است ولی برای افراد طبقهٔ حاکمه پیشرفتهای بسیاری‌رویداده، کاخهای‌متعددی برای خود ساخته، وپولهای گزافی را بخارج فرستاده ، وثروتهای بی‌حسابی‌راازراه استثمار تودهٔ مردم اندوخته‌اند.

هنوز بیشترمردان‌وزنان‌وکودکان‌برزگران وکارگران ایرانی بیماروبی‌پرستار درگوشه وکنار بگرسنگی کشیدن‌ودشنام‌شنیدن وعقوبت دیدن ودرتلخی‌وناکامی‌مردن محکومند .غباری از خرافات ودودی‌ازموهومات‌جلوچشمان آنهاراگرفته‌است.ازگردهٔ ایشان کاری بیرون ازطاقت میکشند ودرمقابل نه فقط‌مزد شایسته‌ای‌بآنها نمیدهند‌بلکه از این نیز دریغ دارند‌که آنها قوت‌لایموت خودرا بیابند .صفحات کرمان‌وخراسان‌و فارس واصفهان ویزد وسایر نقاط ایران اراضی نکبت‌زده‌ای‌است که‌مردم‌آن‌در نخستین مراحل زندگی بسر میبرند. شبها بواسطه بی‌چراغی همینکه تاریك شدمیخوابند ودر زمستان باتاپاله گاوخود راگرم میکنند درتمام‌سال‌اگریکی‌دوماه نان‌خالی بدست بیاورند بقیهٔ سال راباریشهٔ گیاه‌هاوعلف بیابان‌وهستهٔ‌خرمای کوبیده وامثال‌آن‌میگذرانندولی‌در مراکز شهرهای بزرك وبخصوص تهران‌عدهٔ‌معدودی‌برای‌نوازش«ذائقهٔ‌تربیت‌شده»خود انواع تکلفها را درغذای روزانه خودبکار میبرند.

ذکر مثال زیر در اینجا بی‌مورد نیست :در ابان‌ماه ۱۳۳٤ خبری در جراید تهران چاپ شدکه یکی از اعضای خاندان سلطنت در سفری‌که به بلوچستان‌کرده به‌پسرده‌ساله‌ای برخورده‌اندکه مثل حیوانات دربیابانها زندگی میکرده‌وعلف خوار بوده است . در تعقیب این‌خبر یکی ازجراید[1] چنین نوشته‌بود:

این تنها سرزمین بلوچستان‌نیست‌که مردمش علف خواروندوبچه‌هایش این‌وضع رادارند. اکثریت نقاط‌کشور زرخیز مارا مردمی تشکیل میدهندکه دربدترین‌شرایط زندگی‌گذران میکنند و متاسفانه باید بگوئیم‌که درست در میان همین خرابه‌ها و ویرانه‌ها ودرمیان همین‌گروه مردم بینوا وبدبخت‌وعلف‌خوار اشخاصی‌پیدامیشوندکه مرفه‌ترین زندگانیها رادارند، پولدارند ،متمولند، میلیونرند، میلیاردرند. اینها باین وضع فلاکت بار زندگی میکنند ولی رؤسای ایلات و عشائر آنها، ملاکین‌ومتمولین آنهادرپول‌وسرمایه غوطه میخورند. آبادی اینهاازخرابی آنهاست. سالهاوقرنهاست که سیاستهای غلط داخلی‌وتحریکات‌خارجی‌چنین‌خواسته‌که اکثریت مردم‌ایران‌گرسنه باشندوهمیشه اقلیتی کوچك صاحب همه‌چیز باشد وبرمحروم‌ترین طبقات‌جهان‌آسوده‌ـ ترین اقلیت ها آقائی بکنند.»

طبقات متوسط‌که احتیاجاتشان بیشتر وسطح زندگی‌بالاتری‌دارند واغلب‌اعاشهٔ آنها ازحقوق ماهیانه تأمین میگردد باصطلاح‌معمول باسیلی‌صورت خودرا سرخ‌نگاه میدارند .روزبروز قوهٔ خرید وارزش حقوق ماهیانه آنها کمتر میشود ودچارملالت‌و بیچارگی میشوند . مقدرات‌این‌گروه مردم دردست کسانی است‌که عاطفه‌ورحم‌ندارند

(۱) روزنامهٔ «اتحاد ملی» مورخهٔ آبان ۱۳۳۴

وهروقت‌سیل اعتراضات‌این‌طبقه‌فزونی‌یابد باندك‌اضافه‌حقوقی ناچار به‌سکوت‌می گردند.

بجزطبقهٔ بخصوصی‌دیگران‌درامورحکومت‌دخالتی ندارندواگراندك‌میلی یااقدامی ازطرف طبقات‌دیگر برای تمشیت امورجامعه‌ابرازشودسیل‌تهمت‌وافترا روبآنهاسرازیر شده واغلب دچار حبس وتبعید ویابدتر ازآنهم میگردند. طبقهٔ حاکمهٔ‌ایران(که بعضی از جراید خارجی عنوان هزار خانواده بآنها داده‌اند)غافل ازاین‌است که‌ایران‌هم‌جزو این دنیاست وهرچه درسایر نقاط‌جهان روی‌دهدتأثیرش درکشور ماهم‌رخنه‌خواهد کرد ومآلاً هیچ قوه‌ای قادر وتوانا نخواهد بود که‌ازآن‌جلوگیری کند. درجهان‌امروزمحال است کشوری پایدار بماند که کلیهٔ دارائی وثروت وحکومت وهست ونیست آن‌دردست یکصدم جمعیت آن باشد ونودونه درصد مردم آن فاقدهمه‌چیز باشند.درچنین‌جهانی که روابط بین کشورهااین‌اندازه سریع وکامل شده است مدنیت بشر اجازه‌نمیدهد که‌در گوشه‌ای ازجهان که نامش ایران است‌یك عده‌مالك‌وبازرگان وکارخانه‌داروسرمایه دار ودلال ازخودراضی باتبختر وتکبر عجیب‌وغریب‌خودراملك‌همه چیزدانسته‌واصرار داشته باشند که‌حتی دستمزد شایسته ای‌هم‌به‌رنجبرانی که مولدین حقیقی‌ثروت‌اند داده نشود .آنهائی که باورندارندراشتباه هستند واگر به‌پشتیبانی بیگانگان‌غربی‌مینازند فراموش میکنند که‌همان بیگانگان‌هم امروزازوضع کشورهائی‌مانندایران‌سخت‌نگران میباشند. تجربه‌ای که‌آنها درچین‌حاصل کردند وغلیان‌وطغیانی که‌امروز درغالب کشور های‌خاوردورناظروشاهد هستند کم کم‌بآنها آموخته ومیآموزد که تنهاسدمطمئن‌درمقابل عقایدافراطی‌اصلاح وضع‌اقتصادی‌تودهٔ مردم است .

شاهنشاه ایران درپیامی که روز بیست‌ونهم‌اسفند۱۳۲۷ بمناسبت‌عیدنوروزازرادیو خطاب بمردم ایران‌ایراد نموده چنین گفتند :

«کشوری‌شایستهٔ این‌جشن وسرور است که اکثریت مردم آن بتوانند در نتیجهٔ کوشش و کارهای مولد ثروت‌لامحاله حداقل‌وسایل‌زندگانی را فراهم‌آورند وخود و دیگران‌را خوشوقت سازند . واقعاً چگونه میتوان تحمل کرد کـه اکثریت زیادی از ساکنین این کشورلباس‌وغذای‌کافی نداشته باشند وعمری‌را بارنج وسختی بگذرانند؟»

یکی‌ازسیاستمداران واقع‌بین‌وآزمودهٔ ایران در بارهٔوضع کنونی‌چنین گفته‌است[۱] :

« ازلحاظ تسلط ونفوذ درگردش چرخ ادارهٔ امورعامه و بهره مندی مادی از فواید مشروع وغیرمشروع آن فقط دوطبقه وجود دارد. طبقهٔ حاکمه وطبقهٔ‌محکوم» . طبقهٔ اول که بقول معروف آلمانی ده‌هزارنفر بالائی هستندثروت ونفوذ ووسائل‌مادی و معنوی وحتی علم‌ومعرفت‌رادرخود تمرکزداده‌ودرحکم یك زمره خاص همدستانی‌هستند که طبقهٔ محکومه را میدوشند و پوست آنها را میکنند و تا مغ استخوان آنها را می‌مکند وازآن طبقهٔ محکومه مثل غلامان مملکت روم قدیم سربازی ووطن پرستی و درستکاری میخواهند ودادن سه ربع عایدات خیلی‌ضعیف ومحقرخود بطبقهٔ حاکمهٔ تااز هرجرعهٔ آبی‌ازگلوی آنها قطراتی کم کرده‌و بگیرند ودرتهران‌ومراکز ولایات دریاها و اقیانوسهائی برای افراد طبقهٔ خود تهیه نمایند . عمارات عالی و اتومبیل‌ها وتعیش مسرفانه‌واستفاده‌ازتمام‌نعمتهای مخصوص‌این‌طبقهٔ‌حاکمه‌شده ودرواقع‌طبقهٔ‌متوسطی نمانده

---

[۱] نقل‌ازنطق‌تقی زاده درجلسهٔ سی‌امدورهٔ پانزدهم‌مجلس شورای‌ملی‌مورخه بیست ویکم آبان۱۳۲۶

است. .... عرض کردم تنها با این وسایل ممکن نیست بلکه اصلاح حال طبقهٔ فقیر و زحمتکش یعنی طبقهٔ «مردم» در جرگهٔ تدابیر اولیه است. اگر هم از طرف بعضی محافل متعصب مورد ملامتی بشوم باز وظیفهٔ ملی خود میدانم که بگویم که ما دامیکه در پشت دیوار ما مملکتی وجود دارد که کمترین چیزی که از اوضاع آنجا گفته شود این است که در آنجا در مقابل چشم فقیر اسرافات متمولین وجود ندارد . محال است که بتوانیم با زور محض ، با تبلیغات دینی و وطنی مردم بدبخت و گرسنه را که عیالشان پوشاك خوب نداشته و دست اطفالشان بمیوه و شیرینی و خوراك خوب نمیرسد در آغوش مادر کم محبت و بی قید وطنی که هر آنچه دارد فقط بیکی از اولاد خود داده و دیگران را بی نصیب و مضطر میگذارد دلگرم و وفادار نگهداریم .»

طبقه بندی مردم ایران

در ایام اخیر معمول شده است که مقامات رسمی و بخصوص روزنامه‌های منتسب بدولت جمعیت ایران را به بیست ملیون و پاره‌ای اوقات برقم بیشتری هم قلمداد کنند ولی چنانکه ثابت شده حقیقت غیر از این است. اینها نمیگویند که جمعیت بندر لنگه از بیست هزار به چند هزار رسیده و جمعیت بندر بوشهر از سی هزار و چهل هزار به چهار پنج هزار تنزل یافته و حد متوسط سکنهٔ نواحی شرقی و جنوب ایران در ایام اخیر در هر پنج کیلو متر از یکنفر هم کمتر است .

ادارهٔ همکاری فنی امریکائیان (معروف باصل چهار) که اخیراً در کاشان و آبادان و پارهٔ نواحی دیگر با معاضدت ادارهٔ آمار کشور آمار بالنسبه دقیقی تهیه کرده بخوبی این گونه گوئی‌ها را باطل کرده است و جمعیت شهر کاشان را که سابقاً اداره آمار فی المثل ۲۱۰ هزار نفر قلمداد کرده بود بعد از آمار گیری دقیق تعداد واقعی جمعیت آن محل ۱۶۵ هزار در آمد. گویا عذر متصدیان امور این بوده که چون دولت از روی شناسنامه قند و شکر میدهد مردم شناسنامهٔ مرده‌ها را نیز جزو زنده‌ها بحساب میآورند و این نفوس بی‌جان را هم جزء جانداران جا میزنند.

بهرحال آنچه مسلم بنظر میرسد این است که تعداد نفوس کلیهٔ کشور بیش از هیجده ملیون نمیباشد که میتوان بطور تخمین آنانرا بطبقات زیرین قسمت نمود:

۱ــ ملاك عمده ــ بازرگان عمده ــ کارخانه دار ــ سرمایه دار ــ زدوبندچی‌ها	۲۰۰۰۰۰
۲ــ خرده مالك و زارع	۷۵۰۰۰۰
۳ــ کاسب ــ سرمایه‌دار کوچك	۶۰۰۰۰۰
٤ــ صاحبان مشاغل آزاد	۲۰۰۰۰۰
۵ــ کارمندان ادارات دولتی و بنگاههای بازرگانی	۷۰۰۰۰۰
٦ــ پیشه وران	۷۰۰۰۰۰
۷ــ برزگران ــ کارگران ــ بیکاران و سرگردانان	۱٤۸۰۰۰۰۰
جمع	۱۸۰۰۰۰۰۰

طبقهٔ اول که درواقع همان طبقهٔ حاکمه را تشکیل میدهند عبارتند از وزیران ــ سناتورها ــ وکیلان ــ افسران ارشد ــ بازرگانان درجهٔ اول ــ کارخانه داران ــ ملاکین عمده [۱]

(۱) تردیدی نیست که بین وزیران و سناتورها و نمایندگان مجلس و افسران ارشد معدودی هم هستند که جزو طبقهٔ حاکمه نمیباشند ولی اکنون بغلط بین آنها جایگرفته‌اند

که نودونه درصدثروت عمومی کشور بدست آنها افتاده وتمام چرخهای اداری کشوررا بنفع خود میچرخانند .

طبقات دوم‌وسوم‌وچهارم و پنجم وششم که درنیم‌قرن اخیرافزایش‌یافته‌اندرواقع طبقهٔ متوسطراتشکیل‌میدهند واغلب آنها باسوادهستند. گاهی بعضی‌ازافراداین‌طبقه بفساد طبقهٔ حاکمه آلوده گشته وجزوطبقهٔ اول‌میشوند و گاهی‌هم فرزندان طبقهٔ اول‌ثروتهای پدری‌را ازدست‌داده بطبقهٔ متوسط می‌پیوندند .

واما طبقهٔ هفتم‌یعنی‌همان چهارده ملیون‌وهشتصد هزاراکثریت رنجبروزحمتکش ومولد حقیقی‌ثروت که ازوسائل اولیهٔ زندگانی محروم میباشند در صحراهای سوزان خوزستان و بنادر جنوب، درسرما ویخ‌بندان‌نواحی آذربایجان، درباطلاقها ومردابهای گیلان‌ومازندران‌و گرگان،درکویرهای مرکزی‌وشرقی، درمناطق بی‌آب‌وعلف‌خراسان وبلوچستان وسیستان بمعنای‌حقیقی‌جان میکنندتاعیش ونوش‌طبقهٔ‌اول‌وزندگی بخورو نمیر طبقات‌مافوق خودرا تهیه کنند .

وضع ایران امروزعیناً شبیه‌بوضع روسیه درسال۱۹۱۷ میلادی وفرانسه درسال ۱۷۸۵ شده که اقلیت معدودی مرکب ازملاکین عمده وبازرگانان وسرمایه داران و اشراف ووزیران و روحانی نمایان باسم ملت وقانون و مذهب همهٔ ثروت عمومی را بخود اختصاص داده وحکومت‌راآلت ارادهٔ خود قرارداده وسایرطبقات را بنفع خود استثمارمیکنند .

مشروطیت ایران چنانکه گفتیم نتوانست این درد اجتماعی را درمان کند وهمان اشراف ومستبدین وملاکین عمده درلباس قانون ومشروطه بمیدان‌آمدند وحکومتهای بعدهم کاررا یکسره کرد وزنجیراسارت را محکم‌تر ساخت .

نهضت ایران

بااین همه نهضت‌ایران ادامه دارد وایران جزئی ازاین‌دنیای متغیّر وآشفته‌است ونمیتواند ازسیرطبیعی‌جداگردد . درکشورهای‌دیگرهمه‌نوع‌تغییر پدیدآمده و رژیم ها عوض شده وسرمایه های نقدی وجنسی‌تعدیل گشته واوضاع‌اجتماعی واقتصادی وسیاسی تغییر یافته و محال است که مشتی طمع کار و فاسد بتمام معنی بتوانند اصول‌فئودالیسم ودسپوتیزم قرون وسطی‌را در ایران ادامه دهند .

نهضت ایران از اواخر سلطنت ناصرالدینشاه آغازگردید ودنبالهٔ آن هم‌چنان مداومت دارد . ملت‌ایران درتحت سرپرستی افراد صالح ودلسوزهرگاه فرصت بدست آورده برای‌آزادی خویش قیام کرده‌است وازهرنوع فداکاری مضایقه نداشته است . سیرزمان بزرگترین عامل پیشرفت نهضت‌ایران میباشد . همین سیرزمان‌است که مانند سیل بنیان‌کن ازاوایل قرن بیستم میلادی باشدت بی‌سابقه در حرکت آمده وازشمال وشرق اروپا تامرکز وجنوب افریقا وتاخاور دور وقلب‌آسیا وتاادنی نقاط امریکای جنوبی عالمی را بلرزه درآورده وروزی نیست که مژدهٔ آزادی قومی و جماعتی از اطراف واکناف عالم بگوش نرسد .

بالاتر ازنیروی اتم‌نیروی گرسنگان ومحرومانی‌است که نه دهم جمعیت جهان‌را تشکیل میدهند ومثل شیران گرسنه وبرای‌قوت لایموت خود غرش میکنند والبته ملت

محروم ، ملت گرسنه ، وملت ستمدیدهٔ ایران‌هم بسهم خود دراین رستاخیزعالم‌انسانی وغوغای وانفسا بی‌بهره نخواهد ماند .

از پنجاه سال پیش یك مبارزهٔ طبقاتی بین‌طبقهٔ متوسط‌وطبقهٔ‌حاکمهٔ‌ایران‌همواره وجود داشته است که چون متشکل ودسته جمعی نبوده بطور علنی وآشکارجلوه گر نشده است . قیام مشروطه خواهان برضد شاهان مستبدقاجار- مبارزهٔ باملاکین‌عمده واشراف بین‌سالهای ۱۲۸۷و۱۲۹۷شمسی- نهضت آزادیخواهان وروشن‌فکران برعلیه قراردادی که بدست وثوق‌الدوله امضا شد و ادامهٔ آن نهضت تا سال ۱۳۰٤ شمسی که سلطنت قاجاریه‌ازمیان رفت همه مظاهرمختلف مبارزه‌ای بود که بین طبقهٔ باسواد و متوسط وطبقهٔ حاکمه صورت میگرفت . نهایت اینکه طبقات متوسط چون‌تشکیلات و سازمان منظمی نداشتند که فعالیت‌آنها را بطرز مرتب ومتشکلی جلوه دهد و شاید هم متوجه نبودند که عملیاتشان در باطن‌امر یك‌مبارزهٔ‌طبقاتی‌است‌درظاهر تحت‌عنوان آزادیخواهی ودفع ظلم‌طبقهٔ حاکمه تجلی‌میکرد . درادواری‌هم که هیچگونه‌آزادی برای ابرازعقیده موجود نبودسیرزمان بوظیفهٔ خود عمل‌میکرد وهرروز توسعهٔ باسوادی برصفوف طبقهٔ فهمیده میافزود وبهمان نسبت که مردم‌آگاه تر میشدند بهمان تناسب هم مبارزهٔ آنها برضد طبقهٔ حاکمه شدیدترشده ومیشود .

نقش طبقهٔ حاکمه

طبقهٔ حاکمهٔ ایران کاملا متوجه این‌مبارزه بوده وبانواع نیرنگهاوحیله‌هامتوسل شده ومیشود که نیروی‌آنهائی که باآن مبارزه وپیکار میکنند درهم شکند . یکی از حربه های طبقهٔ حاکمه‌تهمت وافتراوقلب‌حقایق است.درروزهای‌اولیه که آزادیخواهان قیام کردند طبقهٔ حاکمه‌آنها را بنام بابی - بهائی - شیخی- صوفی مورد حمله وتهمت وافترا قرارمیداد وبعدها که مبارزهٔ شرافتمندانه ادامه یافت ومردم برای دفع‌ظلم‌سر و جان میدادند عنوان جاسوس و عمال بیگانه واجنبی پرست ومزدور آلمان وروس وانگلیس وامریکا بآنها داده شد در صورتی که ملت ایران و سران اصلاح طلب ملی نمی‌توانند جاسوس و عمال بیگانه باشند چون طبقهٔ حاکمه خود را از روی‌کمال حقیقت دست نشاندهٔ هواخواهان سرمایه داری واستعمارشناسانده واین‌گونه سمت ها فقط اختصاص بآنها دارد .

یك نیرنگ‌دیگرطبقهٔ‌حاکمه که درسالهای‌اخیررواج بسیاری داشته‌است‌عوامفریبی‌و ریاکاری‌میباشد.هردولت‌دست‌نشانده طبقه مزبور که روی کارآمده‌است دربرنامهٔ خود ازعدالت‌اجتماعی-آزادی مطبوعات - بهبود وضع کارگران - اصلاح امورکشاورزان - بهداشت عمومی‌ومجانی - تعلیمات‌اجباری - تأمین‌آزادی‌انتخابات- وغیره‌وغیره سخنی گفته ووعدهٔ انجام‌آن‌را داده است ولی‌هنگامیکه‌آن دولت ازکار برکنار شده است معلوم شده که نه تنها وعده‌هایش دروغ وبی‌اساس بوده‌است بلکه بارجدیدی‌هم‌بدوش مردم‌گذاشته وباالفاظ دلفریب مدتی‌آنها را اغفال‌کرده است .

وباز افسون دیگرطبقهٔ حاکمه این بوده که همواره بمردم‌توصیه وسفارش‌میکند که اتحاد واتفاق بین‌عموم طبقات‌باید رعایت‌گرددتادرسایهٔ وحدت ملی‌همهٔ اموراصلاح گردد وایران تبدیل به‌بهشت برین‌شود . مقصود ازاین‌توصیه این‌است که مردم‌سکوت کنند ورنج برند وخرده‌نگیرند واعتراض ننمایند تاطبقهٔ حاکمه به ترکتازی‌خود ادامه

دهد وهرچه میخواهد بکند غافل ازاینکه منافع طبقهٔ حاکمه بامنافع سایرطبقات مردم بکلی متضاد میباشد ووحدت فکری و نظری وسیاسی واقتصادی واجتماعی بین ایندو گروه محال وممتنع است .

پس ازآنکه وسایل ابرازعقیده وآزادی فکر تا اندازه‌ای فراهم گشت گروهی مردمان روشن‌فکرومتجدد بفکرتشکیل احزاب سیاسی افتادند تاسازمان سیاسی منظمی بوجودآورده وازطریق آن همفکران خود را متشکل نموده وازراه قانونی ومشروع برعلیه ظلم وبیدادگری حکومتهای وقت مبارزه نمایند . از شهریور ۱۳۲۰ احزاب مختلفی تشکیل شد وهریك کوشش بسیارنمود که دراین‌راه قدمی بردارد وتجانس بین اینگونه احزاب ممکن بود بتدریج همهٔ آنهارا یکی کرده ونیروی بزرگی را تشکیل دهد ولی زوروقدرت طبقهٔ حاکمه همهٔ آن احزاب‌را یکی پس‌ازدیگری درهم‌شکست وبوسایل گوناگون ازبین برد . یکی از وسایلی که طبقهٔ حاکمه برای درهم شکستن احزاب مترقی بکاربرد این بود که خوداحزابی ایجاد کرد که سایراحزاب را مبتذل نماید وباپول سرشاری که دراختیار اینگونه احزاب ارتجاعی گذاشت مردم را گمراه کرده وباتبلیغات زیان‌بخش فکرواساس تشکیل حزب را تخطئه کرد .

حزب توده وسرانجام آن

تنها حزبی که توانست درمقابل طبقهٔ حاکمه دوامی کند وسازمانی بدهد وعده‌ای را بخود جلب نماید همان حزب توده بود که متأسفانه بطورآشکاروابسته بیك سیاست خارجی بود وازآن سیاست الهام گرفته ومرام وعقیدهٔ اشتراکی را تبلیغ میکرد . در ابتداحزب توده‌مدعی بود که حزب‌اشتراکی نیست وهواخواه حکومت‌دموکراسی وآزادی میباشدولی پس‌ازاندك مدتی برهمه معلوم گشت که حقیقت‌امر برخلاف ادعای آن میباشدو طرفداری حزب‌توده ازاعطای امتیاز نفت‌شمال بروسهاوهواخواهی ازحکومت‌تجزیه‌طلب پیشه‌وری‌درآذربایجان‌جای‌شبهه برای کسی باقی نگذاشت که‌حزب‌توده یك‌حزب کومونیستی میباشد که ازخارج الهام گرفته وراه‌وروش آن کاملا بااحزاب کومونیستی سایر کشورهای جهان یکسان‌است .

همه کس‌میداند که روحیه ـ اخلاق ـ سنت‌های باستانی ـ عادات ملی ـ عقایدمذهبی و ادبیات اجتماعی ایران هیچگاه با افکارحادّ مانند کومونیزم و انارشیزم و امثال آن سازگارنبوده ومحال است که اخلاق وروحیهٔ یك ملت چند هزار ساله خود بخود درمدت کوتاهی عوض شود . آنهائی که ایران و ایرانیان را خوب می‌شناسند همگی یکصدا ومتفق هستند که بطورکلی روحیهٔ مردم این سرزمین طالب کومونیزم واصول اشتراکی نیست . پس چرا حزب توده این اندازه پیشرفت کرد وتوانست عدهٔ زیادی را به خود جلب کند وافکار ضد ملی و مخالف با روح ایرانی را ترویج نماید ؟ از روی کمال انصاف و حقیقت میتوان باین سئوال جواب داد که طبقهٔ حاکمهٔ ایران بزرگترین یارویاورحزب‌توده ورفتارآن‌موجب ترویج عقاید ومرام این‌حزب‌اشتراکی بوده است .

کسانی که قضایارا بانهایت خونسردی وبیطرفی تجزیه و تحلیل میکنند واقف

براین امرشده‌اند که نودوپنج درصدآنانی که به حزب توده روی‌آورده ومرام‌وعقیدهٔ منتشرشدهٔ آن را قبول کردند تنها منظورشان اصلاح جامعه و کوتاه کردن دست طبقهٔ حاکمه وتأمین عدالت اجتماعی‌ومبارزه بافسادبودوهیچگاه طالب‌قبول‌اصول‌اشتراکی‌و اطاعت کورکورانه‌ازسیاست خارجی نبودند. آنها خواستار بهبودوضع مردم‌ایران بودندو قسمت‌عمده‌شان‌هم‌حتی‌متوجه نبودند که پیشوایان‌حزبی آنهارا بدنبای کومونیزم‌رهبری‌میکنند.

وقتیکه حزب توده بهواخواهی‌دادن امتیازنفت شمال درخیابانهای تهران‌نمایش میداد وهنگامیکه بطرفداری ازتجزیه طلبی پیشه‌وری قیام‌کرد بیشتراعضای‌حزب‌توده ازروش حزبی‌منزجرگشته واگرراه دیگری داشتند بطورقطع ازآن حزب برای ابد کناره‌گیری میکردند. ولی‌متأسفانه طبقهٔ حاکمه حتی‌منافع خودرا هم درنظرنگرفت وبااحزاب‌مترقی‌ووطن‌پرست ستیزه کردوآنهارا متلاشی‌نمود وچون‌درآنموقع نمیتوانست سازمان حزب توده‌را درهم‌ریزد میدان رابرای نموو‌پیشرفت‌آن حزب فراهم ساخت. همه میدانند که حزب توده روی‌نومیدی وحرمان افرادی که دستشان ازهمه‌جا کوتاه و راهی برای‌مبارزه جزازطریق حزب توده نداشتند نمو کرد. بیشترآنانیکه بحزب‌توده گرویدند مصداق شعرحافظ بودند که میگوید:

«ما باین‌درنه پی‌حشمت وجاه‌آمده‌ایم از بد حادثه اینجا به پناه آمده ایم»

چه بسیارجوانان پاك سرشت پرشورکه هیچ راهی‌رابرای رسیدن بمقصود نمیدیدندو فریب رهبران حزب توده را خورده به‌پشتیبانی‌آن حزب برخاستند وهمینکه بآن‌حزب وارد شدند تحت تأثیرتبلیغات وسازمان حزبی قرارگرفته وبدون اراده وکورکورانه اوامررهبران‌آن حزب‌را اطاعت کردند وبعدهم‌پشیمان‌شدند.

دیری نگذشت که حزب‌توده غیرقانونی‌شناخته شد وعملیات‌آن مخفی‌وزیرزمینی گشت. بسیاری ازمتفکرین ومجربین که فعالیت‌احزاب‌کومونیستی‌را درسایرنقاط‌جهان دیده‌اند میدانستند که اهمال دراصلاح امورموجب خواهدشد که سازمان‌آن وسیع‌تر و عملیات زیرزمینی‌آن‌دامنه‌دارتر گردد وچندسال بعد معلوم‌شد که فعالیت زیرزمینی‌حزب مزبورچه‌سازمان وسیع وخطرناکی‌را میتواند ایجاد نماید. این‌روزها دولت بانهایت جدیت درصدد میباشد بهرقیمتی‌شده است سازمان حزب توده را ریشه‌کن کند وتوفیق بسیاری‌هم حاصل کرده ولی‌بازمتفکرین میترسندآیا چنین اقدامی کافی‌است؟ وآیا بهتر نخواهد بود اگرریشهٔ‌فسادرا که دائم ناراضی‌تولید میکند اززمین برکند وبرای‌همیشه ازمیان برد؟

پرسش مهم

همهٔ ترقیات وپیشرفتهای بشرروی امتحان وآزمایش‌بوده‌است. آنهائی که توجه واعتنائی بآزمایشهای‌گذشته نداشته‌اند زیان‌دیده ودیگرانی که بادقت ازآزمایشهاپند واندرزگرفته‌اند کامروا وکامیاب شده‌اند. تجربه ثابت‌کرده است که با زور و فشار وحبس وتبعید وحتی باکشتن ونابودکردن نمی‌توان عقیده وایمان گروهی‌را که یابغلط ویابه درست پیروآن شده‌اند ازمیان برد.

امروز در غالب‌کشور های جهان حزب‌کومونیست وجود دارد و احزاب مترقی

دیگر با آن مبارزه میکنند . تجربهٔ طولانی ثابت کرده است که بهترین راه مبارزه باچنین حزبی این است که باید حربه را از دست آن گرفت وزمین مناسبی که تخم کومونیزم درآن بآسانی میروید باانجام خواسته های حقیقی ومشروع مردم شخم زد و بی اثر ساخت .

شبهه را قوی گرفته وفرض کنیم که حزب توده ریشه کن شده ودیگر اثری از سازمان آن باقی نخواهد ماند. آیا کسانی که ازدستگاه امروز ناراضی ودلخون هستند ساکت خواهند شد؟ آیا درقرن بیستم میتوان عقاید وافکار تند وحاد را ازمیان برد ودرموقعیکه نیمی از جمعیت بشر پیرو عقیده وایمانی شده اند آنرا نادیده گرفت ؟ اینها پرسشهای مهمی است که همهٔ متفکرین وعقلا میکنند ومتأسفانه جوابهای قانع کننده ای باین سؤالات منطقی داده نمیشود . راه وروش منطقی وعاقلانه آن است که نارضایتی وناامیدی را ازمیان برد تا محیط آماده برای نمو عقاید تند وانقلابی نباشد .

اگر کسی - ازخودی و بیگانه - اندك امیدی داشته باشد که مفسدین و مغرضین قدمی برای اصلاحات بردارند بسیار دراشتباه است واگرهم تصورشود که طبقات فهمیده ووطن پرست وخیرخواه واصلاح طلب دست روی دست گذاشته و ساکت بنشینند و از مبارزهٔ بافساد صرف نظر نمایند آنهم امری است محال . پس راهی باید درپیش گرفت که این معمارا حل کند وبطورقطع سرنوشت این کشور ومردم درجوابی خواهد بود که باین پرسش ها داده خواهد شد .

یك اصل مسلمی هست که باید هرچه زودتر بآن تسلیم شد وآن این است که مبارزهٔ شدید وسخت برعلیه فساد ونادرستی واستثمارهمواره ادامه خواهد داشت و هرروز وهرساعت که برعدهٔ باسوادان این کشور افزوده میشود صف مبارزین قوی تر ونیرومندتر خواهد شد . ایرانی مانند همهٔ ملل ستمدیدهٔ جهان درصدداست که حق خود را بگیرد ودیر یازود وبامساعدت وگذشت زمان بحق خود خواهد رسید و شاید خیلی زودتر ازآنچه انتظارمیرود بحق خود نایل گردد .

ارتباط مقدمه با اصل کتاب

شاید بعضی ازخوانندگان پس ازخواندن مقدمهٔ فوق تصور کنند که ذکرمختصر تاریخ سیاسی واقتصادی واجتماعی ایران درنیم قرن اخیر مناسبتی بامتن کتاب ندارد ولی چنین نیست زیرا نفت امروز بزرگترین ومهم ترین صنعت ایران است و درگذشته نقش بزرگی درزندگی سیاسی واقتصادی ما داشته است و درآینده هم بی شك عامل بسیارمؤثری خواهد بود که ارتباط بسیاری باسیاست و اقتصاد واجتماع کشور خواهد داشت . این مقدمهٔ مختصرذهن خواننده را حاضرمیکند که تحولات گذشته را بامتن کتاب تطبیق نموده ونتیجهٔ بهتری حاصل نماید .

مطالب این کتاب

درضمن خواندن این کتاب خواننده باطلاعات و نکاتی برخواهد خورد که شاید درکتاب های دیگر نخوانده باشد و مطالبی را خواهد دید که باآنها سابقه نداشته است. انتقاداتی که شده همه متکی بدلیل ومدرك است وهیچگونه نظری بافراد نبوده

وقصد عیبجوئی یا تحسین از کسی نبوده است . منظور اصلی این بوده که بی‌اطلاعی وجهالت متصدیان را متذکرشده وراهنمائیهائی برای آینده بنماید .

شاید این کتاب مفصل شده وازحوصلهٔ بعضی‌ازخوانندگان بیرون باشد ولی‌سعی شده است که هرفصلی شامل مطالب جداگانه باشد و فصول کتاب بقسمتهای کوچکتر تقسیم شده که هرخواننده مطلبی را که مد نظردارد بآسانی بیابد .آنچه درین کتاب نوشته شده و اینك تقدیم خواننده میشود خلاصه‌ای از مشهودات و اطلاعاتی است که درطی سی‌سال متمادی جمع آوری شده است و نتیجه‌ای که از اطلاعات مزبور برای نویسنده حاصل شده این است :

« ایران باید بدست مردمان درستکار وفداکار وباایمان ومیهن پرست و مردم دوست اداره شود وتنها راه رستگاری این‌است که‌ازشر" ستمگران‌واستثمارکنندگان رهائی یابد و اینهم میسر نخواهد شد مگر اینکه مردم درامر حکومت دخالت یابند وحکومت مردم برمردم بمعنای واقعی‌آن ظهورکند . »

تهران اسفند ۱۳۳٤ خورشیدی

یاد آوری

لابد خوانندگان بخاطر دارند که در دورهٔ شاه فقیدازروی کمال واقع بینی خط بطلان بر تمام الفاظ والقاب وعناوین پوچ وبی معنی مرسوم در زبان فارسی کشیده شد ولی متأسفانه چندی است که‌دوباره آن کهنه‌پرستی بی‌بنیادگاه بگاه خودنمائی میکند وموجب انزجار و تنفر علاقمندان باصول ساده نویسی رافراهم میسازد. نگارنده که حتی پیش از حذف والغای رسمی وقانونی آن عنوانها هیچگاه خود را بآن قیود زاید وبیفایده پای بند نمیدانست اکنون‌نیز در تحریر وتألیف این کتاب بهمان روش پیشین‌رفتار کرده‌حتی از ذکر عنوان ترکی «آقا» و کلمهٔ عربی «جناب» خودداری نموده وفقط بذکر اسامی کفایت‌ورزیده است. البته‌هرکس میداندکه هیچ شخصی بااین الفاظ توخالی با نام و نشان نخواهد شد ولی درعین حال ازکسانی‌که باز هم بهمان عنوانها ولفاظی‌ها دلخوش دارند از عدم ذکر آن‌کلمات پوزش میخواهم.

تذکر

چون قسمتی ازمندرجات این کتاب مأخوذ از منابع اروپائی بوده برای حفظ امانت در ترجمه تاریخهای فرنگی عیناً نقل شده است ودرپاره‌ای موارد هم فرصتی برای تطبیق آنها باتاریخهای شمسی بدست نیامده وتصور میرود بطور کلی تطبیق آن ازنظر صحت مطالب شاید چندان لازم نبوده است. بنابراین ازاین تسامح که درنتیجهٔ تسریع دراتمام کتاب صورت گرفته پوزش میخواهم وانتظار دارم که در صورت لزوم خوانندگان خود قبول زحمت نموده باتاریخهای شمسی هجری تطبیق نمایند.

فصل اول

پیش گفتار

بخش نخستین- پیدایش نفت

بخش دوم - نفت در گذشته و تاریخچهٔ آن

بخش سوم - کشف نفت در قرن نوزدهم

بخش چهارم - اهمیت اقتصادی نفت

بخش پنجم - اهمیت سیاسی نفت

بخش ششم - منابع عمدهٔ نفت جهان

بخش هفتم - ذخایر نفت جهان

بخش هشتم - محصول کنونی نفت در کشورهای جهان

فصل اول

پیش گفتار

موضوع اصلی کتاب چنانکه معلوم است گفتگو از نفت ایران وجریان امور نفتی درظرف پنجاه سال اخیر می باشد. البته این اصل مطلب است ولی ازآنجائی که هیچ موضوعی بدون ذکر مقدمه کامل نخواهد بود وحتی درپاره‌ای‌مواردمقدمه شرط اول درك ذی‌المقدمه بشمار میآید لذا لازم آمد که بعنوان مقدمه و بمنظورشناسانیدن‌اهمیت نفت در دنیای امروز وسیر تکاملی این اکتشاف عظیم و تأثیر آن در پیشرفت تمدن بشری مطالب چندی در بارهٔ کلیات نفت وترتیب و پیدایش وطرزاستفادهٔ ازآن بطور موجز وفهرست مانند نگاشته شود تاخوانندگان پس‌از مطالعهٔ این مقدمهٔ ضروری‌از موضوع ذی‌المقدمه یعنی تاریخ‌پنجاه سالهٔ نفت در ایران‌بطرزعمیق ودقیق‌واقف‌شوند.

البته درذکر شرح کلیات حتی‌الامکان باختصار پرداخته شده وفقط به‌تذکررؤس مسائل که اطلاع برآن ضروری مینمود اکتفاء گردیده است.

بخش نخستین - پیدایش نفت

نفت ازچه ترکیب شده وچگونه بوجودآمده است ؟ پاسخ باین‌پرسشها وتحقیق درتکوّن وکیفیت پیدایش نفت برعهدهٔ علم شیمی‌است که بطورکلی دراین‌بحث میکنند که اشیاء ازچه ساخته شده‌اند و خواص آنها چیست ؟ چطورمیتوان آنها را ترکیب کرد؟ چگونه‌میتوان‌آنها را ازیکدیگرتجزیه نمود ؟ وبه چه نحو میتوان یکی‌را مبدل بدیگری ساخت؟ علم‌شیمی تقسیمات وشعبات مختلفی‌دارد ولی عموماً آنرابدوقسمت‌مهم تقسیم کرده‌اند یکی شیمی آلی[1] ودیگری شیمی‌معدنی یاغیر آلی[2]. شیمی‌آلی دربارهٔ موجودات زنده (چه‌نباتی وچه‌حیوانی) بحث میکند مانند شکر وگلیسیرین که ازمواد جاندارنباتی وحیوانی بدست میآید ودرشیمی غیرآلی موضوع گفتگو اشیاء وموجوداتی هستند که حیات ندارند مانند فلزات ـ گوگرد ـ گچ ـ اسید های گوناگون و گازهای مختلف.

دربارهٔ نفت و پیدایش آن دو عقیدهٔ مختلف وجود داشته باین قسم که بعضی از دانشمندان‌نفت‌را ازمواد غیرآلی تصورمیکردند ومعتقد بودند که این‌مادهٔ غلیظ سیاه‌رنگ

---

(1) organic (2) inorganic

دراثرفعل وانفعال شیمیائی پدیدآمده است . بعضی دیگر از علمای متخصص بر عکس نفت‌را جزء موادآلی‌میدانند ودرایام اخیر این‌نظریهٔ دوم‌طرفداران بیشتری پیدا کرده است . هوا خواهان عقیدهٔ آلی بودن نفت میگویند در ظرف اعصار بسیار طولانی (که‌مدت آنرا چهار صدملیون سال تخمین‌زده‌اند) انقلابات عظیمی درسطح کرهٔ زمین، رویداده‌ودریاهاودریاچه‌ها ومردابها وباتلاقهاباخاك وسنگ‌وشن مستور گشته وگیاه‌ها وحیوانات وجانورانی که درآنها میزیسته درزیرهزاران تن سنگ وشن وخاك مدفون شده وپوسیده و بصورت مایع چرب غلیظی درآمده که ما آنرا نفت مینامیم و درواقع نفت خام چیزی جزلاشهٔ گندیده آن جانوران وتفالهٔ نباتات دریائی نمی‌باشد .

زمین شناسان میگویند ازآغاز پیدایش زمین تا بحال پیوسته وضع کرهٔ ارضی درحال تغییر وتحول بوده‌است . گاهی دراثرفشارقسمتی ازسطح‌زمین بالا آمده وگاهی برخی‌ازقسمتها فرورفته‌اند . هنگامی که زمین فرورفتگی پیدامیکرد جنگل‌ها ودرختان وحیوانات زیردریاها ودریاچه‌هائی که بوجود می‌آمد غرق‌شده‌اند ووقتی که زمین بالا می‌آمده تپه‌ها وکوهها ایجاد میگشته‌اند . انفجارکوه های آتش فشان ـ تغییر سیر رودخانه‌ها ـ خشک شدن وپدیدآمدن دریاها ودریاچه ها وجزیره‌ها وامثال‌آن باعث میشده که درنتیجهٔ انقلابات و تحولات مزبور گیاه ها و حیوانات زیر خاك بروند و موجودات‌آلی بوسیلهٔ عکس‌العملهای شیمیائی بصورت جدیدی درآیند .

علمای شیمی وزیست‌شناسان معتقدندکه علاوه برسلولهای عادی‌که احتیاج بهوا دارند پاره‌ای‌موجودات بسیارریزدیگرهم هست‌که بدون احتیاج بهوا میتوانند زندگی کرده وعملیات حیاتی‌خود را ادامه دهند . بعقیدهٔ آنها پس ازآنکه موجودات حیوانی ونباتی زیردریاها مدفون‌گشتند ذرات جانداری موسوم به باکتری[۱] در آنها رخنه کرده‌اند وعکس‌العمل‌آب ونمك وگل تأثیرشیمیائی خودرا نموده وبتدریج آنهارا مبدل به نفت کرده است .

اکنون که طریقهٔ پیدایش‌نفت تاحدی معلوم‌شد مختصری هم بوضع مدفون ماندن نفت دراعماق زمین وظهور وپیدایش‌آن درروی سطح زمین اشاره میشود .

گفتیم که مادهٔ نفت بعقیدهٔ بسیاری ازدانشمندان عبارت ازلاشهٔ حیوانات و تفالهٔ نباتاتی‌است که درکف دریاها ودریاچه‌ها ومردابها مدفون‌گشته‌اند . حال باید دانست که بمرور زمان‌آب رودخانه‌ها وسیلابها وامثال‌آن‌مقدارزیادی‌شن وخاك‌وسنگ‌ریزه با خود راه میاندازد و بدریاها ودریاچه ها فرومیریزد . این خاك ها وشنها وسنگها پس ازقرنهای متمادی متحجرمیگردد ودراثرتغییرات سطح زمین فرورفتگی‌های زمین مبدل به‌برآمدگی‌میشود . حال اگرطبقات متحجری که نفت زیرآن مانده دارای منافذی باشد نفت ازآن‌منفذها خارج میشود وبهدرمیرود واما اگربالعکس طبقات متحجرروی نفت منفذ نداشته باشد نفت درزیرزمین محفوظ میماند .

طبقه‌ای که نفت درآن تکوین شده وجا گرفته است بیشترسنگهای‌آهکی وشنی می‌باشدکه منفذ دار است و درسوراخهای ریزآن نفت انبارمیشود ونباید تصور کرد

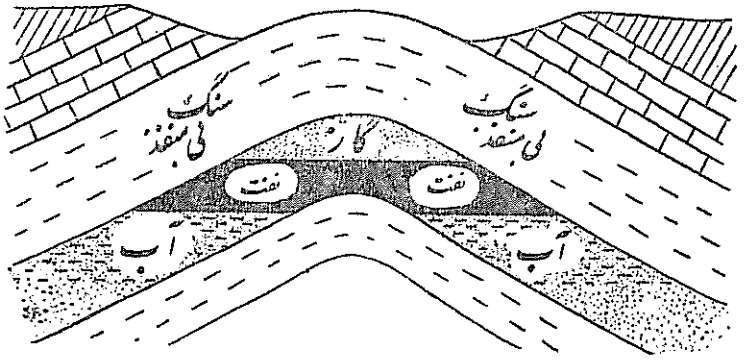
---

[۱] Bacteria

که درزیرزمین حفره های وسیع وانبار های بزرگی یافت میشود که نفت درآن جای گرفته است . بطور کلی نفت وآب و گاز که هرسه باهم درمجاورت یکدیگرهستنددرمیان صخره‌ها وطبقات منفذدار قرار میگیرند باین ترتیب که بتناسب سنگینی وسبکی وزن طبیعی این‌سه ماده، آب که ازهمه‌سنگین‌تراست درزیر می‌ماند ونفت و گاز دربالای آب قراردارد . گاز، گرچه با نفت توأماً تولید میگردد، اماچون گازاز نفت سبکتراست یا با آب مخلوط میشود ویااینکه دربالای سطح نفت جای می گیرد .

بعضی اوقات درنتیجهٔ فشارها وجنبش‌های زیرزمین طبقه‌ای که زیرآن صخره‌های نفتی است بالا می‌آید و آشکار می گردد وبساهم اتفاق میافتد که طبقهٔ نفتی‌هم بسطح زمین میرسد ودراین صورت دراثرتماس باهوا وآفتاب مواد فرّار نفت می‌پرد و مواد غیرفرّارآن روی زمین باقی می‌ماند که نمونهٔ آن‌همان قیرهای معمولی موجود درسطح پاره‌ای اراضی می باشد . درپاره‌ای مواقع هم منافذی دراثرعوامل طبیعی دراماکن نفتی وطبقات فوق معادن نفت پدید میآید وبا فشارگاز مواد نفتی ازآن منافذ بیرون جسته بسطح زمین روی میآورد واین‌همان تراوش‌های نفت و گازاست که دربعضی نقاط مشاهده می گردد وچه بسا که از این شکافها همهٔ نفت ذخیره شده خارج گشته وبهدر میرود . ازاین رو دانشمندان متخصص نفت براین‌عقیده‌اند که نفت موجود دراعماق زمین قسمت کوچك ازمقدار نفتی است که طبیعت درظرف ملیونها سال تکوین نموده و قسمت عمدهٔ آن دراثر پیدایش منافذ از زیرقشرها بیرون جسته وبهدر رفته است .

قبلاً اشاره شد که مواد نفتی بطورطبیعی درقسمت تحتانی زیر زمین قرارمیگیرد وآب درزیر و گاز و نفت درقسمت فوقانی آن میماند ولی‌چه بسا که دراثرفشارها وجنبش های تحت‌الارضی تغییراتی روی می‌دهد و صخرهٔ نفتی چین خورده وشکل کاسهٔ وارونه یا گنبد را پیدامیکند .



نفت در زیر زمین

دراین حال فشاری که از دو طرف باین طبقهٔ چین خورده وارد می‌آید موجب میشود که نفت درقسمت های بالا واطراف دیواره های کاسه جایگیرشود (به تصویر بالا رجوع شود) وآب درزیرآن بماند و گازهم در بالای نفت قرارگیرد وغالب معادنی که

تا کنون کشف شده بشکل همین کاسه های وارونه و گنبدها میباشد .

دراستخراج نفت از نظر بازرگانی واقتصادی سه عامل عمده پیوسته مورد توجه است ازاینقرار :

۱ـ غلظت نفت ودرجهٔ سرعت جریان آن بسطح زمین .

۲ـ کثرت ویاقلت منافذ قشرهای نفتی از نظر بیرون دادن نفت .

۳ـ فشار گاز ازحیث کمك بخارج شدن نفت از زیرزمین .

حال اگر فشار گاز طوری باشد که نفت بسهولت بالا بیاید البته استخراج آن معدن کم خرج و باصرفه است واگر نباشد یافشار کم باشد باید باکمك تلمبه نفت را ازچاه بیرون کشید که هزینهٔ آن زیاد است. درپاره‌ای موارد که فشار گاز کافی برای بالا بردن نفت نبوده آب و گاز را بداخل قشرهای نفتی وارد می کنند ولی این عمل همیشه مقرون بصرفه نیست بهرحال مقدار نفتی که با گاز و یا با تلمبه استخراج میشود تقریباً یك پنجم نفتهائی است که درزیرزمین موجود است و چهار پنجم آن فعلا قابل استخراج نیست مگر اینکه درآینده پیشرفت علم و دانش وسایل فنی را تکمیل نماید وموجبات استخراج بقیه را نیز فراهم سازد .

بخش دوم ـ نفت درگذشته وتاریخچهٔ آن

۱ـ درخاورمیانه

قدما نفت را می‌شناخته و بعضی ازموارد استعمال آنرا میدانستند . درکشورهای خاورمیانه که جنگل های انبوه کم بود و تراوش نفت روی زمین ازکشور های دیگر بیشتر نمودار می گشت مردم آن نواحی زودتر ازدیگران به کشف نفت وفواید آن پی بردند برعکس دریونان وروم وسایر کشور های اروپا که مردم درسرزمین پرجنگل ومستور ازبوته وچمن میزیستند سوخت خود را بازغال چوب تأمین میکردند وصمغ‌های درختی بجای نفت و قیر حوائج آنها را مرتفع می‌ساخت . ازآنرو درکتابهای تاریخی آسیا وشمال افریقا نام نفت وموارد استعمال آن بسیار دیده میشود ولی ازرواج وشیوع نفت دراروپای آنروز خبری نیست .

درسفر پیدایش ازکتاب توراة باب ششم آیهٔ چهاردهم خطاب به نوح پیغمبر مینویسد :ـ « پس برای خودکشتی از چوب کوفر بساز و حجرات درکشتی بنا کن و درون و بیرونش را بقیر بیندا » .

درسفر خروج ازکتاب توراة باب دوم آیهٔ سوم راجع بتولد موسی می نویسد : « وچون نتوانست اورا دیگر پنهان دارد تابوتی از نی برایش گرفت و آنرا بقیر و زفت اندوده طفل را درآن نهاد وآنرا در نیزار بکنار نهر گذاشت.»

کاوشهای باستان شناسان درکشور عراق نشان داده که از چهارهزارسال پیش

از میلاد مسیح ملات قیر درعمارات وابنیه بکار میرفته است. هرودوت [۱] مورخ یونانی می نویسد سنگ فرش کف باغهای معلق بخت‌النصر با قیر معدنی بندکشی شده بود ومردم بابل استخرها وراه های آب و سدهای خودرا باقیر بندکشی می کردند همچنین بنا بگفتهٔ مورخین در بابل جاده ها را آجرفرش میکردند و با قیر بندکشی می‌نمودند تا تحمل ارابه های سنگین را داشته‌باشد.

مصریان از اسفالت و قیر ایران وفلسطین برای مومیائی کردن اجساد استفاده مینمودند و بعضی از ملل خاورمیانه فرآورده های نفتی و بخصوص قیر معدنی‌را درسحر وجادو بکار می‌بردند و گاهی هم بت های کوچك و بزرگ ازآن‌میساختند. بحرالمیت فلسطین یکی از نقاطی بود که ازآن قیر بدست میآمد وبقرار معلوم از کف دریاچهٔ مزبور تکّه های بزرگ قیر روی‌آب میآمد و مردم آنرا جمع کرده و ازآن استفاده مینمودند.

یونانیها فقط در قرن هفتم میلادی نفت‌را درمیدانهای جنگ بکار میبردند و اسلحه‌ای داشتند که‌آنرا «آتش مدی‌ها» میخواندند. این اسلحه در زمان هراکلیوس [۲] امپراتور بیزانس [۳] اختراع شد بقسمی که نفت پس‌از تماس بارطوبت مشتعل میگشت. عربها (مسلمانان) دومرتبه قسطنطنیه را محاصره کردند و هردو مرتبه حملهٔ آنان بوسیلهٔ آتش اندازهای نفتی دفع شد. درسال ۹۴۱ میلادی هنگامیکه ناوگان روسی مرکب از هزار کشتی به‌محاصرهٔ قسطنطنیه آمد رومیها نفت‌روی آب دریا ریخته‌آتش زدند و کشتیهای روسی را سوزانده آنانرا بدینوسیله مغلوب ساختند.

۴ـ در ایران [۴]

کاوشهای باستانشناسان محقق داشته‌که از زمان سومریان (پنج الی شش هزار سال پیش) درشوش قیر مورد استفاده بوده باین قسم‌که قیر را بجای ملات بین سنگها وآجرهائی که درعمارات کار میکردند استعمال می کردند وهم‌چنین جواهرات‌را بوسیلهٔ تیکه های قیر نصب می کردند و دسته های چاقو وامثال آنرا با قیر مستحکم‌میساختند وکشتی‌ها وظروف سفالین را با قیر میاندودند تاآب بآنها سرایت نکند.

واما ریشهٔ کلمهٔ نفت درزبان فارسی بطور تحقیق معلوم نیست از چه‌زبانی‌اقتباس شده است. پروفسور هرتزفلد [۵] و پروفسور بیلی [۶] کلمهٔ نفت را از فعل «ناب»

---

(۱) Herodotus معروف پدرتاریخ درقرن پنجم پیش‌ازمیلاد درآسیای صغیر بدنیا آمد واز آن‌جهت یونانی تبعهٔ‌ایران بود زیراآسیای‌صغیردرآن‌ایام‌جزء مستملکات ایران‌محسوب‌میگشت. هرودوت قسمتی از دنیای معلوم‌آنروز ازآن‌جمله مصر وبابل وشوش‌رادیده ودرتمام جزایریونان سیاحت‌کرده ومشهودات خودرا بصورت تألیف درآورده‌است که‌قدیمی ترین وصحیح‌ترین منابع تاریخ میباشد.

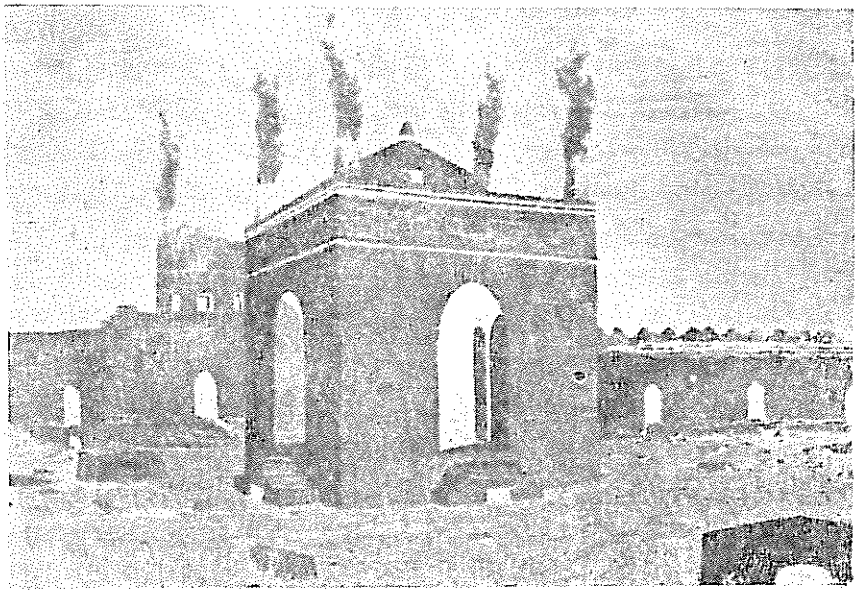
(۲) Heraclius (۳) Byzantine

(۴) درسال ۱۹۳۸ دکتر لاکهارت Dr. L. Lockhart مقاله‌ای دربارهٔ تاریخ نفت‌ایران تا قرن بیستم «درمجلهٔ La Revue Petrolifière فرانسه منتشرکرد که قسمتی‌ازآنچه دربارهٔ تاریخ نفت‌درایران دراینجاذکرشده ازآن‌مقاله اقتباس شده‌است.

(۵) Professor Hertzfeld (۶) Professor Bailey

فارسی بمعنی رطوبت داشتن دانسته‌اند و گفته‌اند که در زبان اوستائی «نپتا» بوده و کلدانیها و یهودیها و عربها آنرا از زبان مدیها گرفته و «نفتا» خوانده اند. مسیو دورم[۱] فرانسوی رئیس مدرسهٔ علوم عالی پاریس مدعی است که اکدیها[۲] کلمهٔ نفت‌را ازفعل «نپتو» بمعنی افروختن گرفته‌اندو بعدها این کلمه در زبانهای آسوری و بابلی بکار برده شده‌است. آنچه مسلم‌است در اوستا نفت بمعنای روغن معدنی آمده‌و در دورهٔ هخامنشیان نفت برای روشنائی ومقاصد طبی استعمال میشده است.

ایرانیان که آتش‌را جزء عناصر مقدس دانسته احترام می‌کردند گاز نفت‌را که در پاره‌ای‌جاها اززمین‌خارج میشد مشتعل کرده و چون همیشه میسوخت در نظر آنان «آتش جاودان» بشمار میآمد وآنرا بزبان پهلوی «اخواریشنیك» مینامیدندودر نقاطی که این آتش دیده میشد آتشگاه بنا می‌کردند ودر اران (بادکوبه) ودامغان و بلخ و مسجد سلیمان اینگونه آتشکده‌ها وجود داشته است.



آتشکدهٔ سوراخان در بادکوبه

یاقوت[۳] در مجمع البلدان از قول جهانگردی نقل می‌کند که درمحلی‌موسوم

---

(۱) Monsieur Dhorme مدیر مدرسهٔ Ecole des Hautes Etudes

(۲) اهالی‌شهر «اکد» که درقلمرو نمرود ویکی‌ازشهرهای بابل بوده‌است Akkadians

(۳) یاقوت‌بن عبدالله حموی‌اصلا ازاهالی یونان بوده‌است وبرا باسارت‌گرفته‌مانند بردگان فروختند. مولای یاقوت تاجری بود که‌غلام خودرابرای‌مسافرت بنقاط دوروزدیك تربیت‌کرد واغلب اورا بخلیج فارس برای‌امور بازرگانی میفرستاد. پس‌ازمرگ ارباب خود یاقوت بسیاری ازکشورهای خاورمیانه مسافرت‌کرد و بعد شغل‌کتابفروشی را درشهر حماه از شهرهای سوریه پیش‌گرفت و کتاب معجم‌البلدان که مهمترین کتاب جغرافیائی اسلامی‌است تألیف نمود. چون‌بیشتراوقات درشهرحماه‌میزیسته اورایاقوت حموی میگویند. یاقوت درقرن هفتم‌هجری میزیسته ودرحلب وفات کرده است.

به «شیز» واقع درآذربایجان (ظاهراً محل مزبور میان مراغه وزنجان است و اکنون آنرا تخت سلیمان میخوانند) آتشکده‌ای بود که از هفتصدسال پیش درآنجا «آتش جاودان» فروزان بوده‌است. سپس یاقوت تعجب می کند که پس‌ازهفتصدسال آتش‌سوزی کمترین اثری از خاکستر درآنجا مشهود نیست.

هرودت درتاریخ خود راجع به‌نفت ایران چنین می‌نویسد :

« در ۲۲ کیلومتری شوش محلی است که «اردریکا» نام دارد. دراینجا چاه ـ هایی‌است که با چرخ و خیک ازآن نفت و قیر ونمك بیرون آورده در مخزن میریزند و پس‌از چندی قیر ونمك ته‌نشین میشود ونفت بشکل مایع باقی میماند.»

درجای دیگر همین هرودوت ضمن داستان محاصرهٔ شهر آتن ازطرف ایرانیان چنین می نویسد :

« ایرانیان از روی تپه‌ها قیرهای فروزان بسنگر های یونانیان پرتاب‌میکردند ومعلوم است که تیرها آلوده به نفت بوده وگرنه هنگام پرتاب سریع خاموش میشده‌است» .

پلوتارك [۱] درشرح حال اسکندر می‌نویسد : « هنگامی که اسکندر ازکشور بابل میگذشت دریکی از شهرهای استان اکباتان مردم برای خوش‌آمداسکندر نفت را روی‌جاده‌ها میریختندوآتش‌میزدند تاشعله‌های فروزان آن‌موجب‌مسرت‌اسکندر گردد» ولی ظاهراً پلوتارك در تعیین اسم محل اشتباه کرده زیرا استان اکباتان جزء کشور بابل نبوده وشاید مقصود پلوتارك ناحیهٔ نفت‌خیز کرکوك وموصل بوده است. درهرحال‌این‌مدارك تاریخی میرساند که‌درایران وکشورهای مجاورآن نفت‌ازدیرزمانی وجود داشته ومردم این ممالك بانواع مختلف حتی برای جشن وآتش بازی از آن استفاده می کردند.

فردوسی درشاهنامه ضمن داستان بستن سد یأجوج ومأجوج توسط اسکندر و چگونگی ساختمان‌آن از نفت نیز نام‌برده چنین‌میگوید :

ز هر کشوری دانشی شد گروه	دو دیوار کرد از دو پهلوی کوه
ز بن تا سر تیغ بالای اوی	چو صد ارش کردند پهنای اوی
ازاو یك‌رش انگشت وآهن یکی	پراکنده مس در میان اندکی
همی ریخت گوگردش اندر میان	چنین باشد افسون و رای کیان
همی ریخت هرگوهری یك رده	چو از خاك تا تیغ گشت آژده
بسی نفت و روغن بیامیختند	همی بر سر گوهران ریختند

و نیز در طی داستان رزم اسکندر با هندیها راجع باستعمال نفت‌چنین میگوید:

نشستند دانش پژوهان بهم	یکی چاره جستند بر بیش و کم
یکی انجمن کرد از آهنگران	هرآنکس که بودند ازیشان سران

---

(۱) Plutarch مورخ یونانی‌که درقرن دوم‌میلادی زندگی میکرد وپس‌ازمدتی توقف دررم ومسافرتهائی به‌کشورهای دور ونزدیك شرح حال چهل وشش نفراز بزرگان راتألیف‌کرده است‌که بسیارمشهور میباشد .

ز رومی و مصری و از پارسی — فزون بود مردان ز صد پارسی
یکی بارگی ساختند آهنین — سوارش ز آهن وزآهنش زین
بمیخ و به مس درز ها دوختند — سوار و تن و باره افروختند
بگردون همی راندند پیش شاه — درونش بیاکنده نفت سیاه
سکندر بدید آن پسند آمدش — خردمند را سودمند آمدش
باسب و به نفت آتش اندر زدند — همه هندیان دست بر سر زدند
از آتش برافروخت نفت سیاه — بجنبید از آن کاهنین بد سپاه
ز لشگر برآمد سراسر خروش — بزخم آوریدند پیلان بجوش
چو خرطوم هاشان برآتش گرفت — بماندند از آن پیل بانان شگفت
همه لشگر هند گشتند باز — همان ژنده پیلان گردن فراز

مورخ دیگر رومی بنام آمیانوس مارسلینوس ۱ که همراه ژولین ۲ امپراتور روم بجنگ شاهپور دوم آمده چنین می نویسد :

«ایرانیان برگهای گیاه مخصوص‌را درروغن‌خیس می کردند سپس‌مایع دیگری بنام نفت برآن میافزودند . آنگاه تیرهای جنگی خود را درآن گذارده‌آتش میزدند وبطرف دشمن پرتاب می کردند ودقت می کردند کمان را آهسته رها کنند تاتیر بسرعت پرتاب نگردد وآتش آن خاموش نشود. این تیرها بهرجا میرسید ایجاد آتش سوزی می کرد وآتش آن با آب خاموش نمیشد وفقط ریگ وشن‌آن حریق‌را میخوابانند. »

دویست سال پس‌ازآن ایرانیان هنگام دفاع قلعهٔ پترا ۳ واقع در قفقاز بااسلحه های نفتی رومیان مهاجم را میراندند . پروکوپیوس ۴ مورخ بیزانس در تاریخ آن جنگها چنین مینویسد :

« ساخلوی ایرانی کوزه های بسیاری که ازگوگرد وقیر انباشته شده بودآتش زدند وبطرف‌رومیان پرتاب کردند وتوانستند بدانوسیله حریقی راه بیندازند که تقریباً همه چیز را سوزاند . »

درکتاب « دربند نامه » ۵ آمده که المعتمد خلیفهٔ عباسی درسال ۲۷۲ هجری مالیات چشمه‌های نفت ومعدنهای نمك بادکوبه را باهالی دربند قفقاز بخشید .

---

(۱) Ammianus Marcellinus آخرین مورخ مشهور روم‌که درقرن چهارم میلادی زندگی میکرده‌است . وی‌تاریخ عهد خودرا بانهایت دقت‌درسی‌ویك جلد نوشته‌که فقط‌هیجده‌جلدآن بمارسیده وبقیه ازمیان رفته‌است .

(۲) Julian

(۳) Petra

(۴) Procopius مورخ امپراتوری بیزانس‌که در قرن ششم میلادی میزیسته وکتابهای متعددی نوشته است وی درجنگی که رومیها بفرماندهی Belisarius با ایرانیان کردند حضورداشته‌وسمت منشی ومستشار فرماندهٔ مزبور را داشته است .

(۵) اصل‌کتاب در بندنامه بفارسی بوده وتاریخی است ازداغستان ودربند قفقاز که مؤلف‌آن ابراهیم قزوینی بوده‌است بعدها این‌کتاب بترکی ترجمه‌شده ومتن‌ترکی هم‌بزبانهای روسی وانگلیسی ترجمه شده‌است ولی‌اکنون‌ازمتن‌اصلی‌آن بزبان‌فارسی‌خبری نیست .

مسعودی [۱] خود در سال سیصد هجری بباد کوبه رفته و پس از دیدن معادن نفت آنجا چنین مینویسد :

« درآنجا چشمه های نفت سفید بود و زیردودکش‌ها «آتش‌جاودان» میسوخت وهیچگاه خاموش نمیشد .

درکتاب « حدودالعالم » ذکرشده که کلیهٔ نفت مصرف دیلمستان را ازبادکوبه می آورند .

یاقوت حموی در «معجم‌البلدان» خود راجع به نفت بادکوبه چنین مینویسد :

« بادکوبه درایالت شیروان نزدیك دربنداست . دراین شهرچشمهٔ بزرگی از نفت است که روزی هزار درهم نفت میدهد . کنار آن چشمهٔ دیگری ازنفت سفید است که مانند روغن زیبق می‌باشد وشب وروز جاری است و عایدی این چشمه هم مانند چشمهٔ اولی می‌باشد . بازرگان موثقی بمن گفت که درآنجا از یك قطعه زمین شعلهٔ آتش جاودان برمیخیزد وهیچگاه خاموش نمیشود . »

ابن‌البلخی درفارسنامه مینویسد : [۲]

« سینیز شهرکی است برکنار دریا وحصارکی دارد واین سینیز (که همان‌بندر دیلم‌کنونی است) میان مهروبان وجنابا است وجامهٔ کتان بافند سخت‌تر ولطیف‌آنرا سینیزی‌گویند اما کاشتی نکنند وجزخرما نخیزد و روغن چراغ و هوا وآب‌آن نیکو است » .

مقصود او از روغن چراغ همان نفت است که شاید از ناحیهٔ دشت قیر یادالکی بدست میآمده است .

مارکوپولو [۳] جهانگرد مشهور مینویسد :

« درسرحد ارمنستان وگرجستان چشمهٔ نفتی موجود است که مقادیر زیادی نفت ازآن بدست میآیدودریکوقت صدکشتی می‌تواند ازآن بارگیری کند . این‌روغن برای خوراك مناسب نیست ولی برای روشنائی مصرف می‌شود و شترهائی که مبتلا بامراض جلدی هستند بانفت معالجه میشوند . »

سخن‌سرای بزرگ سعدی در باب هفتم گلستان می‌گوید :

---

(۱) ابوالحسن علی‌ابن‌حسین‌بن‌علی مسعودی ازاهالی بغداد وازجغرافی نویسان ومورخان نامی قرن چهارم هجری میباشد. مسعودی تمام ایران وقسمتی‌ازافریقا و بخصوص جزیرهٔ ماداگاسکاررا سیاحت‌کرده . مهمترین تألیفات او مروج‌الذهب ومعادن‌الجواهر میباشد.وی‌ازپیروان متعصب مذهب معتزله بوده‌است .

(۲) چاپ‌لندن صفحهٔ ۱۴۹

(۳) Marco Polo ازیك خانوادهٔ بازرگان ونیسی (Venice بندرمعروف ایتالیا) بوده . پدر و برادرانش باغلب‌کشور های شرق و غرب‌آمد وشد داشتند . خود مارکوپولونیز بهمان عنوان درآسیا و افریقا سیاحت کرده و مخصوصا بقزل اردو مقرخوانین مغول رفته وکتاب سودمندی راجع باوضاع واحوال کشورهای شرق وغرب بعنوان سفرنامه نوشته‌است. وی درسال ۱۲۷۳ میلادی بایران‌سفرکرده ومشاهدات‌خودرادربارهٔایران درسفرنامهٔ خودبتفصیل ذکرکرده است .

« هندوئی نفط اندازی همی آموخت حکیمی گفت ترا که خانه نیین است .بازی نه این است . »

بازی نفت‌اندازی که سعدی بآن‌اشاره کرده‌چنان بوده‌است که‌دوطرف‌چوبی را کهنه پیچیده درنفت فرو می کردند وآتش میزدند ومی‌چرخاندند .

حمدالله مستوفی قزوینی ۱ در نزهة القلوب مینویسد :

« مومیای معادنش بسیاراست .آنچه درایران است معدن بدیه آبی از توابع شبانکاره کوهی است که ازاو قطرات فرو می‌چکد و چون موم منجمد می گردد وآنرا موم‌آبی گفته‌اند . مومیائی اسم علم‌آن شد . معدن دیگر بدیه صاهك ازتوابع ارجان فارس. معدنی بحدود موصل نفط‌معادن‌بسیاردارد ودرایران زمین بزرگترش‌معدن باکویه است وآنجا زمین چاه‌ها حفر می کنند تا بزهاب میرسد .آبی که ازآن چاه ها برمیآرند نفط برسرآب می‌باشد . معدنی بحدودموصل معدن مابین بیات و بندینجین ومعدن‌دیگر ولایت معدنی مابین بخارا واشروسنه معدن بکوه اسیره ازتوابع فرغانه . »

شاردن ۲ که در اواخرقرن هفده میلادی درایران بوده چنین مینویسد :

« نفت سیاه و سفید در مازندران یافت میشودوآنرا برای رفع سرماخوردگی و روشنائی و سوخت و رنگ کردن اشیاء ومخلوط کردن آن بارنگ های دیگر بکار می برند . »

بطوریکه درتواریخ مربوط ذکرشده نادرشاه برای ترسانیدن پیل‌های‌محمدشاه هندی وسپاهیان هند ازآتش‌اندازی بوسیلهٔ نفت استفاده کرده است .

۳- در اروپا

در نوشته‌های هرودوت و ارسطو از نفت نام برده شده و کودینوس ۳ مورخ رومی می‌نویسدکه در زمان سپتیموس سوروس ۴ امپراتور روم نفت برای گرم کردن آب حمام بکار میرفت . استرابو ۵ مورخ وجغرافی نویس یونانی که در قرن اول قبل‌از میلاد میزیسته و هم چنین پلینی ۶ نویسندهٔ مشهور رومی که در قرن اول بعداز میلاد زندگی می کرده نوشته‌اندکه در جزیره سیسیل ۷ نفت را برای روشنائی استعمال میکرده‌اند. درشمال ایتالیا معادن‌گاز نفت بوده‌است که‌درسال ۱۲۲۶ میلادی شهرداری سالسومگیور ۸ شعله های فروزان آنرا بعنوان علامت شهرداری انتخاب کرده بود .

---

(۱) حمدالله مستوفی ازجغرافی‌نویسان ومورخان مشهورقرن‌هفتم هجری است . شرح‌فوق از صفحه ۲۰۷ نزهةالقلوب (چاپ اوقاف‌گب - لندن) اقتباس شده‌است .

(۲) John Chardin از جهانگردان فرانسه‌که درایام صفویه بایران آمده و سیاحت نامه‌ای نوشته است .

(۳) Codinus (۴) Septimus Severus امپراتور روم درقرن دوم میلادی

(۵) Strabo (۶) Pliny

(۷) Sicily (۸) Salsomaggiore

اولین امتیاز استخراج نفت درسال ۱۴۰۰ میلادی در میانودی مدیسانو[۱] داده شد ومورخین نوشته‌اند که درسال ۱۴۳۶ میلادی دراستان باواریا [۲] نفت را برای مصارف طبی بکار می‌برده‌اند. درسال ۱۴۹۸ میلادی‌معدن نفتی در پشلبرون [۳] کشف شد کـه شرح آنرا نوشته‌اند ودر سال ۱۵۰۶ از نفت استان گالیسیا [۴] در لهستان ذکری کرده‌اند . و بنا بگفتهٔ نویسندگان اروپائی درقرن هفده میلادی موادنفتی برای روشنائی و رنگ و روغن ومعالجات طبی دربرخی از نقاط فرنگستان معمول بوده و بیشتر آن مواد را از معدن نفت واقع در مودنا [۵] می‌گرفتند. درسال۱۸۰۲میلادی چراغ های شهر ژن [۶] وشهر پالما [۷] با نفت روشن می شده و معلوم میشودکه در اوایل قرن نوزدهم مصرف نفت برای روشنائی تاحدی عمومیت داشته است.

درسال ۱۶۲۷ میلادی نخستین دستگاه صنعتی نفت در استان آلزاس [۸] ایجاد شد باین‌معنی که فرمانروای‌آن استان باشخاصی امتیاز و اجازه دادکـه در الزاس و نواحی مجاور (تا داخلهٔ کشور هلند) نفت را استخراج کنند و برای فروش آمـاده سازند .

درسال ۱۷۴۱ میلادی نخستین شرکت نفت در پشلبرون (الزاس) تأسیس شد تا از نفت قیر تهیه کرده برای اندودکشی وچرب کردن ارابه ها ومصارف طبی بمصرف برسانند ودر سال ۱۷۴۵ درهمـان محل نخستین پالایشگاه ایجادشد. دریکی ازاوراق رسمی واداری‌پشلبرون‌که اکنون دردست است این‌جمله بنظر میخورد : « نفت‌الزاس عیناً مانند نفتی است که‌از خارجه‌واردمی کردند.»

از پرونده های تاریخی چنین معلوم می‌گرددکـه حمل و فروش نفت در قرون وسطی در اروپا معمول بوده وباحتمال قوی‌آن نفتها از معدن های رومانی وگالیسی (لهستان) استخراج می‌شده است. بنابنوشتهٔ بعضی از مورخین درورومانی نفت را برای مصارف طبی ودامپزشکی اززمان قدیم بکار می‌بردند. درسال ۱۸۵۷میلادی یعنی دو سال پیش‌ازکشف واستخراج نفت درامریکا محصول سالانهٔ نفت رومانی تـا ۲۷۵ تن رسیده بود ودر همـان سال چراغهای شهر بوخارست پایتخت رومانی با نفت روشن میشده است .

مصرف قیر دراروپا برای کارهای ساختمانی وپوشش بام وغیره ازسال ۱۷۱۲ میلادی آغاز می‌گردد چه درآنسال یك دکتر یونانی معدن قیری را در سویس کشف کرده ومحصول آنرا برای اینگونه‌کارها ترویج نمود .

---

(۱) Miano di Medisano یکی ازشهرهای ایتالیاست

(۲) Bavaria یکی ازاستانهای‌آلمان

(۳) Pechelbronn شهری است در ایالت الزاس

(۴) Galicia

(۵) Modena شهری است درشمال‌ایتالیا

(۶) Genoa بندرشمال غربی ایتالیا

۷ Palma پایتخت جزایر اسپانیولی واقع درشرق اسپانی (۸) Alsace

درانگلستان شخصی باسم توماس شرلی [۱] در سال ۱۶۶۷ میلادی گاز نفتی را که از چشمهٔ آبی خارج می‌شد مشتعل نمود ودرسال ۱۸۴۷ جیمز ینگ [۲] معدن نفتی‌را دراستان داربی شیر [۳] انگلستان استخراج نمود واین همان کسی‌است کـه بعد ها از سنگهای رستی [۴] اسکاتلند نفت درآورد ومخترع این صنعت محسوب می گردد.

۴- در خاوردور

بقرار اظهار جهانگردان پرتقالی و هلندی در نقاط مختلف خاوردور بخصوص درجزایراندونزی استعمال نفت برای مصارف‌طبی معمول بوده است و نیز مطابق‌اظهار مورخین در ۶۱۵ میلادی دراستان اشیگو [۵] ژاپن آب فروزانی موجود بوده است و درسال ۸۶۶ میـلادی مسافری مقداری نفت از جزیرهٔ ساخالین [۶] بژاپن برده بوده است که بعنوان دارو استعمال کنند. استخراج نفت بوسایل قدیمی تا یك‌قرن پیش‌هم در استان اشیگو ادامه داشته است.

احتمال کلی میرود که استعمال واستخراج نفت درکشورهای چین وبرمه‌ازچندین هزارسال پیش معمول بوده‌است بخصوص در برمه که چاه های عمیقی حفر کرده وازآن نفت بیرون میآوردند و با کشتی‌های کوچك حمل می‌نمودند. بقرار نوشتهٔ جهانگردان انگلیسی محصول سالانه نفت برمه از اواخر قرن هیجده تا اوایل قرن نوزده‌بین‌بیست هزار تا شصت هزارتن بوده است.

در ایالت سزچوان [۷] چین موقعی برای پیداکردن معدن نمك کاوش میشد و درآن اثناء به‌نفت برخوردندو گاز نفت‌را بالوله‌بمنظور روشنائی و گرمی بنقاط نزدیك معدن می‌بردند وخود نفت را باکوزه های گلی اینطرف وآنطرف می‌بردند. نکتهٔ فوق‌العاده جالب‌توجه اینکه طرز استخراج نفت درچین بـا مختصر تفاوت عینا همان طرزی است که بعدها درامریکا و جاهای دیگرمعمول گشته‌است. کشیشی بنام ایمبرت [۸] که در سال ۱۸۲۸ در چین بوده وطرز استخراج نفت را دیده طـوری شرح آن را توصیف کرده است که مطابق بااصول فنی این ایام می‌باشد.

ایمبرت می گوید چینی‌ها بوسیلهٔ مته‌هائی که بالا و پائین میرود چـاه را حفر می کنند باین‌قسم که مردان نیرومندی روی دستهٔ مته میایستند تا سر مته بلند شود و بعد ناگهان از روی دسته پائین میآیند تا مته باضربت محکم بزمین فرودآید و خاك و سنگ درون چاه را نرم کند. سپس خاك و سنگریزه را بیرون میآورند وباز همین کاررا ادامه می‌دهند تا چاه حفر شود. ایمبرت می گوید ساعتی هشتصد مرتبه این‌مته بالا وپائین میرفته‌است واین خود نشان‌می‌دهد که‌باچه‌مهارتی‌این‌کار راانجام‌میداده‌اند.

---

(۱) Thomas Shirley (۲) James Young
(۳) Derbyshire (۴) Shale
(۵) Echigo ایالتی‌است‌درژاپون
(۶) Sakhalin
(۷) Szechuan (۸) Father Imbert

حفر چاه نفت با آن وسائل البته سالها طول می کشد وعمق چاه معمولا پانصد الی ششصدمتر می‌شده و گاه هم تا هزارمتر میرسیده‌است. برای جلوگیری از ریزش اطراف چاه در وسط چاه لوله‌هائی از نی و یا تنهٔ مجوف درخت سرو توی چاه می - گذاردند و لوله های مزبوررا با پارچه می‌پوشاندند و سپس اطراف آن مواد صمغی مانند کندر رومی ومصطك (بجای سیمان امروز) میریختند که لوله تکان نخورد و برای داخل کردن لوله‌ها بدرون چاه برجها و منجنیق هائی سر چاه کار می گذاردند چنانکه امروز نیز همان‌کاررا در صنعت نفت می کنند .

۵ - درامریکا

قدیمی‌ترین اطلاعاتی که دربارهٔ نفت امریکا دردست می باشد آن‌است که کریستف کلومب [۱] در سال ۱٤۹۸ میلادی کشتی های خودرا با قیری که‌ازجزیرهٔ ترینی‌داد [۲] بدست آورده بود اندود میکرد . مشهور است که مردم کشور پرو [۳] نفت را برای ملات عمارات ومردم مکزیك آنرا برای جویدن مانند سقز بکار می بردند . سرخ پوستان کانادا نفتی را که از استان البرتا [٤] بدست میآوردند از قرار لیتری بیست دولار برای مصارف طبی می فروختند . ونیز گفته شده است که شخصی بنام پارسنز [۵] در ۱۸۱۲ نفت را درامریکا برای معالجه روماتیزم بکار می برده است . درسال۱۸۲۹مهاجرین سفیدپوست معدن نفتی درایالت کنتوکی [٦] امریکا کشف کردند که با وسائل قدیمی استخراج میشد و محصول آنرا باسم « نفت طبی امریکا » می- فروختند . درسال ۱۸٤۸ جمعی امریکائیان درکنار رودخانهٔ الگنی [۷] در ایالت پنسیلونیا [۸] برای بدست آوردن نمك چاه هائی میکندند تا آب نمك‌آنرا درآورده تبخیر کنند وازآن نمك خشك بگیرند. اتفاقاً دریکی از چاه های آب نمك مقداری‌نفت پیدا شد ومتصدیان حفر چاه نفت مزبوررا بمنظور طبی بفروش رساندند و استفادهٔ خوبی نمودند.

بخش سوم - کشف نفت در قرن نوزدهم

همینکه درقرن‌هیجدهم‌و نوزدهم میلادی‌کاردستی بکارماشینی تبدیل یافت استفادهٔ ازنفت برای روان کردن چرخ‌های ماشین مورد توجه واقع گردید . پیش‌ازآن تاریخ‌هم چرخهای ارابه را بانوعی‌مواد چرب مانند پیه گاو و گوسفند روان می کردند وچهارده قرن قبل ازمیلاد هم این نوع چرب کاری درمصرمعمول بوده و بعداً بجای چربی حیوانی چربی نباتی بکارمیرفته است .

---

(۱) Christopher Columbus
(۲) Trinidad
(۳) Peru
(٤) Alberta
(۵) Parsons
(٦) Kentucky
(۷) Alleghany
(۸) Pennsylvania

پس از نهضت صنعتی اروپا تامدتی ماشین‌های بخار را باچربی‌حیوانی وماشین‌های بافندگی را باچربی نباتی (روغن‌زیتون) روان می کردند ولی بعداً معلوم شد که اسیدهای موجود دراین‌نوع مواد بآهن وفولاد ماشین‌ها زیان بسیار میرساند وازآنرو بفکر استفاده ازمواد نفتی برآمدند . در اوایل قرن نوزدهم احتیاج باده‌ای که برای روشنائی‌سهل‌وساده باشد وچربی‌معدنی که‌چرخهای‌ماشینهارا روان نگاهداشته وبی‌زیان باشدگروهی‌را بفکر انداخت که ایندو احتیاج را باکاوش واستخراج نفت رفع نمایند .

درسال ۱۸۳۳ میلادی یکی ازدانشمندان ونویسندگان امریکا موسوم به دکتر بنجامین سیلی من [۱] مقداری نفت خام را درآزمایشگاه خود تقطیر کرده ودریافته بود که از این نفت خام می‌توان نفت سبکتری را بدست آورد که درچراغ مصرف شود . ودرهمین اوان هم درفرانسه و آلمان چراغ نفتی‌اختراع شده و مزیت آن برچراغهای روغنی سابق معلوم گشته بود و مردم بی‌نهایت طالب این بودند که مایعی برای چراغ های جدید پیدا کنند که آنها را ازدود وبوی بد وتعفن چراغهای روغنی رهائی دهد .

درسال ۱۸۴۸میلادی شخصی بنام جیمزینگ [۲] از اهالی اسکاتلند درصدد برآمد ازذغال سنگ نفت بگیرد بدین‌ترتیب که زغال سنگ را درکورهٔ مخصوصی‌میسوزاند وازتقطیردود وبخار آن ماده‌ای بدست میآورد که شبیه به نفت بود . سپس جیمزینگ نوعی سنگ معدنی تیره رنگ مخصوصی بنام شیل [۳] پیدا کرد که از ذغال سنگ ارزانتر وفراوانتر بود وپس ازتبخیرآن مواد نفتی وسولفات دامونیاك [۴] از آن حاصل می‌شد . تجزیات جیمزینگ بعداً درپالایشگاههای نفت مورداستفادهٔ بسیارقرار گرفت .

درسال ۱۸۵۹ میلادی سه واقعهٔ مهم درتاریخ عالم بشریت رویداد ازاین قرار:

۱ــ انتشارکتاب اصل‌الانواع داروین [۵]

۲ــ نخستین اقدام برای حفرکانال سوئز .

۳ــ حفرنخستین چاه نفت درامریکا توسط شخصی بنام دریك [۶]

تاسال ۱۸۵۹میلادی امریکائیان نفت را ازسه طریق زیر بدست میآوردند :

۱ــ استفاده ازچشمه های سطحی‌نفت چنانکه درسایر نقاط جهان من‌جمله کشورهای خاورمیانه معمول بود .

۲ــ ازچاه‌هائی که بادست وباسائل‌قدیمی‌حفرشده بودچنانکه در بعضی‌ازکشورهای اروپا مانند رومانی مرسوم بود .

۳ــ ازراه تقطیرسنگ های موسوم به شیل[۷] و زغال سنگ .

درسال ۱۸۵٤ شخصی بنام بیسل [۸] که شغل اوآموزگاری وبازنشسته شده بود

---

(۱) Dr. Benjamin Silliman (۲) James Young

(۳) Shale (۴) Suiphate d' ammoniac

(۵) Charles Darwin

(۶) Colonel E. L. Drake

(۷) Shale

(۸) George H. Bissell

به بازدید یکی از دبیرستانها رفت ودرآنجا بطری دیدکه روی‌آن نوشته شده بود : «روغن‌معدنی». اولیای دبیرستان باآب وتاب فراوان خواص این روغن را شرح داده واظهار داشتندکه روغن معدنی مزبور را می‌توان درچراغ سوزاند و اطاق تاریك را مانند روز روشن کرد و نیز می‌توان آنرا برای چرب کردن چرخهای ماشین بکاربرد واستفاده های طبی بسیاری هم ازآن نمود .

پس ازشنیدن این توصیفات بیسل تصمیم گرفت واردکار نفت شود وپیش خودگفت که باید حتماً منابع مهمی در زیر زمین باشد که چشمه های نفت سطحی از آن سرچشمه میگیرد و مصمم شدکه درحوالی چشمه های مزبور چاهی حفر کرده و به‌منبع زیرزمین دست یابد . از این رو مقداری اراضی مجاور چشمه های نفت را اجاره کرد و بی‌درنگ شرکتی در نیویورك بنام « شرکت نفت معدنی پنسیلونیا »[۱] تشکیل دادکه بکاراستخراج نفت بپردازد . اما قبل ازشروع بکار یکی‌ازاین‌بطریهای نفت را خریده و نزد دکتر سیلی‌من‌که سمت استادی دانشگاه ییل[۲] را داشت فرستاده واز او نظرخواست .

چنانکه قبلا گفته شد دکتر سیلی من شیمی دان و استادی بود که یازده سال پیش از این تاریخ‌نفت خام را درآزمایشگاه تقطیر کرده و درجوابی‌که به‌بیسل‌نوشت چنین گفته بود :

« بنظرمن زمینهٔ بسیارمساعدی برای این‌ماده موجوداست وشرکت شما یکمادهٔ خامی بدست‌آورده‌که ازآن می‌توان باطریق سهل و ارزان محصول‌گرانبهائی بدست آورد . شایان بسی توجه است آزمایشهائی‌که من نموده‌ام مدلل می‌داردکه از تمام اجزای این ماده بدون اینکه هیچ جزء آن هدر رود می‌توان فرآورده های ذیقیمتی بدست‌آورد مشروط براینکه مادهٔ مزبوررا بطریق صحیحی تبدیل بمواد مفید دیگری نمود واین طریق هم یکی ازسهل‌ترین طرق شیمیائی می‌باشد .

پس‌از انتشارگزارش فوق سهام شرکت نفت معدنی پنسیلونیا در مدت کوتاهی فروش رفت وبیسل وهمکاران او مقدمات‌کاررا برای حفر چاه نفت فراهم کردند . در این موقع بیسل شخصی را بنام دریك[۳] استخدام نمود که حفر چاه را اداره نماید ومحل چاه را هم در تی‌تسویل[۴] در مجاورت چشمه های نفت استان پنسیلونیا تعیین نمود و اثاثیه‌ای هم‌که برای حفر چاه تهیه‌کرد همان آلات وادوات معمول آنوقت‌بود که برای حفر چاههای آب‌نمك بکار میبردند .

سرهنگ دریك ابتدا منشی تجارتخانه وسپس‌کارمند راه‌آهن بوده وبدون‌آنکه سمت رسمی داشته باشد خودرا کلنل (سرهنگ) میخواند . او یك شخص ماجراجو و شهرت طلبی بودکه این صفات را با استقامت و بردباری توأم کرده‌و حاضر بودکه

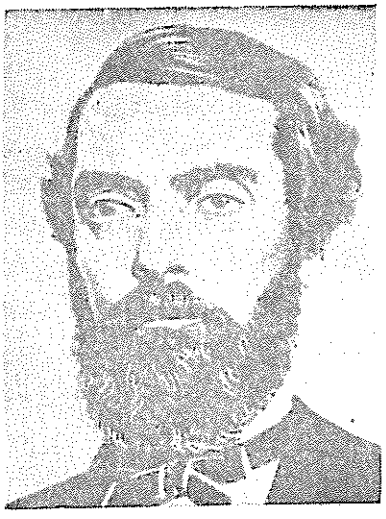
---

(۱) The Pennsylvania Rock Oil Co.

(۲) Yale University

(۳) Colonel Edwin L. Drake

(۴) Titusville

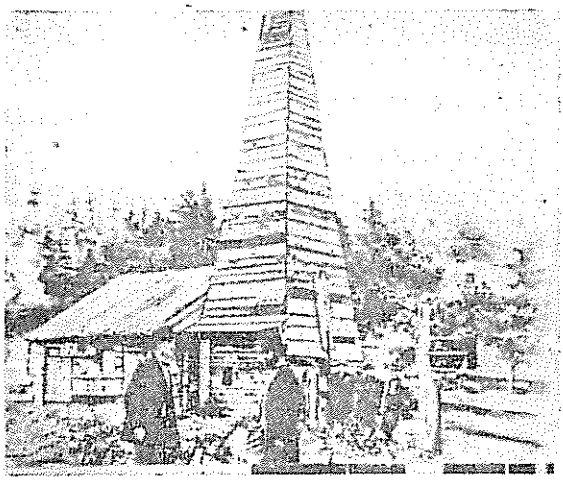


کاپتن دریك

همه گونه فداکاری کرده و بهدف برسد. درابتدای کار سرهنگ دریك توفیق بسیار نیافت ورفته‌رفته مورد ملامت وسرزنش‌خودی‌و بیگانه قرار گرفت. بتدریج مردم نواحی‌اطراف معتقد شدندکه شاید حالت دماغی این سرهنگ از حال اعتدال خارج باشد و شروع به سخریه و استهزاء او نمودند ولی اومأیوس نشده وروز بروز برپایداری خود میافزود تا آنکه در روز یکشنبه ۲۷ ماه اوت ۱۸۵۹چاه او درعمق بیست وسه متر بنفت رسید.

چاه نفت سرهنگ دریك مقدمه وپیدایش صنعت نفت امروز می باشد و باید گفت که فنّ استخراج نفت با وسایل جدید ازامریکاسرچشمه گرفت و ایالات متحدهٔ امریکا ازاین حیث پیشرو و پیشقدم دیگران بوده و سهم بسزائی در تهیهٔ سوخت و نیروئی که از نفت بدست میآید داشته است . دو سال بعد از حفر چاه اول چاه‌دیگری حفرشدکه نفت با فشارگاز از چاه بیرون میآمد واز آنوقت ببعد استخراج نفت در امریکا رونق بسزائی یافت .

در سالهای‌اول، حفر چاه های نفت امریکا برحسب تصادف وحدس انجام‌میپافت ولی بعداً دانشمندان زمین شناس این کاررا روی اصول علمی وتحقیقات فنّی قراردادند وطولی نکشیدکه کاوش نفت از ایالات‌شرقی امریکا تجاوزکرد و روبغرب‌توسعه یافت وکمی بعد بسایر نقاط جهان نیز سرایت کرد .



اولین چاه نفتی‌که درامریکا حفر شد

یکسال پس‌ازحفر اولین‌چاه محصول نفت امریکا یکمرتبه از سالی سیصد تن‌به هفتاد هزار تن رسیدکه هرتن آن‌تقریباً به‌بهای شصت‌وپنج‌دولار بفروش میرسید. دو سال بعد محصول به یکصدو پنجاه هزارتن‌بالغ شد ولی‌بهای نفت تقلیل یافت و هرتن آن به سه الی‌چهار دولارفروخته میشد. علت این نقصان فاحش در قیمت این بودکه اولا پالایشگاه کافی برای‌تصفیه‌نفت موجودنبودوثانیاً

وسایل حمل‌ونقل مناسبی فراهم نبود که نفت را ببازار های داخلی و خارجی برسانند.

پالایشگاه هائی که قبل‌از حفر اولین چاه نفت وجود داشت همانهائی بودند که طبق‌طریقهٔ جیمز ینگ اسکاتلندی (که شرح‌عملیات آن در بالا گفته شد) زغال‌سنگ را تبخیر نموده وازآن‌نفت‌چراغ بدست‌می‌آوردند. درسال ۱۸۵۰ شخصی موسوم به ساموئل کی‌یر [۱] پالایشگاه بسیار کوچکی در شهر پیتز بورگ [۲] امریکا برپا نمود که نفت خام را تبدیل بنفت چراغ میکرد اما چون در آن موقع اولین چاه نفت حفر نشده بود ومقدار نفت خامی که بدست میآمد ناچیز بود کار پالایشگاه ساموئل کی‌یر پیشرفت بسیاری نداشت. معهذا باید گفت که او اولین کسی بود که پالایشگاهی برای تصفیه نفت خام درجهان ایجاد کرد.

طولی نکشید که پالایشگاه های متعددی برپا گشت ووسایل حمل ونقل‌کافی تهیه شد و بهای نفت مجدداً ترقی کرد ومصرف داخلی فزونی‌یافت وصادرات روبترقی نهاد.



سموئل کی‌یر مؤسس اولین پالایشگاه نفت در امریکا

چهارسال پس‌از حفر نخستین چاه محصول سالانه نفت امریکا به سیصد هزار تن رسید و دو سال بعد میزان صادرات نفت امریکا بیکصد و سی‌هزارتن بالغ شد وبهای سالانه محصول نفت ایالت پنسیلوانیا از بیست و دو ملیون دولار هم تجاوز کرد.

دربادی امرحمل‌نفت منحصراً درچلیك‌های چوبی بود و مقداری ازآن نشت کرده واز میان میرفت. این‌چلیك ها را در ارابه ها گذاشته واز معدن بایستگاههای راه‌آهن میبردند و سپس با بوسیلهٔ‌راه‌آهن و یا بوسیلهٔ کشتیهای کوچك که درروددخانه هارفت‌وآمدمیکردند بنقاط‌مختلف‌حمل کرده وبه مشتری‌هامیرساندند. درقسمت صادرات هم کلیهٔ محصول بوسیلهٔ چلیك های چوبی بخارج حمل میگردید و هروقت‌درياطوفانی بود چلیك های نفت با یکدیگر اصطکاك پیدا کرده ومقداری از نفت‌آن نشت کرده و بهدر میرفت. در۱۸۶۲ یك خط لوله‌آهنی بین یکی ازمعادن‌نفت پنسیلوانیاو پالایشگاه ایجادگردید ولی مسافت این خط زیاد نبود. چندی بعد مخزنهای چوبی بزرگی ساخته شدکه روی واگنهای راه‌آهن سوار میکردند وبدینوسیله صرفه درحمل و نقل حاصل گشت. درسال۱۸۹۰ سه خط لوله نسبةً طولانی بین معادن وپالایشگاه ها ساخته شد وکم‌کم حمل نفت با لوله رواج گرفت ودر عین حال مخزنهای بزرگتری ساخته شد که بوسیلهٔ راه‌آهن مواد نفتی‌را حمل میکرد.

---

(۱) Samuel H. Kier

(۲) Pittsburgh

در نیمهٔ دوم قرن نوزدهم احتیاج روز افزون به نفت چراغ و روغنهای ماشین جمعی‌را بفکر انداخت که درسایر کشورهای جهان دست باستخراج نفت زنند و هرجا چشمه های ظاهری و سطحی نفت موجود بود منجنیق حفر چاه را برپا کرده و نفت استخراج نمایند . پس‌از امریکا این‌کار در رومانی آغاز گردید و بعد هم در بادکوبه شروع شد و بتدریج بسایر نقاط هم سرایت کرد جدول زیر محصول نفت خام را به تن در نیمه دوم قرن نوزدهم نشان میدهد .

سال میلادی	ایالات متحدهٔ امریکا	اروپا	خاوردور	جمع محصول جهان
۱۸۶۰	۶۷۰۰۰	۲۰۰۰	—	۶۹۰۰۰
۱۸۶۵	۳۵۲۰۰۰	۱۴۰۰۰	—	۳۶۶۰۰۰
۱۸۷۰	۷۴۳۰۰۰	۴۰۰۰۰	—	۷۸۳۰۰۰
۱۸۷۵	۱۲۱۵۰۰۰	۱۳۰۰۰۰	۱۰۰۰	۱۳۴۶۰۰۰
۱۸۸۰	۳۵۹۸۰۰۰	۴۶۰۰۰۰	۴۰۰۰	۴۰۶۲۰۰۰
۱۸۸۵	۲۹۸۵۰۰۰	۲۰۰۳۰۰۰	۴۰۰۰	۴۹۹۲۰۰۰
۱۸۹۰	۶۲۹۲۰۰۰	۴۰۸۲۰۰۰	۲۳۰۰۰	۱۰۳۹۷۰۰۰
۱۸۹۵	۷۲۴۰۰۰۰	۶۷۴۸۰۰۰	۲۴۷۰۰۰	۱۴۲۳۵۰۰۰
۱۹۰۰	۸۶۰۵۰۰۰	۱۱۰۰۵۰۰۰	۵۷۳۰۰۰	۲۰۲۲۰۰۰۰

از ارقام فوق معلوم است که امریکا تا پانزده سال پس‌از حفر نخستین چاه نفت تقریباً انحصار بازار نفت را داشت ولی همینکه نفت رومانی و روسیه وبعد هم نفت خاوردور استخراج گردید این انحصار عملاً ملغی گشت وحتی درسالهای آخر قرن نوزدهم محصول روسیه از محصول امریکا هم بیشتر شد وقسمت عمدهٔ بازار های اروپا بدست فروشندگان نفت روسیه بود . میزان روزافزون استخراج نفت هم نشان میداد که این کالای جدید با چه سرعتی مطلوب همه واقع گشت و احتیاج بآن تا چه اندازه فراوان بود .

در دهسال آخر قرن نوزدهم گاز حاصله از زغال‌سنگ واختراع چراغ الکتریك تااندازه‌ای لطمه بمصرف نفت وارد ساخت زیرا از یکطرف گاز زغال سنگ شیوع بسیار پیدا کرد که هم برای حرارت وهم برای روشنائی بکارمیرفت وهم استفاده ازقوهٔ برق آغاز گردید. نتیجه آن شد که بهای محصولات نفتی نقصان یافت ونگرانی بسیاری برای تولیدکنندگان نفت حاصل شد ولی طولی نکشید که نه‌تنها این نگرانی مرتفع گردید بلکه مصرف جدیدی برای نفت پیدا شد که موجد انقلاب و تحول بزرگی در صنعت نفت بود که شرح آن در بخش دیگر این فصل خواهد آمد .

بخش چهارم ـ اهمیت اقتصادی نفت

بشر از آغاز تشکیل جامعه بغریزهٔ ذاتی نیروطلب بوده و پیوسته میکوشیده‌است که از نیروهای موجود درطبیعت برای پیشرفت زندگی خود استفاده کند و باسهل ترین وسایل بهترین طرز زندگی را برای خود فراهم سازد چنانکه تاامروز نیز این‌غریزهٔ بشری بحداکثراعمال میشود .

درابتدای امر بشر جز نیروی عضلاتی خود وسیلهٔ دیگری برای تهیهٔ آسایش خود نداشت . بتدریج حیوانات را اهلی نمود وازنیروی‌آنها استفاده کرده رنج‌کار خود را تخفیف‌میداد . باکمك دامها زمین را شخم میزد وبادست خود دانه میکاشت . سپس‌باد وآب‌هم جزء عوامل‌مساعدزندگی‌بشردرآمد وآسیاهای بادی وآبی کمکی‌بحال‌او شد . کمی بعد کشتی‌های کوچکی ساخت که باکمك باد روی‌آب سیروسیاحت می‌نمود . اما درهمهٔ این‌مراحل نیروی عضلات خودش پایهٔ اصلی زندگی او بود .

نیروطلبی بشرموجب گشت که افراد نیرومند از نیروی همنوع زبردست و ضعیف خویش همه قسم استثمار کند و در هرجامعه‌ای عدهٔ معدودی که از حیث قـوای عقلانی ویاجسمانی برتری‌بردیگران‌داشتند اکثریت زبردست را بنفع خود وادار بکارمینمودند وازنیروی‌آنها بهره‌برداری میکردند . امپراتوریهای بزرگ شرق وغرب دنیای قدیم براساس استفاده ازنیروی افراد زبردست برقرار بود وآثارعظیمی که مانند اهرام مصر و تخت جمشید پارس وغیره‌از آندوره‌ها باقی مانده بانیروی مغز وعضلات‌بشری برپا شده است .

انسان نیروطلب وترقی‌خواه که نیروی عضلاتی‌خویش را برای اجرای نقشه های عالی‌خودکافی نمیدید پیوسته درفکر بودکه نیروی قویتری ازمحیط طبیعی بدست‌آورد وکارهای بزرگتری انجام دهد .

این مطالعه وتفکروآزمایش بشری قرنها بطول انجامید ودرپارهٔ اوقات اوضاع واحوال‌هم باانجام این‌منظورمساعد نبود . دریونان وروم قدیم وحتی درقرون وسطی بیشترمتفکرین وقت وهم‌ّ خود را مصروف مطالعهٔ امورماوراء طبیعت‌میکردند وغرق عوالم لاهوت بودند ولی بالاخره حس نیروطلبی وترقی‌خواهی بشر برین موانع فائق آمد وازقرن سیزده میلادی به بعد دردنیای غرب تحولی‌آغازشد وفکر پیشوایان عالم بشریت تغییرسیر داده بیش‌ازپیش برای‌استفاده ازقوای طبیعی درتلاش‌افتاد ونویسندگان واصلاح طلبان مردم وبخصوص دانشمندان را بکوشش درراه استفاده از نیروی طبیعی تشویق وترغیب نمودند ودر نتیجه عصر جدیدی درتاریخ بشریت پدید آمدکه به عصر رنسانس [۱] و یارستاخیز معروف میباشد . ازآن تاریخ به بعد توجه دانشمندان بیشتر معطوف به مطالعهٔ طبیعیات گشت ودرعلوم ریاضی وهیئت وزمین شناسی وزیست‌شناسی و فیـزیك و شیمی پیشرفت های عمده‌ای حاصل‌گشت . پس از دوسه قرن آزمایش

(۱) Renaissance

و کنجکاوی مطالعات مزبور منجر باختراعاتی شد که انقلاب صنعتی قرن نوزدهم را پدید آورد .

درقرن هیجدهم ماشین های متعددی برای کار های مختلف اختراع شده بود ولی همهٔ آنها با دست کار میکرد و سرعت تولید هنوز فراهم نگشته بود . همه میدانستند که بهره‌مندی ازاین ماشینها واختراعات مستلزم آن است که ماشین ازفلزی ساخته شود که بادوام ومحکم باشد و نیروئی هم باشد که ماشین را بسرعت بگرداندتاازبازوان قوی وعضلات ستبرانسانی که بطیء و کنداست مستغنی گردد. بنابراین توجه خاص دانشمندان معطوف باین دونکته شده وسعی بلیغ مینمودند که نیروی جدیدی بدست آورند .

نخستین توفیق بشر دراستفاده ازنیروئی که ماشینهارا بحرکت آورد دراواخرقرن هیجدهم بدست آمد. در آن ایام شخصی اسکاتلندی بنام جیمزوات [۱] توانست نیروی بخاررا مسخر بشر بسازد وماشین بخار را اختراع کرد . این اختراع مهم‌سبب شد که بوسیلهٔ تلمبه آبهائی را که دراعماق معادن زغال سنگ پیدا میشد و مانع ازاستخراج بود بالا کشیده و برمیزان محصول زغال سنگ بیافزاید و همچنین با شدت حرارت و انفجارکه از نیروی بخار بدست میآمد ذوب آهن را آسان نمود . این دونتیجهٔ مهم موجب گردید که استخراج زغال سنگ وآهن فراوان‌تر وارزانترگردد و زغال سنگ بعنوان سوخت اساسی وتولید نیرو عامل مهمی درپیشرفت صنایع گردید.

دست یافتن به نیروی زغال سنگ و بخار یك انقلاب صنعتی واقتصادی واجتماعی وفرهنگی وسیاسی بی‌نظیری درجامعه های اروپائی و امریکائی پدید آورد. وسایل حمل و نقل ازطریق‌خشکی‌ودریا سهل وسریع شد . ارتباطات ممالك وملل توسعه یافت. بازرگانی وصنعت ترقی کرد و بهبود وضع زندگی سبب تکثیر نفوس گردید . تکمیل صنعت چاپ موجب شد که فرهنگ عمومی تعمیم بیابد ومردم ازحقوق خودآگاه گردند وازمظالم زبردستان رها گردند و نتیجهٔ این‌تحولات‌عظیم‌استقرارحکومتهای دموکراسی (حکومت مردم برمردم) درکشورهای غرب بود .

این تحولات بی‌سابقه موجب گشت که جمعیت‌اروپا درمدت کوتاهی مضاعف گردد وازنظرتهیهٔ مواد خام وغذا مضیقه هائی پیش‌آمد که غربیان بمنابع عظیم ثروت ممالك شرق روی‌آوردند وچون شرقیان از مزایای علمی و صنعتی عالم غرب بی‌بهره بودند بآسانی‌مورد استثمارغربیان قرارگرفتندوموضوع‌استعمارشرق اساس‌سیاست‌غربیان شد .

بزرگترین ومهم ترین اثر انقلاب صنعتی قرن نوزدهم همان تحول عظیمی بود که درامرحمل و نقل روی‌داد . ماشین بخار راه‌آهن را بوجودآورد و درداخل کشورها ارتباط سریع‌ترگردید ویگانگی ووحدت ملی‌را تقویت نمود. کشتی بخاری روابط بین کشورها را تسریع نمود ومبادلهٔ کالارا توسعه داد وکشورهای دورافتاده را بیکدیگر نزدیك ومتصل کرد .

حمل مواد خام ازکشورهای فلاحتی بکشورهای صنعتی وفرستادن‌کالاهای صنعتی

---

[۱] James Watt

بکشورهای فلاختی موجب گشت که روابط بازرگانی بین کشورهای جهان توسعه پیدا کرده و ثروت ممالك صنعتی افزایش یابد و رقابتهای تجارتی برای بدست آوردن بازارها شدیدتر گردد ودرپارهٔ اوقات این رقابتها کدورتها و نقارهائی‌را ایجاد کرد که مبدل به جنگ وستیزهم گردید .

دیری‌ازاختراع ماشین بخار نگذشت ــ یعنی‌دراواخرقرن نوزدهم ــ که نفت امریکا کشف شد و سوخت دیگری در دسترس مـردم قرار گرفت که از هرحیث میتوانست بازغال سنگ رقابت نماید اما درتمام قرن‌نوزدهم نفت نتوانست چنین مقامی را حائز گردد زیرا هنوزعلما ودانشمندان بخصوصیات کامل‌آن پی‌نبرده بودند واستفادهٔ از نفت محدود بروشنائی وچرب کردن‌چرخهای‌ماشین‌بود . ولی‌ازهمان‌ابتدا که نفت‌استخراج‌شد و به‌بازارآمد مغزهای متفکردرصدد برآمد که موجبات‌استفادهٔ کامل ازآنرا فراهم‌آورد و نیم قرن وقت گذشت تا نتیجهٔ مطلوبه حاصل گردید .

مقارن همان اوقاتی که سرهنگ دریك در امریکا بحفر اولین چاه نفت مشغول بودآهنگری بنام زیگفرید مارکوس[۱] دریکی از دهات کوچك آلمـان مشغول ساختن اولین موتوراحتراق داخلی بود . موتوراو یك سیلندر داشت وهردفعه که آنرا روشن می‌کرد تابیست دقیقه بدون انقطاع‌کارمیکرد .

درنمایشگاه شهروین که درسال ۱۸۵۷ منعقد شد مارکوس مـاشین خـود را کامل‌تر کرد و بمعرض‌نمایش گذاشت وسه ساعت تمام‌کار کرد ولی این‌یك موتورآزمایشی بیش‌نبود ومدتها طول‌کشید تاموتورمزبور بدست دیگران تکمیل گردید .

بین سالهای ۱۸۸۵ و ۱۸۹۲ دواختراع بزرگ موجب شدکه قدر و قیمت نفت درجهان صنعت ومحیط تمدن بشری واضح وآشکار گردد .

درسال ۱۸۸۵ شخصی‌بنام دیملر[۲] موتور احتراق داخلی را تکمیل کرد که سوخت آن بنزین بود و سپس درسال ۱۸۹۲ شخص دیگری بنام دیزل[۳] موتوری را اختراع نمود که سوخت آن نفت سنگین بود وامروز بنام او درتمام جهان مشهور گشته است . چندی بعد هم مهندسین ومتخصصین دستگاه‌های مخصوصی اختراع کردند که بوسیلهٔ آن نفت سوخت (مازوت یا نفت سیاه) را بآسانی وسهولت زیردیگهای بخارمیسوزاندند .

چنانکه در پیش گفته شد اجزاء سبك مواد نفتی در قرن نوزدهم مورد استعمال زیاد نداشت وتقریباً بدون ارزش واهمیت بود لکن پس ازاختراعات فوق اجزاء فرارّ نفت مانند بنزین وغیره مورد احتیاج واقع گشت و بتدریج که تکاملی درطرز استفاده ازموادنفتی پیداشد همهٔ اجزاءآن‌ارزش پیدا کرد ومعلوم شدکه نفت ازهرحیث میتواند جایگزین زغال سنگ شده وباآن رقابت نماید .

دیری نگذشت که ارزانی قیمت ــ سهولت ذخیره کردن درانبار های مختلف ــ پاکیزگی نسبی ــ و از همه بالاتر فزونی قدرت حرارت نفت مزیت ورجحان نفت را برزغال ثابت نمود و کم کم همه متوجه شدند که نفت سوخت آینده و سرچشمهٔ نیروی بزرگی‌است که بایدآنرا بدست‌آورد وازآن استفادهٔ کامل نمود .

---

(۱) Siegfrie Marcus
(۲) Daimler
(۳) Diesel

خلاصه اینکه درآغاز قرن بیستم تنوع وتوسعهٔ مصرف نفت توأم باتنوع وتوسعهٔ اختراعات جدید گردید و پیشرفتهای فنی وعلمی دراستخراج وتصفیهٔ نفت هم بآن ضمیمه گشت ودر نتیجه قرن درخشان کنونی بنام قرن نفت دردنیای متمدن شهرت یافت .

همانطور که بزرگترین اثر زغال سنگ وماشین بخار تسهیل وسایل حمل و نقل وارتباط بین نقاط مختلف جهان بود مهم‌ترین اثر پیدایش نفت هم درهمین زمینه آشکار گشت . اختراع اوتوموبیل وسایل حمل ونقل زمینی را تکمیل کرد وچون راه‌آهن فقط درمسیرمعینی می‌توانست حرکت کند ومقید به‌قیودی بود اوتوموبیل این‌قیود را ازمیان برداشت وانسان را قادرنمود که هروقت و بهرجا که میخواهد باسرع زمان آمد وشد کند . دردریا موتورهای نفتی کشتیها درمدت کمی مزیت ورجحان خود را بماشینهای بخاری که سوخت آنها زغال سنگ بود ثابت کرد و ازهمه بالاتر نفت انسان را بیکی ازآرزوهای دیرینه رساند واورا قادر بهوانوردی نمود .

امروز ارتباطات سریعی که دراثر پیدایش واستعمال مواد نفتی فراهم گشته موجب شده است که ممالك دور افتاده‌را بیکدیگر نزدیك ومتصل کند و دنیا حکم‌یك‌خانه‌ای را پیدا کند و جامعهٔ بشری بمنزلهٔ یك خانواده درآید . در نتیجهٔ این وحدت و اتحاد تدریجاً هم‌آهنگی‌درافکار وعقاید ملل‌پیدا آمده ومطابق‌اصل‌بقای اصلح عقایدونظریات سوسیالیستی که با زندگی امروزه دنیا سازگارتر ومناسب‌تر می‌باشد در اکثر نقاط جهان رواج وتعمیم یافته‌است.

در همین کشور خودمان کـه تا سی وچند سال پیش از وسایل موتوری استفاده نمیشد و آمد و شد با گاری واسب واستر و کجاوه وکالسکه وامثال آن انجام‌میگرفت مردم از یکدیگر بی‌خبر بودند. تجارت واطلاعات عمومی و روابط داخلی‌مردم کشور کاملاً محدود بود بقسمی که اصفهانی مازندرانی را نمیشناخت وکالای گیلان برای‌حمل بکرمان ماهها وقت لازم داشت. پیدایش وسایل موتوری سبب شدکه یك‌نوع وحدت‌و ارتباط جدیدی بین مردم کشور فراهم آید در صورتی که هنوز ایران جاده‌های اسفالته بتمام عیار ندارد وهنوز پست و محمولات درپارهٔ نقاط دوردست با الاغ و استر حمل میشود چنانکه پست عادی از تهران تا بندرعباس و یا بندر لنگه در حال حـ ضر لااقل پانزده روز درراه است وحال اینکه مدت مزبور برای طی سراسر کرهٔ زمین در پیش مردمان متمدن طولانی بنظر میآید .

تأثیر نفت درصنایع داستان مفصلی است که شرح آن کتاب جداگانه‌ای میخواهد. هنگامی که راه‌آهن ایجاد شد صنایع ماشینی‌را برای سهولت عمل درمجاورت راه‌آهن قرار میدادند بخصوص اگر دستگاه صنعتی اهمیتی داشت یك‌رشته راه‌آهن برای حمل ونقل مواد خام ومحصول تا نزدیك‌کارخانه‌احداث میشد ولی بعداز پیدایش نفت‌اینگونه محظورات برطرف گردیده است و احداث کارخانه درهر محلی که مناسب باشد امکان پذیراست زیرا باوسایل‌موتوری (نفتی) احتیاجات کارخانه ها سهل‌تر مرتفع‌میگردد .

پیدایش نفت تحول بزرگی درقسمت کشاورزی هم پدید آورد و بـا استعمال تراکتور های نفتی وتلمبه وامثال آن برمقدار محصول ووسعت اراضی مزروع افزوده گشت. درحال حاضر سه‌نوع زراعت ماشینی معمول می‌باشد از اینقرار :

١- زراعت فردی که زارع خود مالك ماشین زراعتی میباشد ودر امریکا این نوع زراعت متداول است.

٢- زراعت ماشینی تعاونی که زارع یا زارعین ماشینهای کشاورزی را ازشرکت های تعاونی درمقابل پرداخت کرایهٔ معین عاریه میگیرندومجدد بشرکت مسترد میدارند. این قسم شرکتهای تعاونی درکشور دانمارك و بعضی کشورهای دیگر رایج میباشد.

٣- زراعت دسته جمعی کـه دراتحاد جماهیرشوروی معمول است و آنرا زراعت اشتراکی میگویند ودولت که مالك زمین وآب وماشین است تمـام وسایل را باختیار کشاورزان میگذارد وسهم خودرا ازکشاورز دریافت داشته بعلاوه مازاد محصول را نیز ازکشاورز میخرد.

نفت نه تنها در ایـام صلح بهترین ومؤثرترین عامل پیشرفت زندگانی امروزی میباشد بلکه درموقع جنگ قوی‌ترین حربهٔ پیروزی و قاطع‌ترین اسلحهٔ تفوق بشمـار میآید. درجنگ هولناك بین‌الملل اول برای نخستین بار هواپیما های جنگی و زیر- دریائیهای مخرب و رزم‌ناو های سریع‌السیر وتانکها وکامیونهـا ووسایل نقلیهٔ جنگی همه وهمه بانفت و فرآورده های نفتی مجهز گشته بمیدان رزم آمد وچنانکه مشاهده شد آندسته از متخاصمین که دسترسی بیشتری به نفت داشتند زودتر از حریف شاهد پیروزی را درآغوش گرفتند بنابراین اگر بگوئیم که نفت عامل اساسی فتوحات‌جنگی امروز میباشد در این گفته هیچ‌نوع اغراق و مبالغه دیده نمیشود.

درانثنای همان جنگ اول دانشمندان آگاه بعلم شیمی یکی از فرآورده‌های نفتی موسوم به تولوئل ١ را باانداك تغییری بصورت هولناکترین مادهٔ منفجره تبدیل نمودند و آنرا ت. ن.ت ٢ نامیده برای مغلوب ساختن نیروی دشمن ازآن استفاده یـا سوء استفاده کردند. تعبیر سوء استفاده در این مورد شاید بهترین تعبیر ازانحرافات‌اخلاقی دنیای متمدن امروز باشد که انسان متمدن نتیجهٔ فکر واختراعات وتفحصات چندین‌قرن خودرا برای نابودساختن همنوع خود وتخریب‌آثار تمدن بکار میبرد و بجای آنکه از نفت یا نیروی اتم و فرآورده های معجزبخش آن وسایل عمران ورفاه عالم انسانیت را فراهم سازد برعکس در ویران ساختن اساس جـامعهٔ بشریت از آن سوء استفاده میکند.

ازآغاز قرن بیستم محافل نظامی دنیای غرب بفواید واهمیت نفت درپیشرفتهای جنگی متوجه شده واستفادهٔ ازآن را توصیه وپیش‌بینی میکردند. ازآنجمله دریاسالار فیشر ٣ انگلیسی میباشد که از سال ١٩٠٤ تا سال ١٩٠٩ فرماندهٔ نیروی دریائی بریتانیا بوده است. وی در طی یادداشتی که در سال ١٩٠٤ به هیئت وزیران انگلیس نوشته نکات ذیل را خاطرنشان کرده است:

١- استعمال نفت درنیروی دریائی انگلیس موجب خواهد شد که یك‌سوم‌بر نیروی ناوگان اضافه گرددزیرا بااستعمال نفت ناوگان احتیاجی به پهلوگرفتن دربنادر جهت

---

(١) Toluol

(٢) Tri-Nitro -Toluol

(٣) Admiral Lord Fisher

سوختگیری نخواهدداشت ودر نزدیك‌ترین سنگرگاه دشمن میتوان سوخت ناوگان را با نفت تهیه وتأمین کرد ۱

۲ـ استعمال نفت موجب تسریع حرکت ناوگان میگردد و مسلم‌است که سرعت سیر عامل مؤثر پیروزی میباشد .

۳ـ با استعمال نفت میتوان تا یك‌چهارم کارکنان کشتی‌ها را تقلیل داد واز این راه صرفه‌جوئی بزرگی درکارکنان کشتی داد .

٤- ناوهای جنگی درموقع سوخت‌گیری (از نفت) میتوانند به‌نبرد خود ادامه دهند ولی با سوخت زغال‌سنگ این عمل مقدور نمیباشد .

٥ ـ زغال سنگ پس‌از مدتی در انبارکشتی فاسد میشود ولی نفت هرقدر هم درانبارکشتی بماند تغییر نمیکند.

تبلیغات و ارشادات دریاسالار فیشر و دیگران سبب شدکه انگلیسها و بعد هم کشور های دیگر دنبال نفت برخیزند واساس صنایع لشگری و نیروی‌نظامی‌ودریائی خودرا برروی نفت ومواد نفتی قراردهند . دوجنگ بین‌المللی که دراین قرن بشریت‌را دچار مصائب بسیار نمود در واقع جنگهای مکانیزه‌ای بود که سلاحهای مهم آن با نیروی نفت بحرکت میآمد بعلاوه ازکشمکش ها و رقابتهای مهم بین‌المللی دیروز و امروز برسر بدست‌آوردن نفت میتوان‌فهمیدکه مقام نفت بسیار مهم‌است ویك موضوع حیاتی بشمار میرود .

خلاصه اینکه در حال حاضر چه در ممالکی‌که دارای معادن نفت هستند وچه در کشور هائی‌که نفت درآنجا مصرف میشود موضوع نفت برنامهٔ روزانهٔ دولتهاوملتها شده است چون جائی درسراسر جهان یافت نمیگرددکه از استخراج و فروش نفت و یا خرید و مصرف نفت ویا هردو موضوع بی‌نیاز باشد ودر واقع نفت هم مثل آب و هوا و روشنائی و حرارت از ضروریات حیاتی مردم بشمار آمده‌است وچنانکه می - دانیم اگر نفت نباشد غالب مردم متمدن جهان از بسیاری از لوازم حیاتی‌دنیای متمدن محروم میمانند و مختصر توجهی بارقام ذیل صحت این اظهارات را تأیید میکند :

۱ـ از سال ۱۸۵۹ (سال‌کشف و استخراج نفت در امریکا) تا سال ۱۹۳٦ سه‌هزار ونهصد ملیون‌تن نفت ازکشورهای جهان استخراج شده وشصت وچهار درصد آن از ایالات متحدهٔ امریکا بوده است .

۲ـ درسال ۱۹۰۰ مجموع احتیاجات نفتی سراسر جهان سالی بیست ملیون تن بوده است . این مقدار مصرف بسرعت عجیبی افزایش یافته تا آنجاکه درسال۱۹۳۷ بواسطهٔ توسعهٔ مؤسسات صنعتی وغیره احتیاجات نفتی سراسر جهان به دویست وهفتاد ملیون تن درسال بالغ‌گشته است ومطابق آخرین آماری‌که تااین تاریخ تهیه شده در سال ۱۹٥٤ مجموع نفتی‌که از چهل وشش‌کشور نفت‌خیز جهان بدست آمده بالغ بر ششصد و هشتاد ملیون تن بوده است و معلوم نیست دامنهٔ اهمیت روز افزون این مادهٔ

---

(۱) اقتباس ازصفحهٔ پنجم‌کتاب موسوم‌به The oil Trusts and Anglo-American Relations by
E.H. Davenport and Sidney Russell Cooke

بدبوی بدرنگ درتزیین واداره دنیای زیبای متمدن امروز تاچه حدی در آینده توسعه خواهد یافت.

در فصل دیگری از این کتاب موادی کـه امروز از نفت استخراج میشود و در زندگانی هرروزهٔ بشر بکار میـآید شرح داده شده و بی‌شك موجب حیرت خواننده خواهد بود لذا مراجعه بآن اهمیت اقتصادی نفت‌را بیشتر وبهتر آشکار خواهدساخت.

بخش پنجم - اهمیت سیاسی نفت

درعصرحاضرثابت شده است که سیاست واقتصاد ازهم جدانیستند یعنی هرکالائی که ازنظراقتصاد مورد توجه قرارگرفت سیاست بدنبال آن برمیخیزد وتمام وسایل‌را برای بدست‌آوردن‌آن‌کالا بکارمیبرد .

تاکنون هرکس دراروپا وامریکا کتابی دربارهٔ نفت نوشته مطالبی‌هم در بارهٔ فعالیت های سیاسی برای تحصیل نفت نگاشته است وازآنرو میتوان به یقین دانست‌که سیاست خدمتگزار اقتصاد می‌باشد وتا نفت یك عامل مهم اقتصادی بشمار میرود طبعاً سیاست هم ازاین عامل مؤثر اقتصادی جدا نخواهد بود .

در طی فصل های آینده این‌کتاب به تناسب مقام مطالبی در بارهٔ فعالیت های سیاسی مربوط به‌نفت ذکرشده وتصورنمیرود احتیاج باختصاص دادن فصلی بآن‌موضوع باشد ودراین مورد فقط بذکر این مختصراکتفا میشودکه اساس‌صنایع وزندگانی مرّفه وتمدن امروزهٔ ملل راقیه باسه نیروی بزرگ بستگی دارد : اول نفت دوم زغال سنگ سوم نیروی آب . قسمت اخیر اگرچه‌کم خرج و پرمنفعت است ولی استفاده ازنیروی مزبور فقط در اماکن و ممـالکی‌عملی میشودکه رودخانه وآبشارآن‌زیاد باشد و چون مانند نفت و زغال‌سنگ قابل حمل از یك نقطه به نقطهٔ دیگری نیست فوائدآن محلی ومحدود به‌جائی است‌که آب فراوان در آن یافت میشود . و اما زغال سنگ چنانکه گفته شد هنوز هم تا حدی به اهمیت خود باقی است ولی نیروی نفت بواسطهٔ‌مزایائی که قبلاً ذکر شد از بسیاری جهات به زغال سنگ ترجیح دارد وخلاصهٔ کلام در حال حاضر نفت سرلوحهٔ نیرو های مورد استفاده میباشد .

میگویند ممکن است در آتیه نیروی اتم جایگیر نفت بشود و نفت را بروزسیاه زغال‌سنگ‌برساند اما فعلاً موضوع اتم ونیروی آن در مرحلهٔ مطالعه‌وآزمایش‌قرار دارد و آنچه که‌عملاً کارهای صنایع و مؤسسات مختلف دنیا را اداره میکند در درجهٔ اول نفت است .

گاهگاهی زمزمه هائی بگوش میرسدکه حاکی از نگرانی برای‌کم شدن و پایان یافتن ذخایر نفتی جهان میباشد مثلاً میگویند تا یك‌قرن یا دوقرن دیگر نفت تمام خواهد شد و با این مصارف روزافزون در آتیهٔ نزدیکی گنجینه های نفتی تهی خواهدگشت ولی باید متوجه بودکه این نگرانیها فعلاً بیمورداست وسابقه نشان‌داده که قدرت فکر بشر برتمام این مشکلات فائق آمده و خواهد آمد .

درقرن نوزده میلادی میگفتند که ذخایر زغال سنگ در فلان مدت بپایان میرسد ودستگاههای صنعتی همه ازکار میافتد اما چنانکه دیده شد فکر بشر با نیروی زغال سنگ بر نیروی بخار وماشین دست یافت و بدانوسیله توانست آهن و فلزات را بهتر ذوب کند و زودتر و بهتر نفت استخراج نماید و با بدست آوردن نفت موفق گردید ماشین احتراق داخلی اختراع نماید و همین قسم دنبالهٔ اختراعات خودرا ادامه داده و اکنون بکشف نیروی اتم نایل گشته است . پس بحکم سابقه میتوان امیدوار بود که فرض هم نیروی نفت پس از یکی دوقرن دیگر رو بزوال گذارد بشر می تواند بخوبی و بزودی از نیروی دیگری استفاده کند و چنانکه گفته شده احتیاج مادر اختراع میباشد و بمحض احساس نیازمندی فکر اختراع دنبال آن خواهد آمد . باری فعالیتهای سیاسی برای تحصیل نفت در کشورهای عقب افتاده بیشتر برروی دومحور اساسی میگردد ازاین قرار:

۱- دراین قبیل ممالك که غالباً منابع مهم نفت جهان یافت میشود سطح زندگانی افراد بسیار پائین واقع شده و مزد کارگر نسبت به کشور های راقیه ناچیز و مصرف زندگی از هرجهت محدود میباشد لذا سیاستمداران غرب میکوشند که باهزینهٔ کم نفت ارزان از این مالکین درمانده دریافت دارند ودستگاههای عظیم صنعتی خودرا با این مادهٔ حیاتی بقیمت خیلی نازل بگردانند .

۲- ممالك عقب مانده بنا بوضع جغرافیائی خود عادتاً از میدانهای مهم جنگی غرب بر کنار میباشند. سیاستمداران سعی دارند امتیاز استخراج نفت این نقـاط دور افتاده را بدست آورند تا در مواقع جنگ از پناهگاههای بالنسبه امن وامانی بهترین وسایل پیروزی خود یعنی نفت و فرآورده های نفتی را در دسترس داشته باشند ولی غافل ازاین نکته اند که اگر امروز جنگ و نزاع جدیدی بر پا شود هیچ کشوری از آن خلاصی نخواهد داشت و یکی از هدفهای اولیهٔ متخاصمین حمله و تصرف منابع نفتی طرف دیگر خواهد بود .

امروز پایه واساس فعالیت های سیاسی دول در امر نفت این است که در ایـام صلح نفت ارزان تهیه کنند و در موقع جنگ دسترسی بآنرا برای خود تأمین نمایند.

بخش ششم - منابع عمدهٔ نفت جهان

منابع عمدهٔ نفت جهان در پنج ناحیهٔ مختلف قرار گرفته از اینقرار : کشور های امریکای شمالی - کشور های مجاور دریای کاریبین وامریکای جنوبی- خاوردور- خاورمیانه - اتحاد جماهیر شوروی وابتدا میپردازیم به کشور های نیم کرهٔ غربی .

۱- ایالات متحدهٔ امریکا

از سال ۱۸۵۹ میلادی تاکنون امریکا بزرگترین کشور نفت خیز جهانی بشمار میآید و فقط در مدت چهار سال یعنی از سال ۱۸۹۸ تا ۱۹۰۱ معادن نفت بادکوبه بواسطهٔ توسعهٔ بی سابقه در استخراج نفت توانست در آن مدت ازامریکا جلو بیفتد.

بنا بعقیدهٔ زمین شناسان بخصوص کارشناسان نفتی در بیش‌از نصف‌خاك‌امریکا معادن عظیم نفت نهفته می‌باشد . البته این نظر علمی تاکنون بطور کامل واردمرحلهٔ عمل نشده ودر تمام اراضی مورد نظر آزمایشهای لازم بعمل نیامده است‌معذلك‌معادن استخراج شدهٔ فعلی امریکا بالغ برچند هزار میباشدکه بعضی از آن بالنسبه محصول زیادی دارد ودر پارهٔ دیگر محصول کم است ودر پاره‌ای از آن معدنها نفت بوسیلهٔ تلمبه و باهزینهٔ بیشتر بالامیآید. بطورکلی شصت در صدکلیهٔ محصولات نفتی امریکا ازیکصد وپنجاه معدن بزرگ وبقیهٔ چهل درصد از معدنهای کوچك استخراج میگردد .

معادن مزبور در نصف بیشتر استانهای امریکا بـا تفاوت در میزان محصول پراکنده است مثلا در تنسی ۱ فقط سالی دوهزارتن و در تکساس۲ سالی صد و پنجاه ملیون‌تن نفت استخراج میگردد . ودر سال ۱۹۵۳ محصول نفت سه استان تکساس و کالیفرنی۳ و لوئی زیانا ۴ از محصول نفت تمام‌کشور های امریکای‌جنوبی‌وخاورمیانه بیشتر بود .

درسالهای قبل بزرگترین منابع نفتی‌امریکا دراستان‌های‌پنسیلونیا ۵ نیویورك ۶ وست ورجینیا ۷ اوهایو ۸ کنتوکی ۹ بود اما اکنون بزرگترین معادن نفت امریکا در استانهای تکساس و اوکلاهوما ۱۰ ولوئی‌زیانا وکانساس ۱۱وجود دارد وازمعادن موجوده در استانهای پنجگانه اولی که ذکرشد فقط دو درصدکل محصولات‌نفتی‌کشور امریکا بدست میآید .

اکنون دانشمندان و کارشناسان نفتی امریکا مشغول عملیـات اکتشافی در قعر سواحل خلیج مکزیك وکرانه های کالیفرنی می‌باشند و معتقدندکه میتوان مقادیرمهم نفت از آن نواحی زیردریائی استخراج وکشف‌کرد و علاوه برمعادن‌زمینی از معادن زیردریائی هم استفاده نمود .

مطابق حدس و برآورد کارشناسان یك هفتم‌کلیهٔ معادن نفتی جهان در ایالات متحدهٔ امریکا میباشد وپیشرفت صنعت نفت هم درآن‌کشور بحدی است کـه در سال ۱۹۵٤ مجموع فرآورده های نفتی امریکا بالغ بر ۳٤۰ ملیون‌تن ویاقریب‌نصف‌کلیهٔ محصول نفتی جهان بوده است. اکنون توسعهٔ صنایع از هرجهت وکثرت معـادن نفت درآن‌کشور موجب شده‌که امریکا سرآمد کشورهای نفت‌خیز جهان گردد .

امریکا نه تنها در استخراج مواد نفتی مقام اول را درجهان احرازکرده بلکه بواسطهٔ تعدد پالایشگاه های خودکه شمارهٔ آن بسیصد وپنجاه رسیده درقسمت تصفیهٔ

---

(۱) Tennessee (۲) Texas (۳) California
(٤) Louisiana (۵) Pennsylvania
(٦) New York (۷) West Virginia
(۸) Ohio (۹) Kentucky
(۱۰) Oklahoma (۱۱) Kansas

مواد نفتی نیزسرآمد کشورهای دیگراست ومیتواند درحال حاضرسالی چهارصد ملیون تن فرآورده های تصفیه شده آماده کند .

بودن این‌همه نفت درامریکا نه تنها باعث پیشرفت صنایع داخلی وتأمین مصارف فوق‌العادهٔ اهالی آن کشورشده بلکه امریکائیان‌ازصدور نفت بخارج هم درآمد هنگفتی بدست میآورند که طبق آمارگمرکی صادرات نفتی آنها درسال ۱۹۵۳ بالغ برهفتصد ملیون دولار بوده‌است. وفور نفت مردم‌آن سرزمین‌را قادرساخته که برای بسط وتوسعهٔ صنایع و تهیهٔ همه نوع وسایل آسایش زندگانی بطور بی‌سابقه ازاین نیروی عظیم استفاده کنند چنانکه در سال ۱۹۵۳ هرامریکائی بطور متوسط سالی ۲۴۰۰ لیترمواد نفتی مصرف مینموده است در صورتیکه میزان مصرف نفت هرانگلیسی درآن سال از سیصد وچهل لیتر بیشتر نبوده است .

طبق آمار موجوده از هشتاد وسه ملیون اوتوموبیلی که اکنون درسراسرجهان بگردش است پنجاه وهشت ملیون‌آن درسرزمین‌امریکا بانیروی نفتی درکاراست وعلاوه برآن ملیون‌ها ماشین‌های کشاورزی وصنعتی وملیون ها دستگاه برای گرم کردن خانه وتهویه وسایرمصارف خانوادگی درآن کشور بانفت‌کار میکنند و اگرچه درامریکا از زغال سنگ هم بمقدار کثیری برای سوخت وتهیهٔ نیرواستفاده میشود ولی‌میزان مصرف مواد نفتی برای سوخت ازمیزان مصرف زغال سنگ هم تجاوز دارد .

صنعت نفت امریکارا چندین‌هزار شرکتهای نفتی اداره میکنند که بعضی ازآنها بسیارعظیم ودارای سرمایه های هنگفت ومنابع شگفتی هستند وبرخی دیگرشرکتهای کوچکی‌هستند که بیشترعملیاتشان محدودبکارهای بخصوصی‌است ازآنجمله شرکتهائی که فقط کارشان ایجاد و نگاهداری ازخطوط لولهٔ نفتی‌میباشد وخطوط لوله‌های نفت امریکا ازسیصد هزارکیلومتر هم متجاوز می‌باشد .

بالغ برده سال است که یکی از بانکهای معروف امریکا موسوم به «بانکملی چیس»[۱] هرسال رساله‌ای منتشر کرده ووضع‌مالی واقتصادی بزرگترین شرکتهای نفت امریکارا شرح داده وتجزیه وتحلیل میکند .

درنیمهٔ سال ۱۹۵۴ بانك مزبور وضع سی و پنج شرکت بزرگ را که مسئول استخراج دوسوم‌کل محصول نفت ومتصدی تصفیهٔ هشتاد وپنج درصد نفت درپالایشگاه امریکا هستند دررسالهٔ سالیانهٔ خود شرح وبسط داده‌است . طبق این‌رساله سودخالص سی وپنج شرکت مزبور درسال ۱۹۵۲ یکهزار وچهارصد و پنجاه ویك ملیون دولار بوده ودرسال ۱۹۵۳ به یکهزار و پانصد وهشتاد ونه ملیون دولار بالغ گشته است . درهمان نشریه ذکرشده است که مجموع دارائی کلیهٔ شرکتهای نفت امریکا درآخرسال ۱۹۵۲ چهل و سه هزار و دویست ملیون دولار بوده و تنها درسال ۱۹۵۳ چهارهزار

---

(۱) The Chase National Bank

وششصد ملیون‌دولار بمصرف‌توسعه و افزایش‌صنعت‌نفت‌آن‌کشور رسیده است . ارقام مذکورعظمت این‌صنعت را بخوبی واضح و آشکارمیسازد .

امریکا تا پیش از جنگ اخیر بزرگترین کشورصادرکنندهٔ نفت بشمارمیآمد اما پس ازپان جنگ بعلت‌افزایش مصرف داخلی میزان صادرات نفتی‌امریکا نسبت بسابق کم شده است وضمناً دولت امریکا کوشش میکند حتی‌المقدورمنابع نفتی کشورخودرا برای مواقع غیرعادی وجنگ و غیره محفوظ دارد . درحال حاضرصادرات نفتی امریکا بیشتر از فرآورده های سبك (بنزین‌اوتوموبیل و بنزین‌هواپیما) وروغن تشکیل میبابد ودرمقابل‌مقادیرزیادی نفت خام ازامریکای جنوبی وارد میکند که درسال ۱۹۵٤واردات مزبور سی وشش ملیون تن برآنچه صادرکرده بود فزونی داشت .

۲ - مکزیك

مکزیك کشوری است واقع درجنوب کشور ایالات متحدهٔ امریکا و دارای بیست و هشت ملیون نفوس است . معادن گوناگونی در این کشور یافت میشودکه از همه مهمترآن نقره ونفت می باشد . محصول نقرهٔ کشور مکزیك تقریباً یك سوم کلّ محصول نقرهٔ جهان است .

معادن عمدهٔ نفت مکزیك درکنارهٔ شرقی‌نزدیك خلیج مکزیك واقع است ودرسه ناحیهٔ مختلف وجدا جدا قرار دارد . در شمال مکزیك نزدیك مرز ایالات متحده گاز ونفت ازمعدن‌هائی بدست میآیدکه درواقع دنبالهٔ‌معدن‌های‌نفت‌ایالت‌تکساس‌امریکاست. دیگرازنواحی نفت خیزمکزیك ناحیهٔ جنوبی ومیان این دو منطقه ناحیهٔ مرکزی نفت مکزیك واقع است .

بیش از نصف محصول نفتی مکزیك از معادن ناحیهٔ مرکزی موسوم بمعادن پوزاریکا[۱] بدست میآید وجمع کل محصول نفت مکزیك در سال ۱۹۵٤ بالغ بردوازده ملیون تن میشده است .

معادن ناحیهٔ پوزاریکا که قدیمی ترین نواحی نفتی مکزیك محسوب می‌شود درسال ۱۹۰۱ میلادی کشف‌شد ودرسال ۱۹۰۹ یك شرکت انگلیسی معدنهای موسوم به «کوچه طلائی»[۲] را درآن ناحیه کشف و استخراج نمود . طول این معدن قریب ٦۵ کیلومتر و وضعیت آن شمالی وجنوبی میباشد . اهمیت معادن مزبور چنین است که یکی ازچاه‌های‌آن درظرف هشت سال چهارده ملیون تن نفت داده وسایرچاه‌های‌آن نیز ازاین جهات معروفیت بسزائی دارند .

اتفاقاً بواسطهٔ کثرت استخراج نفت وعجله دربهره برداری وغفلت ازبکاربردن اصول فنی معدن کوچه طلائی و معدن مجاور آن موسوم به تامپیکو[۳] درسال ۱۹۱۸ ناگهان بآب نمك رسید و از آن تاریخ تاکنون فقط مقدارکمی نفت از آن دومعدن

---

(۱) Poza Rica (۲) Golden Lane

(۳) Tampico

بدست میآید ولی درسال ۱۹۳۰ درصد وشصت کیلومتری جنوب تامپیکو وسی کیلومتری جنوب معدن کوچه طلائی معدن پر برکت پوزاریکا کشف شد و جبران نقیصهٔ آن دو معدن را کرد .

رقابت های گوناگون بین شرکتهای نفتی خارجی ودخالتهای ناروائی که آن ها دراموردا خلی مکزیك میکردند (که شرح آن درفصل دیگری ازاین کتاب آمده است) موجب شد که در ۱۹۳۸ کلیهٔ منابع نفتی مکزیك ملی اعلان شود و ازآنوقت تاکنون دولت مکزیك مستقیماً معادن مزبوررا استخراج کرده واداره مینماید .

درسال ۱۹۴۹ درناحیهٔ جنوب مکزیك وبیست کیلومتری شرق پوارتومکزیکو [۱] معدن‌های جدیدی کشف شد واخیراً هم کشف معادن جدیدی درمکزیك اعلام شده‌است . صنعت ملی شدهٔ نفت مکزیك هنوز خیلی جوان است و احتیاج باین داردکه وسایل جدید وکافی برای اکتشاف و استخراج تهیه نماید تا فرآورده های نفتی کشور بقدر لزوم افزوده شود .

مصرف نفت در مکزیك بسرعت روبتزاید است و اگر بهمین ترتیب بر میزان مصرف داخلی افزوده شود و معادن جدید دیگری کشف نگردد که جبران آنرا بنماید طولی نخواهدکشیدکه مکزیك نه‌تنها قادر بصادرکردن نفت نخواهد شد بلکه ناچار باید مقداری نفت هم از خارج وارد نماید .

در حال حاضر پالایشگاه های مکزیك میتوانند سالی دوازده ملیون تن نفت تصفیه کنند ومیزان مصرف مواد نفتی هم در ده‌سال اخیر سه برابر شده واکنون تقریباً به ده ملیون تن در سال رسیده است .

۳ - کانادا

کانادا کشور وسیع و زرخیزی است که در شمال ایالات متحدهٔ امریکا واقع و مساحت آن بالغ بر پنج ملیون وهشتصد هزار کیلومتر مربع و جمعیت آنهم متجاوز از پانزده ملیون است . کانادا از هرحیث استقلال کامل دارد وجزو کشورهای مشترك‌المنافع بریتانیا میباشد . بطورکلی کانادا را یك کشور زراعتی گفته‌اند ولی صنایع مختلفی که درآن کشور تأسیس گردیده کانادا را یك کشور صنعتی هم نموده است.

امروز کانادا یکی از نه کشور مهم نفت خیز جهان محسوب می شود . نخستین معدن نفت کانادا در سال ۱۸۶۰ میلادی کشف و استخراج شد ولی میزان محصول نفت آن کشور تا شش سال قبل از دوملیون تن در سال تجاوز نمیکرد و با اینکه کانادا از حیث کثرت مصرف نفت بعد از امریکا کشور درجهٔ دوم دنیا محسوب میگردد معهذا چون نفت امریکا بآسانی و ارزانی بکانادا میرسید لذا دقت واهتمام زیادی درکشف و استخراج معادن نفت درآن کشور نشده بود تا اینکه در سالهای اخیر اقدامات جدی دراین راه شد و جبران گذشته را نمود .

درسال ۱۹۱۴ در ترنرولی [۲] واقع در دامنهٔ جبال غربی کانادا معدن بزرگ نفتی کشف شد ولی تا سال ۱۹۳۶ بواسطهٔ کمی عمق چاه ها میزان محصول آن چندان

---

(۱) Puerto Mexico (۲) Turner Valley

زیاد نبود. در آن تاریخ که عمق چاه ها افزایش یافت بر میزان محصول نیز اضافه گشت تا آنکه در سال ۱۹٤۲ محصول نفت این معدن به سالی یکملیون و چهارصد هزارتن رسید ولی از آن مواقع به‌بعد مرتب میزان محصول رو بنقصان گذارده است.

درسال ۱۹٤۷ معدن بزرگ دیگری در ناحیهٔ لدوك ۱ نزدیك‌شهر ادمونتون ۲ کشف شد و پیدا شدن این معدن وسیلهٔ تشویقی بود که برای کشف معادن دیگر نیز اقدام شود ومعادن مهم‌تری پدیدآید که در نتیجه کانادا جزء ممالك عمدهٔ نفت‌خیزجهان قرار گیرد. استان البرتا ۳ درحال حاضر مرکز مؤسسات صنعتی نفت کانادا می‌باشد چه‌که چندین معدن بزرگ ازآن جمله معدن لدوك ومعدن دیگری موسوم به‌ردواتر ۴ دراین استان کشف شده است و ازهمه مهم‌تر اینکه جنس نفت معادن البرتا بواسطهٔ سبکی و سایر مزایا بهتر از نفت سایر معادن کانادا میباشد.

در استانهای شرقی کانادا نیز معادن کوچکتری کشف واستخراج شده ولی از حیث کمیت و کیفیت از معادن نفت البرتا عقب‌تر است. در شمال غربی کانادانیز معادن نفت کشف شده اما چون نقاط مزبور بالنسبه بایر و دور از آبادیها افتاده‌اند لذا به استخراج و توسعهٔ آن توجهی نمیشود و فقط در ایام جنگ اخیر پاره‌ای عملیات مهم درآنجا جریان یافت و نفت آن به الاسکا ۵ حمل شد ولی اکنون بهمان حال رکود سابق باقی است ودر واقع ذخیرهٔ سالهای‌آیندهٔ کشور میباشد.

در سالهای اخیر پس‌از افزایش میزان نفت معادن یك خط لولهٔ نفتی بطول ۱۸٤۰ کیلومتر از استان البرتا تا بندر سوپریو ٦ کشیده شد. بندر مزبور از بنادر مهم امریکا ودر کنار دریاچه های‌بزرگ واقع بین ایالات متحدهٔ امریکا وکانادا قرار دارد. در سال ۱۹۵۳ خط مزبور تا شهر سارنیا ۷ مرکز پالایشگاه های کانادا اتصال یافت و همچنین در سال‌مزبور خط لولهٔ دیگری بطول ۱۱۵۰ کیلومتر ازالبرتا به بندر ونکوور ۸ واقع درکرانهٔ اقیانوس آرام کشیده شد وبدان وسیله‌احتیاجات نفتی قسمت باختری کشور تأمین شد.

اکنون دوازده پالایشگاه در کانادا دائر میباشد و احتمال میرود برتعداد آن اضافه شود چه‌که موضوع استخراج و کشف معادن جدید تدریجاً رو بتوسعه است.

اخیراً در استان بریتیش کولومبیا ۹ ودر شمال استان البرتا معادن مهمی کشف شده است که در ریگزار واقع گشته و محصول نفتی آن بآسانی استخراج میشود و چنانکه گفته شد بواسطهٔ همین اکتشافات متوالی که بتدریج ادامه یافته ممکن است کانادا درقسمت تهیهٔ نفت مقام مهم‌تری را بدست‌آورد.

میزان‌محصول‌نفت‌کانادا درسال۱۹۵٤ قریب‌دوازده‌ملیون‌و نیم‌تن‌و مصرف سالانه آن بیش‌ازبیست ملیون تن وقدرت پالایشگاه ها ازقرارسالی ۲٤ ملیون تن میباشد.

---

(۱) Leduc (۲) Edmonton (۳) Alberta (۴) Redwater
(۵) Alaska (٦) Superior (۷) Sarnia (۸) Vancouver
(۹) British Colombia

کشورهای مجاور دریای کاری بین وامریکای جنوبی

۱- ونزوئلا ۱

جمهوری ونزوئلا شمالی ترین کشور قارهٔ امریکای جنوبی است که در کنارهٔ دریای کاری بین۲ واقع شده . مساحت آن ۵۶۳۴۴۰ کیلومترمربع وجمعیت آن بالغ بر پنج ملیون ونیم است . هوای آن بسیار گرم وقسمت جنوب آن نزدیك خط استوا قرار گرفته است. قسمت شرقی آن ازجنگل های انبوه پوشیده شده وهوای آن مرطوب است وفقط درقسمتهای کوهستانی آن آب وهوا اعتدالی دارد . زراعت ودامپروری واستخراج معادن بخصوص آهن ونفت جزو صنایع مهم آن کشور میباشد . زبان اهالی اسپانیولی و مذهب آنها کاتولیك است .

کشور ونزوئلا ازحیث فزونی صادرات نفت اولین کشور جهان وازحیث مقدار محصول نفت درجهٔ دوم بشمار میآید . معادن نفت آن در شمال کشور واقع گردیده و بدو قسمت شرقی وغربی تقسیم میگردد . بخش اولی درسال ۱۹۱۳ وبخش دومی درسال ۱۹۱۷ کشف گردید. معادن قسمت شمال غربی در کرانهٔ دریاچهٔ مارا کیبو۳ بیش از نصف کل محصول کشوررا میدهد . عمق چاه‌های این معادن تایك هزارمتر هم رسیده وجنس نفت آن سنگین است واز آن رو مواد فرّار نفت مزبور مثل بنزین بالنسبه کم میباشد ونفت سوخت آن زیادتر است . پاره‌ای ازچاه های این معادن تازیردریاچه امتداد یافته است ولذا درخود دریاچه نیزچاه هائی حفرشده واز آن نفاط نیز نفت استخراج میگردد . درسال ۱۹۴۴ یك طبقهٔ نفتی دیگری درزیرقشر اولی کشف شد که جنس آن سبك تر وعمق چاه‌های آن ازهزار و پانصدمتر تاسه هزارمتر است .

استخراج معادن نفت شمال شرقی فقط ازسال ۱۹۲۸ آغاز شد وبتدریج معادن دیگری نیزدر نواحی شمالی کشف واستخراج گردید . خطوط لولهٔ مختلفی معادن نفت را بکرانهٔ دریای کاری بین وصل نموده ووسیلهٔ حمل وصادرات را فراهم میسازد .

تاچند سال پیش فرآورده های نفتی شمال غربی کشور بانفتکش‌ها به جزایر هند غربی هلاند واقع در همسایگی ونزوئلا حمل ودرآنجا تصفیه میشد و درخود ونزوئلا پالایشگاهی موجود نبود ولی در اثر فشار دولت ونزوئلا اخیراً پنج پالایشگاه درآن کشورساخته شده واکنون قسمتی از نفت خام درداخل کشور وبقیه درخارج تصفیه میشود و فعلا قدرت پالایشگاه های داخلی بطور متوسط ازسالی ۲۴ ملیون تن تجاوز نمیکند وقرار است که بزودی پالایشگاه دیگری بکار افتاده وقدرت تصفیه را بسالی سی ملیون تن برساند .

محصول سالانهٔ نفت کشور درسال ۱۹۵۴ قریب نود وهفت ملیون و نیم تن بود

---

(۱) Venezuela
(۲) Caribbean
(۳) Lake Maracaibo

در صورتیکه پیش ازجنگ اخیر فقط سالی ۲۸ ملیون تن استخراج میگردید و میزان مصرف مواد نفتی درداخل کشورهم سالی دوملیون تن میباشد .

طبق امتیازات صادره ازطرف دولت ونزوئلا معادن نفت آن کشور بدست امریکائیان وهلندیان وانگلیسها میباشد وتقریباً شصت وپنج درصد استخراج بدست امریکائیان است . دولت ونزوئلا ازابتدای امر سیاست نسبةً عاقلانه‌ای راجع باستخراج معادن نفت خود اتخاذ کرد وبتدریج شرایطی که سودمند بحال کشور بود بشرکت های خارجی تحمیل نمود تااینکه توانست برمیزان درآمد خود از راه نفت بیفزاید بقسمی که اگرچه اسماً درآمدخالص بالمناصفه بین شرکتها ودولت تقسیم میگردد اما چنانکه گفته شد بواسطهٔ تحمیل همان شرایط مساعد امروزسهمیهٔ ونزوئلا ازسهمیهٔ شرکتهای خارجی بیشتراست چنانکه شرح آن درفصل دیگری ازاین کتاب خواهدآمد .

درپایان ذکراین دونکته نیز بی‌مورد نیست که شصت درصد کلیهٔ درآمد ونزوئلا ازعایدات نفت می باشد ونوددرصد کلیهٔ صادرات کشوررا نفت تشکیل میدهد ودرواقع نفت جواب گوی کلیهٔ واردات آن کشوراست .

۳- کولومبیا [۱]

جمهوری کولومبیا در قسمت شمال غربی قارهٔ امریکای جنوبی قرار گرفته است. مساحت آن قریب به هفتصد هزار کیلومترمربع وجمعیت آن بالغ بردوازده ملیون است . این کشور اردوطرف بدریا ارتباط دارد یکی ساحل شمالی که طول آن ۱۷٤۸ کیلومتر ودر کرانهٔ دریای کاری بن است و دیگری ساحل غربی که طول آن ۱٤٦۰ کیلومتر ودرمجاورت اوقیانوس آرام میباشد . کولومبیا یك کشورزراعتی است که انواع محصولات ازقبیل برنج ــ تنباکو ــ پنبه ــ شکر ــ گندم وقهوه درآن بعمل میآید ومعادن بسیاری هم دارد و از آنجمله معادن زمرّد این کشور میباشد که از چهارصد سال پیش تاکنون استخراج میشود ومعروف است. زبان اهالی اسپانیولی ومذهب آنها کاتولیك است .

چون کلیهٔ معادن نفت این کشور درداخله ودرنقاط مرکزی واقع گشته لذا برای حمل موادنفتی بخارج خطوط لولهٔ ممتدی ایجاد کرده‌اند . محصول نفت کولومبیادرسال ۱۹۵٤ بالغ بر ۵۷۵۰۰۰۰ تن بوده وازسه ناحیهٔ مختلف بدست آمده ازاینقرار :

(الف) معادن دومارس [۲] وکازابه [۳] درپانصد کیلومتری کرانهٔ دریا که اولی در ۱۹۲٦ ودومی در ۱۹٤۱ کشف واستخراج شد .

(ب) معادن بارکو [۴] در نزدیك مرز ونزوئلا که استخراج آن در ۱۹۳۹ آغاز گردید .

(ج) معادن دیفی سیل [۵] که در ۱۹٤۳ کشف شده وازسایرمعادن بدریا نزدیکتر می باشد. کلیهٔ این معادن توسط خارجیان استخراج میشود وفقط معادن دومارس که مدت امتیاز آن درسال ۱۹۵۱ منقضی شد توسط یك شرکت ملی اداره میگردد .

---

(۱) Colombia (۲) De Mares (۳) Casabe
(۴) Barco (۵) Difícil

۳- جزیرهٔ تری نیداد [۱]

جزیرهٔ تری‌نیداد یکی ازمستملکات بریتانیاست که دردریای کاری‌بین واقع شده ومساحت‌آن قریب سه هزار کیلومتر مربع و جمعیت آن هفتصد هزاراست . این جزیره دارای یك دریاچهٔ بزرگ قیراست که قیر آنرا برای راه سازی و غیره صادر میکنند . چندین سال متوالی برای کشف معادن‌نفت دراین‌جزیره اقدامات میشد و بالاخره درسال ۱۹۰۹ بنتایج مطلوب منتهی گشت . فعلا بیست معدن نفت دراین جزیره کشف شده که هم عمق چاه های‌آن کم وهم محصول‌آن بالنسبه زیادنیست .کلیهٔ معادن مزبوردرقسمت غربی جزیره واقع‌شده ومجموع محصول‌آن درسال ۱۹۵٤ بالغ بر۳٤۰۰۰۰۰ تن‌بوده است و چون مصرف نفت داخلی جزیره محدود می‌باشد قسمت عمدهٔ محصول بخارج حمل می‌گردد .کلیهٔ امور نفتی این‌جزیره بدست شرکتهای انگلیسی است وقدرت کار پالایشگاه های جزیره بین‌پنج‌تاشش ملیون‌تن درسال‌است که علاوه برتصفیهٔ محصولات داخلی قسمتی ازنفت ونزوئلا نیز دراین‌پالایشگاه ها تصفیه میشود .

۴- آرژانتین [۲]

جمهوری‌آرژانتین یکی ازبزرگترین وثروتمندترین کشورهای امریکای جنوبی است که مساحت‌آن بالغ بر۱۷۲٦۰۰۰ کیلومترمربع وجمعیت‌آن قریب به‌هیجده‌ملیون و نیم نفوس می‌باشد . پرورش‌گاو و گوسفند یکی ازکار های عمدهٔ مـردم این کشور و صدور گوشت این حیوانات قلم عمدهٔ صادرات است . بعـلاوه محصولات کشاورزی و معدنی هم بخارج صادر میشود . زبان اهالی اسپانیولی و مذهب قسمت عمدهٔ مردم کاتولیك است .

مهم ترین معادن نفت این‌کشور درکـومودورو ـ ریواداویا [۳] نزدیك خلیج سنت ژرژ [٤] واقع شده‌که درسال ۱۹۰۷ کشف و استخراج آن آغازگردید . دوسوم محصول نفت آرژانتین‌که در سال ۱۹۵٤ قریب ٤٤۰۰۰۰۰ بوده ازاین معادن بدست میآید . معادن درجهٔ دوم این‌کشور نزدیك سرحدات بولیوی[۵] درنقاط شمالی ودرمرکز کشور نزدیك مرزشیلی[٦] میباشد .

بیش‌ازهشتاد درصد صنعت نفت‌آرژانتین توسط دولت (شرکت ملی) وبقیه بوسیلهٔ شرکتهای خصوصی اداره میشود و چون مصرف نفت بیش از محصول داخله می باشد هرسال قریب پنج‌ملیون ونیم‌تن نفت‌ازخارج‌وارد میگردد. قدرت‌پالایشگاه‌های‌آرژانتین بطور متوسط سالی هشت ملیون ونیم تن می‌باشد .

۵ - پرو [۷]

جمهوری پروکه درقسمت غربی قارهٔ امریکای جنوبی واقع شده مساحتش بیش ازیك ملیون کیلومترمربع و جمعیت آن بالغ برنه ملیون است . قسمت عمدهٔ مردم این

Trinidad (۱) Argentina (۲)

Comodoro -- Rivadavia (۳)

St. George (٤) Bolivia (۵) Chile (٦) Peru (۷)

کشور به‌کارهای کشاورزی مشغول وجمعی‌هم درمعادن کارمیکنند . معادن وانادیوم[۱] این کشور معروف است و محصول آن توأم بانفت ومس قلم عمدهٔ صادرات آن کشور را تشکیل میدهد .

معادن نفت پرو درشمال غربی کشورقراردارد وقدیمی ترین معدن نفت امریکای جنوبی که ذکری ازآن شده همان معدن نفت زوریتوس[۲] است ولی مهم ترین معدن نفت کشور پرو معدنی‌است موسوم به لابریا پاریناس[۳] که سه چهارم محصول کشور از آنجا بدست میآید .

در سال ۱۹۳۹ معدن تازه‌ای درقسمت کوهستانی کشف شد ولی بواسطهٔ دوری بدریا توسعهٔ چندانی نیافت . محصول نفت پرو درسال ۱۹۵٤ دوملیون ودویست وپنجاه هزارتن بوده است . در این کشور فقط یك پالایشگاه هست که نفت را برای مصرف داخلی تصفیه مینماید .

٦- اکوادور[٤]

جمهوری اکوادور بین کشورهای کولومبیا و پرو درامریکای جنوبی قرار گرفته است . جمعیت آن قریب سه ملیون ونیم ومساحتش بالغ بردویست هزار کیلومتراست .

اکوادور یك کشور زراعتی است ولی دارای معادن مهمی نیز میباشدکه بعضی ازآنها استخراج شده است . معادن نفت این کشور میان قسمت کوهستانی و سواحل اوقیانوس آرام می باشد. پس‌ازجنگ اخیر کاوشهای زیادی‌برای تحصیل‌نفت دراکوادور بعمل آمد ولی تاکنون نتایج زیادی ازآن بدست نیامده‌است. محصول نفت‌آن درسال ۱۹۵٤ قریب چهارصد هزارتن بوده است .

۷- شیلی[۵]

جمهوری شیلی درقسمت غربی قارهٔ امریکای جنوبی می‌باشد . جمعیت‌آن بالغ برشش ملیون ومساحتش ٤۵۸۲۳۵ کیلومترمربع‌است . هفتاد وپنج درصد صادرات این کشورمواد معدنی‌می باشدکه ازهمه مهمترنیترات[٦] ومس وآهن می‌باشد . نخستین کشف نفت در کشورشیلی‌درسال ۱۹٤۵ بعمل‌آمد ولی‌چهارسال طول کشید تالوله کشی وایجاد سایرمؤسسات نفتی تکمیل و قابل استفاده شد . در سال ۱۹۵۰ هم معدن نفت دیگری کشف شدکه محصول آن چندان زیاد نیست . درسال ۱۹۵٤ کلیهٔ محصول نفت شیلی دویست وسی هزارتن بود .

۸ - برزیل[۷]

برزیل بزرگترین کشور امریکای جنوبی است . جمعیت آن قریب پنجاه و شش ملیون و مساحتش ۵۲٦۰۸۸۰ کیلومترمربع میباشد . برزیل از حیث‌معادن فوق‌العاده

---

(۱) Vanadium ازدسته عناصری‌است‌که مخلوطی ازنیتروژن وگوگرده‌میباشد .
(۲) Zorritos (۳) La Brea -Parinas (٤) Equador
(۵) Chile (٦) Nitrate (۷) Brazil

غنی و ثروتمند است و هرسال مقادیر زیادی مواد معدنی صادر میکند . هفتاد درصد قهوهٔ جهان از این کشور میآید و صادرات محصولات کشاورزی آن هم قابل ملاحظه میباشد . زبان مردم برزیل پرتقالی و مذهب آنها کاتولیك است . در کرانهٔ شرقی برزیل چند معدن نفت کوچك هست که جمع محصول آن در ۱۹۵٤ فقط یکصد و سی هزار تن بوده است .

۹ - بولیوی [۱]

جمهوری بولیوی درغرب کشور برزیل قرار گرفته و جمعیت آن بالغ بر سه ملیون و مساحتش ٦٦٥٦٦٤ کیلومتر مربع است . بولیوی یك کشور زراعتی میباشد و صادرات عمده اش لاستیك است . علاوه براین دارای معادن مهمی است که محصول آنرا صادر مینمایند . معادن نفت بولیوی درجنوب واقع شده و نزدیك به مرز آرژانتین است . محصول نفت آن در ۱۹۵٤ قریب دویست هزار تن بود .

۱۰ - کوبا [۲]

جزیرهٔ کوبا در جنوب شرقی امریکا واقع شده و قریب به شش ملیون جمعیت دارد ومساحتش هم قریب به هفتاد هزار کیلومتر مربع است . عمده محصول آن نی شکر است که هرسال مقادیر زیادی به خارج صادر میکنند . در کوبا فقط یك معدن نفت کشف شده که سالی چندهزار تن نفت میدهد .

خاور دور

معادن نفت خاوردور گرچه باهمیت معادن نفت خاورمیانه وایالات متحدهٔ امریکا و جماهیر شوروی نیست ولی نسبت بسایر نقاط واجد اهمیت میباشد و امروز قسمت عمدهٔ احتیاجات نفتی کشور های استرالیا و زلاندجدید وسایر نقاط خاوردور را تأمین مینماید . در سالهای اخیر بواسطهٔ حوادث جنگ صدماتی به محصول نفت این نواحی وارد آمد ولی پس از پایان جنگ که خرابیهای مزبور ترمیم یافت مجدداً محصول نفت این کشورها رو به افزایش گذاشت .

مهم ترین منابع نفت خاوردور درکشور اندونزی [۳] و جزیره برنئو [۴] میباشد و بزرگترین مصرف کننده هم کشور های ژاپن و استرالیا و زلاند جدیداند . مصرف نفت کشور های وسیع و پر جمعیت چین و هندوستان چندان زیاد نیست و قسمت عمدهٔ مصرف این کشور ها در حال حاضر همان نفت چراغ است ولی مسلماً طولی نخواهد کشید که مصرف سایر مواد نفتی در این نقاط افزایش خواهد یافت و بازار عمده‌ای ایجاد خواهد کرد .

۱۱ - اندونزی

مجمع الجزایری که درسابق به اسم جزایر هند شرقی معروف و جزو مستملکات

---

(۱) Bolivia (۲) Cuba (۳) Indonesia (۴) Borneo

هلاند بود اکنون موسوم به اندونزی شده‌است . این کشور اکنون مستقل‌وبزرگترین کشور اسلامی روی‌زمین است . تعداد جزایری که این کشوررا تشکیل میدهد سه‌هزار و ششصد است ولی از همهٔ آنها مهم‌تر و معروف‌تر پنج جزیرهٔ جاوه ۱ (که یکی از پرجمعیت‌ترین نقاط جهان وتقریباً هفتصد نفر درهر کیلومتر مربع آن زیست میکنند) و جزیره سوماترا ۲ و قسمت جنوبی جزیرهٔ برنئو موسوم به کالی‌مانتان ۳ و جزیرهٔ سلبیس ۴ و قسمت غربی جزیرهٔ گینهٔ جدید ۵ میباشد . جمعیت کشور اندونزی بالغ بر هشتاد و پنج ملیون است که نود در صد آنها مسلمان وبقیه پیرو ادیان دیگراند . از حیث منابع طبیعی کشور اندونزی فوق‌العاده غنی و ثروتمند است و علاوه بر زراعت وسیع دارای معادن متعددی است که استخراج شده و محصول آن صادر میشود .

معادن نفت اندونزی با وجود تعدّد آن چندان سرشار وفراوان نمیباشد.قسمت عمدهٔ محصول از چهار جزیرهٔ سوماترا و کالی مانتان و جاوه و سرام ۶ بدست‌میآید. در سال ۱۹۳۸ جمع محصول نفت این جزایر قریب هشت ملیون تن میشد . در اثنای جنگ خسارات زیادی به صنعت نفت این کشور وارد آمد و بیشتر از همه خود دولت آن خسارات را وارد ساخت تا از دستبرد ژاپون بآن منابع جلوگیری کند و بقرار تخمینی که شده خسارات مزبور در حدود شصت و دو ملیون لیره بوده است . پس از پایان جنگ بواسطهٔ همان خرابیها میزان محصول جزایر مزبور در سال ۱۹٤٦ فقط سیصد هزار تن میشد اما پس‌از ترمیم‌خرابیها فزونی یافت و درسال ۱۹٥٤ به‌ده‌ملیون و نیم تن بالغ گشت .

برای نخستین بار درسال ۱۸۹۳ میلادی در جزیرهٔ سوماترا اولین معدن نفت اندونزی کشف شد و در بیست سال اخیر اکتشاف و استخراج معادن جزیرهٔ مزبور همواره رو به توسعه بوده است . معادن این جزیره در سه ناحیه مختلف ودر شرق یك سلسله کوه هائی واقع شده که بطول ۱۸۰۰ کیلومتر در سرتاسر جزیره امتداد دارد. عمق چاه های این معادن غالباً کم است و فقط عمق چند چاه آن در قسمت جنوب تا ۲۳۰۰ متر رسیده است .

در سه ناحیهٔ کالامانتان (که همان قسمت جنوبی جزیرهٔ برنئو میباشد) نفت کشف شده که مهم‌ترین آن در جزیرهٔ کوچك تاراکان ۷ واقع در شمال شرقی جزیرهٔ کالامانتان میباشد . نفت خام این ناحیه را میتوان بدون تصفیه در موتور های دیزل بکار برد ولی عیب نفت ناحیهٔ کالامانتان آن است که فشارگاز ندارد و باید باتلمبه از چاه بالا بیاید .

در جزیرهٔ جاوه دو ناحیهٔ نفت‌خیز هست یکی در شرق و دیگری در مرکز و پیش از جنگ جمع محصول آن بیك ملیون تن میرسید . از جزیرهٔ سرام هم مقدار کمی نفت بدست میآید .

Java (۱) Sumatra (۲)
Kalimantan (۳) Celebes (۴)
New Guinea (۵) Ceram (۶) Tarakan (۷)

در جزایر اندونزی چندین پالایشگاه هست که در زمان جنگ صدمات بسیاری دید و اکنون تعمیر شده و قدرت مجموع آنها در سال نه‌ملیون تن میشود .

۲ - گینهٔ جدید

قسمت شمال شرقی جزیره گینهٔ جدید که قبل‌از جنگ اول جزو مستملکات آلمان بود امروز در تصرف استرالیا است که بعنوان قیمومیت از طرف ملل متحده آنرا اداره میکند . قسمت جنوب شرقی آن موسوم به پاپوا [۱] از مستملکات استرالیا میباشد ولی قسمت غربی آن متعلق به اندونزی است .

در سال ۱۹۳۶ در اثر کاوشهای یك شرکت امریکائی و انگلیسی در ناحیهٔ شمال غربی جزیرهٔ موسوم به کلامونو [۲] معدن نفتی کشف شد . عمق این معدن زیاد نیست اما محصول آن شبیه به قیر و بسیار سفت است . در سال ۱۹۴۰ نیز دو معدن دیگر در گینه کشف شد که هنوز نفت آن استخراج نشده است . چون در گینه کوه وجنگل زیاد است واز حیث آب و هوا بسیار ناسازگار می باشد فعالیت برای استخراج نفت با مشکلات بسیاری مواجه گردیده است .

در قسمت پاپوا تاکنون دوازده ملیون لیره برای کاوش کشف نفت خرج کرده‌اند ولی هنوز نفت بمقدار تجارتی پیدا نشده است وعملیات کاوش ادامه دارد .

۳ - بورنئو

شمال جزیرهٔ بورنئو از مستملکات انگلیس است که قریب سیصدو پنجاه هزار جمعیت دارد و هرسال مقداری لاستیک و چوب و تنباکو و سایر محصولات فلاحتی صادر میکند .

بورنئو تنها نقطه‌ای از نقاط نفت‌خیز خاوردور است که محصول نفت آن پس از جنگ بمقدار قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است . در برنئو دو معدن نفت هست از این قرار :

معدن نفت میری [۳] که در سال ۱۹۱۱ کشف شد و در ابتداء محصولش تا سالی هفتصد هزار تن هم رسید ولی اکنون به سالی پنجاه‌هزار تن تقلیل یافته است .

معدن نفت سریا [۴] که در سال ۱۹۲۹ کشف‌شده و محصول‌سالانهٔ آن فعلا قریب پنج ملیون تن میباشد.

قدرت پالایشگاه برنئو برای تصفیه سالی دو ملیون و دویست هزار تن است.

۴ - ژاپون

از هشتاد سال پیش استخراج نفت در ژاپون شروع شد واکنون از پنجاه معدن نفت استفاده می‌شود ولی مجموع محصول همهٔ آن چاه ها در سال از سیصد هزار تن تجاوز نمیکند در حالیکه مصرف نفت آن کشور سالی چهار ملیون تن میباشد . در

---

(۱) Papua (۲) Klamono
(۳) Miri (۴) Seria

ژاپون چند پالایشگاه هست که نفت داخلی و نفت هائی که از خارج وارد می‌شود در آنها تصفیه میکنند .

پیش از جنگ اول ژاپون امتیاز استخراج معادن نفت شمال ساخالین ۱ را از دولت شوروی گرفته بود واز معدن های گاز نفت فرمز ۲ نیز استفاده میکرد اما پس از جنگ اخیر این هردو قسمت از دست ژاپون رفت .

۵ - چین

محصول نفت چین در ۱۹۵٤ قریب دویست هزار تن بوده که تماماً ازاستان کانسو ۳ واقع درشمال چین استخراج میشد وتاکنون معدن مهم دیگری درچین کشف نشده است.

٦ - استرالیا

از سی سال پیش تا کنون شرکتهای انگلیسی و امریکائی واسترالیائی باصرف بیش از پانزده ملیون لیره مشغول کاوشهای علمی میباشند تا درآن قارّه معادن نفت کشف کنند . در سال ۱۹۵۳ یك شرکت مختلط امریکائی - استرالیائی موفق شد در قسمت غربی استرالیا نزدیك خلیج اکسموت ۴ در عمق هزار و دویست متر معدن نفتی کشف کند . در ابتدا مطالب اغراق‌آمیزی دربارهٔ این معدن انتشار یافت ولی اخیراً معلوم شد که بازهم وقت و پول زیادتری برای حصول نتیجهٔ قطعی لزوم دارد .

۷ - برمه

معادن نفت برمه درکنار رود ایراوادی ۵ قرار دارد و پیش از جنگ محصول آن تا سالی یك ملیون تن میرسید ولی دراثر خرابیها و صدمات وارده ازجنگ فعلاً این مقدار بسالی صد وهشتاد هزار تن تقلیل یافته است .

۸ - هندوستان

در استان آسام ٦ هند معادن کوچکی است که محصول سالانه آن قریب سیصد و ده هزار تن میشود و جز این، معادن دیگری درهند کشف نشده است. درسال ۱۹۵٤ شرکت نفت استانداردواکوم ۷ پالایشگاهی بظرفیت سالی یك ملیون وسیصدهزارتن در هندوستان ساخت و شرکت نفت برمه - شل ۸ هم پالایشگاه دیگری بقدرت دوملیون تن در سال مشغول ساختن است که در سال ۱۹۵۵ بکار خواهد افتاد . یك پالایشگاه سومی را هم شرکت کالتکس ۹ مشغول ساختن است که سالی ٦۷۵۰۰۰ تن نفت تصفیه خواهد کرد . این سه پالایشگاه تا مدتی احتیاجات کشور هندوستان را رفع خواهد کرد . دولت هندوستان درنظر گرفته است که فعلاً نود درصد مصرف نفت کشور درسه پالایشگاه مزبور تصفیه شود وده درصد بقیه آزاد باشد .

---

(۱) Sakhalin (۲) Formosa (۳) Kansu (٤) Exmouth (۵) Irrawady (٦) Assam (۷) Standard-Vaccum Oil Co.' (۸) Burmah-Shell Oil Co. (۹) Caltex

۹ - پاکستان

در روال پیندی ۱ واقع در استان پنجاب معدن کوچکی است که سالی دویست و چهل‌هزار تن نفت می‌دهد . دوسال پیش در ناحیهٔ سوئی ۲ واقع در بلوچستان پاکستان معدن گاز نفتی کشف شد که فوق العاده مهم است و اکنون خط لوله ای گاز معدن مزبور را به کراچی حمل‌میکند . قرار است خط لولهٔ دیگری نیز بزودی ساخته شود تا گازرا برای سوخت و تولید نیرو بشهر کراچی ببرد. قطر خط لوله اولی بالغ برچهل سانتیمتر می باشد که روزی یك‌ملیون متر مکعب گاز (که برابر باسالی‌سیصدهزارتن نفت سوخت است) بکراچی حمل میکند .

خاور میانه

در فصول دیگر این کتاب مطالب مشروحی راجع به نفت خاورمیانه ذکر شده ودر این‌جا فقط بطور فهرست مانند توصیفی از معادن نفت هریك از کشور های خاور میانه میشود که یکنواخت با سایر کشور هائی که در این بخش آمده باشد .

۱ - ایران

اولین کشف عمدهٔ نفت در ایران در سال ۱۲۸۷ شمسی در مسجد سلیمان بود که تاکنون سیصد چاه در این معدن حفر شده و بالغ بر یکصد ملیون تن نفت ازآن استخراج شده است . دومین معدن در سال ۱۳۰۷ شمسی کشف شد که موسوم است به هفت کل ودر پنجاه و شش کیلومتری جنوب شرقی مسجد سلیمان قرار گرفته‌است. چاه های این معدن از جمله زرگترین چاه های نفت جهانست که از برخی ازآنها روزی ۳۲۰۰ تن نفت استخراج می‌شود . مساحت این معدن قریب بـه یکصد و پنج کیلومتر مربع است وقسمت عمدهٔ محصول این معدن از بیست چاه استخراج می‌شود . نزدیك به هفت کل معدن کوچکتری است موسوم به نفت سفید کـه پس از جنگ اخیر عملیات استخراجی درآن آغاز گردید . قشر نفتی این معدن قریب به شانزده کیلومتر عرض و بیست وچهار کیلومتر طول است . در جنوب شرقی هفت کل معدن آغاجاری قرار گرفته که از هفت کل وسیع تر و مهم‌تر است . جنس نفت آغاجاری از نفت مسجدسلیمان و هفت کل سنگین‌تر است و در این اواخر قسمت عمدهٔ محصول ایران از معدن آغاجاری بدست میآید. در جنوب شرقی آغاجاری نزدیك بهبهان معدن دیگری است موسوم به بازنون که تاکنون چاه هائی که درآن حفر شده همه به گاز نفت رسیده ولی نفتی در آن یافت نشده است .

در جنوب شرقی بازنون معدن بزرگ گچساران واقع شده کـه درسال ۱۳۰۸ شمسی کشف گردید . کلفتی قشر نفتی این معدن قریب پانصد متر است که درعمق هزار متری سطح زمین قرار گرفته و طول آن سی ودو کیلومتر وعرض آن هشت کیلو متر

---

۱ Rawalpindi ۲ Sui

میباشد . جنس نفت این معدن از سایر معادن نفت ایران سنگین‌تر است . استخراج از این معدن در ده سال پیش آغاز گردید .

در شمال غربی مسجد سلیمان معدن دیگری است موسوم به لالی که در سالهای اخیر کشف شد و رودخانهٔ کارون از وسط آن عبور میکند . علاوه بر هفت معدنی که در جنوب واقع شده معدن نفت دیگری هم در غرب نزدیك قصر شیرین است که موسوم به نفت شاه می‌باشد . نصف این معدن در خاك ایران و نصف دیگرش در خاك عراق است و خط مرزی از وسط آن عبور میکند و هم ایران و هم عراق از این معدن نفت استخراج میکنند .

تمام هفت معدن جنوب را خطوط لوله به آبادان وصل میکند وخط لولهٔ گچ-ساران و آغاجاری هم از بندر معشور میگذرد که نفت خام از آن بندر صادر میگردد. یك خط لوله‌ای هم از نفت شاه به کرمانشاه هست که نفت را به پالایشگاه کرمانشاه میرساند .

درسالهای اخیر در نزدیك شهر قم عملیات اکتشافی صورت گرفته وچندین‌ملیون تومان خرج کاوش شده ولی‌هنوز نتیجهٔ آن معلوم نیست ودرچندسال پیش هم‌کاوشهائی در معدن نفت سمنان شده که نتیجهٔ قطعی آن برای اطلاع عامه منتشر نشده است .

در ایران دو پالایشگاه هست یکی درآبادان ودیگری درکرمانشاه پالایشگاه کرمانشاه کوچك و برای تصفیهٔ یکصد هزار تن نفت در سال طرح و ساخته شده ولی پالایشگاه آبادان قدرت تصفیهٔ سالی بیست و پنج ملیون تن نفت را دارد و معروف به‌بزرگترین پالایشگاه جهان‌است .

۲- عراق

اولین معدن نفتی که درعراق کشف واستخراج شد معدن‌موسوم به نفت خانه بود که درسال ۱۹۲۳ کشف گردید واین همان معدنی‌است که قسمتی ازآن درخاك ایران وباسم نفت‌شاه خوانده میشود . محصول این‌معدن بوسیلهٔ خط لوله به پالایشگاه الوند نزدیك‌خانقین، که درابتدا توانائی تصفیهٔ سالی یکصد وپنجاه‌هزارتن‌نفت وحالاچهارصد وپنجاه هزارتن دارد، حمل شده‌وازسال ۱۹۲۳ تاکنون عمل استخراج وتصفیه دراین ناحیه ادامه دارد .

درسال ۱۹۲۷ معدن بزرگ کرکوك کشف گردید . این یك معدن بزرگی است که عرض آن کم ولی‌طول آن‌قریب یکصد کیلومتراست واستخراج ازآن درسال ۱۹۳٤ آغاز گردید. درظرف نه سال‌اول یکصد ملیون تن از این معدن استخراج کرده‌اند . دوخط لوله که قطرهریك سی‌سانتیمتر ونیم است معدن کرکوك را بدونقطه در ساحل دریای مدیترانه یکی درطرابلس ودیگری درحیفا وصل میکنند .

درمغرب رود فرات معدنی بنام عین‌زاله درسال ۱۹۳۹ کشف شدکه چندان وسیع وبزرگ نیست‌ودرجنوب معدن مزبورچهارمعدن دیگر کشف شده‌است که نفت آن خیلی سنگین واستخراج ازآن فعلاً مقرون بصرفه نیست .

درجنوب عراق ودر بیست و چهار کیلومتری جنوب غربی بصره در ۱۹٤۸ معدن نفت مهمی کشف شد بنام معدن زبیر که در سال ۱۹۵۰ این معدن را بوسیلهٔ یك خط لولهٔ سی‌سانتیمتری به فاو درمصب شط‌العرب متصل کرده وصدور نفت آنرا بخارج آغاز کردند ودرسال۱۹۵۳خط لولهٔ دیگری به‌قطرشصت ویك‌سانتیمترایجاد شد که گنجایش آن سالی شش‌ملیون‌تن است .

کاوش برای کشف معادن جدیدعراق درسالهای‌اخیرادامه داشته‌است واخیراً جراید اطلاع داده‌اند که سه معدن جدید درعراق کشف شده بدینقرار :

۱ــ درسی‌ودو کیلومتری‌شمال غربی کرکوك معدنی کشف‌شده باسم «بیرحسن» .

۲ــ درپنجاه وشش کیلومتری جنوب شرقی کرکوك معدن دیگری کشف شد بنام «جامبور» اکنون مشغول حفرچاه های اضافی‌هستند که حدود این دومعدن را تشخیص دهند ومعلوم نمایند .

۳ــ درجنوب عراق نزدیك به معدن زبیرمعدن دیگری بنام «الرمیله» در۱۹۵۳ کشف شدکه ازسال بعد استخراج ازآنرا آغازکردند .

خطوط لولهٔ نفت عراق هم درسالهای اخیرتوسعهٔ بسیار یافته است پس ازجنگ دوخط لولهٔ دیگرازمعدن کرکوك هریك بقطرچهل سانتیمترونیم یکی به بندرطرابلس و دیگری بـه بندر حیفا درکشور اسرائیل طرح ریزی شدکه صادرات نفت عراق را افزایش‌دهد. خط اولی که به طرابلس میرودساخته وباتمام رسید ولی خط حیفا بواسطهٔ اختلافات بین کشور های عرب واسرائیل نیمه تمام است . باین دو خط هم اکتفا نشد ودرسال ۱۹۵۲ خط لولهٔ دیگری بقطرهشتادسانتیمتر ازکرکوك به بندر بانیاس واقع درسوریه ودر کرانهٔ مدیترانه ساخته شدکه گنجایش آن سالی‌چهارده ملیون تن می‌باشد وهزینهٔ آن چهل ملیون لیره شده است .

درقسمت توسعهٔ پالایشگاه هم عراق پیشرفت بسیارنموده است . همینکه صدور نفت ایران به عراق در سال ۱۹۵۱ متوقف گردید دولت عراق با عجلهٔ هرچه تمامتر پالایشگاه کوچکی بقدرت دویست هزارتن درسال در «مفتیه» نزدیك بصره بنا نمود تارفع احتیاجات جنوب کشورخود را بنماید . علاوه براین سه‌سال است که دولت عراق مشغول ساختن‌پالایشگاه بزرگی درجنوب‌شهر بغدادمیباشد که قدرت آن‌سالی ۱۲۵۰۰۰۰ تن وقراراست که این پالایشگاه دراواخرسال ۱۹۵۵ بکارافتد .

در «باباگرگر» نزدیك کرکوك یك‌پالایشگاه کوچکی‌هست که درواقع دستگاه تقطیر نفت میباشد وسالی یکصد هزارتن نفت را تصفیه مینماید .

۳- بحرین

نفت مجمع‌الجزایر بحرین در۱۹۳۲ کشف واستخراج گردید و عمق چاه هائی که دراین‌معدن حفرشده بین‌هفتصد وهشتصدمتراست . صادرات نفت ازبحرین‌درسال ۱۹۳٤ بمقدار چهل هزارتن‌آغاز گردید وبتدریج اضافه گشت تا اینکه درسال ۱۹٤۹ به یك ملیون ونیم تن درسال رسید وازآنوقت تاکنون این مقدار کم وبیش ثابت مانده‌است . این معدن درجزیرهٔ بزرگ بحرین درنزدیکی‌شهرمنامه واقع شده وتاکنون ۱۱٦چاه

درآن حفر کرده‌اند که ازهشتاد وسه چاه آن نفت استخراج می‌شود .

در سال ۱۹۳۷ پالایشگاهی دربحرین ساخته شد که درطی جنگ اخیر اضافاتی بآن کردند و اینک که توسعه یافته است ظرفیت و قدرت آن درحدود سالی ده ملیون تن است. این پالایشگاه تمام نفت بحرین‌را تصفیه کرده وبعلاوه سالی هشت ملیون و نیم تن نفت عربی سعودی را تصفیه میکند . ازمعادن عربی سعودی دو خط لولهٔ زیردریائی به پالایشگاه جزیرهٔ بحرین کشیده شده که نفت خام را برای تصفیه میآورد . سال گذشته مقدار کمی‌هم نفت ازاندونزی به‌پالایشگاه بحرین‌آورده شد که تصفیه گردید .

بندرنفتی بحرین که نفت ازآن صادر می‌شود ومجهز به اسکله ها و مخزن های فولادی وتلمبه‌ها وسایرلوازمات میباشد موسوم است به«ستره» وطبق آماری که منتشر شده درسال ۱۹۵٤ جمعاً ۱۳۵۰ کشتی باین بندرآمده که ٦٥٥ آن نفتکش و ٥٦ کشتی باری حامل نفت مظروف و٥٥٥ کشتی هم برای سوختگیری وبقیه هم کشتیهای حامل مال‌التجاره بوده‌اند .

۴- عربستان سعودی

درسال ۱۹۳۵ اولین معدن نفت عربستان سعودی در ایالت‌الاحساء در نقطه‌ای موسوم به «جبل ظهران» که تاساحل دریافقط هشت کیلومترمسافت‌داشت کشف گردید. این معدن درقسمت شرقی عربستان سعودی و درمجاورت خلیج فارس و تقریباً مقابل جزیرهٔ بحرین قرارگرفته‌است . عمق اولین چاه نفت این‌معدن که به‌نفت‌رسید ۱۵۲۰ متر بود وبعدها معلوم گشت که معدن ظهران درطبقهٔ نفتی‌قرار گرفته که کلفتی آن بین یکصد الی یکصد وپنجاه متر وطول طبقهٔ مزبور قریب به شش کیلومتر ونیم وعرض‌آن قریب پنج کیلومتراست . چهارسال بعد درشصت وپنج کیلومتری شمال ظهران درمحلی‌موسوم به«رأس‌التنوره» بندری ایجادشدوخط لوله‌ای ازظهران باین‌بندر کشیده شد ودرآن‌سال ٥۲٥۰۰۰ تن نفت ازعربستان سعودی صادر گردید .

معدن دومی که کشف شد معدن ابوحدریه بود که دریکصد و شصت کیلومتری شمال ظهران واقع است . اولین چاه نفت این معدن در عمق سه هزار و هشتاد متر به نفت رسید .

معدن سوم موسوم به«ابقیق» درشصت وپنج کیلومتری جنوب‌غربی ظهران واقع ودرسال ۱۹٤۰ کشف گردید . اولین چاه این معدن در عمق ۱۷٤۰ متر بنفت رسید . دراوایل جنگ اخیر توقفی درکار های استخراج معادن نفت عربستان رخ داد ولی از ۱۹٤۳ به بعد بتشویق دولت امریکا عملیات مزبور تجدید شد وتوسعهٔ بسیاری یافت .

از سال ۱۹٤٥ به بعد عملیات‌کاوش و جستجو برای معادن جدید باشدت ادامه یافته و چندین معدن دیگر کشف شده است که هریك دارای اهمیت بسزائی است از این قرار :

درسال ۱۹٤٥ معدن موسوم به قطیف واقع درنزدیك ساحل خلیج فارس .
درسال ۱۹٤۸ معدن غور درچهل کیلومتری جنوب شرقی معدن ابقیق .
درسال ۱۹٤۹ معدن «فضیلی» در۱۱۲ کیلومتری شمال غربی ظهران .

درسال ۱۹٤۹ معدن «حرض» در ۲۵۰ کیلومتری جنوب غربی ظهران .
درسال ۱۹۵۱ معدن «صفاینا» درساحل خلیج فارس که شمالی ترین معدن نفت عربستان سعودی است .

بزرگترین معدنی که تاکنون درکشورسعودی کشف واستخراج شده است همان معدن «غور» است . درچند نقطهٔ این معدن چاههائی حفر کرده اند ودرابتدا هرقسمت که به نفت میرسید تصورمیشد که معدن مستقل و جداگانه‌ای است ولی باکاوشهای بعدی معلوم گشت که این معدن نه تنها بزرگترین معدن کشورسعودی می باشد بلکه بزرگترین معدنی است که تاکنون درخاورمیانه کشف شده است و اکنون میگویند اگرکاوشهای بعدی ثابت کند که معدن «حرض» هم جزئی ازاین معدن است آنوقت بطورقطع میتوان گفت که معدن «غور» بزرگترین معدن نفتی است که تاکنون درجهان کشف شده است .

کشف این معادن پراستعداد وگرانبها وافزایش استخراج نفت ازکشورسعودی درسالهای اخیرمنزله ومقام آنکشوررا به سومین کشوری که ازدیگران بیشتر نفت صادر میکند رسانده است .

درنطقیکه مستر بروسترجنینگ[۱] رئیس شرکت سوکونی واکوم[۲] درماه دسامبر ۱۹۵٤ درشهرسن‌فرانسیسکو نمودگفته بود طبق آخرین برآوردی که شده است ذخایر عربستان سعودی اینك بالغ برسی‌هزارملیون چلیك (قریب به‌چهارهزار وکسری‌ملیون تن) است که ازذخایرنفتی ایالات متحدهٔ امریکا هم تجاوزکرده وازحیث ذخایرنفت از همه کشورهای جهان سبقت دارد .

درآخرسال ۱۹۵۳ مجموعاً دویست چاه در معادن نفت سعودی حفر شده بودکه ازیکصدوسی وهفت آنها استخراج میشدوالبته تاکنون برتعداد چاهها افزوده شده‌است.

تمام این‌معادن بوسیلهٔ خطوط لوله بیکدیگرارتباط داشته ونفت عربستان‌سعودی ازسه راه مختلف صادرمیشود . یك‌قسمت به پالایشگاه بحرین رفته وآنجا تصفیه شده وبخارج فرستاده می‌شود . یك قسمت هم به پالایشگاه «رأس‌التنوره» میرود وازآنجا تصفیه شده صادر میگردد . و یك قسمت هم بوسیلهٔ خط لوله عظیمی بساحل دریای مدیترانه رفته وازبندر «صیدا» درلبنان به اروپا صادرمیشود .

پالایشگاه « رأس‌التنوره » در ساحل خلیج فارس در شمال بحرین واقع شده وساختمان آن درسال ۱۹٤۵ خاتمه یافت ولی‌ازآنوقت به بعد اضافات چندی بآن شده واکنون ظرفیت وقدرت آن درحدود سالی دوازده ملیون تن میباشد .

طول خط لوله‌ای که از عربستان سعودی به لبنان کشیده شده بالغ بریکهزار وهفتصد کیلومتراست که ساختن آن درسال ۱۹٤۷ شروع ودرسال ۱۹۵۰ خاتمه یافت.

شش تلمبه خانهٔ بزرگ که درفواصل مختلف این خط بناشده نفت را دائماً تلمبه زده ودرجریان نگاه میدارد . قطر این‌لوله قریب ۷۹ سانتیمتر ومیتواند درحال حاضر سالی پانزده ملیون تن نفت را حمل کند ولی اگر برتعداد تلمبه‌خانه ها افزوده گردد

---

(۱) Mr. Brewster Jennings
(۲) Socony -Vacuum

خط مزبور قادرخواهد بود که تاسالی بیست وپنج ملیون تن حمل نماید .

ساختن این خط لوله موجب شد ازمسافتی که یك کشتی نفتکش ازخلیج فارس به غرب اروپا باید طی کند قریب ٥٦٠٠ کیلومتر بکاهد واین صرفه جوئی بزرگی درامرحمل نفت میباشد . بعلاوه مبالغ گزافی را که کشتیهای نفتکش بابت عوارض به کانال سوئز میدهند وتقریباً برای هرتن بار نفت یك دولار و بیست وپنج سانتیم است (که برای هر کشتی نفتکش به تناسب کوچکی و بزرگی آن بین پانزده تاسی هزار دولار است) صرفه جوئی میکند .

٥ - کویت

اولین چاهی که درکویت به نفت رسید در ناحیه‌ای بود بنام «برقن» که در ٤٧ کیلومتری جنوب شهر کویت واقع شده بیست وسه کیلومترازساحل دور بود . این چاه که در سال ١٩٣٧ حفر گردید در عمق ١١٢٠ متر بنفت رسید . کاوشهای بعدی ثابت نمود که معدن برقن معدن پربرکتی است که کلفتی طبقهٔ نفتی آن از ٣٠٠ مترهم متجاوز است ومساحت آنهم قریب ٧٧٧٠ هکتاراست .

درایام جنگ اخیرعملیات اکتشافی و استخراجی کویت تاحدی متوقف بود ولی ازسال ١٩٤٥ تجدیدشد وسال بعد صادرات نفت کویت آغاز گردید . ازآنوقت تاکنون کاوشهائی که شده تأیید کرده است که معدن برقن یکی ازبزرگترین معادن جهان است وذخایر نفتی آنرا به ٢٥٠٠ ملیون تن برآورد کرده‌اند . معدن دیگری درکویت کشف نشده و درنقاط مختلفی هم که چاه حفر نموده‌اند معلوم شده است که دامنهٔ معدن برقن وسیع بوده وهرجا که تاکنون نفت پیدا کرده‌اند امتداد همان معدن برقن بوده است .

«المیناءالاحمدی» بندری است که برای صادرات نفت ساخته و آماده کرده‌اند ودر نزدیک آنهم پالایشگاه کوچکی ساخته‌اند که ظرفیت آن برای تصفیه سالی یك ملیون ونیم تن نفت است .

٦ - قطر

شبه جزیرهٔ قطر یکی از شیخ نشین های ساحل شرقی شبه جزیرهٔ عربستان است که در جنوب جزایر بحرین واقع شده و تحت‌الحمایهٔ انگلستانست . در سال ١٩٣٨ اولین چاه نفت درناحیهٔ «دخان» حفر گردید وسال بعد درعمق ١٦٧٧ متر به نفت رسید .

در جنگ اخیر عملیات کاوش در این ناحیه متوقف بود ولی در سال ١٩٤٧ دوباره فعالیت تجدید گشت ودر سال ١٩٤٩ صادرات نفت آن شروع شد . بندری در قسمت شرقی شبه جزیره بنام « ام‌سعید » ساخته و آماده کرده‌اند که از آنجا نفت صادر می‌شود و ذخایر نفتی قطر را هم به ٢٧٠ ملیون تن برآورد کرده‌اند در سال ١٩٥٤ قریب چهار ملیون و نیم تن از قطر صادر شد و هدف کنونی این است که این مقدار را به سالی ده ملیون تن برسانند . علاوه بر شرکتی که امتیاز نفت قطر را دارد شرکت شل[1] هم امتیازی از شیخ قطر گرفته که درآبهای مجاور شبه‌جزیره به عملیات اکتشافی بپردازد و این کاررا سال گذشته شروع کرده است .

---

(١) The Shell Overseas Exploration Co.

۷ - منطقهٔ بیطرف کویت

بین کشورعربستان سعودی و کویت ناحیه‌ای است موسوم به منطقهٔ بیطرف که مساحت آن قریب به پانصد هزارهکتار میباشد ودو کشورمذکور هریك مالك نصف آن هستند.

در سال ۱۹٤۸ امتیاز نفت تصفیهٔ کویت به شرکت امریکائی موسوم به شرکت مستقل نفت امریکائی [۱] داده شد و سال بعد هم شرکت امریکائی دیگری موسوم به شرکت نفت غربی پاسیفیك [۲] امتیاز نصفهٔ سعودی را گرفت. این دو شرکت ترتیبی برای شروع کار بین خود دادند و پس از چند سال کاوش و صرف هزینهٔ گزافی که بالغ بر دوازده ملیون لیره بود بالاخره در سال ۱۹۵۳ در ناحیه‌ای موسوم به «وفره» به نفت رسیدند. در اوایل سال ۱۹۵٤ صادرات از این ناحیه شروع گردید و در طی آنسال هفتصد و پنجاه هزار تن نفت بخارج فرستاده شد. هنوز کاوش برای کشف معادن نفت دیگر در این ناحیه ادامه دارد ولی بطور تقریب ذخایر نفتی این ناحیه‌را در حدود شصت ملیون تن برآورد کرده‌اند.

۸ - مصر

از سال ۱۸۸۰ کاوش برای نفت در سرزمین مصر آغاز گردید ولی تا اوایل قرن کنونی نتیجه‌ای ازاین کاوشها عاید نشد. از سال ۱۹۰٤ به بعد امتیازات مختلفی برای استخراج نفت بشرکتهای خارجی داده شد ولی برخی ازآنها کاری انجام ندادند و پاره‌ای هم مبالغی خرج کرده و به نتیجهٔ مطلوب نرسیدند. در سال ۱۹۰۹ اولین معدن نفت در « جمسه » واقع در شرق مصر ودر ساحل دریای سرخ کشف واستخراج گردید. سه سال بعد میزان استخراج از این معدن به سالی ۱۷۹٦۰ تن رسید و در همانسال پالایشگاه کوچکی در نزدیکی بندر سوئز ساخته شد که نفت این معدنرا تصفیه نموده ودر داخل کشور مصر به‌فروش میرساند.

در ۱۹۱۳ معدن « قرداغه » که پنجاه کیلومتر جنب جمسه میباشد کشف شد. جنس نفت این معدن سنگین و دارای گوگرد و آب زیادی بوده ولی مقدار آن تا اندازه‌ای قابل ملاحظه بود زیرا سال بعد میزان استخراج مصر را به سالی یکصد هزار تن رساند.

بتدریج میزان استخراج معدن جمسه تقلیل یافت و به یکدهم کل استخراج نفت مصر رسید ولی استخراج از معدن قرداغه فزونی یافت تااینکه درسال ۱۹۲۰ محصول مصر به ۱۳۲۰۰۰ تن بالغ گشت ازآن تاریخ معدن قرداغه تا بیست سال بعد تنها منبع نفتی مصر بود زیرا میزان استخراج از معدن جمسه فوق‌العاده کم شده بود و عملیات دراین معدن را درسال ۱۹۲۹ متوقف کرده بودند. درسال ۱۹۲۲ دولت مصر پالایشگاهی درسوئز بنا کرد که ازآن وقت تاکنون مصر دارای دو پالایشگاه میباشد.

در سال ۱۹۳۸ معدن دیگری بنام « رأس غارب » در شمال جمسه کشف شد که مقدار نفت آن امیدبخش بود و سال بعد مجموع استخراج مصر را به ششصد هزارتن

---

(۱) The American Independant Oil Company

(۲) The Pacific Western Oil Company

بالا برد . در ایام جنگ اخیر بواسطهٔ احتیاج زیادی که بمواد نفتی در مصر بود استخراج نفت فزونی یافت و در ۱۹٤٥ به رقم ۱۲٥۰۰۰۰ تن درسال رسید .

پس از جنگ کاوش برای نفت در ساحل شرقی دریای سرخ در قسمت «سینا» شروع گردید وابتدا درجائی موسوم به« وادی‌الفیران » و بعد در نقطه‌ای باسم«اصل» و سپس در « سیدر » بعداز آن در جای دیگر موسوم به « رأی مطرمه» که همه این نقاط در ساحل شرقی دریای سرخ هستند معادنی کشف گردید . استخراج از این معادن جدید بسالی یك ملیون و دویست‌هزار تن رسید و با محصولی که ازمعادن‌قدیم واقع در قسمت غربی دریای سرخ بدست میآمد محصول نفت مصر را در سال ۱۹٥٤ به دو ملیون تن بالغ کرد .

پالایشگاه دولتی مصر توانائی تصفیه سالی ۱۳۰۰۰۰۰تن را دارد وپالایشگاه شرکت خارجی میتواند تقریباً سالی دو ملیون تن نفت را تصفیه کند . درسال ۱۹٥٤ تجدید نظری در قوانین مربوط به استخراج معادن شد و تضییقاتی که درسابق‌موجود بود مرتفع گردید لذا امید میرود که کاوش برای نفت توسعه یافته ومخصوصاً در قسمت غرب کشور معادن جدیدی کشف گردد . اکنون مصرف مواد نفتی در مصر قریب به سالی سه ملیون و نیم تن است درحالیکه محصول داخلی در حدود دوملیون تن‌میباشد .

۹ - ترکیه

از بیست سال پیش کاوش برای نفت از طرف دولت ترکیه آغاز گشته است . مؤسسه‌ای برای این‌کار تأسیس شده بود که باکمك فنی کارشناسان امریکائی باین‌کار مبادرت مینمود . نتیجه‌ای که تاکنون بدست‌آمده عبارت بوده است از کشف دو معدن کوچك در جنوب شرقی آنکشور موسوم به معدن « رمان داغ » ومعدن «گرزن» که محصول این دو در سال ۱۹٥٤ بالغ برهشتاد هزار تن بود . در سال ۱۹٥٤ مجلس ملی ترکیه قانون مخصوصی برای کشف و استخراج نفت وضع کرد که بموجب آن سرمایه های خارجی میتوانند با تحصیل پروانه بکاوش نفت بپردازند و پس‌از کشف آن استخراج را شروع نمایند . تاکنون غالب شرکتهای نفتی بزرگ درخواستهای بسیاری برای تحصیل پروانه داده‌اند و انتظار میرود که در آیندهٔ نزدیکی عمل‌کاوش نفت توسعهٔ بسیاری یابد . بموجب همان قانون مؤسسهٔ دولتی نفت هم که دو معدن فوق‌الذکر را کشف کرد تبدیل بیك شرکت سهامی شده است که عملیات اکتشافی و استخراجی را در دو معدنی که تا کنون کشف‌شده ادامه‌میدهد . علاوه براین‌دولت ترکیه پالایشگاهی بظرفیت ۳۳۰۰۰۰ تن در محلی بنام « باتمن » در مجاورت‌معادن‌مزبور جدیداً ساخته است تا محصول کنونی را افزایش داده و درآن تصفیه نماید .

۱۰ - سایر کشورهای خاورمیانه

در سالهای اخیر کاوش برای نفت درکشور های سوریه و اردن و اسرائیل و امارات شیخ نشین مجاور دریای عمان کم و بیش ادامه داشته و شرکتهائی که‌امتیازاتی تحصیل نموده‌اند مبالغی در این راه خرج کرده‌اند ولی هنوز به نتیجهٔ قطعی که منتهی باستخراج شود نرسیده‌اند .

اتحاد جماهیر شوروی

وجود نفت یکی از عوامل مؤثر پیشرفت و توسعهٔ صنایع شوروی میباشدوامروز کشور مزبور پس‌از امریکا و ونزوئلا بزرگترین کشورنفت‌خیزجهان محسوب میشود .

کشف و استخراج نفت از سال ۱۸۵۹ بطرز جدید در روسیه آغازشد وقبل از جنگ اول جهانی محصول نفت آنکشور تا ده ملیون تن در سال رسید اما در سال ۱۹۵٤ محصول مزبور به ۵۸ ملیون تن افزایش یافت و طبق برنامهٔ مقرر در سال ۱۹۵۵ محصول نفت آن‌کشور باید به هفتاد ملیون تن بالغ شود . معادن مهم نفت شوروی در پنج نقطهٔ مختلف و جداگانهٔ ذیل میباشد :

۱ - ناحیهٔ شمالی و جنوبی قفقاز

که مهم ترین آنها معدن نفت بادکوبه میباشد . نخستین چاه معدن بادکوبه در سال ۱۸۷۱ حفر شد و از آن تاریخ تاکنون معادن دیگری در نقاط مختلف روسیه کشف و استخراج شده است . در سال ۱۹۰۱ محصول معادن مزبور به دوازده‌ملیون تن بالغ شدکه برابر با نصف محصول نفتی سراسر جهان‌آنروزبوده وپس‌ازانقلاب ، معادن نفت و پالایشگاه ها جزء اموال عمومی درآمده است .

چندی‌پیش محصول معادن نفت بادکوبه نقصان یافت ولی پس ازکشف چاه‌های جدید درقعر دریای خزر واستخراج نفت ازآن‌نواحی نقیصهٔ مزبور تاحدی‌جبران گشت.

دومین و سومین و چهارمین ناحیهٔ نفت قفقاز عبارت است ازگروزنی[۱] میکاپ[۲] و داغستان‌که بترتیب از سالهای ۱۸۹۳ و ۱۹۰۹ و۱۹٤٦ استخراج نفت آنان‌آغاز گشته ولی هیچیك باهمیت نفت بادکوبه نمیباشد .

۲ - ناحیه‌گالیسی شرقی[۳]

که در ۱۹٤۵ از لهستان منتزع و ضمیمهٔ اتحاد جماهیر شوروی شد . معادن این ناحیه چندان وسیع و با استعداد نیست و سالانه فقط چند صد هزار تن نفت میدهد .

۳ - ناحیه ولگا - اورال[۴]

اکنون نصف محصول نفت شوروی از این ناحیه بدست میآید . این ناحیه میان رود ولگا و کوه های اورال واقع‌گشته و در شوروی به « بادکوبهٔ دوم » شهرت دارد. بودن نفت در این ناحیه ازمدتی قبل مسلم بود ولی‌چون بواسطهٔ دوری‌این‌محل از نواحی غربی روسیه‌که بیش از هرجای دیگر کشور شوروی نفت مصرف میکند و همچنین بواسطهٔ فقدان وسایل حمل و نقل تا سال ۱۹۳۰ بمعادن مزبور توجه کامل نمیشد ولی از آنوقت معادن نفت ولگا - اورال بتدریج استخراج شد ودرموقع‌جنگ

---

(۱) Grozny (۲) Maikop
(۳) Galicia (۴) Volga - Ural

اخیر که قسمتی از صنایع شوروی بآن نقاط انتقال یافت این خود باعث گشت کـه نفت آن ناحیه باسرعت بیشتری استخراج گردد . مراکز عمدهٔ نفتی این ناحیه عبارت است از اوفا [۱] در جنوب کوه های اورال، مولوتوف[۲] درمغرب جبال اورال ، کوئی بیشف[۳] در جمهوری تاتارستان، وامبا [۴] که در شمال دریای خزر ودر شرق رود اورال واقع شده است . معادن امبا که ارتباط نزدیکی با معادن ناحیهٔ ولگا - اورال دارد در سال ۱۹۱۰ استخراج آن آغاز گشته ودر بیست سال اخیر توسعه یافته است .

۴- ناحیه آسیائی

معدن نفت موسوم به « نفت داغ » در قسمت آسیائی شوروی درکرانهٔ شرقی دریای خزر واقع است و دیگر معدنهای « قرغانه » در مرز های شوروی‌وهندوستان و افغانستان است که نزدیك به سمرقند میباشد .

۵ - ناحیه ساخالین[۵]

معادن نفت این ناحیه در جزیرهٔ ساخالین است که جزیرهٔ مزبوردر شمال ژاپون ودر اقیانوس آرام واقع گشته است . تا سال ۱۹٤٤ معادن این‌جزیره بدست ژاپونی‌ها بود و از آن تاریخ درتصرف شوروی میباشد .

از ارقام زیر وتطبیق آن بامحصول پیش‌از جنگ اخیر میتوان باهمیت‌محصول نفت اتحاد جماهیر شوروی و توسعهٔ فوق‌العادهٔ صنعت نفت آن کشور درسالهای بعد از جنگ بخوبی پی برد .

	محصول سال ۱۹۳۹ به‌تن	محصول سال۱۹۵۳ به تن
معادن بادکوبه	۲۲۵۰۰۰۰۰	۱٦۵۰۰۰۰۰
سایر معادن قفقاز وگالیسی	٤۸۰۰۰۰۰	٦۰۰۰۰۰۰
معادن ولگا ـ اورال ـ امبا	۲۹۰۰۰۰۰	۲۵۰۰۰۰۰۰
معادن‌واقع درآسیاوجزیرهٔساخالین	۱۲۰۰۰۰۰	٤۵۰۰۰۰۰
جمع	۳۱٤۰۰۰۰۰	۵۲۰۰۰۰۰۰

توسعه و ترقی صنایع شوروی بحدی است که کلیهٔ محصول نفت در داخلهٔ کشور مصرف میشود وحتی بعقیدهٔ عده‌ای‌ازکارشناسان برای جبران کمبود مصرف نفت داخلی مقداری از رومانی و سایر کشور ها باتحاد جماهیر شوروی وارد میشود . معهذا سال گذشته شوروی در حدود چهار الی پنج ملیون تن نفت بخارج صادر کرده است کـه مسلماً صادرات مزبور مزید بر احتیاجات داخلی نبوده و علل اقتصادی دیگری داشته است . طبق آخرین اطلاعات منتشره محصول نفت روسیه در سـال ۱۹۵٤ از شصت ملیون تن هم تجاوز کرده است .

---

(۱) Ufa (۲) Molotov (۳) Kuibishev
(۴) Emba (۵) Sakhalin

کشورهای اروپا

علاوه برپنج نواحی بزرگ نفت‌خیز جهان برخی‌از کشورهای اروپاهم معادن نفت نسبةً مهمی دارند که بطور خلاصه ذکری ازآنها باید کرد :

۱ - رومانی

کشف و استخراج نفت درومانی ازسال ۱۸۵۷ آغاز گشت و این کشور جزء نقاط نفت‌خیز مهم جهان‌محسوب می‌شد. قبل‌از جنك اخیر محصول نفت رومانی بسالی هفت ملیون تن بالغ گشت وپس‌از جنك معادن مزبور مصادره شدوجزء اموال عمومی درآمد.طبق ارقامی که اخیراً منتشرشده است محصول‌نفت‌رومانی درسال ۱۹۵۳ بالغ برنه ملیون تن بوده ومقامات رسمی آنکشورمحصول سال ۱۹۵۵ را بیازده ملیون تن برآورد کرده اند.

۲ - آلمان

استخراج نفت در آلمان ازسال ۱۸۷۰ شروع شد ولی‌تاقبل‌ازجنك‌اخیرمحصول‌آن ناچیز بود. سال گذشته‌محصول‌نفت‌آلمان‌غربی ۲۱۸۹۰۰۰ تن بود.

۳ - آلبانی

معادن‌نفت این کشورقبل از جنك اخیر کشف‌شد وسرمایه‌های ایتالیائی دراین‌کار بمصرف رسید. پس‌از جنك اخیرمعادن‌مزبور ازطرف‌دولت‌مصادره‌شدومحصول سالیانهٔ آن‌درحدود ۲۰۰۰۰۰ تن‌است.

۴ - ایتالیا

درشمال ایتالیا پنج معدن‌گاز نفت تاکنون کشف‌شده که طبق‌برآورد کارشناسان مجموع ذخایر آن بالغ بریکصد هزار ملیون مترمکعب می‌باشد. (که از لحاظ تولید قوهٔ حرارت برابر با یکصدملیون تن نفت سوخت‌است). درسالهای اخیر محصول معادن مزبور بسرعت افزایش یافته‌وسال۱۹۵۳ سه‌ملیون‌مترمکعب گازازمعادن‌مزبور استخراج ومصرف گردید.

چند سال است که در جزیرهٔ سیسیل واقع در جنوب ایتالیا کاوش‌برای‌نفت‌ادامه دارد .سال گذشته درقسمت جنوب شرقی این‌جزیره‌معدن‌نفتی کشف‌شد که‌محصول‌کنونی آن درحدود سالی هفتاد هزارتن می‌باشد وانتظار میرود که درآیندهٔ نزدیکی معـادن نسبةً مهمی درجزیرهٔ سیسیل کشف واستخراج گردد .

۵ - اتریش

تا سه چهارسال‌پیش محصول معادن‌نفت اتریش ازیکملیون تن‌درسال تجاوز نمی کردولی درحال حاضرمعادن‌نفت آنکشورسالی‌سه‌ملیون‌ونیم تن نفت محصول می‌دهد . ادارهٔ معادن‌مزبور ازخاتمهٔ جنك به‌بعد دردست شورویها بود واکنون به خود اتریشیها واگذار شده است .

٦ـ چك اسلواكی

معادن نفت این کشور چندان مهم نیست و محصول سالیانهٔ آن که سابق ناچیز بود حالا به سالی دویست هزار تن رسیده است .

٧ـ هلاند

استخراج نفت در کشور هلاند بعد از جنك اخیر شروع شد و با سرعت پیشرفت نمود . معادن نفت این کشور در قسمت خاوری نزدیك مرز آلمان واقع شده و سال گذشته محصول نفت خام هلاند بالغ بر هفتصد هزار تن بود .

٨ـ فرانسه

صنعت نفت فرانسه در سالهای بعد از جنك اخیر ترقی و پیشرفت شایانی نموده است درجنوب غربی فرانسه سه معدن نفت در سالهای اخیر کشف شده که اکنون تعداد معادن نفت فرانسه به عدد چهار رسیده است. قبل از جنك تنها معدن نفت فرانسه همان معدن قدیمی پشل برون [١] بود که بطور متوسط سالی ٧٥٠٠٠ تن نفت محصول آن بود . در سال ١٩٣٩ معدن گاز نفت سنت مارسه [٢] کشف شد که در سال ١٩٥٤ محصول آن قریب ٢٧٠٠٠٠ متر مکعب بود. در سال ١٩٤٩ معدن نفت لاك [٣] کشف شد که محصول آن در سال ١٩٥٤ به ٣٠٧٦٠٠ تن بالغ گشت و در سال ١٩٥٤ معدن نفت دیگری در پارانتیس [٤] کشف گردید که امید میرفت محصول آن در سال ١٩٥٥ به سه ربع ملیون تن برسد .

در سالهای اخیر دولت فرانسه مبالغ زیادی صرف کاوش نفت در خود فرانسه و مستملکات افریقائی خود نموده است. سال گذشته بودجه ای که باین کار اختصاص داده بود در حدود بیست و دو ملیارد فرانك بود . در الجزیره معدن نفتی کشف شده که محصول سال ١٩٥٤ آن ٧٣٠٠٠ تن بوده و در مراکش هم معدن نفتی استخراج میشود که محصول سال ١٩٥٤ آن ١١٧٩٠٠ تن بود. در صحراهای افریقا و کامرون [٥] هم کاوش هائی برای نفت می شود. احتمال میرود که محصول نفت فرانسه و مستملکات آن در سال ١٩٥٥ به یك ملیون و نیم تن بالغ گردد .

درحال حاضر مصرف سالیانهٔ نفت و مشتقات آن در فرانسه قریب چهارده ملیون تن است ولی واردات آن از بیست و سه ملیون تن هم تجاوز میکند. تفاوت بین این دو رقم صادرات است که در سالهای اخیر در نتیجهٔ توسعهٔ صنعت پالایش نفت در فرانسه بوجود آمده است. اکنون فرانسه سیزده پالایشگاه مجهز دارد که گنجایش سالیانهٔ آنها بالغ بر ٢٧ ملیون تن است و پس از انگلستان، که درجه اول را در پالایش نفت قارهٔ اروپا حائز شده ،فرانسه دومین رتبه را در اروپا دارا می باشد. نود و دو درصد نفت خام فرانسه از خاور میانه وارد آنکشور میشود.

---

(١) Pechelbronn (٢) Saint-Marcet (٣) Lacq

(٤) Parentis (٥) Cameroons

بخش هفتم — ذخایر نفت جهان

درصنعت نفت و درنوشته‌ها و گفتگوهای راجع به‌نفت غالب باصطلاح « ذخایر نفت جهان» برمیخوریم که لازم است بطورمقدمه تعریفی از این اصطلاح نمود. مقصود از «ذخایر نفت جهان» آن مقدار نفت خامی است که‌صاحبان فن بطور تخمین حساب کرده ومی گویند مقدار مزبوررا میتوان باشرایط فنی‌و اقتصادی کنونی از زیر زمین استخراج نمود.

مجموع این‌مقدارهیچگاه ثابت نیست زیرا باکشف معادن جدید افزایش یافته وبا استخراج ازمعادن موجود نقصان می‌یابد ولی ازموقعیکه حساب‌های‌تخمینی‌مذکور را منظم ومرتب نگاه داشته اند همواره کشف معادن بر استخراج تفوق داشته‌وجمع کل ذخایرر وبافزایش بوده است .مثلا درسال۱۹٤۱ میلادی‌ذخایر نفتی ایالات متحدهٔ امریکا رابه۸۱۰۰۰۰۰۰۰ تن تخمین زده بودند درحالیکه بین سالهای۱۹۱٤ و۱۹۳۹ ۵۸۱۳۰۸۷۰۰۰ تن‌نفت خام از معادن امریکا استخراج شد ولی نکته‌ای راکه باید همواره درنظرداشت این است که نفت‌هم مانند سایر مواد معدنی که استخراج میشود یکروزی روبنقصان خواهدرفت وشاید موقعی هم‌بیاید که‌همهٔ نفتهای زیرزمین‌استخراج شده ودیگرچیزی از آن باقی نماند.

ارقام زیر نشان‌میدهد که تخمین های گذشته تا چه اندازه قابل‌تغییر بوده‌است :

ارقام تخمینی ذخایر کشف شدهٔ جهان در سنوات مختلف

(به‌ملیون چلیك)(۱)

سال‌میلادی	ایالات‌متحدهٔ امریکا (۲)	سایر کشورهای‌جهان (۳)
۱۹۲۵	۷۵۰۰	
۱۹۳۵	۱۲۱۷۷	۲۳۰۰۰
۱۹٤۵	۱۹۷۸۵	٦٤۰۰۰
۱۹۵۰	۲٤٦٤۹	۸۰۰۰۰
۱۹۵۳	۲۷۹٦۱	۱۲۰۰۰۰
۱۹۵٤	۲۹٦٤۳	۱۳۵۰۰۰

ارقام فوق مربوط بنفت خام است وگاز نفت را شامل نیست . تخمین زده اندکه ذخیرهٔ گاز نفت ایالات متحدهٔ امریکا درسال۱۹۵٤ برابر با۵٤۳۸ ملیون‌چلیك‌نفت‌بوده است ولی برای‌گاز سایر نقاط تخمینی زده‌نشده وحسابی دردست نیست.

نکتهٔ جالب توجه این‌است که رقم ذخیرهٔ‌نفت خام‌برای‌همه‌کشورهای جهان‌درسال

---

(۱) تقریباً هرهفت چلیك و سه دهم مساوی بایك‌تن متریك است وهریك تن متر یك هزار کیلومیباشد.

(۲) ارقام مربوط بامریکا از ارقام مؤسسهٔ نفت امریکا اقتباس‌شده‌است .

American Petroleum Institute

(۳) ارقام سال ۱۹۲۵ برای‌سایرکشورهای جهان دردسترس نبوده است.

۱۹۵٤ که یکصد وسی‌وپنج هزار ملیون چلیك ذکرشده‌شصت درصد آن ذخایر کشور های نفت خیز خاورمیانه بوده وبقیه مربوط بسایر نقاط جهان است .

در جراید اروپا و امریکا و کتاب ها و نوشته‌های‌مختلف ارقامی راجع به ذخایر کشف و امتحان شده ذکرمیکنند که خواننده در ابتدای‌امر تصورمی کنداینگونه‌ارقام شامل‌کلیهٔ ذخایر نفت جهان ازهرقبیل‌می‌باشد ولی این اشتباه است . برای توضیح‌لازم است گفته‌شود که دو اصطلاح مختلف درصنعت نفت بکاربرده می شود که تعریف‌آنها بقرار زیر است:

۱ــ «ذخایرکشف شده» که بعضی آنرا «ذخایر امتحان‌شده» نیز گفته‌اندعبارت است از اطلاعات فنی نسبةً دقیقی راجع بمقدار نفتی که باوسایل‌کنونی‌میتوان ازچاه های نفت استخراج نمود و مبنای تخمین روی این‌قرارگرفته است کـه تمام‌مقدار نفت معادن کشف‌شده و امتحان شده را تا آخرین‌قطره‌ای که از لحاظ اقتصادی ممکن و مقدور باشد ازچاه خارج نمود .تخمین مقادیرمذکورشامل‌نکات‌زیراست:

(الف) منابع کشف شده‌ای که از آنها نفت استخراج میشود.

(ب) منابع نواحی که بوسیلهٔ حفرچاه حدودوثغورآن‌معلوم‌شده‌ولی‌مورداستخراج واقع نگردیده اند.

حسابهائی که متخصصین در بارهٔ ذخایر امتحان شده می کنند همیشه روی مبنای «دست کم »می باشد چونکه غالب معلوم‌شده است که‌مقدار نفت ازرقمی که‌کارشناسان ذکر کرده‌اند زیاد تر بوده‌است.بعلاوهٔ بسا اتفاق‌میافتد که‌بوسیلهٔ حفرچاههای‌عمیق‌تر معلوم میشود که قطر صخره های نفتی زیادتر بوده ویا آنکه حدود اولیهٔ معدن کاملا مشخص نبوده وسعت آن بیشتر بوده‌است. مبنای حسابهای کارشناسان‌اینست که‌کلفتی قشرنفت ومقدار گاز وآب موجود زیرروی قشروخاصیت منافذ صخره یاشن‌زار نفتی را حساب کرده ومعلوم میدارند که چه‌مقدار نفت موجود زیرزمین را باوسایل‌کنونی میتوان استخراج نمود.

۲ــ «ذخایرممکنه» عبارت است از معادن‌نیمه کشف‌شده و نیمه امتحان‌شده که تخمین‌مقدار نفت آنها دقیق‌نیست و بیشتر جنبهٔ احتمالی آن در نظر گرفته‌میشود.بطور مثال حسابهای تخمینی که در این باره کرده اند بقرار زیراست:

فرض کرده اند مساحت کلیهٔ اراضی که‌طبقات نفتی‌مساعد در آن یافت می‌شود ۲٤۰۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع است که درزیر آنها۳۲۰۰۰۰۰۰ کیلومترمکعب‌طبقات نفتی قرارگرفته است ونیز طبق میزان استخراج از معادن‌امتحان‌شده برآورد کرده‌اند که درهر کیلومتر مکعب دوهزار وپانصدتن‌نفت بدست می‌آیدپس بنابر این میگویند که جمع ذخایر احتمالی‌نفت جهان هشتاد هزار ملیون تن‌میباشد.

وچون ممکن است در اعماق مختلف یك ناحیه نفت موجودباشدعمقی‌را که‌درآن میتوان چاه حفرکرد و به نفت‌رسید باید در نظرگرفت تا حساب برآورد کامل گردد. ارقام زیرعمق چاه‌های‌نفت را در سنوات مختلف‌نشان‌میدهد که باوسایل‌فنی جدید بحفر آنها توفیق یافته‌اند.

۱۸۵۹ میلادی ـ اولین چاه نفتی را که کلنل‌دریك درامریکا حفر کرد	۲۱	متر
۱۹۰۹ـ عمیق ترین چاهی که درآن سال حفرشد	۲۸۱۲	»
۱۹۳۸ـ » » » » » »	۴۵۷۶	»
۱۹۴۹ـ » » » » » »	۶۲۵۹	»
۱۹۵۳ـ » » » » » »	۶۵۵۴	»
۱۹۵۳ـ » » ازآن نفت استخراج میشود	۵۴۵۷	»

معهذا کارشناسان می گویند مقدار نفتی که دراعماق چهارالی پنج هزارمتری پیدا میشود برابر بانفتی که درعمق کمتر یافت می‌شود نیست زیرا نفت همیشه روبسطح‌های بالاتر نفوذ میکند وخود را در قشر های نزدیکتر بسطح زمین میرساند . امروز نفت یکی ازاحتیاجات ضروری تمدن کنونی بشرشده است و اغلب این پرسش بخاطرمیرسد که آیا روزی می‌آید که نفت تمام شود واگرچنین است آن روز چه وقت خواهد بود ؟

پاسخ این پرسش منوط به میزان استخراج ومیزان مصرف ومیزان کشف معادن جدید است ولهذا نمیتوان جواب منجّزی در بارهٔ آن داد . آنچه مسلم می‌باشد این است که منابع نفتی‌جهان غیرمحدود نیست ویك روزی منابع مذکورتمام خواهد شد .

مثالهای زیرقضیه را واضح‌ترخواهد ساخت :

۱ ـ ازسال۱۸۶۰ میلادی به‌بعد ایالات متحدهٔ امریکا دراستخراج نفت‌ازهر کشور دیگری جلوتر بوده‌است وهرسال مقادیر زیادی هم بکشور های دیگر صادر میکرده است . باوجود اینکه درسالهای اخیر معادن جدید نفت درآن کشور کشف شده وجمع ذخایر کشف شده وامتحان شدهٔ آنهم همواره رو به‌تزاید بوده است معهذا مصرف‌نفت درآن کشور سریع‌تر ازاستخراج جلورفته‌است . کشورامریکا ازهر کشوردیگری بیشتر باستخراج منابع نفتی خود اقدام نمود واگرچه دارای یك هفتم اراضی نفت خیز دنیا میباشد میزان استخراج آن برابر باشصت صدم کل استخراج جهان بوده است .

۲ـ باوجود اینکه قبل ازجنگ اخیرمعادن نفت چندی در اروپای مرکزی کشف شد و درسالهای اخیرهم معادن دیگری در هلاند وفرانسه وآلمان کشف گردیده است معهذا بواسطهٔ نقصانی که در محصول کشور رومانی روی داده است تازه جمع محصول نفت اروپا به پایهٔ سالهای قبل ازجنگ رسیده وچون قارهٔ اروپا دارای منابع بزرگ نفتی‌نیست افزایش ونقصان محصول آن اهمیت بسزائی نداشته وندارد .

۳ـ کاوشهائی که بعد ازجنگ درجزایر هند شرقی و اندونزی شده ثابت کرده است که در این نواحی معادن نفت متعددی یافت میشود که هنوز استخراج نشده است و امیدبسیارهست که پس‌ازکشف معادن جدیدبرمیزان ذخایر ناحیهٔ مزبور افزوده‌شود .

نتیجهٔ کاوشهای مختلفی که درنقاط جهان شده این بوده‌است که کشف منابع عمدهٔ نفت باوسائل فنی موجود چندان مشکل نیست ولی همینکه معدنی کشف واستخراج شد ازمقدار نفت موجود درآن معدن‌کاسته می گردد . امروزکاوشهائی که درخاورمیانه شده است میرسانند که منابع عظیمی دراین نقطهٔ جهان موجود است ولی دراین جا هم پس ازچندی که استخراج دوام یافت ازمقدارموجودی آن کم خواهد شد .

تاکنون در هیچ کشوری باندازهٔ امریکا کاوش برای نفت با جدیت فوق‌العاده انجام نگرفته است. بطورمثال می‌توان گفت که درسه سال از ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۲ چهل هزار چاه در آن کشور حفر شد وتنها درسال ۱۹۵۳ چهل و نه هزارچاه دیگردر نقاط مختلف آن کشور حفر گردید. درامریکای جنوبی و خاورمیانه که دومرکز مهم نفت خیز جهان می باشد کاوش باندازهٔ امریکا پیشرفت نکرده است. مثلاً درتمام کشورهای خاورمیانه عدهٔ چاه‌هائی که تااین تاریخ حفر شده ازیکهزار تجاوز نمیکند. درکانادا ودرممالك اتحاد جماهیرشوروی هم کاوش برای نفت درسالهای اخیر پیشرفت بسیاری کرده است.

بنابراین بطورکلی میتوان گفت که امروز بشر اطلاعش بجائی نرسیده است که ازهمهٔ منابع نفت زیرزمین باخبر باشد ودائم مشغول کاوش است که منابع جدیدی کشف نماید وهمواره مصرف نفت هم رو بافزایش می باشد. اگر روزی برسد که منابع نفتی رو بنقصان رود انسان باید فکردیگری برای احتیاجات خود بکند و شاید جدیتی که برای بکاربردن نیروی اتم می کنند جواب این احتیاج را درقرنهای بعدبدهد. آنچه فعلاً معلوم می باشد این است که منابع نفتی جهان که تاکنون کشف شده ومنابع احتمالی که درآینده کشف خواهد شد تاچند قرن احتیاجات روزافزون بشری را رفع خواهد کرد.

با وجود این سوخت های دیگری هم که میتواند جایگزین نفت شود دائم تحت مطالعه میباشد از این قرار:

گاز های طبیعی

گاز های طبیعی، که ازحیث ترکیبات شیمیائی شباهت کاملی به نفت دارد، در بسیاری از نقاط جهان بمقدار زیادی موجوداست. گاز های مزبور را میتوان همانطوری که از زمین خارج میشود ودر حال طبیعی آن بعنوان سوخت مصرف نمود ویا میتوان آنها را تبدیل به بنزین و سایر مواد نفتی کرد و بمصرف رساند. بطورکلی گازهای طبیعی نفت را جزو ذخایر نفت جهان بحساب نمیآورند ولی مقادیر آن قابل ملاحظه میباشد. مثلا طبق برآوردی که شده است تقریباً کلیه گازی که در امریکا کشف شده اگر تبدیل به مواد نفتی مایع گردد برابر با مجموع ذخایر نفت خام آن کشور است.

نفت از زغال سنگ

امروز چندین رویهٔ علمی برای بدست‌آوردن نفت از زغال‌سنگ معمول‌ومتداول است که مهم‌ترین آنها بقرار زیر است:

(الف) هیدروژناسیون[۱] از زغال سنگ.

(ب) روش موسوم به فیشر - تروپش[۲]

روش هیدروژناسیون همانی بود که آلمانها در جنگ اخیر بکار برده و قسمت مهم بنزین اوتوموبیل و بنزین طیارهٔ مورد احتیاج خود را ازآن بدست میآوردند. محصولی که از این راه تحصیل میشود قابل رقابت با فرآورده های نفت طبیعی نیست ولی غالب بواسطهٔ کمك های مالی که دولتهای بعضی کشور ها باین صنعت میکرده و میکنند توانسته است مقام مشابهی بدست آورد. روش دوم را هم آلمانها در جنگ

---

(۱) Hydrogenation (۲) Fischer-Tropsch

اخیر بکار برده و فرآورده هائی ازآن بدست میآوردند ولی چون خیلی گران تمام میشد و بهیچوجه نمیتوانست با نفت طبیعی رقابت کند از لحاظ بازرگانی و اقتصادی مورد توجه بسیار واقع نگردیده است . پس از جنگ دولت امریکا کمك های شایانی به کارخانه هائی که روش فیشر را در امریکا تعقیب میکردند نمود واکنون گفته میشود که با پیشرفتهای فنی که دراین باب شده میتوان امیدوار بود که درآینده بهای تمام شدهٔ مواد نفتی حاصله از روش فیشر به پای بهای نفتهای طبیعی برسد .

نفت شیل ۱

در نقاط مختلف جهان سنگ های رستی تیره رنگی موجود است که به آنها « شیل » میگویند و میتوان نفت ازآنها بدست آورد . درایالت کولورادو ۲ امریکا و قسمتهائی از کانادا و جنوب اسکاتلند این نوع سنگها بسیار فراوان میباشد. سنگهای مزبوررا درکوره‌های بزرگی حرارت میدهند وازآن نفت خام بدست میآورند و سپس آن نفت خام را درپالایشگاه ها تصفیه کرده و بمصرف میرسانند. بطور کلی بین ده تا پنجاه درصد نفت خام از سنگهای مزبور بدست میآید ولی از حیث تطبیق با بهای نفت های طبیعی بسیار گران و بی‌صرفه می باشد.چنانکه در بخش سوم گفته شد اولین کسی که نفت را از سنگهای «شیل» استخراج کرد جیمز ینگ ۳ اسکاتلندی بود که نه تنها توفیق چنین کاری را یافت بلکه در پالایش نفت هم کامیابیهای بسیاری تحصیل نمود.



جیمز ینگ

ریگزارهای قطرانی

در ناحیهٔ غربی کانادا ودر قسمت شرقی کشورونزوئلا ریگ‌زارهای وسیعی که آلوده به قطران هستندموجوداست که اکنون علماء ودانشمندان مشغول بررسی و کشف طریقه‌ای هستند که ازاین ریگ زارها مواد نفتی تحصیل نمایند .

در خاتمهٔ این مقال باید گفت که پیشرفتهای عمده‌ای درفن استخراج و تصفیهٔ نفت شده و روزبروز هم اختراعات و کشفیات جدیدی می‌شود تا بوسیلهٔ آنها عمر معادن نفت را زیادکنند و حداکثر نفتی که ممکن باشد از آن استخراج نمایند ولی باید تکرار کرد که نفت هم مانند سایر مواد معدنی هنگامیکه مصرف شد تمام میشود و مواد دیگری هم که می‌تواند جایگزین نفت گردد غیرمحدود نیست. کشورهائی که دارای

---

۱ Shale　۲ Colorado　۳ James Young

معادن نفت هستند باید همواره ساعی باشند که این منبع ثروت بطرز فنی و عملی استخراج گردد و هیچگاه نباید اجازه دهند که ضایعات و اتلافی در این امر رخ دهد . مصرف نفت همواره رو بتزاید است و ذخایر جدید نفت هم مرتب کشف میگردد و شاید تا مدتهای مدید ذخایر نفتی جهان کافی برای احتیاجات روزافزون باشد .

ضمناً آخرین برآوردی که از ذخایر نفت جهان در سنوات اخیر شده و از مجلهٔ «نفت جهان»[۱] و انتشارات مؤسسهٔ نفت امریکا[۲] اقتباس شده است درزیر نقل می‌شود. ارقام زیر به‌چلیك است و برای تبدیل آن به‌تن هر هفت چلیك و سه‌دهم را یك‌تن باید حساب نمود .

برآورد ذخایر نفت جهان - به هزار ملیون چلیك

ناحیه	سال میلادی ۱۹۵۴	سال میلادی ۱۹۵۳	سال میلادی ۱۹۵۴
امریکای شمالی باستثنای			
ایالات متحده	۲۷۸۰۰۰۰	۴۲۰۲۰۰۰	۳۷۰۱۵۰۰
ایالات متحدهٔ امریکا	۲۷۴۶۸۰۰۰	۲۷۹۶۶۱۰۰	۱۹۰۰۷۴۸۲
امریکای جنوبی	۱۱۲۲۰۰۰۰	۱۰۷۵۶۶۰۰	۱۱۱۹۶۰۰۰
اروپا باستثنای جماهیر			
شوروی روسیه	۸۷۵۸۰۰	۱۰۶۱۷۰۰	۱۱۹۱۰۰۰
جماهیر شوروی روسیه			
وساخالین	۵۵۶۵۰۰۰	۶۶۰۰۰۰۰	۹۸۶۵۰۰۰
خاورمیانه	۵۱۸۲۵۰۰۰	۶۱۶۲۵۰۰۰	۷۹۰۷۵۰۰۰
سایر کشورهای خاور	۱۹۰۲۶۵۰	۲۳۰۴۶۰۰	۲۸۴۱۵۰۰
جمع کل	۱۰۱۶۳۶۴۵۰	۱۱۴۵۱۶۰۰۰	۱۳۶۸۷۷۴۸۲

بخش هشتم - محصول ملونی نفت در کشور های مختلف جهان

قریب سی سال است که محصول ذغال سنگ جهان کم و بیش ثابت مانده است و سالیانه بین یکهزار و یکصد و یکهزار دویست ملیون تن زغال سنگ (ازهر قبیل) استخراج میشود .

بعکس محصول نفت جهان همواره رو بتزاید بوده وهرسال براستخراج آن افزوده میشود . محصول نفت در سال ۱۹۵۴ میلادی دو برابر و نیم محصول سال قبل از جنگ اخیر بود (یعنی سال ۱۹۳۸) و دوازده برابر و نیم محصول سال قبل از جنگ بین‌المللی اول (یعنی سال ۱۹۱۳) بوده است. اگر از لحاظ قوهٔ حرارت حساب کنیم محصول نفت جهان درسال ۱۹۵۴ مساوی بوده‌است با یکهزار ملیون تن زغال سنگ واحتمال قوی میرود که نیروی حرارت حاصله از نفت تا چندسال دیگر از میزان نیروی

(۱) World Oil (۲) American Petroleum Institute

حرارتی که اززغال سنگ بدست میآید تجاوز نماید . واگر مقدار گاز نفتی که درحال حاضراستخراج ومصرف میشود به حساب آوریم (که تقریباً سالی سیصد هزارملیون متر مکعب میباشد وازحیث تطبیق باحرارت حاصله اززغال سنگ برابر باسیصدملیون تن زغال سنگ است) آنوقت میتوان گفت که درحال حاضر نیروی حرارتی که درتمام جهان از نفت بدست میآید از نیروی حرارت حاصله اززغال سنگ تجاوز کرده است .

اگرمجموع نفت جهان را درسال ۱۹۵۵ یکصد فرض کنیم نواحی مختلف بطریق زیرچند درصد آنرا تهیه کرده‌اند :

ایالات متحدهٔ امریکا	۴۳ ۷/۱۰
کانادا	۲ ۴/۱۰
کشورهای امریکای جنوبی مجاوردریای‌کاری بین	۱۵ ۸/۱۰
سایر کشورهای امریکای جنوبی	۲ ۷/۱۰
خاورمیانه	۲۱ ۴/۱۰
خاوردور	۲ ۴/۱۰
اروپا	۱ ۲/۱۰
جماهیرشوروی وکشورهای اروپای شرقی وچین	۱۰ ۸/۱۰
جمع	۱۰۰

ارقام فوق وهمچنین ارقام زیرازمجلهٔ هفتگی موسوم به «سرویس مطبوعاتی نفت»[۱] مورخهٔ ژانویهٔ ۱۹۵۶ اقتباس شده است :

برآورد محصول نفت‌خام جهان (به هزارتن‌متریک)

	سال ۱۹۵۳	سال ۱۹۵۴	سال ۱۹۵۵
ایالات‌متحدهٔ امریکا	۳۱۷۷۵۷	۳۱۲۲۵۷	۳۳۲۸۰۰
کانادا	۱۸۰۳۷	۱۲۹۳۵	۱۷۰۰۰
	۳۲۸۵۹۴	۳۲۵۱۹۲	۳۴۹۸۰۰
کشورهای امریکای جنوبی مجاوردریای کاری بین			
ونزوئلا	۹۲۲۶۱	۹۸۵۸۶	۱۱۱۰۰۰
کولومبیا	۵۵۰۷	۵۷۹۲	۵۶۰۰
جزیرهٔ تری نیداد	۳۲۴۵	۳۳۹۸	۳۴۵۰
	۱۰۱۰۱۳	۱۰۷۷۷۶	۱۲۰۰۵۰

[۱] Petroleum Press Service

سایر کشورهای امریکای جنوبی

	سال ۱۹۵۳	سال ۱۹۵۴	سال ۱۹۵۵
مکزیك	۱۰۲۰۷	۱۱۷۲۹	۱۲۸۰۰
آرژانتین	۳۹۹٤	٤۲۳۸	٤٤٥۰
پرو	۲۱۰۷	۲۲۷۲	۲۳۰۰
اکوآدور	۳۹۱	٤۲۰	٤٥۰
شیلی	۱٦٤	۲۲٦	۳۲۰
بولیوی	۷۸	۲۱٦	۳٥۰
برزیل	۱۲۱	۱۳٦	۲٤۰
کوبا	٦	۱۳	٤۰
	۱۷۰٦۸	۱۹۲٥۰	۲۰۹٥۰
خاورمیانه			
کویت	٤۳۲۸٦	٤۷۷۲۳	٥٥۰۰۰
عربستان سعودی	٤۱۳۸۲	٤٦۸۷٥	٤٦۸۰۰
عراق	۲۸۲۱۱	۳۰٦٦۷	۳۳٦۰۰
ایران	۱۳٤٥	۳۰۰۰	۱٦۰۰۰
قطر	٤۰٦۲	٤۷۷۸	٥٤۰۰
مصر	۲۳٥۰	۱۹۹٥	۱۸۰۰
بحرین	۱٥۰٤	۱٥۰٥	۱٥۰۰
منطقهٔ بیطرف کویت	—	۸٥۱	۱۲٥۰
ترکیه	۲٦	٥۹	۲۰۰
	۱۲۲۱٦٦	۱۳۷٤٥۳	۱٦۱٥٥۰
خاوردور			
اندونزی	۱۰۲۲٥	۱۰٥۹۸	۱۱۱۰۰
بورنئو (انگلیس)	٤۹٥٥	٤۹۰۳	٥۳۰۰
گینهٔ جدید غربی	۲٦۲	٥٥۰	٤۸۰
هندوستان	۲٦٦	۲۹۹	۳٥۰
ژاپن	۲۹۰	۳۰٤	۳۲۰
پاکستان	۲۳٦	۲۷٤	۲۸۰
برمه	۱٥٦	۲۰۲	۲۲۰
	۱٦۳۹۰	۱۷۱۳۰	۱۸۰٥۰

کشورهای اروپا

	سال ۱۹۵۳	سال ۱۹۵۴	سال ۱۹۵۵
اتریش	۳۲۰۰	۳٤۰۰	۳۷۰۰
آلمان	۲۱۸۹	۲٦٦٦	۳۱۵۰
هلاند	۸۲۰	۹۳۹	۱۰۲۰
فرانسه	۳٦۹	۵۰۸	۸۷۰
مراکش والجزیره	۱۸۷	۱۹۳	۱٦۰
یوگوسلاوی	۱۷۲	۲۱٦	۲٦۰
ایتالیا	۸٦	٦۹	۲۰۰
انگلستان	۵٦	٦۰	۵۵
	۷۰۷۱	۸۰۵۱	۹٤۱۵

اروپای خاوری وچین

جماهیرشوروی وروسیه	۵۲۸۰۰	۵۹۲۸۰	۷۰۰۰۰
رومانی	۹۰۰۰	۹٤۰۰	۱۰۵۷۵
مجارستان	۸۳۰	۱۲۰۸	۱۵۰۰
لهستان	۱۹۰	۲۰۰	۲۰۰
آلبانی	۱۷۰	۲۰۰	۲۰۰
چکسلواکی	۱۳۵	۱٤۰	۱٤۰
چین	٤۷۲	۵۱۳	٦٦۷
	٦۳۵۹۷	۷۰۹٤۱	۸۳۳۰۲

مجموع محصول همهٔ کشورهای جهان

٦۵۵۹۰۷	٦۸۵۷۹۳	۷٦۳۱۱۷

فصل دوم

بخش نخستین - طریقهٔ علمی کشف استخراج نفت

بخش دوم - تصفیهٔ نفت

بخش سوم - حمل ونقل نفت

بخش چهارم - فروش نفت

بخش پنجم - علل عظمت صنعت نفت

بخش ششم - مطالعات علمی

بخش هفتم - زیانهائی که گاهی در کار نفت پیش میآید

بخش هشتم - محصولات شیمیائی از نفت

بخش نهم - کارتل نفت

بخش دهم - نظارت در بازارهای نفت و تعیین بهای محصول

فصل دوم

بخش نخستین - طریقهٔ علمی کشف و استخراج نفت

کاوش و جستجو برای نفت، بطریق علمی، فقط در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم آغاز گشت چه تا آنموقع چشمه های سطحی نفت راهنمای کسانی بود که دنبال استخراج نفت میرفتند. تا وقتیکه طبیعت بوسیلهٔ آثار سطحی راهنمای بشر بود توسل بعلم و دانش چندان لزومی نداشت. غالب معادن بزرگ نفت جهان که درقرن نوزدهم کشف گردید باستناد همین چشمه‌های سطحی نفت بود که کاشفین راهدایت میکرد که در جوار آنها چاهی حفر نموده و بنفت برسند.

در سال ۱۹۰۵ چاه هائی که در معادن کشف شده و امتحان شده حفر میکردند و بنفت نمیرسید نسبت به چاه هائی که بنفت میرسید تقریباً یك برسه بود و آنهائیکه فقط به بخت و اقبال تکیه کرده ودر نقاط امتحان نشده بحفر چاه می‌پرداختندتوفیق و کامیابی‌شان یك در بیست بود یعنی در نقاطی که احتمال نفت میرفت بطور معدل و رویهمرفته در یك چاه نفت یافته ودر بیست چاه چیزی بدست نمیآوردند واز این راه بعضی خسارت بسیاری متحمل میشدند.

پس‌از آنکه موتور احتراق داخلی اختراع شد واحتیاج بانواع مختلف‌موادنفتی افزایش یافت دیگر نمیشد فقط متکی به بخت و اقبال بود و لذا آنهائی که بدنبال نفت میرفتند متوسل بعلما و دانشمندان زمین شناس شده و از آنها یاری طلبیدند. میتوان گفت که کشف و استخراج نفت بطریق علمی تقریباً در اوایل قرن حاضر آغاز گشت و این نکته را نیز نباید فراموش کرد که معدن نفت مسجد سلیمان هم که اولین معدنی بود که در ایران کشف شد روی آثار چشمه های سطحی کشف گردید. اکنون بطرز اختصار طرز کار زمین شناسان را برای کشف نفت بیان میکنیم:

چنانکه در فصل اول بطور اختصار ذکر شد نفت در انبار ها و دریاچه های زیر زمینی یافت نمیشود بلکه در طبقاتی از زمین، تکون و جمع شده است که دارای منافذ بسیار است و بهترین نمونه و مثال برای درك چگونگی آن این است که‌ماتصور کنیم طبقات مزبور مانند اسفنج طبیعی یالاستیکی میباشد که برای شستن‌دست‌وصورت بکار میبریم. اگر چنین اسفنجی را درآب انداخته و بگذاریم که آب را بخود جذب نماید و بعد آنرا بدون فشار دادن در کناری گذاریم طبقات نفتی زیرزمین‌هم عیناً همان حال را دارد و همانطور که در اسفنج آب جذب شده در طبقات منفذ دار زیر زمین هم نفت جمع گشته است. این طبقات از سنگ های رسوبی (سنگ های آهکی و ریگی) تشکیل شده ودر منافذ آنها نفت جمع شده ودر اعماق زمین مدفون میباشند.

اما نفت دراین طبقات موقعی محفوظ ومستور میماند که روی‌آن و اطراف آن

باصطلاح مهر وموم شده باشد یعنی طبقات دیگری که سوراخ و منفذی ندارند آن را احاطه کرده و پوشانده باشند و الا اگر شکافی در طبقات وسنگهای اطراف پیدا شود نفت خارج شده و به سطح زمین میآید و چشمه های سطحی را ایجاد میکند و پس از مدتی ذخیرهٔ نفت زیرین بیرون آمده و بهدر میرود .

اولین کاری که زمین شناسان میکنند این است که در جستجوی طبقات نفتی و طبقات بی‌منفذی که اطراف آنرا پوشانده است برآیند واین وظیفه را قدم بقدم تعقیب کرده و درصدد تحصیل نتیجه برمیآیند. قدم اول این است که زمین‌شناسای نقشهٔ اراضی را که میخواهند کاوش کنند برمیدارند . سابق این کاررا با طی مسافت های زیاد و زحمت بسیار میکردند ولی اکنون کار آنها آسان شده و باهواپیما از اراضی که مدّ نظر است عکس برداری میکنند واز روی عکس ها نقشهٔ اراضی را تهیه مینمایند. قدم دوم این است که بمطالعهٔ نقشه‌ها پرداخته و کوشش کنند که آثار وعوالم سطحی از صخره‌ها وطبقات نفتی را در سطح زمین پیدا کنند تا نقاطی را که احتمال می دهند چنین صخره هائی یافت میشود انتخاب کرده وبدنبال آن بروند تا معلوم دارند رشتهٔ آن در چه نقطهٔ زیرزمین مدفون گشته است . از خصوصیات طبیعی صخره ها و از چگونگی فلزاتی که در آن صخره ها یافت میشود واز مواد آلیه یا سنگواره هائی[1] که مشاهده میشود بتاریخ طبقات ارضی پی‌برده و بطبقه‌ای که ممکن است نفت در آن یافت کردد راهنمائی میشوند .

بطور کلی احجار مطبقی که در زیر طبقات دیگر قرار گرفته‌اند قدیمتر و آثانی که در روی آنها واقع شده و بسطح زمین نزدیك ترند تازه‌تر میباشند . ما فقط میتوانیم تا مسافت کمی در قشر زمین فرورفته ودر آن رخنه کنیم. حتی عمیق‌ترین چاه‌ها و معدن هائی که انسان بآنها دسترسی پیدا کرده چندهزار متر از سطح زمین پائین‌تر نیست . پس اگر طبقات و صخره هائی که در ابتدا بحالت افقی ته‌نشین شده است امروز هم همان حالت را دارا باشد ما فقط بمطالعهٔ طبقاتی که بسطح زمین نزدیك ترند توفیق میبابیم واز صخره های عمیق‌تر اطلاعی بدست نمیآوریم . ولی بواسطهٔ وقوع زلزله و انفجار کوه های آتش فشان و فشار هائی که از اعماق رو ببالا وارد آمده انحناء وشکستگی هائی در طبقات مختلف زیر زمین رویداده که برخی ازطبقات و صخره های زیرین سر از خاك درآورده ودر قلهٔ کوه ها و تپه‌ها ویا در ته درّه ها نمایان شده‌اند و زمین شناسان که از طبیعت و خواص طبقات نفتی بخوبی آگاه هستند میتوانند درروی سطح زمین آن صخره ها را بررسی کنند و بفهمند که آیا در عمق اماکنی که ریشهٔ صخره ها بدانجا منتهی میشود نفت وجود دارد یا نه ؟

بعضی اوقات زمین شناسان محتاج باین میشوند که گمانه هائی در زمین زده و از چگونگی صخره های زیرین که آثار آنها در سطح زمین مفقود شده آگاهی یابند لذا چاه هائی بعمق چندصد متر حفر میکنند واز نمونهٔ صخره هائی که بدست میآید به تاریخ و خصوصیات صخره های مدفون پی‌میبرند .

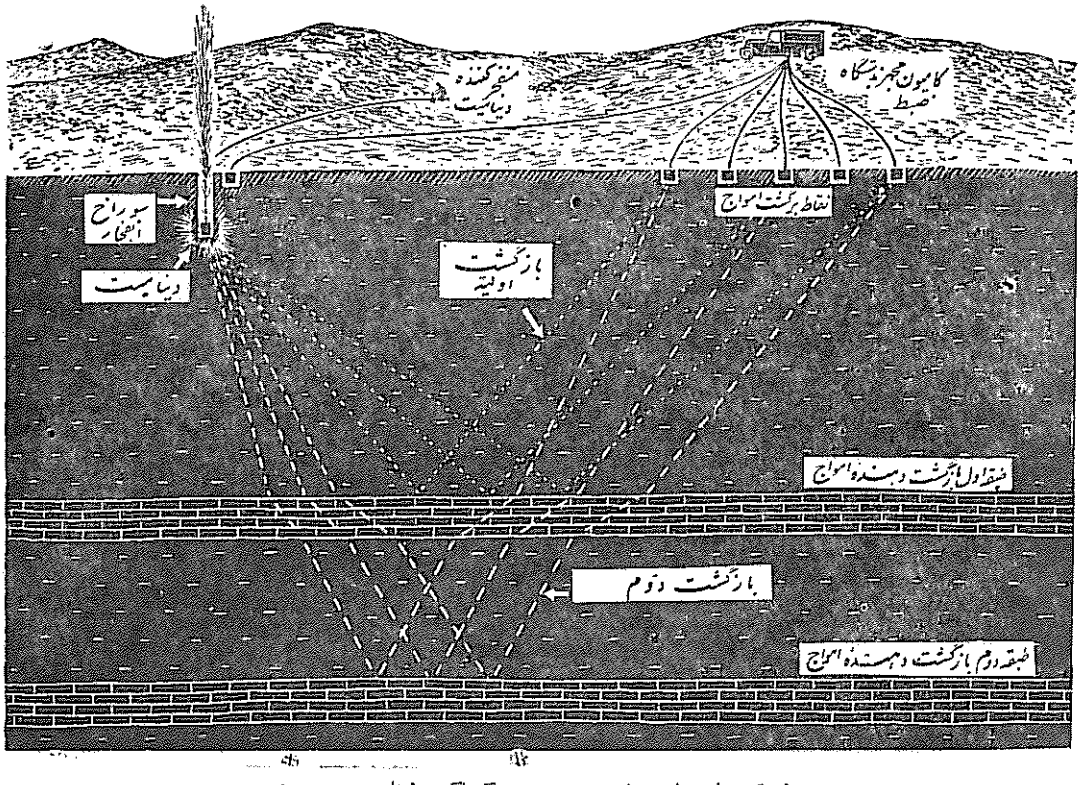
---

[1] Fossil

بطور کلی وظیفهٔ زمین‌شناسان این‌است که درکاوش وجستجوی آن طبقاتی باشند که احتمال تکون و جمع شدن نفت درآنها میرود واز آثار وعلائم سطحی به صخره های مدفون پی برند تا زاویه های آنهارا در زیر زمین معین کنند و محل مناسبی را برای حفر چاه نفت تشخیص دهند .

در امر کاوش نفت علاوه بر زمین‌شناسان دستهٔ دیگری از دانشمندان که درعلم ژئوفیزیك [1] تخصص دارند سهم عمده‌ای داشته و وظایف مهمی را انجـام میدهند . هنگامیکه آثار سطحی مفقود است مانند صحراهای صاف ومسطح یا جنگل‌های پراز درخت ویا اراضی باطلاقی ویا وقتیکه علائم سطحی با طبقات زیرین توافقی ندارند این دسته از دانشمندان بمیدان آمده ویاری میکنند . ژئوفیزیك علمی‌است که بوسایل فیزیکی از طبقات مدفون زیرزمین اطلاعاتی بدست میآورد واین علم وسایل و طرق مختلفی بکار میبرد که از همه متداول‌تر طریقه سایسمیك [2] آن است. این طریقه‌عبارت است از ایجاد زمین‌لرزه های کوچك در زمین ومطالعه واندازه گرفتن انعکاس آن در قسمت دیگر زمین . طرز کار هم ازاینقرار است :

سوراخی در نقطه‌ای‌از زمین بعمق ده الی بیست‌مترحفرمیکنند و بعدموادمنفجره‌ای در ته سوراخ گذاشته وسریك سیم‌الکتریکی‌را بآن وصل کرده وسردیگرش‌را به‌سطح



طریقه سایسمیك برای پی‌بردن بچگونگی طبقات زیر زمین

(1) Geophysicist (2) Seismic

زمین میآورند . روی زمین در فواصل معینی دستگاه های مخصوصی را قرار میدهند که ارتعاشات زمین را درآن منعکس میکنند . وقتیکه بوسیلهٔ سیم الکتریکی مواد منفجره را آتش زدند ارتعاشاتی در زمین تولید میشود که هنگام بازگشت ارتعاشات مزبور بسطح زمین در دستگاه هائیت میگردد. امواج این زمین لرزه‌های مصنوعی از طبقات زیر زمین که سخت ومحکم باشد زودتر و سریع‌تر عبور میکنند وبعکس‌از طبقاتی که سفت وسخت نباشد دیرترمیگذرند وبعد که این امواج بسطح زمین‌برگشت و ثبت شد متصدیان از این انعکاسات باعماق زمین پی‌میبرند .

پیشرفتهای علمی که درکار کشف نفت شده موجب گشته است که بر خلاف سابق تامحلی کاملاً تحت آزمایش و مطالعهٔ علمی قرار نگیرد برای حفر چاه انتخاب نشود وکمك های علمی امروز یکی از ارکان مهم اکتشاف معادن نفت میباشد . معهذا باید گفت که اگرچه معلومات و اطلاعـات این دانشمندان از صرف ملیونها پول بیهوده جلوگیری کرده است ولی هنوز بطور قطع و یقین نمیتوان اظهار کرد کـه در فلان نقطه نفت هست و اینگونه مطالعات علمی فقط احتمالات را زیادکرده است .

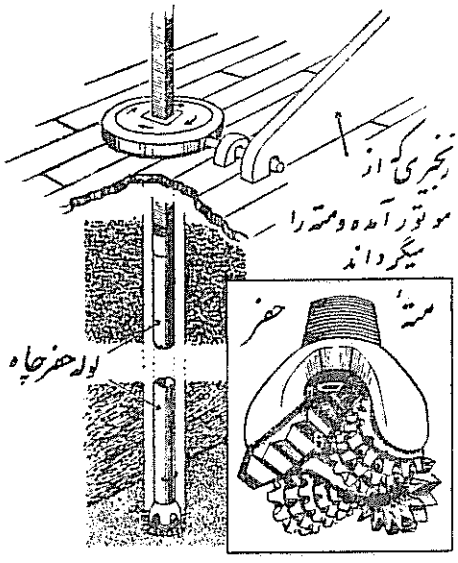
بین سالهای ۱۹٤۹ و ۱۹۵۳ نسبت توفیقی که ازاین راههای علمی برای کشف نفت بدست آمده بقرار زیر بوده است : -

چاه هائی که حفر شده	نتیجه‌ای که بدست آمده است
۱ـ بدون کمك زمین شناسان	یك‌چاه نفت در ۲۷ چاه بدون نفت
۲ـ فقط باکمك زمین شناسان	» » ۱۰ » »
۳ـ تنها باکمك علمای ژئوفیزیك	» » ٦ » »
٤ـ باکمك زمین‌شناسان وعلمای‌ژئوفیزیك‌توأماً	» » ٥ » »

درکشور های خاورمیانه و ونزوئلا که در سالهای اخیر حفر چاه های نفت کمتر روی بخت و اقبال حفر شده و میشود نسبت چاه هائی که بنفت رسیده خیلی از ارقام فوق هم بیشتر بوده است .

پس از آنکه با یاری علما و دانشمندان مذکور محل مناسبی برای حفر چاه تعیین گردید منجنیق بلندی برسر چاه برپا میکنند . سابقاً این منجنیق هـارا ازچوب میساختند ولی حالا از آهن و فولاد میسازند که اغلب بلندی‌آنها ازشصت‌الی‌هفتادمتر هم تجاوز میکند . علاوه بر منجنیق موتوری هم نزدیك‌چاه نصب میکنند که آلات حفر را بکار اندازد و مته های مختلفی هم حاضر میکنند که متناسب باسوراخ کردن طبقات مختلف زمین باشد . از بالای منجنیق بوسیلهٔ طناب فولادی یك لولهٔ فولادی موسوم به « لولهٔ حفر » آویخته شده که بآن متهٔ حفر چاه را وصل میکنند . در سر چاه میزمدوری است که لوله و مته در وسط آن قرار گرفته وهمینکه موتور بگردش میآید مته شروع بسوراخ کردن زمین میکند .

اگر کسی به محکمهٔ دندانسازی گذارش افتاده ودیده باشد که دندانسازچگونه



متهٔ حفر چاه نفت

دندان را با مته های خود سوراخ میکند میتواند تصور کند که چاه نفت هم چگونه سوراخ میشود زیرا این دو عمل عیناً شبیه بیکدیگر است . اگر زمین نرم باشد متهٔ حفر چاه میتواند ساعتی هفتاد متر زمین را سوراخ کند واگر زمین سخت باشد مدت کار طولانی‌تر خواهد بود . در موقع حفر چاه گل مخصوصی را با فشار تلمبه بداخل لولهٔ حفر وارد میکنند که مته را سردنگاهدارد و بعد همین گل‌را از فاصلهٔ بین‌سوراخ چاه و لولهٔ حفر بانضمام خاك و گلی که ضمن حفر چاه پیدا شده بالا میآورند .

هرچند مدت که از حفر چاه گذشت یك لولهٔ فولادی وارد سوراخ چاه میکنند که از ریزش اطراف چاه و نفوذ آبهای تحت‌الارضی جلوگیری کند و تمام چاه تاجائی که بنفت برسد از اینگونه لوله ها آستر میشود . ترتیب آستر کردن چاه با لوه‌های فولادی بدینقرار است که سوراخ سر چاه را بطور کلی بقطر چهل و پنج سانتیمتر یا بیشتر شروع میکنند و بعد بطریق ذیل لوه های فولادی را برای آستر کردن وارد یکدیگر میکنند :

لوله هائی که قطر آنها ۳۸ سانتیمتر باشد تا ۱۵۰ متر عمق

» » » ۲۸ » » ۱۲۰۰ »

» » » ۲۰ » » ۲۱۳۳ »

» » » ۱۵ » برسد بصخرهٔ نفتی

هرقدر عمق چاه زیادتر شد قطر لوله هائی که برای آستر کردن چاه بکار میبرند تغییر میکند وآنچه در بالا گفته شد بعنوان مثال بود .

اطراف لوله‌های فولادی که برای آستر کردن چاه پائین میبرند سیمان میریزند

که‌محکم‌شده وحرکت‌نکند تامته بتواند بآسانی‌واردچاه شده وکار خودرا انجام‌دهد. تعجب در این است که‌طرز حفرچاه بااصول‌جدید بی‌شباهت بطریقه ای نیست که چینی‌ها در گذشته بکار میبردند و شرح آن درفصل پیش‌داده شد .

هنگامیکه متهٔ حفر بصخره وطبقهٔ نفت‌نزدیك‌میشود دستگاه مخصوصی که ازفولاد ساخته شده وبسیار سنگین‌است‌ومانند یك‌لولهٔ کوتاه و کلفتی است که‌انشعابات‌متعدد دارد برسرچاه نصب میکنند تاهمینکه متهبصخرهٔ نفت رسید ونفت خواست با فشار گاز بخارج‌بیاید ازهدر رفتن‌آن‌جلوگیری کنند . پس ازاتمام حفر،نفت از این انشعابات کلاه سر چاه داخل لوله‌هاشده ودر مخازن فولادی‌بزرگ‌انبار میشود . سپس ازآنجا بوسیلهٔ لوله به پالایشگاه برای تصفیه فرستاده میشود .

بخش دوم تصفیهٔ نفت

شکل ورنگ‌نفت خام همیشه یکنوع ویکنواخت نیست وحتی رنگ‌نفت‌خامی‌هم که ازچاه یك معدن استخراج میشود با نفت چاه دیگر تفاوت دارد زیرا بسااتفاق میافتدکه نفت یك معدن هم ازطبقات مختلف زمین بدست‌میآید. ازحیث‌ظاهر، رنگ نفت خام ممکن است ازمایع کم رنگ فرّاری (که ترکیب بنزینی آن زیاد باشد) گرفته تایك مایع غلیظ و سیاهی فرق نماید ولی بطور کلی نفت خام یك مایع سیاه رنگی است .

وقتیکه شئی را بکوچکترین ذرات تقسیم نمایند بطوریکه ذرات مزبور خواص شیمیائی خود را ازدست نداده باشند آنرا مولکول [۱] میگویند . تاچندی پیش‌علما تصور میکردند که مولکول کوچکترین ذره‌ای است که میتوان‌از تقسیم اشیاء‌بدست آورد ولی بعد معلوم شدکه مولکول هم ازذرات دیگری تشکیل‌شده که‌آنرااتم [۲] میگویند ومولکول راهم میتوان درهم شکست واتم های آن را شناخت. تمام نفت ها وگازهای نفتی ازاتم های هایدروکاربن [۳] تشکیل یافته و نفت ومشتقات‌آن مخلوطی است ازاتمهای کاربن [۴] وهیدروژن [۵] . اتم ها توانائی آنرا دارندکه بااتم های شبیه خود یابااتم های عناصر دیگر ترکیب شده ومولکول را تشکیل‌دهند . یك‌اتم کاربن میتواند باچهار اتم عنصر دیگر ترکیب شود در حالیکه یك‌اتم هیدروژن فقط میتواند بایك اتم دیگرترکیب گردد . ساده ترین مولکول هایدروکاربن دارای یك اتم کاربن و چهار اتم هیدروژن است وچنین مولکول نامش‌گاز «متان» [۶] میباشد . ذرات ومولکول‌های هاید روکاربن که دارای یك یا دو یا سه وچهار اتم کاربن باشند بشکل‌گاز در میآیند و همان گازهای نفتی هستندکه توأم بانفت در قعر زمین جای

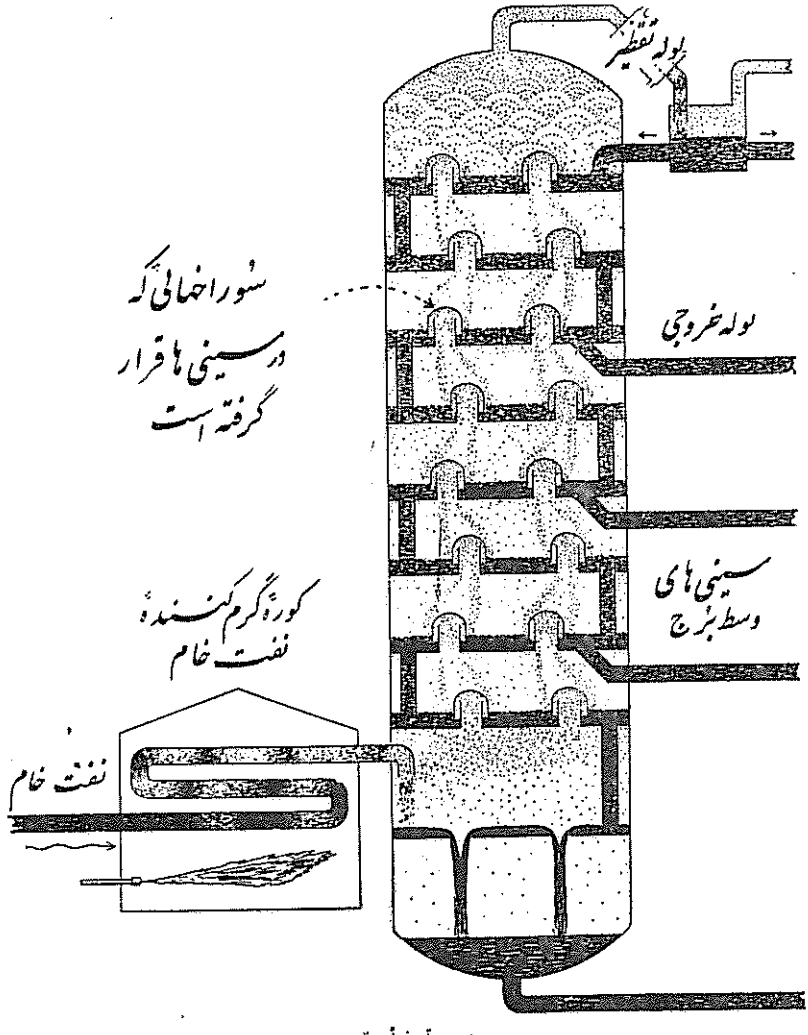
---

(۱) Molecule (۲) Atom (۳) Hydrocarbon
(۴) Carbon (۵) Hydrogen (۶) Methane

گرفته‌اند مولکولهای بزرگتر هاید روکاربن بشکـل مایع در میآیند و نفت خام از مولکولهای مختلف هاید روکاربن تشکیل یافته که بایکدیگر مخلوط گشته‌اند .

بطور کلی نفت خام مصرفی ندارد وباید آنرا درپالایشگاه تصفیه نمود وتبدیل بفرآورده های نفتی کرد تا بسهولت قابل مصرف گردد . پالایشگاه ها دارای دستگاه های عظیم تصفیه هستند که این کاررا انجام میدهند وگرچه توصیف عملیات پالایشگاه ازحوصلهٔ این کتاب خارج است وباید بکتاب‌های فنی رجوع کردمعهذا برای این که اطلاعات کلی دربارهٔ تصفیهٔ نفت ذکر گردد بطور اختصار کلیاتی در این بخش بیان میشود .

اصل کلی عمل تصفیهٔ نفت عبارت‌است از جوشاندن‌وتقطیر کردن نفت بدین‌معنی



برج تصفیهٔ نفت

که اول نفت‌خام را حرارت میدهند تاتبدیل به بخارشود . بعد بخار را تقطیر میکنند تافرآورده‌های‌مختلف رااز آن بدست‌آورند .

درپالایشگاه ها کوره های بزرگی برپا کرده اند که در اطراف دیواره‌ها و سقف‌آن لوله های متعددی بطور افقی قرار گرفته است . ابتدا نفت خام را وارد این لوله‌ها میکنند وچون هوائی دراین لوله‌ها نیست نفت هنگامیکه حرارت یافته و گرم میشود مشتعل نمیگردد . کوره راآتش میکنند تالوله‌های پراز نفت خام‌حرارت زیاد پیدا کرده و نفت تبدیل به‌بخار گردد. بعدبخار را وارد یك برج فولادی بلندی‌میکنند که قطرآن بین سه‌الی چهار متر وارتفاع‌آن در حدود سی وپنج متراست . این برج بوسیلهٔ صفحه‌ها یاسینی‌های مخصوص بطبقات مختلف تقسیم شده وبی شباهت بعمارت بلندی نیست که طبقه‌های متعددی داشته‌باشد .

در این سینی ها وصفحه‌ها سوراخهائی تعبیه کرده‌اند که‌بخار ازوسط آنهاعبور کرده وبقسمت فوقانی ترمیرود . درجهٔ حرارت قسمتهای مختلف‌این‌برج متفاوت است یعنی قسمتهای پائین گرم‌تر وهرقدررو به‌بالا میرود درجهٔ حرارت‌آن کمتر میشود .

ضمناً باید گفت که هریك از فرآورده های نفتی‌در یك درجهٔ حرارت بخصوصی به جوش میآید ونقطهٔ جوش بعضی پائین‌تر وبرخی بالاتر است . وقتیکه این نفت خام بخار شده ازپائین برج مزبور وارد شده‌روبه بالامیرود اجزای مختلف آن‌درقسمت‌های متفاوت برج تقطیر شده وتبدیل به مایع میشود . بالطبع بخارهائی که نقطهٔ جوش آنها بالاتر از همه است درپائین برج که حرارت بیشتری دارد تقطیر شده و روی سینی‌ها وصفحه‌های پائین تبدیل به مایع شده و از برج خارج میگرددوآنانیکه نقطهٔ جوش آنها کمتراست روبه بالارفته ودر سینی‌های مختلف فوقانی تبدیل‌به‌مایع میشوند.مثلا نفت کوره واسفالت که نقطهٔ جوش آنها خیلی بالا میباشد درسینی های پائین وبنزین که نقطهٔ جوش کمتری دارد در سینی بالائی تبدیل به‌مایع میشود سپس این فرآورده های مختلف بوسیلهٔ لوله‌های مخصوصی‌ازصفحات برج به‌خارج برده‌شده و درمخزنهای علیحده انبار میشوند .

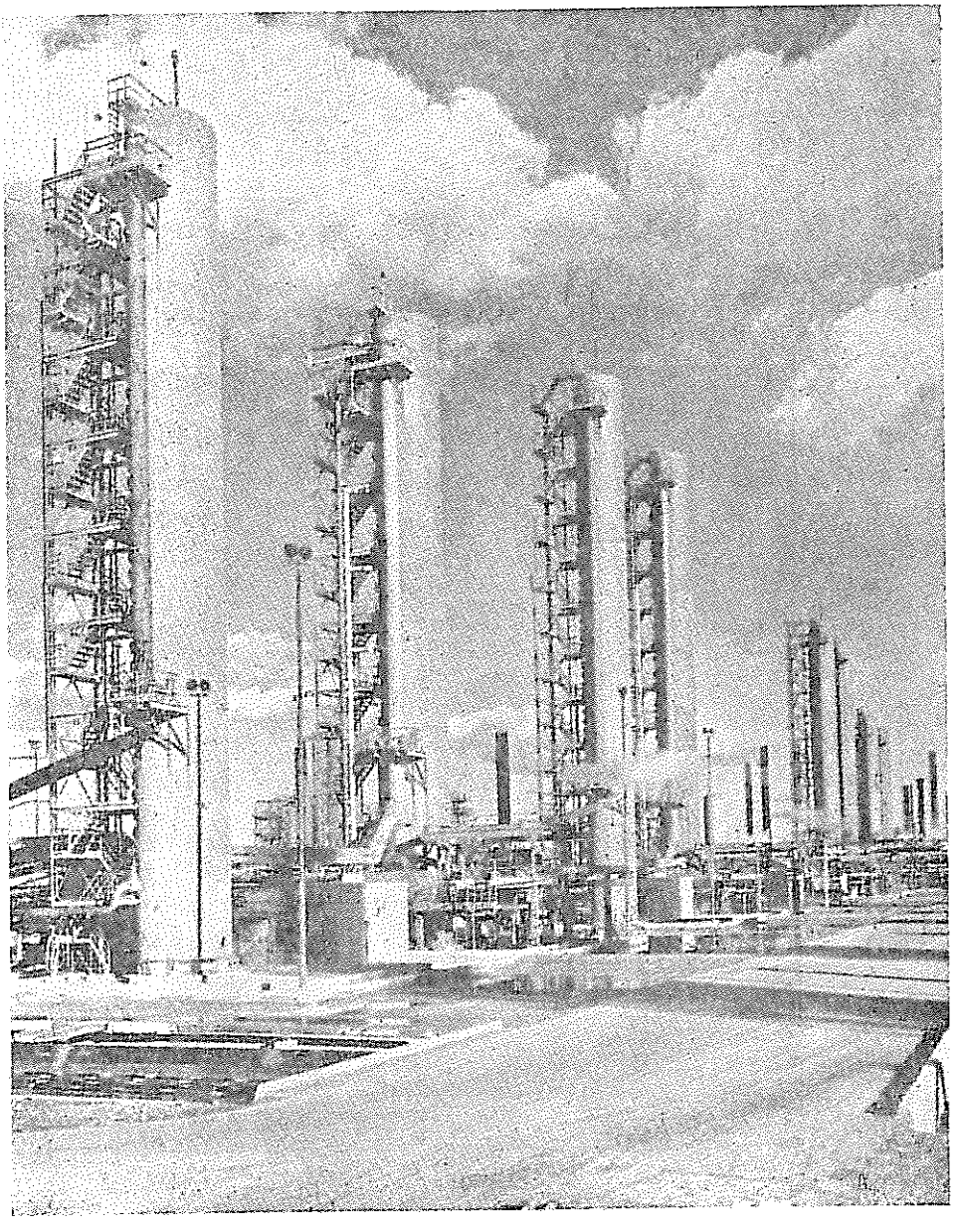
تا اوایل قرن‌کنونی که مصرف عمده نفت چراغ‌بود و به بنزین چندان‌احتیاجی نبود تمام توجه معطوف باین بود که حتی‌الامکان حداکثرنفت چراغ‌را بدست‌آورند و بنزین بمصرفی نداشت و بهدر میرفت ولی هنگامیکه موتور های احتراق داخلی اختراع شد و مصرف بنزین رو بفزونی رفت توجه صاحبان پالایشگاه ها معطوف باین شدکه حداکثر بنزین را از نفت خام بدست آورند . این بود که دستگاه های جدیدی برای پالایش اختراع شد که‌بنام دستگاه های «شکننده» [۱] معروف گشته‌اند.

در سابق بوسیلهٔ برجها و دستگاههای تقطیر که شرح آن در بالا گذشت و تصویر آن ملاحظه شد بیست در صد نفت خام تبدیل به بنزین میشد ولی با اختراع دستگاه های پالایش «شکننده» این مقدار تقریباً دو چندان شده و چهل در صد نفت

---

(۱) Cracking

خام تبدیل به بنزین میگردد . این‌دستگاه طوری تعبیه شده که فرآورده‌های‌سنگین‌تر را مانند نفت‌کوره که در صفحه های پائین برج تقطیر میماند حرارت زیادتری‌میدهند تا مواد فرّاری که درآنها باقی مانده است بشکل بنزین خارج گردد . این‌عمل موجب

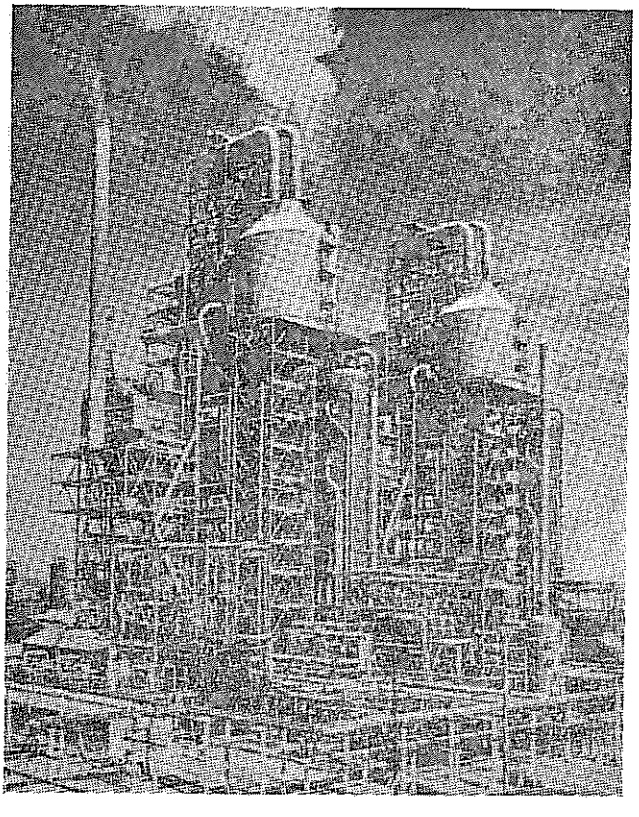


دستگاههای «شکننده» پالایش در آبادان

میشود که ذرات و مولکولهای بزرگتر به مولکولهای کوچکتر تقسیم گردد تا بنزین و نفت چراغ و گازاویل از آن بدست آید .

در ده بیست سال اخیر پیشرفتهای عمده‌ای در فنون مختلف پالایش نفت حاصل شده و روشهای جدیدی بکار برده میشود که هم حد اکثر مواد فرّار را از نفتهای سنگین بدست آورند و هم جنس و کیفیت بنزینی را که مصرف میشود بهتر و مناسب‌تر بنمایند تا در هرگونه موتوری بتوان آنرا بسهولت استعمال نمود. مثلاً برای بنزین هواپیما دستگاه های مخصوصی تعبیه کرده‌اند که بنزین بسیار فرّار و سبك تهیه میکنند و یا برای پاکیزه کردن و سفید کردن نفت چراغ وسایلی تهیه کرده اند که آنرا حتی‌المقدور صاف و پاك و بی‌بو نماید .

یکی از دستگاه های جدید تصفیه دستگاه «شکنندهٔ» کاتالی‌تیك ۱ است که چند سال پیش هم در آبادان بنا گردید . عمل تصفیه در این دستگاه عبارت است از اضافه کردن شئی مخصوصی به نفت که تغییرات شیمیائی را در آن آسان‌تر و سهل‌تر



دستگاه کاتی‌لی‌تیك آبادان

(۱) Catalytic

مینماید بدون اینکه در آن شئی تغییری حاصل گردد . در این دستگاه حرارت کمتری به نفت میدهند و نظارت در تصفیه بسهولت انجام میگیرد . غالب پالایشگاه‌های جدیدی که پس از جنگ ساخته شد دارای چنین دستگاهی میباشد ولی چون خیلی گران و خرج ایجاد آن بسیار است همه پالایشگاهها چنین دستگاهی را ندارند .

طریق دیگری که در تصفیهٔ نفت معمول شده موسوم است به پولی‌مرایزشین ۱ که از گازهای نفت بنزین بدست میآورند . این عمل درواقع ترکیب کردن مولکولها و ذرات مشابهی است با یکدیگر که پس از ترکیب شدن وزن این مولکولها زیاد شده و گاز تبدیل به بنزین میشود .

امروز کار پالایش نفت فوق‌العاده پیشرفت کرده و ترقی بسیار نموده است و پالایشگاه های جدید بطوری مجهز هستند که انواع و اقسام فرآورده های نفتی را تهیه کرده و در دسترس مشتریان میگذارند . تنوع کار پالایشگاه های جدید بحدی توسعه یافته است که بعضی از آنها قریب دو هزار نوع کالای نفتی بعمل میآورند و هرروز هم به تکمیل و توسعهٔ آنها میپردازند .

طبق ارقامی که ادارهٔ معادن دولت امریکا منتشر نموده است دراول سال ۱۹۵٤ سیصد و هشت پالایشگاه در آن کشور مشغول کار بوده است بعلاوه سی پالایشگاه دیگر هم در آن کشور هست که دراول سال مزبور تعطیل بوده که بعضی برای تعمیرات و تغییرات و برخی بعنوان ذخیره نگاهداشته شده و کار نمیکرده‌اند. ظرفیت پالایشگاه‌های کشور های جهان در سال ۱۹۵٤ بقرار زیر بوده است :

(ارقام زیر از دفتر اطلاعات نفتی انگلستان اقتباس شده است) ۲

نام کشور	گنجایش به هزار تن متریک
ممالک متحدهٔ امریکا	٤۱۸۹۰۰
روسیه شوروی و کشور های شرق اروپا	۷۳۰۰۰
جزایر هند غربی	۳۲۰۰۰
کانادا	۲۹٤۰۰
انگلستان	۲۹۲۰۰
ونزوئلا	۲۷۰۰۰
فرانسه	۲٦۹۰۰
ایران	۲۵۰۰۰
ایتالیا	۲۱٦۰۰
مکزیک	۱۲۸۰۰
هلاند	۱۱۵۰۰
آلمان	۱۱۱۰۰
اندونزی	۱۰۷۰۰

(۱) Polymerisation (۲) Petroleum Information Bureau

بحرین	۱۰۲۰۰
آرژانتین	۹٦۰۰
عربستان سعودی	۹۵۰۰
ژاپن	۷۵۰۰
جزیرهٔ تری‌نی‌داد	٦۰۰۰
عدن	۵۰۰۰
بلژیك	٤۸۰۰
اسرائیل	٤۳۰۰
مصر	۳۵۰۰
استرالیا	۲۸۰۰
جزیرهٔ برنئو متعلق بانگلیس	۲٤۰۰
پرو	۲٤۰۰
کولومبیا	۲۱۰۰
برزیل	۲۱۰۰
سوئد	۱۸۰۰
اسپانی	۱۸۰۰
هندوستان	۱۷۰۰
جزایر کاناری	۱٦۰۰
سایر کشورها	۱۱٦۰۰
جمع کل	۸۱۹۸۰۰

پس از جنگ اخیر پالایشگاه های متعددی در نقاط مختلف اروپا و آسیا ساخته شده است که ظرفیت تصفیه خانه ها را بالا برده وعلت اصلی این توسعه کثرت مصرف بوده است . درسال ۱۹٤۸ ظرفیت کلیهٔ پالایشگاههای دنیا (باستثنای آمریکاوروسیهٔ شوروی) از سالی یکصد وبیست وشش ملیون تن تجاوز نمیکرد ولی اکنون از سیصد ملیون تن هم تجاوز کرده وطبق برنامهٔ ساختمان که درکشور های مختلف اجرا میشود در آخرسال ۱۹۵۵ ظرفیت بسیصد وبیست ملیون تن هم خواهد رسید . قسمت عمدهٔ این افزایش مربوط به پالایشگاه های متعددی است که پس از جنگ درکشور های غربی اروپا ساخته شده وقسمتی هم مربوط به پالایشگاه های جدیدی است که در ونزوئلا وعدن و هندوستان ساخته اند .

سابقاً شرکتهای بزرگ نفت کوشش داشتند که پالایشگاه‌های خودرادر کشورهای نفت‌خیز بنا نمایند تا از مزد ارزان کارگران استفاده کرده و عمل پالایش را باصرفه ومناسب تمام کنند ولی پس‌از جنگ اخیر بملاحظاتی که درزیر بیان‌شده تغییر رویه داده و پالایشگاه های جدید خود را درنقاطی نصب کرده‌اند که مصرف نفت زیادتر است :

۱ - شرکتهای بزرگ نفت مدعی هستند که از لحاظ سیاسی و نظامی وسوق‌الجیشی دفاع از پالایشگاه ها در کشورهائی مانند خاورمیانه کار آسانی نیست وصرفه دراین است که پالایشگاه در مرکز مصرف و نقاط صنعتی برپا گردد که دفاع از آنها درموقع جنگ آسان‌تر و خطر ضبط ومصادرهٔ آنها درموقع صلح کمتر است .

۲ - و نیز میگویند در کشور های صنعتی اروپا تهیهٔ وسایل یدکی و اثاثیه و ملزومات برای پالایشگاه ها آسان‌تر و باصرفه‌تر است ودیگر لازم نخواهد بود که لوازم را از امریکا واروپا بکشور های نفت خیزحمل کرده ونفت را در آنجا تصفیه نمود وسپس بغرب اروپا که مرکز عمدهٔ مصرف در نیم کرهٔ شرقی میباشد برد . بطوریکه حساب کرده‌اند وادعا میکنند تفاوت نرخ کرایه بین حمل نفت خام و تصفیه شده از کشور های نفت خیز باروپای غربی کمتر یابرابر باکرایه ای است که برای حمل اسبابهای یدکی و ملزومات ومواد شیمیائی از اروپا یا امریکا بکشورهای نفت خیز میپردازند تاعمل تصفیه‌در کشورهای مزبور انجام گردد .

۳ - ادعای دیگرشان این است که سابق ایجاد پالایشگاه در کشورهای نفت‌خیز مانند خاورمیانه صرف داشت زیرا مزدکار گرارزان واستثمار آنهاآسان و بی سرو صدا انجام میگرفت ولی اکنون شرکتهای دارندهٔ امتیاز باید علاوه بر پرداخت مزد زیاد ترخانه ومسکن وسایر وسایل آسایش را برای کارگران فراهم سازند که‌خرج‌را بالا میبرد در صورتیکه درکشور های اروپا بغیر از مزد پرداخت دیگری‌بکارگران نمیکنند و شهرداریها عهده دار تهیهٔ وسایل برای‌کارگران اروپائی میباشند .

٤ - تجربه ومهارت کارگران اروپائی را نیز شاهد آورده ومیگویند کارگران محلی درکشور های نفت خیز مهارت واستادی کار گران اروپائی را واجد نیستند و پالایشگاه های اروپا را میتوان باتقریباً نصف عدهٔ کارگرانی که درکشور های نفت خیز برای‌کار تصفیه استخدام میشوند اداره کرد .

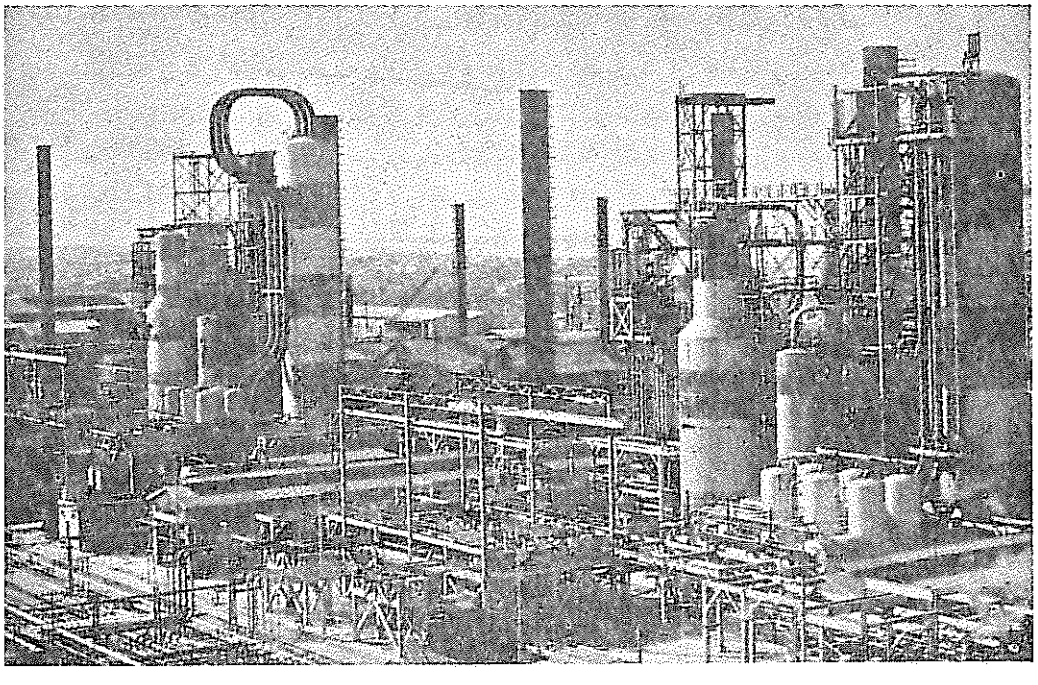
٥ - و نیز مدعی هستند که ایجادپالایشگاه در اروپای غربی مستلزم این نیست که‌ارزخارجی‌بکشور های نفت خیز برای پرداخت مزد کارگران پالایشگاه آن نقاط فرستاده شود وازاین راه صرفه جوئی عمده‌ای درصدور ارز مینمایند .

٦ - بعضی‌هم میگویند شرکتهای بزرگ‌عمل‌تصفیه را طوری ترتیب‌داده‌اند که پالایشگاه های واقع در اروپا سود زیادی نشان نمیدهند وبالطبع‌مالیات‌بردرآمدی که بابت سود حاصله ازتصفیه بدولتهای خود میپردازند کمتر ازحقوق و مالیاتی است که بکشورهای نفت خیزروی اصول تنصیف عوایدبایدبپردازند .

بهرحال نظر بملاحظات فوق سیاست وروش شرکتهای بزرگ‌پس‌ازجنگ‌این شده‌است که از ساختن پالایشگاه درکشورهای نفت خیز حتی‌المقدور خودداری‌نمایند واز توسعهٔ صنعت پالایش نفت درکشورهای نفت خیز جلوگیری کنند .

در خاتمهٔ این بخش بی‌مناسبت نیست اگرچند کلمه‌ای هم راجع بهزینهٔ ساختن

پالایشگاه های جدید ذکری بمیان آید . بطوریکه تخمین زده‌انـد برای هریك تن نفتی که بفروش میرسد ازموقعیکه کاوش واستخراج شروع میشود تاوقتیکه فرآورده‌های نفتی بدست مشتری برسد ـ قریب چهل لیره یا نزدیك بیکصد ودوازده دولار سرمایه باید مصروف کرد. این مبلغ شامل تمام هزینه هـای ابتدائی وبعدی من‌جمله کاوش و استخراج وحمل ونقل وتوزیع وتصفیه میباشد . ازاین مبلغ ده‌لیرهٔ آن صرف‌ساختن آن قسمت از پالایشگاه میشود که یك‌تن نفت را تصفیه میکند مثلا اگرپالایشگاهی بظرفیت یك ملیون تن ساخته‌شود ده ملیون لیره سرمایه لازم دارد . این برآورد و تخمین در حال حاضر وباقیمت کنونی ماشین‌آلات وغیره صحیح بنظر میرسد وبطور کلی‌میتوان آنرامیزان‌سنجش‌قرارداد زیراهزینهٔ‌پالایشگاه هائی که‌درسالهای‌اخیرساخته شده وحساب آن در بیلان شرکتهای بزرگ‌منظور ومنتشر گشته است در همین حدود بوده است . مثلا پالایشگاه عدن‌که ظرفیت‌آن سالیانه پنج ملیون تن ودرسال١٩٥٤ ساختن آن خاتمه یافت طبق ارقـام منتشره بین چهل وپنج وپنجاه ملیون لیره خرج برداشته است وپالایشگاهی که دول عراق درنزدیکی بغداد میسازد وظرفیت‌آن‌بالغ برسالی‌یك ملیون تن است در حدوده ملیون لیره بودجه برای‌آن منظور گشته‌است .



یکی از پالایشگاه های جدید

بخش سوم - حمل ونقل نفت

(الف)خطوط لولهٔ نفت

شاید گمان‌شود پس از آنکه نفت تصفیه شدودر انبارهاومخازن فولادی پالایشگاها ذخیره گشت حاضر برای‌فروش است ولی‌این طورنیست زیرا تفاوت عمده‌ای بین نفت وسایرکالاهاهست که حمل وفروش آنرامشکل میسازد . مثلاً اگرچوب ومواد معدنی‌و غلات و سایرکالاهای مشابه حاضر برای فروش باشد میتوان آنها را درانبارهای‌بندر خروجی مدتی نگاه داشت و بعد باهرکشتی باری‌که پیدا شود بمقصد فرستاد . ولی با فرآورده های نفتی نمیتوان چنین‌کاری راکرد زیرانفت قابل انفجارمیباشد ومواظبت مخصوص لازم دارد .

باید همیشه فرآورده های نفتی را درانبارها ومخازن مخصوص‌نگاهداشت‌وبعد باکشتیهای مخصوص بمقصد حمل‌کرده ودر مقصدهم باید فرآورده ها را ازکشتی با تلمبه خارج کرد و دو باره به مخازن ساحلی انتقال داد و از مخازن مزبورهم یا با اوتوموبیل‌های مخصوص‌ویاباواگونهای‌راه‌آهن‌که مخزن‌مخصوص‌دارند بنقاط مختلف حمل‌کرد و بطورخلاصه حمل فرآورده‌های نفتی چه مظروف وچه غیرمظروف آلات وادوات ووسائل مخصوصی لازم دارد که کالاهای دیگر محتاج بآن نیستند واین خود باعث میشودکه حمل نفت توأم باتشکیلات وسازمان بخصوصی باشد .

دریک‌قرن‌پیش‌که نفت درامریکاکشف شد وصنعت جدیدبوجودآمد مقدارمحصول کم بود وفرآورده‌های نفتی‌را در چلیک‌های چوبی‌جای‌داده واز نقطه‌ای به‌نقطه‌دیگر حمل مینمودند . پس ازچندی‌که مصرف زیادشد معلوم گشت‌که فرآورده های‌مظروف خرج بسیاربرداشته وبفکراین افتادندکه نفت راغیر مظروف وخالص بفروش‌رسانند. یکی‌ازاولین ابتکارات این‌بودکه‌نفت را باخط لوله‌ازنقطه‌ای به‌نقطهٔ دیگرحمل‌نمایند.

خط لوله در ایام قدیم هم برای حمل ونقل مایعات بکار میرفته است . مشهور است که در هفت هزار سال پیش چینی ها خطوط لوله‌ای از خیزران درست کرده وآب را از آن عبور میدادند و آشوریها و مصریها و یونانیها و رومیها لوله‌هائی ازگل پخته میساختند وتنبوشه‌ها را پهلوی یکدیگرگذاشته ازآن خط لوله‌ای درست میکردند . درسال ۵۲۵ قبل ازمیلادکامبیز پادشاه ایران‌درموقع حملهٔ به مصرخط‌لولهٔ طولانی برای رساندن آب به ارتش خود در بیابان های بی‌آب ایجاد کردکه در تاریخ معروف است . این خط لوله از پوست‌گاو وگاومیش بودکه‌آنهارا بیکدیگر دوخته بودندوآب ازوسط‌آن جاری بود .

اولین خط لولهٔ نفت دوسال بعد ازحفر اولین چاه درامریکا ساخته شد و این لوله ازچوب ساخته شده وطول‌آن درحدود ده‌کیلومتر بود . چهار سال بعد اولین لولهٔ نفت‌که ازآهن ساخته شده بود وقطرآن پنج سانتیمتر وطول‌آن هشت‌کیلومتر بود در

امریکا ایجاد گشت . باکمك تلمبه های بخار روزی دویست وپنجاه تن نفت را در این لولهٔ آهنی جریان میدادند . در ابتدا خطوط لولهٔ نفتی که ساخته میشد همه برای این بود که نفت را ازچاه ها گرفته و به پالایشگاه ها برسانند ودرسال ۱۸۷٤ میلادی خط لوله‌ای بطول یکصد کیلومتر بین معادن ایالت پنسیلوانیای امریکا و شهر صنعتی پیتزبورك ۱ کشیده شد وچهارسال بعد خط طولانی تری به طول یکصد وشصت کیلومتر کشیده شد که ازروی جبال‌الگنی ۲ عبورمیکرد .

درسال ۱۹۱۰ لوله‌های فولادی جایگزین لوله‌های آهنی شد و در آنوقت در حدود شصت وپنج هزار کیلومتر خط لوله درامریکا موجود وروز بروزهم درتزایدبود ولی بیشتر این خطوط لوله کارشان حمل ونقل نفت خام بود وچندی طول کشید تاحمل فرآورده های نفتی تصفیه شده بالوله معمول گشت .

امروز برای ساختن خطوط لولهٔ نفت طولانی اول ازهوا نقشه برداری میکنند وبعد کوتاه‌ترین خط را انتخاب مینمایند همینکه بخواهند کشیدن لوله را شروع نمایند تازه حق عبور لوله از اراضی خصوصی اشکالاتی ایجاد مینماید که متضمن پرداخت حق‌العبور است . بعضی اوقات که خط لوله ازکشوری بکشوردیگر عبور میکند باید قرارداد هائی با دول ذی نفع منعقد نمایند که اجازهٔ ساختن خط لوله را تحصیل کنند وحق‌العبورهای نسبةً گزافی هم بپردازند مثلاً خط لوله‌ای که درچندسال قبل ازعربستان سعودی به دریای مدیترانه کشیده شد از کشورهای اردن وسوریه ولبنان عبور میکند و هریك ازاین کشورها حقی برای عبور لوله ازخاك خود دریافت میدارد .

سابق لوله‌ها را بیکدیگر پیچ میکردند ولی حالا آنها راباهم جوش الکتریکی میدهند که هم محکم‌تر وهم ارزان‌تراست . بطورکلی خطوط لوله را درگودالی که در زمین حفر میکنند گذاشته وبرای اینکه زنگ به لوله تأثیر نکند اطراف لوله را با پارچه یانمد و یاچیز دیگری که آلوده به قیرباشد واز سرایت آب ونم جلوگیری کند میپوشانند وبعد باخاك روی گودال را میپوشانند . برخی اوقات هم جریان الکتریکی درلوله‌ها میفرستند که اززنك زدن لوله جلوگیری نماید .

سرد وگرم شدن هوا درنقاط مختلف تأثیر بسزائی در انبساط وانقباض لوله‌ها دارد وبرای حفظ لوله ازتأثیر حرارت وسرما فاصله‌هائی میگذارند ولوله‌ها راکج و منحرف قرار میدهند که ازاین زیان‌هم محفوظ باشد .

نفت دربعضی ازخطوط لوله باشیب طبیعی جریان پیدا میکند ولی درنقاطی که چنین‌شیب هائی نباشد ایستگاه های تلمبه میسازند و بافشار نفت رادرلوله جریان میدهند.

پس از مدتها تجربه وآزمایش اکنون معلوم شده است که اگر حمل مقادیر نفت بمقادیر زیاد وبرای مدت طولانی درنظرباشد خط لوله سهل‌ترین وسیله‌ای است که میتوان بکار برد . تردیدی نیست که حمل ونقل باکشتی ارزان‌ترین وسیله‌ای است که امروز در سرتاسرجهان معمول میباشد ولی وسایل حمل باآب درهمهٔ نقاط ممکن نیست و در بعضی از جاهاهم عوارضی مانند عوارض کانال سوئزدر کاراست که کرایهٔ باکشتی را

---

۱) Pittsburgh ۲) Allegheney

راگران‌میکند . معهذا هنگامیکه سایر وسایل حمل ونقل در نظرگرفته شود خطوط لوله یکی ازارزان‌ترین و باصرفه‌ترین وسیله برای حمل ونقل نفت میباشد . پس‌ازجنك یك برآوردی از هزینهٔ حمل نفت بوسایل مختلف کرده وباین نتیجه رسیده‌اند .

هریك تن دریك میل به‌دولار

باوسایل موتوری درجاده‌ها	۰ر۰۶۱۲۵
باراه‌آهن	۰ر۰۱۶۹۵
باخط لوله (بنزین)	۰ر۰۰۴۴۵
باخط لوله (نفت‌خام)	۰ر۰۰۳۴۴
باآب	۰ر۰۰۰۸۲

ارقام فوق‌معدل هزینه‌های‌معمول کنونی است وممکن‌است بعدها درآن تغییراتی حاصل شود ولی بخوبی واضح میدارد که تفاوت بین حمل نفت بالوله وسایر وسایل چه‌اندازه بارزو ومحسوس است . البته‌آشکار است که هرقدر قطر لوله زیادتر باشد خرج حمل باآن ارزان‌تر خواهدبود. مثلاً هزینهٔ حمل‌نفت بالوله‌ای که قطرآن‌پانزده سانتیمتر باشد تقریباً دوبرابر هزینه لوله‌ای است که‌قطرآن‌بیست سانتیمتر باشدوچهار برابر لوله‌ای است که قطرآن سی‌سانتیمتر باشد .

چنانکه دربالا گفته شد حمل باکشتی وآب ارزان‌تر از حمل با لوله است ولی بعضی اوقات‌حمل بالوله ارزان‌ترمیشود واین‌درمواردااستثنائی مانند خط لوله‌عربستان سعودی به‌مدیترانه است که صرفه جوئی عمده درمسافت و پرداخت عوارض‌کانال سوئز شده است . رجحان حمل ونقل باکشتی این است کـه اگرباری نبودکشتی را میتوان تعطیل کرد ولی‌لوله‌رابایددائم‌درکارنگاهداشت‌وکشتی‌را دروسط‌راه میتوان از نقطه‌ای به‌نقطهٔ دیگرمنحرف‌نمود ومقصدش را عوض کرد ولی این‌کار را بالوله نمیتوان کرد. رویهمرفته‌حمل‌ونقل‌باکشتی‌ارزان‌تر وباصرفه‌تراست‌مگراینکه‌موارد استثنائی پیش‌آید.

برای اینکه معلوم شود خطوط لولهٔ نفت تا چه حدی توسعه یافته وتاچه‌اندازه در حمل و نقل نفت مؤثر واقع گردیده‌اند بطور نمونه شبکهٔ خطوط لولهٔ‌نفتی ایالات متحدهٔ امریکا را مثال میآوریم . در سال ۱۹۵۴ خطوط لولهٔ آن‌کشورکه بزرگترین کشور نفت‌خیز و بزرگترین مصرف کننده نفت میباشد بقرار زیر بوده است :

خطوط لولهٔ نفت‌کشور امریکا	۲۷۲۰۰۰ کیلومتر
خطوط لولهٔ‌گازکشور امریکا	۶۰۸۰۰۰ »

(ب)کشتی های نفتکش

امروز یك پنجم‌کلیهٔ کشتیهائی که در دریا ها و اقیانوسها در حرکت‌اند کشتی‌هائی‌هستند که‌بحمل‌نفت‌اشتغال دارند وبطوریکه تخمین شده‌است رویهمرفته درهرروز سال یازده‌ملیون تن‌نفت روی دریاهای جهان حمل‌میشود که بهای‌آن قریب‌یکصدملیون لیرهٔ انگلیسی است . صنعت نفت برای حمل فرآورده های‌خودکشتی‌های‌مخصوصی بنام

نفتکش[۱] ساخته‌است که‌در اقطار جهان سیرمیکندومواد نفتی‌را بمصرف کنندگان‌میرسانند.

اولین کالای نفتی که از امریکا به اروپا حمل شد در سال ۱۸۶۱ بود که قریب دویست تن نفت را در چلیك های چوبی پر کرده و بـا کشتی بانگلستان فرستادند. خطر حریق این کالا باندازه‌ای زیاد بودکه از همان روز های اول بفکر افتادند که نفت را بی‌ظرف حمل کرده و کشتیهائی بسازند که مخزنهای مخصوصی برای حمل نفت داشته باشد. در سال ۱۸۶۹ یك کشتی نفتکشی در امریکا ساختند که پنجاه‌و نه‌مخزن کوچك داشت و هریك ازاین مخزنها سیزده‌تن نفت میگرفت و رویهمرفته میتوانست درهر سفری قریب‌هشتصد تن نفت حمل نماید. این کشتی بادی بود وتا چهارسال‌مرتب بین امریکا و اروپا فرآورده های نفتی بی‌ظرف را حمل میکرد.

اولین کشتی نفتکش بخاری درسال۱۸۷۸ شروع بکار کرد و نام آن «زرتشت» بود که قریب یکهزار تن نفت حمل میکرد. بتدریج که تجارت نفت توسعه‌یافت نفتکش‌های بزرگتر و سریع‌تر ساخته شد و امروز کشتیهای نفتکش مهم‌ترین وسیلهٔ حمل و نقل فرآورده های نفتی میباشد. تا مدتها کشتیهای نفتکش بخاری زغال‌سنگ‌مصرف میکردند ولی در سال ۱۹۱۰ اولین کشتی که سوخت آن نفت بود بآب انداخته شد که کارش منحصراً حمل نفت بود و ازآن تاریخ ببعد بیشتر کشتی های نفتکش برای‌سوخت خود بجای زغال‌سنگ نفت مصرف میکنند.

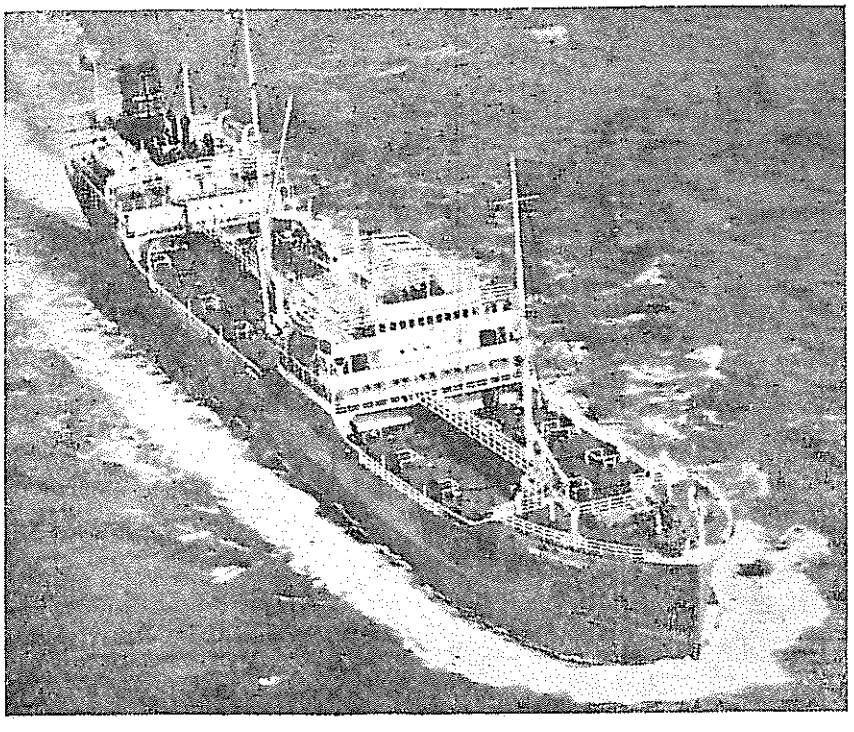
در طرز ساختن کشتیهای نفتکش‌هم بتدریج تغییرات کلی داده شد واینك اینگونه کشتیها از بهترین نوع کشتیهائی هستند که در دریاها سیر میکنند. کشتیهای نفتکش بطورکلی نفت حمل کرده ودر مراجعت خالی برمیگردند و از این‌راه هزینهٔ رفت‌وآمد آنها نسبت بسایر کشتیهای باری زیادتر است. سعی وافی شده است که بار برگشتی برای این نفتکش‌ها پیدا کنند تا از هزینه بکاهند و حتی برخی اوقات هم کالا های دیگری غیر از نفت در مخازن این نفتکش ها حمل کرده‌اند ولی بطورکلی این کار عملی نبوده و از آن منصرف شده‌اند. امروز نفت مهم‌ترین کالائی است کـه با کشتی حمل میشود و هیچ کالای دیگری در جهان نیست که از حیث مقدار به پایهٔ آن برسد.

ارقام زیر توسعهٔ کشتیهای نفتکش را در نیم‌قرن اخیر آشکار میسازد:

سال	ظرفیت کشتی های نفتکش به تن	عدهٔ کشتیهای نفتکش
۱۹۰۰	۵۳۱۰۰۰	۱۰۹
۱۹۱٤	۱۹٤۷۰۰۰	۳۰۰
۱۹۱۹	۳٦۸۱۰۰۰	٤٦۷
۱۹۳۹	۱٦٦۰۰۰۰۰	۱۵۷۰۱
۱۹٤۵	۲۱٦٦۸۰۰۰	۱۷٦۸
۱۹۵۳	۳۲۵۷۲۰۰۰	۲٤۵٦
۱۹۵٤	۳۵۵۱٦۰۰۰	۲۵٦۸
۱۹۵۵	۳۹۰۱۵۰۰۰	۲٦۹۳

[۱] Tanker

برحسب برآوردی که شده است در طی سه سال آینده هشت‌ملیون‌تن بظرفیت کشتیهای نفتکش افزوده خواهد شد و این رقم از کشتیهائی که‌فعلاً مشغول‌ساختن آنها هستند و تا سه‌سال دیگر تحویل داده خواهد شد بدست آمده‌است .



کشتی نفتکش

از لحاظ ملیت و تابعیت، کشتیهای نفتکش در آخر سال ۱۹۵٤ زیرپرچم کشورهای ذیل ثبت شده بودند و در این‌جا لازم است گفته شود که بعضی از مالکین این کشتیها برای استفاده از پرداخت مالیات کم ویابملاحظات دیگر بیشتر کشتیهای‌خودرا زیر پرچم دو کشور کوچك پاناما و لیبری به ثبت رسانده‌اند ولی درحقیقت مالکین مزبور اتباع کشورهای بزرگ هستند ونیز لازم است گفته شود که در صورت زیر ظرفیت مجموع کشتیهائی که از نیم‌ملیون تن کمتر بوده بحساب نیامده وازکشتیهای دولت شوروی هم ذکری نشده است . ارقام زیر اقتباس ازنشریه‌ای‌است که تجارتخانهٔ جان جیکوب درلندن منتشر نموده است ۱

(۱) John I. Jacob & Company Ltd. London

کشور	ظرفیت کشتیهای نفتکش به تن	صدچند مجموع کشتیهای نفتکش جهان
امریکا (که شامل کشتیهای دولتی نیز هست)	۸٤٦۹۲۸۹	۲۱٫۷۱
انگلستان و کشور های مشترك المنافع	۷٦٤۰٤٤۱	۱۹٫۵۸
نروژ	۵۷٤٦۳۹۰	۱٤٫۷۳
پاناما	۳٤۰۱۰۵٤	۸٫۷۲
لیبری	۳۳۲۷۵۱۲	۸٫۵۳
ایتالیا	۱۷٤۷۹۱۹	٤٫٤۸
فرانسه	۱۵۸۵٤۲۱	٤٫۰٦
سوئد	۱۲۰۷۵۸۰	۳٫۰۹
هلاند	۹۹۷۰۳۵	۲٫۵٦
ژاپن	۹٦۹۳۸٤	۲٫٤۸
دانمارك	٦٦۹۹۷۵	۱٫۷۲

تغییر عمده‌ای که اخیراً درطرز ساختمان کشتیهای نفتکش پدیدآمده همان افزایش ظرفیت و بارگیری آنهاست که در پنج سال اخیر مشهود گشته است. تا ده‌سال پیش کشتیهائی که بیست‌وچهار هزار تن ظرفیت داشتند خیلی معدود بوده و عقیدهٔ عمومی سازندگان کشتیها این بود که سی‌هزار تن ظرفیت حداکثر بارگیری کشتیهای نفتکش باید باشد. در اوایل سال ۱۹۵۵ بیش‌از دویست کشتی بیست‌وچهارهزار تنی مشغول کار بود و قریب یکصد وپنجاه کشتی دیگر باهمین ظرفیت یامشغول ساختن آنها بوده ویا سفارش آنهارا داده بودند. در سال ۱۹۵٤ بیش‌از بیست کشتی نفتکش که ظرفیت آنها از ۲٤۰۰۰ تن هم تجاوز میکرد و هیجده کشتی بظرفیت های بین سی هزار و سی و هشت هزار تن و یك کشتی ٤۵٫۷۰۰ تنی و یکی هم ٤۷٫۰۰۰ ساخته و بآب انداخته شد. چندی پیش یك شرکت بزرگ کشتیرانی چهارکشتی نفتکش هریك بظرفیت ۵۲۰۰۰ تن سفارش داد که تا چند سال دیگر بکار خواهد افتاد.

این افزایش درظرفیت کشتیها برای این‌است که هزینهٔ نگاهداری وبکارانداختن کشتیهای بزرگ خیلی کمتر است زیرا از طرفی عدهٔ عملجات کشتی نسبت به باری که حمل میکنند کمتر بوده واز طرف دیگر موتور های بزرگتری درکشتی نصب میکنند که بر سرعت آن میافزاید واز مدت مسافرت میکاهد و مدت تخلیه و بارگیری را نیز کوتاه میکند.

بطورکلی معدل دوام کشتیهای نفتکش بین بیست الی بیست وپنج سال است و بعداز آن بواسطهٔ فرسودگی و کهنه شدن ازکار میافتندوصرفه دراین است که آنهارا ازکار خارج نمایند. بهای این کشتیهاهم‌خیلی‌زیاد است مثلاً یك کشتی نفتکش که‌ظرفیت بیست وهفت هزار تن را داشته باشد در حدود ۱۲۵۰۰۰۰ لیره تمام میشود.

طبق ارقام واطلاعات موجود چهل و دو درصد از کل کشتیهای نفتکش جهان متعلق بشرکتهای بزرگ نفتی میباشد، یازده درصد متعلق بدولتها است که برای رساندن نفت به ناوگان جنگی خود بکار میبرند و چهل و هفت درصد بقیه متعلق بشرکتهای خصوصی کشتیرانی است که آنها را هم عموماً بشرکتهای نفتی اجاره میدهند.

رویهٔ اجاره کردن کشتیهای نفتکش ازشرکتهای کشتیرانی خصوصی برای شرکت‌های نفت فوائدی دربر دارد که ذکر آن بی‌مورد نیست. اولاً شرکتهای نفت خودشان دارای تعدادی نفتکش هستند ومانع میشوند که شرکتهای خصوصی کشتیرانی بآنها اجحاف کرده و کرایه ها را بالا ببرند. ثانیاً با کرایه کردن کشتی دیگران شرکتهای نفت تشویقی از سرمایه‌داران میکنند که کشتی نفتکش ساخته و بکار اندازند ودیگر لزومی ندارد که شرکتهای نفت سرمایهٔ عمده‌ای در این راه بکار انداخته و خود همهٔ نفتکش ها را مالك باشند. ثالثاً در مواقع جنگ که خطر غرق کشتیها ازطرف دشمن زیاد است همهٔ خسارات متوجه شرکتهای نفتی نمیشود رابعاً نوساناتی که در بازار نفت پیش میآید ممکن است گاهی لازم باشد که عده‌ای ازاین نفتکش ها از کار بازمانند و در چنین مواقعی شرکتهای نفت از کشتیهای خود استفاده نموده واجارهٔ کشتی‌ها راملغی مینمایند و زیانهای خودرا کم میکنند و بعبارت دیگر کشتیهای خودشان دائم در کار است در حالیکه کشتی های اجاره‌ای گاهی کار میکنند و گاهی نمیکنند.

کشتی های نفتکش خصوصی (یعنی آنهائیکه متعلق بشرکتهای نفتی نیست) احتیاج مبرمی به شرکتهای نفت دارند زیرا اگر شرکتهای مزبور باری بآنها ندهند کار کشتی ها متوقف میشود و بنابراین همیشه روش و سیاست شرکتهای نفتی را باید تعقیب نمایند وبهترین نمونهٔ آن عملی بود که شرکتهای کشتیرانی خصوصی درموقع ملی شدن نفت ایران تعقیب کردند واوامرشرکت های بزرگ را اطاعت نموده و از حمل نفت ایران خودداری کردند.

ج - حمل ونقل نفت درداخل کشورها

خطوط لوله نفت را از معادن به پالایشگاه‌ها رسانده وپس ازتصفیه به مخازن برده انبار میکنند ودربرخی موارد خطوط لوله وسیلهٔ حمل ونقل از کشوری بکشور دیگراست. کشتیهای نفتکش فرآورده های نفتی رااز کشورهای نفت خیز به بازارهای دنیا حمل میکنند وآنهارا در دسترس مصرف کنندگان میگذارند ولی وقتیکه این فرآورده‌ها به کشوری رسید تازه وسایل حمل ونقل دیگری لازم است که نفت را از مخزنها وانبارها به مصرف کننده برساند.

حمل ونقل فرآورده های نفت درداخل کشور خود سازمان وسیعی لازم دارد که اغلب ملیون‌ها دولار یالیره برای ایجادآنها خرج میشود تا بتوان فرآورده ها را به مشتری رساند. نفتی که از دکان نفت فروشی خریده میشود یا بنزینی که از تلمبهٔ جایگاه فروش در اوتوموبیل ریخته میشود و یا روغنی راکه در موتور اوتوموبیل بسهولت میریزند بدون سازمان وسیعی حاضر ومهیا نمیگردد.

حمل فرآورده‌های گوناگون نفت درداخل کشورها بچند وسیله انجام میگیرد. اگر مصرف عمده و مسافت هم طولانی باشد با صرفه‌تر است که بوسیلهٔ خطوط لوله فرآورده‌های نفتی را از پالایشگاه بمراکز عمدهٔ فروش بفرستند و اگر رودخانه وکانال های متعددی درداخلهٔ کشور باشد که بتوان از آنها استفاده نمود در آنها کشتی‌رانی کرد حمل ونقل باآب ازخط لوله‌هم باصرفه تر خواهد بود . برای مثال بهتر است امر توزیع فرآورده های نفتی رادر داخل کشور خودمان توضیح دهیم تا از روی این نمونه توزیع وپخش مواد نفتی را درسایر کشورها بتوانیم درك نمائیم .

درایران رودخانه وکانالهای متعددی که قابل کشتی‌رانی باشد وغالب نقاط کشور را بیکدیگر متصل نماید موجودنیست پس ارزان‌ترین وسیله پس ازحمل ونقل باآب را باید اختیار کرد . تا وقتیکه مصرف زیاد نبود واز لحاظ اقتصادی صرف نمیکرد مواد نفتی را در حلبی و چلیك پر کرده و با شتر و الاغ وقاطر حمل میکردند. همینکه مصرف زیادتر گشت وراه وجاده های اوتوموبیل‌رو ساخته شد تا چند سال فرآورده های مظروف با اتوموبیل حمل میشد . کمی بعد باز مصرف زیادتر شد وفرآورده‌های بی‌ظرف معمول گشت . برای اینکار اوتوموبیلهای مخزن‌دار بکار آمد که مواد مختلف را درآنها ریخته واز نقطه‌ای به‌نقطهٔ دیگر حمل میکردند . چندی بعد راه‌آهن ساخته شد وواگن های مخزن‌دار راه آهن این‌کاررا در خطوط معینی انجام میداد و حالا که مصرف زیادترشده وازلحاظ اقتصادی بصرفه نزدیکتراست خط لوله‌ای بین اهوازوتهران ایجاد میکنند که قسمت عمدهٔ فرآورده ها باین طرزاز پالایشگاه آبادان بمراکزعمدهٔ فروش حمل گردد.

پس اولین قدم درراه توزیع مواد نفتی این است که وسیلهٔ حمل برای مقادیر عمده از پالایشگاه به مراکز مهم فروش فراهم گردد . پس ازآن درمراکز عمده باید انبارها و تأسیسات بزرگی ایجاد نمود که مواد نفتی بآنها وارد ودر آنجا ذخیره‌شده و بتدریج بفروش رسد . برای این‌کار کشوررا بنواحی مختلف تقسیم کرده وبه‌تناسب مصرف مراکز وسیعی ایجاد میکنند که دارای مخازن متعدد برای فرآورده های گوناگون ـ انبار های مسقف برای انبار کردن فرآورده های مظروف مانند روغن و اسفالت و غیره ـ تلمبه‌خانه برای وصول و خروج مواد نفتی از مخزنها و سایر لوازم دیگر باشد . بزرگی وکوچکی این تأسیسات بستگی به میزان مصرف و لزوم داشتن چند ماه ذخیره برای ایامی که راه ها در زمستان بسته میشود و موقعیت محل و غیره دارد که باید با دقت حساب شده ووسایل کاررا فراهم سازند . اکنون مواد نفتی از پالایشگاه باین انبار های ناحیه‌ای بوسیلهٔ راه‌آهن واتوموبیل حمل میشود و شاید در آینده نزدیکی خط لوله در بعضی نقاط این‌کاررا انجام دهد .

از مراکز مذکور فرآورده‌های نفتی‌را بوسیلهٔ اوتوموبیلهای مخزندار کوچکتر بدکانهای نفت فروشی و جایگاه های فروش بنزین وسایر نقاطی که خرده‌فروشی میکنند حمل مینمایند .

چنانکه گفته شد مواد نفتی وسایل بخصوصی را برای حمل ونقل لازم دارد که با سایر کالاها تفاوت بسیار دارد و در غالب نقاط این سازمانها و تشکیلات از طرف شرکتهای نفت ایجاد واداره میشود ولهذا مبالغ گزافی سرمایه درکار توزیع وحمل ونقل مصرف شده است .

بخش چهارم - فروش نفت

هدف اصلی و واقعی صاحبان صنایع نفت این است که فرآورده های نفتی را هرچه بیشتر و پر سودتر بفروش رسانند و چون کلیهٔ کارهای مربوط بنفت مستلزم صرف سرمایهٔ هنگفتی است واین کار برای شرکتهای کوچك وعادی مقدور نمیباشد لذا تجارت نفت در طی یك قرن اخیر بتدریج بدست چند مؤسسهٔ بزرگ افتاده و در واقع یك انحصاری برای آنها ایجاد شده است . بهای فرآورده های نفتی را این شرکتهای بزرگ تعیین میکنند و چون انحصار بازار های جهان بدست آنها میباشد کم وبیش اختیارات بسیاری دراین امر برای خود تأمین نموده‌اند . اکنون اساس و مبنای بهای این فرآورده ها روی قیمتهائی است که در ایالات متحدهٔ امریکا رایج است و گرچه هزینهٔ تولید و پالایش نفت در امریکا بواسطهٔ بالا بودن مزد کارگر زیاد است ودر جاهای دیگر کمتر است معهذا برای آنکه از انحصار مذکور استفاده نمایند و سود سرشاری ببرند شرکتهای نفت بهای فرآورده های نفت را در امریکا مأخذ محاسبه قرار داده واز روی آن بهای محصولات را در سایر نقاط جهان تعیین نموده وبفروش میرسانند . در بخش دیگر این فصل چگونگی کارتل نفت را شرح داده و از آنروی معلوم خواهد شد که معنی انحصار شرکتهای بزرگ از چه قرار است و در این جا فقط بسازمان فروش میپردازیم ولی برای آنکه معلوم شود بهای نفت درامریکا چگونه تعیین میشود لازم است مختصری راجع به عظمت صنعت نفت در امریکا بیان شود :

(الف) صنعت نفت درامریکا وشاخص بهای فرآورده های نفتی

ایالات متحدهٔ امریکا بزرگترین تولیدکننده ودر عین حال بزرگترین مصرف کنندهٔ فرآورده های نفتی است . در سال ۱۹۵٤ کشور امریکا قریب چهل و شش در صد از کل نفت جهان را تولید کرد و کمی بیشتر از آن مقدار را مصرف نمود وبالطبع کشوری که نزدیك به نصف مجموع کالائی که در دنیا تولید و مصرف میشود دراختیار داشته باشد در تعیین بهای آن کالا تأثیر بسزائی خواهد داشت .

طبق قوانین امریکا معادن زیر زمین آن کشور متعلق بصاحبان اراضی است و دولت خود را مالك آن معادن نمیداند . این قضیه موجب شده است که هر کس بتواند در اراضی که مالك هست به حفر چاه نفت اقدام نموده و یا اینکه اراضی خودرا بوسیلهٔ اجاره دادن در اختیار کاشفین معادن بگذارد . در نتیجهٔ این وضع رقابت دراستخراج نفت از ابتدا درآن کشور رواج داشته و هنوز هم ادامه دارد . تنها نظارتی که دولت

درکار نفت دارد این است که بوسیلهٔ کمیسیونهای ایالتی احتیاجات بازار و ظرفیت پالایشگاه ها را مطالعه کرده و میزان استخراج نفت را از لحاظ اینکه منابع نفتی کشور تفریط نشده ودر اثر رقابت بی‌جا بهدر نرود کنترل و نظارت میکند و اخیراً هم دولت قانونی وضع کرده و مالکیت معادن زمین های کنار ساحل دریا ها را که زیرآب میباشد بخود اختصاص داده است .

در ابتدای امر که صنعت نفت در امریکا ایجاد شد هزاران نفر مردم باستخراج نفت دست زدند و غالب هرکس دو یا سه چاه در زمین خود یا زمینی که اجاره کرده بود حفر میکرد و بسا اتفاق میافتاد که در یك معدن نفت هزاران چاه ازطرف صدها مردم حفر میشد که بایکدیگر رقابت کرده وبدون‌رعایت اصول فنی استخراج‌خسارات زیادی به معدن وارد میآمد . ولی طولی نکشید که معلوم گشت سرمایه هـای کوچك افراد از عهدهٔ این‌کار برنمیآید وایجاد خطوط لوله و پالایشگاه خرج بسیار دارد . بتدریج شرکتهای بزرگ با سرمایه های هنگفت وارد کار شدندو اراضی نفت‌خیزرا خریداری کرده و سرمایه داران کوچك‌را ازکار خارج نمودند . در حال‌حاضرچندین هزار شرکت نفت در امریکا هست که بعملیات استخراج و حمل ونقل و تصفیه وفروش نفت مشغولند ولی بیشتر آنها شرکتهای کوچکی هستند که‌کارهای اختصاصی‌صنعت‌نفت را انجام میدهند ودر تمام عملیات صنعت مزبور وارد نیستند . شصت درصد استخراج نفت امریکا اختصاص بیکصد و پنجاه شرکت‌دارد و قریب به سی‌شرکت بزرگ‌هست که درتمام‌کار های صنعت نفت ازکاوش‌واستخراج گرفته تـا حمل و پالایش و فروش وارد میباشد .

کاوش برای نفت دائم در امریکا رواج دارد و سال‌گذشته در سی ایالت‌نفت‌خیز امریکا قریب به پنجاه وسه هزار چاه نفت حفر گردید . محصول این چاه ها زیادنیست و از حیث مقایسه با چاه های نفت خاورمیانه بسیار ناچیز است. مثلاً درامریکابطور متوسط از هر چاه نفت روزی یك تن الی یك تن و نیم نفت بدست میآیددرصورتیکه معدل محصول نفت هر چاه در ونزوئلا روزی بیست‌وپنج تن ودرکشورهای خاورمیانه روزی یکهزار تن است .

اگرچه‌شرکتهای‌بزرگ همواره سعی میکنند کـه بهای تمام‌شدهٔ نفت را بمردم اطلاع نداده و منتشر ننمایند ولی اشخاص کنجکاو و دقیق توانسته‌اند پی‌ببرند که در حال حاضر خرج استخراج یك تن نفت درامریکا و نیم کرهٔ غربی قریب به‌پنج دولار و نیم است درحالیکه خرج استخراج درکشور های خاورمیانه ده یك این مبلغ بوده و از نیم دولار درهر تن تجاوز نمیکند .

طبق ارقام منتشره ازطرف مقامات‌رسمی‌دولت امریکا در حال‌حاضر ۱۵۶۶۰۰۰ نفر زن و مرد جزوکارکنان رسمی صنعت نفت امریکا هستند که درآمد سالیانهٔ آنهااز حیث مزد و حقوق بالغ بر چهارهزار وهشتصد ملیون دولار است وقریب پنج‌ملیون‌و نیم از نفوس‌آن کشور بطور مستقیم یـا غیرمستقیم از درآمد صنعت مزبور بهره‌مند میگردند . درآمد خالص شرکتهای نفت امریکا طبق ارقام منتشره از طرف وزارت

بازرگانی آن کشور در سال ۱۹۵۳ بالغ بر سه‌هزار و پانصد ملیون دولار بوده است و صنعت نفت در ردیف صنایع درجهٔ اول آن کشور محسوب میگردد. طبق ارقام منتشره در سال ۱۹۵۳ مجموع سرمایه‌ای که در صنعت نفت امریکا بکار افتاده بالغ برچهل و سه‌هزار ملیون دولار بوده است.

اطلاعات زیر که از کتاب «آمار سالیانهٔ نفت جهان» ۱ اقتباس شده و مربوط به سال ۱۹۵۳ میباشد عظمت صنعت نفت امریکا را آشکار میسازد:

تعداد اوتوموبیل های امریکا که مصرف آنها در فروش مواد نفتی دخیل است.	۵٤۷۰۹۰۰۰
تعداد تأسیسات حرارت مرکزی درعمارات که نفت مصرف میکنند	٤۸۳۲۰۰۰
تعداد تراکتور های کشاورزی	۳٦۰۹۰۰۰
مجموع چاه های نفتی که تاکنون در امریکا حفر شده است	۹۸٦٦۱۸
تعداد چاه هائی که در اول سال ۱۹۵٤ نفت میداده	۵۰۱٤۰۰
تعداد چاه‌هائی که تاکنون حفر شده ونفت ازآن بدست نیامده‌است	۸۵۵۸۹۰
تعداد چاه هائی که گاز نفت ازآن استخراج میشود	۷۰۲۳۹
معدل عمق چاه های نفت به متر	۱۲۳۸
تعداد پالایشگاه ها	۳٤۳
تعداد جایگاه های فروش بنزین	۲۱۳۱۷۸
تعداد مراکز فروش فرآورده های نفتی بی‌ظرف	۳۳۳۵۰

معادن سرشار نفت امریکا و پالایشگاه های متعدد ووسایل فروش گوناگون و از همه مهم‌تر مصرف کلان نفت در امریکا وضع بخصوصی را برای آن کشور ایجاد کرده است که در سایر کشور ها موجود نیست زیرا غالب کشور های صنعتی نفت جهان خود نفت نداشته ونفت خودرا باید ازخارج واردکنند وبرای این کار مؤسسات بزرگی بوجود آمده است که نفت را از کشور های نفت‌خیز تهیه کرده و بکشور هـای صنعتی میرسانند ولی درامریکا تولید و مصرف دریك نقطه متمرکز شده و فرصتی ایجاد کرده است که شرکتهای متعدد دراین کار وارد باشند و با یکدیگر در حدودی رقابت کنند و بهای مناسبی برای فرآورده ها تعیین نمایند که خود مأخذی برای قیمت فرآورده‌های نفتی در سایر نقاط جهان واقع گردیده اس .

عامل مهم دیگری که موجب شده است امریکا نفوذ زیادی در تعیین قیمت های فرآورده های جهان داشته باشد این است کـه پنج تا از بزرگترین شرکتهای نفتی امریکا دارای امتیازات مهم در غالب کشور های نفت‌خیز هستند وباکمك یك شرکت انگلیسی و یك شرکت مختلط هلندی و انگلیسی کارتل معروف نفت جهانی را تشکیل داده‌اند که در واقع صنعت نفت بین‌المللی دراختیار آنهاست و پنج شرکت مذکور در خود امریکا هم نفوذ وقدرت بسیاری دارند که شرح عملیات آنها در بخش دیگر این فصل ذکر شده است . بنابراین ملاحظه میشود کـه عظمت صنعت نفت امریکا امروز

---

(۱) World Petroleum Statistical Yearbook, 1954 edition

بحدی است که توانسته است کم و بیش مقدرات صنعت نفت جهان را بدست داشته‌ودر تعیین بهای فرآورده های نفتی نقش مهمی‌را داشته باشد .

(ب) سازمان فروش نفت

سازمان فروش فرآورده هـای نفتی رابط بین مصرف کننده و دستگاه عظیم استخراج و پالایش و حمل نفت است . بطورکلی در هرکشوری سازمانهای فروش تشکیلات خودرا روی‌کلیهٔ احتیاجات آن‌کشور قرار میدهند و بعبارت دیگرشرکتهائی که تصدی فروش مواد نفتی را عهده‌دار هستند احتیاجات کشور را درنظرگـرفته و سازمان وسیعی ایجاد میکنند که همهٔ حاجات مردم آن‌کشوررا از حیث مصرف تأمین نماید. برخی از این شرکتها، خود دارای معادن نفت وپالایشگاه وسایرلوازم‌نیستند ودر بازار آزاد مواد نفتی را خریده ووارد کرده میفروشندولی عمدهٔ کار فروش‌بدست شرکتهای بزرگ است که همهٔ لوازم را خود دارا بوده وازآن استفاده مینمایند و بتدریج شرکتهائی که در بازار آزاد نفت را میخرند از میدان یا بدرکرده و یا بدر میکنند . سازمان های فروش شرکتهای بزرگ بطورکلی‌عملیات خودرا به پنج‌قسمت تقسیم کرده و هرقسمت مسئول انجام‌کارهای محول بآن است بدینقرار :

۱ ـ ادارهٔ فروش ـ وظیفهٔ این اداره آن است که مواد نفتی را یا خود مستقیماً به مشتری بفروشد و یا بوسیلهٔ کارگزاران و نمایندگانی که درنقاط مختلف کشور دارد این‌کاررا انجام دهد .

۲ـ ادارهٔ تدارکات ـ این اداره موظف است که فرآورده های نفتی را بمقدار لازم ودر وقت معین به‌انبارها رسانده و ذخیره کرده وحاضر برای فروش‌داشته‌باشد .

۳ ـ ادارهٔ حمل و نقل ـ عهده‌دار حمل مواد نفتی است که بوسایل دریائی و زمینی و غیره فرآورده ها را ازمحل تولید به نقاط مصرف حمل نماید وضمناً وسائط حمل ونقل را اداره کرده و همیشه مجهز داشته باشد .

٤ ـ ادارهٔ مهندسی ـ وظیفه‌اش این است که انبار ها و جایگاه های فروش وتمام تأسیسات‌غیرمنقول و ماشین‌آلات و تلمبه ها ومخازن را نگاهداری کرده‌وآماده برای‌کار کند و ضمناً ساختمان های جدید را بنا نماید .

۵ ـ ادارهٔ حسابداری ـ عهده‌دار همهٔ کار های حسابداری و ضمناً تهیهٔ آمار-های لازم و تعیین قیمت های تمام شدهٔ کالا ها و غیره میباشد. علاوه بر پنج‌قسمت فوق ادارات‌کارگزینی ـ اعلانات ـ خدمات‌فنی ـ بیمه ـ کارهای حقوقی- وغیره‌هم‌درسازمان-های فروش هست که به‌کار های مربوطه خود میپردازند .

سازمان فروش هر شرکت و مؤسسه‌ای موقعی وظایف خودرا بخوبی انجـام میدهد کـه فرآورده های نفتی را در نقاط معین و بمقدارکافی در دسترس مشتریان بگذارد وبه کمترین‌هزینه‌ای این‌کاررا انجام دهدوجلب رضایت‌مصرف کننده‌را بنماید .

بخش پنجم - علل عظمت صنعت نفت

هنگام تألیف این کتاب آخرین آماری که در بارهٔ صنعت نفت جهان بدست آمد مربوط بسال ۱۹۵٤ میلادی (مطابق با ۱۳۳٤-۱۳۳۳ شمسی) بود و اکنون بطور مقدمهٔ این بخش آماری چند درباره صنعت نفت جهان در سال ۱۹۵٤ و عظمت کنونی آن ذکر میشود :

۱ ـ صادرات نفت از کشور های مختلف نفت‌خیز ۲۷٤ ملیون تن بوده‌است که این مقدار سه‌برابر مقادیری است که قبل از جنگ اخیر صادر میشده است .

۲ ـ چهل در صد کلیهٔ کشتیهائی که در دریاها و اقیانوسهای دنیا به حمل کالا مشغول بوده‌اند فرآورده های نفتی را حمل میکرده‌اند .

۳ ـ ارزش صادرات نفتی از کشور های نفت‌خیز جهان بالغ بر ۳۵۰۰ ملیون دولار بوده است .

٤ ـ از ۲۷٤ ملیون تن صادرات نفت شصت درصد آن نفت خام و چهل در صد آن فرآورده های تصفیه شده بوده است .

۵ ـ از حیث وزن و ارزش هیچ کالائی در بازرگانی بین‌المللی به پایهٔ نفت نمیرسد و نفت مقام اول را در تجارت دنیا حائز میباشد .

٦ ـ بین سالهای ۱۹۳۸ (که سال قبل از جنگ اخیر بوده) و سال ۱۹۵٤ استخراج نفت خام درکشور های نفت‌خیز (باستثنای ایالات متحدهٔ امریکا) سه‌برابر شده و ظرفیت پالایشگاه های جهان دو برابر و نیم‌گشته و صادرات نفت آنها چهار برابر قبل از جنگ بوده است .

۷ ـ در سال ۱۹۱۹ مجموع سرمایهٔ امریکائیها در صنعت نفت‌جهان (باستثنای سرمایه‌ای که در صنعت نفت خودشان در امریکا بکار انداخته بودند) چهارصد ملیون دولار بوده و در سال ۱۹۵٤ به چهار هزار و پانصد ملیون دولار بالغ گشته است.

مجموع سرمایه‌ای که در سال ۱۹۵٤ ازطرف سی‌وپنج‌تا از بزرگترین‌شرکت‌های نفت امریکا در صنعت نفت داخلهٔ خودشان بکار رفته بالغ بر بیست‌وهفت‌هزار و پانصد ملیون دولار بوده است .

۸ ـ در نشریهٔ وزارت بازرگانی امریکا بنام « مطالعهٔ بازرگانی» که در سال ۱۹۵۲ منتشر گشت نوشته شده است که درآمد شرکتهای نفت امریکا از سرمایه‌ای که در خارج بکار انداخته‌اند قریب هزار ملیون دولار درآن سال بوده‌است .

آمار مذکور در بالا تا اندازه‌ای عظمت امروزی صنعت نفت جهانرا بیان مینماید و تردیدی نیست که با مصرف روزافزون فرآورده های نفتی عظمت این صنعت درآینده از آنچه هم اکنون هست تجاوز خواهد کرد . اکنون میپردازیم به‌عللی که موجب عظمت این صنعت شده و آن را به مقام امروزیش رسانده است .

چند عامل بخصوص دست بهم داده و صنعت نفت را بزرگ و با عظمت کرده است. عوامل مزبور بدینقرار است :

۱ ـ نخستین عامل همان خصوصیات نفت است که تهیه وخرید و فروش آن با سایر کالا هائی که در تجارت بین‌المللی داد وستد میشود تفاوت بسیار دارد. چنانکه میدانیم نفت خام مایع تیره‌رنگ و بد بوئی‌است که‌فرآورده های متعددی از آن‌بدست میآید و هریك از این فرآورده ها مصرف بخصوصی دارد که مورد احتیاج عامه میباشد . مهم‌ترین آنها بنزین است که هفتاد وچند ملیون اوتوموبیلی که امروز در سراسر جهان هست بحرکت آورده و هواپیما های مسافربری و باربری و جنگی را درآسمان به پرواز درمیآورد . دیگری روغن های ماشین است که هرجا ماشینی‌وجود داشته باشد باید روغن نفت را برای‌چرب کردن و روان کردن آن بکاربرد. فرآوردهٔ دیگرش نفت دیزل و نفت‌کوره یا نفت سوخت است که در کشتیها و کارخانه ها و در موتور های دیزل و زیر کوره های صنعتی برای ایجاد قوه بکار برده میشود . یکی دیگر نفت چراغ است که شبها خانهٔ ملیونها نفوس را در نقاط مختلف جهان روشن کرده و اجاق آشپزخانه ها را برای پختن غذا حرارت داده و در زمستان بخاریهای اطاق راگرم کرده و تراکتور های زراعتی را در مزارع حرکت داده و اخیراً هم سوخت هواپیما های معروف به «جت»[۱] شده است . از اینها گذشته صد هافرآورده‌های دیگر نفت‌هست که هریك حاجتی را رفع کرده‌ودربخش‌دیگر این فصل شرح آنها آمده است .

تهیهٔ هزاران مواد مختلف از نفت که از حیث کیفیت و کمیت باید مطابق سلیقه و احتیاج مصرف کننده باشد مستلزم هم‌آهنگی کاملی بین‌شعب فنی و بازرگانی صنعت نفت میباشد که بدون آن پیشرفتها وترقیات فوق العادهٔ این صنعت ممکن نبوده‌است. شاید گفته شود که چنین خصوصیاتی درهر کالای دیگر نیز باید موجود باشد تابمعرض فروش درآید و شاید زغال‌سنگ که مادهٔ دیگری برای تحصیل نیرو میباشد بطور مثال ذکر شود لکن پس‌از اندك دقتی معلوم خواهد گشت که چنین نیست. فرآورده‌های نفتی را باید طوری عمل‌آورد که از هرحیث بکار ماشین ها و موتور ها بخورد و نمیتوان محصولات مشتقه از نفت را بدون دقت در خصوصیات شیمیائی آن بمصرف رساند . زغال‌سنگ پس از استخراج بمصرف میرسد ودیگر تحولی درآن رخ‌نمیدهد ولی نفت را باید تصفیه کرد و عملیات مختلف شیمیائی با آن انجام داد تاحاضر برای فروش و مصرف گردد و کمتر کالائی درجهان میتوان یافت که قبل‌از عرضه آن ببازار این اندازه خرج بردارد .

۲ ـ عامل دوم وضع جغرافیائی کشور های‌نفت خیز میباشد که فاصلهٔ زیادی با مراکز مصرف دارد واین فاصله تولید مشکلاتی کرده که رفع آن مستلزم اقدامات وسیع و دامنه‌داری بوده است . امروز باستثنای دو کشور بزرگ امریکا و روسیه شوروی که هردو منابع وسیع نفتی داشته و کشور صنعتی هستند و نفتی که استخراج

---

(۱) Jet

میکنند خود بمصرف میرسانند سایر کشور ها باید احتیاجات نفتی خودرا از خارج تهیه نمایند . قسمت عمدهٔ معادن نفت جهان در کشور های غیر صنعتی خاورمیانه و خاوردور و امریکای جنوبی قرار گرفته است که محصول نفت آنها باید مسافت طولانی را طی کرده ودر کشور های صنعتی اروپا بفروش رسد . چون کشور هائی که دارای منابع سرشار نفت میباشند هنوز بمرحله‌ای نرسیده‌اند که از حیث داشتن سرمایهٔ کافی و اطلاعات علمی وفنی توانائی استخراج معادن نفت خویش‌را داشته‌باشند لذا نیازمند به یاری دیگران بوده‌اند . از طرف دیگر احتیاج شدید کشور های صنعتی به نفت موجب شده است که سرمایهٔ کلان و معلومات علمی و فنی خودرا بکشور های نفت‌خیز عرضه داشته واز آنها تقاضای صدور اجازه برای کشف و استخراج و صدور نفت بنمایند . در نتیجهٔ احتیاج این دو دسته کشور ها بیکدیگر نفت جنبهٔ بین‌المللی پیدا کرده و هدف اصلی طرفین این شده است که تولید نفت را در بعضی از کشور ها با مصرف آن در کشور های دیگر هم‌آهنگ ساخته و در اثر این تشریك مساعی نیازمندیهای خودرا رفع نمایند . مسلم‌است که از حیث اصول اینگونه ارتباط های بازرگانی و صنعتی (تا حدی که یك طرف در صدد این برنیاید که‌از طرف‌دیگرسوء استفاده کند) بین کشور های جهان نیکو و سزاوار تحسین است واساس روابط معقول و مشروع بین ملل را پایگذاری مینماید ولی‌اگر درعمل چنین نتیجه‌ای ندهد در خور نکوهش خواهد بود .

۳ - چون نفت مایعی است که خطر انفجار وآتش‌سوزی آن زیادمیباشدوسایل وآلات و ادوات بخصوصی برای استخراج و تصفیه وفروش‌آن لازم است و مراقبت و دقت بسیاری در تمام مراحل عمل صنعت نفت باید بکار برد تا از ضرر و زیان‌هدر رفتن آن جلوگیری نمود . مخصوصاً حمل و نقل نفت بمقادیر زیاد چه از راه خشکی‌و چه از راه دریا مشکلاتی را دربر دارد که حل آنها فقط منوط برعایت اصول فنی بوده و عدم توجه بآن منتهی به خسارتهای زیاد خواهد بود . تهیهٔ وسایل کافی برای حمل نفت مستلزم صرف سرمایهٔ هنگفتی است که فقط شرکتهای بزرگ از عهدهٔ آن بر میآیند .

٤ - فروش فرآورده های نفتی در فصول مختلف سال متفاوت‌میباشد (مثلاً در ایران مصرف نفت چراغ در زمستان خیلی بیشتر از سایر فصول است و مصرف‌بنزین در اروپا هنگام تابستان از سایر فصول بیشتر است) و بموقع رساندن فرآورده های نفتی بمصرف‌کنندگان امر واجبی است که اندك غفلت در انجام آن موجب اختلال کلیهٔ امور بازرگانی وصنعتی جهان خواهد شد . بنابراین مؤسسات مربوط بنفت باید طبق برنامه های منظمی کالای خودرا حمل‌نموده وبمقصد برسانند ودرمخازن‌مخصوص ذخیره کنند ودر بنادر مختلف جهان انبار های لازم برای سوختگیری کشتیها ساخته و آماده کنند وبطورکلی فرآورده های نفت را درنقاطی که مورد احتیاج باشد درمواقع معین حاضر ومهیا سازند . چنین‌کاری هم از عهدهٔ سازمانهای کوچك خارج است و فقط‌سازمانهای‌وسیعی که درهمهٔ‌نقاط‌شعبه ووسیله داشته‌باشندازعهدهٔ انجام‌آن‌برمیآیند.

۵ - پس از آنکه شرکتهای بزرگ امتیاز یا اجازه‌ای برای استخراج نفت تحصیل نمودند باید وسایل کافی برای چنین کاری داشته باشند وخودرا مجهز سازند که از عهدهٔ انجام تعهداتی که میکنند برآیند . غالب امتیازها شامل اراضی وسیعی است که کاوش در آنها متضمن خرج بسیار است وطرز کاوش طوری است که باید مطالعات علمی را در تمام حوزهٔ امتیازیه نمود. تا معلوم داشت که نفتی در آن یافت میشود یا نه و چه بسا که هزینهٔ هنگفتی را باید تحمل نمایند و در آخر کار هم به نتیجهٔ مطلوبه نائل گردند ویا اگر برسند چندین سال وقت لازم دارد تا بمرحلهٔ استخراج و صدور نفت برسند . بطور مثال لازم است گفته شود که امروز هزینهٔ ایجاد یك پالایشگاه متوسط بین ده الی چهل ملیون لیره است وقیمت یك کشتی نفتکش بیست وهفت هزار تنی از ۱۲۵۰۰۰۰ لیره کمتر نیست و خرج وایجاد خط لوله از معادن نفت بساحل دریا مبلغ کلانی میباشد که فقط مؤسسات بزرگ توانائی فراهم کردن آنرا دارند . تازه ممکن است پس از آنکه همهٔ این خرجها شد و تأسیسات ایجاد گشت بطور ناگهانی نفت معدن مورد نظر بهدر رود و تمام شود چنانکه در یکی از ایالات امریکا موسوم به اوکلاهوما[۱] ودریکی از کشورهای امریکای جنوبی موسوم به کولومبیا [۲] چنین حادثه‌ای دریکی از معادن هردو نقطه رویداد .

بنابراین واضح است فقط سازمانهائی که منابع مالی عمده در اختیار داشته و توانائی این را دارند که سرمایهٔ لازم را تهیه کرده ودر صورت لزوم خطر زیان را نیز تحمل نمایند از عهدهٔ اداره کردن صنعت نفت برمیآیند . باوجود این مراتب غالب ملاحظه میشود که شرکتهای بزرگ هم وقتیکه امتیاز جدیدی بدست میآورند به تنهائی وارد عمل کاوش و اکتشاف نشده ویکی دو شریك گرفته توأماً دخالت میکنند تا در سود و زیان کار باهم سهیم باشند .

نکات فوق که حاکی از چگونگی و خصوصیات صنعت نفت میباشد واضح میدارد که صنعت نفت چرا به پایه وعظمت امروزی خود رسیده و چرا جنبهٔ بین‌المللی پیدا کرده واز چه روی درانحصار چند شرکت بزرگ قرار گرفته است .

از طرف دیگر سود فراوانی که از صنعت نفت بدست میآید موجب شده که سرمایه های هنگفتی انباشته شده و شرکتهای بزرگ بوسیلهٔ رقابت مؤسسات کوچك را ازمیان برده و حکمفرمائی خودرا تأمین نمایند .

بخش ششم - مطالعات علمی

در ابتدای امر پیشرفتهای فنی صنعت نفت مرهون آزمایشها وتجربیاتی بود که در حین عمل بدست میآمد و اقدام جدی برای مطالعات علمی دراین زمینه نمیشد . از پنجاه سال پیش شرکتهای بزرگ نفت متوجه فوائد بررسی های علمی شده و چند

---

(۱) Oklahoma یکی از ایالات جنوب غربی کشور امریکا

(۲) Colombia کشوری است واقع درشمال غربی قارهٔ امریکای جنوبی

آزمایشگاهی ایجاد کردند که مطالعات علمی را برای پیشرفت صنعت نفت آغاز نماید. در ایام جنگ اول بین‌المللی اهمیت اینگونه مطالعات بهتر مشهود گشت واز آنوقت به بعد قدمهای مهمی در این راه برداشته شده و بسرعت فراوان نتایج سودمندی از آن بدست آمده است .

در قسمت پالایش بزرگترین توفیقی که حاصل شده همان طریقهٔ درهم شکستن نفت است که کرکینگ ۱ نامیده میشود . قبل از آن عمل تصفیه نفت عبارت‌ازتبخیر و تقطیر بود که شرح آن در بخش دوم این فصل گذشت و کشف طریقهٔ کرکینگ پیشرفت‌محسوسی درپالایش بود که تأثیر آن بسیار مهم وفوائدآن بیشمار بوده است. مشهور است که این عمل کرکینگ مانند بسیاری از اختراعات بطور اتفاقی رویداده ودر اثر بی‌مبالاتی یك مهندس متصدی پالایشگاه کشف گردیده است . شرح قضیه‌این است که مهندسی مأمور پالایش نفت بوده و موظف بوده است که سر کار خود همیشه حاضر باشد . اتفاقاً شبی برای او کاری پیش میآید که باید چند ساعتی از سر خدمت غیبت نماید و برای اینکه وقفه‌ای درکار حاصل نشود درجهٔ حرارت کوره‌ای که نفت خام راگرم میکرده بالا میبرد تا در مراجعت دچار زحمت نباشد هنگامیکه مراجعت میکند مشاهده مینماید که مقدار نفت سوختی که دراثر تبخیر و تقطیر باقی‌مانده‌خیلی کمتر از معمول است و بعکس مواد فرار از میزان معمول زیادتر شده است.درنتیجهٔ این تصادف باین نکته پی‌میبرد که نفتهای سنگین را میتوان باحرارت زیادتری‌تبدیل به فرآورده های سبکتر و فرّارتر نمود و از این جا طریقهٔ درهم شکستن نفت کشف میگردد . ولی این کشف مهم تا مدتها تکمیل نشد و نتایج مطلوبه را نمیداد زیرا که نفت معادن مختلف واکنشهای متفاوتی در تماس با حرارت زیاد نشان میداد و سالها طول کشید تا متخصصین در آزمایشگاه ها بامتحان و تجربه پرداختند و این طریقه را تکمیل و عملی نمودند .

در موضوع نفت چراغ ۲ هم یکی از مشکلات عمدهٔ پالایش این‌بود که چگونه نفتی تهیه کنند که دود نکرده و بوی نامطبوعی هم نداشته باشد. ابتدا نفت چراغ را با جوهر گوگرد ۳ مخلوط کرده و بعد هم با قلیا ۴ اثرات نامطبوع آنـرا خنثی میکردند ولی در این مورد هم بعضی‌نفتهای خام واکنش مناسبی درقبال‌جوهر گوگرد نشان نمیداد و لذا متخصصین بمطالعه پرداخته و مایع شیمیائی دیگری برای این‌کار پیدا کردند که مشکل را حل نمود .

بتدریج صاحبان صنایع نفت دریافتند که مطالعات علمی برای‌پیشرفت کار آنها بس مهم است و مخصوصاً در بارهٔ سوختهای مختلف که در موتور احتراق داخلی و موتور هواپیما مصرف میشد لزوم بررسی و مطالعهٔ علمی را درك کرده ومتوجه‌شدند که آزمایشهای‌علمی تنها راه برای حل مشکلات‌میباشد . این بود که از یك‌سو بررسی راجع به سوختهای موتور هـای مختلف آغاز گشت واز سوی دیگر همینکه سوخت

---

۱) Cracking ۲) Kerosene
۳) Sulphuric Acid ۴) Soda

مناسب در آزمایشگاه تهیه میشد طریقهٔ تحصیل آن را بمقادیر زیاد در پالایشگاه مطالعه و طرح ریزی مینمودند . کم کم قضیهٔ ساختن دستگاه های جدید پالایش و حتی تغییر و تکمیل موتور هـا بمیان آمد و دامنهٔ مطالعات علمی صنعت نفت توسعهٔ بسیار پیدا کرد .

چندی نگذشت که معلوم شد مطالعه در آزمایشگاه شیمی برای توسعهٔ کار کافی نیست و علاوه بر بررسیهای شیمیائی باید آزمایشگاه های مفصل‌تری برای آزمایش و امتحان انواع موتور ها تهیه کرد و علاوه بر شیمی‌دانها مهندسین مطلع و کار - آزموده‌را استخدام نمودند که به‌بررسی انواع موتور ها پرداخته ودر این قسمت هم پیشرفت کاررا تأمین نمایند .

امروز شرکتهای بزرگ نفت دائرهٔ مطالعات علمی خودرا بسیار توسعه داده وآزمایشگاه های شیمی و زمین شناسی و فیزیك و مهندسی متعددی‌دائر کرده‌اند که دانشمندان عالی‌مقام و متخصصین ماهر وآزموده که تصدی آنها را دارند هریك در رشتهٔ خود بمطالعه پرداخته و همواره کوشا هستند که سوختهای جدید متناسب بـا موتور های گوناگون را تهیه کرده و در طرق پالایش تغییرات مهم داده و طرحهای جدیدی برای پیشرفت کار بریزند. اینگونه مطالعات‌تنها محدود به پالایش نفت نیست و درتمام رشته های صنعت نفت ادامه دارد .

جنس نفت خام از معادن مختلف متفاوت است . برخی گوگرد زیادتر داشته و بعضی کمتر دارد یا هیچ ندارد . بعضی نفت خام ها سبك‌تر و بعضی سنگین‌تر است و بطور خلاصه جنس نفت‌ها با یکدیگر تفاوت بسیاری دارند . امروز انواع نفت‌خامی که بدست میآید مورد مطالعه وبررسی کامل قرار میگیرد تا بوسیلهٔ تغییرات‌وترکیبات علمی از هرکدام فرآوردهٔ منظورنظر را بدست آورند .

نگاهداری خطوط لوله و جلوگیری از زنگ‌زدن و فاسد شدن‌آنها وهمچنین جلوگیری از زنگ‌زدن دستگاه های عظیم پالایشگاه مشکل دیگر صنعت نفت بشمار میآید که در این باره هم مطالعهٔ دانشمندان همواره ادامه دارد . انواع فلزاتی که در صنعت نفت بکار میآید از قبیل فولادی که برای ساختن‌لوله استعمال‌میشود وفلزات دیگری که دستگاه های پالایش از آن ساخته میشود تحت آزمایشهای علمی قرار گرفته و سعی میشود که از زیانهای وارده بآنها کاسته گردد . طبق برآوردی که پنج سال پیش شده بود زنگ زدن خطوط لوله و فلزات دستگاه های تصفیه هرسال‌بالغ بر سی ملیون لیره به صنعت نفت خسارت میرساند و تنها جلوگیری از اینگونه‌ضرر ها ایجاب مینماید که مطالعات علمی همواره تعقیب گردد .

هنگامیکه فلزات مختلف تحت حرارت زیـاد واقع گردند فرسوده شده و زود از میان میروند . در امر پالایش بخصوص طریقهٔ کرکینگ لوله‌های مملو از نفت‌خام درکوره های پرحرارت قرار گرفته‌اند که دوام زیادی نمیکنند و چون اینگونه لوله ها از فلزات گرانبها ساخته شده وکمی دوام آنها موجب خسارات است شرکتهای

نفت آزمایشگاه مخصوصی هم برای مطالعه فلزات ایجاد کرده و سعی میکنند که بر مقاومت اینگونه فلزات از طرق علمی بیافزایند .

گذشته از مطالعاتی که منظور اصلی آن بهبود و پیشرفت عملیات کنونی صنعت نفت میباشد یکرشته بررسیهای وسیعی هم در جزیان است که معلوم دارد از نفت چه فرآورده های دیگری میتوان تحصیل کرد و این رشته اخیراً خیلی توسعه یافته و نتایج قابل ملاحظه‌ای از آن بدست آمده است .

شرکتهای بزرگ نفت علاوه بر تأسیسات علمی که خود ایجاد کرده‌اند هرسال کمك های مهم و قابل ملاحظه‌ای بدانشکده های علمی کشور خود میکنند و همواره علما و دانشمندان را تشویق مینمایند که مطالعاتی در مورد نفت نموده و نتایج آنرا در دسترس شرکتهای مزبور بگذارند . امروز جزء کارکنان شرکتهای نفت علما و دانشمندان مشهوری هستند که معروفیت بین‌المللی داشته و رابطهٔ استواری بین علم و صنعت برقرار میدارند. آنچه در این بخش گفته شد مختصری از مطالعات و بررسیهای علمی نفت میباشد و شرح کامل آن از گنجایش این کتاب خارج است . همینقدر کافی است اگر بطور مثال گفته شود که یکی از شرکتهای بزرگ نفت سالی پنج ملیون لیره خرج اینگونه مطالعات علمی میکند و شاید مجموع وجوهی که هرسال در این راه از طرف شرکتهای بزرگ بمصرف میرسد از هفتاد الی صد ملیون لیره هم متجاوز باشد .

بخش هفتم - زیانهائی که گاهی درکار نفت پیش میآید

بسیاری از مردم تصور میکنند هرجا که چشمهٔ نفتی در سطح زمین یافت شود معدن نفتی در زیر آن قرار گرفته است و اگر چاهی در آن نقطه حفر گردد معدن بزرگ نفتی کشف خواهد شد و ثروت سرشاری از آن بدست خواهد آمد . و نیز در اذهان عمومی چنین جا گرفته است که استخراج نفت متضمن هیچگونه ضرو زیانی نیست و هر امتیازی که برای تحصیل نفت اعطا شود منتهی بکشف و استخراج و فروش این مایع سیاه رنگ خواهد شد که ملیونها درآمد را برای صاحب امتیاز تامین خواهد کرد . تردیدی نیست که غالب امتیازات - بخصوص آنهائیکه در کشورهای خاورمیانه اعطا شده - منتهی بکشف نفت شده و سود فوق‌العاده‌ای هم برای صاحب امتیاز داشته است ولی موارد استثنائی هم در این کار بوده که کاوش کنندگان نفت را دچار خسارت کرده است .

برای آنکه کلیهٔ حقایق گفته شود و خواننده از هرجهت مطلع گردد چند کلمه‌ای هم در بارهٔ زیانهائی که گاهی درکار نفت پیش میآید میگوئیم تا خوانندگان توجهی به آنها معطوف داشته و تصور نکنند که امر نفت همیشه توأم با سود بسیار بوده و هیچگاه ضرری ایجاد نمینماید .

باستثنای چند کشور ، قسمت عمدهٔ معادن نفت جهانی در نقاطی کشف شده‌است که طبیعت از حیث آب و هوا چندان روی خوشی به ساکنین آن نقاط نشان نداده اغلب معادن مزبور در بیابانهای دور از آبادی و در جاهائی که آب و هوای مناسب نداشته و حتی آب خوراکی هم ندارد واقع گشته است . برای دسترسی باین نقاط و استخراج نفت باید همه چیز را از خارج تهیه کرد و اولین شرط کار این است که وسایل رفاه و آسایش کارکنانی که در این نقاط باید کار کنند فراهم ساخت . باید راه ساخت و راه‌آهن ایجاد کرد و خانه و مسکن بنا کرد و آذوقه تهیه نمود تا کارگر و کارمند تشویق شده و به سکنی در این گونه جاها تن دهند و خلاصه باید وسایل زندگی مرفه و با آسایشی فراهم کرد و اجر و مزد مناسبی داد تا مردم خانه و لانهٔ خود را ترک گفته باین نقاط مهاجرت نمایند . این نوع تشویق ها متضمن هزینهٔ سنگین و کلانی است که از عهدهٔ شرکتهای کوچك برنمیآید و سرمایهٔ گزافی لازم است تا بیابانهای بی‌آب و علف را آباد کرده و نقاطی که پوشیده از جنگل‌های انبوه و مرطوب و ناسالم هست حاضر برای سکنی نمود .

پیشرفتهای علمی که در راه کاوش کشف نفت ـ بخصوص در نیم قرن اخیر شده خطر عدم توفیق را خیلی کم کرده و امروز تازمین‌شناسان و دانشمندان باحتمال نزدیك به‌یقین وجود نفت را در نقطه‌ای تأیید ننمایند کسی حاضر نمیشود مبادرت به کاوش نفت نموده و سرمایهٔ گزافی دراین راه بمصرف رساند معهذا ملاحظه میشود که بعضی اوقات شرکتهای بزرگ و مجهز در جاهائی شروع بکار کرده‌اند که شاید ظاهر کار دال بر وجود نفت بوده ولی پس از حفر چاه معلوم گشته که نفت ـ بمقدار تجارتی ـ در زیر زمین نبوده و حدسیات علمی هم اشتباه بوده است . خطر تحمل اینگونه زیانها همیشه موجود است ودر ایالات متحدهٔ امریکا هم که مهد صنعت نفت امروز محسوب میشود هرسال چاه های متعددی حفر میکنند و بنفت نمیرسند و زیان می بینند . اینك بطور مثال ذکری از بعضی زیانهائی که درکار نفت پیش‌میآید میکنیم تا آشکار گردد که هر چاهی که حفر شده بنفت نمیرسد و هر امتیاز و اجازه ای سودمند واقع نمیگردد .

بین سالهای ۱۹۳۷ و ۱۹۴۹ شرکت نفت استاندارد نیوجرزی ۱ که بزرگترین شرکت نفت جهان است ۱۲۳۲۷۰۰۰ دولار در مصر خرج کاوش نفت کرد و بنتیجه‌ای نرسید . همان شرکت بین سالهای ۱۹۴۳ و ۱۹۴۷ بالغ بر ۱۲۱۵۹۰۰۰ دولار در کشور اکوادور ۲ واقع در امریکای جنوبی صرف کرد و قطره‌ای نفت بدست نیاورد. شرکت نفت شل ۳ تا سال ۱۹۴۸ متجاوز از ۲۴۸۴۲۰۰۰ دولار در کشور اکوادور خرج کرد و نتیجه‌ای نبرد و بعد باشرکت و همکاری شرکت نفت استاندارد نیوجرزی توأماً ۹۹۹۰۰۰۰ دولار طی دو سال دیگر صرف کاوش نفت کرده و سودی حاصل نکردند . شرکت استاندارد نیوجرزی از ۱۹۴۴ تا پنجسال بعد در یك قسمت از شمال

---

(۱) Standard Oil Company of New Jersey

(۲) Equador

(۳) Shell Oil Company

کشور ونزوئلا ۱ کـه مساحت آن ۳۱۷۰۰۰ هکتار بود ۲۳۰۳۰۰۰۰ دولار صرف کاوش‌وحفرچاه وساختن‌خانه وایجاد سیصد کیلومترراه شوسه کرده ونفتی بدست‌نیاورد .

گذشته از مبالغ هنگفتی که بعضی از شرکتها خرج کرده و تمامش بهدر رفته است بعضی اوقات هم مدت مدیدی میگذرد ، تا پس از کشف و استخراج نفت ، محصول به بازار آمده و درآمدی بدهد . مثال زیر نمونه‌ای ازاین نوع است :

شرکت‌نفت امپراتوری یکی از شرکتهای‌تابعهٔ شرکت‌نفت استانداردنیوجرزی است . این شرکت در سال ۱۹۳۷ شروع به‌کاوش نفت در کشورکانادا کرد ودرعرض ده سال سی‌ملیون دولار خرج کرد تا پس از آن توانست نفت را استخراج کـرده و بفروش رساند .

گاهی اتفاق میافتدکه شرکتی امتیازگرفته ومبلغی خرج میکند و نفت‌را کشف کرده و استخراج میکند ولی پس از چندی معدن نفت خشک شده وضرر زیادی به شرکت مزبور وارد میآید . نمونهٔ این یك شرکت امریکائی بودکه در ونزوئلا نود و شش ملیون دولار خرج تأسیسات نفتی کرد و معادل سی‌وپنج ملیون‌دولار نفت از آنجا استخراج کرد و بفروش رساند ولی چندی بعد معدن نفتش دیگر قابل استفاده نبود و در آخرکار شصت و یك ملیون دولار هم ضرر داد .

مثالهای فوق واضح میداردکه در امر نفت هم زیانهائی هست کـه سود های سرشار نقاط دیگر روی آنها را میپوشاند وکمتر توجهی باینگونه زیـانها میشود .

بخش‌هشتم - محصولات شیمیائی از نفت

در ایام‌گذشته‌که هنوز خواص نفت معلوم نبود و استفاده های‌گوناگون ازآن مجهول بود نفت خامی‌که در روی زمین بشکل چشمه پدیدارمیگشت بیشتربرای‌مقاصد طبی بکار برده میشد ولی دراین ایام بندرت اتفاق میافتدکه نفت خام را بدون تصفیه و پالایش بکار برند . فرآورده های معروفی که امروز از نفت حاصل میشود و کم وبیش همه باآن آشنائی دارند از اینقرار است :

۱- بنزین - که در موتورهای احتراق داخلی مانندموتور اوتوموبیل واتوبوس و اتوموبیل باری و هواپیما مصرف میشود .

۲- نفت چراغ یا کروسین - که در چراغ برای روشنائی ودر آشپزخانه‌برای آشپزی و در تراکتور ها برای‌کشاورزی و در موتور های «جت» هواپیما بمصرف میرسد . نوع مخصوص این نفت را هم در مزارع برای از میان بردن علفهای هرزه بکار میبرند .

۳ - گازاویل ۲ که برای اختلاط باگاز حاصله از زغال سنگ و مرغوب کردن آن بکار میبرند .

---

(۱) Venezuela

(۲) آنچه درایران باسم‌گازاویل مصرف میشود درحقیقت‌دیزل اویل است

٤ - دیزل اویل - در اوتوموبیلها و کشتیهائی کـه موتور دیزل دارند و در لوکوموتیو های راه‌آهن و هم‌چنین در موتور هائی که روی زمین کار گذاشته شده و محرك دینامهای تولید نیروی برق است مصرف میشود .

٥ - روغنهای موتور و گریس ـ کـه برای چرب کردن و روان کردن هر نوع ماشین و موتوری بکار برده میشود.

روغنهای مخصوصی هم هست که در کارخانه های بافندگی و ریسندگی مصرف شده و برخی دیگر هم درکارخانه های چرمسازی بکار برده‌میشود . روغنهای‌مخصوص دیگری هم هست که برای تراش فلزات و گرفتن خاکهٔ زغال سنگ و خارج کردن فلزات از سنگ معدن بکار میآید .

٦ - نفت سوخت - که درکورهٔ کشتیهای بخاری و کورهٔ مؤسسات صنعتی کـه نظارت دقیق را لازم دارد و هرنوع کورهٔ دیگر که برای تولید حرارت یا گرداندن ماشین ها و تولید بخار لازم است مصرف میشود . نفت سوخت را هـم در چراغهای بخصوصی بکار میبرند که تولید حرارت کرده ودر تاکستان ها و نقاطی کـه درختان میوه هست میگذارند تا از سرما زدن درختها جلوگیری کند . خاکستر نفت سوخت دارای مقداری زیاد وانادیوم [۱] است که درکارخانه های‌ذوب‌آهن وکارخانه‌های‌فولاد- سازی بکار میبرند .

۷ - قیر یا اسفالت - که برای راه سازی و اندود پشت‌بام وپوشش پایهٔ‌عمارات و مهر کردن باتریهای برق ودر بعضی رنگها نیز بکار برده میشود .

علاوه بر فرآورده های معروفی که در بالا ذکر شد امروز بیش از دو هزار فرآوردهٔ دیگر از نفت بدست میآید که در زندگی روزمرهٔ ما وارد شده و مهم‌ترین آنها بقرار زیر است :

یکی از مهم‌ترین فرآورده ها روغن مخصوصی است بنام « نفت‌سفید » [۲] که به بهترین وجهی تصفیه شده است . این نوع نفت که بسیار زلال و سفیدرنگ‌وغلیظ هم هست برای حفظ اسباب و ادوات جراحی و برای ساختن مرهم های طبی و برای دارو استعمال میکنند . و نیز آنرا برای روغنهای موی سر و عطریات و محلولهای آرایش سر و صورت و نیز برای استعمال داخلی بعنوان ملین بکار میبرند . پرتقال‌و نارنگی و سایر مرکبات را بااین نفت آلوده میکنند که از خشک شدنشان جلوگیری شود و تخم‌مرغ را نیز بااین نفت آلوده میکنند که فاسد نشود. نفت‌سفید رانیز برای حفظ انواع گوشتهای خوراکی و پنیر بکار میبرند و برای پاك کردن و جلادادن‌برنج خوراکی و قهوه و میوه های خشک نیز استعمال میکنند . بعلاوه نفت سفید را برای ساختن مرکب های الوان - گرد های صابون - روغن جلای کف اطاق - روغن جلای اتوموبیل - در ترانسفورماتور های برق - و در ماشین های نانوائی و شیرینی پزی بکار میبرند .

---

(۱) Vanadium یکی ازعناصر کمیاب که ترکیبی از نیتروژن وگوگرد است .

(۲) White oil

موم های حاصله از نفت را در صنایع مختلف بکار میبرند از این قبیل : برای پوشش مقوا های مختلف که آب در آنها نفوذ نکند ـ برای کاغذ های مختلف که گل و شیرینی در آن می‌پیچند ـ برای ساختن شمع ـ برای ساختن کبریت ـ برای ازالهٔ مو ـ برای معالجات روماتیزم ـ برای پوشش میوه و پنیر و تخم‌مرغ که فاسد نشوند. برای واکس‌های کفش و غیره .

یکی دیگر از فرآورده های نفتی که مصرف بسیار دارد موسوم است به «عروسفید» [۱] که در رنگ‌ها و پاك کردن لباس و سوخت فندك استعمال میکنند و باز نوع دیگر آن را برای استخراج عطر از گل ها و گرفتن روغن از زیتون و گرفتن روغنهای خوراکی از تخم ها و حبوبات مختلف و استخراج سریشم از استخوان بکار میبرند .

نفت چراغ و روغن های ماشین و نفت سفید را اغلب با مواد شیمیائی مخصوص مخلوط کرده و برای جلوگیری از حشرات موذیه و پشه و مگس و دفع آفات نباتی وحیوانی بوسیلهٔ تلمبه بکارمیبرند. بعضی از فرآورده های نفتی را اخیراً درزمین وارد میکنند که کرمهای موذی زیر خاك را دفع کند .

گاز های مختلف نفت را بوسیلهٔ لوله بشهرها میبرند تا درکارخانه‌هاوخانه‌های مسکونی بمصرف سوخت و ایجاد حرارت برسد و برخی از گاز های مزبور مانند بوتین [۲] و پروپین [۳] را در بطریها و استوانه های فلزی کرده و میفروشند .

در قسمت دام‌پروری فرآورده‌های نفتی خیلی سودمند واقع شده‌اند. آزمایشگاه‌های شرکتهای نفت حشره کش جدیدی پیدا کرده‌اند که دافع حشراتی است که گله و رمه ها را آسیب میرساند و درنتیجه استعمال آن گاو و گوساله هائی که در چهار سال فربه شده وحاضر برای کشتار میگشتند اینك درنصف این مدت فربه میشوند . مایع مزبور تلفات بین‌دامهارا کم کرده و برمحصول دامپروران بسیارافزوده‌است وحشراتی که روی پوست دام ها نشسته و تولید خارش میکنند و درکم کردن نمو دام ها تأثیر فراوان دارند اکنون بامواد شیمیائی مخلوط با فرآورده های نفتی بآسانی دفع شده ودامها را راحت وآسوده میکنند .

دردفع آفات نباتی ودفع ملخ وسایرحشراتی که بزراعت آسیب فراوان میرساند وهمچنین دردفع مگس وپشه وحشرات دیگری که زحمت بسیار برای انسان فراهم‌میسازد فرآورده های نفتی نقش مهمی دارند زیراغالب سمومی را که برای دفع آفات مزبور بکارمیبرند بافرآورده های نفتی مخلوط کرده وباکمك آن ها سم پاشی میکنند .

فرآورده های نفتی درتهیهٔ پارچه هائی که آب به‌آن‌ها اثرنمیکند درحفظ چوب وجلوگیری ازموریانه ـ درساختن انواع اشیاء لاستیکی ـ درتهیهٔ سیمان ـ دردواهای عکاسی ـ درتهیهٔ مواد منفجره ـ درساختن صفحه های گرامافون ـ درتهیهٔ کاغذهای کربن که هنگام رونوشت برداشتن وموقع نوشتن باماشین تحریراستعمال میشود ـ ودرتهیهٔ انواع رنگ ودرتهیهٔ نفتالین ـ بکاربرده میشود .

---

[۱] White Spirit [۲] Butane [۳] Propane

یکی دیگر از موارد استعمال فرآورده های نفتی درکارخانه های پشم بافی می باشد . در این کارخانه ها کوشش بسیار میشود که چربی و کثافات پشم را بگیرند وپارچه های پشمی را بقدری ببافند که شور نرود و کوتاه نشود و درتمام این موارد فرآورده های نفتی بکارمیآید .

درسی سال اخیر صنعت جدیدی بنام « صنعت شیمیائی نفت »[۱] ایجاد گشته که وابستگی تام وتمامی بافرآورده های نفتی دارد بدین معنی که فرآورده های مزبور مادهٔ خام این صنعت جدید را تشکیل میدهد . این صنعت مادهٔ خام را که عبارت ازمواد نفتی باشد گرفته و با تغییرات شیمیائی که در موارد مزبور داده می شود و با تجزیه وترکیب آن ها بامواد دیگرهزاران محصول گوناگون ازآن بدست میآورند که بعضی ازآن‌ها بدین‌قراراست :

محلّل یا گدازنده ـ در صنایع مختلف مقدار زیاد مایعاتی که اشیاء دیگر درآن حل میشوند مورد احتیاج میباشد که بآن‌ها محلل یا گدازنده میگویند از نفت محلل‌های مختلف بدست میآید که «استون»[۲] و «الکل اتیل»[۳] ازجمله گدازنده های مهم است . بانوان بااستون آشنائی کامل دارند وملاحظه کرده‌اند که لاك ناخن آن‌هارا باچه سهولتی استون پاك کرده وازمیان میبرد .

پاك کننده[۴] ـ در واقع یکنوع صابونی است که ازنفت بدست میآید وگرچه همهٔ خواص صابون را از حیث پاك کردن اشیاء دارد ولی صابون نیست بلکه یکنوع مادهٔ شیمیائی است که ازنفت درست شده وابتدا در صنایع بافندگی استعمال میشد ولی اکنون بجای صابون برای رخت شوئی ودست شوئی وکارهای مشابه بکار برده میشود . این پاك کننده‌ها امروز هم بشکل مایع وهم بشکل گرد فروش رفته ومصرف آن درسالهای اخیرخیلی زیاد شده است .

پلاستیك[۵] ـ بسیاری ازمواد شیمیائی که درساختن اشیاء معروف به پلاستیك بکار میرود ازنفت گرفته میشود. درایران بغالب اشیاء پلاستیك مانند ظروف و شانهٔ سر ورومیزی و اشیاء دیگر پلاستیکی نایلون میگویند که اشتباه است زیرا نام پلاستیك فقط باشیائی اطلاق میشود که اول بشکل خمیردرآمده وبعد درقالب ریخته شده وحاضر برای استعمال میگردد در حالیکه نایلون الیاف مصنوعی میباشد که از آن پارچه و جوراب و سایر اشیاء بافته شده بدست میآید . درحال حاضر اشیاء پلاستیك فراوان وگوناگونی ساخته میشود که تقریباً درهرخانه‌ای چند نوع ازآن موجود است مانند زیرسیگاریهای پلاستیك ـ روپوش سیم الکتریك ـ رومیزی ـ دورهٔ عینك ـ ظروف مختلف ـ پوشش خارجی دستگاه تلفون و غیره و غیره . اخیراً شروع کرده‌اند بدنهٔ اوتوموبیلها را هم ازاین مادهٔ پلاستیك بسازند و طولی نخواهد کشید که پلاستیك‌جای بسیاری ازاشیائی که امروز ازچوب وآهن وسایرفلزات ساخته میشود خواهد گرفت .

---

(۱) Petroleum Chemicals Industry (۲) Acetone (۳) Ethyl Alcohol
(۴) Detergents (۵) Plastics

الیاف و نخ های مصنوعی - مادهٔ خام مواد شیمیائی که الیاف مصنوعی از آن تهیه میشود نفت است که فوق‌العاده بادوام و باصرفه میباشد . الیاف مزبور را باالیاف پشم جور کرده وازآن پارچه های پشمی بسیارممتازی میبافند که هم‌محکم است وهم چروك برنمیدارد و پس از شسته شدن زود خشك میشود و احتیاجی هم به‌اتو کردن ندارد . جورابهای نایلون را هم از اینگونه الیاف مصنوعی تهیه میکنند .

لاستیك مصنوعی - در جنگ اخیر صنعت ساختن لاستیك مصنوعی در آلمان وامریکا رواج بسیاریافت ومادهٔ خام‌آن تمامش ازنفت است . امروز این صنعت توسعهٔ بسیار یافته و اشیاء لاستیکی مختلفی ازآن ساخته میشود که مهم ترین آن لاستیك اوتومبیل است .

مواد شیمیائی برای کشاورزی - اکنون مقادیرزیادی مواد شیمیائی مورداستعمال و احتیاج کشاورزی را ازگاز نفت می‌گیرند که ازهمه مهم تر آمونیاك وکود های شیمیائی میباشد .

گلیسرین - مادهٔ دیگری است که ازنفت گرفته میشود ومصرف زیادی در بسیاری از صنایع دارد .

مواد طبی - ازنفت داروهای گوناگون‌میسازند که گازاتلین[۱] یکی‌ازآن‌ها میباشد که بعنوان داروی بیهوشی بکار میرود . همین‌گاز را امروز برای نمو سریع مرکبات وگوجه فرنگی وسایر میوه ها وسیب زمینی بکارمیبرند وباز این‌گازرا تبدیل بماده‌ای موسوم به‌گلی‌کل[۲] میکنند و در زمستان برای جلوگیری ازیخ زدن آب در رادیاتور اوتومبیل میریزند .

ازگازهای نفت‌صد ها موادشیمیائی‌بدست میآید که امروز مصرف‌زیادی‌پیدا کرده وهریك بنوعی در زندگانی مردم‌تأثیر کرده‌است . مثلا استون که درپیش‌ذکرشد ازگاز نفت‌بدست‌میآید که درساختن ابریشم‌مصنوعی وچرم‌های مصنوعی وفیلم‌سینما وشیشه‌هائی که نمیشکنند بمقدار زیادی مصرف میشود .

امروز صنعت شیمیائی‌نفت مراحل اولیهٔ خودرا طی میکند ومیدان‌کار باندازه‌ای وسیع است که هیچ‌گونه حدودی را نمیتوان برآن قائل گردید وآیندهٔ درخشانی‌دارد . درحال‌حاضر بیش‌ازسه‌هزارملیون‌دولارسرمایه دراین صنعت در امریکا بکار رفته وپس ازجنگ در انگلستان (یعنی کشوری که خود نفت ندارد) بیش ازپنجاه ملیون لیره صرف ایجاد صنعت مزبور گشته وهمین‌کار درکشورهای‌آلمان و فرانسه وایتالیا وهلاند نیز شده است .

درکشور های خاورمیانه‌که نفت و گاز نفت فراوان موجود است زمینه برای ایجاد صنعت شیمیائی نفت ازهرحیث مهیا وحاضراست واگردرایران چنین صنعتی ایجاد گردد میتوان هرسال ملیون‌ها دولار محصول چنین صنعتی را به خارج فرستاد ودرآمد هنگفتی ازآن بدست‌آورد .

آیندهٔ این صنعت بسیار درخشان و سودمند است وباوجود اینکه بعضی‌ازکشور-

---

(۱) Ethylene (۲) Glycol

های صنعتی اروپا نفت زیادی ندارند معهذا دست بایجاد این صنعت مهم زده ودرصدد توسعهٔ آن برآمده‌اند . یکی‌ازدلایل اقتصادی برای ایجاد پالایشگاه های نفت دراروپا همین بود که میخواسته‌اند ازگاز های حاصله از پالایش نفت این صنعت را ایجادکرده وسود سرشاری ازآن ببرند .

بخش نهم - کارتل نفت

صنعت نفت دارای خصوصیاتی است که پی‌بردن بآن چگونگی صنعت مزبور را واضح وآشکارمیسازد . نفت یك ماده‌ای است که تولیدآن بمقدارکم وبدست کسانی که سرمایهٔ هنگفت برای این‌کار ندارند مقدور ومیسرنیست . کشف واستخراج وحمل ونقل وپالایش وفراهم کردن وسایل ووسائط فروش نفت مستلزم صرف سرمایهٔ کلان وایجاد سازمان وسیع ومرتبطی‌است که ازعهدهٔ افراد وشرکتهای کوچك خارج است . هرگاه یك قسمت از عملیات مزبور به تنهائی انجام‌گیرد هزینهٔ آن باندازه‌ای خواهد بود که صرف نخواهدکرد ولذالازم است سرمایهٔ بسیاری صرف شود تامقدارمحصول افزایش یافته وازهزینه کاسته گردد .

هنگامیکه نفت در امریکاکشف گردید صنعت نفت جدید یك امر نسبةً محقر و کوچکی بود . افراد متعددی چاه‌های کم‌عمق حفرکرده و نفتی‌را که بدست‌میآوردند در چلیك‌های چوبی ریخته و بوسیلهٔ گاریهای اسبی به پالایشگاه های کوچك آن‌زمان برده و پس‌از تصفیه و بدست‌آوردن نفت چراغ (که تنها مادهٔ سودمند ومورداحتیاج آنوقت بود) آنرا به مشتریان خود میفروختند . هزینهٔ استخراج کم و امر پالایش ساده و سهل بود و حمل و نقل هم در حدود و نواحی نزدیك به محل استخراج بود لذا افراد میتوانستند بچنین‌کاری مبادرت نمایند . چاه های اولیه‌ای که در امریکاحفر شد نفت آن با گاز از زمین خارج میشد و پس از آنکه چاه بنفت میرسید دیگر شب و روز فوران داشته و دشت و صحرا را فرا میگرفت. درآن ایام مخازنی برای انبار کردن نفت نداشتند و چلیك‌های کافی هم مهیا نبود که همهٔ محصول‌نفت‌را درآن‌ریخته و باطراف حمل کنند لذا قسمت عمدهٔ آن بهدر میرفت. گاهی هم چاه ها آتش‌میگرفت و حریقی رخ میداد که موجب خسارت فوق‌العاده میشد و هرچه در آن حول و حوش بود میسوزاند. درآن تاریخ راه آهن در ایالت نفت خیز پنسیلونیا نبود ووسایل حمل و نقل محدود به‌گاریهای اسبی بود . علاوه براین پالایشگاه هـای آن زمان خیلی ساده و عبارت از دیگ هائی بود که نفت را در آن بجوش آورده و فقط در صدد بودند که نفت چراغ آن را بدست آورند . رقابت بین صاحبان پالایشگاه‌ها شدیدوکار بجائی رسیده بود که بهای نفت بسیار تنزل کرده و دیگر استخراج و تصفیهٔ آن صرف نمیکرد . بتدریج احتیاج به یك نظم و ترتیبی در صنعت نوزاد نفت وتهیهٔ وسایل‌حمل و نقل سریع‌تر وکافی‌تر که جنس را بنقاط دوردست رسانده و مصرف‌را افزایش‌دهد موجب شد که تحولی در کار این صنعت پیش آید که شرح آن بطور خیلی مختصر از اینقرار است :

در آن اوان جوانی موسوم به جان دویسن راکفلر۱ که منشی ودفتردار تجارتخانه‌ای بود با یکی از دوستان خود موسوم به کلارک۲ شرکتی برای حق‌العمل‌کاری تأسیس کردند. بعدها این شرکت وارد کار نفت شد و پالایشگاهی ایجاد کرد ودرسال ۱۸۷۰ که کار آنها توسعه یافته بود شرکت «استاندارد اویل»۳ بوجود آمد. سرمایهٔ اولیهٔ این شرکت یك ملیون دولار بود ولی طولی نکشید که به‌دوملیون و نیم‌دولارافزایش یافت و دوسال پس از تأسیس به سه ملیون دولار بالغ گشت. سّر توفیق راکفلر این بود که تمام توجه خودرا معطوف به تهیهٔ وسایل حمل و نقل و پالایش نفت کـرد و اعتنائی باستخراج نداشت. در مدت کمی که از ده سال تجاوز نکرد راکفلر توانست قسمت‌عمدهٔ پالایشگاه‌ها را تحت کنترول و اختیار خود درآورد و بعد مبادرت بایجاد خطوط لوله کرد و وسایل وسیعی برای فروش نفت در نقاط مختلف ایجـاد نمود. راکفلر در چهل سال توانست که نود درصد خطوط لوله و هشتاد و پنج درصداز کلیهٔ وسایل پالایش و فروش را در امریکا تحت اختیار خود درآورد و فقط یازده درصد استخراج را در دست داشت.

کتابهای متعددی راجع به تشکیل و نمو شرکت‌نفت استاندارد وعملیات‌راکفلر نوشته شده است که اگر خواننده بخواهد ازجزئیات آن آگاه گردد باید بآنهارجوع نماید. شاید بهترین کتابی که در این باره نوشته شده است همان تاریخ شرکت نفت استاندارد باشد که مؤلف آن تاربل۴ است. ولی برای آنکه معلوم شود راکفلر با چه وسایلی به ثروت هنگفت خود رسید و چگونه توانست چنین انحصار عظیمی را در صنعت نفت امریکا بدست آورد در زیر شرحی را که نویسندهٔ معروف بین المللی اچ-جی- ولز۵ راجع باودر کتاب‌خود موسوم به«کاروثروت‌وسعادت بشر»۶ ذکر کرده است دراین‌جا نقل‌میکنیم:

« حقیقتی که خارج‌از زندگی بازرگانی راکفلر است ومنقّدین او اهمیت‌بسیاری بآن داده‌اند این است که او بدون تردید یك آدم مذهبی صمیمی بود وتا وقتیکه سن او اجازه میداد هرروز یکشنبه به‌کلیسا میرفت و خانوادهٔ خودرا باسنن عیسویت‌تربیت و پرورش میداد. منقدین او اعمال مذهبیش‌را متناقض با عملیات تجارتی‌اودانسته‌اند. مثلاً دلائل قانونی مندرجه در احکامی که در محاکم برعلیه او صادرشده‌وشهادتهای مقبولی که برعلیه او داده شده ثابت میکند کـه روشهای بازرگانی راکفلر شامل دروغگوئی ـ شهادت دروغ دادن ـ خراب کردن و خریدن مستخدمین‌دولت‌وکارکنان رقبای خود ـ بکاربردن تهدید ـ و بدست آوردن تخفیفات غیر مشروع بوده است.در حقیقت تمام‌دورهٔ زندگانی بازرگانی‌او شاهد بر این است که او اندك اعتنائی به‌حقوق و منافع دیگرانی که مخالف او یا منافعش بوده‌اند نداشته است. انقلابهای کوچکی که راکفلر درکشور مکزیك وکشور های امریکای جنوبی برای پیشرفت‌مقاصدخود

---

(۱) John Davison Rockefeller (۲) Clark (۳) Standard Oil Company

(۴) The History of the Standard Oil Company by Ida Tarbell (۵) H. G. Wells

(۶) The Work, Wealth & Hapiness of Mankind

ایجاد میکرد موجب اتلاف نفوس بسیار شده و او نه‌تنها سرمایهٔ زندگی هزاران نفر از هموطنان خودرا از میان برده بلکه (بمصداق تعلیمات مذهبی که خودرا مقیّدبآنها میدانست) روح جاودان آن ها را نیز معذّب میساخت ولی درعین حالیکه این‌کار ها را میکرد همواره عادت براین داشت‌که باجدیت و کفایت بی‌نظیری اعانه برای‌کلیسای خود جمع آوری کند. برای‌کارهای‌خیر سخاوتمندانه وفراوان‌اعانه‌میداد وتردیدی‌نیست که مبالغ‌هنگفتی برای‌خیرات‌مصرف‌میکرد . . . . . بنابرتخمینی که‌شده‌است‌مبالغی که‌برای کارهای‌عام‌المنفعه داده‌ازهزارملیون‌دولار متجاوز بوده‌است‌واین وجوه را هم عاقلانه و خیرخواهانه بمصرف رسانده است. . . . . اهمیت‌کارهای راکفلردرتوسعه‌وپیشرفت وضع اقتصادی‌جدیدشایان‌بسی‌تمجیداست ودوفقره ازکارهای اوبسیار برجسته میباشد. دروهلهٔ اول جمع آوری و فروش نفت و تثبیت بهای آن در تمام جهان‌کار عمدهٔ او بود ودر مرتبهٔ دوم او مبتکر اندیشهٔ بازرگانی وسیع و عظیم بود . وی در ده سال پس از شروع به‌کار نفت‌کنترول صنعت را درکشور امریکا بدست آورد وقدرت‌او بدرجه‌ای رسیدکه بهای نفت خام و تصفیه شده را او تعیین می کرد . هنگامیکه او بکار نفت پرداخت مرد سرشناس و متمولی نبود ولی بفوریت دریافت‌که تمام قسمتهای صنعت نفت دچار تولید بی‌اندازه و تفریط و هرج و مرج میباشد و بیدرنگ درصدد چاره جوئی برآمد . مردمی‌که نفت استخراج میکردند همواره بیم آن را داشتندکه چاه همسایه زیادتر نفت بیرون داده و چاه آنها را ازبین ببرد لذا حاضر بودندکه نفت‌را بهدر دهند و از استخراج خودداری نکنند . مقدار استخراج زیادتر از ظرفیت انبار های موجود بود و چون هرروزمعادن نفت جدیدی‌کشف میشد بهای مواد نفتی‌متزلزل بود و چه بسا کسانی‌که یکروز غنی و روز دیگر محتاج بودند . »

ا چ - ج - ولز شرح مفصلی درکتاب مذکور فوق راجع بکار های راکفلردارد که نقل تمام آن ازگنجایش این‌کتاب خارج است و چون عقیدهٔ یك نویسندهٔ بزرگی مانند او حجت است لذا باختصار بشرح‌آن پرداختیم تامعلوم شودکه‌ثروت‌های‌بزرگ در همهٔ اقطار جهان فقط از راه بست و بند و پشت هم اندازی و اجحاف بدیگران ممکن است‌گرد آید .

خلاصه آنکه راکفلر در مدت‌کوتاهی‌کنترول و اختیار صنعت نفت امریکا را بدست‌گرفت و اول بوسیلهٔ خرید پالایشگاه ها و بعد از راه تحصیل تخفیف‌ازشرکت‌های راه آهن برای حمل بار های خود و سپس ایجاد خطوط‌لوله ووسایل‌کامل‌فروش چنان تسلطی براین صنعت پیداکردکه همهٔ مردم را برضد خود برانگیزاند و طولی نکشید انحصاری راکه او ازراه رشوه وتهدید وتطمیع بدست‌آورده بود مورد ایراد و اعتراض عموم قرارگرفت .

در سال ۱۹۱۱ دیوان‌کشور امریکا رأی دادکه شرکت استاندارد و سی وسه شرکت تابعهٔ آن‌که در ایالات مختلف امریکا تشکیل شده بود بمنزلهٔ یك «تروست»[۱]

(۱) Trust

است که تجارت یکی از مواد مهم مورد احتیاج عامه را بانحصار خود درآورده و باید منحل گردد درنتیجهٔ این رأی شرکتهای تابعه از شرکت استاندارد نیوجرزی[۱] جدا و مستقل گردیدند و تروست بزرگ راکفلر منحل گردید .

چند سالی ازاین واقعه نگذشت که جنگ بین‌الملل اول شروع گشت واحتیاج به نفت روزافزون‌شد و معادن جدید نفت کشف گردید و بالنتیجه شرکتهائی که‌ازاستاندارد جدا شده بودند استقلال و نیروی جدیدی یافته و شرکتهای دیگری هم بوجودآمدند که هریك مقام مهمی را در صنعت نفت امریکا حـائز گردیدند . اگرچه رقابت بین شرکتهای‌مزبور تا حدی رواج یافت و انحصار صنعت نفت از دست یك‌مؤسسهٔ‌واحدی خارج شده بود معهذا معلوم گشت که صنعت نفت محتاج به‌سازمان های وسیع وسرمایه‌های هنگفتی است که بدون‌آن پیشرفت در کار مقدور نیست لذا هریك از شرکتهای بزرگ در صدد برآمد که سازمان خودرا نیرومند ساخته و سرمایه را زیـاد کرده و بتمام عملیات صنعت نفت از استخراج گرفته تا فروش بپردازد . ضمناً دولت امریکاهم مصلحت خودرا در این تشخیص داد که به کمك شرکتهای نفت آمده و آن‌ها را یاری کند تا درکشور های دیگر امتیازات بسیاری تحصیل نموده و سیادت امریکائیان‌رادر صنعت نفت جهان تأمین نماید . این رویه در مدت بین دو جنگ جهانی ادامه داشت و موجب شد که قریب بیست شرکت نفت بزرگ درامریکا برپا گردد . اکنون‌شرکتهای مزبور قریب شصت در صد استخراج و هشتاد در صد از پالایش و نوددرصدازخطوط لوله نفت را درآن کشور باختیار خود درآورده‌اند ودر حقیقت مقامی راکـه تروست استاندارد راکفلر در سابق داشت اینك میان بیست شرکت تقسیم شده است .

این بیست شرکت‌هم بدو دسته تقسیم شده‌اند : دستهٔ اول شش‌شرکت‌بزرگتری هستند که علاوه بر عملیات وسیع خود در ایالت متحدهٔ امریکا دارای امتیازات‌ومنابع عمده‌ای درکشور های دیگر هستند و اسامی‌آن ها بدینقرار است :

شرکت نفت استاندارد نیوجرزی ـ شرکت نفت استاندارد کالیفورنی[۲] شرکت نفت سوکونی واکوم[۳] ـ شرکت نفت خلیج[۴] ـ شرکت تکساس[۵] ـ شرکت نفت شل امریکا[۶] . این شش شرکت در سال ۱۹۵۳ قریب چهل وپنج در صد از مجموع‌صنعت نفت جهان را دراختیار خود داشتند و سرمایهٔ آن ها طبق ارقام منتشره درکتـاب سالنامهٔ آمار نفت جهان چاپ ۱۹۵٤ [۷] بقرار زیر بوده است:

شرکت نفت استاندارد نیوجرزی	۱٤۵۷۳۷۹۰۰۰ دولار
شرکت نفت استانداردکالیفورنی	« ۲۷۳۲٤۰۰۰۰
شرکت نفت سوکونی‌واکوم	« ٤۷۸۵۳۵۰۰۰
شرکت نفت خلیج	« ٤۲٤٦٤٤۰۰۰
شرکت تکساس	« ٤۸٤۷۱۰۰۰۰
شرکت نفت شل	« ۱۹۱٦۹۵۰۰۰

(۱) Standerd Oil Company of New Jersey
(۲) Standard Oil Company of California
(۳) Socony--Vacuum Oil Company
(٤) Gulf Oil Corporation
(۵) The Texas Company
(٦) The Shell Oil Company
(۷) World petroleum Statistical Year Book 1954 edition

چنانکه ملاحظه میشود شرکت نفت استاندارد نیوجرزی هنوز هم بزرگترین شرکت نفت جهان است و هیچ شرکت نفت دیگری به پایه ومقام آن نمیرسد و این همان شرکت اصلی راکفلر میباشدکه پس از انحلال تروست نفت در ۱۹۱۱ سایر شرکتهای تابع راکفلر از آن جداگشتند. شرکت نفت شل هم شرکتی است که در امریکا به ثبت رسیده و مشغول عملیات درآن کشور است ولی اکثریت سهام آن در دست «شرکت رویال‌دچ شل»[۱] است که یك‌شرکت‌مختلط هلاندی وانگلیسی میباشد.

دستهٔ دوم چهارده شرکت‌دیگرهستند که در امریکا معروف بشرکتهای«مستقل» میباشندکه قسمت عمدهٔ عملیات آنها در داخل کشور امریکا صورت میگیرد و اسامی آنها و سرمایه‌شان طبق سالنامهٔ مذکور فوق در ۱۹۵۳ بقرار زیر بوده است :

	سرمایه به دولار
شرکت نفت استاندارد اندیانا[۲]	۴۰۷۴۷۰۰۰۰
شرکت نفت سی‌تیز سرویس[۳]	۲۶۶۲۵۸۰۰۰
شرکت نفت سینکلر[۴]	۲۳۸۷۴۸۰۰۰
شرکت نفت فیلیپز[۵]	۱۵۱۴۶۱۰۰۰
شرکت نفت متحدهٔ کالیفورنی[۶]	۹۳۱۵۵۰۰۰
شرکت نفت تایدواتر[۷]	۸۸۰۱۱۰۰۰
شرکت نفت خالص[۸]	۸۳۵۹۲۰۰۰
شرکت نفت آفتاب[۹]	۷۸۰۸۰۰۰۰
شرکت نفت استاندارد اوهایو[۱۰]	۷۱۵۵۳۰۰۰
شرکت نفت کنتی‌نانتال[۱۱]	۶۸۱۹۹۰۰۰
شرکت نفت اوهایو[۱۲]	۶۴۱۱۷۰۰۰
شرکت نفت ریچ فیلد[۱۳]	۶۲۰۳۳۰۰۰
شرکت نفت امراد[۱۴]	۴۹۸۰۷۰۰۰
شرکت پالایش اطلس[۱۵]	۳۶۷۸۶۰۰۰

ایجاد صنعت نفت درکشور های دیگر دیرتر از امریکا شروع شد ولی راه و روش شرکتهای بزرگ غیر امریکائی هم مانند شرکتهای نفت امریکائی بود. در اینجا لازم است راجع به شرکت نفت «رویال دچ شل» که امروز یکی‌ازبزرگترین شرکتهای نفتی جهان است مختصری ذکر شود.

---

(۱) The Royal Dutch Shell Company
(۲) Standard Oil Company of Indiana
(۳) Cities Service Oil Company
(۴) Sinclair Oil Corporation
(۵) Phillips Petroleum Company
(۶) Union Oil Company of California
(۷) Tide Water Associated Oil Company
(۸) The Pure Oil Company
(۹) The Sun Oil Company
(۱۰) Standard Oil Company of Ohio
(۱۱) The Continental Oil Co.,
(۱۲) The Ohio Oil Company
(۱۳) Richfield Oil Corporation
(۱۴) Amerada Petroleum Corporation
(۱۵) Thd Atlantic Refining Company

«شرکت نفت رویال دچ» درسال ۱۸۹۰ درلاهه پای‌تخت هلاند بمنظور تحصیل امتیاز نفت در جزایر اندونزی که در آن تاریخ جزو مستملکات هلاند بود با سرمایهٔ یك ملیون وسیصدهزارفلورن[۱] تشکیل‌شد. این شرکت ابتدا درجزیرهٔ سوماترا[۲] شروع باستخراج نفت کرد و بعد درجزیرهٔ جاوه[۳] پالایشگاهی ایجاد نمود و توسعه‌ای درکار خود داد که در مدت کمی سود سرشاری عاید آن گردید. ریاست شرکت مزبور درآن موقع با شخصی بنام کسلر[۴] بود که مردی هوشیار و لایق و زرنگ بود. کسلر سعی‌وافی نمود که نفت‌چراغ شرکت خودرادربازارهای‌خاوردور که یکی‌ازپرجمعیت‌ترین نقاط جهان وشامل چین وژاپون واندونزی بود بفروش‌رساندولی‌دراین‌موقع‌دچاررقابت سرسخت راکفلر گشت که بازار های مزبوررا قبلا دردست داشت وانحصار فروش نفت چراغ درخاور دور بدست او بود.

دراین اوان کسلر باجوانی هلندی موسوم به‌هنری دتردینگ[۵] آشنا شدکه در یك بانك هلندی کار میکرد. اوهوش و استعداددتردینگ‌را دریافت و درشرکت نفت استخدامش نمود. طولی نکشیدکه رقابت راکفلر با شرکت نفت رویال دچ که درآن وقت شرکت‌نسبةً کوچکی‌بود به‌سختی کشید وصاحبان سهام این‌شرکت کوچك مرعوب عظمت دستگاه راکفلرشده ومیخواستند سهام خودرا به شرکت استاندارد فروخته واز میدان بدر روند. دراین‌گیرودار کسلر فوت کرد و دتردینگ جانشین او شد وتصمیم گرفت درمقابل راکفلر مقاومت کند. اولین کاری‌که دتردینگ کرد این‌بودکه برای خود یاروهمدستی پیداکند تابتواند تجهیز قوا نموده وبا شرکت بزرگ استاندارد که دررأس‌آن راکفلر «پادشاه‌نفت‌جهان» قرارگرفته بود مبارزه نماید.

در سال ۱۸۵۳ در محلهٔ یهودیهای لندن ودر یك خانوادهٔ یهودی پسری بنام مارکوس‌سموئیل[۶] چشم باین جهان گشود که بعدها یکی ازارکان مهم صنعت نفت جهان گشت. پس ازاتمام تحصیلات سموئیل در یك ادارهٔ کشتی رانی شغل منشیگری بدست آورد ومدتها این سمت را داشت تااینکه کارفرمایان اورا باکشتیهای خودکه به خاور دورکه رفت و آمد میکردند بمسافرتهای متعددی فرستادند. درضمن این مسافرتها سموئیل تجربیات بسیاری‌آموخت وسرمایهٔ مختصری‌هم بدست‌آورد. چندی‌بعد سموئیل شغل خود را رها کرد و تجارتخانه‌ای ایجاد نمودکه کارش واردات و صادرات بود ووواردات عمدهٔ‌او بانگلستان صدف بودکه از کشورهای خاورخریده وبانگلستان میآورد.

پشت‌کاروجدیت بی‌نظیرسموئیل باعث توسعه وپیشرفت‌کارتجارتخانهٔ او گشت ودر اندك مدتی توانست یك کشتی بخاری خریداری کندکه کالای خود را باآن حمل‌نماید. ازاین‌کارهم سود بسیاری عاید او شد و چندی بعد سموئیل دارای چندکشتی تازه ساز ومجهز گشت که صدف بانگلستان‌آورده وکالای‌انگلیسی بخاوردورمیبرد. دراین‌هنگام سموئیل نام «شرکت حمل و نقل شل»[۷] را برای تجارتخانه خود انتخاب کرد. روزی

---

(۱) Florin یا Guilder واحدپول کشورهلانداست که بنرخ امروزهرسه گیلدرو۸۰ سانتیم برابر با بایك دولار امریکاست.

(۲) Sumatra (۳) Java (۴) Kessler (۵) Henry Deterding

(۶) Marcus Samuel (۷) The Shell Transport Co.

سموئیل در دفتر خود نشسته بود که مردی وارد و تقاضا کرد که چند مخزن آهنی کـه برای حمل نفت ساخته شده بود به خاوردور حمل نماید . سموئیل این کاررا کرد و بعد بفکر افتاد که کشتی نفتکشی بسازد که کارش فقط حمل نفت باشد . برای این کارسرمایهٔ بیشتری لازم داشت و متوسل به خانوادهٔ معروف روچیلد[۱] پاریس گشت که باو پولی قرض دهند و آنها هم حاضر بمساعدت شدند .

سموئیل از این نفتکش خود سود بسیار برد و در صدد برآمد کـه در جزیرهٔ بورنئو[۲] نفت استخراج کرده و با کشتیهای خود حمل نماید . دراین کار هم توفیق یافت ولی مؤسسهٔ او این اندازه اهمیت نداشت که دچار رقابت راکفلر واقع شود وسموئیل بدون تظاهر بکار خود ، که در این وقت استخراج و حمل نفت بود ، مشغول و سود سرشاری میبرد .

در این هنگام شرکت نفت «رویال دچ» فقط یك کشتی نفتکش داشت ولی معادن نفت آن سرشار و محصول آنها مهم بود. بعکس منابع نفتی سموئیل محدود ولی کشتی-های نفتکش او متعدد و رو بتزاید میرفت . رقابت راکفلر با شرکت رویال دوچ و مشکلاتی که در راه کار سموئیل ممکن بود پیدا شود موجب گشت کـه اتحادی بین دتردینگ وسموئیل در سال ۱۸۹۷ برقرار گردد. این دوشرکتهای جداگانهٔ خود را یکی کرده و نام آنرا « رویال‌دچ‌شل » [۳] گذاشتند کـه امروز یکی از بزرگترین شرکتهای نفتی جهان است .

امروز این شرکت بزرگ در تمام نقاط دنیا وارد در صنعت نفت است و حتی در خود امریکا هم شرکتی دارد که جزو شش شرکت بزرگ نفتی آن کشور محسوب میگردد . شصت در صد سهام این شرکت در دست هلندیها و چهل درصد آن دردست انگلیسها است ودر هر کشوری که این شرکت وارد شده وکار میکند عملیات استخراج و تصفیه را هلندیها وکار های حمل و نقل و فروش را انگلیسیها بعهده دارند.

مبارزهٔ بین راکفلر و شرکت « رویال دچ‌شل » چندین سال دوام کرد ورقابت آنها در خاوردور کاررا بجائی رساند که هرروز بهای نفت پائین مـیآمد . شرکت استاندارد هشت ملیون چراغ نفتی مجانی به مشتریان چینی خود داد که تشویق شده و نفت اورا بخرند و شرکت شل بهای نفت را پائین آورد وکاری کرد که در چراغهای راکفلر نفت شل بمصرف میرسید . بالاخره این مبارزه ادامه داشت تااینکه تروست راکفلر در سال ۱۹۱۱ منحل گردید وشرکت « رویال دچ‌شل» بواسطهٔ مآل‌اندیشی و پشت‌کار و مهارت دتردینگ و سموئیل توانست نه تنها قسمتی از بازار خاوردور را بدست آورد بلکه در خود امریکا هم شرکتی تشکیل دهد که باشرکتهای بزرگ امریکا رقابت نماید .

دتردینگ بعد ها ازدولت انگلیس لقب « سر »[۴] گرفت و بیشتر اوقات خودرا

---

(۱) Rothschilds خانوادهٔ معروف یهودی که در آلمان وفرانسه وانگلستان بکارصرافی پرداخته وثروت سرشاری داشته ودارند.

(۲) Borneo یکی ازجزایرهند شرقی که قسمتی ازآن فعلاجزو کشور اندونزی است.

(۳) Royal Dutch Shell (۴) Sir Henry Deterding

در لندن میگذراند و ثروت شخصی شایانی بدست آورد که مشهور بود در حدود ۷۰ ملیون لیره بوده است . سموئل هم از دولت خود لقب « لردی » گرفت[۱] و تمول فوق‌العاده‌ای پیدا کرد و این دونفر بکمك یکدیگر یکی از بزرگترین شرکتهای نفتی جهان را پی‌ریزی کرده و توانستند درکشور های مختلف امتیازات متعدد بدست آورده و منابع عظیمی را باختیار خود درآورند . هرجا که اقتضا میکرد و استفادهٔ از نفوذ دولت انگلیس لازم میآمد این شرکت از جنبهٔ انگلیسی‌خود استفاده مینمود و هرجا که حمایت دولت کوچکی مـانند هلاندکافی بنظر میرسید این شرکت لباس هلاندی خودرا دربر میکرد . معروف است که خانوادهٔ سلطنتی هلاند یکی از سهام‌داران عمدهٔ شرکت هلاندی هستند و نفوذ این شرکت را در امور نفت که شرح آن‌در فصول آیندهٔ این کتاب ذکرشده امروز بحدی است که‌نام آن زبانزد خاص‌وعام‌وسود سرشاری هرسال عاید سهامداران خود مینماید .

سرمایهٔ شرکت نفت رویال‌دچ[۲] (که قسمت هلندی این شرکت مختلط باشد) اکنون بالغ بر یکهزار و دویست ملیون فلورن است و سرمایهٔ شرکت بازرگانی و حمل و نقل شل [۳] (که قسمت انگلیسی آنرا تشکیل میدهد) بالغ بر شصت‌وپنج‌ملیون و نیم لیرهٔ انگلیسی است . طبق بیلانی کـه این دو شرکت مختلط مربوط بعملکرد سال ۱۹۵٤ خود منتشر کردند درآن سال درآمدکل این دو شرکت و شرکتهای‌تابعهٔ آنها یکهزار و هشتصد و پنجاه ملیون لیره بوده که پس‌از وضع مخارج واستهلاك وغیره درآمدخالص‌آنها بالغ بر یکصد و سی‌وچهار ملیون لیره بوده است.

جزو این شرکتهای بزرگ نفت جهان باید ذکری هم از شرکت نفت انگلیس و ایران سابق که اکنون بنام « شرکت نفت بریتانیا »[۴] نامیده میشودکرد ولی‌چون نمو و عظمت شرکت مزبور تا حد زیادی مرهون نفت ایران بوده است خصوصیات آنرا در فصل دیگر بتفصیل بیان‌کرده و در این جا بهمین اکتفا میشود که مختصری ازچگونگی شرکتهای بزرگ نفت جهان که کارتل‌نفت را تشکیل می‌دهند بیان‌شود .

« تروست » [۵] عبارت است از بهم‌آمیختگی چند مؤسسه صنعتی یا بازرگانی که‌کار مشابهی را انجام میدهند و بیشتر تروست ها شرکتهائی‌هستند که‌اکثریت سهام شرکتهای‌تابعهٔ خودرا دارا بوده و نظارت و کنترول‌کامل در روش بازرگانی وصنعتی آنها دارند . مثلاً راکفلر که شرکت نفت استاندارد نیوجرزی را اداره‌میکردترتیبی داده بود که شرکت مزبور اکثریت سهام سی و چند شرکت دیگر را در دست داشت و بدینوسیله عملیات آنهارا تحت‌نظارت واختیار خود درآورده‌بود. پیدایش«تروست» ناشی ازاین بود که میخواستند رقابت را از میان برده و شرکتهای بزرگ بوسیلهٔ نظارت در شرکتهای کوچکتر استقلال شرکتهای کوچك را ازبین برده وکم و بیش انحصاری برقرار نمایند .

---

(۱) Viscount Bearstead

(۲) The Royal Dutch Petroleum Company

(۳) The Shell Transport and Trading Company

(۴) The British Petroleum Company

(۵) Trust

در امریکا و بعضی کشور های دیگر قوانین مخصوصی هست که تشکیل «تروست» را منع میکند و تحت عنوان آزادی تجارت و تشویق رقابت از انحصار هائی که بضرر جامعه است جلوگیری میکند ولی در بعضی کشور ها همچنین قوانینی نیست و تشکیل تروست مجاز است .

«کارتل» [۱] عبارت از ائتلافی است که بین شرکتهای بزرگ برای نظارت و هم‌آهنگی در تولید و فروش و تعیین قیمت و طرز توزیع کالا روی‌میدهد . شرکتهای عضو کارتل هریك استقلال کامل خودرا حفظ کرده ودر عملیات خودآزاد میباشند ولی در مواردیکه منافع مشترك آنها اقتضاء میکند ائتلاف کرده و بوسیلهٔ قرارداد های مخصوصی روش مشابه ومشترکی اتخاذ مینمایند .

مدتها بود که بسیاری از مردم جهان میدانستند که پنج شرکت نفت امریکائی بنام : ـ

شرکت نفت استاندارد نیوجرزی ـ شرکت سوکونی واکیوم ـ تکساس ـ شرکت نفت استانداردکالیفورنی ـ و شرکت نفت خلیج و یك شرکت مختلط هلاندی وانگلیسی باسم «رویال دچ شل» و یك شرکت تمام انگلیسی موسوم به « شرکت نفت بریتانیا » (که نام سابق‌آن شرکت نفت انگلیس وایران بود) کارتل بزرگ نفت را تشکیل داده ودرباطن بین خود قراردادهائی دارند که بهای‌فرآورده‌های‌نفتی‌را بسود خود بالا و پائین برده ودر سایرمسائلی که منافع مشترك دارند هم‌آهنگی‌نموده وهمواره سود سرشاری را برای خود تأمین مینمایند .

درسال ۱۹۵۲ گزارشی را که اعضای کمیسیون بازرگانی دولتی امریکا راجع به‌کارتل نفت تهیه کرده بود تقدیم یکی ازکمیته های مخصوص مجلس سنای امریکا نموده وکمیتهٔ مزبورآنرا برای‌اطلاع‌عموم منتشر کرد . چندی بعدازانتشار این گزارش که غوغای عظیمی درتمام محافل بازرگانی وصنعتی جهان برپا کرد دادستان دیوان کشور امریکا شروع ببررسی جزائی نمود تا معلوم داردکه آیا کارتل بین‌المللی نفت ودخالت پنج شرکت امریکائی درآن‌ناقض قوانین امریکابوده‌است‌یانه‌ودرعین‌حال‌دولت امریکا ادعائی هم در محاکم مربوطه برعلیه شرکتهای نفت استاندارد و نیوجرزی واستانداردکالیفورنی‌وسوکونی واکوم وتکساس طرح نمود ومدعی‌شدکه چهارشرکت مزبور درفروش نفت خاورمیانه بدولت خود اجحاف نموده‌اند ومطالبهٔ خسارت کرد .

فوری شرکت های نفت امریکائی وجـود کارتل بین‌المللی نفت را منکرشده وبدولت امریکا تذکردادندکه اگر قضیه بدادرسی برسد مطالب محرمانه‌ای در بارهٔ امتیازهای‌نفت که شرکتهای‌امریکائی درنقاط مختلف جهان وبخصوص خاورمیانه بدست آورده‌اند آشکار و عیان خـواهد شدکه منافی با مصلحت ومنافع ملی کشور امریکا می‌باشد.درباب اجحاف درقیمت هم چهارشرکت مهم بکلی ادعای دولت را انکارکرده و اظهار داشتندکه حاضر خـواهند بود درمحکمه جواب قانع کننده‌ای بدولت بدهند تاخود را تبرئه نمایند .

---

(۱) Cartel

برای نمونه جوابهائی را که بعضی ازاین شرکتهای بزرگ بدولت خود دادند درزیر نقل میکنم. شرکت تکساس درجوابی که بدیوان ناحیهٔ جنوبی نیویورك درتاریخ بیست ویکم سپتامبر ۱۹۵۳ داده میگوید : -

« تأثیر رقابت شرکت تکساس وشرکتهای تابعهٔ آن درکشورهای خارج نتایج سودمند ودامنه داری برای کشورما داشته است . سابقاً ایالات متحدهٔ امریکا ناچاربود که مقادیر زیادی نفت به نیم کرهٔ خاوری فرستاده واز ذخایرخودبکاهد ولی اکنون دیگرلازم نیست که ما این بارگران را تحمل کنیم . از این به بعد ذخایر نفت خارج میتواند مکمل ذخایرما شده ودرمواقع لزوم ازآنهااستفاده کرد . درائرمساعی شرکت-های بزرگ نفت امریکا کشور ما دسترسی به هزاران ملیون چلیك نفت خارج دارد که درنقاط سوق‌الجیشی واقع شده و میتواند مورد استفاده نیرو های نظامی ما قرار گیرد درحالیکه سابق ما ازچنین منابعی محروم بودیم . استفاده از خطوط لوله ونفتکش‌ها وپالایشگاهها وسایروسائط حمل نفت وتسهیلات‌فروش اینك برای ما تأمین گشته‌است.چنانکه درگذشته‌بکرات‌نشان داده‌ایم دولت امریکافقط باید زبان بگشاید تاتمام این منابع وسیع وتسهیلات مربوطهٔ بآن برای رفع احتیاجات‌ملی‌دراختیارآن‌قرار گیرد . عملیات شرکت تکساس درخارج طوری نبودکه شریك درکارتل‌صنعتی باشد. گذشتهٔ آن گواه براین است‌که شرکت تکساس همواره مؤمن باصول رقابت عادلانه بوده وکاری برخلاف قوانین ضد «تروست» نکرده است . اصول مزبورتوأم بامهارت فنی وابتکار وبخت مساعد برای‌کشف نفت بوده وموجب شده‌است‌که شرکت تکساس عامل مؤثری در رقابتهای خارج باشد وهیچگاه ازاصول مزبورمنحرف نشده است» .

شرکت نفت استاندارد نیوجرزی در لایحه‌ای که تقدیم دادستان کل امریکا کرده مینویسد : -

«آیا ما میتوانیم انتظارداشته باشیم‌که پادشاه عربستان سعودی یاپادشاه عراق حاکمیت رأی محکمهٔ امریکا را درمورد امتیازنامه هائی‌که آنها اعطا کرده‌اند قبول نمایند ؟ آیا ما میتوانیم راجع به تعداد وخصوصیات شرکتهائی‌که درکشور آنها نفت استخراج میکنند دستوری بآنها بدهیم ؟ وآیا میتوان توقع داشت‌که آنها به‌کم شدن حقوق خود ازنفت تن دردهند ؟ جواب این پرسشها تنها مربوط به حق‌حاکمیت کشور-های نفت‌خیز نیست بلکه ملاحظات دیگری را هم در بارهٔ وضع سیاسی و اقتصادی کشورهای خاورمیانه بمیان‌میآوردکه مورد توجه خواهد بود . غالب اصول وروشهای بازرگانی غرب‌درخاورمیانه مبنا ومفهومی‌ندارد . تاچند سال‌پیش‌شرکت سهامی‌دراین کشورها بوجود نیامده بود . بازرگانی‌محلی‌طبق قوانین قدیم اسلام‌وتوأم‌بامقرراتی‌که ازطرف سلطان وضع‌شده انجام‌میگوفت. مرحوم‌ابن‌سعود که‌دروصف او گفته‌شده که‌وی «پیغمبربیابان» بود وحتی‌اطلاق مردقرون وسطائی‌هم باونمیتوان‌کرد نمونه‌ای ازوضع حکومت آنجا بوده است . بالاخره سلاطینی مانند او هستندکه چگونگی تأسیسات اقتصادی وسیاسی کشورهای‌خاورمیانه‌رامعین‌مینمایند.هنگامیکه‌سلطان‌طرزکاراستخراج نفت را تعیین‌کرد محال بنظرمیرسیدکه او بمناسبت اینکه محکمه‌ای درامریکا آن را

موافق بارقابت بازرگانی تشخیص نداده راضی به‌تغییرآن باشد . بنابراین بدون‌توجه به تصمیم محاکم دادگستری ما ائتلاف شرکتها در امر نفت خاورمیانه ادامه خـواهد داشت . انگلیسها وهلندیها وفرانسویها وعراقیها واعراب سعودی علاقمند باین‌ائتلاف بوده وبقای آنراتأمین خواهند نمود.پافشاری دراینکه شرکتهای امریکائی بایداصولی را پیروی کنند که رقبای آنها پای‌بند بآن‌نیستند بغیرازضرر بسیاری که برای ما خواهد داشت نتیجهٔ دیگری را دربرندارد . چنین مقرراتی دست وپای شرکتهای امریکائی‌را خواهد بست ووضع آنها را درقبال شرکتهای خارجی که آزادی عمل داشته ومیتوانند طبق‌امیال کشورهای خاورمیانه باآنهامعامله نمایند وخیم خواهد نمود . وبالمآل ممکن است منتهی باین‌شود که شرکتهای امریکائی‌مجبورشوند ازمیدان‌عملیات درآن کشورها خارج شده وزیان بسیاری‌بمنافع کشورامریکاواردآید. اینکه امریکا بوسیلهٔ قوانین ضد «تروست» خودنمیتواند بطور مؤثری دروضع بازرگانی‌واقتصادی کشورهای‌خاورمیانه دخالت نمایدمانع ازاین‌نخواهدبود که‌درعین‌حال‌مبادرت باقداماتی‌نماید که‌اززیان‌بمنافع خود جلوگیری‌نماید. کشورامریکاهمیشه آزاداست ومیتواند نیروی‌عظیم سیاسی وشهرت خودرا بوسایل طرق دیپلوماسی بکار انداخته ودولتهای خاورمیانه‌را تشویق نماید که منافع مشروع‌امریکارا درنفت‌خاورمیانه بشناسند ولی‌چنین اعمال‌نفوذ وتشویق با طرح ادعا در محاکم امریکا تفاوت بسیار دارد زیرا طرح دعوا در محاکم مزبور موجب این خواهد شد که امور داخلی و محرمانهٔ کشور های خاورمیانه در محاکم مطرح و آشکار گردیده و چنین وانمود گردد که محکمهٔ امریکائی میخواهد در امور دیگران دخالت ونظارت‌نماید . تنها نتیجهٔ کوشش دولت‌امریکا در اجرای قوانین‌ضد«تروست» خود بطرزی که موجب کنترول تأسیسات اقتصادی کشور هـای خاورمیانه بشود این خواهد بود که گفته شود دولت امریکا سیاست آزادمنش دیرینهٔ خودرا که‌سودمندبوده رها کرده و چنین اقدامی را تعبیر بیك سیاست استعماری‌درامور اقتصادی خودخواهند نمود زیرا از دولتها و مردم خاورمیانه نمیتوان متوقع بود که عملیات و روش ما را جز از دریچهٔ منافع خود نظاره کرده و قضاوت نمایند . اگر دولت امریکا بخواهد چنین رویه‌ای را پیش‌گیرد ضرر های هنگفتی بآن وارد خواهد آمد زیرا علاوه بر اینکه آبروی شرکتهای امریکائی درخارج برباد خواهد رفت خروج شرکتهای‌مزبور از میدان عمل حتمی خواهد بود . هنگامیکه دخالت دیگران در امور داخلی کشوری آغاز گردد حس ملیت تحریك شده و مردم تقاضا خواهندکرد که عملیات اقتصادی را خود عهده‌دار گردند . کومونیزم روسیه همواره ساعی‌است که زمینه را برای چنین‌پیش آمد هائی مساعد نماید و نقشه های آن طوری طرح شده که پرچم احساسات ملی را درکشور های خاورمیانه برافرازد تا نفوذ غرب را ازکشور های مزبور براند . این کشور های نفت‌خیز که مردمشان ساده و بی‌آلایش میباشند و احساسات‌ملی نیرومندی دارند بهترین شکار برای روشهای کومونیستی است و چون شرکتهای نفت مهم ترین منبع ثروت آنها را استخراج میکنند تمام حملات متوجه شرکتهای مزبور خواهد شد. حملاتی کـه برعلیه شرکتهای نفت در امریکا میشود صدمهٔ زیادی بمنافع امریکا در

خاورمیانه وارد ساخته و متهم کردن آنها باینکه قوانین ضدتروست را نقض کرده‌اند در خاورمیانه چنین تعبیر میشود که دولت امریکا رسماً ازعملیات بازرگانی واقتصادی اتباع خود ناراضی بوده است . این نکته را باید مدّ نظر داشت که اساس اقتصاد عربستان سعودی و چند کشور دیگر خاورمیانه روی بنیان نفت قرار گرفته و درآمد کشور های مزبور ناشی از بهائی است که برای نفت آنها تعیین گردیده است. به‌نظر مردمان خاورمیانه بهیچوجه معقول نمیآید که یك محکمهٔ امریکائی حکمی راجع ببهای نفت آنها صادر نماید و مدعی شود که از لحاظ منافع مصرف کننده امریکائی بچنین اقدامی مبادرت کرده است و نباید فراموش کرد که درآمد نفت وسیلهٔ حیاتی ومعاشی عربهای سعودی است . اگر محکمهٔ امریکائی بخواهد چنین حکمی صادر نماید کشور-های خاورمیانه آنرا یك عمل خصمانه‌ای تلقی خواهند کرد و آبروی شرکتهای امریکائی در منطقه‌ای که آبرو اهمیت فراوان دارد ازمیان خواهد رفت. »

در ۲۹ سپتامبر ۱۹۵٤ مسترجنینگ[۱] رئیس شرکت سوکونی واکوم درنطقی که در شهر لوس‌انجلس[۲] ایراد کرد گفت :

« دو سال پیش هنگامیکه دعوائی برعلیه شرکتهای نفت در محاکم طرح شدو اتهام ایجادکارتل بما دادند تعجب و تحیر غریبی برای ما دست داد زیرا ما همیشه اولیای دولت را از عملیات خود درخارج مطلع ساخته و این خود دولت بود که در وهلهٔ اول ما را تشویق نمود که در خارج امتیازاتی بدست‌آوریم . اتهامات وارده‌در غالب موارد ناشی از عملیاتی بود که جزئیات آنرا ما همیشه با اولیای مربوطه بحث کرده و با مشورت آنها بچنین عملیاتی مبادرت کرده‌ایم . »

بالاخره نفوذ و قدرت شرکتهای نفت امریکا و فشاریکه از هر طرف بدولت امریکا وارد گشت باعث شد که در اوایل سال ۱۹۵۳ دولت مزبور دستور دهد که بررسی راجع به‌کارتل متوقف گردد و اظهار داشت که از لحاظ امنیت ملی و منافع عمومی مصلحت براین شده است که این کار فعلاً راکد بماند .

قدرت و نیروی شرکتهای عضو کارتل بحدی است که تصمیم دولت‌امریکاراتغییر میدهد و دستگاه تبلیغات آن باندازه‌ای مجهز است که افکار عمومی را میتواند بنفع خود تغییر دهد ولی‌حقایق‌چندی هست که نظارت‌و کنترول‌این هفت شرکت عضو کارتل‌را در مورد منابع نفتی جهان واضح وآشکار میسازد .

هفت شرکتی که‌کارتل نفت را تشکیل میدهند و نام آنها دربالا ذکرشدتقریباً صاحب کلیهٔ امتیازات نفتی در کشور های عمدهٔ نفت‌خیز جهان میباشند . تمام امتیازات نفت خاورمیانه (باستثنای امتیاز منطقهٔ بیطرف کویت وسعودی) در دست این هفت شرکت است و تنها شرکت دیگری که دراین ناحیه سهمی دارد یك شرکت فرانسوی است بنام شرکت نفت فرانسوی[۳] که بعضی اوقات آنراهم جزو کارتل محسوب‌میدارند . در ونزوئلا امتیازات نفت در دست چهار شرکت‌بزرگ امریکائی‌عضو کارتل وشرکت

---

(۱) B. Brewster Jennings (۲) Los Angeles

(۳) Compagnie Française des Petroles

مختلط هلاندی و انگلیسی است . امتیازات خاوردور در دست شرکتهای انگلیسی و هلاندی و امریکائی عضو کارتل است و در واقع اعضای این کارتل قسمت مهم امتیازات مربوط باستخراج نفت را در تمام نقاط عمدهٔ نفتخیز جهان دارا میباشند .

بطور اختصار وضع کنونی صنعت نفت جهان و مقام و موقعیت کارتل بقرار زیر است:

۱ - روسیهٔ شوروی و رومانی و مکزیك سه کشور بزرگ نفتخیزی هستند که قریب سیزده در صد کل محصول نفت جهان را دارا میباشد . اختیار ومالکیت صنعت نفت این سه کشور در دست دولتهایشان است و کارتل در آنجا هیچگونه سمتی ندارد .

۲ - ایالات متحدهٔ امریکا تقریباً چهل و پنج در صد محصول نفت جهان را تولید میکند و کارتل نفت باستثنای یکی از آنها که همان شرکت نفت بریتانیا باشد سی و یك در صد محصول نفت این کشور را استخراج میکند .

۳ - چند کشور نفتخیز در اروپا و امریکا هستند که شرکتهای دخیل در کارتل اختیار کامل استخراج نفت آنها را بدست نیاورده اند ولی جمع محصول آنها از یك درصد مجموع محصول جهان تجاوز نمیکند و ناچیز است .

٤ - بقیه که قریب چهل و یك درصد مجموع محصول جهان میباشد در اختیار مطلق کارتل میباشد .

اگر صنعت نفت روسیهٔ شوروی و رومانی و مکزیك را مستثنی کنیم سهم کارتل نفت از بقیهٔ صنعت نفت جهان درسال ۱۹۵٤ بقرار زیر بوده است :

۱ - استخراج ۵۵ درصد

۲ - پالایش ۵۷ درصد

۳ - کشتی های نفتکش (که مالك آنها بوده

یا بوسیلهٔ اجاره تحت اختیار خود داشته است) ٦۷ درصد

٤ - کلیهٔ خطوط لولهٔ نفت در تمام نقاط جهان باستثنای خطوط لولهٔ شوروی و مکزیك و رومانی وقسمتی از خطوط لولهٔ امریکا

۵ . چون شرکتهای دیگری به تجارت نفت بین المللی جز شرکتهای کارتل اشتغال ندارند که بتوانند مقادیر زیاد نفت را در دسترس مشتریان بگذارند بالطبع قسمت عمدهٔ وسایل و تسهیلات فروش نفت در کشور های مختلف در دست کارتل میباشد. ارقام واطلاعات فوق کاملاً واضح میدارد که صنعت نفت جهان تا چه اندازه در تحت اختیار و نظارت کارتل نفت قرار گرفته است و اینك مختصری هم در باب روابط این هفت شرکت میگوئیم تا آشکار شود چگونه ائتلاف واتحاد آنها درراه بدست آوردن سود مشترك بکار میرود.

وسایل ارتباط بین این هفت شرکت شرکتهای تابعه‌ای هستند که برای تشریك مساعی شرکتهای بزرگ تشکیل شده اند ودر واقع واسطهٔ همکاری و همقدمی و و شریك شدن در عملیات نواحی مختلف جهان میباشند . هریك از شرکتهای کارتل دارای شرکتهای تابعهٔ متعددی هستند که سهام آنها را یك یا چند شرکتهای دیگر

کارتل دارا هستند و این شریك بودن در شرکتهای تابعه ایجاد حس همکاری و پیروی از سیاست و روش متحدی مینماید . شواهد و امثلهٔ مختلفی موجود است که تشریك مساعی شرکتهای بزرگ را درامرواحدی آشکار میسازد وبرای نمونه چندتا از آنهارا در زیر نقل میکنیم :

شرکت نفت عراق[۱] که دارای امتیاز نفت عراق و شیخ‌نشین قطر درخلیج فارس و بعضی نقاط دیگر است از شش شرکت تشکیل شده است . یکی از این شرکتها فقط پنج در صد سهام را دارد و متعلق است به گولبنکیان[۲] معروف که این سهم را در اثر دلالی و زرنگی مخصوص خود بدست آورد . بقیهٔ نود و پنج در صد سهام شرکت نفت عراق به چهار قسمت متساوی بین شرکت رویال دچ شل و شرکت نفت بریتانیا و شرکت نفت فرانسه و شرکت توسعهٔ خاورمیانه[۳] تقسیم شده است . شرکت آخری یك شرکت امریکائی است که نصف سهام آن دردست شرکت استانداردنیوجرزی و نصف دیگرش در دست شرکت نفت سوکونی واکوم است و خود شرکت نفت عراق دارای سیزده شرکت تابعهٔ دیگر است .

درخاور دور شرکت نفت استاندارد نیوجرزی و شرکت نفت سوکونی و اکوم شرکت تابعه‌ای بنام شرکت استاندارد واکوم[۴] تشکیل داده‌اند که هرکدام نصف سهام آنرا دارا هستند . و بعد شرکت استاندارد واکوم شرکت تابعهٔ دیگری تشکیل داده بنام شرکت نفت واکوم[۵] که تمام سهام آن دردست شرکت استاندارد واکوم است بعد شرکت نفت و اکوم هم بنوبهٔ خود چندین شرکت تابعهٔ دیگر ایجاد کرده که شرکت نفت بریتا دردوتا ازآنها شریك و شرکت استاندارد کالیفورنی و شرکت تکساس در چند تای دیگرشریك هستند .

درعربستان سعودی امتیاز استخراج نفت با شرکتی است بنام شرکت نفت عربی وامریکائی[۶] که سی درصد سهام آن متعلق بشرکت نفت استاندارد نیوجرزی وسی درصد متلق بشرکت نفت استاندارد کالیفورنی وسی درصد متعلق بشرکت نفت تکساس و ده درصد متعلق بشرکت نفت سوکونی واکوم میباشد .

دراروپا شرکت نفت استانداردکالیفورنی وشرکت نفت تکساس شرکت تابعه‌ای بنام شرکت کالیفورنی و تکساس[۷] تشکیل داده‌اند که هریك نصف سهام آن را دارند و این شرکت تابعه سی و پنج شرکت تابعه درکشورهای مختلف اروپا برای فروش نفت تشکیل داده است .

سازمانهای مختلفی که شرکتهای هفتگانهٔ کارتل بوسیلهٔ شرکتهای تابعه تشکیل داده‌اند بی‌شماراست ونمونه های فوق نشان میدهد به چه نحو این شرکتها بایکدیگر شرکت کرده وعملیات خودرا درمناطق مختلف یکنواخت ومربوط بیکدیگرمیسازند .

---

(۱) Iraq Petroleum Company (۲) G. S. Gulbenkian که درسال ۱۹۳۴ شمسی درگذشت

(۳) Near East Development Corporation (۴) Standard Vacuum Oil Company

(۵) Vacuum Oil Company (۶) Arabian - American Oil Company

(۷) California -Texas Corporation

درهیئت مدیرهٔ هریك ازشرکتهای تابعه چندنفر از مدیران شرکت اصلی یاشرکتهای مادری شرکت میکنند و بایکدیگرهمکاری مینمایند ویك روش وروبهٔ مشترکی درباب سیاست ادارهٔ صنعت نفت جهان بوجود میآورند بطوریکه مدیران شرکتهای هفتگانه بوسیلهٔ هیئتهای مدیرهٔ شرکتهای تابعه ایجاد سیاست واحدی مینمایند.

تمرکزمنافع وتشریك مساعی درنواحی مختلف موجب میشودکه تفاهمی راجع به سیاست کلی اداره صنعت نفت جهان بوجودآید وقراردادهائی راجع به تنظیم بهای فرآورده‌های نفتی منعقد گردد. درظاهرشرکتهای هفتگانه شخصیت مستقل ووجود رقابت بین خود را برخ عامه میکشند و در باطن مقاصد مشترك را پیروی مینمایند. امروز درتجارت نفت بین‌المللی خرید وفروش به اشخاص مستقل وچانه زدن و تخفیف گرفتن وعملیات دیگری که دربارهٔخرید وفروش کالاهای دیگرمعمول ورایج است وجود ندارد ودرواقع کارتل بوسیلهٔ ایجاد شرکتهای تابعه ومعاوضهٔ مدیران و کنترول سرمایه وعملیات شرکتهای تابعه وعقد قراردادهای خصوصی بین خود برای خرید وفروش مقادیر زیاد نفت خام ورعایت قرارهای خصوصی راجع به ثابت نگاه داشتن بهای نفت و غیره یك انحصارغیرمرئی بوجود آورده است.

یکی دیگر ازوسایلی که شرکتهای کارتل را بایکدیگرمربوط وممزوج کرده‌است قراردادهای فروشی‌است که بین‌آنها منعقد میشود ومقادیرزیادی نفت خام وتصفیه شده بین‌آنها دست بدست میگردد. هروقت که راجع باین‌گونه قرارداد ها درجراید ومحافل عمومی بحث شود شرکتهای کارتل فوری مدعی میشوندکه آنها مبادرت بیك عمل بازرگانی ساده نموده و هیچگونه خدشه‌ای درآن نیست ولی هنگامیکه کنجکاوان وموشکافان بچگونگی این قراردادها پی میبرندآشکار میشودکه قراردادهای مزبور یك وسیلهٔ دیگری برای تداخل و امتزاج‌عملیات این شرکتها میباشد وآلتی بوده است برای آنکه محصول ناحیه‌ای را بین خود تقسیم نموده وازرقابت درفروش جلوگیری کرده ودرواقع منافع خریدار و فروشنده را محفوظ نگاهدارد. هدف این قراردادها این‌است که مانع شوند مازاد محصول بدست شرکتهای خارج ازکارتل برسد و بهای محصولات نفتی کمش یابد و محدودیتهائی که منظور نظرکارتل است از میان برود و بطور خلاصه اینگونه قراردادها باقرارداد های معمول در امور بازرگانی تفاوت بسیار دارد.

اینك برای نمونه یکی ازاین قراردادهارا شرح میدهیم :-

امتیاز استخراج نفت کویت بدست شرکتی است موسوم به شرکت نفت کویت[۱] که نصف‌سهام‌آن متعلق بشرکت نفت خلیج[۲] امریکائی ونصف دیگرش متعلق بشرکت نفت بریتانیا[۳] میباشد. درسال ۱۹۴۷ شرکت نفت خلیج قرارداد طولانی با شرکت نفت شل[۴] منعقد کردکه بموجب‌آن قسمت عمدهٔ نفتی را که شرکت نفت خلیج درکویت استخراج میکند بشرکت نفت شل بفروشد. مدت این‌قرارداد برای بیست ودوسال‌است

---

(۱) Kuwait Oil Company (۲) Gulf Oil Corporation

(۳) British Petroleum Company که‌همان شرکت سابق‌نفت ایران وانگلیس‌است.

(۴) The shell Oil Company

ولی اگرهریك ازطرفین پنج‌سال قبل ازختم مدت بطرف دیگراعلامیه‌ای راجع بفسخ قرارداد نداد قرارداد مزبورخودبخود ادامه خواهدداشت . مقادیرنفتی که شرکت خلیج بموجب این قرارداد باید بشرکت شل درمدت بیست ودوسال تحویل دهد قریب یکصد وهشتاد ملیون تن نفت خام است .

درظاهرامر قرارداد مزبوریك معاملهٔ بازرگانی معقولی بنظر میرسد وحاکی از این است که چون شرکت خلیج‌وسایل‌فروش‌کافی درنیم‌کرهٔ شرقی ندارد نفت‌خام خودرا بشرکت شل که دارای وسایل کافی است میفروشد وشرکت شل هم‌آنرا دربازارهائی که دردست دارد بفروش خواهد رساند ولی درباطن امر این قرارداد مقید بمحدودیت های زیر است :

۱ــ اگر شرکت خلیج نفتی را که ازکویت یا هرنقطهٔ دیگر درنیم‌کرهٔ شرقی بدست میآورد ببهای کمتری عرضه‌بداردبهمان نسبت ازبهائی که شرکت شل‌بآن‌میپردازد کاسته خواهد شد .

۲ــ اگرشرکت خلیج بخواهدنفت‌کویت‌را خود مستقیماً به بازارآورده وبفروشد ازمیزانی که تعهد کرده‌است بشرکت شل تحویل دهدکاسته خواهدشد وبرخلاف مندرجات قرارداد خواهد بود .

درازای این محدودیتها شرکت شل متعهد شده‌است که سود حاصله ازفروش‌نفت کویت‌را پس‌ازوضع مخارج باشرکت خلیج تنصیف نماید .

بطورخلاصه « شرکت خلیج » نفت‌کویت را استخراج میکند وبااحتساب هزینهٔ استخراج‌آنرا تحویل شرکت شل میدهدکه بفروش رسانده و منافع حاصله را تنصیف نمایند و ضمناً قرار داد مزبور مانع ازاین میشود که شرکت خلیج مستقلاً نفت کویت را به بازار های نیم‌کرهٔ شرقی آورده وازراه‌کم‌کردن بها با دیگران رقابت کرده آنرا بفروشد .

قرارداد دیگری‌که درهمان‌اوان‌بین شرکت نفت بریتانیا وشرکت نفت استاندارد نیوجرزی برای مدت بیست سال منعقدگردید حائز بسی اهمیت بوده و نشان میدادکه ازیکطرف امریکائیها فشار آورده‌اندکه درنفت ایران سهمی داشته واز طرف دیگر شرکت نفت بریتانیا مایل بوده‌که خط لوله‌ای از معادن نفت ایران بدریای مدیترانه کشیده ودرهزینهٔ کرایهٔ نفت‌کاهشی‌بدست‌آورد وضمناً ازشرکت نفت عربستان سعودی‌که لوله‌ای بین عربستان ومدیترانه ایجادکرده بود عقب نماند.

درسال ۱۹۴۷ قرارداد مزبور بین شرکت نفت بریتانیا وشرکت نفت استاندارد نیوجرزی برای مدت بیست سال منعقدگردید . شرایط قرارداد بقرار زیر بود :

۱ــ مقدار نفتی‌که باید شرکت نفت بریتانیا تحویل دهد ۱۰۶۴۰۰۰۰۰ تن نفت خام بودکه آن را یاازمعادن نفت ایران و یا ازمعادن نفت‌کویت برحسب میل خود تحویل میداد .

۲ــ بهای این نفت عبارت بود از قیمت تمام شده باضافهٔ یك سود معینی درتمام مدت بیست سال .

۳- شروع قرارداد از تاریخی بود که خط لولهٔ بین ایران و مدیترانه ساخته وآمادهٔ بکار شود .

نکتهٔ جالب دراین قرارداد این است که شرکت نفت استاندارد نیوجرزی بوسیلهٔ این قرارداد حق بازرسی دفاتر شرکت نفت بریتانیا را پیدا کرده و بوسیلهٔ بازرسان خود بهای نفت تمام شده را بدست میآورد وضمناً سود معین مقرره معلوم میداشت (که بدون رعایت افزایش وکاهش قیمت نفت در دنیا و تغییرات دیگری که ممکن بود روی دهد) این قرارداد روی اصول تجارتی معموله منعقد نشده بلکه باین منظور بوده است که شرکت نفت استاندارد نیوجرزی بطورغیرمستقیم درمحصول ایران و کویت سهیم باشد . شرط دیگری هم که در قرارداد ذکر شده این است که شرکت نفت استاندارد متعهد است نفت مزبوررا در بازارهای معین اروپا بفروش‌رساند ودر بازارهائی که در شرق کانال سوئز میباشد نفت مزبوررا نفروشد .

درهمان سال ۱۹٤۷ دوقرارداد دیگرهم بین شرکت نفت بریتانیا وشرکت نفت سوکونی واکوم منعقد گشت که شرایط آنها شبیه به قرارداد بین شرکت نفت بریتانیا وشرکت نفت استاندارد نیوجرزی بود و فقط مقدارآن کمتر وعبارت ازتحویل دادن ٦٦۰۰۰۰۰۰تن نفت خام درمدت بیست سال بود .

در سال ۱۹٤۸ شرکتی بنام شرکت خطوط لولهٔ خاورمیانه[۱] درلندن تشکیل گردید که شصت ونه دهم (٦۰,۹) درصد سهام آن متعلق بشرکت نفت بریتانیا وبیست وچهاروهفت دهم (۲٤/۷) درصد سهام متعلق بشرکت نفت استاندارد نیوجرزی وچهارده وچهار دهم (۱٤/٤) درصد آن متعلق بشرکت نفت سوکونی واکوم بود . این شرکت برای این تأسیس شده بود که خط لوله‌ای از کویت و ایران بدریای مدیترانه بکشد که سالیانه سی‌ملیون‌تن نفت‌راحمل نماید وطبق برآوردی که کرده بودند خرج ساختن این لوله درحدود دویست وسی‌ودوملیون دلاربود .

تجربه‌ای که ازخط لولهٔ بین عربستان سعودی ومدیترانه حاصل‌شده‌این است که: (الف) ازلحاظ سوق‌الجیشی حمل‌نفت باکشتی درموقع جنگ کم خطرتر ازحمل بالوله میباشد و (ب) درصورتیکه نرخ کرایهٔ باکشتی پائین باشد تفاوت زیادی بین حمل‌نفت باکشتی و لوله نیست و (ج) مشکلاتی که شرکت خطوط لولهٔ خاور میانه برای تحصیل حق عبور از خاك عراق و سوریه با آن مواجه گردید موجب گشته که ساختن خطوط لوله بتعویق افتد وهنوزهم معلوم نیست که آیاماًلاً بچنین کاری‌مبادرت خواهند کرد یانه ؟

چون چنین‌تعویقی درساختن‌خط لوله ایجادگشت‌درسال۱۹۵۱ قراردادهای الحاقی بین شرکت نفت بریتانیا وشرکت استاندارد وسوکونی واکوم منعقدگردید که تحویل نفت معلق بساختن‌لوله نباشد ودوشرکت خریداربتوانند باکشتی‌نفت خودرا حمل‌نمایند واینك این قراردادها اجرا میشود .

بطوریکه دربالا گفته شد یکی دیگر از وسایل امتزاج شرکتهای کارتل عقد

---

(۱) Middle East Pipelines Limited

اینگونه قراردادهای طولانی‌میباشدکه نفت‌را شرکتی استخراج کرده وتحویل شرکت دیگری برای فروش میدهد و بدینوسیله شرکتهای کارتل درکار یکدیگرسهیم بوده و بواسطهٔ منافع مشترکی که دارند درفروش‌وثابت نگاهداشتن قیمتها و تجاوز نکردن ببازارهای یکدیگرسیاست واحدی را پیروی مینمایند .

درکشورونزوئلاقرارداد های طویل‌المدة نقش ونگار دیگری‌داشت‌که مختصر ذکری ازآن‌بی‌موردنیست ونوع دیگری ازامتزاج شرکتهای‌کارتل راآشکار میسازد .

درسال۱۹۳۷ نود ونه درصداستخراج نفت ونزوئلا دردست شرکت شل وشرکت استاندارد نیوجرزی وشرکت خلیج بود وبیشتر محصول آن‌کشورهم از معادن غربی آن کشور بدست میآمد که جنس نفت آن سنگین و زیاد مورد پسند نبود . درهمان اوان معادن شرقی ونزوئلا کشف شدکه جنس نفت‌آن سبك‌تر وبهتر بود وبرای این سه شرکت مشکلی‌را ایجاد نمود زیرابازاری برای محصول جدید درآنوقت نداشتند . چند سال قبل ازآن‌درایالات متحدهٔ امریکا قوانینی وضع شده بودکه واردات نفت را ازخارج محدود کرده و عوارض‌گمرکی‌آنرا افزوده بودند و درسال ۱۹۳۷ مجموع واردات نفت بآن‌کشور برابر با چهار الی پنج درصدکل استخراج داخلی شده بود . برای آنکه مشکل تازه را حل نمایند و استخراج ونزوئلا را تحت نظارت بیاورند قراردادهای مختلفی بین سه شرکت مزبور منعقدگردیدکه امتزاج عملیات‌آنهارا تأمین نموده واستخراج را نیزمحدود مینمود .

بازهم دراین مورد ظاهرکار حفظ شد وبدن اینکه باستقلال ظاهری عملیات این سه شرکت خللی وارد آید قرارداد های متعددی بین آنها منعقدگشت‌که نتیجهٔ آن ائتلاف و اتحاد این سه دستگاه بود و در باطن امر این سه مؤسسه را بشکل یك واحد درآورد .

درسال ۱۹۳۷ شرکت خلیج بوسیلهٔ شرکت تابعهٔ خود موسوم به «شرکت نفت منه‌گراند»[۱] دارای امتیاز های متعدد در ونزوئلا بودکه در قسمتی ازآن باستخراج میپرداخت ودرقسمت دیگر به‌کاوش و اکتشاف مشغول بود ولی در غالب حوزه های امتیاز به‌شرکت‌خلیج وشرکت استاندارد حقوق مشترکی داشتند بدین‌معنی‌که عملیات آنها ازیکدیگرمجزا بود ولی اراضی مورد امتیازآنها مشترك بود . درآن سال این دوشرکت تصمیم‌گرفتندکه در عملیات حوزه های مشترك هم بایکدیگر شریك شوند وبرای این‌منظورقراردادی منعقدکردندکه بموجب‌آن هریك از این دوشرکت عملیات خودرا مستقلاً انجام میداد ولی درآخرسال هرخرجی‌که هریك ازاین دوشرکت‌کرده بود روی هم ریخته ونصف میشد وهرمقدارنفتی‌هم‌که بدست میآمد بطورمساوی تقسیم میگردید . علاوه براین شرکت نفت منه‌گراند نصف‌کلیهٔ حقوق‌امتیازی‌ومایملك خودرا در حوزه هائی که منفرداً مالك بود بشرکت استاندارد درازای یکصد ملیون دولار فروخت . یکسال پس ازاین معامله هم شرکت استاندارد نصف ازحقوق ومایملکی‌را که ازشرکت نفت منه‌گراند خریده بود بشرکت شل واگذارکرد بطوریکه دراوایل

---

(۱) Mene Grande oil Company

سال ۱۹۳۸ درکلیهٔ دارائی‌وحقوق ومایملك شرکت نفت‌منه‌گراند درونزوئلا دوشرکت دیگرهم سهیم شدند ودرآن تاریخ تسهیم مایملك منه‌گراند بدین قرار بود : شرکت نفت منه گراند (که شرکت تابعهٔ شرکت خلیج بود) پنجاه درصد ازاموال وحقوق - شرکت نفت استاندارد نیوجرزی بیست‌درصد وشرکت شل هم بیست وپنج درصد . ولی باید متذکر بود که حوزه های امتیاز انفرادی شرکت شل وشرکت استاندارد در ونزوئلا که هریك مستقلاً آن‌را اداره میکردندبحال سابق باقی‌بود وشرکت‌منه‌گراند را درآن سهیم نکردند . نتیجهٔ این قرارداد این‌شدکه شرکت منه‌گراند نصف حقوق ودارائی خود را بدوشرکت دیگرواگذارکرد و مقام دوم را حائزگردید وگرچه هم اکنون ظاهراً عملیات شرکت منه‌گراند مستقل ومجزا می‌باشد ولی درباطن امرنصف آن متعلق بدیگران است وکمیته‌ای مرکب از نمایندگان سه شرکت مزبور در تمام عملیات شرکت منه‌گراند نظارت‌کرده و سرپرستی‌آنرا مینماید. نتیجهٔ این قراردادها علاوه براینکه امتزاج این سه شرکت را تأمین‌کرده این بوده است‌که اختیاراستخراج ومیزان‌آنرا تحت نظارت‌آورده‌ورقابت‌را بکلی ازمیان‌برده ودرباطن رویهٔ واحدی را برای این سه شرکت تعیین نموده است .

اسم این‌کاررا قرارداد فروش نفت‌گذاشته‌اندومدعی شده‌اندکه شرکت‌منه‌گراند قراردادی برای فروش قسمتی از محصول خود منعقد نموده است ولی درحقیقت‌امتزاج واختلاطی‌از عملیات شرکتهای‌مزبور بوده است .

دربالا بطور اختصار بست وبند هائی‌که شرکتهای‌کارتل برای امتزاج‌وارتباط بین خودکرده‌اند شرح داده شد واینك شمه‌ای هم از دعاوی‌آنها ذکر میکنیم که‌طرز استدلال‌آنها وتوجیهی که برای عملیات خود میکنندگفته شده باشد .

شرکتهای‌کارتل مدعی هستندکه هزینهٔ گزاف و خطر از بین رفتن سرمایه و وقایع اقتصادی وسیاسی که ممکن است منتهی به زیانهای‌گزاف بشود موجب‌گشته است‌که صنعت نفت دنیا بدست چند شرکت بزرگ افتاده و بوسیلهٔ‌آنها اداره شود . هرگاه درنظرگرفته شودکه عملیات ابتدائی برای‌کشف‌نفت درکشورهائی که‌ازلحاظ اقتصادی پیشرفت بسیار نکرده‌اند متضمن هزینهٔ ملیون‌ها دولار است و پس ازکشف نفت هم سالها طول میکشد تا عملیات استخراج به‌نتیجهٔ مطلوبه برسد و مهارت فنی‌و اطلاع علمی‌که نتیجهٔ سالها تجربه وآزمایش لازم میباشد بآسانی فراهم نیست و بعد هم‌که نفت استخراج‌شد دستگاه ووسایل عظیمی لازم‌است تاآنرا به‌خریداران‌برساند آنوقت معلوم میشودکه چرا صنعت نفت باید عظمت‌کنونی را داشته و روشهائی که پیروی میشود چه‌اندازه لازم و ضروری میباشد . ونیزمیگویند فقط شرکت‌های‌بزرگ و سرمایه های هنگفت آنها قادر هستندکه هر سال مبالغ کثیری صرف مطالعات و آزمایشهای علمی‌کرده وجنس نفت را بهتر نموده و محصولات جدیدی از آن بدست بیاورند واگر کار بدست شرکتهای‌کوچك باشد چنین پیشرفتهائی حاصل نمیگردد . بعلاوه میگویندکشور های نفت‌خیز غالباً صنعتی نبوده و برای تمام نفتی‌که استخراج میکنند مصرف ندارند وباید آنرا بکشور های صنعتی غرب اروپا بفرستند و این‌کار

مستلزم داشتن وسایل حمل ونقل منظم وپالایشگاه های بزرگ ووسایل فروش وسیعی است که از عهدهٔ شرکتهای کوچك خارج است .

شرکتهای کارتل مدعی هستند که رقابت در تجارت نفت همیشه موجود بوده و تفاهمی بین آنها دربارهٔ ثابت نگاهداشتن قیمتها و بندوبست برای بدست آوردن سودهای گزاف نیست و بعلاوه میگویند اگر شرکتهای کارتل سود گزافی از فروش نفت بدست میآورند تمام سود سالیانه را بین سهامداران خود تقسیم نمیکنند بلکه قسمت اعظم آنرا بـه سرمایه و ذخایر نقدی خود میافزایند تا بتوانند صنعت نفت را توسعه داده و تسهیلات جدیدی برای مصرف کنندگان فراهم سازند .

ادعای دیگر کارتل اینستکه همهٔ امتیازات نفت درکشورهای خارجه درانحصار آنها نیست واز جنگ دوم ببعد بسیاری از شرکتهای امریکائی که سابقاً امتیاز نفت در خارج نداشته‌اند اکنون بتحصیل آنها پرداخته‌اند و بطور شاهد امتیازهائی که در سنوات اخیر درکانادا ومصر وحبشه و ناحیهٔ بیطرف (بین عربستان سعودی و کویت) بدست شرکتهای مزبور افتاده مثال میآورند .

وضع کنونی شرکتهای کارتل ونفوذ وقدرت وعظمت وانحصارهای آنرا دربالا شرح داده ومدافعاتی راکه برای توجیه عملیات خود مینمایند نیز بیان کردیم واینك قضاوت بین این دو را بعهدهٔ خواننده وامیگذاریم .

بخش دهم ـ نظارت در بازارهای نفت وتعیین بهای محصول

چنانکه دربخش پیش گفته شد هریك از شرکتهای بزرگ نفت بوسیلهٔ امتیازهای گوناگون قسمتی از معادن سرشار نفت جهان را مستقلاً بدست آورده وذخایر عمدهٔ نفت ووسایل استخراج وحمل ونقل وفروش نفت را مالك میباشند. بعلاوه از راه امتزاج و استخراج شرکتهای تـابعهٔ خود مالکیت مشترك قسمت دیگری از معادن نفت را در سایر نقاط مانند کشورهای خاورمیانه وونزوئلا بدست آورده‌اند وهمچنین بوسیلهٔ عقد قرارداد های خرید وفروش محصول بین خود ائتلاف وارتباط کاملی بین عملیات خود ایجاد نموده‌اند وباین هم اکتفا نکرده بوسیلهٔ قرارداد های دیگری که استخراج وتوزیع را محدود مینماید نظارت کاملی درتمام شئون صنعت نفت جهان برقرار نموده‌اند. هدف این قرارداد ها این بوده است کـه شرکتهای بزرگ نظارت مؤثر و کاملی در امر توزیع نفت و ثـابت نگاهداشتن قیمتها برای خود محفوظ دارند و از این راه سود سرشاری ببرند .

درفصل دیگری راجع به رقابتها و کشمکش هائیکه قبل ازجنگ اول بین المللی بین بعضی از شرکتهای بزرگ نفت موجود بوده ذکری شده است و آنچه در اینجا گفته میشود مربوط بوقایعی است که از سال ۱۹۲۰ ببعد رویداده است .

پس از جنگ اول جهانی معلوم گشت که نظارت دراستخراج وهمآهنگی بین شرکت

های بزرگ درمورد تولید نفت کافی نیست که از رقابت درقیمت محصولات نفتی بکاهد وحتی مبارزهٔ شدیدی بین دوتا ازاین شرکتها در قارهٔ آسیا آغاز گشت . لذا در سال ۱۹۲۸ قراردادی بین شرکتهای بزرگ منعقد گردید که از راه محدود کردن استخراج ونظارت درامر صادرات رقابت درقیمت را ازمیان ببرند . بعداز آن هم قرارداد های دیگری بسته شد که عملیات شرکتهای مستقل (یعنی شرکتهای کوچکتری که در زمرهٔ شرکتهای کارتل نبودند) را محدود کرد و مانع از این شد که آنها هم ازحدودمعینی تجاوز نمایند .

درسال ۱۹۲۶ قبل‌از آنکه قرارداد های مذکور فوق منعقد گرددمبارزهٔ شدیدی بین شرکت نفت رویال دچ شل وشرکت نفت استاندارد نیویورك در بازار هندوستان درگرفت که اثرات آن نه‌تنها درآن بازار بخصوص مشهود گشت بلکه بنقاط دیگر هم سرایت کرد. شرح قضیه این بود که شرکت نفت شل مالك قسمتی از معادن نفت بادکوبه بود که دولت شوروی مصادره کرده بود وشرکت شل همواره درصدد بود که خساراتی بابت مصادرهٔ مزبور دریافت دارد ولی دولت شوروی از پرداخت هرگونه خسارتی امتناع ورزیده ونفت معادن قفقاز را هم دربازار های آزاد جهان بفروش میرساند . شرکت شل برای اینکه تلافی نماید تصمیم گرفت که نفت شوروی را خریداری نکند واز شرکت استاندارد نیویورك هم تقاضا کرد که همراهی نموده و همین کاررا بنماید ولی شرکت استاندارد این تقاضا را نپذیرفت و خرید نفت شوروی را ادامه داد و مقادیر زیادی ازآن را بهندوستان حمل کرد ودرآن بازار بفروش رساند .

درسال ۱۹۲۷ شرکت شل اعلان کرد که اگر دیگر نفت روسی بهندوستان وارد شود قیمت نفت چراغی را که میفروخت ارزان خواهد کرد. شرکت استاندارد نیویورك اعتنائی باین تهدید نکرد وباز نفت روسی وارد نمود . سپس شرکت شل بهای نفت چراغ خودرا دربازار هندوستان تنزل‌داد واستاندارد هم همین کاررا کرد ودوباره قیمت را پائین آورد واستاندارد بازهم متابعت کرد وبالنتیجه جنگ سختی بین این دوشرکت آغاز گشت. کمی بعد شرکت شل بهای فرآورده های خودرا درامریکا پائین آورد و شرکت استاندارد هم همین کاررا کرد وکم کم دامنهٔ این مبارزه به بازار کشور های دیگر کشید و سایر شرکتهای نفتی هم ناچار شدند که بهای فرآورده های خود را تنزل دهند .

ولی این مبارزه دوامی نداشت و در سال ۱۹۲۸ تفاهمی بین شرکت شل و شرکت استاندارد نیویورك و شرکت نفت بریتانیا حاصل گردید که بموجب آن بازار هندوستان بین این سه شرکت تقسیم شد ومبارزه هم خاتمه یافت. این تفاهم مقدمه‌ای بود برای اینکه‌شرکتهای‌بزرگ درصدد چاره‌جوئی برآیند وچند شرکت‌نفت‌امریکائی پیشقدم شده و کنفرانسهای متعددی ترتیب دادند که نمایندگان شرکتهای‌بزرگ ۱ در آن شرکت کرده وبالاخره در سپتامبر ۱۹۲۸ قراردادی تنظیم کردند که معروف است به قرارداد «چنانکه‌هست»[۲] . دراین‌قرارداد اصولی تنظیم شده که در آینده مبارزهٔ

---

(۱) نمایندگان اصلی که دراین کنفرانس شرکت کرده وقراردادرا امضاء کردندعبارت بودنداز شرکتهای استاندار نیوجرزی وشل‌و فت بریتانیا.

(۲) "As is" Agreement

بین شرکتهای بزرگ را موقوف دارد و عملیات آنها را تحت نظم و ترتیبی بیاورد بدین شرح :

۱- شرکت کنندگان در قرارداد سهمی را که هرکدام درآن تاریخ در بازار های جهان برای فروش کالا های نفتی داشتند محفوظ داشته و درآینده هم به همان تناسب سهم مزبوررا رعایت خواهند کرد .

۲- وسایلی که برای فروش موجود است مشترکاً دراختیاریکدیگر بگذارند.

۳- ایجاد وسایل جدید محدود باین خواهدبود که تقاضای اضافی برای محصولات نفتی پدیدار گردد .

٤- استخراج نفت متکی به‌وضع جغرافیائی معادن باشد و محصول هرناحیه‌ای به نزدیك ترین نقطه مصرف حمل شده و بفروش رسد وبدون توجه بمحل استخراج ارزش محصولات مشابه درتمام نقاطی که نفت استخراج میشود یکسان باشد.

٥- مصرف هر بازاری از نزدیکترین محل استخراج تأمین گردد .

٦- درهر ناحیه‌ای که نفت استخراج میشود اگر تولید بیش‌ازمصرف ناحیهٔ‌فروش آن بود از استخراج کاسته گردد ومقدار آن متناسب بامصرف شود .

۷- از هرگونه رقابت وصرف هزینه هائی که خرج را افزایش‌داده و قیمتها را بالا میبرد خودداری گردد .

درسال ۱۹۲۸ که قرارداد فوق امضا گردید معادن عمدهٔ نفتی جهان که استخراج میشد (باستثنای معادن نفت ایالات متحدهٔ امریکا وروسیهٔ شوروی) کم وبیش دراختیار شرکتهای استاندارد نیوجرزی وشل ونفت بریتانیا بود ونظر عاقدین قراردادآن بود که استخراج نفت را محدودبمیزان مصرف نمایند وقیمت محصولات‌نفتی‌راتحت‌نظارت خویش‌درآورند. رسیدن باین هدف درکشورهائی که منابع نفتی‌آنها تحت اختیار این سه شرکت بود اشکالی نداشت ولی درکشور امریکا که شرکتهای متعدد و مستقلی به استخراج میپرداختند وقوانین ضد «تروست» آنکشور محدودکردن استخراج‌را اجازه نمیداد چنین‌کاری میسر نبود وعلاوه براین درآن وقت هم روسیهٔ شوروی مقداری نفت بخارج میفرستاد ودربازارهای اروپا وآسیا فروخته وباشرکتهای بزرگ‌رقابت‌مینمود.

برای رسیدن به مقصود تبلیغات شدیدی درامریکا آغاز گشت که باید ازاسراف وتبذیرمنابع نفتی جلوگیری کرد و بمردم وانمود شدکه اگر نظارتی درکار استخراج نفت نباشد طولی نخواهد کشید که منابع نفت‌آن کشورتمام‌خواهدشد وامریکامحتاج باین خواهد بود که ازخارج نفت وارد نماید . این تبلیغات تاحدی مؤثرواقع گشت‌وکنگرهٔ امریکا اجازه داد که مقرراتی بین ایالات مختلف وضع شود که ازاسراف وتبذیرمنابع نفتی جلوگیری نماید ولی چنین مقرراتی کافی برای محدود ساختن صادرات نفت امریکا نبود .

درسال ۱۹۳۰ نمایندگان سه شرکت بزرگ مذکورفوق بازگردهم جمع شده وپس ازمذاکرات طولانی دربارهٔ رسیدن بهدف خود قراردیگری تنظیم کردند که بموجب‌آن‌سه شرکت مزبور تصمیم گرفتند متحداً اقدام نموده تااستخراج را دربعضی

نواحی محدود کرده وفروش محصولات را باکمك ویاری شرکتهای دیگر تحت نظارت ونظم در آورند. اولین کاری که کردند این بود که استخراج نفت را در کشور رومانی محدود کرده وقیمت مشخصی برای محصول آن کشور تعیین نمودند وبعدهم باوارد کنندگان نفت شوروی قراری گذاشتند که ازرقابت آنها جلوگیری شود.

درسال ۱۹۳۲ سه شرکت مزبور همکاری چهار شرکت بزرگ نفت امریکا را جلب کرده وقرارداد تازه‌ای برای طرز فروش محصولات نفت تنظیم کردند که بموجب آن اصول قرارداد «چنانکه هست» در تمام کشور های جهان باستثنای امریکا رعایت شود و دو کمیته هم انتخاب کردند که یکی مرکزش در نیویورك و مسئول تنظیم استخراج ودیگری مرکزش در لندن ومسئول توزیع باشد وکمیتهٔ سومی هم انتخاب کردند که مقرش درلندن بود و عملیات دو کمیتهٔ اولی را بایکدیگروفق داده وهمساز میکرد.

قراردادهای سه‌گانهٔ فوق تااندازه‌ای درتنظیم استخراج وفروش نفت مؤثر بود ولی بازهم شرکتهای دیگری‌دربین بودندکه پای‌بند باین مقررات نبوده وگاه‌گاهی اختلالی دربازارنفت بضررعاقدین قراردادهای مزبورمینمودند لذا در ۱۹۳٤ دامنهٔ کار توسعه یافت ویك قرارداد بین‌المللی بین همهٔ شرکتهای بزرگ نفت که درکشور های مختلف جهان بازارفروش داشتند منعقدگشت که استخراج را تنظیم وبازارهارا تقسیم وقیمتها را تثبیت میکرد وهزینه های اضافی‌را ازبین میبرد. قریب ده سال طول کشید تاشرکتهای بزرگ بتدریج خود را مجهز کرده واصول تحدید وتنظیم‌را قبول کردند واین اصول که بعدها فواید سرشاری برای آنها داشت پایه واساس قرار و مدارهائی شده است که بعد ازجنگ دوم تعقیب گشته وکنترول کامل بازارها وتعیین قیمت ومقدار محصول و طرز فروش راتعیین میکند. اکنون در غالب کشورهای جهان شرکتهای فروشندهٔ نفت کارتل محلی تشکیل داده و سیاست و روش متحدی اختیار کرده اند وقیمتها را ثابت نگاه میدارند و هریك سهمیه‌ای برای فروش دارد که ازآن تجاوز نمیکند واگر کرد سودآنرا بدیگران میدهد ودرجزئیات امرفروش ترتیبی داده‌اندکه حتی تخفیف بمشتری وطرزتحویل جنس ومقدار وغیره هم معین ومشخص میباشد. اسم این کارهارا هم تنظیم امورصنعت نفت گذاشته‌اندکه درحقیقت تأمین سود سرشار برای خود وازمیان بردن رقابت میباشد.

یکی ازبزرگترین نتایجی که شرکتهای نفت ازاین قرارداد ها حاصل نموده‌اند این‌است که روش یکنواختی برای تعیین قیمت نفت درسرتاسرجهان اتخاذ کرده‌اندکه هرگونه تفاوت قیمت‌را ازمیان برده وهرخریدار ومصرف کننده‌ای درهرجائی که نفت لازم داشته باشد باید آنرا بپردازد. مثلاً اگر در هندوستان‌خریداری بخواهد نفت خریداری کند بهرشرکت نفتی که مراجعه کند ملاحظه خواهد کرد که قیمت آن‌باقیمت دیگران یکسان است وهیچگونه تفاوتی بین مظنه ها نیست.

نظر باینکه کشورامریکا اولین کشوری بود که نفت‌صادر کرده وبسایرنقاط جهان میفرستاد ازابتدا مظنهٔ قیمت محصولات نفتی روی‌مبنائی‌قرار گرفته بود که دربنادرنفتی

امریکا واقع درساحل خلیج مکزیك فروخته میشد . بعدها قیمت‌خلیج مأخذ قیمت سایر نقاط نفت‌خیز قرار گرفت وتاکنون هم ادامه دارد . قبل ازجنگ اخیرقیمتهای رومانی اندك تفاوتی با قیمت‌های خلیج مکزیك داشت‌ولی همینکه‌شرکتهای‌بزرگ‌قرارداد - های نظارت برقیمتها را منعقد نمودند قیمت نفت رومانی روی اساس بهای نفت خلیج مکزیك قرار گرفت. علت اینکه قیمت خلیج مکزیك معمول شده ورواج گرفته‌اینستکه هزینهٔ استخراج وتصفیهٔ نفت درایالات متحدهٔ امریکا بواسطهٔ بالابودن سطح زندگی‌و گرانی دستمزد وسایر هزینه‌ها از سایر نقاط جهان بیشتر است وبرای شرکتهای نفت باصرفه‌تر است که چنین قیمتی را مأخذ معاملات خود قراردهند بعلاوه شرکتهای نفت مدعی هستند که درداخل امریکا رقابت‌بین‌شرکتهای‌نفت موجب میشود که‌قیمت‌عادلانه‌ای بدست‌آید ۱ وچون قوانین امریکا اجازه ایجاد کارتل وتروست را درآن کشور نمیدهد مظنهٔ خلیج مکزیك ازهر شائبه‌ای مبّرا میباشد .

برای‌آنکه معلوم شود تاچه‌اندازه مظنهٔ خلیج مکزیك بسود شرکتهای بزرگ میباشد ارقام زیر قابل‌توجه است :

در سال ۱۹٤۷ یکی ازکمیته هـای کنگرهٔ امریـکا کـه مشغول بررسی راجع به‌قیمت نفتی بود که شرکت نفت ارامکو۲ درموقع جنگ به‌نیروی‌دریائی‌امریکا فروخته بود بحقایق زیر پی‌برد .

دراین بررسی معلوم گشت که قیمت تمام‌شدهٔ هرچلیك نفت خام عربستان سعودی برای شرکت آرامکو در ۱۹٤۵ چهل سانتیم امریکائی بوده که درجزو این‌مبلغ بیست و یك سانتیم حق‌السهم دولت عربستان سعودی منظور بوده است ونیز معلوم گشت که درهمانسال قیمت تمام‌شدهٔ هر چلیك نفت خام بحرین برای شرکت نفت بحرین بیست‌و پنج سانتیم بوده است که پانزده سانتیم آن حق‌السهمی بوده که بشیخ بحرین پرداخته شده است.

این دو شرکت امریکائی نفت خام را به نیروی دریائی دولت امریکا از قرار چلیکی یك دولار وپنج سانتیم تحویل خلیج فارس درکشتیهای دولت امریکافروختند ومدعی شدند که دولت امریکا باید نفت را به مظنهٔ خلیج مکزیك که همان یك‌دولار وپنج سانتیم‌بود خریداری کند . ارقام مذکور که‌در یك مقام رسمی فاش گردیده‌معلوم میدارد که تفاوت فاحش بین قیمت تمام شدهٔ نفت در خلیج فارس و مظنهٔ فروش خلیج مکزیك تا چه اندازه میباشد .

درموقع جنگ اخیر شرکتهای نفت مظنهٔ محصولات نفت را درخلیج‌فارس بـا مظنهٔ مکزیك یکسان قرار داده بودند. در ۱۹٤۳ دولت انگلستان‌مقادیر زیادی‌نفت

---

(۱) درامریکا همکاری‌وسیعی بین‌دولت وصنعت نفت ایجادگشته است ودرسالهای‌اخیر-ریاست‌دولت امریکا این بوده که منابع نفتی را حتی‌المقدور حفظ‌نموده وقیمت نفت‌را بطوری تنظیم نماید‌که هزینه استخراج معتدل بوده وسود مناسبی عاید‌تولیدکننده بشود.

(۲) شرکت نفت ارامکو Aramco همان شرکت نفت امریکائی میباشد که امتیاز نفت عربستان سعودی را دارد .

سوخت برای کشتیهای خود لازم داشت که از خلیج فارس خریداری میکرد و بتساوی قیمت بین خلیج فارس و خلیج مکزیك اعتراض نمود . در نتیجهٔ این اعتراض شرکتهای نفت حاضر شدند که مأخذ قیمت را مظنهٔ خلیج مکزیك قرار دهند و باین مظنه کرایهٔ حمل و نقل را از خلیج مکزیك تا انگلستان بیافزایند . مبلغی که از جمع این دو رقم حاصل میشد مأخذ احتساب قرار داده و کرایهٔ حمل نفت را از خلیج فارس تا انگلستان از آن کسر میکردند تا مأخذ قیمت نفت در خلیج فارس معلوم گردد .

پس از جنگ شرکتهای نفت برای نفت خاورمیانه در خلیج فارس و ساحل شرقی مدیترانه دادن مظنه را آغاز کردند و این مظنه عبارت بود از بهای محصولات نفت مشابه در خلیج مکزیك بعلاوه کرایه تا مقصد منهای کرایه از خلیج فارس تا مقصد . هراندازه کرایهٔ حمل با کشتی ارزان‌تر باشد نفت خاورمیانه مسافت بیشتری را طی میکند ودربازارهای رو به‌غرب فروش میرود. چندسال پیش قسمت شرقی‌مدیترانه تا حدود کشور ایتالیا مقصدی بود که نفت خاورمیانه با نفت امریکا پس از احتساب کرایه از مبداء قیمت یکسانی پیدا کرده و تلاقی میکردند . بعد این مقصد بانگلستان رسید و مدتی است که بواسطهٔ کرایه های ارزان مقصد به حوالی نیویورك و ساحل شرقی ایالات متحده امریکا رسیده است بدین معنی که اگر کرایه ها ارزان‌باشد بهای نفت خلیج فارس بعلاوه کرایه مساوی است با بهای نفت خلیج‌مکزیك بعلاوه کرایهٔ در مقصد نیویورك .

در ماه مارس ۱۹۵۵ کمیسیون اقتصادی (مربوط بکشور های اروپا) شورای اقتصادی و اجتماعی ملل‌متحد گزارشی در بارهٔ قیمت محصولات نفتی در اروپا منتشر کرد که مورد اعتراض شرکتهای بزرگ نفت گردید . دراین گزارش گفته‌شده‌است که هزینهٔ استخراج وحمل نفت‌خاورمیانه باروپای غربی ایجاب میکند که‌از بهای‌محصولات نفت کاسته گردد و دلائلی هم برای آن ذکر میکند که معقول بنظر میرسد. ضمناً دراین گزارش اطلاعات مفیدی مندرج است که قسمتی از آن در زیر نقل میشود :

۱ ـ درحال حاضر ارزش محصولات نفتی که درکشور های غربی اروپا مصرف میشود (طبق قیمت پالایشگاه ها) در حدود دوهزار و دویست ملیون دولاراست که نصف این مبلغ قیمت نفت خامی است که بشرکت های نفت در خاورمیانه پرداخته میشود وقریب یك چهارم مبلغ مذکور کرایهٔ حمل نفت از خاورمیانه به غرب اروپا و بقیه هزینهٔ تصفیه نفت دراروپا و سودی است که عاید تصفیه کنندگان میگردد .

۲ ـ از جنگ اخیر ببعد تغییر عمده‌ای درتجارت نفت اروپای غربی رویداده که شایان توجه است. قبل از جنگ چهل درصد نفتی که دراروپای غربی مصرف میشداز نیمکرهٔ غربی میآمد ولی حالا تقریباً تمام آن از خاورمیانه میآید ونیز قبل از جنگ پالایشگاه های متعددی دراروپا نبود وقسمت عمدهٔ نفت بشکل محصول تصفیه شده وارد میدان میشد در حالیکه اکنون بخش مهم نفتی که باروپا میرسد نفت خام است که در پالایشگاه های متعددی که بعد از جنگ درکشور های اروپا ساخته‌اند تصفیه میگردد .

۳ ـ علت اینکه پس‌از جنگ کشور های اروپا باعجلهٔ زیاد بایجاد پالایشگاه‌های متعدد پرداخته‌اند و خودرا از پالایشگاه های مراکز تولید نفت مستغنی کردنددو چیز بوده است یکی نظریات سوق‌الجیشی و نظامی و دیگری اقتصادی . از لحاظ نظامی حمل نفت خام باینکشورها درموقع جنگ سهل‌تراست واگر فرضاً هم‌اشکالات عمده‌ای درحمل آن روی‌دهد از زغال‌سنگ میتوان نفت بدست‌آورد چنانکه‌آلمان همین کاررا درجنگ اخیر مینمود . واز لحاظ اقتصادی ایجاد پالایشگاه های متعدد موجب این خواهد بودکه ارزکمتری به خارج بابت قیمت نفت فرستاده شود . در ۱۹۴۸ پالایشگاه های اروپا فقط سالی بیست‌ودو ملیون تن نفت تصفیه میکردند درصورتیکه اکنون سالی یکصدوچهارده ملیون‌تن تصفیه میکنند ودر سال ۱۹۵۶ قدرت تصفیه‌نفت آنها به یکصدوبیست ملیون‌تن خواهد رسید .

٤ ـ تا وقتیکه نفت اروپا از نیمکرهٔ غربی میآمد مبنای قیمت محصولات نفتی‌در اروپا همان قیمت های خلیج مکزیك باضافه‌کرایهٔ حمل‌ونقل‌آن بود ولی حالا که‌نفت خام مورد احتیاج اروپا از خاورمیانه میآید و هزینهٔ استخراج درکشورهای‌خاورمیانه هم خیلی کمتر از هزینهٔ استخراج درامریکا میباشد وتصفیهٔ نفت هم درخود اروپاانجام میگیرد انصاف وعدالت روا میداردکه قیمت محصولات نفتی در اروپا کمتر باشد و ارزان‌تر گردد .

٥ ـ درایالات متحدهٔ‌امریکا معدل محصول روزانهٔ یك چاه نفت یك‌تن‌ونیم‌است. درکشور ونزوئلا این معدل به روزی بیست‌ونه تن میرسد ولی درخاورمیانه از روزی هزار تن هم متجاوز است. محصول سرشار معادن نفت خاورمیانه ازحیث تطبیق با محصول چاه های امریکا طوری است‌که مسلماً هزینهٔ استخراج را درخاورمیانه خیلی ارزان‌تر میکند و اگرچه هزینهٔ حفر چاه درامریکا نصف مبلغی است‌که درخاورمیانه برای همان کار صرف میشود معهذا تفاوت میزان محصول چاه ها باندازه‌ای است‌که جبران خرج اضافی عمل حفر را میکند .

٦ ـ بموجب صورتی‌که شرکت نفت استاندارد نیوجرزی بدادستان امریکا تقدیم داشته است درسال ۱۹۵۲ جمع مبلغی‌که شرکت نفت ارامکو بابت حق‌السهم‌ومالیات و عوارض بدولت سعودی پرداخته دویست و دوازده ملیون دولار بوده است . چون منافع بین شرکت آرامکو و دولت‌سعودی تنصیف میشود پس جمع کل منافع‌آن سال ٤٢٤ ملیون دولار و استخراج هم چهل ملیون تن بوده است . از این قرار درآمد خالص هر تن نفتی‌که در عربستان سعودی استخراج میشود در حدود ده دولار میباشد .

اطلاعات فوق‌که ازگزارش شورای اقتصادی و اجتماعی ملل‌متحد اقتباس شده بطور جملهٔ معترضه در این‌جا ذکر شد زیرا بنظر سودمند آمد و تا حدی هم ارتباط با سایر بخشهای این فصل داشت .

پس‌از انتشارگزارش مذکور شرکتهای بزرگ نفت ارقام و اطلاعات‌گزارش را منکر نشدند و فقط‌گفتندکه‌کاهش قیمت ها در اروپا بدلایل زیر صلاح نیست :

۱ ـ کاهش قیمت مستلزم این خواهد بود که از منافع حاصله از استخراج نفت خام کاسته شود و چون نصف منافع عاید کشور های خاورمیانه میشود چنین کاهشی منجر باعتراض دول خاورمیانه شده وواکنش شدیدی از طرف آنها ابراز خواهد شد .

۲ ـ کاهش قیمت نفت خام موجب خواهد گشت که نفت خام خاورمیانه ببازار داخلی امریکا راهی پیدا کند و دولت امریکا باین قضیه معترض خواهد بود و برای حفظ صنعت نفت عوارض گمرکی ورودی را در مورد نفت اضافه خواهد کرد .

۳ ـ اگر فرضاً شرکتهای نفت حاضر شوند که قیمت نفت خام را تنزل داده و به نصف قیمت کنونی بفروشند تفاوت بهای یك لیتر بنزین که امروز درفرانسه یا انگلستان بفروش میرسد فوق العاده ناچیز خواهد بود .

بطور خلاصه درپایان این بخش لازم است گفته شود که تعیین قیمت محصولات نفتی در نقاط مختلف جهان مربوط بعوامل مختلفی است که شرح داده شد و مهم ترین عامل شرکتهای بزرگ نفت هستند که بوسیلهٔ قرارداد های بین خود آنرا تحت نظارت ومراقبت دائمی خود قرار داده اند .

فصل سوم

بخش نخستین- مبارزه برای تحصیل امتیازهای نفت

بخش دوم - نفت متمرکز و ملی شدن آن

بخش سوم- امتیازات نفت در امریکای جنوبی و مرکزی

بخش چهارم - رقابت برای تحصیل امتیازات نفت در خاور میانه

بخش پنجم - رقابت برای بدست آوردن نفت روسیه

بخش ششم - ایجاد همکاری بجای رقابت

بخش هفتم - شرایط امتیاز در گذشته و حال

فصل سوم

بخش نخستین ـ مبارزه برای تحصیل امتیاز نفت

در سال ۱۹۰۱ میلادی که اولین سال قرن بیستم است محصول سالیانهٔ نفت‌دنیا در قاره های مختلف بقرار زیر بوده :

امریکای شمالی	۸۶۰۵۰۰۰	تن
امریکای جنوبی	۳۷۰۰۰	تن
اروپا	۱۱۰۰۵۰۰۰	تن
خاوردور وآسیا	۵۷۳۰۰۰	تن
جمع	۲۰۲۲۰۰۰۰	تن

و در سال ۱۹۱۵ میلادی که سال دوم جنگ بین‌المللی اول بود محصول نفت تقریباً سه‌برابر شده و بدینقرار بود :

امریکای شمالی	۴۲۴۲۱۰۰۰	تن
امریکای جنوبی	۵۱۲۰۰۰	تن
اروپا	۱۱۷۴۱۰۰۰	تن
خاورمیانه	۴۹۰۰۰۰	تن
خاوردور	۳۲۹۷۰۰۰	تن
جمع	۵۸۴۶۱۰۰۰	تن

درفاصلهٔ پانزده سال احتیاج مردم جهان بنفت موجب افزایش سریع‌محصول‌آن شد واهمیت این مایع نیروبخش درنظر صاحبان‌صنایع واقتصادیون وسیاستمداران‌ه‌آل‌-اندیش باندازه‌ای جلوه گر شده بود که مبارزهٔ شدید و بی‌رحمانه و پی گیری‌بین کشور های مختلف برای تحصیل امتیاز های نفت جریان داشت .

درمدت مذکور منابع عمدهٔ نفت جهان که کشف گشته و استخراج میشد عبارت بود از (الف) ایالات متحدهٔ امریکا که شرکت نفت استاندارد سلطه ونفوذ خودرا در صنعت نفت آنکشور مستقر ساخته بود . (ب) مکزیك که انگلیسها و امریکائیان در آن‌جا رقابت شدید داشتند (ج) چند کشور امریکای جنوبی که شرکتهای انگلیسی و امریکائی نفت آنرا استخراج میکردند (د) روسیه و رومانی و لهستان در اروپا که شرکتهای‌سوئدی و فرانسوی و انگلیسی درآن نقاط کار میکردند (ه) خاوردور که شرکت مختلط انگلیسی و هلاندی رویال دچ شل نفت آنرا استخراج میکرد (و) خاورمیانه که شرکت نفت بریتانیا استخراج ایران را شروع کرده بود .

چنانکه در پیش گفته شد قریب یکصد سال پیش نفت درامریکا کشف شدوصنعت جدید نفت درآنکشورایجادگردید . از سال ۱۸۶۱ که اولین کشتی بامحمولهٔ نفت خود باروپا رسید تا سی‌وپنج سال بعد نفت امریکا درهمهٔ نقاط جهان بفروش میرفت و در هر خانه‌ای که چراغی بود نفتش از آمریکا میآمد . نفت آمریکا صنعت کوچك نفت انگلیس را که بنای آن روی استخراج نفت از سنگهای معدنی موسوم به شیل[۱] بود از میان برد و صنعت نفت آمریکا دراین مدت باندازه ی نیرومند شده بود که دربازار روسیه با نفت آنکشور رقابت کرده ودر نقاط شمالی روسیه نفت را ارزان‌تر از نفت بادکوبه میفروخت. شرکت نفت استاندارد که کم‌وبیش‌سلطهٔ خودرا درصنعت‌نفت‌امریکا برقرار کرده بود تنها مؤسسه‌ای بود که تقریباً تجارت نفت جهان را بخود منحصر کرده بود . انبار ها و مخازن نفتی این شرکت در سرتاسر جهان برپا گردیده و همه جا علامت تجارتی شرکت مذکور تحت عنوان « بهترین نفت چراغ امریکائی » چشمهای مردم جهان را خیره میساخت . سازمان فروش استاندارد در اروپا و امریکا وآسیا واسترالیا رخنه کرده و نام شرکت استاندارد زبانزد خاص و عام همهٔ مردم دنیا بود . درآخرین سالهای قرن نوزدهم عظمت و اهمیت شرکت استاندارد به جائی رسیده بود که تقریباً اسم نفت واستاندارد در همه‌جا توأماً استعمال میشد .

ایجاد صنعت نفت جدید درروسیه و جزایر اندونزی و مکزیك در واقع‌ضرباتی بود که طی بیست وپنج سال بعد دیگران به سلطه واقتدار شرکت استاندارد وارد کردند و انحصار تجارت نفت آنرا تاحدی درهم شکستند. برادران‌نوبل[۲] که‌سوئدی بوده و خانوادهٔ روچیلد[۳] معروف که برخی ازآنها تابعیت فرانسه را داشتندباستخراج نفت روسیه پرداخته وبازار روسیه را از استانداردگرفتند . شرکت نفت رویال دچ هلندی و شرکت شل انگلیسی مانع شدند که استاندارد در جزایر اندونزی رخنه کند ودر بازار های خاوردور رقابت را با آن آغاز کردند . شرکت دیگر انگلیسی در مکزیك عملیات استخراج نفت را شروع و مبارزهٔ شدیدی را با شرکت‌نفت استاندارد برپا نمود وبطور خلاصه انحصار شرکت استاندارد در ده سال اول قرن‌حاضر بتدریج پایان یافت وقهرمان این مبارزه شرکت مختلط نفت هلاندی وانگلیسی رویال دچ‌شل بود که دررأس آن هنری دتردینگ[۴] قرار گرفته بود .

در اوایل قرن حاضر اهمیت نفت باندازه‌ای واضح و مشهود گشت که انگلیسها کوشش نمودند بهروسیله‌ای که هست قسمتی از منابع نفت جهان را به‌خود اختصاص داده و سیادت امریکائیان را درامر نفت متزلزل نمایند . مبارزه شدیدی که سالها بین امریکائیان و انگلیسها برسر نفت جریان داشت داستان مفصل ومشروحی دارد که ازگنجایش این کتاب خارج است[۴] و باید اجباراً باختصار پرداخت . قسمت عمدهٔ این

Sir henry Detering (۴) Rotschilds (۳) Nobel Brothers (۲) Shale (۱)

(۴) دوکتاب دراین‌باب بفارسی ترجمه ومنتشر شده است که هردوداستان مبارزه برای تحصیل امتیازات نفت‌را بتفصیل نگاشته‌اند. یکی‌موسوم به« جنگ نفت » تألیف انتون موهراست که محمود ـ محمود ترجمه کرده و بامقدمهٔ مفصلی درسال ۱۳۲۴ منتشر کرده ودیگری‌بنام «جنگ مخفی برای نفت» تألیف انتون زیشکامیباشد که داود ـ داودی آنرا ترجمه و بامقدمه‌ای درسال ۱۳۲۶ چاپ ومنتشر کرده‌است.سبك نگارش این دومؤلف بهترجنبهٔ‌داستان نویسی رادارودمطالب آنها خالی‌ازاغراق نیست‌ولی باید گفت که مترجمین کمکی بآشنا کردن مردم بامورنفت نموده وخدمت‌شایانی‌را انجام‌داده‌اند.

مبارزه برای تحصیل امتیازات نفت در نیم‌کرهٔ غربی بخصوص در مکزیك‌وکشورهای امریکای مرکزی و جنوبی بود که در بیست سال اول قرن حاضر دوام داشت و بعد از آن به نیم‌کرهٔ شرقی تجاوز کرد که‌شرح آن بعدخواهدآمد . قهرمان این مبارزه‌شرکت نفت‌استانداردامریکاوشرکت مختلط نفت هلاندی‌وانگلیسی‌موسوم‌به‌رویال‌دچ‌شل بودند. هنگامیکه « تروست » و انحصار شرکت استاندارد در امریکا منحل گردید دتردینگ رئیس‌شرکت‌شل‌تصمیم گرفت‌بماجرای‌تازه‌ای‌دست‌زده‌ومبارزه‌رابداخل‌ایالات متحدهٔ امریکا بکشد . چون درامریکا صاحبان اراضی مالك‌معادن زیرزمین‌نیز میباشند و استخراج نفت متضمن تحصیل امتیاز و اجازه‌ای از دولت نیست شرکت شل بسهولت توانست اراضی نفت‌خیز وسیعی را در داخل امریکا بدست آورد . در سال ۱۹۱۲ دتردینگ شرکتی بنام شرکت شل کالیفورنی[۱] در امریکا تشکیل داده و به‌ثبت رساند که قسمتی از معادن نفت ایالت‌کالیفورنی را استخراج نماید و چندی بعدهم‌شرکتهای دیگری تشکیل دادکه در سایر ایالات آن‌کشور باستخراج نفت‌بپردازند.این‌شرکت‌های تابعهٔ شرکت شل هریك مستقلاً کار میکردند تا مواجه با قانون ضد «تروست» امریکا نشوند ولی اختیار آنها با شرکت رویال دچ شل بودکه مرکزش در خارج امریکا و میتوانست عملیات آنها را بهرنحوی‌که میخواست بـا یکدیگر وفق دهد . در سالهای اول شرکتهای مزبور سود قابلی داده و بهای سهام آنها در بورس بالا رفت . دتردینگ با زبردستی غریبی باین شرکتها دستور دادکه سهام جدیدی‌دربازار امریکا بفروش رسانند و چون سود سالهای پیش این شرکتها زیاد بود سهام مزبور را به چند برابر قیمت اسمی سهام در بازار امریکا فروخت و درآمد سرشاری برای شرکتهای تابعهٔ خود تأمین نمود بدین معنی‌که تفاوت بین قیمت اسمی سهام و بهائی که سهام را فروخت عاید شرکتهای تابعه‌گشت و با پول امریکائیها توانست وسایل رقابت با شرکتهای نفت امریکا را فراهم نماید . بعدها شرکتهای‌متعدد شل درامریکا یکی شده و بنام شرکت شل امریکا موسوم‌گشت‌که اکنون یکی‌از بزرگترین‌شرکت های نفت امریکا محسوب میشود .

مبارزهٔ بین شرکتهای نفت امریکائی وانگلیسی تـا جنگ بین‌الملل اول دوام داشت و هنگام جنگ متوقف‌گشت و بعد دوباره شروع شد . در نیمکرهٔ شرقی هم مبارزه برای تحصیل منابع نفت روسیه و رومانی و خاورمیانه بین انگلیسهاوآلمانها وفرانسویها جریان داشت .

جنگ بین‌الملل اول اهمیت نفت را بیش‌از پیش واضح ساخته ومعلوم داشت‌که چه در زمان صلح وچه در ایام جنگ‌کشور هائی‌که فاقد نفت باشند دچار محرومیت های بسیاری خواهند بود.لرد کرزن[۲] سیاستمدار معروف انگلیسی ضمن نطقی‌که در نوامبر ۱۹۱۸ ایرادکردگفته بود : « متفقین روی امواج نفت بساحل پیروزی‌رسیدند وکلمانسو[۳] نخست‌وزیر فرانسه درجنگ بین‌الملل اول‌گفته بود : یك قطره‌خون‌برابر یك قطره نفت است»

---

(۱) The Shell Company of California (۲) Lord Curzon (۳) Clemenceau

هنگامیکه جنگ در ۱۹۱٤ شروع شد سوخت چهل‌وپنج درصد کشتیهای نیروی دریائی انگلیس نفت بود و در تمام مدت جنگ جدیت زیادی شد که بقیهٔ کشتیهای جنگی را هم آماده برای مصرف کردن نفت بنمایند. مصرف نفت نیروی‌دریائی‌انگلیس از یکصد وسی هزارتن نفت درماه به سیصدوسی هزارتن افزایش یافت ودرطی‌جنگ وقتی رسید که بواسطهٔ کمی نفت عملیات جنگی نیروی مزبور تخفیف یافته و خطر بزرگی را برای انگلیس ایجاد کرده بود. در ۱۹۱۷ که جنگ زیردریائی به‌منتهای شدت رسیده و کشتیهای نفتکش پی‌درپی غرق میشد وزارت دریائی انگلستان بدولت خود اطلاع داد که اگر تا چندماه بعد نفت‌کافی تهیه نشود متفقین باید تسلیم شوند و جنگ را خاتمه دهند. درارتش‌هم احتیاج به بنزین‌کاملاً مشهود و مسلم بود که بدون آن عملیات جنگ زمینی مقدور نخواهد بود. در پانزدهم دسامبر ۱۹۱۷ کلمانسو نخست وزیر فرانسه نامه‌ای به رئیس‌جمهور امریکا نوشته و چنین گفته بود:

« ارتش فرانسه را نباید حتی برای یك دقیقه بدون بنزین گذاشت که برای کامیونهای ارتشی و هواپیما و حمل ونقل توپخانه نهایت لزوم را دارد. چنانچه در رساندن بنزین غفلتی روی دهد ارتش ما فلج شده و ممکن است ما را مجبور بعقد صلحی کند که برای متفقین زیان‌بخش خواهد بود. بطوریکه فرماندهٔ قوای فرانسه برآورد کرده حد اقل ذخیرهٔ بنزینی که هرماه لازم است چهل‌وچهار هزارتن میباشد و مصرف ماهیانه درحدود سی‌هزارتن است. اکنون مقدرات ملل متفق درخطر است و اگردول متفق نمیخواهندشکست نصیب آنهاشود، دراین‌هنگام که حملهٔ بزرگ آلمان‌ها در پیش است، فرانسه را نباید بدون بنزین گذاشت زیرا اهمیت بنزین برای ارتش برابر با خونهای گرانبهائی است که در جنگهای فردا بکار خواهد آمد. »

ذکر موارد فوق برای این بود که معلوم دارد سرنوشت مللی که درجنگ اول دخیل بودند تاچه اندازه وابسته بنفت بود وکشمکش هائی که بعداز جنگ‌اول برای تحصیل‌منابع جدید نفت رخ‌داد ازکجا سرچشمه میگیرد. اینك میپردازیم به‌خصوصیات مبارزه‌هائی که پس‌ازجنگ‌بین‌المللی اول برسر نفت رویداد و قبل ازآن داستان نفت مکزیك را شرح میدهیم که ازلحاظ اهمیت ووقایعی که منتهی به ملی کردن آن شد شایستهٔ توجه مخصوص خوانندگان است.

بخش دوم - نفت مکزیك و ملی شدن آن

بطور مقدمه بایدگفت که در طی قرن نوزدهم کشمکش های سیاسی واقتصادی بسیاری بین ایالات متحدهٔ امریکا و مکزیك رویداد که منتهی به از دست‌دادن قسمتی از خاك مکزیك وتصرف آن از طرف امریکاگشت و پس‌از آن هم نفوذ اقتصادی امریکا در مکزیك باندازه‌ای پیشرفت کرد که اهالی مکزیك‌همواره ساعی‌بودنددولت دیگری را نسبت بکشور خود علاقمندکنند تا بوسیلهٔ نفوذ آن تعدیلی در نفوذ امریکا نموده و حتی‌المقدور آن را خنثی نمایند. باین علت سیاستمداران مکزیك در صدد

برآمدند که سرمایه های انگلیسی‌را بکشور خود وارد کرده ورقابتی بین‌آن وسرمایهٔ امریکائی ایجاد نمایند.

یکی ازاین سرمایه‌داران انگلیسی که ابتدا درساختن قسمتی‌از راه‌آهن مکزیك دخیل و بعد وارد کار نفت شد لردکودری[۱] بود . این شخص پس از استفاده هـای سرشاری که در مکزیك کرد سهام شرکت نفت خود را درسال ۱۹۱۸ بشرکت رویال دچ شل واگذار نمود . داستان مبارزه برای بدست‌آوردن نفت مکزیك بسیار مفصل و مشروح است ودر این‌جا ذکر آن باختصار خواهدآمد و قسمتی از آن از فصل‌سوم کتابی موسوم به « جنگ پنهانی نفت » تألیف هانیگن و زیشکا [۲] چاپ۱۹۳۵ اقتباس شده است :

دیاز[۳] چهل سال در مکزیك حکمروائی مطلق داشت و دولت او امتیاز هـای متعددی به خارجیان برای استخراج معادن نفت و طلا و نقره و مس داده بودکـه از درآمد آنهـا حکومت خود را تقویت‌کرده و اداره مینمود . در اوایل قرن‌کنونی سرمایه‌داران انگلیسی بفکر این افتادندکه درمکزیك امتیاز های نفت بدست‌آورند ودر اندك مدتی شرکت عقاب مکزیك[۴] که ریاست‌آن با لردکودری[۵] بود و بعد هـا سهام شرکت مزبور از طرف شرکت رویال دچ شل خریداری شد امتیاز هائی بدست آورد. در سال ۱۹۱۰ نصف معادن نفت مکزیك را شرکت نفت استاندارد و سـایر مؤسسات امریکائی استخراج میکردند ونصف دیگر را انگلیسها . اعطای امتیاز نفت بانگلیسها شرکت استاندارد را سخت ناراضی کرده بود ورقابت شدیدی بین‌شرکتهای امریکائی وانگلیسی درمکزیك برپاگشت .

درسال ۱۹۱۰ یکی از سیاستمداران مکزیك بنام مادرو[۶] که بواسطهٔ مخالفت باد یاز مدتها درایالات متحدهٔ امریکا بسرمیبرد و به‌آزادیخواهی معروف بود از مرز شمالی وارد مکزیك‌شد وعلم‌طغیان را برضد حکومت دیاز برافراشت.درسال۱۹۱۳ کمیتهٔ امور خارجهٔ مجلس سنای امریکا ضمن رسیدگی بقضیهٔ پولهائی که بمصرف کمك ارتش انقلابیون مکزیك رسیده بود معلوم داشت کـه شرکت نفت استاندارد نهضت مادرورا با پول کمك و یاری کرده است. طولی‌نکشید که ارتش دیاز شکست خورد و مادرو زمام امور مکزیك را بعنوان رئیس‌جمهور بدست گرفت . بیشترسهام قرضه‌ای که دولت مادرو منتشر کرد از طرف شرکت استاندارد خریده شد و در عوض دولت جدید وعده داد که امتیاز جدیدی برای استخراج نفت در جنوب مکزیك به شرکت استاندارد بدهد . در این وقت دولت امریکا طرفدار مادرو شد و حکومت او را به رسمیت شناخت .

ولی انگلیسها ساکت ننشسته و ژنرالی را باسم هوئرتا [۷] پیدا کردندکه حاضر شد حکومت جدید را ساقط نماید. هوئرتا معتاد به‌نوشابه های الکلی‌وشخص ماجرا-جوئی بودکـه بهر کاری تن میداد . جنگ و زدوخوردی بین طرفداران هوئرتا و

---

(۱) Lord Cowdray (۲) The Secret War For Oil by Frank C. Hanighen and Anton Zischka
(۳) Porfirio Diaz (۴) Mexican Eagle Company (۵) Lord Cowdray
(۶) Francisco Madero (۷) Victoriano Huerta

مادرو درگرفت و در اندك مدتی هوئرتا غالب گشت و مادرو بزندان افتاد و بعد هم بقتل رسید .

فوری دولت انگلیس حکومت ژنرال هوئرتا را برسمیت شناخت و شرکت نفت انگلیس سهام قرضهٔ حکومت جدید را خریداری کرد وامتیاز جدیدی برای نفت بدست آورد . این واقعه بشرکت استاندارد گران آمد و بیدادگریهای دولت هوئرتا کمك شایانی به شرکت استاندارد نمود .

هنگامیکه ویلسن[۱] معروف در ۱۹۱۲ بریاست‌جمهوری‌امریکا انتخاب‌شدنمایندهٔ مخصوصی به مکزیك فرستاد تاگزارشی دربارهٔ وقایع آن‌کشور و بیدادگری های حکومت بدهد . گزارش نمایندهٔ مزبور اجحافات و بیدادگریهای هوئرتا را تأئید کرد وویلسون‌بیدرنگ‌تصمیم‌گرفت حکومت هوئرتارا ساقط نماید.یادداشتهای‌شدیدی بلندن فرستاد و اظهار داشت‌که شرکتهای نفت انگلیس از یك مستبدخونخواری‌مانند هوئرتاطرفداری میکنندودولت‌انگلیس‌هم‌بهواخواهی سرمایه‌داران‌خود دراین‌طرفداری شرکت‌مینماید. درآنوقت‌منظرهٔ جنگ‌بین‌المللی درپیش بود ودولت‌انگلیس‌نمیخواست که امریکا را برنجاند لذا دیپلوماتهای انگلیسی به هوئرتا توصیه‌کردندکه استعفا دهد ولی او امتناع کرد .

دوباره جنگ داخلی شروع گشت. امریکائیهامیخواستندکه ژنرال‌کارانزا[۲] که رقیب هوئرتا بود بریاست‌جمهوری منصوب‌شود . شرکتهای نفت امریکائی‌یکصدهزار دولار نقد وبرابر ششصد وهشتاد وپنج هزار دولار نفت در اختیار کارانزا گذاشتند . دراین ایام چندنفر ملوان ازیك کشتی جنگی‌امریکائی که نزدیك بندر تامپیکو[۳] لنگر انداخته بود جدا شده وبوسیلهٔ یك قایق موتوری به‌بندرآمدندکه خرید کنند.مأمورین مکزیکی آنهارا توقیف کردند و پس‌از نیمساعت آزادکرده وعذرخواهی‌هم نمودند. دولت امریکا باین حادثه اعتراض شدید نمود وتقاضاکردکه ارتش هوئرتا باید پرچم امریکا را در ساحل برافرازد و با شلیك بیست ویك تیر توپ بآن سلام بدهد.حکومت هوئرتا از قبول چنین تقاضائی امتناع نمود و دولت امریکا به ناوگان‌خود دستور داد که بندر وراکروز[۴] را اشغال نماید . ارتش هوئرتا بدفاع پرداخت ودراین زدوخورد بیست امریکائی و دویست مکزیکی کشته شدند. نتیجه این شدکه دولت هوئرتا سقوط نمود و ژنرال کارانزا بریاست جمهوری مکزیك منصوب گشت .

تا چندی بعد جنگ داخلی ادامه داشت و دولت‌کارانزا هم حاضر نشدکه آلت دست شرکتهای نفتی شود . در سال ۱۹۱۷ قانون اساسی جدیدی درمکزیك وضع‌شد که بموجب آن تمام معادن به مالکیت عمومی درآمد . در این وقت جنگ بین‌المللی اول با نهایت شدت ادامه داشت و دولتین انگلیس وامریکا قادر نبودندکه توجه خود را بوقایع مکزیك معطوف دارند .

در سی‌سال آخر قرن نوزدهم ساختن خطوط مختلف راه‌آهن درایالات متحدهٔ

---

(۱) President Woodrow Wilson (۲) General Carranza (۳) Tampico
(۴) Vera Cruz یکی‌از بنادرمکزیك‌است

امریکا رواج بسیار داشت و شرکتهای راه‌آهن خطوط خودرا درایالات‌جنوبی آنکشور توسعه داده ودر صدد برآمدند که ایالات خشک و بی‌آب جنوب را آباد نمایند. فقدان راه های شوسه ولزوم حمل اشیاء دربیابان و شن‌زار های بی‌آب باعث شدکه‌تامدتی اسب وقاطر رابرای‌کار های ساختمانی راه‌آهن بکار برندولی چندی بعد معلوم شدکه این حیوانات تاب وتحمل سختیهای بیابان را ندارند ولذاشرکتهای ساختمانی تعدادی شتر از سوریه وارد کرده وعده ای هم ساربان با آنها آوردند که شترها را نگاهداری کند. در بین این ساربانها جوان رشیدی بود موسوم به الیاس که پس از ختم کارهای ساختمانی راه آهن به‌مکزیك رفت ودر آنجا با دختر مکزیکی ازدواج کرد وفرزندان متعددی بوجود آورد. یکی از پسران او که نامش پلوتارکو[۱] بود نام خانوادگی مادررا انتخاب کرد وبعد باسم کالس[۲] معروف گشت.

این جوان بمدرسه رفت وتحصیل کرد واحساسات ملی و وطنی و سوسیالیستی شدیدی پیدا کرد. طولی نکشید که‌کالس یکی از پیشوایان مهم‌کارگران مکزیك شد ودر بین‌آنها نفوذ بسیاری یافت.

در سال ۱۹۲۰ کالس با یکی از رؤسای طوایف شمالی مکزیك موسوم به الوارواوبرگون[۳] طرح دوستی ریخته و بیاری جوانی بنام دولاهوئرتا[۴] برخاستند و انقلابی برپاکردند تا دولت‌کارانزارا ساقط نمایند. دولت‌کارانزا همانطورکه‌دربالا گفته شد با شرکتهای نفت مخالفت کرده ودر ابتدای‌کار خود وجهه‌ای بین مردم پیدا کرده بود ولی فساد و رشوه‌خواری را به حدکمال رسانده وبعدها محبوبیت خودرا از دست داده بود. قیام این سه‌نفر برضد دولت‌کارانزا توفیق یافت وکارانزا کشته‌شد ودولاهوئرتا بریاست جمهوری‌مکزیك انتخاب گشت.

طولی نکشید که دولاهوئرتا استعفا داد و اوبرگون رئیس‌جمهور شد و تصمیم گرفت که با شرکتهای نفت از در مسالمت وارد شود. اجرای مواد قانون اساسی را در بارهٔ مالکیت معادن نفت معوق گذاشت و دیوان کشور مکزیك را تشویق نمود تا رأی دهدکه مواد مزبور عطف بماسبق نمیشود. بیگانگان دولت اوبرگون‌را تقویت نمودند وکمك مالی زیادی بآن کردند و منافع خویش را بطور موقت‌تأمین‌نمودند.

پس‌از اوبرگون نوبت به جوان انقلابی وپیشوای‌کارگران یعنی کالس رسیدکه بریاست جمهور انتخاب گشت. برنامهٔ کالس‌این بود که اراضی زراعتی‌را بین‌برزگران تقسیم نماید و نفوذ روحانیون را محدود کند و نیروی سیاسی کارگران‌را افزایش‌دهد و قانون اساسی را کاملاً اجرا نماید تا معادن نفت بملکیت مردم درآید. در ابتدای حکومت‌کالس شرکتهای نفت ژنرالهای وامانده را بیاری‌خود طلبیدند وهریك عده‌ای تفنگدار را استخدام نمودندکه دارائی و اموال آنهارا حفاظت کند. کارگران هم‌به تلافی پرداخته و چاه های نفت را آتش میزدند. در اوائل سال ۱۹۲۵ کالس‌اعلام‌کرد که مادهٔ بیست‌وهفت قانون اساسی را راجع به‌مالکیت نفت اجرا خواهد نمود. شرکت

---

(۱) Plutarco (۲) Calles (۳) Alvaro Obregon

(۴) Adolfo de la Huerta این شخص هیچ نسبتی با هوئرتا که قبلا دیکتاتور مکزیك شده بود نداشت.

های نفت مضطرب و نگران شدند و شرکت استاندارد بدولت امریکا متوسل شد که از حقوق آن دفاع نماید. دولت امریکاهم اعلامیه‌ای صادر کرد وعمل‌دولت‌مکزیك‌را نقض عهد خواند وتقاضا کرد که قرارداد های سابق محترم شمرده‌شود. یادداشت‌های متعددی‌بین دولت‌امریکا ودولت مکزیك مبادله شدوبیم‌آن‌میرفت که روابط بین‌دو کشور قطع گردد.درهمین‌اوقات گردنکشان‌وژنرالهای‌دیگری پیدا شدند که‌بتشویق شرکتهای نفت انقلابی برپا کردند ولی‌کالس باکمك‌کارگران و طرفداران دیگر خود اینگونه طغیانها را درهم شکست و عدهٔ زیادی در این کشمکش کشته شده و از میان رفتند. شرکتهای نفت که وضع را چنین دیدند بمقاومت منفی پرداختند واز استخراج کاستندو دولت را درمضیقهٔ مالی شدیدی گذاشتند و میگفتند که‌کاهش استخراج‌یعنی‌درآمد کمتر برای دولت وکاهش درآمد یعنی طغیان وانقلاب.

در این وقت دولت امریکا که راجع بوضع مکزیك نگرانی بسیاری پیدا کرده بود تصمیم گرفت که راه جدیدی در سیاست خود پیش گیرد وسفیر مخصوصی بنام‌مارو[۱] کـه یکی از شرکای بانکدار معروف مورگان[۲] بود بمکزیك اعزام داشت. طولی نکشید که روابط صمیمانه‌ای بین‌کالس و سفیر جدیدبرقرار گشت. دیوان کشورمکزیك مجدداً رأی داد که مواد قانون اساسی شامل گذشته نمیشود. کالس انقلابی نرم شد و بصف محافظه کاران پیوست و در اندك زمانی دارای مزارع متعدد و کارخانه هـای گوناگون و پول نقد و سهـام شد و یکی از متمولین مکزیك گشت و روابط بین امریکا و مکزیك هم حسنه و صمیمانه‌شد.

تا اینجا داستان نفت مکزیك از کتاب « جنگ پنهانی نفت » بود و اینك بـه حوادث بعد از زمامداری‌کالس میپردازیم:

بطوری که ج. ف. ری‌پی[۳] در کتاب خود موسوم به « ایالات متحدهٔ امریکا و مکزیك» نوشته است در ۱۹۳۱ امریکائیها هفتاد و هشت درصد از کل معادن و پنجاه و هشت در صد معادن نفت مکزیك را دردست داشتند و مقداری مزارع وسیع‌را کشت و زرع میکردند که هریك از مزارع مزبور دارای هزاران هکتار اراضی و وسعت کشت و زرع آنها باندازه‌ای بود که شرکتهای بزرگ کشاورزی برای بهره‌برداری از آنهـا تشکیل داده بودند. بعلاوه نصف کل واردات مکزیك از امریکا آمده و سه چهارم صادرات مکزیك هم بامریکا میرفته است. طبق برآوردی که در آن سال شده بود قریب هفتاد وپنج هزار نفر از اتباع ایالات‌متحدهٔ امریکا درمکزیك سکنی داشتند و مجموع سرمایه‌ای که امریکائیان تا آن تاریخ در مکزیك بکار انداخته و ازآن بهره برداری میکردند از هزار و پانصد ملیون دلار هم متجاوز بوده است.

نموّ نفوذ سیاسی و اقتصادی امریکائیان در مکزیك و دخالتهائی کـه آنها در امور داخلی آن کشور میکردند احساسات مردم مکزیك را تحریك کرده و آنهـا را واداشته بود که نسبت بهمسایگان شمالی خود نظر خوبی نداشته باشند. مکزیکی ها هیچگاه فراموش نمیکنند که درسابق هفت ایالت واقع درقسمت جنوب ایالات متحدهٔ امریکا متعلق بآنها بود که امریکا بتصرف خود آورده بود و همچنین مردم مکزیك

---

(۱) Dwight Morrow (۲) Morgan (۳) The United States and Mexico by J.F.Rippy

همواره مدعی بودند که سرمایهٔ امریکائی در کشور آنها برای استثمار آمده و سهم بسزائی عاید مردم آن کشور نمیکرده‌است. در گذشته روش سیاستمداران مکزیك این بوده است که باتباع انگلستان و اتباع سایر کشور های نیرومند اروپا امتیازاتی داده و نفوذ دیگری در مقابل امریکائیان ایجاد نمایند تا از فشار اقتصادی و سیاسی امریکائیان بکاهند و اعطای امتیازات نفت باتباع انگلیسی در تعقیب همین روش و رویه بوده است ولی پس‌از چندی بآنها معلوم گشت که هروقت سرمایهٔ خارجی بکشور دیگر رفت قصد اصلی آن استفاده و بردن سود سرشار است وهروقت هم که لازم‌باشد دولتهائی که اتباعشان سرمایهٔ خودرا در کشور دیگری بکارانداخته‌اند حامی‌وپشتیبان سرمایه‌داران خود بوده واز هرگونه اقدامی که برای حفظ وصیانت‌نفوذ وتأمین‌منافع آنها لازم باشد خودداری نمیکنند . و نیز تجربه بآنها آموخت که هر وقت خطری متوجه سرمایهٔ خارجی شود سرمایه داران متحد شده و جبههٔ واحدی برای حفظ منافع خود تشکیل میدهند .

در سال ۱۹۳٤ لازارو ـ کاردناس[۱] در شرایط بخصوصی که با وضع معمول کشور مکزیك تطبیق نمیکرد بریاست جمهوری انتخاب شد بدین معنی که علاوه بر مساعدت سیاستمداران متنفذ و ژنرالهائی که همیشه حاضر به ایجاد انقلابهائی به‌سود این وآن بودند تودهٔ مردم هم با این انتخاب مساعد بودند و تقریباً همهٔ طبقات‌مردم از کاردناس صمیمانه پشتیبانی میکردند . وی برنامهٔ شش‌ساله‌ای تنظیم کرد و بمردم وعده داد که در ظرف این مدت اصلاحات اقتصادی لازم را اجرا خواهد کرد. اولین قدمی که برداشت تقسیم اراضی بود که بسرعت انجام گرفت ولی چون نتیجه‌اش کاهش محصول بود دولت‌کاردناس مجبور شد که اعتبار کافی به خرده مالکین جدید بدهد تا بتوانند بذر و ماشین تهیه کنند و بر محصول خود بیفزایند. دومین‌کاری که کرد اصلاح فرهنگ و تعمیم تعلیمات اجباری بود که موجب رضایت عامه گردید . اما این‌دو اقدام هزینهٔ دولت را زیاد کرد وکار به جائی رسید که میبایست یا اصلاحات را متوقف سازد و یا درآمد دولت را بیفزاید تا به‌نتیجهٔ مطلوب برسد .

کاردناس و مردم مکزیك مشاهده میکردند که شرکتهای نفت درآمد سرشاری از منابع نفتی آنها بدست آورده وسهم قابلی به مکزیك نمیدهند وگذشته از این شرکتهای مزبور در امور داخلی مکزیك دخالت کرده و در سقوط و ایجاد حکومتها نقش‌مهمی را بازی میکنند که قابل‌تحمل نبود لذا رئیس‌جمهور تصمیم گرفت که‌مبارزه با شرکتهای نفت را آغاز کرده واستخراج منابع نفتی کشور را طوری تنظیم نماید که درآینده برای مردم سودمند واقع گردد . اقدامات ابتدائی او بشرح زیربود :

(الف) ـ تا آنوقت قضات دیوان‌کشور مکزیك برای تمام عمر تعیین‌میشدند و چون در دو وهله دیوان کشور رأی داده بود که مندرجات قانون اساسی‌جدیدشامل امتیازات گذشته نمیشودکاردناس قانونی را بتصویب رسانید که قضات مزبور فقط‌برای شش سال انتخاب شوند و بدینوسیله توانست که دیوان‌کشور را تصفیه نماید.

---

[۱] Lazaro Cardenas

(ب) - اصلاح جدیدی در قانون اساسی نمود و بتصویب قوهٔ مقننه رساند که دولت حق داشته باشد اموال خصوصی افراد را بنفع عموم ملی نموده و قیمت آن را در مدت ده سال بپردازد .

(ج) - قانون کار جدیدی وضع کرد که حقوق کارگران را بهتر ازپیش تأمین می‌نمود .

پس‌ازگذراندن قوانین مزبور و تحکیم موازین قضائی مبارزهٔ با شرکت های نفت بطریق زیر آغازگشت :

در نوامبر ۱۹۳۶ اتحادیهٔ کارگران نفت مکزیك یکرشته تقاضا هائی از کار - فرمایان کرد که معلوم بود با قصد ونظر مخصوصی تنظیم گشته است. تقاضای مزبور این بود که مزد کارگران پنج برابر شود و عده‌ای از نمایندگان کارگران بمقاماتی در صنعت نفت انتخاب شوند که بتوانند درامور اداری شرکتهای نفت نظر دهندوهرسال کارگران درمقابل دریافت ۳۶۵روزمزد۲۲۳روزکار کرده و بقیه جزوتعطیلات ومرخصی محسوب گردد .

طی چند ماه بعد مذاکرات ممتدی بین کارفرمایان وکارگران صورت گرفت‌ولی چون به نتیجه‌ای نرسید در ماه مه ۱۹۳۷ کارگران صنعت نفت اعتصاب عمومی کردند که ده روز طول کشید و به‌نتیجه‌ای نرسید.همینکه کارگران دیدند که از اعتصاب نتیجهٔ مطلوبه حاصل نمیشود عرضحالی به محاکم مربوطه داده و تقاضا کردند که دفاتر شرکتهای نفت رسیدگی شود تا معلوم گردد که شرکتهای‌مزبور مزدکافی‌متناسب با درآمد سرشاری که حاصل میکنند بکارگران خود نمیدهند. محکمهٔ مربوطه هیئت مخصوصی برای رسیدگی انتخاب کرد وگزارش داد که شرکتهای نفت درآمد زیادی داشته و باید مزد کارگران را بیافزایند واختیاراتی هم به نمایندگان‌کارگران بدهند که در امور اداری شرکتهای نفت نظر بدهند .

شرکتهای نفت در اوایل ۱۹۳۸ فرجام داده وقضیه را بدیوان کشور احاله‌دادند و دیوان‌کشور هم نظر هیئت بازرسی را تأییدکرد . در این وقت شرکتهای نفت حاضر شدند که مزد کارگران را اضافه نمایند ولی از دخالت آنها در امور اداری شرکتها امتناع نمودند . در ۱۸ مارس آن سال رئیس‌جمهور فرمانی صادر کرد وکلیهٔ اموال شرکتهای نفت را در مکزیك ملی نمود و در فرمان خود متکی باین شد که شرکتهای مزبور از اجرای حکم محاکم مکزیك خودداری کرده‌اند . ضمناً در فرمان ذکر شده‌بود که غرامت اموال شرکتهای مزبورطی ده‌سال ازمحصولات نفت پرداخته خواهد شد .

پس از ملی شدن و تصرف کلیهٔ اموال شرکتهای نفت دولت قرضهٔ ملی به مبلغ یکصد ملیون پسوس[۱] کـه تقریباً برابر با پنج ملیون لیره انگلیسی بود اشاعه داد . سهام این‌قرضه تا ده‌سال سودی‌نمیپرداخت ودولت‌مکزیك بمردم میگفت که‌هرورقه‌ای از این سهام بمنزلهٔ «گواهی‌نامه میهن‌پرستی» کسانی است که‌آنرا خریداری‌میکنند.

---

(۱) Pesos واحدپول‌مکزیك

بعلاوه حسابی هم در بانك باز کرد که مردم اعاناتی به بستانکار این حساب بپردازند و نام این حساب را هم حساب پرداخت غرامت گذاشت . مردم استقبال شایانی از این حساب کردند وبسیاری اندوختهٔ خودرا برده بآن حساب میپرداختند. مثلاً زنها زینت آلات خود را وکودکان پول قلك خود را برده برایگان دادند وحتی روحانیون حاضر شدند که قسمتی از درآمد کلیسا را هم بآن حساب انتقال دهند .

دولت از شرکتهای خارجی دعوت نمود که برای وصول غرامت داخل مذاکره شوند ودرابتدا بیست درصد از بهای فروش محصولات را برای پرداخت غرامت تخصیص داد و بعد اظهار داشت که تا شصت در صد از محصول را تا ده سال برای پرداخت غرامت کنار خواهد گذاشت لکن شرکتهای خارجی از قبول چنین پیشنهادی امتناع کردند واز مذاکرهٔ بادولت نیز خودداری نمودند .

چندروزی پس از ملی شدن نفت دولت امریکا اعلام کرد که از خرید نقرهٔ معادن مکزیك معذوراست و چون هرماه خزانه‌داری امریکا چهارپنجم محصول نقرهٔ مکزیك را بقیمت معینی خریداری میکرد این تصمیم ضربت بزرگی برای صادرات مکزیك محسوب میگشت .

نتیجهٔ این تهدید آن بود که قیمت نقره در بازار تنزل کرد و ازارزش پول مکزیك کاسته شد .چندی بعد امریکائیان خرید نقره را در بازار آزاد شروع کردند ولی تفاوت بین قیمت سابق وبهای بازار آزاد زیادبود وخسارت بسیاری به مکزیك وارد آمد .

یکی دو هفته بعد ازملی شدن نفت دولت امریکا یادداشت اعتراض آمیزی بدولت مکزیك فرستاد وضمن اعتراف باینکه دولت مکزیك حق داشته است منابع نفتی خودرا ملی نماید تقاضای پرداخت فوری غرامت عادلانه را نمود و دراین یاد داشت تقاضا کرد که دولت مکزیك هرچه زودتر بآن جواب بدهد . دولت مکزیك تا دو ماه ونیم بعد جوابی باین یادداشت نداد و دولت امریکا در ژوئیه یادداشت دیگری ارسال و قضیه اختلال در روابط حسنهٔ بین دو کشور را پیش کشیده تقاضا نمود که اختلاف بحکمیت ارجاع شود . در جواب این یادداشت دولت مکزیك ارجاع بحکمیت را رّد کرد و اظهار داشت حاضر است مذاکرات مستقیم را در بارهٔ تعیین ارزش اموال تصرف شده شروع نماید. ضمناً مدعی شد که هیچ یك ازاصول قانون بین‌المللی پرداخت غرامت را برای منابعی که بنفع عموم ملی شود اجباری نکرده است و اگر دولت مکزیك حاضر شده است که غرامتی بپردازد تصمیم آن ناشی ازقوانین داخلی مکزیك بوده که طریق وموقع پرداخت را تعیین کرده است. در همین اوان برای اینکه فرمان ملی شدن معادن نفت به تنهائی تولید اشکال بخصوص نکند دولت مکزیك قسمتی ازمزارع امریکائیان را در مکزیك ملی کرد وبتصرف خود درآورد .

در ماه اوت یادداشت سومی ازدولت امریکارسید که میگفت تعبیردولت مکزیك رااز قوانین بین‌المللی قبول نکرده است وباستناد اینکه غرامت پراخته نشده وکار از مجرای دیپلماسی حل نخواهد شد مجدداً تقاضای حکمیت نمود . کاردناس ضمن نطقی که در کنگرهٔ مکزیك ایراد نمود اظهار داشت که دولت مکزیك نمیتواند اقدامات

اجتماعی که بمنظور بهبود وضع عمومی کشور شروع نموده متوقف سازد ومجدداً تقاضای حکمیت را رد نمود .

دولت انگلیس هم یادداشت های متعددی بدولت مکزیك فرستاد و بتصرف اموال شرکتهای نفت اعتراض شدید نمود وتقاضا کرد که اموال مزبور دوباره بتصرف شرکت نفت انگلیسی موسوم به« شرکت نفت عقاب» داده شود. چون شرکت مزبور در مکزیك بثبت رسیده بود دولت مکزیك در جواب اظهار داشت که اعتراض دولت انگلیس در بارهٔ یك شرکت مکزیکی وارد نیست وشرکتهای ثبت شده درمکزیک تابع قوانین مکزیک می باشد .معهذا دولت مکزیک حاضر است که با سهامداران انگلیسی شرکت نفت عقاب داخل مذاکره شده وغرامتی بآن ها بپردازد. درعین حال دولت انگلیس اعلام نمود که ورود نفت مکزیك را بکشور خود با نظر خوشی تلقی نخواهد کرد ودولت مکزیك این اعلامیه را یك نوع تحریمی نسبت بصادرات مکزیك قلمداد کرد .

لحن یادداشتهای انگلیس خیلی سخت تراز یادداشتهای امریکا بود و دریکی از آنها گفته شده بود که دولت مکزیك ۹٦۷۰۰۰۰۰ لیره بخارج بدهکار است که سود آن را بندرت میپردازد وتا آنوقت سود قروض مزبور از اصل هم تجاوز کرده و به ۹۸۷۰۰۰۰۰ لیره بالغ گشته است پس چگونه دولتی که از پرداخت سود قروض خویش خودداری میکند متوقع است که نسبت بتعهد پرداخت غرامت اعتماد واطمینان لازمه را بخود جلب نماید؟ در جواب دولت مکزیك حواله ای بمبلغ هیجده هزار لیره برای دولت انگلستان فرستاد و گفت که دول خارجی حق ندارند در بارهٔ امور داخلی کشور مکزیك استفساری بنمایند و علاوه کرد که حتی دول نیرومند جهان هم که منابع مهمی دارند ووضع اقتصادی آنها بهتر است نمیتوانند مدعی شوند که کلیهٔ بدهی های خود را درراس موعد پرداخته اند .پس از ارسال این یادداشت دولت مکزیك سفارت خود را درلندن بست ووزیر مختار خود را احضار نمود ودولت انگلستان هم همین معامله را کرد وروابط بین دو دولت قطع گردید .

چندماهی ازاین وقایع گذشت وفشار اقتصادی دولتهای امریکا وانگلیس وضع مالی واقتصادی مکزیك را بسیار وخیم کرد .ارزش پول چهل در صد پائین آمد وپشتوانه تحلیل رفت وسی وپنج درصد ازمجموع بازرگانی مکزیك تقلیل یافت و تورم پول و افزایش هزینهٔ زندگی و کم شدن درآمد دولتی همه بروخامت اوضاع میافزود .دراین بین آلمان هیتلری قرار دادی بامکزیك منعقد نمود ویك ملیون وهفتصد هزار تن نفت از آن کشور خرید که چهل درصد قیمت آن را نقد وشصت درصد هم کالا تحویل داد . کمی بعد دولت ایتالیا هم قرار دادی منعقد کرد و مقداری نفت از مکزیك خرید که گشایشی در وضع اقتصادی مکزیك ایجاد کرد ولی درعین حال شرکت های بزرگ نفت جهان ازخرید نفت مکزیك خودداری کرده و بهروسیله ای متشبث میشدند که مانع فروش نفت آن کشور بشوند مثلا یك کشتی نفت که ازمکزیك حمل شده و در بندر لوهاور [۱] فرانسه بفروش رفته بود ضبط گردید و ماجرا از این قرار بود که شرکت نفت عقاب مکزیك (که سهام آنرا شرکت رویال دچ شل داشت) بمحکمهٔ لوهاور عرضحالی داده

---

(۱) Le Havre

ومدعی شد که محمولهٔ نفت متعلق بآن است و محکمه هم رأی داد که نفت را بتصرف شرکت مزبور بدهند .

دولت مکزیك در مقابل تمام این اقدامات مقاومت کرد و امروز صنعت نفت آن کشور ملی شده و بدست دولت اداره میشود . ولی چند عامل مهم درکار بود که این توفیق را برای مکزیك تأمین نمود که عمدهٔ آنها ازاین قرار بود :

۱ - در فاصلهٔ بین ملی شدن نفت مکزیك و جنگ گذشته آلمان وایتالیامقداری نفت از مکزیك خریده و کمك غیرمستقیم آنها مانع گشت که عملیات صنعت نفت متوقف گردد و تحریم خرید نفت مکزیك عملی شود .

۲ - موقعی که جنگ شروع شد احتیاج به نفت باندازه‌ای بود که صحبت دعاوی گذشته و بحث در حقانیت اقدام دولت مکزیك مورد نداشت .

۳ - و از همه مهم‌تر این که مصرف نفت در خود مکزیك زیاد بود و موقعی که نفت ملی شد بیش از نصف محصول درداخلهٔ شرکت مصرف میگشت . افزایش مصرف از آنوقت ببعد مرتباً رو بتزاید بود بطوری که در سال ۱۹۵٤ محصول نفت مکزیك دوازده ملیون تن ومصرف داخلهٔ آن قریب هشت ملیون تن بوده است .

٤ - پس از آنکه شرکتهای امریکائی و انگلیسی استقامت و پافشاری مکزیك را در امر ملی کردن مشاهده کردند از در مسالمت داخل شده و قرارداد هائی برای وصول غرامت اموال خود منعقد نمودند که اقساط آن مرتب پرداخت میگردد .

عوامل فوق کامیابی مکزیك را در ملی کردن نفت خود تأمین نموده و امروز صنعت نفت مکزیك باندازه‌ای پیشرفت کرده است که در طی هفده سال تصدی دولت استخراج دوبرابر شده ومعادن تازه‌ای کشف گردیده و پالایشگاه های جدیدساخته‌شده واین صنعت ملی‌شده با توفیق کامل بکار خود مشغول است .

بخش سوم - امتیازات نفت در امریکای جنوبی و مرکزی

۱ - کستاریکا [۱] یکی از جمهوری های امریکای مرکزی است که درشمال جمهوری پاناما [۲] قرار گرفته است . در سال ۱۹۱۸ شرکت انگلیسی موسوم به « شرکت معادن نفت کنترول شده بریتانیا »[۳] امتیاز استخراج نفت سه ملیون هکتار اراضی کستاریکا را بدست آورد . درآنوقت ژنرال تی‌نوکو [۴] رئیس جمهوراین کشور بود ومانندغالب دیکتاتور های امریکای جنوبی پس از شورش و انقلابی باین مقام رسیده بود. معروف بود که انگلیسها باو کمك کرده بودند تا چنین مقامی را حائز شود و در ازای آن چنین امتیازی را تحصیل کردند . دولت امریکا تحت عنوان اصل معروف مونرو [۵] به انگلستان اعتراض نمود ولی نتیجه‌ای نبخشید . سپس دولت امریکا مدعی شد که ژنرال تی‌نوکو با وسایل غیرقانونی بمقام ریاست‌جمهور رسیده و لذا از شناختن دولت او

---

(۱) Costa Rica (۲) Panama (۳) British Controlled Oilfields Ltd.

(۴) General Tinoco (۵) Monroe Doctrine

امتناع کرد و انگلیسها بعنوان عمل متقابله دولت ژنرال مزبور را برسمیت شناختند و یك کشتی جنگی خود را برای رژه به بنادر کوستاریکا فرستادند . طولی نکشید که دشمنان تی‌نوکو بتشویق آمریکائیان برضد او قیام کرده و او را برکنار نمودند . دولت جدیدی روی‌کار آمد که امتیاز شرکت انگلیسی را لغو کرد و کشتیهای جنگی انگلیس هم بنادر کوستاریکا را ترك کردند .

دوسال بعد جنگی بین جمهوری کوستاریکا و جمهوری پاناما در بارهٔ اختلافات سرحدی آغاز گردید و دولت امریکا با حکمیت غائله را خاموش کرد و حق را به کوستاریکا داد . دولت جدید کوستاریکا هم امتیاز استخراج نفت سه ملیون‌ونیم‌هکتار اراضی را بدو شرکت امریکائی داد .

۲ ـ کولومبیا [۱] کشوری است واقع در شمال غربی قارهٔ امریکای جنوبی که در غرب آن جمهوری پاناما واقع شده و پاناما تا سال ۱۹۰۳ جزو کولومبیا بود و بعد از آن جدا گردید . درسال ۱۹۱۳ لرد کودری[۲] با وسائل مقتضی امتیاز استخراج نفت را در اراضی کولومبیا بمساحت ده‌هزار کیلومترمربع تحصیل نمود . دولت‌امریکا ملاحظه کرد که اصل مونرو بخطر افتاده و فوری بوسیلهٔ چندیادداشت پی‌درپی دولت انگلستان را تهدید نمود که اگر از امتیاز مزبور صرف‌نظر نکند قانونی‌رابتصویب خواهد رساند که عبور کشتیهای انگلیسی از کانال پاناما قدغن شود . لندن تسلیم شد و لرد کودری از امتیاز خود صرف نظر نمود .

در سال ۱۹۲۷ یك سرهنگ بازنشستهٔ انگلیسی بنام ییتز[۳] بنمایندگی‌ازطرف شرکت نفت بریتانیا [۴] به‌کولومبیا رفته و تقاضای امتیاز نفت درناحیهٔ وسیعی‌درشمال غربی کولومبیا کرد . یکی از شرایط امتیاز این بود که امتیازگیرنده حق داشته باشد هرگونه وسائل حمل و نقل لازمه از قبیل راه‌آهن وغیره را در حوزهٔ امتیازیهٔ خود ایجادنماید .رئیس‌جمهورودولت کولومبیا امتیازراتصویب کردند وموقعیکه‌این‌خبرمنتشر گردید غوغائی در امریکا برپاگشت زیرا امریکائیان سوء ظن شدیدی بردند که انگلیسها میخواهند در حوزهٔ امتیازیه‌کانال دیگری حفرکنند که باکانال پاناما رقابت نماید . دولت امریکا اعتراضات شدیدی بانگلستان نمود ولی درآنوقت خود سرگرم اختلافات با مکزیك و بعضی دیگر ازکشور های امریکای جنوبی بود وصلاح نمیدید که فشاری به‌دولت کولومبیا واردآورد لذا ازراه های دیگری‌اقدام نمود.طولی‌نکشید که مجلس‌سنای کولومبیاباعطای این‌امتیازاعتراض کرد وسپس امتیازمزبورلغو گردید.

چندی بعد حکومت جدیدی درکولومبیا روی‌کار آمد که امتیاز استخراج نفت‌را درقسمتی ازکشور بیك شرکت امریکائی داد ودراین‌جا هم شرکتهای نفت امریکائی فاتح گردیدند .

۳ ـ ونزوئلا ـ شرکت نفت رویال دچ شل اولین شرکتی بود که امتیاز نفت در کشور ونزوئلا بدست آورد و پس از آن شرکت نفت استانداردامریکائی‌واردمیدان

---

(۱) Colombia (۲) Lord Cowdray (۳) H.I.F.Yates

(۴) British Petroleum Co. همان‌شرکت سابق‌نفت ایران و انگلیس است.

استخراج نفت در کشور مزبور گردید و بعد از آن هم شرکتهای دیگر شروع بکار کردند. رقابت بین این شرکتها منتهی به‌لغو امتیاز یـا دادن انحصار بیك شرکت مخصوص نشد و منابع نفت این کشور باندازه‌ای وسیع و سرشار بود کـه همه از آن بهره‌مند شدند.

٤ - در بعضی کشور هـای دیگر امریکای جنوبی هم رقابت بین شرکت هـای امریکائی و انگلیسی کم‌وبیش رواج داشته‌است ولی رویهمرفته نفوذ امریکادر کشور های مزبور زیادتر بوده و توفیق بیشتری داشته‌اند. شرح و تفصیل دربارهٔ رقابتهای مزبور ازگنجایش این کتاب خارج و نمونه هائی که در فوق ذکر شد تا اندازه‌ای مطلب را آشکار میسازد. در حال حاضر ١٦ شرکت در ونزوئلا باستخراج نفت میپردازند که ١٤ تا امریکائی و دو دیگر هلاندی وانگلیسی هستند.

بخش چهارم - رقابت برای تحصیل امتیازات نفت در خاورمیانه

١ - ترکیه - در چهارده سال اول قرن کنونی رقابت شدیدی بین کشور هـای مختلف برای تحصیل منابع نفت امپراتوری عثمانی جریان داشت که از هرحیث قابل توجه میباشد. در اول قرن حاضر امپراتوری عثمانی شامل کشور های عراق و سوریه وفلسطین ولبنان وعربستان سعودی بود و کم وبیش جویندگان نفت میدانستند که در نقاط مختلف امپراتوری عثمانی منابع سرشار نفت موجود است. از ١٩٠٠ به بعد نمایندگان شرکتهای مختلف نفت بدربار سلطان‌عثمانی‌رفته و هریك تقاضای‌امتیازی کرده ومواعید بیشماری بسلطان و درباریان میدادند. سلطان عبدالحمید که مواجه با این تقاضا های متعدد شده بود در دسامبر سال ١٩٠٣ فرمانی صادر کرد وتمام معادن نفت امپراتوری عثمانی را به ملکیت خود انتقال داد.

در مارس ١٩٠٣ قرارداد ساختن راه‌آهن بغداد بین یك شرکت‌آلمانی و دولت عثمانی امضا شد که بموجب آن یکرشته خط آهن از اناتولی ببغداد و بصره میبایست ساخته شود و کنترات کننده حق داشت که در مسافت بیست کیلومتر در دوطرف خط به استخراج معادن نفت بپردازد ولی این یك حق انحصاری نبود. درسال ١٩٠٤وزارت املاك خاصهٔ سلطان حق گزینشی برای یکسال بشرکت راه آهن اناتولی دادکـه در ولایات بغداد و موصل بکاوش نفت اقدام نماید وچنانچه نفتی یافت شود تعهد نمود که امتیاز استخراج آن را بشرکت مزبور برای مدت چهل‌سال تحت شرائطی که بعد معین خواهد شد واگذار نماید. شرکت مزبور این گزینش را به بانک دولتی‌آلمان واگذار نمود و چندی بعد هیئتی از زمین شناسان‌آلمانی به‌بغداد وموصل اعزام شدند که گزارشی دربارهٔ نفت تهیه‌نمایند. گزارش آنها نویدبخش بود ولی اقدام‌مؤثری برای کشف نفت صورت نگرفت. در رأس مدت یکسال وزارت املاك خاصه اعلام کرد کـه حق گزینش مزبور منقضی گشته است و آنها هم ادعای بیست‌هزار لیره‌خسارت کردند. برای رفع اختلاف وزرات املاك خاصه تـا سال ١٩٠٧ این حق را هرسال تمدید کرد ولی درآن سال رسماً اعلام نمود که حق مزبور خاتمه یـافته ومنقضی گشته‌است.

شرکت نفت رویال‌دچ‌شل هم نماینده‌ای باستانبول فرستاده و با کمک گلبنکیان[۱] معروف تقاضای امتیاز نفت نمود . در اینجا بی‌مناسبت نیست اگر مختصری راجع به گلبنکیان گفته شود زیرا این مرد مرموز نقش بزرگی را در نفت خاورمیانه داشته است . دربارهٔ سالهای اولیهٔ زندگانیش و شرح حال خانوادهٔ او اطلاعات زیادی در دست نیست ولی مجلهٔ لایف[۲] چاپ امریکا در شمارهٔ مورخهٔ اول ژانویه ۱۹۵۱ شرح حال گلبنکیان را تا حدی که مقدور بوده جمع آوری و چاپ کرده است که خلاصه‌ای از آن در زیر نقل میگردد :

گلبنکیان در سال ۱۸۶۹ میلادی دراستانبول متولد شده و پدر و مادر او از ارامنهٔ ترکیه بودند . معروف است که پدر او درابتدا قالی‌فروش بود وبعدها تجارت واردات و صادرات میکرده است . تجارت عمدهٔ او این بوده که نفت چراغ از قفقاز وارد کرده ودر ترکیه میفروخت و با بعضی از ارامنهٔ بادکوبه ارتباط وخویشی داشته است . تحصیلات ابتدائی او در ترکیه انجام شد و بعد پدرش او را برای تحصیل به انگلستان فرستاد . پس از اتمام تحصیلات متوسطه وارد دانشگاه لندن شد و چند سالی هم در آنجا گذراند و دانشنامهٔ مهندسی گرفت . هنگامیکه تحصیلاتش خاتمه یافت بترکیه مراجعت کرد و پدرش اورا به بادکوبه فرستاد تا از صنعت نفت آنجا اطلاعاتی بدست آورد و با سران صنعت مزبور تماسی حاصل کند . پس‌ازاین‌مسافرت دوباره بلندن رفت و بنمایندگی شرکتهای نفت روسیه بفروش نفت اشتغال داشت . یکی ازکسانی که در آنوقت با او محشور بوده میگوید :گلبنکیان حق‌العمل کاری میکرد و با مردان مهم سروکار داشت و در معاملات فوق‌العاده زیرك وکاردان بوده‌و مخصوصاً در توافق دادن بین اصحاب معامله ید طولائی داشت .

در سال ۱۹۰۲ بتابعیت انگلستان در آمد و در سال ۱۹۰۷ مقداری از سهام شرکت‌نفت رویال دچ شل‌را خریداری کرد واز آنوقت ببعد بخرید وفروش سهام در بورس پرداخت وثروت قابلی برای خود اندوخت . درهمین اوان‌باسرهنری دترديننگ رئیس‌شرکت رویال دچ شل ارتباط نزدیکی پیدا کرد و از طرف شرکت مزبور به ترکیه اعزام شدکه امتیاز نفت‌را در امپراطوری عثمانی برای شرکت مزبور تحصیل نماید .بقیهٔ سرگذشت اوضمن شرح امتیازات نفت‌خاور میانه خواهد آمد ۰همین قدر بایدگفت که گلبنکیان در نتیجهٔ دلالی درکار نفت یکی از سرمایه داران جهان گردید.

شرکت دیگری که طالب امتیاز نفت امپراتوری عثمانی شدهمان‌شرکت‌دارسی[۳] بود که امتیاز نفت ایران راتحصیل کرده بود . دارسی در سال ۱۹۰۳ نماینده‌ای به استانبول اعزام داشت وتقاضای امتیاز نفت ولایات بغداد و موصل را کرد . چند ماه بعد نمایندهٔ مزبور مدعی‌شدکه نامه ای از دولت عثمانی دریافت داشته است که وعدهٔ اعطای‌امتیازی‌راباو داده ولی‌چون آلمانها با دادن چنین امتیازی بانگلیسها مخالفت میکردند ودر دربار عثمانی هم‌نفوذ بسیاری داشتند وعدهٔ مزبور بجائی نرسید.

---

(۱) گلبنکیان درسالهای آخرعمرخود درلیسبون پایتخت پرتقال‌زندگی‌میکرد ودرسال ۱۹۵۵میلادی درگذشت .

(۲) The Life Magazine

(۳) D'Arcy

داوطلب دیگر امتیاز نفت دریادار چستر[۱] امریکائی بود که با کمك اطاق بازرگانی نیویورك در سال ۱۹۰۸ باستانبول آمده و اولیای امور امتیازات مختلفی باو پیشنهاد کردند ازقبیل امتیاز ساختن راه‌آهن و بنادر واستخراج معادن وضمناً امتیاز استخراج نفت درتمام خاك عثمانی .

انقلاب ترکیه درسال ۱۹۰۸ وبرقراری رژیم مشروطه درآن کشور موقة مذاکرات مختلف را دربارهٔ امتیازات نفت متوقف ساخت و بموجب فرمانی که پس از مشروطیت صادر شد منابع نفتی امپراتوری عثمانی ازشخص سلطان منتزع وبدولت منتقل گردید. در سال ۱۹۰۹ مذاکرات مزبور دو باره شروع شد و داوطلبان امتیاز یکی پس‌از دیگری واردمیدان مبارزه شدند .

وزارت فوائد عامهٔ عثمانی طرح امتیازی رابا دریادار چستر تنظیم کرد که شامل استخراج معادن مختلف منجمله نفت و ساختن راه‌آهن وکارهای عمومی دیگر بود. لایحهٔ این امتیاز بنام شرکت توسعهٔ عثمانی وآمریك[۲] که چستر نمایندگی آن‌را داشت تهیه شده وقرار بود که درسال ۱۹۱۱ تقدیم مجلس ملی عثمانی برای تصویب بشود. یکنفر امریکائی دیگر بنام دکتر بروس گلاسگو[۳] از طرف شرکت دیگر امریکائی داوطلب امتیاز هائی شبیه بامتیاز چسترشده وبادولت عثمانی بمذاکره پرداخت .نمایندگان شرکت نفت بریتانیا[۴] وشرکت شل هم مذاکرات سابق‌را تجدید کرده وهر یك داوطلب تحصیل امتیاز نفت بودند وگلبنکیان هم بیاری شرکت شل اقدام میکرد .شرکتهای آلمانی هم وارد معرکه بوده وداوطلب امتیازات نفت بودند .

درسال ۱۹۱۰ بانکی بنام «بانك ملی ترکیه»[۵] بابتکار دولت انگلستان وسرمایهٔ انگلیس تشکیل شد که رئیس هیئت مدیرهٔ آن سر بابینگتن اسمیت[۶] و گلبنکیان هم جزو مدیران آن بود .قصد اصلی این بانك تحصیل امتیاز نفت و وفق دادن تقاضا های آلمان وانگلیس دربارهٔ امتیازات نفت درتمام کشور عثمانی بود. این بانك یا بانك دولتی آلمان مذاکراتی کرد وتوافقی حاصل کردند که مشترکاً در باب امتیازات مزبور اقدام نمایند .درسال ۱۹۱۱ شرکت دیگری دزلندن بنام شرکت امتیازات افریقاوشرق تشکیل شد که منظور آن تحصیل امتیازات نفت در امپراتوری عثمانی بودو سربابینگتن اسمیت هم بریاست آن انتخاب شد . سرمایهٔ این شرکت هشتاد هزار لیره بود که باین ترتیب تقسیم شده بود : بیست هزار سهم مجانی ببانك آلمان درازای تمام دعاوی آن راجع به حق گزینشی که مدعی بود از دولت سابق عثمانی داشته . بیست و هشت هزار سهم رابانك ملی ترکیه برداشته وقیمت آن‌را پرداخت .سی و دوهزار سهم بقیه هم بگلبنکیان داده شد که او بیست هزار سهم آن را بشرکت رویال دچ شل واگذار کرد وبقیه که دوازده هزار سهم باشد خود برداشته وقیمت آن‌را پرداخت .ورود شرکت شل در این شرکت جدید وتوافقهائی که بین صاحبان سهام آنها حاصل شد نتیجهٔ اقدامات زیرکانه گلبنکیان بود که خودنیز یکی از مدیران شرکت جدید شده بود .درسال ۱۹۱۲ نام این

---

(۱) Rear-Admiral Colby Chester (۲) The Ottoman-America Development Company
(۳) Dr. Bruce Glasgow (۴) British Petroleum Company که همان شرکت سابق نفت ایران و انگلیس است
(۵) National Bank of Turkey (۶) Sir H. Babington-Smith

شرکت مبدل به «شرکت نفت ترکیه» گردید وصاحبان سهام تعهد کردند که ازاین بعد بطور انفرادی هیچگونه اقدامی برای تحصیل نفت در امپراتوری عثمانی نکنند وقدم‌هائیکه درآینده برمیدارند دست جمعی باشد. در سال ۱۹۱۲ شرکت نفت ترکیه با دولت عثمانی داخل مذاکره شده وتقاضای امتیازات نفت را درنقاط مختلف امپراتوری نمود ولی منظور اصلی آن تحصیل امتیاز نفت در ولایات بغداد وموصل بود.

پارلمان ترکیه در ۱۹۱۱ روی خوشی بطرح امتیاز دریادار چستر نشان نداد وباوجود اینکه دولت امریکا ازاو تقویت مینمود کارش بجائی نرسید زیرا از یکطرف سرمایهٔ کافی نداشت واز طرف دیگر مواجه باائتلاف شرکت های انگلیسی و آلمانی شده بود که موانعی برای پیشرفت کار او ایجاد میکردند. شرکت نفت بریتانیا دراین موقع بواسطهٔ توفیقی که در ایران پیدا کرده بودو حمایت شدیدی که دولت انگلستان ازآن می نمود رقیب سرسختی برای شرکت نفت ترکیه شده بود. درسال ۱۹۱۳ وزارت خارجهٔ انگلیس ازگلبنکیان و بانك ملی ترکیه تقاضا کرد که قسمتی ازسهام خود را بشرکت نفت بریتانیا واگذار کنند وشرکت مزبور راهم درامتیازات نفت عثمانی شریك وسهیم نمایند. دتردینگ رئیس شرکت رویال‌دچ شل با این کار موافق نبود ولی آلمانها موافق بودند ومیخواستند که کلیهٔ رقابتها ازبین برود تا باخیال آسوده بتحصیل امتیاز نفت بپردازند. درمارس ۱۹۱۴ جلسه‌ای دروزارت خارجهٔ انگلیس تشکیل و نتیجه این شد که سرمایهٔ «شرکت نفت ترکیه» ازهشتاد هزار لیره بیکصد وشصت هزار لیره افزایش یابد. نصف سرمایه راشرکت نفت بریتانیا وربع سرمایه رابانك آلمان وربع دیگر را هم شرکت رویال دچ‌شل پرداختند وبرای راضی نگاهداشتن گلبنکیان قرار شد که شرکت نفت بریتانیا وشرکت نفت رویال‌دچ شل هر یك بطور تساوی سهامی باو بفروشند که او دارای پنج در صد سهام شرکت نفت ترکیه بشود وضمناً بانك ملی ترکیه که سابق بیست وهشت هزار سهم دراین کار داشت سهام خودرا بشرکت نفت بریتانیا واگذار کرده واز معرکه خارج گردید.

پس از آن که بندوبست های مذکور دربالا انجام گرفت سفیر کبیر آلمان وسفیر کبیر انگلستان متفقاً اقدامات مقتضی را در استانبول بنفع شرکت نفت ترکیه شروع کرده وتقاضای امتیاز نفت را نمودند. نتیجهٔ اقدامات مزبور این شد که در تاریخ ۲۸ ژوئن ۱۹۱۴ نخست وزیر عثمانی بنام سعید حلیم پاشا نامه‌ای بسفارتخانه های آلمان و انگلیس نوشته واظهار داشت که وزارت دارائی عثمانی موافقت کرده است منابع نفتی کشف شده درولایات بغدادو موصل وهم چنین منابعی که در آینده کشف شود بشرکت نفت ترکیه بعنوان اجاره واگذار نماید وبرای خوداین حق را محفوظ داشته است که بعداً راجع بدرآمد دولت عثمانی ازاین امتیاز وسایر شرایط آن با شرکت مزبور داخل مذاکره گردد وشرکت نفت ترکیه هم متعهد میشود که دعاوی اشخاص ثالث را نسبت به معادن مزبور جبران نماید.

اجرای مندرجات این نامه که متکی بمصوبات قانونی نبود بواسطهٔ بروز جنك بین المللی اول متوقف گردید ولی بعدها مبنا و اساس امتیاز نفت عراق شد وتقدیر این بود که نه ترکها و نه آلمانها دراین امتیاز سهمی داشته باشند.

۳ - عراق

پس از خاتمهٔ جنگ بین‌المللی و پیروزی متفقین قیمومیت عراق با انگلستان و قیمومیت سوریه و لبنان بفرانسه واگذار شد و دولت‌های انگلیس و فرانسه قرار دادی بین خود منعقد کرده و نفت عراق را باتباع خود تخصیص دادند. این قرارداد معروف است بقرار دادسن رمو[۱] که در آوریل ۱۹۲۰ منعقد گردید و مواد مهم آن بقرار زیر بود :

۱ـ در موضوع نفت رومانی دولتین انگلیس و فرانسه موافقت کردند که به اتباع خود کمک کنند تا امتیازات نفت و اموالی را که آلمان ها در شرکت های نفت رومانی داشتند بتصرف درآورند و بالمناصفه بین خود تقسیم نمایند.

۲ـ در موضوع نفت روسیه دولتین باتباع خود یاری خواهند نمود تا امتیازات نفت بدست آورده و تسهیلات لازمه را برای صدور نفت بدست آورند.

۳ـ در موضوع نفت عراق دولت انگلیس تعهد میکند که بیست و پنج درصد از کلیهٔ نفتی که استخراج میشود بفرانسه تخصیص دهد.

٤ـ در بارهٔ نفت ایران دولت انگلیس تعهد میکند که مساعدت نموده و ترتیبی بین شرکت نفت انگلیس و ایران و دولت فرانسه بدهد که فرانسه بتواند نفت ایران را خریداری نماید و دولت فرانسه هم تعهد میکند هرگاه لوله ای برای حمل نفت بدریای مدیترانه کشیده شد و از خاك سوریه و لبنان (که تحت قیمومیت فرانسه میباشد) عبور کرد اجازه دهد که نفت ایران نیز بوسیلهٔ لولهٔ مزبور حمل گردد.

۵- دولت فرانسه تعهد میکند که اجازهٔ عبور خطوط لوله حامل نفت عراق و ایران را از کشور هائی که تحت قیمومیت آن است بدهد و هرگونه تسهیلاتی که برای این کار لازم است فراهم نماید و نیز تعهد میکند که اراضی لازم را در ساحل مدیترانه برای ساختن انبار و مخازن و وسایل بارگیری نفت بکشتیها و غیره در اختیار صادر کنندگان نفت عراق و ایران بگذارد.

٦ـ دولت فرانسه بشرکتهای مختلط انگلیسی و فرانسه اجازه خواهد داد که در مستعمرات افریقائی آن امتیازات نفت تحصیل نموده و باستخراج بپردازد و مستعمرات مزبور نیز شامل مراکش و تونس و الجزیره خواهد بود. و همچنین دولت انگلیس با تباع فرانسه اجازه خواهد داد که در مستعمرات آن بتحصیل امتیازات نفت و استخراج آن بپردازد.

در نتیجهٔ عقد قرارداد فوق تقسیم سهام شرکت نفت ترکیه بطریق زیرین تغییر کرد: شرکت نفت رویال دچ شل $\frac{1}{2}$-۲۲ درصد - شرکت نفت بریتانیا (یعنی شرکت سابق نفت ایران و انگلیس) $\frac{1}{2}$-٤۷- شرکت نفت فرانسه ۲۵- گلبنکیان ۵ درصد.

پس از آنکه قرارداد سن رمو منعقد گردید شرکتهای نفت امریکا با کمك دولت خود غوغای بزرگی برپا کرده و مدعی شدند که انگلیسها و فرانسوی‌ها برخلاف سیاست « در های باز » رفتار کرده و منابع نفت عراق را بخود انحصار داده‌اند. آنها اظهار میداشتند که کشور های تحت قیمومیت مانند عراق و سوریه مستعمره نبوده بلکه

San Remo (۱)

قیمومیت آنها ازطرف جامعهٔ ملل واگذار شده وباید در باز باشد تاسرمایهٔامریکائی هم بتواند از منابع طبیعی کشور های مزبور استفاده نماید .

درآنوقت صنعت نفت امریکا شصت‌وپنج درصدکلیهٔ محصول نفت دنیارا استخراج میکرد و هفده درصدنفت جهان را هم از مکزیك‌و کشور های امریکای‌جنوبی‌استخراج کرده ودر دست داشت . قسمتی ازین مقادیر هنگفت در داخل امریکا مصرف شده‌و بقیه به‌کشور های دیگر صادر میشد و رویهمرفته امریکا درآنموقع پنجاه‌وهشت‌درصد مصرف‌نفت جهان‌را تأمین مینمود. اروپائیان میگفتند که‌باچنین موقعیت مهمی که‌امریکا در صنعت نفت جهان دارا میباشد انصاف وعدالت اقتضا می کند کـه امریکا از سایر منابع دنیا صرف‌نظر کرده و بگذارد دیگران هم سهمی دراین صنعت مهم و حیـاتی داشته باشند . امریکائیان جواب میدادند که در موقع جنگ هشتاد درصد مصرف نفت متفقین را امریکـا داده وبقول لرد کرزن غلبهٔ متفقین برآلمان ومؤتلفین آن مرهون نفتی بود که امریکا داده‌است پس روا نیست که انگلیس و فرانسه از فتح مشترك‌سوء استفاده نموده ومنابع نفت خاورمیانه را بین خـود تقسیم نمایند وامریکا را از این خوان نعمت بی‌بهره سازند .

دراین اوان شرکت نفت استاندارد (نیوجرزی) که بزرگترین شرکت‌نفت‌امریکا میباشد باکمك شرکتهای دیگر تبلیغات شدیدی برعلیه انگلیس درمطبوعات‌ومحافل عمومی و کنگرهٔ امریکا شروع نمود وادعا میکرد که بزودی منابع نفت‌امریکا تمام خواهد شد و روزی خواهد رسید کـه امریکا برای احتیاجات خود باید دست پیش انگلستان درازکرده و هرسال ملیونها دولار بابت قیمت نفت بآن کشور بپردازد . یکی از خصوصیات صنعت نفت امریکا هم این است که هرچند یکبار ارقام و اطلاعات وحشتناکی راجع به تمام شدن منابع‌نفتی امریکا منتشر می کنند و چندسال بعد معلوم میگردد که اطلاعات مزبور صحیح نبوده و کشف معادن جدید بطلان ادعای تمام شدن نفت راثابت کرده است. درهمین‌وقت که شرکتهای‌نفت‌امریکاحمله‌را آغاز کرده‌وسهمی از نفت خاورمیانه میخواستند ادارهٔ مطالعات زمین‌شناسی امریکا ارقام زیررا درماه مه ۱۹۲۰ منتشر کرد :

مصرف سالیانهٔ نفت ایالات متحدهٔ امریکا چهارصدملیون چلیك- مصرف‌سالیانهٔ نفت سایر کشورهای جهان دویست ملیون چلیك-ذخیرهٔ نفت امریکا فقط کفایت ۱۸ سال مصرف‌آنکشوررا می کند - ذخیرهٔ نفت سایر کشورهای جهان کفایت ۲۵۰ سال مصرف آنها را می کند .

ارقام فوق که بعدها صحت‌آن مورد تردید واقع گردیداحساسات ملی‌امریکائیها را برانگیخت و چون جنگ اول ثابت کرده بود که داشتن ذخایر نفت کافی یکی از شرائط اولیهٔ دفاع میباشد از هرطرف اعتراضات شروع گردید ومجلس‌سنای امریکا در سال ۱۹۲۰ قطع‌نامه‌ای بدین مضمون تصویب کرد :

از دولت تقاضا میشود که (الف) معلوم دارد چه نوع محدودیتهائی فرانسه و انگلیس وهلاند و ژاپون ویاکشور های خارجی دیگر - چه مستقیم و چه غیرمستقیم - وضع کرده‌اند که اتباع دولت امریکا را از کاوش و تحصیل نفت درکشور های دیگر

محروم میدارد و (ب) درصورتی که چنین محدودیتهائی موجود باشد دولت امریکا چه اقدامی برای رفع آنها نموده است ؟

در تاریخ ۱۷ ماه مه ۱۹۲۰ وزارت خارجهٔ امریکا در جواب قطعنامهٔ سنا چنین پاسخ داد :

بطوری که گزارش رسیده است سیاست امپراتوری بریتانیا براین است که از طرفی خارجیان را از کنترول کردن منابع نفتی در خطهٔ امپراتوری منع نماید و از طرف دیگر تحصیل منابع نفت را در کشور های خارجی برای اتباع خود تأمین کند . سیاست مزبور بطوری اجرا می‌شود که محدودیتهائی برای اتباع امریکا ایجاد کرده و مانع از این است که آنها بتوانند در جزائر انگلستان و مستعمرات و کشور های تحت‌الحمایهٔ انگلیس منابع نفت بدست آورده و از آن استفاده نمایند . ضمناً دولت انگلیس بوسیلهٔ خرید سهام شرکتهای نفت و منع فروش سهام شرکتهای مزبور به خارجیان سیاست مزبوررا تأمین مینماید .

خبر انعقاد قرارداد سن‌رمو که درجرائد امریکا منتشر شد آتش احساسات‌را در امریکا تند کرده وزمینه را حاضر برای اقدامات دیپلوماسی نمود . مبادلهٔ یادداشتهای متعدد بین دولتین امریکا و انگلیس شروع شد ولحن آنها هم بعضی‌اوقات شدید بود. دراین یادداشتها طرفین به سیاست نفت یکدیگر حمله نموده ونسبت‌هائی دادند که‌قابل دقت وملاحظه بود . متن یادداشتهای مزبور بعد ها چاپ شد و کسانی که علاقمند به تاریخ دیپلوماسی آنوقت‌باشند می‌توانند بآنها رجوع کرده‌وروش سیاستمداران بزرگ جهان را مطالعه وقضاوت نمایند . [۱]

احتیاجی که انگلیسها به کمك های سیاسی امریکا داشتند ـ وضع سیاست بین‌المللی وقت ـ قیمومیت عراق که ازطرف جامعهٔ‌ملل تصویب شده‌بود واحتمال اینکه‌امریکائیان بوسیلهٔ تجهیز افکار عمومی دنیا آنرا مختل نمایند ـ رقابتهای شدیدی که شرکت‌نفت استاندارد با منافع نفتی انگلیس درنقاط مختلف جهان مینمود ـ پیش آمدن قضیهٔ‌نفت شمال ایران ـ وبسیاری داد وستد های بین‌المللی سبب شد که دولت انگلیس‌سرسختی را رها کرده و از در مسالمت با امریکا درآید . درپائیز ۱۹۲۱ لرد کدمن که چند ماهی بود از سمت دبیری « هیئت اجرائیهٔ نفت» انگلستان کناره‌گیری کرده و بعنوان مستشار فنی وارد خدمت شرکت نفت انگلیس وایران شده‌بود (و شرح حال او در فصل دیگر این کتاب ذکر شده) بامریکا رفت که ظاهراً درباب پیشرفتهای صنعت‌نفت امریکا مطالعاتی بنماید ولی باطناً ازطرف دولت انگلیس مأموریت‌داشت که‌التیامی در روابط تیره بین منافع نفتی امریکا و انگلیس بدهد . نتیجهٔ این مسافرت یکی مشارکت شرکت استاندارد وشرکت نفت ایران و انگلیس در نفت شمال ایران بود (که شرح آن در فصل دیگری‌آمده) و دیگری موافقتی بود که یك ربع‌سهام‌شرکت نفت ترکیه بشرکت نفت استاندارد واگذار شود وضمناً بشرکت مزبور هم اجازه‌داده شد که درفلسطین بکاوش نفت بپردازد .

---

(۱) Correspondence between His Majesty's Government and the United States Ambassador respecting economic rights in Mandated Territories (Cd. Paper 1226, 1921).

چند سال بعد یعنی در ۱۹۲۵ قراردادی بین شرکت نفت ترکیه ودولت عراق امضا شدکه بموجب آن امتیاز استخراج نفت درتمام خطهٔ عراق باستثنای ولایت بصره و « اراضی انتقال یافته » (که ناحیهٔ خانقین و نفت خانه باشد) بشرکت مزبور اعطا گردید و در این تاریخ سهام شرکت نفت ترکیه بطریق زیر تقسیم شده بود :

بیست وسه ممیز هفتادوپنج درصدمتعلق به شرکت نفت ایران وانگلیس (که اکنون موسوم به شرکت نفت بریتانیا شده است)

بیست وسه ممیز هفتاد وپنج درصد متعلق بشرکت نفت رویال دچ شل (شرکت مختلط هلاندی وانگلیسی)

بیست وسه ممیز هفتادوپنج درصد متعلق بشرکت نفت فرانسه که (سی وپنج درصد سهام آن متعلق بدولت فرانسه است)

بیست وسه ممیز هفتاد وپنج درصد متعلق بشرکت توسعهٔ خاورمیانه (که مرکب از شرکتهای نفت امریکائی است)

پنج درصد متعلق به گلبنکیان.

دراین بخش فقط رقابت هائی که برای تحصیل امتیاز نفت عراق بود شرح داده شده است ودرفصل دیگر چگونگی امتیازات مختلفی که برای استخراج نفت عراق داده شده ذکر گردیده است.

۳- ایران

موقعی که امتیاز دارسی منعقد گردید رقابتهائی بین شرکتهای نفت جهان برای تحصیل آن موجودنبود وفقط رقابت سیاسی بین دولت تزاری روس ودولت انگلیس راجع بکلیهٔ امتیازاتی که ازطرف دولت ایران داده میشد جریان داشت لذا محلی برای امتیاز نفت ایران دراین فصل موجود نیست وبرای چگونگی امتیاز دارسی بفصل دیگر باید رجوع نمود .

۴ - سایر کشورهای خاورمیانه

پس از آنکه التیامی در روابط شرکتهای نفت انگلیس وامریکا در بارهٔ نفت عراق پدیدآمد رقابت جای خودرا به همکاری داد ودیگر تا مدتی اختلاف عمده‌ای بین آنها در باب منافع نفتی خاورمیانه روی نداد که درخور اهمیت وذکر باشد .

بخش پنجم - رقابت برای بدست آوردن نفت روسیه

پس از جنگ بین‌المللی اول شرکت رویال دچ شل بتصور اینکه رژیم شوروی موقتی است وبزودی ازمیان خواهد رفت قسمت مهم اموال وحقوق شرکتهای مختلفی را که درصنعت نفت روسیه دخیل بودند خریداری کرد وتبلیغات دامنه داری درجراید اروپا وامریکا برضد حکومت شوروی شروع نمود تامنابع نفت روسیه را بدست آورد. شرکت نفت استاندارد هم اموال شرکت نوبل را که درنفت بادکوبه سهم مهمی داشت

خریداری کرد . پس از انقلاب روسیه عدهٔ زیادی روسهای سفید که صاحب اراضی نفت خیز بادکوبه و سایر نقاط بودند به پاریس فرار کرده ودرآنجا حقوق خود را در اراضی مزبور باین دو شرکت وهم چنین به بعضی بانکهای فرانسه فروختند . درنتیجهٔ این معاملات شرکتهای مزبور و بانکهای فرانسه مشترکاً کوشش میکردند که وارد کار نفت روسیه شده وباکمك و مساعدت دولتهای خود جدیت فراوانی بخرج میدادند که اموال ازدست رفته را دوباره تحصیل نمایند. ایجاد جمهوری های قفقاز و سعی در جدا کردن آنها ازروسیه ارتباط کاملی باقضیهٔ نفت داشت که بالاخره عملی نشد .

درابتدا دولت شوروی برای تجدید حیات صنعت نفت خود محتاج بسرمایهٔ خارجی بود وپیشنهاد کرد که کلیهٔ منابع نفتی روسیهٔ شوروی ازطرف سازمانی اداره شود که بیست وپنج درصد سهام آن متعلق بدولت شوروی و بیست وپنج درصد سهام آن متعلق بصاحبان سابق معادن نفت وپنجاه درصد هم بشرکتهای بزرگ نفت درمقابل وجه نقد فروخته شود که باوجوه حاصله از فروش این سهام صنعت نفت شوروی احیا گردد . این پیشنهاد بواسطهٔ رقابتهای شدیدی کـه بین شرکت رویال دچ شل و شرکت نفت استاندارد جریان داشت ، و این دوشرکت حاضر بهمکاری بـا یکدیگر نشدند، عملی نگردید .

درآوریل ۱۹۳۲ کنفرانسی دربندرژن[۱] واقع درشمال غربی ایتالیا برای تجدید روابط بین کشور های اروپا و روسیه واحیای امور اقتصادی اروپا تشکیل گردیـد که نمایندگان بیست و نه کشور اروپائی من جمله روسیهٔ شوروی درآن شرکت کردند . یکی ازمسائلی که قرار بود دراین کنفرانس مورد بحث قرار گیرد اموال مصادره شدهٔ سرمایه داران خارجی در روسیهٔ شوروی بود . این کنفرانس به نتیجهٔ مطلوبه نرسید ودرمورد نفت هم باشکال عمدهٔ برخورد .

شرح قضیه این بود کـه درآن وقت شایعه‌ای شهرت یافت که دولت شوروی باشرکت رویال دچ شل قراردادی برای بکار انداختن صنعت نفت خودگذارده است . این شایعه موجب شد که شرکت نفت استاندارد باتفاق سرمایه داران فرانسوی وبلژیکی که حقوق سرمایه داران روسی را درنفت بادکوبه خریداری کرده بودند برعلیه شرکت رویال دچ شل مبارزه شدیدی را شروع کنند . دستهٔ رویال دچ شل مایل بود که ملی شدن صنعت نفت شوروی را برسمیت شناخته و غرامت دریافت دارد درحالیکه دستهٔ استاندارد برخلاف آن طالب استرداد عین مال بود . این رقابت مدتی ادامه داشت وسرانجام کار بجائی رسید که هردودسته مغلوب شده ودولت شوروی صنعت نفت را که بدون پرداخت غرامت مصادره کرده بود همواره درتصرف خود نگاهداشت . بعد ها این رقابت بی‌حاصل موجب گردید که شرکتهای بزرگ همکاری را پیشهٔ خود ساخته و از رقابت برای تحصیل امتیازات که متضمن ضرر های بسیار بود خودداری نمایند وبطوریکه بعدها معلوم گشت شرکت رویال دچ شل وشرکت استاندارد مبالغ هنگفتی برای خریدمعادن نفت روسیه بصاحبان قبلی آنها پرداخته وهیچ نتیجه‌ای هم ازآن نبردند .

---

(۱) Genoa

بخش ششم - ایجاد همکاری بجای رقابت

نمونه هائی که ازرقابت بین شرکتهای بزرگ برای تحصیل امتیازات نفت ذکر شد نشان میدهد که درسی سال اول قرن حاضر رقابت مزبور تا چه اندازه شدید بوده ودر روابط بین دول هم چقدرتأثیرداشته است .

ازیکطرف تجربه‌های تلخی که شرکتهای بزرگ نفتی دراثرهزینه های هنگفت متحمل‌شدند وازطرف دیگرتأثیری که رقابتهای شرکت نفت درروابط بین دول بزرگ داشت‌کار را بجائی رساند که بالاخره رقابت جای خود را بهمکاری داد وامروز کمتر دیده میشود که رقابتهای گذشته تجدید گردد . ایجاد کارتل نفت وتشریك مساعی که اکنون بین شرکتهای بزرگ موجود است ازرقابتهای گذشته کاسته است ومنابع عمدهٔ نفت جهان بنحوی بین‌آنها تقسیم شده که حتی جای رقابت هم باقی نمیگذارد .

هرقدر پیش میرویم قدرت کارتل نفت زیادترمیشود وهم‌آهنگی بین‌آنها محکم‌تر میگردد ورقابت جای خودرا بهمکاری میدهد . گذشته ازعوامل اقتصادی که این‌همکاری را بوجودآورده وهمواره بتحکیم وتأییدآن میکوشد ملاحظات نظامی وسیاسی دول بزرگ هم نقش مهمی دراین اتحاد واتفاق دارد .

موقعیکه نفت ایران ملی شد دولت امریکا سرگرم جنگ کره بود و فوری متوجه گشت که متوقف شدن‌استخراج نفت‌ایران ممکن‌است نقشه های نظامی وتسلیحاتی آن را تهدید نماید . این‌بود که بدون درنگ دولت امریکا ازنوزده شرکت امریکائی تقاضا کرد که داوطلبانه قراردادی بین خود تنظیم نمایند که جای نفت ایران را در بازار های جهان پر کنند . دولت مزبور ملاحظه کرد که قطع شدن نفت ایران موجب خواهد شد که قسمتی‌ازبازارهای جهان که ازنفت‌ایران استفاده میکرد بدون نفت بماند ونظم وترتیب حمل ومصرف نفت را در بسیاری ازکشورها مختل نماید . این نوزده شرکتهای امریکائی نقشه‌ای طرح کردند که دریازده کشور نفت‌خیز محصول را افزایش دهند و دربیست وهفت کشور عمل‌کرد پالایشگاه را بیفزایند . همچنین ترتیبی‌داده‌شد که بوسیلهٔ خرید فروش ومعاوضه وحتی قرض دادن بیکدیگر شرکتهای بزرگ کم بود نفت یکدیگر را تأمین نمایند تا نظم و ترتیبی که در کار تجارت نفت بین‌المللی موجود بود دچار اختلال نگردد .

امروز وابستگی دول بزرگ بیکدیگردراموراقتصادی وسیاسی ونظامی وضعی را پیش‌آورده که داشتن نفت وتولید نیروئی که ازآن حاصل میشود بایدمرتبط بامنافع کشورهای مختلف باشد واگر لطمه‌ای بیك کشور وارد آید تأثیرآن درکار اقتصادی وسیاسی کشورهای دیگرتأثیر فوری دارد . بنا براین همکاری بین شرکتهای بزرگ نتیجهٔ مستقیم احتیاجات صنعتی وسیاسی و نظامی کشور های مختلف است که ارتباطات نزدیك وکاملی باهم دارند .

درسال ۱۹۴۸ وزیرکشور ایالات متحدهٔ امریکا شورائی بنام «شورای‌ملی‌نفت»

تشکیل داد که سیاست ثابتی برای امور نفتی کشور مزبور تدوین نماید. در اوایل سال بعد شورای مزبور گزارش خود را بوزیر کشور تسلیم نمود و در آن گفته شده بود که هدف سیاست ملی نفت امریکا باید بدینقرار باشد: -

۱- صنعت نفت امریکا باید در توسعهٔ اقتصاد امریکا وافزایش سطح زندگی مردم سهم عمده‌ای را دارا باشد.

۲- صنعت نفت باید ترتیبی بدهد که مقادیر کافی نفت چه در زمان صلح وچه در زمان جنگ حاضر و آماده باشد.

۳- صنعت نفت باید روی اصول تجارت آزاد کار کرده و ترتیبی بدهد که بتمام واحدهای صنعتی نفت کافی و بمقادیر عادلانه در ایام صلح وجنگ برساند.

٤- صنعت نفت باید در توسعهٔ تجارت و پیشرفت صنایع چه در داخل وچه در خارج سهم خود را ادا کند واتباع امریکا را باید تشویق نمود که در استخراج نفت در داخله وهمچنین در کشورهای خارج شرکت نمایند.

۵- هدف صنعت نفت باید این باشد که مؤسسات آزاد کشور را تقویت نموده ونشان دهد که میتواند برمشکلاتی که در یك دموکراسی صنعتی پیش میآید فائق گردد.

در قسمت سوم این گزارش که راجع بنفت کشورهای خارج است مینویسد:

شرکت اتباع ایالات متحدهٔ امریکا در توسعهٔ منابع نفتی جهان بسود همهٔ ملل بوده وازلحاظ امنیت ملی ما واجب ولازم است.. سیاست نفت ما باید مبنی براین باشد که اتباع ما بتوانند تحت شرایط مساوی بااتباع کشورهای دیگر بمنابع نفتی جهان دسترسی داشته باشند و باید تشویق کرد تا قراردادهائی بین دول خارجی و صنعت نفت تنظیم شود که اساس آن روی توسعهٔ مؤسسات خصوصی قرار گیرد.

گزارشی که فقط قسمت مختصری از آن نقل شد واضح میدارد که هدف دول بزرگ در باب نفت چیست وسیاست نفتی آنها ازچه قرار است مخصوصاً این نکته قابل توجه است که امریکا همواره ساعی است که اتباع آن درخارج بتوانند تحت شرایط مساوی بتحصیل امتیاز اقدام نمایند واین خود میرساند که رقابتهای گذشته اینك تعدیل یافته و شرایط مساوی وهمکاری وتشریك مساعی که در دسر آن کمتر وسودش زیادتر میباشد جای آنرا گرفته است.

بخش هفتم - شرایط امتیاز درگذشته وحال

بی‌مناسبت نیست که در این فصل راجع بشرائط امتیازات نفتی هم که بعضی اوقات تولید رقابت میکرد و تا حدی دراثر رقابت بپایهٔ امروز رسیده است مختصری ذکر نمائیم.

در کشورهائی که معادن زیرزمینی متعلق بمالکین اراضی بوده است و دولت خودرا مالك معادن نمیدانسته شرکتهای نفت باصاحبان اراضی قراردادهائی بتراضی طرفین منعقد مینموده‌اند وغالب اینگونه قراردادها مقرر میداشته است که قسمتی از

محصول یا بطور جنس یا پس‌از تسعیر به پول نقد بصاحبان اراضی تحویل گردد. این ترتیب بیشتر درایالات متحدهٔ‌امریکا معمول بوده وهنوزهم هست. شرکتهای خصوصی نفت را استخراج وحق‌السهمی بمالکین اراضی میدهند ودولت بوسیلهٔ مالیات‌بردرآمد از سود اینگونه شرکتها استفاده مینماید.

درسایر نقاطیکه دولت خودرا مالك معادن نفت میدانسته عمل استخراج بشکل امتیاز درآمده وصاحب‌امتیاز موظف بوده‌است زمین مورداحتیاج خودرا بقیمت‌عادله‌از مالکین اجاره یا خریداری نماید و برای کشف و استخراج معدن نفت زیرزمین حقی بعنوان حق‌الامتیاز بدولت بپردازد. صاحبان‌امتیاز تعهد می کردند که چند درصد از درآمد حاصله را بعنوان حق‌الامتیاز بدولت بپردازند ودر عوض از پرداخت عوارض گمرکی و مالیات معاف باشند. امتیاز دارسی نمونه‌ای از اینگونه امتیازات بود که صاحب امتیاز شانزده درصد از عواید خالص خودرا میبایست بدولت ایران بپردازد. اینگونه امتیازات عیوبی برای طرفین داشت که درعمل مشکلات بسیاری‌ایجادمینمود. ازطرفی صاحبان‌امتیاز مایل نبودند که دفاترآنها مورد رسیدگی قرارگرفته ودرآمد حقیقی‌آنها معلوم گردد وازطرف دیگر دولتها نمیتوانستند بنحو مطلوبی دفاترصاحب امتیاز راکنترول ورسیدگی نموده وحقوق‌حقهٔ خودرا وصول نمایند. چنین‌امتیازاتی‌در سالهای اول قرن حاضر معمول بود ودرآنوقت کشورهائی که امتیازات مزبوررا اعطا می کردند دارای اصول مالیاتی‌جدید نبوده وهنوز با مالیات‌درآمد آشنائی نداشتند. همینکه صاحبان‌امتیاز متوجه شدند که کشورهای مزبور میتوانند بوسیلهٔ وضع مالیات بردرآمد تسمتی از درآمد های شرکت های نفت را اخذ نمایند در صدد تغییر مواد امتیاز برآمده وطرز دیگری را انتخاب کردند که منافع خودرا بهتر تأمین نمایند.

طریقهٔ جدید عبارت ازاین بود که درعوض چند درصداز درآمد خالص‌دولت برای هرتن نفتی که استخراج وصادر میشد مبلغ معینی دریافت میداشت ودر ازای‌آن‌شرکت های نفت از هرگونه عوارض و مالیاتی معاف بودند. نمونهٔ اینگونه امتیازات همان امتیاز ۱۹۳۳ (۱۳۱۲شمسی) بود که پس‌از لغو امتیاز دارسی درایران منعقد گردید و امتیازگیرنده چهار شلینگ برای هرتن نفتی که درایران بفروش میرسید یا از ایران صادر میشد بعنوان حق‌الامتیاز میپرداخت. درعمل‌ثابت‌شد که این‌طریق هم‌برای دولتها سودمند نبوده‌است زیرا صاحبان امتیاز حق الامتیاز را متکی بدرآمد حاصله از نفت خام کرده واز سایر درآمد هائی که از پالایش وحمل ونقل وفروش نفت عاید میشد سهمی بدولتها نمیدادند. اینگونه‌امتیازات‌پس‌ازجنگ‌بین‌المللی اول‌درغالب کشورهای خاورمیانه معمول گشت وفقط درامتیاز ۱۹۳۳ که که‌دولت‌ایران اعطانمود مبلغی‌بعنوان سهم دولت ازدرآمدخالص شرکت (آنهم‌پس‌ازقیودی) منظور گشت که استثنائی بود.

درکشور های مستعمره که درتصرف ممالك اروپائی است طریق دیگری برای دریافت حق‌الامتیاز معمول بود که با سایر نقاط فرق داشت. درمستعمرات مزبور فقط شرکتهائی میتوانستند باستخراج نفت بپردازند که‌حکومت مستعمره بآنها چنین‌اجازه‌ای داده باشد وحکومت‌مستعمره‌هم کوشش‌مینمود که فقط‌اتباع دولت او اینگونه‌اجازه‌ها را تحصیل نمایند. مثلا در جزایر آندونزی که تا چندسال پیش مستعمرهٔ‌هلاند بودشرکت

وویال دچ شل باستخراج نفت میپرداخت و حق‌الامتیاز هم عبارت از مالیات گمرکی بود که حکومت مستعمرهٔ مزبور درموقع صدور نفت وصول میکرد .

اولین کشوری که قدم های مؤثر برای افزایش درآمد خود از نفت برداشت کشور ونزوئلا بود و راهی‌را که برای قبولاندن نظر خود بشرکتهای‌نفت اتخاذکرد یکی تهدید به ملی کردن صنعت نفت و دیگری وضع قوانین جدید مالیات بردرآمد بود .دولت ونزوئلا تشخیص داده بودکه (۱)فقدان سرمایهٔ داخلی برای ایجاد صنعت نفت (۲)نیرومندی‌کارتل نفت که تقریباً انحصارفروش نفت‌را درجهان دارد(۳)نداشتن وسائل حمل‌ونقل وفروش(٤)وکافی‌نبودن عدهٔ متخصصین‌برای اداره کردن صنعت نفت مستلزم این‌است که صنعت نفت ونزوئلا تا مدتی بدست خارجیان اداره شود لذاتصمیم گرفت که حداکثر درآمد را ازاین صنعت برای توسعه وپیشرفت امور اقتصادی کشور تحصیل نماید و توفیق بسیاری هم پیداکرد . نظر باینکه کامیابی ونزوئلا دراین راه اکنون سرمشقی برای سایرکشور های نفت‌خیز شده و اصل تنصیف درآمد بین‌امتیاز دهنده وامتیازگیرنده معمول گشته‌است‌بی‌مناسبت نمیباشد اگر مختصری راجع بشرایط امتیازات نفت ونزوئلا دراین‌جا ذکر شود .

اولین قانون نفت که در ونزوئلا تدوین شد در سال ۱۹۲۰ بودکه بموجب آن حق‌الامتیاز دولت بین هفت‌ونیم و پانزده در صد (یا بطور متوسط ده در صد) از محصول بود .

در سال۱۹۳۳تجدید نظری درقانون نفت شدکه مواد مهم آن بقرار ذیل بود :

۱ـ دولت اجازه داشت امتیاز کاوش نفت را برای حد اکثر ده هزار هکتار به اشخاص مختلف اعطا نماید و پس از سه سال از تاریخ اعطای امتیاز،گیرندهٔ امتیاز بایستی قطعاتی را برای استخراج انتخاب نمایدکه مساحت آن از پنج هزار هکتار تجاوز نکند .

۲ ـ مدت امتیاز استخراج برای چهل‌سال بود و حق‌الامتیاز عبارت بود از ده درصد محصول بقیمت صدور در بندر خروجی.

۳ـ حق‌الامتیاز نفتی که ازاراضی واقعه درمسافت بیش ازیکصد وشصت کیلومتر ازساحل دریا وهم‌چنین اراضی زیرآب (مانند دریاچه‌ها) بدست میآید هفت‌ونیم درصد بود واین‌ارفاق برای جبران هزینهٔ اضافی بودکه دراین نقاط مصرف میشد .

درسالهای ۱۹۲۵ و ۱۹۲۸ و ۱۹۳۵ و ۱۹۳٦ تغییرات مختصری درقانون نفت ونزوئلا داده شد ولی‌اصول قانون همواره ثابت وپابرجا ومبنای‌آن روی اصول تشویق سرمایهٔ خارجی بود .

در سال ۱۹۳۸ تجدید نظر دیگری در قانون شد و مقررگشت که حق‌الامتیاز استخراج نفت ازاراضی دولتی به پانزده درصد وحق‌امتیازاستخراج ازاراضی خصوصی واراضی که متعلق بشهرداریها باشد بشانزده درصد افزایش یابد .

در سال ۱۹٤۳ قانون جدیدی وضع گشت که بموجب آن حق‌الامتیاز به شانزده

ودو سوم (۱۶ ۲/۳) درصد افزایش یافت و بصاحبان امتیازات موجـود اجازه داده میشد که شرایط جدید را قبول کرده ومدت امتیازشان ازآن تاریخ تا چهل سال دیگر تمدید گردد . علاوه برحق‌الامتیاز مالیات بردرآمدی هم ازشرکتهای نفت روی اصول تصاعد دریافت میگردید که حداکثرآن به بیست و هفت درصد میرسید . موقعیکه دولت این قانون را بتصویب قوهٔ مقننه رساند اظهار داشت که مجموع درآمد دولت ازصنعت نفت هفتاد درصد نسبت بسابق افزایش خواهد یافت ودرآینده دراثراجرای قانون جدید درآمد دولت و شرکتهای نفت مساوی خواهد شد پس‌از وضع این قانون اصل تنصیف درآمد نفت براوی اولین مرتبه درونزوئلا اجرا گردید .

درسال ۱۹٤۸ در قانون مالیات بردرآمد ونزوئلا تغییراتی داده شدکه بموجب آن هرگاه درآمـد خالص شرکتهای نفت ازکل مبلغی که بابت حق الامتیاز ومالیات میپردازند تجاوزنمایدنصف مبلغ اضافی بعنوان مالیات بدولت پرداخت گردد. این‌قانون اخیر اصل تنصیف را مسجل نمود وبعدها سرمشقی برای سایرکشورها گشت .

توفیقی که ونزوئلا دروصول‌درآمد بیشتری حاصل‌نمود مرهون چند عامل مختلف بود . اولاً دولت ونزوئلا به‌کمك ویاری‌کارگران صنعت نفت واقع بینی را پیشه خود قرارداده ومتوجه بودکه همکاری باسرمایهٔ خارجی دروضع کنونی لازم‌است ولذا هدف را این قراردادکه حد اکثر استفاده را ازصنعت نفت نموده و از طرفی بدرآمد دولت افزوده وازطرف دیگرازتقاضاهای حقهٔ کارگران پشتیبانی نماید تاوضع زندگانی‌آنها بهتر شود .

ثانیاً پس ازجنگ احتیاج بنفت ونزوئلا زیادترشده وشرکتهای نفت از شکست خود درمکزیك درس‌عبرت گرفته وحاضر بودند که‌بتقاضاهای مشروع‌ونزوئلاتن‌دردهند.

ثالثاً وضع سیاسی‌جهان پس ازجنگ اخیرطوری بودکه دولت امریکارا واداشت رویهٔ مسالمت‌آمیزی نسبت بجمهوریهای‌امریکای جنوبی پیش‌گیرد تاآنها طعمهٔ تبلیغات شدیدکمونیزم نشوند .

ولی در ونزوئلا علاوه برتنظیم حق‌الامتیاز و مالیات بردرآمدکه عاید دولت میگشت تغییرات زیادی هم در امورکارگران صنعت نفت داده شدکه شایان بسی توجه است و تغییرات مزبور دراثر اتحادکارگران وپشتیبانی صمیمانهٔ دولت انجام گرفت . هرولد هیت[۱] رئیس شرکت کراول[۲] که شرکت تابعهٔ استاندارد نیوجرزی میباشد در کمیسیون مجلس نمایندگان امریکا اظهار داشت : « هزینهٔ دستمزد کارگران نفت در ونزوئلا غالب‌ازهزینهٔ دستمزدکارگران صنعت نفت‌امریکاهم بیشتراست. بموجب‌قرارداد دسته جمعی که درسپتامبر ۱۹۵۳ بین شرکتهای نفت و اتحادیهٔ کارگران نفت ونزوئلا منعقد شده وتا ۱۹۵٦ منقضی نخواهد شد یك‌کارگرعادی سالی ۳۲۸۷ دولار (تقریباً روزی ۹ دولار) مزدگرفته و سالی ۱۰۸۳ دولار هم مزایـا و فوق‌العاده میگیردکه بطورمتوسط یك‌کارگرعادی سالی ٤۲۷۰ دولار (تقریباً روزی دوازده دولار) دستمزد

---

(۲) The Creole Petroleum Corporation (۱) Harold W. Haight

میگیرد . درموردکارگران ماهر وفنی معدل دستمزد سالیانهٔ یکنفرسالی ۵۸۹۶ دولار است که پس از افزایش مزایا و فوق‌العاده هریك سالی ۷۱۰۷ دولار (تقریباً روزی نوزده دولار ونیم) دستمزد میگیرد .

شرکتهای نفت علاوه برافزایش‌دستمزدکارگران رویهٔ مآل‌اندیشانه‌ای درونزوئلا پیش گرفته‌اندکه موجب تحکیم روابط بین کارفرما وکارگر شده و میتواند سرمشق خوبی برای سایرنقاط باشد . مثلاً قانون نفت ونزوئلا مقرر داشته است که ۷۵ درصد ازکلیهٔ کارکنان صنعت نفت باید ازاتباع ونزوئلاباشند ودرآخرسال ۱۹۵۳ نود وچهار درصد ازمجموع کارکنان از اهل آن کشور بودند . شرکتهای نفت خرج تحصیل اطفال همهٔ کارکنان صنعت نفت را میپردازند و هرسال عدهٔ زیادی محصل به خارج برای فراگرفتن فنون نفت اعزام میدارند ودرحال حاضر پیشرفت‌کار باندازه‌ای است که کلیهٔ حفارهای چاههای نفت ازاهل کشور هستند ومقامات‌عالیه‌صنعت نفت‌بتدریج به‌مهندسین وشیمیست‌ها وزمین‌شناسان کشور واگذارمی گردد. شرکتهای نفت مسئول بهداشت کلیهٔ کارکنان خودمیباشند و بیمارستانها ودرمانگاههای متعددی ساخته‌اند که نه تنها کارکنان وخانواده های‌آنهارا معالجه میکنند بلکه سایرمردمی‌هم که درنواحی نفت خیز سکنی دارند ازاین‌وسایل بهره‌مندمیگردند. برطبق آخرین آماری که‌دردست‌است کلیهٔ پزشکان وپرستاران وکارکنان بیمارستانها ودرمانگاه‌ها ازاهل ونزوئلاهستند ودراداره‌ٔ بهداری شرکتهای نفت دیگرهیچ احتیاجی بمستخدم خارجی نیست .

شرکتهای نفت تاکنون‌سی‌هزارخانه برای‌کارکنان صنعت نفت ونزوئلا ساخته‌اند که متجاوز ازدویست وچهار ملیون دولار بمصرف این ساختمانها رسیده و اخیراً هم خانه های جدیدی که دارای همه گونه وسایل رفاه وآسایش است ساخته و باقساط به‌کارکنان نفت میفروشندکه به تدریج کارکنان مالك خانه های خود شوند .

درقسمت کارهای‌عام‌المنفعه شرکتهای نفت تاکنون دوهزارویکصدوپنجاه کیلومتر راه های شوسه درجهٔ اول ساخته‌اندکه همهٔ مردم ومن‌جمله‌شرکتهای‌نفت ازآن استفاده مینمایند وپس‌ازجنگ اخیر سه شرکت بزرگ نفت که درونزوئلاکارمیکنندپانزده‌ملیون دولار سهام مؤسسه‌ای را خریدندکه برای‌توسعهٔ کشاورزی وترویج اصول جدید فلاحتی درآن کشور ایجادگشت .

در قانون ونزوئلا مقرراتی هست که شرکتهای نفت را موظف میدارد برای کارکنان خودمسکن بسازند ومدارس کافی برای تربیت‌اطفال‌آنها ایجاد نمایند و بهداشت آنها را برایگان تأمین نمایند ودرموقع خاتمه خدمت مبلغی بآنها تأدیه‌کنند ومرخصی سالیانه بآنها بدهند واز همه مهم‌تر شرکتهای نفت باید هرسال مبلغ معینی از سود خالص خود را بعنوان پاداش بکارکنان خود بپردازند وبدینوسیله کارکنان صنعت نفت درسود شرکتها سهیم شده‌اند .

شرکتهای نفت مآل اندیشی را پیشهٔ خود قرارداده و قبل ازآنکه کارمندی را به ونزوئلا اعزام دارند اورا وادار میکنند تا زبان اسپانیولی (که زبان رایج کشور ونزوئلا میباشد) را فراگیرد تابتواند بامردم کشور وهمکاران خود روابط نزدیکتری

داشته باشد ورویهمرفته وضع کارکنان صنعت نفت ونزوئلا بحدی پیشرفت کرده که محسود سایر کارگران آن کشور واقع شده‌اند .

سیاست واقع بینی دولت ونزوئلا موجب گشته‌است که حداکثر استفاده را ازصنعت نفت بنماید : قسمت‌عمدهٔ درآمد دولت ازنفت صرف کارهای عمرانی میشود وپیشرفتهای اقتصادی مهمی که درسالهای‌اخیر درآن کشورشده باعث‌تعجب وتحسین همه قرارگرفته است . جمعیت کشور ونزوئلا درحدود پنج ملیون است ولی وضع اقتصادی‌آن ازبسیاری ازکشورهای دیگر امریکای جنوبی بهتراست . درده سال اخیر صادرات ونزوئلا (از حیث ارزش پولی‌آن نسبت بافراد کشور) دربین کشورهای جهان درجهٔ دوم را حائزشده است . سه‌هزارملیون دولار سرمایهٔ خارجی درکشور ونزوئلا بکارافتاده که بیش‌ازنصف آن متعلق بامریکائیهاست بیش ازنصف واردات کشور اجناسی‌است که قوهٔ تولید کشور را میافزاید از قبیل ماشین های کارخانه ها وغیره وبیش ازده سال است که صادرات برواردات فزونی دارد .

دومین کشوری که تنصیف منافع را مأخذ حق‌الامتیاز ودرآمد نفت قرارداد کشور عربستان سعودی بود .

درطی جنگ اخیر درآمد دولت سعودی از نفت کم شده بود و درآمدی هم که از زائرین بیت‌الله عاید میشد تقلیل یافته بود لذا پس از جنگ دولت سعودی بشرکت نفتی که امتیاز استخراج آن کشوررا داشت فشارآورد که بردرآمد دولت بیافزاید . در ابتدا شرکت مزبور روی خوشی باین تقاضا نشان نمیداد ودولت سعودی درماه اکتبر ۱۹۵۰ فرمانی صادر کرد ومقررداشت که شرکتها بیست درصد ازمنافع خودرا بعنوان مالیات بردرآمد بدولت بپردازند و افراد هم پنج درصد درآمد خود را بهمان عنوان بخزانهٔ دولت‌عاید دارند . شرکت‌آرامکو (که همان شرکت نفت امریکائی صاحب‌امتیاز نفت عربستان سعودی باشد) بوضع این مالیات اعتراض نمود و مدعی شدکه برطبق مقررات امتیازنامه ازپرداخت مالیاتهای داخلی معاف است . دولت سعودی اعتراض را وارد ندانسته واظهارکردکه هردولت مستقلی حق وضع مالیات را درکشور خود دارد وبالنتیجه مذاکرات برای رفع اختلاف بین دولت و شرکت شروع ودوماه بعد منتهی به عقد قراردادی شدکه اصل تنصیف درآمدرا دربر داشت ولی قرارداد مزبور درآمد خالص شرکت را پس ازپرداخت مالیات شرکت بدولت امریکا تعیین مینمود و بعبارت دیگر شرکت آرامکو پس از تعیین درآمد خالص خـود اول مالیات مدیون خود را بدولت امریکا میپرداخت وبعد بقیه بین شرکت مزبور و دولت سعودی نصف میشد . بعدها که قرارداد تنصیف منافع در سایر کشورهای خاورمیانه معمول گشت این قسمت اصلاح شد وشرکت‌آرامکو قبول کردکه قبل ازپرداخت مالیات بدولت امریکا درآمد خود را بادولت سعودی تنصیف نماید .

درسال ۱۹۵۳ درامتیازاتی که دولت عراق‌اعطا کرده بود تجدیدنظرشد واصل تنصیف منافع قبول گردید بعلاوه شرکتهای نفت که درآن کشور باستخراج میپردازند تعهد نمودند که حد اقل میزان استخراج را بسالی سی‌ملیون تن افزایش دهند و بابت دعاوی گذشتهٔ دولت عراق هم پنج ملیون نقد بپردازند .

در اواخرسال ۱۹۵۱ قراردادی بین شیخ کویت و شرکت نفتی که درآن ناحیه کارمیکند منعقد شد و اصل تنصیف منافع برقرار گردید و برمدت امتیاز هم هفده سال اضافه گردید . دربحرین و قطرهم قراردادهای مشابهی امضاء گردید و اینك تمام امتیازات نفتی کـه درکشور های خاورمیانه داده شده روی مبنای تنصیف منافع قرار گرفته است .

پس‌ازآنکه قراردادهای تنصیف منافع درخاورمیانه رواج گرفت دولت جمهوری پرو هم از این رویه تبعیت کرده وقانونی وضع کرد که اصل تنصیف منافع درصنعت آن برقرار باشد .

درماه مارس ۱۹۵٤ دولت ترکیه قانونی وضع و بتصویب مجلس ملی رساند که طرزاعطای امتیازنفت را درآن کشورتنظیم مینمود . بموجب این قانون (که بامشورت متخصصین امریکائی تدوین شده است) دولت حق دارد اجازهٔ کاوش برای مدت شش سال بداوطلبان بدهد . هر داوطلبی میتواند حد اکثر برای هشت ناحیه که مساحت هریك پنجاه هزارهکتار است تقاضای کاوش بدهدوپس‌ازختم عمل‌کاوش دولت میتواند اجازهٔ استخراج در مساحت بیست و پنج هزار هکتار بهریك ازتقاضا کنندگان اعطا نماید . مدت اجازهٔ استخراج یاامتیاز چهل سال است که بعداً درصورت تراضی طرفین برای بیست سال دیگر نیز قابل تمدید میباشد . حق‌الامتیاز دوازده و نیم درصد از محصول وتنصیف منافع خالص میباشد . دولت اسرائیل هم قانون مشابهی وضع کرده واین دوکشورهم که هنوز معلوم نیست منابع عمدهٔ نفت داشته باشند اصل تنصیف را قبول کرده‌اند .

تنها امتیازی که درخاورمیانه داده شده وشرایط‌آن هنوزمنطبق بااصل تنصیف منافع نمی‌باشد امتیازی است که در منطقهٔ بیطرف واقع بین‌کویت وعربستان سعودی داده شده . این منطقهٔ مشترك بین‌کویت وعربستان سعودی است . درسال ۱۹٤۸ شیخ کویت استخراج نفت را درنصفهٔ خود بیك شرکت نفت امریکائی داد که شرایط آن بقرار زیر بود .

۱ـ مدت امتیاز شصت سال است .

۲ـ دولت‌کویت حق دارد مقداری ازسهام شرکتی که برای استخراج و تصفیه تشکیل میشود خریداری نماید .

۳ـ یك هشتم ازمنافع حاصله درمحل بدولت‌کویت پرداخته میشود .

٤ـ حق الامتیازی کـه بدولت کویت پرداخته میشود دو دولار برای هر تن نفت است .

۵ـ درموقع عقد قرارداد امتیاز گیرنده هفت ملیون و نیـم دولار نقد بدولت پرداخت و تعهد نمود که تا مـوقع استخراج سالی ٦۵۰۰۰ دولار هـم بدولت کویت بپردازد .

چندی بعد یك شرکت دیگر امریکائی امتیاز نصفهٔ دیگر منطقهٔ بیطرف که در قلمرو عربستان سعودی است گرفت وشرایط آن هم بقرار ذیل بود :-

۱ـ مدت امتیاز شصت سال .

۲ـ پرداخت نه ملیون ونیم دلار نقد درموقع عقد قرارداد وتعهد پرداخت سالی یك ملیون دلار تاآغاز استخراج .

۳ـ حق‌الامتیاز برای هر چلیك نفت که استخراج میشود ۵۵ سانتیم امریکائی (تقریباً چهار دلار وکسری درهرتن) .

٤ـ یك هشتم منافع استخراج و یك ربع منافع حاصله از تصفیهٔ نفت بدولت سعودی پرداخته میشود .

۵ـ دولت سعودی حق خواهد داشت ربع سهام شرکتی که برای بهره برداری ازاین امتیاز تشکیل میشود خریداری نماید .

٦ـ امتیازگیرنده تعهد میکند که پالایشگاهی بسازد ومحصولات نفتی را درجده وریاض بدون احتساب کرایه دردسترس عموم بگذارد .

نظر باینکه درسنوات اخیر منابع عمدهٔ نفت درکشور کانادا کشف واستخراج شده بی مناسبت نیست اگر ذکری هم از حق الامتیازی که در آنجا معمول است بنمائیم تا معلوم گردد که شرکت‌های نفت باکشور های مترقی چه‌معامله‌ای‌میکنند؟

حکومتهای ایالت مختلف کانادا که خود مالك اراضی وسیع میباشند اراضی مزبور را بمزایده میگذارند وشرکتهای نفت پیشنهاد های خودرا درپاکتهای سربسته تقدیم حکومت میدارنـد . در ابتدای کار مبلغی نقد برای حق‌کاوش دراراضی مزبور میپردازند واین حق به‌کسی داده میشود که مبلغ زیادتری پیشنهاد دهد . پس از کشف نفت واستخراج آن شرکتهای نفت دوازده ونیم درصد ازارزش مجموع نفت استخراج شده را (بدون کسر کردن مخارج) بعنوان حق‌الامتیاز بحکومت میپردازند . این گونه پرداخت تاوقتی دوام دارد که شرکتهای نفت مخارج اولیه را برای کاوش وآماده کردن معدن برای استخراج مستهلك نکرده باشند . ودرقراردادهائی که منعقد میشود غالب مبلغ خرج منظوررا تعیین ومدت استهلاك آنرا نیز مشخص میدارند. پس‌ازاستهلاك این سرمایهٔ اولیه حق‌الامتیاز به‌تناسب میزان‌استخراج ازدوازده ونیم درصد تجاوزمیکند وهراندازه تولید زیادتر باشد حق‌الامتیاز هم افزایش میابد. علاوه براین حق‌الامتیازی که روی مأخذ کل استخراج وصول میشود حق‌الامتیاز دیگری‌هم‌ازدرآمدخالص شرکتها وصول میگرددکه آنهم روی اصل مزایده تعیین میشود . مجلهٔ « پترولیوم پرس سرویس »[۱] مورخهٔ ماه مه ۱۹۵۵ نوشته است که حق الامتیاز از درآمد خالص بین سی درصد وهفتاد وهفت درصد بوده است . واضح است که شرکتهای مزبور طبق قوانین کانادا پس از پرداخت دوفقره حق‌الامتیازمزبور مالیات بردرآمد معمول را هم ازعواید خود بدولت کانادا میپردازند .

یك امتیازجدیدی‌هم اخیراً درجمهوری‌آرژانتین بشرکت نفت استاندارد کالیفورنی داده شده که ذکر شرایط آن بیمورد نیست . درگذشته امتیازات متعددی درآرژانتین برای استخراج نفت داده شده است و درحال حاضر شرکت نفت استاندارد نیوجرزی

---

(۱) Petroleum Press Service

وشرکت نفت رویال دچ شل باستناد امتیازهای گذشته درآن کشور کارمیکنند ومحصول سالیانهٔ دوشرکت به هفتصد هزارتن میرسد ولی دربیست سال اخیردولت آرژانتین ساعی بوده است که امتیازی بخارجیها نداده وخود بعضی از معادن نفت را عمل میکرده است . نظر بافزایش روزافزون مصرف داخلی ولزوم استخراج نفت بیشتراخیراً دولت آرژانتین با شرکت استاندارد کالیفورنی قراردادی بسته است که درقسمت جنوبی آن کشور به کاوش واستخراج نفت بپردازد . مدت قرارداد برای چهل سال است وشرکت استانداردکالیفورنی باید حداقل سیزده ملیون ونیم دولار بمصرف کاوش برساند . پس ازاستخراج وتاوقتیکه مصرف داخلی تأمین نشده است کلیهٔ محصول تحویل شرکت نفت دولتی داده خواهد شد که در پالایشگاه های دولتی تصفیه شده و بفروش رسد . این نفت خام بقیمت بازار بین‌المللی منهای پنج درصد تخفیف تحویل داده میشود و نصف سود خالص شرکت نفت استاندارد کالیفورنی هرچه باشد بدولت تعلق خواهد گرفت وپس‌ازختم قرارداد کلیهٔ تأسیسات شرکت مزبورهم بدولت تحویل داده خواهد شد[۱] .

انواع شرایط امتیازات نفت آن بود که دربالا گفته شد وچنانکه ملاحظه میشود اکنون اصل تنصیف منافع درخاورمیانه وکشورهای امریکای جنوبی معمول گشته است منتها درونزوئلا که درابتدا اصل تنصیف را معمول کرد امروز شرایط دیگری ازقبیل تخصیص قسمتی از منافع به کارگران صنعت نفت و تأمین وسایل رفاه آن ها وغیره جریان دارد که سهم دولت ونزوئلا وکارگران آن اکنون از شصت درصد منافع هم تجاوز میکند .

آینده معلوم خواهد داشت که کشور های نفت خیز شرایط کنونی را عادلانه پنداشته وبآن قانع خواهند بود یاآنکه شرایط بهتری را مطالبه خواهند کرد .

---

(۱) پس ازسقوط حکومت ژنرال پرون جراید نوشتند کـه امتیاز مزبور را دولت جدید لغو کرده است .

فصل چهارم

بخش نخستین ـ اهمیت نفت خاورمیانه

بخش دوم ـ نفت ایران

بخش سوم ـ نفت عراق

بخش چهارم ـ نفت بحرین

بخش پنجم ـ نفت عربستان سعودی

بخش ششم ـ نفت کویت

بخش هفتم ـ نفت منطقهٔ بیطرف

بخش هشتم ـ نفت قطر

بخش نهم ـ نفت سایر کشورهای خاورمیانه

بخش دهم ـ گاز نفت درخاورمیانه

بخش یازدهم ـ تأثیر اقتصادی واجتماعی نفت درخاورمیانه

فصل چهارم

بخش نخستین ـ اهمیت نفت خاورمیانه

ارقام زیر افزایش سریع و بی‌سابقهٔ استخراج نفت را در کشور های خاورمیانه آشکار میسازد .

درسال ۱۹۳۸ (یعنی سال قبل‌ازجنگ اخیر بین‌المللی) کلیهٔ محصول نفت خاورمیانه شانزده ملیون تن ودرهمان سال مجموع محصول نفت جهان ۲۸۲ ملیون تن ومحصول خاورمیانه پنج و نیم درصد از کل محصول دنیا محسوب میشد .

درسال ۱۹٤٦ (یکسال پس ازجنگ) محصول نفت خاورمیانه سی و پنج ملیون و نیم‌تن ودرهمان‌سال محصول نفت‌جهان ۳۷۸ ملیون‌تن ومحصول‌خاورمیانه نه وچهاردهم درصد ازکلیهٔ محصول دنیا محسوب میشد .

درسال ۱۹۵۲ محصول نفت امریکا ۳۰٤ ملیون تن (که نصف کل محصول دنیا بود) ومحصول نفت سایر کشورهای نیم کرهٔ غربی ۱۲۱ ملیون تن (که یك پنجم کل محصول دنیا بود) ومحصول روسیهٔ شوروی و کشور های وابسته بآن ۵۵ ملیون تن (که نه درصد محصول دنیا بود) ومحصول نفت خاورمیانه باستثنای ایران که در آنوقت استخراجش تقریباً متوقف بود یکصد و پنج ملیون و نیم تن (که هفده ودودهم درصد محصول دنیا بود) ومحصول سایر نقاط بیست‌ملیون و نیم تن (که سه‌وهشت‌دهم درصد محصول دنیا بود) .

درسال ۱۹۵٤ محصول نفت جهان بدینقرار بود :

		چند درصد از نفت دنیا
ایالات متحدهٔ امریکا	۳۱۱۸۰۰۰۰۰	٤۵ ۷/۱۰
کانادا	۱۲٦٦۰۰۰۰	۱ ۹/۱۰
مکزیك و کشورهای امریکای جنوبی	۱۲٦۲٦٦۰۰۰	۱۸ ۵/۱۰
خاورمیانه	۱۳۵۸۸۰۰۰۰	۱۹ ۹/۱۰
خاوردور	۱٦۹۹۵۰۰۰	۲ ۵/۱۰
اروپاوسایر نقاط	٤٦۵۰۰۰۰	۷/۱۰
شوروی و کشورهای وابستهٔ بآن	۷۳۲۵۳۰۰۰	۱۰ ۸/۱۰
جمع	٦۸۱۵۰٤۰۰۰	۱۰۰

درگذشته تقاضا برای مواد نفتی باندازه‌ای زیاد بوده است که درهرده سال دوبرابرشده و اگر گذشته را قیاسی برای آینده بشمار آوریم بعیدنیست که محصول نفت

کشورهای خاورمیانه تاچندسال‌دیگر بسالی‌دویست الی‌دویست وپنجاه‌ملیون تن‌برسد .

درقسمت تصفیهٔ نفت پالایشگاه های کنونی کشورهای خاورمیانه گنجایشی درحدود شصت ودوملیون تن در سال دارند که قسمتی ازآن عاطل مانده وبقیه مشغول کاراست . قریب سه‌چهارم ازکل‌مقدارنفتی که درخاورمیانه تصفیه میشود بسایر کشورها صادره‌میشود ونظر باینکه پس ازجنگ پالایشگاه های متعددی درکشورهای اروپا ساخته شده که قادر بتصفیهٔ کلیهٔ احتیاجات آن است و در هندوستان و خاور دورهم پالایشگاه هائی اکنون میسازند تصور نمیرود که تامدت مدیدی صنعت تصفیهٔ نفت در خاورمیانه توسعهٔ زیادی یابد .

استخراج وتصفیهٔ نفت خاورمیانه ازابتدابدست‌شرکتهای‌بزرگ‌نفت انجام‌میافت واین‌ترتیب‌هنوزهم ادامه دارد وبانفوذ وقدرتی که‌شرکتهای‌مزبوردارند تصورنمیرود که باین‌زودیها بتوان‌سلطهٔ آنهارامتزلزل‌ساخت وتاوقتیکه وضع‌سیاسی کشورهای خاورمیانه این‌است که امروزمشاهده میشود گمان نمیرود که درآیندهٔ نزدیکی ملل خاورمیانه قادر باشند که صنعفت نفت خود را بدون کمك دیگران اداره نمایند .

توسعهٔ روزافزون استخراج نفت درخاورمیانه عوامل جدیدی ایجادکرده است که احتمال وقوع‌آنها درسابق تصور نمیرفت . مثلاً مبلغ سرمایه‌ای که شرکتهای‌نفت در صنعت نفت این کشورها بکارانداخته‌اند پس‌ازجنگ یکمرتبه افزایش بسیاری پیداکرد درحالیکه قبل ازجنگ گمان نمیرفت که چنین مبالغ گزافی در این ناحیهٔ ازجهان بکار افتد . درسال ۱۹۲۵ کلیهٔ سرمایهٔ خارجی که درنفت‌خاورمیانه (آنوقت فقط ایران ومصر) بکارافتاده بود از یکصد ملیون دولارتجاوز نمیکرد. در۱۹۳۵ مبلغ‌آن به۳۵۰ملیون دولار رسید ودر ۱۹۴۵ بهزارملیون دلار بالغ شد ودر ۱۹۵۱ زدوهزارملیون دلارهم تجاوزکرد . طبق‌آخرین برآوردی که شده‌است مبلغ سرمایهٔ خارجی که در ۱۹۵۴ در کار نفت خاورمیانه بود ازدوهزاروپانصد ملیون دلارهم تجاوز کرده است.

شاید مردمانی که اطلاع‌کافی ازامورنفت ندارند تصورکنند که همهٔ این‌مبلغ را شرکتهای نفت ازخارج‌آورده و درامور بهره برداری نفت خاورمیانه بکارانداخته‌اند ولی اینطورنیست زیرا قسمت عمدهٔ سرمایهٔ مصروفه عبارت ازدرآمد های گزافی بوده است که شرکتهای مزبور عایدشان‌شده وبعدآنرابمصرف سرمایه رسانده‌اند . ملل‌متحد کتابی درسال ۱۹۵۱ راجع باوضاع اقتصادی‌کشور های خاورمیانه چاپ و منتشرکرد که شرح زیر ازصفحه های ۲۶ و۲۷ آن اقتباس شده است و درآمدگزاف شرکتهای نفت‌را آشکارمیسازد :-

« باوجود اینکه سرمایهٔ زیادی برای استخراج وحمل ونقل نفت خاورمیانه لازم است معهذا اشاراتی هست که ثابت میدارد هزینهٔ تولید نفت درخاورمیانه خیلی کمتر از هزینهٔ تولیدآن درسایرنواحی عمدهٔ نفت‌خیز جهان میباشد. تقریباً تمام‌نفت خاورمیانه از چاه هائی بدست میآیدکه خود فوران دارند واثاثیه کارهم ازبهترین نوع است . میزان تولید ازچاه های مزبورکه تعدادآنها درسال ۱۹۴۹ سیصد ونود وشش‌چاه بود بسیار عالی است . معدل محصول روزانه هریك ازآنها قریب به۳۷۲۸ چلیك بود درحالیکه

معدل محصول چهارصد وپنجاه هزار چاه نفت در ایالات متحدهٔ امریکا روزی هریك یازده چلیك ومعدل‌محصول چاه های همهٔ دنیاهریك‌روزی‌بیست ویك چلیك بیش نبوده است . مزد عمله پائین وتولید نفت بوسیلهٔ هرکارگری معادل تولید کارگر امریکائی وونزوئلائی میباشد . »

«درسال ۱۹۴۸ حق‌الامتیاز ومالیات پرداختی درخاورمیانه برای‌هرچلیك نفت بین سیزده وسی‌وپنج‌سانتیم امریکائی بود درصورتیکه درونزوئلا معدل پرداختی دوازده شرکت بزرگ نفت ۸۶ سانتیم برای هرچلیك بود . اخیراً نرخ حق‌الامتیاز درچند کشورخاورمیانه افزایش یافته‌است ولی‌باوجود این‌ازمأخذ مبلغی که درونزوئلا پرداخت میشود خیلی‌کمتر است . اطلاعی راجع به هزینهٔ حقیقی تولید نفت در غالب‌کشورهای خاورمیانه دردسترس نیست . درآخر سال ۱۹۴۷ هزینهٔ استخراج یك چلیك نفت خام درعربستان سعودی به ۲۴ سانتیم امریکائی تخمین زده شد واین مبلغ غیراز۲۱ سانتیم حق‌الامتیاز ودوونیم‌سانتیم هزینهٔ حمل نفت به پالایشگاه بود . هزینهٔ تولید یك چلیك نفت خام در عربستان سعودی را میتوان بطور تخمین مأخذ هزینهٔ تولید نفت خام در سایر کشورهای مجاورخلیج فارس‌دانست . درونزوئلا معدل‌هزینهٔ تولید یك چلیك نفت خام برای دوازده شرکت بزرگ نفت (بغیرازحق‌الامتیاز ومالیات) درحدود ۶۸سانتیم بوده است . . . . . »

« در اوایل سال ۱۹۴۹ نفت خام خاورمیانه‌که تحویل‌کشتی در خلیج فارس مظنه داده میشد عبارت بود از هر چلیك (بوزن مخصوص ۳۳) یك دولار و نود و هفت سانتیم امریکائی وبرای هردرجه وزن مخصوص دو سانتیم تفاوت قائل میشدند (که در واقع تفاوت در نوع جنس نفت است) . دراواسط سال مزبورپانزده سانتیم درهر چلیك قیمت را پائین آوردند ودر سپتامبر همان سال بازهم سیزده سانتیم تنزل در قیمت‌ها پیش آمد بطوریکه دراواخر آنسال مظنهٔ هرچلیك نفت خام خاورمیانه به یك دولار وشصت ونه سانتیم رسید. این‌را میتوان تطبیق بامظنهٔ نفت خام ونزوئلا که تحویل بندر پوئرتولاکروز[1] دو دولار وپنجاه‌ونه سانتیم ومظنهٔ نفت‌خام تکساس که تحویل‌بندر هوستن[2] دودولار وهفتادودوسانتیم‌بوده‌نمود . نظر به‌کمی‌هزینهٔ تولید قیمتهای‌کنونی نفت خاورمیانه هنوز تفاوت فاحشی با سایر نقاط دارد و سودآن‌خیلی زیادتر است . »

چنانکه از شرح فوق واضح است هزینهٔ تولید نفت خاورمیانه از هزینهٔ تولید درامریکای شمالی و جنوبی کمتر است وگرچه هزینهٔ حمل نفت خاورمیانه باروپاگران تر از هزینهٔ حمل نفت نیم‌کرهٔ غربی بکشور های اروپائی میباشد معهذادرآمدشرکت های‌نفت از تأسیسات آنها درخاورمیانه زیادترمیباشد. در حال حاضر باوجودافزایش حق‌الامتیاز نفت های خاورمیانه -صرف میکندکه از خلیج فارس نفت بایالات متحدهٔ امریکا حمل شده وبفروش رسد.

عامل دیگر نفت خاورمیانه‌که در سالهای اخیر اهمیت یافته همان تعیین مظنهٔ

---

(۲) Houston (۱) Puerto La Cruz

آن است. درسابق مظنهٔ نفت درخلیج مکزیك مأخذ قیمت نفت خاورمیانه بود ولی اکنون عظمت استخراج این‌ناحیه به‌جائی رسیده است که مظنهٔ مستقلی برای آن اعلان میشود و نفت خاورمیانه باگرانی کرایه که بآن تعلق میگیرد می‌تواند درسواحل شرقی امریکا با نفت ونزوئلا برابری نماید.

گذشته از عوامل اقتصادی که محرك و مشوق استخراج نفت خاورمیانه بوده‌است احتیاج روزافزون کشور های صنعتی بنفت موجب تولید عوامل سیاسی گوناگون گشته وسرنوشت سیاسی کشور های خاومیانه درپنجاه سال اخیر بستگی فراوانی بانفت‌داشته است که ذکر خلاصه‌ای از آن بیمورد نیست. ولی قبل از بحث دراین موضوع ذکر بعضی ارقام لازم بنظر میرسد.

استخراج نفت درخاورمیانه به‌هزارتن‌متریك

کشور	سال ۱۹۳۸	سال ۱۹۴۶	سال ۱۹۵۰	سال ۱۹۵۴
ایران	۱۰۳۰۹	۱۹۴۹۷	۳۲۲۵۹	۳۹۳۶
بحرین	۱۱۳۸	۱۰۹۹	۱۵۱۱	۱۵۰۵
مصر	۲۲۶	۱۲۸۲	۲۶۰۷	۱۹۷۰
عراق	۴۲۹۸	۴۶۸۰	۶۴۷۶	۲۹۵۵۰
کویت	—	۸۰۰	۱۷۲۹۱	۴۷۷۳۰
منطقهٔ بیطرف کویت و سعودی	—	—	—	۹۲۰
قطر	—	—	۱۶۳۶	۴۷۷۹
عربستان سعودی	۶۷	۸۲۰۰	۲۶۹۰۴	۴۶۱۸۷
ترکیه	—	—	۱۷	۵۹
جمع	۱۶۰۸۸	۳۵۵۵۸	۸۸۶۱۳	۱۳۵۶۳۶
محصول کل جهان	۲۸۲۰۰۰	۳۷۸۰۰۰	۵۲۵۰۰۰	۶۹۰۰۰۰
محصول‌خاورمیانه‌چنددرصد ازمحصول‌دنیا بوده‌است.	۵ ۷/۱۰	۹ ۴/۱۰	۱۶ ۹/۱۰	۱۹ ۷/۱۰

تصفیهٔ نفت درخاورمیانه به هزارتن متریك

کشور	سال ۱۹۳۸	سال ۱۹۴۶	سال ۱۹۵۰	سال ۱۹۵۴
ایران	۶۸۷۷	۱۷۰۴۳	۲۴۶۶۵	۱۲۳۵
بحرین	۹۱۳	۴۰۴۲	۶۸۴۱	۹۷۵۹

کشور	سال ۱۹۳۸	سال ۱۹۴۶	سال ۱۹۵۰	سال ۱۹۵۳
مصر	۲۸۱	۹۴۰	۲۱۱۱	۲۱۹۶
عراق	۱۱۶	۱۹۹	۳۹۶	۸۶۳
اسرائیل	۳۲۰۰	۳۲۰۰	۱۸۷	۸۶۷
کویت	—	—	۱۱۰۱	۱۵۱۸
لبنان	—	۲۲۸	۳۹۴	۴۸۷
عربستان‌سعودی	—	۳۷۰۰	۴۹۶۰	۹۹۰۱
ترکیه	—	—	۵	۵

دربارهٔ ذخایر نفت خاورمیانه ارقام مختلفی تاکنون ذکر شده که‌همیشه باکشف معادن جدید در تغییر بوده‌است . آخرین ارقامی که درموقع طبع این کتاب بدست‌آمد همان جدولی بود که در آخرین گزارش اقتصادی ملل‌متحد در بارهٔ خاورمیانه منتشر گشته وبقرار زیر است :

ذخایرنفت کشورهای خاورمیانه طبق تخمینی که در اول سال ۱۹۵۳ میلادی شده به هزارتن متریك .

	ملیون تن متریك	چنددرصدازکل ذخایرجهان
بحرین	۴۰۹۰۰	۰ر۳
مصر	۲۸۶۰۰	۰ر۲
ایران	۱۷۲۲۳۰۰	۱۱ر۱
عراق	۱۴۷۰۶۰۰	۹ر۴
کویت	۲۴۴۴۳۰۰	۱۵ر۷
قطر	۱۶۳۲۰۰	۱ر۰۵
عربستان سعودی	۲۴۲۶۵۰۰	۱۵ر۶
ترکیه	۱۱۱۰۰	۰ر۱
جمع	۷۳۰۸۵۰۰	۵۳ر۴۵

درآخرسال ۱۹۵۴ میلادی‌ارقام فوق بواسطهٔ کشفیات جدیدتغییر کرده است واینك گفته میشودکه مجموع ذخایرکشف شدهٔ کشورهای خاورمیانه ازدوازده هزار وپانصد ملیون تن هم متجاوزگشته و نسبت ذخایر مزبور به‌کل ذخایرکشف شدهٔ جهان ترقی کرده وبه شصت در صد رسیده است بدین معنی که شصت درصدکل نفتهای کشف شدهٔ دنیا درکشورهای خاورمیانه موجود میباشد . بهراندازه که معادن جدیدی کشف شود این ارقام بازهم تغییرخواهدکرد و همانطورکه درده سال اخیر ذخایرنفت خاورمیانه ۲۴۰ درصد افزایش یافت درآینده نیزممکن است افزایش یابد .

کشفیات اخیری که درکشور های عربستان وکویت وعراق شده ذخایر موجود

آنان را خیلی بالا برده است . ارقام زیر که در تاریخ پانزدهم فوریه ۱۹۵٤ درمجلهٔ «نفت‌جهان» چاپ شده بقرار زیراست :

ذخایر نفت	چند درصد نفت جهان
عربستان سعودی	$۲۲\frac{۸}{۱۰}$
کویت	$۱۸\frac{۳}{۱۰}$
عراق	$۹\frac{۱}{۱۰}$
ایران	$۸\frac{۵}{۱۰}$
ممالك متحدهٔ امریکا	$۱۹\frac{۸}{۱۰}$
ونزوئلا	۷

دردویست سال اخیرعلاقمندی انگلیسها به خاورمیانه ناشی ازمنافعی بودکه‌آنها درهندوستان داشتند . درابتدا راه زمینی بین اروپا وهندوستان وبعد راه دریائی که از کانال سوئز عبورمیکرد وسپس‌راه هوائی مورد نظرآنهابود وهمواره کوشش‌میکردند که ازتوسعهٔ نفوذسایر کشورهادر خاورمیانه که بمنزلهٔ دروازهٔ هندوستان بود جلوگیری کنند . هنگامیکه نایلئون بفکرتصرف و اشغال مصر افتاد قصد اصلی او این بودکه درمصرجای پائی برای‌حمله بهندوستان تهیه نماید وانگلیسهاهرچه‌درقوه داشتندکردند تاازسرایت نفوذ فرانسه‌به خاورمیانه‌جلوگیری کردند. قبل‌ازجنگ‌بین‌المللی‌اول‌آلمانها درامپراتوری عثمانی نفوذی یافته وهندوستان را تهدید میکردند ویکی ازعلل جنگ مزبور این بودکه انگلیسها میل نداشتندکشور بزرگی مانندآلمان درخاورمیانه نفوذ ورسوخی پیدا کند . هواخواهی‌انگلیسها ازقیام اعراب‌برضد امپراتوری عثمانی‌بمنظور این بودکه‌کشورهای اروپائی‌درمنطقهٔ خاورمیانه رخنه‌ای نکنند واعلامیهٔ بالفوورراجع باستقلال فلسطین بااین نظر تدوین شدکه یهودیهای امریکا با نفوذ وپول خود دولت امریکارا بیاری انگلیس ومتفقین برانگیزند. روسیه تزاری وروسیهٔ شوروی هردوچشم طمع به بغازهای بوسفور وخلیج فارس دوخته ودرتمام قرن نوزدهم و نیمهٔ قرن حاضر کوشش فراوان کرده‌است که باین دونقطه دسترسی یابد وانگلستان همواره سعی‌وافی نموده‌که ازتوسعهٔ روسیه بطرف جنوب جلوگیری نماید .

تابیست سال پیش دوکشور بزرگی که برسردست یافتن به خاورمیانه رقابتهای شدیدی داشتند روسیه وانگلستان بودند و اساساً هردونظرشان براین معطوف بودکه این پل واقع بین سه قارهٔ اروپا وآسیا وافریقا را برای مقاصد نظامی و سیاسی خود تحت‌نفوذخود قراردهند . درگذشته‌انگلستان برای‌تحکیم‌وتأمین‌راه خود بهندوستان و حفظ‌آن کشوربزرگ و روسیه‌برای‌دسترسی به‌خلیج فارس‌وتحصیل‌بنادر آزاد اقدامات گوناگون‌کرده ورقابتهای بیشمارنموده و زحمت بسیاری برای‌کشور های خاورمیانه فراهم کردند ولی از جنگ بین‌الملل دوم به بعدکشورهای خاورمیانه علاوه بروضع جغرافیائی ونظامی وسیاسی خود جنبهٔ دیگری پیداکرده‌اندکه نه تنها روس‌وانگلیس

بلکه امریکا هم توجه بسیاری بآن پیدا کرده و درحال حاضر تقریباً تمام کشور های جهان باین منطقهٔ مهم علاقهٔ خاصی پیدا کرده‌اند و این همان جنبهٔ اقتصادی (یابعبارت بهتر نفتی) آن است که توجه همهٔ جهانیان را بخود جلب کرده است . امروز هندوستان وپاکستان مستقل شده واززیر بار استیلای انگلیس رهائی یافته‌اند . کشورهای عربی هریك استقلال خود را بدست‌آورده ودر راه تحکیم واستقرار آن قدم برمیدارند . ملاحظات استعماری وسیاسی بطرز قدیم جای خود را بنظریات اقتصادی و نفتی داده است ودراین میان علاوه برمدعیان سابق رقیب نیرومند جدیدی بمیدان‌آمده و درصحنهٔ سیاست واقتصاد خاورمیانه نقش بسیارمهمی را بازی میکند که امریکا باشد .

درفصل اول اهمیت نفت‌را درزندگانی اقتصادی جهان تاحدی شرح‌داده واکنون بتوضیح مقام نفت خاورمیانه دراقتصاد دنیا که مهمترین عامل جلب توجه وعلاقهٔ کشور های بزرگ باین ناحیهٔ جهان شده است میپردازیم :

ازجنگ بین‌الملل اخیر تاکنون یعنی در فاصلهٔ هفده سال مصرف نفت در دنیا دوبرابرونیم شده و اگرچه این افزایش درتمام نقاط جهان صورت گرفته است معهذا ازلحاظ نسبی مصرف نفت درکشور های کشاورزی و نیمه صنعتی زیادتر بوده است . طبق پیش‌بینی ها و برآوردی که متخصصین و اهل خبره کرده‌اند مصرف نفت باز هم روزبروز افزایش خواهد یافت وچون معادن نفت پس ازاستخراج و تولید عمرمحدودی دارند ومقدارنفت موجود درآنها پس ازچندی تمام خواهد شد کافیهٔ توجهات معطوف باین‌است که عملیات کاوش برای نفت بدون توقف ادامه یابد تااین منبع نیرو برقرار وپایدار بماند . ازاین‌رو هرکشوری که نفت دارد ومصرف‌آن هم زیاداست سعی‌میکند که منابع نفتی خود را حتی‌المقدور باصرفه واحتیاط استخراج کرده‌وازاسراف وتبذیر جلوگیری نماید .

امریکا تنها کشوری است که تولید ومصرف نفت آن بردیگرکشور های جهان برتری‌دارد ودرسالهای اخیرتحول عمده‌ای دروضع‌منابع نفتی‌آن‌رخ داده که ازهرحیث شایان توجه مخصوص میباشد .

درسال ۱۹۳۸ محصول نفت خام ایالات متحدهٔ امریکا ۱۶۴۵۰۴۰۰۰ تن‌متریك و مصرف نفت آن ۱۲۸۴۰۰۰۰۰ تن متریك بوده که تفاوت بین این دو رقم مقداری بود که امریکا به‌اروپا وسایرکشور های جهان صادر میکرد .

در سال ۱۹۵۴ محصول نفت خام ایالات متحدهٔ امریکا ۳۱۱۸۰۰۰۰۰ تن و مصرف آن در حدود ۳۴۰۰۰۰۰۰۰ تن بوده که کشور مزبور قریب پنجاه ملیون تن واردات نفتی از خارج داشته‌است .

افزایش عظیم مصرف نفت درامریکا نگرانیهائی را ایجادکرده است که توجه سیاستمداران و شرکتهای نفت معطوف بآن میباشد و همواره سعی میشود که بوسیلهٔ کشف منابع جدید از حدّت‌آن‌کاسته گردد .

در ژانویهٔ ۱۹۵۱ مستر ترومن[۱] رئیس جمهور امریکا کمیسیونی از متخصصین

---

(۱) President Truman

انتخاب کرد که دربارهٔ مواد خام مورد احتیاج صنایع امریکا مطالعات دقیقی نموده‌و معلوم دارد که دولت برای تأمین مواد مزبور در سالهای آینده چه‌اقداماتی باید بنماید. ریاست این کمیسیون با مستر ویلیام پالی[1] بود که‌سال بعد گزارش خودرا درپنج جلد کتاب قطور منتشر کرد.

دراین گزارش گفته‌شده است که مصرف نفت ایالات متحدهٔ امریکا درسال ۱۹۷۵ به دوبرابر مصرف ۱۹۵۰ (یعنی قریب پانصد وپنجاه وپنج ملیون تن) خواهد رسید و مصرف نفت تمام جهان در ۱۹۷۵ به ۱۳۵۰ ملیون تن بالغ خواهد شد . در چنین وضعی و با قید اینکه استخراج نفت در امریکا بطرز عادی افزایش‌یابد وذخایر کافی کشف گردد، امریکا درسال ۱۹۷۵ ناچار خواهد بود که سالی یکصدوبیست‌وسه ملیون ونیم تن از خارج وارد نماید تامصرف خودرا تأمین کند. مطالبی که‌درگزارش مزبور ذکر شده است مبتنی براطلاعات وآمار دقیق بوده ومانند گزارشهای پیش که هرچند یکبار برای مقاصد تبلیغاتی وتهیهٔ زمینه برای‌اینکه شرکتهای امریکائی امتیازات نفت بیشتری درکشور های دیگر تحصیل نمایند نبوده‌است .

دربخش هفتم از فصل اول آخرین ارقام راجع بذخایر نفت جهان که دردسترس بوده ومنتشر گشته است ذکر شده ولی ازآنوقت تاکنون کشفیات‌جدید تری درکشور-های خاورمیانه بخصوص درعراق و کویت وعربستان‌سعودی شده که‌تأیید میکند تقریباً دوسوم ذخایر نفت جهان (باستثنای روسیه و کشور های مؤتلف آن) در زیر زمین های خاورمیانه مدفون است. در حال حاضر تمام نفت خاورمیانه ازششصدچاه استخراج میشود و روزانه قریب چهارصد وچهل وسه‌هزار تن نفت ازاین چاه ها خارج میگردد درصورتیکه درسایر کشور های نفت خیز هزاران چاه باید حفر کنند تاچنین‌استخراجی را بدست‌آورند . مثلاً سال گذشته درایالات متحدهٔ امریکا پنجاه وسه هزار چاه نفت حفر شد تا توانستند محصول را به‌میزان معمول آن کشور نگاه دارند .

امروز همهٔ کشور های صنعتی‌جهان بخصوص امریکا توجه زیادی‌بتأمین‌احتیاجات نفتی‌خوددارندو کاملاً باهمیت نفت خاورمیانه پی‌برده وچشمهای خودرا بادقت تمام‌بآن دوخته‌اند.احتیاج به‌نفت‌وهر گونه موادخام‌دیگری که برای حرکت دادن چرخهای صنعت لازم وضروری باشد تولید علاقه میکند وپشت سراین علاقه سیاست ودیپلوماسی وارد معرکه میگردد و همینکه اصطکاك منافع سیاسی پیش‌آمدکند جدال و مبارزه بمیان می آید و ملاحظات نظامی و تأمینی تولید میشود . امریکا تاجنگ اخیر چندان علاقه‌ای به خاورمیانه نداشت . افزایش‌مصرف نفت‌درآن کشورواحتیاج به‌نفت‌خاورمیانه موجب شده‌است که علاقمند شده ودر صحنه سیاست کشورهای خاورمیانه نقش مهمی را بازی کند. پیش ازجنگ‌اخیرقسمت‌مهم‌نفت مورداحتیاج کشورهای اروپا ازامریکا میآمد ولی اکنون تقریباً تمام نفت اروپا ازخاورمیانه تحصیل میشود وبتدریج نفت خاورمیانه ببازارهای امریکاهم وارد میگردد .

درسال۱۹۴۳ یکی‌ازکمیته‌های مجلس‌سنای امریکا که ریاست‌آن‌باسناتورترومن (که‌بعدهارئیس‌جمهورشد) بود گزارشی‌درباب‌نفت به‌مجلس‌سناداده‌وچنین پیشنهاد کرد : -

---

(۱) Mr. William S. Paley

« پیشنهاد می کنیم که سرمایهٔ اتباع امریکا دراستخراج منافع نفت خارج توسعهٔ زیادتری یافته ودولت امریکا مساعدت کامل وجامعی ازراه دیپلوماسی باشرکتهای نفت امریکائی که در کشورهای خارجه کارمیکنند بنماید . »

اندك نظری به توسعهٔ سیاست امریکا درخاورمیانه طی سالهای اخیرمعلوم میدارد که توجه وعلاقمندی ایالات متحدهٔ امریکا بکشورهای مزبور ناشی ازنفت بوده وملاحظات سوق الجیشی و سیاسی تابع نظریات اقتصادی میباشد که ازآن سرچشمه گرفته است . همین نظردرمورد سیاست کنونی انگلستان درخاورمیانه مشهوداست چه پس ازاستقلال هندوستان وپاکستان تنها عامل مهمی که باقیمانده وعلاقمندی انگلیس را به خاورمیانه استوار کرده است همان نفت میباشد .

مجاهدات کنونی برای تحصیل نفت اکنون دوجنبه پیدا کرده است یکی اقتصادی ودیگری تأمینی . ازلحاظ اقتصادی نفت تولید انرژی میکند وانرژی برای جریان صنعت ضروری است . ازلحاظ تأمینی، نفت در موقع جنگ بزرگترین و مهم ترین عامل پیشرفت است وهر کشور مآل اندیشی که بخواهد این عامل مهم را دراختیارداشته باشد باید درتحصیل آن هنگام صلح وآرامش بکوشد ومانع شود که دشمن احتمالی بآن دسترسی یابد . آنانیکه علاقمند بوقایع تاریخی میباشند و حوادث تاریخی را مطالعه وبررسی میکنند بسهولت پی خواهند برد که کلیهٔ وقایع بیست سال اخیر که در کشورهای خاورمیانه رخ داده چه مستقیم وچه غیرمستقیم مربوط به نفت بوده است .

کشورهای نفت خیز خاورمیانه بین اروپا وآسیا وافریقا قرارگرفته وبسهولت می توانند احتیاجات نفتی کلیهٔ کشورهای این سه قاره راتأمین نمایند. اکنون دیگراحتیاجی نیست که نفت امریکا باروپا بیاید و ترتیب تقسیم وتوزیع نفت دنیا طرز جدیدی پیدا کرده که خاورمیانه میتواند کلیهٔ احتیاجات نیم کرهٔ شرقی را تأمین نماید . این ترتیب خیلی بنفع امریکا می باشد زیرا ازطرفی شرکتهای امریکائی بیش ازشصت درصد نفت خاورمیانه را دردسترس داشته وازتجارت نفت درنیم کرهٔ شرقی شصت درصد استفاده میکنند وازطرف دیگرمنابع نفتی خود را حتی الامکان محفوظ نگاهداشته ومانند ایام جنگ اخیرمجبورنیستند که مصرف اروپای غربی را تأمین نمایند . سیاست نفتی کشور های بزرگ غرب این شده است که بتدریج باستخراج نفت خاورمیانه بیافزایند ودرایام صلح هرچه ممکن باشد ازاین منبع استفاده نمایند تااگرجنگ وجدالی پیش آید ذخایر نفتی امریکا را برای روزهای مبادا حفظ و نگاهداری کنند و بعید نیست که درآیندهٔ نزدیکی استخراج نفت خاورمیانه را بسالی دویست و پنجاه ملیون تن برسانند . اگر جنگی بین شرق وغرب درگیرد کشورهای خاورمیانه یکی ازهدف های اصلی طرفین خواهد بودتا بمنابع نفتی آن یادسترسی یافته و یاغربیها را از استفادهٔ ازآن محروم دارند و غربیها هم مجاهدت خواهند نمود که این منابع را برای خود نگاهدارند . بنا براین اگر مبارزه ای درگیرد وجود نفت موجب سرایت آتش فتنه باین منطقهٔ جهان خواهد بود و از آنچه در بالا گفته شد معلوم است که نفت خاورمیانه چه اهمیت فوق العاده ای ازلحاظ سیاست واقتصاد پیدا کرده و تا چه اندازه طالبین علاقه مند بآن شده اند .

بخش دوم - نفت ایران

این کتاب چند فصل بخصوص دربارهٔ نفت ایران دارد که تمام شئون مختلف آن‌را تشریح وتجزیه وتحلیل کرده‌است ودراین‌جا فقط باین اکتفا می‌شود که بگوئیم ذخائر کشف شدهٔ نفت ایران طبق ارقام منتشره در سال ۱۹۵۳ درحدود ۱۷۲۲۳۰۰۰۰ تن متریك تخمین شده است . این برآورد مربوط بمعادن کشف شده می‌باشد و هنوز در قسمتهای شمالی وشرقی وبخصوص جنوب شرقی ایران کاوشهای علمی نشده وذخایرحقیقی نفت این کشورمعلوم نگشته‌است . عملیات استخراج نفت درایران محدود بدوحوزه‌است:

اول حوزه‌ای که سابق جزوامتیاز شرکت نفت بریتانیا بود واینك بموجب‌قرارداد جدید ازطرف کنسرسیوم بهره‌داری می‌شود .

دوم حوزهٔ نفت شاه که نزدیك قصرشیرین واقع شده وازمعدن نفت نسبةً کوچکی که بین ایران و عراق مشترك است مصرف بالایشگاه کرمانشاه را تأمین می‌نماید و این حوزه را چند سال است که شرکت ملی نفت ایران اداره می‌کند . درنزدیکی قم هم مدتی‌است که عملیات کاوش ادامه دارد ولی هنوز به نتیجه‌ای نرسیده است ودر سمنان هم چاه هائی‌حفرشده که می‌گویند بنفت رسیده ولی‌اطلاعات صحیحی راجع بآن منتشرنگشته ونفتی هم تاکنون ازآن استخراج نشده است .

بخش سوم - نفت عراق

اختلافات مرزی بین ایران و امپراتوری عثمانی که طی هفتاد سال دوام داشت سبب شدکه یك کمیسیون بین‌المللی مرکب از نمایندگان ایران و عثمانی وانگلیس وروس درسال ۱۹۱۳ خط مرزی بین دوکشور را علامت‌گذاری نمایند . این کمیسیون درعرض یکسال‌کارخود را انجام داد و خط مرز را علامت‌گذاری کردکه درنتیجهٔ آن هفتصد میل مربع (۱۸۱۳۰۰ هکتار) ازخاك ایران واقع درشمال وجنوب قصرشیرین به عثمانی واگذار گردید واراضی مزبور بعدها به نام «اراضی انتقالی» خوانده شد .

نظر باینکه دولت ایران امتیاز نفت را در تمام‌کشور باستثنای پنج ایالت شمالی در ۱۹۰۱ به دارسی داده بود موقعی که کمیسیون مزبورمیخواست علامت‌گذاری مرزی را شروع نماید دولت عثمانی تعهد کرد هرگاه قسمتی از خاك ایران که جزو امتیاز دارسی می‌باشد بعثمانی واگذار شود حقوق امتیازیهٔ دارسی دراراضی مذکور محترم شناخته خواهد شد .

پس ازجنگ بین‌المللی اول شرکت نفت بریتانیا (شرکت سابق نفت ایران وانگلیس) باستناد تعهدی که دولت عثمانی سپرده بود کاوش را برای نفت در اراضی انتقالی واقع درشمال و جنوب قصرشیرین شروع کرد و درآنوقت اراضی مزبور جزو

خاك عراق محسوب میشد . در نقطه‌ای واقع در نزدیکی خانقین موسوم به نفت خانه عملیات کاوش وحفر درسال ۱۹۱۹ شروع شد و چهارسال بعد اولین چاه بنفت رسید . معدن نفت مزبور که قسمتی ازآن درخاك عراق وموسوم به نفت خانه وقسمت دیگرش درخاك ایران‌وموسوم به‌نفت شاه است طولش قدری کمتر ازسیزده کیلومتر وعرض آن نزدیك به دو کیلومتر ونیم است که درعمق ششصد وهفتاد متری زیرزمین مدفون شده است . قطر صخرهٔ نفتی معدن مزبورهفتاد وشش‌مترمی‌باشد که نسبت بسایرمعادن نفت خاورمیانه حقیر و کوچك محسوب میشود .

درسال ۱۹۲۳ اولین چاه این معدن درخاك عراق بنفت رسید و این اولین نفتی بود که درعراق استخراج میشد .

درسال ۱۹۲۵ دولت عراق تعهد سابق دولت عثمانی را بشکل امتیازی درآورد و بشرکت نفت بریتانیا امتیازی برای استخراج نفت در « اراضی‌انتقالی» اعطا کرد که شرایط آن‌همان‌شرایط امتیاز دارسی بود ولی پس‌از یك‌سال درامتیازمزبورتجدید نظر نمود و حق‌الامتیاز دولت عراق از شانزده درصد عایدی خالص تبدیل به چهار شلینك طلا درهر تن شد . ضمناً شرکت نفت بریتانیا شرکت تابعه‌ای بنام « شرکت نفت خانقین» تشکیل دادکه تمام سهام آن متعلق به شرکت نفت بریتانیا بود وکلیهٔ حقوق امتیازیهٔ خودرا باین شرکت جدید واگذار نمود . در امتیاز جدیدی که‌شرکت نفت خانقین از دولت عراق تحصیل نمود شرط شده بود که پالایشگاهی در خانقین بنا کند که احتیاجات نفتی شمال عراق را تأمین نماید. در سال ۱۹۲۷ پالایشگاه مزبور که میتوانست سالی یکصدوپنجاه‌هزار تن نفت را تصفیه نماید درخارج شهر خانقین و درکنار رودخانه الوند افتتاح وآمادهٔ کارگشت . ساختن این پالایشگاه کمك بزرگی به توزیع محصولات نفتی درعراق نمود و مخصوصاً موجب شد که سوخت ارزان برای تلمبه‌هائی که‌درکنار رودخانه های دجله وفرات کارگذاشته میشدوبرای‌توسعهٔ کشاورزی عامل مهمی بودتهیه گردد. از موقعیکه معدن نفت خانه شروع باستخراج کرده تاآخر سال ۱۹۵۲ پنج میلیون تن نفت ازآن استخراج شده ودر عراق بفروش رفته‌است‌واین نکته شایان نهایت توجه و دقت است که معدن نفت خانه و نفت شاه یکی است واگر عراقیها در قسمت خود بیش از میزانی که در نفت شاه استخراج میشود نفت استخراج کنند بضرر و زیان ایران خواهد بود وامید چنان است که اولیای شرکت ملی نفت‌این نکتهٔ مهم را همیشه درنظر داشته ومنافع کشوررا محفوظ دارند.

تا ۱۹۵۱ که مصرف قسمت های جنوب عراق ازآبادان میآمد محصول نفت‌خانه در حدود سالی سیصد وهفتاد وپنج هزارتن بود ولی از آن ببعد افزایش یافت و در سال ۱۹۵۲ به نیم ملیون تن رسید . از ۱۹۲٦ که نفت خانه شروع باستخراج کرد تا آخر سال ۱۹۵۲ دولت عراق یك ملیون و نهصدهزار لیره حق‌الامتیاز ازشرکت نفت خانقین دریافت‌داشته‌است .

در سال ۱۹۵۱ قرارداد جدیدی‌بین دولت عراق‌وشرکت نفت خانقین‌منعقد گردید

که بموجب آن دولت عراق پالایشگاه الوند وکلیهٔ تأسیسات فروش شرکت رافدین (که شرکت تابعهٔ دیگری از شرکت نفت بریتانیاست و برای توزیع محصولات نفتی در عراق تشکیل شده بود) را بقیمت روز خریداری میکرد . امتیاز شرکت نفت خانقین در اراضی انتقالی به حال خود باقی میماند ولی حق‌الامتیاز دولت عراق‌عوض شده و روی اصل تنصیف منافع قرار میگیرد . محصول معدن نفت خانه هم تا موقعی که برای مصرف داخلی لازم‌است درپالایشگاه الوند تصفیه میشود و بعداز آن، اگر احتیاجی بدان نبود صادر میگردد ولی اگر شرکت نفت خانقین وسایل صدور آن را تا سال ۱۹۵۹ فراهم نکند امتیاز ازدرجهٔ اعتبار ساقط خواهد بود . بعد هم قیمت پالایشگاه الوند و تأسیسات فروش تقویم شد و دولت عراق یك ملیون وسیصد هزار لیره برای‌کلیهٔ تأسیسات مزبور پرداخت ومالك آن ها شد .

دربخش چهارم از فصل سوم داستان نفت عراق را تا ۱۹۲۵ وتشکیل شرکت نفت ترکیه را شرح دادیم واینك ببقیهٔ داستان مزبور میپردازیم .

امتیازی‌که دولت عراق در ۱۹۲۵ بشرکت نفت ترکیه داد برای مدت هفتاد و پنج سال بود و حق‌الامتیاز هم عبارت بود از چهار شلینگ طلا برای هر تن نفتی‌که استخراج میشد . سایر شرایط مهم امتیاز بقرار زیر بود :

درظرف سه سال باید حفر چاه نفت شروع شود و اقلاپنج دستگاه حفر توأماً بکار افتد و پس‌از سه سال حفر ادامه یافته و دست‌کم سالی ۳۶۵۷ متر حفرگردد . شرکت باید در عرض سی‌ودوماه بیست وچهار قطعه اراضی‌که هریك ۲۰۷۲ هکتار باشد برای بهره‌برداری خود انتخاب نماید وبنمایندگی دولت بیست‌وچهار قطعهٔ‌دیگر هم انتخاب‌نموده تادولت‌بهرکس طالب‌باشد بطریق مزایده واگذار نماید .

نزدیك به سه سال طول‌کشید تا شرکتهای مختلفی‌که سهامی در شرکت نفت ترکیه داشتند بین خود توافق حاصل‌کردند واز جمله شرایط فوق بین‌آنها این‌بود‌که شرکت نفت ترکیه در انگلستان به‌ثبت برسد و رئیس هیئت مدیرهٔ آن همیشه یکنفر انگلیسی باشد و عملیات شرکت مزبور منحصر به استخراج و حمل ونقل نفت باشد (تا محصول را به تناسب سهامی‌که دارند بین شرکتهای صاحب سهم بقیمت تمام شده تقسیم نماید وخود حق فروش وتوزیع را نداشته باشد) وقبل از تقسیم محصول ده در صد آن را بشرکت نفت بریتانیا (شرکت‌سابق‌نفت ایران وانگلیس)در ازای‌واگذاری قسمتی از سهام خود بگروه امریکائی مجاناً تحویل دهد . شرط مهم دیگری‌که بین آنها شد این بودکه عموم شرکتهائی‌که در شرکت نفت ترکیه دخیل بودند متعهد شدندکه در حدود خط سرخ‌رنگی‌که روی نقشه‌کشیده بودند امتیازی نگیرند و اگر تحصیل نمودند آنرا واگذار بشرکت نفت ترکیه بنمایند . این قرارداد معروف به « قرارداد خط سرخ » شد و منطقه‌ای‌که دراین خط سرخ واقع شده عبارت از تمام خاك امپراتوری سابق عثمانی به‌استثنای‌کویت بود .

در سال ۱۹۲۵ جامعهٔ ملل تأییدکردکه ولایت موصل جزو خاك عراق است و عهدنامه‌ای بین دولتین ترکیه وعراق منعقدگردیدکه تصمیم جامعهٔ ملل را تأییدکرد و

ضمناً دولت عراق تعهد نمود که تا بیست‌وپنج سال بعد ده درصد از حق‌الامتیاز نفت خودرا بدولت ترکیه بپردازد .

در سال ۱۹۲۷ در محلی موسوم به باباگرگر واقع درشمال کرکوك اولین چاه به‌نفت رسید و فشارگاز آن بحدی بود که تمام اتائیه ودستگاه سر چاه را به اطراف پراکنده کرد ویکهفتهٔ تمام آتش‌سوزی کرد تا بعد آنرا تحت کنترول درآوردند. پس از حفر این چاه عملیات حفاری بسرعت پیش رفت و معلوم شد که معدن نفت کرکوك بسیار مهم ووسیع است. طول این معدن قریب به‌نود وشش کیلومترمیباشد وجزو یکی از بزرگترین معادن نفت جهان محسوب میگردد .

کشف این معدن ثابت کرد که عراق یکی از بزرگترین کشور هـای نفت خیز جهان است و شرکت نفت ترکیه که امتیاز این ناحیه را بدست آورده بود در زمرهٔ شرکتهای بزرگ نفت جهان قرار گرفت .

از ابتدای امر شرکت نفت ترکیه بطریقهٔ انتخاب قطعات مختلف برای بهره‌برداری راغب نبود و در ۱۹۲۷ تقاضای تمدید مدت برای انتخاب اراضی کرد و تا چند سال این تقاضای تمدید ادامه یافت ولی در ۱۹۲۹ دولت عراق اخطار کرد که اراضی منتخبه باید معلوم گردد . در این‌گیر و دار یك شرکت دیگری بنام شرکت بریتانیائی توسعهٔ نفت[۱] مرکب از سرمایه داران انگلیسی و ایتالیائی بمیدان آمده تقاضای امتیاز نفت در اراضی که خارج از حوزهٔ امتیاز شرکت نفت ترکیه بود کرد و ضمناً بدولت عراق وعده داد که راه‌آهنی از بغداد بمدیترانه خواهد ساخت . دولت عراق ازاین‌پیشنهاد استفاده کرده ورقابتی بین این‌شرکت‌وشرکت‌نفت‌ترکیه ایجاد کرد که بالمآل منتهی بتجدید نظر در امتیاز ۱۹۲۵ (که بشرکت‌نفت ترکیه‌داده‌شده‌بود) گردید .

در ۱۹۳۱ قرارداد جدیدی بین شرکت نفت ترکیه و دولت عراق منعقدگردید که شرایط آن بقرار زیر بود :

حق‌الامتیاز همان چهار شیلینگ طلابرای هرتن بود . انتخاب اراضی موقوف گردید وحوزهٔ امتیازیه محدود به ۸۲۸۸۰۰۰ هکتار اراضی از ولایات‌بغداد وموصل واقع درقسمت شرقی رود دجله گردید . اسم شرکت نفت ترکیه هم مبدل بشرکت‌نفت عراق[۲] گردید . شرکت مزبور تعهد کرد که خط لوله‌ای بظرفیت سه‌ملیون‌تن درسال از کرکوك بدریای مدیترانه کشیده و ساختن‌آن را تا ۱۹۳۵ باتمام رساند وضمناً تعهد نمود که بطور مساعده سالی چهارصدهزار لیرهٔ طلا بدولت عراق بابت حق‌الامتیاز بپردازد تا بعد که نفت عراق ببازار رسید از درآمد آتیه کسر بگذارد .

پس از امضای این قرارداد صاحبان سهام شرکت نفت عراق هم بین‌خود قراری گذاشتند که ده درصد محصول را که طبق قرار سابق باید بشرکت‌نفت بریتانیامجاناً بدهند تقلیل داده و به هفت‌ونیم درصد رساندند .

همینکه دولت عراق خودرا آزاد دید که‌امتیازاتی درغرب رود دجله اعطانماید

---

(۱) The British Oil Development Co., (۲) Iraq Petroleum Company

باشرکت بریتانیائی توسعهٔ نفت داخل مذاکره شدکه امتیازی بآن بدهد . در آنوقت ٤٦ درصد از سهام شرکت مزبور متعلق بانگلیسها و سی درصد متعلق بایتالیائیها و دوازده درصد متعلق بگروهی ازفرانسویها وسوئیسی‌هاودوازده‌درصد بقیه‌متعلق به گروه دیگری ازآلمانها و هلندیها بود . درسال۱۹۳۲ شرکت‌مزبورموفق بتحصیل امتیازی درتمام قسمت غربی رود دجله که قریب‌دوازده‌ملیون هکتار بود گشت . شرایط امتیاز این بودکه ازسال اول شرکت‌مزبور سالیانه یکصدهزارلیرهٔ طلا بدولت عراق بپردازد وبعداً این مبلغ رابدویست‌هزارلیره برساند وبعدکه‌استخراج شروع‌شدآنراقطع نماید . حق‌الامتیاز چهار شلینگ‌طلا برای‌هرتن‌بود باضافه بیست درصداز نفتی‌که استخراج میشد . شرکت نیز تعهدکردکه خط لوله‌ای بظرفیت یك‌ملیون تن درسال بمدیترانه بکشد واین‌کاررا هفت‌سال ونیم‌پس‌از استخراج بانجام رساند.

در سال ۱۹۳۷ شرکت نفت عراق امتیاز فوق را خریداری‌کرد و نام شرکت بریتانیائی توسعهٔ نفت را تبدیل به شرکت نفت موصل نمود . عملیات اکتشافی این شرکت در بیست نقطهٔ مختلف‌واقع درغرب رود دجله‌جریان داشت ولی منابع‌عمده‌ای تا اوایل جنگ اخیرکشف نگردید .

چهارمین امتیازی‌که دولت عراق برای استخراج نفت داد شامل ولایت بصره و تمام خطهٔ جنوب عراق بود . در سال ۱۹۳۸ شرکت نفت عراق قرار دادی با دولت منعقدکردکه شرائط آن بقرار ذیل بود :

مدت امتیاز هفتاد وپنج سال — حق‌الامتیاز چهار شیلینگ طلا برای هرتنی‌که استخراج میشود باضافه بیست درصد از محصول — پرداخت سالی دویست هزار لیرهٔ طلا بدولت تا موقعیکه استخراج شروع‌گردد ـ تعهد به حفر چاه هائی‌کـه هر سال لااقل مجموع عمق‌آنها ۳٦٥۷متر باشد و پس‌ازکشف‌نفت واستخراج حفرسالی٦۰۹٦ متر چاه — تعهد حمل حداقل یك ملیون‌تن نفت بساحل دریا برای‌صدور درظرف‌هفت سال ونیم از تاریخ عقد امتیاز .

پس‌از عقد قرارداد فوق شرکت‌نفت عراق شرکت دیگری بنام « شرکت نفت بصره» تشکیل دادکه تمام سهام متعلق بخود آن بود ودر واقع شرکت تابعهٔ آن بود وامتیاز فوق را بآن واگذارکردکه عمل نماید .

در سال ۱۹۳۹ که جنگ بین‌المللی اخیر شروع‌گشت وضع صنعت نفت عراق بشرح زیر بود :

شرکت نفت خانقین (یکی از شرکتهای تابعهٔ شرکت نفت بریتانیا) امتیاز استخراج نفت را در اراضی انتقالی از ایران داشت . شرکت نفت عراق‌که امتیاز استخراج نفت را در ولایات بغداد و موصل درشرق دجله دارا بود. شرکت‌نفت‌موصل (شرکت تابعهٔ شرکت نفت عراق)که امتیاز واقعه درغرب رود دجله‌را داشت.شرکت نفت بصره (شرکت تابعهٔ‌شرکت نفت عراق) که امتیاز نواحی‌جنوبی عراق راداشت .

استخراج برای‌مصرف داخلی ازمعدن نفت‌خانه صورت میگرفت ومحصول معادن کرکوك اختصاص بصدورداشت . دورشته خط لوله هریك به قطر سی‌سانتیمتر وچهل

وهشت صدم سانتیمتر (دوازده اینچ) معادن کرکوك را به حیفا وطرابلس درکنارساحل مدیترانه متصل می کرد ومقدارنفتی که صادرمیشد درحدود سالی چهارملیون تن بود . حق‌الامتیازی که‌از چهار امتیاز مذکور فوق عاید دولت عراق‌می‌شد متجاوز ازسالی دوملیون لیره بود .

درموقع جنگ ازلحاظ خطری که، ممکن‌بود ازطرف آلمانها پیش‌آید قسمت عمدهٔ چاههای نفت کرکوك را مسدود کردند ومقدمات کار را طوری فراهم کرده بودند که اگرحملهٔ آلمانها آغاز گردد معدن مزبور را برای مدتی ازکار بیندازند و ضمناً چون شرکتهای نفت قادر بانجام تعهدات خود ازحیث حفرچاه وصدور نفت‌نبودند مهلتی از دولت عراق گرفته ودرعوض مساعده های نقدی بدولت پرداختند . پس از ۱۹۴۱ که خطرآلمانها مرتفع گردید معدن کرکوك دوباره شروع بکار کرده ودر ۱۹۴۵ میزان استخراج آن‌بمقدارقبل ازجنگ رسید .

واقعهٔ قابل ملاحظه‌ای که در ایام جنگ رخ داد و اختلاف بزرگی بین صاحبان سهام نفت عراق ایجاد کرد این بود که پس از اشغال فرانسه توسط آلمانها دولت انگلیس سهام فرانسویها را درشرکت نفت عراق بمنزلهٔ اموال دشمن تلقی کرد وضبط نمود وچون گلبنگیان هم مقیم فرانسه بود همین معامله‌را بااونمود وبالنتیجه ازتحویل نفت‌عراق بفرانسویها وگلبنگیان خودداری می‌شد . علاوه براین گروه امریکائی که در شرکت نفت عراق سهیم بود میل داشت که درامتیاز نفت عربستان سعودی و سایرنقاط خاورمیانه شرکت نماید و « قرارداد خط سرخ » را باطل نماید لذا اعلام کردکه قرارداد مزبور بواسطهٔ نقض‌عهد فرانسه ملغی می‌باشد . فوری پس‌ازجنگ فرانسویها وگلبنگیان بلغو این‌قرارداد اعتراض کرده ودرمحاکم انگلیس برعلیه گروه امریکائی اقامه دعوی نمودند . چند سالی این دعوا بطول انجامید ودرسال ۱۹۴۸ توافقی بین طرفین حاصل گردید که صاحبان سهام شرکت نفت عراق الغای « قرارداد خط سرخ » را قبول کرده ودعوا را بمصالحه برگذار کردند .

پس از جنگ عملیات شرکتهای نفت که در عراق مشغول‌کار بودند رو بتزاید گذاشت ومخصوصاً محصول معادن کرکوك افزایش‌قابل ملاحظه‌ای پیدا کرد بطوریکه درآخرسال ۱۹۵۳ اعلام شد که تاآنوقت صد ملیون تن نفت ازمعادن مزبور استخراج گشته است . شهر کرکوك هم ازبرکت معادن نفت‌مجاور آن دارای برق مجانی وآب لوله شد که شرکت نفت عراق برای‌آن تهیه کرد . ساختن خانه برای‌کارگران و تهیهٔ رفاه وآسایش آنان‌توأم باایجاد مدارس حرفه‌ای برای تربیت‌کارگران عراقی وساختن بیمارستانها ودرمانگاه‌ها ومدارس‌ابتدائی ومتوسطه‌سطح زندگی کارگران وکارمندان نفت را ترقی داد .

فوری پس ازجنگ دوخط لولهٔ جدید هریك بقطرچهل سانتیمتر وشصت وچهار صدم سانتیمتر (۱۶ اینچ) ازکرکوك بمدیترانه ساخته شد که قریب چهل ملیون‌لیره خرج آن گردید ولی خط جنوبی که به حیفا میرفت بواسطهٔ اختلافات بین عراق و اسرائیل در ۱۹۴۸ متوقف گشت و دیگر دولت عراق اجازه نداد که ازآن استفاده بشود . در

سال ۱۹۵۲ خط لولهٔ بزرگتری که در بعضی قسمتها قطر آن هفتاد وشش سانتیمتر و بیست صدم سانتیمتر (۳۰ اینچ) ودر قسمتهای دیگر قطرآن‌هشتاد و یك سانتیمتر و بیست وهشت صدم سانتیمتر (۳۲ اینچ) بود ساخته شدکه کرکوك‌را به بندر بانیاس در شمال طرابلس درکنار ساحل مدیترانه متصل می ساخت . خرج ساختن این خطهم چهل ملیون لیره شد و ۶۵۰۰۰ تن لوله برای ساختن‌آن مصرف گردید . ساختن این خطوط مختلف اکنون موجب شده است که بتوان سالی بیست ملیون‌تن نفت از معادن کرکوك صادر نمود .

اخیراً شرکت نفت عراق ابتکار دیگری بخرج داده که میزان صادرات نفت عراق را از بنادر مدیترانه زیادتر خواهد کرد . تاکنون معمول این‌بوده‌است که لوله‌های نفت صادراتی را بین مناطق نفت‌خیز و بندر صدور احداث می کردند تااینکه‌نفت را بسهولت به بندر رسانده وازآنجا بکشتی برسانند. شرکت نفت عراق اخیراً دست بساختن لولهٔ جدیدی زده‌که بین شهر حمس واقع در سوریه و بندر تریپولی واقع در ساحل لبنان ایجاد خواهد شد . طول آن ۱۲۰ کیلومتر و قطر آن ۵۰ سانتیمتر خواهد بود . منظور شرکت نفت عراق از احداث این لوله از شهر حمس که معدن نفتی ندارد این است که بر ظرفیت لوله های نفت موجود خود بیفزاید . شهر حمس بمنزلهٔ یك انبار بزرگ نفت میباشدکه هرسال مقادیر فراوانی نفت از عراق بآنجا وارد میشود ودر انبار های فولادی ذخیره میگردد . خط لولهٔ جدید وسیله‌ای خواهد شدکه نفت انبار های مذکوررا در مواقع مقتضی بساحل مدیترانه برساند .

در حوزهٔ امتیازیهٔ بصره در محلی باسم زبیر که در بیست‌وچهار کیلومتری جنوب غربی بصره واقع گشته است معدن مهم نفتی در ۱۹۴۸ کشف گردید . بین تمام معادن نفت خاورمیانه معدن زبیر از همه عمیق‌تر است و چاه هائی که حفر شده بین دوهزار و چهارصد وسه هزار وچهارصد متر میباشد . خط لوله‌ای از زبیر به فو دردهنهٔ‌خلیج فارس کشیده شده که قطر آن سی‌سانتیمتر است ودر سال ۱۹۵۳خط لولهٔ‌دومی‌ساخته شدکه قطر آن قریب به شصت ویك سانتیمتر است .

پس از مدتی مذاکره و مباحثه بین دولت عراق و سه شرکت نفت عراق و شرکت نفت موصل و شرکت نفت بصره که در واقع هرسه یك شرکت واحد باسامی مختلف میباشند درسال ۱۹۵۱ قرارداد جدیدی بین دولت و شرکتهای مزبور منعقد گردید. دراین‌موقع دولت عراق سیاست واقع‌بینی را پیش گرفته و در مذاکرات خود با شرکتهای نفت حداکثر استفاده را از وضعی که درایران پیش آمده بود نمود . از طرفی جداً تقاضا کردکه استخراج نفت در عراق افزایش یابد واز طرف دیگرشرایط امتیاز را طوری تنظیم‌نمودکه‌دارای ضمانت های مؤثر باشد وضمناً درحین مذاکرات بشرکت های نفت گوشزد کردکه اگر شرایط مناسبی پیشنهاد ننمایند ملت عراق از ایرانیان پیروی کرده و نفت خودرا ملی خواهد کرد . شرایط مهم این قرارداد جدید بشرح زیر است :

۱ — در موضوع حق‌الامتیاز طرفین اصل تنصیف درآمد حاصله از نفت‌راقبول

کردند ولی دولت عراق برای اینکه تضمین کافی داشته باشد موادی در قرارداد گنجاندکه اگر این نصف درآمد کمتر ازمبالغ زیرین باشد دولت عراق حق خواهد داشت هریك از مبالغ زیرین را که بیشتر است بجای حق الامتیاز وصول نماید .

(الف) شرکتهای نفت در قرارداد جدید تعهد کرده اند که درآمد دولت عراق در هرسال هیچگاه از ربع « بهای اعلان شده » مجموع نفتی که شرکتهای نفت عراق و موصل بدست میآورند و یك سوم « بهای اعلان شده » مجموع نفتی که شرکت نفت بصره بدست میآورد کمتر نباشد . بعبارت دیگر دولت عراق حق خواهد داشت که قیمت فروش را قبل از وضع هرگونه هزینه مأخذ قرار داده ودر مورد شرکتهای نفت عراق و موصل یك چهارم و در مورد شرکت نفت بصره یك سوم آن را وصول نماید . این تعهد خود موجب کنترول هزینه شده و از حساب سازیهای بیمورد جلوگیری خواهد کرد .

ضمناً « بهای اعلان شده » را در قرارداد تعریف کرده اند که تردیدی باقی نگذارد و گفته اند که « بهای اعلان شده » عبارت از قیمتی است که نوع نفت عراق در بندر صدور با درنظر گرفتن قیمت بازار های بین المللی بفروش خواهد رفت واگر نتوانستند « بهای اعلان شده » را بامراجعه بقیمت معمول در بازارجهان تعیین نمایند « بهای اعلان شده » روی اصول عادلانه بر حسب توافق طرفین تعیین خواهد شد و باز اگر چنین توافقی حاصل نشد قضیه را بداوری رجوع میکنند تا داوران آن را تعیین نموده و تشخیص دهند .

برای تعیین نصف درآمد حاصله از نفت عراق هم مقرراتی در قرارداد هست که میگوید درآمد حاصله عبارت است از قیمتی که نفت عراق بفروش میرسد منهای مخارج و مخارج هم عبارت است از خرج استخراج بعلاوه تخصیص سالی پنج در صد برای استهلاك سرمایهٔ مصروفه و سالی ده در صد برای انکسار اثاثیه ای که بایدپس از مدتی تعویض شود .

(ب) علاوه بر تضمین فوق شرکتهای نفت مجموعاً و منفرداً تعهد کرده اند که مجموع حق الامتیاز دولت عراق هیچگاه از سالی بیست وپنج ملیون لیره کمتر نباشد.

۲ — دولت عراق حق دارد که هرسال دوازده و نیم در صد از محصول را در بندر صدور تحویل گیرد یا آنکه قیمت آن را برحسب « بهای اعلان شده » از شرکت‌های نفت دریافت دارد واین مقدار جزو درآمد دولت عراق محسوب میگردد .

۳ — شرکتهای نفت تعهد کرده اند که بطریق ذیل حد اقل استخراج را در تمام مدت امتیاز تأمین نمایند .

شرکت نفت عراق از سال ۱۹۵٤ ببعد سالی	۲۰۷۵۰۰۰۰ تن
شرکت نفت موصل از سال ۱۹۵٤ ببعد سالی	۱۲۵۰۰۰۰ «
شرکت نفت بصره از سال ۱۹۵٦ ببعد سالی	۸۰۰۰۰۰۰ «

٤ — در مورد مخارج هم مبلغ معینی منظور شده است که تصفیهٔ حساب را آسان می کند ودر قرارداد ذکر شده که شرکت های نفت ازسال ۱۹۵۲ ببعد سیزده شیلینگ

هرتن بابت مخارج محسوب دارند مگرآنکه درآینده تفاوت فاحشی در مخارج روی دهد که در چنین صورتی تجدیدنظر درآن خواهد شد .

۵ — شرکت نفت عراق تعهدکرده است هرمقدار نفت خامی راکه دولت برای مصرف داخلی لازم داشته باشد از قرار هر تن پنج شیلینگ به پالایشگاه دولتی تحویل دهد .

۶ — شرکت های نفت تعهدکرده‌اندکه استخدام خارجیان را بحداقل رسانده و تا موقعیکه کارکنان آزمودهٔ عراقی هستند از بیگانگان استخدام نکنند و همیشه یکصد وپنجاه‌نفر محصلین‌عراقی را دردانشگاه‌های انگلستان‌بخرج خود تربیت‌نمایند.

قرارداد جدید درآمد دولت عراق را در سالهای اخیر افزایش داده و اکنون قسمت عمدهٔ درآمد مزبور صرف عمران وآبادی عراق میشود. افزایش درآمدمذکور درسالهای بعداز جنگ بقرار زیر بوده است :

سال ۱۹۴۶	۲۷۰۰۰۰۰ لیره
» ۱۹۴۷	۲۷۰۰۰۰۰ »
» ۱۹۴۸	۲۱۴۰۰۰۰ »
» ۱۹۴۹	۳۱۲۰۰۰۰ »
» ۱۹۵۰	۷۰۰۰۰۰۰ »
» ۱۹۵۱	۱۵۰۰۰۰۰۰ »
» ۱۹۵۲	۳۴۰۰۰۰۰۰ »
» ۱۹۵۳	۵۱۰۰۰۰۰۰ »
» ۱۹۵۴	۶۷۰۰۰۰۰۰ »

دولت عراق پالایشگاه بزرگی دربیرون شهر بغداد ساخته است که بزودی بکار خواهد افتاد وهفتاد درصد ازدرآمد نفت خود رادهم اختصاص بکار های عمرانی داده که نتایج سودمندآن ازهم اکنون مشهودگشته است . برنامهٔ عمران عراق درپنج سال اول که از۱۹۵۱ شروع شد بیکصد وپنجاه ملیون لیره بالغ گردید وبرنامهٔ پنج سالهٔ دوم که بتصویب مجلس عراق رسیده وازسال ۱۹۵۵ آغاز می گردد درحدود سیصدوسی ملیون لیره است . صرف چنین مبالغ هنگفتی سبب خواهد شدکه در آیندهٔ نزدیکی وضع اقتصادی کشورعراق که دارای پنج ملیون جمعیت است ازکشورهای همجوارخود خیلی بهترشود . در برنامهٔ پنج سال اول قسمت‌عمدهٔ درآمد نفت صرف ساختن سد وایجاد انهار وزه‌کشی اراضی شدکه سطح مزروع‌عراق را توسعه دهد وبقیه بمصرف راه ساری وپل سازی و سایر کارهای عمومی رسید . در برنامهٔ دوم یك سوم درآمد صرف کشاورزی وسدسازی وبقیه بمصرف راه سازی وراه‌آهن وفرودگاه‌ها واستخراج معادن وایجادکارخانه های برق وسایرکارخانه‌های صنعتی خواهد رسید . بهبودی وضع عراق هم بحدی بوده است که درآخرسال ۱۹۵۴ بانك ملی عراق هفتاد وهشت ملیون لیره ارز درخارج کشور برای‌خود ذخیره کرده بود . دولت عراق برنامه‌ای هم برای استفاده ازگازهای نفت تنظیم کرده واجرا می‌نمایدکه عبارت است از ایجاد کارخانهٔ

کودهای شیمیائی که مادهٔ خام آن گاز نفت است وهم چنین ایجاد چندکارخانه بزرگ برق که سوخت آنها گاز نفت خواهد بود .

شرکتهای نفت هم پس ازعقد قرارداد های جدید اطمینان بیشتری بآیندهٔ کارخود پیدا کرده و عملیات خویش را بسیار توسعه داده‌اند . وضع کنونی معادن نفت عراق بشرح زیراست :

۱ـ معادن شرکت نفت عراق ـ ازمعدن کرکوك تاکنون ۱۳۰ ملیون تن نفت استخراج شده ودرتمام دنیا فقط یازده معدن نفت دیگر وجود دارد که محصول آنها از یکصد ملیون تن تجاوز کرده است . محصول کنونی این معدن سالی ۲٤ ملیون‌تن می‌باشد وچون استخراج‌را باچنین میزانی نمی‌توان‌ادامه داد عملیات‌کاوش برای کشف معادن جدید همواره ادامه دارد .

درسال ۱۹۵۳ درسی و دوکیلومتری شمال غربی کرکوك معدنی باسم بیرحسن ودرسال ۱۹۵۳درپنجاه وشش کیلومتری جنوب شرقی کرکوك معدن‌دیگری‌بنام جامبور کشف گردید . معدن جامبور از لحاظ استعداد و استخراج اهمیت بسزائی دارد زیرا طول آن‌قریب بپنجاه کیلومتروعرض‌آن‌شانزده کیلومتراست وتقریباً نصف معدن کرکوك می‌باشد . نوع معدن مزبور بسیارخوب وامید دارند که ازاین معدن مقادیرزیادی نفت استخراج کنند . درمعدن بیرحسن چاه اولی که حفرشد بنفت نرسید وچاه دوم فقط گاز نفت داشت ولی سومین چاه بنفت رسید واینك مشغول توسعهٔ عملیات هستند تاحدود واستعدادآن را معلوم نمایند .

۲ـ معادن شرکت نفت موصل ـ درطی سالهای متمادی بیش از یکصد چاه در حوزهٔ امتیاز شرکت نفت موصل حفرشد تانفتی درآنجا کشف‌شود و پس ازکشف هم معلوم گشت که جنس نفت آن زیاد خوب نیست . دو معدن دراین حوزهٔ امتیازیه کشف شده است یکی باسم عین زاله ودیگری بنام بطمه که درسال ۱۹۵٤ قریب یك ملیون ودویست وپنجاه هزارتن نفت ازدومعدن مزبور بدست آمد . درمعدن بطمه فشارخروج نفت رو بتقلیل میرود ودرمعدن عین زاله هم‌آب به بعضی ا زچاه ها رخنه کرده است . معادن دیگری هم بنام القصیر و عطشان و جبل مکحول کشف شده که هیچیك اهمیت کافی نداشته وجنس آنها بسیارسنگین وفقط با تلمبه می‌توان از چاه خارج نمود . در این نـواحی کاوش های علمی ادامه دارد ولی نتایج سود مندی هنوز بـدست نیامده است .

۳ـ معادن شرکت نفت بصره ـ دومعدن‌نسبةً بزرگ در این ناحیه کشف شده که اولی الزبیر است واستخراج آن‌در سال۱۹۵۱ شروع شد. تاکنون۳۸ چاه در این معدن حفرشده وگفته می‌شود که فشار خروج نفت دراین معدن رو بتقلیل گذاشته‌است.

دیگری معدنی است بنام الرمیله که پنج چاه درآن حفرشده وچندین چاه دیگر را نیزمشغول حفرهستند . حد متوسط عمق چاه های این دومعدن سه هزار وسیصدمتر است . درسال ۱۹۵٤ از دومعدن مذکور چهارملیون ونیم تن نفت استخراج شده ودر سال ۱۹۵۵ قراراست که استخراج را به هشت ملیون تن بالا ببرند . دربندر «فاو»

چهاراسکله ساخته شده است که کشتیهای بزرگ پهلو گرفته و نفت گیری کنند وچنانکه پیش گفته شد دو خط لوله هم این دو معدن را به فاو متصل میکنند . درسال ۱۹۵٤ درآمد دولت عراق از نفت ٦۷ملیون لیره بوده و انتظار میرود که درسال ۱۹۵۵ این درآمد به هفتاد ودوملیون لیره برسد .

در طی سال ۱۹۵۵ مذاکراتی بین دولت عراق و شرکتهای نفت جریان داشت که منتهی بتجدیدنظری درتعیین «بهای اعلان شده» گردید . طبق قرارداد جدید بهای هرتن نفت عراق در مرز عراق وسوریه از نود وچهارشیلینگ تجاوز کرده و به ۱۰۸ شیلینگ و سه پنس افزایش یافته است و نیز بهای نفت عراق در منطقهٔ خلیج فارس از۸۱ شیلینگ ونه پنس تجاوز کرده وبه۱۰۹ شیلینگ و یازده پنس رسیده است . لذا بموجب قرار داد جدید هرتن نفت عراق درمرز سوریه ۱٤ دولار و ۹٦ سانتیم خواهد بود (درحالیکه سابق هرتن ۱۳ دولار و ٦٦ سانتیم بود) و درمنطقهٔ خلیج فارس هرتن ۱۵ دولار و۳۸ سانتیم خواهد بود(درصورتی که سابقاً هرتن آن ۱۱ دولار و٤٦ سانتیم بود .)

اولیای دولت عراق دراظهارات وبیانات اخیرخود پیش بینی کرده اند که محصول نفت عراق تاسه سال دیگر بسالی چهل وحتی پنجاه ملیون تن خواهد رسید و گفته اند که درآمد نفت عراق درآینده نزدیکی بسالی یکصد ملیون لیره بالغ خواهد گشت .

بخش چهارم - نفت بحرین

درمقدمه باید یادآورشد که جزایر بحرین متعلق بایران بوده وحکومت فعلی آن جزایر که تحت الحمایهٔ انگلستان است حکومت غاصبی است که ازطرف ایرانیان مردود شناخته شده است . امتیازاتی که درجزایرمزبورداده شده و عملیات متعاقب آن همواره مورد اعتراض دولت ایران بوده است وآنچه دربارهٔ نفت بحرین دراین کتاب نوشته شده فقط شامل داستان نفت آن جزایره میباشد .

درسال ۱۹۲۰ شرکت کوچکی درلندن به ثبت رسید بنام «سندیکای شرقی وعمومی»[۱] که منظور آن تحصیل امتیازاتی درخاورمیانه بود . یکی ازمدیران این شرکت که از اهالی زلاند جدید و نام او ماژور فرانك هومز[۲] بود اطلاعاتی راجع به خلیج فارس کسب کرده وچون شخص ماجراجوئی بود درصدد برآمد که درخاورمیانه امتیازات نفت بدست آورده وازآن استفاده نماید . هومزمسافرتی ببحرین وعربستان سعودی و کویت وسایر نقاط کرد ودرسال ۱۹۲۵ اجازهٔ انحصاری کاوش برای نفت ازشیخ کویت تحصیل نمود که مدت آن دوسال بود وضمناً هومزمیدانست که شیخ کویت در ۱۹۱٤ تعهدی کرده بود که امتیازات و اجازه های او فقط پس از تصویب دولت انگلستان قابل انتقال بدیگران است .

درابتدا هومز اجازهٔ خود را بشرکت شل و شرکت نفت ایران و انگلیس ارائه داد

---

(۱) The Eastern and General Syndicate

(۲) Major Frank Holmes

وسعی کرد که آنرا بیکی ازاین دوشرکت بفروش رساند ولی توفیقی دراین باب حاصل نکرد . سپس اجازه نامه را بامریکا برد وکوشش نمود که شرکت نفت استاندارد نیوجرزی را دراین کارعلاقمند سازد ولی شرکت مزبورهم متعذر باین شد که راه دور وزحمت بسیار و خصوصیات اراضی جزایر بحرین مجهول و خطر ازبین رفتن سرمایه بسیار است واز خریدن امتیازنامه هومز خودداری نمود . اما بالاخره بخت واقبال باهومز یاری کرد ویکهفته قبل ازانقضای مدت اجازه نامه شرکت نفت خلیج[۱] که یکی از شرکتهای بزرگ نفت امریکا است قراردادی باهومز منعقد کرد و اجازه نامه را قبول نمود . فوری زمین شناسان شرکت خلیج به بحرین اعزام شدند وپس ازچندماه مطالعه گزارش دادند که تحصیل واستخراج نفت درجزایرمزبورامیدبخش است .

درآن موقع شرکت نفت خلیج جزوسهامداران شرکت نفت عراق بود وبواسطهٔ «قرارداد خط سرخ» نمی‌توانست مستقلا امتیاز نفت بحرین را قبول کند لذا باشرکت نفت استانداردکالیفورنی بند وبستی کرده واجازه‌نامهٔ هومزرا بشرکت مزبورواگذار نمود . قضیهٔ ملیت شرکتی که باستخراج نفت بحرین اقدام نماید مشکل دیگری بود که باید حل گردد زیرادولت انگلستان مایل‌نبود که بجز یك شرکت انگلیسی‌شرکت دیگری دربحرین امتیازی داشته باشد . برای رفع این مشکل شرکت نفت استاندارد کالیفورنی شرکت تابعهٔ بنام « شرکت نفت بحرین»[۲] درکانادا به ثبت رساند و فوری عملیات اکتشاف را دربحرین آغازنمود .

درسال ۱۹۳۲ اولین چاه درعمق هفتصد متر بنفت رسید و توجه همهٔ شرکتهای نفت وزمین شناسان را بخود جلب نمود زیرا کشف نفت دربحرین حاکی ازاین بود که درشبه جزیرهٔ عربستان هم ممکن است ذخایر نفت عظیمی وجود داشته باشد . تادوسال بعد مقدمات توسعهٔ معدن بحرین وتهیهٔ وسایل صدورنفت فراهم گشت ودرسال ۱۹۳٤ چهل هزار تن نفت صادر گردید . بتدریج صادرات نفت افزایش یافت تااینکه بسالی یك ملیون تن رسید و اکنون سالی یك ملیون ونیم تن نفت از آن جزیره صادر می گردد .

تهیهٔ بازار برای نفت بحرین اشکال دیگری بود که درابتدای‌کار پیش‌آمد واین مشکل باساختن‌بالایشگاهی درآن‌جزیره رفع گردید . درسال ۱۹۳۷ پالایشگاه ساخته وحاضر برای‌کارشد وازآنوقت ببعد نفت تصفیه شدهٔ بحرین دربازارهای شرق بفروش میرسد . دردوسال اخیر اضافات زیادی به پالایشگاه بحرین شده است که آنرا یکی‌از مجهزترین پالایشگاه های خاورمیانه کرده است.معدن نفت بحرین چندان بزرگ نیست وطبق تخمینی که شده است ذخایرنفت بحرین درحدود چهل ملیون تن متریك‌می‌باشد. چون شرکت نفت استاندارد کالیفورنی خود وسایل فروش وسیعی در شرق نداشت باشرکت نفت تکساس که چنین وسایلی را درخاور دور داشت شرکت نمود و نصف سهام شرکت نفت بحرین‌را بآن واگذارنمود بطوریکه درحال‌حاضر شرکت نفت‌بحرین ثبت شده درکانادا کلیهٔ سهامش دردست دوشرکت بزرگ امریکائی میباشد .

---

(۱) The Gulf Oil Corporation (۲) The Bahrein Oil Company

اجازه نامهٔ هومز در سال ۱۹۳٤ تبدیل بامتیازنامه‌ای شدکه مدت آن برای نود سال بود و حق‌الامتیازی هم‌که باید به شیخ پرداخته شود سه روپیه و نیم (یا قریب هفتاد وسه سانتیم امریکائی) بودکه فوق‌العاده ناچیز واز حق‌الامتیاز نفت در سایر کشور های خاورمیانه‌کمتر بود . تا سال ۱۹۵۰ درآمد شیخ‌بحرین ازنفت در حدود سالی چهارصد هزار لیره بود و در آن سال میزان حق‌الامتیاز به ده روپیه درهر تن افزایش یافت‌که درآمد شیخ را به‌یك ملیون لیره درسال رساند ودر سال ۱۹۵۲ اصل تصیف درآمد قبول شد واکنون درآمد شیخ به‌سالی دو ملیون و هشتصد هزار لیره رسیده است .

تاکنون یکصد وشانزده چاه دربحرین حفر شده‌که از هشتاد و سه آنها نفت با فشار گاز خارج میشود و شرکت نفت بحرین ساعی است‌که با اصول علمی و دقت فراوان استخراج را تنظیم‌کند که‌حداکثر استفاده‌را بنماید . پالایشگاه بحرین‌را بعداز جنگ توسعه داده و اینك قسمتی از نفت عربستان سعودی‌را بالولهٔ زیردریائی به پالایشگاه بحرین‌آورده و تصفیه می‌نمایند ودر دوسال اخیرهم‌قسمتی‌از نفت جزیرهٔ سوماترا را از اندونزی ببحرین‌آورده وتصفیه کرده‌اند .

جمعیت بحرین درحدود یکصد وده هزار است‌که نه‌هزارنفر آنها در صنعت‌نفت مشغول‌کار هستند . شرکت نفت برای بسیاری از کارکنان خود خانه ساخته و وسایل رفاه وآسایش آنها را فراهم‌کرده است وروبهمرفته صنعت نفت تنها سرچشمهٔ‌عایدی ودرآمد مهم آن‌جزیره میباشد زیرا زراعت محدود و صید مروارید‌که در سابق مهم ترین‌کسب اهالی محل بود بتدریج نقصان یافته و ازبین میرود .

بخش پنجم - نفت عربستان سعودی

در سال ۱۹۰۱ عبدالعزیزابن سعود ایالت نجد را در عربستان تصرف‌کرده و حکمفرمای آن شد. درسال ۱۹۱۳ ابن‌سعود ایالت الحسا را اشغال و مأمورین دولت عثمانی را بیرون‌کرد و برآن ایالت تسلط یافت. درسال ۱۹۱۵ ابن‌سعود عهدنامه‌ای باانگلیسها منعقد نمودکه درآن‌بطورکلی تعهدکرده بود هیچگونه امتیازی‌به‌خارجیان بدون توافق‌انگلیسها ندهد ولی این عهدنامه بعدها ملغی‌گردید. درسال۱۹۲۳ماژور هومزکه شرح حال او دربخش پیشین ذکر شد از ابن‌سعود اجازه‌ای بمدت دو سال برای‌کاوش نفت درایالت الحساگرفت و یك زمین شناس سوئیسی را هم بآنجا اعزام داشت‌که مطالعاتی بنماید ولی سندیکای هومز سرمایهٔ‌کافی‌برای عملیات وسیع نداشت واجازه نامهٔ او پس‌از دو دفعه تمدید درسال ۱۹۲۸ منقضی‌گردید .

درسال ۱۹۳۱ یك ملیونر امریکائی بنام س . ر . کرین[۱] که به کارهای خیریه علاقه زیادی داشت واحساسات‌گرمی نسبت باعراب ابراز میکرد یکنفر مهندس معدن شناس امریکائی موسوم به‌کارل‌تویچل[۲] را استخدام نمودکه بعربستان رفته ونقاطی را

---

(۱) C. R. Crane (۲) Karl Twitchell

برای حفر چاه های آب ارتزین تعیین نماید تا کمکی به آبادی صحراهای بی آب وعلف عربستان بنماید . تویچل بکشف چاه های آب موفق نشد ولی ابن‌سعود را علاقمند به کشف سایر معادن درخطهٔ عربستان نمود وباو اجازه داده شد که در سرتاسرعربستان مسافرت کرده وعلائم وآثاری برای کشف نفت پیدا نماید . موقعیکه نفت بحرین کشف گردید تویچل بدستور ابن‌سعود عازم‌امریکا گشت تا با شرکت‌های نفت داخل‌مذاکره شده وآنها را علاقمند باستخراج نفت عربستان بنماید .

دراین موقع ابن‌سعود تسلط خودرا درقسمت مهم عربستان برقرار کردوخانوادهٔ هاشمی را از آنجا بیرون رانده وحکومت مقتدر ومستبدی را ایجادکرده بود. ولی وضع اقتصادی کشور جدیدالتأسیس او رضایت بخش نبود زیرا زراعت بواسطهٔ فقدان آب محدود و هیچگونه صنعتی وجود نداشت وتنها منبع عایدی دولت از پولی بود که حجاج در موقع زیارت مکه ومدینه درآنجا خرج می کردند بنابراین ابن‌سعود سخت کوشش مینمود که منبع عایدی برای دولت خود تحصیل نماید .

در ابتدا تویچل توفیقی نیافت وچند شرکت بزرگ‌نفت مانند شرکت تکساس و شرکت خلیج پیشنهاد های او را ردکردند ولی چندی بعد شرکت نفت استاندارد کالیفورنی که در بحرین بکشف نفت‌موفق‌شده بودحاضرشد که‌پیشنهادهومزرامطالعه‌نماید. درسال۱۹۳۳ نمایندهٔ شرکت مزبور باتفاق‌تویچل‌بجده وارد ومذاکرات را باابن‌سعود آغازکرد .درهمان‌موقع شرکت نفت عراق هم‌تصمیم گرفت که‌باابن‌سعود وارد مذاکره شده ودرراه تحصیل امتیاز رقابت نماید ونماینده‌ای هم به جده فرستاد ومذاکراتی‌را شروع کرد ولی‌پیشنهادهای شرکت استانداردکالیفورنی بهتربود وامتیاز نفت عربستان نصیب‌آن گردید . مدت این امتیاز شصت‌سال وحدود امتیاز تمام ایالت الحسا درقسمت شرقی کشورسعودی بود . شرکت استاندارد سی‌هزارلیرهٔ طلا نقد پرداخته وتعهدکرد که هرسال دست‌کم پنج هزارلیرهٔ طلا بابت مال‌الاجاره بابن‌سعود بپردازد و پس از کشف نفت یکصد هزارلیرهٔ طلا بطورمساعده پرداخته وازدرآمد آینده کسرگذارد. حق‌الامتیاز چهارشیلینگ طلا برای هرتن مقرر شد و شرکت امتیازگیرنده ازپرداخت هرگونه عوارض ومالیات معاف بود .

فوری زمین شناسان وکارشناسان شرکت استاندارد بایالت الحسا اعزام شده وشروع به‌کاوش نمودند . پس از یکسال کاوش وجستجو متخصصین نقطه‌ای موسوم به الظهران نزدیك دمّام را برای حفرچاه انتخاب‌کرد ولوازم‌کافی بدان نقطه ارسال داشتند . راهی بساحل ساخته و مساکنی برای کارکنان بناکرده وآب خوراکی از چشمه‌ای در زیر دریا تهیه کرده و در سال ۱۹۵۳ آماده برای اولین چاه گشتند . چهارسال طول‌کشید و مبالغ کثیری خرج شد تا درماه مارس ۱۹۳۸ اولین چاه بعمق هزار وچهارصدمتر بنفت رسید ومعلوم‌گشت که معدن بزرگی دراین ناحیه موجود میباشد که ضخامت‌آن قریب یکصد وبیست متراست .

پس‌ازکشف نفت عملیات عمرانی‌درناحیهٔ ظهران شروع گشت . تهیهٔ‌آب خوراکی بمقدار زیاد وساختن خانه برای مستخدمین وبنای بیمارستان و درمانگاه و باشگاه ها

واستخرهای شنا وسینما وانبارهاومخزنها بتدریج فراهم شد . درابتدا بوسیلهٔ یك خط لولهٔ کوچك نفت را بساحل رسانده وازآنجا باکشتیهای کوچك به پالایشگاه بحرین میرساندند ولی چندی بعد درنقطه‌ای واقع درشمال شرقی ظهران موسوم به‌رأس‌التنوره پالایشگاهی بنا کردند .

شرکت استاندارد کالیفورنی که در سال ۱۹۳۳ امتیاز نفت عربستان سعودی را تحصیل کرده بودنصف حقوق‌خودرادرسال ۱۹۳۶ به‌شرکت تکساس واگذارنمود وپس ازجنگ که عظمت معادن عربستان سعودی واضح شد و سرمایهٔ بیشتری برای این‌کار لازم‌آمد وضمناً قرارداد خط سرخ هم ملغی شده بود شرکت نفت استاندارد نیوجرزی وشرکت نفت سوکونی هم وارد وسهیم دراین امتیازشدند . اکنون نام شرکتی که در عربستان سعودی بکارنفت میپردازد «شرکت نفت عرب وامریکا»[۱] می‌باشد که سهام‌آن بطریق زیر تقسیم شده است :

شرکت نفت استانداردکالیفورنی	سی درصد
شرکت نفت تکساس	سی درصد
شرکت نفت استاندارد نیوجرزی	سی درصد
شرکت نفت سوکونی	ده درصد

درایام جنگ توسعهٔ عملیات درعربستان سعودی تدریجی بود ولی پس ازجنگ پیشرفت‌کارخیلی سریع‌شد وخصوصیات زیر عظمت امروزی صنعت نفت عربستان سعودی را بیان می‌نماید :

تاکنون شش‌معدن بزرگ نفت درعربستان سعودی کشف شده که ازهمه بزرگتر معدن غوراست وپنج معدن دیگرصفانیا ودمّام وابقیق و قطیف وحرض می‌باشد . معدن غور چنانکه معروف میباشد یکی از بزرگتریی معادن نفتی است که تاکنون درتمام دنیا کشف شده وطول‌آن دویست وده کیلومتراست . ذخایرنفت عربستان سعودی طبق برآوردی که شده‌بالغ بر۲٤۲٦٥۰۰۰۰۰ تن‌متریك‌است که‌ازذخایرنفتی‌سایرکشورهای خاورمیانه زیادتراست وچاه های نفت عربستان سعودی باندازه‌ای سرشار ومستعداست که درآخرسال ۱۹٥٤ کلیهٔ محصول نفت عربستان سعودی فقط از ۱۳۷ چاه استخراج می‌شد . بقرار اطلاع تازه‌ای که رسیده است معدن نفت حرض هم قسمتی از معدن غور می‌باشد و دراین صورت معدن نفت غور یکی از بزرگترین معادن نفت جهان محسوب می‌گردد .

قسمت عمدهٔ نفت تصفیه شده عربستان سعودی در پالایشگاه رأس‌التنوره تصفیه میگردد وقسمتی‌هم‌بپالایشگاه بحرین فرستاده میشود . ظرفیت پالایشگاه رأس‌التنوره هم سالی ده ملیون ونیم تن است و بعد ازآبادان بزرگترین پالایشگاه شرق محسوب میگردد . نفت خام عربستان سعودی هم ازدوراه به بازارهای دنیا میرسد یکی از راه خط لوله بمدیترانه که شرح آن درفصل اول آمده و دیگری از راه دریا بوسیلهٔ کشتی های نفتکش .

---

[۱] The Arabian -American Oil Company

بموجب گزارشی که سال گذشته شرکت نفت عربستان سعودی منتشر کرد مجموع کارکنان شرکت مزبوردرعربستان سعودی ۲۲۰۰۰ نفر بود که شصت درصدآنها اتباع سعودی وشانزده درصد امریکائی وبقیه پاکستانی وهندی وایتالیائی وغیره بوده‌اند. بیش‌از نصف کارکنان‌سعودی شرکت تحت تعلیمات مختلف‌بوده ودرضمن‌کارفنون مختلف را نیز فرامیگیرند. شرکت نفت هرسال بیست وپنج نفرمحصل سعودی‌را به‌خارج برای تحصیلات عالیه اعزام میدارد وتعدادی دبستان و دبیرستان درمحوطهٔ عملیات خود برای فرزندان‌کارکنان خود ساخته‌است. دولت عربستان قانونی وضع کرده است که شرکت نفت باید برای تمام‌کارکنان خود مسکن تهیه کند ولذا شرکت مزبورخانه‌های متعددی ساخته وبرای همهٔ کارکنان خود خانه ومسکن تهیه کرده است.

درآمد دولت عربستان سعودی از نفت در سال ۱۹۵٤ قریب به دویست وشصت ملیون دولار بوده و نکته جالب توجه این‌است که بااین درآمد هنگفت بازهم کسر بودجه داشته‌است. شرکت نفت بدولت عربستان کمکهای بسیاری کرد تامزارع‌متعددی را درحوالی مراکزنفت ایجاد نماید واکنون مزارع مزبورقسمتی ازاحتیاجات خوراکی کارکنان را تهیه میکند. در میزان حق‌الامتیاز دولت سعودی هم پس از امتیاز اولی تغییراتی بدین قرار رخ داده است:

درسال ۱۹۳۹ دولت سعودی حوزهٔ امتیازیه را وسعت داده وبه ۱۱۳۹٦۰۰۰۰ هکتار افزایش داد ودرمقابل‌یکصدوچهل‌هزارلیرهٔ طلانقداً دریافت داشت ومال‌الاجارهٔ سالی پنج هزارلیره هم بسالی بیست وپنج‌هزارلیرهٔ طلا افزایش یافت. درسال ۱۹٤۷ شرکت نفت عربستان قسمتی از اراضی واقع درحدود امتیاز خود را بدولت سعودی مسترد داشت.

درسال۱۹۵۰دولت سعودی بشرکت نفت فشارآورده ومطالبهٔ حق‌الامتیاز بیشتری نمود وپس ازچند ماه مذاکره قرارداد جدیدی‌بین شرکت ودولت منعقد شدکه بموجب آن درآمد نفت پس از وضع مخارج تنصیف میگردید بدین معنی که حق‌الامتیاز چهار شیلینگ درهرتن پرداخته میشد وبقیه تامیزان‌نصف درآمدبعنوان مالیات‌بردرآمد عاید دولت سعودی میگشت. این‌قرارداد اولین قراری بود که درخاورمیانه روی‌اصل تنصیف درآمد منعقدگشت ولی شرکت نفت درآمد خالص را پس از وضع مخارج و پرداخت مالیات بردرآمد بدولت امریکا مأخذ محاسبه قرارمیداد اماطولی نکشید که‌مجبورشد در سال ۱۹۵۲ درآمد خالص را پس از پرداخت مالیات امریکا مأخذ قراردهد. بموجب این قرارداد دولت سعودی شرکت را وادارکرد که مرکزخود را ازامریکا به عربستان سعودی انتقال دهد و هیئت مدیرهٔ شرکت به ظهران انتقال یافت ودو مدیرهم ازطرف دولت سعودی درهیئت مزبور عضویت پیدا کرد. پس از جنگ محصول نفت عربستان سعودی رو بافزایش رفت و موقعیکه استخراج نفت ایران تقریباً متوقف گردید استخراج نفت عربستان بطور بی سابقه‌ای افزایش یافت چنانکه از ارقام زیر مشهود است:

سال ۱۹٤٦	۷۹۰۰۰۰۰ تن
« ۱۹٤۹	« ۲۲۸۲۱۰۰۰
« ۱۹۵۱	« ۳٦٦۰۹۰۰۰
« ۱۹۵۲	« ۳۹۸۷۱۰۰۰
« ۱۹۵۳	« ٤۰۸۸۸۰۰۰
« ۱۹۵٤	« ٤٦۰۰۰۰۰۰

چندی‌است که‌دولت سعودی درصدد میباشد که ازگاز های نفت کشورخوداستفاده نموده و صنایع شیمیائی نفت راکه مادهٔ خام آن‌گاز نفت است ایجاد نماید. اخیراً با یك شرکت‌امریکائی‌قراری‌داده که‌شرکت‌مزبورایجاد چنین‌صنایع مزبوررا بررسی‌نماید وحاضر شده‌است که سی درصد از سرمایهٔ شرکتی که برای این‌کار تأسیس‌میگردد بپردازد.شرکت‌امریکائی مزبور باید بررسی خودرا طی چهارده‌ماه تمام کرده‌ونتیجه‌را اطلاع دهد چنانچه بررسی مذکور رضایت‌بخش بود کلیهٔ نفت‌گاز بمصرف ایجاد صنایع جدید خواهد رسید و شرکتی با سرمایهٔ سی ملیون دولار برای این کار ایجاد خواهدگشت . یکدسته‌کارشناسان آلمانی هم‌اکنون در عربستان‌سعودی مشغول مطالعهٔ همین امر هستندکه بعد پیشنهاد های جداگانه‌ای بدولت سعودی خواهند داد .

اینك تعدادکلیهٔ کارکنان صنعت‌نفت عربستان‌سعودی به بیست‌وپنج‌هزار نفررسیده است که قریب به پانزده هزارنفر دیگرهم وابسته به صنعت‌نفت میباشندکه کار های کنتراتی را انجام میدهند حداقل دستمزدکارگران عربستان‌سعودی در صنعت‌نفت تا دو سال پیش درحدود پنج‌ریال سعودی بود ولی در سال ۱۹۵۳ کارگران اعتصابی برای دستمزد اضافی و بهبود وضع خودکردندکه در نتیجهٔ‌آن دستمزدآنها اضافه‌گشت .

علاوه بر شرکت‌نفت بحرین شرکت‌نفت عربستان‌سعودی‌دومین شرکت‌امریکائی است که در خاورمیانه باستخراج‌نفت پرداخته وتمام سهام آن متعلق بامریکائیهامیباشد و بطرزیکه عملیات این شرکت پیش میرود بعید نیست در آیندهٔ نزدیکی بزرگترین شرکت‌استخراج کنندهٔ نفت درجهان‌منصوب گردد .

بخش ششم - نفت کویت

در اکتوبر ۱۹۱۳ شیخ کویت با انگلستان قراردادی منعقدنمود وتعهد کردکه اگر معادن نفتی درکشور او کشف شود امتیاز آن باتباع دولتی جز دولت انگلیس اعطا نخواهد شد . مآل‌اندیشی انگلیسها دراین باره ناشی از تهدیدی بودکه در آن موقع ازطرف دولت آلمان نسبت به خلیج فارس میشد وساختن راه‌آهن ترکیه-بغداد-بصره این تهدید را واضح‌تر ساخته بود .

برای تحصیل امتیاز نفت‌کویت از ابتدای امر رقابتی بین شرکت نفت بریتانیا (شرکت سابق نفت ایران وانگلیس) و شرکت نفت خلیج امریکائی درجریان بود . پس‌از دوسال‌کشمکش بین این دو شرکت و مباحثات طولانی بین دولتین امریکا و

انگلیس طرفین درسال ۱۹۳۳ توافق حاصل کردند که شرکتی بنام شرکت نفت کویت[۱] تشکیل داده و توأماً تقاضای امتیازی ازشیخ کویت بنماید .

ضمناً بین این دو شرکت قرار براین شد که هیچیك حق و حقوقی را که در کویت حاصل میکنند بدون رضایت طرف دیگر به ثالثی واگذار نکنند ودر بازار یکدیگرهم اخلالی ننماید . مقدار استخراج بمیل هریك ازطرفین قرار گرفته بود ولی هرگاه شرکت نفت بریتانیا خواسته باشد که استخراج کویت را محدود نماید حق خواهد داشت در ازای نفت کویت از ایران نفت بدهد تا تقاضای شرکت نفت خلیج اقناع گردد .

مذاکرات با شیخ کویت در ۱۹۳٤ شروع و پس از چندماه بعقد قراردادی منتهی گردید و شرایط امتیاز بقرار زیر بود :

حوزهٔ امتیاز ۱۵۵٤۰۰۰ هکتار — مدت هفتاد وپنج سال ـ پرداخت ٤۷۰۰۰۰ روپیه نقد ـ مال‌الاجارهٔ سالیانه ۹۵۰۰۰ روپیه ـ حق‌الامتیاز سه روپیه در هر تن با حد اقل پرداخت ۲۵۰۰۰۰ روپیه درهر سال ـ معاف ازکلیهٔ عوارض ومالیاتهامشروط بپرداخت ربع روپیه درهر تن بعنوان مالیات .

شرایط امتیاز بسیار مساعد بود و شیخ کویت بسهولت بچنین قراردادی راضی شد زیرا کشور او بیابان بی‌آب وعلف و ساکنین آن درنهایت ذلت وبیچارگی قرار گرفته بودند . نه زراعتی و نه صنعتی درکویت بود که مردم بوسیلهٔ آن اشاعه نمایند و مختصر کسب اهالی که صید مروارید و ساختن کشتیهای بادی بود باندازه‌ای ناچیز وحقیر بود که هر پیشنهادی مورد قبول واقع میشد .

هیجده ماه پس‌از امضای امتیاز همهٔ لوازم کار حاضر شد وحفر اولین‌چاه شروع گشت . پس‌از حفر دوهزار و چهارصدمتر معلوم شد در محلی که انتخاب کرده بودند نفتی یافت نمیشود لذا عملیات‌کاوش را درسرتاسر حوزهٔ امتیازیه توسعه داده و محل دیگری بنام برقن را برای حفر چاه انتخاب کردند . در این نقطه حفاری را در سال ۱۹۳۷ شروع کرده و چندماه بعد درعمق ۱۱۲۰ متر بنفت رسیدند و با حفر چاه‌های دیگر واضح گردید که برقن یکی از بزرگترین منابع نفتی جهان محسوب میگردد . این معدن به شکل یك گلابی در زیر زمین قرار گرفته که مساحت آن در حدود ۷۷۷۰ هکتار و طول آن بین بیست الی بیست و چهار کیلومتر است . ضخرهٔ نفتی این معدن در عمق بین یکهزار وسیصدمتر درزمین قرار گرفته و ضخامت آن سیصد متر است . جنس نفت کویت چندان عالی نیست ودر حدود دو در صد هم گوگرد دارد .

در تمام مدت جنگ اخیر عملیات اکتشافی و استخراجی درکویت متوقف بود ولی در سال ۱۹۵٤ دوباره شروع گردید و چندماه بعد معدن مزبور برای استخراج آماده گشت . قصد اصلی دوشرکتی که متفقاً امتیاز نفت کویت را داشتند استخراج وفروش نفت خام این ناحیه بود ودر صدد نبودند که پالایشگاه بزرگی ایجاد کرده و نفت را تصفیه کرده بفروش رسانند لذا با سایر شرکتهای نفت قرارداد هائی منعقد کرده و فروشندهٔ نفت خام کویت شدند مثلاً شرکت نفت بریتانیا قسمتی از محصول‌را بشرکت

---

(۱) Kuwait Oil Company

استاندار نیوجرزی و شرکت سوکونی‌واکوم فروخت و شرکت خلیج هم قراردادی با شرکت شل منعقد نمود و تعهد کرد که قسمتی از محصول را بآن بفروشد . این‌قرارداد هـا موجب افزایش محصول نفت کویت شد و موقعیکه نفت ایران ملی شد و صدور نفت متوقف گشت استخراج از کویت افزایش قابل ملاحظه‌ای یافت چنانکه از ارقام زیر آشکار است :

سال ۱۹۴۷	۲۱۸۵۰۰۰ تن
» ۱۹۴۹	۱۲۱۸۴۰۰۰ »
» ۱۹۵۰	۱۷۰۱۹۰۰۰ »
» ۱۹۵۱	۲۷۷۸۳۰۰۰ »
» ۱۹۵۲	۳۷۰۴۲۰۰۰ »
» ۱۹۵۳	۴۲۶۰۳۰۰۰ »
» ۱۹۵۴	۴۷۰۰۰۰۰۰ »

در سال ۱۹۵۱ قرارداد جدیدی بین شرکت نفت کویت وشیخ کویت‌منعقد گردید که بموجب آن هفده سال بمدت امتیاز افزوده شد واراضی زیردریا واقع درمجاورت ساحل کویت شامل امتیاز گردید و اصل تنصیف منافع‌نیز برقرار گشت. درسال۱۹۴۹ درآمد شیخ از نفت قریب سه‌ملیون‌لیره بود ولی بموجب قرارداد جدید یکمرتبه‌عایدی نفت کشور کویت افزایش کثیری پیدا کرد واکنون بسالی شصت ملیون‌لیره رسیده‌است. کلیهٔ جمعیت کویت در حال حاضر از دویست‌هزار نفر تجاوز نمیکند واگر این درآمد هنگفت را به‌جمعیت سرشکن نمائیم معلوم خواهد شد که بطور سرانه کویت یکی از غنی‌ترین کشور های جهان است .

در سال ۱۹۴۶ که صادرات نفت کویت آغاز گردید فقط نه چاه حفر شده بود کـه سالی یك ملیون و نیم تن نفت میداد ولی پس از آن عملیات کاوش واستخراج توسعه یافت و اکنون تعداد چاه های کویت از یکصد چاه هم تجاوز کرده است .

شرکت نفت کویت بندری در ساحل برای صدور نفت ساخته است کـه نام آن المیناالاحمدی است و اسم این بندر از نام شیخ متوفی که امتیاز نفت را اعطا کرده گرفته شده است . در این بندر مخازن متعدد نفت ساخته شده که نفت بوسیلهٔ لوله های مختلف از معدن سرازیر شده ودر این مخازن برای صدور انبار میشود . یك اسکلهٔ فولادی دراین بندر ساخته شده که درنوع خود یکی از بزرگترین اسکله های جهان است ودر آن واحد هشت کشتی میتوانند پهلو گرفته وبارگیری کنند . طول این اسکله از ساحل ۱۲۶۴ متر است که در دریا پیش رفته وخطوط لوله روی آن قرار گرفته و جاده‌ای روی آن ساخته شده که اوتوموبیل از آن عبور میکند . انتهای اسکله از دو طرف بطول سیصد متروبعرض سی‌متر عریض میشود که کشتیها بآن پهلو میگیرند . بالایشگاهی بظرفیت سالی یك ملیون و نیم تن در سال ۱۹۴۹ ساخته شد کـه مصرف اهالی‌وشرکت‌نفت‌را تأمین مینماید و ضمناً بکشتیهای نفتکش‌هم سوخت میدهد. شرکت نفت عملیات وسیعی برای کشف آب شیرین در نقاط مختلف کویت‌انجام

داد و هنگامیکه معلوم گشت آب شیرین کافی بدست نمیآید کارخانه‌ای بنا کرد که آب شور دریا را گرفته و شیرین نماید . این کارخانه روزی دوملیون‌وهفتصد و پنجاه هزار لیتر آب تهیه میکند که در ابتدا قسمتی از آن بوسیلهٔ لوله بشهر کویت برای مصرف اهالی فرستاده میشد وبقیه بمصرف احتیاجات شرکت میرسید . ولی بعد که‌دولت کویت کارخانهٔ بزرگتری برای همین مقصود بنا کرد وآب شهر کویت‌را خود تأمین نمود آب کارخانه شرکت فقط صرف احتیاجات مؤسسات نفتی میشود .

علاوه بر اتباع کویت هزاران خارجی دیگر در شرکت نفت کویت استخدام شده وکار میکنند و کنتراتچی های متعددی در کویت کار گرفته ومشغول میباشند که‌هم برای شرکت نفت و هم برای تأسیسات دولتی کار میکنند . در کویت قانونی وضع شده است که کنتراتچی‌ها باید اتباع کویت باشند لذا خارجیانی که میخواهند کنترات بگیرند با اهالی بست وبند کرده و بنام آنها کنترات گرفته و خود عمل‌میکنند وضمناً حقی‌هم به‌آنها میدهند.

شرکت نفت خانه‌ها ومساکن زیادی برای کارکنان خود ساخته و در حال حاضر تقریبا بهمهٔ کارکنان خارجی‌وقسمت عمدهٔ کارکنان محلی خانه میدهد وبرای‌آنانیکه در شهر کویت منزل دارند وسایل حمل‌ونقل فراهم کرده‌است که ازشهر به‌کارگاه‌ها آمده ومراجعت میکنند . درقسمت بهداری وفرهنگی شرکت اقدامات وسیعی نموده است . یك بیمارستان دویست تختخوابی ودرمانگاه های متعدد ساخته و آماده کرده است و سیصدنفر ازکارکنان کویتی خودرا در مدرسهٔ حرفه‌ای بآموختن فنون نفت گماشته‌است وهرسال هم عده‌ای‌را بخارج برای تحصیلات عالیه اعزام میدارد .

درآمدگزاف شیخ کویت هم طبق برنامهٔ معینی بمصرف میرسد . درسال ۱۹۵٤ درآمد نفت شیخ کویت ۲۱۷ ملیون دلار بوده‌است. یك سوم کل درآمد شیخ بعنوان ذخیرهٔ نقدی بمصرف خرید سهام‌معتبردرلندن میرسد که درآینده سرمایه‌ای برای کشور کویت باشد ویك سوم صرف خانوادهٔ شیخ که (عدهٔ آنها ازهفتاد متجاوزاست) میشود وبقیه بمصارف عمران وآبادی کویت میرسد . نقشه‌ای طرح شد که درطی پانزده سال تمام شهر کویت ازنو بطرز یك شهرجدید ساخته شود . دولت کارخانهٔ بزرگی برای شیرین کردن‌آب دریا ومصرف اهالی بظرفیت روزی چهارملیون ونیم لیترساخته وآب شهررا لوله‌کشی کرده وبیمارستان بزرگ ومدارس متعدد ساخته وجاده‌ها وخیابانهارا اسفالت کرده و بدین منوال برنامهٔ عمرانی کویت همواره ادامه دارد . درسال ۱۹۵۲ برنامهٔ ده ساله‌ای طرح شد که درطی ده سال آینده چهار صدملیون دولارخرج عمران وآبادی کویت خواهد شد .

بخش هفتم - نفت منطقهٔ بیطرف

پس ازچندین سال اختلاف بین ابن‌سعود وشیخ کویت دربارهٔ مرز بین دو کشور دولت انگلستان بعنوان سرپرست و حامی شیخ کویت با ابن سعود وارد مذاکره شد و درسال ۱۹۲۲ سرپرسی کاکس[۱] بنمایندگی دولت انگلیس و شیخ کویت قراردادی باابن‌سعود منعقد کرد وناحیه‌ای را بین دو کشور بنام « منطقهٔ بیطرف » تعیین کردند که فاصلهٔ بین دو کشور مزبور باشد . بموجب این قرارداد دولت سعودی وشیخ کویت هریك‌مالك نصف منطقهٔ مزبور بوده‌وبطورتساوی حقوقی نسبت‌بآن ناحیه داشتند.درسال ۱۹۳۳ که شرکت نفت عربستان امتیاز استخراج نفت‌عربستان‌سعودی‌را تحصیل‌نمود در امتیازنامه‌ذکرشده بودکه دولت‌سعودی‌حق‌اولویتی‌بشرکت‌مزبور برای‌کاوش‌نفت‌درنصفهٔ « منطقهٔ بیطرف » متعلق به عربستان سعودی میدهد . درسال ۱۹۳۹ دولت عربستان سعودی حق اکتشاف واستخراج نفت‌را درنصفهٔ خود تأیید نموده وواگذار بشرکت نفت عربستان نمود ولی پس‌ازجنگ اخیر یعنی درسال ۱۹٤۸ حقوق شرکت نفت عربستان دراین ناحیه بواسطهٔ عاطل‌گذاشتن عملیات‌کاوش لغوگردید .

منطقهٔ بیطرف هیچگاه درسابق مسکون نبوده ومساحت‌آن قریب به ۵۷۰۰۰۰ هکتاراست که شامل‌یك بیابان مسطح وخشک وبی‌آب وعلفی می‌باشد . درسال ۱۹٤٦ شیخ احمدالصباح حکمفرمای کویت اعلام داشت‌که حاضراست امتیاز نفت نصفهٔ خود را در «منطقهٔ بیطرف» بشرکت معتبری واگذارنماید وازچندین شرکت دعوت نمودکه نمایندگان خود را برای شرکت در مزایده بکویت اعزام دارند . ده شرکت نفت امریکائی که درزمرهٔ شرکتهای بزرگ نبودند باهم شریك شده وشرکت جدیدی بنام شرکت مستقل امریکائی نفت[۲] تشکیل دادندکه باشیخ کویت داخل مذاکره شده و در سال ۱۹٤۸ نسبت به نصفهٔ کویتی «منطقهٔ بیطرف» امتیازی تحصیل نمودند . شرایط امتیاز بقرار ذیل بود :

مدت امتیاز شصت سال است - شیخ کویت حق‌خرید پانزده درصد ازسهام شرکت را خواهد داشت - یك هشتم منافع شرکت متعلق بشیخ کویت خواهدبود - حق‌الامتیاز عبارت است ازسی وپنج سانتیم امریکائی درهرچلیك (قریب دودولار و شصت وچهار سانتیم‌درهرتن) - پرداخت هفت ملیون ونیم‌دولارنقد - پرداخت حداقل سالی ٦۲۵۰۰۰ دولار بابت حق‌الامتیاز .

چندماه‌بعدچند شرکت امریکائی دیگر باهم شریك شده وشرکتی بنام «شرکت غربی پاسیفیك»[۳] تشکیل داده وامتیازی برای نصفهٔ دیگرمنطقهٔ بیطرف از عربستان سعودی بدست‌آوردند . شرایط این امتیاز از شرایط نصفهٔ کویت گران‌تر وسخت‌تر

---

(۱) Sir Percy Cox همان‌کسی است‌که در موقع عقدقرارداد با وثوق الدوله وزیر مختار انگلیس درایران بود .

(۲) The American Independent Oil Company

(۳) The Pacific Western Oil Company

بود و معلوم شد که دولت عربستان سعودی توانسته بود شرایط بهتری بقرار زیر تحصیل نماید :

مدت امتیاز شصت سال ـ پرداخت نه ملیون و نیم دولار نقد ـ پرداخت حد اقل حق‌الامتیاز سالی یکمیلیون دولار ـ اتباع سعودی حق خواهند داشت تایکربع سهام شرکت را خریداری نمایند ـ شرکت متعهد است همینکه محصول بسالی چهارملیون‌تن رسید پالایشگاهی بسازد ومحصول آنرا بقیمت تمام شده در ریاض وجده تحویل دهد ـ یك هشتم منافع استخراج ویك‌ربع منافع پالایشگاه باید بدولت‌سعودی پرداخت شود ـ حق‌الامتیازهم عبارت‌است ازپنجاه وپنج سانتیم امریکائی‌درهرچلیك (قریب چهاردولار وپانزده سانتیم هرتن) .

دو شرکت مذکور بدون فوت وقت شروع بکاوش در « منطقهٔ بیطرف» نموده وقراری بین خود دادند که از لحاظ عملیات توأماً اقدام نمایند . دراواخر سال ۱۹٤۹ درمحلی موسوم به «وفرة» حفاری شروع گردید . آب آشامیدنی را توسط اوتومبیل ازکویت‌آورده ومتصدیان امرچادرهائی برپا کرده ومسکن موقتی برای خود ترتیب دادند . تااواخرسال ۱۹۵۲ این دوشرکت دوازده ملیون دولار خرج کرده وبنتیجه‌ای نرسیدند ولی درسال ۱۹۵۳ درعمق ۱۱۵۸ متر بنفت رسیده ومعدن‌مهمی کشف گردید. درسال بعد چاه‌های عمیق تری حفرشد ومعلوم گشت که نفت سنگین تری درعمق بیشتر یافت می‌شود .

اکنون شانزده چاه درمنطقهٔ بیطرف حفر شده است و حدود معدنی که تاکنون کشف شده بطول هشت وعرض سه کیلومترونیم‌است .

یك خط لوله‌ای بطول چهل‌وهشت کیلومتر از معدن وفرة بنقطه‌ای درکویت به نام المینا عبدالله درساحل کشیده شده واولین صادرات‌نفت این منطقه در ژانویهٔ۱۹۵٤ صورت گرفت. محصول این منطقه درسال ۱۹۵٤ بالغ بر هفتصدوپنجاه‌هزار تن بود و بقرار تخمینی که زده‌اند ذخایر نفت منطقهٔ مزبور درحدود چهارصدوسی‌ملیون‌چلیك (یا ٦۸۳۷۰۰۰۰تن‌متریك) میباشد . درسال ۱۹۵۵ شرکت نفت غربی پاسیفیك در شانزده کیلومتری مرز جنوبی کویت ودر داخل منطقهٔ بیطرف مرکزی برای صدور نفت بنا کرد که نام آن المنأ سعود است. در این‌جا چندین مخزن‌نفت ساخته وبوسیلهٔ لوله های زیردریائی نفت را بکشتیهای نفتکش که برای بارگیری میآیند حمل میکند. شرکت نفت غربی پاسیفیك طبق امتیازی که از دولت سعودی گرفته تعهد کرده که نفت را از داخل منطقهٔ بیطرف صادر نماید لذا مجبور شده است که چنین مرکز صدوری بنا نماید ولی شرکت مستقل امریکائی که امتیازش را از دولت کویت گرفته چنین تعهدی ندارد و از این‌رو نفت را از المینا عبدالله صادر میکند .

قسمت عمدهٔ نفت این منطقه که تا کنون صادر شده بامریکا حمل شده است و قسمت کمی هم به ژاپون و اروپا فرستاده شده است . هنوز عملیات اکتشافی و کاوش در این منطقه جریان دارد و معلوم نیست که استعداد نفتی منطقهٔ مزبور تا چه اندازه است .

نکتهٔ جالب توجه این‌است که شرکتهای‌صاحب‌امتیاز این‌منطقه شرکتهای‌بزرگ نفت نیستند که درکارتل بین‌المللی وارد باشند و باید صبر کرد و دید توفیق آنها در آینده از چه قرار است .

بخش هشتم - نفت قطر

در جنوب جزایر بحرین ودر ساحل عربستان شبه‌جزیرهٔ قطر واقع شده‌است که تا سال ۱۹۱٤ جزو امپراتوری عثمانی و بعدازآن نیمه مستقل‌و تحت‌الحمایهٔ‌انگلستان درآمده است . این شبه جزیره بیابان مسطح و بی‌آب و علفی است که چند هزار نفر طوایف عربی درآن سکنی داشته و شغل اصلی آنها صید ماهی است . پای تخت این شبه‌جزیره که دهی بیش نیست موسوم به دوها میباشد که شیخ عبدالله‌الجاسم‌الثانی در آن سکونت داشته و بتمام شبه‌جزیره حکمروائی داشته‌است .

در سال ۱۹۲٤ زمین شناسان شرکت نفت بریتانیا (شرکت سابق نفت‌ایران‌و انگلیس) به عمان و دیگر سواحل عربستان رفته ومطالعاتی کردند تا دریابند که‌نفتی در این نقاط موجود هست یا نه ؟ درسال ۱۹۳۰ نمایندهٔ شرکت نفت بریتانیا به قطر رفته و با رعایت مندرجات قرارداد خط سرخ از شیخ قطر اجازه‌ای بنام شرکت نفت عراق تحصیل‌نمود که‌در طی دوسال شبه‌جزیرهٔ قطر را کاوش نموده واستعدادنفتی آنرا معلوم دارد .

درهمین ایام ماژورهومز که شرح‌کار های اوگذشت درصدد برآمد که‌امتیاز نفت شبه جزیرهٔ قطر را برای یك شرکت امریکائی تحصیل نماید و مذاکراتی با شیخ قطر شروع نمود ولی اولیای دولت انگلیس بشیخ تذکر دادند که ماژورهومزدلالی بیش نیست و مصلحت اندیشی کردند که شیخ امتیاز نفت را بیك شرکت انگلیسی واگذار نماید .

پس‌از مدتی مذاکره و مباحثه شیخ قطر در ۱۹۳۵ امتیازی را امضا نمود که اسماً بنام شرکت نفت بریتانیا ولی معناً برای شرکت نفت عراق بود . شرایط این امتیاز بقرار زیر بود :

مدت امتیاز هفتادوپنج سال - مساحت امتیاز ۱۰۳٦۰۰۰ هکتار - معافیت از عوارض و مالیات - پرداخت چهارصد هزار روپیه نقد - پرداخت سالی یکصد و پنجاه هزار روپیه بعنوان مال‌الاجاره تا پنج سال و پس‌از آن پرداخت سالی سیصد هزار روپیه - پرداخت حق‌الامتیاز سه روپیه برای هرتن نفتی که استخراج میشود .

پس‌از تحصیل این امتیاز چهار سال طول‌کشید تا مقدمات‌کار فراهم‌گشت و در اواخر سال ۱۹۳۹ اولین چاه درعمق ۱٦۷٦ متر بنفت رسید و معلوم شد که در شبه جزیرهٔ قطر منبع نفت مهمی موجود است . اما درمدت جنگ‌اخیرعملیات‌درقطرمتوقف گردید و پس‌از جنگ هم‌مدتی طول‌کشید تادوباره‌شروع گشت. درسال ۱۹٤۷ حفاری مجدد در معدن نفت قطر که موسوم به دخان است آغاز گشت ودر اواخرسال ۱۹٤۹

برای اولین مرتبه نفت قطر صادر گردید . تاکنون بیست‌وپنج چاه درمعدن دخان حفر شده وکاوش برای تعیین حدود معدن مزبور ادامه دارد . برآوردی که تاکنون برای ذخایر نفت قطر کرده‌اند بین یکهزار وپانصد تا دوهزار ملیون چلیك (دویست الی ۲۷۰ ملیون‌تن) است و همینکه تعیین حدود کامل معدن مزبور انجام گرفت ممکن‌است باین رقم افزوده شود . در سی‌ودو کیلومتری جنوب‌دوها درساحل خلیج‌فارس نقطه‌ای موسوم به ام‌سعید را بندرگاه صدور نفت قرارداده واز معدن بآنجا خطوط‌لوله کشیده ودر ام‌سعید مخازن بزرگ برای انبار کردن نفت بناکرده واکنون بوسیلهٔ لوله‌های زیردریائی نفت را بکشتی میرسانند . در دخان هم شهر کوچکی بوجودآمده و خانه های متعدد و بیمارستان و درمانگاه وکارخانهٔ برق وسایر وسایل‌آسایش آماده گشته واین شهر کوچك‌اینك رو بتوسعه میرود . اهالی قطر بواسطهٔ فقر و بیچارگی وکم غذائی فوق‌العاده ضعیف و ناتوان بودند و در ابتدای کار نمیتوانستندکارگران خوبی برای نفت باشند ولی بتدریج سطح زندگی آنها بالا رفته وامروز مانندااهالی سایر نقاط بکارهای نفت اشتغال داشته وکارگران خوبی شده‌اند. ازخارج هم‌کارگران‌زیادی به قطر آمده ومشغولند ولی شرکت‌نفت کوشش می کند که رجحانی برای اهالی‌بومی قائل شده وآنها را برای‌کار های خود تربیت نماید .

در سال ۱۹۵۰ حق‌الامتیازی که به‌شیخ قطر پرداخته شد بالغ برچهارصدهزار لیره بود وسال بعد که تجدیدنظری در شرایط امتیاز شد ودر عوض سه‌روپیه ده‌روپیه برای هرتن پرداخت گردید درآمد شیخ بیك ملیون و هفتصد وپنجاه هزار لیره بالغ گشت .

درسال ۱۹۵۲ مجدداً تجدیدنظری درامتیاز شد و اصل تنصیف درآمد معمول گشت که نتیجه‌اش افزایش درآمد شیخ شده واکنون سالی هشت‌ملیون لیره وبعدهاهم بیشتر عاید او میشود .

بطریق معمول این‌شیوخ، قسمتی از درآمد به‌خویشان شیخ پرداخته می شود و قسمتی را هم خود شیخ مصرف می کند . از سال ۱۹۴۹ انگلیسها مستشاری برای‌شیخ گماشته‌اند که‌کار هـای عمرانی وامور دولتی بصوابدید او انجام میگیرد . اولین کار مستشار مزبور این بود که یك نیروی کوچك پلیس برای حفظ انتظامات تشکیل‌داده و قدرت شیخ را مستقر کرده است. در دوها که مرکز شیخ نشین است عمران و آبادی شروع گشته و خانه های جدید بناگشته وکارخانهٔ برق برپا گشته وآب خوردنی تهیه شده است وبرنامهٔ مفصلی برای‌آبادی آن شهر تنظیم گشته است . محصول نفت قطر در سه سال اخیر بشرح زیر بوده است :

سال ۱۹۵۲	۳۲۹۷۰۰۰ تن
» ۱۹۵۳	۴۰۶۲۰۰۰ »
» ۱۹۵۴	۴۶۵۰۰۰۰ »

شرکتی که نفت قطر را استخراج میکند یکی از شرکتهای تابعهٔ شرکت نفت

عراق وموسوم است به شرکت توسعهٔ نفت قطر[۱] که تمام سهام آن متعلق بشرکت نفت عراق میباشد .

درسال ۱۹۴۹ شیخ قطر مدعی شد که امتیاز نفتی که داده شده مشمول « فلات قاره» نمیشود واراضی زیردریا که در مجاورت قطر میباشد از امتیاز مزبور مستثنی است وشیخ بیك شرکت امریکائی اجازه داد که در فلات قاره بکاوش مشغول گردد . شرکت توسعهٔ نفت قطر باین تصمیم اعتراض کرد وقضیه بداوری رجوع شد و شرکت محکوم گردید. درعین حال شرکت امریکائی که بکاوش مشغول بود نفتی کشف نکرد واجازهٔ آنهم باطل گردید .

در سال ۱۹۵۲ شرکت نفت شل داوطلب امتیاز « فلات قاره » قطر شد و از شیخ امتیازی بمدت هفتاد وپنج سال گرفت. مساحت امتیاز مزبور قریب دومیلیون و نیم هکتار از اراضی زیر دریاست ودر موقع امضای امتیاز دویست وشصت هزار لیره بشیخ پرداخته شد. امتیاز گیرنده تعهد کرده است که دوسال بعد حفاری را شروع و پس از استخراج نصف درآمد را بعنوان حق الامتیاز بشیخ بپردازد .

بخش نهم - نفت سایر کشورهای خاورمیانه

در قسمت غربی شبه جزیرهٔ عربستان کاوشهائی که برای نفت شده به نتیجهٔ مطلوب نرسیده است. درسال ۱۹۳۶ یکی از شرکتهای تابعهٔ شرکت نفت عراق موسوم بشرکت توسعهٔ نفت عربستان غربی[۲] امتیازی برای کاوش در حجاز واثیر گرفت . زمین شناسانی برای مطالعه وکاوش باین نقطه فرستاد ودر سال های ۳۸—۱۹۳۷ بطور آزمایش حفر چاهی را هم درجزایر فراسان که درغرب شبه جزیرهٔ عربستان است شروع کرد و چون نتیجه حاصل نشد درسال ۱۹۴۱ از امتیاز مزبور صرف نظر کرد .

دریمن زمین شناسان شرکت نفت عراق مطالعاتی کرده وزمینه را امیدبخش تشخیص نداده اند . درسال ۱۹۵۳ یك شرکت آلمانی قراردادی بادولت یمن منعقد کرد که درتمام خطهٔ یمن بکاوش نفت بپردازد . بموجب این قرارداد دولت یمن هفتاد وپنج درصد وشرکت آلمانی بیست و پنج درصد سرمایهٔ لازم را فراهم خواهد کرد و هرگاه نفت پیدا شد شرکت آلمانی برای مدت بیست سال بهره برداری را عهده دار خواهد بود ومنافع بتناسب سرمایه‌ای که داده شده تقسیم خواهد گشت و هرگاه پس از پنج سال نفتی کشف نشد قرارداد ملغی خواهد گشت .

درعدن شرکت نفت عراق اجازه کاوش در ۱۹۳۸ تحصیل نمود ولی کاری انجام نداده وگفته میشود که امید زیادی بکشف نفت دراین منطقه نیست . پس ازملی شدن نفت ایران شرکت نفت بریتانیا (شرکت سابق نفت ایران وانگلیس) با عجلهٔ زیاد بایجاد پالایشگاه عدن پرداخت . این پالایشگاه درمدت کوتاهی ساخته شد و درسال

---

(۱) Petroleum Development (Qatar) Company

(۲) Petroleum Development (Western Arabia) Company

۱۹۵٤ بکارافتاد و گنجایش تصفیهٔ آن سالی پنج ملیون تن میباشد .

درحضرموت هم شرکت نفت عراق اجازهٔ کاوشی دارد وزمین شناسانی بآن‌ناحیه اعزام داشته ومطالعاتی نموده‌اند ولی نتیجهٔ امیدبخشی حاصل نگشته است .

سی‌سال پیش شرکت نفت بریتانیا درمسقط و عمان مطالعاتی برای تحصیل نفت نمود ونتیجه‌ای حاصل نکرد. شرکت نفت عراق امتیازی‌درذوفار بدست‌آوردوهیئتی‌هم برای مطالعه‌اعزام‌داشت ولی‌چون‌بنتیجه‌ای نرسید درسال ۱۹۵۱ ازامتیاز مزبورصرف نظر کرد . درسال۱۹۵۳دوشرکت امریکائی‌موسوم به شرکت‌سی‌تیزسرویس[۱] وشرکت نفت ریچفیلد[۲] بایکدیگر شرکت نموده و هیئتی برای مطالعه بایالت ذوفار در عمان اعزام داشتند . این دوشرکت امتیازی برای نفت دراین دوناحیه بدست‌آورده‌اند ولی آیندهٔ آن هنوز نامعلوم است .

شرکت نفت عراق‌امتیازاتی درمسقط وعمان وشرجه وابوظبی وسایرنقاط ساحلی شبه جزیرهٔ عربستان تاحوالی قطر داردکه عملیات زیادی درآنها انجام داده است . درنقطه‌ای بنام دوبی چاهی حفرکردهٔ وبنفت‌نرسید ودرنقطهٔ دیگربنام ابوظبی چاه‌اول بنفت نرسید واکنون مشغول حفرچاه دوم هستند .

ناحیهٔ بوریمی که دربارهٔ مالکیت آن اختلافی بین انگلستان و عربستان سعودی روی داده است درمجاورت ابو ظبی واقع شده و مشهور است‌که در ناحیهٔ مذکور معادن مهم نفت موجود میباشد وعلت اصلی اختلاف مربوط به بیابانهای بوریمی نیست بلکه دعوا برسرنفت‌آن است.درغرب بوریمی عربستان سعودی و درشمال وشرق‌آن آن مسقط وابوظبی واقع‌شده‌اند . قریب ده‌سال است‌که عربستان سعودی‌کوشش‌میکند مرزهای خـود را رو بشرق درخاك عمان جلو ببرد تا ناحیهٔ بوریمی را تصرف کند . سلطان مسقط که به عمان حکمروائی میکند وشیخ ابوظبی هردوباانگلستان پیمانهائی دارندکه درواقع تحت‌الحمایهٔ انگلستان قرارگرفته‌اند ودولت انگلیس بعنوان حافظ حقوق‌آنها بادولت عربستان سعودی برسرناحیهٔ بوریمی اختلاف پیدا کرده است . در سال ۱۹۵۲ دولتین انگلیس و عربستان سعودی موافقت‌کردند که اختلاف خـود را بحکمیت رجوع کنند وداورانی برای حل قضیه انتخاب کردندتااگررأی داوران براین باشدکه‌ناحیهٔ‌بوریمی بعربستان سعودی واگذار شودامتیاز نفت آن نصیب شرکت تمام امریکائی «آرامکو» خواهد شد که اکنون باستخراج معادن نفت عربستان سعودی میپردازد واگرحق بسلطان مسقط وحکمران ابوظبی‌داده شود شرکت انگلیسی‌موسوم به «شرکت نفت‌عراق» که فرانسویهاوامریکائیها وهلاندیها درآن شریك هستند امتیاز استخراج نفت‌آنرا بدست خواهندآورد . این داوری بجائی نرسید و هنوز اختلافات مزبورباقی‌است.

درفاصلهٔ بین‌عمان وشبه جزیرهٔ قطرنواحی کوچك دیگری هستندکه هریك تحت حکمفرمائی شیخی بوده و همهٔ شیوخ هم تحت حمایت دولت انگلستان میباشند.دراین نواحی‌کاوشهائی برای نفت شده و میشود وهمینکه‌آثار وعلائمی هویدا گشت طالبین

---

[۱] Cities Service Oil Company

[۲] Richfield Oil Corporation

امتیاز حاضر و آماده برای عقد امتیازات میباشند . درسالهای اخیر شرکت نفت بریتانیا (همان شرکت سابق نفت ایران وانگلیس) توأم با شرکت نفت فرانسه امتیازی برای استخراج نفت از زیر دریا درمجاورت نواحی مذکور بدست آورده ومشغول کاوش نفت درزیردریا میباشد ولی تاکنون عملیات آنها بنتیجه نرسیده است .

درکشوراسرائیل شرکت نفت استاندارد نیوجرزی و شرکت نفت عراق هریك امتیازاتی درگذشته داشته وکاوشهائی هم کردند وهردو شرکت مزبور چاه هائی هم حفر کرده و چون به عمق کافی نرفته بودند نتیجه‌ای حاصل نکردند . در سال ۱۹۵۳ دولت اسرائیل قانونی برای کشف معادن وضع کرد که متعاقب آن هفت شرکت امریکائی وکانادائی واسرائیلی اجازه‌هائی ازدولت برای کاوش نفت تحصیل کردند . قانون مزبور گیرندگان اجازه های کشف معادن نفت را موظف میدارد که پس از دوسال بحفرچاه اقدام نمایند واکنون هفت شرکت مزبور باین کار اشتغال دارند . یکی ازاین هفت شرکت موسوم بشرکت لاپیدوت[1] که سرمایهٔ آن را امریکائیها و اسرائیلیها مشترکاً داده‌اند چندی است که درغرب جاده‌ای که از یافه به غزه میرود بحفاری پرداخته و در سپتامبر ۱۹۵۵ چاه آن درعمق ۱۴۹۳ متر بنفت رسید . نفت این چاه بافشار کافی بسطح زمین جریان یافت ودرروزهای اول نفت مزبور بارتفاع بیست متر ازسطح زمین ازچاه خارج میشد . نوع نفت این چاه بسیارخوب وامید زیادی هست که این چاه مقدمهٔ کشف معدن بزرگی باشد . پس از آنکه خبر کشف نفت منتشر گشت اهالی کشور اسرائیل جشنها گرفته و شادی بسیار کردند زیرا مدتی است که در نتیجهٔ تحریم کشورهای عربی نفت خاورمیانه باسرائیل حمل نشده وبآن کشورفروخته نمیشود و هرسال کشوراسرائیل بین چهل وپنجاه ملیون دولار باید بدهد تااحتیاجات نفتی خود را از کشورهای دیگر تأمین نماید. دربندرحیفا شرکت نفت بریتانیا وشرکت نفت شل مشترکاً پالایشگاهی ساخته‌اند که ظرفیت آن سالی چهارملیون تن است . قبل از جنگ اخیر نفت عراق بالوله باین پالایشگاه میرسید ولی پس از آنکه اسرائیل استقلال پیدا کرد واختلافات بین عراب و یهود شدت یافت دولت عراق حمل نفت را بکشور اسرائیل متوقف ساخت و دولت اسرائیل ناچارشد که ازامریکای جنوبی نفت خام خریده ودرپالایشگاه حیفا تصفیه نماید ولی مقدارآن ازسالی یك ملیون تن تجاوز نکرده‌است . اینك که درکشوراسرائیل نفت کشف شده است کمك بزرگی باقتصاد آن کشور خواهد شد ودرصورتیکه معدن کشف شده‌دارای مقادیر کافی نفت باشد یك کشور نفت خیز دیگر بکشورهای خاورمیانه که نفت دارند افزوده خواهد شد .

در سوریه هنوز نفتی کشف نشده است . قبل از جنگ اخیر شرکت نفت عراق پنج چاه وبعد ازجنگ شش چاه درنقاط مختلف سوریه حفر کرده وبنفت نرسید ودر سال ۱۹۵۱ ازامتیازی که برای این نواحی داشت صرف نظر کرد . اگرچه درسوریه هنوز نفتی کشف نشده است ولی کشور سوریه از منافع نفت بی‌بهره نمانده است . چندین خط لوله نفت عراق را ازراه سوریه بدریای مدیترانه میرساند ودولت سوریه

---

(۱) Lapidot Company

درآمد مهمی بعنوان حق‌العبور از این خطوط وصول مینماید. بانیاس بندری است در سوریه که منتهی الیه یکی از خطوط لولهٔ نفت عراق میباشد. دراین بندر تأسیساتی برای صدور نفت ایجاد شده وعده‌ای از اهالی سوریه کار پیدا کرده‌اند. حق ترانزیت لوله که دولت سوریه دریافت میدارد هرسال بالغ بریك ملیون و یکصد هزار دولار ازخط لولهٔ عربستان و قریب نیم ملیون لیره ازخطوط لولهٔ عراق میباشد. بعلاوه شرکت نفت عراق هرسال مبالغی ارز بکشور سوریه میفرستد که تبدیل بپول سوریه نموده وحقوق کارکنان خطوط لوله وبندر بانیاس وسایرمخارج محلی را بپردازد.

درکشور اردن هم شرکت نفت عراق امتیازی داشت وچه قبل ازجنگ وچه بعد ازجنگ اخیر مطالعاتی نموده وعده‌ای متخصص برای کاوش نفت بآن کشوراعزام داشت وبه نتیجه‌ای نرسید. این کشورهم ازحق ترانزیت لوله های نفت که از خاك آن عبور میکند استفاده میکند. درحال حاضر سالی دویست وهفتاد وپنج هزار لیره ازخط لولهٔ عربستان‌وسالی‌شصت‌هزارلیره هم‌ازخط لولهٔ نفت عراق که‌ازراه‌اردن‌به حیفا میرود حق ترانزیت میگیرد.

درلبنان‌هم شرکت نفت عراق امتیازاتی‌داشت ومطالعات وسیعی انجام داد وبنفت نرسید. یك شرکت مختلط امریکائی وفرانسوی درسال ۱۹۵۳ چاهی درجنوب لبنان برای‌کاوش‌نفت حفر کردو نتیجه‌ای‌حاصل‌نکرد. بین‌کشورهای عربی که خود نفت نداشته ولی از نفت دیگران استفاده هائی میکنند کشور لبنان ازهمه بیشترسود میبرد. هرسال قریب بیست ودوملیون تن نفت از خطوط لوله‌ای که منتهی بسواحل لبنان میشود عبور میکند که چهارده ملیون تن‌آن ازعربستان سعودی حمل شده و به بندر صیدان میرسد وهشت ملیون تن دیگر ازکرکوك به بندر ترابلس حمل میگردد. جمعاًحق ترانزیتی که از این خطوط عاید دولت لبنان میشود بالغ به هشتصد وپنجاه هزار لیره است. شرکت نفت عراق پالایشگاهی بظرفیت سالی پانصد وپنجاه هزارتن درترابلس ساخته وقراراست که بزودی‌آنرا توسعه دهد. این پالایشگاه مصرف لبنان وسوریه را تأمین میکند وضمناً نفت‌سوخت بکشتیهائی که ببنادرلبنان میآیند میفروشد. درصیدان شرکت نفت استانداردکالیفورنی وشرکت نفت تکساس مشغول‌ساختن‌پالایشگاهی‌بظرفیت سالی چهارصد وپنجاه هزارتن هستند که قراراست بزودی حاضر برای‌کارشود. نگاهداری خطوط وگرداندن پالایشگاه متضمن‌استخدام عدهٔزیادی‌ازاتباع لبنان‌است که بدینوسیله اعاشه نموده و هرسال شرکتهای نفت مبالغ کثیری ارز برای پرداخت حقوق ومزد آنهابلبنان وارد میکنند. مثلاً شرکت نفت عراق درسال گذشته بالغ برسه ملیون‌لیره ارز بلبنان واردکرد و بمصرف رساند. علاوه براین شرکتهای نفت که درخاورمیانه کارمیکنند هرسال عده‌ای ازاتباع لبنان را بشرکتهای نفت‌خیز برده واستخدام میکنند وچون زبان‌آنها عربی‌است‌کاررا بسی سهل میکند مثلا طبق برآوردی که شده است در حال حاضر متجاوز از بیست وشش هزارنفر ازاتباع لبنان تنها درکویت استخدام شده ویابه‌کارهای‌آزاد اشتغال دارند. هرسال عدهٔ زیادی محصل ازکشور های عرب زبان به دانشگاه های بیروت رفته و بتحصیل مشغول میشوند. محصولات مختلف سوریه

ولبنان ازقبیل میوه‌وسبزی وامثال‌آن بازارخوبی درکویت وعربستان سعودی پیدا کرده وهرسال ازاین راه هم درآمدی عاید کشورمزبورمیگردد .

درجزیرهٔ قبرس شرکت نفت عراق امتیازی تحصیل کرده و بمطالعاتی پرداخت ونتیجه‌ای نبرد لذا از امتیاز مزبور صرف نظرکرد . یك شرکت قبرسی چاهی بعمق یکهزارو پانصدمتردرجزیرهٔ مزبورحفر کرد ونفتی کشف نکرد .

درجنوب شرقی ترکیه دو معدن کوچك نفت تاکنون کشف شده که دولت ترکیه خود متصدی استخراج آن بوده است . پس از وضع قانون جدید معادن ، شرکتهای مختلف طی‌سال گذشته اجازه‌هائی برای کشف نفت‌ازدولت ترکیه تحصیل کرده وبکاوش پرداخته‌اند ولی هنوز نتیجه آن معلوم نیست . طبق قانـون جدید هنگامیکه نفت کشف واستخراج شد درآمدآن بین دولت ترکیه وصاحب‌امتیاز نصف خواهد شد .

در مصر معـادن نفتی در اطراف دریای سرخ و شبه جزیرهٔ سینا کشف شده و استخراج میشودکه شرح آن درفصل اول این‌کتاب آمده است اخیراً دولت مصرحاضر شدکـه شصت‌ویك پروانهٔ کاوش بدو شرکت شل وسوکونی بدهد تا عملیات خود را توسعه داده و معادن جدیدی کشف نمایند . یك شرکت امریکائی پروانه‌ای برای‌کاوش در قسمت غربی مصر بمساحت ۱۸۵۰۰۰ کیلومتر مربع تحصیل کرده ودرصدد است که عملیات اکتشافی را آغاز نماید. یك شرکت مصری بنام « شرکت ملی نفت مصر » پروانه های متعددی برای‌کاوش نفت درنقاط مختلف من‌جمله هفت پروانه برای کاوش زیر دریا درخلیج سوئز تحصیل کرده ومشغول‌کار شده‌است . محصول نفت مصر درسال ۱۹۵٤ قریب دوملیون تن بود درصورتیکه مصرف‌آن‌کشور سالی سه ملیون و نیم تن است و هر سال مصر باید مبالغ‌گزافی برای رفع احتیاجات نفتی خود به خارج بپردازد .

در مصر ترتیب وصول حق‌الامتیاز نفت با سایر نقاط تفاوت دارد وروی وصول عین جنس قرارگرفته است زیرا دولت خود پالایشگاه دارد و می‌تواند نفت خـام را تصفیه نموده بفروش رساند . نرخ حق‌الامتیاز نسبت بتاریخ امتیازات فرق‌میکندمثلاً برای امتیازاتی‌که بین سالهای ۱۹۱۲ وسال ۱۹۲۳ اعطا شده حق‌الامتیاز چهار در صد از عین محصول است و امتیازی‌که در ۱۹۲۳ به سندیکای نفت مصر داده شده حق‌الامتیازش دوازده ونیم درصد از عین جنس میباشد . در قراردادی که‌سال ۱۹٤۸ با شرکت نفت انگلیس ومصر منعقد شد حق‌الامتیاز چهارده درصد تعیین‌شد وقرارداد هائی که ازآن تاریخ ببعد منعقد شده مقرر میداردکه بین چهارده وپانزده درصد از عین محصول بدولت مصر تحویل‌گردد . ضمناً بایدگفت‌که مصر از وجوهی که بعنوان حق عبورکشتیهای نفتکش از کانال‌سوئز وصول میشود سهمی دارد و در ۱۹٦۳ کـه امتیاز کانال سوئز منقضی میشود تمام وجوه مزبور بمصر تعلق خواهدگرفت و درآمد مهمی برای مصر ایجاد خواهد نمود .

بخش دهم - گاز نفت درخاورمیانه

گاز نفت که بمقادیر زیادی درمعادن نفت خاورمیانه موجود است بهدر میرود و تاکنون هیچگونه اقدام اساسی برای استفادهٔ از آن بعمل نیامده است. درمعادن کرکوك واقع در عراق در هر تن نفت خامی کـه استخراج میشود سی‌متر مکعب گاز موجود است. در معدن برقن کویت این نسبت به ۱۰۵ متر مکعب ودر معدن آغاجاری ایران و معادن نفت عربستان‌سعودی به ۲۰۰ مترمکعب درهرتن نفت خام بالـغ میگردد. طبق جدولی که درگزارش اقتصادی ملل‌متحد راجع به خاورمیانه ذکرشده ودرسال ۱۹۵۲ منتشر گشته است نسبت گاز به نفت در معادن عمدهٔ خاورمیانه بقرار زیر بوده است. ارقام زیر نسبت گاز موجود درهر یك‌تن نفت خام را نشان می‌دهد و به متر مکعب معلوم گشته است :

آغاجاری	۱۹۸	کرکوك(عراق)	۳۱
گچساران	۱۳۳	برقن (کویت)	۱۰۵
هفت کل	۹۶	ابقیق (عربستان‌سعودی)	۱۹۵
مسجد سلیمان	٤۸	دمان »	٦۳
نفت سفید	۱۹۸	قطیف »	۹٤
نفت شاه	۲۱٤		

روی نسبت فوق ضرب درمیزان استخراج نفت خاورمیانه درسال ۱۹۵٤ میتوان برآورد کرد که مقدار گاز نفتی که از چاه های خاورمیانه خارج شده درحدود ده‌هزار ملیون متر مکعب بوده است . بطوری که تخمین زده‌اند ارزش سوختی هزار ملیون متر مکعب گاز برابر بایك ملیون‌تن نفت خام است واز روی این برآورد میتوان گفت که ده‌هزار ملیون متر مکعب گازی که از معادن نفت خاورمیانه درسال گذشته خارج و قسمت عمده‌اش بهدر رفته است برابر با ارزش سوختی ده ملیون تن نفت خـام بوده است .

گازی که از چاه نفت و همچنین از عملیات پالایشگاه حاصل میشود مصرفهای گوناگون دارد . اول اینکه گاز مزبوررا می‌توان برای سوخت در خانه‌ها وکارخانه ها مصرف کرد . دوم اینکه مـواد شیمیائی مختلف از آن میتوان بدست آورد. سوم اینکه همان گاز را می‌توان با فشار به چاه های نفت واردکرد تاخروج نفت‌را ازچاه تسهیل نموده وبعد ها محتاج باین نشوند که نفت را با تلمبه از چاه خارج کنند .

استفاده ازگاز نفت خاورمیانه مورد دقت ومطالعه بوده است و پروژه هـای گوناگونی برای آن طرح شده ولی تاکنون هیچیك بمرحلهٔ عمل درنیامده است. فقط درکویت کارخانهٔ تقطیر آب دریا وکارخانهٔ برق سوختش باگاز نفت‌است و در عراق میخواهند ازگاز مزبور برای سوخت کارخانه‌های برق کرکوك وبصره استفـاده نمایند.

در ایران مقدار کمی از گاز نفت بمصارف خانگی درمسجد سلیمان‌وسایرمعادن میرسد ومقدار کمی هم اخیراً در استوانه های فلزی بتهران آورده‌اند که بمصرف خانگی برسد . درسال ۱۹۵۰ در سوئز واقع در مصر کارخانه‌ای برای تولید کود شیمیائی از گاز نفت ساختند که سالی دویست‌هزارتن کالسیوم نایتریت[۱] عمل میآورد .

یکی از طرحهائی که برای استفاده از گاز نفت خاورمیانه ریخته شده این است که لوله‌ای از عراق به پاریس کشیده شود که گاز را بوسیلهٔ آن حمل کرده ودرنقاط مختلف اروپا برای سوخت بمصرف رسانند. طول چنین خط لوله‌ای چهار هزار کیلو متر خواهد بود و گنجایش آن حمل سالی ۵۱۰۰ ملیون‌متر مکعب گاز بوده وخرج آن را هم درحدود چهارصد وبیست‌وپنج ملیون دولار برآورد کرده‌اند .

در ۱۹۴۹ سازمان کشاورزی وخوراکی ملل‌متحد درگزارش خود پیشنهاد کرد که از گاز نفت نیتروژن گرفته وبرای کود در کشاورزی مصرف نمایند و تخمین زده بود که اگر گاز های نفت‌خاورمیانه برای تولید نیتروژن‌مصرف شود محصول نیتروژن دنیا که درآنوقت چهارملیون‌تن بوده دوبرابر خواهد شد .

هیئتی که ازطرف بانك بین‌المللی توسعه وعمران درسال ۱۹۵۱ بعراق‌رفته‌بود توصیه کرده‌است که‌از هدر رفتن گاز نفت باید خودداری کردوپیشنهاد کرده که‌کارخانه‌ای درحوالی شهر کرکوك بنا شود که مواد خام آن گاز نفت و گچ باشد تابتوانند سالی پانصدهزارتن کود شیمیائی امونیوم‌سلفیت[۲] وسالی یکصدهزارتن گوگردوسیصدهزار تن سیمان بعمل‌آورد و تخمین زده است که قیمت چنین‌کارخانه‌ای درحدود بیست وپنج ملیون لیره خواهد بود .

گیبسن[۳] که سالها رئیس معادن نفت ایران بوده وحال چندی‌است که‌مدیرعامل شرکت نفت عراق میباشد طی نطقی که درمؤسسه نفت‌انگلیس درتابستان ۱۹۵۲ایراد کرد گفته بود هراندازه که چاه های نفت خاورمیانه عمیق‌تر حفرشود تا ذخایر بیشتری بدست‌آید بهمان اندازه محصول گاز نفت آن زیاد خواهد شد وشایددرآیندهٔ نزدیکی بمرحله‌ای برسیم که ازحیث وزن پانزده درصد نفتی که بدست میآید گاز باشدودرچنین صورتی مقدار گازی که روزانه بدست خواهدآمد به‌پنج‌هزار ملیون پای‌مکعب (قریب به ۱۴۱۵۸۵۰۰۰ مترمکعب) خواهد رسید .

در امریکا اخیراً گاز نفت‌را تبدیل به مایع کرده وبفروش میرسانند . طریقه‌ای که بکار میبرند این‌است که گاز را بدون اینکه تحت‌فشار بگذارند سرد میکنندودرجهٔ آن را تا نزدیك ۱۲۶ درجه سانتیگراد زیرصفر میآورند. در نتیجهٔ این‌کار حجم گاز به شش صدم حجم سابق خود میرسد و آنوقت می‌توان آنرا باکشتی یاسایروسایل از نقطه‌ای به‌نقطهٔ دیگر حمل نمود مشروط براینکه درحین حمل نگذارنددرجهٔ‌حرارت بالا رود . این طریقه تاحدی مانندطرزی است که‌گاز های بوتین[۴] وپروپین[۵] را حمل

---

(۱) Calcium Nitrate
(۲) Ammonium Sulphate
(۳) H. S. Gibson
(۴) Butane
(۵) Propane

می کنند درمورد گاز های بوتین وامثال آن گاز را تحت‌فشار تبدیل به‌مایع می کنندتا فضای کمتری‌را اشغال کند وبعد هم مایع مزبوررا دراستوانه های فلزی ریخته و در حالیکه تحت فشار باقی میماند از جائی به‌جائی دیگر حمل می کنند .

دوسال پیش ادارهٔ اصل‌چهار امریکا (اداره عملیات خارجی» از آکادمی علوم آن کشور تقاضا کرد گزارشی درباب طرز استفاده از گاز های نفت عربستان سعودی تهیه کند . این گزارش که با کمك وباری مؤسسات مختلف علمی تهیه شده بودمیگوید که گاز مزبوررا میتوان درمحل بمصرف سوخت کارخانه هائی رساند که کود شیمیائی و لاستیك مصنوعی وسیمان وغیره تهیه می کنند وضمناً توصیه می کند که گاز مزبوررا بوسیلهٔ سرد کردن وتبدیل آن بمایع صادر نمایند. اخیراً در عربستان سعودی کارخانه مخصوصی برپا کرده‌اند که سالی ۱٦۰۰ ملیون‌متر مکعب گاز را دوباره واردمعدن‌ابقیق می کند واین کارخانه قریب بیست‌ملیون دولار تمام شده است.

ازآنچه دربالا گفته شد واضح است که گاز نفت درصورتی که استفادهٔ کامل ازآن بشود منبع درآمد مهمی برای کشور های خاورمیانه خواهد بود و چرخهای صنایع گوناگونی را میتوان باگاز مزبور بگردش درآورد واگر تاکنون دراین راه قدمی برداشته نشده بواسطهٔ جهالت‌واهمال دولتهای خاورمیانه بوده‌است .

درجهٔ بی‌اطلاعی وجهالت متصدیان امور خاورمیانه ازاین‌جا معلوم می‌شود که در هیچیك از امتیازاتی که تاکنون داده شده‌است ماده یافصلی نگنجانده‌اند که‌شرکت های نفت را از سوزاندن وبهدر دادن گاز نفت منع نماید ویا آنکه آنها را موظف باستفاده و بهره‌برداری ازآن بنماید. در قرارداد هائی که بین بعضی ازکشور های خاورمیانه وشرکت‌نفت عراق منعقد شده است گاز طبیعی نفت از مواد هیدروکاربونی که مشمول حق‌الامتیاز می‌شود مستثنی شده‌است . فقط درامتیازی که دولت عربستان سعودی بدو شرکت امریکائی اعطا کرده گفته شده‌است که شرکتهای نفت یك‌هشتم از سودحاصله ازگازی که استخراج وبفروش‌رسد به‌دولت‌عربستان‌سعودی‌خواهدپرداخت .

در قرارداد ۱۹۳۳ که بین دولت ایران و شرکت نفت بریتانیا (شرکت سابق نفت ایران وانگلیس) منعقدشد گفته شده‌بود که حق‌الامتیاز بهرتن نفتی که برای‌مصرف داخلی درایران بفروش رسد ویا از ایران صادر شود تعلق خواهد گرفت ودر توصیف نفت که درمقدمهٔ امتیاز ذکر شده گاز طبیعی‌را هم جزو نفت محسوب داشته است . در قرارداد جدید باکنسورسیوم هم همین رویه تعقیب گشته‌است ورویهمرفته درهیچیك از امتیازاتی که تاکنون درخاورمیانه داده شده شرط وقیدی نیست که‌از سوزاندن وبهدر دادن گاز گرانبهای نفت جلوگیری شود و یا اقلا حق‌الامتیازی‌بابت‌آن پرداخت گردد.

درسایر کشور هائی که نفت دارند منتهای استفاده را ازگاز نفت می کنند ودر نقاطی مانند شمال ایتالیا یا پاکستان که فقط گاز موجود و نفتی تاکنون کشف نشده است نهایت جدیت‌را بخرج می‌دهند که حداکثر استفاده را ازگاز نفت بکنند ولی متصدیان امور خاورمیانه بدین‌نکتهٔ مهم هیچگونه توجهی نکرده وجهالت خودرا هم بوسیلهٔ استشاره با متخصصین وخبرنگاران جبران نکرده‌اند.

بخش یازدهم- تأثیر اقتصادی وسیاسی واجتماعی نفت درخاورمیانه

تجدید نظری که درعرض چند سال اخیر درمیزان حق‌الامتیاز نفت شد وافزایش فوق‌العادهٔ استخراج و لزوم استخدام عـدهٔ زیادتری در صنایع نفت وهزینه هائی که هرسال شرکتهای نفت درخاورمیانه میکنند بدرجات مختلف تأثیرمهمی دروضع اقتصادی کشورهای نفت خیز داشته است . درایران وعراق نفت فقط یك رشته ازاموراقتصادی را تشکیل داده وزراعت وصنایع ملی رشته های دیگراقتصاد ملی را تشکیل میدهند . درسایر کشورهای خاورمیانه مانند کویت وقطروحتی عربستان سعودی که وضع اقتصادی آنها قبل ازاستخراج نفت در مراحل ابتدائی بوده نفت تأثیر بسیارمهمی دروضع زندگانی آنها داشته است .

طبق برآوردی که سال پیش دربارهٔ درآمد نفت کشورهای خاورمیانه شده بود معلوم گشت که یك چهارم از کل درآمد ملی عراق ونصف درآمد ملی عربستان سعودی وسه چهارم درآمد ملی کشورهای کوچك واقع درخلیج فارس ازنفت تحصیل میشود . مقصود از «درآمد ملی» کلیهٔ درآمد یك جامعه میباشد ودرآمد دولتی فقط قسمتی از درآمد ملی محسوب میشود. بعضی ازعلمای اقتصاد گفته‌اند که «درآمدملی» عبارت‌است ازمجموع درآمد تمام خانواده هائی که عضو یك جامعه میباشند وهرگونه منبع عایدی جامعه را باید جزوآن حساب کرد چه اینکه آن عایدی ازراه تولید غذا و لباس وتهیهٔ آسایش وغیره باشد وچه ازراه فروش‌خدماتی که اشخاص انجام میدهند . تاپیش‌ازملی شدن نفت کلیهٔ درآمد ایران ازنفت قریب به ده درصد «درآمد ملی» را تشکیل میداد ولی درکویت سه چهارم درآمد ملی ازنفت بود ویك پنجم تمام جمعیت کویت درصنعت نفت بکارمشغول میباشند ودرقطرنزدیك به هفت هشتم درآمد ملی ازنفت حاصل میشود لذا تأثیراقتصادی نفت درکشورهای خاورمیانه متفاوت است .

استفاده هائی که کشورهای (دارای منابع نفت) خاورمیانه ازنفت میکنند برچند قسم است :

اول وجوهی‌است که بابت حق‌الامتیازومالیات وعوارض عایدآنهامیگردد. درسال ۱۹٤۰ که فقط معادن نفت ایران وعراق وعربستان سعودی و بحرین استخراج میشد مجموع حق‌الامتیازی که پرداخته شده بیست وشش ملیون دولار بوده است . در۱۹٤۸ که کویت هم بآنها اضافه شد و محصول افزایش زیادی پیدا کرد مجموع حق‌الامتیاز به‌نود وهشت ملیون دولاررسید . در۱۹۵۲ که نفت‌ایران صادرنمیشد مجموع‌حق‌الامتیاز کشورهای‌خاورمیانه بچهارصد وچهل‌ملیون دولار رسید واکنون ازسالی‌هشتصد ملیون دولارهم متجاوزگشته است .

دوم مخارجی است که شرکتهای نفت درکشور هائی که امتیاز دارنـد میکنند اینگونه مخارج بوسیلهٔ فروش ارز خارجی انجام میگیرد و منبع مهمی هم برای کشور های مزبور است که بتوانند ازطرفی خدمات وکالاهائی را بشرکتهای نفت فروخته واز

طرف دیگر باارزی که حاصل میکنند ازخارج کالاهای دیگروارد کنند . درسال ۱۹۵٤ مجموع کارکنان صنایع نفت خاورمیانه درحدود یکصد و هشتاد هزارنفر بود که بیش ازهشتاد وپنج درصد آنها ازاهالی محل بودند . این افراد مزد وحقوق گرفته وهر کدام عائله‌ای را اداره میکنند . علاوه براین شرکتهای نفت مبالغ کثیری برای راه سازی ولوله کشی وخانه سازی وایجاد بیمارستان و درمانگاه وساختن مدارس و خرید اشیاء محلی صرف میکنند که همهٔ اینها متضمن صرف ارزخارجی می باشد. درسال ۱۹۵۱ شرکتهای نفت قریب هیجده ملیون دولار درعراق و بیست ملیون دولار درعربستان سعودی و پانزده ملیون دولار درکویت وپنج ملیون دولار دربحرین بمصرف هزینه‌های مذکور رساندند. در ایران خرج شرکت نفت قبل از خلع ید درحدود بیست و پنج ملیون لیره درسال بود .

سومین استفاده‌ای که خاورمیانه از نفت میکند همان فراهم کردن محصولات نفتی برای مصرف دراین کشورها میباشد . کشورهائی که نفت ندارند باید بوسایل گوناگون متوسل شوند تا نفت مصرفی خود را تأمین کنند ولی در خاورمیانه این منبع نیرو که مصرف آن روز افزون است بسهولت حاضر بوده ودردسترس همه میباشد . ازحیث قیمت ، نفت ارزان ترین وسهل ترین سوخت محسوب میشود وفراهم بودن آن موجب توسعهٔ حمل ونقل وصنایع وسایر امور اقتصادی شده وخاورمیانه را ازسوختهای دیگر بی نیاز میدارد. درسال ۱۹۳۷ مجموع مصرف نفت کشور های خاورمیانه در حدود دوملیون تن بوده و در ۱۹۵۱ به هفت ملیون تن بالغ شد و درسال ۱۹۵٤ به ده ملیون تن بالغ گشت واین مقدارعلاوه برمقداری است که شرکتهای نفت درکارهای خود وپالایشگاه‌ها برای سوخت مصرف مینمایند .

چهارمین استفاده که فقط مشمول سوریه و لبنان واردن میشود درآمدی است که این سه کشور ازحق ترانزیت لولهٔ نفت واجاره دادن زمین برای تأسیس پالایشگاه وایجاد بندرخروج دریافت میدارند .

پنجمین استفاده عبارت است ازکار های عمرانی شرکتهای نفت درحدود محوطهٔ امتیازی آنها ازقبیل ساختن جاده وخانه برای کارکنان خود وبرقراری وسایل بهداشت وغیره . دربعضی کشورهامانند عربستان سعودی شرکتهای نفت درطرح نقشه‌های عمرانی ودادن نظریهٔ فنی کمکهای شایانی کرده‌اند ومخصوصاً درعربستان سعودی شرکت نفت عده‌ای متخصص دراختیار دولت گذاشته که درامر کشاورزی وبندرسازی وراه آهن وغیره مساعدتهای ذیقیمتی کرده‌اند .

ششمین استفاده همان مسئلهٔ ارز خارجی است که درامر تجارت و داد وستد های بین‌المللی کشورهای خاورمیانه تأثیر بسیاری دارد . شرکتهای نفت ارزی را که برای هزینه های جاری درکشورهای مختلف لازم دارند بکشورهای مزبور فروخته وتبدیل بپول محلی میکنند . این درواقع یك نوع صادرات غیرمرئی برای کشورهای خاورمیانه می باشد که آنرا بمصرف خرید کالاهای خارج میرسانند بدین ترتیب واردات از خارج تسهیل شده وبنوبهٔ خود واردات مزبورعوارض گمرکی دولتها را افزایش داده ودرآمد آنها را زیاد میکند .

استفاده‌هائی که در بالا ذکر شد عبارت است از منافعی که خواه یا ناخواه بکشورهائی که درخاورمیانه نفت دارند عاید میگردد ولی درعین حال باید متذکر گردید که تودهٔ مردم کشورهای مزبور از نفت ودرآمد آن بهرهٔ زیادی ندارند .

حق الامتیازهائی که داده میشود بجیب دولتها میرود و ارزی که خرج میشود بمصرف خرید اشیاء لوکس و تجملی برای متمولین میگردد . استخدام عده‌ای کارگر وکارمند محدود بنقاطی است که شرکتهای نفت درآنجا کارمیکنند وعمران وآبادی نقاط مزبور هم جنبهٔ محلی دارد ومشمول همهٔ نواحی کشور نمیگردد . فراهم داشتن نفت بعنوان سوخت ممکن بود نفعی برای تمام طبقات مردم داشته باشد ولی وضع مالیات بمحصولات نفتی چون وصولش سهل وبی دردسر است دولتهای خاورمیانه را تشویق کرده است که مالیات گزافی بآن به بندند و سوخت را هم گران کنند وتودهٔ مردم را ازاین نعمت محروم دارند .

نزدیك به شش قرن اعرابی که درسواحل خلیج فارس مسکن داشته‌اند زندگانی یکنواختی داشته وهیچگونه تحولی درروش زندگی آنها رخ نداده است. آنهائیکه در سواحل خلیج زندگی میکردند بامختصر تجارت وصید مروارید وصیادی وخریدوفروش برده وگاهی هم بادست وپنجه نرم کردن باسرنشینان کشتیهای بادی ارتزاق کرده ودر نهایت فقر ومسکنت اعاشه می نمودند . آنانیکه در داخل شبه جزیرهٔ عربستان سکنی داشتند همه ازطوایفی بودند که دائم بایکدیگر جنگ وستیز داشته ودرطلب آب برای خود وعلف برای چهارپایان از نقطه‌ای بنقطهٔ دیگر کوچ کرده و درحرکت بودند . باشیوخ خود باحترام رفتار کرده ومطیع آنها بودند و دراین بیابانهای بی آب و علف وسوزان عربستان فقط دوطبقه وجود داشت یکی شیخ وامیر و سلطان و دیگری تودهٔ مردم که طوایف مختلف را تشکیل می دادند . مختصر زراعتی هم که درنواحی مختلف بود در مجاورت چشمه یاچاه آبی یافت می‌شد و همیشه برای تصرف این نقاط جنگ ونزاع برپا بود .

اولین دسته از اروپائیانی که بخلیج فارس دست یافتند پرتقالیها بودند که مدتی درآنجا استیلا داشته و قلاع محکمی ساخته و تجارت خلیج را دردست داشتند . طولی نکشید که انگلیسها آمده وپرتقالیها را بیرون راندند و درطی چند قرن سلطه ونفوذ خودرا درساحل عربی خلیج برقرار کردند . بابرده فروشی مبارزه کرده ودزدان دریائی را سرجای خود نشاندند وقراردادهائی هم باشیوخ مختلف منعقد کرده وحمایت ازآنهارا تعهد کردندونفوذسیاسی خودرادراین نواحی مستقر ساختند . مدتها وضع بدین منوال بود تاآنکه درسواحل خلیج نفت پیدا شد وبانفت تحول عظیمی دروضع اقتصادی این نقاط پدیدآمد .

شیوخ وسلاطین ازدرآمد سرشار نفت بهرهٔ بسیار میبرند و تودهٔ مردم این نواحی هم کم وبیش زندگی بهتری پیدا کرده‌اند . مثلا عدهٔ زیادی ازآنها درصنعت نفت کار پیدا کرده وکسب وکار نسبةً مطمئنی تحصیل کرده‌اند وازکارهای عمرانی که کم وبیش شروع شده است تااندازه‌ای بهره‌مند میگردند ولی ناظرین امور معتقدند که دروضع

سیاسی واجتماعی این کشورها تحولات بسیاری درآینده پیش خواهدآمد که عواقب آنرا ازهم اکنون نمیتوان پیش‌بینی کرد .

موقعی که شرکتهای نفت به‌خاورمیانه آمده وشروع بکار کردند امورسیاسی این نواحی ساده و بی‌اشکال بود. شرکتهای مزبور با حکمفرمایان نواحی مزبورقرارداد هائی منعقد کرده ومردم در عقد اینگونه قرارداد ها دخالتی نداشتند . شرایط امتیاز مقرر میداشت که درآمد نفت مستقیماً به شیوخ وسلاطین این نواحی پرداخت‌شودوچون در ابتدای امر درآمد مبلغ قابل ملاحظه‌ای نبود آنچه وصول میشد بمصرف شخصی شیوخ و خانواده های آنها میرسید ومردم هم چندان اعتراضی نمیکردند. لکن پس‌از جنگ اخیر که تجدیدنظری درشرایط امتیازات مزبور شد واصل تنصیف درآمد نفت بمیان‌آمد وعواید رو بفزونی گذاشت ولزوم عمران وآبادی این نواحی محسوس گشت متصدیان امر متوجه گشتند که اختصاص تمام درآمد به‌خودشان دیگر مقدور نیست.این بود که برنامه های عمران وآبادی طرح گشت وهریك ازاین کشور ها بودجه‌ای‌تنظیم کرده وطبق آن رفتار می‌نمایند .

در عربستان سعودی مآل‌اندیشی اولیای دولت ونصایح خردمندانهٔدوستان داخلی وخارجی موجب شده‌است که تاحدودی برنامه‌ای برای عمران کشور طرح گردد.درسال ۱۹٤۵ شرکت نفت عربستان طرحی بنام «برنامهٔ توسعهٔ صنایع عربی» تنظیم‌وتقدیم اولیای دولت کرد کـه هدف آن تربیت کردن اهالی و آموختن فنون مختلف بآنها و تشویق مردم بایجاد مؤسسات صنعتی کوچك بود . دولت سعودی راه آهنی از خلیج فارس به ریاض کشیده ودر صدد است که آنرا به جده امتداد دهد . بندرگاه جده را ساخته وراه‌جده بمکه‌و مدینه‌راشوسه‌نموده وتسهیلات‌زیادی برای‌حجاج‌فراهم کرده‌است.

آخرین بودجهٔ دولت سعودی که منتشر شده برای سال ۵۵ — ۱۹۵٤ است‌وقلم عمدهٔ درآمد که در واقع هشتادوپنج درصد ازکل درآمدکشور است تماما ازنفت‌عاید می‌شود که بالغ بر نهصد وهفتادویك ملیون ریال سعودی (که طبق نرخ رسمی هر ده‌ریال سعودی برابر بایك لیرهٔ انگلیسی) است. عوارض گمرکی وبندری در حدود ۹۰ ملیون ریال پیش‌بینی شده که هشت درصد ازکل درآمد است و هفت درصد بقیه درآمد های مختلف می‌باشد که قسمت عمدهٔ آن مربوط بدرآمد از وجوهی است که حجاج درکشور سعودی خرج می‌کنند . در قسمت مخارج ۷٤۲ ملیون ریال (یا ۳۵ درصد ازکل مخارج) برای قوای تأمینیه منظور گشته که تقریباً دوبرابر مبلغی‌است که سال پیش خرج شده بود وسایر هزینه های عمدهٔ دولت عبارت است از وزارت کشور ۸۲ ملیون ریال — کار های عمرانی وکمك بشهرداریها وساختن خانه و غیره ۱۹٤ ملیون — وزارت‌راه ۹۷ملیون — فرهنگ٤۶ملیون — بهداری٤۰ ملیون — کشاورزی ۲۵ ملیون — وجوهی که برؤسای قبایل وشیوخ پرداخته می‌شود ۲۶ ملیون.مصارف خیریه وهزینهٔ پذیرائیهای رسمی وحقوق تقاعد وانعام وغیره ۳۸ملیون — هزینهٔدربار سلطنتی‌ووزیران۵۵ملیون — استهلاك دیون۱۲۸ ملیون — سایرهزینه ها۱۳۲ ملیون ریال سعودی.

از ارقام فوق ملاحظه میشود که مجموع وجوهی که به فرهنگ و بهداشت و کشاورزی داده شده فقط بیست و چهار درصد از کل درآمد دولتی است و بقیه بمصرف کارهائی میرسد که سود اقتصادی و اجتماعی آن بطور مستقیم عاید عموم مردم نمیگردد. علاوه براین بودجهٔ دولت سعودی بیست درصد کسر داشته وهیچ مبلغی هم بعنوان ذخیره منظور نگشته است. ازطرز تدوین بودجه بسهولت می توان پی برد باینکه وضع اجتماعی و سیاسی آن کشور از چه قرار است و تا چه اندازه کشور سعودی متکی بدرآمد نفت بوده و بچه قسم درآمد مزبور بمصرف میرسد وضمناً سهم طبقهٔ حاکمه و مردم آن کشور ازدرآمد بچه میزان میباشد ؟

در کویت و بحرین وقطر مستشاران انگلیسی ناصح ومشاور شیوخ بوده و بطور کلی ترتیبی داده اند که یك سوم درآمد نفت اختصاص بشیوخ وخانوادهٔ آنها داشته و یك سوم بمصرف عمران و آبادی وفرهنگ و بهداشت رسیده وبقیه هم بعنوان ذخیره درلندن بودیعه گذاشته می شود .

درعراق قانونی وضع شده است که هفتاد درصد از درآمد نفت بمصرف عمران وآبادی تحت برنامهٔ منظمی میرسد. درسال ۱۹۵٤ درآمد نفت عراق ۵۷ ملیون لیره بوده و برنامهٔ عمران برای سالهای ۵۹ — ۱۹۵۵ که بتصویب مجلس عراق رسیده است بالغ بر ۳۰۳ ملیون لیره میباشد . برنامهٔ پنج سال اول که از سال ۱۹۵۱ شروع شد قریب یکصد و پنجاه ملیون لیره بود که اکنون تمام آن بمصرف رسیده است . برنامهٔ جدید شبیه ببرنامهٔ اولی میباشد ونصف وجوه مصوبه بکشاورزی تخصیص داده شده است که شامل سد سازی و زه کشی وحفر چاههای آب وتوسعهٔ سطح مزروع وپرورش دام هامیباشد. پنجاه وسه ملیون وهفتصد هزار لیره صرف راه و پل سازی خواهد شد. پانزده ملیون ونیم لیره بمصرف توسعه وتجدید خطوط آهن خواهد رسید و پنج ملیون لیره هم بساختن فرودگاههای جدید تخصیص داده شده است. قریب یکهزار و ششصد کیلومتر راه درجه اول ساخته واسفالت شده ودر برنامهٔ جدید هزار و ششصد کیلو متر دیگرهم ساخته خواهد شد . چهل وسه ملیون وششصد هزار لیره صرف کار های صنعتی از قبیل استخراج معادن وایجاد کارخانه ها ومخصوصاً کارخانه های برق خواهد شد . قرار است که یك کارخانه برق سی هزار کیلواتی درکرکوك ساخته شود که سوخت آن از گاز نفت خواهد بود تا احتیاجات ایالات شمالی را مرتفع نماید و یك کارخانه شصت هزار کیلواتی دربغداد بنا خواهد شد که احتیاجات نقاط مرکزی را تأمین کند و یك کارخانه چهل هزار کیلواتی هم دربصره ایجاد خواهد شد که سوخت آن ازگاز نفت معادن زبیر بوده واحتیاجات جنوب را رفع خواهد کرد . وزارت عمران بیست و هشت ملیون لیره صرف ساختمانهای عمومی خواهد کرد و سی وهفت ملیون لیره هم تخصیص بساختمانهای دیگر داده شده است. برنامهٔ صنعتی شامل ساختن شش کارخانهٔ سیمان است که سالی یك ملیون تن محصول خواهد داد .

بودجهٔ دولتی عراق برای سالی که بدهم فروردین ۱۳۳٤ ختم میشود موازنه داشته وهزینه ودرآمد هریك بالغ برپنجاه ملیون لیره بوده است . سی درصد درآمد

نفت جزو بودجه محسوب میگردد وسایرمالیاتها عبارت‌است ازمالیات ارضی وعوارض گمرکی‌وسایرمالیاتهای غیرمستقیم . درقسمت هزینه نه‌ملیون وسیصدهزارلیره بفرهنگ وچهارملیون ویکصد هزارلیره به بهداری اختصاص داده شده است .

سئوالی که اغلب پیش میآید وغالب علاقمندان بخاورمیانه‌آنرا درجراید ومجلات وکتابها طرح میکنند این‌است که‌آیا تودهٔ کشورهای نفت خیزخاورمیانه راضی وقانع باین خواهند بود که طبقهٔ حاکمه قسمت عمدهٔ درآمد نفت‌را بخود اختصاص داده وبرای تودهٔ مردم سهم ناچیزی قائل شود ؟ بسیاری از خردمندان و ناظرین دقیق امورسیاسی و اجتماعی این پرسش را کرده و درآینده هم هرگونه تظاهری که درکشور های خاورمیانه رخ دهد موجب تکرارابن پرسش خواهد بود .

دردیماه ۱۳۳۳ وقایعی دربحرین رخ داد که انظاربسیاری را متوجه خود ساخت. ملیون بحرین که‌احساسات بی‌شائبه‌ای نسبت بایران دارند اعتصاب کردند و تمام‌کارها در اثر این اعتصاب فلج گردید . اعتصاب مزبور در عالم خود بی‌نظیر بـود زیرا این اعتصابی‌نبود که‌کارگر برعلیه‌کارفرما کرده باشد بلکه‌اعتصاب تمام طبقات مردم برعلیه حکومت شیخ بحرین بود . تقاضای اعتصاب کنندگان این بود که دادگستری اصلاح شود و حکومت دموکراسی برقرار گردد و اختیارات مستبدانـهٔ شیخ محدود گردد وقانون‌کار وضع وتدوین شود وآزادی تشکیل اتحادیهٔ کارگران تأمین گردد . اعتصاب مزبور درنهایت آرامش وباکمال نظم وبدون سروصدا وغوغائی‌ترتیب داده شده‌بود. کمیتهٔ هشت نفری‌که اعتصاب را اداره میکرد باانضباط بی‌نظیری همهٔ کارهارا تعطیل کرد و ثابت نمود که نیروی عظیم مردم از آن پشتیبانی میکند . حکومت ناچار بگذشتهائی شد تا اعتصاب خاتمه یافت ولی مردم را قانع نساخت . چندی بعد دوباره ملیون فرصتی یافتند که قدرت نمائی کنند و هنگامیکه حکومت میخواست انتخابات انجمن شهرمنـامه (مرکزحکومت) را بجریان اندازد انتخابات را تحریم کردند وحتی یکنفرهم حاضرنشد که رأی داده ودرانتخابات مزبور شرکت نماید .

اکنون تمام سعی و کوشش‌ملیون متوجه این است که حکومت را وادار بتدوین قانون‌کار واعطای‌آزادی برای‌تشکیل اتحادیهٔ‌کارگران بنماید. حکومت ناچارشده‌است کمیته ای مرکب از نمایندگان خود ونمایندگان‌کارگران وکارفرما تشکیل دهد که تقاضاهای‌ملیون رارسیدگی نموده وقانونی تهیه وتدوین نماید . بقراریکه مشهوراست پس‌ازآنکه تقاضاهای اولیهٔ‌ملیون انجام‌شدآنهاجدیت خواهند کرد که حکومت‌مشروطه ودموکراسی دربحرین برقرارشده ومردم در تعیین مقدرات خود سهیم وشریك باشند. درحال حاضر وقایع بحرین موردتوجه دقیق ساکنین تمام نواحی خلیج وشیوخ عرب و وشرکتهای نفت و دولتهای امریکا و انگلیس قرار گرفته و همه انتظار دارندکـه به‌بینندنهضت بحرین که‌بی‌شك مقدمه‌ای‌برای نهضت های دیگرخواهد بودبچه‌سرانجامی خواهد رسید .

ازهمان ابتدائی که استخراج نفت خاورمیانه‌آغاز گشت ناظرین امور یقین داشتند که ایجاد یك‌صنعت جدید دروسط بیابانهای بایر وسوزان خلیج ودربین قبایل جاهل و بی‌سواد مستلزم پدیدآمدن یك تحول بزرگی‌خواهد بود. چنین صنعتی خواه یاناخواه

تماسی بین‌مردم خاورمیانه واروپائیان وامریکائیان ایجاد خواهد کرد. دیریازود اعراب ساکن سواحل خلیج با سواد شده وطالب زندگی بهتری خواهند شد وبتدریج سطح معلومات آنها باندازه‌ای بالا خواهد رفت که اجازه ندهند تمام منافع حاصله ازمنابع سرشار آنها درانحصارطبقهٔ حاکمه قرار گیرد وتودهٔ مردم سکوت نموده بچنین‌اجحاف وظلمی‌تن دردهند. سرمایه داران خارجی ودولتهای آنها هم میدانسته ومیدانند که‌چنین تحولی پیش‌خواهدآمد نهایت‌آنکه‌آنها ترجیح میدهند که بافلان شیخ ویافلان‌حکومتی که دست نشاندهٔ طبقه حاکمه‌است معامله نموده ومردم را بحساب نیاورند زیرا معاملهٔ مزبور برای‌آنها سهل‌تر وباصرفه‌تراست. ازطرفی دولتهای بیگانه شیوخ و مرتجعین وطبقهٔ حاکمه راتقویت میکنند وازطرف دیگرمتصدیان دست‌نشانده قراردادهائی راکه بیگانگان پیشنهاد میکنند امضاء وتصویب مینمایند.

برای‌آنکه ازجادهٔ انصاف خارج نشده‌باشیم بایدگفت که سرمایه داران خارجی درابتدای امرچاره‌ای همجزاین نداشته‌اند. آنها طالب امتیاز نفت بودند ونمیتوانستند پولهای گزاف خرج کرده ومردم جاهل را تربیت‌نمایند تابعداً از روی انصاف ومعدلت قراردادهائی بانمایندگان‌آنها منعقدنمایند. بیگانگان باشیوخ ورؤسا ومتصدیان امور وارد مذاکره شده وبارزان‌ترین‌قیمت‌ممکنه‌امتیازاتی گرفته وشروع‌بکار کردند وبقیه‌را واگذار بسیرحوادث کردند.

درنظرارباب‌بصیرت واضح‌بود که چنین وضعی همیشه پایدارنخواهد ماند وامروز مراحل اولیهٔ‌تحول ظاهرگردیده ومردم کشورهای خاورمیانه جداًخواستارند که درتعیین سرنوشت اقتصادی خوددخیل باشند ومقدمات نهضت‌اخیر بحرین یکی ازعلائم بارزاین تحول میباشد. شواهد بسیاری دردست است که شرکتهای نفت ودولتهای‌آنها مایل‌اند که وضع قدیم تاممکن‌است پابرجابماند وسعی وکوشش بسیارمینمایند که طبقات‌حاکمه را تقویت نموده وحکومتهائی که نمایندهٔ‌آن طبقه است در رأس‌کار باقی نگاهدارند. هرگونه نهضت وجنبشی که ازطرف مردم‌آغاز میگردد تخطئه میکنند وفوری‌آنرامتهم مینمایند که ازکومونیزم الهام گرفته است چنانکه دیده‌شد همین نسبت‌مارابنهضت کاملاً مشروع بحرین دادند ودرسرتاسر جهان گفتند که عمال کومونیست ببحرین راه یافته و موجب‌اغتشاش وسلب امنیت گردیده‌اند. چنین وضع واینگونه اتهامات شایدبرای‌اندك مدتی بازهم دوام کند ولی بدون هیچگونه تردید مردم بتدریج‌آگاه شده ودر صدد مطالبهٔ حقوق خودبرخواهندآمد ودیری نخواهدگذشت که طبقات حاکمه راطرد کرده ورژیم دموکراسی حقیقی وحکومت مردم‌برمردم رامستقرخواهندساخت.

اگرسرمایه داران خارجی وحامیان‌آنها سرسختی ولجاج راپیش‌گرفته وبرخلاف ناموس طبیعت پشتیبانی ازطبقات حاکمه را ادامه دهند باید درانتظار روزی باشند که تمام مؤسسات‌آنها ومنابع عظیم نفت که اکنون دردست‌آنها میباشد ازاختیارشان‌خارج گردد واگرخرد وعقل ومآل اندیشی‌را پیشه‌خودسازند وبگذارند که نمایندگان حقیقی مردم روی‌کارآمده وحکومت رادردست گیرند وباآنها از در.دوستی ورأفت وارد شده وتقاضا های حقه ومشروع‌آنها را بپذیرند ادامهٔ عملیات آنها به بهترین طرزی ادامه خواهد یافت.

دوراندیشانی درشرکتهای نفت ودردستگاه دولتهای حامی شرکتهای مزبور یافت میشوند که کم وبیش خطر را احساس کرده وتوصیه میکنند که دولتهای دست نشاندهٔ بیگانگان در خاورمیانه باید ازکار برکنارشوند وطبقات حاکمه که قرنها بتودهٔ مردم سیادت داشته وهست ونیست آنهارا درقیدانحصارخود درآورده اند باید هرچه زودتر طردگردند تا حکومتهای دموکراسی جای آنهارا بگیرند. اینگونه‌مردمان مآل‌اندیش خطررازودتراحساس کرده وراه‌چاره راهم دریافته اند و اکنون باید صبرکرد و دید چه‌وقت توصیهٔ آنها عملی‌می گردد.

آنچه دربالا باختصار گفته شدتأثیر اقتصادی وسیاسی واجتماعی نفت‌درکشورهای خاورمیانه‌بود واینك مختصری‌هم‌دربارهٔ نفت خاورمیانه‌دراقتصاد جهان‌وتأثیراین درآن میگوئیم تاآشکارشود که احتیاج خارجیان به‌نفت‌خاورمیانه چه‌اثری در وضع کشورهای خاورمیانه‌داشته ودارد.

یکی ازارکان مهم دفاع غرب برضدکمونیزم این‌شده‌است که دفاع ازکشورهای غربی اروپا بزرگترین ومهم‌ترین عامل بقای دموکراسیهای غربی می باشد. سازمان اتلانتیك شمالی که ازکشورهای غرب اروپا و امریکا تشکیل شده استکلیهٔ نقشه ها وطرحهای خود را روی این اصل بنا کرده که هنگام مبارزه باید نفت‌کافی دراختیار داشته باشد. تا ۱۹٤۸ عقیدهٔ متخصصین این بود که در موقع لزوم بایدکشورهای غربی اروپا نفت خود را از امریکا وسایرکشورهای نیم‌کرهٔ غربی تحصیل نمایند ولی افزایش مصرف نفت درامریکا موجب شدکه تجدید نظری در این باب بشود و ازآن سال به بعد تمام نقشه های اقتصادی و نظامی تغییر یافته و تصمیم قاطع گرفته شد که خاورمیانه باید نفت اروپارا چه درزمان صلح وچه درایام جنگ تأمین نماید. در۱۹۵۰ اقتصاد اروپا بنحوی تغییرکردکه تمام احتیاجات نفت آن امروز ازخاورمیانه تحصیل میگردد ودراین راه کمك مارشال وادارهٔ تشریك مساعی اقتصادی اروپا نقش بزرگی را بازی کرد. از یکطرف طرحی ریخته شدکه پالایشگاه‌های متعددی درکشورهای غرب ساخته شود تاآنهارا بی‌نیاز از حمل نفت تصفیه شده نماید وازطرف دیگرحمل نفت خام خاورمیانه باروپا بوسیلهٔ لوله هائی که ازعراق و عربستان سعودی بمدیترانه کشیده شد سهل‌تر ومسافتی‌را که نفت باید طی کندکوتاه‌ترساخت. ساختن پالایشگاه در مراکـزی که نفت مصرف میکند و حمل نفت خام خاورمیانه باروپا موجب شدکه رابطهٔ نزدیکی درتجارت نفت بین این‌دوناحیه برقرارگردد وضمناً اروپا را از دادن دولار بامریکا و خرید نفت از آن‌کشور مستغنی ساخت ولی مخفی نماندکه ضربت بزرگی بپیشرفت صنعت درخاورمیانه وارد ساخت. چه‌اگرپالایشگاه های متعدد اروپا ساخته نشده بود شرکتهای نفت مجبورمیشدندکه پالایشگاه های بزرگی درخاورمیانه ایجادکرده واین‌صنعت‌را دراین‌نقطه رواج داده ودرآمد مهمی برای مردم فراهم کرده وعدهٔ زیادی ازمردم‌خاورمیانه‌را بکارگمارند. خبرگان‌نظامی متوقف شدن پالایشگاه حیفا را دراثر اختلافات بین‌کشورهای عرب وکشوراسرائیل وتعطیل شدن پالایشگاه آبادان را درچند سال اخیرشاهد آورده وگفتندکه نظر باحتمال وقوع چنین حوادثی

اصلح آن است که پالایشگاه در مراکز مصرف نصب گردد تا اگر بحرانی پیش آمد و نفت خاورمیانه دردسترس نبود کشورهای اروپا بتوانند از نفت خام امریکا استفاده نموده ودر صورت لزوم اززغال‌سنگ نفت گرفته ودر پالایشگاه های خود تصفیه نمایند.

امروز برای همه کس واضح وآشکاراست که بدون نفت خاورمیانه پیشرفت صنایع اروپا وبخصوص تجدید سلاح کشورهای عضو سازمان اتلانتیك بسهولت مقدور نیست. حتی اگر چرخهای صنعتی اروپا بازغال سنگ گردش کند چرخهای ماشین جنگ که تماماً محتاج بنفت میباشد بدون نفت متوقف خواهد شد. پس ازسال ۱۹۵۰ ثابت شد که هرگونه اختلافی که درصدورنفت خاورمیانه باروپا روی‌دهد موجب فلج‌شدن صنایع اروپا خواهد بود ودیگرجای شبهه برای کسی نمانده است که صنایع اروپا چه درزمان صلح وچه درایام جنگ محتاج بنفت خاورمیانه خواهد بود.

مصرف نفت ایالات متحدهٔ امریکا روز بروز درتزاید است واحتمال قوی میرود که تاده بیست سال دیگر باندازه‌ای مصرف آن افزایش یابد که امریکا مجبور بوارد کردن اقلاً نصف‌مصرف خود باشد. امریکائیان‌آینده را درنظر داشته و اکنون سعی میکنند که صادرات نفت را ازکشورخود قطع کنند وذخایرخود را برای آینده وروز های مبادا محفوظ دارند. این است که حاضرشده‌اند شرکتهای نفت امریکا را تشویق نمایند تانفت خاورمیانه را استخراج کرده وباروپا برسانند.

بنا برآنچه دربالا گفته شد احتیاج مبرم اروپا بنفت خاورمیانه محرز میباشد وازلحاظ نظامی و اقتصادی و سیاسی تمام توجه سیاستمداران معطوف باین است که نگذارند منابع نفت خاورمیانه بدست معاندین آنها افتد و تصمیم قاطع دارند که چه درزمان جنگ وچه در ایام صلح خاورمیانه را تحت نفوذ خود قرارداده و از هرگونه انحرافاتی که موجب زیان‌آنها شود جلوگیری نمایند.

دخالت سیاست امریکا در امور خاورمیانه ناشی ازاین عامل مهم است و مبالغ کثیری که دولت امریکا تحت عناوین مختلف در خاورمیانه خرج میکند مبتنی برعشق وعلاقهٔ معنوی نبوده وصرفاً روی احتیاجات نظامی واقتصادی میباشد.

جای بسی تأسف است که سیاستمداران خاورمیانه کاملا پی باهمیت منابع طبیعی خود نبرده واحتیاج مبرم غرب را بنفت خاورمیانه درك نکرده وبا قیمت ارزانی این منابع سرشاررا دراختیار دیگران میگذارند ودرمقابل کمك های حقیر وناچیز غربیها مدیحه سرائی کرده ودرتجلیل وتمجید آنها اغراق بسیارمیگویند. اگرسیاستمداران خاورمیانه کفایت و لیاقتی داشتند یك سیاست واحد نفتی برای خود اختیار میکردند و در مقابل غرب صف واحدی تشکیل داده و تقاضای مشروع خود را میقبولاندند مثلا تجدید صنعت پالایش نفت را درخاورمیانه بمیان می گذاشتند و اگرتوفیقی دراین راه نمیافتند اقلا شرکتهای نفتی را وادار باین می‌نمودند که صنایع بزرگ شیمیائی نفت‌را درخاورمیانه ایجاد نمایند وازملیونهامترمکعب گاز نفتی که بهدرمیرودجلوگیری میکردند وغیره وغیره.

احتیاج غرب بنفت خاورمیانه باندازه‌ای شدیداست که دیر یازود کشورهای غرب بخصوص انگلیس وامریکا باید تجدید نظری درسیاست خاورمیانهٔ خود بنمایند . مردم خاورمیانه دیگر زیر بارحکومتهای دست نشانده ودیکتاتورهای خلق‌الساعه وپارلمانهائی که ازطرف مردم انتخاب نشده و نمایندگانش را دولتها تعیین میکنندنخواهند رفت . روش امپریالیزم واستعمار کهنه شده روزهای آخر عمرخودرا طی میکند . غرب بایستی واقع بین‌شده وبامردم خاورمیانه رابطه ایجاد نماید ودرسیاست گذشتهٔ خود تجدیدنظر کرده وازتقویت طبقات حاکمه خـود داری نماید و الا اگر بنیهٔ اقتصادی تودهٔ مردم خاورمیانه تقویت نشود وهمه چیز درانحصارطبقهٔ حاکمه باقی بماند و روشهای دیرینه تعقیب گردد روزی خواهد رسید که همه چیز دگرگون خواهد بود . چه خوب بود که ازآزمایشی که امریکا درچین کرد وفرانسه درهند و چین نمود درس عبرتی گرفته شود تامردم خاورمیانه باغرب تشریك مساعی نموده ودرحدود مشروع نفت خود را باختیار آنها بگذارند و درعوض سود مناسبی هم دریافت دارند . آینده نشان خواهد داد که چه خواهند کرد .

فصل پنجم

بخش نخستین = اتم

بخش دوم = شکافتن اتم

بخش سوم = استفاده از انرژی اتم برای مقاصد جنگی

بخش چهارم = همکاری بین‌المللی

بخش پنجم = کورهٔ اتمی واستفاده از حرارت برای تولید انرژی

بخش ششم = استفاده برای پی گیری

بخش هفتم = رقابت انرژی اتم با انرژی = های دیگر

بخش هشتم = تحصیل انرژی از خورشید

فصل پنجم

بخش نخستین - اتم

این روزها همهٔ مردم جهان صحبت ازانرژی[1] اتم میکنند وشاید بسیارمردمی باشند که تصور کنند هنگامیکه انرژی اتم بکارآمد ورواج یافت انرژی های دیگر که از نفت وزغال سنگ بدست میآید تدریجاً ازبین خواهدرفت ودیگرجائی برای نفت درگرداندن چرخهای صنایع جهان باقی نخواهد ماند. اینگونه تصورات تاحدی اغراق آمیزاست زیرا توسعهٔ صنایع هرروز افزون تر ازروز پیش بوده و احتیاج بشر به انرژی های متعدد و گوناگون باندازه‌ای است که هر کشف و اختراع جدیدی مکمل کشفیات پیشین بوده وهیچگاه انرژی هائی که قبلاً بدست میآمده از بین نبرده است چنانکه دیده شد نفت نتوانست زغال سنگ را ازبین ببرد.

نظر باهمیت انرژی اتم وتأثیری که ممکن است آن درامور مربوط بنفت داشته باشدلازم آمد که مختصری دربارهٔ آن دراین کتاب گفته شود وبرای آنکه باسایرمطالب آمیختگی نیابد فصل جداگانه‌ای بآن اختصاص داده شد. اما لازم است گفته شود که نویسنده هیچگاه ادعای این را ندارد که در مسائل مربوط به اتم و علم فیزیك اندك تخصصی داشته باشد ومطلبی را که این جا عنوان میکند صرفاً ناشی از اطلاعات کلی میباشد که ضمن مطالعات خوداز کتابها ومجلات بدست آورده است. طرز تحصیل انرژی ازاتم مبحثی است که اختصاص بدانشمندان علم فیزیك دارد واگر خواننده‌ای علاقمند باطلاعات بیشتری درین باب باشد باید بگفته ها ونوشته های آنها رجوع نماید.

تمدن مادی بشر درقرن بیستم متکی باستفاده از محصولات معدنی جهان می باشد وهرگاه روزی بیاید که معادن نفت وزغال سنگ وآهن تمام شده وازبین برود شکی نیست که تمدن امروزی بشر رو بانحطاط خواهد رفت. خوشبختانه در نیمهٔ اول قرن کنونی علما و دانشمندان کشفیات و اختراعات جدیدی کرده و قدمهای بلندی در راه معلوم داشتن چگونگی ماده واتم برداشته‌اند که نگرانیها را مرتفع میسازد و موجبات استفاده از انرژی اتمی را بتدریج مهیا وآماده میکند.

فیلسوفان هندی درهزار ودویست سال قبل ازمیلاد مسیح دریافته بودند که ماده ازاجزاء منفصل بسیار کوچك ترکیب گردیده است. درقرون سوم وچهارم قبل ازمیلاد

---

(۱) امروز لغت «انرژی» مانند لغات تلگراف وتلفون بین‌المللی شده و درهمهٔ جهان متداول گشته است. چون درزبان فارسی لغتی که بتواندعین معنی آنرا بیان نماید نداریم همان را دراین فصل استعمال کردیم. درعلم فیزیك انرژی بمعنی استعداد وقابلیت انجام کارآمده وبالغت Force به معنی آن (نیرو) میباشد نباید اشتباه کرد.

دوفیلسوف یونانی بنام دموکریتوس[۱] و اپیکوروس[۲] این نظررا تأییدکرده و اظهار داشتندکه ماده از یکعده ذرات خیلی کوچك جامد و نفوذ ناپذیری تشکیل شده است وسه چیز را درساختمان عالم دخیل میدانستندکه عبارت بود از (الف) عناصر مادی (ب) فضایاخلا و (ج) حرکت . اختلاف شکل مواد موجود را از اختلاف شکل عناصر وترتیب وضع آنها میدانستند.

دموکریتوس معتقد بودکه ماده را نمی‌توان بی‌نهایت تقسیم نمود زیرا اگر بی‌نهایت تقسیم پذیر باشد باجزاءبدون بعد میرسد واز اجتماع اجزاء بدون بعد ممکن نیست جسمی که دارای بعد باشد پدیدارگردد . یونانیهای قدیم لغت اتوموس[۳] یا اتم را که بمعنی‌تجزیه ناپذیراست برای کوچکترین جزء جسم بکارمیبردند وبعدها این‌لغت درزبانهای اروپائی ودرکتاب های علمی اطلاق بذراتی‌میشدکه تقسیم ناپذیر باشند .

نظریهٔ ارسطوکه تمام موجودات را ازپنج عنصرخاك وآب وباد وآتش واتر[۴] میدانست بیش ازهزارسال بین‌علمای شرق وغرب‌متداول بود ولی ازقرن هفدهم‌میلادی ببعدکه علوم شیمی وفیزیك پیشرفت نمود معلوم گشت‌که عناصر مزبور خود از عناصر دیگری ترکیب یافته‌اند وبتدریج نظریهٔ ارسطومنسوخ گشت ولی تااواخرقرن نوزدهم دانشمندان معتقد بودندکه دنیای مادی وطبیعی از اتم هائی تشکیل شده‌که تجزیه‌پذیر نیستند .

چندسالی قبل ازخاتمهٔ قرن نوزدهم بعضی ازعلما دربارهٔ تجزیه پذیر نبودن اتم مشکوك گشتند ومشاهده نمودندکه برخی ازاتمها دارای خواص رادیو اکتیو[۵] میباشند که هستهٔ آنها خودبخود متلاشی می گردد وبرخی دیگر متوجه‌گشتندکه اتمهای عناصر اورانیوم[۶] وتوریوم[۷] تبدیل بعناصردیگرمی‌شوند وهنگام تحول وتغییرذرات الکتریکی ازخود بیرون میدهند. مطالعات زیادی دراین‌باره صورت گرفت و معلوم شدکه اتمهای رادیواکتیو پایدارنیستند وهمواره ذراتی ازمغز وهستهٔ آنها باسرعت‌شدیدی‌خارج گشته وپراکنده میگردد. این مطالعات رامخصوصاً در مورد اتمهای اورانیوم تعقیب کرده و مشاهده نمودندکه اتم اورانیوم پس از چند تغییر وتحول تبدیل باتم رادیوم میشود و پس از چهارده رشته تبدیل متوالی باتم سرب میرسد . و نیز هویدا گشت‌که شدت وسرعت متلاشی شدن اتمها متفاوت است وتحول مواد رادیواکتیو مختلف بتفاوت از کسرثانیه تا ملیاردها سال ممکن است بطول انجامد وازروی حسابی‌که کردند معلوم گشت‌که مدت زمان برای متلاشی شدن نصف یك مقدارمعین رادیوم در حدود ۱۶۰۰ سال وبرای نصف یك مقدارمعین اورانیوم ازهزاران ملیون سال‌هم‌تجاوزمیکند.

درسال۱۹۰۳ پی‌یرکوری[۸] فرانسوی وهمسرش رادیوم[۹] راکشف کردندوآشکار نمودندکه رادیوم دائما ازخود انرژی بیرون میدهد وهرگرم‌آن ساعتی درحدود یکصد

---

(۱) Democritus که قدما اورادیمقراتیس مینامیدند (۲) Epicurus

(۳) Atomos (۴) Ether که قدماآنرا اثیر یاعنصرآسمانی می‌نامیدند

(۵) Radio-Active عناصری‌که خودبخود اشعه وپرتوهائی‌ازخودخارج میسازند

(۶) Uranium یك‌فلز سختی است برنك سفید (۷) Thorium یك فلزی است

(۸) Pierre Curie (۹) Radium

وسی و پنج کالوری[۱] حرارت ایجاد مینماید. پس‌ازین کشف تحقیقات‌مربوط بموادرادیو اکتیوتوسعه یافت .

انواع عناصر شیمیائی که تاکنون درطبیعت شناخته شده‌اند از ۹۲ عنصر تجاوز نمیکند وتمام موجوداتی که دراین‌جهان یافت میشود ازعناصر مزبور تشکیل‌شده‌است. دوازده تاازاین عناصربیش از۹۹ درصد موادی‌که قشرزمین را تشکیل می‌دهد بوده و هشتاد عنصردیگر یك درصد بقیه را تشکیل میدهد . سبك‌ترین عنصری که شناخته شده هیدروژن وسنگین‌ترین عنصر اورانیوم است . دربین عناصر مزبور قریب پنجاه عنصر هستند که کم و بیش‌خاصیت رادیواکتیودارند ولی‌غالب‌آنها بمقدار کمی درطبیعت‌موجود میباشند وفقط‌آنهائیکه بکندی متلاشی می‌شوند (مانندااورانیوم وتوریو) بمقدار قابل ملاحظه‌ای یافت می گردند .

درسال ۱۹۰٤ دانشمند دیگری بنام رتفورد[۲] که‌ازاهل زلاندجدید ودرانگلستان بمطالعات‌علمی‌میپرداخت رساله‌ای منتشر کرد ومدعی‌شد که دراتمهائی که دارای‌خواص رادیو اکتیوهستند انرژی بسیاری ذخیره شده که از داخل اتم برمیخیزد واگر بتوان چنین انرژی را تحت کنترول و نظارت بشر درآورد مقادیر زیادی انرژی وحرارت را میتوان ازمقدار کمی ماده بدست‌آورد . انتشار این رساله توجه عموم دانشمندان را بخود جلب کرد وازآن تاریخ ببعد کوشش همه متوجه این گشت که ازچگونگی اتم‌خبری یافته وازانرژی فوق‌العاده‌ای که درآن ذخیره شده است استفاده نمایند .

پس ازمطالعات و کشفیاتی که درعرض سی‌سال اخیر دربارهٔ اتم و چگونگی آن شده امروز عقیدهٔ علماء برین شده است که کلیهٔ موجودات از چند ذرات اصلی تشکیل شده‌اند . زمین ـ آفتاب ـ سیارات ـ میز ـ صندلی ـ چراغ ـ انسان ـ حیوانات وبطورکلی هرنوع شیئی راکه ما می‌بینیم وحس میکنیم ازذرات مزبورساخته شده وترکیب یافته است . متفاوت بودن این‌اشیاء ناشی از ترکیب ذرات مزبور است و الا اساس آنها یکی است .

یکی از دانشمندان ژاپون موسوم به ناگا اوکا[۳] اولین کسی بود که در بارهٔ چگونگی اتم و ذراتی که درآن هست شرح مجملی بیان نمود ولی چندی بعدکسانی که بطورمشخص و پس از آزمایش های بسیارآنرا بتفصیل بیان کردند همان رتفورد ودانشمند دیگری بنام بور[۴] بودکه از اهل دانمارك و درانگلستان بمشارکت رتفورد بمطالعات علمی می پرداخت .

نظریه‌ای که امروز در بارهٔ چگونگی اتم مورد قبول دانشمندان واقع شده ومعروف بنظریهٔ رتفورد وبورمیباشد بقرار زیراست :

اتم از هسته‌ای تشکیل شده که دارای ذرات الکتریسیتهٔ مثبت است که به‌آنها پروتون[۵] میگویند ودراطراف این هسته ذرات سبکتری درحرکت هستندکه نام آنها الکترون[۶] و دارای الکتریسیتهٔ منفی میباشند . علاوه برین درهستهٔ اتم ذرات دیگری

---

(۱) Calorie واحد حرارت‌است وعبارت‌میباشد ازمقدار حرارتی‌که برای بالابردن حرارت یك‌گرم‌آب یك‌درجه سانتیگرادلازم‌باشد

(۲) Lord Rutheford (۳) Nagaoka (۴) Niels Bohr

(۵) protons (۶) Electrons

هم هست که بار الکتریك نداشته و بآنها ذرات خنثی یا نیوترون[۱] میگویند . بطور معمول وقتیکه صحبت از اتم بمیان میآید میگویند که اتم از ذرات پروتون و نیوترون (که هستهٔ اتم را تشکیل میدهد) و الکترون تشکیل یافته است ولی ضمن تحولات اتمی ذرات دیگری کشف گردیده از قبیل پوزیترون[۲] که عبارت از الکترونهائی هستند که برخلاف معمول الکترونها بار مثبت الکتریکی دارند و از حیث اندازه و شکل و جرم کاملاً شبیه به الکترونها میباشند و دیگری ذرات انتی پروتون[۳] اند که در اثر حرارت یافتن و گرم شدن ذرات هستهٔ اتم و اصطکاك آنها بوجود میآیند . این انتی پروتونها در هستهٔ اتم یافت نمیشوند و درخلاهم پایدار نیستند ولی هرگاه با پروتونها تماس یابند متلاشی شده و ازمیان میروند . بار این انتی پروتونها منفی است و علما مدتی بود که بوجود آنها پی برده بودند ولی فقط درماه اکتوبر ۱۹۵۵ پس از آزمایشهای گوناگون که در دانشگاه کالیفورنی صورت گرفت وجود آنها محرز گشت .

غالب نویسند گان اتم را شبیه بمنظومهٔ شمسی کرده و میگویند هستهٔ اتم مانند خورشید است و الکترونها مانند سیاراتی هستند که در روی مدارهای معینی باسرعت زیاد بدور هستهٔ مرکزی در گردش میباشند همانطور که زمین و دیگر سیارات منظومهٔ شمسی بدور خورشید میگردند . قریب ۲۵۰ سال پیش شاعر شهیر اصفهان سیداحمد هاتف گفته است : -

چشم دل باز کن که آن بینی — آنچه نا دیدنی است آن بینی
بر همه اهل این زمین بمراد — گردش دور آسمان بینی
دل هر ذره‌ای که بشکافی — **آفتابیش در میان بینی**
از مضیق جهات در گذری — وسعت ملك لا مکان بینی
آنچه نشنیده گوش آن شنوی — وآنچه نادیده چشم آن بینی [۴]

البته کسی ادعا نخواهد کرد که هاتف از علم فیزیك جدید آگاه بوده و یا آنکه از چگونگی اتم اطلاع داشته است ولی برحسب تصادف گفتهٔ او دربارهٔ «دل هر ذره‌ای که بشکافی» با آنچه امروز راجع باتم معلوم شده کم و بیش منطبق میشود و ذکر آن درینجا چندان بی‌مناسبت بنظر نیامد .

هستهٔ اتم چنانکه در بالا گفته شد از پروتون و نیوترون تشکیل یافته است . عدهٔ پروتنهای هستهٔ اتم را عدد اتمی آن میگویند . مثلا هستهٔ اتم هیدروژن دارای یك پروتون است و عدد اتمی آن هم یك است و هستهٔ اتم اورانیوم ۹۲ پروتون دارد و عدد اتمی آن هم ۹۲ است و بهمین ترتیب سایر عناصر هریك عدد اتمی مخصوصی دارند که ازشمارهٔ پروتونهای آنها بدست میآید . مجموع عدهٔ پروتونها و نیوترونهای هر اتمی عدد «جرم اتمی» آن که نزدیك بوزن اتمی است محسوب میگردد . مثلا میگویند وزن اتمی اکسیژن ۱۶ میباشد چه آن ۸ پروتون و ۸ نیوترون دارد یا اینکه وزن اتمی اورانیوم ۲۳۸ است که ۹۲ پروتون و ۱۴۶ نیوترون دارد .

---

(۱) Neutrons (۲) Positron (۳) Anti-Proton

(۴) نقل از بندچهارم (ترجیع‌بند) معروف هاتف است که فقط قسمتی از آن که ممکن بود ارتباطی داشته باشد ذکر شده است.

هستهٔ اتم فضای بسیار کوچکی ازاتم را اشغال کرده است بطوریکه اگراتم را به بزرگی یك اطاق پنج متری فرض نمائیم هستهٔ مزبور یك نقطهٔ کوچکی بقطر یك‌مودروسط اطاق‌خواهدبود. قطر دائرهٔاتم‌تقریباً بیست هزاربرابرقطرهستهٔ آن‌است واندازهٔ الکترونها را هم هنوز نتوانسته‌اند بطور قطع‌معلوم دارند لکن واضح است که اندازهٔ آنها ازاندازهٔ هستهٔ اتم بیشترنیست وبنا برین بیشترقسمتهای‌اتم فضای خالی می‌باشد. مادهٔاتم‌هم‌تقریباً تمامش درهستهٔ آن‌متراکم‌است. عدهٔ الکترونها وپروتونهای هراتمی همیشه مساوی میباشند وهروقت عدد اتمی عنصری ذکر شود معلوم میگردد که آن رقم عبارت است ازعدهٔ الکترونها وپروتونهای‌آن اتم .

در بارهٔ اندازهٔ اتم میگویند که اتم باندازه‌ای کوچك است که کوچکترین ذرهٔ غبار معلق درهوا که بچشم دیده میشود دارای هزارملیون اتم‌است . یکی‌ازدانشمندان موسوم به‌کارل استرمر برای‌اینکه ازکوچکی اتم تصوری درفکرما ایجاد نماید حسابی کرده است که درکتاب خود موسوم به «ازفضاتااتم» چنین مینویسد :

« اگرموجودات دنیای‌کنونی را صد ملیون بار بزرگ‌کنیم قطر یك اتم شاید بیك سانتیمتر برسد واگرفقط اتم‌های موجود دریك‌گرم هیدروژن را مانند دانه های تسبیح پهلوی هم بگذاریم رشته‌ای بطول شصت هزارملیون‌کیلومتر یا چهارصد برابر فاصلهٔ بین زمین وخورشید را خواهیم داشت . »

دربالا گفته شدکه بعضی‌عناصرخاصیت رادیواکتیودارند یعنی خود بخود متلاشی میشوند وبرخی دیگر پایدارهستند وازخاصیت مزبورعاری میباشند . عناصررادیواکتیو برادرانی هم دارندکه آنها را ایزوتوپ[۱] می‌نامند و برای توضیح ایزوتوپها متوسل بمثال زیرمیشویم تامطلب واضح گردد : -

فرض شودکه ما دو جعبه مملو ازگلوله هائی داریم‌که وزن و شکل همهٔ آنها یکسان است بااین تفاوت‌که روی‌گلوله هائی‌که در جعبهٔ اول هستندعلامت (+) نقش شده است .گلوله هائی‌که علامت ندارند ودر جعبهٔ دوم هستند بجای نیوترونهای اتم فرض میکنیم وگلوله های باعلامت را بجای پروتونهای اتم بحساب میآوریم . اکنون از جعبهٔ اول سیزده‌گلوله باعلامت (—) درآورده و روی یك میزی قرار میدهیم واز جعبهٔ دوم چهارده‌گلولهٔ بی‌علامت درآورده و پهلوی آنها روی همان میزمیگذاریم . مجموع این ۲۷ گلوله هستهٔ اتم الومینیوم[۲] را نشان میدهد. حال اگر سیزده‌گلولهٔ بسیارکوچك دیگر داشتیم‌که می‌توانستیم آنهارا دراطراف هستهٔ مزبور (که ۲۷ گلوله دارد) با سرعت بسیاری بحرکت آوریم آنوقت اتم کامل الومونیوم‌را مجسم میکردیم‌که ۲۷ گلوله هستهٔ آن را تشکیل داده و سیزده‌گلولهٔ دیگرکه الکترونها باشند در اطراف این هسته در حرکت وگردش میباشند. طبق همین مثال هسته های اتومهای دیگررا هم میتوان درنظرگرفت ازآن جمله اگر ۱۳۸ گلولهٔصاف‌وبیعلامت را روی میزگذاشته وپهلوی آن ۸۸ گلولهٔ باعلامت قرار دهیم هستهٔ اتم رادیوم‌بدست میآید وبهمین ترتیب است سایر اتم ها .

---

(۱) Isotope (۲) Aluminium

حال اگر یك گلولهٔ باعلامت را (که پروتون باشد) روی میز قرار دهیم هستهٔ سبك‌ترین عنصر شناخته شده یعنی هیدروژن بدست میآید واین تنها هستهٔ اتمی‌است که نیوترون ندارد و ازین لحاظ گفته می شود که یك پروتون واحد یعنی همان هستهٔ اتم هیدروژن . بعد یك گلولهٔ بیعلامت (نیوترون) بآن اضافه می کنیم و می بینم که هستهٔ مزبور باز همان عنصر هیدروژن است بااین تفاوت که جرم این هسته دوبرابرجرم‌هستهٔ اول است . بنابرین باین نتیجه میرسیم که اضافه کردن یا کاستن یك‌نیوترون‌درخواص شیمیائی عنصر تغییری نمی‌دهد .

تجربه وآزمایش ثابت کرده است که اگر بیك اتم هیدروژن یایك اتم رادیوم و یا یك اتم الومونیوم و یا اتم عناصر دیگر یك یاچند نیوترون اضافه کرده‌یا ازآنها بکاهیم در خواص شیمیائی عناصر مزبور تغییری حاصل نخواهد شد و بنابرین‌میگوئیم که اختلاف در عدهٔ نیوترون ها خواص شیمیائی عنصر را تغییر نمیدهد ولی چون جرم آنها سبك و سنگین می‌شود در خواص رادیواکتیو آنها تغییراتی رخ می‌دهد.عناصری که ازحیث خواص‌شیمیائی یکسان ولی از حیث عدهٔ نیوترونها متفاوت‌میباشند ایزوتوپ نامیده میشوند . ایزوتوپ مرکب از دو لغت یونانی است بمعنای «جای‌مشابه» و در علم فیزیك اطلاق به اتمهائی می‌شود که پروتونهای‌هستهٔ‌آن یکسان ولی‌عدهٔ‌نیوترونها متفاوت باشند وبعبارت دیگر بار الکتریك‌آنها یکسان ولی جرم آنها متفاوت‌است .

چنانکه‌گفته شدکاهش یا افزایش یك یا چند نیوترون خواص شیمیائی اتم را تغییر نمی‌دهد ولی اگر در عدهٔ پروتونهای هستهٔ اتم اندك تغییری دادهٔ شود خواص شیمیائی آن تغییر می‌یابد و عنصر دیگری بدست میآید . دربالا گفتیم که‌اگر یك گلولهٔ علامت‌دار را روی میز بگذاریم هستهٔ اتم هیدروژن بدست میآید و چنانچه یك گلولهٔ بی‌علامت (یعنی ذرهٔ نیوترون) بآن بیفزائیم باز اتم هیدروژن خواهیم داشت ولی‌اگر یك گلولهٔ علامت‌دار بآن بیافزائیم فوری این اتم خاصیت شیمیائیش تغییر کرده و اتم هیدروژن تبدیل می‌شود به هلیوم[1] که پس از هیدروژن سبکترین عنصری میباشدکه شناخته شده است . اگر یك گلولهٔ بی‌علامت پهلوی این سه‌گلوله روی میز بگذاریم باز اتم ماهلیوم خواهد بود ولی جرم آن فرق می کند و سنگین‌تر می‌شود . نتیجه‌ای که ازین بیان بدست میآید این است که‌کاهش یا افزایش پروتونهای هستهٔ اتم موجب تغییر عنصر میگرددولی اگر عدهٔ پروتونها در عنصری ثابت باشد و عدهٔ نیوترونهای آن کم وزیاد شود ایزوتوپهای متفاوت همان عنصر بدست میآید .

بخش دوم - شکافتن اتم

شکافتن اتم کار آسانی نبوده و تحقیقات و تتبعات و آزمایشهای بسیاری شده است تا علما درین باره‌کامیابی حاصل کرده‌اند . دربخش پیش گفته شد که هستهٔ اتم‌از پروتون ونیوترون تشکیل یافته است . این‌ذرات بوسیلهٔ بزرگترین نیروئی که‌تاکنون

(۱) Helium

شناخته شده است به یکدیگر اتصال یافته‌اند . برای درك عظمت این نیرو یك تکه آهن را درنظر گرفته و ملاحظه کنید که چه نیروی شگرفی اجزاء ریز آن یامولکول های[۱] آنرا به یکدیگر پیوستگی داده است وچه اندازه سخت و دشوار است اگر کسی بخواهد یك تکه آهن را به مولکولهای آن تقسیم نماید . نیروی شیمیائی که اتمهای یك مولکول را بهم متصل کرده وپیوند داده است چندین برابر نیروئی است که مولکولهای یك تکه آهن را بهم متصل کرده ونیروئی که پروتونها ونیوترونهای یك اتم را بهم پیوند داده چندین ملیون مرتبه نیرومندتر از نیروی شیمیائی است که اتمهارا دریك مولکول نگاهداری می کند. ازین‌رو می توان قیاس کرد عظمت نیروئی که هستهٔ اتم را نگاه میدارد چه اندازه شگرف و عظیم است . بنابرین شکافتن هستهٔ اتم یعنی نفوذ در نیروی مزبور و بدست‌آوردن مقدار زیادی انرژی.

مشاهدات علما در بارهٔ عناصر رادیواکتیو ثابت کرده‌بود که عناصرمزبورمانند رادیوم هستهٔ ناپایداری داشته و دائماً درحال متلاشی شدن میباشند و ضمناً درآن‌حال مقدار زیادی انرژی از خود بیرون می‌دهند. مثلاً ملاحظه شده بود که یك گرم‌رادیوم هرروز $\frac{۱}{۵۸۰۰۰}$ آن متلاشی شده و پس از ۱۶۰۰ سال نصف می‌شود . این در هم شکستن و متلاشی شدن بحالت طبیعی مدت زیادی وقت لازم دارد وعلما بفکر این افتادند که عمل طبیعت را تسریع نموده و متلاشی‌شدن را درمدت کمتری صورت دهند تا مقادیر زیادی انرژی بدست آورند .

رتفورد بذرات سنگینی که از رادیوم وسایر عناصر رادیواکتیو خارج می‌شدنام ذرات آلفا [۲] داد و بعدها معلوم شد که ذرات مزبور همان هستهٔ هلیوم است که بار الکتریك مثبت دارد . او سعی کرد که هستهٔ اتم را با ذرات آلفا بشکافد و توفیق هم یافت ولی بعدها معلوم گردید که انرژی حاصل شده از چنین اقدامی زیاد نیست زیرا هنگامی که ذرات مزبور از ماده‌ای عبور می کنند باالکترونهائی که بارمنفی‌الکتریك دارند اصطکاك پیدا کرده و سرعت آنها کاسته می شود . بعلاوه ذرات آلفا خود بار مثبت الکتریکی دارند ودرتماس باهستهٔ اتم که آنهم بار مثبت دارد جوش نمی خورند و جدا می شوند . اگر سرعت عبور ذرات آلفا خیلی قوی و نیرومند باشد شاید بتواند برقوهٔ دفاعی هسته فائق آید ووارد هستهٔ مزبور گردد ولی چنانکه گفته شد الکترونها سرراه راگرفته واز سرعت آن میکاهند و نمیگذارند که ذرات مزبوز باسرعت وقدرت وارد هستهٔ اتم شده وشکاف را تأمین نمایند.درین‌زمینه آزمایشهای بسیاری شد ونتیجه محدود بفعل وانفعال در اتمهای سبك بود اما وقتیکه چدویك[۳] وجود نیوترون‌رادر اتم کشف کرد امید بسیاری‌برای شکافتن هستهٔ اتم‌پیداشد.

همانطور که گفته شد نیوترون بار الکتریك ندارد و الکترونها سر راه آنرا نگرفته و سرعت حرکت آن را کند ومتوقف نمی‌سازند . بعلاوه خنثی بودن‌آن‌موجب می‌شود که هستهٔ اتم آنرا بسهولت بپذیرد و در آغوش خود جای دهد . نظر باین

---

(۱) Molecule کوچکترین واحد تقسیم پذیر عنصری راگویند که پس ازتجزیه وتقسیم ماده خصوصیات شیمیائی‌خود راحفظ کرده‌است

(۲) Alpha

(۳) Sir James Chadwick

ملاحظات علما در صدد برآمدند که نیوترن را بمنزلهٔ چاشنی برای بمباران کردن و شکافتن هستهٔ اتم بکار برند .

اولین مشکلی که با آن مواجه شدند این بود که بچه وسیله نیوترن های لازمه را بدست آورند و برای این تنها راهی که یافتند این بود که باکمك ذرات آلفا تحولی درهستهٔ اتم ایجاد کنند که نیوترون ازخود خارج نماید . لذا یك عنصر سبك وزنی را مانند بریلیوم[۱] گرفته و باذرات آلفا که ازرادیوم بدست میآید آنرا بمباران کردند و بدینوسیله عده‌ای نیوترون فراهم کردند تا آنرا چاشنی قرارداده وهستهٔ اتم‌را بشکافند. چند سالی با اینگونه وسایل آزمایشهائی کردند ولی نیوترونها گاهی به هستهٔ اتم وارد شده ودیگرخارج نمی‌شدند واگرهم هسته را میشکافتند عملشان دوام بسیارنداشت .

درسال ۱۹۳۸ (یکسال قبل ازجنگ اخیر) شیمی‌دان آلمانی موسوم به‌اوتوهان[۲] توفیق یافت که هستهٔ اتم اورانیوم را بشکافد وملاحظه کرد که پس ازشکافته شدن،هستهٔ مزبور بدوقسمت درآمد . ونیزمشاهده کرد که ضمن شکافته شدن هستهٔ مزبور تعدادی هم نیوترون بدست آمد که آنها بنوبهٔ خود به سایراتمهای اورانیوم حمله کرده وشکافتن اتم را ادامه میداد . این را فعل و انفعال زنجیری نامگذاری کرد و مسلم داشت که میتوان بوسیلهٔ نیوترون اتمهای اورانیوم را بطورمداوم درهم شکافت .

اکنون فرض میکنیم که یك تکه اورانیوم را میخواهیم بانیوترون بمباران کرده وهسته های اتمهای آنرا بشکافیم . ونیزفرض می کنیم که تمام نیوترون ها به هدف خود رسیده وشکاف‌را ایجاد می‌نمایند . بااین فرض دراثرشکاف هر هسته ای دو نیوترون بدست می آید ودونیوترون مزبور باز بکارخود ادامه داده وهریك توفیق این‌را حاصل می کند که یك هسته را بشکافد . نتیجه این‌خواهدشد که دردفعهٔ دوم ٤ نیوترون بدست میآید ودردفعهٔ سوم ۸ ودردفعات بعد این‌رقم بهمین ترتیب افزایش مییابد . بعد ازدفعهٔ بیستم متجاوز از یك ملیون نیوترون در این فعل وانفعال بهدف گیری اشتغال خواهد داشت ودردفعه هشتادم عدهٔ نیوترونی که بدست می آید معادل باعدهٔ کلیهٔ اتمهای آن تکه اورانیوم خواهد بود .

تمام این فعل وانفعال دریك مدت کمی صورت میگیرد ومقدارهنگفتی انرژی از آن بدست میآید وباین‌ملاحظه است که نام آنرافعل وانفعال زنجیری گذاشته‌اند تامعلوم داردکه شکافتن یك هسته موجب شکافته شدن هسته های بعدی هم میشود .

لازم است متذکر شد که فرضیهٔ بالا همیشه درعمل صورت نمی گیرد و حتماً لازم نیست که در شکافته شدن هستهٔ اول دونیوترون خارج گردد چه درهرشکافته شدن هسته همینقدر که یك نیوترون علاوه برنیوترونی که بمنزلهٔ چاشنی بمباران بکاررفته بدست آید زنجیرفعل‌وانفعال آغازخواهد گشت وبرعدهٔ نیوترونها افزوده‌میشود.درحقیقت هرنیوترونی که درنتیجهٔ شکافته شدن هستهٔ اتم‌بدست می‌آید بحمله نمیپردازد وتلفات این نیوترونها بسیاراست . بعضی وارد هستهٔ اتم شده و درآن جذب میشوند وبعضی ازجرم اورانیوم خارج شده و درفضا پراکنده میشوند لذا فرضیهٔ فوق که همهٔ نیوترون ها بشکافتن

---

(۱) Beryllium فلزکمیابی است که عددا تمی آن۹ میباشد.

(۲) Otto Hahn

هسته های اتم بپردازند کمال مطلوبی بیش نیست ودرعمل فعل وانفعال طبق فرضیهٔ فوق صورت نمی گیرد لکن همین‌قدر که یك نیوترون اضافی بدست آمد زنجیر فعل و انفعال شروع گشته وادامه پیدا می کند .

آزمایشهای بعدی معلوم داشت که در اورانیوم طبیعی شکافتن هستهٔ اتم بوسیلهٔ نیوترون وایجاد زنجیرفعل وانفعال بسیاردشواراست زیراقسمت‌عمدهٔ نیوترونها به‌هستهٔ اتم جذب شده وازعمل شکافتن باز می‌مانند . برای جبران این‌کارمطالعات بیشتری شد ومعلوم گردید که اگر از سرعت نیوترونها کاسته شود توفیق بیشتری می‌توان بدست آورد . درابتدا آب معمولی وموم حاصل از نفت را درخط سیر نیوترونها قرار دادند تاازسرعت آنها بکاهند وچون هردو هیدروژن داشته تصورمی‌شد که تصادف نیوترونها بااتمهای هیدروژن‌ازسرعت کاسته و کمکی بمقصود خواهد نمود ولی معلوم شد که اتمهای هیدروژن طالب نیوترونها بوده وآنها را بخود جذب میکنند . سپس آب سنگین [۱] و گرافیت را برای این‌کار استعمال کردند وازهردو نتیجهٔ خوبی بدست‌آوردند وامروز محرزشده‌است که درموقع بمباران‌اتمهای اورانیوم اگرازسرعت سیر نیوترونها کاسته گردد زنجیرفعل وانفعال باسهولت انجام می گیرد .

درین جا لازم است گفته شود که اورانیوم بردوقسم است . یك قسم‌آن مخلوطی ازاورانیوم ۲۳۸ واورانیوم ۲۳۵ می‌باشد که پس از استخراج از معدن و ازالهٔ مواد خارجی بنام اورانیوم طبیعی مشهور گشته است . نوع دیگر آن اورانیوم خالص ۲۳۵ است که برای تحصیل انرژی اتمی بکارمیرود . بطورمعمول درهر ۱٤۰ گرم اورانیوم طبیعی فقط یك گرم اورانیوم ۲۳۵ یافت می‌شود و بقیهٔ ۱۳۹ گرم اورانیوم۲۳۸است.

آزمایشهائی که در بارهٔ شکافتن هستهٔ اتم اورانیوم شده نشان داده است که شکافتن هستهٔ اورانیوم ۲۳۵ خالص با نیوترون سهل تر ومطمئن تر وسودمندتر است درصورتی که شکافتن هستهٔ اورانیوم طبیعی بسیاردشواراست واگرفعل وانفعالی هم در آن صورت گیرد وبعضی هسته های‌آن شکافته شود مرهون آن قسمت ازآن می‌باشد که دارای اورانیوم ۲۳۵ است . در موقع جنگ اخیر که امریکائیان بساختن بمب‌اتمی پرداختند کارخانهٔ مخصوصی برپا کردند که اورانیوم ۲۳۵ را از اورانیوم طبیعی جدا می کرد وآنرا مهیا برای بمباران با نیوترون و شکافتن هسته اتمهای‌آن می‌نمود . پلوتونیوم [۳] عنصر جدیدی است که خاصیت رادیواکتیو داشته ومانند رادیوم خودبخود متلاشی میگردد ولی متلاشی شدن‌آن بانهایت کندی صورت میگیرد و میتوان مقادیر زیادی ازآنرا ازکوره های اتمی جمع کرد وتحت مطالعه وآزمایش قرارداد . ساختن آنهم بدین قراراست :

هنگامی که اورانیوم طبیعی را با نیوترون بمباران میکنند ملاحظه میشود که بعضی ازآنها به هستهٔ اورانیوم ۲۳۸ وارد شده و همانجا متوقف می شوند . این کار باعث می‌شود که وزن اتمی اورانیوم افزایش‌یافته وبه ۲۳۹ برسد ولی بار هستهٔ‌مزبور

---

(۱) Heavy Water آب سنگین آبی‌است که درهستهٔ اتم هیدروژن‌آن یك‌پروتون ویك نیوترون باهم ترکیب یافته‌اند‌بعکس‌آب معمولی که هستهٔ‌اتم‌هیدروژن‌آن فقط‌یك‌پروتون‌دارد

(۲) Graphite کاربن‌خالص‌است ومغزمدادهای‌معمولی‌ازآن‌ساخته‌میشود

(۳) Plutonium

بهمان ۹۲ باقی میماند و چون خاصیت شیمیائی آن عوض نمی‌شود یك ایزوتوپ جدید اورانیوم بدست میآید . این ایزوتوپ بتدریج و خودبه‌خود بعنصر دیگری تبدیل‌میشود که نام آن نپتونیوم[۱] وبار آن ۹۳ ووزن اتمی‌آن همان ۲۳۹ است. این‌عنصر هم‌پس از اندك مدتی خودبخود مبدل به پلوتونیوم می‌شودکه بار آن ۹٤ وباز وزن اتمی‌آن همان ۲۳۹ می باشد . پلوتونیوم یك عنصر رادیواکتیوی است‌که مانند اورانیوم۲۳۵ هستهٔ اتم آن بسهولت شکافته می‌شود و فعل وانفعال زنجیری‌که در بالا ذکر شد در آن ایجاد میگردد . کشف پلوتونیوم کمك بزرگی بتحصیل انرژی اتمی کرده است زیرا قبل ازین کشف اورانیوم ۲۳۸ عاطل مانده بود واستفادهٔ انرژی از آن‌نمیشدولی اکنون‌که چنین عنصر مفیدی بدست آمده است وخواص‌آن عیناً شبیه به‌اورانیوم‌میباشد مقادیر زیادی از اورانیوم ۲۳۸ را میتوان تبدیل باین عنصر نمود و انرژی بسیاری‌از آن بدست‌آورد . جداکردن پلوتونیوم از اورانیوم ۲۳۸ هم کار آسانی است و چون دو عنصر مختلف میباشند بوسیلهٔ عملیات شیمیائی می‌توان آن دو را ازهم جدا نمود و مورد استفاده قرارداد .

امروز در زمرهٔ محسناتی‌که برای انرژی اتمی شمرده می‌شود یکی‌هم این است که هر مقدار سوختی‌که بمصرف تولید انرژی مزبور برسد بهمان مقدار یابیشتر باز سوخت از خود آن تهیه میگردد و عنوان سوخت «بارآورنده»[۲] بآن می‌دهند.حقیقت قضیه این است‌که ایجاد عنصر پلوتونیوم ضمن شکافتن‌هستهٔ اورانیوم چنین عقیده‌ای‌را بمیان‌آورده و تاحدی هم درست است .

فرض‌کنیم‌که یك کورهٔ اتمی را با مقداری پلوتونیوم‌که سوخت‌آن خواهد بود روشن‌کنیم و در اطراف آن هم مقداری اورانیوم ۲۳۸ قرار دهیم . بطور معدل سه نیوترون از شکافتن هستهٔ اتم پلوتونیوم بدست میآید . یکی ازین سه زنجیر فعل و انفعال را ترتیب می‌دهد . یکی دیگر وارد هستهٔ اتمهای اورانیوم ۲۳۸ شده وآن را تبدیل به‌پلوتونیوم می کند ویکی دیگرهم خارج‌شده وجزو تلفات عمل‌محسوب‌میگردد.

هرگاه عدهٔ نیوترونی‌که وارد اورانیوم ۲۳۸ می‌شود از یکی تجاوزکندمقدار پلوتونیومی‌که ایجاد می‌شود از مقداری‌که بمصرف سوخت رسیده تجاوز خواهدکردو لذاگفته میشودکه سوخت ایجاد شده (یعنی پلوتونیوم حاصل از اورانیوم ۲۳۸) از سوخت مصرف شده زیادتر است. کمیسیون انرژی اتمی امریکا این قضیه را در ژوئن ۱۹۵۳ تأییدکرد ولی‌چند سالی طول خواهدکشید تا این سوخت بار آورنده بطرز تجارتی بدست‌آید .

یك عنصر دیگری هست بنام توریوم[۳] که بار الکتریك مثبت آن ۹۰ و وزن اتمی آن ۲۳۲ میباشد . پس‌از اورانیوم این سنگین‌ترین عنصری است‌که شناخته‌شده است و توری چراغهای‌گاز را ازآن میسازند . اگر بتوان توریوم را بسا نیوترون بمباران‌کرد بطرزیکه نیوترونها وارد هستهٔ توریوم شوند یك ایزوتوپی از اورانیوم بوجود میآیدکه اورانیوم ۲۳۳ خواهد بود و خواص شیمیائی آن مانند اورانیوم ۲۳۵

---

(۱) Neptunium (۲) Breeder (۳) Thorium

است که بسهولت هستهٔ اتم آن شکافته می شود . چون مقدار زیادی توریوم در نقاط مختلف جهان یافت میشود احتمال دارد که طرز استفادهٔ از توریوم‌را برای تولید انرژی اتمی بزودی تکمیل نمایند تا علاوه بر اورانیوم سوخت دیگری هم برای کوره های اتمی بدست آید .

بخش سوم - استفاده از انرژی اتم برای مقاصد جنگی

در سالهای اول جنگ جهانی اخیر دانشمندان و علمای کشور هائی که درجنگ بودند کوشش فراوان کردند و آزمایشهای گوناگون نمودند تا بمب اتمی را بسازند و باداشتن چنین سلاح مهلك و نابودکننده‌ای تفوق کشور خودرا بردشمن تأمین نمایند. اولین قدم دراین راه این بود که هنگام شکافتن هستهٔ اتم اورانیوم زنجیر فعل وانفعال راکه دربخش پیش شرح داده شد عملی نمایند . علمای فرانسه وانگلستان بایکدیگر همکاری کرده ودر سال ۱۹٤۱ معلوم داشتند که از شکافتن اتم اورانیوم ۲۳۵ میتوان چنین بمبی را ساخت و منفجر نمود . نتیجهٔ مطالعات خودرا بعلمای امریکا اطلاع دادند و معلوم شد که امریکائیان هم به نتیجهٔ مشابهی رسیده‌اند لذا دول متفق تصمیم گرفتند که ساختن اولین بمب اتمی را بعهدهٔ امریکائیان واگذارند زیرا سرمایه ووسایل آنها مجهزتر وآماده‌تر بود و مسافت امریکا از میدان جنگ باندازه‌ای بود که آزمایشگاه ها و کارخانه های آنها از حملهٔ هواپیما های آلمانی (که درآنوقت توانائی طی مسافت از اروپا بامریکا و برگشت را نداشت) محفوظ میماند. در نتیجهٔ این تصمیم عده‌ای از علمای انگلستان بریاست چدویك[۱] بامریکا اعزام شدند که اطلاعات خود را در اختیار امریکائیان گذاشته و با آنها معاضدت و همکاری نمایند . دستهٔ دیگری هم بریاست کاك کرافت[۲] بکانادا فرستاده‌شدند که کارخانهٔ تهیهٔ «آب‌سنگین» را بنا نمایند چون این آب سنگین در تحقیقات راجع به بمب‌اتمی نقش مهمی را داشت . در ابتدای کار قرار برین شد که نتایج علمی وطریقهٔ ساختن بمب‌اتمی‌را امریکائیان بعدها بانگلیسها اطلاع دهند ولی همینکه کار بحصول نتیجه نزدیك شد امریکائیان تقاضا کردند که از دادن چنین اطلاعی معاف باشند وانگلیسها هم بواسطهٔ احتیاج مبرمی که بمساعدت امریکائیان داشتند این تقاضا را پذیرفتند .

بدین ترتیب نقشهٔ ساختن بمب اتمی طرح شدوعلما ودانشمندان شب‌وروز بمطالعه وآزمایش پرداختند تا چهار سال بعد بمب مزبوررا تهیه‌وآماده کردند.مراحل‌مختلفی که طی شد تا بمب مزبور ساخته شد بقرار زیر بود .

۱ — ساختن یك دستگاه کوره آزمایشی برای شکافتن اتم اورانیوم

۲ — ساختن یك کارخانه برای تهیهٔ اورانیوم خالص

---

(۱) Sir James Chadwick (۲) Sir John Cockcroft

۳— اقدامات وسیع و دامنه‌دار برای تحصیل اورانیوم از کشور کنگوی بلژیك در افریقا

٤— ایجاد کارخانهٔ دیگری برای عمل‌آوردن پلوتونیوم و جدا کردن آن از اورانیوم

٥— ساختن بمب اتمی

دولت امریکا برای ساختن بمب اتمی دوهزار ملیون دولار بودجه تخصیص‌داد و ۱۲۵۰۰۰ نفر کارگر و کارمند را درکارخانه‌های‌فوق بکار گماشت تا بمب‌اتمی‌ساخته‌شد.

روز ۱٦ ژوئیهٔ ۱۹٤٥ اولین بمب اتمی بعنوان آزمایش درنقطه‌ای‌از بیابانهای ایالت نیومکزیکو[۱] منفجر گردید و روز ششم اوت همان سال اولین بمب‌اتمی روی شهر هیروشیما[۲] در ژاپون انداخته شد و سه‌روز بعد بمب دوم روی بندر ناگاساکی[۳] منفجر گردید که موجب شدژاپون خود را درجنگ مغلوب شناخته وتقاضای‌صلح‌نماید.

بمب اتمی خیلی کوچکتر از بمبهای معمولی است که در جنگ اخیر بکار برده شد و بمبی که بالای هیروشیما منفجر گردید فقط ۲۰۰ کیلوگرام وزن داشت‌ولی‌قدرت انفجارش بیش‌از قدرت انفجار ۲۰هزارتن موادمنفجره موسوم به ت.ن.ت[۴] بوده‌است. ارقام زیر تأثیر انفجار دوبمب اتمی که روی دو شهر ژاپون انداخته‌شد بیان می‌کند:

	هیروشیما	ناگاساکی
تراکم جمعیت شهر درهرمیل مربع	۳٥۰۰۰	٦٥۰۰۰
مساحت خرابی و ویرانی به میل مربع	٤ ۷/۱۰	۱ ۸/۱۰
عدهٔ کشته شدگان	۸۰۰۰۰	٤۰۰۰۰
عدهٔ زخمی‌ها	۷۰۰۰۰	٤۰۰۰۰

بمبی که روی هیروشیما انداخته شد از اورانیوم ساخته شده بود و آنکه روی ناگاساکی افتاد ازپلوتونیوم بود ومعلوم‌گشت که اثر انفجار بمب دوم پانزده درصد ازبمب اول زیادتر بوده است و علت اینکه تلفات ناگاساکی کمتر بود بواسطهٔ این بوده‌است که‌شهرمزبورمسطح نبوده وپست‌وبلندیهای‌آن تاحدی‌مردم‌راحفظ کرده‌بود.

مبنا واساس بمب اتمی که بردوشهرمزبور انداخته شد عبارت ازاین بود که هستهٔ اتمهای اورانیوم و پلوتونیوم بوسیلهٔ نیوترونها شکافته شود. چاشنی انفجار نیوترون بود که آنرا بیك تکه از اورانیوم متصل کرده بودند و دربمب ترتیبی داده بودند که درموقع پرتاب بمب دوتکه اورانیوم بیکدیگرتماس یافته وهنگام برخورد بایکدیگر نیوترونها بکارافتاده وزنجیرفعل وانفعال شکافتن اتمها را شروع نماید. دراثرشکافته شدن اتم انرژی زیادی تولید شده وتحت فشار زیاد انفجاررا تولید کرده وعدهٔ زیادی مردم بی‌گناه این دوشهرفدای کشف واختراع انرژی اتمی گردیدند.

---

(۱) New Mexico یکی ازایالات ممالك‌متحدهٔ امریکاست. (۲) Hiroshima

(۳) Nagasaki (۴) ت.ن.ت. یا T.N.T مادهٔ منفجره‌ای‌است که ازنشت بدست‌میآید واز دینامیت بسیار قوی‌تراست (رجوع شود بفصل‌دوم)

درگزارش رسمی که دولت امریکا در بارهٔ تأثیر بمب های مذکور منتشر کرده چنین مینویسد : -[۱]

« درموقع انفجار انرژی بشکل نور وحرارت و تشعشع خارج میگشت . ازاشعهٔ ایکس‌واشعهٔ گاما واشعهٔ مافوق بنفش واشعهٔ سبك گرفته تااشعهٔ مادون سرخ همه ظاهر گشته وبسرعت نور درحرکت بودند . امواج تکان دهنده‌ای که دراثر فشار فوق‌العاده درمرکز انفجار ودریك لحظه ایجاد شده بود بنقاط دیگرسرایت مینمود . گازهائی که درنتیجهٔ حرارت‌زیاد بشکل گلوله‌ای ازآتش درآمده بود باطراف ورو به بالا میرفت. مدت انفجار شاید ازیك ثانیه هم‌کمتر بود ولی تأثیرآن بحدی زیاد بود که تایك میل مسافت پوست بدن انسان را میسوزاند . درآن قسمت اززمین که‌کاملاً زیرنقطهٔ انفجار بمب قرارگرفته بود بدنهای مردم بطوری سوخته بود که مانند زغال شده و دیگر شناخته نمیشد . عمارات‌آجری بکلی خراب وویران شده و بعماراتی که از سیمان مسلح ساخته شده بود خسارات زیادی واردآمد . در هیروشیما ۶۵۰۰۰ عمارت از ۹۰۰۰۰ ساختمان‌آن شهرخراب وویران گشت وتمام‌کارخانه های کوچکی که در مرکز شهر بود نابودگشت ولی بکارخانه های بزرگ خارج‌شهرصدمهٔ زیادی واردنیامد . درناگاساکی ۲۰۰۰۰ از ۵۷۰۰۰ خانهٔ شهر ویران گشت . »

موقعیکه بمب اتمی ساخته شد و روی شهرهای ژاپن منفجرگردید امریکا تنها کشوری بود که رمـوز ساختن چنین سلاح منهدم‌کننده‌ای را دارا بود و دولت روسیهٔ شوروی از راه های مختلف کوشش نمود که باسرار ساختن بمب اتمی دسترسی یابد . ابتدا عده‌ای ازعلما ودانشمندان‌آلمان‌را که هم قبل ازجنگ وهم درایام جنگ مشغول تحقیق ومطالعهٔ انرژی‌اتم بودند بروسیه دعوت نمود که درساختن بمب اتمی بآن کمك کنند وبعد بوسایل مختلف وبطورپنهانی‌سعی کرد که اسرارمزبوررا ازامریکا وکانادا بدست‌آورد ودرین‌کارهم بیاری عمال مخفی‌خود تااندازه‌ای توفیق یافت .

درهمین اوان عده‌ای ازدانشمندان که وقوف‌کامل باسرارساختن بمب اتمی داشتند و انحصار ساختن بمب مـزبور را دردست یك کشورخطر بزرگی برای عالم بشریت میدانستند از روی عقیده و ایمان اطلاعات خود را دراختیار دولت شوروی گذاشتند ومساعدت‌کردند تاروسیه هم توفیق ساختن بمب اتمی‌را یافت . دانشمندان مزبورمدعی بودند که اگر امریکا یاهرکشور دیگر بتنهائی اسرار بمب اتمی را دارا باشد تفوق فوق‌العاده‌ای درجهان برای خود تأمین‌کرده وبتدریج‌سایرکشورهای‌جهان‌راتحت‌انقیاد واطاعت خود درخواهدآورد . بعلاوه چنین‌تفوقی خود مشوق این‌خواهد بود که دارندهٔ سلاح اتمی جنگ دیگری را آغازکرده و سلطهٔ خود را بردنیا مستقرسازد لذا لازم است که چنین انحصاری ازبین برود وروسیهٔ شوروی هم واقف باسرار بمب اتمی‌بشود تاخطر استعمال بمب مزبور برای طرفین موجودگردد و این خود عامل مؤثری برای اجتناب ازجنگ باشد .

همینکه دولت شوروی توفیق یافت بمب اتمی را بسازد دولت امریکا درصدد

---

(۱) صفحهٔ ۲۲ ازگزارش United States Strategic Bombing Survey

برآمد که بمب هیدروژنی را بسازد تا درمسابقهٔ تسلیحات تفوق خود را محفوظ دارد واقدامات سریع ومجدانه‌ای نمود تا دراندك زمانی بمقصود رسید . درنوامبر ۱۹۴۹ دولت امریکا اعلام نمود که چنین بمبی را ساخته است ودر سال ۱۹۵٤ اولین بمب هیدروژنی بعنوان آزمایش در امریکا منفجر گردید . سال بعد هم روسها اولین بمب هیدروژنی را منفجر کردند ومعلوم گشت که اسرار ساختن چنین بمبی را شورویها نیز دارا میباشند .

دولت انگلیس هم درسال ۱۹۵۳ اولین بمب اتمی را که ساخته بود دریکی از جزایر استرالیا بعنوان آزمایش منفجر کرد و اکنون هم مشغول ساختن بمب هیدروژن است تاازدوحریف دیگرعقب نباشد .

تفاوت بمب هیدروژن بابمب اتم این‌است که درانفجار بمب‌اتم هستهٔ اتم شکافته شده وتولید انرژی وحرارت و انفجار میکند در صورتیکه دربمب هیدروژن هسته های ایزوتوپهای هیدروژن بیکدیگر پیوندیافته وحرارت بی‌نظیری را ایجاد میکند . اسرار ساختن بمب هیدروژن منتشر نشده است ولی بطورکلی میتوان گفت که انفجار بمب مزبور سه مرحله مختلف را طی میکند بدین معنی که ابتدا هسته‌های اتم اورانیوم که درمرکز بمب‌تعبیه شده شکافته میشود وانفجار اولی‌را بوجود میآورد سپس این‌شکافتن برای فعل وانفعال دوم چاشنی قرارگرفته ودراثرحرارت عمل اول موجب پیوند یافتن ایزوتوپها هیدروژنی میگردد که انفجار دوم را ایجاد میکند وبعد ازآن درمرحلهٔ سوم ذراتی که درنتیجهٔ پیوند بدست‌آمده یك فعل وانفعال دیگری برای شکافتن هسته های اورانیومی که قشر بیرون بمب است بوجود میآورد . بقرار معلوم دربمب هیدروژن که اول فعل وانفعال شکافتن وبعد پیوند زدن و باز دو باره شکافتن صورت میگیرد بیشتر انرژی انفجار ازاورانیوم حاصل میگردد واین‌خود قضیهٔ‌مهم‌رادیواکتیو شدن اشیائی‌را بمیان میآورد که درتماس بااین انفجارها قرارمیگیرند .

در بمب اتمی که‌اساس‌آن روی شکافتن اتم قرارگرفته است خطرسرایت خواص رادیواکتیو باشیائی که در تماس با تأثیرات بمب مزبور قرار میگرفتند چندان زیاد نبود و خطر عمدهٔ آن ناشی از حرارت زیاد انفجار و خرابی ابنیه وعمارات‌بود لکن در بمب هیدروژنی خطر سرایت خواص رادیواکتیو بانسان‌واشیائی که درمعرض حمله قرار میگیرند خیلی زیاد است. این نکته تامدتی آشکارنگشته بود وهمینکه‌امریکائیان یك بمب هیدروژنی در جزیرهٔ بی‌کی‌نی[۱] در سال ۱۹۵٤ منفجر کردند و ماهیگیران ژاپونی از مسافت بعید با این جزیره صدمات رادیواکتیو دیدند محرزگشت که خطر عمدهٔ بمب هیدروژنی بیشتر ناشی از تأثیرات رادیواکتیو آن است .

اگر بمب هیدروژن در نزدیکی زمین منفجر گردد گلولهٔ آتشینی که‌ایجاد میکند با زمین تماس حاصل کرده ومقدار زیادی اشیاء را که خرد وریز شده‌اند باگاز هائی که متصاعد می‌شود به بالا میبرد و پس‌از چندی اشیاء مزبور که سنگین‌تر ازگازاست در حوالی محل انفجار بزمین نشسته وآن‌ناحیه‌رارادیواکتیو می کند . ناحیه‌ای که‌بدین

---

(۱) Bikini

ترتیب آلوده میگردد بستگی باوضاع جوی ووزش باد در موقع انفجار دارد . در بی کی نی ناحیه‌ای که آلوده گشت قریب به ۷۰۰۰ میل مربع (۱،۸۱۳،۰۰۰ هکتار) بود ولی یکی از اعضای کمیسیون انرژی اتمی امریکا بنام دکتر لیبی[۱] در نطقی که اخیراً نموده گفته است که ناحیه‌ای که ممکن است آلوده شود شاید ازیکصدهزارمیل مربع (۲۵،۹۰۰،۰۰۰هکتار) هم تجاوز نماید .

همه میدانند که اشعهٔ رادیواکتیو برای سلولهای بدن خطرناك بوده‌وکسانی که زیاد بآن آلوده شوند میمیرند . واگر اشعهٔ کمتری ببدن برسد اثر آن پس‌از چندسال معلوم میگردد که عبارت است از تولید مرض سرطان و کوتاه شدن عمر و آب آوردن چشم و قطع نسل و غیره . ایزوتوپهای رادیواکتیو که در اثر انفجار بمب هیدروژن بوجود میآیند باقسام گوناگون می‌توانند وارد بدن انسان شوند یعنی از راه تنفس و از راه نشستن روی پوست بدن وآلوده کردن گیاه هائی که انسان میخورد وآمیختن با شیر و گوشت حیواناتی که انسان مصرف می کند . در قسمت قطع نسل هم ممکن است اثر آن ارثی شود و نسلهای بعد هم گرفتار چنین محرومیتی بشوند .

رویهمرفته خطراتی که از انفجار بمب هیدروژن متوجه انسان می‌شود گوناگون وفراوان ومحدود باهالی شهرها و دهاتی که بمب روی‌آنها میافتد نیست وممکن‌است مسافتهای بعیده را هم دوچار خطر کند . این مخاطرات امروز موردبحث عموم مردم جهان واقع شده واز هرطرف صدا بلند شده است که استعمال اینگونه سلاحهای‌نابود کننده را موقوف سازند وحتی از آزمایش آنهاهم خودداری نمایند .

حقیقةً جای‌نهایت تأسف است که کشف انرژی اتم بجای اینکه برای ترقی بشر وآسایش آن بکار رود در وهلهٔ اول اختصاص بساختن سلاحهائی داده شدکه موجب نابودی انسان میگردد . اکنون که خطر اینگونه سلاحها کاملا آشکار و هویدا گشته است امیدمیرود که استعمال آن برای ابد تحریم گردد وانرژی عظیم اتم‌صرف‌آسایش و رفاه وترقی سطح زندگی مردم جهان گردد .

بخش چهارم - همکاری بین‌المللی

بموازات استفاده از انرژی اتم برای مقاصد جنگی اقداماتی هم برای استفاده، انرژی مزبور برای‌ایام صلح شده ومیشود وعلما ودانشمندان کوشش بسیار بخرج‌میدهند که بهترین وباصرفه ترین طریق استفاده را بدست‌آورند .

درژانویهٔ ۱۹۵۱ کنفرانسی مرکب از علمای ۲۶ کشور در اکسفورد[۲] انگلستان تشکیل شد تادربارهٔ استفاده ازانرژی اتم بمشاوره پردازند ودرسال ۱۹۵۴ کنفرانس دیگری درهمان کشورتشکیل گردید که ۸۰۰ نفر ازعلما و دانشمندان کشورهای مختلف اجتماع نموده ونتیجهٔ مطالعات خود را در بارهٔ انرژی اتمی بیان نمودند . مذاکراتی

---

(۱) Dr.W.F- Libby (۲) Oxford

که درکنفرانس اولی شد نشان داد که علمای جهان بیشتراسرار بمب اتمی‌را میدانند واختفای‌آن‌کار بیهوده‌ای است .

دردسامبر ۱۹۵۳ آیزنهاور۱ رئیس جمهورامریکا نطقی درجلسهٔ عمومی‌ملل‌متحد کرده وپیشنهادکرد که یك مؤسسهٔ بین‌المللی برای مطالعه در بارهٔ انرژی اتم تشکیل شود تا دولتهائی که واجد مواد لازم برای تهیهٔ انرژی اتم هستند ومقادیری ازآن را ذخیره کرده‌اندمشترکاً مقداری‌ازمواد مزبوررادراختیارمؤسسهٔ مزبور بگذارندتابمصرف مطالعات علمی وتأسیس مؤسساتی برسد که درراه استفاده ازانرژی اتم برای مقاصد صلح جویانه قدم برمیدارند .

دردسامبر ۱۹۵٤ مجمع عمومی ملل‌متحد قطعنامه‌ای صادرکرد که مؤسسهٔ مزبور هرچه زودترتشکیل شود ومقررداشت که درماه اوت ۱۹۵۵ کنفرانس بین‌المللی فنی تحت سرپرستی جامعهٔ ملل متحد درژنو تشکیل شود تاطرق مختلف استفاده ازانرژی اتم بوسیله همکاری بین‌المللی تحت مطالعه قرارگیرد .

کنفرانس مزبور درماه اوت ۱۹۵۵ درژنـو تشکیل شد و بیش از دوهزارنفر دانشمندان ازتمام کشورهای جهان اجتماع کرده وازمبادلهٔ اطلاعات خود دربارهٔ انرژی اتم استفادهٔ بسیارکردند . مطالب مهمی که درکنفرانس مزبور مطرح شد بقرار زیر بود :-

۱ — علمای چندکشور بزرگ اظهارداشتند که انرژی حاصل از پیوند اتمها بایکدیگر که مبنای بمب هیدروژنی قرارگرفته است قضیهٔ بس مهمی است که مطالعات راجع بآن بانهایت جدیت ادامه دارد واظهار امیدواری کردند که انرژی مزبور را در آیندهٔ نزدیکی بتوان برای مقاصد غـیر جنگی بکار برد . بقرار معلوم تحقیقات علما درین‌باره هنوز بمرحلهٔ نهائی نرسیده ولی‌همگی‌امیدوارند که راه استفادهٔ ازآن‌انرژی را بدست‌آورند وضمناً تأیید شد که اگرطریقهٔ علمی استفاد ازانرژی مزبور بدست‌آید شاید روزی بیاید که بشر ازهیدرژن موجود درزمین‌کلیهٔ انرژی لازم را بدست‌آورد .

۲ — اطلاعات بسیاری دربارهٔ تحصیل انرژی اتمی ازشکافتن هستهٔ اورانیوم در کنفرانس‌مزبورعرضه گردید ومعلوم‌شد که غالب کشورهای بزرگ مشغول ایجادکارخانه هائی برای استفاده ازانرژی مذکورهستند .

۳ — طرق استفادهٔ علمی از انرژی اتم بخصوص در طب و صنعت وکشاورزی وزیست شناسی درکنفراس مطرح گردید ومعلوم شد که پیشرفت های عمده‌ای درین‌باب شده است .

٤ — طبق برآوردی که اقتصادیون کرده بودند ودرکنفرانس ژنو مطرح گشت بهای انرژی اتمی تاده سال دیگرگران‌تر ازبهای‌انرژی حاصل از زغال سنگ ونفت خواهد بود ولی پس ازآن مدت بهای انرژی اتمی اگر ارزان ترنباشد مسلماً برابر بابهای انرژی حاصل از زغال سنگ ونفت خواهد شد .

۵ — دولت‌امریکا درکنفرانس ژنواعلام کرد که حاضراست باکشورهای مختلف

---

(۱) President Eisenhower

قراردادهائی منعقد کرده وبموجب آن نصف قیمت کورهٔ اتمی آزمایشی که کشور مزبور بنا میکند بطور رایگان بپردازد وسوخت کورهٔ مزبوررا هم بدهد واجناس زیر را هم به بهائی که معین کرده بود بفروش رساند : -

آب سنگین	هر ۴۵۰ گرم	۲۸ دولار
اورانیوم طبیعی	هر کیلو	۴۰ »

اورانیوم غنی شده که ۲۰ درصد آن ۲۳۵ باشد (بمأخذ هر گرم اورانیوم خالص ۲۳۵ بیست وپنج دولار) باجاره واگذار کند وچهاردرصدقیمت رابعنوان مال‌الاجاره سالیانه دریافت دارد .

۶ — درکنفرانس ژنو یك کورهٔ آزمایشی اتم از طرف دولت امریکا بمعرض نمایش گذاشته شدوپس ازختم کنفرانس کورهٔ مزبور بنصف قیمت که ۱۸۰۰۰۰ دولار بود بدولت سویس فروخته شد .

اجتماع دانشمندان عالم درژنو ومبادله اطلاعات علمی دربارهٔ انرژی اتم نوید این را میدهد که در آینده همکاری نزدیك و تشریك مساعی بین کشورهای مختلف درراه پیشرفت دانش واستفادهٔ ازآن برای سعادت بشرتأمین گردد .

نکتهٔ فوق‌العاده جالبی که درکنفرانس ژنو مشهود و برملا گردید این بود که اکنون دانشمندان همهٔ کشورهای بزرگ بکلیهٔ رموز انرژی اتمی واقف بوده ودیگر اسراری دربین نیست که ازیکدیگر پنهان سازند . پیشرفت علوم درهمهٔ کشورها کم وبیش یکسان بوده وهمه راه استفاده از انرژی اتمی را میدانند .

خطر بمبهای اتمی و هیدروژنی هم امروز بهمه‌کس واضح وآشکارگشته است وعموم مردم جهان میدانند که بکاربردن اینگونه سلاحهای خطرناك مآلاً بنفع هیچکس نبوده و جز انهدام بشر نتیجهٔ دیگری نخواهد داشت . امروز عقیدهٔ عمومی مردم دنیا برین است که استعمال چنین سلاحی که خطرآن کاملا مشهود گشته است یك جنایت عظیمی برعلیه نوع بشرخواهد بود زیرا حدودی برای اثرات آن نمی‌توان قائل گردید . بیانیه‌ای که چندی پیش بامضای بزرگترین دانشمندان این عصر من‌جمله اینشتاین[1] منتشر گردید ودرآن گفته شده بود که ترویج سلاحهای مزبور بالاخره منتهی بفنای نوع بشرخواهد شد تأثیر بسزائی درهمهٔ نقاط جهان داشت و امید میرود که بزودی قرارداد هائی برای تحریم ابدی اینگونه سلاحهای مخرب وخطرناك منعقد شود ودرآینده همهٔ مساعی علما ودانشمندان صرف کشف بهترین وسهل ترین راه استفاده ازانرژی اتم برای مقاصد صلح جویانه گردد .

بخش پنجم - کوره اتمی[2] و استفاده ازحرارت برای تولید انرژی

درحال حاضر کوره‌های اتمی متعددی درکشورهای مختلف برپا میشود که ازانرژی اتم استفاده نمایند . تاکنون در امریکا وانگلستان وروسیه کوره های کوچکی بطور

---

(۱) Einstein (۲) Reactor

آزمایش ساخته شده و مورد استفاده قرار میگیرد ولی همهٔ آنها برای آزمایش و تحصیل اطلاع بوده است و فقط در دوسال اخیر برنامه هائی برای ساختن کوره های بزرگ واستفاده ازانرژی اتم برای تولید قوهٔ برق طرح شده که اینك بمرحلهٔ اجرا درآمده است .

درانگلستان برنامه‌ای تنظیم شده که دوازده‌کارخانه (کورهٔ اتمی) برای تولید قوهٔ برق ازانرژی اتم درمدت ده سال ساخته شود وسیصد ملیون لیره‌هم برای این‌کار اختصاص داده شده است . این کارخانه ها ـ که اولین آن درسال ۱۹۵۷ بکار خواهد افتاد ـ اختصاص‌باین خواهد داشت که ازانرژی اتم برق تهیه کنند وموقعیکه هردوازده کارخانه بکارافتد بین یك ملیون ونیم و دوملیون کیلوات برق تهیه خواهند کرد . در کانادا ساختن اولین‌کارخانهٔ اتمی برای تولید برق‌بزودی‌شروع‌خواهدشد وقراراست که در ۱۹۵۸ باتمام رسیده و ۲۰۰۰۰ کیلوات برق تهیه کند . طبق‌برآوردی که شده‌است قیمت این‌کارخانه که نسبةً کوچك هم خواهدبود پانزده ملیون دولارمیشود . درامریکا ساختن‌دوکارخانه که یکی ۶۰۰۰۰ ودیگری ۱۰۰۰۰۰ کیلووات برق خواهد داد شروع گشته و درسال ۱۹۵۷ باتمام خواهد رسید . بعلاوه برنامه‌ای هم طرح شده است که شش‌کارخانهٔ ۵۰۰۰۰ کیلواتی بتدریج ساخته شود .

درروسیهٔ شوروی هم مشغول ساختن‌کارخانهٔ بزرگ برق هستندکه دوسال دیگر بکارخواهد افتاد . بموجب‌قراردادی که بین‌امریکا وبلژیك دراکتبر۱۹۵۵ تنظیم گردید امریکا ساختن یك‌کارخانهٔ اتمی برای تولید نیروی برق را بزودی در بلژیك شروع خواهدکرد ودرکشورهای دیگرهم مقدمات‌کار فراهم میشودکه اینگونه کارخانه های اتمی را ایجاد نمایند .

طرح اساسی غالب کوره های اتمی که فعلا ساخته میشود بقرار زیراست : ـ

مقدمةً باید گفت که دراطراف کوره های اتمی دیوار های کلفتی ازسیمان مسلح میسازند که عمل شکافتن هستهٔ اتم کاملا محصور بوده و از سرایت اشعهٔ رادیواکتیو بخارج جلوگیری میشود . دروسط کوره دستگاه « ملایم‌کننده[۱] » قرارگرفته است که ازسرعت نیوترونها کاسته ونمیگذارد شدت فعل و انفعال ازحدود معینی خارج شده وانفجاری‌تولیدنماید. دستگاه‌ملایم‌کننده عبارت‌است ازهزاران‌آجرهائی که از گرافیت بیك شکل و اندازه تهیه کرده وآنها را روی هم قرار داده‌انـد بطوریکه بین‌آنها فاصله های عمودی معینی هست وتمام این دستگاه متشکل ازگرافیت را دریك استوانهٔ فولادی‌که توانائی مقاومت درمقابل فشار زیاد داشته باشد جای میدهند . بعد اورانیوم طبیعی یاغالب اورانیوم « غنی شده[۲] » بشکل میله هائی درآورده ومیله های مزبور را درلوله های فلزی قرارداده وسرآنها را محکم می‌بندند که‌گاز های رادیواکتیوی که درداخل لوله تولید میشود بخارج‌نرود . این لوله‌ها که‌در داخل آن‌اورانیوم قرار گرفته است‌بمنزلهٔ سوخت‌کورهٔ اتمی‌محسوب‌میگرددوآنهارا درفاصله های عمودی‌شکل

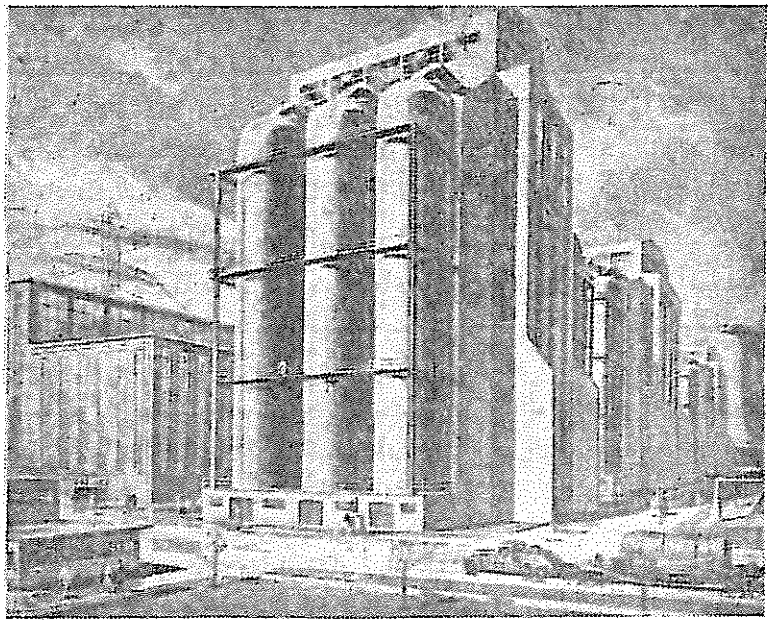
---

(۱) Moderator (۲) اورانیوم غنی‌شده عبارت‌ازاورانیوم طبیعی‌است‌که مقداراورانیوم ۲۳۵ آنرازیادکرده باشند

بین آجرهای گرافیت قرارمیدهند. سپس کوره حاضر برای آتش شدن هست و با نیوترون میتوانند فعل و انفعال را شروع نمایند. دریك کپسول کوچك مقداری گرد بریلیوم و رادیوم را بایکدیگر مخلوط کرده ووارد کوره میکنند. ازین کپسول نیوترونهای بسیاری خارج شده و کوره را آتش میکند.

کنترول کوره هم کاردقیقی است و باید دائم مواظب باشند که درجهٔ حرارت زیادتر ازحد معینی بالا نرود وعمل فعل و انفعال درحدودی که میخواهند انجام گیرد. وسیلهٔ کنترول هم این است که میله هائی ازکادمیوم[۱] یابورون[۲] را در کوره میگذارند که باآلات مخصوصی که بخارج متصل شده است بتوان آنها را بالا و پائین برد. این دو عنصرخاصیت این را دارند که نیوترونها را بخود جذب میکنند و مانع ازین شوند که نیوترونها به اورانیوم حمله کرده وآنهارا درهم شکافند. هروقت بخواهند فعل وانفعال انجام گیرد میله‌های کادمیوم ویابورون را داخل کوره میکنند وهروقت بخواهند ازچنین عملی جلوگیری کنند آنها رابالا آورده واز کوره خارج میکنند.

تصویر زیرطرحی است که یکی از معماران نامی برای ساختن کورهٔ اتمی ترسیم نموده ونمای خارجی کورهٔ اتمی را نشان میدهد.



پس ازآنکه کوره را آتش کردند وفعل و انفعال شروع گردید واتمها شکافته شدحرارت فوق العاده‌ای در کوره ایجادمیشود. درچنین موقعی گاز کاربن‌دای‌او کساید[۳]

---

(۱) Cadmium عنصرفلزی است برنك سفید

(۲) Boron عنصرغیرفلزی است

(۳) Carbon Dioxide

را بافشار زیاد بوسیلهٔ تلمبه بداخل کوره وارد میکنند تا گرم شده و حرارت داخل را بخارج انتقال دهد و پس از انتقال از آن استفاده کرده و توربین های برق را بوسیلهٔ آن براه میاندازند .

آنچه در بالا گفته شد شرح کورهٔ اتمی معمول است که اینك در بعضی از کشورها ساختن آنرا شروع کرده‌اند ولی مطالعات بسیاری در جریان است تا چند نوع کورهٔ دیگرهم ساخته شود . یکی از آنها کوره‌ای است که درعوض گرافیت آب سنگین را برای «ملایم کننده» بکار خواهد برد . نوع دیگر آن است که ازسرعت نیوترون ها نکاهند و کوره را طوری ترتیب دهند که عمل شکافتن اتمها بسرعت انجام گیرد . اکنون آزمایش های گوناگونی می‌شود که مناسب‌ترین و بهترین کوره هارا بسازند تا حداکثر فایده از آن بدست آید .

دراین‌جا بیمورد نیست اگر چندکلمه‌ای هم راجع بمقدار اورانیوم وتوریومی که درجهان یافت شده است بگوئیم . بزرگترین معادن اورانیومی که تاکنون کشف شده درکنگوی بلژیك بوده‌است که محصول آنرا امریکائیها وانگلیسها خریداری میکنند . درسال ۱۹٤۸ جراید بلژیك خبردادند که امریکا درسال ۱۹٤٦ سه هزار وششصد و پنجاه تن اورانیوم بمبلغ ۵۳۳۲۰۰۰ دولار خریداری کرده و درهمان سال انگلستان هم ۲٦۰۰ تن بمبلغ ٤۲۵۰۰۰۰ دولارخریده کرده‌است. میزان استخراج معادن‌مزبور ازآنوقت تاکنون خیلی بالا رفته و اکنون سالی هزارها تن از کنگو صادر میشود .

درکانادا چندین معدن اورانیوم کشف شده که مشغول استخراج آن هستند . در امریکا معادن اورانیوم درشش ایالت آن کشف شده وباوسایل جدید عمل تصفیه آن را تکمیل کرده وباستخراج پرداخته‌اند بطوریکه بعضی تصور میکنند محصول امریکا بزودی بپایهٔ محصول کنگو خواهد رسید . درافریقای جنوبی مقادیر زیادی اورانیوم درمعادن طلای آن کشور کشف شده که استخراج آن را شروع کرده‌اند . در استرالیا هم کشف معادن اورانیوم توسعه یافته ودربعضی ازمستملکات انگلیس در افریقا مانند رودزیا[1] هم اورانیوم کشف کرده‌اند . درچك اسلواکی وروسیهٔ شوروی معادن بزرگ اورانیوم کشف واستخراج شده که ازچگونگی آن اطلاعی دردست نیست ودرآلمان و سوئد هم معادنی کشف کرده‌اند . بقراریکه گفته‌میشود درمعادن کرمان‌وانارك‌اورانیوم‌یافت میشود ولی‌هیچگونه اطلاع رسمی درین‌باب منتشر نشده است .

درسال ۱۹۵۱ شعبهٔ مواد خام کمیسیون اتمی امریکا برآورد کرده بود که مقدار اورانیومی که درتمام‌نقاط جهان تاآن‌وقت کشف شده وازلحاظ اقتصادی قابل‌استخراج میباشد از۲۵ ملیون تن هم متجاوز است ولی ازآن‌تاریخ به بعدکاوشهای دیگری شده و معادن توریوم و اورانیوم در هندوستان کشف شده که مقدار زیادی برقم مذکور افزوده است .

بطوریکه درکنفرانس ژنو از طرف بعضی دانشمندان اظهار شد فعلا ازهرتن اورانیوم طبیعی برابر باهزارتن زغال سنگ انرژی میتوان بدست‌آورد وپس ازآنکه

---

[1] Rhodesia

اورانیوم مزبور نو شود یعنی بوسیلهٔ عملیات شیمیائی اضافات آن حذف شود انرژی حاصل ازهرتن‌اورانیوم برابر باانرژی پنجاه هزارتن زغال سنگ خواهد بود وچنانچه بتوان ازپلوتونیومی که دراثر استعمال اورانیوم بدست‌میآید استفاده کنند امید میرود که ازهریك تن اورانیوم طبیعی تاحدود انرژی که ازیك ملیون‌تن زغال بدست میآید بتوان بهره برد. حال اگرمقدار اورانیومی که تاکنون کشف‌شده‌است باین‌رقم ضرب کنیم‌مقدار انرژی که بدست می آید معلوم خواهد شد یعنی حداقل معادل انرژی که ازبیست و پنج ترلیون‌تن زغال‌سنگ بدست میآید.

بخش ششم - استفاده برای پی گیری

چنانکه در بخش های پیش گفته شد انرژی اتم را تاکنون برای مقاصد جنگی (یعنی ساختن بمب های اتمی) وایجاد حرارت بمنظورتولید نیروی برق بکار برده‌اند ولی علاوه برین دو درطب وصنعت و کشاورزی هم ازانرژی مزبوراستفاده‌های عمده‌ای میشود وشك نیست که بامرور ایام وتوسعهٔ تحقیقات استفاده های دیگری هم درآینده خواهند کرد. درین بخش بطوراختصار استفاده‌هائی که ازموادرادیواکتیو برای‌پی گیری وجستجو میشود شرح میدهیم.

مطالعات ده یانزده سال اخیر دربارهٔ انرژی‌اتمی معلوم داشته است موادی‌را که درطبیعت وجود ندارند وباآنکه فوق‌العاده کمیاب هستند میتوان بطور مصنوعی تولید نمود. این مواد هم ممکن است عناصرجدیدی باشند وهم ممکن است ایزوتوپ عناصر باشند. بعضی ازمواد مزبور پایدارهستند یعنی اگر بحال خودگذاشته شوند اتم های آنها تغییر نمیکنند ولی بیشتر آنها خاصیت رادیو اکتیو دارند یعنی خود بخود درهم شکسته شده واشعه‌ای ازآنهاخارج میشود. امروزمعلوم شده‌است که تقریباً تمام عناصر را میتوان بوسیلهٔ مصنوعی رادیو اکتیو کرد وپس ازکشف نیوترون ووسیله قراردادن آن برای بمباران کردن وشکافتن اتم ایجاد خاصیت رادیواکتیو وتحت تأثیر قراردادن عناصرکار نسبةً سهلی شده است. غالب مواد را میتوان درکوره های اتمی قرار داد وپس ازآنکه اتمها شکافته شدند اشعه‌ای که خارج میشود مواد مزبور را رادیو اکتیو میکند. برای شرح وبسط این مقال باید بکتابهای جدید فیزیك رجوع کرد ودرین‌جا فقط باستفاده هائی که برای پی گیری وتجسس میشود میپردازیم.

درنتیجهٔ شکافتن اتم انرژی تولید میشود وتوأم باآن تشعشع وپرتو افکنی[۱] نیز صورت میگیرد. این اشعه بمقادیرزیادی که خارج میشود برای انسان خطرناك ولازم است که ازآن دوری کند وبهمین جهت است که کوره های اتمی را بنحوی میسازند که بین انسان وآنچه درداخل کوره‌اتفاق میافتد دیوارهای ضخیمی فاصله باشد. لکن‌اگر خاصیت رادیواکتیو مواد مختلف خفیف‌باشد نه تنها برای انسان زیان‌آورنیست بلکه

---

(۱) Radiation

استفادهٔ زیادی ازآن برای پی‌گیری و کنترول وجستجو میتوان کرد .

امروز دررطب ایزوتوپهای متعددی را برای پی‌گیری بکارمیبرند . مثلا آهن‌را درکوره های اتمی گذاشته و آنرا تحت تأثیر اشعه قرار میدهند تا یك ایزوتوپ رادیواکتیودار ازآن بدست آورند وسپس آنرا درخون بدن انسان تزریق می کنند . پورفیرین[1] یکی ازاجزائی‌است که سلولهای سرخ رنگ خون‌را تشکیل میدهد وتزریق مقدار کمی ازآهن درخون تشکیل کامل سلولهای مزبوررا معلوم میدارد و زیاد و کمی آنرا واضح میسازد . ید[2] رادیو اکتیو داررا دربدن تزریق میکنند واز تأثیرآن بعمل غده های تی‌روئید[3] پی میبرند . مبنای این پی‌گیری‌ها این است : دربدن انسان مواد مختلفی موجود است مانندآب وآهن وآهك ونمك وغیره وغیره . مقدارکمی ازهمان مواد را خاصیت رادیواکتیو داده ووارد بدن میکنند تابه‌بینند عمل مواد مزبوردربدن درچه‌مدت وبه‌چه نحوی‌انجام میگیرد وچون مواد مزبور بواسطهٔ خاصیت‌رادیواکتیوی ازمواد مشابه دربدن متمایزشده است پی‌گیری ازآن وملاحظهٔ اثرات‌آن آسان‌تراست وازین راه پی میبرند باینکه چه موادی برای بدن لازم وچه موادی مضراست .

برای تشخیص بیماریها هم ایزوتوپهای رادیواکتیودار بسیارمؤثرواقع میشوند . فسفور درپوست سالم بدن زود جذب میشود وفسفوری‌را که خاصیت رادیواکتیو داشته باشد بکار میبرند تا معلوم شودکه زخمهای بدن جوش خورده است یانه . چون پوست فاسد شده فسفوررا جذب نمیکند وفسفور رادیواکتیودار ازفسفور معمولی متمایز است لذا بدین وسیله بدون تولید زحمت برای بیمار تشخیص میدهندکه پیوند های پوست گرفته است یانه . سودیوم[4] رادیو اکتیودار را درخون تزریق میکنند تا جریان خون را اندازه‌گیری کنند . ازتزریق فسفوری‌که خاصیت رادیواکتیو دارد به ورم وآماس درمغز پی میبرند . بعضی مواد رادیو اکتیودار درنقاط معین بدن زودتر ازهمان مواد که فاقد خاصیت رادیو اکتیو است جذب میشود . از تفاوت این دو به خصوصیاتی که میخواهند پی میبرند و بیماری را بسرعت تشخیص میدهند . ایزوتوپهای رادیوئی را برای عکس برداری ازنقاط مختلف بدن بکارمیبرند ودرنقاطی‌که برق نیست اینگونه ایزوتوپها بسیار سودمند واقع میشوند و روی هم رفته برای مقاصد طبی و مخصوصاً مطالعهٔ بیماری وتشخیص مرض ایزوتوپهائی‌که خاصیت رادیو اکتیو دارند بسیارمؤثر واقع میشوند .

درصنایع ماشینی ایزوتوپهای رادیوئی نقش بسیار مهمی پیدا کرده‌اند . اغلب فلزات داخل ماشین زنگ میزنند وسائیده میشوند وموجب اخلال‌کارماشینها میشوند. کشف اینگونه اختلالها مشکل است زیرا باید ماشینهارا پیاده کرد وبادقت معاینه کرد تاعیب‌آنها رفع شود . بااستعمال اینگونه ایزوتوپ ها وعکس برداری ازداخل‌ماشینها کشف معایب ماشین‌آسان شده وزودتر برفع معایب‌توفیق‌مییابند . بعضی‌ازین‌ایزوتوپها را بشکل مایع یاگاز یاگرد درآورده ودرلوله های داخلی و سوراخهای ریز بجریان می‌اندازند تا اگر جائی نشت میکند یاسوراخی پیدا شده‌که مانع کار است و یا لحیم

---

(۱) Porphyrin (۲) Iodine (۳) Thyroid (۴) Sodium

قسمتی واریخته است زودتر کشف نمایند .

درکشاورزی‌هم ازایزوتوپهائی که خاصیت‌رادیواکتیودارنداستفادهٔ بسیاری کرده ومیکنند . نباتات دراثرنورآفات‌گاز کربن را گرفته وباآب ترکیب میکنند تامواد نشاسته‌ای درگیاه را بعمل‌آورند . اکنون معلوم شده است‌که با ایزوتوپهای مختلف و اشعه‌ای‌که از آنها بدست میآید میتوان درطرز نموگیاه ها دخالت نمود و برمقدار محصول افزود .

امروز ما در آستانهٔ طرق مختلف برای استفاده از انرژی اتم قرارگرفته‌ایم وطولی نخواهدکشیدکه باادامهٔ تحقیقات ومطالعات فواید عظیمی ازآن میتوان برد .

بخش هفتم - رقابت انرژی اتم با انرژی‌های دیگر

امروز محرز و مسلم‌گردیده است‌که ترقی وپیشرفت صنعت در هرکشوری پایه و اساس رفاه وآسایش افرادی است‌که در آن‌کشور زندگی میکنند و هر اندازه‌که صنایع ماشینی پیشرفت‌کند بهمان تناسب هم سطح زندگی افراد ترقی یافته ووسایل راحتی و آسایش آنها فراهم میگردد . اولین سنگ بنای صنعت هم استفاده‌ازانرژی لازم میباشد چه بدون انرژی چرخهای صنعت بگردش نمیآید و کار های صنعتی انجام نمیگیرد. قدرت وعظمت کشور های غرب‌اروپا وامریکا مرهون‌صنایع آنهاست‌وکوشش فوق‌العادهٔ روسیه در سی‌وپنج سال اخیر برای ایجاد صنایع گوناگون ناشی از آنست که روسیه‌سعی کرده ومیکندکه کشور را صنعتی کرده‌وآسایش‌افراد خودراتأمین‌نماید.

هفت درصد از مجموع جمعیت دنیا در ممالك متحدهٔ امریکازیست میکنندوامروز کشور مزبور بزرگترین‌کشور صنعتی جهان بشمار میآید و سطح زندگی افراد آن از سطح زندگی سایر افراد بشر بالاتر ومردم امریکا از دیگران مرفه‌تر وباآسایش ترند . دلیل آن این است‌که یك چهارم از تمام انرژی‌که در سرتاسر جهان اززغال سنگ بدست میآید — ٤٨ درصد از کل انرژی حاصل از نفت - ۹۰ درصد ازمجموع انرژی‌که ازگاز نفت بدست میآید - و ٤٠درصد از تمام انرژی‌که ازآب‌عایدمیگردد درآن‌کشور تمرکز یافته‌است . مصرف این‌انرژی های‌گوناگون یعنی گردش‌چرخهای عظیم صنعت وپیشرفت صنعت یعنی افزایش سطح زندگی ودرآمد بیشتر برای مردم و بالنتیجه رفاه وآسایش مادی آنان .

کشور هائی که فاقد منابع‌کافی زغال‌سنگ ونفت وآب میباشند بالطبع‌شایق‌اند که منبع انرژی جدیدی بدست آورند تا پیشرفت وترقی صنایع خودرا تأمین نمایند و احتیاج روزافزون خودرا به انرژی از طرق جدید مرتفع نمایند وکشور هائی هم‌که چنین منابع انرژی را دارا میباشند از بیم اینکه یکروزی مواد مزبور تمام خواهدشد اشتیاق‌کامل دارندکه انرژی دیگری در دسترس خود داشته باشند . بعلاوه اگر طرق استفاده از انرژی اتم بمرحله‌ای برسدکه ارزان‌تر از نفت و زغال سنگ باشد همهٔ کشور های جهان طالب آن بوده وکوشش بسیاری برای تحصیل‌آن خواهندکرد.

امروز در امریکا چهار درصد ازکلیهٔ انرژی که بمصرف میرسد ازانسان وحیوان بدست آمده و ۹۶ درصد بقیه از آب و زغال و نفت وگاز طبیعی بدست میآید در صورتیکه در هندوستان هفتاد درصد از انرژی که مصرف‌میشود ار نیروی عضلات‌انسان و چهارپایان بدست میآید .

ارقام زیر نسبت و رابطهٔ بین مصرف انرژی و ثروت افراد را از حیث مقایسه با امریکا که ثروتمندترین کشور جهان است واضح میسازد .

کشور	جمعیت به‌ملیون	مصرف‌انرژی برای‌هرفرد	ثروت‌هرفرد
امریکا	۱۶۵	۱۰۰	۱۰۰
انگلستان	۴۵	۷۳	۷۷
روسیهٔ شوروی	۱۶۲	۱۸	۳۵
چین‌وهندوستان	۷۶۰	۲	۱۱

علائم وآثاری که تا کنون مشهودگشته است نوید این را میدهدکه تا بیست الی سی سال دیگر استفاده از انرژی اتم توسعهٔ فوق‌العاده یابد و اگر دانشمندان جهان طریقی را کشف کنندکه از مقادیر معین اورانیوم و توریوم‌موجود در قشرزمین بتوان استفادهٔمستمری نمود بیشك انرژی حاصله از اتم درآینده نزدیکی اهمیت‌زیادی کسب کرده و یکی از منابع عمدهٔ انرژی برای توسعهٔ صنایع خواهدگشت.

مقدار انرژی که امروز درجهان مصرف میشود برابر باانرژی است که‌از۱۸۰۰ ملیون تن زغال سنگ بدست میآید . طبق برآوردی که شده است درآخر قرن کنونی دنیا احتیاج به انرژی که برابر با انرژی ۷۰۰۰ملیون‌تن زغال‌سنگ است خواهدداشت ونصف این مقدار هم انرژی خواهد بودکه بمصرف تولید قوهٔ برق خواهد رسید . در صورتیکه حد اکثر استفاده از نیروی آب برای تولید برق تا پنجاه سال دیگربشود شاید ازین راه انرژی معادل با هزار ملیون تن زغال بدست آید و بقیه‌که برابر با ۲۵۰۰ ملیون تن زغال‌سنگ میباشد باید از راه های دیگر تحصیل گردد.

استخراج زغال‌سنگ‌درقرن کنونی‌توسعهٔزیادی نیافته وخرج‌استخراج آنهم دائم روبتزایدمیباشد.بعکس‌استخراج‌ومصرف‌نفت روبتزایدبوده‌وهرروزهم‌بآن‌افزوده‌میگردد ولی با توسعه‌ای که در صنایع جهان روی میدهد تصور نمیشودکه زغال و نفت‌کافی برای رفع احتیاجات آینده باشد .کشف انرژی اتم‌گشایشی درکار داده و امروز همهٔ توجهات معطوف باین است‌که از اتم انرژی لازم را بدست آورند و مخصوصاً برای تولید قوهٔ برق استفادهٔ کاملی ازآن بنمایند . کشور هائی مانندانگلستان که‌فاقدمنابع نفت بوده و استخراج زغال‌سنگ آنها هم کافی نیست بیش‌از دیگران درراه استفاده از انرژی اتم‌جدیت می‌نمایند .

دو خاصیت ممتاز در تحصیل انرژی اتم موجود است‌که آنرا بسیار مطلوب کرده است اول اینکه از مقدارکمی ماده میتوان مقدار زیادی انرژی بدست آورد .

گفته میشود اگر یك کیلو اورانیوم در کورهٔ اتمی بطوری مصرف شود که تمام اتمهای آن شکافته گردد و استفادهٔ کامل از آن بشود انرژی حاصل از آن مساوی با انرژی است که از سه هزار تن زغال سنگ بدست میآید. دوم اینکه اورانیومی که بمصرف تولید انرژی میرسد خود سوخت بارآوری است که ممکن است بوسیلهٔ تولید پلوتونیوم مقداری از آنچه مصرف شده است دوباره بدست آورد.

علاوه برین اگر مطالعاتی که اکنون دربارهٔ استفاده از پیوند دادن اتم هیدروژن با اتمهای عناصر سبك دیگر صورت میگیرد به نتیجهٔ مطلوب برسد مقدار عظیمی انرژی بدست خواهد آمد و شاید روزی بیاید که بتوان از یك لیتر آب معادل انرژی که از ده هزار تن زغال سنگ بدست میآید تحصیل نمود.

امروز تحقیقات علمی هنوز بجائی نرسیده است که بطور حتم بتوان تمام اتمهای مقدار معینی اورانیوم را شکافت واز حرارت آن استفاده نمود و یا بوسیلهٔ سوختهای بارآورد آنچه مصرف میشود دوباره بدست آورد ولی درعین حال باید گفت که مقدار اورانیوم و توریومی که تاکنون کشف شده است میتواند احتیاجات آینده را باروشهای کنونی که برای تحصیل انرژی اتمی معمول است تأمین نمود.

تاحدی که اکنون میتوان پیش بینی کرد انرژی اتمی را برای مقاصد معینی مانند تولید قوه برق میتوان بسهولت بکار برد ولی چون تولید انرژی مزبور مستلزم این است که فضای زیادی بکورهٔ اتمی تخصیص داده شود تصور نمیرود که انرژی مذکور درآیندهٔ نزدیکی با نفت رقابت نماید. علاوه بر تولید قوهٔ برق و ساختن سلاحهای اتمی برای جنگ اخیراً انرژی اتمی را در زیردریائی بکار برده‌اند وشاید برای سوخت کشتی و لکوموتیو و هواپیما هم بکار برند ولی بعید است که باین زودیها وسایلی تهیه شود که بتوان انرژی اتمی را در اوتوموبیل و امثال آن استعمال کرد.

یوجین هولمن[1] رئیس هیئت مدیرهٔ شرکت نفت استاندارد نیوجرزی در مقاله‌ای که در مجلهٔ اویل فورم[2] مورخهٔ سپتامبر ۱۹۵۵ نوشته چنین میگوید:

« مدتی است که ما مشغول مطالعهٔ تأثیر انرژی اتمی درامور نفت هستیم و این مطالعات را هم دائماً ادامه میدهیم. تمام پیش بینی های ما مشعر برین است که تا بیست سال دیگر یعنی تا ۱۹۷۵ انرژی اتمی فقط میتواند یك قسمت مختصر از کل انرژی لازم را تأمین نماید. حقیقت این است در کشور هائی هم که انرژی اتمی توسعه میابد خودموجب افزایش مصرف نفت خواهدشد. انرژی اتمی بسیار مناسب باصنایع بزرگ میباشد و صنایع بزرگ هم بنوبهٔ خود ماشینها ولوازم رابکار میبرند که سوخت آنها بوسیلهٔ نفت تأمین میگردد. لذا ما مقدم انرژی اتمی را بعنوان شریك و همکار صنعت نفت با حسن قبول میپذیریم.»

برحسب تخمینی که شده است مصرف نفت جهان تا بیست سال دیگر دو برابر خواهد شد. در اروپای غربی مصرف زغال سنگ در ده سال اخیر یك پنجم زیادشده ولی مصرف نفت دوبرابر شده است درصورتیکه نفت فقط یك پنجم کل انرژی مورد احتیاج غرب اروپا را میدهد. تا بیست سال دیگر محتمل است که مصرف نفت کشورهای

---

(۱) Eugene Holman (۲) Oil Forum

غربی اروپا بدو برابر مقداری که حالا مصرف میکنند برسد . در امریکا پیش‌بینی کرده‌اند که مصرف نفت آن کشور در بیست سال بعد شصت درصد افزایش خواهد یافت و برآوردی که برای کشور های امریکای جنوبی کرده‌اند این است که تا بیست سال دیگر مصرف نفت آنها سه برابر خواهد شد . استعداد مصرف نفت در کشور های پرجمعیت آسیا وافریقا خیلی زیاد است و اندك بهبودی در سطح زندگی مادی مردم آن قاره ها موجب خواهد شد که مصرف نفت کشور های مزبور بسیار افزایش یابد.

یك حساب نسبةً دقیقی که در بارهٔ مصرف نفت دنیا در بیست سال بعدشده‌حاکی از این است که در آنموقع دنیا بسالی ۱٤۰۰ ملیون تن نفت احتیاج خواهد داشت . انرژی اتمی تا آنوقت بمرحلهٔ تکامل نرسیده و انرژی مزبور را برای همهٔ کار هـای صنعتی نمیتوان بکار برد و شاید بزرگترین مصرف آن برای تولید قوهٔ برق باشد که رقابت آن با نفت چندان محسوس نخواهد بود . احتمال قوی میرود که رقابت بین انرژی اتم و زغال‌سنگ تا چندی بعد ظاهر گردد ولی در آنوقت هم زغال‌سنگ بجای آنکه بعنوان سوخت کارخانه های صنعتی مصرف شود مادهٔ خام بس مهمی خواهد بود که در صنایع شیمیائی بمصرف شده و استفاده های عمده ازآن خواهد شد. بنا براین تصور نمیرود که انرژی اتمی درآیندهٔ نزدیکی بتواند زغال‌سنگ و نفت را از میدان بدر برد بلکه مکمّل آنها خواهد شد . امروز تمدن‌مادی بشر متکی به‌صنایع‌ماشینی شده و صنایع هم بدون سوخت ارزان و فراوان نمیتوانندکار کنند . پیشرفت صنعت‌هم باندازه‌ای سریع است که هرروز مصرف سوخت آن افزایش مییابد و مسلماً بسوختهای قدیم و جدید هردو احتیاج خواهد داشت .

بخش هشتم - تحصیل انرژی از خورشید

سالهاست کـه تحصیل انرژی از خورشید فکر بشر را بخود معطوف کرده و بسیاری از علما درصدد برآمده‌اند که ازآن استفاده نمایند . معروف‌است که‌ارشمیدس[۱] ناوگان‌جنگی روم‌را که به‌جزیرهٔ سیسیل حمله‌ور شده بود بااستفاده ازانرژی خورشید سوزاند و معدوم کرد. قرنها بعد «بوفون»[۲] دانشمند و طبیعی‌دان فرانسوی موفق شد با انعکاس نور ۱٤۰ آئینه از شصت متری مقداری چوب خشك را آتش بزند. پس‌از وی بعضی از دانشمندان سعی کردندکه از نور آفتاب استفاده کنند . کاسینی[۳] دانشمند ایتالیائی آئینهٔ مقعری به لوئی چهاردهم پادشاه فرانسه هدیه کرد که شعاع آن یکمتر بود ودر کانون آن که نور خورشید تمرکز مییافت چنان حرارتی داشت که میتوانست آهن سرخ شده را درچند دقیقه ذوب کند . تمام این اکتشافات واختراعات بیشترجنبهٔ

---

(۱) Archimedes ریاضی دان یونانی که درقرن سوم قبل ازمیلاد درشهر سیراکوز واقع در جزیرهٔ سیسیل زندگی میکرد . (۲) Buffon طبیعی دان وریاضی‌دان فرانسوی که درقرن‌هیجدهم زندگی میکرد. (۳) Cassini ستاره‌شناس ایتالیائی که درقرن‌هفدهم زندگی‌میکرد وریاست رصدخانهٔ پاریس را بعهده داشت .

تفریحی راداشت تااینکه درپایان قرن‌هیجدهم لاووزایه[۱] موفق شد با نورآفتاب‌تجربیات علمی کند.او یك‌ذره‌بینی‌را که چهارمتر قطر آن بود درمقابل نور خورشید قرار داد و نوری که ازآن عبور میکرد روی ذره‌بینی که چهار مرتبه از ذره‌بین اولی کوچکتر بود منعکس ساخت و موفق شد بوسیلهٔ این دستگاه آهن و سایر فلزات را بسهولت ذوب کند.در سال۱۸۷۸ستاره شناس فرانسوی بنام موشه[۲] آئینهٔ مخصوصی در فرانسه اختراع کردکه میتوانست از نور خورشید موتوری راکه با نیروی بخار کار میکرد بحرکت درآورد و یك ماشین چاپ را بکار اندازد .

در سال ۱۹٤٦ فلیکس‌ترومب[۳] یکی از اعضای « مرکز ملی‌تحقیقات علمی » فرانسه باتفاق دونفر از شاگردان خود اولین‌کورهٔ آفتابی را اختراع کرد . وی یك نورافکن مخصوص توپهای ضد هوائی راکه دیگر ازآن‌استفاده نمیشد به‌مبلغ ناچیزی خریداری کرد وقطر آئینه مقعر این نورافکن دومتر بود . ترومب بااین‌آئینه اولین کورهٔ آفتابی کوچك خودرا بکار انداخت . یك آئینهٔ مسطح که روی پایهٔ مخصوصی قرار داده شد و بطور خودکار حرکت میکند نور خورشید را روی‌آئینه مقعرمیاندازد ودر کانون این آئینهٔ مقعر یعنی در ۸۵ سانتیمتری چنان حرارتی ایجاد میشود کـه میتواند درظرف یکدقیقه قریب نیم سانتیمتر مکعب توریوم راکه برای ذوب شدن به ۳۰۰۰درجه حرارت‌احتیاج دارد ذوب نماید . ترومب کورهٔ‌آفتابی‌خودرادر«مون‌لوئی» واقع در صحرای افریقا تأسیس کرده و ده سال است که بتجربیات خود ادامه میدهد . وی در مقاله‌ای که اخیراً منتشر کرده مینویسد : « من از حرارت نور اختری که ۱۳۰۰۰۰۰ مرتبه از زمین بزرگتر است و نورش پس از طی ۱٤۰ملیون کیلومتر راه بما میرسد برای بکارانداختن کورهٔ ذوب فلزات استفاده کرده‌ام. در هر کیلومتر مربع از زمین و در هردقیقهٔ خورشید چنان انرژی بشکل نور منعکس میکند که مطابق با انرژی حاصله از دویست هزار تن زغال سنگ است . فقط سرزمین فرانسه در هردقیقه انرژی برابر انرژی سوخت صدهزار ملیون‌تن زغال‌سنگ ازخورشیدمیگیرد. من یقین دارم که روزی این انرژی مانند امروز بیهوده ازمیان نخواهد رفت.»

علاوه بر کورهٔ آفتابی که فقط برای آزمایشهای علمی بکار برده میشود ترومب در الجزیره بوسیلهٔ استفاده از نور خورشید کارخانه های کوچك یخ سازی‌تأسیس کرد که هریك درروز میتواند ٦۵۰ کیلو یخ مصنوعی تهیه کند . اکنون ترومب مشغول ساختن کوره آفتاب دیگری است که هزار کیلوات برق تولید خواهد کرد.آئینهٔ‌سطحی که نور خورشید را درآئینهٔ مقعر این کوره منعکس خواهد کرد ۳۰ متر ارتفاع و۵۰ متر عرض دارد .

چنانچه کوره های آفتابی تکمیل شود و مورد استفاده قرار گیرد اراضی بایر و خشك و غیرمسکون را میتوان آبادکرد و آنهارا تبدیل بمراکز صنعتی نمود . تا

---

(۱) Lavoisier شیمی دادن معروف فرانسوی‌که درقرن‌هیجدهم زندگی میکرد

(۲) Mouchez ستاره‌شناس‌فرانسوی‌که درقرن نوزدهم‌زندگی‌میکرد (۳) Felix Trombe

کنون اشکال عمده کار این بوده است که راهی برای ذخیره کردن انرژی حاصل از نور خورشید را بدست آورند تا برای شبها و روز های ابر که آفتاب نیست ذخیرهٔ لازم را داشته باشند.

اخیراً در امریکا اختراع جدیدی کرده‌اند که در روز های آفتابی نور خورشید را تبدیل به نیروی برق میکنند و بعد باتریهای متعددی را با قوهٔ برق پر میکنند که ذخیره‌ای برای روز های ابر و شبها باشد. در ایالت جورجیا [۱] امریکا یك‌خط تلفون را بااین باتریها بکارانداخته‌اند ولی مصرف برق آن کم است.

بطورکلی تحصیل انرژی خورشید یکی دیگر ازوسایلی است که‌علماودانشمندان در بـارهٔ آن بمطالعه پرداخته و سعی میکنندکه وسایل استفادهٔ از آن را فراهم سازند. هرقدر انرژی های مختلف زیادتر شود وسایل راحتی بشر کامل‌تر میگردد و همانطورکـه در اول این فصل گفته شد انرژیهای مختلف مکمل یکدیگر بوده و هیچیك قادر باین نخواهد بود که دیگری را از میدان خارج کند. اگر انرژی اتمی تکمیل شد و جای زغال را برای سوخت گرفت زغال بمنزلهٔ مواد خـام برای صنایع شیمیائی مصرف خواهد شد و اگر انرژی مزبور با نفت رقابت کرد نفت برای خـود جای دیگری در صنایع پیدا خواهدکرد. نکتهٔ مهمی که باید درنظر داشت این است که نفت و زغـال موادی هستند که تمام شدنی میباشند و پس‌از آنکه تمام زغال ونفت یك معدن استخراج شد دیگر دوباره نمیتوان آنرا تولیدکرد.

---

(۱) Georgia

فصل ششم

بخش نخستین = امتیازات نفت ایران در قرن نوزدهم

بخش دوم = امتیاز دارسی و جریان تحصیل آن

بخش سوم = آغاز عملیات و تحصیل سرمایه

بخش چهارم = پیشرفت عملیات تا جنگ اول و شرکت دولت انگلستان

بخش پنجم = اولین اظهار نظر مردم در بارهٔ امتیاز دارسی

بخش ششم = اختلافات با دولت ایران پس از جنگ اول جهانی

بخش هفتم = توسعهٔ صنعت نفت ایران پس از جنگ اول جهانی

بخش هشتم = مذاکرات برای تجدید امتیاز

بخش نهم = شرایط پیشنهادی کدمن و مذاکرات بعد

بخش دهم = الغای امتیاز دارسی

بخش یازدهم = مذاکرات برای عقد قرارداد ۱۹۳۳

فصل ششم

بخش نخستین - امتیازات نفت ایران درقرن نوزدهم

درسال ۱۸۷۲ میلادی مطابق باسنه ۱۲۸۹ هجری قمری هنگامیکه میرزا حسین خان سپهسالار صدراعظم ایران بود امتیازی به بارون جولیوس رویتر[۱] داده شد که مواد مربوط بنفت آن بقرار زیراست :

« فقره یازدهم - دولت علیهٔ ایران بحکم امتیازنامه وقرارنامهٔ حاضره باصحاب این امتیازحق مخصوص و امتیاز انحصاری و قطعی میدهد که درمدت طول این امتیاز درتمام ممالك ایران معادن زغال سنگ وآهن و مس وسرب وپترول (نفت) و غیره را و هرمعدن دیگر که ایشان مناسب بدانند کار بکنند وازآنها تمتع بردارند بغیر ازآن معادنی که ملك مردم است وصاحبان آنها درآنها کار میکنند. درخصوص این نوع معادن هرگاه کمپانی بخواهد آنهارا بخرد باید باصاحبان آنها برضای طرفین معامله نماید. بطوروضوح مقرراست که هیچیك ازکارگذاران و مأمورین دولتی ومذهبی وهیچیك از رعایا وتبعه واشخاص نمیتوانند درخصوص یك معدن ادعای حق تصرف نمایند مگردرصورتیکه مدت پنج سال قبل علناً وبامعرفت وتصدیق عامه درآن معدن کار کرده باشد خارج ازاین شرط است . هرمعدنی که کمپانی پیدا کند مثل زمین ساده و عادی محسوب خواهد شد واز جانب کمپانی بقیمت متداولهٔ آن ولایت خریده خواهد شد واگر لازم شود دولت صاحب یا اصحاب آن زمین را مجبورخواهد کرد که آنرا بقیمت متداوله آن ملك بکمپانی بفروشد . دولت معادن طلا ونقره وجواهررا برای خود نگاه میدارد . ازبرای کار کردن این نوع معادن دولت میتواند با کمپانی قرارداد های مخصوص بگذارد » .

«فقره دوازدهم - ازمحصولات خالص هرمعدنی که کمپانی بکار بیندازد دولت ایران ازمنافع خالص آن سالی صدی پانزده مرسوم ومقررخواهد داشت» .

درباب امتیاز رویترفقط نظرچند نفرازمعاصرین آنزمان را در اینجا نقل میکنیم تاخواننده خود قضاوت نموده وباعماق جهل ونادانی متصدیان امور وقت پی برد :

لرد کرزن[۲] دربارهٔ این امتیازدرصفحه ۴۸۰ جلداول کتاب خود موسوم به «ایران ومسئله ایران» چنین مینویسد :

« وقتیکه امتیاز رویترمنتشر گشت مندرجات آن حاکی ازتسلیم کامل وخارق العادهٔ

---

(۱) Baron Julius de Reuter یهودی آلمانی بود که تابعیت انگلیس راقبول کرده ومؤسس خبرگزاری معروف رویتر بوده است.

(۲) Lord Curzon که چندی نایب السلطنه هندوستان وبعدها وزیرخارجه انگلستان شد یکی از سیاستمداران مرتجع وامپریالیست انگلیس بود.

کلیه منابع صنعتی کشور به بیگانگان بود و این کاری بود که هیچگاه در تاریخ سابقه نداشته وحتی شاید خواب آنرا هم کسی نمیدیده است . علاوه برموادی که مربوط بساختن راه آهن وتراموای بوده وحق انحصار آنرا برای مدت هفتادسال به بارون دورویتر اعطا میکرد امتیاز برای همان مدت حق انحصار استخراج کلیه معادن ایران را باستثنای معادن طلا ونقره وسنگهای قیمتی وانحصار بهره برداری ازجنگل های دولتی که کلیه اراضی بایرهم مشمول آن می شد وانحصار ساختن کانال وقنات وهرگونه تأسیسات آبیاری را بصاحب امتیازمیداد . ونیزامتیازمزبورحق رجحان ایجاد بانك ملی وهرگونه تأسیسات مربوط بساختن جاده ها وخطوط تلگرافی وکارخانه ها وکارهای عمومی از هرقبیل را برای بارون دورویتر محفوظ میداشت. کلیهٔ گمرکات کشور ازاول مارس ۱۸۷٤ تابیست وپنج سال باجارهٔ صاحب امتیاز درمیآمد واو مبلغ معینی درپنج سال اول بشاه پرداخته و دربیست سال بعد شصت درصد از درآمد خالص گمرك بمبلغ مذکور اضافه میگشت نسبت بسایرمنافع بیست درصد ازسودراه آهن وپانزده درصد ازسایرمنابع برای دولت ایران منظور گشته بود. اینها شمه ای ازمندرجات امتیازی بود که مانند گلولهٔ توپ دراروپا صدا کرد وقبل ازآنکه ناصرالدین شاه برای اولین مرتبه در سال ۱۸۷۲ باروپا عزیمت نماید سند مزبورانتشاریافت ..... درحقیقت محافل بازرگانی دنیا ازاعطای چنین امتیاز مات ومبهوت شده بودند و بارون دو رویتر بزودی درك کرد که بدون تضمین دولت نه او میتوانست قرضهٔ شش ملیون لیره مندرج درماده شانزده امتیازنامه را در بازار لندن راه بیاندازد ونه توانائی آنرا داشت که شرکتی تشکیل دهد تاازامتیازمزبور بهره برداری کند. عیوب سیاسی امتیازهم بسیار زیاد واعتراضات بآن بسی سخت ومحکم بود . اجرای امتیازنامه موجب میشد که منازعهٔ دائم و ناشایسته ای بین انگلیس و روس درایران درگیرد وممکن بود که تولید مزاحمت های شدید بین المللی بنماید . ولی بعقیدهٔ من از همهٔ اعتراضات قوی ترآن بود که امتیاز مزبورآزادی وحقوق حقهٔ یك ملتی را بنفع سفته بازان بیگانه کاملاً ازمیان میبرد ».

سرپرسی سایکس[۱] که تاریخی راجع بایران نوشته است (جلد دوم صفحه ۳۷۰) درباب امتیاز رویترچنین مینویسد :

« میرزا حسین خان صمیمانه معتقد بود که نجات ایران منوط باین است که ازطرفی کلیهٔ تعهدات ایران را نسبت بروسیه انجام داده وازطرف دیگر آبادی وعمران کشوررا بایاری انگلستان تأمین نماید . درتعقیب چنین سیاستی قصد داشت که یك انحصارعظیمی بوجودآورد که بوسیلهٔ آن راه آهن ساخته شود ومعادن استخراج گردد و بانك ملی بوجود آید وحاضر بود که درازای آن گمرك وهمچنین سایرمنابع کشوررا تضمین دهد . امتیاز این کار را به بارون جولیس دو رویتر که به تبعیت انگلیس درآمده بود واگذار کرد واو هم نظر داشت که چندشرکت برای بهره برداری ازاین امتیاز وسیع تشکیل دهد».

---

(۱) Sir Percy Sykes مدتها درایران زندگی کرده وسمت قونسول انگلیس را در نقاط مختلف داشت ودرجنك بین الملل اول فرمانده پلیس جنوب بود.

دکتر تلوزان فرانسوی پزشك مخصوص ناصرالدین شاه که سالهای متمادی در ایران اقامت داشت در نامه‌ای که بناصرالدین‌شاه نوشته ومعلوم است که باامتیاز رویتر مخالفت داشته چنین گفته است[۱] :

« ثانیاً همینقدرخوشبختم مسئله‌ای که جمعی اصراردر کتمان واخفای آن بخاکپای همایون داشته ودارند بربندگان پادشاهی مسلم گردد واین فقره عمل (رویتر) است که کراراً عرض کرده‌اند ما این ماجرا را خوابانده‌ایم واین عمل را تمام کرده‌ایم اگر چنین بود پس چرا دریادداشت مسیوطومسون، شارژدافرانکلیس تقریباً بیست روز قبل بوزارت خارجه دولت علیه ایران فرستاده است بالصراحه دریکی از فصول آن نوشته تصریح بلکه تشریح کرده است که عمل (رویتر) را نه تنها فورنگ اوفیس (وزارت خارجه انگلیس) بلکه خود شخص ملکه باطل ندانسته برقرارمیداند » .

پس از نقل عقاید خارجیان نسبت بامتیاز رویتر اینك نظر سیاستمداران وقت ومتملقین درباری را درزیرمیآوریم تاملاحظه شود که چه اندازه جاهلانه وبچه گانه فکر می کرده‌اند . پس‌ازآنکه در شرایط امتیاز رویتر بین‌طرفین توافق‌حاصل‌میشود بدستور ناصرالدین شاه مجلسی ازوزیران و رجال دولت تشکیل میگردد تاآنرا بررسی نمایند ونظرخودرا گزارش دهند . اعضاء این مجلس گزارشی تهیه و برای شاه میفرستند که قسمتی ازآن درزیرنقل میشود[۲] :

«ماجان‌نثاران بقدری که درقوهٔ عقل واطلاعات شخص خود بوده درباب راه‌آهن مذاکره وگفتگو نمودیم هرگاه بخواهیم معظمات نتایج آن‌کار وکثرت غبن وضررهای تأخیر این عمل را شرح بدهیم درخاکپای همایون کمال جسارت ومنتهای بی‌ادبی‌خواهد بود. دراین‌عصر کدام ذی‌شعوری‌است که فواید راه‌آهن‌را مثل‌آفتاب معترف وبراعجاز آن مقرّ نباشد بنابراین از لزوم ومنافع این عمل هیچ عرض نخواهیم کرد .... اکنون انجام این مطلب بزرگ که بلاشك اسباب احیای جمیع این‌صفحات خواهد بود منوط بیك اشاره شاهی است . هرگاه اسم مبارك همایون خود را برین امتیازنامه مرقوم فرمایند بهمین گردش یك قلم بیش از جمیع خدماتی که سلاطین ایران درین چند هزار سال بملت خودکرده‌اند باین خاك و ملت مرحمت و احسان و عطای حیات حقیقی فرموده اند . »

کسانی که این گزارش‌را مهروامضاء کرده عبارت بودنداز: ناصرالملك (محمود خان قراگوزلو جد ابوالقاسم خان ناصرالملك که بعدها دردورهٔ دوم مجلس شورایملی به نیابت سلطنت‌انتخاب گردید) - نظام‌الدوله (دوستعلی‌خان معیرالممالك وزیرمالیه) - قوام‌الدوله (محمد خان وزیر محاسبات و جد بزرگ ابوالقاسم خان و غلامحسین خان فروهر) - میرزا سعید خان (وزیرخارجه) - عمادالدوله (شاهزاده محمد علی میرزا) - معتمدالملك (یحیی خان) - اعتضادالسلطنه - امین‌الملك (پاشاخان) - دبیرالملك (محمد حسین خان وزیرداخله) .

---

(۱) نقل‌ازکتاب «عصربی‌خبری» تالیف ابراهیم تیموری صفحه ۱۵۰

(۲) نقل‌ازکتاب «عصربی‌خبری» تألیف ابراهیم تیموری‌صفحه ۱۰۴ که کتاب بسیارسودمندی‌است.

چنانکه در تاریخ ضبط است امتیاز رویتر بواسطهٔ مخالفت شدید دولت روس واعتراضات رجال وعلماء وقت پس ازچندی ملغی گشت.

در سال ۱۸۸٤ یك شرکت انگلیسی بنام شرکت هوتز[۱] که بتجارت واردات وصادرات مشغول ومرکزش دربوشهر بود امتیازی برای استخراج نفت دالکی واقع در نزدیکی بوشهر ازدولت ایران تحصیل کرد وچاهی هم حفر نمود که چندان عمیق نبودوچون بنتیجه نرسید ازاین کار صرفنظر کرد وحقوق خود را بشرکت معادن ایران که بعد تشکیل شد واگذار نمود.

بارون رویتر پس از الغای امتیازش که در بالا گفته شد بآسانی دست از دعاوی خویش برنمیداشت و هر چندوقت یکبار توسط سفارت انگلیس بدولت ایران اعتراض میکرد و ادعای خسارت خودرا ضمن پیشنهاد های مختلف تجدید می نمود. پس از روی کار آمدن امین السلطان ومأمور شدن سردرموندولف[۲] بسمت وزیرمختاری انگلیس در ایران مذاکراتی برای خاتمه دادن باین ادعا آغاز گشت ودرهمان اوقات ناصرالدین شاه در صدد تهیهٔ مقدمات سفر سوم خود باروپا بود وبرای این کار پول لازم داشت. نتیجهٔ مذاکرات امین السلطان ووزیرمختار انگلیس امتیاز دیگری بود که درسال ۱۸۸۹ به رویتر داده شد و بعدها بنام امتیاز بانك شاهنشاهی مشهور گشت. طبق فصل ششم امتیاز مزبور بانك چهل هزار لیره بدولت قرض داد که مخارج مسافرت شاه بفرنگ تأمین گردد. فصل یازدهم وسیزدهم امتیازنامه بانك شاهنشاهی بقرار زیر است:

« فصل یازدهم ـ معادن — از آنجائیکه بانك شاهنشاهی حاضر است که برای احیاء تمام وسائل استخراج ثروتهای طبیعی مملکت فوراً کمال قدویت را بجا بیاورد دولت علیه به بانك مزبور ودر تمام مدت این امتیازنامچه امتیاز مانع لغیر قطعی میدهد که درتمام وسعت مملکت ایران معادن آهن ومس وسرب و زیبق و زغال سنگ ونفت و مانگانز و بورق وآمیانت را کـه متعلق بدیوان میباشد و قبل از وقت بدیگران واگذار نشده اند دایر نماید. چون مصادف این امتیازنامچه دولت علیه ایران درروز امضای این امتیازنامچه به بارون ژولیوس رویتر صورت رسمی معادنی را خواهدداد که قبل از وقت بدیگران داده شده اند — معادن طلا ونقره و جواهرات وآن فلزاتیکه در فوق ذکر نشده اندمتعلق بدیوان میباشند لاغیر ومهندسین بانك که آنها راکشف کنند مجبوراً فوراً کشف آنها را بدولت بندگان اعلیحضرت شهریاری اطلاع بدهند».

« دستمزد — غیراز مهندسین و سرکارهائیکه ضروری میباشند تمام عمله جات معدنچی که برای دایر نمودن معادنش بانك اجیر نماید از میان تبعهٔ بندگان اعلیحضرت اقدس شهریاری منتخب خواهند شد».

« دولت علیه ایران بتمام وسائلی که در دست دارد بانك را اعانت خواهد کرد از اینکه دستمزد عمله جات لازمه بنرخ عادله وقت برایش میسر شود. تمام معادنیکه بانك ده سال بعداز تشکیل خود شروع در دایر نمودن آنها ننموده باشد مثل این ملاحظه خواهند شد که بانك مزبور صرفنظر ازآنها نموده است و دولت علیه خواهدتوانست

---

(۱) Hotz & Son (۲) Sir H. Drummond Wolff

هرنوع تصرف درآنها بکند بدون اینکه بانك صاحب امتیاز بتواند مانع شود.»

« فصل سیزدهم ـ منفعت دولت — از منافع خالص تمام معادنی که بانك‌دولتی دایر نموده است دولت علیه ایران سالی شانزده درصدش را اخذ خواهد نمود» .

در ضمیمهٔ چهارم بامتیازنامه بانك فصلی راجع بواگذاری معادن هست بشرح زیر :

« فصل نهم ـ خود بانك معادن وکار هـای دیگر مذکوره درفصل یازدهم و دوازدهم و سیزدهم از امتیازنامچه وایضاً کارهای تجارتی‌مذکور درفصل اول‌ازامتیاز‌نامچه دایر نخواهدنمود اما بانك حق خواهد داشت یاهمه یایکی از حقوقیکه‌مطابق فصول مزبور اعطا شده‌اند بکسی یا بکسان بفروشد یا واگذار نماید واین فروش یا واگذاری مطابق فصول امتیازنامچه خواهد بود مشروط براینکه آنکس یاکسان را جهت‌اجازه بدولت‌علیه معرفی کند وبدون چنین اجازه ازجانب دولت‌علیه‌چنین‌واگذاری یا فروش‌کامل نخواهد بود » .

چندی بعد بانك شاهنشاهی بموجب اجازه‌ای‌که از دولت‌ایران تحصیل کرده بود حقوقی را که برای استخراج وبهره‌برداری معادن ایران داشت بیك شرکت‌انگلیسی موسوم به «شرکت معادن ایران»[۱] که برای این‌کار تشکیل شده‌بود بمبلغ ۱۵۰هزار لیرهٔ‌انگلیسی واگذار کرد. سرمایه شرکت‌مزبور یکملیون‌لیره بود که عده‌ای‌ازسرمایه داران روسی وبلژیکی وفرانسوی هم درآن شرکت داشتند.

شرکت معادن ایران عده‌ای مهندس وزمین‌شناس بایران اعزام‌داشت که‌مطالعاتی برای کشف معادن بنمایند. درقسمت معادن نفت حقوقی‌راکه شرکت هوتز تحصیل کرده بود خریداری کرده و زمین شناسان شرکت درسمنان و دالکی ودرجزیرهٔ قشم‌بکاوش پرداختند. دردالکی وقشم‌دستگاههای حفاری جدید برای اولین مرتبه در ایران بکار افتاد و در دالکی چاهی بعمق ۲۷۰ متر ودر قشم چاهی بعمق ۲۵۰ متر حفرشد ولی بنتیجه‌ای نرسید .

شرکت‌معادن ایران چندسالی درایران بکاوش مشغول شد ولی چون‌سرمایهٔ‌کافی نداشت وقضیهٔ حمل ونقل بسیارگران تمام میشد توفیقی نیافت ودر رأس موعد ده‌سال طبق فصل یازدهم امتیازنامه حق استخراج معادن‌آن خود بخود ملغی گردید . شرکت مزبور مقداری ماشین‌آلات مختلف وارد و بمعادن مانگانز کرمان حمل کرد و معلوم شدکه هزینهٔ حمل‌ونقل یك تن سنگ مانگانز ازکرمان به بندرعباس بین شش و ده شیلینگ بوده‌که نمیتوانست بـا سنگ مانگانز سایرنقاط دربازارلندن رقابت‌نماید .

در سال ۱۸۹۹ یعنی در دورهٔ سلطنت مظفرالدین شاه و هنگام صدارت میرزا علی‌اصغر امین‌السلطان دونفر ازسرمایه‌داران‌روس‌امتیازی برای استخراج‌معادن‌محال قراجه‌داغ آذربایجان تحصیل کردند . درفصل اول این امتیاز حق‌مانع للغیربآنهاداده داده میشود که تا مدت ده سال حق‌کاوش درمعادن قراجه‌داغ‌را داشته‌باشندوچون‌معادن نفت استثناء نشده بود روسها مدعی بودندکه معادن نفت هم جزو امتیاز بوده‌است.پس

---

(۱) The Persian Mining Corporation

از ده سال معادنی را که صاحبان امتیاز کشف میکنند حق داشتند تا انقضاء مدت امتیاز که هفتاد سال بود استخراج نمایند. پس از ده سال اول مدت کاوش برای سه سال تمدید گشت و بعد صاحبان امتیاز بدولت اطلاع دادند که هشت نوع معدن مختلف را کشف و بکار انداخته‌اند. این امتیازنامه هم پس‌از انعقاد عهدنامه ایران و شوروی در سال ۱۹۲۱ میلادی باطل گردید.[۱]

بخش دوم - امتیاز دارسی و جریان تحصیل آن

در باب طرز بدست‌آوردن امتیاز دارسی افسانهٔ شگفت‌آوری منتشر شده‌است که هیچ مبنا واساسی ندارد و باندازه‌ای متناقض واغراق‌آمیز است که باور کردن آن برای شخص بیغرض و کنجکاوی که مایل است مطالب را با ادله و برهان بپذیرد بسی دشوار میباشد. افسانهٔ مزبوررا چندنفراز نویسندگان فرانسوی و اتریشی یا بعبارت صحیح تر روزنامه‌نویسان این دو کشور ساخته و پرداخته‌اند.

اولین دفعه قصهٔ دارسی وربودن امتیازاو بدست مأمورین خفیهٔ انگلیس درمجلهٔ لاگرا پوئیو[۲] تحت عنوان «جدال راکفلر ودتردینگ» در پاریس منتشر گشت. بعد انتون زیشکا[۳] در کتاب خود موسوم به «جنگ مخفی برای نفت» آورد سپس هروقت کسی‌خواست قصه‌وافسانه‌ای راجع بنفت‌بنویسدآنرا نقل کرد. درایران اولین مرتبه‌این افسانه درروزنامهٔ شفق‌سرخ‌منتشر گشت وچون‌مردم ایران‌نظرخوبی‌نسبت بامتیاز دارسی نداشتند بارغبت‌زیادآنراقبول کردند. بی‌شك اگردقتی دروقایع مذکور درافسانهٔ‌مزبور بشود معلوم‌خواهد شد که اساسی‌ندارد و خود انتون زیشکاهم ضمناً بافسانه بودن آن معترف است.

بهرحال چون این قصه وافسانه کهنه شده وبی‌اعتباری آن‌هم مشهور است ازآن میگذریم وبشرح واقعی قضیه میپردازیم:

چند سال قبل از اعطای امتیاز دارسی مسیودومرگان[۴] باستان شناس فرانسوی که سالها درشوش مشغول کاوش برای کشف آثار باستان ایران بود مقاله‌ای در مجلهٔ معادن[۵] که درپاریس چاپ میشد نوشت وراجع بوجود نفت درغرب وجنوب غربی‌ایران شرح مفصلی نگاشت.

یکنفرارمنی‌ایرانی بنام کتابچی‌خان که درآنموقع متصدی ادارهٔ گمرك بود مقالهٔ مزبورراخوانده وچون درمسافرت خود بنقاط غرب ازآثارسطحی نفت مطلع شده بود مطمئن شدکه منابع مهم نفت درایران وجود دارد. کتابچی خان سفری بپاریس رفت

---

(۱) امتیازات نفتی‌که درقرن نوزدهم باتباع ایران داده‌شد درفصل‌دیگری ذکرشده‌است.

(۲) La Grapouillot (۳) Anton zischka یکنفرروزنامه نویس اتریشی است وکتاب اورا داوودداودی بفارسی ترجمه کرده ومنتشر نموده‌است.

(۴) Monsieur de Morgan

(۵) Les Annales Mines

ودرآنجا نظر بسابقهٔ دوستی با سرهانری دروموندولف[۱] که چندی قبل ازآن تاریخ سمت وزیرمختاری انگلیس‌را درایران داشت‌ملاقاتی نمود . ضمن‌این‌ملاقات کتابچی‌خان به مقاله دومرگان اشاره کرد ومشاهدات شخصی خود را در بارهٔ وجود نفت متذکر گردید وازسردروموندولف تقاضا کرد که وسایل‌آشنائی‌اورا باسرمایه داران انگلیسی فراهم‌نماید تامطلب‌را باآنها بمیان گذارد وازآنها دعوت کند که برای‌استخراج نفت ایران اقدام نمایند . سردروموندولف که‌خودچندسال‌وزیرمختارانگلیس‌درایران‌بوداطلاعاتی راجع بمنابع نفتی ایران داشت وبه‌کتابچی‌خان وعدهٔ اقدام داد وازپاریس عازم لندن شد که درآنجا باسرمایه داران وارد مذاکره شود . درلندن سردروموندولف باشخصی بنام‌ویلیام ناکس‌دارسی[۲] آشنا شد واورا تشویق‌نمود که سرمایهٔ خودرا برای‌استخراج نفت ایران بکاراندازد .

دارسی در سال ۱۸۴۹ میلادی درشهر نیوتون‌ابوت[۳] واقع در ایالت دونشیر[۴] انگلستان متولد شد وتحصیلات متوسطه خودرا در مدرسه وست‌مینستر[۵] لندن بپایان رسانید.درسال۱۸۸۶هنگامیکه‌دارسی هفده‌ساله بود پدر او که شغلش‌وکالت‌دادگستری بود با تمام خانواده‌اش باسترالیا مهاجرت کردند.



دارسی

در استرالیا دارسی در دارالوکاله پدرش مشغول‌کار شد تا اینکه روزی یکی از مشتریان تکه سنگی را باو نشان‌داده‌وگفت که در نزدیکی محلی‌که او سکنی دارد یك‌کوه بزرگی از این سنگها یافت میشود . بعد معلوم شد که آن تکه سنگ طلا داشته‌و ازاین برخورد معدن طلای معروف مونت‌مورگان[۶] کشف گشته و استخراج شد . چند سالی نگذشت که دارسی و شرکای او فواید بسیاری برده‌وهمه آنهامیلیونر شدند.غالب‌مردم‌پس‌ازآنکه‌چنین‌بخت و اقبالی بآنهاروی‌میدهدقانع‌شده‌وباثروتی که بدست‌آورده‌اندزندگانی با رفاهی برای خود تهیه کرده وکنار میروند ولی دارسی ازاینگونه مردم‌نبود و روح ماجراجوی او طالب ترقی وپیشرفت بیشتری بود . در آن موقع صحبت نفت و منافع سرشار آن زیاد زبانزد خاص وعام بود و دارسی بفکر این افتاد که ثروت خودرا در کار نفت بکار برد واستفاده های بیشتری نماید. این بود که بانگلستان معاودت کرد و ازگوشه‌وکنار تحقیقاتی دربارهٔ نفت مینمود .

درچنین موقعی بود که سردروموندولف با دارسی آشناشد ودربارهٔ نفت‌ایران با او مذاکراتی نمود . نتیجهٔ این مذاکرات این شد که سردروموندولف کتابچی خان را بلندن خواست واورا با دارسی آشنا نمود .کتابچی خان شرح وبسط زیادی راجع به منابع نفت ایران برای او داد و نوشته های دو مرگان را شاهد آورد . دارسی تصمیم گرفت که زمین شناس مطلع وکارآزموده‌ای را انتخاب وبایران اعزام دارد تا دراین

---

(۱) Sir H. Drummond Wolff (۲) William Knox D'Arcy (۳) Newton Abbot
(۴) Devonshire (۵) Westminster (۶) Mount Morgan Gold Mine

باره گزارش جامعی باو بدهد و زمین شناسی بنام برلز[۱] با یکنفر معاون بنام دالتن[۲] ازطرف دارسی استخدام و بایران اعزام گشتند . این متخصصین پس از مطالعه درمحل گزارش رضایت بخشی داده و گفتند که کشف نفت در حوالی قصرشیرین و شوشتر بسیار محتمل ودر نقاط دیگر هم امید بسیاری میرود .

در ۱۹۰۱ دارسی نماینده‌ای باسم ماریوت[۳] به معیت کتابچی خان بتهران اعزام داشت که با دولت داخل مذاکره شده و امتیازی تحصیل نمایند. ضمناً ماریوت سفارشنامه‌ای از سردروموندولف برای وزیرمختار انگلیس که در آنوقت سرارتور هاردینگ[۴] بود همراه داشت که همه نوع مساعدت با او بنماید .



ماریوت

وزارت خارجه انگلیس به هاردینگ دستور کلی داده بود که هنگام مأموریتش در ایران کوشش بسیار نماید که امتیاز نفت نواحی جنوب ایران را برای یکی از اتباع انگلیس تحصیل کند و بقسمی رفتار نماید که موجب تحریك روسها هم نشود . موقعیکه سفارشنامه سلف او رسید هاردینگ موقع را مغتنم شمرده و باقدام پرداخت و بنمایندهٔ دارسی توصیه نمود که پنج ایالت شمالی را جزو پیشنهاد خود منظور ندارد تا ازاعتراض روسها کاسته گردد .

ماریوت و کتابچی خان پس ازورود بتهران پیشنهادی تنظیم کرده و بمظفرالدین شاه تسلیم نمودند واوهم که کاملاً تحت نفوذ سیاست روس قرار گرفته بود بی درنگ ازقبول آن امتناع نمود .

درینوقت هاردینگ دخالت نموده و بملاقات اتابك (امین السلطان) رفت وازاو تقاضای مساعدت نمود وضمناً به ماریوت دستور داد که مواعید لازمه را بمتصدیان امر داده وآنهارا بنحو مطلوب تطمیع نماید .

سرارتورهاردینگ در کتابی موسوم به «یك دیپلمات درشرق»[۵] (صفحه ۲۷۸) چنین مینویسد :

« اتابك اعظم اظهارداشت که خاطراست باپروژه ما موافقت نماید و پیشنهاد کرد که من نامه‌ای بفارسی خطاب باو بنویسم وشرایط عمدهٔ امتیازرا درآن ذکرنمایم تااو نامهٔ مزبوررا بسفارت روس تسلیم نماید . اتابك مستحضر بود که وزیرمختارروس موسوم به مسیو ارگی روپولو[۶] نمیتواند خط فارسی را بخواند مخصوصاً وقتیکه فارسی بخط شکسته نوشته شده باشد وضمناً بوسیله جاسوسانی که داشت آگاه شده بود که

---

(۱) H.T. Burls (۲) Dalton (۳) Marriot

(۴) Sir Arthur Hardinge (۵) A Diplomat in The East (۶) Mr.Argyropulo

دبیر شرقی سفارت روس موسوم به مسیو استریتر[1] که تنها عضو آن سفارت بود که میتوانست خط را بخواند اززرگنده عازم ییلاقهای کوهستانی است و چند روزی غائب خواهد بود . لذا اتابك کاغذی را که دستورداده بود و من نوشتم بسفارت روس در زرگنده فرستاد ومدتی درآن سفارت بدون اینکه ترجمه شود ماند تادبیرشرقی ازییلاق مراجعت کرد . دراینوقت اتابك اظهارداشت که ازطرف سفارت روس اعتراضی بامتیاز نشده است (درحالیکه وزیرمختار روس از مندرجات نامه‌ای که نمیتوانست بخواند اطلاعی نداشت وحتی سوء ظنی هم نسبت بمندرجات بس مهم آن نبرده بود). و لذا همهٔ اعضای دولت نظر اتابك را تأئید کرده وامتیاز به دارسی واگذار وبصحهٔ شاه رسید. وزیرمختار روس پس ازاطلاع ازجریان امر بسیار رنجیده خاطر گردید ولی گناه اتابك نبود اگر بطورتصادف وموقت مترجم سفارت روس غائب بود . بنابراین وزیرمختار روس یگانه راه عاقلانه وعملی را انتخاب نموده وقضیهٔ انجام شده را قبول کرد » .

پس ازآنکه امتیاز دارسی بصحهٔ شاه رسید وزیرمختارروس تقاضا کرد که جبران این کار بنحوی بشود که رضایت او فراهم گردد . درآنوقت یك جوان اسکاتلندی در وزارت دارائی ایران شاغل مقام نسبةً مهمی بود وچون وزیر مختار روس تصور کرده بود که او درامر اعطای امتیاز دارسی مؤثر بوده است تقاضای اخراج او را نمود . وزیرمختارانگلیس باخراج او اعتراض نمود ولی مؤثرواقع نشد و اتابك برای جلب رضایت روسها این‌جوان‌را که موسوم به مکلین[2] بود ازکار برکنار کرد و به‌هاردینگ گفته بود که ایران کشورمستقلی است ومسئلهٔ اخراج یك کارمند دولت مربوط به تصمیم شاه میباشد . هاردینگ هم این کار را عمل انجام شده‌ای تلقی کرد وبه مکلین شغل افتخاری وابستهٔ بازرگانی سفارت انگلیس را واگذارنمود . درصفحهٔ ۲۸۰ همان کتاب هاردینگ مینویسد :

« ازآنوقت به بعد من درك کردم هرجا که منافع روسها دربین باشد هیچگونه اعتمادی به اتابك نمیتوان داشت . شاه که از لحاظ فکر کودك سالخورده‌ای بیش نبود ازلحاظ استقامت مزاج چون نائی شکسته نحیف وناتوان شده بود . وضع عجیب کشور هم که سالهای متمادی بطرز بسیارناگواری اداره میشد وضعی را پیش آورده بود که هردولت خارجی که بیشتر بمتصدیان فاسد وبی‌دفاع کشورپول وتعارف میداد یاباصدای رساتری آنهارا تهدیدمینمود میتوانست آنانرا ازپای درآورده ومجبوربتسلیم نماید» .

هنگامیکه امتیاز نفت بدارسی داده شد دولت انگلیس ادعا نمود که دخالتی در تحصیل امتیازمزبور نداشته است ولی گفته ها و نوشته های دیپلوماتهای انگلیسی این ادعارا باطل میسازد .

نکته‌ای که نبایداز نظردورداشت وازروی کمال بیطرفی باید باذعان آن پرداخت این است که هنگام اعطای امتیازدارسی نه امتیازگیرنده ونه امتیازدهنده ازآیندهٔ نفت ایران اطلاعی

---

[1] Mr. Stritter

[2] Mr. Maclean

داشت و پیشرفتهای علمی برای کاوش نفت هم بپایهٔ امروز نرسیده بود که وجود نفت را تاحدی بتوان پیش‌بینی نمود واعتمادی بآن داشت . امتیازنامه پیشنهادی بود که یك سرمایه‌دار ماجراجوی خارجی بدولت داده وحاضرشده بود که مبلغی از سرمایهٔ خودرا بخطر اندازد تاشاید استفادهٔ کلانی ازآن بنماید و اولیای دولت هم بدون اطلاع ازچگونگی امر وبدون دقت ورسیدگی دربارهٔ شرایط پیشنهادآنرا بصحهٔ شاه که درآنوقت صاحب‌اختیار مطلق بود رساندند .

مخفی نماند که دارسی هیچوقت بایران نیامد و امتیاز را نمایندهٔ او که ماریوت باشد بوکالت ازطرف او امضاء کرده است که این نکته هم افسانه های راجع بتحصیل امتیازرا که دربالا ذکرشد بکلی بی‌اعتبارمیسازد .

امتیازنامهٔ دارسی دارای صحهٔ شاه و امضاء و مهر اتابك ومیرزا نصرالله خان مشیرالدوله (پدرحسن‌پیرنیا مشیرالدوله وحسین پیرنیا مؤتمن‌الملك) ونظام‌الدین غفاری مهندس‌الممالك است ودردفاتردیوانی به ثبت وضبط رسیده است .

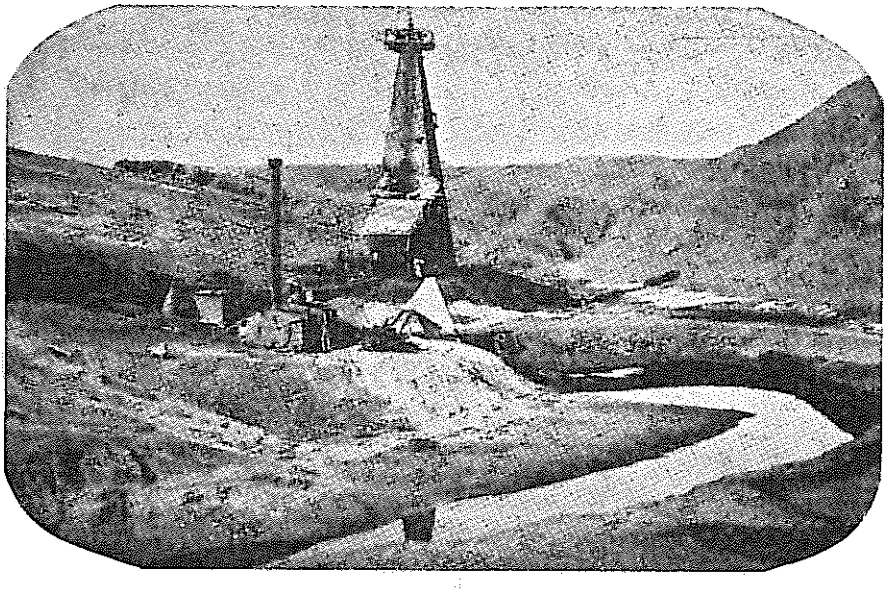
بموجب‌فصول هشتم‌ونهم وشانزدهم امتیازنامه دارسی تعهد کرده بود که درظرف مدت دوسال پس ازعقد امتیاز شرکتی برای بهره برداری از امتیاز مزبور تشکیل دهد وپس ازتشکیل شرکت بیست هزارلیره نقد ومعادل بیست هزارلیره سهام پرداخت شده شرکت مزبوررا بدولت‌ایران تسلیم نماید . البته ذکری ازسایروجوهی که نمایندهٔ دارسی هنگام مذاکرات درتهران‌خرج کرده ومواعیدی که داده بود درجائی نشده‌است فقط آنچه بعدها محقق ومعلوم شد این بود که کتابچی‌خان حق‌دلالی‌خوبی ازاین‌معامله برد وتوانست برای خود واولادش زندگانی بارفاهی در اروپا تهیه نماید و بقراریکه جراید صدرمشروطیت بکرات ذکرکرده‌اند نمایندهٔ دارسی درحدود ده هزار لیره هم باتابك ومشیرالدوله ومهندس‌الممالك نقد پرداخت وشاید مخارج دیگری‌هم کرده است که اطلاع دقیقی ازآن دردست نیست .

پس از آنکه دارسی اولین شرکت را تشکیل داد وطبق مواد امتیازنامه بیست هزارلیره نقد و بیست‌هزار لیره سهام بدولت ایران تسلیم‌نمود معلوم شد که‌جزوتعهدات خصوصی او این بوده است که سهامی معادل ده‌هزار لیره باتابك و پنجهزار لیره به مشیرالدوله وپنج هزار لیره هم بمهندس‌الممالك بعنوان تعارف تسلیم نماید و اطلاع صحیحی دردست میباشد که دارسی بتمام تعهدات خود عمل کرد وسهام مزبور را به اشخاص نامبرده تسلیم نمود. این سهام درابتدا قیمتی نداشت وکسی خریدار آن نبود ولی در خلال جنگ اول بین‌المللی و بعدازآن که سهام مزبور قیمت خوبی پیدا کرده بود ورثهٔ اتابك ومهندس‌الممالك آنهارا بقیمت نازلی بچندنفر ازاتباع انگلیس مقیم تهران فروختند.ورثه نصراله‌خان‌مشیرالدوله یعنی‌حسن‌وحسین پیرنیاسهام‌خودراتاموقعیکه حیات داشتند نفروختند و هرسال سود آنها را دریافت میداشتند ولی بقرار مسموع پس‌ازفوت آنها قسمتی از سهام مزبوررا ورثهٔ آنها فروخته‌اند .

بخش سوم - آغاز عملیات و تحصیل سرمایه

چندماه پس از امضای امتیازنامه، دارسی عده‌ای حفار لهستانی را استخدام کرد و بامقداری لوازم واثاثیه به چاه سرخ واقع درشمال قصرشیرین اعزام داشت. در آن وقت چاه سرخ جزو ایران بود وبعدها پس‌از تجدید نظر در خط مرزی بین ایران و عثمانی (که پس‌از جنگ اول بین‌المللی این‌قسمت خط مرزی بین ایران‌وعراق شد)در ۱۹۱۳ بعثمانی واگذار گردید. مهندسی‌را هم‌که دارسی برای ریاست عملیات انتخاب نمود شخصی بود موسوم به‌رینولدز[۱] که در وزارت فوائد عامهٔ هندوستان سابقهٔ‌ممتدی داشته ومرد فوق‌العاده بااستقامت وپشتکار داری بود. هیئت‌اعزامی ازراه بصره‌وبغداد عازم‌چاه‌سرخ‌شده‌وشروع بکار کردندودرابتدای‌امرهم‌مواجه‌بامشکلات گوناگونی‌شدند.

فقدان امنیت دراین ناحیه مرزی و تقاضا های متعدد ایلات و طوایفی‌که در دو طرف خط مرزی سکنی داشتند و تهدید هائی‌که میکردند موجب شدکه کار باکندی پیشرفت نماید ولی پایداری مداوم رینولدز تأثیر زیادی درپیشرفت‌کار داشت.



اولین چاه نفت‌که در چاه سرخ حفرگردید

در تابستان ۱۹۰۳ گاز نفت درعمق ۵۰۷ متر پدیدار ومتعاقب‌آن نفت‌مختصری هم بدست‌آمد.

چندماه بعد چاه دوم درعمق مشابهی بنفت رسیدکه محصول روزانهٔ آن در اول

---

(۱) G. B. Reynolds

سی تن وچندی بعد به بیست‌وپنج‌تن تقلیل یافت . دراین وقت محقق گردید که بواسطهٔ بعد مسافت میان چاه سرخ وخلیج فارس (که بالغ بریکهزار کیلومتر بود) و همچنین ناچیزی مقدار محصول ادامهٔ عملیات در آن محل منافی باصرفه میباشد لذا دارسی تصمیم گرفت که چاه‌سرخ را رها کرده ودرنقاط جنوبی بکاوش بپردازد .

طبق مادهٔ شانزده‌امتیازنامه، دارسی شرکتی در۱۹۰۳ باسرمایهٔ ششصدهزارلیره تشکیل داد که نام آنرا «شرکت بهره برداری اولیه»[۱] گذاشت و سهامی را که تعهد کرده بود تسلیم وبیست‌هزار لیره نقد را هم بدولت ایران پرداخت. دارسی تاآنوقت قریب سیصدهزار لیره ازجیب خود خرج کرده بود وحاضر نبود که بیش‌از این مبلغ سرمایه‌اش را دراین‌کار صرف نماید لذا درصدد برآمد که کمك ومساعدت دیگران‌را جلب نماید.

عده‌ای از سرمایه‌داران آلمانی بدارسی پیشنهاد کردند که تمام مخارجی که‌او تا آنوقت کرده بود بپردازند و مبلغ مهمی هم بعنوان قیمت امتیاز باو بدهند تا او کنار رفته وامتیاز را بآنها واگذار نماید[۲] . یك شرکت نفت امریکائی وبعضی از سرمایه‌داران فرانسوی هم پیشنهاد هائی بدارسی کردند تاامتیاز را ازاو خریداری کنند وحتی حاضر بودند که اورا هم درامتیاز سهیم سازند. شواهدی‌دردست است که دارسی بواسطهٔ خرج گزافی که تاآنوقت کرده بود ونتیجهٔ مطلوبه را هم تحصیل نکرده‌بود میل‌داشت که معامله‌ای کرده و سرمایهٔ ازدست رفته خودرا بازستاند ولی ضمناً رغبت زیادی به معاملهٔ با بیگانگان نشان نمیداد. دراین هنگام واقعه‌ای رخ داد که طرحها ونقشه های دارسی وخریداران امتیاز او درهم ریخته شد. دریاسالار لردفیشر[۳] پس‌از سالهاخدمت درنیروی دریائی انگلستان ومدتها تبلیغ برای آنکه سوخت کشتیهای جنگی انگلیس تبدیل بنفت گردد در سال ۱۹۰۴ بفرماندهی نیروی دریائی انگلیس منصوب گشت و فوری کمیته‌ای‌انتخاب کرد که قضیهٔ تحصیل منابع کافی‌نفت را برای نیروی‌دریائی‌مطالعه و بررسی نماید . مستر پرتی‌من[۴] که از سیاستمداران بود بریاست این‌کمیته انتخاب گردید و سایر اعضای کمیته مزبور هم متخصصین و سیاستمدارانی بودند که اطلاعات مبسوطی دراین امر داشتند. لردفیشر شنیده بود که دارسی امتیاز نفتی درایران‌بدست آورده ودر مذاکره است که آنرا بسرمایه داران خارجی بفروشد لذا بکمیتهٔ مزبور دستور فوری صادر کرد تا بهرطریقی که‌باشد امتیاز مزبوررا برای‌دولت‌انگلیس‌تحصیل نماید .

آن ایام عقیدهٔ عمومی درانگلستان، که یك کشور سرمایه‌داری‌ومخالف‌سرسخت با دخالت دولت درامور بازرگانی بود، اجازه نمیداد که دولت مستقیماً در صدد خرید امتیاز برآید یا آنکه سهام شرکتی‌را خریداری کند که چنین امتیازی را داشته باشد لذا اولیای امور مصلحت در آن دیدند که بهر قیمتی هست مانع شوند که امتیاز

---

(۱) The First Exploitation Company

(۲) درکتابچه‌ای که شرکت نفت‌ایران‌وانگلیس درسال۱۹۲۴ بمناسبت نمایشگاه ومبلی(Wembley) منتشر کرد این نکته ذکرشده‌است.

(۳) Lord Fisher (۴) Mr. E.G. Pretyman

دارسی بدست خارجیان بیفتد وضمناً سرمایهٔ کافی برای دارسی تهیه کنند تا عملیات را ادامه دهد ومنتظر فرصت شوند تا بتدریج عقیدهٔ عمومی را برای دخالت مستقیم دولت درامر نفت حاضر ومهیا سازند.

کمیتهٔ مذکور بی‌درنگ شروع بکار کرد واولین کاری که مستر پرتی‌من کرداین بود که نزد لرد استراتکونا ۱ رفته و ازاو استعانت خواست. این لرد ثروت هنگفتی در کانادا بدست‌آورده وموجد راه‌آهن سرتاسری کانادابود ودرآنوقت بواسطهٔ کهولت سن از کارهای بازرگانی برکنار وگوشه نشینی را اختیار کرده بود. پرتی‌من ضمن نطقی که ده سال بعد در مجلس مبعوثان انگلیس کرد در بارهٔ ملاقات خود با لرد استراتکوناچنین گفت۲ : من خودم شخصاً بملاقات لرد استراتکونا رفته وقضیه را با او بمیان گذاشتم و تقاضا کردم که‌او با نام وسرمایه‌خودبدارسی کمك کند تا این امتیاز از دست‌ما خارج نگردد ـ لردإستراتکونا فقطیك‌پرسش از من کرده وگفت: «آیاپیشرفت وتوفیق این پروژه بنفع نیروی دریائی انگلیس است که از من تقاضا دارید در آن شرکت نمایم؟» و همینکه باو پاسخ مثبت دادم دیگر پرسشی نکرد وبدون‌هیچگونه چون‌وچرا تقاضای مرا پذیرفت. در جای دیگر نطق خود پرتی‌من میگوید: تشکرات مجلس مبعوثان را باید تقدیم لرد استراتکونا و دیگران نمود که این امتیاز را سخت چسبیده ونگاهداشتند تااینکه‌فرصتی برای‌دولت‌بدست‌آمد که آنرا بعدهاتحصیل نماید.

ازطرف دیگرپرتی من باشرکت نفت برمه۳ که یك شرکت نفت تمام انگلیسی بود وباستخراج نفت برمه میپرداخت وارد مذاکره شده و از آنشرکت هم تقاضای مساعدت کرد که باحسن‌قبول‌تلقی شد.درنتیجهٔ‌این‌مذاکرات‌درسال۱۹۰۵ شرکت‌جدیدی‌بنام «سندیکای امتیازات»۴ در شهر گلاسکو۵ تشکیل شد که سهام بهره برداری اولیه وامتیازنامه‌را مالك گردید وسرمایهٔ متناسبی‌هم برای‌ادامهٔ عملیات درایران تهیه گردید. صاحبان عمدهٔ سهام این شرکت جدید عبارت بودند ازلرد استراتکونا و شرکت نفت برمه ودارسی.

اولین‌کاری که شرکت جدید کرد این بود که عملیات چاه سرخ را متوقف ساخت ودستورداد که تمام اثاثیه ولوازم‌کاررا منتقل به‌ماماتین که درنزدیکی رامهرمز و واقع درشمال اهوازاست بنمایند. در اینجا شروع بحفر دو چاه امتحانی شد وحفارهای کانادائی استخدام کردند که تحت ریاست رینولدز بعملیات بپردازند. چاه اول بعمق ۶۶۱ متر ودومی ۵۹۱ متر رسید ولی‌هیچکدام بنفت‌نرسید. نبودن‌راه شوسه ومشکلات محلی هزینه کار را زیاد میکرد وچندی بعد اولیای شرکت جدید هم دچار نگرانی بسیار شدند.

سرارنلد ویلسون۶ درکتاب خود موسوم به «جنوب غربی ایران» صفحهٔ ۲۴ مینویسد :

---

(۱) Lord Strathcona (۲) رجوع شود بمذاکرات مجلس مبعوثان انگلیس سال۱۹۱۴ جلد۶۳

(۳) Burmah Oil Company (۴) Concessions Syndicate

(۵) Glasgow شهر وبندربزرگی است دراسکاتلند. (۶) Sir Arnold Wilson

« وزارت خارجه انگلیس ودولت هندوستان‌را باید تقدیر کرد که عده‌ای سرباز هندی باین نقطه اعزام داشتند تا بایلات محلی بفهمانند که اگر مانع کار یك شرکت انگلیسی شوند (که امتیازصحیحی دردست دارد وهمینکه ازامتیازمزبور بهره برداری بقاعده‌ای شد هم ایلات محلی وهم ایران استفادهٔ کلانی ازآن خواهند کرد) چه‌عواقبی برای آنها خواهد داشت»[۱] موقعیکه سرارنلدویلسن کتاب مزبوررا مینوشت خود سمت نایب قونسولی انگلیس‌را دراهواز داشت وسرپرستی‌سربازان هندی هم بعهدهٔ او بوده است وازاین‌رومعلوم میشود که انگلیسها برای تأمین‌کارکنان شرکت عده‌ای سوارهندی به ماماتین‌آورده بودند که بقرار نوشتهٔ ویلسون بیست‌نفر بوده‌اند .

همینکه درماماتین نتیجه مطلوب بدست‌نیامد تصمیم گرفته شد که چاههای دیگری درنقطه‌ای که نامش درآنوقت «میدان نفتون» بود حفرنمایند . باستان‌شناس فرانسوی (مسیو دومرگان) درگزارش های خود ذکری از این نقطه که در میان تپه های خاك بختیاری واقع بود نموده وگفته بود که در سر راه بین مال امیر و شوشتر جائی بنام «میدان‌نفتون» هست که علائم ظاهری نفت درآنجا هویدا وخرابه های‌آتشکده‌ای نیز درآنجا موجوداست که اهالی بنام مسجد سلیمان میشناسند .

بنابراین اثاثیه ولوازمات ازماماتین بمسجد سلیمان حمل ودرآنجا حفاری‌شروع گشت . دراواسط سال ۱۹۰۸ سرمایهٔ شرکت «سندیکای امتیازات» رو بتحلیل میرفت و چاه های مسجد سلیمان هم بنفت نرسیده بود و بسیاری گمان میکردند که نفت‌کافی وبمقدارتجارتی دراین نقاط یافت نمیشود .

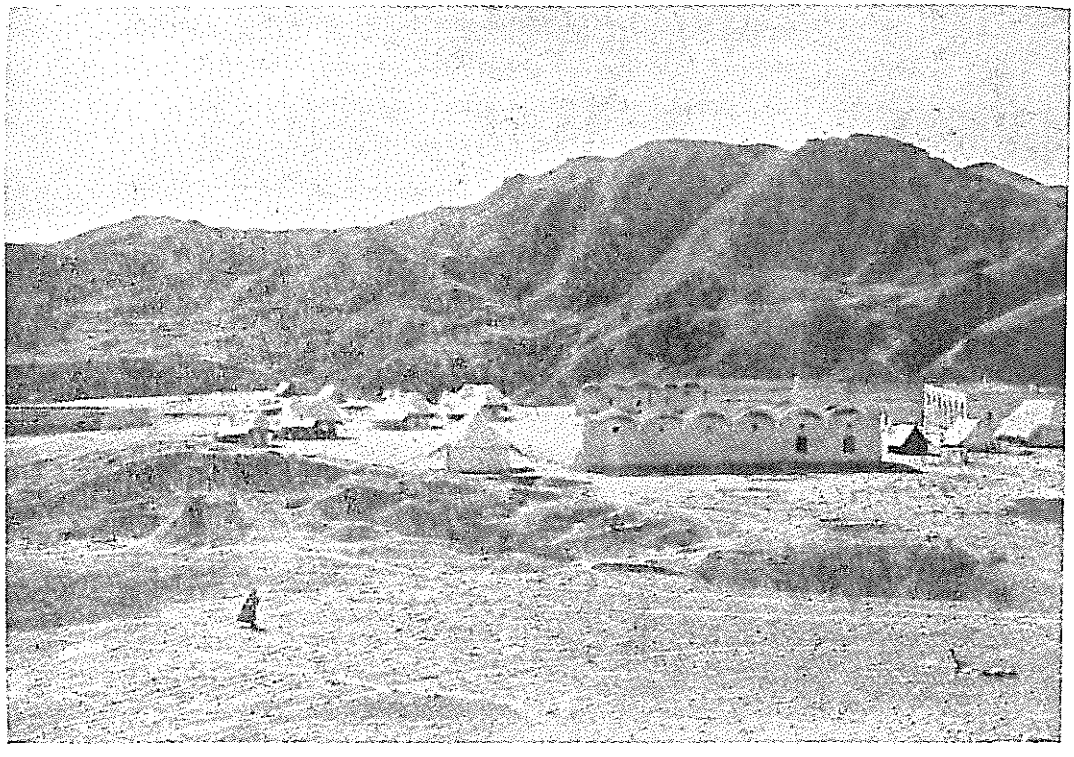
چنانکه مشهوراست‌رؤسای شرکت پس‌ازمشاوره تصمیم میگیرند که به‌سرمهندس خود رینولدز دستور دهند که عملیات‌را متوقف ساخته واثاثیه را جمع نموده باهمراهان ازایران‌خارج‌شودحتی گفته میشود که‌این‌دستور به‌رینولدز میرسد ولی‌او بواسطهٔ اعتماد فوق‌العاده‌ای که بمسجد سلیمان داشته ازاجرای این دستورخودداری کرده وکاررا ادامه میدهد. بهرحال عملیات مسجدسلیمان‌ادامه پیدا میکند تااینکه درتاریخ ۲۶ ماه‌مه۱۹۰۸ (مطابق باپنجم خرداد ۱۲۸۷ شمسی هجری) متهٔ حفر چاه آخرین ضربت خود را بصخره‌ای که روی معدن معروف مسجد سلیمان‌قرار گرفته بود واردآورده ونفت ازچاه بافشارزیادی فوران میکند ودراین تاریخ آشکارمیشود که ایران دارای منابع ذیقیمت نفت بوده وآینده درخشانی درپیش دارد . عمق اولین چاه ۳۶۰ متر وعمق چاه دوم که ده روز پس ازچاه اول بنفت رسید ۳۰۷ متر بود ومعلوم گشت که قطر سنگ معدن نفت مسجد سلیمان بالغ بر۳۰۰متراست .

کشف این‌معدن مهم فوری مشکلات مالی‌را حل کردوچندماه بعدیعنی درماه‌آوریل ۱۹۰۹ شرکت نفت‌ایران وانگلیس[۲] باسرمایهٔ دوملیون لیره که نصف‌آن پرداخته شده بود تشکیل ودرلندن بثبت رسید واین شرکت جانشین شرکت « سندیکای امتیازات » گردید ۹۷۰۰۰۰ سهام‌آن را (که هرسهمی یك لیره بود) شرکت نفت برمه برداشت

---

(۱) لازم بتذکر نیست کـه اعزام سربازان هندی بایران یك تجاوز صریحی از طرف دولت انگلیس بود .

(۲) Anglo-Persian Oil Company Ltd.



آغازکار درمسجد سلیمان

وسی‌هزاردیگر دربازار فروخته شد . اینجابایدگفته شودکه دارسی ولرد استراتکونا دراین موقع سهامداران شرکت نفت برمه بودند و علاوه براین پس ازتشکیل شرکت مزبور ۶۰۰۰۰۰ سهم مرجح یك لیره‌ای و ۶۰۰۰۰۰ سهم قرضهٔ یك لیره‌ای که سالی پنج درصد سود میپرداخت از طرف شرکت نفت ایران و انگلیس به بازار عرضه شد ویااستقبال بی‌نظیری از طرف مردم خریداری گردید . لرد استراتکونا که درآنوقت ۸۹ سال داشت بریاست هیئت مدیره انتخاب‌گردید و یك تاجر انگلیسی که سوابق ممتدی درتجارت با هندوستان داشت و با شرکت نفت برمه هم روابط نزدیکی داشت و نامش چارلزگرینوی[۱] بود بمدیریت عامل شرکت مزبور انتخاب‌گردید. دارسی‌هم بعضویت هیئت مدیره انتخاب گردید وتاسال ۱۹۱۷ که فوت کرد این سمت را داشت .

بخش چهارم - پیشرفت عملیات تا جنگ اول وشرکت دولت انگلستان

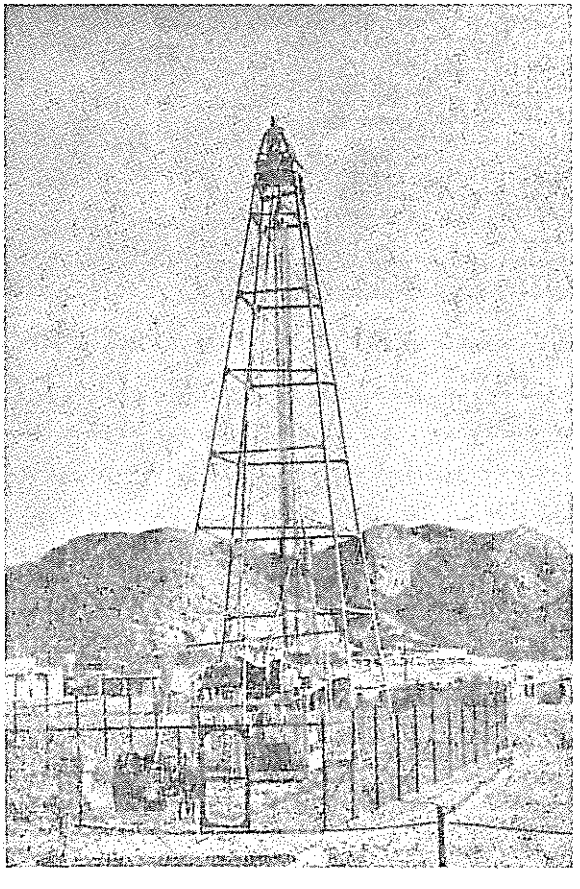
توسعهٔ عملیات بین‌سالهای ۱۹۰۸ و۱۹۱٤ که جنگ اول بین‌المللی شروع گشت باسرعت هرچه تمامتر پیشرفت داشت . تاسال ۱۹۱٤ سی‌حلقه چاه درمسجد سلیمان حفر

(۱) Charles Greenway بعدها لقب «سر» گرفت وچندسال قبل‌ازفوتش لقب لردی گرفت

گردید وخانه هائی برای کارکنان نفت ساخته شد و خطوط لوله بچاه های نفت وصل گردید وآب خوراکی ازرودکارون بالوله‌آورده شد وکارخانه تعمیر و انبار ملزومات و بیمارستان ودرمانگاه و باشگاه وغیره بنا گردید .

یك خط لوله ازمسجد سلیمان بآبادان کشیده شد که درسال ۱۹۱۲ باتمام رسید . قطراین لوله درجاهای مختلف بین ۱۰ و ۱۵ سانتیمتر بود که میتوانست سالی چهارصدهزار تن نفت ازمسجد سلیمان بآبادان حمل نماید .

چهار ایستگاه تلمبه درنقاطی موسوم به تمبی - ملاثانی - کوت‌عبدالله- ودارخوین ایجادگشت که فشارکافی ایجادکرده و نفت را بآبادان میرساند . در ابتدای امرکلیهٔ لوازم از خرمشهر باکشتی باهواز حمل میشد و از آنجا بواسطهٔ نبودن راه شوسه و وسایل جدید حمل ونقل با قاطر بمسجد سلیمان حمل میگردید بعدها کشتیهای کوچك- تری محصولات را از اهواز به درخزینه رسانده و از آنجا با وسایل جدید بمسجد سلیمان حمل میکردند .



اولین چاه نفتی که در مسجدسلیمان حفر شد و بنفت رسید

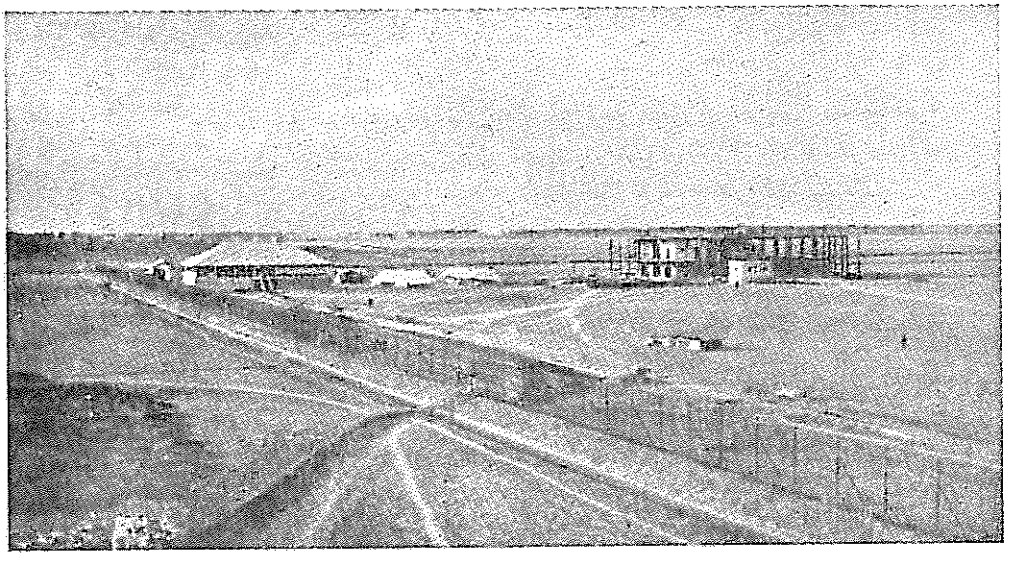
موضوع تحصیل اراضی در مسجد سلیمان و امنیت آن ناحیه ازابتدا مواجه با مشکلات بسیار شد. اراضی مزبور غالب چراگاه‌دست- جمعی ایل بختیاری بود که طبق سنت قدیم متعلق بهمهٔ افراد ایل بود ولی خوانین خودرا مالك شناخته‌واجازه نمیدادند که شرکت طبق امتیازنامه با مالك حقیقی وارد معامله شود . بعلاوه ایلخانی و ایلبگی بختیاری خودرا نمایندهٔ‌دولت‌مرکزی معرفی کرده وفقط درمقابل دریافت وجوهی‌حاضر بودند که امنیت ناحیه‌را عهده‌دار گردند . یکی از کارمندان اولیهٔ‌شرکت که‌ازسال۱۹۰۹ بایران‌آمد پزشکی بود بنام دکترینگ[۱] که‌درمدت کمی زبان فارسی را آموخت و بواسطهٔ شغل طبابت خود

(۱) Dr. M. Y. Young

محبوبیتی بین همه‌کارکنان شرکت واهالی محل پیداکرد . شرکت از اطلاعات وزبان فارسی دانستن او ومقام پزشکی او استفاده کرده وکارهائی که با متصدیان‌محلی داشت بوسیلهٔ او انجام میداد .

برای‌آنکه روابط شرکت وخوانین بختیاری بنحو مطلوبی جریان یابد سه‌فقره قرارداد با آنها منعقد شدکه تسهیلات بسیار درکار شرکت فراهم کرد . اول‌قراردادی مربوط بسهام شرکت بودکه بموجب‌آن‌خوانین‌بختیاری‌را درامور شرکت‌سهیم‌میساخت . برای این منظور شرکت نفت ایران وانگلیس یك شرکت تابعه‌ای بنام شرکت نفت بختیاری تشکیل دادکه حدود عملیات آن محدود بیك میل‌مربع دروسط‌مسجدسلیمان بود . سرمایهٔ این شرکت چهارصد هزار لیره بودکه سه‌درصد آن یعنی دوازده هزار سهم (یك‌لیره‌ای) آن مجاناً بخوانین بختیاری واگذارگردید . چهار نفر از خوانین که دونفر نمایندهٔ خانوادهٔ حاجی‌ایلخانی ودونفر نمایندهٔ‌ایلخانی بودندازطرف‌سایرین نمایندگی داشتند که عواید سهام را هرسال گرفته وبین دیگران تقسیم نمایند. بعدها شرکت‌نفت بختیاری منحل وضمیمهٔ شرکت بهره‌برداری اولیه گردید ودوازده‌هزارسهم خوانین هم تبدیل بسهام «شرکت بهره برداری اولیه» گردید . دوم قراردادی راجع بخرید اراضی بودکه هرسال شرکت اراضی را که درحدود خاك بختیاری لازم داشت از ایلخانی و ایلبگی بقیمت معینی خریداری میکرد واین‌دوکه خودرا نمایندهٔ دولت میدانستند متعهد بودندکه وجه‌آنرا بصاحبان حقیقی‌اراضی برسانند. اگربرحسب‌اتفاق اراضی خریداری شده متعلق بیکی از خوانین بود وجه‌آنرا باکم‌وکسرکردن معمول خودشان باو میپرداختند واگر خانی پیدا نمیشدکه خود را مالك اراضی‌مزبور معرفی کند قیمت اراضی جزو درآمد ایلخانی وایلبگی محسوب میگشت . سوم قراردادی در بارهٔ حفاظت محل بودکه ایلخانی یکی ازخان زاده ها را بعنوان سرمستحفظ بشرکت معرفی میکرد و عده‌ای تفنگچی دراختیار او میگذاشت . شرکت حقوقی بسرمستحفظ وتفنگچیان میپرداخت وآنها امنیت ناحیه را حفظ میکردند و سالی سه هزارلیره هم بایلخانی میداد . این سرمستحفظ ضمناً حاکم محل بود و درهمهٔ کار های حقوقی وجزائی برسم قدیم معمول درایل عمل میکرد . قرارداد سوم تاموقعیکه نفوذ حکومت مرکزی‌درخوزستان مستقرنشده‌بود بقوت‌خود باقی‌بود ولی‌بعدها باایجاد ادارات دولتی وژاندارمری وغیره خودبخود ازمیان رفت ولی پرداخت سالی سه‌هزارلیره پابرجابود .

در سال ۱۹۰۹ شرکت نفت قراردادی با شیخ خزعل منعقد ویك میل مربع از اراضی‌آبادان را برای‌ایجاد پالایشگاه ازاوخریداری نمود . سال‌بعد ساختن‌پالایشگاه شروع وسه سال بعد خاتمه یافت . درابتدا پالایشگاه برای تصفیه سالی ۱۲۰۰۰۰ تن درسال ساخته شد و بعد ها بتدریج توسعه یافت . بموجب قرارداد دیگری‌که شرکت باشیخ خزعل داشت حفاظت ناحیهٔ آبادان را شیخ درمقابل مبلغی‌که شرکت می‌پرداخت عهده دار بود .



آغاز "کار" در آبادان

درسال ۱۹۱۲ اولین نفتی که ازمعادن جنوب ایران استخراج شده بود بشکل خام صادر گردید که مقدار آن ۴۳۰۰۰ تن بود. سال بعد این مقدار به ۸۱۰۰۰ تن بالغ گشت ودرسال ۱۹۱۴ به ۲۷۴۰۰۰ تن رسید. موقعیکه اولین جنگ بین‌المللی آغاز گردید شرکت نفت دارای معدن بزرگ مسجد سلیمان وخط لوله‌ای ازمعدن مزبور تاآبادان وپالایشگاه متناسبی درجزیرهٔ آبادان بود ومیتوانست کمك مهمی بعملیات جنگی انگلستان ومتفقین آن بنماید.

داستان خریدسهام شرکت نفت ایران وانگلیس را درکتابی که چرچیل سیاستمدار معروف انگلستان بعد ازجنگ اول منتشر کرد ونام آن کتاب «بحران جهانی» میباشد بتفصیل ذکرشده‌است. خاطرات لردفیشرهم که چاپ شده شرح جالب توجهی دراین باب دارد ودراینجا باختصار بشرح آن میپردازیم:

درسال ۱۹۱۰ لرد فیشر ازفرماندهی نیروی دریائی انگلستان کناره گیری کرد وبازنشسته شد ولی عضویت کمیتهٔ دفاع امپراتوری انگلستان را هم‌چنان دارا بود. لردفیشر مینویسد که درسال ۱۹۱۲ درشهرناپل بسرمیبرد که مستر اسکویت[1] نخست وزیر وقت وچرچیل[2] که وزیردریاداری بود بدیدن اورفته وازاو تقاضا کردند که ریاست کمیسیون مخصوصی که برای مطالعه راجع به نفت سوخت برای نیروی دریائی تشکیل شده قبول نماید. لردفیشرمینویسد که من بازنشسته بودم ودیگرقصدکار کردن راندا شتم ولی علاقهٔ مفرطی که باین امرداشتم مرا وادار بقبول این مقام کرد.

چرچیل درکتاب خود مینویسد بحران جهانی درپیش بود ودولت تصمیم گرفته بود

---

(۱) Mr. Asquith (۲) Mr. Winston Churchill

کشتیهای جنگی جدیدی بسازد که سرعت زیادی داشته باشند و این کار بدون این که سوخت کشتیها از زغال بنفت تبدیل شود راه دیگری نداشت. این بود که کمیسیون مخصوصی برای این کار تشکیل ودستوری که باعضای کمیسیون داده شد از اینقرار بود:

« شما باید بهرنحوی هست راه تحصیل نفت را پیدا کنید ونشان بدهید بچه‌قسم ما میتوانیم بقیمت ارزان وخرج کم آن را انبار کنیم و نیز باید معلوم دارید که چگونه نفت را درزمان صلح میتوان مرتب وارزان خرید و درموقع جنگ چه راهی هست که بطورقطع نفت رامیتوان بااطمینان‌خاطر بدست آورد. شما باید این مسائل‌را بررسی ومطالعه کنید و نظرخود را اظهاردارید. وظیفهٔ شما تهیه اطلاعات است وکارهای اجرائی باین کمیسیون محول نمیشود» .

کمیسیون مزبور بریاست لردفیشرشروع بکار کرد ویکی ازکسانی که بکمیسیون مزبور دعوت شد که اطلاعات خودرا دردسترس‌اعضای‌آن قراردهد سرهنری‌دتردینگ[۱] رئیس شرکت نفت رویال دچ شل[۲] بود. ضمن مطالبی که دتردینگ دراین کمیسیون اظهار داشت نکته‌ای بود که دانستن آن برای ساکنین تمام کشورهائی که نفت دارند لازم است. دتردینگ گفته بود:

« نفت یکی ازکالاهای فوق‌العادهٔ این جهان است که فروش‌آن منوط باستخراج وتولیدآن است. هیچ‌کالای دیگری در جهان یافت نمیشود که میزان مصرف‌آن متکی باستخراج وتولیدآن باشد. درمورد نفت شما استخراج آن را تأمین کنید ومصرف در تعاقب‌آن خواهد بود. هیچ احتیاجی نیست که شما در بارهٔ مصرف آن نگران باشید واگرفروشنده هستید ضرورتی ندارد که قراردادهای طویل‌المدت باخریدارمنعقد نمائید زیرا نفت خود بخود فروش خواهد رفت. تنها چیزی که لازم دارید یك جیب بزرگ پرازپول است وهرگاه امروز مردم مایل بخرید نفت شما نباشند وظیفهٔ شما اینست که بآنها بگوئید خیلی‌خوب من ملیونها لیره خرج میکنم وانبارهای ذخیره میسازم نفت خود را درآن ذخیره میکنم ولی درآینده موقعیکه شما خواستید نفت مرا بخرید قیمت‌آنرا بالا برده وخسارات خود را هم بقیمت نفت می‌افزایم وازشما میگیرم » .

چرچیل‌بانتظارگزارش کمیسیون مخصوص ننشست وباشرکت نفت‌ایران وانگلیس وارد مذاکره شد تاقرارداد طولانی‌برای خرید نفت‌ایران منعقد نماید. شرکت مزبور درآنموقع سرمایهٔ زیادی نداشت و لذا از وزارت دریا داری تقاضای مساعده‌ای بابت فروش نفت کرد. چرچیل بی درنگ کمیته‌ای تعیین کرد که بایران‌آمده و دربارهٔ منابع نفتی ایران‌گزارشی تهیه کند. رئیس‌این کمیته بادریاسالار اسلید[۳] بود که بعدها یکی ازمدیران شرکت نفت ایران وانگلیس شد وعضودیگر کمیته پروفسور سرجان کدمن[۴] بود که درآن وقت مستشار امورنفتی وزارت مستعمرات وپروفسوردانشگاه بیرمینگهام[۵] بود وبعد ها رئیس هیئت مدیرهٔ شرکت نفت ایران و انگلیس گردید. یك عضو دیگر کمیته زمین‌شناس معروفی ویك عضو دیگرهم دبیر کمیته بود.

---

(۱) Sir Henry Deterding (۲) Royal Dutch Shell (۳) Admiral Slade
(۴) Sir John Cadman (۵) University of Birmingham

اعضای این کمیته مسافرت سه ماهه‌ای بایران کرده ومعادن نفت را بررسی نموده وگزارشی بدولت دادند که جملهٔ آخر گزارش بدینقرار بود :

« شرکت نفت ایران و انگلیس بدون سرمایهٔ اضافی قادر به بهره برداری کافی ازامتیاز وسیع خود نیست وبطوریکه ما مستحضرشده‌ایم دولت انگلستان در نظردارد که مساعدت‌های مالی بشرکت مزبور بنماید . درصورتیکه چنین نظری باشد ما پیشنهاد میکنیم که‌شرط مساعدت مالی‌دولت‌این باشد که‌دولت در سیاست کلی‌شرکت‌دخیل‌باشد».

پس‌ازدریافت این گزارش چرچیل سیاست نفت دولت را تنظیم کرده وضمن‌نطقی که درتاریخ هفدهم‌ژوییه ۱۹۱۳ درمجلس مبعوثان ایرادکرد چنین گفت :

« سیاست نفت دولت بردوقسم است یکی موقتی ودیگری مآلی . سیاست مآلی ما این‌است که وزارت دریاداری مالك مستقل و استخراج کنندهٔ احتیاجات نفت سوخت خود باشد .... وتاحدامکان مقادیر نفتی که ما لازم داریم‌ازمنابعی که تحت کنترول یانفوذ ما هست وازراه‌های دریائی که نیروی دریائی‌ما بسهولت بتواند آنهارا محافظت نماید بدست‌آوریم وسیاست موقتی ما این‌است که مقادیرکافی نفت خریده وذخیره نمائیم» .

در سال ۱۹۱٤ مجلس مبعوثان قانونی وضع کرد و بدولت اجازه دادکه قسمتی ازسهام شرکت نفت ایران و انگلیس را خریداری نماید و متعاقب آن قراردادی بین دولت انگلستان وشرکت مزبور منعقدگردید . بموجب این قرارداد شرکت نفت ایران وانگلیس مقادیرعمدهٔ نفت سوخت را به نیروی‌دریائی انگلستان بقیمت نازلی میفروخت ودولت انگلیس دونفر ازمدیران شرکت را تعیین مینمودکه عضو هیئت مدیرهٔ شرکت باشند . ضمناً دولت انگلیس‌تعهدکردکه درامورعادی بازرگانی شرکت دخالتی‌ننماید ولی مدیرانی که ازطرف دولت تعیین میشوند حق دارند هرامری‌راکه مخالف بامصالح دولت باشد ردکنند و نظرآنها دراینگونه موارد پس از تصویب دولت قطعی است . درموقع عقد قرارداد دولت انگلستان دومیلیون سهام عادی شرکت وهزارسهم‌مرجح ۱ آنرا خریداری‌کرده وبدین‌ترتیب اکثریت سهام را بدست‌آورد .

درسال ۱۹۱۱سیصدهزارسهم مرجح ازطرف شرکت منتشروفروخته شد . درسال ۱۹۱٤ نود ونه هزارسهم مرجح شرکت‌را شرکت نفت برمه خریداری‌کرد بطوریکه درسال ۱۹۱٤ وضع مالی شرکت بقرار زیر بود :

سهام عادی خریداری شده ازطرف شرکت برمه				۹۷۰۰۰۰
«	«	«	مردم	۳۰۰۰۰
«	«	«	دولت انگلیس	۲۰۰۰۰۰۰
سهام مرجح	«	«	مردم	۹۰۰۰۰۰
«	«	«	دولت انگلیس	۱۰۰۰
«	«	«	شرکت برمه	۹۹۰۰۰
سهام قرضه	«	«	مردم	٦۰۰۰۰۰
				٤٦۰۰۰۰۰

(۱) سهام مرجح Preference Shares سهامی هستندکه سود سالیانهٔ آنها معلوم ودر صورت انحلال شرکت صاحبان چنین سهامی ازحیث وصول سرمایه خودنسبت بصاحبان‌سهام عادی‌اولویت‌دارند.

تاکنون هیچگونه اطلاعی راجع به‌قیمت نازل نفت سوخت که شرکت بدولت انگلستان فروخته است منتشر نشده و کوشش بسیار شده است که این‌قضیه‌مکتوم‌بماند ولی شهرت های بسیاری دربارهٔ آن رواج داشته است. بعضی گفته‌اند که قیمت نفت سوخت مزبور یك چهارم قیمت بازار بوده است وبرخی گفته‌اند که قیمت مزبور قیمت تمام شده بعلاوه سود خیلی کمی بوده است. تنها رقمی که منتشر شده و ممکن است از تجزیه و تحلیل آن به نتیجه‌ای رسید همان رقمی‌است که چرچیل درکتاب « بحران جهانی»[۱] خود منتشر کرده وگفته است که در چهار سال جنگ اول ادارات دولتی انگلیس دراثر استفاده از مواد قرارداد با شرکت نفت ایران و انگلیس وخرید نفت بقیمت نازل‌تر از بازار ۷۵۰۰۰۰۰ لیره نفع برده‌اند.

تردیدی نیست که تعهد شرکت دربارهٔ فروش نفت بدولت انگلیس بقیمت نازلتر از قیمت بازار یك نقض عهدی با دولت ایران بود زیرا طبق امتیاز دارسی شانزده‌در صد از سود خالص شرکت سهم ایران بوده وچنین قراردادی موجب نکبت‌درآمد بوده وخسارات زیادی بدولت وملت ایران واردآورد که متأسفانه اولیای‌امور وقت‌هیچگاه درصدد مطالبهٔ جدی حقوق دولت برنیامدند. هنگامیکه دولت ایران آگاهی یافت که معاملهٔ فوق بین دولت انگلستان و شرکت نفت ایران وانگلیس انجام شده است نامهٔ اعتراضیه‌ای بسفارت انگلیس درتهران نوشت وسفارت مزبور در جواب اظهار داشت که این معامله فقط یك ترتیبی برای فروش نفت است وبهیچوجه دولت انگلستان‌نه‌در اداره کردن امور شرکت ونه درروابط تجاری وسیاسی شرکت با دولت ایران‌دخالتی خواهد داشت. معهذا عده‌ای ازمردم آگاه به سیاست‌وآزادیخواهان باین‌معامله‌معترض بودند و شادروان خیابانی[۲] در نطقی که راجع باین موضوع ایراد کردگفته بود : « امتیازی که به دارسی داده شده نباید منتقل بدولت امپراتوری انگلستان بشود که موجب پریشانیها ونگرانیهای ایران بوده‌است. این معامله نادرست وخائنانه‌بوده زیرا دولت انگلستان هیچگاه توفیق نمی‌یافت‌چنین امتیازی‌را مستقیماًاز دولت‌ایران تحصیل کند وبنابر این دارسی را بمیان‌آورد که اورا وسیلهٔ تحصیل امتیاز قرارداده وصورت شوم امپریالیزم خودرا پشت‌سر او پنهان دارد. این عمل خدعه‌آمیز ونادرست و حیله‌گرانه بوده است».

علاوه بر اعتراضاتی که ایرانیان کردند عده‌ای ازآزادیخواهان وبعضی‌از جراید انگلستان هم در بارهٔ خرید سهام شرکت نفت معترض بوده و نگرانیهائی داشتند. در تاریخ ۱۹۱٤ چرچیل وزیر دریا داری وقت پیشنهادی را درمجلس طرح کرد که

---

(۱) The World Crisis

(۲) مرحوم شیخ محمدخیابانی یکی ازآزادیخواهان بنام‌بوده واز اوایل مشروطیت تاموقعی که‌کشته شد یکی‌ازمردان مؤثر درسیاست ایران‌بود. زندگی سراسرتقوی وپرهیزکاری وشجاعت‌اخلاقی ومیهن پرستی اومعروف است ونسبت‌هائی‌که باوداده شده‌که میخواست آذربایجان را ازایران تجزیه نماید محل‌بسی تردیدمیباشد.

برحسب آن بدولت انگلستان اجازه داده میشد تاحدود دومیلیون و دویست هزار لیره بمصرف خرید سهام شرکت نفت انگلیس وایران برساند . هنگامیکه این پیشنهادمطرح بود چندنفر از نمایندگان اعتراضات شدیدی باین معامله کرده و ازآن انتقاد کردند . چرچیل درجواب آنها گفته بود :

چندین سال است که سیاست وزارت خارجه ووزارت دریاداری ودولت هندوستان این بوده است که استقلال منافع انگلیس را درمعادن نفت ایران حفظ وحراست نماید و ضمناً چرچیل اشاره به اقداماتی نمود که پرتی من درگذشته کرده و کوشش بسیار بکار برده بود تا این امتیاز را برای یك شرکت انگلیسی محفوظ دارد . وزارت دریاداری کاملا واقف بود چه عواملی بکار افتاده و درصدد بودند که امتیاز را ازچنگ دارسی بربایند و اقداماتی که برای خنثی کردن آن شده قابل تقدیر است . چرچیل از مجلس مبعوثان معذرت خواست که نمایندگانرا از اقدامات گذشته دولت برای تهیه مقدمات عقد قرارداد باشرکت نفت مستحضر نداشته است وشرح مفصلی دربارهٔ فوائد قرارداد و کنترولی که دولت انگلیس در اراضی نفت خیز ایران خواهد داشت بیان کرد. درجواب اعتراض یکی از نمایندگان که ایرانیان ممکن است نسبت بعقد این قرارداد اعتراض کرده وشورشی برپا نمایند وایلات و طوایفی که دراراضی نفت خیز سکنی دارند دست باسلحه کرده ومزاحمتی فراهم نمایند چرچیل بمصداق پندار و کردار امپریالیستی خود گفته بود اگر چنین پیش آمدی روی دهد همان کاری را که ما در موقع جنگ با معاندین خود میکنیم با طوایف مزبور خواهیم کرد و بنمایندگان اطمینان داده بود که فاصله بین شوشتر و آبادان از طرف گارد های ایرانی محافظت خواهند شد و این گارد ها را رؤسای محلی در ازای وجوهیکه هر سال بآنها پرداخته خواهد شد تجهیز و حاضر خواهند داشت .

درهمان جلسه مجلس مبعوثان رمزی مکدونالد[1] پیشوای حزب کارگران انگلیس درجواب چرچیل که مزایای قرارداد باشرکت نفت را شرح داده به تمجید و تحسین آن پرداخته بود نطقی ایراد وشدیداً بسیاست دولت حمله کرده و گفته بود :

« دولت مدعی میباشد که قرارداد آن با شرکت نفت یك قرارداد تجارتی است ولی این برخلاف حقیقت است زیرا اگر اموال واثاثیهٔ شرکت نفت در ایران از طرف بختیاریها وسایر طوایف مورد تجاوز وحمله قرارگیرد شرکت قادر باین نخواهد بود که نفت لازم را بوزارت دریاداری تحویل دهد وآنوقت است که امپریالیستها بصدا درآمده و دولت را تشویق بحمایت از شرکت میکنند وآنرا وادار باین میکنند که در امور داخلی ایران دخالت نماید. مکدونالد اضافه کرد که سیاست شرکت نفت درایران روش استعماری دارد وباستقلال ایران لطمه وارد میآورد زیرا شرکت بوسیله پرداخت هائی که به بختیاریها وعربهای خوزستان مینماید تااموال ویرا حفظ نمایند قدرت حکومت مرکزی را متزلزل میسازد و حکومت های خان خانی و ایلی را ترویج مینماید . مکدونالد در آخر نطق خود بدولت پیشنهاد کرد که از چنین سیاست امپریالیستی

---

(۱) Mr. Ramsay Mac Donald

دست بردارد ودولت مرکزی ایرانرا تقویت نماید تادولت ایران مسئولیت‌حفظ اموال شرکت را بعهده گرفته ودرآینده مواقعی پیش نیاید که دخالت دولت انگلیس را در امور داخلی ایران ایجاب نماید. »

سرادوارد گری[۱] وزیرخارجه وقت بدفاع پیشنهاد دولت‌پرداخته ودرهمان جلسه گفته بود که نگرانیهای بعضی ازنمایندگان کاملا بیمورد است و دولت انگلیس بسهولت میتواند وسائلی بکاربرد که دویست‌وچهل کیلومتر خط‌لوله را ازمسجدسلیمان به‌آبادان حفظ نماید ودرصورت لزوم دوتیپ سرباز میتواند امنیت‌را درآن ناحیه برقرارنماید و علاوه کرده بود که این قرارداد خدشه‌ای باستقلال وتمامیت ایران‌وارد نمیسازد.

جلسهٔ مذکور که چندین‌ساعت بطول انجامیده وشرح مذاکرات‌آن ازشصت‌صفحه هم متجاوز است[۲] بالاخره باتصویب پیشنهاد دولت خاتمه یافته‌بود .

متأسفانه زمامداران امور درآن وقت بواسطه گرفتاریهای مهم‌تر توجهی بعواقب قرارداد بین دولت انگلیس و شرکت‌نفت نداشته و باوصول جواب سفارت انگلیس که قرارداد مزبور ضرر و زیانی بمنافع ایران وارد نمیآورد خود را ناچار قانع ساخته وسکوت اختیارکردند ولی طولی‌نکشید که نتایج آن مشهودگشت و شرح‌آن خواهد آمد واز روی انصاف هم بایدگفت که وضع سیاست‌بین‌المللی ونفوذ روزافزون‌روس وانگلیس درایران وضعف حکومت مرکزی و اشغال ایران از طرف ارتشهای بیگانه مسائل مهمتری‌را پیش‌آورده بود که دولت توانائی اینرا نداشت که در قبال فشار های خارجی اقدامات جدی بنماید .

بخش پنجم - اولین اظهار نظر مردم دربارهٔ امتیاز دارسی

دربخش دوم این فصل شرح دادیم که امتیاز دارسی چگونه تحصیل شد . امتیاز مزبور دردورهٔ استبداد بوسیلهٔ صدراعظم بامضای سلطان وقت رسید ومردم هیچگونه دخالتی در اعطای آن نداشتند وکوچکترین اطلاعی هم از جریان‌کار نداشتند.

نخستین دفعه‌ای که نمایندگان مردم فرصتی برای‌اظهارنظر دربارهٔ امتیازهائی که دردورهٔ استبداد داده شده‌بود یافتند موقعی بود که دورهٔ اول مجلس‌شورای‌ملی‌تشکیل شده بود.درآنموقع عملیات‌شرکت‌نفت تازه‌آغاز گشته بود ومردم‌نسبت بامتیازی که از طرف پادشاه دورهٔ استبداد بدون مشورت بامردم داده شده‌بود سوء ظن‌شدیدی‌داشتند. عامهٔ مردم از چنین امتیازی بی‌خبر بودند و بجز چندنفری که دخیل درکار بودند بقیه متصدیان امر هم ازچگونگی امتیاز مزبور اطلاع‌کافی نداشتند.

---

(۱) Sir Edward Grey عاقد قرارداد ۱۹۰۷ باروسیه تزاری‌دربارهٔ تقسیم ایران وهمچنین‌عاقد قرارداد محرمانه۱۹۱۵ باروسیه درهمان‌موضوع

(۲) صورت جلسهٔ پارلمان انگلیس‌جلد ۶۳سال۱۹۱۴

در یکی از جلسات مجلس شورایملی نمایندگان از وزیر معادن خواستند که امتیازنامه‌را بمجلس آورده و توضیحاتی راجع بآن بدهد تا معلوم گردد که قضیه‌ازچه‌قرار بوده‌است.

درجلسهٔ پنجم ذی‌حجه ۱۳۲٤ قمری (مطابق با ۱۲دیماه ۱۲۸٤شمسی) وزیر معادن وقت درمجلس حضور بهمرسانده و به‌پرسش‌های نمایندگان پاسخهائی‌میدهد که طرز تفکر نمایندگان و اظهارات آنها ونظریاتی راکه ابراز داشته‌اند شایان دقت است . متن صورت جلسهٔ مزبور درقسمتی که مربوط بامتیاز دارسی است در زیر نقل میگردد و لازم است گفته شود که در دورهٔ اول مجلس اشخاص خارجی نیز میتوانستند در مجلس حاضر شده و با اجازهٔ مجلس بیاناتی بنمایندو از این رو صدیق‌السلطنه (عبدالعلی صدری) کمیسر نفت و پسر کتابچی درجلسهٔ مزبور احضار شده بودند که توضیحاتی دربارهٔ معدن نفت بدهند .

اینك متن صورت جلسهٔ مزبور :

آقا سیدمحمدتقی — آقای سعدالدوله جناب وزیرمعادن امروز دو روز است که تشریف میآورند درمجلس.

سعدالدوله— خیلی مرحمت فرمودند غرض از تشریف آوردن ایشان چه‌بود.

آقاسید محمد تقی — شما ایشانرا خواسته بودید دربابت معدن

سعدالدوله — یکی در عمل معدن نفت بودکه امتیازنامه آنرا خواستیم آورده‌اند ؟

وزیرمعادن— بلی حاضر است.

سعدالدوله— اگرمجلس صلاح میداندیك کمیسیون برای‌تحقیق آن‌معین کنند.

آقاسید محمدتقی— این امتیازنامه را بخوانند بعدکمیسیونی مقرر نمایند.

(امتیازنامه را خواندند)

صدیق حضرت— درفصل اول لفظ انحصار دارد درنسخه فرانسه ترجمهٔ آن غلط شده‌است میخواهید بخوانم (خواندند)

وزیرمعادن— این ترجمه‌ایست که وزارتخارجه داده‌است .

سعدالدوله— کدام معتبر است غالباً این امتیازنامه‌ها را صاحب‌امتیازمینویسد ویك تقدیمی میدهدکه اورا معتبر نمایند نه‌اصل را غرض این‌است که ملت بداندتفصیل کنترات وامتیازنامه های مارا با خارجه که بچه‌ترتیب است وچگونه تقلبات‌میکنند.

وزیرمعادن - اگر این‌گونه تقلبات نبود ملت برای‌چه مجلس‌را ایجاد میکرد این مجلس‌برای برداشتن‌همین خرابیهاست. درآن فصلی که علاوه بر صدی شانزده از منافع مبلغ دوهزارتومان از بابت‌آن سه‌معدنی که درکاربوده وبدولت علیه‌عایدی‌میداد صاحب‌امتیاز نیز باید بدولت بدهد .

وزیرمعادن— اینجا توضیحی لازم داردکه این ۳ معدن قبل از امتیاز سالی دوهزار تومان بدولت عایدی میداد امتیاز آنرا هم واگذار کردند باوکه علاوه‌ازصدی ۱٦ که باید بدولت بدهد آن دوهزار تومان‌را هم بدهد .

سعدالدوله — حالامیدهد

وزیرمعادن — هنوز نداده میگوید که باید من تحقیق بکنم وهنوز این‌معادن درتصرف من نیست من نمیدهم ما جواب دادیم که ما نباید بتصرف شما بدهیم معادن آنجا هست. باید بفرستید رسیدگی نمایند چاه بکنند تا معادن بیرون بیاید واین پول را باید بدهد وحق ندارند وخواهیم گرفت درجواب و سئوال هستیم.

سعدالدوله — چندسال است ؟

وزیر — شش‌سالست .

سعدالدوله - حالا کار میکنند ؟

وزیر — در دومکان‌کار میکنند.

سعدالدوله - این شرط هست که تا چندمدت اگردائر نکرد امتیازباطل‌باشد .

وزیر- بلی آن فصل میرسد .

سعدالدوله - تا حال کمپانی کرده است ؟

وزیر - بنا بود دوسال اگر کمپانی از برای اینکار تشکیل ندهند باطل باشد چون دوسالش تمام شد ودیدچاه های نفت درست بیرون نیامده که بتواند کمپانی‌تشکیل کند با بعضی از رفقای خودش شرکتی کرد که اسمش را شرکت معدن نفت گذاشت فصلی درین باب گذاشته است و در قرارنامهٔ او نوشته است که باید عملجات از اهل ایران باشند ولی او از عثمانی و هندی آورده است ولی حالا تلگرافی شده‌است که همهٔ عملجات ایرانی هستند مگر سی‌نفر.

سعدالدوله - ولی بنده شنیدم که اغلب بغدادی وعثمانی وهندی هستند.

حاج معین‌التجار - بنده پارسال دیدم که عملجات ایشان ایرانی بودند ولی آن‌تشکیل کمپانی که بنابود بکنند نکردند.

سعدالدوله - از پول خودش کمپانی کرده‌است فرقی نمیکند .

وزیرمعادن - هنوز ازکیسهٔ دولت چیزی نرفته‌است و ضرری بدولت نرسیده تلگرافی قرائت شدکه رئیس تلگراف رامهرمز کرده‌بود بوزیر که عملجات‌معدن فعلاً همه ایرانی هستند و سی‌نفر از خارجه هستند.

سعدالدوله - آن سی‌نفر خارجه چه‌قبیل اشخاص هستند .

وزیر - سی‌نفر رئیس نایب‌رئیس ودکتر و ماکینه‌چی وعملجات علمی‌هستند.

سعدالدوله - راپورت من پس صحیح است که یهودی های بغداد و هندی در آنجا هستند.

وزیر- آن در معدن قصرشیرین‌بود که کتابچی‌خان کمیسر بود واز اینجاتلگ.اف کردیم ونوشتیم آنهارا معزول کردند .

صدیق‌السلطنه- علاوه برراپورت های خودم‌آن تحقیقات‌تلگرافی‌ازتلگرافخانه رامهرمز واین هم شرحی است که سردار اسعد مرقوم فرمودند که عملجات‌تمام‌ایرانی هستند مگر ۳۰ نفر.

(آن فصل قرائت شد) که ۲۰هزار لیره از بابت امتیاز داده شده‌است

سعدالدوله ـ آن ۲۰هزار لیره چه شده‌است ؟

وزیر ـ بامین‌السلطان اتابك داده شد وقبض اتابك هم در دست است. این هم سواد قبض.

سعدالدوله ـ درین کار کمیسر پسر کتابچی‌خان بود ؟

وزیر معادن ـ اول خود کتابچی بعد با پسرش شد حال دو سال است که با صدیق‌السلطنه است .

سعدالدوله ـ ما باید بدانیم که چرا بی‌جهت او معاف شده است ازین خدمت. جناب شیخ‌الملك شما میدانید برای چه ؟

شیخ‌الملك ـ جهت را نمیدانم.

وزیرمعادن ـ برای همین عیوبات بود که این مجلس تشکیل شد. برگذشته ها اعتراضی نیست انشاءالله ازین ببعد ترتیب صحیح خواهدبود .

سعدالدوله ـ اینکه میگویم برای این است که بعداً بی‌جهت کسیرا از خدمت معاف نکنند .

آقامیرزامحسن ـ او رعیت ایران بود.

سعدالدوله ـ بلی رعیت شده بود .

صدیق‌السلطنه ـ بلی کتابچی‌خان ارمنی ورعیت ایران است.

رئیس ـ این مطلب‌را گفتید چیزی بخاطرم رسید اینست که آیا دولت نمیتواند نوکر خودرا عزل نماید ؟

سعدالدوله ـ بقاعدهٔ نظامنامه. بی‌جهت و بی‌تقصیر نه .

آقامیرزامحسن ـ صحیح است که استحقاق عزل ندارد ولی اگر بگویند که چهارسال تو درین خدمت نفع بردی حال یکی دیگر ببرد چون‌کار کم است و اشخاص زیاد این چطور است ؟

سعدالدوله ـ بعد کارها زیاد پیدا خواهد شد وهمه صاحب‌کار میشوند . اینقدر کار پیدا شود که آدم برای‌آن نباشد . اما بشرط آنکه‌کار برای‌آدم باشد نه‌آدم‌برای کار. نگوئید چون فلانی بیکار بود باوکار دادیم .

بعد امتیازنامه ختم شد آن فصل اخیر که هرگاه میان نسختین فرانسه و فارسی اختلافی پیدا شد فرانسه مقدم‌است مطرح شد .

سعدالدوله ـ در هیچ‌جا همچو چیزی نشده است که زبان خارج را اولویت بر زبان خودشان بدهند.

جناب صدیق‌السلطنه شما درین مدت که کمیسر بوده‌اید چکار کرده‌اید؟

صدیق‌السلطنه ـ بنده درآن سفر در رکاب همایونی رفته بودم بسفر فرنگ مأموریت این‌کار به بنده رجوع شده است یك سفر رفتم بلندن درآنجا باصاحب امتیاز ملاقات کرده وازبابت امتیاز نفت سؤال کردم گفتند عجالتاً درقصرشیرین تعطیل کرده‌ایم با ۲۲۵ هزارلیره مخارج دراین‌جا بنفت رسیدیم و حالا خیال دارند مهندسینی بطرف جنوب که نزدیك بساحل‌است بفرستند امتحانات بعمل بیاورند هروقت‌مهندسین‌رافرستادیم

ونقاطی را که برای سوراخ کردن لازم است پیدا کردند هر اقدامی که شد بشما اطلاع خواهیم‌داد . این‌است که حالادرساردین ومماتین مشغول هستند و قبل‌از شروع راپرت اقدامات را داده بود .

سعدالدوله - شما هیچ آنجاها رفته‌اید ؟

صدیق‌السلطنه - هنوز نرفته‌ام‌منتظربودم که چاه‌نفت بیرون بیاید بروم . کمیسر سابق هم نرفته بود .

سعدالدوله - شما کمیسر دولتید باید بروید آنجاوباشید وبه بینیدچه می کنند.

صدیق‌السلطنه - تا حال مأموریت برفتن نداشته‌ام ومنتظرم نفتی ظاهر بشود هرنوعی که وزارت معادن دستورالعمل دادند عمل کنم .

آقامیرزاطاهر - بگوئید حقوق خودشان را میگیرند یانه ؟

سعدالدوله - البته میگیرند .

آقامیرزاطاهر - مقصود همین‌است دیگر بروند برای چه .

رئیس - دیگراینها خارج ازمسئله است ازمطلب خارج نشوید .

سعدالدوله - غرض این بود این راپرتی که بمن داده بودند در بابت عملجات که خارجه هستند مجلس خواست درین باب کیفیت امتیاز اورا بداندکه بچه ترتیب است حال که فهمیدیم ایرانی هستند ولی بایـد آن سی نفر را که خارجه‌اند هم معلوم کنید چه کاره هستند . اگردرمعدن نفت چیزی غیرازنفت استکشاف شود چه صورت دارد .

خیاط باشی - آن صندوق هائی را که بردند ازقصر شیرین بخارجه آنها چه بوده است ؟

سعدالدوله - پس میدانیدچرا نمیگوئید ؟

وزیرمعادن - شما سندی دارید ازبرای این مطالب یا این‌که به شما گفته‌اند و می گوئید .

خیاط باشی - عرض میکنم این‌مطلب‌راکسانی که‌آنجارا دیده‌اندگفته‌اند .

صدیق‌السلطنه - آنوقت که در قصر شیرین چاه میکندند بنده مأمور نبودم کتابچی خان بود .

آقا سید مهدی - اثبات‌آن هم ممکن است هستند اشخاصی که اطلاع دارند .

سعدالدوله - اینکه گفتم کمیسردولت باشد برای این‌کارهاست هرگاه کمیسربود دیگر اینحرفها زده نمیشد .

آقاسیدمحمدتقی - کمیسررا بعضی نمیدانند خوبست فارسی بفرمائید .

سعدالدوله - من زبانم عادت کرده‌است نمیتوانم مدتی فکر کنم برای معنی یك لفظ پانزده سالست غیرازاین نمیتوانم بگویم عذرمیخواهم بعدها آقایان بدانندکه من چه میگویم مقصود ازکمیسرچیست . وهم (کمسیون) و (کمپانی) اینها همه فرانسه‌است .

آقا سید حسن تقی‌زاده - عرض میکنم که تاچندی قبل این ترتیب امتیازدادن وگرفتن درایران معمول و مرسوم نبوده است همه اینها برداشت از خارجه است این امتیازنامه هارا اغلب صاحبان امتیاز مینویسند بترتیب‌آنجا وقتیکه ترجمه بشود زیادات

خیلی دارد مثل اینکه آنچه چوب محتاج است ازجنگل قطع کند یافلان و فلان اینها را خوب است اسقاط کنند .

رئیس - البته بعدها باید بنظرمجلس برسد اصلاح خواهد شد .

سعدالدوله - مقصود خیاط باشی ازمیانه نرود .

وزیرمعادن - اگرسند داشته باشند صحیح است .

خیاط باشی - سند را هم تحصیل میکنیم واثبات مینمائیم .

حاجی سید باقر - من خودم آنجا بوده‌ام که چندقاطر بار کرده بودند می‌بردند هرچه جویا شده‌ایم که چه چیزاست گفته‌اند خاکی است که میبرند .

پسر کتابچی - آن خاك معدن نفت بوده است که برای امتحان برده‌اند .

سعدالدوله - معلوم شد میگویند خاك همان معدن بود .

حاجی معین‌التجار - رسم است وقتی که چند ذرع چاه کندند قدری ازآن‌خاك را برای امتحان حمل‌میکنند میبرند .

سیدالحکما - برای امتحان یکبار یك لنگه چقدر باید ببرند بار بارهم برای امتحان است

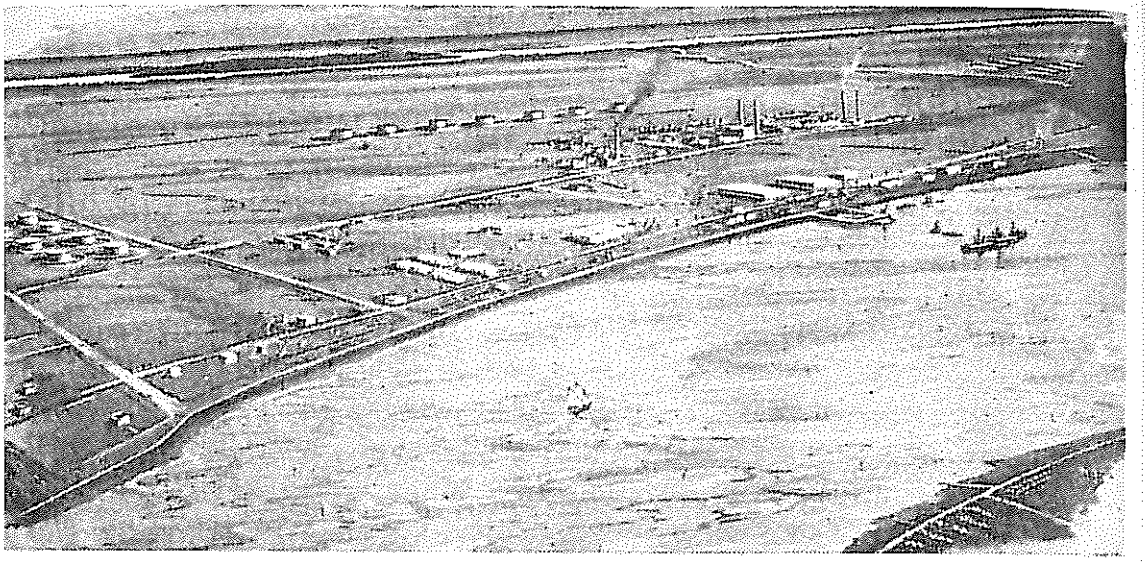
رئیس - شش نفر ازبرای کمیسیون تحقیق این مطلب معین‌شدند.

سعدالدوله - بسیارخوب‌مشغول شوند.

بخش ششم - اختلافات با دولت ایران پس از جنگ بین‌المللی اول

وقایعی که در طی جنگ بین‌المللی اول درایران رخ داد وخسارات گزافی که از نقض بیطرفی ایران ازطرف روس وانگلیس وآلمان وعثمانی باین کشور واردآمددر جراید آن موقع وکتابهائی که بعد منتشر گردید ضبط و ثبت است وشرح آن هم در اینجا موردی ندارد وفقط آنچه مستقیماً مربوط بنفت میباشد بطور اختصار ذکر میگردد :

هنگامیکه جنگ بین‌المللی شروع شد ماهی بیست‌وپنج هزارتن نفت از آبادان صادر میگردید واهمیت این مقدار نفت برای نیروی دریائی انگلیس و مقاصد جنگی آندولت باندازه‌ای بود که دولت انگلیس مصمم شد اقدامات جدی نموده و مانع از سرایت عملیات جنگی بخوزستان‌بشود. سه‌ماه پس‌از شروع جنگ ارتش‌انگلیس‌بصره را اشغال کرد وچون معلوم بود که یکی از هدفهای آلمانها وعثمانیها این خواهد بود که عملیات صنعت جدیدالتأسیس نفت‌را درخوزستان متوقف سازند نقشه‌هائی‌طرح‌شد که ازاین‌کار جلوگیری شود . نمایندگان انگلستان خوانین بختیاری وشیخ خزعل‌راتقویت کرده و بادادن پول واسلحه آنهارا متعهدبحفظ مؤسسات نفت نمودند. درفوریه۱۹۱۵ عمال آلمانی خط لوله نفت را بین مسجد سلیمان و اهواز سوراخ کردند و چون خطر پیشروی قوای عثمانی در خوزستان میرفت انگلیسها عده‌ای سرباز هندی بخوزستان آورده ودر تمام مدت جنگ در اهواز پادگانی برقرار کردند. سوراخ شدن لولهٔ نفت



آبادان قبل‌ازجنگ اول جهانی

دو الی سه ماه وقفه‌ای درکار ها ایجاد کرد ولی درتابستان ۱۹۱۵ نفت جریان خودرا بطورعادی‌شروع کردودیگردرتمام‌مدت‌جنگ‌تجاوزی به‌اموال‌ومؤسسات‌شرکت‌نفت‌نشد.

بین سال های ۱۹۱۵و۱۹۱۹ عملیات شرکت درایران توسعه یافت‌و با وجود اینکه واردکردن لوازم از خارج واستخدام کارمندان خارجی و تهیه لوازم مواجه با اشکالات بسیار بود معهذا احتیاج فوق‌العاده بنفت طوری بودکه برای توسعهٔ عملیات درایران اولویت بخصوصی‌قائل‌شده‌بودند. راه شوسه‌ای بین مسجدسلیمان ودره خزینه ساخته شد ووسایل حمل‌ونقل جدید ازقبیل اتوموبیل‌های سواری وباری بکار افتاده و کارخانه برق مسجدسلیمان توسعه یافت و خانه‌سازی در مسجد سلیمان پیشرفت زیادی کرد واز هرحیث‌کارها روبتوسعه میرفت. خط لولهٔ جدیدی بین مسجد سلیمان و آبادان ساخته شدکه درآخر جنگ خطوط لوله قدیم وجدید توأماً میتوانستند سالی سه‌ملیون تن نفت بآبادان برسانند. در آبادان هم اضافات به پالایشگاه مرتباً ادامه داشت و ظرفیت پالایشگاه که قبل‌ازجنگ سالی۱۲۰۰۰۰تن‌بود درآخرجنگ بسالی یك‌ملیون تن رسید. استخراج و صدور نفت هم روبفزونی رفت‌که ارقام زیر شاهد برآن میباشد :

سال ۱۹۱٤	۲۷٤۰۰۰	تن
» ۱۹۱۵	۳۷٦۰۰۰	»
» ۱۹۱٦	٤٤۹۰۰۰	»
» ۱۹۱۷	٦٤٤۰۰۰	»
» ۱۹۱۸	۸۹۷۰۰۰	»
» ۱۹۱۹	۱۱۰٦۰۰۰	»
» ۱۹۲۰	۱۳۸۵۰۰۰	»

کل درآمد دولت ایران از ابتدای استخراج نفت تاسال ۱۹۱۹ عبارت بود از ۱۳۲۵۰۰۰ لیره ودرآمد دولت درسال ۲۰-۱۹۱۹ فقط ٤۷۰۰۰۰ لیره بود .

پس‌از جنگ اختلافاتی بین دولت‌ایران وشرکت نفت رخ داد که‌منجر بمذاکرات طولانی گشت و شرح آن بدینقرار است :

شرکت نفت مدعی بود که دولت ایران بموجب فصل چهاردهم امتیازنامه متعهد است که اقدامات لازمه‌را برای حفظ امنیت واموال شرکت وکارکنان‌آن بعمل‌آورد و اظهار میداشت که دولت ایران تعهد مذکور را انجام نداده است زیرا بواسطهٔ فقدان امنیت در نواحی بختیاری شرکت ناچار شده است که صدی سه از سهام شرکت تابعه خود موسوم بشرکت‌نفت بختیاری‌را بخوانین منتقل‌نماید تا ازتعرضات‌آنها مصون‌باشد ودر ایام جنگ هم آسیب فراوانی بخط لوله او رسیده که باعث پانصدهزارلیره‌خسارت شده وتقاضای جبران این خسارت‌را داشت.

دولت ایران درجواب اظهار میداشت که خوانین بختیاری فقط حق دریافت قیمت اراضی خودرا داشته واگر شرکت بآنها اضافاتی پرداخته بمیل و مسئولیت خود این کاررا کرده است وعلاوه براین اگر شرکت ملاحظه میکرد که امنیتی درنواحی بختیاری موجود نیست لازم بود که بدولت مراجعه میکرد تا دولت امنیت‌را برقرار میساخت نه اینکه باخوانین محلی قراردادهائی منعقد کرده وقدرت‌حکومت‌مرکزی‌را متزلزل‌سازد .

راجع به خسارت وارده بلوله دولت معتقد بود که خرج تعمیر ومرمت‌آن‌از بیست هزار لیره تجاوز نمیکرد و مسئولیت‌آن هم متوجه دولت‌ایران نیست زیرا عملیات‌دول محارب هنگام جنگ موجب نقض بیطرفی ایران بوده ویکی از آن دول هم انگلیس بوده‌است که بهیچوجه مربوط بایران نبوده‌است. درباب تعطیل‌کار که مدت‌آن کوتاه و متعاقب سوراخ شدن لوله بوده دولت ایران بنطق رئیس شرکت استناد کرده‌ومیگفت که رئیس شرکت درمجمع عمومی صاحبان سهام که در ۲۰ دسامبر ۱۹۱۵ منعقد گشته اعتراف کرده است که تعطیل کار بیشتر مربوط بفقدان وسایل نقلیه آبی بوده است که دولت انگلیس از رودکارون مصادره کرده وبرای عملیات جنگی خود به‌رود دجله در عراق فرستاده است لهذا ادعای شرکت دراین باره هم وارد نیست .

علاوه بر جواب های فوق دولت ایران دعاوی متقابله‌ای برعلیه شرکت عنوان کرد که بقرار زیر بود :

۱ــ دولت ایران در « شرکت بهره برداری اولیه » دارای سهامی است که از سود آن باید هرسال بهره‌ای تحصیل نماید. شرکت برای اینکه ازسود دولت بکاهد نفت خامی‌را که شرکت مزبوراستخراج میکند ازقرار هرتن یك شیلینگ‌ونیم‌بشرکت نفت بختیاری میفروشد(که درواقع قیمت تمام‌شدهٔ آن است) وبعد شرکت‌نفت‌بختیاری بدون آنکه هیچ تغییری درماهیت نفت بدهد همان نفت خام را از قرار هشت‌شیلینگ‌و کسری بشرکت نفت ایران‌وانگلیس میفروشد وبدین‌ترتیب خسارت زیادی متوجه‌دولت میگردد .

۲ــ بیشترمخارج شرکت درایران بحساب شرکت بهره برداری اولیه گذاشته میشود تاازسودآن کاسته شود وبالنتیجه چیزی بابت سود سهام عایددولت‌نمیگردد .

۳- شرکت نفت خودرا بقیمت نازلی بدولت انگلستان میفروشد وازاین راه از درآمد خالص خود کاسته وبالطبع ازحق‌الامتیاز دولت نیز کسرمیگردد .

٤- شرکت عدهٔ زیادی کارکنان خارجی را استخدام کرده است درحالیکه باتربیت کردن ایرانیان میتوانست از استخدام بیگانگان خودداری نماید . علاوه برمضار اقتصادی واجتماعی استخدام کارکنان خارجی حضورآنها درنقطهٔ معینی ازکشور باعث اختلال امورانتظامی وسیاسی نیزشده است چنانکه درسال ۱۹۲۰ عده‌ای ازکارگران هندی برای افزایش دستمزد خود اعتصاب کردند وقونسول انگلیس دربوشهر باکشتی جنگی وعدهٔ نظامی بیگانه بآبادان آمد تاغائله را خاموش کند واین خود بالاترین توهینی بود که بیك کشورآزاد ومستقلی انجام میگرفت .

۵- شرکت بوسیلهٔ ایجادتلگراف بی‌سیم قوی درآبادان باخارج ارتباط پیدا نموده درصورتی که کلیهٔ ارتباطات باخارج باید بوسیلهٔ وسایل ارتباطیهٔ دولت انجام گیرد.

٦- دولت نسبت بروابطی که شرکت باخوانین محلی وشیخ خزعل برقرار کرده بود معترض بوده واینگونه ارتباطات را منافی حق حاکمیت خود میدانست .

۷- دولت ایران خود را سهیم درسود حاصله از تمام شرکتهای تابعه میدانست و اظهار میداشت که بموجب امتیازنامه صدی شانزده ازکل سود حاصله متعلق بدولت است. درحالیکه شرکت نفت این ادعا را قبول نداشت ومثلا سود شرکت کشتیرانی را ازحساب مستثنی میکرد .

موقعیکه شرکت مطالبه خسارت نیم ملیون لیره را بابت سوراخ شدن لوله‌اش کرد دولت ایران رسماً بشرکت اطلاع دادکه امتیاز نامه برای رسیدگی باختلافات طرفین مرجعی معین نموده وآن حکمیت است . شرکت در نامه‌ای که بتاریخ ٢٤ مه ۱۹۱۷ نوشته بود بدولت جواب داد که اگر حکمیت برای تعیین مبلغ خسارت می‌باشد ارجاع بحکمیت را قبول میکند ولی اگر برای این است که داوران نظرداده وبگویند که آیا شرکت حق مطالبهٔ خسارت را دارد یا ندارد چنین اظهار نظری از صلاحیت داوران خارج است .

بحث راجع باختلافات فوق چندین سال جریان داشت تا اینکه در سال ۱۹۱۹ قرارداد معروف بقرارداد وثوق‌الدوله تنظیم گردید ووزیرخارجهٔ وقت یعنی نصرت‌الدوله فیروز مسافرتی بلندن کرد تاموجبات اجرای قرارداد مزبوررا فراهم سازد . ضمناً دولت باومأموریت داده بود که اختلافات باشرکت را حل نماید .

اولین اقدام نصرت‌الدوله پس از ورود بلندن استخدام مستشاری برای وزارت دارائی بود که بموجب قرارداد ۱۹۱۹ می‌بایست اختیارات امورمالی دولت ایران باو واگذار گردد .

نصرت‌الدوله برحسب توصیهٔ دولت انگلستان یکی ازکارمندان عالیرتبهٔ خزانه‌داری انگلستان موسوم به ارمیتاژاسمیت[۱] را بسمت مستشار مالیهٔ ایران انتخاب واستخدام کرد ودربارهٔ اختلافات بین دولت ایران وشرکت نفت بااومشورت نمود . ارمیتاژاسمیت

(۱) Sir Sydney Armitage-Smith

بنصرت‌الدوله توصیه میکند که باخبرگان مخصوصی که درتعبیر و تفسیر امتیازنامه ها بصیرت دارند ودرامورحسابداری ورزیده ومجرب میباشند مشورتی‌شود وکسی‌را بنام ویلیام مکلین تاك[1] باو معرفی‌میکند . درماه اکتبر ۱۹۱۹ نصرت‌الدوله بامکلین تاك ملاقاتی کرده واز او تقاضا میکند که بحسابهای شرکت نفت مراجعه و معلوم نماید که آیا درسالهای گذشته حقوق حقهٔ دولت بابت درآمد نفت کاملاً عاید شده‌است یاخیر ؟ وآیا بصرفه مقرون هست که دولت ایران طرزوصول حق‌الامتیاز خود را که براساس صدی شانزده ازدرآمد خالص شرکت میباشد تبدیل به مبلغی از هرتن استخراج شده بکند یانه ؟

چند ماه بعد یعنی‌درفوریه ۱۹۲۰ مکلین‌تاك که یك حسابدارقسم خورده[2] ومبرزی بودگزارش خود را بدولت ایران تقدیم داشت که متأسفانه گزارش مزبورکه اهمیت بسزائی داشت ودرموقع ملی‌شدن نفت استفاده‌های مهمی ازآن مقدور بود در دسترس عامه قرارنگرفت ودرایران منتشرنگردید . دراین‌گزارش مکلین تاك بالصراحه‌اظهار میدارد که‌اولاً تبدیل‌پایهٔ حق‌الامتیاز بمبلغی‌معین درهرتن (که شرکت درآنموقع پیشنهاد دوشیلینگ ونیم درهرتن کرده بود) مقرون بصرفهٔ دولت نیست و ثانیاً شرکت نفت حقوق‌حقه دولت‌را بابت‌حق الامتیازکاملاً نپرداخته و۵۳۵۰۰۰لیره کمتر پرداخته‌است .

ارمیتاژ اسمیت درفوریه ۱۹۲۰ عازم ایران میشود و رونوشتی ازگزارش مکلین تاك‌رابنصرت‌الدوله میدهدکه اومذاکرات باشرکت نفت را ادامه دهد . نصرت‌الدوله پس از مذاکرهٔ مفصل با شرکت توافقی میکند که رئیس شرکت آنرا بشرح زیر تأئید مینماید :

نامه‌ای‌که رئیس شرکت نفت درلندن بنصرت‌الدوله نوشته‌است[3] .

مورخه یازدهم ژوئن ۱۹۲۰

حضرت والا شاهزاده نصرت الدوله وزیرامورخارجه‌ایران

من خیلی مسرورم که بدینوسیله قرارداد ذیل را که راجع بمسائل معوقه بین دولت شما وکمپانی ما است وشما قبول فرموده‌اید تصدیق نمایم بدین معنی‌که دولت شما حاضرخواهند بود :

۱ـ که صد شانزده از منافع خالصی‌که ذکر شده در فصل دهم امتیاز دارسی مورخه۲۸می ۱۹۰۱ شده است برحسب قرارداد مورخهٔ چهارم ژوئن ۱۹۲۰ که مستر مکلین تاك و مسترللوید اقدام بآن نموده‌اند وجزئیات‌آن هنوز مقررنشده است تعبیر وتفسیر شود .

۲ـ ادعای راجع بحق‌الدولت درموضوع حمل ونقل نفت بتوسط کشتیها که شرح

---

(۱) Sir William Mac Lintock

(۲) حسابداران قسم‌خورده کسانی‌هستندکه تجربه بسیار در امورحسابداری داشته ومخصوصاً تخصص بسیاری دررسیدگی‌بحسابهای شرکتها دارندوقبل‌ازآنکه بچنین‌مقامی‌برسند سوگند یادمی‌کنندکه در کارخود نهایت‌پرهیزکاری وصداقت‌را رعایت‌نمایند.

(۳) اقتباس ازعین‌گزارش‌ارمیتاژ اسمیت‌بدولت‌ایران.

آن درقرارداد چهارم ژوئن ۱۹۲۰ذکرشده موقوف شود و کمپانی نفت‌انگلیس وایران هم متعهد میشود که :

۱ـ بدولت ایران مبلغ ۵۰۰۰۰۰ لیرهٔ انگلیسی نقد یا ۱۰۰۰۰۰ سهام معمولی کمپانی که دارای حق رأی نیست درمقابل‌دعاوی دولت راجع بحقوق ومحاسبات تا۳۱ مارس۱۹۱۹ بپردازند .

۲ـ تمام دعاوی خودکه راجع بمطالبهٔ خسارتی‌است‌که ازقطع لولهٔ نفت درماه فوریه ۱۹۱۹ متوجه‌کمپانی شده پس بگیرد .

۳ـ ادعای خود را راجع بکسرگذاردن سه درصد از حق‌السهم دولت ایران که این‌کمپانی مجبورشده بخوانین بختیاری بپردازد نیز پس بگیرد .

درخاتمه افتخاردارم‌که یکی ازارادتمندان‌آن حضرت والا محسوب شوم .

امضای مدیرکمپانی ـ س . گرینوی

جواب‌نامه نصرت‌الدوله برئیس شرکت نفت

مورخه ۲۸ ژوئن ۱۹۲۰

مدیرمحترم کمپانی‌نفت انگلیس وایران

درتعقیب مراسلهٔ خود مورخهٔ دوازدهم شهرحال‌که درجواب مراسلهٔ یازدهم شهر حال شما نوشته شده بود من حالا مسرورم‌که ازطرف دولت خود جواب یادداشت (ب) شمارا‌که راجع بجزئیات مطلب‌که مسترمکلین‌تاك وللوید قرارداده‌اند وطریق‌پرداخت حق‌الدولتی‌که برحسب‌امتیازدارسی‌باید بدولت من‌پرداخته شودراشامل است ویادداشت مورخه چهارم ژوئن ۱۹۲۰ را هم مجری میدارد قبول نمایم .

راجع بمبلغ پانصد هزارلیره‌که برحسب این‌قرارداد باید پرداخت شود لازم‌است خاطرشمارا متذکرکنم‌که این وجه باید نقداً پرداخته شود ومن خیلی متشکر خواهم شد اگر شما این وجه‌را بحساب دولت علیه‌ایران به‌بانك شاهنشاهی ایران بگذارید .

چنانکه در مراسلهٔ یازدهم ژوئن خود متذکر شده‌اید مبلغ فوق درمقابل تمام دعاوی دولت من راجع بحقوق خود خواهد بود وشامل بقیهٔ محاسبات تاسی ویکم ماه مارس ۱۹۱۹خواهد بودکه قسمت دیگرآن برحسب‌صورتی‌که جوف مراسله۲۳اکتوبر ۱۹۱۹خود فرستاده بآقای فریدالسلطنه پرداخته شده‌است واین‌مبلغ هم اضافه برمبلغ صد ونود ودوهزارلیره‌ای است‌که بعدها از بابت حساب مالیات فـوق‌العاده پرداخته شده است .

امضای ـ فیروز (نصرت‌الدوله)

ازمتن‌نامه‌های فوق ملاحظه میشودکه نصرت‌الدوله وزیرخارجهٔ‌کابینهٔ وثوق‌الدوله حاضرشده‌بودکه تمام دعاوی دولت را به‌پانصد هزارلیره قطع نماید .

یکماه‌بعدکابینهٔ وثوق‌الدوله ساقط ودولت‌بعدکه بریاست حسن‌پیرنیا(مشیرالدوله) تشکیل شده بود نمیخواست‌که ارمیتاژ اسمیت درکارهای وزارت دارائی دخالتی نماید لذا اورا مأمورکردکه بلندن رفته واختلافات باشرکت را تصفیه نماید . ارمیتاژاسمیت

بلندن رفت و درتوافقی که بین نصرت‌الدوله و شرکت حاصل شده بود تغییرات مهمی بشرح زیر داد :

۱ـ مبلغ پانصد هزار لیره را که شرکت نفت بعنوان قطع دعاوی حاضر شده بود بپردازد دوبرابر کرد و بیك ملیون لیره رساند .

۲ـ قراردادی راجع بطرز محاسبهٔ صدی شانزده حق‌الامتیاز دولت با شرکت منعقد نمود که نسبت بقراردادی که نصرت‌الدوله تنظیم کرده بود رجحان داشت .

ارمیتاژاسمیت درگزارش خود بدولت مراتب زیررا متذکرشده بود :

۱ـ بنظراو صلاح براین بوده‌است که اختلافات باشرکت بطریق مسالمت‌آمیزی حل شده وبحکمیت رجوع نشود .

۲ـ او عقیده نداشت که مبنای احتساب حق‌الامتیاز دولت ازصدی شانزده عواید خالص‌تغییر کند مگرآنکه شرکت حاضرشودبرای هرتن شش‌شیلینگ بپردازد واطلاع داده بود که بنظر او شرکت حاضرخواهد شد که برای هرتن پنج شیلینگ بپردازد .

۳ـ او مخالف تمدید امتیاز بود .

٤ـ او معتقد بود که شرکت درمعاملات خود با دولت رویه‌ای عادلانه و منصفانه نداشته است . دولت ایران قرارداد ارمیتاژاسمیت را هیچگاه تصویب نکرده وبرسمیت نشناخت ولی عمل احتساب حق‌الامتیاز تاموقع لغوامتیازدارسی‌طبق‌آن صورت‌میگرفت.
متن قرارداد ارمیتاژاسمیت وتوافقی که بین‌او بسمت نمایندگی‌دولت وشرکت نفت‌حاصل شده بود درسال ۱۳۰۱ درتهران چاپ ومنتشرگشت .

بخش هفتم - توسعهٔ نفت ایران پس از جنگ بین‌المللی اول

لرداستراتکونا در ۱۹۱٤ فوت‌کرد و سرچارلزگرینوی بریاست هیئت مدیره شرکت‌نفت ایران وانگلیس انتخاب‌گردید.

درسال ۱۹۱۷ پیشرفت‌کار شرکت بحدی رسیده بود که توانست یك‌ملیون سهام مرجح یك لیره‌ای را دربورس از قرار هرسهم بیست‌ودو شیلینگ‌ونیم بفروش‌رساند و استقبال مردم از این سهام بپایه‌ای رسیده بود که برای هریك سهم خریداران حاضر بودند دوازده ونیم درصد اضافه برقیمت اسمی‌آن بپردازند. درسال ۱۹۱۸ یك‌ملیون و هشتصدهزارلیره سهام قرضه باسود پنج درصد ازطرف‌شرکت منتشرگشت که۱۹۹۰۰۰ آنرا دولت انگلیس خریداری‌کرد وبقیه را مردم بااشتیاق زیادی خریداری‌کردند .

در سال ۱۹۱۹ شرکت سه ملیون سهام مرجح یك لیره‌ای را از قرار هرسهم بیست‌وسه شیلینگ منتشرکرد وبفروش رساند ودر همانوقت دولت انگلستان سه‌ملیون و شرکت نفت برمه یکملیون‌ونیم سهام عادی شرکت‌را خریداری‌کردند .

علاوه براین شرکت ۲٦۰۰۰۰۰ سهام قرضه باسود صدی‌پنج‌منتشرکرد و باپول

آن کلیه سهام قرضه‌ای که تا آنوقت منتشر کرده بود بازخرید کرد.

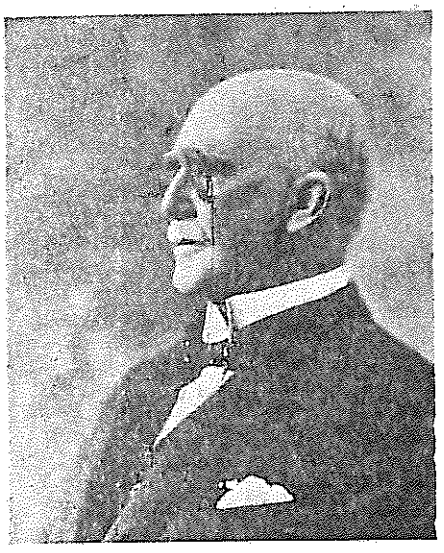
چنانکه در پیش گفته شد نفوذ اولیای شرکت برمه در اداره کردن شرکت نفت ایران و انگلیس از ابتدا مشهود بود و چون شرکت‌نفت برمه پس از دولت انگلیس بزرگترین سهامدار شرکت‌نفت بود اعمال‌نفوذ بسیاری درطرز اداره کردن آن‌مینمود. غالب مدیران شرکت‌نفت ایران‌وانگلیس سرمایه داران انگلیسی بودند که سالها در هندوستان زندگی کرده وروش استعماری عادت ثانوی آنها شده‌بود. ازابتدای کاریك شرکت تجارتی دیگر بنام استریك اسکات[۱] تشکیل شده‌بود که عهده‌دار اداره کردن امور شرکت نفت ایران و انگلیس بود. مدیران این شرکت بیشتر عضو هیئت مدیرهٔ شرکت نفت ایران و انگلیس بودند و شرکت استریك اسکات هر سال کمیسیون گزافی از شرکت‌نفت ایران وانگلیس میگرفت که‌کار های اداری آنرا درایران اداره نماید. در واقع این اساس یك‌ترتیب بیقاعده‌ای بود که مدیران شرکت برای پر کردن جیب خود از راه غیرمستقیم ساخته وپرداخته بودند و منافع گزافی هرسال برای خود تحصیل میکردند. موقعیکه لرد کدمن بریاست هیئت‌مدیرهٔ شرکت‌نفت رسید این بازی را موقوف ساخت واظهار داشت که مأمورین شرکت‌نفت خود قادر باداره کردن امور شرکت خود میباشند و دیگر احتیاجی نیست که گروهی از طفیلیان بچنین کاری مبادرت نمایند. اگرچه درظاهرامر قرارداد بین‌شرکت‌نفت وشرکت استریك‌اسکات‌امرمشروعی بنظر میرسید ولی درحقیقت نفس عمل کاملا غیرمشروع بود ودستگاه طفیلی بوجودآمده بود که سودگزافی هر سال برده و بجیب مدیران شرکت نفت خالی میکرد. غالب مأمورین‌عالیرتبه شرکت‌نفت درایران (باستثنای مأمورین‌فنی) یا از بین‌افسران‌باز نشسته ارتش هند ویا از مأمورین سیاسی انگلیس که درهندوستان سابقه‌خدمت زیادی داشتند انتخاب میشدند واین نوع انتخابات تأثیر فوق‌العاده‌ای در طرز اداره کردن شرکت داشت چون اینگونه اشخاص به راه وروش انگلیسها در هندوستان عادت کرده و نظر مرافقتی با شرقیان نداشتند وخود را از نژاد بالاتر از شرقیان میدانستند. الفاظ «صاحب» و «مم‌صاحب»[۲] ولغت های هندی را اینگونه اشخاص درمؤسسات‌نفت رواج دادند ونظر استعماری آنها بود که همیشه در روابط بین ایرانیان و انگلیسها مؤثر بوده و موجب رنجش ایرانیان میگردید. درفصل‌دیگری ازاین کتاب نمونه‌هائی‌ازطرز رفتار آنها ذکر شده است که واضح میدارد چه اندازه این راه و روش در تیره کردن روابط بین‌کارمندان ایرانی وانگلیسی مؤثربود. ناگفته نماند که درآن‌ایام پول رایج درخوزستان روپیهٔ هندی بود و شرکت‌کلیهٔ حقوق و دستمزد کارکنان خود را بروپیه می‌پرداخت واین نمونهٔ کوچکی ازطرزکارآنها بود. بطور خلاصه رژیم اداری شرکت نفت‌درایران تا ۱۹۲۵ که لرد کدمن بریاست شرکت منصوب گردید بی‌اندازه نامطلوب و ناگوار بود. پس‌از جنگ پیشرفت‌کارشرکت درایران سریع ووسیع بود. ازطرفی هر مقدار سرمایه‌ای که لازم بود بسهولت تهیه میشد وازطرف دیگرطالبین نفت‌ایران هرروز افزایش می‌یافت و شرکت‌نفت هرسال سود های گزافی میبرد وعملیات خود را در داخل و خارج ایران توسعه میداد. رژیم اداری شرکت در دست کسانی مانند

---

(۱) Strick Scott & Company Ltd.

(۲) «مم‌صاحب» یعنی خانم و بانو

سرچارلز گرینوی بود که قصدشان استعمار ایرانیان و نفت آنها بود و همواره سعی مینمودند بهر وسیله‌ای که ممکن باشد حداکثر استفاده را نموده و حداقل فایده را بایران بدهند.



لرد گرینوی

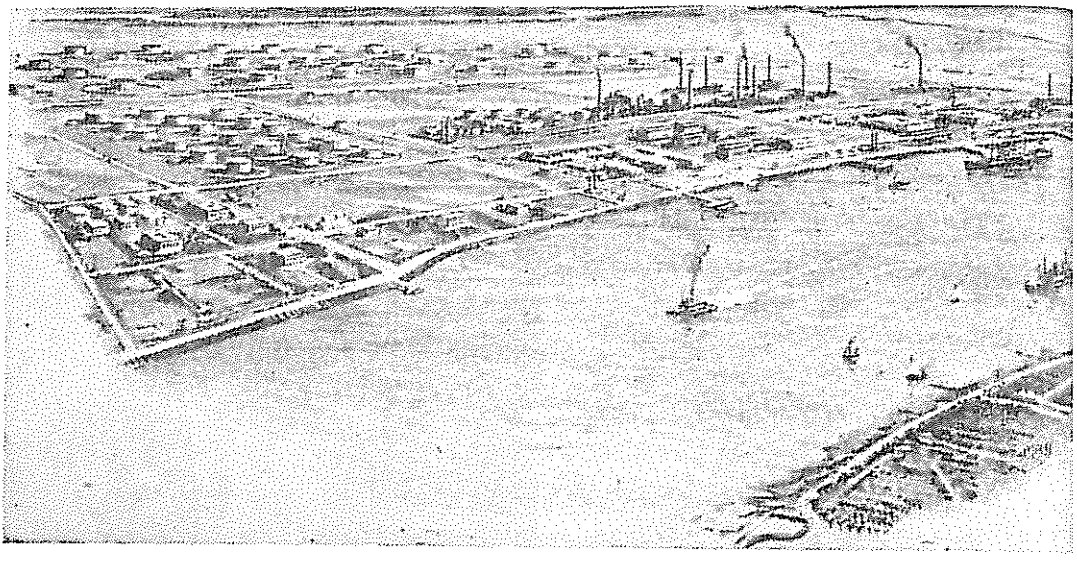
علاوه بر مسجد سلیمان عملیات کاوش برای نفت درچند نقطه دیگر ایران شروع شد. در جزیرهٔ قشم بحفر چاه پرداختند و در پشت کوه لرستان در ناحیه‌ای موسوم به دهلران که نزدیك مرز عراق است کاوش وحفاری را آغاز کردند ولی در هیچیك از این نقاط نتیجهٔ مطلوب حاصل نگشت. کلیهٔ نفتی که در سالهای اول بعداز جنگ استخراج میشد ازهمان مسجد سلیمان و بدینقرار بود :

سال ۱۹۲۱	۱۷۴۳۰۰۰ تن
» ۱۹۲۲	» ۲۳۲۷۰۰۰
» ۱۹۲۳	» ۲۹۵۹۰۰۰
» ۱۹۲٤	» ۳۷۱٤۰۰۰
» ۱۹۲۵	» ٤۳۳٤۰۰۰

درسال ۱۹۲۱ خط لولهٔ جدیدی بقطر سی سانتیمتر بین مسجد سلیمان و آبادان کشیده شد و ایستگاههای تلمبهٔ بزرگتر و کامل‌تری بنا گردید. در آبادان دستگاههای جدید تصفیه بنا گردید و در آخر سال ۱۹۲۲ آبادان قادر بود که سالی سه ملیون تن نفت تصفیه نماید.

درسال ۱۹۲٤ خط آهن کوچکی بین درخزینه ومسجدسلیمان ساخته شد که محمولات شرکت را پس از حمل آنها از آبادان بدرخزینه باوسایل آبی روی رود کارون با راه آهن بمسجدسلیمان میبرد. برای همهٔ کارمندان خارجی درمسجد سلیمان و آبادان خانه ومسکن ساخته شد ولی فقط برای معدودی از کارکنان ایرانی در مسجد سلیمان خانه‌هائی برپا گشت وقسمت اعظم کارمندان و کارگران ایرانی در آن گرمای شدید خوزستان از وسایل اولیهٔ زندگی محروم بودند.

پس ازجنگ کاوش برای کشف معادن جدید درحوزهٔ امتیازیه مستمراً ادامه داشت. پس از سه سال کار درجزیرهٔ قشم معلوم شد که نفت زیادی در آنجا نیست و همین نتیجه دردهلران بدست آمد. درشاه آباد غرب ودرکوه موند نزدیك بوشهر چاه‌هائی حفرشد ونتیجه منفی بود. درنقاط دیگرخوزستان مانند دال پری ـ زلای ـ پیرگاه ـ گچ‌خلج ـ سرنفتك ـ اهواز ـ ماماتین ـ چلنگر ـ صلح آباد ـ کوندك ـ تماهه ـ چاه هائی حفرشد وبنتیجه نرسید. این کاوشها وحفاریها مستلزم مخارج زیادی بود ولی بعدها که معادن



آبادان پس‌ازجنگ اول‌جهانی

جدیدی کشف شد جبران همه زیان‌های پیش‌را چندین برابر کرد .

درسال ۱۹۲۸ معدن نفت هفتکل که در پنجاه و هشت کیلومتری جنوب شرقی مسجد سلیمان واقع است کشف گردید . این معدن بزرگ که قطرسنگ آلوده بنفت آن ۲۷٤ متراست درعمق ششصدمتردرزیرزمین قرار گرفته وطول آن بیست‌وهفت کیلومتر وعرض آن قریب پنج کیلومتر میباشد . پس از کشف این معدن چاههای متعدی درین معدن حفرشد که درسال ۱۹۳۰ ازشش چاه آن نفت استخراج میشد. درسال ۱۹۳۰ خط لوله‌ای ازهفت کل به کوت عبدالله کشیده شد که بخط لوله‌ای که ازمسجد سلیمان بآبادان امتدادداشت متصل گردد ودرهمان سال قریب به یکملیون تن نفت ازاین معدن استخراج گردید . دراین تاریخ گنجایش حمل خطوط لوله شرکت به‌روزی هفده هزارتن یاسالی شش‌ملیون تن بالغ گشته بودواستخراج نفت ایران بطریق زیرافزایش یافت :

سال ۱۹۲٦	٤٥٥٦۰۰۰ تن
» ۱۹۲۷	٤۸۳۲۰۰۰ »
» ۱۳۲۸	٥۳٥۸۰۰۰ »
» ۱۹۲۹	٥٤٦۱۰۰۰ »
» ۱۹۳۰	٥۹۲۹۰۰۰ »
» ۱۹۳۱	٥۷٥۰۰۰۰ »
» ۱۹۳۲	٦٤٤٦۰۰۰ »
» ۱۹۳۳	۷۰۸۷۰۰۰ »

درسال ۱۹۳۰ ظرفیت بالایشگاه آبادان بسالی پنج‌ملیون‌تن بالغ گشت و باایجاد دستگاههای جدید فرآورده های تصفیه شده آن ترقی بسیارنمود . درسال ۱۹۳۱ عدهٔ کارکنان شرکت درایران بالغ بر بیست‌هزارنفر بود و کم‌کم شرکت بفکراین افتاد که‌برای‌کارکنان ایرانی خود خانه‌ومسکن ساخته ورفاه وآسایش‌آنهارا بتدریج‌فراهم نماید. از سال ۱۹۲۳ شرکت مراکزی برای تربیت‌کارگران و آموختن فنون مختلف بآنها ایجادکرده بود و این‌کار را بعداز سال ۱۹۲۹ توسعه داد . در قسمت بهداری بیمارستان های آبادان ومسجدسلیمان بوسیلهٔ اضافاتی که‌بآنهاشده‌بود مجهزتر گشت و درمانگاههای متعددی ایجاد شدکه بهداشت عموم‌کارکنان شرکت‌را تأمین نماید .

بخش هشتم ـ مذاکرات برای تجدید امتیاز

از جنگ بین‌المللی اول ببعد چندمرتبه شرکت ضمن مذاکرات خود بـا دولت گوشزدکرده بودکه بهتر است مبنای احتساب حق‌الامتیاز تغییرکند وتبدیل به مبلغ معینی درهر تن بشود ولی‌دولت بااین امر موافقت نداشت و پس‌از مشورت‌بامتخصصین استقبالی ازاین‌کار نکرد . از ابتدای امتیاز تا سال ۱۹۲۱ واسطهٔ روابط شرکت با دولت‌سفارت انگلیس بود ولی درآنسال شرکت اداره‌ای درتهران تأسیس‌ونماینده‌ای بتهران فرستادکه رابط بین دولت وشرکت باشد.

حوادث سیاسی که پس‌ازکودتای ۱۲۹۹ شمسی درایران روی‌داد ومنجر به‌بسط وگسترش قدرت دولت مرکزی درهمهٔ نقاط‌کشور شد واز میان رفتن قدرت خوانین و رؤسای محلی مانند شیخ خزعل وخوانین بختیاری شرکت‌را بیش‌از پیش متوجه اهمیت حکومت مرکزی نمود و شرکت فهمیدکه درآینده باید سر و کارش با تهران باشد و تقاضا هایش را بمرکزکشور تسلیم نماید . این تحولات سیاسی موجب شدکـه ادارهٔ نمایندگی شرکت درتهران توسعه یافت وکار های شرکت از مجرای نمایندگی مزبور انجام‌میگرفت .

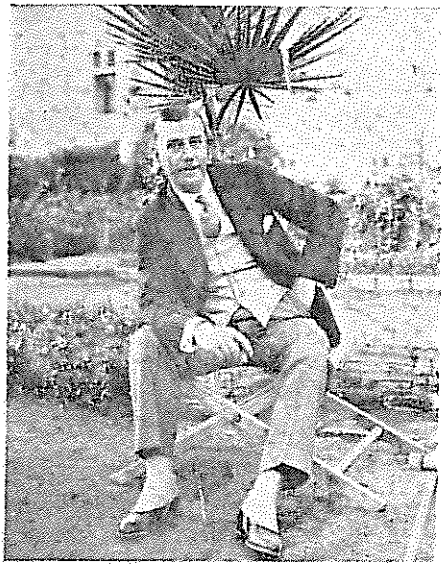
توأم بااین تحول سیاسی درایران یك تغییر و تحول عمده‌ای هم در امور اداری شرکت در لندن صورت‌گرفت وآن ورود لردکدمن بخدمت شرکت بود .

جان‌کدمن پس از اتمام تحصیلات عـالیه خود در دانشگاه بسمت بازرس معادن زغال‌سنگ منصوب شد . در ۱۹۰٤ ازطرف دولت تری‌نیداد (جزیره‌ایست واقع در مجمع‌الجزایر هند غربی درساحل شمالی امریکای جنوبی که‌ازمستملکات انگلیس‌است) دعوت شدکه بآنجا رفته و ترتیب ونظمی درکار استخراج اسفالت بدهد . چهار سال متوالی درجزیرهٔ مزبورکارکرد و پس‌از مراجعت بانگلستان بسمت استادی‌دردانشگاه برمینگهام[1] تعیین‌گردید وکرسی معدن شناسی را اشغال‌کرد و برای اولین بار در انگلستان‌کدمن توفیق آنرا یافت‌که شعبهٔ فنون نفت‌را دردانشگاه مزبور ایجادنماید.

(۱) University of Birmingham

درسال ۱۹۱۳ بسمت عضویت کمیتهٔ مخصوصی که ازطرف دولت انگلستان برای بررسی ومطالعهٔ معادن نفت ایران تشکیل شد مسافرتی بایران کرد.

در ۱۹۱۷ که احتیاج مبرم متفقین بنفت مشهود شد کدمن اول بریاست کمیتهٔ اجرائی تحصیل نفت برای انگلستان و بعد ها بریاست شورای نفت دول متفق منصوب گردید . شورا ی مزبور مسئول تهیهٔ نفت برای ارتشهای متفقین بود و نظارت کاملی درتمام امور نفتی متفقین داشت . درین سمت کدمن لیاقت و استعداد فوق‌العاده‌ای بخرج داد که مورد تحسین عموم گردید و ازطرف دولت انگلیس لقب «سر» وازطرف دولت فرانسه نشان «لژیون دونور» و ازطرف دولت ایتالیا نشان « تاج » باو داده شد . در سال ۱۹۲۰ کدمن بنمایندگی دولت انگلستان قرارداد سن‌رمو (که شرح آن در بخش چهارم ازفصل سوم آمده) را تنظیم وامضاء کرد . در ۱۹۲۱ ازطرف دولت انگلیس مأموریت یافت که بامریکا رفته و غوغای رقابت شدیدی که بین شرکتهای نفت امریکا وانگلیس برپا شده بود تسکین دهد و توفیق بزرگی درین کار یافت .



لرد کدمن

در ۱۹۲۱ بسمت مستشار فنی شرکت نفت ایران‌وانگلیس انتخاب گردید و چند سال بعد بعضویت هیئت‌مدیره ومعاونت رئیس هیئت مدیره انتخاب شد. در سال ۱۹۲۹ بریاست هیئت‌مدیره شرکت مزبور انتخاب گردید و بعدها توأم بااین‌سمت بریاست هیئت مدیرهٔ شرکت نفت عراق نیز منصوب گردید . کدمن علاوه بر سمت های مذکور عضو هیئت مدیرهٔ شرکت کانال‌سوئز وعضو هیئت‌مدیره شرکت راه‌آهن غربی انگلستان و عضو شورای اقتصادی نخست‌وزیر انگلیس وعضو مجامع متعدد علمی بوده وغالب از طرف دولت انگلیس بعضویت کمیته های مشاورهٔ دولتی انتخاب میگردید .

کدمن علاوه برمعلومات‌علمی استعداد ولیاقت فوق‌العاده‌ای در اداره کردن امور مؤسسات و شرکت های بزرگ داشت و اطلاعات او بینهایت وسیع و در بین رؤسای شرکتهای نفت بزرگ تنها کسی بود که علم وعمل را بایکدیگر وفق داده و شخصیت بارزی درمحافل بین‌المللی پیدا کرد. اضافه برتمام این‌مراتب کدمن بینهایت مآل‌اندیش و خوش‌معاشرت و بذله‌گو و ازهمه غریب‌تر موسیقی‌دان خوبی‌هم بود وویلون‌را بسیار عالی مینواخت. وسعت فکر وقریحهٔ ذاتی او برای خدمت بمردم اورا برجسته کرده بود

وکدمن گذشته ازاینکه عالم متبحری بود دیپلومات ماهری‌هم محسوب میشد و با تمام سیاستمداران انگلستان روابط دوستی وآشنائی بسیار داشت. صفتی که در او موجود وغالب همکارانش آنرا فاقد بودند این بود که بایران و ایرانیان علاقهٔ زیادی داشت وصمیمانه ایران‌را دوست میداشت وترقی وتعالی این کشوررا آرزومند بود. آنچه‌درحق او مینویسم ذره‌ای اغراق‌آمیز نیست وخود شاهد بوده‌ام که بکرات این مرد بزرگ سعی میکرد هموطنان‌خودرا متوجه‌سازد که‌ایران‌ونفت‌آن اهمیت بسزائی برای‌انگلستان داشته و حق این است کـه سهم عادلانه و قابلی از منافع نفت بایران داده شود .

موقع تاجگذاری رضاشاه بسمت نمایندگی ازطرف شرکت نفت بایران‌آمد ودر مراسم تاجگذاری شرکت نموده وروزی هم درحضورعموم شرکت کنندگان درمراسم تاجگذاری وسیاستمداران ایرانی که عدهٔ حضار ازهفتصد نفر متجاوز بود نطقی راجع به نفت واهمیت‌آن ایراد کرد که موجب تقدیر وتحسین حضار گردید وشاید کسانی‌باشند که نطق اورا بیاد داشته وبخاطر بیاورند که بیانات‌او راجع بایران چه‌اندازه صمیمانه وتاچه حد منطبق بامنافع ملی ایران بود .

کدمن‌ازهنگام‌مسافرت‌دوم‌خود بایران که‌موقع‌تاجگذاری انجام گرفت‌درصدد برآمد که روابط‌بین‌دولت‌ایران‌وشرکت‌را روی‌پایه واساس‌دوستی‌وصمیمیت قراردهد وبواسطهٔ مآل‌اندیشی که داشت معتقدبود که بدون‌موجود بودن چنین‌روابطی ادامهٔ عملیات شرکت درایران بیهوده بوده وپایدار نخواهدماند . لذا درصدد برآمد که کلیهٔ اختلافات گذشته را رفع وتجدید نظری درامتیاز دارسی بنماید و در این باره کوشش های بسیار کرد . ابتکار برای تجدیدنظر درامتیازنامه از طرف او شروع گشت و درهمان وقتیکه برای تاجگذاری بایران آمد باولیای امور گوشزد کرد که امتیازنامه دارسی درموقعی اعطا شده که معلوم نبود درایران نفتی هست یانه ولذا شرایط‌آن مبهم وکلی ومنطبق‌باوضع روز نیست زیرا اکنون ازطرفی معلوم شده است که منابع عظیم نفت درایران موجود واز طرف دیگر مواد امتیازنامه مـوجب تولید اختلافات گوناگونی بین دولت ایران وشرکت مینماید که باید اصلاح گردد .

ولی کدمن درآنموقع هنوز اختیارات کافی برای حل مشکلات را نداشت زیرا اوسمت معاونت رئیس‌هیئت‌مدیره‌راداشت‌وبیشترمدیران‌شرکت کهنه بازرگانان‌انگلیسی بودند که سالها در هندوستان زندگی کرده وبا افکار امپریالیستی خوگرفته و حاضر نبودند که دنیای جدیدرا درك نموده درروش‌خود تغییری بدهند . نصف سرمایهٔ شرکت نفت متعلق بدولت انگلیس و یك‌چهارم آن متعلق بشرکت‌نفت برمه و یك‌چهارم بقیه دردست مردم بود ولی هیئت‌مدیرهٔ شرکت مرکب ازکسانی بود که با شرکت‌نفت برمه روابط نزدیکی داشتند وبغیر از تحصیل سود فراوان برای شرکت هیچ نظری نداشته و ذره‌ای مآل‌اندیشی و دوربینی نداشتند. چندسالی‌طول کشید تا کدمن توانست‌درنبرد ومبارزهٔ خود بامدیران مزبور فائق‌آید و باصبرومتانت بی‌نظیری توفیق یافت که‌بعضی ازآنها را خارج نماید و تاحدی نظریات اصلاحی خودرا بدیگران بقبولاند .

بین سالهای ۱۹۲٦و۱۹۲۸ بین میرزاعیسی خان فیض نماینده وکمیسر دولت‌در

شرکت نفت واولیای شرکت مزبور مذاکراتی برای رفع اختلافات درجریان بود. ولی بنتیجهٔ مطلوب نرسید. در تاریخ ۹ مه ۱۹۲۸ کمیسر دولت نامه‌ای بشرکت نوشت و اظهار داشت:

«کراراً گفته‌ام وامروز نیز تکرارمیکنم که آقای ارمیتاژ اسمیت دستوری نداشته و اختیاری را برای عقد قراردادی که مواد ومبنای امتیازنامه دارسی را تغییری دهد دارا نبوده است». دولت ایران همواره مدعی بود که قرارداد ارمیتاژاسمیت مورد قبول آن نیست در صورتیکه شرکت مدعی بود که قرارداد مزبور فقط تفسیری از یکی از مواد قرارداد است و باصل امتیاز خللی وارد نیاورده است. در ۱۲ اوت ۱۹۲۸ تیمورتاش در یك نامهٔ خصوصی که بسر جان کدمن درلندن نوشته چنین گفته بود: [۱]

«با تأسف اطلاع حاصل نموده‌ام که مذاکرات تاکنون بنتایجی که انتظارمیرفت منتهی نشده‌است. آیا باید از اشتراك منافع ایران وانگلیس دراین مؤسسه باز سخنی بمیان آورم؟ آیا باز باید از ملغی‌الاثربودن امتیازنامهٔ دارسی که درآن ایامی که دولت قاجاریه نمیدانست چه میگیرد و چه میدهد گرفته شده‌است باز اطالهٔ مطلب کنم؟ ازهر مستشار حقوقی که استشاره کنید بشما خواهد گفت که این امتیازنامه ناگزیر بایدتجدید شود و ازنو منعقد گردد».

چندهفته پس‌از نامهٔ فوق کمیسر دولت درلندن بشرکت اطلاع داد که سرسختی و لجاج شرکت آخرکاررا بجائی خواهدرساند که دولت‌ایران مجبور شود قضیه‌رابحکمیت ارجاع کند و شرکت جواب داد که ارجاع بحکمیت لزومی نداشته و ادامهٔ مذاکرات بالاخره منتهی بحل قضیه خواهدشد.

دراینجا حاشیه‌ای لازم است ذکر شود. مذاکرات بین دولت و شرکت از سال ۱۹۲۷ ببعد تحت نظر تیمور تاش انجام میگرفت و از روی انصاف باید گفت که تیمورتاش در تمام مدت مذاکرات کوشش فراوان داشت که اختلافات با شرکت بطرز خوبی‌رفع شده ومنافع‌ایران ببهترین وجهی‌تأمین گردد. متأسفانه‌درآخرکاررئیس‌مملکت باو ظنین شد وتصور کرد که تعویق در امر نفت تااندازه‌ای مربوط باو میباشدوفوری پس‌از لغو امتیازدارسی اورا ازکار برکنار کرد در صورتیکه سوء ظن به تیمور تاش موردی نداشت. در غالب مذاکراتی که‌درتهران بین وزیردربار ومدیرشرکت‌صورت میگرفت من حاضر وناظر بودم که تیمورتاش نه‌تنها باجدیت درصدد استیفای‌حق‌ایران بود بلکه عجله هم دراین‌کار میکرد وهیچگاه قصد تعویق درکاررا نداشت.

درینجا لازم است گفته شود که رضاشاه‌ازابتدای زمامداریش کاملا بمعایب امتیاز دارسی‌پی‌برده وهمواره ساعی‌بود که تجدیدنظری‌درموادآن بشود که بنفع ایران باشد.

هنگامیکه راه شوسهٔ تهران- خرم‌آباد- اندیمشك ساخته وتمام‌شده بود شاه‌برای افتتاح آن مسافرتی درآبان ۱۳۰۷ بخوزستان کرد. تیمورتاش وزیر دربار و غالب نمایندگان‌مجلس وهمهٔ وزیران و عده‌ای‌از سرشناسان‌وکهنه سیاستمداران‌وبازرگانان

---

(۱) متن این نامه‌را نمایندگان دولت ایران‌موقعیکه قضیهٔ الغای امتیاز دارسی درجامعهٔ ملل مطرح‌بود بشورای جامعه تسلیم کردند.

همراه بودند. پس از ورود شاه باهواز شرکت نفت دعوتی کرد که از مؤسسات نفت بازدیدی بعمل آید . شاه بطور عمد از قبول دعوت مزبور خودداری کرد ولی بکلیهٔ همراهان که عدهٔ آنها از یکصدوسی نفر متجاوز بود دستور داد کـه دعوت مزبوررا قبول نمایند .

همراهان درطی یکهفته از مسجد سلیمـان وآبادان بازدید نمودند و از عظمت دستگاه نفت وثروت سرشاری که بدست بیگانگان صادر میشد اطلاعاتی بدست آوردند. پس ازخاتمهٔ این بازدید ومراجعت همراهان بتهران شاه فقید یکروز صبح زود نویسندهٔ این سطوررا دراهواز احضار وپیغامی که مفادش بشرح زیراست بیان و دستور داد که پیغام مزبور برئیس هیئت مدیرهٔ شرکت درلندن ابلاغ گردد . موقعیکه او این پیغام را بیان میکرد جعفر قلی خان سردار اسعد ـ شکوه الملك ـ سپهبدیزدان پناه ـ معاون الدوله غفاری حضورداشتند وبیانات او بشرح زیر بود :

« دراین سفرمن عدهٔ زیادی ازسرشناسان ایران را بهمراه خودآوردم که درجشن افتتاح راه خرم آباد شرکت کنند وضمناً بازدیدی هم ازمؤسسات شرکت نفت بنمایند . من میخواستم که اینها بیایند وباچشم خود ببینند که شرکت نفت چه مؤسسات بزرگی درخوزستان برای استخراج وتصفیهٔ منابع عظیم نفت ما ایجادکرده است و چـه سود سرشاری ازآن میبرد وچه وجه ناچیز و ناقابلی بما که صاحبان اصلی این نفت هستیم میپردازد . من خودم دعـوت شرکت را قبول نکردم زیرا اولاً چند سال پیش همهٔ مؤسسات را بازدیدکرده بودم وثانیاً چون از عملیات شرکت نفت در ایران راضی وخوشنود نیستم دعوت آنهارا ردکردم . اولیای شرکت نفت باید بدانند که دولت وملت ایران ازامتیازنامهٔ دارسی راضی نیست وباید هرچه زودترامتیازجدیدی که منافع ایران را بنحو اکمل تأمین نماید تنظیم گردد . این نکته را دولت در گذشته چند بار متذکرشده است واکنون من صراحتاً میگویم که اولیای شرکت باید باصلاح این امر بپردازند وچنانکه غفلتی کنند مسئولیت عواقب امرمتوجه خود آنها خواهد بود. ایران نمیتواند بیش ازاین تحمل کند که عواید سرشار نفت آن بجیب بیگانگان برود وخود از آن محروم باشد . لازم است بفوریت آنچه گفته شد به اولیای شرکت درلندن ابلاغ گردد » .

پس ازایراد بیانات فوق شاه بنویسنده تأکید کرد که پیغام را خوب بذهن خود بسپارم ومخصوصاً جملهٔ آخرپیغام را دوسه بارتکرارکرد که اهمیت آن آشکار باشد .

بخش نهم - شرایط پیشنهادی کدمن و مذاکرات بعد

موقعیکه کدمن بریاست هیئت مدیرهٔ شرکت نفت انتخاب گردید کم و بیش خود را مجهز براین میدید که بادولت ایران رسماً واردمذاکره شده واختلافات گذشته را رفع نموده و تجدیـد نظری درامتیاز دارسی بنماید . ولی آنانی که وارد درکار بودند میدیدند که نظریات کدمن باسایر مدیران شرکت متفاوت است وآنچه را او میخواهد

وصلاح میداند باآنچه دیگران نظرمیدهند تفاوت بسیاردارد .

دراوایل سال ۱۹۲۹ کدمن مسافرتی بتهران کرد و مدتی درتهران توقف نمود و پیشنهاد هائی هم برای ایجاد ترتیب جدیدی بین دولت و شرکت تقدیم نمود . در طی نطقی کدمن چند ماه پس ازاین مسافرت درمجمع عمومی شرکت ایراد نمود چنین گفت :

« پس از بازدیدی که ازعملیات شرکت در جنوب ایران کردم عازم تهران شده وچند مرتبه افتخارشرفیابی بحضور شاه را داشتم . بسیاری از مسائل مهمی که مربوط بنقشه های شرکت درآینده میباشد با وزیران در میان گذاشته ومذاکره کردم . این مذاکرات توأم باحسن نیت وصراحت بود وامیدوارم که مآلاً منتهی بحل مسائل متعددی که دربین هست شده وموجب تحکیم منافع و روابط بین طرفین بشود » .

درمذاکراتی که درفوق بآن‌اشاره شده‌است تیمورتاش وزیردربار ونصرت‌الدوله وداور شرکت داشتند وپیشنهاد های کدمن عبارت ازاین بود که دولت ایران درشرکت نفت ایران وانگلیس سهیم شده ودرآمدآن‌محدود بعملیات شرکت درایران نباشد بلکه درکلیهٔ عملیات مزبورچه درداخل وچه درخارج ایران‌شریك وسهیم باشد . کدمن معتقد بود که اگر دولت ایران درشرکت نفت سهیم گردد اختلافات گذشته از میان رفته ودر آینده هم اختلافی پیش نخواهد آمد و هنگامیکه دولت ایران مانند دولت انگلیس در امور شرکت ذیعلاقه‌شود ازبذل همه‌گونه مساعدت دریغ نخواهد کرد واصولاً مردم ایران‌خودراصاحب‌سهم‌درشرکت‌دانسته‌ودرترقی‌وپیشرفت‌آن‌نهایت کوشش‌را بعمل‌خواهند آورد. پیشنهاد کدمن این‌بود که بیست‌درصد ازسهام شرکت مجاناً بدولت ایران واگذار شود مشروط باینکه دولت حق انتقال آنرا بغیرنداشته باشد و حوزهٔ امتیازیه محدود به یکصد هزار میل مربع بشود وبرای هرتن نفت که استخراج میشود دو شیلینگ حق‌الامتیاز بدولت پرداخته شود و انحصار لوله‌کشی بخلیج فارس ملغی گردد و مدت امتیازهم سی‌سال تمدید گردد ولی‌طرفین حق داشته باشند که در۱۹۶۱ (یعنی‌موقع ختم امتیاز دارسی) قرارداد را لغو نمایند .

نمایندگان دولت پیشنهاد متقابلی‌به لردکدمن‌دادند که عبارت بود از واگذاری بیست وپنج درصد سهام شرکت بایران وحق انتخاب دونفرمدیر درهیئت مدیرهٔ شرکت باهمان حقوقی که مدیران انتخاب شده ازطرف دولت انگلیس دارا هستند .

پس از وصول پیشنهاد متقابلهٔ فوق لردکدمن بلندن مراجعت کرد تاباهمکاران خود دراین باره مشورت نماید ووزیردربارهم نامه‌ای به کمیسردولت مرحوم عیسی‌فیض نوشت که بقرار زیراست[۱] :

جناب مستطاب‌آقای فیض کمیسرمحترم : -

درروی اساس مسائل ذیل از مدتی باینطرف مذاکراتی در بین کمپانی نفت

---

(۱) متن این‌نامه درجلسهٔ ۳۰۰ دوره پانزدهم مجلس شورای ملی مورخه چهارم مرداد ۱۳۲۸ خوانده شد.

جنوب وما شروع شده بود که در مسافرت اخیر سرجان کدمن بقالب پروژه‌ای که منضم است ریخته شده است :

۱ـ الغای امتیاز دارسی وتصویب امتیازجدیدی مبنی براین اصل که حق مالکیت نفت میبایست متعلق بخود ایران باشد وامتیاز خارجی طوری تنظیم شود که مدت آن آن طولانی نبوده واعتبار دائمی نداشته باشد .

۲ـ شرکت دولت ایران درنفت جنوب وکلیهٔ مؤسسات آن برای ربع سهام آن که باید مجاناً بدولت ایران واگذارشود .

۳ـ محدود کردن منطقهٔ امتیاز بطوری که در نتیجه صد هزار میل مربع بیشتر تحت امتیاز نباشد .

٤ـ اخذ دوشیلینگ ازهرتن نفت خام که کمپانی استخراج کند .

٥ـ الغای انحصارلولهٔ نفت درجنوب .

سرجان کدمن درتهران مواجه بامشکلاتی شد که حل آنها باید درلندن بعمل آید . اولاً مشارالیه حاضر بود که خمس اسهام موجودهٔ عادی کمپانی را مجاناً بما بدهد ولی من قبول نکردم وتقاضائی را که درمادهٔ دوپروژهٔ منضمه ملاحظه خواهید فرمود کردم. ثانیاً اظهارنظر کردم که چون دولت انگلیس اکثریت اسهام کمپانی را دارد اگرحق رأی بتمام اسهام ایران داده شود اکثریت از بین خواهد (۱) رفت. سرجان کدمن اظهار کرد که قبول کردن حق رأی که درسطردوم صفحهٔ اول مادهٔ دو مذکوراست برای او غیرممکن است. اینجانب باو پیشنهاد کردم که مطابق قانون انگلیس اموری را که برعهدهٔ مجمع عمومی صاحبان سهام مقرراست درلندن معین کرده و چنانکه داشتن دومدیر را برحسب مادهٔ دو تأمین کرده و رؤس مسائل را که مجمع عمومی عهده داراست بامواد دیگری تأمین کردند آنوقت دادن حق رأی باسهام ایران قابل مطالعه خواهد بود . ثالثاً درباب مادهٔ چهارده (۲) هم ایشان اشکالاتی داشتند و تقاضا میکردند که کمپانی فقط حق فسخ داشته باشد واین جانب قبول نکردم چنانکه ازدوسیهٔ ارسالی ملتفت خواهید شد . درباب دعاوی گذشته توافق حاصل شد که پانصد هزارلیره بدهند وهمچنین در باب معافیت از مالیاتها ازمراسله ای که مجدداً به سرجان کدمن و مراسله‌ای که بوزیرمختار انگلیس نوشته‌ام مطلب را ملتفت خواهید شد ومادهٔ ده تحت ملاحظه مانده است . قصد اینجانب این است که ازمطلب مسبوق باشید واولا نظریات خودرا اطلاع دهید وثانیاً نقطهٔ نظر دولت را درهمه جا تأیید بنمائید » .

از سال ۱۹۲۹ تاسال ۱۹۳۱ مذاکرات مفصلی راجع باین پیشنهادها بین لندن و تهران ادامه داشت وبالاخره به‌نتیجه‌ای نرسید. درسال ۱۹۳۰ که نویسندهٔ این سطور درلندن بودم کدمن بطور خصوصی بنویسنده چنین گفت :

« متأسفانه اولیای دولت شما باشرکت چانه میزنند و نمیدانند که من با چه

---

(۱) ظاهراً این کلمه باید « نخواهد » باشد .

(۲) مادهٔ ۱۴ مربوط بمدت امتیاز بوده است که میگفته « این امتیاز از تاریخ تصویب معتبر بوده و اعتبار آن تاسال ۱۹۹۰ خواهد بود ولی باحق طرفین باینکه امتیاز رادرسال ۱۹۶۱ فسخ کنند.

محظوراتی مواجه هستم. اگر دولت ایران میدانست که سهیم‌شدن در شرکت نفت چه مزایائی برای‌آن در آینده خواهد داشت هیچگاه پیشنهاد مرا سرسری تلقی نمیکرد. من پس‌از مدتها کشمکش همکاران خود را حاضر بقبول چنین پیشنهادی کردم و حال می‌بینم که فوائد پیشنهاد مرا درك نمیکنند. باشد تا روزی ایرانیان بفهمند که سهیم شدن درشرکت بزرگی مانند این شرکت که روز بروز عملیات‌آن توسعه می یابد و دسترسی بمنابع نفت کشور های دیگر پیدا میکند چه‌ارزشی داشته است. اگر دولت ایران پیشنهاد مرا قبول میکرد بمرور ایام میتوانست مزایای دیگری‌ازشرکت‌تحصیل نماید وحتی سهم خودرا نیز زیاد نماید ودرکلیهٔ امور شرکت چه‌درایران وچه‌درخارج ایران دخیل باشد ولی متأسفانه سوءظن شدید مانع انجام‌کار است و همکاران من که بزحمت پیشنهاد مرا قبول کرده‌اند اکنون دیگر حاضر نیستند که ازآن تجاوز نمایند. امتیاز دارسی فقط دولت ایرانرا محق بشانزده در صد از درآمد خالص میکند و من باپیشنهاد خود آنرا به‌بیست درصد رساندم درصورتیکه دولت ایران حقی بدرآمد مؤسسات شرکت درخارج ندارد. علاوه براین‌اگردولت ایران دارای‌سهام شرکت‌میشد می‌توانست باعتبار سهام مزبور قرض‌های عمده کرده و بمصرف عمران وآبادی کشور برساند وبعدها ازعواید سهام‌مزبور اصل وفروع وام رابپردازد.»

آنچه مسلم بود این‌است که ابتکار پیشنهاد فوق ازطرف کدمن بود وغالب‌اعضای هیئت مدیره بخصوص نمایندگان شرکت نفت برمه روی‌خوشی بآن نشان نمیدادند ونمی خواستند از افکار مرتجعانهٔ خود عدول کنند و سهیم بودن ایرانرا در شرکت مخالف مصالح خویش میدانستند لذا هنگامی که پیشنهاد متقابل دولت‌بشرکت داده شدمخالفین پیشنهاد کدمن درهیئت مدیرهٔ شرکت براوتفوق یافته وبی‌درنگ آنرارد کردند. کدمن بکرات درمحافل خصوصی بدوستان وهمکاران خود میگفت دورهٔ امتیازگرفتن ازکشور های ضعیف‌واستثمارآنها سپری‌شده‌است واگرکسی بخواهددرکشورهای شرق‌بکارهای صنعتی وبازرگانی بپردازد وسود عادلانه‌ای ببرد باید بامردم کشورهای مزبورشریك شده‌وباجلب‌حسن ظن‌آنهاکار کند والاتوفیقی نخواهدیافت. کدمن هیچگاه تصور نمیکرد که پیشنهادش مواجه باچانه زدن شود و بخیال خود نقشه‌ای را تعقیب مینمود که مآلاً برای‌طرفین سودمند بود وجداً با امتیازواستثمار مخالف بود لکن نباید فراموش کرد که‌اودررأس‌دستگاهی‌قرارگرفته‌بود که‌بنیان‌وشالودهٔ آن‌ازطرف‌سرمایه‌دارانی که‌باافکار امپریالیستی اشباع‌شده‌بودندریخته‌شده‌بودوموقعیکه‌اندیشه‌های مترقی‌وتجدد خواهانه او بموانعی برمیخورد وقدرت‌های نیرومندتری براو غلبه میکردند چاره‌ای جز سکوت و تسلیم نداشت.

در اوایل جنگ دوم جهانی که لردکدمن آخرین سفر خود را بایران کرد ضمن صحبت خصوصی بنویسندهٔ این سطورچنین گفت :

«ملاحظه کنید شرکت‌ما امروزچه مقام مهمی رادرتمام مناطق نفتی خاورمیانه‌دارا میباشد وچه دستگاه عظیمی برای حمل ونقل نفت وفروش‌آن دراقطارجهان برپاکرده است. تأسف‌من‌دراین‌است که ده‌سال پیش دولت ایران پیشنهادمراقبول نکرد که امروز

دراین دستگاه پرعظمت جهانی شریك وسهیم باشد».

اکنون که شانزده سال از پیشنهاد کدمن می گذرد و حوادث گوناگونی بوقوع پیوسته است بسهولت میتوان راجع بخوبی یابدی پیشنهاد مزبور بیطرفانه قضاوت کرد. درآنوقت سرمایه شرکت نفت ایران وانگلیس یك پنجم سرمایه امروزیش بود وقسمت عمدهٔ افزایش سرمایه ازآنوقت تا حالا ازسودی بوده است که ضمن عمل بدست آمده و بعد بسرمایه افزوده شده است. مقدار نفتی که آنوقت استخراج ومیفروخت قریب ده ملیون تن درسال واکنون چهار برابر آن است. تأسیسات حمل ونقل ودستگاههای فروش شرکت همواره روبتوسعه بوده وامروز شرکت مزبور یکی ازهفت شرکت بزرگ نفت جهان است.

هنگامیکه کدمن پیشنهاد خودرا نمود تمام نفتی که ازایران صادرمیشد فقط ازمسجد سلیمان استخراج می گردید ومعادن دیگرازقبیل هفت کل وآغاجاری وگچساران ونفت سفید ولالی کشف نشده بود. اصل تنصیف منافع درخاورمیانه معمول نگردیده بود وآثار تحولات بسیاری که پس ازجنك دوم جهانی درامر نفت خاورمیانه بوقوع پیوست مشهود نبود. نکته‌ای که موجب نهایت تأسف میباشد این است که اولیای اموروقت حتی بخود زحمت اینراهم ندادند که قبل ازرد پیشنهاد مزبور باخبرگان ومتخصصین مشورتی نموده ولااقل عقیدهٔ آنهارا استفسار نمایند.[۱]

درماه آوریل ۱۹۳۱ دولت ایران بشرکت اطلاع داد که در هرامتیاز جدیدی که بین طرفین راجع بآن توافقی حاصل شود شرکت بایدپرداخت سالیانه دوملیون وپانصد هزار لیره رابرای دولت ایران تضمین نماید. دراوت ۱۹۳۱ شرکت بدولت اطلاع داد که اختلاف نظر بین دولت وشرکت بحدی است که مذاکره درباب تجدید نظردرامتیاز را فقط میتوان بموقع شایسته تری که وضع بحرانی[۲] صنعت نفت موقوف شده باشد موکول نمود ولی شرکت حاضراست برای رفع هرگونه اشکال راجع باحتساب حق الامتیاز مذاکرات راطبق امتیازنامهٔ موجود ادامه دهد.

دراواخر همان سال مذاکرات بمنظورعقدقرارداد جدیدبرای احتساب حق الامتیاز دولت شروع گردید و متخصصین طرفین مأموریت داشتند که آنرا در لندن تهیه نمایند. ضمناً ملاقاتهای متعددی هم بین تیمورتاش وزیردربار وکدمن درلندن وپاریس ولوزان بوقوع پیوست ومذاکراتی بین آنهاشد که منتهی بتنظیم قرارداد گردید. این همان قراردادی است که درآوریل ۱۹۳۲ برحسب دستوردولت درلندن بوسیلهٔ نمایندگان طرفین پاراف وبتهران برای امضاء وتصویب ارسال گردید. دراینوقت قضیه‌ای پیش آمد که منتهی به الغای امتیازدارسی گردید وشرح آن بقرارزیراست:

بخش دهم - الغـای امتیاز دارسی

بیلان شرکت نفت برای سال ۱۹۳۱ درماه ژوئن سال ۱۹۳۲ منتشر گردید وحاکی ازاین

---

(۱) دربارهٔ فوایدمالی شرکت ازنفت ایران رجوع شود بفصل هفتم.

(۲) وضع بحران صنعت نفت درآن تاریخ ناشی ازبحران اقتصادی جهانی بود که همهٔ کشورها دچارآن شده بودند

بود که سودشرکت در آن سال بواسطهٔ بحران اقتصادی بین‌المللی تقلیل فاحشی یافته است.

دولت ایران درسالهای پیش مبالغ زیررا بابت حق‌الامتیاز دریافت داشته بود:

سال ۱۹۱۳	۱۳۲۵۵۵۲ لیره	
سال ۱۹۱٤		
سال ۱۹۱۵		
سال ۱۹۱٦		
سال ۱۹۱۷		
سال ۱۹۱۸		
سال ۱۹۱۹		
سال ۱۹۲۰		
سال ۱۹۲۱		٤٦٨٧١٨ لیره
سال ۱۹۲۲		٥٨٥٢٨٩ »
سال ۱۹۲۳		٦٢٤٠٠٠ »
سال ۱۹۲٤		٤٦٦٧٤٤ »
سال ۱۹۲٥		٣٢٧٥٢٣ »
سال ۱۹۲٦		٧٢٨٧٧٨ »
سال ۱۹۲۷	(۱۲ ماه که بآخرماه مارس ختم میشد)	۱٤۱۲۰۰۰ »
سال ۱۹۲۸	(» » » »)	٥٠٣٠٠٠ »
سال ۱۹۲۸	(نه ماه که درآخر دسامبر ختم می‌شد)	٥٠٩٠٠٠ »
سال ۱۹۲۹	(۱۲ ماه که درآخر دسامبر ختم میشد)	۱۳٤۱۰۰۰ »
سال ۱۹۳۰	(» » » »)	۱۲۸۸۰۰۰ »

ولی در سال ۱۹۳۱ حق‌الامتیازش به ۳۰۷۰۰۰ لیره تقلیل یافته بود . موقیکه خبراین کاهش فاحش بتهران رسید دولت از تصویب قرار دادی کـه تنظیم شده بود خودداری کرد واز شرکت تقاضا کرد نماینده‌ای برای توضیحات لازمه بتهران اعزام دارد ولی شرکت این تقاضارا نپذیرفت ومدعی‌شد که نمایندگان دولت ایران درتنظیم قرارداد ذیدخل بوده ومیتوانند هرتوضیحی‌لازم باشد بدهند .

درتاریخ ۲۸ تیرماه ۱۳۱۱ شمسی روحی نمایندهٔ کرمان سئوالی از وزیر خارجه دربارهٔ حق‌الامتیاز ۱۹۳۱ در مجلس میکند و میپرسد که آیا دولت اقداماتی در این خصوص کرده است یانه ووزیرخارجه جواب میدهد که دولت با شرکت مذاکراتی کرده وخاطرنشان ساخته است که باید بایران عایدات کافی داده شود .

درچهارم مرداد ۱۳۱۱ دشتی درمجلس سؤالی از وزیر دارائی کرده ومیگوید شنیده‌ایم که دولت ازگرفتن حق‌الامتیاز ناچیزامسال استنکاف کرده‌است واضافه میکند که اوضاع امروز دنیا طوری است که بهترمیشود احقاق حق نمود وامروزدیگرروزی نیست که ما باتکاء سندی که ازروی جهالت صادرشده ازحقوق حقهٔ خودمحروم کردیم. وزیرخارجه در جواب دشتی میگوید که این موضوع از طرف دولت تعقیب شده وکاملا

مورد توجه است که این امر در اثر غفلت گذشتگان است و در آخر پاسخ خود میگوید «بدیهی است هرگاه مذاکرات با کمپانی بنتیجهٔ مطلوبه نرسد دولت ناچار برای حل اشکالات بطریق دیگر برای احقاق حق خود توسل میجوید».

در تاریخ سوم آذرماه ۱۳۱۱ باز دشتی درمجلس شورای ملی از وزیر دارائی سئوالی راجع بحق‌الامتیاز نفت کرده ومیگوید:

«امروز که دولتها معاهدهٔ ورسای را لغو میکنند دولت ما نبایستی نسبت بیك امتیازنامه پوسیده که تمام یکطرفی است سهل انگاری کند ومن میدانم که این مسئله هنوزحل نشده ودولت اقدام جدی بعمل نیاورده است وچرا دولت در الغاء امتیازدارسی مسامحه میکند».

در تاریخ ششم آذر ۱۳۱۱ (مطابق با ۲۷ نوامبر ۱۹۳۲) تقی‌زاده وزیردارائی وقت نامه‌ای بشرکت نوشت واطلاع داد که دولت ایران از آن تاریخ امتیازنامهٔ دارسی را لغو کرده وبلااثرمیداند و ضمن همان نامه متذکر شد که اگر شرکت حاضر باشد برخلاف گذشته منافع مملکت را مطابق نظردولت بروفق عدالت وانصاف تأمین نموده و وثائق لازمه را برای تأمین منافع مذکوره بدهد دولت ایران از اعطای امتیاز جدیدی بآن کمپانی اصولاً امتناع نخواهد داشت. سه روز بعد مجلس شورای ملی باتفاق آراء تصمیم دولت را تأئید و نمایندگان نطقهای اعتراض‌آمیزی برعلیه شرکت ایراد نمودند.

وقایع بعدی که منجر بعقد قرارداد جدید شد بتفصیل درجرایدوقت ذکرشده‌است ودراینجا فقط باختصار رؤس آن ذکرمیشود[۱]:

پس ازالغای امتیاز اول شرکت نامهٔ اعتراضیه‌ای بدولت نوشته وتقاضای استرداد آن را نمود. متعاقب آن دولت انگلیس اعتراض رسمی کرده وتهدید کرد که اگردولت نامهٔ خود را تایکهفته بعد مسترد ندارد قضیه را بدیوان داوری بین‌المللی لاهه ارجاع خواهد کرد.

دولت ایران درجواب صلاحیت دیوان داوری را رد کرد و دولت انگستان هم مسئله را بشورای جامعهٔ ملل رجوع نمود.

هیئتی مرکب ازمرحوم علی اکبرداور وزیردادگستری وقت وحسین علاء رئیس بانك ملی ایران ونصرالله انتظام بنمایندگی دولت ایران انتخاب و دردسامبر ۱۹۳۲ به ژنوعزیمت نمودند تابشکایت دولت انگلستان جواب بگویند. پس‌ازانجام مذاکرات درشورای جامعه وبوساطت مرحوم دکتر بنش وزیر خارجهٔ چك‌اسلواکی‌طرفین توافق کردند که مذاکرات برای عقد قرارداد جدیدی درتهران آغاز گردد.

سپس نمایندگان شرکت بتهران آمده وپس ازچند هفته مذاکره قرارداد ۱۹۳۳ درتاریخ هفتم خرداد ۱۳۱۲ امضاء گردید.

---

(۱) کتاب «طلای‌سیاه یا بلای ایران» تالیف ابوالفضل لسانی مسئله لغوامتیازدارسی‌را مشروحاً ذکرکرده وکسی که بخواهدهمهٔ جزئیات یادداشتها ونامه‌های‌متبادله وشرح‌مذاکرات درشورای‌جامعهٔ ملل‌رامطالعه کند بهتراست بآن کتاب رجوع نماید.

مخالفین رژیم بیست ساله مدعی هستند که لغو امتیاز دارسی با تبانی قبلی با انگلیسها بوده و برای این بوده است که امتیاز جدیدی طبق تمایلات انگلیسها تنظیم گردد وقرارداد ۱۹۳۳ را مدرك قرارداده مدعی میشوند که چون قرارداد مزبور بنفع ایران تدوین نشده ورژیم آنوقت هم باتوافق ومساعدت انگلیسها روی کارآمده بود لذا امتیازنامهٔ دارسی بدستورآنها لغو وقرارداد ۱۹۳۳ برحسب تمایلات آنهاتنظیم گردید . درگذشته معلوم شده است که هروقت عدم اطلاع وغفلت و بی‌مبالاتی درامور کشورموجب ضرر وزیانی شده است انتقادکنندگان بعدی از راه حقیقت منحرف شده وبرای خراب کردن مخالفین خود تهمتهای بیجائی بآنها زده‌اند و عامهٔ مردم هم بدون رسیدگی وتأمل تهمتهای مزبوررا قبول نموده‌اند .

رژیم بیست‌ساله‌معاندین ومخالفین سرسختی داشت که پس ازسقوط سعی نموده‌اند رژیم مزبور را دست نشانده ومطیع و فرمانبردار بیگانگان جلوه دهند . بدون شك رژیم وحکومت فردی مطلوب نبوده وزیانهای بیشمارآن برهمه کس واضح است . طرز ایجادرژیم‌مزبورهم بر کسی‌مجهول‌نیست‌ونوشته هاوگفته‌های‌مقامات‌رسمی‌بیگانگانی که بآن رژیم کمك ومساعدتهائی کردند ودر استقرارآن بذل جهد کردند واضح میدارد که پیدایش‌آن ازچه قراربوده‌است . لکن خرده گیری وانتقاد وقتیکه توأم باافسانه واغراق وافراط شود ارزش حقیقی خود را از دست میدهد و آنانیکه در عوض دلیل و برهان وسند ناسزاگوئی را پیشه خود قرارمیدهند ازراه حقیقت منحرف شده وارزش واقعی انتقادات بجاراهم‌ازمیان میبرند . اگربادقت وتأمل قضیه تحت مطالعه قرارگیرد معلوم خواهد شد که روش شاه فقیددرلغو امتیاز دارسی بهیچوجه باتبانی نبوده وصرفاً برای این‌بود که منافع کشوربنحو بهتری تأمین گرددودرآمد بیشتری عاید خزانه‌شودتابرنامه-های عمرانی انجام‌گیرد : پنج سال مذاکره باشرکت نفت بنتیجهٔ مطلوب نرسیده بود وخبرنقصان عوائد سال ۱۹۳۱ بانـدازه ای شاه را عصبانی‌کرد و او را تحت احساسات شدید قراردادکه او دستور لغو امتیاز دارسی را صادر کرده وقدرت بی‌حد اوهم باندازه‌ای حکمفرما بودکه فرصت اظهارعقیده را ازوزیران ومشاورین او سلب کرده بود . اگراحساسات شدید شاه و یأس او از قطع وفصل اختلافات باشرکت نفت توأم بابی‌اطلاعی واستبداد رأی او نشده بود احقاق حق ایران بطریق عاقلانه و دنیا پسندی ممکن ومیسربود وهیچ لزومی هم نداشت که این استیفای حق منتهی بقراردادی شودکه بگفتهٔ مخالفین‌آن ضرر وزیانش ازامتیازنامهٔ دارسی‌هم بیشتر باشد .

قبل از الغای امتیاز دارسی دولت ایران موقعیت فوق‌العاده مستحکمی درقبال شرکت داشت که متأسفانه زمامداروقت‌آنرا کاملاً درك نکرده بود واگر بآن پی‌برده بود میتوانست بدون ایجاد جنجال وهیاهو استیفای حق ایران را بنماید . موقعیت دولت ودلایل مشروع ومستدّل‌آن برای احقاق حق خود درآنموقع بشرح زیر بود :

۱ـ خسارت‌وارده‌بدولت ایران‌درنتیجهٔ فروش نفت ارزان ازطرف شرکت بدولت انگلیس یکی ازادعاهای مشروع ودنیاپسندی بودکه درهرجائی‌طرح میشد بمحکومیت شرکت وپرداخت خسارت منتهی میگردید .

۲ـ درامتیازنامهٔ دارسی حق‌الامتیاز ازروی مبنای شانزده‌درصد ازدرآمد خالص بدون هیچ قید وشرطی بایستی وصول گردد وبعبارت دیگردولت‌ایران درعواید شرکت سهیم بود وبالطبع حق داشت که مانع حساب سازی و هزینه های غیر مشروع شود. دولت میتوانست سهیم بودن درمنافع را وسیله قرارداده ودراقلام خرج شرکت نظارت کامل برقرار کند ومدعی شود که کلیهٔ درآمد بدون‌هیچ کم وکسری بابت‌ذخیره یاپرداخت سود قروض ویاعناوین دیگر(به‌نسبت شانزده درصد متعلق بایران وهشتاد وچهاردرصد متعلق بشرکت)بین طرفین تقسیم گردد. دامنهٔ اعمال نظر دراینکار بحدی وسیع بود که ممکن بود مشکلات بسیاری را برای شرکت فراهم نماید و شرکت را وادار باین کند که تقاضای مشروع دولت را بسهولت بپذیرد.

۳ـ امتیازنامهٔ دارسی شرکت نفت را ازپرداخت مالیات بردرآمد و مالیات های مشابه‌آن بهیچوجه معاف‌نکرده بود زیرامادهٔ هفت‌آن امتیازفقط اراضی را که شرکت استملاک کرده ومحصولاتی را که بخارج صادر میکرد و اثاثیه‌ای را که برای عملیات خود بایران وارد مینمود از پرداخت مالیات معاف کرده بود. بنابراین‌دولت میتوانست بسهولت مالیات بردرآمد متناسبی ازشرکت علاوه برحق‌الامتیاز وصول نماید و جای هیچگونه اعتراض قانونی برای شرکت موجود نبود.

٤ـ دولت میتوانست بوسیلهٔ وضع قوانین مخصوصی که متناقض باامتیاز دارسی نباشد هرسال عواید هنگفت دیگری ازشرکت بدست‌آورد وبرای تأئید این‌نکته شرح زیررا ازنطق لردکدمن که درمجمع سالیانهٔ شرکت پس از عقد قرارداد ۱۹۳۳ ایراد کرده‌است شاهد میآوریم:

«ما بفوریت احتیاج داشتیم که درمورد مالیات بر درآمد ایران و سایر قوانین مربوط به پول وارزوگمرك و عوارض داخلی وتعادل بازرگانی وضع ثابتی برای خود برقرارنمائیم ونسبت بهریك ازآنها حدود و مشخصاتی تنظیم نمائیم زیرا تمام قوانین مزبور موجب تهدید بوده واختلافاتی را بوجود میآورد».

از بیان فوق بخوبی واضح است که اولیای شرکت کاملاً بمخاطراتی که درپیش داشتند توجه داشته و ازعقد قرارداد ۱۹۳۳ که همهٔ آنهارا مرتفع می‌کرد چه اندازه خرسند بودند.

۵ـ دولت میتوانست اجرای کامل تعهدات شرکت را دربارهٔ افزایش مستخدمین ایرانی تقاضا کرده وبوسیلهٔ وضع قوانین مخصوص بیمهٔ کارگران وکارمندان ـ افزایش حقوق‌آنها ـ ایجاد مسکن وخانه ووسایل‌آسایش‌آنهارا تأمین‌نماید بدون‌اینکه قوانین مزبورمعارض بامواد امتیازنامه باشد.

از طرفی بی اطلاعی توأم با غرور و از طرف دیگر وحشت از استیفای حق بوسیلهٔ طریق مشروع که همان حکمیت باشد موجب شد تصمیمی گرفته شود که بالمآل بضررکشور تمام‌گشت.راه عاقلانه‌این‌بود که‌دولت‌درآنوقت‌بفوریت‌شرکت‌رادعوت بحکمیت کند ودعاوی مشروع خود را بانظرمتخصصین وخبرگان تنظیم نموده و طرح نماید. هیچ تردیدی نیست که اگر این‌کار شده بود دولت فائق شده وشرکت تسلیم

نظریات دولت میگشت واگردولت انگلیس میخواست بحمایت شرکت اقدام نماید دولت ایران قادر بود که بجامعهٔ ملل رجوع نموده وازاین کارجلوگیری نماید .

نویسنده بخوبی ناظر بود که شرکت چه اندازه از ارجاع بحکمیت وحشت داشت وچه توفیق مهمی چنین عملی برای دولت ایران میتوانست داشته باشد واز روی کمال اطمینان میتوانم بگویم که اگر چنین کاری شده بود کامیابی ایران واستیفای حق آن بطور قطع تأمین گشته بود .

در دورهٔ پانزدهم مجلس شورایملی تقی‌زاده (که هنگام لغو امتیازدارسی وزیر دارائی بود) بیاناتی راجع بچگونگی لغو امتیاز دارسی کرده که قسمتهائی از آن در زیر نقل میشود تا معلوم گردد مضار حکومت فردی ازچه قرار بوده‌است.

بیانات مزبور که فوق‌العاده مهم بود فاش کننده حقایقی است که نقل آن دراینجا کاملاً وارد است[1] :

«بنده اصلاً قصد نداشتم جوابی ببعضی اظهارات که دراینجا شده بدهم و خود اعتراف دارم که شاید اصلح آن بود که هرگز کلمه‌ای هم نگویم و در جزو گناهکاران تضییع وقت مرکز امور مملکت درنیایم وشایدهم حتی بعضی اشخاص عاقل بعد بنده‌را ملامت کنند که‌چرا اصلاً جوابی دادم چنانکه پریروز یکی ازعقلا واخیار نامدارمجلس همین نصیحت‌را کتباً بمن داد لکن تنها بیم آنکه شاید بعضی اشخاص بیغرض و ساده بضلالت بیفتند همین چندکلمه را محض همین نکته میگویم..... اعظم وقایعی که‌در سی‌سال اخیر بلکه در یك یا دوقرن اخیر دراین مملکت اتفاق افتاد ظهور شخص با اقتداری بود که درجهٔ تسلط وقدرت او بر همه‌چیز این‌مملکت وحتی نفوس و اموال و اعمال مردم آن روزبروز تزایدگرفت وعاقبت بجائی رسید که اگر آقایان محترم‌دور ازآنزمان بودند من دریك روز تمام صحبت قادر بر تصویرکامل آن نمیشدم. آنشخص اقدامات واعمال خوب زیادی داشت وقطعاً وطن‌دوست و خیرخواه این‌مملکت بودلیکن این‌صفات خوب برحسب ضعف‌طبیعت‌بشری بابعضی نقص‌های تأسف‌آمیز که‌جزگرفتاری وعدم شمول عنایت وتوفیق الهی نامی بدان نمیتوانم بدهم وضمناً با بعضی اشتباهات هم توأم بود و من نمیخواهم نه ازآن نقائص محدود و نه‌ازآن اشتباهات که در مقابل اعمال عظیمه وتاریخی و شایستهٔ تحسین ابدی او نسبتاً جزئی بود حرف بزنم... شاه مرحوم بطور قطع وجزم مصمم بود که همهٔ عهدنامه های نامطلوب وامتیازات خارجی ومداخلات خارجیان را درحقوق ومحاکمات اتباع خود در ایران وحتی هرنوع حقوق کهنه شده را مانند وجود دوقطعهٔ خاك درشمیرانات خارج از حیطهٔ قدرت وحکم‌دولت این مملکت فسخ ونسخ وباطل وملغی سازد واین‌کار را کاملاً بانجام رسانید تا آنکه نماند ازآنها جز امتیاز دارسی. پس اقدام باصلاح آن امتیاز کرد تاحقوق‌ایران‌بطور مطلوب‌استیفاشود. این‌اقدام‌داستان‌خیلی‌درازی‌دارد وچندسال طول کشید واسنادواوراق آن درضبط وزارت‌مالیه باید موجودباشد. عاقبت‌حوصلهٔ‌شاه‌تنگ‌شد وشایدتعویق‌کاررا حمل برمماطله‌مینمودوضمناً میل نداشت‌حتی‌یك‌قیدهم ازقیودقدیمه بشکل سابق برای‌مملکت

---

(۱) مشروح جلسهٔ ۱۲۸ دوره پانزدهم مورخهٔ هفتم بهمن‌ماه ۱۳۲۷

باقی بماند. یکروز بغتةً مصمم‌شد امتیازرا فسخ کند وحکم برای‌این‌کارداد وواضح‌است که هم‌حکم او همیشه بدون‌تخلف واستثناء دریکساعت‌اجرامیشد وهم دراینمورد بالخصوص که بسیارو باعلی‌درجه‌خاطرش‌متغیر بوداحدی‌رایارای‌چون‌وچراو نصیحت‌باو نبودپس‌این‌کار اجرا شد. اگرچه اتخاذ اینطریق باین‌نحو بعقیدهٔ وزراء ورجال خیرخواه ایران در آن زمان صحیح نبود وچنانکه بعدها ازنتیجهٔ‌کار دیده‌شد یکی‌از اشتباهات‌بزرگ آنمرحوم درمدت سلطنت وی بود. منظورم این نیست که امتیاز دارسی بایستی بهمان حال بماند ولی ترتیب الغای‌آن بطور ناگهانی و بی‌مطالعه باعث زحماتی شد که‌این امتیازنامهٔ جدید یامواد نامطلوب‌آن محصول‌آنست. موضوع منجر بشکایت کمپانی وحمایت دولت او وتقاضای حکمیت لاهه وتهدید ازطرف ایران بشکایت ازانگلستان بجامعهٔ‌ملل‌وقبول آنها مراجعه امررا بجامعه ورفتن‌آقایان علاء وداور بژنو شد وتااینجا کار با وزارت خارجه بود واقدامات بوسیلهٔ مرحوم فروغی بعمل میآمد. درجامعهٔ‌ملل‌کار بجائی‌نرسیدو قبل‌از صدور حکمی دراین‌باب وساطت وتوصیه‌های مذاکرات مستقیم بمیان‌آمد وچون دولت‌ایران‌گفته بود که الغای امتیاز بواسطهٔ نامطلوب بودن شرایط‌آن‌بوده و حاضر خواهند بود باشرائط مطلوب وموافق منافع ایران امتیاز جدیدی (البته برای بقیهٔ مدت‌امتیاز سابق) بدهند حضرات بتهران‌آمدند تـا سعی در حصول مقصود باین نحو نموده امتحانی بکنند و اگر توافق حاصل نشد باز بجامعهٔ ملل برگردند و داوری بخواهند. مذاکرات‌درتهران با مأموریت چهارنفر برای اینکار یعنی مرحوم‌فروغی — مرحوم داور — وآقای علاء واینجانب جریان یافت . پس‌از چندهفته مذاکره توافقی درشرایط حاصل نشد لکن این نتیجه حاصل‌شد که اگر قدری‌گذشت ازطرفین‌میشدطرح جدید بمراتب از امتیاز دارسی بهتر میشد لکن وقتیکه حضرات از توافق با مأمورین واسطهٔ مذاکرات مأیوس شدند عزم عودت‌کردند و بشاه هم‌گفتند . دراینوقت بود که وی ظاهراً ازعاقبت‌کار اندیشناك شد وعزم برمیانه‌گرفتن شخصاً وسعی درکنار آمدن باحضرات‌کرد واگرهم باهمان شرایطی که خود شرکت حاضر بقبول‌آنها شده بود و درواقع همان شرایط فعلی امتیازنامهٔ فعلی بود (غیراز موضوع تمدید امتیازنامه) کار انجام می‌یافت امتیازنامهٔ جدید بمراتب مرجح برامتیاز قدیم بود واگرکسی غیراز این پندارد ناشی از اشتباه وقلت تدقیق ومطالعه است. لکن در روز آخر کار بناگهانی صحبت تمدیدمدت را بمیان‌آوردند واصرار ورزیدند ودرمقابل هرنوع‌مجاجه ومقاومت از طرف واسطه هـای ایرانی مذاکرات درمنظور خودشان پافشاری و تهدید بقطع مذاکرات و حرکت فوری از ایران‌کردند و شد آنچه شد یعنی‌کاری کـه ما چند نفر مسلوب‌الاختیار بآن راضی نبودیم و بی‌اندازه وفوق تصوّر ملول شدیم وازهمه بیشتر شخص من و پس‌از من (محض یادخیر باید بگویم) مرحوم داور متأثر ومتألم و ملول شدیم لیکن هیچ چاره نبود والبته حاجت بآن نیست که عرض‌کنم که‌چرا چاره‌نبودزیرا زمان نزدیك است واغلب آقایان شاهد وقایع ووضع آن عهد بودند وحقیقت‌مسئله‌عیان است وحاجت به‌بیان ندارد و میدانندکه برای‌کسی دراین مملکت اختیاری نبود وهیچ مقاومتی دربرابر ارادهٔ حاکم مطلق‌آن عهد نه‌مقدور بود ونه مفید. اوهم ظاهراً از

عاقبت‌کار اندیشه کرده‌وحاضر بعقب‌رفتن‌و پس گرفتن حکم‌فسخ امتیاز سابق‌هم بهیچوجه نبود وشق ثالث هم وجود نداشت و کسی نمیداند که در صورت برگشتن طرفین بژنو چه حکمی میشد ونتیجه چه بود ولی باید عرض کنم که مقصود ازاینکه گفتم چاره نبود تنها بیم اشخاص نسبت بخودشان نبود بلکه اندیشهٔ آنها نسبت به‌مملکت وعواقب نزاع بآن کیفیت نیز بود زیرا که بیرون آمدن از مخمصه‌ای که بظاهر بن‌بست مینمود سهل نبود ودرصورت اکتفا بمقاومت منفی تنها با بیم زحماتی قرین بود و اصل نکته و همهٔ جان کلام دراین یك جمله اخیر است که میل ندارم زیاد شرح بدهم» .

هنگام لغو امتیاز دارسی مهدیقلی هدایت (مخبر السلطنه) نخست وزیر بود وایشان درصفحه۵۰۳ کتاب خود موسوم به «خاطرات وخطرات» درباب الغای امتیاز دارسی چنین نوشته‌است: [۱]

« در ۱۳۱۱ کمپانی نفت خبرداد که سهم دولت از نفت در۱۳۱۰ دویست‌هزار لیره شده‌است درصورتیکه هفتصد و هشتصد هزار تا یك‌ملیون بود. تیمورتاش بلندن رفت که درضمن کارها با رئیس نفت صحبت کند نتیجه بدست نیامددرمراجعت چندروزی درمسقو معطل‌شد معروف شد کیف کاغذ او مفقود شده‌است اسمی‌هم از پاکروان‌برده شد پس‌از مراجعت تیمور کدمن رئیس کل نفت (درکارهای ایران) بتهران آمد در هر موقع که بتهران میآمد تیمور ازاو میهمانی میکند . این نوبت چون نوبتهای دیگر من هم بودم وبعداز شام نمی‌ماندم. دوروز بعد درملاقات شاه از من پرسید رئیس نفت چه صحبت میکرد عرض کردم قبل‌از شام فرصت صحبت نیست و بعد از شام من نبودم» .

« شاه دوسیه نفت راخواسته است ظاهراً چندروزهم گذشته . شب ششم‌آذرتیمور دوسیه را به‌هیئت‌آورده‌شاه تشریف‌آوردند ومتغیرانه فرمودند دوسیه‌نفت‌چه شد؟ گفته شد حاضراست. زمستان است‌بخاری میسوزد.دوسیه رابرداشتند انداختند. توی‌بخاری ۲ وفرمودند نمیروید تاامتیازنفت رالغو کنید. تشریف‌بردند نشستیم وامتیازرالغو کردیم . وزیرخارجه بجاکس مدیرمقیم اخطار کرد . ازسفارت اعتراض‌آمد . تیمورجوابی لایق نوشت که وزیر آلمان تمجید کرد . نوشتیم منافع دولت محفوظ نیست لهذا امتیاز را ملغاکردیم وبرای قرارداد بهتری ازمذاکره مضایقه نیست. جواب سفارت هم درهمین لحن داده شد.چندروز بعدتیمورتاش توقیف شده من‌درصحبت‌تمجید وزیرآلمان رابعرض رساندم فرمودند توکه باتیمور هم‌عقیده نبودی عرض کردم حالاهم نیستم اما حقایق را باید بعرض برسانم ضمناً گفتم گیوم دوم که به بیسمارك کم لطف شدگفت بر سرملك خود برود».

«ازلندن خبررسید که درتیش یاروزنامهٔ دیگرنوشته بودند کیف‌کاغذ تیموربدست

---

(۱) توضیح آنکه عین عبارات هدایت نقل شده است و البته خواننده متوجه خواهد شد که مقصود ازکلمهٔ «مسقو» مسکوومیباشد و«تیش»هم‌همان روزنامه تایمزلندن‌است.

(۲) مطلبی را که هدایت راجع بسوزاندن پروندهٔ نفت نوشته است‌کاملا صحیح‌است وچون‌در پروندهٔ مزبورهمهٔ نامه‌های متبادله بین وزیردربار وشرکت‌بود موقعی‌که نمایندگان دولت خواستند ازآن استفاده‌کرده وبعضی از نامه‌های شرکت‌را برای تائیداظهارات خوددرشورای جامعه‌ملل ارائه دهند ملاحظه‌کردندکه اسناد مهمی‌را ازدست‌داده‌اند.

آمد و کشف شد که بست و بندی باشوروی داشته است. راست یادروغ معلوم نشد ومن ازشاه چیزی نشنیدم .مطالب رایج دراین دوره محرمانه است تاچه‌رسد بمطلبی که یك سرش درلندن است ویك‌سرش درمسقو(مسکو) . سوء ظن همه‌قسم‌شد.آنچه مقرون به صحت بود تیمورتاش قصدش ازصحبت‌های درمسقو ترساندن انگلیس بوده‌است.درکارنفت تفسیرات‌دیگر کردند.مصارف انگلیس راهل‌خبره ٤٢ ملیون‌لیره‌دیده بودندو کمپانی آلمانی حاضر بود بدهد اگر تغییر کلی میسر میبود. امتیاز نفت برای آلمان صدمیلیون ارزش داشت».

«کار تیمور بمحاکمه کشید. صحبت از مبالغ گزاف میرفت. روز ۲۳ اسفند مقبل وکیل‌او نزد من‌آمد که تخفیفی ازشاه تقاضا کنم. روز ۲٤ اسفند تولد شاه وافتتاح‌مجلس است‌پس‌از برگزارشدن تشریفات مجلس‌شرفیاب شدم عرض کردم عنقریب‌اولادتیمورتاش متوسل بخاکپای مبارك خواهندشد وامرخواهندفرمود برای‌آنها فکری بشود زمینه که محکمه برداشت کرده است گزاف است. فرمودند خیال کردم برای‌تبریك‌آمده‌ای.عرض کردم زمین‌وآسمان تبریك می گویند فرمودندرجوع‌بعدلیه کرده‌ام‌هرچه‌حکم کنند.»

« دراین اثناء کاراخان بتهران‌آمد. تسویه بعضی امورمعوقه بهانه‌بود وتوسط از تیمور نشانه مزید بر سوء ظن شد . ظاهراً شاه از سفیر افغانستان پرسیده بودند که سفرا درقضیهٔ الغای امتیاز نفت چه میگویند ؟ تصور نمیکنند که من در فسخ قرارداد محق باشم. سفیر میگوید منتظر نتیجه هستند . میفرمایند حاضرم‌کار باانگلیس باسلحه بکشد ولو جانم درخطر باشد» .

بخش یازدهم - مذاکرات برای قرارداد ۱۹۳۳

بطور جملهٔ معترضه بی‌تناسب نیست اگر حکایتی‌رادراینجا دربارهٔقدرت‌نامحدود زمامداروقت‌وکسانیکه‌مشوق‌او برای تحصیل چنین قدرتی شدند ذکری کنم‌تاجملهٔ‌مذکور دربیانات تقی‌زاده که گفته‌بود : « درجهٔ تسلط وقدرت او بر همه‌چیز این مملکت وحتی نفوس واموال واعمال مردم آن روزبروز درتزاید گرفت » واضح‌تر گردد. هنگامیکه رضاشاه بسلطنت رسید قدرومنزلت مردمی که باویاری کرده ودر خلع تاجاریه‌مساعدت‌های گرانبهائی باو کرده بودند در نظرش بسیار زیاد بود. او نهضت خود را مدیون مردم روشنفکر آن‌عصر میدانست وبافکار و عقاید آنها احترام میگذاشت . همینکه بسلطنت رسید چندنفر کهنه درباریان اورا احاطه کرده و همواره باو تلقین کردند که مردم را نباید بحساب‌آورد وقدرت‌وزورتنهاعاملی‌است که برهرچیز دیگری‌برتری‌دارد. باو میگفتند مردم ایران مطیع‌قدرت میباشند وبایدشاه‌ازپذیرفتن‌پیشوایان‌قوم‌خودداری کرده وتماس با آنهارا قطع نماید . وغالب مفاد این‌شعر :«کشور جم چوب استبداد میخواهد هنوز — بی‌ستونش تیشهٔ فرهاد میخواهد هنوز»رادرفکر اوتزریق می کردند.

اینهاچندنفری بودند که شاه را ازمردم دورنگاه میداشتند تاتمام قدرت‌درانحصار خودشان باشد وتصور میکردند که تحقیر مردم موجب تجلیل مقام آنها خواهد بود .

چندسالی از سلطنت رضاشاه گذشت وروزی نویسنده بدیدار تیمورتاش رفته‌ودراطاق انتظار او نشسته بودم که دیدم داور ونصرت‌الدوله از در بزرگ عمارت وزارت‌دربار وارد شده وباطاق تیمورتاش رفتند. برایم یقین حاصل شد که باآمدن این دو وکارهای زیادی که دارند دیگر ملاقات وزیر دربـار درآنروز میسر نخواهد بود لذا توسط پیشخدمت پیغام دادم که مدتی است درانتظار نشسته واگر امید ملاقات نیست روزدیگر بیایم. وزیر دربار فوری مرا خواست و همینکه باطـاق او وارد شدم دیدم داور و نصرت الدوله اوراق زیادی روی میز گذاشته و مشغول مطالعه آن هستند. کاری که با وزیر دربار داشتم باو گفتم وچون خواستم از اطاق خارج‌شوم داور خطاب بوزیردربار کرده‌و گفت: « چرا بفلانی تکلیف نمیفرمائید که‌عضویت‌حزب ایران‌نورا بپذیرد وزیردربار از من پرسید « آیا شما تاکنون وارد حزب ایران نو شده‌اید ؟ » جواب گفتم نه‌سپس گفت باید حتماً عضویت این حزب مترقی را قبول کنید . در این‌وقت بدون تأمل‌ومثل اینکه الهامی بمن شده باشد گفتم : « اما این حزب نوشداروی پس از مرگ سهراب است». این اظهارنظر موجب شد که هرسه آنها بفکر عمیقی فرو روند و پس‌از نگاه‌هائی که بیکدیگر کردند تیمورتاش روبمن کرده گفت : «مقصود ازحرف شما چیست؟» گفتم : قصدی نداشتم فقط حقایقی راکه بنظرم رسید اظهار داشتم .

هر سه اصرار کردند که توضیح بیشتری دهم و لذا چون با هرسه آنها آشنائی طولانی داشته وباصطلاح رویدربایستی دربین نبود بآنها گفتم : « درابتدای‌کار مردم را بحساب نیاوردید و حالا پشیمان شده‌اید و میخواهید بوسیلهٔ این‌حزب پشت وپناهی درمقابل قدرت روزافزون شاه بیابید. حالا هم اشتباه میکنید زیرا نه او اجازه‌خواهد داد چنین حزبی نمو و رشد کند ونه مردمی که طرد شده وبحساب نیامده‌اند استقبالی از حزب شما خواهند کرد. این بیان موجز و مختصر تأثیر بسزائی در هرسه نفر آنها کرد وباز هرسه بفکر فرو رفتند ومن خداحافظی کرده ازاطاق خارج شدم.

چندماه بعد روزی مرحوم داور بمن گفت حرف آنروز تو تأثیر زیادی درهمهٔ ما کرد و پس‌از آنکه از اطاق بیرون رفتی ما هرسه گفتهٔ‌تورا تصدیق کردیم‌ولی‌افسوس که حالا دیگرکار ازکارگذشته ودیگر چاره‌ای نیست.

از حکایت فوق ووقایعی که منتهی بمرگ هرسه آنها شد معلوم‌است که اقتدار روز افزون رضاشاه تاچه حدی روبتوسعه رفته بودو گفته های تقی‌زاده چه‌اندازه‌صحیح و با واقعیات منطبق بوده‌است . ولی ناگفته نماند که این قدرت دیکتاتوری‌وفردی‌را کسانی بوجود آوردند و فکر آنرا برضا شاه تزریق کردند که بعد ها خود فدای آن گشتند. اگر بتاریخ رجوع‌شود معلوم خواهد شد که این جریان در ایران سابقهٔ زیادی داشته است و هروقت رجـالی برخلاف مصالح ملك وملت از زمامداران وقت تقویت کرده‌اند بدست خود آنها ازبین رفته‌اند و برجسته‌ترین نمونهٔ آن حاج میرزا ابراهیم کلانتر شیرازی سرسلسلهٔ خاندان قوام‌است که آنطور بر ضد خانوادهٔ زندیه و برله قاجاریه اقدام کرد وبعد بدست دومین پادشاه قاجاریه کشته شد .

چه خوب میبود اگر همهٔ طالبین قدرت ازگذشته درس‌عبرت گرفته ونتایج‌عبث و

بیهودهٔ رژیم های دیکتاتوری واستبدادی را بخاطر میسپردند.

حال برمیگردیم به مطلب این بخش ومذاکرات راجع بقرارداد ۱۹۳۳.

هنگامیکه قرار شد هیئتی ازطرف شرکت‌نفت برای مذاکره بتهران بیایددولت چهار نفرمتخصص خارجی را استخدام نمودکه پروژه هائی برای رفع اختلافات گذشته وقرارداد جدید تنظیم‌نمایند. یکی ازاین‌متخصصین کلاپ[۱] امریکائی بودکه زمین‌شناس مجربی محسوب میشد و سابق هم چندی در خدمت دولت ایران بود . دیگری یکنفر حقوق‌دان سویسی بودکه درتنظیم قرارداد ها وامتیازات خبرویت داشت . سوم یکنفر حقوق‌دان انگلیسی بود موسوم بود به اینچبالد[۲] وچهارم حسابدار متخصصی بودکه از مؤسسهٔ مك‌لینتاك[۳] دعوت شده بود و این همان مؤسسه‌ای است که در سابق هم از طرف دولت ایران مأموریت بازرسی حسابهای شرکت‌را عهده‌دار بود . این چهارنفر مطالعات مفصلی کرده و پیشنهاد هائی تهیه کرده وتقدیم نمایندگان دولت کردند تا در مذاکرات با نمایندگان شرکت بکارآید .

نمایندگان دولت درمذاکرات‌عبارت بودند از فروغی وزیرخارجه و داور وزیر دادگستری وتقی‌زاده وزیردارائی وحسین علاء رئیس بانك‌ملی .

هیئتی هم‌که از طرف شرکت بتهران آمده بودند عبارت بودند از لردکدمن رئیس هیئت مدیرهٔ شرکت نفت ـ مستر ویلیام فریزر[۴] معاون او و جاکس[۵] عضو هیئت مدیره ومدیرمقیم شرکت درتهران وچند نفر ازاعضای عالیرتبه شرکت ویکنفر هم مستشارحقوق .

پس ازورود نمایندگان شرکت بتهران لردکدمن تقاضا کردکه شاه را ملاقات نماید.درجواب‌باو گفته شدکه‌تاختم مذاکرات‌وتجدیدروابط چنین‌ملاقاتی‌صورت نخواهد گرفت . کدمن ازاین قضیه بسیار رنجید وبعذرکسالت (که درحقیقت مختصر بیماری‌هم داشت) درهیچیك ازجلسات مذاکرات شرکت نکرده ومعاون‌او ریاست هیئت نمایندگی شرکت را عهده‌دار بود .

پس ازچند جلسه مذاکره بین نمایندگان طرفین ورسیدگی بپیشنهادهای شرکت نمایندگان دولت ایران پیشنهادی بشرح زیر تسلیم نمایندگان شرکت نمودند :

حق الامتیاز شش شیلینگ در هرتن ـ مشمول بودن شرکت بپرداخت مالیات بردرآمد ایران ـ تضمین حد اقل درآمد سالیانه‌برای دولت بمبلغ ۱۲۰۰۰۰۰ لیره ـ افزایش‌کارکنان ایرانی بطوریکه بتدریج ایرانیان جای‌کارکنان خارجی را بگیرند ـ توسعهٔ فروش فرآورده های نفتی در سراسر ایران بقیمت های ارزان ـ محدودکردن حوزهٔ امتیاز ـ لغو حق انحصار لوله بخلیج فارس ـ پرداخت مبلغ عادلانه‌ای بابت حسابهای گذشته .

نمایندگان شرکت پیشنهاد های فوق را قابل قبول ندانسته و اطلاع دادندکه

---

(۱) Mr. Clapp (۲) Mr. Inchbald (۳) Mac Lintock

(۴) Mr. William Fraser درسال۱۹۳۹ لقب«سر»گرفت‌و Sir William Fraser شدوپس‌ازغائله نفت واتفاق قرارداد باکنسروسیوم لقب «لردی»گرفت وحالابنام Lord Strathalmond خوانده‌میشود

(۵) Mr.T.L. Jacks

اگردولت ایران درباب آنها پافشاری کند مذاکرات قطع خواهدشد . نمایندگان دولت هم کوشش بسیارداشتند که پیشنهادهایشان مبنای مذاکرات قرار گیرد . این نکته را نیز باید گفت که در تمام مذاکرات بین نمایندگان طرفین حتی یکبارهم راجع به تمدید امتیازصحبتی نشد .

همینکه نمایندگان شرکت پافشاری دولت ایران را در قبول پیشنهاد های خود ملاحظه کردند مراتب را به لندن تلگراف کرده وازلندن بآنها اطلاع داده شد که پیشنهاد های دولت را نمیتوان قبول کرد لذا مراتب بنمایندگان دولت اطلاع داده شد ومذاکرات متوقف گردید. عصر روزی که مذاکرات به بن بست رسید لرد کدمن مرا خواست واظهارداشت که چون مذاکرات قطع شده وامیدی بپیشرفت آن نیست قصد عزیمت ازایران را دارد وتقاضا کرد پروانهٔ خروج ازتهران برای او وهمراهانش تحصیل شود .

من باو توصیه کردم درعوض مراجعه بادارهٔ شهربانی برای تحصیل پروانه بهتر است که او تصمیم خودرا به فروغی اطلاع داده وازاو تقاضا نماید که دستورصدور پروانه خروج رابدهد. همین کارشد وباتلفون ازفروغی چنین تقاضائی شد . فروغی درجواب گفت که اقدام مقتضی نموده و پس از یکساعت جواب خواهد داد . ساعتی بعد فروغی تلفون کرد وبلرد کدمن اطلاع داد که صبح روزبعد شاه بارداده ولرد کدمن را خواهد پذیرفت .

صبح روزبعد لرد کدمن باتفاق دکترینگ[۱] طبیب خود که زبان فارسی را خوب میدانست بدربار رفتند ودرمراجعت کدمن شرح ملاقات را چنین وصف کرد :

« شاه بانهایت مهربانی مارا پذیرفت ومثل اینکه هیچ اطلاعی ازجریان مذاکرات ندارد دربارهٔ پیشرفت مذاکرات استفسار کرد . من باو گفتم که پیشنهاد های نمایندگان دولت باندازه‌ای سنگین است که شرکت نمیتواند آنها را بپذیرد ولذا مذاکرات قطع شده است .شاه بی نهایت اظهار تعجب کرده و گفت که خوداو بین طرفین واسطه شده وتوافقی ایجاد خواهد کرد ودستورداد که عصرهمان روز جلسه‌ای باحضوراو تشکیل شود تاکار فیصله یابد » .

عصر آنروز لرد کدمن ومستر فریزر ودکتر یانگ بدربار رفته و پس ازمراجعت لرد کدمن بامسرت زائدالوصفی شرح مذاکرات آن جلسه را چنین بیان کرد :

« فروغی وتقی‌زاده درجلسه حضور داشتند وشاه پرسید اختلاف برسر چیست ؟ پس ازآنکه پیشنهاد های طرفین گفته شد وسط را گرفته و دستور داد که حق‌الامتیاز را به چهارشیلینگ درهرتن قطع نمایند . بعد من فوائد پیشنهاد بیست درصد ازعواید را شرح داده وتقاضای تمدید امتیاز را کردم . شاه خیلی ناراحت شد و نمی‌خواست آن را قبول کند ولی من باو گفتم که بدون تمدید کار بانجام نخواهد رسید و بالاخره او قبول کرد » .

دراینجا لازم است که بازقسمتی ازنطق تقی‌زاده که درمجلس پانزدهم ایراد کرده ذکرشود تاقضیه واضح گردد :

---

(۱) Dr M.Y. Young قریب هفده‌سال رئیس بهداری شرکت در ایران بود و زبان فارسی را خیلی‌خوب صحبت میکرد وچند سال‌پیش فوت کرد.

« من شخصاً هیچوقت راضی بتمدیدمدت نبودم ودیگران‌هم نبودند واگرقصوری در اینکار یا اشتباهی بوده تقصیر آلت‌فعل نبوده بلکه تقصیر فاعل بوده که بدبختانه اشتباهی کرد ونتوانست برگردد . او خود هم راضی بتمدید نبود ودر بدو اظهاراین مطلب ازطرف حضرات‌روبروی‌آنها بتحاشی ووحشت گفت: «عجب این‌کار که بهیچوجه شدنی نیست میخواهید که ما سی‌سال برگذشتگان برای این‌کار لعنت کرده‌ایم پنجاه‌سال دیگر مورد لعن‌مردم وآیندگان بشویم ولی عاقبت درمقابل اصرار تسلیم شد» .

پس‌از جلسهٔ مذکور نمایندگان طرفین بتنظیم قرارداد پرداخته ودرمدت کوتاهی آنرا برای امضاء وتصویب حاضر کردند .

دراینجا باز لازم میآید که به‌حاشیه رفته ومطلب دیگری‌را که تاکنون افشانشده است بیان نمایم. دوروز پس از ملاقات بین شاه و نمایندگان شرکت شکوه‌الملك مرا بدفتر خود خواست وگفت شاه شمارا احضار کرده‌است . هنگام ملاقات شاه گفت : تو مدتی است که درشرکت هستی وقاعدتاً باید اطلاعاتی راجع به‌نفت کسب کرده‌باشی اکنون بگو بدانم چه‌شرایطی باید در امتیازگنجانده‌شود که منافع ما را کاملا تأمین نماید ؟درجواب گفتم : امتیاز سه‌جنبه مختلف دارد . اول جنبه مالی آن که عبارت از درآمد دولت باشد. دراینجا شاه گفتهٔ مرا قطع کرده وگفت در این قسمت نمایندگان دولت کاملا متوجه هستند و دستورکافی بآنها داده شده است و لذا معلوم بود که میل نداشت دراین باره مذاکره‌ای بشود وبعد پرسید جنبه‌های دیگرش چیست؟ در جواب گفتم :دوم جنبهٔ اقتصادی نفت است که میباید از شرکت خواست تا بارزان ترین قیمت آنرا دردسترس عموم قرار دهد تا آنکه سوخت ارزان که اساس و پایهٔ صنایع جدید است تأمین گردد ومخصوصاً بایدکاری کرد که فرآورده های نفتی درتمام نقاط شرکت حاضر و آماده برای فروش باشد وکشور ایران از واردکردن نفت خارجی بی نیاز گردد. سوم جنبهٔ اجتماعی آن‌است که‌بایستی شرکت‌را وادارکرد تا ازتعدادمستخدمین خارجی‌خودکاسته وایرانیان را باسرع اوقات حاضر ومهیا برای تصدی‌کار های‌عمده کند وهمینکه‌کارهای عمده بدست ایرانیان افتد رفاه وآسایش عموم کارکنان تأمین خواهد گشت و عدهٔ‌کافی‌از ایرانیان مهیا برای اداره کردن نفت شده ودرآینده‌خواهندتوانست نه‌تنها صنعت‌نفت امروز را بلکه صنایع دیگررا نیز اداره‌نمایند وبطورکلی بایدکاری کرد که شرکت‌نفت‌کانونی برای تربیت اشخاص فنی برای سایر کارها هم باشد. سپس شاه توضیحاتی راجع به جنبه های اقتصادی و اجتماعی نفت خواست که بیان کردم و بعدگفت : برو عین این مطلب را که بمن گفتی بطور خصوصی بفروغی و تقی‌زاده هم بگو .

روز بعد مطالب فوق را به فروغی گفته وروز بعداز آن تقی‌زاده را ملاقات و بتفصیل جزئیات جنبه های اقتصادی واجتماعی نفت را توضیح دادم وایشان بادقت بسیار سئوالات متعددی نمودند که جواب گفته شد.

اینك که بیست‌ودو سال ازتاریخ انعقاد قرارداد ۱۹۳۳میگذرد وقرارداد مزبور

در چندسال قبل ملغی شده ومدفون گشته است بهتر میتوان در بارهٔ لغو امتیاز دارسی قضاوت کرد .

حوادث بسیاری ازآن تاریخ تاکنون رخ داده وتحولات بسیاری در امور نفت خاورمیانه وبخصوص ایران روی داده‌است. نکته‌ای که درآنوقت درفکر من نقش بسته وهنوز هم زایل نشده این‌است که هروقت مقدرات مردمی بدست‌فردی افتاده وجامعه‌ای بآن درجه از انحطاط رسید که سرنوشت آن بسته بدست یکنفر بود - هرقدر هم آن فرد وطن پرست ومردم دوست و خیرخواه باشد - امید رستگاری برای چنین مردمی نیست . گذشته باید درس عبرتی برای‌آینده باشد و بهر ترتیبی هست باید ازپیدایش حکومت های فردی اجتناب کرد .

فصل هفتم

بخش نخستین = قرارداد ۱۹۳۳

بخش دوم = توسعهٔ صنعت نفت ایران پس از قرارداد ۱۹۳۳

بخش سوم = صنعت نفت ایران درموقع جنگ

بخش چهارم = صنعت نفت ایران پس ازجنگ

بخش پنجم = وضع مالی شرکت نفت درمدت امتیاز

فصل هفتم

بخش نخستین

متن قرارداد ۱۹۳۳ درجزو قوانین مجلس شورای ملی انتشار یافته و در غالب کتابهائی هم که درسالهای اخیر راجع بنفت منتشر گشته چاپ شده‌است لذا برای احتراز ازفزونی مندرجات این کتاب از نقل آن خودداری شده است .

قضاوتهائی که دربارهٔ این قرارداد شده مختلف ومتنوع بوده‌است . شرکت نفت همواره میگفت که شرایط مندرجه درقرارداد مزبور بهترین شرایطی بوده که درآنوقت در خاورمیانه معمول بوده است . ایرانیان همه متفق‌الرأی بودند که قرارداد مذکور برخلاف منافع ایران تنظیم شده بود . بیطرفهائی که حب وبغض بخصوصی باهیچیك از طرفین نداشتند قول شرکت را قبول داشته و تصدیق میکردند که قرار داد ۱۹۳۳ بین قراردادهای دیگری که باسایر کشورهای خاورمیانه درآن زمان منعقد شده ویاقبلاً منعقد گشته واجرا میشد از همه بهتر بوده است ولی اضافه میکردند که در قسمت تمدید مدت امتیاز ایران مغبون گشته است .

اولین بحث وانتقادی که دربارهٔ قرارداد ۱۹۳۳ در یك مقام رسمی بعمل آمد نطق مشروح ومفصلی بود که دکتر مصدق درهفتادو پنجمین جلسهٔ دورهٔ چهاردهم مجلس شورای ملی درتاریخ یکشنبهٔ هفتم آبانماه ۱۳۲۳ شمسی ایراد کرد ومتعاقب آن نطقها وخطابه ها ومقالات وکتابهای متعددی در ایـران منتشر گردید که عدم رضایت عمومی را نسبت بقرارداد مزبور واضح وآشکار میساخت . قسمت عمدهٔ بیانات دکتر مصدق شامل ایرادات واعتراضات بتمدید مدت قرارداد بود ودرپایان آن نطق سه دلیل اقتصادی برای مردود شناختن قرارداد ذکر میکند که بقرار زیر است : ـ

« ۱ـ هرگاه به محاسبهٔ عواید نفت جنوب رجوع کنند معلوم خـواهد شد که عواید مزبور منحصراً درراه سیاسی خرج شده است . عواید مزبور بمصرف راه آهن که بتمام معنی استراتژیك وبرای ما سرتاپای ضرر است رسید که قبل ازاحداث آن بارها نظریات خود را در مجلس شورای ملی گفتم وروزگارهم گفته های مرا تأیید کرد وهمچنین بمصرف خرید اسلحه و مهماتی که ایران بآن احتیاج نداشت رسید زیرا ما بادول مجاورخیال جنگ نداشتیم که محتاج بآنقدر مهمات شویم و اگر آن مهمات برای ما بود پس چه شد که درشهریور ۱۳۲۰ ازدست ما رفت . »

« ۲ـ برفرضی که ما امتیاز بدولت ندهیم وگیرنده شرکت باشد چون دول معظمه عموماً درشرکتهای تابعهٔ خود سهیم‌اند وآنها را تحت نظر خود اداره میکنند هرقدرهم که درامتیازنامه ازعایدات شرکت برای خودمان سهم معین کنیم وقتیکه دولت نتواند بحساب شرکت رسیدگی کند نقش برآب است » .

« ۳ـ درهرامتیازآن چیزی که بیش ازهمه امتیازدهنده را تشویق میکندآن‌است که بعد ازیك مدتی قائم مقام صاحب‌امتیازمیشود ومادیدیم که درامتیاز دارسی این‌حق بچه نیرنگی ازدست ما رفت . »

دردوازده سال اخیر باندازه‌ای ایراد واعتراض‌بقرارداد مزبورنوشته شده وگفته شده است که حتی ذکرخلاصه‌ای ازآنهاهم دراینجا مقدورنیست و خوانندگان میتوانند بجراید وخطابه ها وکتابهائی که دراین باره چاپ شده است مراجعه نمایند .

عقیدهٔ نویسندهٔ این سطور در بارهٔ قرارداد ۱۹۳۳ از بیست سال پیش تاکنون هیچگاه تغییرنکرده واکنون هم همان عقیده را دارم وآن این است :ـ

(۱) دولت ایران میتوانست‌باموقعیت محکم‌واستواری که درقبال تخلفات شرکت نسبت بطرز احتساب حق‌الامتیاز داشت شرکت را دعوت بحکمیت کرده و احقاق حق خود را بنماید .

(۲) دولت ایران میتوانست ازراه قانونی و بطریق مشروع شرکت را مشمول مالیات بردرآمد نموده وازاین راه درآمد سرشاری حاصل کند .

(۳) دولت میتوانست قوانین دیگری که موجب افزایش کارکنان ایرانی شرکت وبهبودی وضع استخدامی آنها باشد وضع واجرا نماید .

(٤) چون عبارات امتیازنامه دارسی کش‌دار وکاملاً مشخص‌نبود دولت میتوانست بوسیلهٔ قوانین دیگری که وضع میکرد مزایای بیشتری بدست‌آورد .

(٥) بنابرین هیچگونه احتیاجی بلغو امتیاز دارسی نبود .

اگرمتصدیان امور وقت درعوض لغو امتیازدارسی ومعرفی‌ایران بنقض عهدبکار های مشروع فوق اقدام‌کرده بودند بطورقطع و بدون اندك تردیدی شرکت حاضر میشد در امتیازنامهٔ دارسی تجدید نظرکرده وشرایطی را قبول نمایدکه ازشرایط قرارداد ۱۹۳۳ بمراتب بهتر باشد بااین تفاوت که صحبت تمدید مدت هم درکارنمیآمد وبااگرعنوان میشد بسهولت رد میگردید . متأسفانه طرزحکومت‌آنوقت و بی‌اطلاعی ازچگونگی امر نفت وبی‌اعتنائی بکسانی که واردکار بوده و میتوانستند نظری بدهند نتیجه‌اش قرارداد ۱۹۳۳ بود . این بی‌خبری وبی‌اطلاعی چندی بعد دربارهٔ ملی شدن نفت هم‌تکرارشد که‌شرح‌آن درفصل دیگرخواهدآمد وهمینقدر لازم است‌گفته شود که اگردولت ایران فقط از حقوق مشروع خودکه‌درامتیازدارسی‌مندرج است‌استفاده کرده بودقرارداد ۱۹۳۳ بوجود نمیآمد .

ممکن‌است‌گفته شودکه اگرما چنین‌کرده بودیم از مزایای اصل تنصیف منافع که ازپنج سال پیش درکشور های خاورمیانه معمول شده است محروم میماندیم . چنین اظهاری خطاست زیرا هرقدر ما نزدیك به ختم دورهٔ امتیاز دارسی میشدیم که انقضای آن در۱۹٦۱ میلادی بود ارزش نفت ما بالا میرفت و تردیدی نیست که داوطلبان نفت ایران بیشترازاصل تنصیف حاضر بودند بما بدهند تامابا‌آنها کنار بیائیم.علاوه براین همانطورکه دیده شد وقتیکه اصل تنصیف عواید بمیان آمد حتی شیخ قطر درخلیج فارس هم ازآن استفاده کرد وممکن نبودکه کشوری مانند ایران ازآن محروم بماند.

بیشتر کسانی که بقرارداد ۱۹۳۳ معترض بودند وتمدید امتیاز دارسی را خطای بزرگ میدانستنداز جنبهٔ منفی قضیه وارد شده وحاضر نبودند که زیانهای لغوامتیازدارسی را متذکرشده وازجنبهٔ مثبت بقضیه نگاه کنند . آنها بلغوامتیازدارسی چندان اعتراضی نداشتند ولی قرارداد ۱۹۳۳ را هم خطای بزرگی میدانستند . البته تردیدی در حسن نیت آنها نمیتوان داشت لکن باید گفت که اظهارات آنها کاملاً منطبق باواقع بینی وعاری ازاحساسات شورانگیز نبود .

بخش دوم - توسعهٔ صنعت نفت ایران پس از قرارداد ۱۹۳۳

از ۱۹۳۳ که قراردادجدید منعقد گشت تاسال ۱۹٤۱ که رژیم بیست سالهٔ ایران سقوط نمود شرکت نفت باخیال راحت وبهره‌مندی کامل ازمساعدت دولت بتوسعهٔ عملیات خودپرداخت ومیزان استخراج چنانکه ازارقام زیرهویدا است روبتزاید رفت : -

سال ۱۹۳٤	۷۵۳۷۰۰۰ تن
« ۱۹۳۵	« ۷٤۸۸۰۰۰
« ۱۹۳٦	« ۸۱۹۸۰۰۰
« ۱۹۳۷	« ۱۰۱٦۸۰۰۰
« ۱۹۳۸	« ۱۰۱۹۵۰۰۰
« ۱۹۳۹	« ۹۵۸۳۰۰۰
« ۱۹٤۰	« ۸٦۲۷۰۰۰
« ۱۹٤۱	« ٦٦۰۵۰۰۰
« ۱۹٤۲	« ۹۳۹۹۰۰۰
« ۱۹٤۳	« ۹۷۰٦۰۰۰
« ۱۹٤٤	« ۱۳۲۷٤۰۰۰
« ۱۹٤۵	« ۱٦۸۳۹۰۰۰

درقسمت پخش فرآورده های نفتی درداخل ایران شرکت اقدامات جدی نموده ودستگاه پخش را توسعه داد وبوسیلهٔ ساختن انبارها ومخازن در غالب شهرهای مهم وسایل فروش مواد نفتی بی‌ظرف را فراهم کرد . در سالهای اول قرارداد ۱۹۳۳ شرکت حاضرشد که ازفرمول مادهٔ نوزده قرارداد هم تجاوز کرده ومواد نفتی را حتی به نصف بهای فرمول مزبور بفروش رساند وبدینوسیله بهای فرآورده‌ها را تنزل داد وفروش را درسرتاسر کشور توسعه داد وطولی نکشید که دیگر برای بیگانگان صرف نمیکرد که مواد نفتی خودرا بایران واردنمایند . ولی همینکه مصرف مواد نفتی تعمیم یافت ومقدارمصرف روبفزونی رفت و مقررات مادهٔ نوزده قرارداد کاملا اجرا گردید شرکت تمام بهائی که درآن ماده مقرراست دریافت میداشت .

در قسمت کرمانشاه شرکت طبق مقررات مادهٔ نهم قرارداد بتعهدات خود سریعاً عمل کرد بدین معنی که شرکت فرعی بنام شرکت نفت کرمانشاه تشکیل داده و چند

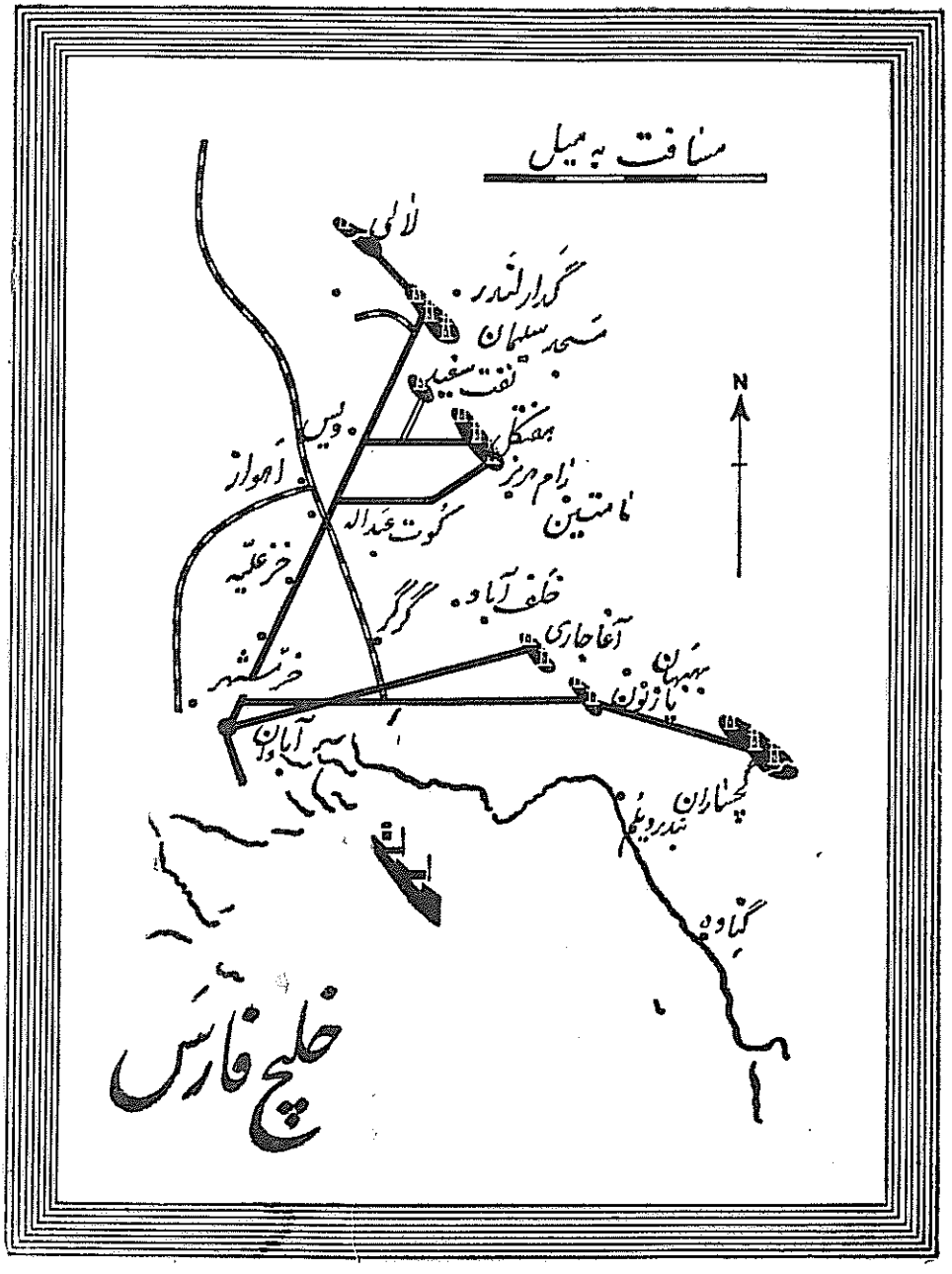
ماه بعد ازامضای قرارداد عملیات را آغازکرد . در ۱۹۲۳ این معدن کشف شده بود ولی کاری درآنجا صورت نگرفت تا اینکه در ۱۹۲۸ یك چاهی درمعدن نفت شاه حفر شد وبنفت رسید. استعداد معدن مزبور که نصف آن درخاك ایران ونصف دیگرش درخاك عراق و در آنجا بنام معدن نفت خانه نامیده میشود از مدتها پیش معلوم و آشکار بود . پس از عقد قرار داد جدید حفر چند چاه دیگر در نفت شاه شروع گردید و خط لوله‌ای بقطرهفت سانتیمتر ونیم از نفت شاه بکرمانشاه کشیده شد. این خط لوله از نفت شاه به قصرشیرین رفته وبعد درکنار جادهٔ شوسه تاکرمانشاه امتداد پیدا میکند. طول خط ۲۳۰ کیلو متر وچهار ایستگاه تلمبه نفت را با فشار به پالایشگاه کرمانشاه میرساند .

در پنج کیلومتری کرمانشاه‌درکنار رودخانهٔ قره‌سو پالایشگاه کوچکی بظرفیت سالی یکصدهزارتن ساخته شد ودر سال ۱۹۳۵ یعنی دوسال پس‌از عقد قرارداد جدید پالایشگاه مزبور افتتاح گردید. درهمان ایام انبار ها ومخازنی برای انبارکردن‌مواد نفتی بیظرف درکرمانشاه ـ همدان ـ قزوین ـ تهران ـ خرم آباد ـ بروجرد ـ ملایر ـ قم ـ اراك و اصفهان ایجادگشت واتوموبیلهای نفتکش کافی واردگردید که محصولات پالایشگاه را بانبار های مذکور برسانند .

موقعیکه شرکت‌نفت درقسمت غرب بعملیات پرداخت شاه‌فقید مالك اراضی بایر نفت شاه وقسمت عمدهٔ اراضی که خطوط لوله از آن عبور میکرد بود و ادارهٔ املاك سلطنتی بهیچوجه راضی نمیشدکه اراضی مورد لزوم را طبق مواد امتیازنامه بشرکت بفروشد و میگفت که شرکت باید آنرا اجاره کرده ومال‌الاجارهٔ سالیانه‌ای برای آن بپردازد . طبق تقویمی که در آن‌موقع شده بودکلیهٔ اراضی مزبور که‌مورد احتیاج کار شرکت وتمامش هم بایر بود درحدود پنجاه‌هزار تومان قیمت شده‌بود ولی‌ادارهٔ‌املاك از فروش‌آن خودداری کرد و پس‌از چندسال مذاکره بالاخره قراردادی منعقدگردید که سالی دوازده‌هزار لیره مال‌الاجاره بابت اراضی مزبور پرداخته شود . این‌قرارداد مجری بود تااینکه وقایع شهریور ۱۳۲۰ پیش‌آمد و شرکت توانست قرارداد اجاره را لغو واراضی را بقیمتی که ازطرف دولت ارزیابی شد خریداری نماید .

در موقع عقد قرارداد ۱۹۳۳ تنها معدن مسجدسلیمان و معدن هفت‌کل استخراج میگردید ولی ازآنوقت ببعد عملیات‌کاوش واکتشاف باجدیت زیاد تعقیب شد وبتدریج استخراج معادن جدید آغازگشت .

سال اول بعداز قرارداد درشانزده کیلومتری شمال‌غربی هفت‌کل معدن‌نفتی بنام نفت سفیدکشف‌شدکه طول‌آن قریب به بیست‌وچهار کیلومتر وعرض‌آن‌شانزده کیلومتر است . درسال ۱۹۳۸ معدن‌نفت لالی واقع درشمال‌مسجد سلیمان کشف گردید.درحوالی این‌جا شرکت یازده سال بکاوش‌مشغول بود وچهار چاه هم حفرکرده وبه‌نتیجه‌نرسیده بود ولی در لالی نفت زیادی‌کشف ومعلوم‌گردیدکه قطر سنگ معدن آن ۳۶۵ متر است. معهذا استخراج از معدن لالی ده سال بتعویق افتاد .



نقشهٔ مناطق نفت‌خیز ایران

در یکصد کیلومتری جنوب‌شرقی هفت‌کل ودر شمال بهبهان معدن‌نفتی در ناحیه‌ای موسوم به آغاجاری قبل‌از قرارداد جدید کشف شده بود ولی بواسطهٔ بحران‌اقتصادی

جهان حفاری در آن متوقف گشته بود . درسال ۱۹۳۵ چاه هائی دراین معدن حفر شد و معلوم گشت که آغاجاری دارای معدن بزرگ نفتی است که با سایر معادن بزرگ برابری میکند واز آنوقت ببعد مقدمات استخراج این معدن فراهم گشت. در بیست‌وچهار کیلومتری جنوب شرقی آغاجاری معدن بزرگ دیگری در ناحیه‌ای موسوم به‌پازنون کشف گردید ولی بعدها معلوم شد که دراین معدن نفت قابل ملاحظه‌ای نیست‌ولی‌دارای مقادیر زیادی گاز نفتی میباشد .

درمعدن گچساران که قبل از سال ۱۹۳۰ کشف شده وعملیات استخراجی در آن صورت نگرفته بود چاه هائی در سال ۱۹۳۵ حفر شد و معلوم گشت که استعداد معدن مزبور فوق‌العاده میباشد ولی جنس نفت آن سنگین‌تر از نفت سایر معادن نفت‌ایران است . این معدن در عمق۹۱٤ متری زیرزمین قرار گرفته و طول آن سی‌و دو کیلومتر وعرض آن‌هشت کیلومتر است وکافتی‌سنگ معدن که دارای نفت میباشد بالغ‌برچهارصد وشصت متر است. از سال ۱۹۳٦ ببعد مقدمات استخراج دراین معدن هم شروع شد و لوازمات‌کار من‌جمله خط لوله هم بخارج سفارش داده شد .

در این‌وقت نقشه‌ای طرح شد که دربندرمعشور وسایلی برای بارگیری کشتیهای نفتی ساخته شود ونفت گچساران وآغاجاری‌ازاین‌جا صادر گردد. ضمن این‌نقشه ساختن پالایشگاهی هم در بندر معشور منظور گشته بود که بعد ها بواسطهٔ تغییر سیاست‌کلی شرکت ازمیان رفت .

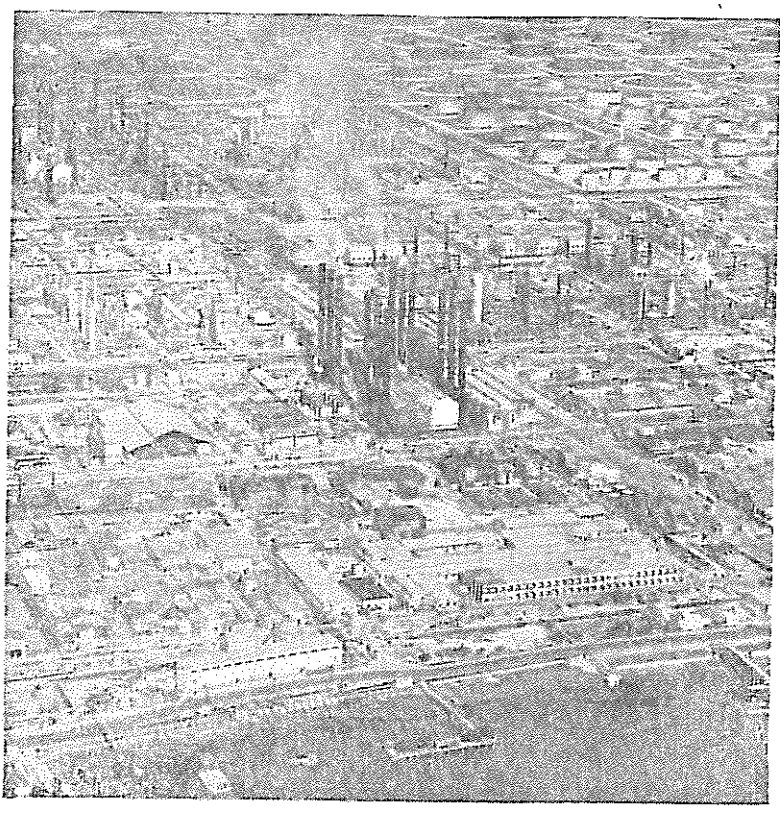
بطورخلاصه بین‌تاریخ امضای‌قرارداد جدید وآغاز جنگ دوم جهانی چهارمعدن بزرگ نفت ویك معدن گاز نفت کشف شد که مقدمات استخراج ازمعادن مزبور فراهم میگشت ولی کلیهٔ محصول‌ازهفت‌کل ومسجد سلیمان بدست میآمد . درسال ۱۹۳٤محصول نفت هفت‌کل سالی دومليون تن بود وبا ساختن خطوط لولهٔ جدید و افزایش وسایل استخراج محصول هفت‌کل درسال ۱۹۳۹ بشش‌ملیون تن درسال رسید .

درقسمت پالایشگاه آبادان درطی سالهای بین عقد قرارداد جدید و جنگ دوم جهانی توسعه وپیشرفت ادامه داشت دستگاه های «کرکینگ»۱ وکارخانه های جدید تقطیر وکارخانهٔ اسفالت وکارخانهٔ اسید سولفوریك و لوازم دیگر پالایشگاه ساخته وآماده شد وظرفیت پالایشگاه در ۱۹۳۹ بسالی ده ملیون تن رسید . بندرگاه آبادان هم توسعهٔ بسیار یافت واسکله های جدیدی درباورده وخسروآباد ساخته شد ومخازن متعددی برای‌انبار کردن‌محصولات‌آماده وحاضر گردید ورویهمرفته دراوایل جنگ‌اخیر پالایشگاه آبادان تجهیزات‌کاملی برای تصفیهٔ نفت ومشتقات‌آن داشت .

از۱۹۳۳ تاآغازجنگ دوم‌جهانی‌مقادیر نسبةً قلیلی‌نفت خام ازایران صادرمیشد. قسمتی ازآن بمصرحمل شده ودرپالایشگاه شرکت شل تصفیه میگردید وبقیه مقادیری بود که بانگلستان واسترالیا حمل شده ودرپالایشگاه های شرکت نفت که درآن کشور ساخته شده بود تصفیه گشته وبفروش میرسید .

---

(۱) Cracking دستگاه تصفیه نفت است که باحرارت زیادپالایش نفت انجام میگیرد



پالایشگاه آبادان

درقسمت خدمات اجتماعی ، شرکت پس ازعقد قرارداد۱۹۳۳ نقشه‌ای طرح کرد که برای‌تمام‌کارکنان خارجی ویك‌قسمت ازکارمندان وکارگران ایرانی خود خانه‌هائی ساخته ووسایل رفاه وآسایش‌آنهارا فراهم سازد. درآبادان ومسجد سلیمان وهفت‌کل برنامهٔ ساختمانی شرکت از ۱۹۳٤ شروع گشت و پیشرفت های عمده‌ای هم نمود ولی این‌برنامه محدودبود وشامل همهٔ‌کارکنان شرکت نمیگردید وتولید عدم رضایت‌بسیاری بین‌آنانیکه فاقد خانه ومسکن مناسب بودند مینمود .

درقسمت‌بهداری وفرهنگ‌هم شرکت اقدامات‌مهمی‌راشروع کرد . بیمارستانهای آبادان ومسجد سلیمان را توسعه داد ودرمانگاه های متعددی بنا کرد وجدیت بسیاری برای تأمین بهداشت عموم‌کارکنان خود مینمود . چند مدرسه ابتدائی درآبان ومسجد - سلیمان ساخته و تحویل وزارت فرهنگ داد و درآبادان یك‌آموزشگاه‌فنی‌ساخت که دیپلمه های مدارس متوسطه را درآن پذیرفته وپس‌ازچهارسال تحصیل مهندسین‌قابلی ازآن خارج میگشتند . یك‌آموزشگاه حرفه‌ای شبانه روزی‌هم درآبادان ایجاد کرد که جوانان پس ازاتمام تحصیلات ابتدائی بآن وارد شده وپس ازچند سال تحصیل و عمل کارگران فنی‌لایقی‌ازآب‌درمیآمدند .

بموجب مادهٔ شانزدهٔ قرارداد ۱۹۳۳ شرکت متعهد شده بود که باموافقت دولت طرحی برای افزایش کارکنان ایرانی تنظیم واجرا نماید. تهیهٔ این طرح مدتی بطول انجامید وشرکت حاضرنبود که خرج زیادی برای تربیت ایرانیان بنماید و طبق روح مادهٔ مزبور درمدت کمی ایرانیان را بجای خارجیان بگمارد. متأسفانه اولیای دولت‌هم جدیت لازم را دراین باره بکارنبردند وطرحی که تهیه واجرا گردید کافی نبود. لکن پیشرفتهائی دراین‌باره شد وگرچه طبق دلخواه‌ایرانیان نبود معهذا مقدمه‌ای‌را تشکیل میداد که ممکن بود بسهولت‌آنرا درآتیه توسعه داد.

بین رژیمی که درآنوقت بایران حکومت میکرد و شرکت نفت روابط حسنه ووداد‌آمیز برقراربود. کارمندان وکارگران شرکت بواسطهٔ تضییقاتی که موجود بود جرئت هیچگونه اعتراضی نداشتند وشرکت هم حداکثراستفاده را ازوضع آنوقت‌مینمود. بکارگران اجازه داده نمیشد که اتحادیه‌ای داشته و تقاضا های مشروع خودرا اظهار نمایند وازهرگونه اقدامی دراین زمینه بانهایت شدت جلوگیری بعمل میآمد.

درآمد دولت هم رو بفزونی‌میرفت چنانکه ازارقام زیرآشکارمیگردد :-

درآمد دولت درسال	۱۹۳۳	۱۷۸۵۰۰۰ لیره
«	۱۹۳٤	۲۱۵۹۰۰۰ «
«	۱۹۳۵	۲۱۹۲۰۰۰ «
«	۱۹۳٦	۲۸۲۹۱۹۸ «
«	۱۹۳۷	۳٤٤۵۰۰۰ «
«	۱۹۳۸	۳۳۰۷۰۰۰ «
«	۱۹۳۹	۳۳۱۵۰۰۰ «

درفصل‌پیش‌شرح‌داده‌شد که‌شرکت نفت برای‌جلب‌رضایت خوانین‌بختیاری سی‌وهفت هزارسیصدوبیست[۱] سهم(یك‌لیره‌ای)در«شرکت بهره‌برداری‌اولیه» که‌یکی‌ازشرکتهای تابعهٔ‌آن بود بآنها اختصاص داده بود که هرسال سودآنرا دریافت میداشتند. باستثنای سهامی که خوانین بختیاری ودولت ایران وعدهٔ معدودی دیگر (که درابتدای کارآنها هم ایرانی بودند وبعدها قسمت عمدهٔ سهام خود را به خارجیان فروختند که شرح آن گذشت) دراین شرکت تابعه داشتند اکثریت‌سهام دردست شرکت نفت ایران وانگلیس بود ومظنه‌ای هم برای سهام مزبور در بورس داده نمیشد ولی چون سود سالیانهٔ این این‌سهام نسبةً گزاف بود قیمت سهام مزبور (اگر بدست طالبین‌آن میرسید) بیش ازقیمت اسمی‌آنها بود. پس ازجنگ اول جهانی خوانین بختیاری سهام خودرا بشرکت نفت وثیقه داده وباعتبارآن چند فقره وام‌گرفته بودند ودرموقع دریافت سود سالیانه هم اختلافاتی بین‌خوانین روی میداد زیرا چهارنفرخانی که ازطرف دیگران نمایندگی داشتند سود سهام مزبوررا گرفته ودرتقسیم صحیح‌آن بین دیگران کوتاهی‌میکردند که منتهی بشکایت عدیده بدولت میشد.

---

(۱) درابتدا خوانین بختیاری ۱۲۰۰۰سهم‌در«شرکت‌نفت‌بختیاری» داشتند. درسال۱۹۲۴ که‌شرکت مزبورمنحل‌گردیدومنضم بشرکت بهره‌برداری اولیه‌گردید سه درصد ازسهام‌این‌شرکت‌که ۴۷۳۲۰ باشد درازای۱۲۰۰۰سهام مذکوربآنهاواگذارگردید.

درسال ۱۳۱۵ شمسی شاه فقید دستورداد که سهام خوانین‌را دولت بقیمت‌عادلانهٔ روزخریداری کند ووامهای شرکت‌را پرداخته سهام را از گرودرآورد. وزارت‌دارائی این‌کاررا کرد وهرسهم یك‌لیره‌ای خوانین بختیاری را بده‌لیره خریداری کرد وسهام‌را هم ازرهن شرکت خارج نموده وخود مالك شد[۱].

در قسمت اداری شرکت هم پس از قرارداد جدید تغییراتی رویداد که درحوادث بعدی تأثیر بسزائی داشت. لردکدمن دچار بیماری شده بود وکمتر بکار های جاری شرکت رسیدگی‌میکرد وبیشترکارها بدست فریزرانجام میگرفت پس ازامضای قرارداد جدید جاکس مدیرمقیم شرکت درتهران بلندن‌احضار وازکارخارج گردید وادارهٔ تهران شرکت را نماینده‌ای اداره میکرد که وظیفه‌اش فقط این بود که دراجرای‌موادقرارداد جدید نظارت نموده وهراشکالی که بین دولت وشرکت پیش بیاید رفع نماید. فریزر معاون هیئت‌مدیرهٔ شرکت ازاهل اسکاتلند وپدراو اداره کنندهٔ صنعت نفت کوچکی‌بوده که دراسکاتلند موجود بود وهنوزهم هست. چنانکه در یکی ازفصول پیشین گفته شد در اسکاتلند سنگهای سیاه رنگی موسوم به «شیل» موجود است که ازآن مختصرنفتی بدست میآورند فریزر ازاوایل جوانی درکارهای پدرش واردبود وپس ازآنکه شرکت نفت ایران وانگلیس صنعت نفت «شیل» را خریداری کرده وضمیمهٔ کارهای خودنمود اوهم وارد شرکت مزبور گردید. لردکدمن او را وارد هیئت مدیرهٔ شرکت نمود وعلی رغم نمایندگانی که ازطرف شرکت نفت برمه درهیئت مدیرهٔ شرکت نفت ایران وانگلیس عضویت داشتند ازاو تقویت بسیارنموده وپس‌ازچندی‌اورا بسمت معاون‌هیئت مدیرهٔ شرکت انتخاب کرد.

فریزر درکار های بازرگانی بصیرت بسیار داشته وتمام توجه او صرفاً معطوف بافزایش درآمد شرکت‌بود. ازابتدای کار فریزر عمد داشت که سیاست واقتصاد را از یکدیگرجدا ومجزا ساخته ودستگاه عظیم شرکت را صرفاً از لحاظ بازرگانی اداره نماید وقانع باین‌بود که امورین‌المللی وسیاسی شرکت را به لردکدمن واگذارنماید. فریزر معتقد بود که باعقد قرارداد جدید ووجود رژیم مقتدری در ایران هیچ احتیاجی باین نیست که شرکت توجهی بمسائل اقتصادی وسیاسی‌ایران داشته باشد وباید منظور شرکت این باشد که نفت را ازایران صادرکرده وبفروش رساند و هیچگونه علاقه‌ای بسایرمسائل نداشته باشد. تأثیرعمیق صنعت نفت دراموراقتصادی وسیاسی ایران مورد توجه او نبود و تمام کوشش او این بود بهرنحوی ممکن‌باشد بر درآمد شرکت نفت افزوده‌وآخرسال بیلان‌بهتری بسهامداران تقدیم نماید.

---

(۱) چنانکه درفصل‌پیش‌گفته‌شد شرکت‌نفت سالی۴۰۰۰ لیره بایابخانی وایابگی بختیاری بعنوان حق‌الحفاظهٔ مؤسسات خودمیپرداخت. موقعی‌که قدرت حکومت مرکزی درخوزستان مستقرگشت شرکت درصددبرآمدکه پرداخت این‌مبالغ‌را قطع‌نماید ولی‌چون درقرارداد اولی‌که بین‌خوانین وشرکت‌منعقد شده بود شرکت ازروی اشتباه وبرخلاف مندرجات امتیازدارسی متعهدشده بودکه پس‌ازخاتمهٔ امتیاز تأسیسات خود را در مسجد سلیمان مجاناً بخوانین بختیاری واگذار نماید مذاکراتی باخوانین‌مزبور کرده واین تعهد راملغی‌نمود ودرعوض تعهدکردکه سالی‌سه‌هزارلیرهٔ حق‌الحفاظه راتاختم امتیازبآنها بپردازد. موقعی‌که وزارت‌دارائی سهام خوانین‌را خرید حق دریافت سالی‌سه‌هزارلیره‌هم بدولت‌صلح گردید وازآن تاریخ‌ببعد دولت‌مبلغ‌مزبوررا وصول‌میکرد.

بخش سوم - صنعت نفت ایران در موقع جنگ

از موقعیکه جنگ دوم جهانی آغاز گشت و تا دوسال بعداز آن صنعت نفت ایران مواجه با اشکالات بسیاری گردید. پیشرفتهای سریع قوای آلمان در اروپا موجب شد که بازار های اروپای شرکت نفت ازدست آن برود وصادرات ایران محدود به بازار های شرقی گردد. درسال ۱۹٤۰ که ایتالیا وارد جنگ شددریای مدیترانه میدان نبرد - های دریائی گشت وحمل نفت باکشتی مشکل شد. غرق کشتیهای نفتکش سبب شد که حمل نفت ایران بانگلستان در ۱۹٤۱ بکلی متوقف گردد و هر کشوری سعی میکرد احتیاجات نفتی خودرا از نزدیکترین نقطهٔ ممکنه که مسافتش کوتاه‌تر وخطرغرق شدن کشتیها هم کمتر باشد بدست آورد. در نتیجهٔ بروز این مشکلات میزان استخراج نفت ایران روبتقلیل رفت ودر سال ۱۹٤۱ تقریباً به شش ملیون ونیم تن رسید.

از همان اوایل جنگ دولت ایران بشرکت تذکر داد که کاهش استخراج که موجب کسر درآمد آن خواهد بود باید بیك وسیله‌ای جبران گردد. اولیای دولت انگلستان ومدیران شرکت خطرعدم‌رضایت ایران‌را خیلی‌زود احساس کرده ودر صدد چاره‌جوئی برآمدند. چندماه پس‌از آغازجنگ لرد کدمن بتهران آمده[۱] وبدولت پیشنهاد کرد که برای دورهٔ جنگ وبدون رعایت کاهش استخراج مبلغ معینی بطور دربست بدولت ایران پرداخته شود. دولت این پیشنهاد را قبول کرد ولی برای تعیین مبلغ مدتی بین دولت وشرکت مذاکرات جریان داشت تااینکه بالاخره به‌چهارملیون‌لیره درسال قطع گردید. این‌مبلغ از حداکثر درآمد دولت درسالهای قبل از جنگ هم زیادتر بود و شرکت درمقابل فشار دولت تسلیم گردید. ازسال ۱۹٤۰ تاآخر سال ۱۹٤٤ شرکت سالی چهارملیون‌لیره را بدولت پرداخت وضمناً مقرر گردید که اگرافزایشی دراستخراج روی دهد بطوریکه درآمد دولت طبق مواد امتیازنامه ازمبلغ چهارملیون‌لیره تجاوز نماید مبلغ بیشتر عاید دولت گردد.

فاصلهٔ بین آغاز جنگ وهجوم ارتش متفقین بایران در شهریور ۱۳۲۰ فرصت بسیار مناسبی را برای ایران پیش‌آورد که نظریات خودرا بشرکت بقبولاند وبسیاری ازمطلعین عقیده داشتند که اگر توجه دولت تنها معطوف بافزایش درآمد نبودبلکه بسایر نکات هم توجهی میشد دولت میتوانست بسهولت اشتباهات گذشتهٔ خودرا جبران کند ولااقل تعدیلی در مدت امتیاز یا محدود کردن حوزهٔ امتیازیه بنماید. متأسفانه این فرصت گرانبها هم از دست رفت واستفاده‌ای از آن نشد.

تردیدی نیست که هجوم ارتش متفقین بایران درشهریور ۱۳۲۰ در درجهٔ اول برای این بود که راهی برای رساندن مهمات جنگی بروسیه بدست آورند ولی ضمنا نمیتوان انکار کرد که حفظ صنعت نفت ایران برای متفقین هم نقش عمده‌ای را در این تهاجم داشته است و برای آنکه خوانندگان باهمیت فوق‌العاده نفت پی برند

(۱) این آخرین سفری بود که لرد کدمن بایران کرد واودرسال ۱۹۴۱ فوت نمود.

شرح زیر را از کتاب خاطرات جنگ سروینستن چرچیل (جلد سوم صفحهٔ ٤٢٣) نقل میکنیم:

« احتیاج برساندن مهمات جنگی وهرنوع لوازم وتدارکات دیگر بدولت شوروی ومشکلات عظیمی که راه دریای منجمد شمالی دربر داشت توأم با امکانات سوق الجیشی آینده بطور آشکار ایجاب میکرد که ارتباط کامل باروسیه از طریق ایران برقرار گردد. معادن نفت ایران یك عامل مهم جنگی محسوب میشد. یك میسیون فعال و کثیرالعدهٔ آلمانی خودرا درتهران مستقر کرده بود وآلمانها شهرت وآبروی بسیاری برای خود تحصیل کرده بودند . منکوب کردن شورش عراق واشغال سوریه از طرف قوای انگلیس وفرانسه که هردوکار پس از زحمت ونگرانی بسیار به نتیجه رسید نقشهٔ خاوری هیتلررا ازبین برده بود . ما فرصت را برای عملیات مشترك با روسها باخوشی تلقی کرده وبآنها پیشنهاد کردیم که اقدامات مشترکی بنمائیم. من دربارهٔ شروع یکار با ایران نگرانیهائی داشتم ولی دلایلی که برله آن اظهار میشد جای بحثی باقی نمیگذاشت .من خوشوقت بودم که ژنرال ویول درهندوستان است ومیتواند عملیات نظامی را سرپرستی وهدایت کند. درتاریخ یازدهم ژوییه ۱۹٤۱ کمیتهٔ هیئت وزیران از رؤسای ستاد تقاضا کرده بود که اقدامات نظامی مشترك باروسها را درایران تحت مطالعه قرار دهد ودر صورتیکه دولت ایران از اخراج جماعت آلمانی که اکنون در ایران استخدام شده اند امتناع نماید نظر بدهد. درتاریخ هیجدهم ژوییه رؤسای مزبور توصیه کردند که درمذاکرات بادولت ایران ما نظر جدی ومحکمی اتخاذ کنیم. این نظر قویاً مورد تأیید ژنرال ویول هم بود که روز پیش تلگرافی بمضمون زیر بوزارت جنگ مخابره کرده بود :

نظر تساهلی که نسبت بایران میخواهید اختیار کنید برای من مفهومی ندارد. برای دفاع هندوستان واجب است که آلمانها را هم اکنون از ایران خارج نمائیم. غفلت در این باره موجب تکرار همان وقایعی خواهدشد که درعراق رخداد وما توانستیم بزحمت وبموقع با آن مقابله نمائیم. نهایت لزوم را دارد که باروسها درایران تشریك مساعی بشود واگر دولت کنونی ایران حاضر نیست که تسهیلاتی دراین باب فراهم نماید باید جای خودرا بحکومتی بدهد که این کار را خواهد کرد. مادام که جنگ روس و آلمان بجائی نرسیده باید بی درنگ برای حصول مقصود حد اکثر فشار اعمال گردد . در تاریخ ۲۱ ژوییه من درجواب ژنرال ویول تلگراف کرده وباو گفتم - هیئت وزیران نردا وضع ایران را مطالعه خواهد کرد . من بطورکلی بانظر شما موافق هستم ومیل دارم که اولتیماتومی از طرف انگلیس و روس بایرانیان داده شود که یا آلمانها را بدون معطلی اخراج کنند ویا بانتظار عواقب باشند. مسئله این است که اگر ایرانیان امتناع نمایند چه قوائی ما برای پیکار حاضر خواهیم داشت. رؤسای ستاد پیشنهاد کردند که عملیات محدود بجنوب باشد وبرای این کار ما دست کم یك لشگر که ازطرف نیروی هوائی کوچکی یاری شود لازم داشتیم تابتوانیم معادن نفت را تصرف کنیم . چنین نیروئی باید از عراق آورده شود در حالیکه ما در آنجا عدهٔ کافی حتی برای حفظ امنیت داخلی هم نداشتیم . در خاتمه رؤسای مزبور گفته بودند که اگردرطی سه ماه

آینده نیروئی باید بایران اعزام شود جانشین آنهارا باید از نیروی خاورمیانه تأمین نمائیم.درتاریخ ۲۲ ژوبه وزیرخارجه (سرانتونی‌ایدن) نظر خود را درین باره بشرح زیر برای من فرستاد : - امروز صبح در بارهٔ فشار بایران من مطالعات بیشتری کردم. هرچه بیشتر راجع بامکان اجرای این‌مسئله مطالعه میکنم آشکار تر میگردد که همه‌چیز مربوط بتوانائی ما درتمرکز دادن قوای‌کافی درعراق است تا بدان‌وسیله‌قادر بحفظ معادن نفت ایران باشیم. بسیارخطرناك بنظر میرسد قبل‌از اینکه ازلحاظ‌نظامی ما توانائی چنین‌کاری را داشته باشیم حتی بفشار اقتصادی‌هم‌مبادرت‌نمائیم زیراشاه‌کاملا متوجه به‌ارزش معادن نفت برای ما هست و اگر ملاحظه‌کند که ستیزی با ما در بین هست محتمل است که قدم اول را او بردارد .گزارشهائی که ظاهراً مورداعتماد باشد بما رسیده که ایرانیان درمرز های روسیه وعراق ودر ناحیهٔ معادن نفت تمرکز نیرو داده‌اند.امیدوارم باسرع اوقات مساعی لازمه بکار برده شود که‌قوای ما درعراق‌تقویت یابد. اگر ما بتوانیم چنین‌کاری را قبل‌از آنکه روسها در جنوب دچار شکست سختی شوند انجام دهیم امید آن هست که بتوانیم ارادهٔ خود را بدون اعمال قوه بایرانیان تحمیل نمائیم. ولی نباید اقدامات دیپلوماسی ما ازتجمع نیروی نظامی ماسبقت‌گیرد و الا نتیجهٔ‌آن بسی وخیم خواهد بود. عامل دیگری هم درکار است که لزوم افزایش نیرو را درعراق ایجاب مینماید. اگر روسیه دچار شکست شود ما باید حاضر باشیم که معادن نفت ایرانرا خودمان اشغال نمائیم زیرا در چنین صورتی فشار آلمانها به ایرانیان برای اخراج ما قابل‌تحمل نخواهد بود » .

نقل مطالب فوق آشکار میسازد که نفت ایران چه‌اهمیت بسزائی درجنگ داشته وعلت تهاجم ارتشهای بیگانه بایران تاچه حد مربوط به‌نفت بوده است.

هنگامیکه ژاپن وارد جنگ شد وضع نفت ایران شکل دیگری پیدا کرد زیرا درمدت کوتاهی ژاپونیها توانستند جزایر اندونزی و کشور برمه که هردو منبع مهمی برای تحصیل نفت متفقین بود ازدست آنها بگیرند ومعادن‌نفت ایران تنها منبعی بود که میتوانست احتیاجات متفقین را درشرق تأمین نماید.علاوه براین درسال ۱۹۴۲ که عملیات جنگی درافریقای شمالی شدت یافت وارتشهای متفقین برای تصرف‌شمال‌افریقا نبرد را آغاز کردند نفت‌ایران عامل‌مهمی درپیشرفت آنها بود.

اندك‌مدتی قبل‌از آغاز جنگ شرکت‌نفت‌کارخانه‌ای برای تهیهٔ بنزین‌هواپیمائی (معروف به یکصد اوکتان) سفارش داده وبآبادان‌وارد کرده‌بود.کارخانهٔ‌مزبوردرسال ۱۹۴۰ بکار افتاد ولی در ۱۹۴۲ معلوم‌گشت که دستگاه مزبور کافی برای رفع همهٔ احتیاجات جنگی نیست ولذا درایام جنگ اضافاتی بدستگاه مزبور شد و باندازه‌ای توسعه یافت که درسال ۱۹۴۴ آبادان توانائی اینرا پیدا کرد که سالی یك ملیون تن بنزین هوائی بعمل‌آورد . تهیهٔ این‌مقدار بنزین هوائی باعث شد که‌قسمت‌عمدهٔ‌مصرف نیروی هوائی انگلیس‌وامریکا درخاورمیانه وخاوردور ازآبادان تحصیل‌گردد وعلاوه براین مقادیر زیادی هم بنزین هواپیمائی بروسیه فرستاده میشد که احتیاجات شورویها را تأمین میکرد .

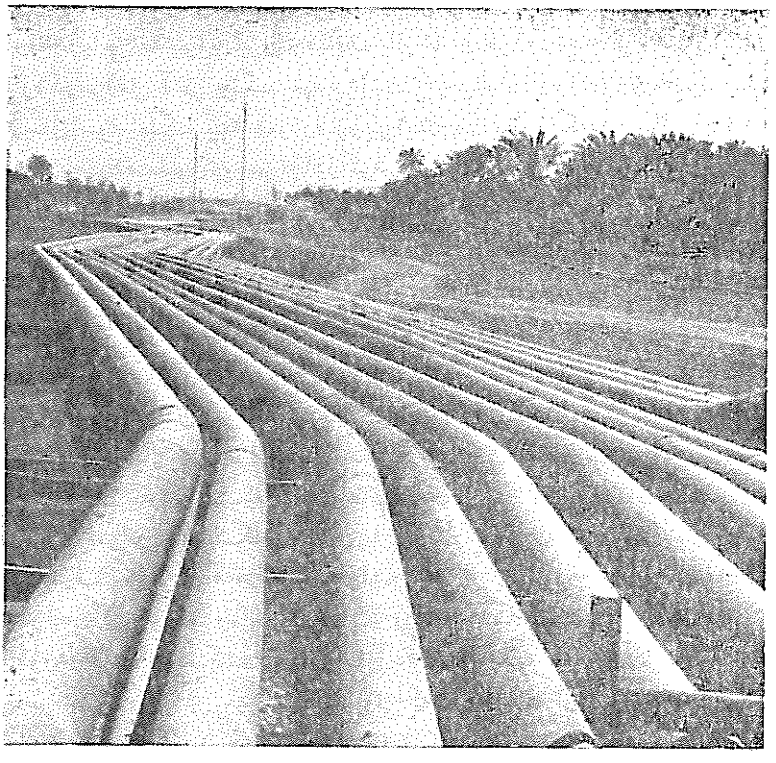
در ۱۹۴۳ که ارتش متفقین جزیرهٔ سیسیل را در جنوب ایتالیا تصرف و اشغال کردند راه دریائی مدیترایه بروی متفقین باز شد و فرآورده های نفتی ایران نقش بزرگی را درمراحل آخر جنگ بعهده داشت. احتیاجات روزافزون متفقین بموادنفتی ایران ازسال سوم جنگ ببعد همواره روبتزاید رفت بطوریکه در سال ۱۹۴۴ میزان استخراج از سیزده ملیون‌تن هم تجاوز کرد ودرسال ۱۹۴۵ به‌هفده‌ملیون‌تن‌و سال‌بعد ازآن به نوزده ملیون‌تن هم رسید.

درآغاز جنگ شرکت‌نفت دارای نودوسه کشتی نفتکش بود که‌تقریباً نصف این کشتیها درایام جنگ غرق گردید واگرچه شرکت‌نفت فواید سرشاری از فروش نفت برد ولی ضایعات آن هم‌کم نبود که بعدها از طرق مختلف جبران گردید.

در اوایل جنگ که استخراج نفت ازمعادن ایران‌کاهش عمده‌ای یافت‌کلیهٔ‌عملیات ساختمانی وتوسعهٔ معادن متوقف گردید وتمام توجه شرکت معطوف باین‌بود که‌وسایل دفاعی‌وحفظ‌معادن‌و پالایشگاه‌راتأمین نماید. اطراف‌ایستگاه‌های‌تلمبه‌واقع‌درمسیرخط‌وط لوله را سیم های خاردار کشیده وحصارهای فلزی درسر تمام چاه‌های نفت‌نصب کرده‌و ورود وخروج افراد به‌پالایشگاه آبادان با پروانهٔ مخصوص انجام میگرفت . مقدماتی برای بی‌مصرف ساختن چاه های نفت فراهم‌گشته بود که‌اگرمعادن بدست‌آلمانها بیفتد بتوانند درمدت‌کمی چاه‌ها را خراب نمایند وپس‌از آنکه در سال ۱۹۴۰ پالایشگاه بحرین‌مورد تعرض واقع‌گشت چراغهای آبادان را شبها خاموش‌کرده و تمام شهر در سرتاسر جنگ تاریك بود . تنها عملیاتی که درسالهای اول جنگ صورت گرفت وکمك‌بتوسعهٔ‌صنعت نفت نمود یکی ساختن دستگاه بنزین هواپیما درآبادان ودیگری ایجاد خط لوله‌ای بین معدن‌گچساران وآبادان بود . طول این خط ۲۶۴ کیلو متر و قطر لوله هم سی‌سانتیمتر ونیم بود که درنتیجهٔ آن معدن مزبور شروع باستخراج کرد وسالی دوملیون‌تن نفت بآبادان میفرستاد .

پس‌از آنکه ارتشهای روس و انگلیس در شهریور ۱۳۲۰ (ماه اوت ۱۹۴۱) بایران حمله‌کرده ونقاط مختلف را اشغال‌کردند اقدامات حفاظی در نواحی معادن و بخصوص درآبادان توسعهٔ بسیار یافت . روی پالایشگاه آبادان پوششی از بالونهای متعدد تعبیه‌کردند ودر اطراف پالایشگاه وسایلی ایجادکردند که درموقع لزوم‌بتوان با پرده‌ای از دود تمام سطح پالایشگاه را پوشاند .کمی دورتر از پالایشگاه یك پالایشگاه دروغی از حلبی با شعله های فروزان ساختند که دشمن راگمراه نماید و توپهای ضد هوائی در نقاط مختلف قرار دادند و هواپیما های جنگنده در فرودگاه حاضر ساختند وبطور خلاصه وسایل دفاعی را ازهرلحاظ آماده ساختند.

برای آنکه بتوانند مقادیرزیادی‌بنزین هوا پیما بروسیه حمل کنند کارخانهٔ حلبی‌سازی‌آبادان‌رابسرعت توسعه داده ومحصول‌آنرا دوبرابر کردند . درنقاط مختلف شمال مخازن نفت وبنزین اضافی ساختند تااوتوموبیلهای ارتش متفقین که حامل لوازم ومهمات بروسیه بودند بتوانند مصرف خودرا درهمه‌جا حاضرداشته باشند وخط لوله‌ای هم برای حمل بنزین بین اهواز واندیمشك بهمان منظور کشیدند .



خطوط لوله نفت که بآبادان نفت میرساند

ازسال دوم جنگ که معلوم شد نفت ایران باید مقادیر زیادی فرآورده‌های نفتی را برای متفقین تهیه نماید توسعهٔ عملیات شرکت دوباره آغاز گشت ودولتهای انگلیس وامریکا تصمیم گرفتند که لوازم کاررا بایران ارسال دارند . اولین اقدامی که شد این بود که وسایل استخراج ازمعدن آغاجاری شروع گشت . یك خط لوله‌ای بقطرسی سانتیمتر ونیم ازآغاجاری بآبادان کشیده شد و درسال ۱۹٤٤ بکار افتاد . سال بعد معدن نفت سفید شروع باستخراج کرد . وخط لوله‌ای بقطر بین ۲۵ وسی سانتیمترازمعدن مزبور به نقطه‌ای بین اهواز وشوشتر که موسوم به «ویس» است کشیده شد وبخط لولهٔ بین مسجد سلیمان و آبادان متصل گردید .

درآبادان هم دستگاه های جدید برای تهیهٔ بنزین هواپیما و سایر فرآورده ها آماده وفراهم گشت و گنجایش پالایشگاه آبادان که قبل ازجنك سالی ده ملیون تن بود درسال ۱۹٤۵ بسالی هفده ملیون تن بالغ گشت. احتیاج مبرمی که به بنزین هواپیمائی برای مقاصد جنگی بود ازاین‌جا معلوم می‌شود که درسال ۱۹٤۲ یکی ازمدیران شرکت نفت عازم امریکا گردید که دستگاه‌ها وکارخانه‌های مربوط بآن راخریداری نماید. پس ازآنکه ماشین‌ها ولوازم کار راخریداری کرد وبایران حمل کرد تمام لوازمات مذکور

دراقیانوس اطلس غرق گردید وازمیان رفت. برای باردوم‌وسوم‌نیزهمین‌کار تکرارشد و سه مرتبه کشتیهائی که لوازم‌کارراحمل‌میکردندغرق شدتابالاخره دردفعهٔ‌چهارم‌دستگاه‌های لازم بآبادان حمل‌و بمقصدرسید.

این توسعهٔ‌عملیات متضمن استخدام‌کارکنان جدیدبود وچون درایام‌جنگ‌کارمندان متخصص کمیاب بودند شرکت عده لازم‌راازچاه‌اسلواکی، دانمارك، یونان، سویس، و فلسطین استخدام کرد وبایران‌آورد که باعجلهٔ زیاد برنامه‌جنگی‌را باتمام رسانند ودر همان حال برعدهٔ مستخدمین ایرانی شرکت افزوده گشت.

دراوایل جنگ که بیشترعملیات جدید شرکت متوقف شده بودبرنامهٔ ساختن‌خانه وسایر وسایل رفاه‌کارکنان هم قطع گردیده بود. همینکه برنامهٔ توسعهٔ عملیات برای مقاصد جنگی شروع گشت وبرعدهٔ‌کارکنان شرکت افزوده شد جمعیت‌آبادان روبفزونی گذاشت و قضیهٔ منزل ومسکن بی نهایت مشکل‌گشت و عدم رضایت بین کارکنان ایرانی شرکت‌هم روزبروزتزاید می یافت تا اینکه بالاخره منجرباعتصاب‌عمومی‌شد.

درسالهای‌اخیر بسیارگفته ونوشته‌اندکه ایران درموقع جنگ‌اخیر«پل‌پیروزی» متفقین‌بوده است وبرای‌تأییدمطلب دراختیارداشتن‌راه ترانزیت ایران‌را برای رساندن ملزومات ومهمات بروسیهٔ شوروی شاهدمیآورند ولی متأسفانه دیده نشده‌است که کسی باهمیت واقعی نفت ایران درجنگ گذشته پی برده‌باشد وبطرزشایسته‌ای‌آنرابیان نماید. شاید بیگانگان ازروی عمدتشریح وتفصیل آنراجایزندانسته‌اند وایرانیان هم‌این‌اندازه حاضرنبوده‌اندکه بخود زحمت داده واهمیت‌آن‌رابستایند. بعقیدهٔ نویسنده ارزش نفت ایران درجنگ اخیربرای متفقین اگرزیاد تر ازپل پیروزی نبود مسلماً قدر وقیمت و اهمیت‌آن کمترنبوده است.

همه میدانند که جنگ‌اخیر نبردمکانیزه‌ای‌بود که عامل‌اصلی آن‌نفت‌بودو نفت‌ایران درنبردهای خاورمیانه ـ خاوردور ـ مدیترانه ـ روسیه ـ افریقانقش بزرگی‌را بعهده داشت وپیروزی متفقین بسیاربسیارمدیون ومرهون‌آن‌بود.

آنچه رامن‌شاهد وناظربوده‌ام این‌است که بدون نفت‌ایران‌لوازم ومهمات‌بسرعتی که لازم بود بروسیه نمیرسید و بدون نفت ایران‌کامیابی های متفقین بسهولت انجام نمی‌گرفت. ایرانیانی‌که درموقع جنك درصنعت نفت ایران کارکرده وعامل مؤثری در تحصیل‌کامیابیهای متفقین بودند هیچگاه بخودستائی نپرداخته وزبان بتحسین خود نگشودند ولی متأسفانه ارزش‌کارآنها درپیش هموطنانشان‌هم مکتوم ماند.

بخش چهارم ـ صنعت نفت ایران پس‌ازجنگ

پس از جنگ توسعهٔ زیادی در صنعت نفت ایران صورت گرفت واستخراج نفت بقرارزیربود:

سال ۱۹۴۶	۱۹۱۹۰۰۰۰ تن
سال ۱۹۴۷	۲۰۱۹۵۰۰۰ «
سال ۱۹۴۸	۲۴۸۷۱۰۰۰ «

سال ۱۹۴۹		۲۶۸۰۷۰۰۰ تن
سال ۱۹۵۰		۳۱۷۵۰۰۰۰ »
سال ۱۹۰۱	(ازژاپنویه تاماه اوت)	۱۶۱۷۷۰۰۰ »

وضع صنعت نفت درموقع ملی شدن که شامل توسعه‌ها واضافات پس‌ازجنگ نیز بودبقرارذیل بوده‌است :

درمسجد سلیمان ازسی‌چاه نفت‌بدست میآمد وسالی‌بین سه‌تاپنج میلیون تن‌نفت‌از معدن مزبوراستخراج میگردید. ازابتدای‌کاراین‌معدن که درسال ۱۹۰۸ بودتا۱۹۵۱ که نفت ایران ملی‌شد ۲۸۰ چاه درمسجد سلیمان حفرشده بود . مرکز اداری معادن نفت درمسجد سلیمان بود که دارای‌کارخانهٔ تعمیرات- انبارهای ملزومات - لابراتوارها و تأسیسات تحقیق وبررسیهای علمی- ادارهٔ زمین‌شناسی‌معادن- ادارات مرکزی معادن بود وکاملا مجهز برای این بود که مرکزیت داشته وسایرنقاط را اداره نماید .کارکنان این ناحیه درحدود شش هـزار نفر بودندکه برای عدهٔ زیادی از آنها خانه ومسکن ساخته شده بود وبیمارستان بزرگی درمسجد سلیمان بناشده بود که احتیاجات محل‌را رفع میکرد .

درشمال مسجد سلیمان معدن‌لالی قرارگرفته است‌که رودکارون ازوسط‌آن‌جاری است. قبل ازجنك ودراثنای جنگ استعداد این‌معدن اندازه‌گیری شده ومعلوم شده‌بود منبع مهمی است ولی‌تاپس ازجنگ نفتی‌ازآن استخراج نشده‌بود. درسال ۱۹۴۶ چاهی دراین معدن حفرکرده وبنفت‌رسید وپس ازآن چاههای دیگری نیزحفرشد. خط‌لوله‌ای بقطرهای مختلف‌بین۲۵ سانتیمتر ونیم‌وسی‌سانتیمتر ونیم ازلالی بمسجد سلیمان‌کشیده شدکه معدن لالی رابخطوط لولهٔ مسجدسلیمان‌متصل نماید ودرسال۱۹۳۸ نیم‌ملیون تن نفت ازاین‌نقطه استخراج گردید . درسال ۱۹۵۱ ازچهار چاه این معدن نفت استخراج می‌گردید ومحصول‌آن به ۷۵۰۰۰۰ تن درسال رسیده بود. نفت این معدن عاری از گوگرد ولی قدری سنگین بود وگفته میشدکه پس ازحفر چاههای دیگر محصول‌آن خیلی زیادترخواهدشد .

هفت‌کل در طی چندین سال بزرگترین محصول دهندهٔ معادن ایران محسوب میشد واز بیست وپنج چاه‌آن سالی ده ملیون تن نفت استخراج میگردید . وازموقع کشف آن تاسال ۱۹۵۱ بالغ بریکصد وسی‌میلیون تن نفت ازآن‌استخراج شده‌بود.

استخراج ازمعدن نفت‌سفیدکه درمجاورت هفت‌کل قرارگرفته است درطی‌جنگ شروع گردید ومعدن مزبورسالیانه یك میلیون تن نفت‌میداد. از پازنون نفتی استخراج نمیشد وپس ازجنگ سرچاه‌های‌گازآن بسته‌شد.آغاجاری پس‌ازجنگ با استعدادترین معادن نفت ایران محسوب میشد. ازبیست‌چاه‌آن نفت استخراج میشد ومحصول‌آن‌که در سال ۱۹۴۶ فقط‌چهارملیون تن‌بود درسال ۱۹۵۱ به پانزده ملیون ونیم‌تن‌بالغ گشته‌بود. سه خط لوله ازآغا جاری‌شروع میشدکه یکی‌بآبادان رفته ودوخط دیگرببندر معشور منتهی‌میگردد. قطرخط‌آبادان سی‌سانمترونیم وقطردوخط معشور یکی‌سی‌سانتیمترونیم ودیگری۵۶ سانتیمتراست.معدن‌آغاجاری مجهز به‌کاملترین وسایل‌میباشد و کوشش‌بسیار

شده‌است که‌همهٔ وسایل‌جدید در آن‌موجود باشد. عدهٔ کارگران و کارمندان آن‌از سایر معادن باستثنای‌مسجد سلیمان زیادتر ووسایل آسایش آنها کاملتر است.

پس ازجنگ توسعهٔ زیادی در ناحیهٔ گچساران داده نشد ومحصول آن که‌ازسه‌چاه بدست میآید ازدوملیون تن درسال‌تجاوز نکرده است در صورتی که استعداد آن خیلی زیاد است.

درطی جنگ‌وپس‌ازجنگ توسعهٔ زیادی در بندرمعشورمشهود گشت واین‌بندر که بدریاوصل وعمق‌آب‌آن زیاداست اکنون مجهز برای‌بارگیری کشتیهای بزرگ‌میباشد. طول کلیهٔ خطوط لولهٔ نفت درحدودسه‌هزار ودویست کیلومترمیباشد که معادن رابندر معشور و آبادان متصل مینماید.

در تمام معادن‌کارخانه‌های‌برق ایجاد گشته وازنزدیکترین رودخانه‌آب برای‌معادن مزبور تهیه شده‌است وراه شوسه بتمام معادن ساخته شده و برای رفت وآمد اتومبیل های باری وسواری‌آماده است. راه بین‌بندرمعشور وآبادان درموقع ملی‌شدن‌نیمه‌تمام بود ولی اکنون ساخته‌شده‌است بین‌آغاجاری وبندرمعشور راه‌آهن کوچکی ایجاد شده که لوازم معدن مزبوررا حمل‌مینماید ولی‌راه‌آهن بین‌درخزینه ومسجد سلیمان برچیده شده است.

ظرفیت پالایشگاه‌آبادان درسال ۱۹۴۷ به‌هفده ملیون‌تن بالغ گشت ودوسال‌بعد به۲۳۲۵۰۰۰۰ تن‌رسید ودرسال ۱۹۵۰ ازبیست وچهارملیون درسال‌هم تجاوز کرد. فرآورده‌های نفتی که‌آبادان تهیه میکرد ازانواع مختلف‌بود که ازبنزین هواپیما گرفته تااسفالت راشامل‌بود. امروز پالایشگاه‌آبادان‌بزرگترین پالایشگاه نفت جهان میباشد ومساحت‌آن‌باستثنای‌اراضی که‌اختصاص به‌مخازن‌نفت‌وخانه‌های‌مسکونی‌دارد بالغ بر۱۶۲ هکتار است. در سال ۱۹۵۱ دستگاه عظیم تصفیه موسوم به «کاتالیتیك»[۱] که چهار سال ساختن‌آن بطول انجامید بکار افتاد ودستگاه روغن موتور هم حاضر برای‌کار شده بود.

بخش پنجم - وضع مالی شرکت نفت بریتانیا درمدت امتیاز آن در ایران

تاکنون دیده نشده‌است که دربارهٔ وضع‌مالی شرکت نفت بریتانیا (شرکت نفت ایران وانگلیس) مطالب مشروحی بزبان فارسی منتشرشده باشد و برای آنکه معلوم شود شرکت مزبور در نتیجهٔ امتیازی که در ایران بدست‌آورد و قریب به چهل سال ازآن بهره‌مند گردید چه فوایدی برده‌است بی‌مناسبت نیست که مختصری‌هم دراین‌باره ذکر گردد.

---

۱) Catalytic که چگونگی دستگاه مزبوردرفصل‌دوم شرح‌داده شده است

قبل ازشروع باین مطلب توضیح‌مختصری درباب انواع‌سهام شرکت مزبورلازم میآید که بقرار زیراست :

۱ـ سهام عادی یامتعارفی[۱] شرکت سهامی‌است که صاحبان سهام خریداری کرده ودرشرکت شریك می‌شوند . سودآنها هرسال به پیشنهاد هیئت مدیره درمجمع عمومی تصویب شده و پرداخته میشود وسود مزبور متغیر وبه تناسب درآمد شرکت کم وزیاد میگردد .

۲ـ سهام مرجح[۲] (که بعضی آنرا بغلط سهام ممتازه ترجمه کرده‌اند) عبارت از سهامی است که سود سالیانهٔ آن معلوم‌میباشد ودرصورتی که تصمیم‌بانحلال‌شرکت گرفته شود دارندگان چنین سهامی ازحیث وصول سرمایهٔ‌خودبردارندگان‌سهام عادی اولویت دارند وچون سود سالیانهٔ سهام مرجح معین میباشد در حقیقت دارندگان چنین سهامی درکلیهٔ درآمدشرکت واردنیستند.ازحیث‌رأی‌هم‌بطورکلی‌صاحبان‌سهام‌مرجح‌ازدارندگان سهام‌عادی رأی کمتری‌دارند مثلاً دارندگان‌سهام‌مرجح شرکت‌نفت بریتانیا ده یك‌رأی صاحبان سهام عادی را دارند بدین معنی که اگر هرسهم عادی یك رأی داشته باشد ده‌سهم‌مرجح هم‌یك‌رأی‌دارا میباشد .

۳ـ سهام وامی[۳] اوراق واسنادی است که شرکتها منتشرکرده و با سود معینی از مردم وام میگیرند و پس‌از مدت معینی هم که در اوراق ذکر شده وام مزبور باید مسترد شود .

درفصل پیش وضع مالی شرکت درسال ۱۹۱٤ شرح داده‌شد. پس‌از جنگ‌اول جهانی شرکت برای توسعهٔ کار خود محتاج بسرمایهٔ بیشتری بود ولذا در سال ۱۹۱۹ سرمایهٔ شرکت به بیست ملیون لیره افزایش یافت و سهام جدید بتدریج تاسال ۱۹۲۳ منتشر گردید.ازسال۱۹۲۳ ببعدشرکت‌دیگراحتیاجی‌پیدانکرد که‌سهام‌عادی‌یامرجح‌منتشر کند وقسمت عمدهٔ سرمایه‌ای که برای‌توسعهٔ عملیات بعدی لازم شد از منافعی که بدست آمده بود تأمین میگردید بین‌سال۱۹۰۵ وسال۱۹۳۲ درآمدخالص‌شرکت۱۷۱ ملیون‌لیره بوده و حق‌الامتیاز پرداخت شده بدولت ایران درهمان مدت از یازده‌ملیون‌لیره تجاوز نکرد. اگر حق‌الامتیاز دولت را هم بمیزان صدی شانزده طبق‌مقررات امتیازدارسی حساب کنیم پرداختی بدولت ایران باید در حدود ۲۷ ملیون لیره باشد ولی شرکت همیشه مدعی بود که همهٔ عواید آن از نفت ایران حاصل نمیشده و از حمل و نقل نفت وکشتیرانی و غیره درآمد های دیگری داشته است که ایران درآن‌سهیم نبوده است .

در این‌جا لازم نیست که بیلان سالیانهٔ شرکت‌را در ادوار مختلف تجزیه‌وتحلیل نمائیم زیرا ذکر ارقام خشك چندان‌سودمند نیست وعلاوه براین لازم میآید که‌ذکری هم از تمام شرکتهای تابعه بنمائیم که ازگنجایش این فصل خارج است. همین‌قدر کافی است گفته شود که امروز شرکت نفت بریتانیا (شرکت سابق نفت ایران وانگلیس) دارای شرکتهای تابعهٔ متعددی است کـه سرمایهٔ بعضی از آنها تماماً در دست شرکت

---

۱ Ordinary Shares ۲ Preference Shares ۳ Debenture

مادری است ودر بعضی دیگر اکثریت سهام متعلق بآن است. آخرین بیلان شرکت که مربوط به عملکرد سال ۱۹۵٤ است حاکی از این میباشد کـه مجموع اقلام دارائی شرکت از سیصدوپنجاه‌وپنج ملیون لیره هم متجاوز است که چهل‌وسه ملیون‌لیره آن‌قلم ذخیره‌بوده وقریب هفتاد ملیون‌لیره‌هم وجه‌نقدبوده است که شرکت‌در بانکهاداشته است .

البته باید اضافه کرد که اقلام دارائی شرکت تاحدی که‌مربوط بصرف‌وجوه برای ایجاد مؤسسات بوده عبارت از پولهائی است که شرکت طبق دفاتر خودبرای‌مؤسسات خرج کرده ولی امروز ارزش مؤسسات مزبور خیلی بیش از آنی است که دربیلان‌ذکر شده‌است .

نکته‌ای که برای خوانندگان‌سودمند خواهدبود این‌است که صاحبان‌سهام شرکت نفت بریتانیا چـه مبلغ پولی در این مؤسسه از ابتدای امر گذاشته و چگونه سرمایه مزبور پنجاه برابر شده است وارقام زیر این مطلب را آشکار میسازد :

کلیه سهام عادی شرکت که تا این تاریخ منتشر شده است

در سال ۱۹۰۹ ۱۰۰۰۰۰۰ سهم یك لیره‌ای منتشر شدکه ۹۷۰۰۰۰آنرا شرکت نفت برمه خریداری کرد .

درسال ۱۹۱٤ ۲۰۰۰۰۰۰ سهم یك‌لیره‌ای منتشر شدکه دولت انگلستان خریداری کرد .

در سال ۱۹۱۹ ۳۰۰۰۰۰۰ سهم یك‌لیره‌ای منتشر شدکه دولت انگلستان خریداری کرد .

در سال ۱۹۱۹ ۱۵۰۰۰۰۰ سهم یك‌لیره‌ای منتشر شدکه شرکت‌نفت‌برمه و بانو استراتکونا خریداری کردند .

در سال ۱۹۲۲ ٦۰۰۰۰۰ سهم یك لیره‌ای منتشر شدکه از قرار هر سهم سه‌لیره وپنج شیلینك بمردم فروخته شد .

درسال ۱۹۲۳ ۸۵۰۰۰۰ سهم یك‌لیره‌ای منتشر شدکه ازقرار هرسهم سه لیره وپانزده شیلینگ بمردم فروخته شد .

مجموع‌سهام‌عادی که‌دارندگان‌پول‌داده‌وخریده‌اند۸۹۵۰۰۰۰سهام‌یك‌لیره‌ای‌است.

درسال ۱۹۲٦ قسمتی از ذخیرهٔ شرکت تبدیل بسهام شدکه بهر دارندهٔ دوسهم عادی یك سهم عادی مجانی داده شد یعنی ٤٤۷۵۰۰۰ سهام یك‌لیره‌ای

ونیز درسال ۱۹۳۷ قسمتی از ذخیرهٔ شرکت تبدیل بسهام شد وبهردارندهٔ دو سهم عادی یك‌سهم مجانی داده شد. یعنی ٦۷۱۲۵۰۰سهام یك‌لیره‌ای

ودر سال ۱۹۵٤ بـاز قسمتی از ذخیرهٔ شرکت تبدیل بسهام شد و بهر دارندهٔ یك‌سهم عادی چهار سهم مجانی داده شد۱ یعنی ۸۰۵۵۰۰۰۰ سهام یك لیره‌ای

جمع کل سهام عادی شرکت۱۰۰٦۸۷۵۰۰ سهام یك لیره‌ای

---

(۱) چهارسهم مجانی پس‌ازامضای قرارداد بین‌دولت ایران وکنسرسیوم منتشر وتقسیم‌گشت

مجموع سهام مرجح شرکت که منتشر شده همان است که درسابق بوده و تغییری نکرده است که عبارت میباشد از ۱۲۷۰٦۲۵۲ سهم یك لیره‌ای و سهام وامی هم که شرکت منتشر کرده بیست‌ملیون لیره ازقرار سود سالیانه صدی‌پنج است.

از ارقام فوق آشکار میگردد که دارندگان سهام‌عادی شرکت‌نفت بریتانیا بهای هفت ملیون وپانصد هزار سهم یك‌لیره‌ای را ازقرار هرسهم یك‌لیره پرداخته و بهای ۱٤۵۰۰۰۰ سهم یك‌لیره‌ای را هم ۵۱۳۷۵۰۰ لیره پرداخته وجمعاً برای ۸۹۵۰۰۰۰ سهم یك‌لیره‌ای شرکت ۱۲٦۳۷۵۰۰ لیره پرداخته‌اند وامروز (مرداد۱۳۳٤) دارای ۱۰۰٦۸۷۵۰۰ سهم یك لیره ای هستند که بهای هر سهم در بورس لندن قریب به‌شش‌لیره است.

در حال حاضر دارندگان سهام عادی شرکت بقرارزیر هستند:

دولت انگلیس	۵٦۲۵۰۰۰۰ سهم
شرکت نفت برمه	۲٦۷۱٤۹۲۵ »
مردم	۱۷۷۲۲۵۷۵ »
جمع سهام عادی شرکت که منتشر گشته است	۱۰۰٦۸۷۵۰۰ »

علاوه برسهام عادی سهام زیررا نیز شرکت منتشر کرده و فروخته‌است:

سهم مرجح یك‌لیره که سود سالیانه آن هشت درصد میباشد ۷۲۳۲۸۳۸ سهم

سهم مرجح یك لیره که سود سالیانه آن پنج در صد میباشد ۵٤۷۳٤۱٤ سهم

سهم وام یك لیره که سود سالیانه آن پنج در صد میباشد ۲۰۰۰۰۰۰۰سهم

البته نمیتوان گفت که تمام دارائی گزاف شرکت بریتانیا از نفت ایران بدست آمده است و دارندگان سهام عادی که بالغ بر دوازده ملیون و نیم پول نقد داده و امروز سرمایه‌ای که گذاشته اند در بورس لندن ارزش ششصد وپنجاه‌ملیون لیره‌را پیدا کرده تمامش مرهون نفت ایران است ولی از روی کمال حقیقت وانصاف‌میتوان گفت که اگر نفت ایران نبود و شرکت مزبور در بیست سال اول تأسیس خود عواید سرشاری از آن نبرده بود دستگاه عظیم بعدی که عبارت باشد ازکشتیهای متعدد ووسایل‌فروش وپالایشگاه‌های مختلف رانمیتوانست ایجاد نماید تااینکه‌امروز درزمرهٔ یکی‌ازبزرگترین‌شرکتهای‌نفتی‌جهان قرار گیرد. دارندگان‌سهام‌عادی شرکت علاوه از اینکه سرمایهٔ خودرا پنجاه برابر کرده‌اند هرسال سودی‌هم عایدشان گشته شده‌است که درارقام فوق‌ذکری ازآن نشده‌است.

فصل هشتم

بخش نخستین = نفت شمال

بخش دوم = امتیاز نفت بشرکت امیرانین

بخش سوم = قرارداد اکتشاف واستخراج معادن
با شرکت هلاندی

بخش چهارم = نفت سمنان

فصل هشتم

بخش نخستین - نفت شمال

اولین امتیازی که دربارهٔ نفت شمال داده شد فرمانی بود که درماه شعبان ۱۳۱۳ قمری هجری (بهمن ۱۲۷٤ شمسی) بامضای ناصرالدین شاه رسید. بموجب آن فرمان اجازهٔ استخراج نفت درمحال ثلاثهٔ تنکابن و کجور و کلارستاق(مازندران) به‌محمدولیخان خلعت بری (که درآن‌ایام لقب نصرالسلطنه‌را داشت و بعدها القاب سپهدار وسپهسالار اعظم باو داده شد) واگذار گردید. نویسنده کوشش بسیار نمود که رونوشتی ازین فرمان بدست‌آورد تادرین کتاب منتشر گردد ولی‌متأسفانه دربایگانیهای وزارت‌دارائی ووزارت امورخارجه‌نسخه‌ای ازآن‌یافت‌نشد وبمستوفیان قدیم‌هم که ثبت وضبط فرمانها را دارند مراجعه‌گردید وآنهاهم نسخه‌ای ازآن را نیافتند. اصل این فرمان‌گویا در تصرف شرکت نفت بریتانیا (شرکت سابق نفت ایران وانگلیس) باشد. چنانکه داستان آن خواهدآمد.

یکنفرماجراجو ازاهل‌گرجستان بنام‌خوشتایار[۱] که‌تبعهٔ روسیهٔ‌تزاری بود ازسال ۱۹۰۱ میلادی در تهران پیدا شد و ادعاهای بسیاری را عنوان‌میکرد. ازطرفی خودرا رفیق و دوست سازانوف[۲] وزیر خارجهٔ روسیهٔ تزار معرفی میکرد و از طرف دیگر خود را عاشق و شیفتهٔ ایران و ایرانیان مینامید. شغل معینی نداشت ولی‌گاه خود را بازرگان وسرمایه دار و گاه داوطلب امتیازات و گاهی هم دلال سیاست معرفی‌میکرد. باغالب رجال واشراف ایران طرح دوستی ریخته و سعی داشت بوسیلهٔ آنها امتیازاتی درایران بدست‌آورد. یکی از دوستان او محمد ولیخان خلعتبری بود که باو گفته بود فرمانی ازشاه برای استخراج نفت محال ثلاث مازندران دارد وخوشتاریا بفکرافتاد که فرمان مزبوررا بدست‌آورد.

درتاریخ ۲۷ ژانویه ۱۹۱٦ (مطابق باششم بهمن ۱۲۹٤ شمسی) قراردادی بین محمد ولیخان خلعتبری وخوشتاریامنعقد گردید که‌نسخه‌ای ازآن دروزارت‌امور خارجه موجود ومتن‌آن بقرار زیراست. از سیاق عبارت معلوم است که متن فارسی ترجمه‌ای اززبان‌روسی‌میباشد واینك بدون هیچگونه اصلاح عبارت‌عین آن‌درزیر نقل‌می گردد :ـ

قرارداد فیمابین حضرت اشرف سپهسالار اعظم و آقای خشداریا کمپانی

مادهٔ اولـ من‌سپهسالاراعظم نظر بمندرجات‌فرمان پادشاهی مورخهٔ شعبان۱۳۱۳ که بموجب‌آن امتیاز معادن نفط محال ثلاثه تنکابن و کجور و کلارستاق بمن داده شده

---

(۱) Akaky Mededievitch Khoshtaria (۲) Sazonof

است اظهارمیدارم و کمپانی خشداریا را مأمورمینمایم که تمام اقدامات لازمه را برای اجرای امتیاز مذکور بعمل آورد. برای این مقصود و بجهت اینکه امور راجعه بانکشاف وحفرمعادن آسان شود اظهارمیدارم که امتیازمذکور باتمام حقوق راجعه بآن ازتاریخ حال تانودونه سال بکمپانی خشداریا واگذارمینمایم واصل فرمان مذکورهم که بمهر و امضای اعلیحضرت مرحوم ناصرالدین شاه ممهور و ممضی و بمهر وزرای اعلیحضرتی نیزممهوراست ازجمله مهرمرحوم مجدالدوله وزیرعلوم ومعادن‌است. این نکته را هم اظهارمیدارم که از تاریخ این ورقه در تمام مدت مسئولیت اجرای فرمان مذکوربعهدهٔ کمپانی خشداریا یاذوی‌الحقوق او خواهد بود.

مادهٔ دوم ـ من کمپانی خشداریا حق دارم تجسسات لازمه در معادن نفط در مدت یکسال ازتاریخ آخرین جنگ وصلح دولت روسیه باسایردول متخاصم بجابیاورم.

مادهٔ سوم ـ من خشداریای کمپانی متعهد هستم در صورتیکه پیدا نمایم برای خودیم یك استخراج معادن نفت درمدت معین شده نظر بمادهٔ دوم تقدیم نمایم بحضرت اشرف پنجاه هزارمنات بدون عوض همچنین تقدیم نمایم صدهزارمنات ازقرارپوطی بنابمادهٔ پنجم این‌قرارداد. درین‌صورت مبلغ صدهزارمنات پرداخته خواهدشدو بعداً ازقرار کسر خواهد شد.

مادهٔ چهارم ـ اگر تامدت آخر وعده یعنی درمدت یکسال از روز قرارداد صلح دولت روسیه با سایر دول متخاصم از عهده برنیایم من نخواهم پرداخت شرایط استخراج معادن نفط را که پنجاه هزارمنات بدون عوض وصد هزارمنات ازبابت حساب پوطی باشد وآنوقت من خشداریا کمپانی تمام اختیارات خودرا ازدست میدهم یعنی آنچه درین قرارداد بمن واگذارشده است.

مادهٔ پنجم ـ برای انجام این‌کارها که من پیدا کنم یك استخراج نفطی متعهد هستم بدهم بحضرت اشرف ازهرپوطی یك کوپیك تازمانیکه نفط حاصل میشود درمحل اطراف این امتیاز بارعایت مادهٔ سوم این قراردادکه ازبابت صد هزار منات مساعده محسوب خواهد شد.

مادهٔ ششم ـ تمام حقوق دراین امتیازکه در شعبان هزار و سیصد و سیزده اعلیحضرت مرحوم ناصرالدین شاه واگذارکرده است بمن هم چنین خشداریای کمپانی آزاد است واگذارکند بیك نفر یایك تجارتخانه که دارای اوراق سهام باشد درین صورت قبول کننده این امتیاز بعهده میگیرد تمام شرایط این قرارداد را وهم چنین قرارداد پوطی که منفعت حضرت اشرف تقدیم‌میشود وهمچنین تمام موازین قراردادرا.

مادهٔ هفتم ـ درتمام اطراف که‌میشودنفط استخراج کرد من که سپهسالاراعظم هستم حق دارم اینکه نگاه دارم یکنفر نماینده برای مواظبت مقدار نفط استخراج‌شده در هرصورت نماینده حق مداخله در امورات داخلی این اداره ندارد بجزاینکه ناظر دراستخراج نفط باشد.

مادهٔ هشتم ـ نه من سپهسالار اعظم و نه اشخاصیکه ازطرف بآنها امتیاز واگذارمیشود بهیچوجه نمی‌توانندنقض کند این‌امتیازرا وتعیین بدهند وخشداریای کمپانی

یا اشخاصی که امتیاز ازطرف من بآنها واگذار شده کاملا ومرتباً بایست انجام بدهیم مواد این قرارداد را .

مادهٔ نهم ـ موعد این قرارداد معین میشود درمدت نود ونه سال باهمین قرارداد حق تجدید خواهند داشت .

مادهٔ دهم ـ تمام مذاکرات در باب این قرارداد حل میشود درمحکمه نه نفری که طرفین نمایند حکمیت محکمه سه نفری حکمیت خواهد داشت برای طرفین .

پنجم ربیع الثانی مطابق با۲۷ یانوار ۱۹۱٦ ـ امضا محمد ولی سپهسالاراعظم تمبر ثبت بمهر دولتی برسد منشورالملك مدیرکل ـ دردفتر ثبت اسناد وزارتخارجه در تحت نمرهٔ ۳۰ ثبت گردید . مورخهٔ هفتم حوت توشقان ئیل ۱۳۳٤ مطابق ۲۷ فوریه ۱۹۱٦ .

☆☆☆

سیاق عبارت قرارداد نشان میدهد که مترجم قرارداد فوق خارجی بوده و باحتمال قوی طرفین قراردادسعی داشته اند که قراردادرا برای مدتی مکتوم نگاهدارند وپس ازیکماه آنرا دروزارت خارجهٔ ایران به ثبت رسانده اند .

درهمان سال ۹۱٦ محمد ولیخان خلعتبری نخست وزیر ووثوق الدوله وزیرخارجه بود ودرغیاب مجلس شورای ملی دولت وقت تحت فشار دولت تزاری روس که ارتش آن سرتاسرشمال ایران را اشغال کرده بود امتیازی به خوشتاریا برای استخراخ نفت شمال داد که متن آن تاکنون (تاحدی که نویسنده اطلاع دارد) منتشرنشده و بقرار زیر است :

امتیاز استخراج نفت وموم طبیعی معدنی

مابین وزیرامورخارجه دولت شاهنشاهی بامردولت ازیکطرف و مسیو اکاکی- مدد یوبچ خوشتاریا از طرف دیگر (من بعد برای تسهیل بجای اسم خوشتاریا صاحب امتیاز نوشته میشود) درخصوص تفتیش واستخراج نفت مواد ذیل مقرر گردید .

مادهٔ اول ـ دولت اعلیحضرت شاهنشاهی ایران بموجب امتیازنامه حق انحصار کشف واستخراج نفت وگازطبیعی وقیر وموم طبیعی را درحوزهٔ ایالات گیلان ومازندران و استراباد در مدت هفتاد سال بصاحب امتیاز مرحمت و اعطاء میفرمایند (محال و نقاطی که بموجب فرمان همایونی مورخ شعبان ۱۳۱۳ بآقای محمد ولیخان سپهسالار اعظم واگذار شده بکلی ازین امتیاز خارج است) ابتداء از تاریخ امضای امتیاز تامدت هفتادسال این تفتیش واستخراج درایالات مذکورهحق صاحب امتیازخواهد بود.

مادهٔ دوم ـ دولت اعلیحضرت شاهنشاهی ایران بصاحب امتیاز اجازه میدهد که هروقت میخواهد شرکتی تأسیس نماید اسامی ونظامنامه و سرمایهٔ آن شرکت بتوسط صاحب امتیاز معین میشود مشروط برآنکه در ایجاد شرکت صاحب امتیاز باید رسماً بوزارت فوائد عامهٔ دولت علیه اطلاع داده وهمینطور نظامنامه آن شرکت را باتعیین محلی که شرکت مزبور باید درآن نقاط عملیات نمایداظهاردارد ومدیران آن شرکت را

باید بوزارت فوائد عامه معرفی نماید دراینصورت البته آن شرکت تمام حقوق امتیازرا دارا خواهد بود ومقرر است که آن شرکت باید تعهدا و مسئولیت صاحب امتیاز را عهده کند .

مادهٔ سوم - صاحب امتیاز حق دارد که بنای چاههای نفت و حوضها و انبارها ومحل تلمبه ومواقع جمع وتقسیم وتأسیس کارخانه و راههای لازمه و ابنیه و هرچه که لازمهٔ دائرداشتن استخراج وحمل ونقل نفت است بنماید .

مادهٔ چهارم - دولت علیهٔ ایران اراضی بائره (غیر ازجنگل که جزو اراضی دائره محسوب میشود) خود را درمحلهائیکه مهندسین صاحب‌امتیاز بجهة بنا وتأسیس عملیات مذکوره درمادهٔ سوم لازم بداند مجاناً بصاحب امتیاز واگذار خواهند فرمود واگرآن اراضی دائر باشد صاحب امتیاز باید اراضی لازمه را بقیمت عادله از اولیای دولت‌علیه خریداری کند ودولت علیه بصاحب امتیازحق میدهد که اراضی واملاك لازمه را بجهت اجراء این امتیاز برضایت از صاحبان ابتیاع یا اجاره کند مشروط برآنکه هیچوقت قیمت اراضی واملاك ازقیمت‌عادلانه اراضی واقعه درحول وحوش تجاوز ننماید. مسلم است که این خریداری موافق مواد شرایطی خواهد بود که مابین صاحب امتیاز ومالکین مقررخواهد شد .

توضیح - مقرراست که اماکن‌مشرفه ومساجد وجمیع‌متعلقات‌بآنها بمحیط دائرهٔ که شعاع‌آن دویست زرع باشد ازحوزهٔ عملیات مجزی ومستثنی است .

مادهٔ پنجم - صاحب‌امتیاز متعهد است درموقع کشف و استخراج هرچشمه نفت وزارت‌فوائد عامه‌را بموجب راپرت مخصوص مطلع ساخته ودونسخه نقشه (که‌حداقل‌آن بمقیاس یکده هزارم باشد) ازاراضی ومحالی که میخواهد درآنها استخراج نفت نماید براپرت‌خود منضم‌نماید. هرگاه صاحب امتیاز استخراج نفت را مفید بحال‌خود دانست یکصدهزارمنات نقدویکصدهزارمنات‌بلیط‌اکسیون‌بدون حق‌استرداد بایدبوزارت فوائد عامه بدهد واین تقدیمی بنحو مذکور یکدفعه خواهد بود .

مادهٔ ششم - صاحب‌امتیاز متعهد است که هرساله ازمنافع خالص صدی شانزده بایك صورت بیلان بدولت علیهٔ ایران تقدیم دارد .

مادهٔ هفتم - دولت علیهٔ ایران حق دارد در هرموقعی که مقتضی بداند برای حفظ حقوق خود و اطمینان ازاینکه صاحب امتیاز مواد فوق‌الذکر را اجراء بنماید تفتیشات لازمه درکتابچه ودفاترتجارتی‌صاحب‌امتیاز راجع به نفت وسایرمواد مذکوره بنماید ونیز یکنفر کمیسر برای اینکارمعین خواهد شد که طرف شورصاحب امتیاز بوده ومحض خیر این تأسیس هرگونه اطلاعات مفیده داشته باشد بصاحب‌امتیازداده همه نوع راهنمائی نماید ومحض حفظ حقوق دولت متفقاً باصاحب امتیاز هرگونه تفتیشی که مفید بداند بعمل آورد . صاحب امتیاز همه ساله از تاریخ شروع بعمل سالی ششهزار منات به کمیسردولتی حق خواهد داد .

مادهٔ هشتم - کلیهٔ عمله و اجزائی که درتأسیس و بنا های فوق مشغول عملیات می‌شوند باید ازاتباع ایران و رعایای اعلیحضرت شاهنشاهی دولت علیه باشد باستثناء اعضاء واجزای علمی وفنی .

مادهٔ نهم - تمام اسباب وماشین‌آلات لازمه برای تفتیش وتأسیس وایجاد ودائر نمودن و بسط آنها که برای صاحب‌امتیاز لازم گردد ازحقوق گمرکی معاف خواهد بود .

مادهٔ دهم - پس ازانقضای مدت مقرره درین امتیاز کلیهٔ اسباب وماشین‌آلات وابنیه وساختمان متعلق بآنها ازمنقول وغیرمنقول وکلیهٔ چاهها وچشمه های نفت بالکلیه بدون استثناء متعلق بدولت علیهٔ ایران خواهد بود . صاحب‌امتیاز وشرکاء ایشان بهیچوجه حق اعتراض وخسارت نخواهند داشت .

مادهٔ یازدهم - اگر درمدت پنج سال ازتاریخ این امتیازشروع بعملیات نشود این‌امتیاز ازدرجهٔ اعتبار بکلی ساقط است .

مادهٔ‌دوازدهم — منازعات طرفین درخصوص اجرای مواد وشرایط امتیاز را بدین نحو قطع خواهند کرد که یکنفر ازطرف وزارت فوائد عامه و یکنفر از طرف صاحب‌امتیاز معین خواهد شد درصورتیکه مابه‌النزاع بحکمیت دو نفری قطع نشد آن دو حاکم مصوبهٔ طرفین برضایت هم ثالثی را معین میکنند که درآن موضوع محل‌نزاع حکم وقطع وفصل نماید.

در طهران بدو نسخه نوشته شد - شهر جمادی الاولی توشقان ئیل ۱۳۳٤ - امضا - وثوق‌الدوله وزیرخارجه

☆☆☆

بر همه کس‌واضح بود که امتیاز فوق با تهدید وفشار بدست‌آمده‌بود وهیچ‌ارزش قانونی نداشت چنانکه اولین اقدام کابینهٔ بعد که‌بریاست صمصام‌السلطنه روی‌کارآمد این بود که امتیاز خوشتاریا را لغو و از درجهٔ اعتبار ساقط بداند . باین‌هم اکتفا نکرده دولت ایران بسفارت روس و سایر سفارتخانه های خارجی مقیم تهران اعلام نمود که امتیاز مزبور لغو میباشد وبخود خوشتاریا هم این نکته را مؤکداً اطلاع‌داد.خوشتاریا امتیاز نفت‌شمال را با ارعاب وتهدید وفشار سفارت‌تزاری روس تحصیل کرده‌وامیدوار بود که باهمان قوه آنرا اجرانماید ولی‌همینکه انقلاب روسیه شروع گشت‌وزمامداران شوروی اعلام داشتند که امتیازات غیرمشروع که در عهد تزار باعنف و جبر ازایران گرفته شده ملغی است خوشتاریا راه اروپا را پیش‌گرفته وکوشش نمود که خریداری برای این امتیاز بی‌اعتبار پیدا کند . ابتدا با شرکت رویال‌دچ هلندی داخل مذاکره شد و پس‌از آنکه شرکت مزبور بدولت‌ایران مراجعه کرد و دریافت که‌امتیازخوشتاریا اعتباری ندارد از معاملهٔ بااو صرف‌نظر کرد. سپس خوشتاریا بپاریس رفته‌وبشرکت‌های فرانسوی مراجعه کرد. آنها هم از دولت ایران دربارهٔ چگونگی‌امتیاز استفسار نموده وهمان جواب را شنیدند. بالاخره خوشتاریا بلندن رفته و با شرکت‌نفت بریتانیا (شرکت سابق نفت ایران وانگلیس) داخل مذاکره گشت .

خوشتاریا بشرکت مزبور گفته بود که امتیاز اورا یك دولت قانونی‌امضا کرده و اگرهم لازم باشد میتوان بسهولت آنرا بتصویب مجلس رساند و علاوه برین رئیس دولتی که امتیاز را امضا کرده(یعنی‌سپهسالار) فرمانی مانند امتیاز دارسی ازشاه داشته و سه نقطهٔ مهم امتیاز را که عبارت از محال ثلاث مازندران باشد باو واگذار کرده

است . خلاصه خوشتاریا با زبان چرب ونرم خود اولیای شرکت را بطمع انداخت که با او معامله‌ای بکنند .

درآن موقع نفوذ روسیهٔ تزاری در ایران ازبین رفته وقفقاز خودرا از روسیه جدا شناخته و دولتهای آذربایجان وگرجستان وارمنستان استقلال خود را اعلان کرده بودند . ارتش انگلیس قسمتی از ایرانرا اشغال واز راه ایران‌نیروئی بقفقاز فرستاده بود ودر ایران هم نفوذ انگلستان باندازه‌ای پیشرفت کرده بود که دولت دست نشاندهٔ انگلستان بریاست وثوق‌الدوله زمام اموررا دردست داشت. انگلیسها در چنین وضعی حاضر شدند که با خوشتاریا معامله کرده وامتیاز اورا خریداری کنند لذا شرکت نفت امتیاز بی‌اعتباری اورا بانضمام فرمان سپهسالار خلعت‌بری و قراردادی که دربارهٔ آن منعقد کرده بود در ازای یکصد هزار لیره نقد ووعدهٔ پرداخت مبلغ بیشتری در آینده خریداری کرد و چندی بعد یعنی در ماه مه ۱۹۲۰ شرکت نفت ایران و انگلیس شرکت تابعه‌ای بنام « شرکت‌نفتهای‌شمال ایران » [۱] با سرمایهٔ سه‌ملیون‌لیره‌تشکیل ودر لندن به ثبت رساند. مدیران شرکت مزبور عبارت بودند از سرچارلز گرینوی[۲] رئیس هیئت‌مدیرهٔ شرکت‌نفت ایران وانگلیس ودونفر دیگر ازمدیران‌شرکت مزبور- رابرت واتسن[۳] یکی از مدیران شرکت نفت برمه — خوشتاریا - و یکنفر دیگر بنام ژاکلی[۴] .

همینکه خبر این معامله منتشر گشت دولت ایران که درآنوقت ریاستش با حسن پیرنیا (مشیرالدوله) بود یادداشت رسمی بسفارت انگلیس در تهران ارسال و متذکر گردید که امتیاز خوشتاریا با فشار و جبر تحصیل شده وچون بتصویب‌مجلس نرسیده‌از اعتبار ساقط است. همان موقع دولت امریکا هم بدولت انگلستان اعتراض نموده و اظهار داشت معامله‌ایرا که شرکت نفت باخوشتاریا کرده است بمنزلهٔ ایجاد انحصار استخراج نفت برای شرکت مزبور میباشد و این عمل مخالف با اصل « درگشوده » میباشد که بموجب آن همهٔ کشور ها باید مجاز بتحصیل چنین امتیازاتی باشند و هیچ کشوری نباید منابع نفت کشور دیگررا درانحصارکامل خود درآورد .

درآن ایام رقابت شدیدی بین امریکا وانگلیس برسر تحصیل امتیازات نفت در غالب کشورها درجریان بود . دولت امریکا هواخواه اصل «درگشوده» بوده و حقی برای اتباع خود میخواست درحالیکه انگلیسها سعی داشتند بهرنحوی هست امتیازاتی بدست‌آورده واز دخالت امریکائیها جلوگیری نمایند. کشمکش‌بین این دو کشور پس‌از چند سال به توفیق امریکائیان خاتمه یافت چنانکه شرح آن در فصل دیگر این کتاب ذکر شده است .

توأم با اعتراضی که امریکا بانگلستان نمود دولت امریکا از دولت‌ایران راجع بچگونگی امتیاز خوشتاریا استفسار نمود ووزیرمختار ایران در واشنگتن (حسین علا) اعلامیه‌ای صادر کرد ودر آن گفت که شرکت‌نفت ایران و انگلیس کوشش میکنند

---

(۱) The North Persian Oils Co. (۲) Sir Charles Greenway (۳) Robert I.Watson

(۴) C.I. Djakelly

که امتیاز نفت را درپنج ایالت شمالی ایران بدست‌آورد ولی دولت‌ایران ترجیح‌میدهد که امتیاز مزبوررا باتباع امریکا بدهد.

درکتابی موسوم به «روابط خارجی‌امریکا درسال ۱۹۲۰»[۱] که‌درسال۱۹۳۶ ازطرف وزارت خارجهٔ امریکا طبع و منتشر گشته است (جلد سوم صفحهٔ ۳۵۳) چنین نوشته شده است :

«درتاریخ دوازدهم اوت ۱۹۲۰معاون وزارت‌خارجهٔ امریکا نامه‌ای بوزیر مختار ایران در واشنگتن نوشته و گفته بود : «طبق درخواست شفاهی که ضمن‌صحبت‌نمودید ومشعر برین‌بود که دولت شما مایل است شرکتهای امریکائی درصدد تحصیل امتیازات نفت درایالات شمالی ایران برآیند با نهایت مسرت بسفارت خود درتهران تلگرافاً اطلاع داده‌ام که وزارت خارجهٔ امریکا عقیده دارد که شرکتهای امریکائی در صدد تحصیل امتیاز نفت درایالات شمالی خواهند بود و وزارت خارجهٔ امریکا امیدوار است که شرکتهای امریکائی درین باب توفیق حاصل کنند. و نیز با خوشنودی باطلاع میرساند که نمایندهٔ مختار شرکت‌نفت استاندارد نیوجرزی ضمن نامه‌ای بوزارت خارجهٔ امریکا اطلاع داده‌است که اصولاً شرکت‌مزبور پیشنهاد ورود بعملیات‌درشمال ایرانرا باحسن‌نظر تلقی‌خواهد کرد اگر توافق مطلوبی درین‌باره بادولت‌ایران‌حاصل گردد».

درهمان وقت وزارت خارجهٔ امریکا بوزیرمختار خود درتهران دستور میدهد که مراتب زیررا بوزارت خارجهٔ ایران اطلاع دهد :

(۱) شرکتهای امریکائی درصدد برخواهندآمد که امتیاز نفتی درایالات شمالی ایران تحصیل کنند و وزارت خارجهٔ امریکا امیدواراست که درین‌باب توفیق یابند.

(۲) وزارت خارجهٔ امریکا خوشوقت است که دولت ایران متوجه این نکته شده که یك منبع مهم اقتصادی‌آن نباید بانحصار یك شرکت واحد خارجی درآید.

(۳) وزارت خارجهٔ امریکا معتقد است که انحصار تولید مادهٔ خام مهمی مانند نفت توسط یك مؤسسهٔ خارجی مخالف بااصل رفتار مساوی بااتباع تمام کشورهای خارجی میباشد.

(٤) وزارت خارجهٔ امریکا بدولت ایران توصیه میکند که از لحاظ منافع ایران وازلحاظ روابط اقتصادی بین‌المللی مصلحت درین است که اعطای امتیاز نفت متوقف گردد تا آنکه شرکتهای امریکائی فرصت این را داشته باشند که دربارهٔ آن بادولت ایران وارد مذاکره شوند. درملاقاتی که بین وزیرمختار امریکا و وزیر خارجهٔ ایران صورت میگیرد ومطالب فوق مذاکره میشود وزیرخارجهٔ ایران اظهارمیدارد که امتیاز خوشتاریا بی‌اعتباراست ودربارهٔ امتیاز نفت بشرکت های امریکائی هم اظهار نظری نمیتواند بکند زیرا مجلس شورای ملی تعطیل است واین‌قضیه پس‌ازآنکه مجلس‌رسماً وقانوناً تشکیل شد باید مطرح مذاکره قرارگیرد[۲].

درماه نوامبر ۱۹۲۰ شرکت نفت ایران وانگلیس نماینده‌ای بتهران فرستاد که بادولت مذاکره کرده وامتیاز نفت را درایالات خراسان وآذربایجان (که جزو امتیاز

---

(۱) Foreign Relations of the United States

(۲) اقتباس ازکتاب «روابط خارجی امریکادرسال ۱۹۲۰»جلدسوم صفحهٔ ۳۵۵

خوشتاریا نبود) بدست‌آورد و ضمناً دولت را تشویق کند که امتیاز خوشتاریا را تأیید نماید. ورود این نماینده ومذاکرات او بادولت موجب اعتراض سفارت امریکا گردید که تقاضا داشت دولت اقدامی نکند تا نمایندهٔ شرکت های امریکائی هم بتهران وارد شوند.

دولت ایران بوسیلهٔ وزیر مختار خود در واشنگتن بدولت امریکا اطلاع داد که احتیاج دولت ایران به کمك های مالی انگلستان محظوراتی برای آن ایجاد کرده است واین وضع را دولت امریکا بسهولت میتواند عوض کند اگروامی بمبلغ ده ملیون دولار بدولت ایران بدهد. پرداخت چنین وامی راهرا برای اعطای امتیاز نفت وهمچنین امتیاز استخراج سایرمعادن بشرکت های امریکائی صاف وهمواره خواهد ساخت.

اقدامات نمایندهٔ شرکت نفت درتهران به نتیجه‌ای نرسید ورئیس هیئت مدیرهٔ آن شرکت به کمیسر نفت دولت درلندن اطلاع دادکه چون قضیهٔ امتیاز نفت شمال معوق مانده است شرکت نخواهد توانست حق‌الامتیاز دولت را بابت امتیاز دارسی بپردازد وبااین رویهٔ غیرمشروع سعی کردکه دولت ایران را تهدید ومرعوب نماید.

درخلال این احوال کودتای ۱۲۹۹ پیش آمد وچند ماه پس ازآن دولت ایران باواشنگتن وارد مذاکره شده وتقاضای مساعدت نمود وضمناً ازوزارت خارجهٔ امریکا استفسار کردکه اگرایرادی نباشد سفارت‌ایران باشرکت نفت استاندارد نیوجرزی برای اعطای امتیاز نفت شمال داخل مذاکره شود. در جواب وزارت خارجه این نظر را حسن استقبال کرد وسفارت‌ایران درواشنگتن باشرکت استاندارد وارد مذاکره گردید. نتیجه این شد که در جلسهٔ ۳۰ عقرب (آبان) ۱۳۰۰ مجلس شورای ملی قانون زیر باقید فوریت بتصویب رسید:-

مادهٔ اول - مجلس شورای ملی واگذاردن امتیاز استخراج نفت را درایالات آذربایجان وخراسان وگیلان واستراباد ومازندران بکمپانی استانداراویل امریکائی بشرایط ذیل تصویب مینماید.

مادهٔ دوم - مدت این امتیاز بیش ازپنجاه سال نخواهد بود.

مادهٔ سوم - حقوق دولت بیشتر ازصدی ده کلیهٔ نفت ومواد نفتی است که کمپانی ازچاه ها خارج مینماید قبل ازآنکه هرگونه خرجی بآن تعلق گیرد.

مادهٔ چهارم - شرایط دیگر این امتیاز ازقبیل تسعیر سهم دولت درصورتیکه دولت صلاح بداند وطرز تأدیهٔ آن وطرز نظارت دولت ایران وعواید کمپانی وشرایط ابطال کنندهٔ امتیازوسایرشرایط‌لازم‌برای‌حفظ‌حقوق دولت ومملکت‌رادولت‌تهیه وپس‌از توافق نظر باکمپانی مزبور بمجلس شورای ملی پیشنهاد خواهد نمود.

مادهٔ پنجم - کمپانی استاندارد اویل نمیتواند بهیچوجه این‌امتیازرا بهیچ دولت یاکمپانی یاشخصی انتقال بدهد وهمچنین شراکت باسرمایه داران دیگرمنوط بتصویب مجلس شورای ملی ایران است. عدم رعایت این ماده باعث سقوط امتیاز از درجهٔ اعتبارخواهد بود.

پس از تصویب قانون فوق که قبولیت عامه داشت سفارتهای روس و انگلیس

یاد داشتهای اعتراض آمیزی بدولت فرستادند. سفارت روسیهٔ شوروی معترض شد که بموجب فصل ۱۳ عهدنامهٔ ایران وروسیه مورخهٔ فوریهٔ ۱۹۲۱ دولت ایران تعهد کرده است امتیازاتی که درعهدتزار باتباع روسیه واگذارشده ودولت جمهوری شوروی آنها را بایران مسترد داشته بتصرف واختیار واستفادهٔ هیچ دولت ثالث واتباع دولت ثالثی واگذار ننماید وچون امتیاز نفت شمال را یکی ازکابینه های فترت بخوشتاریا که تبعهٔ روس تزاری بوده داده‌است لذاطبق‌عهدنامهٔ مذکورواگذاری آن بکمپانی نفت‌استاندارد برخلاف مواد عهدنامهٔ فیمابین میباشد.

چند روز بعد دولت بیادداشت روسیه جواب داده و اظهار داشت که ملغی بودن نوشته‌ای که دردست خوشتاریا بوده مربوط بعهدنامهٔ دولتهای ایران وروس نیست چه نوشتهٔ مزبور هیچگاه مدارج قانونی‌را طی نکرده وبتصویب مجلس شورایملی نرسیده وقانوناً باطل وازدرجهٔ اعتبارساقط است.

سفارت‌انگلیس هم دریادداشت اعتراضیهٔ خودگفته بود که چون خوشتاریا امتیاز خود را بشرکت نفت ایران وانگلیس فروخته بنابرین دولت ایران حق ندارد که آنرا بیك کمپانی امریکائی واگذار کند. دولت درجواب سفارت انگلیس بی‌اعتباری نوشتهٔ خوشتاریا را متذکر گردیده وگفت که موقع لغو نوشتهٔ مذکورمراتب بسفارت انگلیس اطلاع داده‌شد وسفارت مزبورهم باین‌امر کتباً رضایت داده‌است. دخالت‌های سفارتین روس وانگلیس درین امرموجب تهییج احساسات مردم شد و نطقهای بلیغی درمجلس برعلیه اینگونه دخالتها ایراد گردید وجراید وقت‌هم‌مقالات متعددی درنکوهش‌اقدامات روس وانگلیس چاپ کردند.

درهمین‌ایام سرچارلز گرینوی[1] رئیس هیئت‌مدیرهٔ شرکت‌نفت‌ضمن نطقی که در دوازدهمین مجمع‌عمومی صاحبان سهام ایراد کرده چنین گفته بود:

«برای اولین دفعه بین دولت ایران و شرکت‌نفت اختلاف‌عمده‌ای رویداده است. دولت ایران بدون هیچ دلیل موجهی مدعی شده است که‌امتیاز خوشتاریا ازدرجهٔ‌اعتبار ساقط است زیرا امتیاز مزبور بتصویب مجلس‌شورایملی نرسیده است ومذاکراتی را باشرکت‌نفت، استاندارد شروع کرده‌است که امتیازی شامل همان نواحی‌امتیازخوشتاریا باضافه دو ایالت دیگررا بشرکت مزبور اعطانماید. این‌عمل‌دولت که جنبهٔ مصادره را دارد موجب تعجب بسیار گشته و مسلماً بصلاح دولت‌ایران نیست که از تشریك مساعی باشرکت ما خودداری نماید. وثوق‌الدوله نخست وزیر سابق ایران که خود یکی از امضاکنندگان امتیازخوشتاریامیباشد اکنون‌درلندن‌است واظهارداشته‌حاضراست گواهی بدهد که امتیاز خوشتاریا قانونی بوده ودر وضع عادی اعطا شده‌است.»

همینکه انگلیسها درك کردند که اعتراضات آنها بیفایده خواهدبود وبی‌اعتباری امتیاز خوشتاریا درنظر ایرانیان امرمسلمی میباشد وامریکائیها هم که در اثر رقابت دیرینه با انگلیسها دربارهٔ تحصیل امتیازات نفت کشمکش را ادامه خواهند داد تصمیم گرفتند که از در صلح وآشتی وارد شده و با امریکائیها سازشی نمایند. لذالردکدمن

(۱) Sir Charles Greenway

که تازه بعنوان مستشار فنی شرکت نفت بریتانیا تعیین شده بود مأمور گشت که بامریکا رفته و راه حلی برای امتیاز نفت شمال پیدا کند . در ظاهر گفته شد که مسافرت کدمن برای این است که درمجمع سالیانهٔ مؤسسهٔ نفت امریکا شرکت کند ولی در باطن مأموریت او این بود که بطورکلی بین منافع نفتی امریکا و انگلیس سازشی بدهد . کدمن در مجمع مزبور نطق مفصلی کرد و اظهار داشت که اصرار امریکا برای اجرای سیاست « درگشوده » مورد قبول انگلیسها میباشد و بااین نطق ومذاکرات خصوصی دیگری هم که بارؤسای شرکتهای نفت امریکا داشت یك تحول بزرگی درروابط بین شرکتهای نفت امریکا وانگلیس ایجاد کرد .

لرد کدمن درین مسافرت با اولیای شرکت نفت استاندارد وارد مذاکره شده و بآنها فهماند که طبق امتیاز دارسی حق انحصار ایجاد لولهٔ نفت بخلیج فارس در دست شرکت نفت بریتانیا میباشد وفرضاً که شرکت استاندارد نفتی در شمال ایران کشف و استخراج نماید صدور آن برایش مقدور نخواهد بود مگر آنکه یا با روسیهٔ شوروی سازشی کرده و از راه شمال استفاده نماید و یا اینکه باشرکت نفت بریتانیا قراری گذاشته و اجازهٔ احداث لوله را از آن شرکت بدست آورد . پس صلاح و مصلحت طرفین برین است که امتیاز نفت شمال ایران بین شرکت استاندارد وشرکت نفت بریتانیا نصف شود. علاوه برین لرد کدمن درباب شرکت کردن کمپانی استاندارد درنفت عراق وحق کاوش برای نفت درفلسطین (که تا آنوقت بین امریکا وانگلیس گفتگوی زیادی در این مورد جریان داشت) قرار ومدار هائی با کمپانی استاندارد گذاشت و بالاخره شرکت نفت استاندارد حاضر شد که در بارهٔ نفت شمال ایران با شرکت نفت بریتانیا شریك شده ومتساویاً اقدام نماید.

در تاریخ سی ویکم دسامبر ۱۹۲۱ وزارت خارجهٔ امریکا و سفارت انگلیس در واشنگتن دربارهٔ مراتب زیر توافق حاصل کردند :

« اگر برای هریك از دولتین امریکا وانگلیس لازم آید که تقاضای اقدامی در بارهٔ امتیاز خوشتاریا درایران بنمایند هیچیك ازدولتین مزبوراقدام قطعی درین موضوع بدون اینکه قبلا دیگری را مطلع سازد نخواهد کرد . »[۱]

همینکه قضیهٔ مشارکت دوشرکت فوق در بارهٔ نفت شمال علنی شد سفیر ایران در واشنگتن یادداشتی تسلیم وزارت خارجهٔ امریکا کرد ودرآن اظهار داشت که دولت ایران بهیچوجه راضی نخواهد شد که شرکت نفت ایران وانگلیس درامتیاز نفت شمال دخالتی نماید. وزارت خارجهٔ امریکاهم به کاردار خود درتهران دستورداد که بدولت ایران اطلاع دهد که (الف) قراردادی بین شرکت استاندارد وشرکت نفت ایران و انگلیس منعقد شده که نفت شمال را باشرکت یکدیگر بهره برداری نمایند (ب) طبق قرارداد مزبور شرکت استاندارد مسئول اداره کردن شرکت نفت ایران وامریکا خواهد بود و اکثریت آراء هیئت مدیره هم با آن خواهد بود (ج) دولت امریکا طرفدار سیاست «درگشوده» بوده وباین مناسبت توافقی را که بین دوشرکت شده است تصویب مینماید.

---

(۱) نقل ازکتاب «روابط خارجی امریکا درسال۱۹۳۱» جلددوم صفحهٔ ۶۵۵

دولت ایران نه‌تنها با قرار فوق مخالفت کرد بلکه مذاکراتی هم که در همان وقت برای تحصیل قرضه‌ای از بانك مورگان[1] امریکائی درجریان بود و قرضهٔ مزبور وابستگی با امتیاز استاندارد داشت قطع نمود. درتاریخ ۲۵ جوزا (خرداد) ۱۳۰۱ مجلس شورای‌ملی مادهٔ اول وپنجم قانون اعطای امتیاز معادن نفت شمال‌را که در فوق ذکر شده بطریق زیر اصلاح نمود :

مادهٔ اول - مجلس شورای‌ملی واگذاردن امتیاز استخراج نفت را در ایالات آذربایجان - خراسان - گیلان - استرآباد - مازندران بکمپانی استاندارد اویل یا کمپانی معتبر مستقل امریکائی دیگری بشرائط ذیل تصویب مینماید .

مادهٔ‌پنجم - کمپانی استانداردداویل یا هریك ازکمپانیهای امریکائی که مورد قبول واقع شود نمیتواند .بهیچوجه این امتیاز را بهیچ دولت یاکمپانی یاشخصی‌انتقال بدهد وهم چنین‌شراکت باسرمایه‌داران دیگرمنوط بتصویب‌مجلس‌شورای ملی‌ایران‌است.

درماه اوت ۱۹۲۲ (مرداد ۱۳۰۱) نمایندهٔ شرکت‌نفت سینکلر[2] بتهران وارد و شرایط زیر را برای تحصیل امتیاز نفت شمال بدولت تقدیم‌کرد :

۱- مدت امتیاز بین چهل تا پنجاه سال باشد.

۲- اراضی بایر دولتی که مورد احتیاج امتیازگیرنده است مجاناً واگذار شود واراضی دایر دولتی وخصوصی بقیمت عادله خریداری‌گردد.

۳- کلیه اثاثیه و ملزومات برای عملیات امتیاز ازکلیه حقوق‌گمرکی وعوارض معاف باشد.

٤- امتیازگیرنده شرکت یا شرکتهائی برای استخراج نفت تشکیل خواهد داد وتعهد میکندکلیهٔ سهام شرکتهای مزبورمنحصراً دردست ایرانیان و امریکائیان باشد ونیزتعهد میکندکه سهام مزبوررا بهیچ دولت یاشرکت خارجی‌انتقال ندهد ودرصورت تخلف امتیازملغی باشد .

٥- سایرشرایط امتیازطبق‌قانون مربوط بشرکت نفت استاندارد وباتوافق‌طرفین تنظیم‌گردد .

پس ازورود نمایندهٔ سینکلر بتهران کشمکش عجیبی بین طرفداران استاندارد وسینکلرشروع‌شد . یکدسته طرفداراعطای امتیاز بشرکت‌استاندارد شده ودستهٔ دیگر هواخواه دادن امتیاز به‌سینکلرشدند. هواخواهان استاندارد ازطرف‌شرکت نفت ایران وانگلیس وسفارت انگلیس پشتیبانی شده وطرفداران سینکلر ازطرف نمایندگان آن شرکت وتااندازه‌ای سفارت شوروی حمایت میشدند . طرفین پول زیادی بجراید داده و هریك چند روزنامه را هواخواه خودکرده بودند و وعده های زیادی هم بوکیلان ووزیران ومتصدیان اموردادە میشد .کشمکش بین این‌دودسته بسیارجالب توجه ونشان میدادکه برای پول و استفاده چه‌کسانی حاضربودند خدمات خود را بمعرض فروش گذارند . مراجعه ببعضی از جراید آندوره خالی ازلطف نیست زیرا واضح میداردکه دلالان سیاسی وطالبین زر ومال چه ادله وبراهینی برای کمپانی که طرفدار آن بودند

---

(۱) J. P. Morgan & Co. (۲) Sinclair Oil Company

اقامه میکردند وچطور پس ازمدتی کمپانی مزبوررا رها کرده وبرای استفادهٔ بیشتر هواخواه کمپانی دیگرمیشدند .

دراینجا لازم‌است‌مختصری‌دربارهٔ شرکت سینکلر گفته شود تاعلت‌اصلی واساسی که بعد ها مانع عملی شدن امتیاز سینکلر گردید آشکار گردد . هری سینکلر[۱] رئیس شرکت نفت سینکلر پسر یك داروفروشی درایالت‌کانساس[۲] درامریکا بود . از ۱۹۰۳ سینکلرشروع بخرید اراضی درکانساس نمود وبوسایل مختلف توانست مقداری اراضی نفت خیز را ازسرخ پوستان بومی امریکائی بقیمت بسیار ارزان درایالت اوکلاهوما[۳] بدست‌آورد . بخت بااو یاری کرد و در اراضی که او تحصیل کرده بود نفت کشف شد ودرمدت کمی سینکلرملیونرشد وتوانست شرکت بزرگی تشکیل دهد که در زمرهٔ یکی ازشرکتهای بزرگ نفت‌امریکامحسوب‌میگردد. سینکلر درکشور کوستاریکا[۴] ومکزیك و افریقای غربی امتیازاتی بدست‌آورد ولی توفیق زیادی درین باره نصیب او نشد . در ۱۹۲۲ سینکلر بفکراین افتاد که بادولت شوروی داخل مذاکره شده وامتیاز نفت‌آن کشوررا بدست‌آورد. سینکلردر۱۹۲۳ سفری‌بمسکو کرد وبدولت‌شوروی‌پیشنهاد کرد که تمام‌معادن نفت‌شوروی وپالایشگاه‌های‌روسیه باوواگذار شود که آنهارا اداره‌نماید و انحصارفروش محصول درداخل‌وخارج‌باوتخصیص داده شود . دولت‌شوروی حاضرشد که فقط‌ادارهٔ‌معادن‌نفت‌بادکوبه‌را به‌سینکلرواگذار کندتااوشرکتی برای‌این‌کار تشکیل داده وسود حاصله ازعملیات بطورتساوی بین دولت شوروی وسینکلرتقسیم گردد. طبق این قرارداد سینکلر بایستی یکصدملیون دولار برای توسعه وپیشرفت‌کارمصرف کند وضمناً وامی هم برای دولت شوروی درامریکا تحصیل نماید . تاآنوقت دولت امریکا دولت روسیه را برسمیت نشناخته بود و تهیه وام در امریکا متضمن این بود که این شناسائی بعمل‌آید لکن سینکلر رفقای متنفذی دردستگاه حکومت‌امریکا داشت وامید بسیارداشت که درین‌کارتوفیق‌حاصل کند. علاوه برمراتب‌فوق دولت شوری حاضرشد که به‌سینکلر اجازهٔ استخراج معادن نفت واقع درشمال جزیرهٔ ساخالین‌را بدهد وپس‌ازآنکه امتیاز نفت شمال ایران را بدست‌آورد اجازه دهد که نفت مزبور از راه قفقاز بدریای سیاه حمل‌گردد . مذاکرات سینکلر بااولیای مسکو منتهی بامضای قراردادی شد و سینکلر بامریکا مراجعت‌کرد تازمینه را برای شناسائی دولت شوری فراهم نماید و مقدمات‌کار را هم برای اداره‌کردن معادن نفت بادکوبه واستخراج نفت ساخالین‌آماده سازد .

رئیس جمهور وقت پرزیدانت هاردینگ[۵] یکی‌ازرفقای سینکلربود وسینکلرامید بسیار داشت‌که بوسیلهٔ او وسایل شناسائی دولت شوروی را تأمین نماید ولی شرکت نفت استاندارد با نفوذ زیادی‌که در دستگاه دولتی امریکا داشت باچنین کاری سخت مخالفت میکرد ومدعی بودکه دولت شوروی اموال شرکت مـزبور را مصادره‌کرده و زیان بسیاری بآن وارد ساخته است . علاوه برین شرکت استاندارد با معامله‌ای‌که سینکلرمیخواست باروسیه بکند شدیداًمخالفت میکرد وهاردینگ هم درهمین‌ایام فوت

---

(۱) Harry F. Sinclair (۲) Kansas (۳) Oklahoma
(۴) Costa Rica (۵) President W.G- Harding

کرد وسینکلر ازمساعدتهای او محروم گشت .

یکروز دراواخرسال ۱۹۲۳ خبری درجراید امریکا منتشر گشت که وزیر کشور امریکاموسوم به فال[۱] معادن نفتی‌را که نیروی دریائی امریکا برای خود ذخیره کرده بود به سینکلر ویکنفردیگرموسوم به دوهنی[۲] برخلاف ترتیب وبطورغیرمشروعی اجاره داده است وازسینکلر ۲۶۰۰۰۰ دولار رشوه گرفته واز دوهنی هم یکصد هزار دولار بدون سود و وثیقه وام گرفته است . ظاهر امر این بود که یکی ازسناتورهای امریکا موسوم به سناتور والش[۳] این‌قضیه را کشف کرده واعلام جرم کرده است ولی آنانیکه ازخصوصیات امراطلاع داشتند میدانستند که شرکت استاندارد درکشف این‌قضیه سهم بس مهمی داشت .

انتشار این خبر موجب خرابی کار سینکلر شد و دولت شوروی قرارداد خود را با سینکلر لغو کرد و سینکلرهم محکوم شده وبرای مدتی زندانی گردید .

در تاریخ ۲۳ جوزا (خرداد) ۱۳۰۲ مجلس شورای ملی قانونی تصویب کرد که حاوی شرائط اساسی برای‌اعطای امتیاز نفت شمال بیك شرکت معتبرمستقل امریکائی بود . بموجب مادهٔ چهار این قانون اعطای امتیاز مقید باین بود که صاحب‌امتیاز لااقل ده ملیون دولار بوسیلهٔ بانکهای معروف امریکا بدولت‌ایران‌قرض بدهد وحوزهٔ امتیاز هم محدود بخراسان وآذربایجان ودوایالت ازسه‌ایالت شمالی واقع درجنوب بحرخزر (گیلان و مازندران و استراباد) گردیده بود . ضمناً مادهٔ چهار قانون صراحت داشت که امتیازنباید بهیچ دولت یاشرکت خارجی بهیچ‌قسم وترتیبی‌منتقل شودوباید منحصراً در دست امریکائیها باشد . قانون مزبور بدولت اجازه میداد که طبق شرایط مندرجه درآن قانون امتیاز نفت را بیك شرکت مستقل امریکائی داده وپس از ختم مذاکرات وامضای‌آن اعتبار امتیاز را بازمنوط بتصویب مجلس شورای ملی کرده بود .

بیگانگان وعمال‌آنها کوشش بسیارنمودند که تصویب قانون فوق بتعویق افتد ولی سودمند واقع نگردید و قانون مزبور بتصویب رسید و چون شرکت استاندارد با قراردادی که با شرکت نفت ایران و انگلیس منعقد کرده بود مشمول این قانون نمی‌گردید مذاکرات با نمایندگان سینکلر شروع ودرآذرماه ۱۳۰۲ (دسامبر۱۹۲۳) امتیاز پنج ایالت شمالی باستثنای گیلان بشرکت سینکلر واگذار گردید . در موقع امضای امتیاز سینکلر مجلس جشنی در تهران برپاشد ونخست وزیروقت ضمن نطقی که درآن مجلس ایراد کرد به کاردار سفارت امریکا چنین گفت : « من این موقع را یکی ازبهترین مواقع‌تاریخ ایران میدانم . مامیخواهیم‌سلطهٔ اقتصادی انگلیس و روس را ازبین ببریم وامضای این‌امتیاز بایك شرکت امریکائی مقدمهٔ روابط مستحکم تری بین ایران وامریکا خواهد بود . »

درماه‌آوریل ۱۹۲٤ (فروردین۱۳۰۳) دولت‌لایحه‌ای بمجلس‌تقدیم کرد وتقاضای تصویب امتیازی را که امضا کرده بود نمود . دولت انگلیس پس از اعتراض شدید

---

(۱) Mr. Fall (۲) Edward L. Doheny (۳) Senator Walsh

بدولت ایران در لندن و نیویورک اعلامیه‌ای صادر کرد و اظهار داشت که با گذاری حق الامتیاز دولت ایران از نفت جنوب بعنوان وثیقه برای وام ده ملیون دولار مقرره در امتیاز سینکلر رضایت نخواهد داد و اضافه کرد که تاقضیهٔ امتیاز خوشتاریا و سایر دعاوی انگلستان حل نشود باعتراض خود باقی خواهد بود . دولت ایران هم توجهی باین اعتراضات نکرد و کمیسیون مجلس لایحهٔ دولت را تصویب و گزارش آن را برای بحث و تصویب تقدیم مجلس کرد .

درین ایام اختلافات داخلی در موضوع تحول سیاسی که درپیش بود شدت یافته وطرفداران پادشاهان قاجار با کسانیکه هواخواه تغییر و تحول بودند سخت در کشمکش ومبارزه بودند . هرطرفی سعی میکرد مخالف خودرا از پای درآورد و برآن فائق گردد. سید حسن مدرس سردسته و پیشوای مخالفین تغییر رژیم بود وشاه فقید هم جدیت بسیار داشت که تغییر زودتر صورت گیرد . در تیرماه ۱۳۰۳ درشهر تهران انتشار یافت که سقاخانه واقع درخیابان شیخ هادی معجزه کرده است واین خبر باسرعت بی نظیری شهرت یافت ودسته دسته مردم به سقاخانه رفته ومیخواستند که سقاخانه را دیده وندرونیاز کنند . مطالب اغراق آمیزی که درباب معجزات سقاخانه گفته می‌شد و اصراری که مخالفین نخست‌وزیر درتوسعهٔ این تظاهرات دینی داشتند ثابت میکرد که سیاستی درکار است و میخواهند بدینوسیله اقدامات ونقشه های دولت را برای تغییررژیم خنثی کرده وازبین ببرند . دوسه شب دربازار وتمام محلات چراغانی نمودند ودرتهییج احساسات دینی مردم چیزی فروگذار نکردند . از تمام محلات شهردسته هائی حرکت کرده وبا تشکیلات مخصوصی بطرف چهارراه آقاشیخ هادی حرکت میکرد و مخالفین دولت میخواستند که قدرت ونفوذ خود را ظاهرسازند . یکی ازشهرتهای بی اساسی که دادند این بود که یکنفر بهائی میخواسته درسقاخانه سم بریزد وفوری کور شده است ودرنتیجهٔ این انتشارتظاهراتی هم برعلیه بهائیان شروع شد .

طبیعی بود که این تظاهرات حس کنجکاوی خارجیان را تحریک کند و در صدد برآیند که بتماشای تظاهرات مزبور بروند . آنانیکه سابقه وتجربه داشتند ازچنین کاری خود داری میکردند ولی درین میان ماژورایمبری[۱] قونسول امریکا که آشنائی زیادی بااینگونه تظاهرات نداشته وخطرحضور یك خارجی را در تظاهرات دینی نمی‌دانست بخیال میافتد که به چهارراه آقاشیخ هادی رفته ومنظرهٔ سقاخانه‌را به‌بیند . ضمناً ایمبری که از طرف مجلهٔ جغرافیائی ملی امریکا مأموریت داشته است که‌ازنقاطجالب توجه وتاریخی ودینی ایران عکسهائی برداشته وبرای چاپ به مجلهٔ مزبور بفرستد دوربین عکاسی خود را همراه برده بود وباتفاق یکی ازدوستانش عازم سقاخانه میشود . این دوست او موسوم به سیمور[۲] یکنفرازاتباع امریکابوده است که مدتها درنفت جنوب کار میکرده وبواسطهٔ محکومیتی که پیدا کرده بود دورهٔ محکومیت خودرا درقونسولخانهٔ امریکا درتهران بسرمیبرد . این دونفر باتفاق یکنفر پیشخدمت بچهار راه شیخ هادی رفته وازدرشگه پیاده شده تا ازسقاخانه وجمعیت عکس بردارند . جمعیت ازعکس برداری

---

(۱) Major Robert Whitney Imbrie (۲) Seymour

ممانعت میکند و پاسبانی که آنجا بوده بآنها میفهماند که عکس برداشتن موجب اغتشاش وشاید باعث خطر باشد . ایمبری و همراهانش بدرشگه سوار شده مراجعت میکنند ولی جمعیت بتصور اینکه آنها عکس برداشته اند آنهارا تعقیب وبآنهاحمله میکنند . مردم جاهل وبی‌خبر باحالت عصبانی حملات شدیدی بآنها میکنند وآنهارا بسختی مصدوم مینمایند ودرمیان حمله کنندگان چند نفرهم نظامی بوده‌اند . درینوقت مأمورین انتظامی رسیده وآنهارا نجات داده به بیمارستان شهربانی میبرند . مهاجمین باعصبانیت زیادی ببیمارستان حمله کرده وپس ازورود بآنجا باندازه‌ای ایمبری را میزنند که فوت میکند ولی سیمور نجات می‌یابد .

بمجرد اینکه اولیای دولت ازین واقعهٔ ناگوار آگاهی مییابند حکومت نظامی درشهر اعلان کرده و محرکین را دستگیر وتوقیف مینمایند . روز بعد وزیر خارجه در مجلس بیاناتی دائر بتأسف از وقوع این قضیه ایراد کرده ورئیس مجلس و بعضی از نمایندگان من‌جمله مرحوم مدرس اظهار تأسف مینمایند و ضمن اظهارات خود متذکر میگردند که « عموم ملت ایران از وقوع حادثهٔ مزبور فوق‌العاده متأسف است زیرا ایران چه بحکم شرع انور چه باحترام قانون اساسی و چه از روی سنن قدیمهٔ خود همیشه مهمان نوازی ومهربانی نسبت بخارجیانرا شعار خود قرارداده وحتی در موقع انقلابات داخلی رعایت حقوق وآزادی آنهارا کرده است. »

دولت نهایت کوشش را برای رسیدگی باین امر وکشف محرکین بخرج داد وچون آبروی بین‌المللی آن در مخاطره بود محرکین را محاکمه و سه نفر را اعدام کرد . شصت‌هزار دولار بورثهٔ ایمبری پرداخته شد و یکصد و ده هزار دولار هم به دولت امریکا بابت کرایهٔ کشتی جنگی که بایران آمد و جنازهٔ ایمبری را بامریکا حمل کرد پرداخت گردید و سه‌هزار دولار هم به سیمور بعنوان غرامت تأدیه شد.

پس از این واقعهٔ تأسف‌آور هواخواهان حکومت وقت بر مخالفین خود غلبه کرده و آنها را متهم باین کردند که در تحریک احساسات دینی دست داشته‌ودر نتیجهٔ تهییج احساسات مردم چنین واقعه‌ای را سبب شده و بوجود آوردند . قضیهٔ قتل ایمبری بعد ها وسیله‌ای شد که هرکس بمیل و رغبت خود آنرا تفسیر و تعبیر کند درصورتیکه حکومت وقت که مسئول حفظ امنیت و بی‌نهایت شایق بود که حیثیت ایران در خارج محفوظ بماند اذعان و اعتراف داشت که قتل ایمبری نتیجهٔ تحریک احساسات مردم جاهل ازطرف مخالفین دولت بوده است که نفهمیده بچنین کاری مبادرت کردند .

خبرگزاری مسکو وجراید روسیه قتل ایمبری را ناشی ازمساعی مرتجعین ایران میدانستند که سعی کرده بودند با کمك روحانیون تعصب مذهبی تودهٔ مردمرا تحریک کرده و آنرا برای مبارزه با دولت بکار برند. جراید معتبر امریکا وانگلستان که پای‌بند بدرج خبرهای مطمئن و درست میباشند نوشتند که تهییج احساسات مذهبی و بی‌مبالاتی ایمبری در عکس‌برداری موجب خشم و غضب جماعتی شد که‌از روی جهالت و نفهمی باو حمله کرده و اورا از پای درآوردند. بعضی از جراید داخلی شرح‌حادثه

را نوشته و چیزی بآن نیافزودند و برخی به‌تنقید از مخالفین دولت پرداخته وحادثه‌را ناشی از تحریکات آنها میدانستند.

ازطرفی دیگر بعضی از روزنامه های داخلی وخارجی که پای‌بند باصول تحقیق وبررسی نیستند واز هر حادثه‌ای‌میخواهند بنفع خود استفاده کنند کوشش‌بسیار نمودند که پیرایه های مختلفی باین حادثه ببندند و لاطائلات بسیاری منتشر کردند. مثلابعضی از جراید داخلی نوشتند که قتل ایمبری بتحریك بیگانگان بوده است که میخواستند بدینوسیله اعطای امتیاز نفت شمال را بامریکائیها مختل سازند. یکی از روزنامه های ترکیه بنام «ایلری» که دراستانبول چاپ میشد نوشت که ایمبری سابقاً کنسول امریکا درآنکارا بود ودر آنجا هم سوء قصدی بجان او شده بود واضافه کرده بود که‌ایمبری از موقعیکه در لنینگراد نایب کونسول امریکا بود میانهٔ خوشی با شورویها نداشت و پنج مرتبه از روسیه اخراج شده بود ودر مرتبهٔ ششم بطور غیر رسمی داخل روسیه شد و طرز کار شورویها را بررسی میکرد. موقعیکه ایمبری بآنکارا رفت عمـال شوروی درصدد قتل او برآمدند و توفیق نیافتند ولی بالاخره در ایران بهدف خود رسیدند. روزنامهٔ نیویورك هرالدتریبون چاپ پاریس ازقول هرولداسپنسر[1] نامی که مدعی شده بود عامل مخفی انگلیسها درخاورمیانه بوده‌است نوشته‌بود «ماژورایمبری درحقیقت ازطرف گروهی بقتل رسیده است که آن گروه بدست سرمایه‌داران انگلیس‌و امریکا بوجود آمده‌بود. سرمایه‌داران مزبور تصور کرده بودند که نفوذ ماژورایمبری ممکن است اختیار معادن نفت ایرانرا ازکمپانی شل انگلیسی بیك سندیکای امریکائی که قسمت عمدهٔ آن دردست سینکلر میباشد منتقل نماید.» پوچ بودن گفتهٔ هرولد ـ اسپنسر ازین‌جا معلوم میشود که کمپانی شل انگلیسی درآنوقت هیچگونه دخالتی در امر نفت ایران نداشت واظهار او سراپا غلط و بی‌اعتبار است.

تردیدی نیست که حادثهٔ اسف‌انگیز مزبور درنتیجهٔ تعصب مذهبی عوام و جهال رویداده بود وفرصتی پیدا شده بود که هرکس با دیگری غرض و مرضی داشت آنرا بنفع خود تعبیر نماید. اینکه گفته شده است بواسطهٔ قتل ایمبری امتیاز نفت شمال‌را کمپانی سینکلر ردکردکاملا پوچ و بی‌معنی است ومقامات رسمی امریکا که بهترین و بیطرفانه ترین قضاوت راکرده گفته‌اند که هر شرکت امریکائی که امتیاز نفت شمال‌را بدست میآورد ناچار بود یا با انگلیسها بند و بستی کند تا بتواند نفت شمال را از طریق خلیج فارس صادر کند ویا با شورویها قراردادی داشته‌باشد که‌ازراه قفقاز نفت صادر کند.دولت وملت‌ایران ازاعطای‌امتیاز بشرکت‌استاندارد خودداری کردزیراشرکت مزبور با انگلیسها بست وبندی کرده بود وامتیاز را به سینکلر واگذار کرد که مدعی بود مستقلاً بعملیات استخراجی خواهدپرداخت. همینکه دولت شوروی قرارداد خودرا (قبل ازقتل ایمبری) باکمپانی سینکلر لغو کرد ومعلوم شد که شرکت سینکلر نخواهد توانست نفت‌شمال را ازراه قفقازصادر نماید امتیازبخودی خود منتفی گردید.

هرکودك دبستان میداند که قتل یکنفر ـ هراندازه هم آن شخص مهم باشد —

---

(۱) Harold Spencer

موجب این نمیشود که سرمایه‌داران بزرگ منافع متصورهٔ خودرا فدای آن نموده و از آن دست بردارند . در فصول پیش که شرحی در باب رقابتهای شرکتهای نفت برای تحصیل امتیازات ذکر شده معلوم میدارد که سرمایه‌داران برای تحصیل نفع حاضرند صدها وهزاران نفررا بکشتن داده وازسود خود دست برندارند. کمپانی سینکلر هفته‌ها پیش از قتل ایمبری آگاه شده بود که صدور نفت ایران از راه قفقاز دیگر برایش مقدور نیست و همینکه حادثهٔ ایمبری پیش‌آمد نمایندگان آن فرصتی یافتند که تهرانرا ترك گویند.چندماه بعددولت‌ایران حاضر شد که‌مادهٔ مربوط بقرضهٔ‌ده‌ملیون دولار راهم از شرایط امتیاز حذف کند تا کمپانی سینکلر بقبول امتیاز تن دردهد ولی این گذشت بزرگ را هم کمپانی سینکلر قبول نکرد و امتیاز را ردکرد .

هنگامیکه لردکدمن برای تاجگذاری رضاشاه بتهران‌آمد قضیهٔ نفت‌شمال‌خاتمه یافته بود ولی شرکت‌نفت‌ایران وانگلیس هنوز بی‌اعتباری‌امتیاز خوشتاریا را اعتراف نکرده ودرانتظار فرصت بود تا درموقع مقتضی دعاوی خودرا اظهار دارد. لردکدمن درمدت توقف خود درتهران توجه مخصوصی باین‌مسئله معطوف داشت و تصمیم گرفت که در مراجعت بلندن بهیئت‌مدیرهٔ شرکت توصیه کند که از امتیاز مزبور چشم پوشیده و پولی را که برای خرید امتیاز مزبور صرف کرده بودند بهدر رفته پندارند . لردکدمن همین‌کار راکرد و چندی بعد شرکت نفتهای شمال ایران که در لندن تشکیل شده بود منحل شده واز بین رفت .

بخش دوم - امتیاز نفت بشرکت امریکائی امیرانین[1]

امتیاز دارسی حق اکتشاف واستخراج نفت را درتمام کشور باستثنای پنج ایالت شمالی بدارسی داده بود وبموجب مادهٔ دوم همان امتیازنامه حق انحصاری کشیدن‌لوله از سرچشمه های نفت تا خلیج فارس بصاحب امتیاز اعطا شده بود . قرارداد ۱۹۳۳ حوزهٔ امتیازیه را محدود بیکصدهزار میل مربع کرد وحق‌انحصاری کشیدن لوله‌را نیز لغو نمود و ازین‌رو دست دولت برای اعطای امتیاز درسایر نقاط بازگردید .

در پانزدهم بهمن ۱۳۱۵ (ژانویه ۱۹۳۷) قانونی بتصویب مجلس رسیدکه بموجب آن حق انحصار تفتیش وتفحص و جستجو وگمانه زدن واستخراج نفت‌را در قسمتی از شرق وشمال شرقی ایران برای مدت شصت سال بشرکت‌نفت امریك‌وایران (امیرانین) واگذار میگردید . شرکت مزبور وابسته بشرکت نفت سی‌بورد[2] بودکه در ایالت دلور[3] امریکا به ثبت رسیده بود . در ظرف سه سال اول شرکت در حدود مساحتی که در نقشهٔ منضم بقرارداد با رنگ تعیین شده بود حق‌کاوش برای پیداکردن نفت را داشت و پس از سه سال باید دو ولایت از ولایت شرق ویا شمال شرق واقع در حوزه‌ای که در نقشهٔ‌مذکور معین شده بود برای عملیات خود انتخاب نمایدودرآخر

---

(۱) Amiranian Oil Company این اسم مرکب ازنام ایران وامریکاست.

(۲) Seaboard Oil Company

(۳) Delaware

سال پانزدهم مجموع قطعاتی را که انتخاب میکند از یکصدهزار میل مربع که حوزهٔ امتیازیهٔ آنرا تشکیل خواهد داد تجاوز ننماید . امتیازگیرنده حق غیرانحصاری‌ساختن و دارا بودن لوله را بخلیج فارس داشت وسایر شرائط امتیاز شبیه به‌شرایط قرارداد ۱۹۳۳ کـه بین دولت ایران و شرکت نفت ایران و انگلیس منعقد شده بود میبود. خطی هم‌که مساحت مذکور درروی نقشه را تعیین‌کرده بود از بندر شاه ـ کرد محله ـ دامغان ـ ریشم ـ جندق ـ اوردیب ـ حوض میان تك ـ به‌آباد ـ کاشیت ـ فهروج ـ ایرافشان تا سرحد عبور میکرد .

در هیجدهم بهمن ۱۳۱۵ قانون اجازهٔ‌ساختن ونگاهداری لوله حمل‌نفت بشرکت لولهٔ نفت ایران[1] بتصویب مجلس رسید. شرکت لولهٔ نفت ایران هم وابسته بشرکت نفت سی‌بورد بود ومقصود ازین قرارداد این بودکه شرکت امیرانین حق داشته باشد در لوله های خود نفت افغانستان را نیز حمل نماید (چون در افغانستان هم امتیازی تحصیل‌کرده بود) . برای هرتن نفتی‌که درلوله های شرکت جهت فروش درایران و یا صدور حمل میشد شرکت سه پنس (ربع شیلینگ) بدولت میبایست بپردازد .

شرکت امیرانین درظرف دوسال‌کاوشهائی نمود و بعد بدولت اطلاع داد که از ادامهٔ عملیات صرف‌نظرکرده ومایل نیست‌که بکارخود ادامه دهد.

بخش سوم ـ قرار داد اکتشاف واستخراج معادن با شرکت هلاندی

در تاریخ ۲۶ فروردین ۱۳۱۸ (اوریل ۱۹۳۹) قانونی بتصویب مجلس‌رسید که بموجب آن بشرکت هلاندی موسوم به‌الگمین‌اکسپلوراتی‌ماچاپیج[2] حق‌انحصاری داده میشدکه در دو ناحیهٔ معین شمالی‌وجنوبی برای‌کشف معادن درمدت سه‌سال‌کاوش‌و جستجو نماید. درناحیهٔ‌شمالی‌امتیازگیرنده حق‌کاوش برای هرگونه‌معدنی داشت ولی‌در ناحیهٔ جنوبی معادن نفت وخاك سرخ ازآن استثنا شده بود . هرگاه امتیازگیرنده در در مدت سه سال معدنی راکشف مینمودکه قابل استخراج باشد بـاید فوراً مراتب را بدولت اطلاع دهد و تا مدت سه‌ماه تقاضای استخراج آنرا بنماید و دولت هم متعهد بودکه امتیاز معادن مزبوررا باستثنای نفت (که برای‌استخراج آن قراردادعلیحده‌ای باید تنظیم وبتصویب مجلس شورای‌ملی برسد) بامتیازگیرنده طبق صورت قراردادی که ضمیمهٔ قانون بود اعطا نماید . بموجب صورت قرارداد ضمیمهٔ امتیاز معدن برای شصت‌سال‌داده میشدونصف درآمد هم پس‌ازوضع هزینه واستهلاك‌بدولت تعلق‌میگرفت.

شرکت هلاندی فوق هم بواسطهٔ بروز جنگ دوم جهانی کاری انجام نداد و همینکه جنگ آغازگشت از تعقیب عملیات صرف‌نظرکرد ونکتهٔ جالب‌توجه این است که درمورد این قرارداد اکتشاف دولت روسیهٔ شوروی دیگر استنادی بفصل سیزدهم عهدنامهٔ ایران وشوروی نکرد و هیچگونه اعتراضی هم ننمود .

---

[1] Iranian Pipeline Company

[2] Algemeene Exploratie Maatschappij

بخش چهارم - نفت سمنان

در ماه صفر ۱۲۹۷ قمری ناصرالدین شاه چهار فرمان امضا کرد که بموجب آن مالکیت سی و پنج معدن مختلف را درشاهرود و بسطام و سبزوار و سمنان و دامغان بدو نفر از بازرگانان تهران بنام حاج علی اصغر و حاج علی اکبر واگذار کرد. یکی ازین فرمانها باسم حاج علی اصغر تهرانی است که معادن سرب و مس و کات کبود شاهرود و بسطام باو واگذار شده ودر فرمان ذکرشده است که معادن مزبور تا ده سال ازجمیع عوارضات وتحمیلات دیوانی معاف و پس از انقضاء آن مدت یك دهم از منافع معادن مشروحه بدیوان اعلی باید کارسازی شود. سه فرمان دیگر باسم حاج علی اکبر امین معادن است که معادن مس وسرب وکات کبود و زغال سنگ ونفت کویر خوریانرا شامل میگردد و مالکیت آنها هم بامین معادن واگذار میگردد که پس از ده سال یك دهم منافع را بدولت بپردازد.

چندی بعد حاج علی اصغر و حاج علی اکبر فوت میکنند و فرمانها بدست ورثه میافتد که استفاده‌ای از آن نمیکنند تا اینکه دولت تزاری روس از فرمانهای مذکور آگاه شده درصدد برمیآید که معادن مزبوررا تحت عنوان اجاره بتصرف خود درآورد.

درآنوقت بیکی از اشراف‌زادگان که خودرا تحت حمایت سفارت تزار روس قرار داده بود دستور داده میشود که معادن مزبور را اجاره نماید. این شخص همان قهرمان خان سردار اعظم پسر بانوی عظمی دختر ناصرالدین شاه و خواهر زادهٔ ظل‌السلطان بود که ثروت زیادی دراصفهان داشت و خودرا تحت‌الحمایهٔ سفارت روس تزاری قرارداده بود تا کسی متعرض املاکی که از راه غیر مشروع بدست آورده بود نشود. درسال ۱۳۳۵ قمری سردار اعظم معادن مذکور در چهار فرمان را از ورثهٔ امین معادن و حاج علی اصغر برای مدت هفتاد سال اجاره میکند. درموقع عقد اجاره سردار اعظم دوهزار و پانصد تومان بعنوان مساعده بورثه پرداخته و تعهد میکند که تا پنج سال هرسال چهارهزار و پانصد تومان واز سال پنجم ببعد سالی پنج‌هزار تومان بابت اجاره بآنها بپردازد. بعلاوه پس از آنکه مستأجر شروع به بهره برداری کرد تعهد میکند صدی شش از منافع خالص‌را نیز بموجرین بپردازد و پرداخت عوارض دیوانی را هم بعهده گیرد. بمستأجر اختیار داده میشود حقوقی را که بموجب قرارداد اجاره تحصیل میکند بیك یا چندنفر واگذار کرده ویا شرکتی برای بهره برداری از معادن مزبور ایجاد نماید ودر صورت تخلف از پرداخت اقساط اجاره مالکین حق فسخ قرارداد را خواهند داشت.

پس ازعقد این اجاره قرار بوده است که سرداراعظم قرارداد خودرا بروسها واگذار کند که مشغول عملیات شوند ولی بواسطهٔ پیش‌آمدن جنگ اول‌جهانی این کار بتعویق میافتد. درسال ۱۳۳۵ دولت از قرارداد بین ورثهٔ امین معادن و سردار اعظم (که از

طرف روسها وارد این‌کار شده بود) اطلاع یافته و تصویبنامه‌ای بتاریخ ١٤ ذی‌حجه ١٣٣٥ قمری صادرمیکند که هرگاه صاحب‌امتیاز معدنی شش‌ماه بدون عائق‌فوق‌العاده در معدنی‌کار نکرد امتیاز او از درجهٔ اعتبار ساقط است.

درتاریخ ١٥ صفر ١٩٤٢ قمری وراث امین معادن و حـاج علی‌اصغر بعلت عدم پرداخت اقساط اجاره قرارداد با سردار اعظم را (که در آنموقع فوت‌کرده بود) فسخ مینمایند ودر تاریخ ١٩ صفر همان سال قرارداد دیگری با حاج محمد صادق‌آقا معروف به «بانکی» برای مدت شش ماه منعقد مینمایند . بموجب این قراردادفرمانها را ورثه نزد حاج‌محمد صادق امانت میگذارند و باو اختیار میدهند که مستأجری برای معادن مزبور پیدا کند واز مال‌الاجاره‌ای که عاید میشود صدی پنجاه و یك را حـاج محمدصادق در ازای خدمات خود برداشته وبقیه را بورثه تسلیم‌نماید.

در تاریخ ١٥ ربیع‌الاول ١٣٤٢ (١٣٠٢ شمسی) حاج‌محمدصادق‌بانکی‌باستناد قراردادی که با ورثه داشته ووکالتنامه‌ای که ازآنها داشته‌است‌معادن‌مذکوردرفرمان‌ها را به مرتضی‌خان فتوحی قیام (یمن‌الملك) بمدت هفتاد سال باجاره واگذار میکند وهزارتومان مساعده برای ورثه دریافت میدارد . از جمله شرایط اجاره این بوده‌است که مستأجر سالی دوهزار تومان بعنوان مال‌الاجاره بپردازد وحق داشته باشد تمام یا یك قسمت از حقوق خودرا بیك یا چندنفر دیگر واگذار نماید و یا تأسیس شرکتی برای بهره‌برداری ازمعادن مزبور بنماید .

چندماه پس‌از عقد این قرارداد اجاره خوشتاریا (که عملیات او ضمن‌بخش‌راجع بنفت شمال آمده است) با ورثه داخل مذاکره شده و پیشنهاد میکند کـه معدن نفت خوریان باو واگذارگردد . این جا لازم است‌گفته شود که خوشتاریا پس از آنکه امتیاز بی‌اعتبار نفت شمال را بشرکت نفت ایران وانگلیس فروخت عده‌ای‌اوتومبیل‌و مقداری اسلحه خریداری کرده واز لندن عازم‌گرجستان شد تا خود را دراختیار دولت جدیدالتأسیس گرجستان بگذارد . طولی نکشید که شورویها گرجستان‌را اشغال‌واموال خوشتاریا را ضبط ومدتی اورا تحت‌نظر داشتند تا آنکه در سال ١٣٠٢ شمسی او را بتهران فرستادند که اقدام نموده وفرمانهای‌معادن‌سمنان و من‌جمله نفت خوریانرا بدست آورد. خوشتاریا پس‌از ورود بتهران درمنزل آقامیر حمزوی اقامت‌کرد و با کمك او با رجال وقت آشنائی یافت ومحرمانه نقشه‌ای طرح‌گردید که‌فرمانهای‌امین‌معادن وحاج علی‌اصغر اعتبار قانونی‌یافته‌وبدست‌او بیفتد. نمایندهٔ‌ورثهٔ امین‌معادن‌وحاج علی‌اصغر درآن وقت‌کسی بود بنام حاج میرزا علی‌اکبر ستوده (معروف به وینه) که خود از نواده های حاج‌علی‌اصغر بود ومذاکرات بین ورثه و خوشتاریا توسط ستوده‌انجام‌میگرفت. نقشهٔ مزبور بطریق زیر اجرا گردید .

درسال ١٣٠٣ وزارت فوائد عامه اعلان‌کرد که‌هرکس امتیازی از دورهٔ‌قاجاریه دارد ظرف دو ماه باید در دفتر وزارتخانه به ثبت‌رساند تاموردرسیدگی‌قرارگیردوالا امتیازش‌از درجهٔ‌اعتبارساقط خواهدبود . ورثهٔ امین معادن درصدد برآمدند که‌فرمان‌های‌خودرا به ثبت‌برسانند ولی‌چون اصل فرمان ها نزدحاج محمدصادق بانکی امانت

بود حاج‌صادق‌فرمانها را به پسرش میدهدکه باتفاق نمایندهٔ ورثه بوزارت فوائد عامه برده و به‌ثبت رساند. اوهم‌میبرد و برئیس دفتروزارتی‌میدهد که‌وارد دفترکند ودر۲٦ تیرماه ۱۳۰۳ طبق‌دستور مشارالدوله‌حکمت‌وزیروقت‌دروزارت فوائدعامه به‌ثبت‌میرسید.

اعترافنامهٔ زیر ورقه‌ای است که حاج صادق در محضر مرحوم حاج سید اسدالله خرقانی تنظیم کرده‌وبفتوحی قیام داده‌است وایشان هم رونوشت‌آنرا برای نقل درینجا داده‌اند تا معلوم گرددکه نفت خوریان در آنوقت چه اهمیتی برای خوشتاریا داشته است: « اقرار واعتراف نمود جناب مستطاب عمدةالاعاظم آقای حاج‌صادق بانکی‌ولد مرحوم مشهدی رضای قزوینی‌الاصل ساکن تهران‌که چهار طغرا فرامین ناصرالدین شاهی راجع بمعادن مختلفه درخاك سمنان و دامغان وشاهرود وبسطام و سبزوار که‌نزد حاج مشارالیه بوده و جناب آقـای حاج‌صادق بانکی معادن مزبور را وکالةً از طرف مالکین بموجب وکالتنامهٔ شرعیه درتاریخ پانزدهم شهر ربیع‌الاول ۱۳٤۲ بمدت‌هفتاد سال شمسی از قرارکنترات جداگانه بجناب اجل آقای میرزا مرتضی‌خان فتوحی قیام یمن‌الملك سابق باجاره واگذار نموده است ودر زمانیکه اعلانی دولت راجع به‌ثبت فرامین در وزارت جلیلهٔ فوائد عامه نموده بود ازطرف آقایان مالکین بمن اظهار شد که فرامین را بآنها بدهم تا ثبت شود من بآنها جواب دادم که چون من‌واسطهٔ معامله و امین طرفین بوده‌ام بتوسط یکنفر از پسرهای خودم فرامین را برای ثبت میفرستم شما هم میخواهید حضور داشته باشید ودر روز شانزدهم رجب‌المرجب ۱۳٤۲ فرامین مزبور را بتوسط میرزاحسین خان پسر خودم بوزارت فوائد عامه برای ثبت فرستادم. جنابان آقایان میرزا عبدالحسین امین‌معادن و حـاج علی‌اکبر خان ستوده پسر مرحوم حاج شکرالله تهرانی هم در وزارت‌خانه حاضر میشوند ابتدا بطور بی‌خیـالی با میرزا حسین خان برخورد کرده پس‌از مذاکراتی که از راه تدبیر با او کرده بهرترتیبی بوده است مشارالیه را فریفته واغفال نموده فرامین را ازدست میرزاحسین‌خان پسرمن گرفته و بطور قاچاق ازاین اطاق بآن اطاق رفته واز راهی که در مد نظر بوده‌است بیرون میروند. بعدکه میرزاحسین‌خان بمنزل مراجعت‌کرد بمن خبر دادکه چنین حرکتی از آقایان محترم ظاهر شده این‌جانب برای اینکه بدون‌زحمت فرامین‌را بطوریکه‌مطلب کشف نشود ازآنها بگیرم مدتی بمذاکره ومکاتبه با آنها اقدام کردم وهرچه‌اقدامات نمودم که فرامین حقاً و شرعاً تا هفتاد سال دیگر متعلق بدیگری است و میبایست نزد اینجانب باشد بمن دهند هرچه کردم تاامروز فرامین را بمن ندادند ناچار قضیه را به آقای میرزامرتضی‌خان فتوحی قیام اطلاع دادم لهذا چنانچه آقایان امین معادن وحاج علی‌اکبرخان ستوده معادن مزبوررا با دیگری معامله‌کرده باشند یا بعد بنمایند آن معامله فاسد واز درجهٔ اعتبار ساقط خواهد بود واین نوشته برای ادای تکلیف‌دیانت و برای اینکه در روز حاجت حجت بوده باشد و عندالله و عندالرسول مسئول نباشم بآقای میرزا مرتضی خان فتوحی قیام میسپارم فی ۱۳٤۲ محل مهر صادق - بسم‌الله تعالی شأنه العزیز اعترف الحاج الصادق حفظه‌الله بالکتابه بتمام‌مازبرفیه فی‌الثالث فی شهر جمادی‌الاولی ۱۳٤۲ الی‌الاحقر اسدالله‌الموسوی خارقانی. »

فتوحی قیام مدعی است که بواسطهٔ قرار دادی که بین او و مالکین معادن امضا شده‌است هرعملی که ازطرف مالکین پس از عقد قرارداد انجام گرفته از درجهٔ اعتبار ساقط است وهنوز مستأجر قانونی معادن مزبور ایشان هستند.

خلاصه آنکه چندنفر از متصدیان امر که اکنون همه فوت کرده وذکر نام آنها مورد ندارد با خوشتاریا مساعدت کردند تا آنکه فرمانهابه ثبت رسید و بشرکتی که خوشتاریا برای استخراج نفت خوریان سمنان تشکیل داد واگذار گشت.شرکت‌سهامی نفت کویر خوریان درسال ۱۳۰٤ باسرمایهٔ پنجاه ملیون ریال که یك‌سوم آن پرداخته شده بود تشکیل گردید و هیئت مدیرهٔ آن عبارت بود از امیر منظم قفقازی حمزوی- هانیبال منشی خوشتاریا- ابراهیم‌شعبانی- علی‌اکبرستوده- قاضی‌زاده- ودونفرروسی بنام زکاکلین‌وگرگلناد.

سهام شرکت مزبور بی‌اسم بودکه شصت وپنج درصد دردست بانك روس وسی وپنج درصد بخوشتاریا داده شدکه قسمتی ازآن حق دلالی خودش بود و بقیه را بین دوستان ایرانی تقسیم کرد . آنانیکه مشهور بود درین شرکت سهیم بودند یکی تیمورتاش بودکه یك ملیون ریال سهم داشت وآقا میرقفقازی حمزوی (امیرمنظم) که پانصد هزار ریال و ستوده که یکصد هزار ریال و امین معادن یکصد هزار ریال وگروهی‌دیگر که هریك بتفاوت سهامی بآنها داده شده بود . درآن‌ایام شهرت داشت که دوملیون ریال سهام هم بمقامات بالاتری تقدیم شده بودکه مورد قبول واقع نشد وهمانوقت سهام مزبور به بانك پهلوی (بانك‌سپه‌امروز) بخشیده شد .

در دورهٔ پنجم مجلس شورای ملی دکتر مصدق نطقی راجع به ثبت ناگهانی فرمانهامعادن سمنان کرده وازدولت سؤال کردکه درین باب توضیح بدهد و دولت هم درجواب گفت که برای محدود کردن امتیازهای گذشته تصمیم به‌ثبت کلیهٔ امتیازات گرفته شده ودیگرهم قضیه تعقیب نشد . شرکت نفت ایران وانگلیس هم چند بار مدعی شد که سمنان جزو ناحیهٔ امتیازی‌آن میباشد ولی دولت جواب دادکه موقع امتیاز دارسی سمنان جزوخراسان بوده است واعتراض شرکت هم بهمین جا خاتمه یافت .

درسال ۱۹۲٦ دولت وقت ازشرکت نفت ایران وانگلیس تقاضا کردکه چندنفر زمین شناس عالیقدر ومجرب بسمنان فرستاده وبطور خیلی محرمانه وپنهان مطالعاتی دربارهٔ نفت کویرخوریان بنمایند . زمین‌شناسان مزبورمطالعاتی نموده وگزارش‌دادند که تصورنمیرود درناحیهٔ سمنان نفتی موجود باشد واگرهم درسابق نفتی بوده بتدریج بهدر رفته است .

در سال ۱۹۲٦ سه نفر مهندس روسی درنزدیکی حاجی‌آبادکه تاسمنان قریب بیست کیلومتر مسافت دارد شروع بکارکرده و اقدام بحفر چاه نمودند . یکسال بعد شهرت یافت که چاه مزبور بنفت رسیده‌است . حقیقت قضیه این بودکه درعمق یکصدمتر مقداری‌آب مخلوط بانفت بدست‌آمده بود ومهندسین مدعی شدندکه باید تاششصدمتر پائین رفت تابه نفت رسید • از آنوقت به بعد تصور نمیرود اقدام جدیدی صورت گرفته باشد .

درسال۱۹۲۷میلادیدولت‌ایران متعرض‌شد که عملیات درمعدن خوریان بطورکافی توسعه نیافته واقدام‌جدی برای کشف واستخراج نفت صورت نگرفته‌است. مدیران روسی شرکت پیشنهاد کردند که قسمتی ازسهام بفرانسویان واگذار شود تاآنها سرمایه داده وکارشناس بفرستند وکاررا توسعه دهند . دولت این پیشنهاد را پذیرفت و مذاکراتی هم بایك شرکت نفت فرانسه بنام پتروفینا[۱] شروع گشت . در سال ۱۹۲۹ فرانسویها حاضرشدند که درنفت‌سمنان شرکت کنند مشروط براینکه‌عملیات فنی بعهدهٔ آنها واگذار شود وروسها فقط درکارها نظارت داشته باشند . این‌پیشنهاد ازطرف روسها رد شد زیراآنها میخواستند که فرانسویها سرمایه ومتخصص بدهند که زیرنظرروسها کار کنند.

درسال ۱۹۳۰ روسها پیشنهاد کردند که پانزده درصد از سهام خود را مجاناً بدولت واگذار کنند ودولت هم کلیهٔ سهامی که در دست ایرانیان است خریداری کند تاطرفین هریك پنجاه درصد ازسهام‌رادارا باشند . سپس‌دولت حوزهٔ امتیازیه را توسعه دهد وسرمایهٔ بیشتری ازدوطرف برای این‌کار تخصیص داده‌شود تاعملیات توسعه یابد ولی این پیشنهاد هم عملی نگردید .

درسال ۱۹۳۰ شرکتی بنام شرکت مطالعات ایران وفرانسه[۲] درپاریس تشکیل شدکه خود را ذیعلاقه بنفت خوریان نشان میداد . شرکت مزبور چند نفر زمین شناس به سمنان فرستاد وآنهاهم‌مطالعاتی کردند وبفرانسه مراجعت کردند . قراربودکه اگر مطالعات‌آنها امیدبخش‌باشد شرکت نفت خوریان توسعه یافته وباورود سرمایه فرانسه درآن عملیات وسیع تری انجام‌گیرد . بقرار معلوم مطالعات زمین شناسان فرانسوی چندان امیدبخش نبود .

موقعیکه ارتش شوروی در۱۳۲۰ بایران حمله‌کرد یکی از تقاضا های دولت شوروی این بودکه دولت تسهیلاتی برای‌آنها فراهم نمایدکه بتوانند بطرز بهتری از نفت سمنان بهره برداری کنند . دولت ایـران نسبت بچنین تقاضائی اظهار تعجب نمود وگفت اگرقصوری دراستخراج نفت شده مربوط بدولت ایران نیست .

کار بدین منوال بود تا آنکه در سال ۱۳۲۹ شمسی قانون ملی شدن نفت در سر تاسر ایران بتصویب مجلس شورای ملی رسید و خود بخود عملیات خوریان هم مشمول‌آن گشت .

---

(۱) Petrofina (۲) Société Franco-Persane de Recherches

فصل نهم

بخش نخستین ـ نظر دول بزرگ بنفت ایران در موقع جنگ دوم جهانی

بخش دوم ـ تقاضای شوروی برای امتیاز نفت شمال

بخش سوم ـ قدمهائی که برای سازش بین امریکا وانگلیس برداشته شد

بخش چهارم ـ غائلهٔ آذربایجان

بخش پنجم ـ حکومت قوام واولتیماتوم امریکا وقرارداد نفت

فصل نهم

ازین فصل به بعد جریان وقایع مربوط بحوادثی است که در زمان نسل معاصر اتفاق افتاده است . هر کس میداند که تحریر وتقریر حقایق وابسته بعصر حاضر هرقدر هم نویسنده وگوینده متتبع ومحقق باشد وبهراندازه هم که محیط اجازهٔ کشف ونشر اسرار را بدهد بازهم نمیتوان بصحت قطعی آن اظهاراطمینان نمود . درسایر کشورها همه نوع وسایل دراختیارمحققین ونویسندگان قرارگرفته وخواننده و نویسنده هردو استعداد درك حقیقت را دارند اما درمحیط حاضرما که متأسفانه اینگونه شرایط کمتر وجود خارجی پیدا میکند ودائرهٔ کسب اطلاع محدوداست نباید ازنویسنده‌ای انتظار داشت که صد درصد در بارهٔ نوشته های خود مطمئن بکشف حقایق باشد . من وجدان خود را گواه میگیرم که با وجود تمام این محظورات نهایت کوشش را بکار برده‌ام تاحقایقی را بدست آورم وآنچه را که درین فصل و فصول فعد مینویسم فقط از راه آگاه ساختن نسل حاضر وحقایقی است که درنظرمن قطعی منظورگشته است ودرضمن قول واطمینان بخوانندگان میدهم که اگردربقیهٔ عمرمن حقیقتی برخلاف این مندرجات کشف شد خودم داوطلبانه در نوشته های خـود تجدید نظرکنم والا این وظیفه را به حقیقت جویانی حواله میدهم که بعد ازمن میآیند . بنابرین اگرنقیصه‌ای دراظهارات من دیدند حمل برتقصیرننموده بلکه آنرا قصورتلقی کنند وآنچه که برآنان حقیقت‌مسلم ثابت شده باطلاع جامعه برسانند .

بخش نخستین ـ نظردول بزرگ بنفت ایران درموقع جنگ دوم جهانی

هنگامیکه جنگ دوم جهانی شروع گشت اکثریت مردم ایران ازوضع سیاسی واقتصادی خود ناراضی بوده وامیدوار بودندکه تحولی روی دهد تا از زیربار فشار طاقت فرسائی که باآن مواجه بودند رهائی یابند . نظرعمومی نسبت بقرارداد ۱۹۳۳ این بودکه قرارداد مزبور بایران تحمیل شده وباید دراولین فرصت آنرا تعدیل کرده واصلاح نمود.درآمد نفت‌بطوریکه‌مردم انتظار داشتندصرف بهبود وضع اقتصادی تودهٔ مردم نمیشد وبهره‌ای ازآن نصیب اکثریت جامعه نمیگردید . منابع نفت خاورمیانه ـ باستثنای نفت عربستان سعودی که دربست در اختیار امریکائیان بـود ونفت ایران که منحصراً اختصاص بانگلیسها داشت ـ بین سرمایه‌داران امریکائی وانگلیسی وفرانسوی وهلندی تقسیم شده بود وازآن بهره‌برداری میکردند . درشمال ایران روسیهٔ شوروی درانتظار روزی بودکه‌بتواند بدیگران‌بگوید که «ماراهم‌ازین‌نمدکلاهی است»وآلمان

هیتلری در پی فرصتی بود که سیاست خود را در خاورمیانه مستقر کرده ومنابع نفت خاورمیانه را ازرقیبان خود بگیرد .

وقتیکه هیتلر کشورچك اسلواکی را تصرف کرد سیاستمداران فرانسه و انگلیس فهمیدند که بمواعید هیتلر نمیتوان اطمینانی داشت ودیر یازود تجاوزات او بسایر کشورها هم سرایت خواهد کرد وجنگ جهانی مشتعل خواهد گشت . با دولت شوروی مذاکره را آغاز کرده ودرصدد برآمدند که جبههٔ متحدی ازروسیه وفرانسه و انگلستان برضد آلمان ایجاد نمایند تاتجاوزات هیتلررا متوقف سازند . این مذاکرات باحسن نظر از طرف شورویها استقبال شد ولی چون سیاستمداران انگلستان اطمینان زیادی بروسها نداشتند وبیم آن را داشتند که تشکیل چنین جبهه‌ای منتهی به نیرومندی شورویها شده وموجب زحمت آنها شود مذاکرات را باجدیتی که انتظارمیرفت تعقیب نکرده وبجائی نرساندند . هیتلر ازموقعیت استفاده کرده وچندروز قبل ازشروع جنگ قرارداد عدم تجاوزی باشورویها منعقد نمود تافکر او ازطرف شرق موقتاً راحت باشد و بتوانـد بافرانسه وانگلیس درغرب نبردکند . شورویها هم که مذاکراتشان باروس وانگلیس بجائی نرسیده بود ازین قرارداد حسن استقبال کرده ودرصدد برآمدند که حداکثراستفاده را ازموقعیت خود بنمایند . کشورهای بالتیك را ضمیمهٔ روسیه کردند وقسمتی ازلهستان را جزو خاك خود نمودند و ایالت مهمی ازرومانی گرفتند ودرعین حال باعجلهٔ تمام بتقویت ارتش خود پرداختند زیرا میدانستند که قرارداد باهیتلرموقتی است وهمینکه او از جبههٔ غرب فراغت یافت بسراغ آنها خواهد رفت . طولی نکشید که فرانسه ازپای درآمد وارتش آلمان وفرانسه وبلژیك وهلند ودانمارك ونروژ را اشغال کرد وسیادت آلمان برغرب اروپا مستقر گشت .

پس ازخاتمهٔ جنگ دوم جهانی قسمت عمدهٔ پرونده‌ها واسناد سیاسی وزارت خارجهٔ آلمان که بدست امریکائیها افتاده بودمنتشر گشت وآنچه درزیر گفته میشود اقتباس ازآن اسناد است که در کتابی بنام « روابط آلمان نازی و روسیهٔ شوروی در سالهای ۱۹۳۹-۱۹٤۱ » ازطرف وزارت خارجهٔ امریکا درسال ۱۹٤۸ طبع ومنتشر گشته است (۱) .

درنوامبر ۱۹٤۰ مولوتوف نخست وزیر ووزیرخارجهٔ شوروی مسافرتی به برلن کرد وباوزیرخارجهٔ آلمان مذاکراتی راجع بروابط آیندهٔ دوکشور نمود . ضمن این مذاکرات وزیر خارجهٔ آلمان متن عهدنامه‌ای را پیشنهاد کرد که بین روسیهٔ شوروی ودول اتحادسه گانه یعنی آلمان وایتالیا وژاپون منعقد گردد که بموجب آن طرفین مساعی خود را برای خاتمه دادن به جنگ بکار برده و مناطق نفوذ هریك از دول چهارگانه تعیین گشته ومحترم شمرده شود وضمناً وزیرخارجهٔ آلمان گفته بود که بنظر او توقعات ارضی روسیهٔ شوروی متوجه نقاطی خواهد بود که درجنوب روسیه واقع شده وباوقیانوس هند منتهی میگردد (۲) . درین ملاقات مولوتوف نظریات خود را در بارهٔ مناطق نفوذ

---

(۱) « Nazi-Soviet Relations 1939-1941» Documents from the Archives of The German Foreign Office-published By The American State Department in 1948

(۲) صفحهٔ ۲۴۹ ازآن کتاب

وتوقعات ارضی بیان کرده و وعده داد که درمراجعت بمسکو با همکاران خود مذاکره کرده ونتیجه را اطلاع دهد .

پس‌ازمراجعت بمسکو درتاریخ ۲۶ نوامبر ۱۹۴۰ مولوتوف نظرخود را دربارهٔ عقد عهدنامهٔ پیشنهادی بشرح زیربسفیرآلمان اطلاع داد . دولت شوروی باعقد عهدنامهٔ پیشنهادی مشروط بشرایط زیرموافقت مینماید :

(الف) تخلیهٔ فوری فنلاند از طرف قشون آلمان زیرا آن کشور جزو منطقهٔ شوروی است .

(ب) برقراری پایگاه زمینی وهوائی شوروی درتیررس داردانل و عقد عهدنامهٔ همکاری بین شوروی وبلغارستان .

(ج) شناختن ناحیهٔ واقع درجنوب بادکوبه وباتوم درجهت خلیج فارس بعنوان مرکز توقعات‌ارضی شوروی .

(د) الغای امتیازات نفت وزغال ژاپون درجزیرهٔ ساخالین .

ازاسناد فوق‌آشکار میشودکه روسیهٔ شوروی - همان روسیه‌ای که لنین پیشوای بزرگش دراوایل انقلاب هرگونه تجاوزارضی‌را حرام دانسته وامتیازات روسیهٔ تزاری را لغوکرد - هنوز چشم طمع بآبهای‌گرم خلیج فارس داشته وپیش خود ایران‌را جزو منطقهٔ نفوذ خود محسوب میدارد . در ۱۹۴۰ روسیهٔ شوروی حاضرشده بود باآلمان عهد نامه‌ای منعقد کرده وبا مقاصد جنگی آن بوسیلهٔ فرستادن مقادیر زیاد مواد خام بآلمان مساعدت‌کند ولی در ۱۹۴۱ آلمان بروسیه حمله‌کرد وهمهٔ این نقشه ها برباد رفت . ضمناً هم معلوم گشت که روسیهٔ شوروی چشم طمع بایران و خلیج فارس دوخته وهروقت فرصتی پیش‌آید درصدد برخواهدآمدکه نظرخود را درین‌باره تأمین نماید .

درنوامبر۱۹۴۳ کنفرانسی درتهران بین‌استالین وروزولت وچرچیل منعقدگشت . درین کنفرانس استالین پیشنهادکردکه قضیهٔ استخراج وتوزیع نفت خاورمیانه پس از جنگ‌مورد بحث قرارگیرد[۱] . روزولت‌وچرچیل متذکرشدندکه طرح این مطلب درآن موقع مقتضی نیست و بحث راجع بآن را باید بوقت دیگری موکول‌کرد . واضح است که درآنموقع بواسطهٔ احتیاج زیادی‌که روسیهٔ شوروی بمساعدت امریکا و انگلستان داشت اصراری بطرح قضیهٔ نفت نکرد ولی بعدها دیده شد که چگونه دولت شوروی خود را علاقمند بنفت خاورمیانه وبخصوص نفت شمال ایران نشان داد . ازطرف دیگر امریکا وانگلیس‌هم برای‌آنکه تمام منابع نفت خاورمیانه‌رابخود اختصاص‌دهند اقداماتی کردند وقراردادهائی منعقد نمودندکه شرح آن دربخش سوم این فصل‌آمده است .

اندك مدتی پس از ختم‌کنفرانس تهران نمایندهٔ کمپانی نفت شل[۲] وارد تهران شده تقاضا کردکه امتیاز نفت قسمت جنوب شرقی ایران بآن واگذارگردد . چند ماه

---

(۱) بحث راجع بنفت درکنفرانس تهران اقتباس ازکتابی است‌موسوم به « هفت‌ستون سرنگون شده» (چاپ‌لندن درسال ۱۹۵۰ صفحهٔ نهم) «Seven Fallen Pillars» - By Jon Kimche

(۲) Shell Oil Company

بعد یعنی دراوایل سال ۱۹٤٤ نماینده‌ای ازشرکت نفت سینکلر۱ و نمایندهٔ دیگری از طرف شرکت نفت استاندارد واکوم۲ بتهران آمده و برای تحصیل امتیاز نفت نواحی شرق وجنوب‌شرقی بادولت‌ایران داخل‌مذاکره شدند . دولت‌هم دونفرمتخصص‌امریکائی را بنام‌هوور۳ و کوریتس۴ استخدام کرد که بایران‌آمده وازذخایرنفت تمام نقاط ایران برآوردی نموده وپیشنهادهای شرکتهائی که تقاضای امتیاز کرده بودندمطالعه کرده‌و پیشنهادهای‌متقابله‌ای برای‌تسلیم بشرکتهای‌مزبور تهیه نمایند .این دومتخصص چندماهی در تهران توقف کرده ومطالعاتی کردند وهمینکه دولت‌تصمیم گرفت که قضیهٔ اعطای‌امتیاز نفت را درموقع جنگ مسکوت گذارد بامریکا مراجعت نمودند .

خبراینکه دولت با شرکتهای انگلیسی و امریکائی برای دادن امتیازنفت مشغول مذاکره میباشد باعث گشت که درین‌باره چندبار ازدولت درمجلس‌چهاردهم پرسشهائی بشود . درجلسهٔ نوزدهـم مرداد ۱۳۲۳ دکتر رضا رادمنش نمایندهٔ لاهیجان وعضو فراکسیون توده و مدیر روزنامهٔ « نامهٔ مردم » ۵ از نخست وزیر توضیحاتی راجع

---

(۱) Sinclair Oil Co (۲) Standard Vaccum این شرکت وابسته وتابع دوشرکت بزرك امریکائی میباشدکه یکی شرکت نفت استاندارد نیوجرزی و دیگری شرکت نفت سوکونی واکونی واکوم است

(۳) Herbert Hoover Jr. همان‌کسی است‌که بدستوردولت امریکا دراوایل حکومت‌زاهدی بتهران‌آمد واساس قراردادباکنسورسیوم‌راطرح ریزی‌کرد واکنون یکی‌ازمعاونین وزارت‌امورخارجه امریکا میباشد. وی پسر یکی ازرئیس جمهوری های اسبق امریکااست وتحصیلات او در زمین شناسی بوده است .

(۴) A. A. Curtis

(۵) بی مناسبت نیست اگر بطورحاشیه چندسطری راجع بروزنامه «نامه‌مردم» درین جاذکری بشود. پس‌ازشهریور۱۳۲۰ چندنفر ازکسانی (از جمله نویسنده)که بااصول حکومت هیتلر وموسولینی سخت مخالف بوده وهواخواه حکومتهای دموکراسی‌بودند بفکراین افتادندکه روزنامه‌ای باسم«مردم» تأسیس کرده و افکار عمومی را بسوی دموکراسی حقیقی هدایت نمایند و با کسانی‌که طرفدار حکومتهای فاشیستی بودندمبارزه‌کنند وبرای اینکه روزنامه تحت اختیاریك‌فرد بخصوصی نباشدشرکتی بنام « شرکت سهامی چاپ‌روزنامه » باسرمایهٔ‌معینی‌که تکافوی خرج روزنامه رابرای‌چندماه اولیه بنماید تشکیل دادند. یکنفرراهم بعنوان‌کارمندشرکت مزبوراستخدام‌کردندکه نام‌اوصفر نوعی وامتیاز روزنامه هم‌باسم اوگرفته شد. این روزنامه چندماهی دوام‌کرد وروبهٔ‌آن بشهادت مندرجاتش ترویج اصول آزادی ودموکراسی‌ومخالفت بازورگوئی وفساد بود وهمینکه دچارمحظورات مالی‌شدروزنامهٔ«مردم» تعطیل ومتأسفانه‌چندی بعدصاحب‌امتیازآن هم‌فوت‌کرد.

پس ازتشکیل حزب توده نخستین روزنامهٔ‌ارگان‌آن‌حزب روزنامه « سیاست » (بمدیریت‌عباس اسکندری) بود وپس‌ازآن روزنامهٔ «رهبر» بمدیریت ایرج‌اسکندری ارگان رسمی‌حزب‌توده‌گردید و چندسال هم بهمین عنوان‌منتشر میگردید. پس‌از آنکه صفر نوعی فوت‌کرد دکتر رضا رادمنش امتیاز روزنامه‌ای‌راگرفت باسم«نامهٔ‌مردم» وچندسالی‌آنرا بهمین اسم منتشرمیکرد منتهاآنکه کلمهٔ«نامه»را با خطریزدربالای «مردم» چاپ میکرد. پس‌ازآنکه حزب‌توده غیرقانونی‌اعلام‌شدروزنامهٔ «مردم» بدون ذکرکلمه «نامه» دربالای‌آن بطور مخفی شروع بانتشارکرد.

روزنامهٔ «مردم»که امتیازآن با صفرنوعی‌بود وفقط چند ماهی منتشرگشت بهیچوجه با حزب توده مربوط نبود وهرکس بشماره‌های‌آن‌رجوع‌کند خواهد دیدکه‌یك روزنامه‌آزادیخواه‌وطرفدار اصول‌حکومت مردم برمردم‌بود واگرباز کسی بخواهدکنجکاوتر باشدمیتواند بادارهٔ ثبت‌شرکتهادراداره ثبت‌اسنادمراجعه‌کرده وشرکت نامهٔ «شرکت‌سهامی‌چاپ‌روزنامه»که‌در تاریخ۱۶-۱۱-۳۰ بشمارهٔ ۱۴۸۱ به‌ثبت رسیده مطالعه نماید وآگاه‌گرددکه پس‌ازچندی هم‌شرکت مزبور منحل‌گردید.

شباهت بین اسم روزنامه «مردم» واسم روزنامه دیگری بنام «نامهٔ مردم» فرصت خوبی به تهمت زنندگان ومفتریان حرفه‌ای‌که عده‌شان‌کم‌نیست دادکه این‌دوروزنامه راباهم‌یکی‌دانسته ومدعی شوندکه روزنامه «مردم» ارتباطی باحزب‌توده داشته است درصورتی‌که این‌نسبت‌کذب محض‌وشهرتی است‌که مغرضین داده‌اند.

بمذاکرات نفت خواست وضمن بیانات خود مطالب زیر را گفت که شایان بسی توجه است : -

« بنده خواستم عرض کنم که بنده و رفقایم بادادن امتیازات بدولتهای خارجی بطور کلی مخالفیم . همانطور که ملت ایران توانست راه آهن را خودش احداث کند بنده یقین دارم که با کمك مردم وسرمایهٔ داخلی میتوانیم تمام منابع ثروت این مملکت را استخراج کنیم وشاید بتوانیم بموضوع بدبختی مردم این مملکت بهبودی بدهیم . اگر فرض کنیم که این مورد استثنائی است من تعجب از عجلهٔ درین قضیه میکنم که چرا ما در یك چنین موقع بحرانی که تمام دنیا درآتش میسوزند درین امر اینقدر تسریع میکنیم و بعقیدهٔ بنده این تسریع بهیچوجه صلاح نیست و مقتضی نیست درچنین موقعی باعجله ما یك اقدامی بکنیم که شاید قرنهادرآتیه تأسف آنرا بخوریم . بنابرین ازجناب آقای نخست وزیرخواهش میکنم آنقدری که اطلاع دارند توضیح بدهند . » [۱]

درجواب پرسش فوق ساعد نخست وزیر وقت چنین اظهار داشت : -

« درآبانماه ۱۳۲۲ (اینکه فرمودند عجله میکنند ملاحظه میفرمائید که عجله درکار نیست) دونفر ازمدیران شرکت «شل» ازلندن بتهران آمده وپیشنهاد دایر بامتیاز نفت قسمت جنوب شرقی ایران را بدولت تسلیم داشته ودراسفندماه همان سال نماینده‌ای نیز ازطرف شرکت امریکائی « استاندارد واکوم » بتهران وارد ونیز برای تحصیل امتیاز در همان ناحیه پیشنهاداتی بدولت دادند . ضمناً کمپانی امریکائی «سینکلر» نیز اطلاع داد درنظر دارد پیشنهاداتی درین خصوص تسلیم دارد و اخیراً پیشنهاداتی هم ازکمپانی مزبور رسیده . چون قبل از هرچیز لازم بود پیشنهادات واصله مورد مطالعه قرارگیرد وتقاضای هریك ازآنها معلوم ومشخص گردد شروع بمطالعات لازم نمود ونظر باینکه اعطای چنین امتیازی ایجاب مینمود که موضوع ازلحاظ فنی نیز کاملا مورد دقت قرارگیرد آقایان «هوور» و « کرتیس» که تخصص وسابقهٔ زیادی درامور مربوط بنفت دارند استخدام واخیراً بتهران وارد شده وباکمیسیونی که دربالا بعرض رسید شروع بکار نموده اند. بطوریکه ملاحظه میفرمائید اقداماتیکه تاکنون بعمل آمده جنبهٔ مطالعاتی داشته وقبل ازاتخاذ هرگونه تصمیم دولت نظر نمایندگان محترم مجلس شورای ملی را جلب خواهد نمود تابآنچه موافق بامصالح ومنافع کشور باشد عمل شود . »

پس ازپرسش وپاسخ فوق دیگر برای هیچکس در داخل وخارج شبهه‌ای باقی نماند که شرکتهای انگلیسی وامریکائی بادولت ایران مشغول مذاکره هستند که امتیازات نفت بدست آورند وتردیدی نبود که دولت شوروی هم درین باره ساکت نخواهد نشست . نکتهٔ قابل توجه بیان دکتر رضا رادمنش است که رسماً از طرف فراکسیون پارلمانی حزب توده گفته بوده است که او ورفیقانش بادادن امتیازات بدولتهای خارجی بطور کلی مخالفند ولی چندی بعد حزب توده هواخواه وطرفدار اعطای امتیاز نفت شمال بروسها شد که شرح آن بعد خواهد آمد .

---

(۱) نقل ازصورت مشروح مذاکرات مجلس شورایملی

بخش‌دوم - تقاضای شوروی برای امتیاز نفت شمال

همینکه دولت شوروی اطمینان پیدا کرد که درتهران مذاکراتی برای واگذاری امتیازهای نفت بشرکتهای خارجی درجریان است بفکر این افتاد که ازموقعیت استفاده کرده و هیئتی بایران اعزام دارد تا تقاضای امتیاز نفت شمال را بکنند. در تاریخ ۱۵شهریور ۱۳۲۳ مجیدآهی‌سفیر ایران درمسکو بدولت تلگراف کرد که هیئتی برای مذاکره راجع بنفت خوریان ازطرف دولت شوروی بتهران خواهد آمد. درجواب دولت‌اطلاع‌میدهد که ازملاقات ومذاکرات حضوری که بنفع دوکشور باشد کمال مسرت حاصل خواهد شد. درتاریخ ۲٤ شهریور هیئت‌مزبور بریاست‌کافتارادزه[۱] وارد تهران شد وپس ازمسافرتی به سمنان وسایرنقاط شمالی بتهران مراجعت کرد ودریك مصاحبهٔ مطبوعاتی چنین‌اظهارداشت :

من دررأس یك هیئت دولتی بمنظور مطالعهٔ وضع شرکت نفت خوریان وتحصیل اطلاعات در مـورد منابع طبیعی نفت شمال وارد ایران شده‌ام وبا اجازهٔ دولت خود پیشنهادی بدولت ایران تقدیم خواهم داشت که امتیاز کشف و استخراج نفت درمناطق شمالی ایران بدولت شوروی واگذار گردد.

در تاریخ ۲۷ مهر ماه ۱۳۲۳ محمد ساعد نخست وزیر در مجلس شورای ملی خطابه‌ای ایراد کرده وگفت مذاکراتی باشرکتهای خارجی درباب واگذاری امتیازات نفت درجریان بوده است ولی دولت در تاریخ یازدهم شهریور۱۳۲۳ تصمیم گرفت که قبل ازروشن‌شدن وضع‌اقتصادی ومالی‌دنیاواستقرارصلح عمومی‌مطالعهٔ اعطای‌هیچگونه امتیازخارجی مقتضی وضروری نمیباشد.

درتاریخ سوم‌آبانماه ۱۳۲۳ کافتارادزه مصاحبهٔ مطبوعاتی ترتیب داد وباربابان جراید شرح مفصلی راجع بفوائد امتیازی که دولت شوروی تقاضا کرده است بیان کرد وگفت که نخست وزیر در مذاکرات خود با او نه تنها حسن تلقی کامل و وارد بودن در موضوع را اظهار نمود بلکه برای انجام کارهم وعدهٔ مساعدت داد ودرپایان مصاحبه گفت اکنون معلوم شده که دولت ایران تصمیم گرفته است مطالعهٔ واگذاری امتیاز را به پایان جنگ موکول سازد واین تصمیم درمحافل شوروی‌کاملاً بطورمنفی تلقی گردیده‌است ودولت‌ایران بوسیلهٔ چنین رویه‌ای درراه تیرگی‌مناسبات بین دوکشور قرار گرفته است.

درتاریخ هفتم‌آبان نخست وزیرمصاحبه‌ای باجرایدکرد واظهار داشت که عنوان آمدن هیئت شوروی بایران برای مذاکره درباب نفت خوریان بود نه‌برای نفت شمال وپس ازآمدن‌کافتارادزه وعنوان اینکه نفت شمال را میخواهند بایشان اطلاع دادیم که هیئت دولت تصمیم گرفته‌است تاپایان جنگ هیچ امتیازی داده نشود. وبعد نخست‌وزیر اظهارداشت علت تصمیم دولت این است که اولاً درین موقع که نیروی سه دولت متفق

---

(۱) Sergei I. Kavtaradze

درایران هست هرامتیازی باهرشرطی که داده شود افکارعامه اینطور تلقی خواهد کرد که شاید دولت آزادی نظر و آزادی تصمیم را دردادن امتیاز نداشته است . ثانیاً درحال حاضر وضع اقتصادی دنیا روشن نیست وبعد ازجنگ البته بهترمیتوان تشخیص داد که بچه ترتیب وباچه شرایطی امتیاز بدهیم . ثالثاً مذاکراتیکه درکنفرانس نفت درواشنگتن بعمل آمده موضوع را دربلاتکلیفی وابهام قرارداده است . رابعاً تمام گزارشهائی که از نمایندگان دولت در خارج رسیده تأکید میکند که تا پایان جنگ هیچ امتیازی داده نشود .

پس از مصاحبه های فوق روزنامه های حزب توده و هواخواهان آنها حملات شدیدی بدولت کردند وحزب مزبور باوجوداینکه یکی ازپیشوایان آن درمجلس صریحاً مخالفت بادادن هرامتیازی کرده بود دسته هائی برای طرفداری از اعطای امتیاز نفت بروسها درخیابانهای شهر راه انداخته وخواهان تغییرتصمیم دولت شدند ودرمقابل هم ازطرف مردم تظاهراتی بر ضد اظهارات کافتارادزه بعمل میآمد . چندهفته این حملات وتظاهرات ادامه داشت تاآنکه دکترمصدق درجلسهٔ یازدهم آذرماه ۱۳۲۳ طرحی بقید دوفوریت بتصویب مجلس رساند که مادهٔ اول آن میگفت هیچ نخست وزیر ووزیر و کفیل وزارتخانه ومعاون نمیتواند درباب امتیاز نفت باهیچیك از نمایندگان رسمی وغیر رسمی دول مجاور وغیرمجاوو یا نمایندگان شرکتهای نفت وهرکس غیرازین مذاکراتی که اثرقانونی دارد بکند . در مادهٔ دوم این لایحه گفته شده بود که نخست وزیر و وزیران میتوانند برای فروش نفت وطرزی که دولت ایران معادن نفت خود را استخراج و اداره میکند مذاکره نمایند وازجریان مذاکرات باید مجلس شورای ملی را مستحضر نمایند ودرمادهٔ سوم وچهارم مجازاتهای سنگین برای متخلفین منظور کرده بود .

قبل از تصویب طرح فوق دکترمصدق نطقی بشرح زیر ایراد کرد :«هیچکس نمی تواند بگوید که نفت نباید استخراج شود ویا اینکه نفت شمال بجنوب برود ودرآنجا بامریکا فروخته شود هیچکس نمیتواند منکر این اصل اقتصادی شود که هرقدره مخارج استخراج واداری و کرایه کم شود نفت بهترمیتواند دربازار بین المللی رقابت نماید و بازکسی نمی تواند منکر شود که اگردولت شوروی بامتفقین ساخت وموانع گرفتن امتیازرا ازبین برداشت دیگر خریدارنفت نیست واستخراج نفت بدست خودمان محال است . آنهائی که استخراج نفت را به بعد ازجنگ محول میکنند غیر ازاجرای مقاصد بیگانگان نظری ندارند . آقای نخست وزیرمن عقیدهٔ خود را درمقابل خدا ووجدان گفتم واگرقصور کنید شما وهیئت شمارا خادم به مملکت نمیدانم . باید باستخراج نفت بدست خود ما اهمیت بدهید وبرای اینکار وزارت خاصی تشکیل دهید وهرچه زودتر یك وزیرصاحب عقیده وکاردان معین کنید وبرای مردم بیکارتهیهٔ کار نمائید که صلاح ما ومتفقین درین است زیرا ما باید بین متفقین مجاور ودوست فاصله باشیم وصلح عالم را تأمین کنیم . »

روز بعدیعنی درجلسهٔ دوازدهم آذرماه ۱۳۲۳ نمایندهٔ قوچان (غلامحسین رحیمیان) طرحی برای الغای امتیاز نفت جنوب بمجلس تقدیم نمود که متن آن بقرار زیربود :-

مادهٔ واحده - مجلس شورای ملی ایران امتیاز نفت جنوب را که در دورهٔ

استبداد بشرکت دارسی واگذار شده و در دورهٔ دیکتاتوری نیز آنرا تمدید وتجدید نموده‌اند بموجب این‌قانون الغاء مینماید .

رحیمیان پس ازقرائت طرح پیشنهادی خود خطاب بدکترمصدق نموده وگفت :

« آقای دکتر شما که طرح مفید دیروز را راجع بعدم اعطای هرگونه امتیاز بخارجیها پیشنهاد کردید و تصویب شد اکنون باید اولین کسی باشیدکه این طرح را امضا کنید . »

دکتر مصدق از امضای طرح فوق استنکاف کرده وگفت نمیتوانیم قرارداد را یکطرفه فسخ نمائیم .

پس‌ازتصویب قانون منع‌اعطای امتیاز نفت شمال‌کافتارادزه بروسیه مراجعت‌نمود وهمه‌کس میدانست‌که رنجش روسها ازین بابت عواقب وخیمی را دربرخواهد داشت .

بخش سوم ـ قدمهائی که برای سازش بین امریکا وانگلیس برداشته شد

همانطورکه پس ازجنگ اول جهانی شرکتهای نفت‌امریکا تبلیغات دامنه‌داری راجع به‌کم شدن ذخایرنفتی امریکا کردند وباکمك دولت خود توانستند درمنابع نفت خاورمیانه سهم بسزائی تحصیل نمایند[۱] درجنگ دوم هم فغان و فریاد برداشتند که عملیات جنگی موجب شده است‌که قسمت عمدهٔ مصرف نفت متفقین ازمنابع امریکاتأمین گردد وسزاواراست‌که جبران این‌کار بشود .

درماه فوریهٔ ۱۹۴۳ کمیتهٔ مخصوص سنای امریکا که مأمور بررسی برنامهٔ دفاع ملی بود و ریاست آن با سناتور ترومن[۲] بود گزارش خود را در بارهٔ وضع نفت در موقع جنگ منتشرنمود . درین‌گزارش شرح مبسوطی راجع به کاهش ذخایرنفتی امریکا بیان شده وپیشنهادکرده بودکه اتباع امریکا بایستی بیش از پیش ذخایر نفتی سایرکشورها و بخصوص خاورمیانه را بدست‌آورده ودولت‌امریکا باید ازسرمایه‌داران امریکائی که باین‌کارمبادرت میکنند نهایت تقویت وپشتیبانی‌را بنماید . چندی بعد یکی ازسناتورهای امریکا موسوم به سناتور بروستر[۳] گزارشی تقدیم مجلس سنای امریکا نمودکه درآن چنین‌گفته شدهٔ بود :ـ

« باوجود اینکه بریتانیا ذخایر نفت عمده‌ای داردکه از ذخایر امریکاکمتر نیست میزان مصرف آن طوری است‌که تا یکصد سال دیگر هم ذخایر آن کشور دوام خواهد داشت . در حال حاضر فقط هشت در صد ازکل مصرف دول متفق درین جنك ازمنابعی‌که تحت‌کنترول بریتانیاست‌تحصیل‌میشود درصورتیکه‌هشتاددرصد مصرف دول مزبور را امریکا تأمین مینماید . »

در همان اوقات بحث مفصلی در محافل سیاسی و جراید امریکاجریان داشت‌که

---

(۱) شرح این‌قضیه درفصل‌سوم بخش‌چهارم بتفصیل‌ذکرشده‌است.

(۲) Senator Harry Truman که پس‌ازفوت روزولت‌بریاست‌جمهوری‌امریکا منصوب‌گشت

(۳) Senator Brewster

همه ازکاهش ذخایر نفتی امریکا شکایت داشته و جبران آنرا بنوعی مطالبه میکردند. شدت تبلیغات شرکتهای نفت امریکا تاحدی مؤثر واقع گشت و روزولت رئیس جمهور امریکا درگزارشی که درسال ۱۹۴۳ راجع بکار های « وام واجاره » به‌کنگره داد چنین گفت :

« درآینده مانند سابق منابع‌نفتی هریك از دول متفق هم برای مساعی جنگی بخصوص‌آندولت وهم برای مساعی همهٔ دول‌متفق بمصرف خواهد رسید ومصرف‌مزبور به‌تناسب حداکثرتوانائی هریك از دول درامر استخراج وتحویل مواد نفتی‌موردلزوم جنگ خواهد بود» .

شرکتهای نفت امریکا به‌بیانات واقدامات فوق قانع‌نشده وافزایش مصرف نفت را درموقع جنگ همواره متذکرگردیده واز دولت خود میخواستندکه جدیت بیشتری برای تحصیل امتیازات نفت درکشور های دیگر برای آنها بنماید و بعبارت دیگر میخواستندکه وضع جنگ را بهانه قراردادە وبدیگران فشار بیاورند تا قسمت عمدهٔ منابع نفت خاورمیانه‌را بدست آورند وکاری کنندکه انگلستان مجبور شود قسمتی از امتیازات خودرا بآنها واگذار نماید. دولت‌امریکا میل نداشت‌که درموقع‌جنگ‌جدالی بین متفقین برسر نفت ایجاد شود ولی درعین‌حال تحت‌فشار سخت شرکتهای‌نفت‌امریکا قرارگرفته بودکه مدعی بودند تقاضاهای آنها مبتنی برمنافع ملی بوده وهدف آنها تأمین آینده مملکت میباشد .

بتدریج‌که جنگ توسعه یافت وطرفین در جبهه های مختلف به نبرد پرداختند دولت امریکا علاقهٔ بیشتری بامر نفت ظاهرساخت وعقیده‌مند شدکه باید دولت خود درین امر دخالت نموده ومنافع نفتی‌کشوررا تأمین نماید وواگذاری تمام‌کاربسرمایه‌داران از حزم واحتیاط دور است. دلایلی هم ذکر میکردکه بقرار زیر بود :

اول آنکه اگر کار نفت تنها بدست سرمایه‌داران باشد آنها فقطسود تجارتی خودرا درنظرگرفته و چه بسا کـه منابع نفت را بسرعت استخراج و بفروش رسانند بدون اینکه آینده را درنظر بگیرند ولذا وظیفهٔ دولت این است‌که بعضی از منابع‌را بطور ذخیره نگاهدارد واستخراج ازین نواحی‌را محدودکرده و تحت نظر خودگیرد.

ثانیاً توجه سرمایه‌داران منحصراً معطوف بسود خود میباشد و هرجاکه زیانی به‌بینند ازآن احتراز کرده و هرجا نفعی باشد بآن جلب میشوند.امنیت‌ملی امریکاممکن است ایجاب کندکه دولت امتیازاتی‌که سود آنی نمیدهد بدست‌آورد وازلحاظ منافع کلی‌کشور باستخراج منابع مخصوصی‌که سود فراوان ندارد اقدام‌کند و یا آنکه در نقاطی‌که صرف نمیکند خط لوله‌کشیده وپالایشگاه بنا نماید .

ثالثاً اگر دولت درکارنفت دخالتی نداشته باشد شرکتهای نفت‌ممکن است‌کارتلی تشکیل داده وقیمتهای‌گزافی برای فراورده های نفتی تقاضا نمایند درصورتیکه‌دخالت دولت مانع تشکیل انحصار ها و تروستها وکارتلها خواهد شد ومصرف دولت بقیمت های مناسبی تأمین خواهدگشت .

نظر بملاحظات فوق درماه ژوییه ۱۹۴۳ دولت امریکا مؤسسه‌ای بنام « شرکت

ذخایر نفت»[۱] تأسیس کرد . از جمله وظایفی که برای مؤسسهٔ مزبور معین شده این بود :

خرید وتحصیل ذخایر نفت خام درخارج امریکا ـ خرید سهام شرکتهائی که‌چنین ذخایری را دارا بودند ـ انبارکردن وحمل ونقل واستخراج وپالایش وخرید وفروش نفت خام و مشتقات آن ـ ایجاد و ساختن پالایشگاه ها و انبار های ذخیره ومخازن و کشیدن خط لوله و خلاصه هرگونه عملیات دیگری که برای حصول مقصود لازم‌آید . مستر ایکس[۲] وزیرکشور بسمت ریاست هیئت‌مدیرهٔ شرکت مزبور تعیین شد واعضای هیئت‌مدیره هم عبارت‌بودند از وزیران‌خارجه وجنگ و دریاداری ورئیس‌ادارهٔ‌اقتصاد خارجی .

اولین قدمی که مؤسسهٔ مزبور برداشت این بود که درصدد برآمد امتیازات‌اتباع امریکا را در بحرین و عربستان سعودی خریداری نماید و مذاکرات با شرکت نفت استاندارد کالیفورنی و شرکت نفت تکساس بدین‌منظور شروع گشت. شرکتهای‌مزبور که صاحب امتیاز نفت این دوکشور شده بودند از فروش سهام شرکت های تابعه و وابسته خود که درعربستان‌سعودی و بحرین‌کار میکردند خودداری کرده وبنای مخالفت را با دولت گذاشتند ودرین مخالفت همهٔ شرکتهای بزرگ نفت امریکا باآنها همساز گردیدند.شرکتهای‌نفت‌مدعی گشتند که‌دخالت‌دولت‌امریکا درامر نفت وتجارت‌بین‌المللی نفت موجب خواهد شد که اساس قیمتها برهم ریزد و دخالتهای ناروای دولت تجارت را مختل نماید ومانع ازین شود که شرکتهای خصوصی امتیازاتی درکشورهای دیگر تحصیل نمایند .

در قدم اول مؤسسهٔ مزبور شکست فاحشی خورد زیرا شرکتهای نفت ازهمکاری با آن خودداری کردند واز عقیدهٔ عمومی امریکائیان که طرفدار اصول سرمایه‌داری و مخالف با دخالتهای دولت درامور بازرگانی میباشد نهایت استفاده راکرده و دولت ناچار بعقب نشینی شد. چندماه بعد یعنی در فوریهٔ ۱۹٤٤ مستر ایکس اعلام داشت که مؤسسهٔ دولتی « شرکت ذخایر نفت » با شرکتهای نفت مربوطه توافقی حاصل کرده است که بر طبق آن دولت امریکا خط لولهٔ بزرگی از معادن نفت کشور های مجاور خلیج فارس به‌مدیترانه بکشد. ونیز اعلام شد که ایجاد چنین لوله‌ای باعث‌خواهد گشت که استخراج معادن نفت کویت وعربستان سعودی تسهیل وتسریع گردد و دولت‌امریکا نظارت‌کاملی در استخراج نفت این نواحی حاصل نماید وعلاقهٔ دولت‌امریکا به‌برقراری صلح وتأمین آسایش درخاورمیانه‌محکم‌تر گردد .

چون‌اختیارات‌دولت‌امریکا درموقع جنگ باندازه‌ای‌بود که میتوانست بشرکتهای نفت تا حدی فشارآورد وآنها را وادار به تمکین نماید شرکت های نفت استاندارد کالیفورنی و شرکت نفت تکساس با پروژهٔ فوق درظاهر موافقت نمودند ولی طولی نکشید که جنگ تمام شد و اختیارات جنگی دولت امریکا منقضی گشت و شرکتهای نفت با قرار فوق راجع بکشیدن خط لوله مخالفت کرده وخود بعد ها مستقلا بدان‌کار

---

(۱) Petroleum Reserves Corporation (۲) Mr. Ickes

اقدام نمودند. نظر دولت امریکا این بود که با ایجاد چنین خط لوله‌ای نظارت کاملی در حمل ونقل نفت خاورمیانه بدست‌آورد ونه تنها شرکتهای نفت امریکا را بلکه شرکتهای انگلیسی وفرانسوی وهلاندی را تابع نظریات‌خود قراردهد. ولی این‌نظر با چنان مخالفتی در داخل وخارج امریکا مواجه گشت که دولت ناچار شد ازآن دست بردارد و مخفی نماند که خارجیان یعنی انگلیسها هم با شرکت‌های نفت امریکا همصدا شده و در خنثی کردن این پروژه از بذل هیچگونه مساعدتی خودداری نکردند.

ازاوریل ۱۹٤٤ مذاکراتی بین دولتین امریکا و انگلیس‌راجع به نفت‌شروع گشت که منتهی به دو قرارداد شد. قرارداد اول که‌بامضای‌طرفین‌رسید وبعد مواجه‌بامخالفت شرکتهای‌نفت‌امریکا گردیدو ملغی گشت قراردادی‌بود که‌در ماه اوت ۱۹٤٤ منعقد گشت‌و مقررمیداشت که اولاً مقادیر کافی نفت‌دردسترس همهٔ کشور های‌خواهان‌صلح بقیمت‌های عادلانه ومناسب قرار گیرد و هیچگونه تبعیضی برای مصرف کنندگان در بین نباشد. ثانیاً یك کمیسیون بین‌المللی‌نفت تشکیل گردد که اعضای‌آن مرکب از نمایندگان‌امریکا وانگلیس باشند ووظیفهٔ کمیسیون مزبور این خواهد بود که مصرف نفت جهانرا تخمین زده وبدولتین امریکا وانگلیس طریقهٔ تهیهٔ مقدار نفت لازم راکه جوابگوی مصرف باشد پیشنهاد نمایند تا شرکتهای نفت تابع دولتین‌آنرا بموقع اجراگذارند. ثالثاً دولتین یك کنفرانس‌بین‌المللی نفت‌درآینده دعوت کنند که‌عموم کشور های تولید کننده ومصرف کنندهٔ نفت درآن شرکت جویند وامور بین‌المللی نفت را تحت‌نظم وقاعده‌ای درآورند که بنفع عموم باشد.

هدف وقصد قرارداد مزبور این بود که امریکا و انگلیس که در آنوقت هشتاد درصد از منابع نفت جهانرا دردست داشتند ترتیبی بین خود دهند که در آینده صنعت نفت جهان بانظر آنها اداره شده وطبق میل وارادهٔ آنها کار کند وبرای خالی نبودن عریضه درقرارداد وعده داده بودند که درآینده کنفرانسی دعوت کرده ودیگرانرا هم وارد نمایند. شرکتهای نفت امریکا که قدرت‌و نفوذ بس عظیمی دردستگاه دولت‌امریکا دارند با قرارداد مزبور بسختی مخالفت کردند و مدعی شدند که تشکیل کمیسیون بین‌المللی نفت مذکور در قرارداد موجب خواهد شد که دولت درامور بازرگانی آنها دخالت کرده‌واستقلال‌عمل‌را ازآنها سلب نماید. این‌مخالفت‌باعث گردید که‌قراردادعملی نگردد. علاوه برمخالفتهای داخلی که دولت‌امریکا بدان مواجه گشت جراید خارجی هم شدیداً بقرارداد مزبور حمله کردند وبخصوص محافل‌سیاسی شوروی وجراید آنکشور انتقاد های سختی کرده وعقد چنین قراردادی را درموقع جنگ برخلاف‌اصول‌همکاری و دوستی خواندند.

پس‌از آنکه قرارداد اولی ازمیان رفت ودولتین امریکاوانگلیس ملاحظه کردند که عقیدهٔ عمومی با آن مخالف است مذاکرات خودرا تجدید نموده وقرارداد دیگری

درسپتامبر ۱۹۴۵ منعقد کردند که مقررات عمدهٔ آن بقرار زیر بود :

(الف) ـ مقادیر کافی نفت برای بازرگانی بین‌المللی و اتباع دو کشور بدون هیچگونه تبعیضی باید فراهم گردد .

(ب)ـ منافع کشورهای مولد نفت بمنظور پیشرفت امور اقتصادی آنها باید تأمین گردد

(ج) کلیهٔ امتیازات وقرارداد های موجود که از طرف اتباع دو دولت تحصیل شده محترم شمرده خواهد شد وهیچگونه دخالت مستقیم یا غیرمستقیم ازطرف اتباع یك دولت در قرارداد ها وامتیازات اتباع دولت دیگر نخواهد شد.

(د) در باب تحصیل امتیازات در آینده اصل فرصت مساوی برای اتباع طرفین محفوظ خواهد بود

(ه) کشف و استخراج نفت وساختن پالایشگاه و خطوط لوله وسایر وسایل با تضییقاتی که مخالف روح قرارداد باشد مواجه نخواهد شد .

(و) ـ کمیسیونی مرکب از شش عضو که سه‌نفر را هریك از دولتین انتخاب خواهد کرد معین خواهد شد که فقط کارش مطالعه و بررسی امـور نفت باشد و نتیجهٔ مطالعات خودرا برای توافق دادن بین سیاست نفتی دولتین تقدیم خواهدداشت.

اگرچه قرارداد اولی مواجه با مخالفت‌شدید پادشاهان نفت امریکا گردید قرارداد دوم مورد تصویب آنها بود واقداماتی هم برای تصویب آن صورت گرفت ولی پس از چندی که قرارداد برای تصویب به مجلس‌سنای امریکا تقدیم شد معوق ماندو تقریباً دفن گردید. علت عدم تصویب این بود که اولاً درآنوقت جنگ خاتمه یافته بود و دولتهای دیگر بآن معترض بودند وثانیاً شرکتهای نفت امریکاوانگلیس بین خود قراردادهائی برای تحکیم وتکمیل کارتل نفت داده بودند که دیگر احتیاجی به قرارداد فوق نبود .

انگلیسها حاضر شدند بوسیلهٔ قرارداد های مخصوص مقدار زیادی نفت ایران و کویت سهم خودرا بامریکائیها بفروشند وآنها را راضی سازند وشرکتهای نفت امریکا هم که با هر گونه دخالت دولت درکار های خودشان مخالف بودند صلاح را برین دیدند که قضایا را بین خود وشرکتهای انگلیسی بطور خصوصی حل کنند لذا هردوقرارداد منتفی گردیدوازمیان رفت.

درین‌جا باید متذکر شد که مذاکرات بین دولتین امریکا وانگلستان برای عقد قرار داد راجع بنفت متعاقب تقاضائی بود که استالین درکنفرانس تهران دربارهٔ بحث راجع بنفت کرده بود وبسیاری‌را عقیده برین بود که دولتهای امریکاوانگلستان میخواستند باعقد قرارداد های فوق تمام درها را بروی روسیهٔ شوروی بسته و آنکشور را برای همیشه از دخالت درامور نفت خاورمیانه بازدارند.

بخش چهارم ـ غائله آذربایجان

درتاریخ نهم بهمن ۱۳۲۰(۲۹ژانویه ۱۹۴۲) پیمان اتحادی بین دولت ایران و دولتهای روس وانگلیس منعقد شد که فصل پنجم آن چنین میگوید:

«پس‌از آنکه کلیه مخاصمه مابین دول متحده (روس وانگلیس) بادولت آلمان و

شرکای آن بموجب یك یاچند قرارداد متارکهٔ جنك متوقف شد دول متحده درمدتی که زیاده ازشش ماه نباشد قوای خودرا از خاك ایران بیرون خواهندبرد واگر پیمان صلح مابین آنها بسته شد ولواینکه قبل‌ازششماه بعدازمتارکه‌باشد بلافاصله قوای خودرابیرون خواهندبرد. مقصود ازشرکای‌دولت آلمان‌هردولت‌دیگری‌است که اکنون‌یادرآینده‌بایکی ازدول متحده بنای مخاصمه گذاشته یابگذارد.»

موقعیکه کنفرانس تهران‌تشکیل‌شد ورئیس جمهورامریکا ونخست وزیران روسیهٔ شوروی وانگلستان درتهران حضور داشتند اعلامیه‌ای ازطرف‌آن سه دولت درتاریخ نهم‌آذر ماه ۱۳۲۲ (اول دسامبر ۱۹۴۳) منتشر گردید که قسمت آخر آن بشرح زیراست :-

« دولت های کشورهای متحده امریکا واتحاد جماهیر شوروی و ممالك متحدهٔ انگلستان در حفظ استقلال وحاکمیت وتمامیت ارضی ایران بادولت ایران اتفاق نظر دارند وبمشارکت ایران با سایرملل صلح‌دوست دربرقراری صلح بین‌المللی وامنیت و سعادت بعداز جنگ برطبق اصول منشور اتلانتیك که مورد قبول هر چهار دولت است استظهار دارند.»

جنگ باآلمان روزهیجدهم اردیبهشت ۱۳۲٤(۸ماه مه۱۹٤٥) خاتمه یافت‌وجنك باژاپون هم درتاریخ یازدهم شهریور ۱۳۲٤ (دوم سپتامبر ۱۹٤٥) بپایان رسید وطبق پیمان اتحاد که دربالاذکرشد ارتش روس وانگلیس وامریکامیبایستی تاتاریخ یازدهم اسفند ۱۳۲٤ (دوم‌ماه مارس۱۹٤٦) ایرانرا بکلی تخلیه کرده باشند. ارتشهای‌امریکا وانگلیس بتعهدات‌خودوفا کرده وقبل‌ازروز مقررازایران خارج‌شدند ولی‌ارتش‌شوروی تعهد خودرا درموعد مقررانجام نداد.

شرح غائله‌آذربایجان بتفصیل درجراید وقت ومذاکرات مجلس دورهٔ چهاردهم ذکرشده وتکرارآن دراینجازائدبنظر میرسد ولی نکاتی چند درباب‌آنچه درخارج از ایران بوقوع پیوست ودرحل قضیه مؤثربود قابل ملاحظه میباشدکه متأسفانه در ایران بطورشایسته وکامل منتشرنگشته است. چون‌ازنظر تاریخ مهم میباشد وارتباطی‌هم با نفت دارد درزیربذکرآن میپردازیم .

کنفرانس یالتا۱ درچهارم فوریهٔ۱۹٤٥ بین‌سران سه‌دولت متفق یعنی‌رئیس‌جمهور امریکا واستالین وچرچیل منعقد ودرتاریخ یازدهم همان‌ماه‌خاتمه یافت. درین کنفرانس بین سران سه‌دولت توافقهائی راجع بمسائل بعدازجنگ حاصل گردید و بعقیدهٔ بسیاری اجتماع دریالتا مهمترین کنفرانسی بودکه درتمام مدت جنك بین‌سران سه دولت منعقد شده بود زیرادرین کنفرانس بودکه شالودهٔسازمان ملل متحدریخته شد وروسیهٔشوروی تعهدکردکه اعلان جنگ بژاپون بدهد وسران سپاه‌متفقین نقشهٔ همکاری رابرای‌نبرد-های‌آخری جنك طرح کردند. پس ازفوت روزولت رئیس جمهوراسبق امریکا بسیاری ازامریکائیان‌رویهٔدولت خودرادرآن کنفرانس انتقادکرده وبرآن خرده گرفتند ومدعی شدندکه روزولت برای تحبیب دولت شوروی گذشتهـای زیادی درآن کنفرانس بنفع

---

(۱) Yalta بندری است‌درشبه‌جزیرهٔ کریمه واقع‌دردریای سیاه

روسها کرده بود. پس‌ازچند سال که اینگونه انتقادات رواج بسیار یافت ومتن‌مذاکرات یالتا هم تا آنوقت منتشر نشده بود ادوارد استت تینوس[۱] وزیر خارجهٔ امریکا در موقع انعقاد کنفرانس مزبور کتابی بنام « روزولت وروسها »[۲] منتشر کرد که شامل قسمتی ازمذاکرات کنفرانس یالتابود ودرین کتاب سعی کرده بود که از روزولت دفاع کرده وانتقادات مخالفین اوراجواب گوید. این کتاب درسال ۱۹۵۰ منتشر گشت ومعلوم شد که سران سه دولت دربارهٔ ایران هم مذاکراتی درآن کنفرانس کرده‌اند . پس از انتشار این کتاب جلد ششم کتاب خاطرات چرچیل دربارهٔ جنگ گذشته چاپ شد که آنهم مطالبی دربارهٔ کنفرانس یالتا داشت ولی از جزئیات مذاکرات خودداری کرده بود . درسال ۱۹۵۵ وزارت خارجهٔ امریکامتن مذاکرات کنفرانس مزبوررا منتشر کرد. آنچه درزیر نقل شده از گزارش رسمی دولت امریکا و کتاب استت تینوس میباشد[۳]

مذاکرات وزیران خارجه سه دولت در کنفرانس یالتا در تاریخ هشتم فوریه ۱۹۴۵

مسترایدن (وزیرخارجهٔ انگلیس) اعلامیهٔ سه دولت رادربارهٔ ایران که پس از کنفرانس تهران منتشر شد یادآور شده و گفت متفقین پیمانی با دولت ایران منعقد نموده‌اند که بموجب آن ایران بعضی مزایارا برای متفقین درمدت جنگ قائل شده‌است ولی بنظر اودرسایرمسائل دولت‌ایران باید مالك‌الرقاب خانهٔ خود بوده وآزادی‌کامل دربارهٔ تصمیمات خودداشته باشد. دولت انگلستان اهمیت زیادی برعایت این‌اصل‌میدهد واگرغفلتی درین‌باره بشود محتمل است که متفقین برقابت‌هائی درامورایران‌بپردازند که موافق میل هیچکس نیست. باین مناسبت اوپیشنهاد کرد که متفقین ازدخالت‌درامور داخلی ایران خودداری نمایند. دربارهٔ نفت مسترایدن گفت که دولت انگلیس اعتراضی باحتیاج شورویها نسبت بنفت ایران ندارد وسیاست دولت اواین نیست که مانع شود دولت شوروی نفت شمال ایران را بدست‌آورد ومعترف است که کشور شوروی بازار طبیعی نفت مزبور میباشد. دولت انگیس میل ندارد مانعی درراه دولت شوروی ایجاد کند که آن دولت نتواندامتیازهای نفت راتحصیل کند مشروط برینکه ایرانیان‌هرموقعی که میل دارند حاضربچنین مذاکراتی باشند. سپس مسترایدن گفت که بنظراوبهتراست دول متفق اعلام دارند که متفقین تا تمام ارتش آنها ازایران خارج نشده است دیگر فشاری برای تحصیل امتیازهای نفت نخواهندآورد ودولت انگلستان حاضراست که‌در این کنفرانس انتشار اعلامیه‌ای‌را مبنی براینکه متفقین حاضرهستند ارتش خودراقبل‌از موعد مقرر ازایران خارج کنند تحت مطالعه وبررسی قراردهد. خارج کردن ارتشهای مزبورممکن است پس ازآنکه راه رساندن مهمات بروسیه ازطریق ایران‌قطع شد[۴]

---

(۱) Edward R. Stettinus Jr. (۲) Roosevelt And the Russians

(۳) باید متذکر بود که کنفرانس یالتاقبل‌ازغائلهٔ آذربایجان منعقدگردیده بود.

(۴) درماههای‌آخرجنگ راه‌مدیترانه بازشده‌بود وبیشترمازومات ومهمات ازراه مدیترانه و دریای‌سیاه بروسیه‌حمل میگردید.

آغاز گردد ودرپایان سخن خودگفت اگرتوافقی دربارهٔ پیشنهاد اوحاصل شود تأثیر بسیار نیکوئی درافکارعمومی دنیا خواهدداشت وواضح خواهد ساخت که متفقین درصدد اجرای مفاد اعلامیهٔ تهران میباشند.

مسیومولوتف-(وزیرخارجهٔ شوروی) گفت که دومسئله مختلف درین قضیهٔ مورد بحث موجود است- یکی امتیازات نفت ودیگری بیرون بردن ارتش متفقین ازایران • دربارهٔ مسئله اخیر که خارج کردن ارتش متفقین باشد چنین پیشنهادی تا امروز بدولت شوروی نشده بود. بنظراواین مسئله مربوط بانجام تعهدات پیمانی است که باایران منعقد شده است واگراحتیاجی باشد که درمندرجات پیمان تغییری داده شود قضیه باید تحت مطالعه قرار گیرد واین کار وقت لازم دارد. دربارهٔ مسئله نفت مسیومولوتوف اظهارداشت که ملاحظاتی چنددرین باب بایدبیان کند. دولت شوروی از آهی سفیر ایران درمسکو استفسار کرد که نظر دولت ایران راجع بتقاضای دولت شوروی درباب تحصیل امتیاز نفت چه خواهدبود؟ جواب آهی کاملا مساعد بود. بدین علت کافتارادزه بایران رفت که مذاکرات راشروع نماید. دراولین مذاکره‌ای که کافتارادزه باساعد وزیرخارجه داشت ساعد روی خوش ومساعدی نشان‌داد. البته این نظربسیارطبیعی بود زیرااعطای امتیاز نفت نه‌تنها بحال دولت شوروی بلکه بحال ایران‌هم نافع وسودمند بود. علاوه برین چنین امتیازی منطبق با اعلامیهٔ تهران‌هم میشد چون که باقتصاد ایران کمك شایانی می‌نمود. این‌بود مرحلهٔ اول مذاکرات ومباحثات. درمرحلهٔ دوم وضع بکلی تغییریافت و ایرانی‌ها مدعی شدند که موقع برای ادامهٔ مذاکرات مناسب نیست ومجلس شورایملی ایران تصمیمی اتخاذ کرد که تاجنگ باقی است امتیازی داده نشود. بعدها بسیاری از ایرانیان اظهارداشتند که این تصمیم عجولانه گرفته شده وازخردمندی دوربوده است . حال بچه‌علت مرحلهٔ سومی نبایدپیش آید؟ نظربااینکه ایرانیان یکدفعه فکرخودراعوض کردند دولت شوروی دلیلی نمی بیند که دوباره فکرآنها عوض نشود و بمرحلهٔ اول برنگردند . دولت شوروی جهد کرده است که ایرانیان را تشویق کند تا بمرحلهٔ اول برگردند ومذاکرات را ازنوآغاز نمایند. کافتارادزه اکنون از تهران بمسکومراجعت کرده‌است وروبهٔ «دست‌قوی» که اوبکاربرد تخفیف یافته است. درحال حاضرهیچگونه مذاکره‌ای درین‌باب جریان ندارد ومسیومولوتف اضافه کرد که بنظراولزومی درکار نیست که نسبت باین‌قضیه توجه مخصوصی معطوف گردد وچون وضع حاضرحاد نمیباشد بهتراست که قضیه‌را مسکوت گذاریم تاراه‌حل آن بخودی خودبدست آید .

مستراستتینوس-(وزیرخارجهٔ امریکا) متذکرشد که‌دولت امریکاهیچ‌پیمانی درموقع‌جنگ بادولت‌ایران‌منعقد نکرده‌است. شرکتهای‌امریکائی‌مذاکراتی برای‌تحصیل امتیازات نفت بادولت ایران کرده‌اند ولی پس ازتصمیم مجلس همهٔ آن‌مذاکرات قطع شده است بنابرین وضع شرکتهای‌مزبور باوضع‌دولت‌شوروی‌درباب‌امتیازات‌یکسان‌است درباب خارج کردن ارتش متفقین باید متذکربود که ارتش امریکادرایران برای انجام خدمات بروسیه بایران رفته‌اند تامهمات وملزومات وام واجاره‌را ازخلیج‌فارس‌بشوروی حمل‌نمایند . درلت امریکا هیچ‌حرفی ندارد که قضیهٔ امتیازات‌نفت‌را به‌بعدازجنگ محول

داردودر باب خارج کردن ارتش متفقین از پیشنهاد وزیرخارجهٔ انگلیس کاملا پشتیبانی میکند.

مستر ایدن- گفت که دولت انگلستان هیچ مخالفتی بااعطای امتیازات نفت بدولت شوروی ندارد.

مستر استت تینوس- گفت که دولت امریکاهم هیچ مخالفتی ندارد ونظر دولت انگلیس راتأیید مینماید.

مستر ایدن- متذکر شد که شرکتهای انگلیسی قبل از آنکه مذاکرات شوروی برای نفت شروع گردد بادولت ایران دربارهٔ امتیاز مذاکره میکردند ودر نتیجهٔ تصمیمی که دولت ایران گرفته تمام آن مذاکرات اکنون در بوتهٔ اجمال است. ایدن گفت اگر اعلامیه‌ای بطرزی که او پیشنهاد کرد منتشر گردد موجب اطمینان خاطر ایرانیان را فراهم خواهدساخت وتجدید مذاکرات را دربارهٔ امتیازات نفت تسهیل خواهدنمود. دربارهٔ خارج کردن ارتش متفقین احتیاجی بتغییر مواد پیمان نیست زیرا پیمان مزبور مقرر میدارد که ارتش متفقین نباید دیرتر ازشش ماه پس ازخاتمهٔ جنك ازایران بیرون روند ولذا عقیده برین است همینکه راه رساندن لوازم بشوروی از طریق ایران قطع شد ارتش متفقین خارج گردند.

مسیو مولوتف- اظهارداشت مصلحت درین است که درین قضیه بتبادل نظری که شده اکتفا نمود و گفت حاضر است که کافتارادزه رابکنفرانس احضار کند تا گزارشی راجع بوضع ایران بدهد

مستر ایدن - سپس اظهارداشت که اومایل است درباب مطالبی که مسیومولوتوف اظهارداشته است فکر ومطالعه کند وشاید درجلسات بعد پیشنهادهای دیگری درین باب داشته باشد.

استت تینوس در کتاب خود می نویسد: کنفرانس یالتا خاتمه یافت بدون اینکه راجع بایران توافقی حاصل شود. ایدن ومن ساعی بودیم که اعلامیه ای راجع بایران صادر شود و مولوتف مخالفت کرد واگرچه هردونفرما توضیح دادیم که مابقضیهٔ ایران اهمیت زیادی میدهیم مولوتف جوابداد که غیرممکن است درین موقع قدم دیگری درین باب برداشته شود.

ازمتن مذاکرات کنفرانس یالتا که دربالا ذکر شد معلوم است که دولتین امریکا وانگلیس دربارهٔ وضع روابط ایران وشوروی نگرانیهائی داشتند ودر یالتا خواسته بودند که التیامی درکار بدهند. چنانکه میدانیم درهمین موقع بود که حزب توده عملیات خودرا در ایران با نهایت شتاب توسعه میداد وپیشه وری بآذربایجان رفته و طغیانی برپا کرده بود ودولت در صدد برآمد که عده ای قوای تأمینیه بآذربایجان بفرستد تا امنیت رابرقرار نماید ولی ارتش روس مانع ازاین شد که قوای مزبور از شریف آباد قزوین جلوتر برود.

☆☆☆

درتاریخ ۲۷ آذرماه ۱۳۲۳ حکیمی نخست وزیر نطقی درمجلس شورایملی ایراد نمود وبعنوان گزارش وقایع آذربایجان چنین گفت:

«چون آقایان نمایندگان محترم انتظار داشتند که دولت اطلاعات بیشتری راجع بآذربایجان بعرض مجلس شورای ملی برساند واستحضارهم میهنان عزیز نیز ازاوضاع این‌قسمت مهم کشورما که همه بآن‌علاقمند هستیم ضرورت دارد اجازه میخواهم گزارشی درین‌باب عرض وتصمیم دولت‌رانیز اعلام دارم • ازچندی باینطرف درآذربایجان از طرف‌عدهٔ معدودی نغمه هائی برخاست•این اشخاص بعنوان اصلاحات دست باقداماتی زدند که راه‌اصلاح‌را مسدود وبرعکس باعث بی‌نظمی شدند (صحیح‌است) واظهاراتی نمودندکـه بر خلاف قانون اساسی وسایر قوانین مملکتی بوده (صحیح است) و ممکن نمیشد که دولت باین قبیل اظهارات ترتیب اثر بدهد و لهذا ابتدأ در نظر گرفتیم بلکه باوسایل مسالمت‌آمیز ونصیحت ازطرف مأمورین‌رسمی دولت‌این‌اشخاص را اگر ایرانی وعلاقمند بمصالح عالیهٔ کشور باشند ازین خیالات خام وناپخته منصرف نمائیم که امنیت درمملکت مختل نگردد تادولت بتواند باصلاحات اساسی درتمام کشور شروع‌نماید.متأسفانه این‌عده‌دراجرای مقاصدسوء وناصواب‌خود اصرار ورزیدند ووقتی هم دولت استاندارد تازه به تبریز فرستاد باز ایستادگی کردند و مشغول تعقیب نقشه های شوم خود بضرر تمامیت کشور وآسایش عمومی شدند (صحیح‌است) تا آنجاکه بقول خودشان وبرخلاف صریح قانون اساسی (صحیح است) مجلس‌ملی تشکیل داده و حتی اخیراً عده‌ایرا بنام وزیر معرفی وادارات دولتی‌را تصرف نموده وتجاسررابجائی رسانیدندکه بقوای تأمینیه دولتی نیز تعرض و دست‌اندازی نموده‌اند. حالاکه استاندار بتهران آمده وگزارش خود را رسماً باطلاع دولت رسانید و معلوم شد این اشخاص میخواهندبعملیات‌خود رسمیت دهند این‌جانب مجلس‌شورای‌ملی‌را از کیفیت‌امر مستحضر میدارم .دولت نظر بقلت عدهٔقوای تأمینیه دراستانهای سه‌وچهار و برای جلوگیری از وقایع سوء وناامنی وتجری اشخاص نادان ومغرض وتأمین‌آسایش وآزادی مردم‌تصمیم نمود پادگانهای موجود درآن استانها را تقویت نماید وقوای امدادی از مرکز روانه داردکه فرمانده لشکر آنجا قادر باستقرار نظم‌وآرامش وامنیت درسراسر استان‌های سه‌وچهار بشود ولی بطوریکه استحضار دارند دولت دوست‌ومجاور ما برخلاف‌انتظار مانع این اقدام شد وقوای اعزامی ازتهران مدتی در شریف‌آباد ماند تا اینکه اخیراً ناچار بباز گشت گردید.نیروی جزئی وغیرکافی موجود درآن استانها نیز آزادی عمل نداشتند . در نتیجه مأمورین دولت و عدهٔ قلیل قوای تأمینیه این استانها در مقـابل متجاوزین و متجاسرین دست بسته‌ومحصور شدند وهیچ اقدامی ازطرف مأمورین‌دولت میسر نگردید زیرا نه آزادی عمل داشتند ونه امید تقویت از مرکز. از طرف دیگر متجاسرین که‌اسلحه هم بدست آورده بودند وهمه قسم تقویت میشدند واشخاص‌مجهول‌الهویه هم درمیان آنها پیوسته زیاد میشد و با وجود قلت عده و عدم موافقت مردم آذربایجان بااعمال آنها توانستند همه‌را مرعوب کرده وباجرای نقشه های خائنانه و ناروای خود آزادانه موفقیت حاصل ومجلس ملی تشکیل ووزیر معرفی‌نمایند . دولت مخاصمه ومنازعه و خونریزی را بمناسبت حضور پادگان وپست های شوروی در آن استان مضر و بی‌نتیجه دانست. دستور مقابله بااین جماعت را که البته باوسائل عدیده

تقویت میشدند صلاح تشخیص نداد . این جانب ناگزیر هستم صریحاً در مقابل مجلس شورایملی اظهار دارم که این اقدامات که در آذربایجان بعمل آمده ازطرف هر دسته و جماعت که باشد خلاف مصلحت کشور و خلاف مصرحات قانون اساسی و سایر قوانین کشور است (صحیح است) .کلیهٔ ایرانیان پاك و بی‌غرض که هواخواه تمامیت وعظمت کشورند بااین قبیل اقدامات واظهارات خانه خراب کن مخالفت دارند (صحیح است ـ صحیح است) ومبارزه مینمایند و نخواهند گذارد این‌قبیل اظهارات خائنانه و جاهلانه ریشه دوانیده کشوررا پارهٔ آتش نماید. اینجانب هم بعنوان یکفرد ایرانی وهم بنام دولت بااینکه اساساً اهل صلح ومسالمت بوده وبهیچ‌قیمت راضی نیستم از بینی یکنفر هموطن من قطرهٔ خونی جاری شود تصمیم جدی بمقاومت درمقابل این نغمه‌ها گرفته و نخواهیم گذارد یك عدهٔ قلیل مغرض نادان بعمد یا اشتباه مقاصد شوم و ناصواب خود را بر برادران آذربایجانی ما که همه‌وطن‌پرست‌و ایران‌دوست هستندو بارهاامتحانات فداکاری و ازخودگذشتگی را داده‌اند با زور و ترور وآدمکشی و تجاسر تحمیل و کشوری را دچار زحمت ومرارت نمایند (صحیح است ـ احسنت) بدیهی است مجلس شورایملی و همهٔ مردم ایران پشتیبان دولتی که چنین تصمیمی را داشته باشند هستند (صحیح است) وعملیات چنین دولتی‌را تقویت خواهند نمود (صحیح‌است) ازدولتهای دوست ومتحد خودمان هم‌چنانکه رسماً وعلناً گفته ونوشته و خواسته‌ایم برای‌رفع این مشکلات که نتیجهٔ ادامه توقف نیروی خارجی درایران است در مقابل خسارات طاقت فرسا و فداکاریها که از شروع جنگ تاکنون تحمل نموده‌ایم توقع و انتظار داریم هرچه زودتر نیروی خودشان را از ایران ببرند (صحیح است) و ما را آزاد بگذارند.درین فاصله هم‌طبق شرایط واصولی که بین میهمان ومیزبان مقرراست آزادی عمل را که حق حاکمیت ماست برای نیروی ایران و مأمورین دولتی مانع نشوند و بگذارند بوظائف خود برسیم و برفع مشکلات موفقیت حاصل نمائیم (صحیح است ـ احسنت).اینجانب ازین مقام رسمی باصدای‌بلند که بگوش تمام مردم جهان و مخصوصاً ملل دوست و متحد ما وهمهٔ ایرانیان برسد اعلام میدارم نغمه های شوم معدودی نادان ومغرض درآذربایجان بهیچوجه رسمیت‌ندارد (صحیح‌است) و باید حتماً این‌قبیل‌تظاهرات بی‌اساس که بنام اصلاحات برخاسته ومانع اقدامات اساسی دولت برای تهیهٔ موجبات آسایش واصلاح حال مردم ایران من‌جمله برادران آذربایجانی ما شده و لطمه های بزرگ بکشور ما وارد خواهد نمود خاموش شود واین نغمه‌ها برخلاف تمام موازین قانون اساسی و سایر قوانین مملکتی است ازجمله مخالف اصل۱ . . . . . در خاتمهٔ عرایض خود لازم میدانم این نکته‌را باستحضار برسانم چنانکه سابقاً درمجلس‌شورای ملی اعلام داشتم بمنظور توسعه‌وتشیید روابط دوستی و یك‌جهتی با دولت‌وملت‌دوست و همسایه خودمان اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی چندی پیش بوسیلهٔ سفیر کبیر شاهنشاهی درمسکو پیشنهاد نمودم که باتفاق آقای وزیرخارجه‌بمسکو برومو‌چون این

---

(۱) درین‌جا ناطق اصول قانون اساسی را ذکر کرده و بعد هم شرحی تمجید درباره اهالی آذربایجان نموده است .

تمایل ما برفتن مسکو باتشکیل کنفرانس وزیران خارجهٔ سه دولت دوست و متحد در مسکو مصادف گردید پیشنهاد خودمانرا تعقیب‌نمودیم وضمناً بموجب یادداشتهای‌رسمی که درتاریخ ۲۲ و۲۳ آذر جاری ارسال شده بهرسه‌دولت‌دوست ومتحدبزرگ‌خودمان اطلاع دادیم که تنها موضوع مهم وفوری که از سه دولت بزرگ انتظار داریم بین خودشان درکنفرانس وزیران خارجه درمسکو مطرح وتصمیم مساعد اتخاذنمایندتخلیهٔ فوری وکامل تمام ایران از قوای هرسه کشور میباشد (صحیح‌است) وضمناً تذکر دادیم هرگاه غیراز این موضوع مطلبی راجع بایران مطرح گردد باید نظر باستقلال‌وحق حاکمیت ایران ودر اجرای فصل ششم پیمان سه‌جانبه واعلامیهٔ سران سه‌دولت‌درتهران با استشاره ورضایت دولت ایران باشد (صحیح‌است)

☆☆☆

دربیانات نخست‌وزیر که دربالا نقل شد چندبار دربارهٔ کنفرانس وزیران خارجهٔ سه‌دولت بزرگ ذکری شده است. این کنفرانس از ۱٦ دسامبر تا ۲۷ دسامبر۱۹٤۵ درمسکومنعقد شد و راجع بایران بحثهائی شد که آنرا جیمز ف. برنز[۱] وزیرخارجهٔ امریکا درکتاب خود موسوم به «گفتار صریح»[۲] شرح داده وبقرار زیر است :

☆☆☆

دراولین ملاقات با استالین که روز نوزدهم دسامبر بود من باو گفتم که ماراجع بوقایع ایران بواسطهٔ تعهدی که رئیس جمهور روزولت و چرچیل و خود او در سال ۱۹٤۳ درتهران داده‌اند بسیار نگران هستیم. درآن تعهد پیشوایان سه دولت تصدیق کرده‌اند که ایران در تعقیب جنگ برعلیه دشمن مشترك و مخصوصاً در قسمت تسهیل وسائل حمل و نقل مهمات از ممالك ماوراء بحار باتحاد جماهیر شوروی کمك کرده است ودر اعلامیهٔ تهران وعده داده شده است که هرنوع مسائل اقتصادی که در پایان مخاصمات ایران با آن مواجه باشد با مسائل‌اقتصادی سایر ملل‌متحده مورد توجه‌کامل قرار خواهد گرفت ونیز دراعلامیهٔ مزبور گفته شده است که دولتهای کشورهای متحدهٔ امریکا واتحاد جماهیر شوروی وممالك متحدهٔ انگلستان در حفظ استقلال و حاکمیت وتمامیت ارضی ایران بادولت ایران اتفاق‌نظر دارند. وقایعی که قبل‌از کنفرانس‌حاضر درایران بوقوع‌پیوسته حاکی است که تعهد مذکور ممکن‌است نقض گردد. دولت‌ایران اعتراض کرده است که وقتی میخواسته ۱۵۰۰ سرباز خودرا بسوی آذربایجان بفرستد تا طغیانی را که ازطرف منابع خارجی تشویق میشده خاموش نماید عدهٔ مزبور در راه متوقف گردیده وارتش سرخ امر داده است که معاودت نماید لهذا دولت ایران تقاضا کرده است که ارتش های خارجی ایرانرا تخلیه نمایند . ما بلادرنگ دستور دادیم که بقیهٔ ارتش امریکا از ایران خارج شوند ومن پیامی بدولت شوروی و دولت انگلستان فرستاده وتوصیه کردم که آنها هم همین‌کاررا بکنند . اعتراض ایران هنوز پابرجا میباشد ومن به‌استالین گفتم که اگر ما تعهدات مندرجه دراعلامیهٔ تهران‌راانجام ندهیم احتمال‌کلی دارد که ایران شکایت خودرا درجلسهٔ ملل‌متحد که بزودی در لندن

---

(۱) James F. Byrnes (۲) "Speaking Frankly"

منعقد خواهد شد عرضه بدارد وامریکا بعنوان امضاکنندهٔ اعلامیهٔ تهران مجبورخواهد شد که بایران مساعدت کند تا شکایت آن مطرح گردد . بنظر ما توجیه این مسئله بسیار مشکل است که حضور ۱۵۰۰ سرباز ایرانی ممکن است ۳۰۰۰۰ ارتش شوروی چنانکه اظهار شده است بخطر اندازد .

استالین درجواب من بیاناتی نمود ونام آنرا «حقایق مربوطه» گذاشت. او گفت که معادن نفت بادکوبه واقع درجنوب شوروی درنزدیك مرزبوده ومسئله بخصوصی را ایجاد کرده است. این معادن را باید درمقابل احتمال هر اقدام خصمانه ای که ازطرف ایران ابراز شود حفظ نمود وهیچ اعتمادی هم بدولت ایران نمیتوان داشت. ممکن است مخربینی بمعادن بادکوبه اعزام شوند که معادن مزبوررا آتش زنند وچون دولت شوروی بموجب پیمان منعقده حق دارد که ارتش خودرا تاپانزدهم مارس درایران نگاهدارد لذا میل ندارد که قبل از آن تاریخ ایران راتخلیه کند، ودرآن تاریخ هم باید وضع را بررسی نمود وملاحظه کرد که آیا ممکن است سربازان شوروی را ازایران خارج نمود یانه • تصمیم راجع باین موضوع موکول برویه ورفتاردولت ایران خواهدبود . ونیزمتذکر شد که پیمان ۱۹۲۱ بین شوروی وایران بدولت شوروی حق میدهد که هرگاه احتمال خطری از منبع خارجی متوجه روسیه شوروی شود ارتش خود را بشمال ایران اعزام دارد •

من باستالین گفتم که باعث تعجب است اگر اونظر دولت ایران رانسبت بشوروی خصومت آمیز تلقی کند بخصوص که اواعلامیهٔ تهران را امضاکرده وگزارش ژنرال کونولی[۱] فرماندهٔ ارتش امریکا درایران مشعر برین است که دولت ایران هم با ارتش سرخ وهم باارتش امریکا نهایت همراهی وهمکاری رابرای حمل مهمات بروسیه نموده است . گرچه استالین حق دارد که ارتش خودرا تا ماه مارس در ایران نگاهدارد ولی هیچ الزامی نیست که اوچنین کاری را بکند. ضمناً گفتم که دولت امریکا روزدوم ماه مارس را موقع ختم اشغال ایران میداند نه پانزدهم مارس که استالین ذکر کرده بود.

استالین بمن گفت که اتحاد جماهیرشوروی هیچگونه نظر ارضی یاغیر ارضی نسبت بایران ندارد وبمجرد اینکه ازلحاظ امنیت معادن بادکوبه اطمینانی حاصل کند ارتش شوروی راازایران خارج خواهدنمود.

هرقدر بیشتر راجع بعذراستالین برای نگاهداری ارتش خود درایران فکر کردم بیشتر ازاعتمادم نسبت بوضع شورویها کاسته شد. بنظرمن ادعای روسها کاملا پوچ وبیهوده بود که سی هزار نفرسرباز ورزیده وکاملا مجهزشوروی ۱۵۰۰ نفرسرباز ایرانی را که تجهیزات کافی هم نداشتند درجادهٔ آذربایجان متوقف سازند ومتعذر باین شوند که رفتن سربازان ایرانی بآذربایجان تولید اغتشاش خواهد کرد. اظهار دیگر استالین که اوبیم آن رادارد که خرابکارانی ازایران که کشور کوچکی است بروسیه شوروی رفته ومعادن نفت بادکوبه راآتش زنند عذر غیرموجه دیگری است برای اینکه یك ارتش بزرگ

---

(۱) General Connolly فرمانده ارتش امریکا درایران هنگ دوم جهانی

خارجی درداخلهٔ ایران باقی بماند . ومخصوصاً اظهاراو که قضیهٔ خارج کردن ارتش سرخ ازایران پس ازانقضای مدت معینه بررسی خواهدشد نشان میداد که نگرانیهای ما در بارهٔ انجام تعهدات اعلامیهٔ تهران کاملا موجه بوده است. نظر باین مراتب تصمیم گرفتم که کوشش مجددی نموده وموقعیت خودمان را نسبت بتعهداتی که داریم باستالین بفهمانم.

قضیهٔ ایران اولین مسئله‌ای بود که من درملاقات دوم خود بااستالین طرح کردم و باو گفتم که من ازمطرح شدن ایران دراولین جلسهٔ ملل‌متحد فوق‌العاده مضطرب هستم وعلاوه کردم که بنظرمن شایان بسی‌اهمیت است که ملل بزرك تعهدات‌خودرانسبت‌بدول کوچك محترم بشمارند . چنانچه ایران قضیه را درجلسهٔ ملل متحد که در لندن تشکیل خواهد شد طرح نماید موجب تأسف بسیار خواهدبود وباستالین اخطار کردم که نظر بحقیقت قضیه که ما ازآن آگاه هستیم ونظر بتعهدی که ما کرده‌ایم ناچارخواهیم بود که از ایران هواخواهی کنیم . موجب نهایت تأسف برای دولت امریکا خواهد بود که در جلسهٔ اول ملل متحد بااتحاد جماهیرشوروی مخالفت نماید وبنابرین امیدواری من آن است که‌اقدامی درمسکو بشود که‌ازچنین پیش‌آمدی جلوگیری شود. پیشنهادمستر بوین[۱] راکه یك کمیسیونی مرکب از نمایندگان سه دولت انتخاب شود که بایران رفته وراه حلی برای جنبه های‌مختلف قضیه پیداکند با استالین مذاکره کردم استالین دربارهٔ‌این پیشنهادنظرقطعی اظهارنکرد ومن‌مجدداً اظهار امیدواری کردم که هیچ‌اقدامی درایران نشود که‌تولید اختلافی بین‌ما وشوروی بنماید.درجواب من‌استالین گفت: ماکاری‌نخواهیم کرد که صورت شما گلگون گردد .

بعدازظهرروز بیست وپنجم دسامبر من‌ملاقات خصوصی بامسیومولوتوف[۲] کردم. بین سایرمسائل مطروحه مولوتوف گفت که بطورکلی پیشنهاد انگلستان دربارهٔ ایران قابل پذیرش است ونظر مرا استفسار کرد. من‌باو گفتم که پیشنهاد مزبور را من قبول خواهم کرد زیرا مخصوصاً شایق بودم که قضیهٔ ایران درمجمع عمومی ملل متحد مطرح نگردد. شب آنروز که جلسه کنفرانس‌تشکیل گردید مولوتف چندپیشنهاد اصلاحی راجع بپیشنهادبوین‌داد. بوین تمام‌آنهارا قبول کرد بجز یکی‌ازآنها که تاریخ‌خروج‌ارتشهارا ازایران مشکوك میگذاشت. بوین گفت که تاریخ تخلیه درپیمان سه‌دولت معین‌شده ولذا پیشنهاد مولوتوف موردی ندارد.

در نتیجهٔ ملاقات خصوصی که با مولوتوف کرده بودم عقیده داشتم که بالاخره مولوتف پیشنهاد بوین را قبول‌خواهد کرد ولی بعدازظهرروز ۲۶ دسامبر که بازجلسهٔ دیگر کنفرانس تشکیل شد واضح گشت که فرماندهی عالی شورویها بازنظرش راتغییر داده است. مولوتوف مدعی شد که قضیهٔ ایران درحقیقت جزودستور نبوده ودیگرراجع بآن نمیتوان بحثی‌نمود. بوین گله کرد که هراصلاحی را که شورویها پیشنهاد کرده بودند اوقبول کرده است ودرنتیجهٔ ملاقات بوین بااستالین چنین استنباط کرده بود که دولت شوروی پیشنهاد اوراقبول خواهد کرد.

---

(۱) Mr.Ernest Bevin متوفی که درآنوقت وزیرخارجهٔ دولت کارگری انگلستان بود.

(۲) Mr. Molotov

مولوتف درجواب گفت بنظر اوتبادل نظری که درین باب شده کافی است وچون توافقی هم نشده وقضیه هم دردستور نبوده است لزومی ندارد که ذکری از آن دراعلامیه ختم کنفرانس بشود.

سپس بوین رو به مولوتف کرده و پرسید: «اقدام بعدی من چه خواهد بود؟» ومولوتف درجواب گفت: «شما آنرا خودتان خوب میدانید.» پس از آن بوین گفت که اوموقعیت را خوب درك کرده ومتأسف است .

☆☆☆

اگرخواننده فرصت این راداشته باشد که بمندرجات جرایدآنوقت وبیانات رسمی مقامات دولتی مراجعه کند ملاحظه خواهد کرد باوجود اینکه درمسکو بین وزیران خارجه سه دولت راجع بایران سازشی حاصل نشده بود معهذا دولت انگلستان هنوزاصرارداشت پیشنهادی را که درمسکو کرده بودمورد قبول واقع شود.

در تاریخ پانزدهم دیماه ۱۳۲۳ رادیوی لندن در گفتار فارسی خود چنین گفت :

«ازتهران خبرمیرسد که سرریدر بولارد[۱] سفیر کبیرانگلستان ومستروالاس مری[۲] سفیر کبیرامریکا درتهران بدولت ایران پیشنهاد کرده اند که باتشکیل یك کمیته سه نفری که ازنمایندگان شوروی- انگلستان- وامریکاتشکیل شده موافقت نماید تااوضاع ایران رابطورعموم واوضاع آذربایجان رابطورخصوصی موردبررسی قراردهند. دوسفیر کبیر مزبور درین باره بااعلیحضرت شاهنشاه ایران محمدرضاشاه نیز مذاکراتی نموده اندو این پیشنهاد را بمعظم له هم تقدیم کرده اند. دولت ایران هنوز جواب موافقی باین پیشنهاد نداده است وشاید بخواهد قبل از موافقت بااین پیشنهادآنرا بمجلس شورایملی عرضه کند . درمحافل لندن اظهار میشود که دولت انگلستان دربارهٔ تشکیل یك کمیتهٔ سه نفری برای بررسی اوضاع ایران هنوز برأی سابق خود دربارهٔ تشکیل چنین کمیته ای باقی است و بااینکه دولت شوروی درکنفرانس مسکو درآغاز کار بااین پیشنهاد موافقت کرد وآخرسر آنرا رد نمود دولت انگلستان هنوز برأی خود باقی است .»

دولت وقت پس از مشورت با نمایندگان مجلس پیشنهاد فوق را رد کرد. اقلیت و برخی از زعمای مجلس اصراری داشتند که کابینهٔ حکیمی ازکار برکنار شود ومذاکرات مستقیم با شورویها شروع گردد . دکترمصدق در ۱۹ دیماه ۱۳۲۳ ضمن نطقی درمجلس چنین گفت:

« نظریات من این بود که بین دولت راجع بطرز اداره نمودن قسمتی از مملکت بایك عده ای از اهالی آنجا اختلاف حاصل شده است . قبلا باید با اهالی محل داخل مذاکره شد شاید اختلاف را بتوان باخود آنها حل کرد وچنانچه باینطریق نتیجه نداد بادولت اتحاد جماهیرشوروی مذاکره کنیم که مانع مرتفع واختلاف حل شود .... من برای صلاح وصواب ملت ایران ازآقای حکیمی خواهش میکنم بیش ازاین وقت مملکت را ضایع نکند وفوراً ازکار کنارمجوئی کند.»

---

[۱] Sir Reader Bullard

[۲] Mr Wallace Murray

بشهادت جراید وقت ومذاکرات مجلس شورای ملی درآن‌اوقات طبقهٔ حاکمه‌دو دسته شده بود وهریك نظریات بخصوصی داشت. دسته‌ای طرفدار این بود که مذاکرهٔ مستقیم باشورویها بدون استمانت ازامریکا وانگلستان کاررا بجائی‌نخواهد رساندوباید هرچه زودتر بسازمان ملل متحد شکایت نمود ودستهٔ دیگرعقیده داشت احمد قوام (که گفته میشد مورد اعتماد شورویها است) روی‌کارآید ومذاکرات مستقیم را باشورویها آغاز نماید وبعدها اگرتوفیقی حاصل نشد قضیه را برسیدگی سازمان ملل متحدمحول نمایند .

حکیمی ـ چنانکه حوادث بعدی صحیح بودن روش او را تأییدکرد - ابتکار بموردی بخرج داد واختلاف باشوریهارا بسازمان ملل‌متحدرجوع کرد ودرنطقی که در جلسه ۲۵دیماه مجلس شورای ملی ایرادکرد چنین گفت :

«متأسفانه ماه هاست جنگ تمام شده وباوجود تقاضای متوالی دولت ایران در خارج کردن قوای خودشان پیش ازدوم مارس ۱۹٤٦ تأمل دارند ودرکار های ایران مداخله می‌نمایند ولی‌چون هنوزمذاکرات مستقیم درتهران ومسکودرمیان بودامیدوار بانجام مقصود بودیم واستنباط نمودیم که شاید مراجعه مادرآنموقع بمجمع ملل‌متفق و گذاردن موضوع ایران درمجمع مخالف انتظارمتفقین ماباشدلهذا ازین اقدام‌خودداری نمودیم ولی بعدهمینکه معلوم شدازمذاکرات مستقیم بمنظور نمیرسیم ناچـار بریاست هیئت نمایندگی ایران درمجمع ملل متفق‌دستور دادیم که موضوع ایران‌رادرمجمع‌ملل متفق طرح ومطابق اساسنامهٔ سازمان ملل متفق درخواستی که لازم‌است بشورای‌امنیت بدهند . »

درتاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹٤٦ نمایندهٔ ایران درسازمان ملل متحد نامه‌ای بدبیرکل سازمان نوشته وطبق اصل ۳۵ منشور ملل متحد تقاضا کرد کـه شورای امنیت بقضیهٔ ایران رسیدگی کند و اقدام مقتضی برای رفع نگرانی ایران بنماید . شورای امنیت پس ازاصغای بیانات‌طرفین درتاریخ ۳۰ ژانویه قطعنامه‌ای صادرکرد وبطرفین توصیه نمودکه مذاکرات مستقیم‌را بایکدیگربرای حل اختلاف شروع نمایند ونتیجه را بشورا اطلاع دهند .

بخش پنجم ـ حکومت قوام واولتیماتوم امریکا وقرارداد نفت

دولت حکیمی ساقط گردید واحمد قوام دولتی تشکیل داد و باستالین تلگراف کردکه مایل است بمسکو رفته و مذاکرات مستقیم را بادولت شوروی شروع نماید . استالین درجواب اظهار خوشوقتی ازین مسافرت نمود وقوام عازم مسکوگردید . از ۱۹ فوریه تا هشتم مارس ۱۹٤٦ قوام در مسکو بـود و درین مدت دودفعه بااستالین وچهاردفعه بامولوتف ملاقات کرد وازین مسافرت نتیجه‌ای حاصل نکرد . هنگام توقف درمسکو مولوتوف پیشنهاد زیررا به قوام برای رفع اختلافات تسلیم کرد : ـ

۱ـ ارتش سرخ درقسمت هائی ازایران برای‌مدت نامعلومی‌متوقف خواهندبود.

۲ـ دولت ایران استقلال داخلی آذربایجان را برسمیت خواهد شناخت و نخست وزیران آذربایجان در روابط خود بادولت مرکزی ایران سمت استاندار آذربایجان را خواهند داشت.

۳ ـ آذربایجان وزارت جنگ ووزارت خارجه نخواهد داشت و فرمانده کل قوای آذربایجان ازطرف دولت مرکزی تعیین خواهد شد.

٤ـ سی درصد ازمالیاتهای آذربایجان بدولت پرداخته خواهد شد.

٥ـ زبان رسمی درمدارس ومحاکم وادارات محلی ترکی خواهد بود ولی تمام مکاتبات بادولت تهران بفارسی خواهد بود.

٦ـ دولت شوروی ازتحصیل امتیاز نفت صرف نظر خواهد کرد ودرعوض شرکت مختلط شوروی وایران تشکیل خواهدشد که نفت شمال را استخراج کند. در بیست وپنج سال اول ٥١ در صد سهام متعلق بشوروی و ٤٩ در صد متعلق بایران خواهد بود ودر ۲٥ سال دوم هریك ازطرفین ٥٠ درصد سهم خواهد داشت.

قوام از قبول پیشنهاد های فوق امتناع کرد. روز دوم مارس که تاریخ تخلیهٔ ارتش های خارجی بود دولت شوروی بقوام درمسکو اطلاع داد که ارتش سرخ از نواحی خراسان وشاهرود وسمنان خارج خواهند شد ولی درسایر نقاط باقی خواهند بود تاوضع روشن گردد. قوام نسبت باین تصمیم اعتراضی بدولت شوروی تسلیم کرد وپس ازهفده روز توقف درمسکو و بدون اخذ نتیجه‌ای بتهران مراجعت کرد.

پس ازمراجعت قوام بتهران برعدهٔ ارتش شوروی درایران افزوده شد وپادگان شورویها ازقزوین روبتهران حرکت کرد ودر کرج متوقف گردید وازطرف سمنان هم عده‌ای سربازان روس ازراه فیروزکوه به گرمسار آمدند ومعلوم گشت که دولت شوروی میخواهد فشار زیاد تری بدولت ایران وارد سازد تا پیشنهاد های آن را با عجله قبول نماید.

مستر برنز وزیر خارجهٔ امریکا درکتاب خود[1] که دربالا ذکر آن آمده است چنین مینویسد: ـ

« نطق استالین درتاریخ نهم فوریهٔ ۱۹٤٦ که ضمن آن برنامهٔ جدید پنج سالهٔ شوروی اعلام شد و درعوض تولید کالاهای مصرفی که مردم روسیه شدیداً بآن احتیاج داشتند تأکیدی راجع به تجدید افزایش سلاح شده بود موجب حیرت من گردید. ولی ازین نطق تهدیدآمیزتر رویه‌ای بود که دولت شوروی نسبت بایران اتخاذ کرده ونشان میداد که دولت شوروی میخواهد باستقلال همسایهٔ کوچك خود لطمه وارد سازد. رویهٔ مزبور اظهارات جاه طلبانهٔ مولوتوف را که به هیتلر در باب استیلا باراضی واقع در جنوب بادکوبه کرده بود تأیید میکرد. این وقایع الهامی برای نطقهای من بود که ازفوریهٔ ۱۹٤٦ به بعد ایراد کردم وبطور صحیح تعبیر باین شد که ما رویهٔ محکم تری نسبت بدولت شوروی اتخاذ خواهیم کرد. دیگرخردمندی اجازه نمیداد که ما اختلافات خود را بادولت شوروی کوچك جلوه دهیم زیرا دیگرنمیشد گفت که ما وروسیه دارای

---

(۱) صفحهٔ ۲٥٥ آن کتاب

قصد مشترکی برای عقد صلح در آیندهٔ نزدیك بودیم و موجباتی بـرای توجیه آن موجود نبود . »

در تاریخ ۲۸ فوریهٔ ۱۹٤٦ مستر برنز وزیر خارجهٔ امریکا نطقی ایراد کرد و گفت :

« بعنوان یك دولت بزرگ وعضو دائمی شورای امنیت ما مسئولیت آن‌را داریم که نفوذ خود را بکاربرده وجدیت نمائیم که دیگران تعهدات خود را محترم شمارند . ما مصمم هستیم که این مسئولیت را بکاراندازیم ... اگردولتهای بزرگ بدفاع قـانون اقدام نکنند ملل متحد قادر باین نخواهد بود که ازجنگ جلوگیری کند . ما باید قبلا این نکته را واضح سازیم که ما قصد داریم ازتجاوز جلوگیری کنیم ودرعین حال باید بگوئیم که برای قصد دیگری باعمال قوه نخواهیم پرداخت ... منشورملل متحد تجاوز را منع کرده است و ما اجازه نمیدهیم که بوسیلهٔ فشار و یا اقدامات حیله‌آمیزی مانند اعمال نفوذ سیاسی تجاوز انجام گیرد وتوفیق حاصل کند . »

درتاریخ ششم مارس ۱۹٤٦ دولت‌امریکا یادداشت شدیدی بدولت شوروی‌ارسال و درآن گفته بود که تصمیم دولت شوروی به نگاه داشتن ارتش خود درایران پس از تـاریخ دوم ماه مارس موقعیتی را ایجاد کرده است که دولت امریکا بعنوان عضو ملل متحد وامضاءکنندهٔ اعلامیهٔ تهران نمیتواند بی‌نظرمـانده و ساکت به نشیند . و ضمناً درآن یادداشت تقاضا شده بود که دولت شوروی بفوریت ارتش خودرا ازایران خارج نماید وازتصمیم خود دولت امریکا را باسرع اوقات آگاه سازد . دولت انگلستان هم یاد داشتی بهمین مضمون برای دولت شوروی فرستاد و اطلاع داد که برخلاف پیمـان سه‌گانه واعلامیهٔ تهران ارتش روس درایران مانده وباید هرچه زودترخارج شود .

هرقدرفشار امریکا و انگلیس بدولت شوروی افزایش مییافت بهمان اندازه هم فشارشوروی بایران شدیدتر میشد . تهران مورد تهدید واقع شده بود . روزنامه های توده تبلیغات شدیدی کرده وازدولت تقاضا میکردند که پیشنهاد های روسیه را بپذیرد. سفیرامریکا بدولت ایران اطلاع داد که اگردولت‌ایران قضیه را بشورای امنیت رجوع نکند دولت امریکا از شورا تقاضا خواهد کرد که مسئلهٔ ایران‌را جزو دستور شورای امنیت که بزودی درنیویورك تشکیل خواهد شد بگذارد .

بالاخره قوام درتاریخ هفدهم مارس به سفیر ایران در واشنگتن دستور داد که قضیه را بشورای امنیت احاله دهد و روز بعد حسین علاء این‌کار را کرد . وضع تهران درآن وقت بی‌نهایت وخیم بود . حزب توده نهایت جدیت خود را بخرج میداد که مردم را مرعوب کرده و دولت را وادار بقبول پیشنهاد های روسها بنماید . عدهٔ زیادی تهران‌راترك گفته وروبولایات رفتند ودولت امریکابسفارت خود درتهران دستور داد که اعضای خود را مهیای حرکت ازتهران بنماید .

درین موقع اتفاقی رخ داد که بکلی وضع را تغییرداد واین‌اتفاق تاکنون بطور مشروح باطلاع عموم ایرانیان نرسیده است وحتی بسیاری هم کوشش کرده‌اند که آنرا مکتوم نگهدارند. اتفاق‌مزبور بقرارزیراست :

درتاریخ ۲۱ ماه مارس ۱۹٤٦ مسترترومن[۱] رئیس جمهور امریکا اولتیماتومی باستالین فرستاد . درین اولتیماتوم واتمام حجت پس‌ازیادآوری پیمان منعقده بین‌ایران وانگلیس ترومن گفته بود علت غائی اعزام ارتش متفقین‌بایران برای این‌بود که لوازم ومهمات جنگی بروسیه فرستاده شود وقسمت عمدهٔ مهمات مزبورازامریکا فرستاده شد تاروسها بتوانند درمقابل‌آلمانها مقاومت نموده وآنهارا شکست دهند . دولت امریکا هزاران اتوموبیل وهواپیما وملیونها تن ملزومات ومهمات ازراه‌ایران بروسیه فرستاد. وقتیکه جنگ بپایان رسید ارتش امریکا ازایران خارج شد وارتش‌انگلستان هم درسر موعد مقرر ایران‌را تخلیه کرد . مردم ودولت امریکا متوقع بودند که روسها هم همین کاررا بکنند وچون نکرده‌اند دولت امریکا تقاضا داردکه ارتش شوروی طبق پیمان سه‌گانه تایکهفتهٔ دیگرشروع بتخلیهٔ ایران بنماید وتاشش هفتهٔ دیگر تمام ارتش خود را ازایران‌خارج نماید واگرچنین نکند بارتش امریکا دستورداده خواهد شدکه بایران مراجعت نمایند .

تاچند سال پیش کسی ازاولتیماتوم امریکا بدولت شوروی در بارهٔ تخلیهٔ ایران اطلاعی نداشت ولی مسترترومن درمصاحبهٔ مطبوعاتی که درتاریخ ۲٤ آوریل ۱۹۵۲ باارباب جراید داشت چنین گفت :

« در ۱۹٤٦ من مجبورشدم اولتیماتومی به نخست وزیرجماهیرشوروی فرستاده ازاو تقاضا کنم که مقررات پیمان سه‌گانه را رعایت نماید . ارتش روس درآنوقت از ایران رفت زیرا دولت امریکا درآنموقع دروضعی قرارگرفته بود که میتوانست باچنین وضعی مقابله نماید.»

خبرنگاران ازاو سئوال کردندآیا این اولتیماتوم هیچگاه منتشر شده است و او درجواب گفت نه ولی متن‌آن درزمرهٔ اسناد دولتی موجود است .

روزنامهٔ نیویورك تایمزمورخهٔ ۲۵ آوریل ۱۹۵۲ سئوال های دیگری را که خبرنگاران ازمسترترومن درموضوع بالا کرده وجوابهائی‌را که او داده است بشرح زیرنقل کرده است : ـ

پرسش ـ آیا شما پیامی به استالین فرستادید ؟

پاسخ ـ پیامی من باستالین فرستادم وباو گفتم یاارتش‌خودرابیرون ببروییااینکه ماهم ارتش خود را بآنجا خواهیم برد .

پرسش ـ آیا میتوانید متن پیام را منتشر کنید ؟

پاسخ ـ خیر .

پرسش ـ من قسمت آخر جوابی را که دادید خوب ملتفت نشدم . شما گفتید که باستالین پیامی فرستاده وگفتید برو بیرون و بعدگفتیدکه ما سربازان خود را می فرستیم .

پاسخ ـ من درپیام خود باو گفتم که اگرآنها بیرون نرفتند ما اقدامات لازمه را

---

(۱) Mr. Harry S. Truman

خواهیم کرد. درآنوقت عده‌ای از ناوگان ما درخلیج فارس بودند وعدهٔ زیادی‌هم سرباز درآن حوالی داشتیم که البته حالا نداریم.

پرسش - لفظ «اولتیماتوم» خیلی مشخص میباشد وآن کلمه بمصداق سیاسی آن وقتیکه بکاربرده شود توجه زیادی را جلب میکند. دراقدامی که نمودید آیا هیچ وقت معینی هم برای انجام تقاضای خود ذکر کردید؟

پاسخ - بلی — ما روزی را معین کرده بودیم که تاآنروزآنها بایستی ازایران خارج میشدند.

پرسش - گفتید که ارتش روس برای حفاظت راه درتهران بود؟

پاسخ - آنها هم درتهران وهم درسایرنقاط ایران بودند.

وقایعی که پس ازواقعه فوق رخ داد بشرح زیراست:

درتاریخ ۲۱مارس سفیرکبیرشوروی درامریکا نامه‌ای بدبیرکل سازمان ملل‌متحد نوشته وگفت تقاضای ایران برای بحث مسئله درشورای امنیت در حالیکه مذاکرات بین‌دولتین شوروی وایران درجریان‌است غیرمترقبه میباشد وچون دولت شوروی‌مطالب لازمه را برای بحث حاضرنکرده تقاضا داشت که جلسهٔ شورای‌امنیت برای شانزده‌روز بتعویق افتد. دولتین امریکا وانگلیس باچنین تقاضائی بشدت مخالفت‌کردند و اظهار داشتند که شورا باید در همان روزی که معین شده یعنی ۲۶ مارس جلسهٔ خود را تشکیل دهد.

درتاریخ ۲۲ مارس سفیر ایران بدبیرسازمان ملل متحد اطلاع دادکه مذاکرات مستقیم بین تهران ومسکو به نتیجه‌ای نرسیده است و هرگونه تعویقی درکار موجب خسارات بیشتری برای ایران خواهد بود. روز ۲۵ مارس رادیو مسکو ابلاغیهٔ رسمی منتشرساخت مشعر براینکه فرماندهی شوروی درایران معتقد است که اگراتفاق غیر - مترقبه‌ای روی ندهد تخلیهٔ کامل ایران ازارتش سرخ درعرض پنج الی شش‌هفته خاتمه خواهد یافت.

چون کسی از اولتیماتوم ترومن اطلاع نداشت خبر تخلیهٔ ایران که از رادیوی مسکو منتشر شد تعجب‌آمیز بود ودر تهران قوام بخبرنگاران گفت که مذاکراتی با شورویها درجریان نبوده واطلاع‌رسمی هم درباب تخلیه باو داده نشده‌است.سی‌وشش ساعت پس از ابلاغیه‌ای که از رادیوی مسکو منتشر شد سفیر شوروی بدولت ایران اطلاع دادکه ارتش شوروی تا روز ششم ماه مه ۱۹٤٦ ایرانرا تخلیه خواهدکرد.

روز ۲٦مارس قضیهٔ‌ایران در شورای امنیت مطرح گردید. نمایندهٔ‌شوروی‌اظهار داشت که دولت او درتاریخ ۲٤ مارس تصمیم گرفت که ایرانرا تخلیه‌کند وتا شش‌هفتهٔ بعد این تخلیه انجام خواهد یافت ولذا طرح قضیه در شورا دیگر موردی ندارد. وزیر خارجهٔ امریکا درجواب نمایندهٔ شوروی گفت که دولت ایران مطالبی را بشورا اظهار داشته که حاکی از انجام ندادن تعهدات دولت شوروی ونقض پیمان میباشد ومشعر بر این است که دولت شوروی در امور داخلی ایران دخالت میکند. وزیرخارجهٔ امریکا اضافه‌کرد که تا این تاریخ هیچ قراردادی بین دولتین ایران وشوروی منعقد نشده و

اگر شده باشد باید دولتین ایران وشوروی مشترکاً شورای امنیت‌را ازعقدچنین‌قراری مستحضردارند . لهذا پیشنهادنمایندهٔ شوروی که‌قضیهٔ‌ایران‌ازدستورخارج‌شودبیمورداست. نمایندهٔ انگلیس هم نظر وزیر خارجهٔ امریکا را تأیید کرد و شورای امنیت بانه رأی در مقابل دو رأی (شوروی‌ولهستان) تصمیم گرفت که قضیهٔ ایران در دستور باقی‌بماند. سپس نمایندهٔ مصر پیشنهادکردکه از نمایندهٔ دولت ایران دعوت شودکه درجلسهٔ‌روز بعد شورا حضور بهمرسانده واظهار داردکه آیا با تعویق مذاکرات شورا در بارهٔ ایران موافق است یا نه .

روز بعد نمایندهٔ ایران درجلسهٔ شورا حضور پیداکرد وهمینکه شورا بحث را شروع نمود نمایندهٔ روسیه از جلسه با تعرض خارج شد. نمایندهٔ دولت‌ایران اظهارات نمایندهٔ شوروی‌را دائر باینکه قراردادی بین دولت او و دولت‌شوروی‌منعقدگشته‌است تکذیب کرد .

همانروز هم قوام بشورای امنیت اطلاع دادکه وضع او از موقع مراجعت از مسکو هیچ تغییری نکرده و دولت شوروی گذشته ازینکه تقاضای ایرانرا برای تخلیه قبول نکرده است برعدهٔ ارتش خود درایران نیز افزوده و تااین تاریخ هم هیچگونه قراردادی چه شفاهی و چه کتبی بین دولتین منعقد نشده‌است .

روز ۲۹ مارس شورا پیامی یاستالین و قوام فرستاد و تقاضاکردکه تا چهارم اوریل بشورا اطلاع دهندکه آیا قرارداد پنهانی بین آنها برای تخلیهٔ ایران منعقد شده است یانه .

پس‌از آخرین تصمیم شورا فرصتی برای شورویها پیدا شدکه حفظ‌آبرو نموده وکار را بهرنحوی هست خاتمه دهند. لهذا درتاریخ پانزدهم فروردین ۱۳۲۵ (چهارم آوریل ۱۹٤٦) موافقتی بین قوام و سادچیکف[1] سفیر شوروی درایران امضا شدکه بعنوان ابلاغیهٔ مشترك درتهران منتشر گردید وبشرح زیربود :

« مذاکراتیکه ازطرف نخست‌وزیر ایران در مسکو با اولیاء دولت جماهیر شوروی سوسیالیستی‌آغاز ودر تهران پس‌از ورود سفیرکبیر شوروی ادامه یافت ودر تاریخ پانزدهم فروردین ۱۳۲۵ مطابق با چهارم آوریل ۱۹٤٦ بنتیجهٔ ذیل رسید و درکلیهٔ مسائل موافقت حاصل گردید.

۱ـ قسمتهای ارتش سرخ از ۲٤ مارس ۱۹٤٦ یعنی یکشنبه چهارم فروردین ۱۳۲۵ درظرف یکماه ونیم تمام خاك ایرانرا تخلیه مینمایند.

۲ـ قرارداد ایجاد شرکت مختلط نفت‌ایران وشوروی وشرائط‌آن از تاریخ۲٤ مارس تا انقضاء هفت ماه برای تصویب بمجلس پانزدهم پیشنهاد خواهد شد.

۳ـ راجع بآذربایجان چون امر داخلی ایران است ترتیب مسالمت‌آمیزی‌برای اجرای اصلاحات برطبق قوانین موجوده و با روح خیرخواهی نسبت‌باهالی‌آذربایجان بین دولت واهالی‌آذربایجان داده خواهد شد.

امضا : نخست‌وزیردولت‌شاهنشاهی‌ایران‌ـ**احمدقوام**

امضا : سفیرکبیر دولت اتحاد جماهیرشوروی سوسیالیستی مقیم تهران ـ**سادچیکف**

---

[1] Mr. Sadchikov (۱)

طرح قرارداد ایجاد شرکت مختلط نفت ایران و شوروی که در بند دوم ابلاغیهٔ مشترك درآن بحث شده درهمـان تاریخ یعنی پانزدهم فروردین ۱۳۲۵ ازطرف قوام نخست‌وزیر و سادچیکف تنظیم و هریك ضمن نامه‌ای طرح مزبور را بیکدیگر ابلاغ نمودند.متن‌نامهٔ قوام به سادچیکف بقرار زیر و نامهٔ سادچیکف خطاب بنخست وزیر نیز بهمان مضمون بود :

آقای سفیر کبیر

پیرو مذاکرات شفاهی کـه بین ما بعمل آمده است محترماً باستحضار آنجناب میرساند که دولت‌اعلیحضرت شاهنشاهی ایران‌موافقت مینماید که دولتین ایران‌وشوروی شرکت مختلط ایران و شوروی را برای تجسسات و بهره برداری اراضی نفت‌خیز در شمال ایران با شرائط اساسی ذیل ایجاد نمایند.

۱ـ درمدت ۲۵ سال اول عملیات شرکت ٤۹ درصد سهام بطرف ایران و ۵۱در صد اسهام بطرف دولت شوروی متعلق خواهدبود ودر مدت ۲۵سال دوم ۵۰ در صد اسهام بطرف ایران و ۵۰ درصد اسهام بطرف شوروی متعلق خواهدبود.

۲ـ منافعی که بشرکت عاید‌گردد بتناسب مقدار اسهام هریك از طرفین تقسیم خواهد شد .

۳ـ حدود اراضی اولی که برای تجسسات اختصاص داده میشود همان‌است که درنقشه‌ای که جنابعالی ضمن مذاکرات درروز ۲٤ مارس باینجانب واگذار فرموده‌اید باستثنای قسمت خاك آذربایجان غربی که درباختر خطی که ازنقطهٔ تقاطع حدوداتحاد شوروی وترکیه وایران‌آغاز و بعد از سواحل شرقی دریاچهٔ رضائیه‌گذشته تـا شهر میاندوآب میرسد واقع است ـ همانطوریکه درنقشهٔ مزبور روز چهارم آوریل سال ۱۹٤٦ اضافه تعیین گردیده است .

ضمناً دولت ایران‌متعهد میگردد خاکی‌راکه‌درطرف غرب خط سابق‌الذکر واقع است بامتیازکمپانیهای خارجی یا شرکتهای ایرانی با اشتراك خارجیها یا با استفادهٔ سرمایهٔ خارجی واگذار ننماید .

٤ـ سرمایهٔ طرف‌ایران عبارت خواهدبود ازاراضی نفت‌خیز مذکور در مادهٔ(۳) که پس‌از عملیات فنی دارای چاههای نفت ومحصول‌آن قابل استفاده شرکت خواهد گردید وسرمایهٔ طرف شوروی عبارت خواهد بود از هرقبیل مخارج وآلات و ادوات وحقوق‌متخصصین‌وکارگران که برای‌استخراج‌نفت و تصفیهٔ‌آن مورد احتیاج خواهدبود .

۵ـ مدت عملیات شرکت ۵۰ سال است .

٦ ـ پس‌از انقضاء مدت عملیات شرکت دولت ایران حق خواهد داشت اسهام شرکت متعلق‌بطرف شوروی‌را خریداری نماید ویامدت‌عملیات شرکت را تمدید کند .

۷ـ حفاظت اراضی موردتجسسات وچاههای نفت وکلیهٔ تأسیسات‌شرکت‌منحصراً بوسیلهٔ قوای تأمینیه ایران خواهدبود .

قرارداد ایجاد شرکت‌نفت مختلط شوروی وایران مزبورکـه بعداً مطابق متن این نامه عقد میشود بمجردی که مجلس شورایملی ایران تازه انتخـاب شد و بعملیات

قانونگذاری خود شروع نماید درهرحال نه دیرتر از مدت هفت‌ماه از تاریخ ۲۴ ماه مارس سال جـاری برای تصویب پیشنهاد خواهد شد. موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را تجدید مینماید .امضا -احمدقوام

پس‌از انتشار ابلاغیه و نامه های متبادله مذکور فوق ارتش سرخ درموقع مقرر در ابلاغیهٔ مشترك خاك ایرانرا تخلیه کرد و ازآنموقع تا وقتیکه ارتش ایران به‌تبریز واردشداحمد قوام بزرگترین بازی‌سیاسی که درتمام مدت عمرخود کرده بود نمایش‌داد.

البته صحیح است که مساعدت ملل‌متحد وبخصوص کوشش و جدیت امریکا موجب شدکه ارتش سرخ از ایران خـارج شود ولی اگر بازیهای ماهرانهٔ قوام درمتعاقب‌آن نبود احتمال قوی میرفت که پیشه‌وری و اعوان او بتدریج استقرار یافته و بالاخره کار منجر بجنگ داخلی واتلاف نفوس بسیارگردد .

اولین‌کاری که قوام‌کرد این بودکه با پیشه‌وری داخل مذاکره شد و با حزب توده هم روی بسیار خوشی نشان داد وحتی سه‌نفر از سران آنهارا وارد کابینهٔ خـود نمود وچنین وانمودکردکه طبقهٔ حاکمه از گذشته پندگرفته ودر آینده مصمم است که با طبقات دیگر سازش نموده وبحقوق آنها احترام‌گذارد . از یکطرف پر وبالی به عناصر دست‌چپ داد واز طرف دیگر بوسیلهٔ پول وتطمیع مخالفین دموکراتها را در آذربایجان مخفیانه تقویت نمود ودر ظاهر هم‌کمال دوستی را باسفارت شوروی‌اظهار میداشت وبآنها وعده میدادکه قضیهٔ نفت‌شمال را درمجلس پانزدهم بنفع‌آنهاتمام‌خواهد کرد . سیاست «ماکیاولی»۱ مانند قوام‌که بسیار ماهرانه بازی شدکاررا بجائی رساند که شورویها اورا بزرگترین سیاستمدار شرق نامیدند وحزب توده اورارئیس حکومت ائتلافی آزادیخواهان لقب میداد وخود او با مضامینی مانند « عقربك ساعت زمـانه بعقب برنمیگردد» و مطالبی مانندآن همهٔ مخالفین طبقهٔ حاکمه را اغفال‌کرد و بـا متانت بسیار وصبر وحوصله بی‌حد کاررا بجائی‌رساندکه ارتش‌ایران بفرمان شاهنشاه توانست به‌آذربایجان برود وبساط طغیان پیشه‌وری واعوان وانصار اورا درهم ریزد .

کسانی بودندکه سیاست‌قوام را نپسندیده وعجله داشتندکه زودتربساط‌پیشه‌وری برچیده شود ولی متوجه نبودندکه اگر درین‌کار شتاب و عجله بکار میرفت ممکن بود عناصر غیر ایرانی‌که از خارج میآمدند با دستهٔ پیشه‌وری توأم شده وبسهولت اسلحه‌و مهمات از خارج تحصیل‌کرده وجنگ داخلی بزرگی براه اندازند وآنچه درهندوچین وکره‌شددر ایران‌تکرارنمایند. مهارت‌قوام‌درین‌بودکه‌خود را طرفدار عناصر دست چپ معرفی میکرد وبعنوان دلسوزی‌وهمدردی باآنهاطرفدار لزوم اصلاحات ومبارزه‌بافساد شده‌بود.همینکه‌زمینه خوب حاضر ومهیا شد قوام‌توانست نه‌تنها پیشه‌وری و دستهٔ اورا سرکوب‌کند بلکه توفیق یافت‌که انتخابات مجلس پانزدهم را بمیل خود انجـام دهد بدون اینکه حتی یکنفر از توده‌ایها را انتخاب نماید .

---

(۱) Machiavelli یکی ازسیاستمداران شهرفلورانس درایتالیابودکه درقرن پانزدهم‌میلادی زندگی می‌کرد وعقیده‌داشت‌که حکمران وزمامدار می‌تواند بهر وسیله‌ای‌که میسرباشد بدون رعایت اصول اخلاقی قدرت‌خودرا مستقرسازد واینك اینگونه سیاستهاراماکیاولی‌می‌گویند

در تیرماه ۱۳۲۶ مجلس پانزدهم افتتاح یافت ودر جلسهٔ ۲۵ آندوره که روز ۲۹ مهرماه ۱۳۲۶ انعقاد یافت احمد قوام بیانات مفصلی راجع بواقعهٔ آذربایجان و اقدامات دولت خود ایراد کرد که شایان دقت وتوجه بسیار است وبعضی از قسمتهای آن درزیر نقل میشود :

« دولت باوجود توجه کامل باین فجایع[۱] با کمال تأسف و با خون دل مجبورشد از افشاء امر خودداری کند و ناچار گشت بموجب دو علت اساسی با دموکراتها وارد مذاکرات گردد . علت اول عزم دولت درتحکیم روابط دوستانه بادولت متفق وبزرگ ما روسیهٔ شوروی بود که باصرار وتأکید شدیدی روش مسالمت آمیز را نسبت بسران وفراهم کنندگان نهضت آذربایجان توصیه میکردند و نمیخواستیم بهانه برای تأخیر امر تخلیه ایجاد کرده باشیم. نکته‌ایکه باید دراین موقع تذکر دهم این است دولت ایران درراه این مقصود یعنی تأمین دوستی و روابط مستقیم با دولت شوروی بااینکه عضو سازمان ملل‌متحد بود توصیهٔ شورای امنیت را درباب لزوم مذاکرات مستقیم با خوشوقتی تلقی نمود وهرگز نخواست اختلاف بین دو دولت دوست و همسایه موضوع مباحثات‌محافل‌سازمان ملل گردد ودرین‌راه آنچه مقدوربود اهتمام‌وکوشش بجاآورد. از طرف دیگر هم بر خلاف زعم برخی بی خبران ارتباط ما درین باب با سازمان ملل هرگز قطع نشد ودولت توسط نمایندگان خود با سازمان درتماس بودوموضوع ایران درضمن مسائل مرجوعهٔ سازمان بود واکنون هم هست . علت دوم احترام دولت بود بنام وعنوان آذربایجان که مغرضین آنرا دستاویز کرده بودند . با اینکه مرام و مقصود واقعی برپاکنندگان این معرکه درنظر دولت چنانکه گفتیم معلوم بود چون در ظاهر صحبت ازحقوق مردم‌آذربایجان ودموکراسی وبسط عدالت درآن‌سامان‌میکردند دولت بمدلول انظر الی‌ماقال خواست ازهمان در که آنان وارد شده‌بودند درآید و برای آشکار ساختن خدعه‌وغرض باطنی آنان اصلاحاتی راکه ظاهراً میخواستند تاآنجا که مطابق با قوانین کشور بود بنام مردم آذربایجان مورد مطالعه‌وزمینهٔ مذاکره‌قرار دهد تا ساده‌لوحان و خوش باوران خارجی وداخلی که تصور میکردند درآذربایجان مردمی قیام کرده‌اند واصلاحاتی میخواهند بدانند که دولت هرنوع اصلاحات را حسن استقبال میکند . »

مطالعهٔ دقیق بیانات احمد قوام درمجلس که فقط قسمت مختصری از آن در بالا ذکر شد ثابت میدارد که او نقش ماهرانه‌ای بازی کرد تاتوانست بمقصود برسد واگر بعبارات نقل‌شده دربالا دقت عمیق شود سیاست «ماکیاولی» او بخوبی آشکارمیگردد.

بهرحال موقعی که مجلس پانزدهم شروع بکار کرد ژرژالن[۲] سفیرامریکادرتهران کوشش بسیار مینمود که بنمایندگان مجلس ومتصدیان امور بفهماند که ایران در رد یا قبول قرارداد نفت بین قوام و سادچیکف کاملا آزاد میباشد واگر بخواهد آنرا رد کند از حمایت دولت امریکا برخوردار خواهد بود . درتاریخ یازدهم سپتامبر ژرژالن این مطلب را ضمن بیانی صریح بشرح زیر اداکرد وگفت: « ایرانیان صاحب خانه و

---

(۱) مقصودفجایع دموکراتها درآذربایجان وکردستان‌است

(۲) George Allen

مختار درامور کشور خود میباشند. آنهـا آزادی کامل برای رد یاقبول قرارداد قوام - سادچیکف دارند واگر تصمیم به ردکردن آن بگیرند دولت امریکا درمقابل هرگونه رویهٔ تهدید وارعابی که شورویها پیش گیرند بایران کمك ومساعدت خواهد کرد. »

درهمان جلسهٔ مجلس شورایملی که احمدقوام نطق مفصل خودرادربارهٔ آذربایجان نمود طرحی تحت عنوان ماده واحده بقید دوفوریت ازطرف جمعی نمایندگان تقدیم و تصویب گردید.

درمقدمهٔ این طرح گفته شده بود : امروز وضع دنیا غیراز وضع پنجاه‌سال پیش است که دولتی بدون مطالعه امتیازاتی را نسبت بمنافع مجهولی بدیگری واگذار کند پس اول باید بطور قطع مسلم گردد که مواد نفتی درچه نواحی کشور وجود دارد و مقدار محصول درحدود چه میزانی میتواند باشد واز لحـاظ اقتصادی و بازرگانی در کدام نقاط قابل بهره‌برداری است آنگاه روش اقتصادی ایران کـه استفاده از منابع زیرزمینی کشور بوسیلهٔ سرمایه ملی‌است آغاز و عملی گردد. طرح مزبور چنانکه در درمجلس هم گفته شد پس‌از چندین روز وشب شور ومباحثه تهیه گشته وسعی بسیارشده بود که جنبهٔ بیطرفی آن کاملا رعایت شده باشد وقسمت (ه) آن کـه مربوط باستیفای حقوق تضییع شده میباشد مخصوصاً ذکر شده بود تا راه را برای مذاکره با شرکت ایران وانگلیس بازکند واز سوء ظن شورویها نیز بکاهد. مادهٔ واحده‌ای که درتاریخ ۲۹ مهر ۱۳۲۶ باکثریت۱۰۲ رأی درمقابل‌دورأی ممتنع بتصویب رسیدبدینقرار بود:

ماده‌واحده- الف -نظر باینکه آقای نخست‌وزیر باحسن‌نیت ودر نتیجهٔ استنباط از مفاد مادهٔ دوم قانون یازدهم‌آذرماه۱۳۲۳ اقدام بمذاکره وتنظیم موافقت‌نامهٔ مورخ پانزدهم فروردین‌ماه ۱۳۲۵ درباب ایجاد شرکت مختلط نفت ایران‌وشوروی‌نموده‌اند و نظر باینکه مجلس‌شورای‌ملی ایران استنباط مزبوررا منطبق بامدلول ومفهوم‌واقعی قانون‌سابق‌الذکر تشخیص‌نمیدهد مذاکرات‌وموافقت‌نامهٔ‌فوق‌رابلااثروکان‌لم‌یکن‌میداند.

مادهٔ سوم ابلاغیهٔ مورخه ۱۵ فروردین ۱۳۲۵ نیزکان‌لم‌یکن میباشد .

ب - دولت باید موجبات تفحص فنی وعلمی را بمنظور اکتشاف‌معادن‌نفت فراهم آورد ودرظرف مدت پنجسال نقشه‌های‌کامل فنی وعلمی مناطق نفت‌خیز کشوررا ترسیم وتهیه نمـاید تامجلس شورای‌ملی بااستحضار واطلاع کامل از وجود نفت بمقدارکافی بتواند ترتیب بهره برداری بازرگانی ازین ثروت ملی را بوسیلهٔ تصویب قوانین لازم تعیین کند .

ج - واگذاری هرگونه امتیاز استخراج نفت کشور ومشتقات آن بخارجیهاوایجاد هرنوع شرکت برای این منظورکه خارجیها درآن بوجهی از وجوه سهیم‌باشندمطلقاً ممنوع است.

د- درصورتیکه بعداز تفحصات فنی مذکور دربند(ب) وجود نفت بمقدارقابل استفاده بازرگانی درنواحی شمالی ایران مسلم گردد دولت مجاز است درباب فروش محصولات آن باتحاد جماهیرشوروی باآن دولت وارد مذاکره شود ونتیجه را باطلاع مجلس شورای ملی برساند .

هـ - دولت مکلف است درکلیه مواردی که حقوق ملت ایران نسبت بمنابع ثروت کشور اعم ازمنابع زیرزمینی وغیرآن مورد تضییع واقع‌شده‌است بخصوص راجع بنفت جنوب بمنظوراستیفای حقوق‌ملی مذاکرات‌واقدامات‌لازمه رابعمل‌آورد ومجلس‌شورای را ازنتیجه‌آن مطلع سازد.

پس ازتصویب طرح فوق خاطرشورویها بسیاررنجیده شد ودرجراید و گفتارهای رادیوئی خوددولت‌ایران رامتهم بنقض‌عهدکردند ودرتاریخ۲۸آبان۱۳۲۶(۲۰نوامبر) نامه‌ای ازطرف سفارت‌کبرای دولت شوروی بعنوان نخست وزیر نوشته‌شدکه ازلحاظ اهمیت‌آن درزیرنقل میشود:

« نامه پنجم نوامبرشمارا راجع بتصمیم مجلس دایربه‌بی‌اثر بودن موافقت نامه چهارم‌آوریل‌درباب‌تأسیس‌شرکت‌مختلط‌نفت‌ایران‌وشوروی‌باستحضاردولت‌شوروی‌رسانده بودم. استنادیکه درنامه شما بقانون دوم سپتامبر۱۹٤٤ دایربمنع امتیاز شده‌بودمقرون بحقیقت نیست زیراتاحدیکه معلوم است شرکت مختلط ایران وشوروی برای‌نفت‌شمال امتیازنیست بلکه مؤسسهٔ مشترك ایران وشوروی است. دولت شوروی مرامأمور نمود که مراتب زیررا باطلاع دولت‌ایران برسانم: درموافقتنامه ایران وشوروی‌که چهارم آوریل ۱۹٤٦ قوام نخست وزیر ازطرف ایران و ایوان سادچیکف ازطرف شوروی امضاء نمودند دولت ایران موافقت خودرا با تأسیس شرکت مختلط ایران و شوروی بمنظور تفحص واستخراج نفت‌شمال ایران اظهارنمود . موافقت دولت ایران‌با تأسیس شرکت نامبرده ازطرف اعلیحضرت پادشاه ایران نیز درتاریخ هشتم‌آوریل ۱۹٤٦ مخصوصاً بایوان سادچیکف تأییدگردید. درموافقت نامه چهارم‌آوریل ۱۹٤٦ پیش‌بینی گردیدکه قرارداد تشکیل شرکت نفت ایران وشوروی‌که برطبق مدلول این نامه بعد منعقد خواهدشد بمحض اینکه مجلس جدید ایران‌فعالیت‌قانونگزاری خودرا آغازنمود و درهرصورت درمدت هفت ماه ازتارنخ ۲٤ مارس‌یعنی نه‌دیرتراز۲٤اکتوبر۱۹٤٦ برای تصویب بمجلس تقدیم‌خواهد شد. بنابرین دولت ایران درموافقتنامه تعهد نموده‌است‌که قرارداد تأسیس شرکت مختلط نفت‌ایران وشوروی رادرمدت معین برای تصویب‌مجلس پیشنهادنماید. با اینکه عقدچنین قرار دادی درموافقت نامه پیش‌بینی شده بود دولت ایران باامتناع ازانعقاد قرارداد تأسیس شرکت مختلط‌نفت ایران وشوروی‌موافقتنامه را نقض کرد . نقض عهددیگردولت‌ایران‌این‌بودکه‌موضوع شرکت‌نفت‌ایران‌وشوروی یکسال بعد ازتاریخی‌که درموافقت‌نامه چهارم‌آوریل ۱۹٤٦ معین شده‌بود مورد شور مجلس قرارگرفت. سومین نقض عهد این‌بودکه دولت‌ایران نه‌تنهاقراردادی راکه در باب تأسیس شرکت مختلط نفت ایران وشوروی‌پیش‌بینی شده‌بود برای‌تصویب مجلس پیشنهاد نکردبلکه درمجلس برعلیه عقد چنین‌قراردادی اقدام نمود وباین‌طریق آنچه‌را که برعهده گرفته بود عهدشکنانه نقض نمود ونیز دولت شوروی نمیتواند متذکرنشود که‌تصمیم مجلس‌راجع به‌بی‌اثربودن قرارداد تشکیل شرکت‌مختلط‌نفت ایران وشوروی برای شمال ایران با وجود بقای امتیاز نفت ایران وانگلیس در جنوب ایران تبعیض

فاحشی نسبت باتحادجماهیرشوروی است. نظربمراتب‌فوق دولت شوروی‌برعلیه عملیات خصمانه مزبورهٔ دولت ایران نسبت باتحاد جماهیرشوروی که باروابط عادی بین دو کشور مباینت دارد جداً اعتراض نموده ومسئولیت عواقب این‌امررا بعهدهٔ دولت‌ایران میگذارد. احترامات فائقه‌را تجدیدمی‌نماید - امضاء - ا.سادچیکف.»

پس از وصول نامه فوق دولت پاسخی بسفارت شوروی فرستاد ولی آن سفارت پاسخ دولت را اقناع کننده نشناخته مفادنامهٔ اعتراضیه‌را درجواب‌تأیید نمود.

☆☆☆

درپایان این فصل لازم‌است دوموضوع راصمیمانه تذکربدهم . موضوع‌اول‌راجع بقدردانی وحقشناشی نسبت بخدمتگزاران کشوراست که‌چه زنده وچه مردهٔ آنان‌شایسته احترام وتجلیل میباشندمثلاً خوانندگان طی‌این فصل‌ازخدمات ومساعی قوام‌دررفع‌غائله آذربایجان آگاه‌شدند.اویکی‌ازسیاستمداران مکتب قدیم‌بودکه شاید نظیر اودیگردر بین مانباشد وباوجود اینکه راه وروش قدمارا تعقیب‌می کرد معهذابکشورخودعلاقمند بود ودرقضیهٔ آذربایجان خدمت شایانی نمود. واماموضوع دوم غنیمت شمردن فرصت و استفاده ازتضادهای سیاست بیگانگان‌است. چنانکه درمتون این‌فصل مشاهده‌شدامریکا وانگلستان وبیشترامریکا برای تخلیهٔ ایران‌ازارتش سرخ مساعی‌زیادبکاربردند وکمك بزرگی بماکردندکه درخور تقدیراست لکن هرکس میداندکه سیاست عاطفه ندارد و این ابراز عواطف دردرجهٔ اول برای این‌بودکه شورویها را از نفت خاور میانه دور نگاهدارند ومنافع خودرامحفوظ‌بدارند.

هشیار وبیدارآن ملتی است‌که بنحومطلوب از چنین فرصتهای کمیاب تاریخی استفاده کند .

فصل دهم

بخش نخستین = اقدام برای استیفای حق ایران

بخش دوم = قرار داد الحاقی

بخش سوم = پیش بینی راجع بقرار داد الحاقی

بخش چهارم = اقدامات مجدد دولت برای تعدیل قرارداد الحاقی

بخش پنجم = جریان وقایع سیاسی تا موقع ملی شدن نفت

بخش ششم = قانون اجرای اصل ملی شدن نفت و شروع زمامداری دکتر مصدق

فصل دهم

بخش نخستین - اقدام برای استیفای حق ایران

درفصل پیش گفته شد که درمهرماه ۱۳۲۶ مجلس شورای ملی قانونی تصویب کرد که دولت رامکلف مینمود درکلیهٔ مواردیکه حقوق ملت ایران نسبت بمنابع ثروت کشور اعم ازمنابع زیرزمینی وغیرآن مورد تضییع واقع شده است بخصوص راجع بنفت جنوب بمنظور استیفای حقوق ملی ایران مذاکرات و اقدامات لازمه را بعمل آورد ومجلس شورای ملی را از نتیجهٔ آن مطلع سازد.

تصویب این قانون حاکی ازاین بود که (الف) مجلس شورای ملی تصمیم گرفته و اعلام کرده است که حقوق ملت ایران نسبت بمنابع ثروت مورد تضییع واقع گشته است (ب) این تضییع حقوق مخصوصاً درمورد نفت جنوب بوده (ج) دولت مکلف است که استیفای حقوق ملی ایرانرا بنماید. بعبارت واضح ترمجلس شورایملی باتصویب این قانون اعلام کرد که قرارداد ۱۹۳۳ حقوق ملی ایرانرا تضییع کرده ودولت باید در صدد اصلاح آن برآید.

اگراولیای شرکت نفت توجه لازم را باین قانون کرده وباندك حس مآل اندیشی ودوربینی درك کرده بودند که اعلام خطری بآنها شده است بدون درنگ کوشش میکردند که بیك نحوی باایران کنار آمده وازدردسرهای بعدی که پیش آمد جلوگیری نمایند. ولی چنین خردمندی ومآل اندیشی درهیئت مدیرهٔ شرکت مزبورموجود نبود چرا؟ بطور اجمال باید گفته شود که علت اساسی این بود که سفارت انگلیس درتهران عقیده داشت که آن قسمت ازاین قانون که مربوط بنفت جنوب است برای حفظ موازنه تدوین شده وچون مجلس امتیاز نفت شمال را بروسها کان لم یکن شناخته لازم بوده است که قسمتی هم راجع بنفت جنوب درآن بگنجاند تا موازنه برقرار باشد ولذا اهمیت زیادی باین قانون نباید داد. بخاطر دارم چندروز بعد از وضع این قانون ضمن ملاقاتی با سفیر انگلیس باو تذکر دادم که این قانون مقدمه‌ای است برای تجدید نظر در قرارداد ۱۹۳۳ وضمناً احساسات عمومی را نسبت بشرکت نفت متذکر شدم وگفتم که اگر دولت هم بخواهد درین امر کوتاهی کند احساسات عمومی آنرا مجبور بعمل خواهد کرد و توصیه کردم که بهتر است هرچه زودتر اولیای شرکت پیشقدم شده و در راه جبران گذشته اقدام سریعی بنماید. سفیر باصراحت تمام بمن گفت: «آقا اطلاعات شما ناقص است وناشی از احساسات شخصی خودتان میباشد وتماس دائمی که ما با زمامداران و رجال کشور شما داریم تأییدمیکند که این قانون برای حفظ موازنه تدوین وتصویب شده است.» درآنوقت برای من محرز ومسلم بود که طبقهٔ حاکمهٔ ایران باولیای سفارت انگلیس

اطمینان داده بودند که قانون فوق اهمیتی ندارد وشایستهٔ توجه نیست ودولت انگلیس هم بشرکت گفته بود که قضیه چندان جدی نمیباشد.

اندك مدتی پس از تصویب قانون مذکور دولت قوام با شرکت نفت داخل مذاکره شد و نماینده‌ای از لندن خواست که بتهران آمده ومذاکرات را برای اجرای قانون شروع نماید. شرکت مسامحه کرد و دولت قوام هم ساقط شد وهمینکه دولت حکیمی روی کار آمد دوباره از شرکت تقاضا شد که در اعزام نماینده تسریع نماید. درزمان دولت حکیمی مستر گس[۱] یکی ازمدیران شرکت بتهران آمد ودر همان جلسهٔ اول مذاکره بنمایندهٔ دولت اظهار داشت که دولت مطابق کدام یك از مواد قرارداد تقاضای تجدید نظر در آنرا مینماید ؟ اگر شرکت تخلفی از تعهدات خود کرده خوب است دولت مواردتخلف را بیان نماید و اگر تخلفی در کار نبوده امتیاز اجـازهٔ هیچگونه تجدید نظری را نمیدهد. اولیای دولت وقت که گویا ذهن خودرا حاضر برای بیان تخلفات شرکت نکرده بودند و شاید مطـالعهٔ کافی داشته ولی مصلحت نمیدیدند که اظهاری بنمایند فقط به مذاکره در بارهٔ مادهٔ شانزدهم قرارداد پرداختند .

داستان مادهٔ شانزده قرارداد ازاین قرار است :

مادهٔ شانزده قرارداد ۱۹۳۳ میگفت که کمپانی باید صنعتگران ومستخدمین فنی وتجاری خود را باندازه‌ای که اشخاص ذی صلاحیت وباتجربه درایران یافت میشود از اتباع ایران انتخاب کند و طرفین قرارداد موافقت کرده بودند که یك طرح عمومی را مطالعه وتهیه نمایند که برطبق آن هرسال ومرتباً مستخدمین غیرایرانی را تقلیل داده وبجای آنها بطورتصاعدی در کوتاهترین مدت ممکن ازاتباع ایرانی بگمارند . بعد از مدتها مذاکره ومباحثه درسال ۱۳۱۵ که مرحوم داور وزیردارائی بود طرح مذکور درمادهٔ شانزده تهیه وبامضا رسید که بموجب آن طرح شرکت تعهداتی برای تقلیل عدهٔ خارجیان نمود . خوب بخاطردارم که درموقع امضای طرح مزبورمرحوم داور ومرحوم نصرالله جهانگیر (که درآنموقع رئیس ادارهٔ امتیازات و نفت وزارت دارائی و یکی ازپاکدامن‌ترین‌ولایق ترین مأمور دولت بود که درحفظ منافع مملکت ازخودگذشتگی های بسیارداشت) هردوازطرح مزبور ناراضی بودند وعقیده داشتند که مصالح سیاسی وقت آنهارا مجبور بموافقت باطرح مزبور کرده است . شرکت اصرار داشت که مدت اعتبارطرح مزبورطولانی‌تر باشد ولی داور وجهانگیر پافشاری کردند ومدت طرح را محدود بهشت‌سال نمودند . درسال ۱۳۲۳ وزارت‌دارائی باشرکت وارد مذاکره شد که چون طرح هشت ساله تمام شده است طرح جدیدی نوشته شود . چند سال مذاکره و مباحثه بین وزارت دارائی وشرکت درین باب جریان داشت وبتوافقی نرسیده بود .

درکابینهٔ حکیمی تنها اقدامی که برای اجرای قانون مهر ۱۳۲۶ و استیفای حق شد همـان مذاکراتی بود که در باره تجدید طرح مذکـور در قرارداد ۱۹۳۳ صورت گرفت وبجائی‌هم نرسید و نمایندهٔ شرکت هم بلندن مراجعت کرد . باز بخاطردارم که درآنوقت من درآبادان بودم وباگس که ازآنجا عبورمیکرد مذاکرات مفصلی دربارهٔ

---

(۱) Mr.N.A. Gass

قانون مهر ۱۳۲۶ کردم. گس عقیده اش این بود که شرکت نباید هیچ قدمی برای تجدید نظر در امتیاز بردارد و اگر دولت پیشنهادی بنفع طرفین دارد اولیای شرکت بادقت مطالعه خواهد کرد. دراین ملاقات سعی بسیار کردم که باو بفهمانم اجرای قانون بواسطه پشتیبانی شدیدی که احساسات عمومی از آن میکند یك امر حتمی است و اگر دولتی درین کار مسامحه کند دولتهای بعدی توانائی ادامهٔ سیاست مسامحه را نخواهند داشت وروزی خواهد آمد که تعویق ومسامحه برای شرکت گران تر تمام خواهد شد. گس درجواب گفت: «ماترجیح میدهیم که نظرسفارت خودمان را قبول کنیم وفعلاً عجله وشتاب لازم نیست.»

دولت بعد ازدولت حکیمی را مرحوم هژیر تشکیل داد ودر برنامهٔ دولت که روز اول تیرماه ۱۳۲۷ به مجلس تقدیم شد نوشته شده بود. «اجرای کلیهٔ قوانین بالاخص قانون ۲۹ مهرماه ۱۳۲۶». دولت هژیر ازشرکت دعوت کرد که نمایندهٔ خودرا بتهران بفرستد تادربارهٔ اجرای قانون مذکور مذاکرات را شروع نمایند ودرشهریور ۱۳۲۷ ازمجلس تقاضا کرد اجازه داده شود سه نفرمتخصص عالیمقام ازاتباع یك یاچند کشور ازکشورهای فرانسه ـ بلژیك ـ هلند ـ سوئد وسویس برای مشاوره درمسائل حقوقی ومالی وفنی مربوط باجرای قانون ۱۳۲۶ برای مدتی که ازچهارماه تجاوز ننمایداستخدام کند واین تقاضا مورد تصویب قرار گرفت.

دراوایل مهر ۱۳۲۷ مستر گس دوباره ازطرف شرکت بتهران آمد و پس ازچند جلسه مذاکره یادداشتی حاوی نظریات دولت باو تسلیم گردید و متعاقب آن درجلسات متوالی توضیحات کافی بوسیلهٔ کمیسیونی که ازطرف دولت مأموراین کارشده بود بنمایندهٔ شرکت داده شد.

در پایان جلسات نمایندهٔ شرکت اظهار داشت که براثر این مذاکرات بنظریات دولت واقف شده وبلندن خواهد رفت تاهمکاران خودرا ازجریان مذاکرات آگاه سازد واعلامیهٔ مشترك زیردرتاریخ ۲۵ مهرمتشر گشت:-

«بنا بدعوت دولت ایران نمایندگان شرکت سهامی نفت ایران وانگلیس برای مذاکره درباب مسائلی که مورد توجه وعلاقهٔ طرفین میباشد اخیراً ازلندن بتهران آمده ومانند همیشه مذاکرات مربوطه را با روح همکاری صمیمانه تلقی نموده و مذاکرات را ازتاریخ هشتم تا ۲۱ مهرماه ادامه دادند. نظریات دولت بنمایندگان شرکت توضیح گردید و نظریات شرکت نیز باطلاع نمایندگان دولت رسید. نمایندگان شرکت اینك بلندن مراجعت مینمایند که در باب تبادل نظریاتی که بعمل آمده گزارش های لازم رابدهند. اکنون مرحلهٔ مقدماتی خاتمه یافته وشرکت درظرف مدتی که ازسه ماه از این تاریخ تجاوز نخواهد نمود دولت را ازچگونگی امر مسبوق خواهند ساخت تا بمجرد یکه مقدمات لازمه تکمیل گردد دنبالهٔ مذاکرات درتهران گرفته شود.»

درآن ایام دولت سیاست استتاررا پیش گرفته وازجریان مذاکرات خود باشرکت هیچگونه اطلاعی بمردم نمیداد ولی بعد ها معلوم گشت که دولت هژیر یادداشت نسبةً جامعی بشرکت تسلیم کرد و درآن بیست وپنج فقره اعتراضاتی که راجع به امتیازنامه و

تخلفات شرکت داشته بیان کرده‌است . متن‌این یادداشت دراواخردورهٔ پانزدهم مجلس موقعیکه قرار داد الحاقی مطرح بود علنی شد و درصورت جلسهٔ مورخهٔ سوم مرداد ۱۳۲۸ چاپ شده است . یادداشت دولت طوری تنظیم شده بود که حد اکثر تقاضای دولت را میرساند ونمایندهٔ شرکت پس ازوصول آن متعذر بلزوم مشورت با همکاران خود شده وبلندن مراجعت کرد ولی‌چون دولت‌احساس کرده بود که قصد شرکت مسامحه وتعلل می‌باشد سه ماه فرجه معین کرد که پس ازآن مذاکرات درتهران شروع گردد .

درطی این سه ماه دولت فرصتی یافت که بامتخصصی که استخدام کرده بود (یعنی پروفسورژیدل‌فرانسوی) مشورتهای لازمه را کرده وخودرا حاضرومهیا برای مذاکرات بنماید ولی درخلال این‌احوال دولت هژیراستعفا داد و دولت بعد در تاریخ ۲۵ آبان بریاست ساعد تشکیل شد وگلشائیان هم وزیردارائی این دولت بود .

بخش دوم ـ قرارداد الحاقی

جزئیات قرارداد الحاقی و طرز تقدیم آن بمجلس وبحث هائی که راجع بآن در آخرین‌جلسات دورهٔ پانزدهم‌شد درصورت‌جلسه‌های‌مجلس موجود ودرکتاب جداگانه‌ای هم چاپ ومنتشرشده است . چون قرارداد مزبور بتصویب نرسید و مواجه بامخالفتهای شدید شد ومآلاً هم ازمیان رفت ذکر چگونگی‌آن لازم نمیآید ولی نحوهٔ مذاکرات بین دولت ونمایندگان شرکت و جدیت هائی که برای تصویب قرارداد شد وتأثیری که این‌کاربرای برانگیختن احساسات عمومی‌داشت ازلحاظ تحولاتی که بعدپیش‌آمد شایسته این است که ذکری ازآنها بشود .

قبلاً باید گفت درتمام مدت چند ماهی که مذاکرات بین دولت و شرکت ادامه داشت هیچگونه اطلاعی بمردم داده نمیشد و فرصتی برای هیچکس نبود که از جریان کارمطلع گردد .

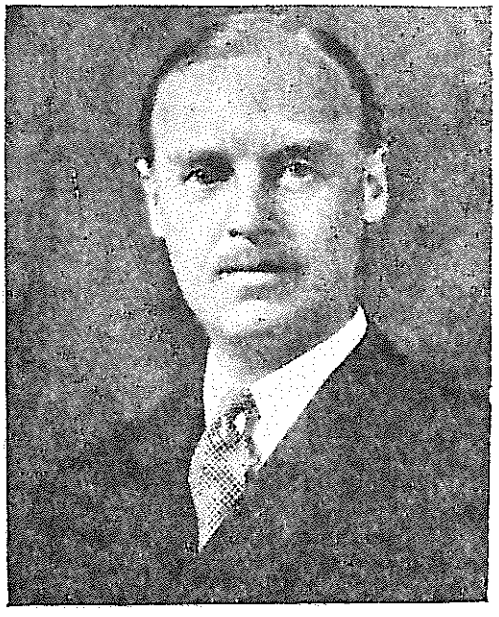
ضمناً واقعهٔ پانزدهم بهمن ۱۳۲۷وسوء قصدی که باعلیحضرت همایونی‌شد موجب تشنجات سیاسی عظیمی گشت که عبارت‌بود ازبرقراری حکومت نظامی‌درتهران - اعلام غیرقانونی‌بودن‌حزب‌توده‌ـتشکیل مجلس‌مؤسسان وغیره . یکی از تصادفات غریب این است که هروقت درگذشته دولت راجع به نفت اقدامی کرده و مذاکراتی نموده است درایامی بوده که حکومت نظامی درتهران برقرار بوده است . هنگام مذاکره دربارهٔ قرارداد ۱۹۳۳حکومت بیست‌ساله زمام امورکشوررا بدست داشت . درموقع مذاکره راجع بقرارداد الحاقی حکومت نظامی درتهران بود و هنگام مذاکره باکنسورسیوم هم حکومت نظامی استقراریافته بود و بالطبع مقررات حکومت نظامی که یکی از مظاهرش توقیف کسانی‌است که دولت اراده کند واورامخالف خود تشخیص دهدآزادی را محدود واظهارعقیده را مشکل مینماید .

مذاکرات مجلس پانزدهم واسناد محرمانهٔ پروندهٔ نفت که در دورهٔ شانزدهم کم وبیش منتشرگشت جریان مذاکرات راجع به قرارداد الحاقی را تاحدی واضح میسازد

وآنچه درزیر نوشته شده خلاصه‌ای ازآن است .

گس نمایندهٔ شرکت پس ازخاتمهٔ سه ماه فرجه‌ای که بشرکت داده شده بود در اواسط بهمن ۱۳۲۷ بتهران وارد ومذاکرات برای استیفای حق دولت ازشرکت نفت آغاز گردید . درباب نحوهٔ شروع مذاکرات گلشائیان در نطقی که روزسوم مرداد ۱۳۲۸ درمجلس ایراد کرد چنین گفت : -

« اولین مذاکره‌ای که بامستر گس شد مستر گس گفت من آمده‌ام بایران برای تعدیل نسبت به‌بعضی مواد . من‌بهش گفتم‌آقا ما تعدیلات نمیخواهیم . ما مطابق‌قانون مهر ۱۳۲۶ وظیفه دار در تجدید نظر هستیم . منظور ما تجدید نظر درقرارداد است . اوگفت ما همچو حرفهائی نداریم. تجدید نظرصحبتش نیست . تجدید نظری اگرهست در امتیازنامه مربوط بمذاکرت مانیست پس من بـر میگردم بلندن . گفتم بروید . »



مستر گس

ونیز دربارهٔ چگونگی شروع مذاکرات وزیردارائی دربیاناتی که درتیرماه ۱۳۲۸ درکاخ‌وزارت‌خارجه برای نمایندگان مجلس کرده بود چنین گفته بود : -

« نظر بنده ابتدا برین بود که دراصل امتیازنامه تجدیدنظر بشود زیرا اعتقاد بنده این است کـه این امتیازنامه بااوضاع کنونی‌دنیاتطبیق نمیکند وموافق بامصالح کشور مـا نیست . این بود که بانظرکارشناسان معروف ومتخصصین جهانی بخصوص پروفسورژیدل وارد مشورت شدیم ونظر عدهٔ بسیاری ازکارشناسان را از خارج و داخل جلب کردیم ودرعین‌حال مذاکرات باشرکت‌را ادامه دادیم . وقتی موضوع تجدیدنظر درامتیازنامه پیشرفت حاصل نکرد وزیربارنرفتند ما اصرار ورزیدیم که لااقل هرپانزده سال یکبار درمواد امتیازنامه تجدیدنظرشود وگفتیم که از مدت این امتیاز چهل وپنج سال دیگر باقی‌است ونمیشود درمدت نیم‌قرن منافع‌ایران‌را دست‌بسته تسلیم شرکت نمود بخصوص اینکه مواد ۱۰ و۱۱ و۱۲ و۱۵ و۱۶ و۱۸ و۱۹ و۲۱ و۲۶ مورداعتراض ما میباشد.»

از دو قسمت بیانات وزیر دارائی که درباب چگونگی شروع مذاکرات نقل شد معلوم است که نمایندگان دولت نتوانسته بودند شرکت را قانع سازند که قانون مهر ۱۳۲۶ حکایت از تضییع حقوق ملت ایران نسبت بمنابع طبیعی آن میکند واصلاح این

امر بدون تجدیدنظردرهمهٔ مواد امتیازنامه مقدور نیست و همینکه نمایندهٔ شرکت از مذاکره درباب تجدیدنظر درامتیازامتناع میکنند تمام توجه نمایندگان دولت معطوف بدرآمد دولت میگردد .

درگزارش محرمانه‌ای که وزیر دارائی بتاریخ ۱۳۲۸/۲/۱۸ به نخست وزیر میدهد چنین میگوید : - ۱

« برحسب دستور جنابعالی این جانب بمعیت کمیسیونی مرکب ازآقای نصرالله جهانگیر وآقای نظام‌الدین امامی وآقای دکترحسین پیرنیا از تاریخ ۱۳۲۷/۱۱/۲۰ با نمایندگان شرکت سهامی نفت انگلیس و ایران درباب استیفای حقوق دولت طبق بند (ه) از قانون سی‌ام مهر ماه ۱۳۲۶ مذاکرات را آغاز نمودم . اینك لازم است بطورخلاصه جریان این مذاکرات ونتیجهٔ امررا باستحضارخاطرعالی برسانم . پس از جلب نظرمتخصصین واطلاع ازامتیازات موجود در سایرکشورها و امتیازاتیکه جدیداً اعطا شده است کمیسیون مزبورمعتقد شدکه بایستی حقوق دولت از شرکت نفت طبق اصول متداول در ونزوئلا که درسایرکشورها نیز بتدریج مورد قبول قرار میگیرد براساس نصف سود نا ویژهٔ شرکت معین شود ... درمقابل شرکت پیشنهاد نموده که فقط دوشیلینگ ودوپنس برمجموع حق‌الامتیاز ومالیات که فعلاً چهارشیلینگ وده‌پنس است اضافه واین مبلغ را به هفت شیلینگ برساند .... وضمناً پیشنهاد نموده بودندکه سهم دولت ازقسمتی ازذخایرشرکت که بنام ذخیرهٔ عمومی نامیده واصولا متعلق بدولت میباشد نقداً بپردازد وبهیچوجه حاضرنبودند درفرمول امتیازنامه یامواد آن تجدیدنظری بشود . چون این پیشنهاد ها مورد قبول کمیسیون قرار نگرفت مذاکرات ما برای هفته‌ای که مصادف باایام عید نوروز بود تعطیل شد وآقای گس که نمایندگی شرکت‌را داشتند بانگلستان مراجعت‌نمودندکه نظریات دولت را باستحضار هیئت مدیرهٔ شرکت برسانند . پس ازمراجعت آقای گس مجدداً مذاکرات آغازشد وضمناً تقاضا شدکه خود سرویلیام فریزر بتهران بیایدکه بتوان باحضورنامبرده مذاکرات لازم را ادامه داد . مذاکرات بعدی بطوریکه خاطرعالی‌مستحضراست بین شخص‌جنابعالی باحضوراینجانب باسرویلیام فریزر باحضورآقای گس بعمل آمد و بالاخره شرکت نفت طرحی تنظیم وپیشنهاد نمودکه با نظریات سابق ازلحاظ مبلغ حق‌الامتیاز بهیچوجه تفاوتی نداشت فقط برای سال ۱۹۴۷ درحدود دوملیون لیره وبرای سال ۱۹۴۸ در حدود دوملیون ونیم لیره نسبت بپیشنهادات سابق اضافه نشان میداد . این گزارش در کمیسیون‌مطرح وپس ازمطالعه باتفاق آرا تصمیم گرفته شدکه بهیچوجه قابل قبول برای دولت نیست وازآقای پروفسور ژیدل تقاضا شدکه ایشان نیزآنرا مطالعه نموده و پاسخ لازم تهیه نمایند واین‌پاسخ‌نیز درکمیسیون‌مطرح وحضورعالی‌تقدیم گردیدکه به سرویلیام فریزر تسلیم فرمایند و بطوریکه ملاحظه فرمودید نظرکمیسیون آن بودکه دولت نمیتواند این پیشنهاد را مورد توجه قرارداده وحتی بصورت مبنای مذاکرات بپذیرد و درمقابل

---

(۱) اقتباس از«کتاب سیاه» شامل‌مذاکرات‌کمیسیون مخصوص نفت‌چاپ‌کتاب فروشی وچاپخانهٔ علمی ــ صفحه ۵۳۵

مبلغ ناچیزی ازحقوق خود نسبت بگذشته و تقاضائی که نسبت به تعدیلات اساسی در امتیازنامه دارد صرف‌نظر کند علاوه برمواد ۱۰و۱۱ مربوط بحقوق مالی دولت‌است نظریات دولت‌راجع بسایرموادبخصوص تجدیدنظر پانزده‌ساله درمقررات مالی وتقلیل کارمندان خارجی وطرزتعیین بهای فروش نفت درداخل کشور واختیارات نمایندهٔ دولت برای رسیدگی بدفاتر و محاسبات و غیره که شرح مفصل آن را بعداً برای استحضار خاطرعالی گزارش خواهدنمود بشرکت ابلاغ گردید ولی شرکت هیچیك ازین‌پیشنهادات را نپذیرفته وحتی پیشنهاد متقابلی که بتواند تاحدودی نظردولت را تأمین نماید تسلیم ننمود. اینجانب جریان‌امررا درکمیسیون فوق‌الذکرمورد مشورت قرارداده وهمینطور باپروفسور ژیدل مشاورحقوقی که عین‌نظریات‌اورا قبلا حضورعالی‌تقدیم نمودم مشورت کرده ونظراینجانب و اعضای کمیسیون آنست که پذیرفتن پیشنهاد های فوق بهیچوجه بمصلحت دولت وکافی برای‌استیفای حقوق ایران نبوده وتصورنمیرود ادامهٔ مذاکرات بانمایندگان شرکت دروضع فعلی به نتیجهٔ مطلوبه برسد و بهتر است که دولت هرچه زودترصریحاً عدم قبول این پیشنهاد را به نمایندگان شرکت اطلاع داده و بوزارت دارائی اجازه فرمایند بانظر پروفسور ژیدل ومشاورین حقوقی دیگر وسائل ارجاع امررا بحکمیت فراهم نمایند.

امضا :گلشائیان ـ جهانگیر ـ نظام امامی ـ دکترپیرنیا ۱

اینك برای اینکه معلوم شود چرا نظرارجاع بحکمیت تصویب نگردید مطالعهٔ اسناد زیرضرورت دارد.

برگ ۱۱۳ ازپروندهٔ محرمانهٔ نفت۲

«درجلسهٔ روز دو شنبه ۱۳۲۸/۲/۱۹ هیئت وزیران که درکاخ مرمر در پیشگاه مبارك همایونی تشکیل گردید تمام سوابق مذاکرات نفت از ابتدا تا کنون قرائت یادداشتهائی که توسط این جانب بشرکت داده شده بود وجواب یادداشت های شرکت وپیشنهادات متبادله ونظریات‌متخصصین خوانده‌شد. نظردولت برین‌شد که حتی‌الامکان اگرموضوع درمذاکرات مستقیم با نمایندگان حل شده بهتر ازمراجعه بحکمیت است و در ثانی اگرشرکت بتواند ترتیبی بدهد که عواید دولت برای سالهای ۱۹۴۹ به‌بعد روی زمینه پیشنهاد شرکت برای ۱۹۴۸ باقی بماند یعنی به نسبت ۲۳ملیون‌تن‌صادرات وفروش هیجده ملیون وهفتصد وپنجاه هزار لیره عایدات دولت شود یابعبارت اخری شانزده شیلینگ وچهارپنس روی هرتن قابل قبول است. با ین جهت قرار شد همین نظریه توسط جناب‌آقای نخست‌وزیر درجلسهٔ روز سه شنبه ۱۳۲۸/۲/۲۰ساعت ده‌صبح که قرار ملاقات باآقای سرویلیام فریزر را دارند بمشارالیه ابلاغ گردد.

امضا : گلشائیان ـ محمد ساعد ـ دکتراقبال

برگ ۱۱۴ ـ ۱۱۳ از پروندهٔ محرمانهٔ نفت۳

« درساعت ده صبح روز۱۳۲۸/۲/۲۰ طبق قرارقبلی آقای‌سرویلیام فریزر باتفاق

---

(۱) قسمت‌های‌این‌گزارش که‌حذف شده و بجای‌آن نقطه‌گذاشته شده شامل‌توضیح پیشنهادها بوده است که بمنظوراختصارذکرنشده است. (۲) نقل‌ازکتاب سیاه صفحهٔ ۵۲۸ (۳) همان‌کتاب ۵۲۹



سرویلیام فریزر سابق ولرد استرات الموندکنونی

مستر گس دردفترجناب آقای نخست وزیر حاضر و با حضور اینجانب نظریات دولت بآقایان ابلاغ گردید. بعداز مذاکرات مفصل و نظریات سر ویلیام فریزر باینکه وضع سال ۱۹٤۸ بواسطهٔ گرانی بهای نفت و بنزین استثنائی بوده و نمیتوان عمل آن سال را ملاك قرار داد و تضمین شرکت باینکه در سالهای بعد عایدات ما بابت بیست درصد رزرو بعلاوه مالیات بردرآمد دولت انگلستان کمتر از ۵،۹۰۰،۰۰۰ لیره نباشد اصولا عملی نبوده و بامقررات حسابداری نیز وفق نمیدهد حاضر شدند که در سال ۱۹٤۹ فقط رقم عـایدات صدی بیست سود از درآمد ۲،۵۰۰،۰۰۰ لیره تضمین کنند که باین ترتیب از درآمد سال ٤۸ بابت بیست درصد سود و بیست در صد رزرو ٤،۵۰۰،۰۰۰ لیره کمتر میشود منتهی اظهار داشتند چون درسال ۱۹٤۹ قطعاً سه ملیون تن برفروش علاوه خواهد شد تفاوتی ازین راه عاید میگردد ودرنتیجه بافرض فروش بیست وشش ملیون تن عایدات مارا درحدود هفده ملیون لیره تخمین میزدند . بآقایان جواب داده شد تصور نمیرود دولت بااین نظر موافقت کند مع الوصف جلسهٔ دولت امشب تشکیل ومذاکره خواهدشدواز نتیجهٔ نظر دولت مسبوق خواهید شد . سر ویلیام فریزر اظهار کرد درهرصورت من روز پنجشنبه باطیارهٔ مخصوص که ازلندن خواسته‌ام مجبورم مراجعت کنم. آقای نخست‌وزیر بایشان تذکر دادند ممکن است موضوع سال ۱۹٤۷ و ۱۹٤۸ بترتیبی که موافقت شد تمام کنیم برای سالهای بعدشما بروید درلندن مطالعهٔ مجدد کرده وماهم مطالعهٔ بیشترخواهیم کرد . اظهارداشت امر ۱۹٤۷ و ۱۹٤۸ ارتباط باتمام مذاکرات ما دارد من نمیتوانم تفکیك قائل شوم اما اینکه اظهار کردید که من بروم لندن باهیئت مدیره مشورت کنم من خودم رئیس هیئت مدیره و بنابرین اختیارات همه بامن است و مانعی نمی‌بینم که جریان امر را باطلاع هیئت مدیره برسانم ولی قطعاً میشود بگویم که برپیشنهادی که کرده‌ایم دیناری دیگر نمیتوانم علاوه نمایم . قرارشد نتیجهٔ مذاکرات باطلاع دولت برسد .

امضا ـ گلشائیان

برگ ۱۱۶ از پروندهٔ محرمانهٔ نفت[۱]

درساعت ۸ صبح روز ۱۳۲۸/۲/۲۱ جلسهٔ فوق‌العادهٔ هیئت وزیران تشکیل گزارش هیئت مأمور مذاکره از طرف دولت با نمایندگان شرکت (مقصود راپرت بآقای نخست‌وزیر است که بامضاء اینجانب و آقای جهانگیر ـ امامی ـ دکتر پیرنیا رسیده است) قرائت وپس از تبادل نظر و توضیحات وزیردارائی بالاخره آقایان باتفاق آرا تصمیم گرفتند که اگر کمپانی بتواند روی پیشنهاد سال ۱۹۴۸ ترتیبی بدهد که همه ساله عایدات دولت نسبت به تن شماری از هرجهت (حق‌الامتیاز ـ بیست درصد سهام ـ بیست درصد رزرو ومالیات) به شانزده شیلینگ وچهارپنس روی هرتن برسد و این درآتیه برای دولت مطمئن باشد باپیشنهاد شرکت موافقت گردد و الّا صلاح درارجاع امر بحکمیت است. قرارشد همین نظریه توسط جناب آقای نخست وزیر بسرویلیام فریزر که فردا عازم لندن است ابلاغ گردد.

امضا ـ **گلشائیان**

برگ ۱۱۷ از پروندهٔ محرمانهٔ نفت[۲]

در ساعت ده شب روز ۱۳۲۸/۲/۲۱ آقای سرویلیام فریزر و مسترگس توسط جناب آقای نخست وزیر احضار و با حضور وزیر دارائی بآنها ابلاغ شد که باوجود تشکردولت ازقبول زحمتی که سرویلیام فریزر تحمل نموده وبایران برای ختم‌اختلافات آمده‌اند ولی متأسفانه چون پیشنهادات ایشان برای دولت قانع کننده نیست و دولت نمیتواند ازدعاوی خود درمقابل این پیشنهادد مختصرصرف‌نظرنماید وایشان هم دیگر حاضر برای پیشنهاد جدید نیستند و بعلاوه عجله بمراجعت بانگلستان دارند بنابرین مانعی ندارد که مراجعت کنند وباهمکاران خود مشورت نمایند. دولت‌هم پس ازمشورت بامتخصصین خود نظرقطعی خود را بآنها ابلاغ خواهد کرد و ضمناً بآنها گفته شد که باوضع حاضرنظردولت بارجاع‌حکمیت‌است. آقای سرویلیام فریزر ضمن اظهار تأسف ازینکه نتوانستند بموافقتی برسند اظهار کردند ایشان‌هم‌بمحض مراجعت بلندن بااعضای هیئت مدیره شرکت مشورت نموده فوری نظرخود و شرکت را بدولت ابلاغ بنمایند وخواهش داشتند که چون مراجعت ایشان بدون‌نتیجه‌مسلماًمورد بحث‌در مطبوعات ایران وجهان خواهد شد از طرف دولت و شرکت متفقاً اعلامیه‌ای داده شود. قرارشد فردا صبح مسترگس بوزارت دارائی‌آمده و باتوافق وزیر دارائی اعلامیه‌ای تهیه و ابلاغ گردد.

امضاء ـ **گلشائیان**

وقایعی که پس از رفتن سر ویلیام فریزر بلندن اتفاق افتاد ازگزارش کمیسیون مخصوص نفت به مجلس شورای‌ملی (دورهٔ‌شانزدهم) مورخهٔ ۱۳۲۹/۹/۱۹ اقتباس شده وبشرح زیراست: -

«درگزارشی که‌آقای گلشائیان وزیردارائی بآقای نخست‌وزیرداده نتیجهٔ مذاکرات‌خود را چنین گزارش‌میدهد...راجع بآخرین پیشنهاددولت‌وآخرین پیشنهادشرکت نفت‌نظرمتخصصین

---

(۱) کتاب سیاه صفحهٔ ۵۴۰ (۲) همان کتاب صفحهٔ ۵۴۱

استفسارشد. آقای کورتیس[۱] پیشنهادشرکت نفت را کافی نمیداند ومیگوید حق‌الامتیاز کم است درصورتیکه بابت سال ۱۹٤۸ مجموعاً ۱٦ شیلینگ وچهارپنس بدهد درصورتی قابل قبول است که با اصل تقسیم بالمناصفه منافات نداشته باشد ولکن برحسب ظاهر خیلی کمتراز نصف است زیرا که اگرقیمت نفت خام تنی هشت دولار ونیم باشد ومنافع تصفیه هم درنظرگرفته شود نصف عواید خالص پس‌ازوضع هزینه استخراج سه دولار وبیست وپنج صدم ومعادل همان ۱٦ شیلینگ وچهارپنس خواهد بود وحال آنکه قیمت نفت در ۱۹٤۷ قطعاً بیش ازده دولار بوده و باید بکمپانی خاطرنشان کنیدکه دولت ونزوئلا مدتی است اصل تقسیم بالمناصفه را برقرار ساخته وکمپانی نفت ونزوئلا قبول کرده است اکنون دولت شاهنشاهی ایران نمیتواند ازین اصل منحرف شود وباپیشنهاد کمتری موافقت‌نماید وبنابرین کمپانی بایداصل تقسیم‌بالمناصفه‌را قبول کند . بطوریکه ملاحظه میشودآقای کورتیس مبلغ ۱٦ شیلینگ وچهارپنس را حتی برای سال ۱۹٤۷ که قیمت نفت خیلی کمتراز۱۹٤۸ است کافی ندانسته وحال آنکه حق‌الامتیاز پیشنهادی برای سال ۱۹٤۷ من‌حیث‌المجموع ۱۳شیلینگ است .آقای تورنبرگ[۲] میگوید مبلغ ۱٦ شیلینگ وچهارپنس را که دولت درنظرگرفته حد اقلی است که میتواند براساس عدالت وانصاف قبول کند وضمناً اظهارداشتندکه اگرچه حکمیت تصفیه این موضوع‌را بتأخیرمیاندازد و ممکن است مشکلات سیاسی از مقامات بالاتری را وارد جریان نماید بایستی قبول کرد چه که پذیرفتن پیشنهاد قبلی شرکت نفت ازطرف دولت ایران تقریباً بطورحتم بعداً رد خواهد شد بنا بر مراتب فوق بفرض اینکه شرکت نفت در عدم تمایل خود بر آنکه درآمد حاصله بر اساسی که در بالا بیان شد توزیع گردد باقی بماند جز حکمیت من طریق عاقلانهٔ دیگری را نمی بینم .

پروفسور ژیدل مشاور حقوقی در یك رسالهٔ مفصلی که تقدیم دولت نموده موضوع حکمیت و مواردی را که نسبت بآنها دولت بایستی‌تقاضای‌حکمیت نماید مورد مطالعه قرارداده و نسبت بهریك ازآنها مدارك مورد استناد را تعیین نموده است . بطوریکه ازگزارش آقای گلشائیان برمیآید نظریات پروفسور ژیدل این است که دولت بایستی جریان حکمیت را شروع نماید و معتقد است که این اقدام سبب خواهد شدکه شرکت نفت ودولت انگلستان را بیشترمتوجه این‌جریان نموده وحاضرشوند بادولت مذاکرات را تجدید و پیشنهادات بهتری تسلیم نمایند ضمناً پروفسور ژیدل درگزارشات خود متذکرشده است که هرقسم‌توافقی بین دولت‌وشرکت نفت‌بشود بشرط‌اینکه فقط‌بصورت یك قرار داد منتها برای ۱۵ سال‌آینده باشد وبهیچوجه قراری دربابت اینکه دولت ازدعاوی خود نسبت بگذشته‌صرف‌نظرنموده‌واین قراردادرا برای استیفای حقوق‌ایران کافی‌تشخیص میدهد نباشد وفقط قراری باشد برینکه بعلت تغییراوضاع واحوال شرکت حاضراست مبالغ مذکور درامتیازنامه را بمقدارمعین افزایش دهد فعلاچهارشیلینگ را به شش یاده شیلینگ برساند . هم چنین عقیده دارد مواردیکه با توجه بتقاضاهای

---

(۱) A.A. Curtis متخصص امریکائی‌که درسال۱۹۴۴ برای چندماهی درخدمت‌دولت ایران‌بود

(۲) Max W.Thornburg که درآنوقت درسازمان برنامه بعنوان‌مستشارخدمت می‌کرد

دولت میتوان بحکمیت ارجاع نمود منحصر به هشت نکته میشود ...[۱] چیزیکه در گزارش[۲] آقای گلشائیان مورد توجه است این است که در قسمت آخر گزارش خود چنین میگوید :

« بنظراینجانب منظوری را که مقنن‌ازاستیفای‌کامل حقوق حقهٔملت ایران‌داشته بااین پیشنهادات شرکت تأمین نخواهد نمود وبنظراینجانب قابل قبول نیست . »

بالاخره رئیس دولت نامهٔ وزیر دارائی را درجلسهٔ ۱۲ خرداد ۱۳۲۸ هیئت دولت قرائت وذیل‌آن چنین مینویسند :

«این‌نامه‌درجلسهٔ شنبه ۲۱ خرداد ۱۳۲۸ درهیئت وزیران قرائت ومطرح میشود وبالاتفاق تصمیم گرفته شدکه مصلحت باجریانات فعلی ونظریات متخصصین فعلا ارجاع بحکمیت نیست . اگر دولت همانطورکه نظر آقایان نمایندگان مجلس بوده پافشاری کند وبتواند حد وسطی بین پیشنهاد شرکت ودولت پیدا بکند بهتر است . قرار شد وزارت دارائی مطالعه‌کرده درین زمینه پیشنهاد قطعی تهیه وبکمپانی ابلاغ گردد .... بهرحال براثرملاقاتهای سیاسی که عیناً درپرونده منعکس‌است دولت‌آقای ساعد ناچار میشود عین پیشنهادکمپانی را بمجلس شورایملی تقدیم نماید . »

درتیرماه ۱۳۲۸ نخست وزیردعوتی ازنمایندگان مجلس وعده‌ای ازرجال کشور درکاخ وزارت خارجه‌کرد ووزیردارائی گزارش‌کاملی دربارهٔ مذاکرات خود باشرکت نفت‌بیان‌کرد . نمایندگان مطبوعات درین‌جلسه حضورنداشتند وبازهم‌دولت نمیخواست که اطلاعی بمردم داده شود . پس‌از دادن گزارش‌وزیر دارائی بحاضرین‌درآن جلسه می‌گوید :

« این‌آخرین پیشنهادی است‌که شرکت بما داده والبته ما قبول نکردیم وهیچ اقدام مثبتی درین باب نشده واینك خواستیم جریان را باطلاع نمایندگان برسانیم تااز چگونگی مذاکرات مسبوق‌باشند وتصمیمی‌که مقتضی‌است اتخاذ شود . نظردولت این است‌که حتی‌المقدور مذاکرات درمحیط حسن‌نیت‌ادامه‌دادهشود ومشکلات ونواقص امور باحسن تفاهم رفع گردد بدون اینکه مراجعه بشخص ثالثی لزوم پیدا کند . »

اغلب نمایندگان حاضردرجلسه نظردولت را تأییدکردند واظهارداشتندکه بهتر است دولت مذاکرات‌را ادامه داده وازارجاع قضیه بحکمیت خودداری کند .

بقراریکه معلوم گشت پس ازین جلسه ملاقاتهائی بین وزیرخارجه وسفیرانگلیس صورت‌گرفت و دولت انگلستان هم بشرکت توصیه‌کردکه تعدیلی درنظر خود بنماید ولذا دوباره مذاکرات بین دولت ومسترگس شروع گشت .

وزیردارائی‌درنطقی که‌روزسوم‌مرداد۱۳۲۸درمجلس ایرادکردچنین‌می گوید :-

« ازمجموع بیاناتی‌که شد چه درمذاکرات وزارت خارجه وچه درجاهای دیگر باین برخوردیم‌که مصلحت مملکت درتمام‌کردن اینکار باخود آقایان است باین جهت

---

(۱) قسمت‌های حذف شده ازگزارش‌کمیسیون‌نکاتی‌است‌که سابق‌گفته شده‌است (۲) بقرارمعلوم این دومین‌گزارشی بوده‌که وزیردارائی بنخست وزیرداده است

ما ناچارشدیم باز باب مذاکرات را مفتوح کنیم و پیشنهادات تازه بدهیم وخواهش کنیم که دومرتبه مذاکرات تجدید شود . نمایندهٔ شرکت دومرتبه آمد و مذاکرات شد ودر نتیجهٔ این مذاکره باینجا رسیدیم که بجای دو ملیون و نیم لیره که برای بیست درصد رزرو عمومی و بیست درصد سود سهام درسال ۱۹۴۹ منحصراً برای ما تعیین میکردند حاضر شدند تاآخر امتیازنامه چهارملیون لیره حد اقل پرداخت کنند ضمناً دولت ایران وجهی که میگیرد مشمول مالیات بردرآمد دولت انگلستان نشود . »

سپس دولت قرارداد الحاقی را درتاریخ ۲۶ تیرماه ۱۳۲۸ (۱۷ ژوئیه۱۹۴۹) امضا کرده و برای تصویب تقدیم مجلس شورایملی میدارد . این قرارداد در مجلس پانزدهم مطرح ومذاکرات مفصلی درباهٔ آن‌شد ولی سرنوشت آن معلوم نگشت تاآنکه دوباره درمجلس شانزدهم مطرح و رد گردید .

بخش سوم - پیش بینی راجع به قرارداد الحاقی

درایامی که مذاکرات راجع بقرارداد الحاقی در جریان بود نویسنده درآبادان بودم وازجریان کاراطلاع دقیقی نداشتم ولی‌همینکه متن قرارداد منتشر گشت ومعلوم شد که دولت درصدد بوده است مجلس پانزدهم راباصطلاح‌غافلگیر کرده وآنرا بتصویب رساند فوری نامه‌ای به یکی از مدیران شرکت درلندن نوشتم واظهار داشتم که این قرارداد هیچگاه بتصویب مجلس نخواهد رسید . نامهٔ من اثر فوق‌العاده نامطلوبی در مدیران شرکت کرد و بیشتر مدیرانی که آن نامه را خواندند ازمن سخت انتقادکردند وجوابی هم بآن نامه ندادند ولی چند سال بعدکه قانون ملی شدن نفت ایران بتصویب رسید همان مدیران منقد این نامه را چندبار دیگرخواندند و برحسب اطلاع موثقی که بمن رسیده است هنگامیکه دولت انگلیس اعتراضاتی در باب ملی شدن نفت داشت یکی ازانگلیسها رونوشت نامهٔ مذکور را به مستر اتلی[۱] که درآنموقع نخست وزیر انگلیس بود داده که اوخوانده وتعجب کرده بود که چرامندرجات آن موردتوجه اولیای شرکت واقع نشده است .

باستثنای چند جمله ازین نامه که مقتضیات حذف آنرا جایز میسازد و اندك تلخیصی که درچند جا شده ترجمهٔ متن‌کامل این نامه درزیرنقل میشود ولازم است توجه نمود که تاریخ این نامه سوم اوت ۱۹۴۹ (۱۲ مرداد ۱۳۲۸) یعنی هفده روز پس از امضای قرار داد الحاقی است و موقعی نوشته شده بود که دورهٔ پانزدهم خاتمه یافته بود .

« بی شك تاکنون بشما اطلاع رسیده است که دورهٔ مجلس خاتمه یافت بدون اینکه دربارهٔ قراردادالحاقی تصمیمی بگیرد.هیجده ماه بحث وهشت ماه مذاکره بی نتیجه ماند . درایران ما مثلی داریم که میگوید «جوجه‌را درپائیزمیشمارند» واین‌ضرب‌المثل

(۱) Mr. C. Attlee

درین مورد صدق میکند . بهار پر ازامید و تابستان پراز گل و ریاحین اکنون جای خود را به خزان پائیزداده وموقع شمردن جوجه‌ها رسیده‌است . اگربخواهید که برای زمستان‌پراز توفان چاره‌ای بیاندیشید حتماً باید گذشته‌را درنظر بگیرید . شدت سرمای زمستان تأثیرش‌درآبادان‌هم‌بسیارناگوارخواهد بود ولذا میل دارم درین نامهٔ خصوصی جریان مذاکرات گذشته را مرور کرده و نظریات خود را دربارهٔ وضع سیاسی ایران وموجباتی که باعث وضع ناگوار کنونی شده است شرح دهم . ما همه میل داریم که راه حلی برای‌مشکلی که پیش‌آمده پیداشود زیرا آگاه هستیم که اگرچنین راه حلی بدست نیایدعواقب‌آن‌وخیم‌خواهدبودلذا امیدوارم که‌قصد من‌ازانشاء این‌نامه‌سوء تعبیرنشودبلکه درعوض کمکی نماید که ماحقایق‌رادرك کرده وطریقهٔ جدیدی انتخاب کنیم که مارا بهدف مطلوب برساند.ازموقعیکه شاه فقید ازسلطنت استعفا دادافکارعمومی‌تحت هدایت‌مجلس وسیاستمداران ومطبوعات باین نتیجه رسیده است که قرارداد ۱۹۳۳ غیر عادلانه بوده زیرا که قرارداد مزبور را یك حکومت فردی منعقد کرده ودولت‌انگلستان‌هم‌آن رژیم را یاری میکرده است . این‌عقیده را عمال شوروی بسیارتقویت وتشویق نموده ویکی ازارکان تبلیغات حزب توده قراردادهاند . درسالهای ۱۹۴۳ و۱۹۴۴ که دولت شوروی برای تحصیل امتیازنفت‌شمال بایران فشاروارد میساخت بطعنه گفته میشد که دولت‌ایران حاضراست قرارداد ۱۹۳۳را برسمیت بشناسد ولی حاضر نیست که امتیازی بروسها بدهد در حالیکه روسها شرایط بهتری هم پیشنهاد میکنند . اینگونه تبلیغات در اذهان عمومی رسوخ یافته و محیط نامساعدی را برای شرکت ایجادکرده است . دردسامبر ۱۹۴۴ که دکترمصدق طرح معروف را دائر به‌منع مذاکرات در بارهٔ نفت بمجلس تقدیم داشت افکار عمومی باندازه ای با این طرح موافقت داشت که مجلس آنراباتفاق‌آرا تصویب‌کرد . پس‌از تصویب آن طرح روسها اقداماتی‌راشروع کردند که منتهی به غائلهٔ آذربایجان وامضای مقاوله‌نامهٔ نفت بین قوام و سفیر روس گردید وهمینکه دموکراتها ازآذربایجان رانده شدند مجلس مقاوله‌نامه را لغو کردومقرراتی وضع نمود که دولت‌مکلف باستیفای حقوق ایران از نفت جنوب باشد. هنگامیکه‌مجلس مقررات مزبوررا وضع کرد بیگانگانی که خودرا مطلع وآگاه میپنداشتند مدعی‌شدند که مقررات مزبور برای حفظ موازنه وضع شده است ولی آنانیکه با امور سیاسی ایران اندك آشنائی داشتند ودر تماس با افکار عمومی بودند میدانستند که چنین تعبیر سطحی از قانون مزبور خطا و نادرست است . مقررات راجع باستیفای حق ایران ناشی از تقاضای واقعی وحقیقی افکار عامه برای تجدیدنظر در مقررات امتیازنامه‌ای بود که متأسفانه آنهائیکه بشرکت نظر میدادند بکلی ازآن غافل بودند.همهٔ‌دولتهائی که از ۱۹۴۷ ببعد برسرکار آمده‌اند تعهد کرده‌اند که‌استیفای حق ایران‌را از شرکت عملی‌سازند ومجلس هم درطی دوسال‌گذشته‌همواره دولتهارا متوجه مواعیدآنهامیداشته است. بیلان شرکت که درسال ۱۹۴۸ منتشرگشت ومعلوم داشت که حق‌الامتیاز دولت ایران فقط هفت‌ملیون‌لیره بوده درحالیکه دولت انگلستان دوبرابر این‌مبلغ را بعنوان مالیات‌بردرآمد از شرکت وصول نموده‌است وهمچنین اطلاع مردم ازشرایط امتیازاتی که ابن‌سعود وشیخ کویت درمنطقهٔ بیطرف داده‌اند بروخامت وضع افزوده وباعث شد

که‌مجلس‌فشار زیادتری‌بدولت‌برای استیفای حق ایران بیاورد. درچنین موقعی‌قضیه جنبهٔ یك‌مسئلهٔ ملی‌را پیدا کرده‌بود واحتیاج زیادبپول برای‌آن که‌برنامه هفت‌ساله‌عملی گردد روغنی بود که‌روی‌این آتش‌ریخته‌می شد.درتمام‌این مدت‌شرکت متوسل به‌روش‌مسامحه شد ومیگفت‌تایك حکومت‌ثابت‌واستواری روی‌کار نیایدمصلحت‌نیست که مذاکرات جدی‌شروع گردد. درین‌جاهم‌شرکت افکارعمومی‌را نادیده گرفت‌وسیاست«صبر کن وملاحظه کن» را تعقیب کرد.درخلال این‌احوال‌واقعات‌سیاسی‌پشت‌سرهم‌رویداد که‌عبارت‌بودازسوء قصد باعلیحضرت همایونی - غیرقانونی شناختن حزب توده - وضع قانون‌مطبوعات که‌آزادی جراید را محدود می کرد - اعلان حکومت نظامی در بسیاری از نقاط‌کشور - انتخاب بی‌سابقهٔ مجلس مؤسسان وتغییر برخی ازاصول قانون اساسی - وتغییر آئین‌نامهٔ‌داخلی مجلس برای آنکه وضع قوانین سریع‌تر انجام‌گیرد. پس‌از واقعات مزبور گس‌بایران آمد تا مذاکرات را برای قرارداد نفتی که افکار عمومی ایران خواستارآن‌بود شروع نماید. بنابرین خیلی طبیعی بود که مردم وقت ورود گس را درنظر گرفته‌وآنرامربوط بوقایع سیاسی اخیر ایران بنمایند و بگویند که سیاست مسامحهٔ شرکت دردوسال پیش ومیل به حل قضیهٔ نفت درسال گذشته و سال جاری نتیجهٔ پیش‌آمدهائی بود که بوقوع پیوسته است. گس در ژانویهٔ ۱۹۴۹ از راه آبادان عازم تهران بود وموقع توقف‌خود درآبادان از من تقاضا کرد که بااو درباب مسائل جاری بحث کنم . گس بمن گفت حالا که بتهران میرود مصمم‌است که قضیه‌را خاتمه دهد و ازمن نظرخواست که بهترین راه برای رسیدن بمقصود چیست؟ من باو اکیداً توصیه کردم که بهتر است او با پیشوایان افکار عمومی تماس گرفته وسوء تفاهمات گذشته را مرتفع نماید وپیشنهاد کردم که پس از ورود بتهران او دعوت از نمایندگان ورجال سیاسی ومدیران جرایدواشخاص سرشناس بنماید ودر باب نفت وآیندهٔ آن ومحدودیتهائی که‌ممکن‌است درکارباشدبیاناتی بنماید. نظر من ازین پیشنهاد این‌بود که‌گس باکسانی که افکار عامه را هدایت‌میکنند تماس پیدا کرده واز نظریات آن‌ها آگاه شودونظر شرکت را هم برای آنها واضح سازد . گس این‌پیشنهاد را ردکرد و رویهٔ او مرا بی‌نهایت‌متأثر کرد. همان‌وقت‌ملتفت شدم که‌گس نقش بزرگی‌را که طبقات مزبور درحیات ملت بازی می کنند‌درك‌نمیکند. پیشنهاد دومی که باو دادم این بود که بهرقیمتی هست از چانه زدن که موجد سوء ظن است خودداری کند . باو گفتم قرن‌هاست که ایرانیان با چانه‌زدن آشنائی‌دارند ودرین کار باندازه‌ای آزموده هستند که دیگران بپای آنها نمیرسند . پیشنهاد دوم را قبول کرد ولی حوادث اخیر حاکی است که درعمل اجرا نکرده‌است وشاید وضع‌طوری‌پیش آمده که ناچار بوده است. پیشنهادسوم من این بود که بهیچوجه‌متوسل بسفارت‌انگلیس نشود که آن‌ها دخالت درکار کرده واعمال‌نفوذ بنمایند زیرا درست‌نتیجهٔ‌معکوس‌خواهد داشت . درین‌باب باوتوضیح دادم که هرگونه مذاکره‌ای که سفارت باافراد سیاست‌مآب بنماید حمل براعمال فشار خواهد شد و بعدها همین سیاست‌مآبان مدعی خواهند شد که عمل آن ها نتیجهٔ فشار خارجی بوده است. با درنظرگرفتن سابقهٔ امر بسهولت‌میتوان پی‌برد چرا مردم این‌اندازه بمذاکرات نفت علاقمند بوده و توصیه می کردند که دولت با متخصصین بیگانه وسیاستمداران سالخوردهٔ داخلی درین باب مشورت نماید . در

قسمت متخصصین خارجی دولت اقداماتی نمود و بـا گلبنکیان در اروپا و کرتیس در امریکا مشورتهائی کرد و پروفسور ژیدل وروسو را هم استخدام کرد و از آن ها هم نظرهائی خواست ولی درقسمت مشورت بامجربین وسالخوردگان دولت ساعد در ابتدا قصد داشت که عده‌ای را دعوت کند که با وزیردارائی همکاری نمایند ولـی بعد از این عقیده منصرف شد زیرا نمایندهٔ شرکت اصرار میورزید کـه مذاکرات کاملا محرمانه باشد. بنابرین مذاکرات دریك محیط غیرمساعدی شروع گشت. حوادث سیاسی قبل‌از شروع مذاکرات-محدودیت آزادی مطبوعات — تغییرعقیدهٔ دولت درباب دعوت‌دیگران برای همکاری بـاآن ـ ومحرمانه‌بودن مذاکرات دست بهم‌داده وتولید سوءظن‌شدیدی برای مردم کرد ودر حین مذاکرات شهرتهائی پخش می‌شد ورواج می گرفت که تأثیر زیان‌آوری‌داشت. علاوه برین مراحل اولیهٔ مذاکرات صرف ایراد خطابه‌هائی‌ازطرفین شد که چندین‌هفته دوام داشت ودر طی‌آن هیچگونه خبری‌هم از چگونگی‌مذاکرات به مردم داده نمیشد. مردم هرروز در روزنامه های خود میخواندند که کنفرانسهای بسیار مهمی درامریکا واروپامنعقد شده و محرمانه‌ترین مطالب تحت بحث بوده‌است‌ودرآخر هم ابلاغیه‌هائی منتشر میشد که نتیجه راکم وبیش بمردم اطلاع میداد و خیال آن ها را راحت می‌ساخت ولی‌محرمانه بودن مذاکرات نفت بدون انتشار هیچگونه‌خبروابلاغیه‌ای باعث حیرت مردم گردید ولذا نسبت بطرز کار سوء ظن پیدا کردند. مردم‌مختلف کـه بوزیردارائی رجوع کرده واندك اطلاعی از جریان کارمیخواستند جواب میشنیدند کـه نمایندگان‌شرکت‌مصرّ درمحرمانه‌بودن‌مذاکرات‌هستند ولذاتاختم‌کاراطلاعی بمردم‌نمیتوان داد. بتدریج مردم‌معتقدشدند که نظرآنها بحساب نخواهد آمد وشرکت مردم را نادیده میگیرد . دومین مرحلهٔ‌مذاکرات‌موقعی آغاز گشت که گس پیشنهاد شرکت‌را عرضه داشت ودولت آنرا ردکرد وسپس گس تهران‌را ترك گفته عازم لندن گردید وبمردم گفته شد که گس برای‌سه‌هفته بلندن رفته‌است تا با هیئت‌مدیرهٔ شرکت مشورت‌نماید. درمراجعت گس از لندن که متعاقب او رئیس هیئت‌مدیره‌هم بتهران‌آمد مذاکرات‌درسطح بالاتری جریان یافت و پس‌از مراجعت رئیس هیئت‌مدیره بلندن شهرت یافت که شرکت‌حداکثر شرایط خودرا پیشنهاد کرده ولی اول دولت با آن موافقت نکرده و بعد با فشارهائی که بآن وارد آمده قبول کرده است. بعد جلسهٔ وزارت خارجه تشکیل‌شد وعقیدهٔ‌حضار برین بود که مذاکرات ادامه یابد. درین موقع نامه‌ای ازطرف کارمندان شرکت دربارهٔ مادهٔ شانزده امتیـاز بین نمایندگان مجلس ومطبوعات وسایرین منتشر گشت کـه تأثیر بسزائی نمود وحربهٔ برنده‌ای برای مخالفین شد وضمناً ترجمهٔ مقالات متعددی ازجراید خارجه در روزنامه های تهران منتشر گشت که بین شرایط امتیازنامه شرکت و شرایط امتیازهادر کشورهای‌دیگرمقایسه‌هائی‌مینمودو برتری‌امتیازهای‌خارج‌راهویدا می‌ساخت . بهرحال دو بـاره گس آمد و وزیر دارائی باموافقت کامل هیئت دولت‌مذاکرات‌آخری را بانجام رساند وقرارداد الحاقی امضا شد و بمجلس رفت ودر آنجـا معوق ماند . موقعیکه قرارداد امضا شد عقیدهٔ محافل مؤثر راجع بآن ازین‌قرار بود :

(ب) [1] اعضای کابینه باطناً ازشرایط‌قرارداد چندان خوشوقت نبودند و چون

---

(۱) قسمت (الف) حذف شده‌است

ازاعتراضات مردم آگاهی داشتند نگران بودند. شهرت دارد که ساعد گفته بوده است اگر پس ازختم دورهٔ پانزدهم مجلس تغییری دردولت پیدا خواهد شد بهتراست که این دولت قرارداد الحاقی را امضا نکند واین کاررا بعهدهٔ خلف خود واگذارد ولی پس از حصول اطمینان در بارهٔ دوام عمر حکومت فعلی قرار داد را امضاء کرده است.

(ج) اکثریت نمایندگان مجلس پانزدهم باقرار داد مخالف بودند ولی از ترس آنکه مخالفت آنها ممکن بود تأثیری درتجدید انتخاب آنها برای دورهٔ بعد داشته باشد حاضر نبودند که علناً مخالفت خود را اظهاردارند. آنها باصطلاح هم خدارا میخواستند وهم خرما را ومیخواستند که برعلیه قرار داد رأی دهند مشروط برینکه دوباره هم انتخاب شوند. وضعی که پیش آمد آنها را ازمحظوری که داشتند خارج ساخت.

(د) تمام طبقات تحصیل کرده - غالب مستخدمین دولت - جراید - بسیاری از افسران - معلمین و شاگردان - صاحبان حرفه های آزاد - همگی بالاتفاق باقرارداد مخالف بودند. آنها معتقد شده اند که تمایل اخیرسیاست رو به جناح راست اگرحقیقةً هم کار دولت انگلیس نباشد مسلماً ازطرف آندولت ترویج و تشویق شده است و اظهار میدارند که قرارداد الحاقی قیمتی است که از مردم ایران برای این تغییرسیاست خواسته شده است. ونیزمیگویند که درحال حاضرانگلیس و امریکا بواسطهٔ منابع نفتی ایران اظهارعلاقه باین کشورمیکنندولی اگرجنگی پیش آید آنهاقادر بدفاع ازایران نخواهند بود. عقیده شان این است که درموقع صلح ایران در ازای نفت خود بهای عادلانه‌ای بدست نمیآورد واگرجنگی پیش آید بخاطرهمین منابع نفت ارتش های شوروی ایران رامورد تهاجم قرارخواهند داد. مخصوصاً محرمانه بودن مذاکرات تولید سوء ظن شدیدی در افکار عمومی ایجاد کرده است. (ه) سیاستمداران سالخورده که اکنون در کنار نشسته اند با نظریات طبقات تحصیل کرده هم آهنگی دارند. نمایندگانی که درمجلس تصمیم بمخالفت علنی با قرارداد الحاقی گرفتند چند نفری بیش نبودند. اینها کسانی هستند که درشش ماه اخیر مرتباً بادولت مخالفت کرده اند و با وضع حاضر امیدی بتجدید انتخاب خود ندارند لذا در صدد بوده اند که با نطق و بیان جلب توجه عامه را بکنند ولحن نطقهای آنها هم بسیار شدید بوده است. بیانات مخالفین درمجلس - نامه های سیاستمداران سالخورده خطاب بنمایندگان - انتقادات همهٔ روزنامه ها - طرز درهم و برهم دفاع از لایحه و فشارمردم بفرد فرد نمایندگان چنین سرنوشتی را برای لایحهٔ قرار داد الحاقی ایجاد کرد. سه روز قبل از ختم دورهٔ مجلس گروه عظیمی در صدد برآمدند که متبنگی ترتیب داده و به میدان بهارستان بروند واز نمایندگان رد لایحه را بخواهند ولی مأمورین حکومت نظامی وپلیس ازین کارجلوگیری کردند. ازترجمهٔ جراید که ازتهران برای شما فرستاده میشود ملاحظه خواهید کرد که تکیه کلام مخالفین این است که قرارداد الحاقی بازوروفشارتحمیل شده است. اکنون یك نکته محقق میباشد وآن این است که قرارداد الحاقی باین طرزیکه تنظیم شده است هیچگاه بتصویب مجلس نخواهد رسید. هرنوع بست و بند هائی که

درامر انتخابات دورهٔ بعد مجلس بشود قادر باین نخواهد بود که اکثریتی بوجود آورد که برخلاف افکارعمومی مردم چنین قراردادی را تصویب کند . رسم برین است که در ابتدای هر دورهٔ مجلس نمایندگان خود را مستقل شناخته و بطورکلی از دولت انتقاد میکنند . تجربه نشان داده است که وثوق‌الدوله مجلس چهارم‌را انتخاب کرد تاقرارداد ایران وانگلیس سال ۱۹۱۹ را بتصویب رساند ونتیجه این شد که مجلس چهارم برعلیه او اقدام کرد . فروغی انتخابات دورهٔ سیزدهم را تأیید کرد وهمان دوره بااو مخالفت نمود . سهیلی دورهٔ چهاردهم را انتخاب کرد که مخالف او شد . قوام با تمام مهارتی که درین نوع کارهاداشت وبادستیاری حزب دموکراتی که ایجاد کرده بود موافقین خود را بمجلس فرستاد وهمان مجلس عذر اورا خواست . حال امیدوارم که اولیای شرکت این حقایق را بخاطرسپرده وسیاست‌آیندهٔ خود را بطرزبهتری تنظیم نمایند . درحال حاضر افکارعمومی‌باسوء ظن شدیدی بشرکت نظاره میکند ونسبت بمذاکرات محرمانهٔ هشت ماه گذشته وسعی دولت حاضر درتصویب قرارداد در روز های آخردورهٔ پانزدهم نگرانی‌های بسیارپیدا کرده است . من وظیفهٔ خود میدانم که این حقایق تلخ را بشما بگویم ویك قدم هم جلوتررفته وباایمان‌کامل اظهارمیدارم که هیچگاه شرکت درایران باندازه حالا منفور نبوده است بخصوص که اینك مردم عقیده پیدا کرده‌اند که شرکت درموضوع قرارداد نیرنگی‌هم بکاربرده بود . درحال حاضرفقط دو راه درپیش دارید اول‌اینکه درقرارداد تجدیدنظری بشود بطوریکه این‌تجدیدنظرمشمول مشاوره بامردم هم باشد و سپس آنرا برای تصویب تقدیم مجلس دارند و دیگر اینکه شرکت بگوید «یااین‌قرارداد یاهیچ» وبعد هم مسئولیت عواقب امرراقبول نماید . نتیجهٔ‌آن واشکالات بعدی از حالا برای من آشکار است . من که عضو شرکت میباشم چون اهل این کشور هستم و دولت من با شرکت اختلافاتی دارد شاید مصلحت درین باشد که سکوت کرده وهیچ‌نگویم و امیدوار باصلاح امورشوم ولی‌چون معتقدباین هستم که بین‌ایران وشرکت باید تفاهم‌کامل برقرار گردد واین‌بمصلحت همه‌کس میباشد مآل‌اندیشی را توصیه کرده وخودرا ناچارمی‌بینم که عقیدهٔ خود را پوست‌کنده اظهار بدارم .

ارادتمند

بخش چهارم - اقدامات مجدد دولت برای تعدیل قرارداد الحاقی

پس ازآنکه سرنوشت قرارداد الحاقی درمجلس پانزدهم معوق‌ماند دولت ساعد اقدامات دیگری کرد که شاید بتواند شرایط مناسب‌تری ازشرکت بدست‌آورد . اسناد زیر این اقدامات را واضح میدارد :-

برگ ۱۹۵ ازپروندهٔ محرمانهٔ نفت[۱]

در روز پنجشنبهٔ ۲۱ مهرماه جناب‌آقای ساعد نخست وزیر باروپا رفتند که

(۱) ازکتاب سیاه‌صفحهٔ ۵۴۳

مذاکراتی که مقرر بود با وزیر خارجه و وزیر دارائی انگلیس ورئیس شرکت بعمل آورند انجام دهند .

امضاء - **گلشائیان**

رونوشت تلگراف جناب آقای ساعد از لندن[1]

تاریخ اصل تلگراف ۲۱ اکتوبر ۱۹۴۹ - دفترمخصوص شاهنشاهی - تهران

باوزیر امورخارجهٔ انگلیس روز ۲۶ مهر دوستانه ملاقات نمودم وضعیت عمومی کشوررا که ناشی ازخشک سالی وسختی زمستان گذشته بود و بیکاری وقحطی که کشور را تهدید مینماید شرح دادم واین را که ایران به کمك های واقعی دوستان خوداحتیاج دارد وچنانچه فقرعمومی و بی پولی ادامه یابد اصلاحاتیکه برای بهبودی اوضاع درنظر است مقدورنخواهد بود وهمچنین ایران از کمك های نقشه مارشال و از بذل وبخشش امریکا واز مساعدتهای انگلیس (که نه فقط بمتصرفات بلکه بدول اروپا وغیره نمود) استفاده نکرده و برخلاف اعلامیه سه پیشوای بزرگ متفقین در تهران از وعدهٔ مساعدت آنها بهره‌مند نشده و حتی بحقوق حقهٔ خود هم نرسیده شرح داده وگفتم امید دولت ایران این بود که اوضاع ناگواروفقروفاقه‌ای راکه جنگ وتوقف ارتش متفقین بارث گذاشته شاید بتواند ازعواید نفت خود تادرجه‌ای اصلاح نماید و پس ازمذاکرات مفصل ترتیباتی با شرکت نفت ایران و انگلیس داده شده اما تنزل نرخ لیره از قیمت واقعی آن کاست ودرقسمت انگلیس مالیاتی که دولت انگلیس از شرکت نفت ایران اخذ میکند نقصان مهمی بعواید دولت ایران وارد میسازد . شرحی را که از این نقصان حکایت میکرد دوستانه نشان دادم تامطالعات ومساعدتهای لازمه مبذول دارند. جواباً بالحن خیلی دوستانه اهمیت ایران را درسیاست انگلیس و علاقهٔ دولت انگلیس را به بهبودی و ترقیات ایران و تشیید دوستی میان دوکشور اظهار داشته وعده نمود دقیقاً مطالعات کرده نتیجه‌را اطلاع دهد. هنگام خدا حافظی گفت امیدوارم همدیگر رامجدداً ببینیم .

روز ۲۸ مهر وزیر دارائی انگلیس‌را ملاقات بواسطهٔ دوستی قدیمی خیلی گرم بود . تمام مطالب را آزادانه حالی نمودم واحساس کردم اظهاراتم تأثیر نمود . وعده داد هرآنچه مقدور شود مضایقه نکند. ناهار را روز ۲۸ مهر برئیس شرکت نفت ایران وانگلیس مهمان بودم صحبت از موافقت‌نامه وچگونگی تأثیر آن در افکارعامه مجلس شورای ملی بمیان آمد. مخالفتهای شدید جراید و محافل مختلفه را حالی نمود . تنزل نرخ لیره وخسارات متوجه به منافع ایران را مخصوصاً تذکر دادم و اظهار داشتم که این موضوع وضعیت دولت را مقابل مجلس شورا مشکل وحملات مخالفین را شدیدتر خواهد کرد . جوابداد خیلی متأسفم ولی موضوع از قوهٔ شرکت خارج است و برای شرکت مقدورنیست برای جبران تنزل نرخ لیره محلی پیدا کند . اکنون به نتیجهٔ اقدامات وزیردارائی ووزیرخارجه منتظر میباشم . مراتب را خواهشمندم از شرف لحاظ مبارك شاهانه بگذرانید.

---

(۱) ازهمان کتاب صفحهٔ ۵۴۳

برگ ۲۰۹ از پروندهٔ محرمانهٔ نفت[1]
یادداشت وزارت دارائی

بعداز مراجعت آقای نخست‌وزیر از لندن مذاکراتی که بااولیای دولت‌انگلستان نموده بود بعرض پیشگاه مبارك رسانیده ودر هیئت دولت مطرح گردید. قرار شد بـا ترتیبی که پیش‌آمده و جوابهائی که داده شده فعلا اقدامی بعمل نیاید تا افتتاح مجلس شورای‌ملی. متن یادداشت که مستر بوین بایشان داده بودند قرائت گردید که‌درپروندهٔ امر ضبط گردید. امضا : **گلشائیان**

از اسناد مذکور فوق معلوم است که دولت میخواسته است شرکت‌را حاضرنماید که نسبت بچهارملیون لیره‌ای که در قرارداد الحاقی تضمین کرده بود و مبالغ دیگری که بموجب قرارداد الحاقی شرکت بایستی بپردازد تجدیدنظری نماید زیرا باتنزل‌نرخ لیره که در ۲۸ شهریور ۱۳۲۸ صوت گرفت[1] ضرر زیادی متوجه‌میشد ولی‌بهیچوجه‌درك نکرده بود که ممکن است قرارداد الحاقی هیچگاه بتصویب نرسد.

بخش پنجم - جریان وقایع سیاسی تا موقع ملی شدن نفت

وقایع‌سیاسی که‌بعد بوقوع‌پیوست ودرامرنفت تأثیر بسزائی‌داشت بدینقراراست :

انتخابات دورهٔ شانزدهم مجلس شورای‌ملی مانند ادوارگذشته جریان داشت‌بدین معنی که طبق معمول طبقهٔ حاکمه با بندوبست ها و نفوذی که در دستگاه دولت داشت نمایندگان خودرا بنام نمایندگان مردم ایران انتخاب کرد و بمجلس فرستاد.

روز جمعهٔ ۲۲ مهر ۱۳۲۸ دکترمصدق باتفاق جمعی بدربار رفته وتحصن‌اختیار کرد و از سوء جریان انتخابات دورهٔ شانزدهم ومداخلات نامشروع مأمورین دولت شکایت کرد و در جواب باو و همراهانش گفته شد که‌بشکایت‌آنها رسیدگی خواهدشد.

روز ۱۳ آبان ۱۳۲۸ هژیر وزیردربار درمجلس روضه خوانی مسجد سپهسالار هدف تیر قرارگرفت وکشته شدوهمان روز حکومت نظامی درتهران برقرارگردید و عده‌ای توقیف شدند. درگذشت هژیر تأثیر بسزائی درامر انتخابات تهران‌داشت. روز ۱۹ آبان قرائت آراء انتخابات موقوف گردید وانجمن‌نظارت‌انتخابات‌تهران‌اعلامیه‌ای مبنی بربطلان انتخابات وآراء مأخوذه منتشر ساخت.

روز ۲۲ آبان سرلشگر فضل‌الله زاهدی که معروف بود ارتباط نزدیکی با جبههٔ ملی دارد بریاست ادارهٔ کل شهربانی منصوب گردید.

روز ۲٤ آبان اعلیحضرت همایونی برحسب دعوت رئیس جمهور امریکا بصوب واشنگتن عزیمت نمودند وروز ۱۲ دیماه بتهران مراجعت کردند.

---

(۱) ازکتاب سیاه صفحهٔ۵۴۲

(۲) ارزش لیره به دولار از چهار دولار و سه سنت به دو دولار وهشتاد سنت تنزل‌کرد

روز ۱۵ بهمن دولت اعلامیه‌ای منتشر کرد که مجلس سنا و مجلس شورای ملی روز بیستم بهمن ماه افتتاح خواهد شد.

روز ۱۸ بهمن میتینگ بزرگی در میدان بهارستان تشکیل گردید و دکتر مصدق در باب ابطال انتخابات گذشتهٔ تهران و انتخابات مجددی که در شرف انجام بود و هم‌چنین راجع بافتتاح مجلسین بدون حضور نمایندگان تهران نطق مفصلی ایراد کرد.

روز ۲۰ بهمن مجلسین شورای ملی و سنا از طرف اعلیحضرت همایونی افتتاح گردید.

روز ۲۲ فروردین ۱۳۲۹ انتخابات تهران خاتمه یافت و اکثریت منتخبین از اعضای جبههٔ ملی بودند.

روز ۲٤ فروردین علی منصور بریاست دولت انتخاب گردید.

روز ٦ خرداد احمد دهقان ترور شد و فوت کرد.

روز ۳۰ خرداد مجلس تصویب کرد که لایحه قرارداد الحاقی به کمیسیونی منتخب ازشعب ارجاع گردد و دولت منصور در تمام مدت زمامداری ازاظهار نظر راجع بقرارداد مزبور خودداری نمود.

روز ۵ تیرماه دولت علی منصور استعفا داد و هما نروز سپهبد علی رزم آرا بنخست وزیری منصوب شد.

روز ۱۱ تیر هانری گریدی سفیر کبیر جدید امریکا حضور همایونی شرفیاب شده واستوارنامه خود را تقدیم داشت.

روز ۳۰ مرداد امام جمعه تهران مورد حملهٔ شخصی بنام اکبری قرار گرفته مجروح شد.

روز ۲۰ مهرماه دکتر مصدق وچندنفراز نمایندگان دولت رزم آرا را درباب نفت استیضاح کردند. در تمام مدت زمامداری رزم آرا اقلیت مجلس بزعامت دکتر مصدق شدید ترین مخالفتها را بادولت رزم آرا داشتند. هنگام طرح استیضاح دولت صریحاً اظهارداشت که باقرارداد الحاقی موافق بوده وازآن دفاع خواهد کرد.

روز ۲۷ مهرماه مجلس راجع باستیضاح رأی سکوت داد.

در تاریخ ۱۹ آذرماه ۱۳۲۹ کمیسیون مخصوص نفت به مجلس گزارش داد که قرارداد الحاقی ساعد ـ گس کافی برای استیفای حقوق ایران نیست ومخالفت خود را باآن اظهارداشته بود. گزارش مزبور درجلسهٔ ۲٦ آذرماه مجلس قرائت ودکتر مصدق نطقی در محاسن ملی شدن نفت ایران کرد و سپس پیشنهادی بامضای یازده نفر از نمایندگان در بارهٔ ملی شدن نفت تقدیم رئیس مجلس گردید و چون امضای کافی نداشت مطرح نگردید.

درتاریخ ۵ دیماه وزیردارائی بعلت اینکه کمیسیون نفت گزارشی مبنی برمخالفت باقرارداد الحاقی داده بودلایحهٔ قرارداد مزبور را ازطرف دولت مسترد داشت تادولت طبق قانون ۲۹ مهر ۱۳۲٦ دراستیفای حقوق کشوراقدام ونتیجه را بمجلس گزارش دهد.

روز ۸ دیماه میتینگ بزرگی درمیدان بهارستان تشکیل و ناطقین بااحساسات شدیدی‌علیه اقدامات‌دولت وشرکت‌نفت سخنرانی کرده وتقاضای ملی‌شدن‌نفت‌را داشتند.

در جلسهٔ ۲۱ دیماه مجلس طرحی بامضاء چهل‌نفر از نمایندگان تصویب شد که کمیسیون نفت درظرف دوماه وظیفه ورویهٔ دولت را درحل مسئلهٔ نفت تعیین نماید.

درخلال این‌احوال که احساسات عمومی برای استیفای حق مردم ازنفت روبتزاید بود وپیشوایان جبههٔ ملی بانهایت شدت در تهییج افکار قدم برمیداشتند رزم‌آرا خیلی محرمانه باشرکت‌نفت داخل‌مذاکره شده وتقاضا کرد که شرکت مزبور پیشنهاد جدیدی برای حل مسئله بنماید. کسی جز رزم‌آرا دراین‌کار واردنبود ونتیجهٔ این‌مذاکرات هم تامدتی بعد مکشوف نگردید.

اولین دفعه‌ای که اطلاعی راجع بچنین مذاکراتی‌منتشر گشت درگزارش سالیانه‌ای بود که رئیس شرکت نفت ایران وانگلیس بصاحبان سهام شرکت مزبور درتاریخ ۱۶ نوامبر ۱۹۵۱ (۲٤آبانماه ۱۳۳۰) داده وچنین گفته بود :-

پس‌ازاطلاع ازقرارداد منعقده بین دولت عربستان سعودی وشرکت نفت‌آرامکو درباب تنصیف عواید و با وجود اینکه ضمن مذاکرات راجع بقرارداد الحاقی نتایجی حاصل شده بود شرکت بدون فوت وقت بسپهبد رزم‌آراء که درآنموقع نخست وزیر بود اطلاع دادکه حاضر است برای عقد قرارداد مشابهی بادولت ایران وارد مذاکره گردد. و درهمانوقت که این پیشنهاد را کرده پنج ملیون لیره مساعده بدولت ایران پرداخت که ازدرآمد های بعد کسر گردد و موافقت کردکه برای بقیهٔ سال ۱۹۵۱ هم ماهی دوملیون‌لیره‌مساعده بپردازد.شرکت‌جدیت بسیارنمودکه نخست‌وزیر پیشنهاد شرکت را دائربتجدید مذاکرات برای عقد قرارداد روی‌اصل تنصیف عواید وهمچنین پرداخت مساعده را بدولت علنی کرده وبرای‌اطلاع عامه منتشرنماید ولی سپهبد رزم‌آرا امتناع نمود ونهایت‌خفا را راجع بهردو موضوع رعایت کرد. نتیجه این شدکه مردم ایران ازچنین‌پیشنهادی تامدتها بعد ازپیشنهاد ملی‌شدن نفت اطلاعی نداشتند.

در سال ۱۹۵۳ نورمان‌کمپ[1] خبرنگار روزنامهٔ تایمز[2] و نیوزکرانیکل[3] لندن که درموقع خلع ید ازشرکت درآبادان بوده است‌کتابی بنام «آبادان» چاپ ومنتشر کرد که درآن متن یادداشت سفیر انگلیس به رزم آرا مورخهٔ ۲۳ فوریهٔ ۱۹۵۱ (۲٤ اسفند۱۳۲۹) درج‌شده‌بود. این یادداشت قبلاً درایران منتشرنشده بود وغالب مردم از چنین پیشنهادی‌که برزم‌آرا شده بود تاآن تاریخ اطلاعی نداشتند.

ترجمهٔ نامهٔ سفیر انگلیس‌که درکتاب مذکور چاپ شده بشرح زیر است :-

جناب :- وضع مربوط بقرارداد الحاقی نفت توجه مجلس عوام بریتانیا را جلب ودر ۲۱ فوریه سئوالی درینموضوع شده است. جوابی که داده شد این‌است‌که دولت بریتانیا نمی‌تواند نسبت به‌امور یك چنین مؤسسهٔ مهم صنعتی مانندشرکت‌نفت انگلیس وایران بی‌اعتنا بماند وضمناًتوجه باین نکته‌دادهشدکه‌قرارداد الحاقی فقط بطورکلی در

---

(۱) Norman Kemp (۲) The Times (۳) News Chronicle

ایران مورد بحث قرار گرفته است . چون دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان اکنون ناگزیر است که رسماً توجهی باین قضیه مبذول دارد لازم میداند جنابعالی را آگاه سازد که بعضی جنبه های روابط ایران وانگلستان موجب نگرانیهای بسیار شده‌است . انتقادات بسیاری درایران از کشور های غرب من‌جمله کشور های متحدهٔ بریتانیامیشود که بعداز جنگ کمکهائی راکه ایران خودرا سزاوار آن میداند نشده‌است. تاحدی که این مربوط به‌کمك های مالی میباشدگویا فراموش شده‌است که دولت بریتانیا هشت میلیون ونیم لیره در ازای استفاده از راه‌آهن در زمان جنگ پرداخته است. هم چنین دولت بریتانیا مانند ایران شایق بوده است که میزان حق‌الامتیاز ایران ازنفت به‌نسبت عادلانه و متناسب با وضع صنعت نفت ایران پس از جنگ افزایش یابد . توافقی که شده بود نه فقط یکباره چهل ملیون لیره عاید دولت ایران میکرد بلکه در سالهای خوب درآمدی در حدود سی ملیون لیره بابت حق‌الامتیاز و سود مشترك برای ایران تأمین مینمود . و مسلم است که اگر چنین توافقی که از سایر قرارداد های جاری در خاورمیانه سودمندتر است بمرحلهٔ اجرا نرسیده تقصیرش نه متوجه دولت بریتانیا و نه متوجه شرکت نفت انگلیس و ایران میباشد. معهذا نظر به‌اشکالاتی که دولت‌ایران دراثر عدم تصویب قرارداد الحاقی بدان مواجه‌شده بود درتابستان گذشته‌دولت‌بریتانیا پیشنهاد قرضه‌ای نمود و پس از استرداد قرارداد الحاقی از مجلس خود شرکت نفت ترتیبی داد که علی‌الحساب بابت حق‌الامتیاز مبلغی معادل ۲۸ $\frac{1}{2}$ لیره درطی سال ۱۹۵۱ بپردازد ونیز موافقت کرد که ده‌ملیون لیره بعنوان سپرده‌بیانك‌ملی بپردازد تا دولت‌را در نظری که برای افزایش اسکناس درجریان داشت مساعدت نماید. علاوه‌برین‌شرکت نفت رضایت خودرا برای عقد قراردادی براساس (تنصیف عایدات) ۵۰/۵۰ شبیه به قراردادی که اخیراً با عربستان سعودی منعقد شده اظهار داشته است . هیچیك ازین اقدامات چه راجع به‌نفت و چه راجع بقرضه باطلاع عامه‌نرسیده واجازه داده شده‌است وضعی درافکارعمومی ایجاد شود که نسبت بشرکت خصمانه بوده وبالنتیجه‌متوجه‌بریتانیا هم بشود و دولت ایران هیچ اقدامی برای جلوگیری ازین وضع نکرده است.درنتیجهٔ این احوال اکنون وضعی پیش آمده است که دولت مواجه با تقاضای سیاسی برای‌ملی شدن نفت شده و تقاضای مزبور با تظاهرات ضد شرکت نفت و تبلیغاتی که ناشی از جهالت وقلب حقایق میباشد توأم‌گشته است. این وضع که توأم باوضع تهدیدآمیزمالی کشور شده منتهی به بحرانی گشته است در صورتیکه ازلحاظ تشیید روابط بین ایران وانگلیس و هم‌چنین امنیت وپیشرفت ایران لازم است اقداماتی برای هدایت‌افکارعامه بعمل‌آید. البته‌نباید انتظار داشت که دولت‌بریتانیا نسبت باقدامات‌مداومی که برای ملی کردن صنعت نفت می‌شود و برخلاف تعهدات قرارداد ایران میباشد روی خوشی نشان دهد وعلاوه برینکه عملاً چنین روشی غیرممکن خواهد بود پسندیده هم نیست که‌مساعی دولت اعلیحضرت پادشاهی انگلستان وشرکت نفت را در راه مساعدت با ایران نادیده پنداشته ومساعی مزبور را بضرر و زیان هردو جلوه‌گر سازند . بنا برین من احساس میکنم موقع‌آن رسیده است که خط مشی محکمی ازطرف دولت ایران بمنظورتوضیح

و بیان آنچه تاکنون برای کمك بایران شده است اتخاذ گردد و اقدامی بشود که بحث های آینده در مسئلهٔ نفت با یك روح عادلانه و علم کامل به حقایق صورت گیرد . بیم آن میرود که تمایل ایرانیان بانتقاد بی‌پایه از شرکت نفت و بریتانیا مبنی بر تعصبات گذشته باشد و هیچ توجهی بخدمات عمده‌ای که مردم انگلستان در ازمنهٔ اخیر بطور کلی بعالم انسانیت کرده‌اند نشده است . بنظر من فوق‌العاده تأسف‌آور است که افکار عمومی در ایران بطوریکه مشهوداست هنوز پای‌بند باین عقیدهٔ کهنه باشد که انگلستان دولتی است که میخواهد امپریالیزم و استعمارطلبی را در هر نقطه‌ای که بتواند تحمیل نماید . چنین نظری نه فقط توفیقهای امپراتوری بریتانیا و کشور های مشترك المنافع را در سالهای اخیر بحساب نمیآورد بلکه کمك بنقشه های کسانی میکند که میخواهند سوء ظن و نفار را بین ملل آزاد ترویج نمایند . چنانکه در بالا گفته شد من‌احساس میکنم که موقع بحرانی است و مبادرت بنوشتن این نامه میکنم تا تذکر دهم که فقط اقدام مؤثری برای هدایت افکار عمومی بطرزیکه توجه مردم را معطوف به وضع بحرانی بنماید منتهی به راه حلی خواهد شد . امضا ـ سرفرانسیس‌شپرد .[1]

درآن‌اوقات من آبادان بودم وشبی اطلاع یافتم که نارتکرافت[2] نمایندهٔ‌شرکت در تهران به خرمشهر وارد شده و صبح زود روز بعد عازم بصره است که از آنجا با هواپیما بلندن برود . اواخر شب بمن تلفون کرد وتقاضای‌ملاقات نمود و گفت که‌رزم‌آرا از او خواهش کرده‌است که بلندن رفته و پنج ملیون لیره مساعده از شرکت‌برای‌دولت تحصیل نماید. من‌توسط نارتکرافت‌برای‌مدیران شرکت‌پیغام دادم که اندك غفلتی ازطرف شرکت در ارضای مردم عواقب‌وخیمی‌خواهد داشت وتوصیه کردم هر پیشنهاد جدیدی که شرکت میخواهد بکند و هر مساعده‌ای که خیال دارد بدهد باید علنی باشد و الا مذاکرات مخفیانه و زیر پرده با دولت سوء ظن را تشدید خواهدکرد و باعث ناکامی خواهدشد.چندروز بعد نارتکرافت‌ازلندن‌مراجعت کرد و گفت که شرکت‌حاضراست‌اصل تنصیف درآمد را قبول کند ولی رزم‌آرا اصرار غریبی دارد که این قضیه مکتوم بماند و مدیران شرکت هم در جواب پیغام شما گفته‌اند که اگر قضیه را علنی سازیم دولت خواهد رنجید و چنین کاری از نزاکت خارج خواهد بود .

اطلاعات و استنباطات من این است که رزم‌آرا خیال داشت درموقعی که بنظر او مساعد بوضع سیاسی شخص او بود پیشنهاد جدید شرکت را در مجلس اعلام دارد و این را بعنوان توفیق دولت خود بحساب آورد ولی حسابش غلط درآمد و عمرش به پایان رسید و روز شانزدهم اسفند ۱۳۲۹ هنگامیکه برای حضور در مجلس ختم وارد مسجد شاه شد باگلولهٔ خلیل طهماسبیان از پای درآمد .

پس ازدرگذشت رزم‌آرا خلیل فهیمی بکفالت نخست‌وزیری انتخاب گردید وروز ۲۱ اسفند مجلسین سنا وشورا ابراز تمایل بنخست وزیری حسین علا کردند وفرمان نخست وزیری او صادر گردید .

---

(۱) Sir Francis Shepherd

(۲) E.G.D. Northcroft

کمیسیون مخصوص نفت که طبق تصمیم مجلس شورای ملی مأموریت داشت که از ۲۱ دیماه ۱۳۲۹ تادوماه بعد گزارشی مبنی برتعیین وظیفه ورویهٔ دولت تهیه و برای تصویب تقدیم مجلس شورا نماید گزارشی بشرح زیر بمجلس داد که درجلسهٔ ۲٤ اسفند ۱۳۲٦ تصویب گردید .

کمیسیون نفت ازتاریخ نهم بهمن ۱۳۲۹ الی تاریخ ۱۳۲۹/۱۲/۱۷ دوازده‌جلسه تشکیل داده و غالب جلسات طولانی و در هرجلسه چند ساعت مشغول مطالعهٔ جوانب واطراف موضوع بوده وازلحاظ سیاسی واقتصادی وقضائی وغیره مداقهٔ کامل بعمل‌آورده که عیناً چگونگی مذاکرات درصورت جلسات کمیسیون منعکس است . بالاخره درروز پنجشنبهٔ ۱۷ اسفند ۱۳۲۹ کمیسیون باتفاق‌آرا تصمیم ذیل‌را اتخاذ واینك تقدیم مجلس شورای ملی میگردد :-

مجلس شورای ملی

نظر باینکه ضمن پیشنهادات واصله بکمیسیون نفت پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت درسراسر کشورمورد توجه وقبول کمیسیون قرار گرفته وازآنجائیکه وقت کافی برای مطالعه دراطراف‌اجرای این‌اصل باقی‌نیست کمیسیون مخصوص نفت ازمجلس‌شورایملی تقاضای دوماه تمدید می‌نماید. بنابرین مادهٔ واحدهٔ ذیل را باقید دوفوریت‌برای تصویب تقدیم مجلس شورای ملی مینماید :

مادهٔ واحده - مجلس شورای ملی تصمیم مورخهٔ ۱۳۲۹/۱۲/۱۷ کمیسیون مخصوص نفت را تأیید وباتمدید مدت موافقت مینماید .

تبصرهٔ یك - کمیسیون نفت مجازاست ازکارشناسان داخلی و خارجی درصورت لزوم دعوت نماید ومورد استفاده قرار دهد .

تبصرهٔ دو - آقایان نمایندگان حق دارند تاپانزده‌روز بعد ازتشکیل کمیسیون حق حضورداشته باشند .

عین مادهٔ واحدهٔ فوق درتاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ بتصویب مجلس سنا رسید .

بخش ششم - قانون اجرای اصل ملی شدن نفت و شروع زمامداری دکتر مصدق

پس ازتصویب قانون فوق یادداشتهائی بین دولت انگلیس ودولت ایران مبادله شدکه ازطرفی دولت انگلیس دولت ایران را از ملی کردن نفت برحذر مینمود واز طرف دیگردولت ایران جواب میدادکه مجلسین اصل ملی شدن را باتفاق آراء قبول کرده‌اند وکمیسیون‌مخصوص‌نفت‌مشغول مطالعهٔ عملی کردن‌آن میباشد. متن‌یادداشتهای مزبور درجراید وقت و درکتاب « اسناد نفت » که ازطرف دولت منتشرشده موجود وخواننده میتواند بآنها رجوع نماید .

ازاوایل فروردین ۱۳۳۰ اعتصابهائی درمناطق نفت‌خیز صورت گرفت که منجر باعلان حکومت نظامی درآن نقاط شد . علت اعتصاب این بود که شرکت برای برخی ازکارگران خود در بندرمعشورخانه هائی ساخته و تحویل آنها داده بود و می‌خواست فوق‌العاده‌ای که درسابق به‌کارگران بی‌خانه می‌داد قطع نماید . کارگران میخواستند که هم خانه داشته و هم از فوق‌العاده استفاده کنند وشرکت باین امرتن درنمیداد ومیگفت اگرچنین‌کاری را بکند درمورد کارگران بی‌خانه تبعیض شده وازانصاف دور خواهد بود . در مواقع عادی اینگونه اختلافات را ممکن بود بسهولت رفع کرد ولی درین موقع که مجلسین ملی‌شدن نفت را تصویب کرده بودند فرصتی برای حزب توده پیدا شد که ازعدم رضایت‌کارگران استفاده نماید . این‌بود که عمال خود را بخوزستان اعزام و کارگران همهٔ نواحی را باعتصاب تشویق کرد و چیزی نمانده بود که غوغا وآشوب عظیمی در آنجا برپا شود . دولت پس از اعلان حکومت نظامی کمیسیون مخصوصی‌را برای رسیدگی بخوزستان اعزام داشت وقرار برین‌شد که شرکت فوق‌العاده هارا کسر نکند ووضع سابق برقرار باشد .

درجلسهٔ پنجم اردی‌بهشت ۱۳۳۰ مجلس شورای ملی دکتر مصدق بیاناتی ایراد کرد که جملات زیراقتباس ازآن‌است :-

« مطابق اطلاعاتی که بمن رسیده باید عرض بکنم ممکن است درآتیهٔ خیلی نزدیکی‌حوادثی روی بدهد که این کاری که شما کرده‌اید بکلی عقیم بماند . حالا این اطلاعات من است . حالا اگر این‌اطلاعات صحیح باشد شما اگر زودترکار خودتان را تمام‌کنید بمقصود نمیرسند واگرصحیح نباشد باز انجام وظیفه کرده‌اید . خصوصاً اینکه از نظر اقتصادی ما روزی سیصد هزار لیره که تقریباً سه ملیون تومان در روز میشود که شما میتوانید یکروزش را بدهید ویك مردمان‌گرسنه‌ای را که باین مجلس و باین دستگاه هجوم میآورند سیر بکنید . مطابق صورتی که خود شرکت نفت میدهد ۳۲ ملیون تن استخراج میشود . ۳۲ ملیون تن هرتنی پنج لیره نرخ خلیج فارس‌است . یك لیره که برای مخارج موضوع کنید چهارلیره قیمت هریك تن نفت است بنابرین‌شما ۳۲ ملیون تن را حساب بفرمائید . سی ودوملیون تن ضرب درچهارمیشود ۱۲۸ ملیون لیره درسال وهرماهی تقریباً متجاوز از ده‌ملیون‌لیره درهرروزی‌متجاوز از۳۰۰ هزار لیره عایداتی است که باین مملکت و باین ملت فقیر باید برسد واز میان میرود . بنده عرض میکنم که کمیسیون نفت بااین رویه‌ای که دارد موفق نخواهد شد که این‌کار را قبل‌ازحوادثی اگرروی بدهد اینکارراتمام بکند . استدعای من این‌است که امروز چهار بعدازظهر آقایان اعضاء کمیسیون نفت‌تشریف بیاورند وکمیسیون را تشکیل بدهند . »

درتاریخ ششم اردیبهشت ۱۳۳۰ کمیسیون مخصوص نفت گزارش خودرابشرح زیر تقدیم مجلس شورای ملی کرد : -

مادهٔ ۱ - بمنظور ترتیب اجرای قانون مورخ ۲٤ و ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ راجع به ملی‌شدن صنعت نفت درسراسر کشور هیئت مختلطی مرکب از پنجنفر از نمایندگان

مجلس‌سنا پنجنفراز نمایندگان‌مجلس‌شورای‌ملی بانتخاب هریك ازمجلسین ووزیردارائی وقت یا قائم‌مقام او تشکیل‌میشود .

مادهٔ ۲ - دولت مکلف است بانظارت هیئت مختلط بلا فاصله از شرکت سابق نفت انگلیس و ایران خلع ید کند و چنانچه شرکت برای تحویل فوری بعذر وجود ادعائی بر دولت متعذر شود دولت میتواند تا میزان صدی بیست‌وپنج از عایدات جاری نفت را پس‌از وضع مخارج بهره‌برداری برای تأمین مدعابه احتمالی شرکت در بانك ملی ایران یا بانك مرضی‌الطرفین دیگر ودیعه گذارد .

مادهٔ ۳ - دولت مکلف است بانظارت هیئت مختلط بمطالبات ودعاوی حقهٔ‌دولت وهمچنین بدعاوی حقهٔ شرکت رسیدگی نموده نظریات خودرا بمجلسین گزارش دهد که پس‌از تصویب مجلسین بموقع‌اجرا گذاشته شود.

مادهٔ ۴ - چون از تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ که ملی‌شدن نفت بتصویب مجلس‌سنا نیز رسیده‌است‌کلیهٔ درآمد نفت ومحصولات نفتی حق مسلم ملت‌ایران است‌دولت‌مکلف است با نظارت هیئت مختلط بحساب شرکت رسیدگی کند و نیز هیئت مختلط باید از تاریخ اجرای این قانون تاتعیین هیئت عامله درامور بهره برداری دقیقا نظارت نماید .

مادهٔ ۵ - هیئت مختلط باید هرچه زودتر اساسنامهٔ شرکت‌ملی نفت راکه در آن هیئت‌عامله وهیئت نظارتی از متخصصین پیش‌بینی شده‌باشد تهیه وبرای‌تصویب‌مجلسین پیشنهاد کند.

مادهٔ ۶ - برای تبدیل تدریجی متخصصین خارجی به‌متخصصین ایرانی‌هیئت‌مختلط مکلف‌است آئین‌نامهٔ فرستادن عده‌ای‌محصل بطریق مسابقه در هرسال برای‌فراگرفتن رشته های مختلف معلومات وتجربیات مربوطه بصنایع نفت بکشور های خارج‌راتدوین و پس از تصویب هیئت وزیران بوسیلهٔ وزارت فرهنگ بموقع اجرا گذارد . مخارج تحصیلی این محصلین از عواید نفت پرداخته خواهد شد.

مادهٔ ۷ - کلیهٔ خریداران محصولات معادن انتزاعی از شرکت سابق‌نفت انگلیس و ایران هرمقدار نفتی راکه از اول سال مسیحی ۱۹۴۸ تا تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ (۲۰ مارس ۱۹۵۱) از آنشرکت سالیانه خریداری کرده‌اند می توانند ازین ببعد هم بنرخ عادلهٔ بین‌المللی همان مقدار را سالیانه خریداری نمایند وبرای مازادآن مقادیر درصورت تساوی شرایط درخرید حق تقدم خواهند داشت.

مادهٔ ۸ - کلیهٔ پیشنهاد های هیئت مختلط که برای تصویب مجلس شورایملی تهیه وتقدیم مجلس خواهد شد بکمیسیون نفت ارجاع میگردد .

مادهٔ ۹ - هیئت مختلط باید درظرف سه‌ماه از تاریخ تصویب این قانون بکار خودخاتمه دهد وگزارش عملیات خودرا طبق مادهٔ هشت بمجلس تقدیم کندودرصورتی که احتیاج بتمدیدمدت باشد با ذکر دلائل موجه درخواست تمدیدمدت نماید.وتازمانی که تمدید مدت بهر جهتی از جهات از تصویب مجلسین نگذشته است هیئت مختلط میتواند بکار خود ادامه دهد.

روز ششم اردی‌بهشت علا استعفا داد وشهرت یافت که علت استعفای‌او این بوده که با دخالت قوهٔ مقننه درکار های قوهٔ مجریه مخالف بوده است وقانون نه ماده‌ای را بدون مشورت با دولت صلاح نمیدانسته است. روز بعد مجلس نسبت بزمامداری دکتر مصدق (ازیکصدنفر عدهٔحاضر ۷۹نفر) اظهارتمایل کرد. دکترمصدق‌قبول زمامداری را مشروط بتصویب قانون نه ماده‌ای که دربالا نقل شده کرد و لذا مجلس شورایملی قانون‌مزبوررادرجلسهٔ هفتم‌اردیبهشت ومجلس‌سنا درجلسهٔ دهم اردی‌بهشت‌تصویب کرد.

روز ۱۲ اردیبهشت دکترمصدق کابینهٔ خودرا به‌مجلس معرفی کرد وبرنامهٔ‌خودرا بشرح زیر بیان کرد :

۱- اجرای قانون ملی‌شدن صنعت‌نفت درسرتاسر کشور برطبق‌قانون طرز اجرای اصل ملی‌شدن صنعت‌نفت وتخصیص عوائد حاصله ازآن بتقویت اقتصادی کشوروموجبات رفاه وآسایش عمومی.

۲- اصلاح قانون انتخابات مجلس‌شورای‌ملی وشهرداریها .

فصل یازدهم

بخش نخستین = کمی درآمد ایران از نفت

بخش دوم = بهای فراورده های نفت در ایران

بخش سوم = غفلت شرکت در ربط دادن صنعت نفت با اقتصاد عمومی کشور

بخش چهارم = سازمان اداری شرکت

بخش پنجم = رفتاری که شرکت با کارکنان خود مینمود

بخش ششم = صرفه جوئی بسیار در هزینه

بخش هفتم = اطمینان شرکت به پشتیبانی طبقهٔ حاکمه

بخش هشتم = بی‌اعتنائی شرکت باحساسات عمومی

فصل یازدهم

هرملتی دارای خصال وصفاتی است که گاه ازآن زیان میبرد و گاه هم همان خصال وصفات موجب استفاده های کلی آن میگردد . اینها غرائزی است که در نتیجهٔ خصائص نژادی ومحیط وآب وهوا پدید میآید وعوامل تعلیم وتربیت اجتماعی ممکن است موجب ضعف یاتقویت آن گردد ولی نمیتواند بکلی آنرا ازبین ببرد . با ذکراین مقدمهٔ مسلم کوچك اینك میگوئیم کسانی که درسیره وتاریخ ملل خاور وباختر بخصوص ایرانیان و انگلیسیان مطالعاتی نموده‌اند باین نکته متوجه هستند که این دوملت ازچند جهت دارای صفات وخصال متضاد میباشند ازآنجمله اینکه ما ایرانیان کمترتحمل انتقاد داریم . زود متأثرمیشویم . باعجله وشتاب تصمیم میگیریم وشاید هم درغالب موارد بزودی ازنتیجهٔ تصمیمات خود پشیمان میشویم . این‌جریان‌هم دروضع خانوادگی وهم‌دراحوال اجتماعی وسیاسی‌ما محسوس و مشهود است و محتاج باستدلال وتوضیح نمیباشد . ازطرف دیگر ملت انگلیس که درین دوقرن اخیر باما همسایه بوده وروابط نزدیك داشته ومعاملات‌و دادوستدهائی میکرده ازحیث بعضی خصال‌وغرائزدرست نقطهٔ مقابل ماقراردارد . یعنی انگلیسی بتمام معنی متساهل است. انتقادات را چه روا وچه ناروا با صبروحوصله گوش میدهد . مدتها روی‌آن تأمل‌وتفکرمیکند وغالب اوقات برای اخذتصمیم اینقدردرتفکر ومطالعه کندی میکند که شاید فرصتهای مناسب را هم ازدست بدهد . اما پس‌از اینکه مصمم باقدام‌شد دیگرهیچ مانع ورادعی‌اورا بازنمیدارد . غالباً دیده شده است که‌همان افراط در مطالعه خساراتی برای انگلیسها فراهم آورده اما در عوض صبر ، متانت ، بردباری ، اعتماد بنفس ، واستقامت بی‌نظیرجبران‌آن خسارت را کرده است . درتاریخ سیاسی‌واجتماعی انگلستان نظایروشواهد فراوانی‌برای اثبات این مدعا موجود میباشد که ذکرآنها درین‌جا موجب اطناب کلام خواهد بود .

درطی‌چهل‌وچندسالی که شرکت نفت ایران وانگلیس درایران باستخراج‌وصدور نفت میپرداخت خبطهای بسیاری کرد که عاقبت موجب رنجش ایرانیان گردید . کسانی بودند که خبط‌وخطاهای مزبوررا بشرکت تذکرداده ولزوم اصلاح‌را گوشزد میکردند ولی‌چندعامل بایکدیگرتوأم شده وباعث ادامهٔ این‌خبطها میشد تا بالاخره‌کاررابجائی رساند که طبقهٔ تحصیل کرده وباسواد ازشرکت‌آزرده گردید واحساسات عمومی‌تحریك وتهییج گشت‌وقضیهٔ ملی‌شدن نفت بمیان آمد . اولین عامل تصادف دورشته ازصفات و غرائزمتضاذبین دوملت بود . ما ایرانیان میخواستیم که شرکت نفت خبطهای خودرا با سرعت اصلاح کند واولیای شرکت پس‌ازتأمل‌وتفکرومطالعهٔ بسیارموقعی‌درصدد اصلاح کاربرمیآمد که فرصت ازدست رفته بود . نویسنده شاهد وناظر موارد متعددی بودم که شرکت میتوانست موقع شناسی کرده وخبطهای خود را بموقع اصلاح کند و ازخسارات

زیادتری که بعدمتوجه آن میشد جلوگیری نماید ولی محافظه کاری و کندی در اتخاذ تصمیم سبب میشد که فرصت مناسب از دست میرفت و بعد هم که تصمیم باصلاح میگرفت وقت گذشته وقدرومنزلت آن اصلاح از بین رفته بود . دومین عاملی که موجب سوء تفاهم بین ایرانیان وشرکت میشد احساسات اغراق آمیزی بود که مانع از تجلی حقایق میگشت . دعاوی حقه ومطالبات مشروع ملت ومملکت با یك سلسله اظهارات مشکوك ومبالغه‌آمیز آمیخته میگشت ومانع از این میشد که توجه لازم باعتراضات وایرادات واقعی وحقیقی بشود. بسا اتفاق میافتاد که اولیای شرکت دعاوی حقه را درزمرهٔ مطالب اغراق آمیز جلوه گر نموده وتأخیر در اصلاح را باین علت جایز میشمردند تامرور زمان بیاری و کمك آنها بیاید یا آنکه تحولات سیاسی پیش آمده وآنهارا مستغنی از اقدام مقتضی بنماید . سومین عامل غفلت ونادانی و بی‌اطلاعی ولاقیدی اولیای امور بود که در استیفای حق مردم اهمال کرده واستقامت وپایداری لازم را نشان نمیدادندویا آنکه برای حفظ مقام وموقعیت خود گذشتهای ناروائی مینمودند .

بهرحال اینك اینگونه مطالب جزو وقایع گذشته محسوب میگردد ودرین فصل بطور اختصار بخبطهای شرکت اشاره میشود که درقضیهٔ ملی شدن نفت تأثیر بسزائی داشت وغالب خبطهای مزبوررا ممکن بود بایك تصمیم سریع وقاطع جبران نمود .

بخش نخستین - کمی درآمد ایران ازنفت

یك قسمت عمده ازانتقادات واعتراضات مردم ایران مربوط بکمی درآمدی بود که ازین صنعت بزرگ نصیب ایران میشدوازابتدا تاآخر کار این شکایت باشکال مختلف ظاهر شده وموجب تحریك احساسات عمومی میگشت . یك حساب کلی واضح میدارد که ایرانیان تا چه اندازه درین اعتراض وشکایت ذی‌حق بوده وچه اجحاف گزافی بآنها شده بود وارقام زیر بی‌چون و چرا بهرشخص منصف و بیغرضی ثابت میدارد که شرکت نفت چه معاملهٔ غیرعادلانه‌ای باایران میکرده است : -

مجموع نفتی که شرکت درتمام مدت امتیازازایران استخراج کرد	۳۲۶۶۶۰۰۰۰ تن
مجموع سودی که بصاحبان سهام شرکت درآن مدت پرداخته شد	۱۱۵۰۰۰۰۰۰ لیره
مجموع مالیاتی که بدولت انگلستان درآن مدت پرداخت	۱۷۵۰۰۰۰۰۰ لیره
مجموع وجوهی که شرکت بمصرف توسعهٔ کارخودرساند وازدرآمد برداشت نمود	۵۰۰۰۰۰۰۰۰ لیره
مجموع حق‌الامتیازی که درتمام مدت امتیاز بدولت ایران پرداخته شد	۱۰۵۰۰۰۰۰۰ لیره

بعبارت دیگر شرکت برای هریك تن نفتی که از ایران استخراج کرد و فروخت (پس از کسر کلیهٔ هزینه‌ها) تقریباً دولیره و کسری عایدی خالص داشته وفقط قریب به‌شش شیلینگ بایران پرداخته است یعنی درآمد شرکت که مستأجر بوده تقریباً هفت برابر درآمد صاحب مال وموجر (که ایران میباشد) بوده است. بدون تردید چنین اجحاف وتعدی پیش هر مغرضی هم موجه نخواهد بود. علاوه برین در تمام مدت امتیاز قریب نود درصد کسانی که این مقدار نفت را

استخراج و تصفیه کرده اند ایرانیانی بوده اند که در هوای گرم و نامطلوب خوزستان و در ازای دستمزد کمی این کار را کرده و باصطلاح معمول با عرق جبین و کد یمین چنین درآمدی را تولید کرده اند .

از موقعیکه امتیاز دارسی امضا شد تا ۱۹۳۳ که قرارداد جدید منعقد گشت مردم ایران هیچ اعتمادی بطرز احتساب صدی شانزده درآمد خالص که سهم ایران میشد نداشتند و معتقد بودند که شرکت حساب سازی کرده و حق ایران را تضییع میکرده است. موقعیکه دولت ایران درسال ۱۹۲۰ حسابداران متخصص انگلیسی را استخدام و مأمور رسیدگی بحساب های شرکت کرد آنها گزارش دادند که شرکت حق ایران را کاملا نپرداخته است و بعدها هم این اختلاف و کشمکش همواره ادامه داشت. هنگامیکه دولت ایران آگاهی یافت که شرکت قرارداد مخصوصی باوزارت دریاداری انگلستان منعقد کرده و تخفیف کلی در قیمت نفت بدولت خود داده و از افشای میزان تخفیف هم خودداری میکند[1] سوء ظن دولت و مردم شدید تر شد . بعد هم که شرکت ادعا کرد دولت ایران در همهٔ درآمد خالص شرکت سهیم نیست و عواید کنتیرانی را از حساب جدا کرده سوء تفاهم غلیظ تر شد .

پس از امضای قرارداد ۱۹۳۳ اکثریت مردم ایران معتقد شدند که قراردادمزبور یکطرفه بوده و تحمیلی میباشد که بیگانگان بایران کرده اند . چون در آنوقت مردم دخالتی در مقدرات خود نداشتند و از اظهار عقیدهٔ آزاد محروم بودند نظر مساعدی نسبت بقرارداد مذکور نمی توانستند پیدا کنند و مخصوصاً تمدید مدت امتیاز باندازه ای ناگوار و غیرمنتظره بود که قرارداد مزبور درنظر عموم ملکوك و زیان بخش جلوه کرد . این نظر هم موقعی شدت یافت که قسمتی درآمد نفت صرف خرید اسلحه گشت و استفادهٔ عمده ای ازآن برای عمران و آبادی کشور نشد .

بعداز جنگ دوم جهانی که استخراج نفت ایران رو بفزونی رفت وآزادی ابراز عقیده هم تا حدی مقدور بود مردم انتظار داشتند که درآمد دولت به تناسب درآمد شرکت افزایش یابد ولی (الف) مقرراتی که دولت انگلستان برای محدود کردن سود سهام شرکتها درکشور خود وضع کرد تأثیر نامطلوبی در صدی بیست عوایدی که بایستی بدولت ایران پرداخته شود نمود (ب) تفاوت فاحشی که بین مالیات پرداختی شرکت بدولت انگلستان و حق الامتیاز دولت ایران مشهودشد (ج) و ازهمه مهمتر وضع سیاسی ایران بعداز جنگ که تقریباً تمام درآمد نفت بکیسهٔ طبقه حاکمهٔ ایران میرفت و عامهٔ

---

(۱) درصفحهٔ ۳۶۵ گفته شد که تاکنون هیچگونه اطلاعی دربارهٔ قیمت نازل نفت سوخت که شرکت بدولت انگلستان فروخته است منتشر نشده ولی نکته ای ازقلم افتاد که اینك بذکر آن می پردازد. در تاریخ ۲۹ ماه مه ۱۹۱۴ درمجمع عمومی صاحبان سهام شرکت گفته شد که قرارداد منعقده بین وزارت دریاداری انگلستان وشرکت برای مدت سی سال بوده است ومقرر میدارد که بهای نفت سوخت تحویل بوزارت دریاداری طبق فورمولی خود بخود یك حداقلی تقلیل یابد. بدین معنی که اگر شرکت عوایدی اضافه بر مبلغ لازم برای پرداخت سودسهام مرجح وده درصد سودسهام عادی داشت حداقل مازاد معادل بیست وپنج درصد عواید اضافی خواهد بود. ازاین عبارت چیزی معلوم نمی شود و میزانی بدست نمی آید ولی تأیید می کند که تخفیف قیمت قابل ملاحظه بوده است.

مردم از آن بهره‌ای نمیبردند دست بهم داده وسیل عظیم اعتراضات وانتقادات‌رابوجود آوردکه شرکت‌رادرنظر اکثریت‌مردم ایران یك‌مؤسسهٔ جابر وبی‌انصافی معرفی کرد .

بیلان سال۱۹٤۷ شرکت که منتشر گشت ارقام زیر را فاش کرد ودامنهٔ انتقادات را وسیع‌تر ساخت. ارقام مزبور بقرار زیر بود :

مقدار نفتی که درداخلهٔ ایران فروش رفته ویا بخارج صادر شده‌بود	۲۰۱۹۵۰۰۰تن
مجموع درآمد خالص شرکت پس‌از پرداخت حق‌الامتیاز بدولت‌ایران	۳۳٤۱۲۹۳۹لیره
مالیات پرداختی بدولت‌انگلیس	« ۱۵۲٦٦٦٦۵
بذخیره انتقال داده شده بود	« ۱۱۵۰۰۰۰۰
بصاحبان‌سهام پرداخت شده بود	« ۷۱۱۲٤۸٤
حق‌الامتیاز دولت ایران	« ۷۱۰۱۲۵۱

درجزوحق‌الامتیازی که بدولت‌ایران پرداخت‌شد قریب‌نیم‌ملیون لیره بابت مالیات بردرآمدحساب‌شده‌بودکه‌معادل با سه‌چهارم‌یك‌درصد درآمدشرکت‌میشد درحالیکه بالغ برچهل‌وپنج‌درصدعوایدشرکت بابت‌مالیات‌بدولت‌انگلستان‌پرداخت‌شده‌بود. اختلاف‌عظیمی که بین درآمد دولت انگلستان و درآمد دولت ایران بابت مالیات جلوه‌گر شدوتفاوت بی‌تناسبی که بین درآمد شرکت و حق‌الامتیاز ایران مشهود بود نمی‌توانست دوام‌یابد وفقط سرسختی اولیای شرکت و طرزتفکر آنها مانع ازین بودکه اقدام سریعی برای اصلاح این وضع غیرمطلوب انجام‌گیرد . بالاخره پس‌از مدتها مباحثه‌وگفتگو شرکت درصدد برآمدکه جبرانی بنماید ولذا قرارداد الحاقی را پیشنهادکردکه بهیچوجه‌قانع کننده‌نبود .اصرارشرکت به‌پنهان نگاهداشتن‌مذاکرات راجع به‌قرارداد الحاقی‌و به‌حساب نیاوردن عقاید و نظریات مردم وفشار فوق‌العادهٔ دولت انگلیس بدولت ایران برای قبول قرارداد مزبور و امتناع شرکت از قبول شرایطی شبیه بآنچه درکشور ونزوئلا معمول بود و تردستی شرکت درگنجاندن ماده‌ای درقرارداد۱ که دعاوی‌گذشتهٔ دولت را تصفیه شده وانجام یافته تلقی‌شود وتأیید ضمنی قرارداد ۱۹۳۳ ۲ سوءظن های مردم را شدیدتر کرد وثابت نمودکه قصد شرکت این نیست‌که سازش عادلانه و منصفانه‌ای باایران بنماید .

پس‌ازآنکه مجلس‌پانزدهم قراردادالحاقی راتصویب نکرد وانتقادات‌واعتراضات بقرارداد مذکور هرروز شدت میبافت برهمه‌کس معلوم بودکه دورهٔ شانزدهم مجلس هم از تصویب آن خودداری خواهدکرد ولی اولیای شرکت وکارکنان وزارت‌خارجهٔ انگلستان این نکته را درك نکرده و با سرسختی و لجاجت بی نظیری حاضر نشدند تجدید نظری در قرارداد بنمایند ویاکوچکترین اصلاحی در مواد آن بنمایند . سفیر انگلیس درتهران بدولت خودگزارش داده بودکه‌انتخابات دورهٔ شانزدهم‌بطرزمعمول اجرا شده و نمایندگان طبقهٔ حاکمه تمام‌کرسیها را بدست‌آورده وقرارداد را تصویب

---

(۱) مادهٔ نهم‌قرارداد الحاقی (۲) ماده دهم قرارداد الحاقی

خواهند کرد . درهمان اوقات ارنست بوین[1] وزیرخارجهٔ حکومت کارگر انگلیس بسفیر ایران درلندن اطلاع داد که بنظر او قرارداد الحاقی عادلانه بوده و برای ایران سودمند است واین نکته کاملا واضح میدارد که سفارت انگلستان درتهران تا چه اندازه ازافکار عمومی ایران بی‌خبر بوده است.

درآنموقع مردم وجراید آزادی بیشتری داشتند و می‌توانستند مطالب را واضح وآشکار بیان نمایند لذا همینکه بیلانهای بعدی شرکت منتشر شد بتجزیه و تحلیل آن پرداخته و منافع گزاف شرکت را با درآمد دولت ایران تطبیق میکردند و توصیه مینمودند که مجلس از تصویب قرارداد الحاقی خودداری نماید . از طرف دیگر اولیای شرکت مدعی بودند که دولت ایران ازتوضیح و تشریح فوائد قرارداد الحاقی خودداری کرده و آنطوریکه باید و شاید مردم را آگاه نساخته است وفراموش میکردند که شرکت هنگام مذاکره و مباحثه در بارهٔ مواد قرارداد چه اندازه اصرار میورزید که مذاکرات محرمانه باشد و مردم از جریان آن بی‌اطلاع باشند. درین‌جا بازهم بیمورد نیست اگر اقلام مهم بیلان شرکت را برای آخرین سال بهره برداری آن در ایران (یعنی سال ۱۹۵۰) ذکر نمائیم تا موجبات برآشفتگی احساسات مردم‌ایران آشکارو عیان گردد :

مجموع درآمد خالص شرکت پس‌از وضع مخارج	۱۵۱۱۹۳۴۴۹لیره
از مبلغ فوق برای تجدید وترمیم دستگاههای مختلف	
واستهلاك وغیره کنار گذاشته شد	۳٤۱۹۵۳۷۲ لیره
بدولت ایران بابت مالیات و حق‌الامتیاز پرداخت شد	< ۱٦۰۳۱۷۳۵
برای پرداخت بدولت ایران درصورتیکه قرارداد	
الحاقی بتصویب میرسید کنار گذاشته شد	< ۱٦۵۰۰۰۰۰
بدولت انگلستان بابت مالیات بردرآمد پرداخت شد	< ۵۰۷۰٦۸۸۰
بحساب ذخیرهٔ عمومی برده شد	< ۲٦۰۰۰۰۰۰
	< ۱٤۳٤۳۳۹۸۷

وبقیه هم بصاحبان سهام پرداخته شد وبحساب سال بعد انتقال یافت.

موقعیکه بیلان فوق منتشر شد معلوم گشت که دولت ایران – یعنی صاحب نفت – شانزده ملیون لیره بعنوان مالیات وحق‌الامتیاز دریافت داشته ودولت انگلستان متجاوز از سه برابر این مبلغ بعنوان مالیات عایدش گشته است ودر آنوقت هر شخص منصف و بی نظری تصدیق کرد که چنین اجحافی سابقه نداشته و اینگونه بی‌عدالتی قابل دوام نیست. شرکت فوری مدعی شد که درآمد هنگفت یکصدوپنجاه ویك ملیون‌لیره‌وکسری تمامش از ایران نبوده و قسمتی از سود عاید شده عبارت از منافعی بوده است که از کشتیرانی و حمل و نقل وفروش نفت سایر کشور ها بدست‌آمده است لکن همان بیلان شرکت مشعر برین بود که کلیهٔ نفتی راکه شرکت در سال مزبور استخراج و بدست آورده بود سی‌وهشت ملیون ونیم تن بود که ۳۱۷۵۰۰۰۰ تن‌آن ازایران بوده است‌و

---

(۱) Ernest Bevin

این نکته واضح میساخت که ۸۲ در صد محصول آنسال شرکت از ایران استخراج شده بود .

درین‌جا لازم است حقیقتی ذکر شود تا بی‌اساسی ادعای شرکت در بارهٔ اینکه تمام منافع آن از ایران نبوده است واضح و آشکار گردد . در بخش پنجم از فصل هفتم گفته شد که مجموع سرمایه‌ای که دولت وملت انگلیس در شرکت نفت ایران و انگلیس گذاشتند قریب ۲۵ ملیون لیره بود . شرکت مزبور در اوایل کار مؤسسهٔ نسبةً کوچکی بود و بعد ها بواسطهٔ منافع گزافی که از استخراج نفت ایران عایدش شد جزو یکی از بزرگترین شرکتهای نفت جهان قرار گرفت . سرمایهٔ اولیهٔ‌اش پنجاه برابر شد و توسعهٔ کارش از بر کت نفت ایران باندازه‌ای رسید که امروز دارای سازمان وسیع جهانی شده و درغالب کشورهای آسیا و اروپا و افریقا دستگاه‌های وسیع فروش و تصفیه و حمل و نقل برپا کرده و دارای یکصد و پنجاه کشتی نفتکش گشته و بواسطهٔ مقام و موقعیت مالی که در پرتو استفاده از نفت ایران بدست آورده در کشورهای دیگر امتیازاتی تحصیل کرده است. این عظمت وقدرت واین سرمایه وسود همه وهمه مرهون نفت کشور ایران بوده است والا با ۲۵ ملیون لیره سرمایه چنین مقامی را نمیتوانست حائز گردد . غالب انگلیسها باین نکته معترف بوده واذعان دارند که امتیاز نفت ایران یکی از بزرگترین منابع عایدی دولت وملت انگلیس بوده است وعلاوه برین در سالهای بعد از جنك اخیر نقش مهمی از حیث تهیهٔ دولار برای انگلستان و کمك بموازنهٔ تجارتی آن کشور داشته است .

درعرف معمول و در بین علمای اقتصاد وقتیکه سرمایه‌دار مقدار معینی سرمایه بگذارد ودر طی چهل و چندسال سرمایه‌اش (علاوه برسود معمول سالیانه) پنجاه برابر شود آن را یك امر بازرگانی عادی ومتعارف نمیشناسند واصطلاح دیگری برای آن دارند که همان لفظ «استثمار» است یعنی بهره برداری از کار و زحمت ومنابع طبیعی دیگران بدون پرداخت حقوق عادلانه‌ای بآنها وهنگامیکه این استثمار توأم باقدرت دولت استثمار کننده شود نام «استعمار» بمیان میآید و این همان کاری است که در صد و پنجاه سال اخیر کشورهای بزرگ غرب اروپا با کشورهای ضعیف آسیا کرده‌اند .

یك ادعای دیگری که شرکت میکرد این بود که هرسال علاوه برحق الامتیاز مبالغ عمده‌ای در ایران خرج کرده واز این راه باقتصاد کشور ایران کمکهائی مینماید. مثلا میگفت که درسالهای اخیر بابت دستمزد وحقوق کارکنان خود سالی سی ملیون لیره خرج کرده ویا آنکه هرسال مقادیر زیادی اثاثیه وماشین آلات ولوازماتی که برای ترقی و توسعهٔ صنعت نفت ایران لازم بوده است بایران وارد میکرده است . هردو ادعا صحیح بود ولی باید دید در ازای این اقلام خرج چه عاید آن میگشت ؟ پرداخت دستمزد و حقوق بکسانیکه برای مؤسسه‌ای کار میکنند یك امر الزامی است زیرا بدون کارمند وکارگر کاری انجام نمیگیرد و اگر ایرانیان نبودند شرکت ناچار بود از خارج مستخدم بیاورد وحقوق بیشتری هم بپردازد پس ازین حیث منتی نمیتوان ابواب جمع نمود. وارد کردن لوازم و اثاثیه هم جزو ابزار کار محسوب میگردد که فقدان آن موجب تعطیل کار خواهد بود .

درمقابل ادعای مزبور ایرانیان میگفتند که اگر شرکت از پرداخت حق الامتیاز معاف

میشد ومانند یك سرمایه‌دارایرانی که معدنی‌را استخراج کرده و محصول آنرا بخارج صادر می کند با آن رفتار میشد واز پرداخت اجارهٔ معدن وحق‌الارض وعوارض‌دیگرهم معاف میگردیدناچارمیبود که هزینه‌های زیرین‌را بمصرف‌رساند :

۱ ـ برای سهولت‌محاسبه فرض‌میشود که شرکت سالی‌سی‌ملیون‌تن‌نفت استخراج میکرد . بیلان‌سال ۱۹۵۰ شرکت نشان میدهد که درآمد خالص‌ازفروش هریك تن‌نفت قریب چهارلیره است که ضرب درسی‌ملیون تن میشود یکصدو بیست ملیون لیره. بموجب قانون مالیات بر درآمد ایران نصف این مبلغ راکه شصت ملیون لیره باشد بایستی بخزانهٔ دولت ایران بپردازد و این مبلغ چندین برابر حق‌الامتیازی بود که درگذشته پرداخته بود .

۲ ـ درموقع صدورسی‌ملیون‌تن نفت (که ۲۵ملیون تن‌آن تصفیه شده و۵ملیون تن نفت خام‌بوده است) شرکت ناچاربود که طبق قوانین ارز وانحصار بازرگانی ارز حاصل‌ازصدوررا بدولت بفروشد . اگربهای نفت تصفیه شده‌را درموقع صدورتنی‌ده‌لیره ونفت خام را تنی پنج لیره حساب نمائیم شرکت میبایست ۲۷۵ ملیون لیره ارزبدولت بفروشد . چنین مبلغ گزاف ارزایران را از هرجهت مستغنی میکرد زیرا ارزش پول ایران را بالا میبرد و تورم پول را زایل میکرد و کلیهٔ احتیاجات شرکت را از حیث واردات (چه واردات عادی وچه وارداتی که برای عمران وآبادی و تولیدهای اضافی لازم بود) رفع میکرد .

۳ ـ شرکت مبلغ مهمی‌هرسال برای‌عوارض‌گمرکی‌واردات خود میپرداخت وبر درآمد دولت میافزود .

آنچه‌در بالا گفته شدشمه‌ای ازاعتراضات ایرانیان نسبت بکمی‌درآمدازچنین‌صنعت بزرگی‌بود که مقام مهمی‌دربازرگانی بین‌المللی احراز کرده وسهم‌منصفانه‌ای بصاحبان اصلی‌آن نمیپرداخت . شرکت نفت ایران وانگلیس مؤسسه‌ای بود که درابتدا باسرمایهٔ نسبةً کمی‌درایران‌شروع بکارکردوبعدازبرکت نفت ایران یکی‌ازبزرگترین شرکتهای دنیاشد . رفتار این مؤسسه باکشوری که سرچشمهٔ فیض وسعادت وتوفیق‌آن بود طوری نبود که دست‌کم‌بتوان‌آنرامنصفانه نامیدواشخاص‌منصف‌وبیغرضی (حتی‌بین‌خودانگلیسها) حق‌را بایران داده واعتراضات ایرانیان‌را واردوموجه میدانستند .

بخش دوم ـ بهای فراورده‌های نفت درایران

یکی دیگر ازاعتراضات موجه ایرانیان بشرکت نفت بهای‌گزافی‌بود که شرکت برای‌فراورده‌های نفتی که درایران بفروش میرسیددریافت میداشت .

ازموقعیکه نفت ایران استخراج شدتا۱۹۳۳ که قرارداد دارسی لغوگردید بهای فراورده‌های نفت درایران تابع بهائی بود که نفت خارجی در ایران بفروش میرسید . چون درامتیازدارسی مقرراتی‌برای‌تعیین بهای محصولات نفت نبود وشرکت هم الزامی

ازین حیث نداشت فراورده‌های مزبورفقط درنقاطی بفروش میرسید که حد اکثر نفع را برای شرکت داشت .

درمقدمهٔ این کتاب شرحی درین باب ذکرشده و تکرارآن در اینجا بیمورد است و همینقدرلازم است گفته شود که بواسطه اهمال شرکت درامرپخش وتوزیع فراورده‌های نفتی محصولات مشابه خارجی دربسیاری ازنقاط شمالی ایران بفروش میرسید . اعتراض عمدهٔ مردم بشرکت درباره فراورده های نفت یکی این بود که ازتوسعهٔ وسایل فروش خودداری نموده ودیگراین بود که بهای محصولات مزبور از بهائی که همان محصول در انگلستان بفروش میرسید زیادتر بود .

طبق مادهٔ نوزده قرارداد۱۹۳۳ شرکت نفت تعهد کرد که احتیاجات داخلی کشور را طبق معدل سالیانهٔ بهای خلیج مکزیك یارومانی(هرکدام نازلتر باشد) تأمین نماید و برای مصرف دولت ۲۵ درصدو برای مصرف مردم ده‌درصد ازبهای مذکورتخفیف قائل گردد . انصاف وعدالت حکم میکرد که اهالی کشورنفت‌خیزایران فراورده های نفت‌را بقیمت مناسبی خریداری نمایند ولی درین باره‌هم شرکت رفتارعادلانه‌ای نکردوعدم‌رضایت مردم‌را فراهم ساخت .

بهای فراورده‌های نفت درخلیج مکزیك و رومانی که مأخذ بهای محصولات در ایران قرار گرفته بودشامل بهای استخراج وحمل ازمعدن وپالایشگاه به بندروسودبازرگانی وکلیهٔ هزینه های مربوطه بود بدین معنی که شرکتهای نفت امریکا که بهای فروش خود رادرخلیج مکزیك اعلان میکردند همه مخارجی راکه برای تولید و پالایش نفت کرده بودند بحساب آورده وسود معمول خودرا هم بآن اضافه کرده بودند . علاوه براین بواسطهٔ گرانی دستمزد درامریکا بهای محصولات مزبورحد اعلای قیمتی بود که معمول گشته بود درصورتیکه هزینه تولید همان محصولات درایران خیلی مناسب‌تروارزان‌تر بود . ماخذ قراردادن بهای فراورده‌های نفت خلیج مکزیك برای تعیین بهای فراورده هائی که در ایران بفروش میرسید یك اجحاف بزرگی بود که اولیای دولت وقت بواسطهٔ غفلت و نادانی قبول کردند درصورتیکه شاید نصف بهای مزبور معادل با قیمتی بود که برای شرکت تمام میشد .

اجحاف دیگرشرکت این بود که تخفیف بزرگی برای مصرف نفت وزارت دریاداری انگلستان قائل‌شده بود ولی حاضر نشد که اقلا همان تخفیف‌را برای محصولاتی که دولت ایران بمصرف میرساند قبول نماید .

البته نباید فراموش کرد که مأخذ بهای فراورده‌های نفت که مادهٔ نوزده قرارداد ۱۹۳۳ تعیین کرده بود بهائی بود که در پالایشگاه ایران بفروش میرسید وکلیهٔ هزینهٔ پخش وکرایه از پالایشگاه بمقصد به بهای مزبور علاوه شده و قیمت نهائی‌را تشکیل میداد. گرانی کرایه درایران عامل‌مهم دیگری‌بود که بهای محصولات نفت‌را بالانگاه میداشت‌ودرین‌قسمت هم‌شرکت آنطوری که باید بتعهدات خودعمل نکرد .

مادهٔ دوازده قرارداد ۱۹۳۳ مقررمیداشت که: «کمپانی‌راجع بعملیاتی که مطابق این قرارداد درایران مینماید جمیع وسایل‌معمول‌ومناسب را برای تأمین صرفه جوئی و استفادهٔ کامل‌ازعملیات خود وبرای‌حفظ مخازن تحت‌الارضی‌نفت وبرای استفاده ازامتیاز

خود بطرزیکه مطابق آخرین ترقیات علمی وقت باشد بکار خواهد برد.» سهل‌ترین و ارزانترین وسیلهٔ حمل نفت از نقطه‌ای بنقطهٔ دیگر (باستثنای حمل و نقل بوسیلهٔ کشتی روی رودخانه یادریا) خط لوله است . اگرشرکت مندرجات مادهٔ دوازدهٔ امتیاز را رعایت کرده بود بایستی ازجنوب به شمال لوله کشیده و محصولات نفتی را بالوله حمل نماید و صرفه جوئی گزافی که ازاین حیث میشد موجب میگشت که فراورده‌های نفت بقیمت بسیار نازلی درنقاط پرجمعیت کشور بفروش رسیده ومصرف نفت افزایش یافته وازقطع جنگلهای ایران که بمصرف سوخت میرسید جلوگیری نموده وفراهم بودن سوخت ارزان توسعه وترویج صنایع جدیدرا تأمین نماید .

درتمام مدت قرارداد ۱۹۳۳ حتی برای یکدفعه هم متصدیان امرتذکری درین باره بشرکت ندادند وازآن نخواستند که خط لوله ای ایجاد نماید. نویسنده بکرات لزوم ایجادخط لوله رابشرکت تذکرداد ودرسال ۱۹٤٥ اولیای شرکت را حاضر نمود که لوله‌ای ازجنوب بشمال بسازند ولی همینکه مقدمات کار از هرحیث داشت فراهم می گشت وزیر راه وقت بتصور اینکه چنین خط لوله ای از محصولات راه آهن ایران خواهد کاست اعتراض نمود و شرکت هم ازین اعتراض جاهلانه استفاده نموده و از ساختن لوله منصرف گردید .

بطورخلاصه بهای فراورده‌های نفت درایران عادلانه نبود وحق این بود که شرکت درین باره گذشتهائی بنماید وبرای جلب توجه مردم وایجاد علاقه به صنعت نفت فراورده‌های خود را بقیمت نازلی بفروش رساند وتسهیلاتی که برای فروش لازم است فراهم نماید . غفلت شرکت درین باب خبط دیگری بود که عدم رضایت مردم را شدیدتر میساخت .

بخش سوم - غفلت شرکت دراربط دادن صنعت نفت بااقتصاد عمومی کشور

یکی ازبزرگترین خبطهای شرکت نفت این بود که نمیخواست صنعت نفت ایران ارتباطی با اقتصاد عمومی کشورحاصل نماید ودراثراین غفلت وخبط عظیم عملیات آن همیشه مجزا ومستقل ازاموراقتصادی کشورقرار گرفته بود . ازابتدای امتیازدارسی تا بیست سال بعدازآن که قدرت حکومت مرکزی درخوزستان مستقر گشت هیچگاه شرکت سعی نکرد که ازمحصولات داخلی ایران استفاده نماید وکلیهٔ لوازم خود وکارکنانش را ازخارج وارد میکرد . عذروبهانهٔ شرکت این بود که خوزستان باسایرنقاط ایران رابطه‌ای ندارد وفقدان راه وراه آهن بین خوزستان وسایرنقاط مانع ازین است که شرکت ازفراورده‌های داخلی ایران استفاده نماید. معهذا پس ازآنکه راه شوسه خرم آباد ساخته شد وراه آهن سرتاسری ایران هم ایجاد گشت بازهمین رویه ادامه داشت .

این قضیه را باچندمثال بهترمیتوان آشکار ساخت: شرکت مغازه‌هائی در مراکز عمدهٔ خود داشت که کلیهٔ مایحتاج کارمندان رااز خارج وارد کرده ودر آنها میفروخت. تاموقع عقدقرار داد ۱۹۳۳ کالاهائی که درین مغازه ها بفروش میرسید اختصاص بکارمندان انگلیسی داشت ولی پس از آن شرکت بواسطهٔ اینکه ازمقررات قانون انحصار تجارت

معاف گردد ماده‌ای درقرار داد۱۹۳۳ گنجاند که بشرح زیر است :-

«مادهٔ ششم- کمپانی مجازاست که بدون تحصیل جواز مخصوصی آنچه‌را که منحصراً برای مصرف اعضاء ومستخدمین خودلازم دارد وارد نموده و حقوق گمرکی ومالیاتهای معموله حین ورود رابپردازد. کمپانی تدابیرلازمه رااتخاذ خواهدنمود که اجناس وارده باشخاص غیر مستخدمین خودش فروخته ویا واگذار نگردد.»

پس از قرارداد ۱۹۳۳ دیگر برای شرکت مقدور نبود که مقررات مادهٔ شش را دربارهٔ مستخدمین ایرانی خود اجرانماید لذاناچار شدکه تبعیض سابق رااز میان ببرد. بیشتر کالاهائی که درین مغازه‌ها بفروش میرسید خوراکی ونوشابه وامثال آن بود که تهیهٔ آن درایران ممکن بود واگرشرکت مختصر کمکی بآنانیکه حاضر بودند کالاهای مشابه‌را تهیه کرده وبفروش برسانند میکرداز وارد کردن اجناس مزبورازخارج مستغنی شده وامتعهٔ داخلی رانیز ترویج کرده بود. یکی از کالاهائیکه درمؤسسات شرکت فروش بسیار داشت آبجو بودوچند نفرسرمایه دارایرانی حاضر بودند که کارخانهٔ آبجوسازی وارد کرده ومصرف شرکت راتأمین نمایندمشروط براینکه شرکت تعهد کند که دیگرازخارج وارد ننماید. متأسفانه شرکت متعذر باین بود که طعم آبجوی ایرانی بمذاق انگلیسها سازگار نیست واز مساعدت درین باره خودداری کرد. کالای دیگری که مورداحتیاج مبرم کارکنان واقع میشد میوه بود که اگر شرکت ترتیبی میداد تاهفتهٔ یك بادو بار هواپیمای شرکت باصفهان وهمدان یاتهران رفته ومقداری میوهٔ تازه و خوب آورده بفروش رساند هم کمك بزرگی به کارکنان شرکت که مصرف کننده بودندوهم بتولیدکننده گان میوه در نقاط شمالی ومرکزی ایران میبود.

اینها البته چیزهای جزئی بود که بعدها خود بخود اصلاح شد بدینمعنی که مقدار زیادآبجوی ساخت تهران بخوزستان حمل وبفروش میرسید واوتوموبیلهای باری متعددی میوه زیاد ازاصفهای آورده و دربازار آبادان و مسجد سلیمان میفروختند. ولی چند فقره کارهای دیگر بود که شرکت بایستی حقاً اقدام میکردتا امتزاجی بین صنعت نفت و اقتصاد کشور فراهم گردد ودرین کار کوتاهی فراوان نمود وساکنین خوزستان رابسی آزرده وملول میساخت. یکی ازین کارها ایجاد کارخانهٔ سیمان بود که هم برای شرکت مفید وهم برای اقتصاد کشور سودمند بود. در حوالی اندیمشك مواداولیه برای تهیهٔ سیمان فراوان است و نفت سوخت و گاز نفت‌راهم برای مصرف کارخانهٔ سیمانی که درآن حدود نصب شود بسهولت وارزانی ممکن بود فراهم کرد. خود شرکت سالی قریب به هفتاد هزار تن سیمان مصرف میکرد که باید ازخارج واردکند. اگرشرکت قراری با سرمایه داران ایرانی میگذاشت وکارخانهٔ سیمانی با مشارکت آنها وارد و نصب میکرد هم مصرف خودرا از داخل ایران تأمین کرده وهم کمکی باقتصاد عمومی کشور میتوانست بکند. اگر هم خود نمیخواست مستقیماً دخالتی درین کارداشته باشدمیتوانست کارخانه‌را واردکرده وتحویل شرکت ایرانی بدهد که بعدها قیمت آن‌از راه تحویل سیمان مستهلك گردد. حتی اگر شرکت تعهد خریدچند ساله‌ای درمقابل میکردسرمایه‌دارانی بودند که میتوانستند کارخانه راوارد کرده و بامیدفروش محصول بشرکت آنرا براه بیاندازند.

یکی دیگر ازکارهائی که‌شرکت میکرد و موجب اعتراض اهالی خوزستان میشد این بود که‌هر سال ملیون ها آجراز عراق وارد میکرد و مقادیر زیادی شن‌وماسه از کویت‌خریداری میکرد. در سالهای اخیر شرکت کوره‌های آجرپزی بزرگی‌در اهواز برپا کردوتا اندازه‌ای احتیاجات خود را ازآنجا رفع مینمود وهم چنین وسایلی اخیراً تهیه کرده بود که شن‌وماسه ازنقاطی‌واقع‌درشمال بندرمعشور بآبادان حمل‌نماید.اینگونه کارهارا بایداز اول‌میکرد نه اینکه‌پس‌از چهل‌سال خریدار خارج‌وپرداخت ملیونهالیره به‌بازرگانان وسرمایه داران عراقی‌و کویتی تازه بفکرتهیهٔ اینگونه مصالح درایران بیفتد.ناگفته نماند که‌درین قسمت تهیهٔ‌مصالح ساختمانی اولیای‌دولت‌غفلت‌بسیار نمودند واگر ازسی‌سال پیش وارد کردن آن را منع کرده بودندشرکت بناچار زودتر بفکر تهیهٔ‌مصالح درداخل کشورمیافتاد.

در قسمت زراعت و کشاورزی نیز شرکت میتوانست کمکهای عمده‌ای به اهالی خوزستان بنمایدتا ازمحصولی که‌عمل میآمدمستخدمین آن‌بهره‌مند گردند.تا ده‌پانزده سال‌پیش سبزی‌وتره‌بار مصرف‌آبادان از بصره میآمد وفقط درسالهای اخیراست که‌در اطراف آبادان وخرمشهر سبزی‌کاری رواج گرفته است. یکی‌از شرکتهای نفت‌که در یکی از کشور های خاور میانه باستخراج نفت‌مشغول است کمکهای شایانی بتوسعهٔ کشاورزی در بعضی‌ازنقاط‌آن کشورکرده است‌وباآوردن ماشینهای کشاورزی‌ومتخصص مزارع نمونه‌ای ایجاد کرده است که‌از محصول آن استفاده میکند و بتدریج مزارع مزبور رابدولت ومردم واگذارمیکند‌و سرمایهٔ‌خودراپس‌میگیرد.شرکت‌نفت‌هم‌میتوانست کارهائی شبیه آن‌بکند وغفلت کرد. درسالهای اخیر مزرعه کوچکی در آبادان ویکی دیگر در درخزینه نزدیك مسجدسلیمان ایجادکرد که محصول آن‌را مستخدمین‌شرکت خریداری‌میکردند ولی‌اگر اینگونه کارهارا وسیع‌تر ودامنه دارتر ازچندی پیش‌شروع کرده‌بود وپس از آنکه کشاورزان محلی با آن آشنا میشدند بآنها واگذار میکرد میتوانست خدمت‌بزرگی باقتصاد خوزستان کرده باشد.

چنانکه درفصل‌های پیش‌گفته شداز گاز نفت میتوان صنایع شیمیائی بزرگی را براه‌انداخت.شرکت نفت‌از بهدردادن گازنفت زیانهای بسیاری‌بایران واردساخت‌واگر مثلاکارخانه‌ای برای‌تهیه کودشیمیائی درخوزستان ایجادکرده بود چه‌اندازه در اقتصاد کشور مؤثرمیشد وچقدراز گازنفتی که‌بهدر میرفت استفاده میکرد .

کارهای سودمندی که‌شرکت میتوانست انجام‌داده و صنعت نفت راوارد دراقتصاد کشورنماید یکی دوتا نیست وشرح کامل آنها بدرازا خواهد کشید.همینقدر لازم‌است گفته‌شود که غفلت شرکت درین باره موجب گردید که ایرانیان شرکت‌نفت راصرفاً مؤسسه‌ای بشناسند که‌درفکر استفاده بوده‌و حاضر نبود فایدهٔ آن باهالی این کشور برسد.این‌هم ناشی‌از خبط‌وفقدان مآل‌اندیشی بود که اثرات‌آن‌بعدها معلوم گشت.حداقل اقدامی که‌شرکت درین زمینه میتوانست انجام‌دهد این‌بود که‌درحدود امکان‌قسمتی از موادخام وفراورده‌های داخلی‌راکه‌بکار آن‌میخورد ازداخل کشورتهیه نماید.

بخش چهارم - سازمان اداری شرکت

چنانکه دربخش سوم از فصل ششم گفته شد شرکت نفت برمه درتأسیس وترویج شرکت نفت ایران وانگلیس سهم عمده‌ای را داشت واولین هیئت‌مدیرهٔ شرکت ازکسانی تشکیل شده بود که مدتها درهندوستان بکارهای بازرگانی مشغول بودند وفکر آنها با اصول وروش استعماری اشباع شده بود . مدیران مزبور معتقد بودند که افسران بازنشستهٔ انگلیسی که درارتش هند خدمت کرده ومأمورین سیاسی کـه درآن دستگاه عمری را طی کرده بودند واندك آشنائی بزبانهای فارسی یا عربی داشتند وتجربیاتی درحکمروائی برایالات شمال‌غربی هندوستان و اعراب خلیج فارس حاصل کرده بودند بهترین وشایسته‌ترین کسانی بودند که میتوانستند کار های اداری شرکت نفت را درایران عهده‌دار شوند وچون درابتدای کار قسمت‌عمدهٔ کارگران فنی شرکت هم‌هندی وپاکستانی بودند اداره کردن آنها بوسیلهٔ افسران ومأمورین‌مزبور سهل‌تر وآسان‌تر خواهدبود لذا پس‌ازجنگ اول‌جهانی که کارهای شرکت روبتوسعه رفت عده‌ای ازین‌سنخ‌مأمورین باستخدام شرکت درآمده و بیشتر کار هـای اداری بدست‌آنها افتاد . بنظر مدیران شرکت اینگونه اشخاص باوضاع واحوال شرق آشنائی بیشتری داشته وواجدشرایط لازم برای استخدام بودند وبهتر می‌توانستند با شیوخ وخوانین محلی- که در آنموقع قدرت ونفوذی درخوزستان داشتند - روابط نزدیك برقرارکرده و احتیاجات تأمینیه شرکت را مرتفع سازند . البته بیشترکارکنان فنی و بازرگانی شرکت از انگلستان استخدام شده وغالب آنها قبل از ورود بایران از شرق خبری نداشتند ولـی همینکه بایران وارد میشدند فوری تحت نفوذ انگلیسهای هندوستان دیده قرارگرفته واخلاق ورفتار آنها درمدت کمی عوض میشد وبایرانیان بانظر حقارت مینگریستند.بزرگترین خبط شرکت درسازمان خود این بودکه اینگونه اشخاص را بخدمت واردکرد وبعد ها هم که وضع تغییر کرد وقدرت حکومت مرکزی درخوزستان مستقر گردیدتحولی دراخلاق ورفتار انگلیسهای هندوستان دیده حاصل نشد و سنت هائی که آنها ایجادکرده بودند تا مدت‌مدیدی پابرجا بود .

درطی چهل‌وچند سال عملیات و بهره‌برداری ازنفت ایران سازمان‌اداری‌شرکت چهار مرحلهٔ مختلف را بشرح زیرطی کرد :

۱- مرحلهٔ اول ازابتدای‌کار تـا ۱۹۲٤ بودکه در آن سال‌کنترات بین شرکت نفت وشرکت استریك‌اسکات[۱] که‌شرح آن‌دربخش‌هفتم‌ازفصل ششم‌آمده‌است‌خاتمه‌یافت. پس‌ازآنکه نفت مسجدسلیمان استخراج شد یکی‌ازبازرگانان انگلیسی مقیم هندوستان بنام للوید[۲] ریاست شرکت استریك اسکات را در ایران داشت وچنانکه پیش گفته شد

---

(۱) Strick Scott Co. Ltd (۲) Sir John B. Lloyd بازرگانی‌بودکه در هندوستان ثروت بسیاری ازتجارت چای بدست آورده بود وبعدمدیرشرکت استریك‌اسکات شد.

شرکت مزبور عهده‌دار امور اداری شرکت نفت در ایران بود . للوید در سال ۱۹۱۳ بلندن رفت و پس از مدت کمی بعضویت هیئت مدیرهٔ شرکت نفت منصوب گشت . پس از او برای مدت هفت سال شخصی بنام والپول ۱ که او هم هندوستان دیده بود ریاست داشت. در سال ۱۹۲۱ سرارنلد ویلسون ۲ و جاکس ۳ توأماً این مقام را داشتند تا اینکه سال بعد سرارنلد ویلسون عنوان مدیر مقیم شرکت استریك اسکات را حائز گردید و ریاست مطلق با او بود . باستثنای جاکس ریاست امور شرکت نفت در ایران تا سال ۱۹۲٤ با کسانی بود که در هندوستان پرورش یافته و آلوده بافکار استعماری بودند و اینها از ابتدای امر شالوده‌ای ریختند که بعد ها تأثیر بدی در افکار عمومی و بخصوص بین کارکنان ایرانی شرکت داشت .

درین مرحله اقتدار حکومت مرکزی در خوزستان فقط نامی بیش نبود . خوانین بختیاری در شمال آن استان و شیخ خزعل از اهواز تا مرز جنوبی را در حیطهٔ اختیار خود داشتند و شرکت برای حفاظت اموال خود و تأمین امنیت متوسل به فئودال‌های محلی میگردید. قراردادهائی بین شرکت از طرفی و شیخ خزعل ۴ و خوانین بختیاری از طرف دیگر منعقد شده بود که بموجب آن هر سال شرکت مبالغی بآنها میپرداخت تا امنیت اطراف و جوانب حوزهٔ عملیات شرکت را تأمین نمایند ولی در داخل محوطهٔ عملیات خود شرکت سازمانی داده بود و اداره‌ای داشت بنام « ادارهٔ تأمینیه » ۵ که وظایف آن عبارت بود از حفظ انتظامات و امنیت در داخل محوطهٔ شرکت و برقراری تماس و رابطه با خانها و شیوخ محلی و مأمورین دولتی و نظارت در کنتراتهائی که از طرف شرکت باشخاص مختلف داده میشد و سرپرستی اموری که وابسته بروابط بین کارگر و کارفرما بود و اجاره و خرید اراضی و بطور خلاصه هر کاری که تماس بین شرکت و اهالی محل را ایجاب میکرد .

ادارهٔ تأمینیه شرکت عده‌ای در استخدام خود داشت که در اوایل نام پلیس را داشتند و بعدها که نفوذ دولت مرکزی مستقر گشت بنام مستحفظ و آتش نشان و غیره خوانده

---

(۱) C.A. Walpole (۲) Sir Arnold Wilson از مأمورین اداره سیاسی هندوستان بود که از سال ۱۹۰۷ تا سال ۱۹۱۳ کنسول یا رانگلیس در خرمشهر بود. هنگام تحدید حدود مرزایران و عثمانی جزو نمایندگان انگلستان در کمیسیونی که مشغول این کار بود تعیین شد. در جنگ اول جهانی با ارتش انگلیسی در عراق بود و پس از جنگ کمیسر عالی انگلیس در عراق شد و پس از آن در سال ۱۹۲۱ وارد شرکت استریك اسکات شد. در سال ۱۹۲۴ بشرکت نفت در لندن انتقال پیدا کرد. پس از چند سال از شرکت نفت استعفا داد و بنمایندگی مجلس مبعوثان انتخاب گردید و در جنگ دوم جهانی کشته شد. او چند کتاب در بارهٔ خاور میانه من جمله ایران نوشته که معروف است .

(۳) T.L. Jacks که بعدها مدیر مقیم شرکت نفت در تهران شد.

(۴) شرح قراردادهای بین شرکت و خوانین بختیاری در فصل دیگر ذکر شده و اینك شرح قرارداد با شیخ خزعل ذکر می‌شود. در تاریخ ٦ ماه مه ۱۹۰۹ سر پرسی کاکس کنسول ژنرال انگلیس در بوشهر و مأمور سیاسی آن کشور در خلیج فارس (Sir Percy Cox) بشیخ خزعل تضمین داد که دولت انگلستان نخواهد گذاشت دولت ایران بموقعیت اووجانشینانش لطمه‌ای وارد سازد و همیشه وضع آنوقت او را حفظ خواهد کرد در ماه ژوئیهٔ همانسال قراردادی بین شرکت نفت و شیخ خزعل منعقد شد که بموجب آن یك میل مربع از اراضی آبادان بشرکت اجاره داده شد. مال الاجارهٔ آن در ده سال اول از قرار سالی ٦۵۰ لیره بود که تمام آن نقد پرداخته شد و علاوه بر این ده هزار لیره هم بعنوان قرض بشیخ داده شد. پس از ده سال مال الاجاره از قرار سالی ۱۵۰۰ لیره بود و بعدها آنهم تبدیل بیك مبلغی نقد گردید

(۵) Security Office

میشدند. اینها همه لباس متحدالشکل داشته و مختصر تعلیمات نظامی فرا میگرفتند و برؤسا سلام نظامی میدادند وبجز اینکه مسلح نبودند از هرحیث دیگر بسربازان شباهت داشتند . شرکت عده‌ای از آنها رابکار های آتش نشانی گماشته و عدهٔ زیادتری را برای امور انتظامی درخدمت داشت که هردو یکنوع لباس داشته وهروقت میخواست میتوانست همهٔ آنهارا بعنوان آتش نشان معرفی نماید. سفر اولی که من بخوزستان رفتم در سال ۱۹۲٦ بود و پلیسها کارشان محدود بتأمین عبور و مرور در محوطهٔ شرکت شده بود ولی بطوریکه نقل میکردند درسابق ادارهٔ تأمینیهٔ شرکت وپلیسهای آن تمام وظائف یك شهربانی را برعهده داشته و حتی زندان هم داشتند . بطور خلاصه ادارهٔ تأمینیهٔ شرکت عبارت از یك دستگاه شهربانی در داخل محوطهٔ شرکت بود و اموری را که ژاندارمری انجام میدهد بعهدهٔ خوانین محلی و مستحفظین آنها بود که تمام هزینهٔ آنها را شرکت میپرداخت .

رئیس کل ادارهٔ تأمینیهٔ شرکت باپزشکی بنام دکترینگ[1] بود که درمسجدسلیمان اقامت داشت ودر سال ۱۹۰۸ بایران آمده بود وزبان فارسی را آموخته وبوسیلهٔ شغل طبابت نفوذ بسیاری بین اهالی محل تحصیل کرده بود . این شخص که اکنون درگذشته است بین انگلیسها عنوان «مأمورسیاسی»[2] را داشت وبسیار باهوش وجدی وآزموده بود . شالودهٔ بهداری شرکت را درخوزستان او ریخت وبیمارستانهای مسجدسلیمان و آبادان را ایجاد کرد.



دکترینگ

پس از جنگ اول جهانی شرکت معاونی برای دکترینگ استخدام کرد که نام او الکینگتن[3] بود . این شخص درارتش هندوستان سروان بوده و از افسران سیاسی محسوب میشد . در مدت اقامت خود درهندوستان زبان اردو را فراگرفته وکمی هم فارسی آموخته بود و بواسطهٔ تجربیاتی که بدست آورده بود وشخصیت بارزی که داشت دراندك مدتی توانست جلب توجه اولیای شرکت را بنماید . اولین خدمت برجستهٔ او در شرکت خاموش کردن اعتصاب گروهی از کارگران بیگانه بود[4] که در آبادان برای افزایش دستمزد اعتصاب کرده بودند . الکینگتن مأمور شد که ازمسجد سلیمان بآبادان رفته واعتصاب را خاتمه

---

(۱) Dr. M.Y. Young (۲) Political Officer (۳) E.H.O. Elkington

(۴) کارگران مزبور از آن قسمت از هندوستان بودند که اینك جزو پاکستان است .

دهد و او ترتیبی داد که یك‌روز صبح‌زود کارگران مزبوررا بدون اطلاع قبلی‌ازمنازل خود خارج کرده وتحت نظر عده‌ای سرباز هندی که از بوشهر برای این‌کار آمده‌بودند بکشتی که درانتظار آنها بود وارد وبهندوستان اعزام داشت تا درآینده کسی‌راجرئت اعتصاب نباشد.این اقدام درنظر اولیای شرکت جلوهٔ بخصوصی کرد وازهمان‌وقت او را برای کارهای‌عالیتری‌درنظر گرفتندتااینکه فقط‌پس از پنج سال خدمت بسمت معاون کل شرکت واندکی بعد بریاست‌کل شرکت درایران منصوب گشت واین سمت‌را متجاوز از ده سال دارا بود و بعد هم بلندن انتقال یافت واکنون یکی از مدیران شرکت وعضو هیئت‌مدیره میباشد . الکینگتن یکی از برجسته ترین مأمورین شرکت در ایران بود و استعداد فوق‌العاده‌ای برای‌همرنگ‌شدن با محیط های متغیر از خود نشان داده است. موقعیکه قدرت حکومت مرکزی در خوزستان مستقر گردید الکینگتن با مهارت زیادی دستگاه شرکت‌را با تغییر سیاست توافق داد و توانست جلب توجه اولیای شرکت را بنماید و موقعیکه لرد کدمن باصلاحات داخلی پرداخت و انگلیسهای هندوستان دیده را بتدریج طرد میکرد او تنها کسی بودکه جلب توجه اوراکرد وتوفیق آنرایافت که در ایران مانده و مهم ترین مقام را حائز گردد .



مستر الکینگتن

در تمام مدتی که آنرا مرحلهٔ اول نامیده‌ایم شرکت‌کارهای خودرا بادولت توسط سفارت انگلیس درتهران انجام میداد وفقط پس از برقراری نمایندگی شرکت درتهران درسال ۱۳۰۰ شمسی تماس مستقیمی بین دولت و شرکت برقرارگشت . درین مرحله شرکت توجیهی را که برای ایجاد دستگاه تأمینیهٔ خود درخوزستان میکرد این بودکه دولت مرکزی طبق فصل چهاردهم امتیاز دارسی متعهد بوده است که اقدامات لازمه را برای حفظ امنیت درحوزهٔ عملیات شرکت ومراقبت از اموال واثاثیهٔ شرکت بنماید وچون از عهدهٔ این‌کار برنمیآمد شرکت ناچار بوده است که خود وسائلی‌برای تأمین عملیات خویش فراهم سازد .

درین مرحلهٔ اول‌کارکنان شرکت بقرار زیر بودند :

کلیهٔ‌کارکنان فنی و اداری وبازرگانی شرکت که مشاغل عمده ومسئولیت داری داشتند همه انگلیسی بودند وکم و بیش کارکنان قسمت اداری انگلیسهائی بودندکه هندوستان را دیده و با افکار استعماری آلوده بودند . کلیهٔ‌کارمندان دفتری و عموم

کارگران فنی وحتی پیشخدمتها و آشپزها هندی و پاکستانی بودند و فقط کارهای غیرفنی با ایرانیان محول بود. تنها کارگران فنی ایرانی عبارت بودند از یکعده بنّا و نجار و عدهٔ معدودی که زیر دست هندیها و انگلیسها کارهای فنی آموخته بودند. معدودی ایرانیان هم بعنوان منشی و «میرزا»[1] استخدام شده بودند که کمی انگلیسی دانسته و سمت مترجمی داشتند. توجیه شرکت برای این کار این بود که طبق فصل دوازدهم امتیازدارسی که میگوید « عمله و فعله باید رعیت اعلیحضرت شاهنشاه باشند » تعهد دیگری ندارد و علاوه میکرد که چون کارگران و کارمندان فنی بین ایرانیان یافت نمیشود بناچار آنها را از خارج می آورد و چون ایرانیانی که بزبان انگلیسی آشنا باشند نادرهستند لذا برای کارهای دفتری هم از هندوستان استخدام میکند. ولی علت حقیقی اینگونه استخدام این بود که کارکنان هندی مطیع تر بودند و اگر هم اعتراضی بطرز استخدام خود میکردند بسهولت بخدمت آنها خاتمه داده و آنها را روانهٔ هندوستان می کردند و بالا تر از همه اولیای شرکت معتقد بودند که استخدام از چند ملت مختلف اختلافاتی را بین کارکنان شرکت ایجاد مینماید که بصرفه و صلاح شرکت است. در تمام مدت این مرحلهٔ اول شرکت هیچگونه اقدامی برای تربیت ایرانیان و آموختن کار بآنها نکرد و چون اولیای غافل دولت هم اعتراضی بچنین روشی نداشتند شرکت هر رویه‌ای را که میخواست تعقیب مینمود.

در طی مرحلهٔ مزبور شهر آبادان یك اجتماعی از کپرهای حصیری و فقط چند خانهٔ آجری بود و شرکت برای آنکه تماسی با شهر نداشته باشد کانالی بین شهر و مؤسسات خود حفر کرده بود که عبور از آن برای کسانی که عضو شرکت نبودند بدون اجازه میسور نبود. شرکت برای عموم کارکنان انگلیسی خانه‌های مناسب و با آسایشی در آبادان و مسجد سلیمان و اهواز ساخته و وسایل راحتی آنها را کاملا فراهم کرده بود. کارکنان هندی و پاکستانی هم در اطاقهائی که بشکل سربازخانه بناشده بود سکنی داشتند ولی برای ایرانیان ـ اعم از کارگر و کارمند ـ خانه و مسکنی ساخته نشده بود و آنها مجبور بودند در کپرهای حصیری آبادان و درخانه‌هائی که بعضی اشخاص متفرقه در آبادان و مسجد سلیمان ساخته بودند زندگی نمایند. این بود وضع مرحلهٔ اول عملیات شرکت و سازمان اداری آن تا سال ۱۳۰۳ شمسی.

۲ـ مرحلهٔ دوم از موقعی شروع شد که نفوذ و قدرت حکومت مرکزی در خوزستان مستقر گردید و شیخ خرعل بتهران آورده شد و دخالت خوانین بختیاری در امور مسجد سلیمان قطع گردید و ادارات دولتی بتدریج در خوزستان ایجاد گشت. این مرحله کم و بیش تا موقع انعقاد قرارداد ۱۹۳۳ ادامه داشت. درین مرحله کارکنان ایرانی شرکت احساس میکردند که حکومت مرکزی سرپرست آنها میباشد و اندك اندك زبان باعتراض گشوده و تقاضاهائی از شرکت میکردند و حاضر نبودند رفتاری که سابق با آنها میشد دیگر تحمل نمایند. چندسالی نگذشت که راه شوسه تهران ـ خوزستان ساخته شد و تماس مرکز با این استان توسعه یافت. تحت هدایت و راهنمائی لرد کدمن تحولی در طرز فکر متصدیان شرکت پدید آمد. دستگاه شرکت استریك اسکات برچیده شد و استخدام انگلیسی‌های هندوستان دیده رو

---

(۱) در آن ایام انگلیسها بکارمندان دفتری که ایرانی بودند «میرزا» خطاب میکردند و این عنوان را از خوانینی که به منشی‌های خود «میرزا» میگفتند اقتباس کرده بودند.

بتقلیل رفت‌ولی مقامات مهم شرکت باز بدست همان کسانی بود که درمرحلهٔ اول واردکار شده ومستقر شده بودند. جای مستحفظین لروعرب راژاندارم وپاسبان وسرباز گرفت وکار پلیسهای شرکت محدود بنگهبانی اثاثیه و اموال شرکت در محوطهٔ کار شد و مسئولیت امنیت نواحی مختلف عملیات شرکت رادولت مرکزی بعهده گرفت . بتدریج عدهٔ کارمندان ایرانی شرکت افزایش یافت ومؤسسهٔ کوچکی درآبادان ومسجد سلیمان از طرف شرکت برپا گشت که درآن بعضی کار های فنی رابکارگران میآموختند • چند خانه ای درمسجد سلیمان برای کارمندان وکارگران ایرانی که سابقهٔ زیادی درشرکت داشتند ساخته شد ولی اقدام مشابهی درآبادان بعمل نیامد .شهر آبادان ازحال دهکده‌ای از کپر های کوناگون خارج شده ومردم خانه‌هائی ساختند که بعضی‌را بکارمندان ایرانی شرکت اجاره میدادند .درین مرحله وضع بهداشت کارمندان وکارگران شرکت بهتر از سابق شدوشرکت درك نمود که از کارکنان سالم ونیرومند استفادهٔ بیشتری میتوان کرد. یکی دوسال پس‌از جنك اول بیماری طاعون‌از هندوستان بآبادان سرایت کرد وعدهٔ زیادی‌از مردم تلف‌شدند .شرکت دید که‌اگردر وضع بهداشت اهالی شهر آبادان‌تغییری‌داده‌نشود بیماری‌های واگیر بآن شهر سرایت خواهد کرد که بالطبع کارکنان شرکت هم از آن بینصیب نخواهندبود .لذاعلاقمند باین‌شد که آب‌لوله برای اهالی‌شهر تهیه‌نمایدواصلاحی دروضع بهداشت شهربنماید .

درین مرحله سیاست حکومت مرکزی این بود که تسلط حکومت‌تهران براستان خوزستان کاملا مستقر گردد ولی هیچ قدمی برای عمران‌وآبادی آن‌استان برداشته‌نشد. دولت مرکزی هرگونه تظاهرات اجتماعی وسیاسی مردم رابا نهایت خشونت وسختی سرکوبی میکرد . در سال ۱۳۰۸ وضع ناگوارکارگران نفت در آبادان باندازه ای دشوار وسخت شده‌بود که دیگرتوانائی تحمل برای‌آنها باقی نمانده بود. عدهٔ زیادی ازساکنین بنادر جنوب ایران بآبادان مهاجرت کرده و در جستجوی‌کار رقابت شدیدی بین‌آنها برای تهیهٔ لقمه‌نانی بمیان آمده‌بود .شرکت از این رقابت حداکثر استفاده را کرده ودستمزد ناچیزی بکارگران خود میداد .فقدان خانه ومسکن ودستمزد کم‌وهجوم مهاجرین برای تحصیل‌کار بالاخره منجر باعتصابی شد که قوای دولتی آن را بابیرحمی بی‌نظیری درهم‌شکست‌وعده‌ای‌ازکارگران وپیشوایان‌آنها رابزندان‌انداخت وزندگانی پرمشقت وسخت کارگران همواره ادامه‌یافت .پس از اعتصاب مزبور دولت از شرکت خواست که بررسی دربارهٔ علل‌اعتصاب نموده وتعدیلی در دستمزدکارگران بشودوپس از مدتی شرکت حاضرشد که حداقل دستمزدکارگران غیرفنی راروزی پنج‌ریال[۱] قرار دهد ودستمزدکارگران فنی‌راهم‌بهمان‌تناسب بیفزاید .

۳ـمرحلهٔ سوم از موقع قرار داد ۱۹۳۳ تاموقع هجوم ارتش‌های خارجی‌بایران بود که درین مرحله‌مأمورین انگلیسی شرکت بتدریج تغییر کرده وتعهدات شرکت‌نسبت بدولت وکارکنان ایرانی مشخص تروصریح تربود وسازمان اداری شرکت تحوّل عمده یافته‌بود .درین مرحله سعی‌وافی ازطرف شرکت‌مبذول میشد که جنبهٔ بازرگانی‌وصنعتی

(۱) ارزش پنج ریال آن‌زمان تقریباً معادل باسه ریال حالا بود

آن‌بر هرچیز دیگرغلبه داشته‌باشد.قرار داد۱۹۳۳ وحکومتی که آن‌را منعقدکرده بود اطمینان خاطربسیاری برای‌شرکت فراهم‌ساخته بودتا بتوسعهٔ‌عملیات خود بیش از پیش بپردازد وشرکت ازمساعدت وهمکاری دولت کاملا بهره‌مندبود .

شرکت درین مرحلهٔ سوم بشهر آبادان کمك ومساعدتهای بیشتری مینمود. آب‌و برق شهر را تاحدی تأمین‌کرده و هر سال مبلغی برای تنظیف شهر و اسفالت‌کردن کوچه‌ها و خیابانها میپرداخت. مساعدتهای مزبور مفید بود ولی کافی برای این نبود که جبران غفلتهای بیست‌وپنج سال‌گذشته را بنماید وکارکنان شرکت وساکنین شهر را راضی و خوشنود سازد. بطور قطع اگر درین مرحله پول زیاد تری خرج شده بود و مخصوصا توجه بیشتری برفاه مستخدمین ایرانی شرکت از حیث خانه و مسکن شده بود عدم رضایت های بعدی پیش نمیآمد. این یکی از خبطهای بزرك شرکت‌بود که واقع بینی را رعایت نکرده واز لحاظ صرفه جوئی با جدیت وسرعتی که لازم بود اقدام نکرد.درین‌مرحله قدرت ونفوذ حکومت مرکزی درسرتاسر خوزستان‌مستقرگشته بود و هروقت مأمورین پاکدامن و خیرخواه بآن استان اعزام میشدند رفتار شرکت با کارکنان خود و اهالی بهتر بود و موقعیکه مامورین فاسد بکار ها تسلط مییافتند رفتار شرکت هم تغییر مییافت.

٤- مرحلهٔ چهارم از شهریور ۱۳۲۰ شروع میگردد. تا جنگ دوم جهانی‌ادامه داشت وارتشهای بیگانه درایران بودند قدرت حکومت مرکزی ضعیف‌بود ومامورین دولتی‌ناچار بودندکه باشرکت‌سازش‌داشته وکلیهٔ‌تقاضا های‌آنرا انجام دهند.معهودی ازکارکنان‌انگلیسی‌شرکت‌ازحدودخودتجاوزکرده‌واجحافاتی‌میکردندوبرخی‌ازکارکنان شرکت‌رابعناوین‌مختلف‌من‌جمله‌هواخواهی‌ازآلمان ازکارخارج کردند ولی‌چون‌ارتشهای انگلیس وامریکا احتیاج بکسانی داشتندکه زبان انگلیسی بدانند وبکارگران فنی هم برای کار های خود نیاز داشتند اولیای شرکت حزم و احتیاط را از دست ندادند و رویهمرفته تمام مساعی آنها معطوف باین بودکه نیازمندیهای جنگ را آماده نمایند.

پس از جنگ‌که ارتشهای بیگانه ازایران رفتند سازمان اداری شرکت مواجه‌با اعتراضات وانتقادات شدیدمردم ایران شد وازآنموقع تاهنگام خلع ید شرکت‌گرفتار کشمکش بودکه شرح‌آن درفصول پیش ذکرشده است‌ودرفصول‌بعد نیزخواهدآمد.

بخش پنجم- رفتاری‌که شرکت باکارکنان خودمینمود

دربخش چهارم بطوراجمال‌رفتارشرکت بامستخدمین ایرانی‌خود تاقبل‌ازقرارداد ۱۹۳۳ بیان‌شده ودرین‌بخش به بقیهٔ‌آن داستان میپردازیم .

مادهٔ شانزده قرارداد ۱۹۳۳ بشرح زیربود :

«۱ـطرفین تصدیق دارند و قبول مینمایندکه اصلی‌که مدار اجرای این‌قرارداد میباشدآنست‌که درمنافع‌طرفین حفظ حداعلای‌منتج بودن وصرفه جوئی‌دراداره وعملیات کمپانی‌درایران ضرورت‌عالی‌دارد .»

«٢- مسلم است که کمپانی صنعتگران ومستخدمین فنی وتجاری خود را باندازه‌ای که اشخاص ذیصلاحیت وباتجربه درایران یافت شود ازاتباع ایران انتخاب خواهد کرد واین نیز مسلم است که مستخدمین غیرفنی کمپانی منحصراً ازاتباع ایران خواهند بود.»

«٣- طرفین موافقت مینمایند درینکه طرح عمومی مطالعه وتهیه نمایند که برطبق آن هرسال ومرتباً مستخدمین غیرایرانی راتقلیل داده وبجای آنها بطور تصاعدی در کوتاه‌ترین مدت ممکن ازاتباع ایرانی بگمارند.»

«٤- کمپانی سالیانه مبلغ ده هزارلیره استرلینك برای اینکه اتباع ایران در انگلستان علوم وفنون مربوط بصناعت نفت را فراگیرند تخصیص خواهدداد. اعتبارمذکور بوسیلهٔ یك کمیته‌ای که مطابق بامادهٔ ١٥ تشکیل میشود بمصرف خواهدرسید.»

مادهٔ فوق هیچگونه تعبیروتفسیری لازم نداشت زیرا مفهوم مادهٔ مزبوراین است که اولا تاموقعیکه صنعتگران و مستخدمین فنی وتجاری درایران یافت میشود شرکت حق استخدام بیگانگان را ندارد وثانیاً طرح عمومی باید تهیه شود که طبق آن هرسال ازعدهٔ مستخدمین خارجی کسرشده وبجای آنها بطورتصاعدی ودرکوتاه‌ترین مدت اتباع ایران را بگمارند. لکن ازابتدای امرشرکت نظرخوشی نسبت باجرای صحیح این ماده نداشت وبقسمت اول ماده توسل میجست ومیگفت حد اعلای منتج بودن وصرفه جوئی درعملیات شرکت ضرورت بسیاردارد. سه‌سال دربارهٔ این مادهٔ قراردادمذاکره ومباحثه بین اولیای دولت وشرکت جریان داشت تا اینکه درسال ١٩٣٦ (١٣١٥ شمسی) طرحی تهیه‌شد و بامضاء رسید وبعدهم واضح گشت که طرح مزبورهم بامتن مادهٔ شانزده وهم با روح قرارداد منافات کلی دارد.

شرکت باندازه‌ای باین طرح اهمیت میداد وبحدی علاقمندبود که طرح مزبور بر خلاف نظرآن تنظیم نگردد که سرویلیام فریزر شخصاً بتهران آمد وپس از مذاکرات طولانی باوزیردارائی وقت (مرحوم علی اکبرداور) نظرشرکت را بدولت تحمیل نمود. متأسفانه این مذاکرات مصادف باوقتی شد که مذاکرات دیگری (که جنبهٔ خصوصی داشت) بین دولت وشرکت درمیان بودووزیردارائی وقت ناچارشد حق عدهٔ زیادی ازمستخدمین شرکت را فدای حصول نتیجه درمطلب دیگر بنماید. درنتیجهٔ این تصادف شرکت توانست بابیانات واستدلالی که صرفاً بنفع خود وبزیان ایران بودتعبیرغلط و ناصوابی ازمادهٔ شانزده بنماید و در عوض کاهش سالیانهٔ عدهٔ مستخدمین خارجی توفیق یافت که نظر خود را بقبولاند و تقلیل را فقط مشمول نسبت بین مستخدمین خارجی وایرانی شرکت بنماید. درآنوقت عدهٔ کارکنان خارجی شرکت قریب به ٢٠٥٠ نفربود که متجاوزاز هفده درصد کل مستخدمین شرکت درایران محسوب میشد وشرکت میتوانست درکمال سهولت برعدهٔ کارکنان خارجی خود بیافزاید ودرعین حال عده‌ای کارگرساده ایرانی با دستمزد کم استخدام نماید که نسبت خارجیان به مجموع ایرانیان کمترجلوه کرده ولی ازحیث عده زیادتر باشد. بعدها همین کار هم شد و معلوم گشت که قبول تعبیرغلط مادهٔ شانزده طبق دلخواه شرکت چه ضررزرگی برای ایران داشت. حقیقتاً موجب شرمساری است که در کشورهای دیگر متصدیان امور حافظ حقوق افراد میباشند ودرکشورما قضیه برعکس

است . بهرحال پس‌از آنکه وزارت دارائی ناچارشد نظرشرکت‌را قبول‌نماید مدت طرح را محدود به هشت سال کرد و قرارگذاشت که در رأس موعد تجدید نظری در طرح مذکور بشود .

هنگام امضای طرح عمومی‌وزارت دارائی‌واولیای شرکت هردو متوجه بودند که ایرانیان تحصیل کرده حاضرنبودند خدمت شرکت را درجنوب قبول‌نموده وبدون‌مسکن مناسبی‌تحمل‌مشقات هوای گرم ونامطلوب خوزستان را بنمایند ونیزطرفین میدانستند که تقلیل‌مستخدمین خارجی بدون فراهم کردن وسایل‌آموزش فنی ایرانیان مقدور نخواهد بود . بنابرین وزارت دارائی سعی‌داشت شرکت راوادارکند که مبلغ کافی برای‌این‌مقصود خرج نماید ودرمقابل‌هم شرکت جدیت داشت که خرج خودرا بحداقل برساند . تناقضی که بین‌این‌دونظرموجود بود طرح عمومی‌را بی‌حاصل مینمود . بالاخره طرحی که امضا شد شرکت‌را موظف میداشت که (الف) عده‌ای دبستان‌ودبیرستان درمراکزعملیات‌خود بنا نموده وتحویل‌وزارت فرهنك دهدکه‌آنهارا اداره نماید (ب) آموزشگاه حرفه‌ای‌و فنی برای تربیت‌کارگران ایجاد نماید (ج) دانشکدهٔ فنی برای تعلیم وتربیت مهندسین ایرانی بنا نماید (د) سالی یك ملیون لیره بمصرف خانه سازی برای کارکنان ایرانی برساند (ه) وکمك های مؤثری هم بشهر آبادان و توسعهٔ بهداشت در مناطق عملیات خود بکند .

رویهمرفته آنچه را شرکت ضمن طرح عمومی فوق تعهدکرد انجام داد چنانکه از ارقام زیر هویدا میگردد :

پیش‌از قرارداد ۱۹۳۳ شرکت درآبادان ٤٧٦ خانه برای‌کارمندان‌متأهل و٧٧٤ اطاق برای‌کارمندان مجرد و٢٨ خانه برای‌کارگران متأهل و ٣٣ اطاق برای‌کارگران مجرد ساخته بودکه تقریباً تمام‌این مساکن اختصاص بکارمندان وکارگران‌خارجی‌داشت وفقط معدودی ازآنرا بایرانیان تخصیص داده بود . در حوزهٔ معادن نفت‌هم‌وضع‌تقریباً بهمین منوال بود .

در طی هشت سالی‌که مشمول طرح عمومی فوق میگشت مساکن جدیدی بشرح زیر ساخته شد : مثلا درآبادان ٩٥٥ خانه برای‌کارمندان متأهل و ١٢٨٣ اطاق برای کارمندان مجرد و ٣٤٧٩ خانه برای‌کارگران متأهل و ٨٤٥ اطاق برای‌کارگران‌مجرد ساخته شد ودر حوزهٔ معادن هم بهمان نسبت خانه‌هائی بنا گردید .

وضع بهداشت وفرهنگ هم درتمام حوزه های عملیات شرکت تا حدی بهتر از پیش شد . شرکت مدارسی چند ساخت ودر اختیار وزارت فرهنگ گذاشت‌و دانشکده فنی آبادان را ایجاد نمودکه دیپلمه های متوسطه بآن وارد شده وپس از چهار سال تعلیمات‌علمی وعملی باخذ پایان‌نامهٔ مهندسی یا بازرگانی نائل میشدند.یك‌آموزشگاه حرفه‌ای هم درآبادان ایجادکردکه دارندگان تصدیق ابتدائی بآن وارد شده و پس‌از پنج سال‌کارگر فنی ماهری میشدند وبدرجهٔ سراستادکاری میرسیدند. بشهر آبادان هم کمك هائی شد و برعدهٔ درمانگاه ها وتخت های بیمارستان نیز افزوده گردید. ولی نکته‌ای‌که مورد دقت میباشد این است‌که آیا پس از انجام تعهدات شرکت طی هشت سالی‌که درطرح عمومی مقرر بود از عدهٔ‌کارکنان خارجی شرکت‌کاسته شد یا نه ؟

متأسفانه جواب این سئوال منفی بود وقسمتی از خانه هائی را هم که شرکت در مدت هشت سال مذکور ساخت بخارجیان اختصاص داد وباز قضیهٔ مسکن که‌عمده‌مشکل مستخدمین شرکت بود بجای خود باقی ماند . ارقام زیرنتیجهٔ تعبیرغلط مادهٔ‌شانزده‌را واضح میسازد :

سال	عدهٔ‌مستخدمین‌خارجی	نسبت‌مستخدمین‌خارجی بامستخدمین‌ایرانی
۱۹۳۶	۲۰۵۰	٪۱۷ ۱/۴
۱۹۴۳	۲۸٦٤	٪۱۵ ۱۲/۱۰۰
۱۹۵۰	٤٥۲۰	٪۱۰ ۴۵/۱۰۰

چنانکه از ارقام فوق ملاحظه میشود طرح عمومی که تنظیم‌شد نتیجه‌اش‌افزایش مستخدمین خارجی بود و بشرکت فرصتی دادکه‌کاهش نسبت بین مستخدمین ایرانی و خارجی را مدرك عمل قرار دهد ومدعی شودکه از تعهدات‌خود سرپیچی نکرده است. کارکنان‌ایرانی شرکت پس‌از آنکه دولت تعبیرمادهٔ شانزده را قبول‌کرد بسیارمأیوس و دلسرد شدند و چاره‌ای جز صبروتحمل نداشتند. درین امر شرکت تصورکردکه توفیق بزرگی پیداکرده است ولی غافل ازین بودکه عدم رضایت کارکنان هرمؤسسه مآلاً بضرر وزیان آن خواهد بود وچنانکه بعدها معلوم‌گشت‌کارکنان ایرانی که در شرکت‌کار میکردند بزرگترین عامل تبلیغات برضد شرکت شدند و بهروسیله‌ای که ممکن بود سایر مردم‌را از بیعدالتی های شرکت‌آگاه میساختند .

درآن ایام هیچگونه قوانین و نظامات و مقرراتی نبودکه روابط بین‌کارفرما و کارگر را تنظیم نماید و مرجع قانونی هم برای رسیدگی بشکایات مستخدمین ایرانی شرکت نبود . از طرفی طرز حکومت مانع ازین بودکه‌کارکنان شرکت دست جمعی اقدام نمایند وکارگران از حقی که درسایرنقاط جهان برای‌کارگران معمول‌است‌استفاده کرده وبتشکیل اتحادیه بپردازند واز طرف دیگر غفلت دولت دراجرای صحیح مواد قرارداد بخصوص مواد شانزده وهفده که مربوط بکارکنان ایرانی بود موجب‌یأس آنها گشته بود. تحولاتی که بعدها پیدا شد تماماً مرهون اقدامات بعضی ازکارمندان شرکت بودکه پس‌از پیداشدن فرصت تبدیل باقدامات دست‌جمعی گردید .

نظر اساسی اولیای شرکت درموردکارکنان خود این بودکه بارزان‌ترین قیمت از خدمات‌آنها استفاده کند و حداقل مخارج‌را برای رفاه وآسایش‌آنها بمصرف‌رساند. این یك روش کهنه وپوسیده‌ای بودکه اینك درسایر نقاط جهان متروك شده‌است ولی چون منظور شرکت حداکثر استفاده بدون رعایت عواقب‌آن بود روش‌مزبورراهمواره ادامه‌میداد .درزیرتحولاتی که‌درروابط بین شرکت‌ومستخدمین ایرانی‌آن بتدریج رویداد ذکر میشود تا خبطهای شرکت واضح‌ترگرددومقدمةً ارقامی ازعدهٔ مستخدمین‌شرکت ذکر میشود تا مطلب روشن‌ترگردد.

در سال ۱۹۳۵ عدهٔ‌کلیهٔ‌کارگران وکارمندان شرکت (ایرانی‌وخارجی) ۱٦۹۸۳

نفر بود وچهار سال بعد یعنی درسال ۱۹۳۹ که جنگ دوم جهانی آغاز گشت این‌عده به ۳۱۵۰۲ نفر رسید. درسالهای اول جنگ عدهٔ مستخدمین تقلیل یافت ولی از۱۹۴۳ ببعد که باز عملیات شرکت توسعه یافت برین عده افزوده شد چنانکه ازارقام‌زیرمعلوم است :

سال	عدهٔ کارکنان آبادان	عدهٔ کارکنان حوزهٔ معادن	جمع کل مستخدمین
۱۹٤۰	۱۸۳۰٤	۷۸۱۹	۲٦۱۲۳
۱۹٤۱	۱٦٤۲۱	٤۹۵٤	۲۱۳۷۵
۱۹٤۲	۱۷۱۷۵	٤٦۳۸	۲۱۸۱۳
۱۹٤۳	۲٦۱۵۷	۵۰۸۸	۳۱۲٤۵
۱۹٤٤	۲٦٤٤۸	۵۵۱٦	۳۱۹٦٤
۱۹٤۵	۳۲۷۷۵	۹٤۹۹	٤۲۲۷٤
۱۹٤٦	۳۳۲٤۱	۱۲۸۰۹	٤٦۰۵۰
۱۹٤۷	۳۳٦٦۰	۱۲۷۲۸	٤٦۳۸۸
۱۹٤۸	۳٦٤۱۲	۱۳۹۸۱	۵۰۳۹۹
۱۹٤۹	۳۸۸۱۲	۱۷۱۵۸	۵۵۹۷۰

و موقعیکه نفت ملی شد واز شرکت خلع‌ید گردید (یعنی سال ۱۹۵۱)جمع‌عدهٔ کارکنان شرکت درایران ٦۱۵٤۵ بود . علاوه برین ۱۳٦۰۳ نفرهم کارگرانی‌بودند که‌کنتراتچی های شرکت دراستخدام خود داشتند .

قبل از اعتصاب کارگران آبادان درسال ۱۳۰۸ شمسی حداقل دستمزدکارگران شرکت نفت از روزی چندریال تجاوز نمیکرد . پس‌از اعتصاب مزبور حداقل دستمزد آنها به‌پنج ریال افزایش یافت واین مبلغ تا اوایل جنگ بااندك تغییری برقرار بود. بین سال ۱۳۱۵ و ۱۳۲۰ شاخص‌کل هزینهٔ زندگی[1] تقریبا دوبرابرونیم شده‌بود ولی دستمزدکارگران نفت بهمان پایهٔ سابق مانده بود . موقعیکه ارتش هـای بیگانگان بایران هجوم آورده وتقریباً تمام‌کشوررا اشغال‌کردند بواسطهٔ تورم پول وکمیابی کالا های خارجی واحتکارکالا های داخلی و هرج و مرج اقتصادی که حکمفرما گردید هزینهٔ زندگی بسرعت عجیبی بالا رفت ودر سال ۱۳۲۳ شاخص‌کل بده برابر آنچه در سال ۱۳۱۵ بود رسید .کارکنان نفت هم مانند سایر مردم درمضیقهٔ غریبی‌قرارگرفته بودندوچون‌باحضورارتش‌خارجی‌وسیلهٔ‌اعتراضی‌نداشتند مشقت و سختی را تحمل‌کرده و ساکت‌بودند. لکن‌درآنوقت‌ارتشهای امریکاو انگلیس‌محتاج بکارکنان ومستخدمین فنی بوده وحاضر بودندکه دستمزد بیشتری بدهند و عده‌ای را استخدام نمایند. این احتیاج تولید رقابتی بین ارتش های بیگانه و شرکت نفت ایجادکردکه لازم بود خاتمه یابد لذا شرکت درسال ۱۹٤۲ یك ثلث بر دستمزدکارگران افزود وجیرهٔ نان‌وقندوشکر

(۱) از سال ۱۳۱۵ ببعد بانك‌ملی ایران ارقامی دربارهٔ شاخص هزینهٔ زندگی منتشر می‌کند که ارقام فوق ازآن اقتباس شده است .

رایگان بآنها داد وضمناً با اولیای ارتشهای بیگانه قراری گذاشت که دستمزدها رادر خوزستان ثابت نگاهداشته و رقابت دراستخدام را قطع نمایند. اضافات مذکورموجب شد که حد اقل دستمزد به چهارده ریال افزایش یابد ولی ترقی روز افزون هزینهٔ زندگی و کاهش ارزش پول ایران و کمیابی مایحتاج و ازهمه بدتر کرایهٔ گزاف مسکن اضافات مزبوررا خنثی کرد و کارکنان شرکت باز دوچار مضیقهٔ سختی بودند. برنامهٔ خانه سازی شرکت هم درایام جنگ متوقف شده بود واز طرفی افزایش عدهٔ کارکنان و ازطرف دیگر کمی خانه های مسکونی مناسب تقاضا را برعرضه غلبه داده و مضیقهٔ غریبی برای کارکنان ایرانی شرکت فراهم ساخته بود.

تاسال آخرجنگ عدهٔ مساکنی که شرکت درآبادان برای کارگران خود ساخته بود درحدود سه هزاروپانصد خانه برای کارگران متأهل وقریب به نهصد اطاق برای کارگران مجردبود. درناحیهٔ معادن هم شرکت برای کارگران متأهل نزدیك به دو هزار خانه و برای کارگران مجرد قریب به دویست اطاق تا آن تاریخ بنا کرده بود. تردیدی نبود که این چندهزارخانه برای احتیاجات عموم کارگران که عده‌شان هم روزافزون بود کفایت نمیکردوهمه سعی میکردند که درشهرواطراف مسکنی برای خود تهیه کنند. بهمان نسبتی که عملیات شرکت توسعه مییافت وبرعدهٔ کارگران افزوده میشد بهمان تناسب هم جمعیت شهرآبادان ــ که حیات اقتصادی و اجتماعی آن وابسته بصنعت نفت است ــ زیاد میشد. آنهائیکه دستمزد نسبةً بیشتری داشتند در شهرودهات اطراف اطاقی بقیمت گزاف برای خود اجاره میکردندوآنانیکه دستمزد کمی داشتند به لانه‌ها وکپرهائی که دراطراف برپا میگشت هجوم میآوردند. کپرهای مزبور که بعدها بنام «حصیرآباد» و «حلبی آباد» معروف شد در حقیقت برای مسکن انسان مناسب نبود ولی احتیاج موجب گشته بود که هزاران نفردرین لانه‌ها زندگی کنند وباگرمای طاقت فرسای خوزستان بسازند.

کمی دستمزد، فقدان مسکن، محدود بودن آزادی مردم درایام جنگ، افزایش هزینهٔ زندگی، دلخوریهای ایام گذشته، نبودن قوانینی که حقوق کارگررا حفظ نماید، غفلت اولیای امور، وضع رابرای نهضت وقیام کارگران فراهم ساخت وزمینهٔ فوق العاده مساعدی برای حزب توده ایجاد شد که عملیات خود را در سالهای آخر جنك در خوزستان شروع نماید و کارگران مستعد هم با آغوش باز پیشوایان و عمال آن را استقبال نمودند.

دربین کارمندان هم عدم رضایت شدیدی درآن ایام حکمفرما بود. آنهاهم گرفتار افزایش هزینهٔ زندگی و گرانی مسکن وتبعیضات گوناگون بودند. توسعهٔ عملیات شرکت درسالهای آخرجنك موجب افزایش کارمندان خارجی شده بود. عده ای ازانگلیسهائی که درمعادن نفت برمه کارمیکردند وپس ازتصرف آن کشورازطرف ژاپونیها بهندوستان فرار کرده بودند موقةً باستخدام شرکت در آمدند. عده‌ای را هم شرکت از فلسطین آورده ودرآبادان بکار گماشته بود. خانه هائی که ممکن بود بکارمندان ایرانی داده شود باین خارجیان تازه وارد تخصیص داده شد و ایرانیان مجبور بودند که در شهر آبادان اطاقهای محقری بقیمت گزاف اجاره کرده و قسمت مهم حقوق خود را بعنوان مال الاجاره بپردازند.

توسعهٔ فرهنك در بیست سال اخیر عدهٔ زیادی ازایرانیان که دبیرستان‌را تمام کرده وبازبان انگلیسی‌هم کمی آشنائی‌داشتند حاضرومهیای‌این‌نموده بود که درشرکت‌استخدام شده وجای‌کارمندان خارجی که مشاغلی فنی نداشتند بگیرند ولی شرکت ترجیح میداد که هندیها را برای‌کار های دفتری‌وحسابداری وغیره استخدام کند وازاستخدام‌ایرانیان خودداری نماید. این جانبداری بی‌جا و بی‌مورد عدهٔ زیادی از ایرانیانی را کـه در جستجوی‌کار بودند محروم از شغل کرده وعصبانی کرده بود . یك‌عده مشاغلی مـ انند انبارداری ونظارت در ساختمان و تقسیم خواربار وغیره درشرکت بود که ایرانیـان میتوانستندبسهولت انجام دهند ولی‌شرکت حتی برای اینگونه‌کارها هم کارمندانگلیسی استخدام کرده بود .

از حیث حقوق ماهیانه وحقوق بازنشستگی و مسکن و تسهیلات اجتماعی تفاوت محسوسی بین‌کارمندان ایرانی و خـارجی برقرار بودکه عدم رضایت شدیدی ایجاد میکرد .تمام‌کارمندان‌انگلیسی شرکت حتی آنهائی هم‌که‌کارهای دفتری میکردندجزو کارمندان عالیرتبه بحساب آمده و قسمت عمدهٔ کارمندان ایرانی عنوان‌کارمند جزء را داشتند . عضویت باشگاههای‌عمدهٔشرکت، حق رفتن به‌سینمای درجه اول آبادان،سوار شدن در اتوبوسهای مخصوص، استفاده از مغازه‌های شرکت که‌کالاهای‌اروپائی‌داشت، استفاده از بعضی از زمینهای ورزشی و استخر هـای شنا فقط اختصاص بانگلیسها و معدودی از ایرانیان عالیرتبه داشت که شاید عدهٔ ایرانیانی که کارمندان‌عالیرتبهٔ شرکت بودند از بیست الی سی‌نفر تجاوز نمیکرد . این تبعیضات ناروا عموم کارمندان‌ایرانی شرکت را عصبانی و رنجیده میساخت . عده‌ای از ایرانیانی که بخرج شرکت تحصیلات عالیهٔ خودرا در دانشگاه‌های انگلیسی باتمام رسانده وپس‌از مراجعت استخدام‌شرکت را قبول‌کرده بودند بواسطهٔ اینگونه تبعیضات خدمت شرکت را ترك‌گفته و در شمال کاری برای خود تهیه‌کرده بودند. سیاست شرکت این بودکه خارجیان‌را در زندگی اجتماعی از ایرانیان جدا نگاهدارد وامتزاج آنها را تشویق نکند وتفوق نژادی‌برای انگلیسها قائل شود وحتی در بیمارستان اطاقهای مخصوصی برای انگلیسها اختصاص داده شده بودکه‌کارمندان ایرانی بآنها راه نداشتند.

عموم‌کارمندان وکارگران خارجی شرکت پس‌از ورود بایران خودبخود دارای مسکن میشدند ولی حتی قسمت عمدهٔ کارمندان ایرانی هم از چنین حقی محروم بودند . موقعیکه جنگ دوم جهانی خاتمه یافت وارتشهای انگلیس وامریکا ازایران رفتندعدهٔ خانه هائی که در سرتاسرحوزهٔ عملیات‌شرکت‌اختصاص‌بکارمندان‌ایرانی‌داشت از هفتصد خانه برای متأهلین وقریب هزار اطاق برای مجردین تجاوز نمیکرد وبقیه در خارج‌از محوطهٔ شرکت زندگی میکردند .

بطور خلاصه موقعیکه جنگ تمام شد وارتش های انگلیس وامریکا ازخوزستان خارج شدند وضع سخت و پرمشقت کارگران وکارمندان ایرانی شرکت باندازه‌ای ناگوار بودکه همه خشمگین وهمه حاضر برای این‌بودندکه بهرقیمتی هست‌وضع‌راتغییر دهند. علاوه برین شهرآبادان با جمعیت یکصد وپنجاه هزار نفرش درآنوقت مواجه با

مضقه آب و برق بود که در زندگی کارمندانی که درشهر سکنی داشتند فوق‌العاده‌مؤثر بود . در آن زمان شرکت فقط روزی شش ملیون ونیم لیتر آب و۲۲۵ کیلوات برق بشهر میداد که بهیچوجه کفایت احتیاجات یک‌چهارم جمعیت را هم نمیکرد .

عملیات حزب توده درخوزستان از اوایل ۱۳۲۱ شروع شده بود ولی پیشوایان حزب برای آنکه وقفه‌ای در رساندن مهمات بروسیهٔ شوروی روی ندهد اقدامات خود را محدود بایجاد سازمان حزبی وتشکیل اتحادیه کارگران کرده بودند که قسمت عمدهٔ آنهم پنهان ودر خفا بود . درسال ۱۳۲۳ سازمان آنها توسعه یافت و علنی گردید و همینکه ارتش انگلستان از ایران خارج شد فعالیت آنها شدیدتر و برملا گردید . کارگران و کارمندان شرکت هیچ توجهی بمقاصد باطنی حزب توده نداشتندوسازمان حزب را تنها ملجأ وپناهگاهی برای خود تشخیص داده بودند که مدعی اصلاح‌وضع آنها بود.

پس‌از خاتمهٔ جنگ شرکت جیرهٔ رایگان نان وقند و شکری راکه میداد قطع کرد ودر عوض بدستمزد کارگران افزود و کالا های مورد احتیاج کارکنان را بقیمت معینی دردسترس آنهامیگذاشت . ولی هیچگونه اقدامی برای رفع نارضایتی کارکنان ایرانی خود نکرد ودر انتظار این بود که ببیند حزب توده چه خواهدکرد و امتناع شورویها از خارج کردن ارتش خود از ایران چه نتایجی بار خواهد آورد . برحسب رویهٔ دیرینهٔ خود صبر وخونسردی راپیشهٔ خودساخت وبتوصیهٔ کسانی که معتقدباصلاحات سریع وفوق‌العاده بودند اعتنائی نکرد .

در آن ایام دولت انگلستان نسبت بوقایعی که در ایران رخ میداد نگرانیهای بسیارداشت ودر بهمن۱۳۲٤ میسیون پارلمانی مرکب ازیکنفر نمایندهٔحزب‌محافظه کار بنام سرتیپ‌هد[1] ویکنفر نمایندهٔ حزب کارگر بنام مایکل‌فوت[2] بایران اعزام داشت که وضع ایران‌را مطالعه‌کرده وگزارشی بدولت خود بدهد . این دونفر ازآبادان دیدن کرده وبعد باصفهان ومازندران نیز مسافرت کوتاهی نمودند ولی بیشتر وقت خود را درتهران صرف کرده وعمدهٔ توجه آنها معطوف بوضع سیاسی ایران بودوآنطوریکه شایسته صنعت‌نفت بود مطالعه و بررسی نکردند وبکشور خود بازگشتند .

در اردیبهشت ۱۳۲۳ دولت بوزیر دارائی وقت (مرتضی‌قلی‌بیات) دستورداد که باتفاق دکترحسین‌پیرنیا رئیس‌ادارهٔ امتیازات ونفت وزارت دارائی بازدیدی‌ازخوزستان ومؤسسات‌نفت بکنند وگزارشی از وضع خوزستان وصنعت‌نفت‌بدولت بدهند. این‌میسیون دولتی پس‌از مراجعت از خوزستان بدولت‌گزارش دادکه وضع بسیارمتشنجی‌درمراکز صنعت نفت حکمفرماست وکارکنان ایرانی شرکت فوق‌العاده ناراضی میباشند وحزب توده هم مشغول فعالیت است . موقعیکه این میسیون در اهواز بود اعتصاب کارگران آغاجاری شروع گردید . اولیای شرکت بی‌درنگ مدعی شدند که اعتصاب‌نتیجهٔ‌تبلیغات سیاسی حزب‌توده است و بهیچوجه ناشی از وضع اجتماعی نامطلوب‌آن ناحیه نمیباشد

---

(۱) Brigadier A.H.Head که اکنون مدتی‌است وزیرجنگ انگلستان‌است

(۲) Michael Foot مدیر مجلهٔ تریبون ومتمایل بجناح چپ حزب‌کارگر

وچون منشأ اقتصادی ندارد از دولت تقاضا کردند بمأمورین انتظامی درمحل اختیارات کافی داده‌شود که محرکین واخلالگران را توقیف واعتصاب‌را درهم‌شکنند. نمایندگان دولت به بررسی تقاضا های اعتصاب کنندگان پرداخته و معلوم داشتند که تقاضا های کارگران کاملاً مشروع میباشد و عبارت است از (الف) بهبود وضع توزیع آب آشامیدنی (ب) استخدام چند قابله برای رفع احتیاج خانوادهٔ کارگران (ج) وپرداخت فوق‌العادهٔ مخصوص بکارگران آغاجاری که در وضع سختی بسر میبردند. وزیردارائی از اهواز بنمایندهٔ دولت درلندن دستور تلگرافی داد که بامدیران‌شرکت داخل‌مذاکره شده و تذکر دهد که اعتصاب آغاجاری بعلت کمی دستمزد و سختی معیشت میباشد و لازم است که فوری ترمیمی دردستمزد کارگران بشودودرصورتی که شرکت درین امر غفلت نماید دولت نسبت باثرات آن مسئولیتی نخواهد داشت .

شرکت ناچار شد که تقاضاهای اعتصاب کنندگان آغاجاری را بپذیرد و اعتصاب خاتمه یافت لکن توفیق کارگران سبب شد که آنها طعم اقدام دسته جمعی‌را چشیده ودر تحکیم اتحادیهٔ کارگران وتوسعهٔ فعالیت خود کوشاترشوند . دولت‌هم که وضع‌راچنین‌دید درصددبرآمد که نظاماتی بین کارگروکارفرما وضع نماید که درآینده تقاضاهای کارگران ازحدود معینی تجاوزنکرده وموجب استفاده های سیاسی نگردد . این بود که در خرداد ۱۳۲۵ اولین قانون‌کار را بموجب تصویب نامه‌ای وضع و درصدد اجرای آن برآمد .

اعتصاب آغاجاری برنگرانیهای دولت انگلیس ومدیران شرکت بسی افزودزیرا متصدیان شرکت درایران هرروز بلندن گزارش میدادند که فعالیت‌های اتحادیهٔ کارگران ناشی ازنظرسیاسی حزب توده بوده وپایه واساس اقتصادی ندارد . این بود که دولت انگلیس تصمیم گرفت میسیون پارلمانی دومی مرکب از دو نفر نمایندهٔ مجلس ازحزب کارگر موسوم به جك جونز [۱] و فردریك لی [۲] و یکنفر ازحزب محافظه‌کار موسوم‌به کتبرت [۳] بآبادان اعزام دارد که وضع رفتار شرکت را با کارگرانش بررسی کرده و گزارش دهند .دونفرنمایندهٔحزب کارگرهردوازرؤسای‌اتحادیهٔ کارگران‌انگلستان بودند که‌اشکالات کاررااز‌حیث‌سختی‌معیشت کارگران ایرانی‌بخوبی تشخیص دادند ودرگزارش خودهم‌توصیه‌هائی درین‌باره کردند ولی‌توجه نکردند که شرکت نفت‌مؤسسه بیگانه‌ای‌است که‌درایران نظرش فقط معطوف‌باستفاده‌های کلان‌است‌وعملیات گذشته آن‌موجب‌انزجار خاطرمردم بوده است .

پس‌از وصول این‌گزارش بوین [۴] که‌وزیر خارجه دولت کارگری انگلیس بود بشرکت نفت توصیه‌کرد که شخص مجرب و آزموده ای که دربارهٔ روابط بین‌کارگر و کار فرما بصیرت کامل دارد استخدام نماید تا براهنمائی او اصلاحاتی درکار بشود و بتوصیهٔ دولت انگلستان شرکت شخص معروف و مجربی کـه سال ها معـاون وزارت کـار انگلستان بود ونامش سرفردریك لگت [۵] بود بعنوان مستشار روابط‌باکارگران استخدام نمود .

---

(۱) Jack Jones (۲) Frederick Lee

(۳) W.N. Cuthbert که درسابق ۲۱سال عضو بانك شاهی درایران بوده‌است.

(۴) Ernest Bevin (۵) Sir Frederick W. Leggett

درین اثنا بعوض اینکه شرکت گذشتهای چندی نسبت بکارگران نموده و از شدت عدم رضایت آنها بکاهد مدتی وقت‌را با مذاکره و مباحثه با نمایندگان اتحادیهٔ کارگران صنعت نفت تلف کرده وسعی میکرد که اعتصاب‌های کوچکی که پیش‌میآید رفع نماید. گزارشهائی که درآنموقع ازخوزستان‌میرسیدحاکی‌ازین‌بود که تشنج‌فوق‌العاده‌ای بین عموم مستخدمین ایرانی‌شرکت حکمفرماست و برای اینکه آرامشی برقرارشوددولت مأمورینی بخوزستان اعزام داشت که دربارهٔ شکایات کارگران واختلافات آنها باشرکت بررسی های لازمه را بنماید. مأمورین مزبور بدولت اطلاع دادند که شرکت حاضر شده است قانون کاررا اجرا نماید ولی‌چندی‌بعد معلوم‌شد که شرکت از پرداخت دستمزد روزجمعه خودداری میکند. درتاریخ یازدهم تیرماه شش هزارنفر ازکارگران آبادان اعتصاب کرده وشش تقاضا ازشرکت داشتند که پنج فقرهٔ آنها را شرکت قبول کردولی درباب‌تقاضای ششم‌آنها که مربوط بپرداخت دستمزد روزجمعه بود شرکت اظهارداشت که مراتب‌را بلندن اطلاع داده ومنتظردستوراست. در تاریخ ۱۹ تیرماه دولت طبق مقررات‌قانون کار کمیسیونی‌تشکیل‌داد که حداقل‌دستمزدرابرای‌تمام کارگران کشورتعیین نماید وبعموم کارفرمایان من‌جمله شرکت‌اطلاع داد که مذاکرات انفرادی کارفرمایان با کارگران دربارهٔ دستمزدبایدقطع گردد.

درآن ایام‌روزنامه‌های توده تبلیغات بسیاری برضد شرکت نموده وکارگران‌را تشویق باعتصاب مینمودند. روز نامه های مزبور میگفتند: شرکت مقررات قانون کار را اجرا نمیکند، ازتشکیل اتحادیهٔ کارگران جلوگیری میکند وآنرا متهم به پیروی‌از مقاصد سیاسی‌مینماید، بدون دلیل‌بعضی‌ازکارگران را ازخدمت‌خارج میکند، مأمورین دولت‌با شرکت مساعدت‌مینمایند ودرحفظ حقوق کارگران کوشا نیستند، وسایل‌بهداشت و مسکن برای کارگران موجود نیست، نسبت بکارمندان ایرانی تبعیض بسیارمیشود شرکت همواره سعی‌میکند که مشاغل‌مهم‌را به خارجیان‌اختصاص دهد، بعضی‌ازکارمندان خارجی‌شرکت‌باایلات‌وعشایرروابط برقرار کرده وآنهارابرعلیه کارگران‌تحریک‌میکنند وغیره وغیره.

درتاریخ ۲۲ تیرماه اتحادیهٔ کارگران نفت اعلامیه‌ای صادر کرد که مشعر برتقاضاهای کارگران بود بدینقرار:

انفصال‌مصباح فاطمی‌استاندارخوزستان ـ خلع‌سلاح‌عشایر ـ منع شرکت‌ازمداخله درامور ایران ـ وپرداخت دستمزد روزجمعه. سحر روزبعد اتحادیهٔ کارگران بشرکت اطلاع‌داد که ازساعت شش صبح‌آنروزاعتصاب عمومی درتمام مراکزنفت شروع‌خواهد شد ودرساعت معین عموم کارگران‌وکارمندان (باستثنای کارگران‌بیمارستانهاومأمورین برق وآب و یخ وآتش نشانی) دست ازکار کشیدند. دو ساعت پس‌از شروع اعتصاب حکومت نظامی‌اعلان‌شد ومأمورین انتظامی‌باشگاه کارگران‌را اشغال وعده ای سرباز ازاهوازبرای تقویت‌قوای‌آبادان اعزام گردید.

اعتصاب کنندگان درتمام‌روز۲۳ تیرماه ساکت‌وآرام‌بودند ولی‌عصرآنروزعده‌ای از کارگران تظاهراتی را درشهر آبادان شروع کردند وبباشگاه اتحادیهٔ اعراب که در همانروز جشن افتتاحیهٔ خودرا برقرار کرده‌بود حمله کردند. زدوخوردبین کارگران

ومخالفین آنها از ساعت پنج بعدازظهر شروع وتا نیمهٔ شب ادامه یافت که درنتیجهٔ آن ٤٧ نفر کشته و ١٧٣ نفر زخمی شدند. قوای انتظامی دخالت نموده و پس از توقیف عده‌ای آرامش را برقرار کرد.

واکنش دولت انگلستان خیلی سریع وشدید بود. سفیر انگلیس فوری به‌نخست‌وزیر اطلاع داد که مسئولیت حفظ نظم وآرامش درمحوطهٔ عملیات‌شرکت از وظایف اولیهٔ دولت است وضمناً خاطرنشان کرد که اگر دولت غفلتی دراین‌باب بنماید وجان‌و مال اتباع انگلستان بخطر بیفتد اقدامات مقتضی را خواهد نمود. درتاریخ ٢٦ تیرچند کشتی‌جنگی‌انگلیس به‌آبادان‌آمده و درطرف ساحل عراق رودخانهٔ شط العرب لنگر انداختند ودرتاریخ یازدهم‌مرداد خبری‌ازدهلی‌انتشاریافت که عده‌ای سربازهندی‌به‌بصره اعزام شده است که برای حفظ «جان انگلیسها وهندیها واعراب» حاضرباشند. دولت ایران نسبت بانتشاراین‌خبرومخصوصاً قسمت مربوط به «اعراب» اعتراض کرد وطولی نکشید که دولت کارگرانگلستان‌متوجه شد که راه افراط پیموده ودرجواب اظهارداشت که اعتماد کامل باقداماتی که دولت برای‌حفظ امنیت نموده‌است‌دارد.

اقداماتی که دولت برای حفظ انتظامات‌نمود سریع‌بود. روزدوم اعتصاب هیئتی ازتهران‌مرکب ازوزیربازرگانی‌ومعاون نخست وزیرودونفرازپیشوایان حزب توده به آبادان اعزام‌شدند که اعتصاب را خاتمه دهند. این‌هیئت پس‌از مذاکره با نمایندگان کارگران وکارفرما بیانیه‌ای صادر کرده و اعلام داشت که دستمزد روز جمعه پرداخته خواهدشد وقانون کارکاملا اجرا خواهدگردید و دستمزدها اضافه خواهدگشت و وضع بهداشت و مسکن‌مستخدمین‌اصلاح خواهدشد. بنا براین اعتصاب روزسوم خاتمه یافت.

اعلامیهٔ‌زیرنیزازطرف سفارت انگلیس درروزنامه‌ایکه‌آن اوقات سفارت انگلیس چاپ میکرد منتشر گردید:

«درروزیکشنبه ١٤ ژوئیه اعتصاب عمومی کارگران شرکت نفت ایران‌وانگلیس شروع‌شد. دولت ایران در ساعت ٨ صبح حکومت نظامی اعلام کرد واقداماتی برای برداشتن مأمورین جلوگیری از کاربعمل‌آمد ونیزاقدامات برای ادامهٔ‌سرویسهای‌عمومی اساسی‌انجام‌گردید. عصر١٤ ژوئیه درنتیجه مجازات بدون محاکمه و بتوسط مردم که نسبت بیك بازرگان عرب بعمل‌آمد بین اعراب محلی‌وطرفداران حزب توده نزاعی‌رخ داد وبطوریکه اطلاع رسید ١٧ نفر کشته و ١٥٠ نفرزخمی شدند ومقداری اموال از بین رفت. روز١٥ ژوئیه اعتصاب‌ادامه یافت‌وعصر١٥ژوئیه نمایندهٔ نخست‌وزیرو کفیل‌وزارت بازرگانی ونمایندگان‌حزب توده واردآبادان شدند. اگرچه مذاکرات دوستانه راجع باوضاع کارگران درجریان بود قبل ازشروع باعتصاب هیچ تقاضائی ازطرف کارگران بشرکت نشده بود وبنابراین واضح است که این اعتصاب فقط بدلایل کاملا سیاسی ترتیب داده شده بوده‌است.»

اعتصاب عمومی کارکنان شرکت موجب تعجب وحیرت اولیای‌شرکت گردیدزیرا هیچگاه تصور نمیکردند که مستخدمین ایرانی شرکت بتوانند در مدت کوتاهی چنین اتحاد واتفاقی بین‌خود ایجاد نمایند. برای اولین‌دفعه شرکت فهمید که نه‌تنهااحساسات

عمومی مردم بلکه احساسات کارکنان آن هم مخالف رویهٔ شرکت میباشد وتا اندازه‌ای درك کرد که آیندهٔ آن منوط باصلاح امور اجتماعی کارکنان آن خواهد بود . ضمناً خبر اعتصاب که درجراید اروپا و امریکا منتشر گشت جمعی را بانتقاد ازشرکت و رفتار آن نسبت بکارگران واداشت ومقالات مفصلی درین باب درجرایداروپا ومخصوصاً انگلستان انتشار یافت . دولت انگلستان ازشرکت مؤاخذه کرد که چرا گذاشته است چنین وضعی پیش آید وفشار آورد که باید بفوریت برای بهبود وضع کارگران اقدام نماید وشرکت درمقابل متعذرشد که تحصیل مصالح لازم برای ساختن خانه وغیره بعلت تضییقاتی که در موقع جنك بود مقدور نیست و از دولت خود تقاضا کرد که اولویتی برای شرکت قائل شود تا مصالح لازم ازقبیل تیرآهن ودروپنجره آهنی ولوله وسیمان وغیره راتهیه و بایران ارسال دارد. دولت انگلستان درتاریخ ۱۷ مرداد ۱۳۲۵ بیانیهٔ زیررا برای تسکین افکار عامه درلندن منتشر کرد که شایان توجه است :

«اخیراً وضع نواحی نفت جنوب ایران توجه عمومی را جلب نموده است و دولت انگلستان لازم میداند مراتب زیررا برای اطلاع عموم منتشر نماید . معادن نفت ایران وپالایشگاه آبادان درایام جنگ سهم بزرگی درتوفیق وکامیابی متفقین درتمام جبهه‌ها داشته ودر زمان جنگ اولویتی برای توسعهٔ آن منظور گشته بود. نفت ایران در آینده نقش مهمی را درتأمین سعادت مردم جهان خواهد داشت ونه تنها منافع ایران وانگلستان بلکه منافع جهانی اقتضا دارد که چنین نقشی را نفت ایران حائز باشد. دولت انگلستان از هرنوع اقدام عملی که برای بالابردن سطح زندگی مستخدمین ایرانی شرکت وسایر کارکنان طرح شود تشویق وپشتیبانی خواهد کرد . تاکنون درشئون مختلف توفیقهائی حاصل شده است. درمورد بخصوص تهیهٔ مسکن اگرچه درمدت جنگ وقفهٔ اجباری پیش آمد ولی باوجود این چندین هزار خانه برای کارگران وکارمندان ایرانی ساخته شده و شرکت نفت ایران وانگلیس برنامهٔ وسیعی دردست دارد که نه تنها خانه‌های بسیاری بنا نماید بلکه سایر وسایل رفاه اجتماعی را نیز برای آنها تأمین کند . دولت انگلستان بدینوسیله اعلام میدارد باوجود اینکه درحال حاضر مصالح ساختمانی درهمهٔ کشورهای جهان من‌جمله انگلستان کمیاب است بشرکت مزبور همه گونه مساعدتهای عملی خواهد کرد تا برنامهٔ ساختمانی آن انجام گیرد. دولت انگلستان معتقد است قانون کاری را که دولت ایران تدوین کرده قدم بزرگی درراه پیشرفت کار میباشد واهمیت بخصوصی باین نکته میدهد که روابط بین کارفرماوکارگر وهمچنین روابط بین کارکنان ایرانی وانگلیسی شرکت دوستانه وصمیمانه باشد . دولت انگلستان مخصوصاً آنقسمت از قانون کار که دستگاهی برای رفع اختلافات راایجادمیکند تقدیر کرده وصمیمانه امیدواراست که دستگاه مزبور موجب شود که کلیهٔ اختلافات بین شرکت وکارگران ایرانی آن بطرز دوستانه وقانونی حل وفصل گردد. صنعت نفت ایران وسیلهٔ مؤثری برای ادامهٔ همکاری واشتراك مساعی سودمند بین ایران وانگلستان است که مفید بحال طرفین میباشد و چنانکه این بیانیه مشعر است دولت انگلستان قصد دارد ازهرطریقی که کمك ومساعدت آن سودمند واقع گردد اقدام مقتضی بنماید واطمینان دارد که شرکت نفت ایران وانگلیس هم بادولت

ایران بنحو اکمل اشتراك مساعی خواهد کرد . ولی لازم است متذکر گردد که دولت ایران مسئول است که امنیت لازمه را در کشور تأمین نماید تا آنکه صنعت نفت ایران بتواند نقش مهم خود را در اقتصاد ایران و جهان ایفا نماید. درخاتمه دولت انگلستان توجه کامل به مشکلات بسیاری که مستخدمین شرکت نفت در ایام جنگ با آن مواجه بوده اند داشته و توفیق آنها را در قبال دشواریهائی که در پیش داشته اند تقدیر مینماید. »

بیانیهٔ فوق چند نکتهٔ مهم را صریحاً اعتراف کرده بود بدینقرار :

۱- نفت ایران سهم بزرگی در توفیق و کامیابی متفقین در جنگ گذشته داشته است .

۲- رفتار شرکت با مستخدمین خود در گذشته مطلوب نبوده و دولت انگلیس در آینده برای بالا بردن سطح زندگی آنها اقدام خواهد نمود.

۳ - شرکت نفت برنامهٔ وسیعی را برای رفاه مستخدمین خود اجرا خواهد نمود .

٤- شرکت نفت قانون کار را اجرا خواهد نمود و سعی خواهد کرد که روابط بین کارفرما و کارگر حسنه باشد.

٥- نفت ایران باید وسیلهٔ مؤثری برای تشریك مساعی بین انگلستان و ایران باشد .

پس از انتشار بیانیهٔ مزبور شرکت نفت قدمهای مؤثری برای اصلاح کار برداشت و دولت ایران هم متوجه شد که اقدام برای وصول حق آنهم بوسایل مشروع چه نتایج گرانبهائی را بدست میدهد. کارگران هم درك کردند که اعتصاب مشروع جایز بوده و هروقت که از راه قانونی بدان مبادرت نمایند قدرت عظیم آنها بسیاری مشکلات را حل خواهد نمود و کم و بیش مطلع شده بودند که در کشور ونزوئلا قسمت عمدهٔ توفیق دولت درراه تحصیل درآمد بیشتری از نفت بوسیلهٔ کارگران تأمین گشته و هر دولت خردمند و مآل اندیشی میتواند از قدرت کارگران خود - مشروط براینکه چنین قدرتی از راه مشروع وقانونی بکار برده شود - استفاده های بسیار نماید.

خلاصه آنکه پس از اعتصاب بزرگ که شرح آن در بالا گفته شد برنامهٔ شرکت برای ساختن مسکن وخانه وسایر وسایل رفاه مستخدمین آن شروع گردید و باسرعت پیشرفت کرد.

درسال ۱۹٤٦ (۱۳۲٥ شمسی) ۳٤۰۰۰۰۰ لیره ودر سال ۱۹٤۷ چهارملیون لیره ودر سه سال آخر عملیاتش درایران شرکت ۳۹۰۰۰۰۰۰ لیره بمصرف این کار رساند و برنامه‌ای که طرح شده واجرا میشد مقرر میداشت که پس از ده سال همهٔ مستخدمین شرکت دارای مسکن باشند. پیشرفت این برنامه از ارقام زیر معلوم میگردد چه که درموقع خلع ید وسایل زیرین در مراکز مختلف عملیات شرکت آماده و مهیا گشته بود:

عدهٔ خانه برای کارگران و کارمندان متأهل	۱۷۰۰۰
عدهٔ اطاق برای » » مجرد	٤۰۰۰
عدهٔ بیمارستان که ۱۰۲۷ تخت را داشت	۹
مهمانخانه های شرکت	۳۲
عدهٔ درمانگاه‌ها	۳۹

عدهٔ باشگاه‌ها	٤٩
» سینما	٢٥
» زمینهای ورزش	٨٦
» استخرهای شنا	٢١
» دبستان و دبیرستان	٤٨
» کارخانه‌های یخ سازی	٣١

تقاضاهای کارگران و کارمندان شرکت دربارهٔ توسعهٔ بهداشت وفرهنك هم‌مؤثر بود ودرموقع خلع ید ٣٣٩٢ نفرازمستخدمین ایرانی شرکت کسانی بودند که درایران تحت تعلیم و تربیت برای اشغال مقامات بالاتر بودند وعده‌ای هم ازایرانیان درانگلستان بتحصیل علوم عالیه مشغول بودند . درسال ١٩٣٥ فقط هشت‌درصد ازکل کارگران شرکت سواد خواندن و نوشتن را داشتند . درسال ١٩٤٨ این تناسب ترقی کرده وچهارده‌درصد کارگران باسواد شده بودند ودرموقع خلع ید بیش‌از بیست‌وپنج‌درصد آنها سواد داشتند. طبق‌مقررات قانون کارشرکت کلاسهای اکابردرهمهٔ مراکزعملیات خود ایجاد کرده بود وسعی میشد که کارگران خواندن‌ونوشتن‌را بیاموزند . کارگران هم استقبال‌شایانی‌ازین کلاسها میکردند بطوریکه درموقع خلع‌ید قریب‌پنج هزارنفرکارگردر کلاسهای‌مزبور درس‌میخواندندوطبق برآوردی که‌شده بودعدهٔ کارکنان‌باسوادشرکت‌درسال ١٩٥٥ بایستی چهل‌درصدودرسال ١٩٦٥ به هفتادوپنج‌درصدبرسد .

اجرای قانون کاروتوجه بیشتردولت برفاه کارگران وفشارهائی که ازاطراف به شرکت وارد میآمد موجب‌شد که درسالهای‌آخرعملیات شرکت درایران قدمهای‌مؤثری برای تأمین آسایش کارگران برداشته شود . تبلیغات بین المللی هم که در بارهٔ وضع ناگوار کارگران ایرانی‌شرکت شد تأثیربسزائی‌داشت . درمارس ١٩٤٧ نمایندگانی‌از طرف سازمان‌اتحادیهٔ کارگران‌جهانی‌بایران‌آمد که وضع کارگران نفت‌را بررسی نماید. درآنموقع سازمان مزبور هنوزانشعاب پیدا نکرده بود وبعدها بدوقسمت منقسم شد که قسمتی‌خودرا سازمان اتحادیهٔ کارگران‌آزاد جهانی خطاب کرده وازقسمت دیگر که‌تحت کنترول کومونیستها میباشد جدا گردید . نمایندگانی که بایران آمدند عبارت بودند ازیکنفر انگلیسی موسوم به‌هریس[١] یکنفر روسی موسوم به بوریسف[٢] یکنفر فرانسوی بنام مالفت[٣] ویکنفرسوریه ای بنام‌العریس . نمایندگان مزبوربجنوب‌رفته واز مراکز عملیات شرکت بازدیدکردند ولی چون عضوانگلیسی این میسیون‌باسایرین که همگی کومونیست بودندتوافقی حاصل نکرد میسیون مزبور نتوانست گزارش‌جامعی تهیه وتقدیم سازمان نماید معهذا اعضای میسیون تبلیغات وسیعی‌بنفع کارگران صنعت نفت ایران نمود ووضع ناگوارآنهارا توضیح‌داد.

دردومین کنفرانس کمیتهٔ نفت سازمان بین‌المللی‌کار نمایندهٔ کارگران ایران طی نطقی برویهٔ شرکت حملاتی نمود ورفتارآنرا نسبت‌بکارگران انتقاد نمود . نمایندهٔ دولت ایران دعوتی کرد که ازطرف سازمان بین‌المللی‌کار هیئتی بایران اعزام شود که

---

(١) E. P. Harries (٢) Borisov (٣) Malfette

وضع کارگران نفت را رسیدگی کرده و گزارشی بدهد. این هیئت که مرکب از سه نفر بود[1] در ژانویه ۱۹۵۰ بخوزستان آمد و پس از توقف یکماه بژنو معاودت کرده و گزارشی به سازمان داد که ضمن آن اقدامات اخیر شرکت را برای بهبود وضع کارگران شرح داده توصیه های مفیدی هم برای اصلاحات بعدی نموده بود.

از روی کمال انصاف و بیطرفی و حقیقت بینی باید گفت که بهبود وضع کارگران نفت در سالهای آخر عملیات شرکت در ایران مرهون دو نکتهٔ اصلی بود. اول آزادی بیان که پس از خروج ارتش بیگانگان برای کارگران حاصل شد و توانستند وضع اسفناك و مشقت بار خود را تاحدی شرح دهند و دوم اعتصاب بزرك ۲۳ تیر ۱۳۲۵ که قدرت عظیم آنها را برای گرفتن حق خود واضح و آشکار ساخت و بشرکت فهماند که ادامهٔ رویهٔ سابق محال است و باید سریعاً رفتار خود را تغییر دهد. قانون کار و قانون بیمه های اجتماعی و تعیین حداقل دستمزد و اصلاحات دیگری که در چند سال اخیر کم و بیش در ایران انجام گرفته است همه وهمه مرهون اقدامات دسته جمعی کارگران نفت است و درصورتی که آزادی عمل موجود باشد و کارگران هم متوجه باشند که از حدود قوانین و نظامات نباید خارج گردند کارگران صنعت نفت ایران آنچنان کفایت و استعداد را دارند که در آینده هم پیشوا و هادی سایر کارگران ایران باشند.

همانطور که نهضت کارگران شرکت راوادار باین نمود که در اصلاح وضع آنها قدمهای مؤثری بردارد و نهضت مزبور موجب گشت که دنیای خارج هم از استثمار ایرانیان مطلع گشته و آنرا انتقاد نماید اعتراض کارمندان ایرانی شرکت هم که روز بروز افزون می گشت تأثیر خود را درراه وروش شرکت نمود ووضع آنها هم در سالهای اخیر خیلی بهتر از پیش شد. موقعیکه مذاکرات راجع بقرارداد الحاقی بین نمایندگان دولت و شرکت درجریان بود کارمندان ایرانی شرکت شرح اعتراض آمیزی دربارهٔ مادهٔ شانزده قرارداد ۱۹۳۳ که مربوط به آنها بود چاپ کردند. بانهایت تأسف باید گفت که درابتدا حکومت وقت از انتشار آن جلوگیری کرد ولی بعد که عین آن در مجلس شورای ملی خوانده شد منتشر گشت ومتن آن بقرار زیر است :

جناب آقای نخست‌وزیر

جناب آقای وزیر دارائی

آقایان محترم نمایندگان مجلس شورای ملی

آقایان محترم مدیران جراید (باتمنای درج مشروحه زیر)

قسمتی از گزارش جناب آقای وزیر دارائی درجلسهٔ گاخ وزارت خارجه راجع بجریان مذاکرات نفت درجراید منتشر گردید وازمندرجات آن آگاهی حاصل شد. آنچه که راجع بحق السهم دولت ومالیات وغیره بود ارتباط کامل با منافع عموم اهالی این کشور دارد وعملی را که دولت دراین باب کرده ومی کند بموقع خود مورد قضاوت مردم ایران قرار

---

(۱) اعضای این هیئت عبارت بودند از یکنفر انگلیسی بنام John Price یکنفر ایتالیائی بنام P.P.Fano و یکنفر ایرانی جمال زاده که هرسه از کارمندان سازمان بین المللی کار بودند.

خواهد گرفت وفعلا مورد بحث مانیست. ولی نکته‌ای که بازندگانی کنونی و آیندهٔ ما کارمندان ایرانی شرکت نفت ارتباط مستقیم دارد ودر مقدرات پنج‌هزار نفر ایرانیان تحصیل کرده وروشنفکر اهمیت بسزائی دارد همان مادهٔ‌شانزده امتیاز نامه است که در گذشته اجرانشده واینك هم‌بقرار معلوم شرکت درصدداست که از اجرای واقعی آن در ازای تعویضات دیگری که بظاهر فریبنده است خودداری نماید.

مادهٔ شانزده امتیازنامه باصراحت‌کامل میگوید که تاایرانیان واجد شرایط برای استخدام درشرکت هستند شرکت حق‌استخدام خارجیان راندارد وترتیبی‌هم مقررداشته که بموجب‌آن شرکت موظف است هرسال ومرتباً مستخدمین غیرایرانی را تقلیل داده وبجای‌آنها بطورتصاعدی درکوتاهترین مدت ممکن ازاتباع ایرانی بگمارند. وزارت دارائی تصدیق داردکه شرکت نفت‌باحسن نیت این‌ماده رااجرانکرده واولاعده‌زیادی کارمندان انگلیسی وهندی درخدمت خود داردکه بسهولت ایرانیان می توانند جای آنها را بگیرند وثانیاً بجای تقلیل کارمندان خارجی خود در پانزده سال اخیر عدهٔ آنها را هم دوبرابر کرده است واکنون چهل ودو درصدکلیه‌کارمندان شرکت‌خارجی می‌باشند .

بهرعنوان وتحت هرلفافه وعذری که شرکت اظهاربدارد امروزمجوزی برای‌آن نیست که ماشین نویس - حسابدار - ضباط - متصدی انبار اثاثیه - مأمور تعمیرات جزئی منازل- متصدی‌تقدیم خواربار-کارمند اداره‌کارگزینی وغیره‌را ازانگلستان وهندوستان بیاورد وازاستخدام ایرانیان‌حتی برای‌این‌نوع‌مشاغل که‌بهیچوجه جنبه‌فنی‌ندارد خودداری نماید . امروز قریب‌هزارنفرخارجی درشرکت نفت‌کارهائی را انجام میدهند که بتصدیق عموم مردم بیغرض ایرانیان می‌توانند بسهولت جای آنهارا بگیرند وغفلت دولت های گذشته موجب شده‌است که این‌قسمت ازمادهٔ شانزده امتیازنامه اجرا نگردد.

درقسمت تقلیل سالیانه ومرتب کارمندان خارجی‌هم دردوازده سال پیش شرکت یك قرارداد موقتی باوزارت دارائی منعقد نمودکه روی اصول تناسب وپورسانتاژ این تقلیل‌راعملی نماید.اولا بتصدیق‌هرمتخصص حقوق‌دان قراردادمزبوربا‌روح‌ومفادامتیازنامه مغایرت‌داشت واصل تناسب‌بین‌کارمندان‌ایرانی‌وخارجی نمی‌توانست‌اساس ومبنای تقلیل واقع شود زیرا شرکت همانطورکه درگذشته هم عمل کرده‌است می توانست برعدهٔ کارمندان جزء خودکه ایرانی‌هستند بیفزاید وتناسب‌را بمیزانی که مقررشده بدون‌تقلیل عده خارجیان حفظ‌نماید. ثانیاً مقصود صریح ماده شانزده امتیازنامه این بوده است‌که هرسال یك عده مشخصی‌را شرکت تربیت‌کندکه جای خارجیان را بگیرند تا تمام کارمندان شرکت بتدریج ایرانی شوند ولی غفلت اولیای دولت وعدم توجه باین اصل مهم موجب شده است‌که امروز عده‌کارمندان خارجی شرکت دوبرابرعده پانزده سال پیش باشند.؟؟؟؟

از بیانات‌آقای وزیردارائی چنین‌مستفاد شدکه شرکت باتجدید نظر درموادامتیاز

نامه مخالف است وحاضر بهیچگونه تغییری دراساس آن نیست پس بچه مجوزی شرکت پیشنهاد می کند که نص صریح امتیاز نامه تغییر یافته ودرمادهٔ شانزده اصل تناسب که برخلاف امتیازاست درمورد تقلیل کارمندان خارجی اجرا گردد ؟ بقراری که آقای وزیر دارائی اظهار داشته‌اند شرکت پیشنهاد کرده است که در طی ده سال آینده تناسب کارمندان خارجی شرکت که فعلا چهل و دو درصد است بسی و سه در صد تقلیل یابد .

همانطور که در بالا گفته شد قبول اصل تناسب در مورد تقلیل کارمندان خارجی برخلاف امتیاز نامه میباشد واگر اندك تردیدی درین باب هست چه ضرردارد که دولت از مشاورین حقوقی خود درداخل وخارج ایران درین باره کسب نظر کند تا بزودی متوجه شود که قبول چنین اصلی موجب تضییع حقوق ما و برخلاف حق وعدالت می باشد. پس از آنکه ثابت ومدلل گشت که اصل تناسب غلط میباشد بهتراست دولت کمیسیونی از مطلعین وبی غرضین بخوزستان اعزام دارد که هر مقامی را که خارجی اشغال کرده و ایرانی می تواند فوراً جای اورا بگیرد بایرانیان واگذار کنند ودر آینده هم شرکت موظف باشد که هرسال یکعدهٔ معین ازکارمندان خارجی خودرا بطورتصاعدی جواب گفته و ایرانیان را بجای آنها بگمارد.

ماامیدانیم که شرکت همواره متعذر باین است که ایرانیان از عهده کار های مهم برنمی آیند وضمن این عنوان سعی می کند که برتری نژادی خارجیان را برخ ما کشیده وتوهینی بایرانیان بنماید ولی جواب این ادعای پوچ درخود امتیاز نامه داده شده وآن عبارت از این است که بموجب طرح مخصوصی شرکت باید ایرانیان را تربیت کرده و آنانرا مهیا وآماده برای اشغال مقامات مهم بنماید.علت حقیقی امتناع شرکت ازاستخدام ایرانیان وتکثیر عدهٔ آنها دوچیزاست. یکی اینکه آموختن کار به ایرانیان متضمن خرج است ودیگر اینکه شرکت بلحاظ یك سیاست غلط میل ندارد که کارهای حساس آن در دست ایرانیان باشد.

اگر دولت درمورد ماده شانزده امتیاز نامه غفلت گذشته را تکرار نماید وحق مشروع وقانونی ما پنج هزار نفر ایرانیان رابگذارد پایمال نمایند ومارا ازترفیع وارتقاء رتبه که طبیعةً باتقلیل کارمندان خارجی تامین می گردد محروم سازد مسئولیت بزرگی رابعهده خواهد گرفت که مسلما برای کسانی که متصدی مذاکرات باشرکت هستند معروفیت وشهرت خوبی نخواهد داشت.

برای تذکر اولیای دولت معروض میدارد که کارمندان خارجی شرکتهای نفتی در کشورمصر از بیست درصد تجاوز نمیکند ودر کشور ونزوئلا از بیست وپنج درصد بیشتر نیست و بتدریج هرسال هم تقلیل میابد ولی امروز شرکت نفت پس از نیم قرن استفاده ازمنابع نفتی ایران معترف است که هنوز عدهٔ کافی متخصص ایرانی تربیت نکرده است که جای خارجیانرا طبق تعهداتی که بادولت دارد بگیرند.

این مشروحه جای آن نیست که بتبعیضات بین کارمندان خارجی وایرانی شرکت را ذکر نمائیم ومدلل داریم که همین تبعیضات موجب دلسردی کارمندان ایرانی شرکت وعدم

رغبت دیگران باستخدام درین مؤسسه میباشد وچون وزارت دارائی بخوبی مسبوق است که امروز متجاوز از هزار نفر کارمند ایرانی شرکت خانه ندارند ودرمزبله‌های آبادان ومسجد سلیمان وآغاجاری زندگی میکنند وازحیث حقوق ومرخصی ومزایا و حقوق بازنشستگی وغیره همیشه خارجیان برایرانیان ترجیح دارند تذکر بیشتری را لازم نمیداند ولی واجب است عموم هم میهنان ما بدانند که علاوه برتبعیضات مذکور تضییقاتی هم شرکت برای ما فراهم کرده است که مانع از بیان عقیدهٔ صریح ما میباشد وبهترین دلیل آنستکه ما از ذکر امضای خود در ذیل این مشروحه معذوریم ولی اگر از هریك از کارمندان شرکت نفت در بارهٔ مطالب فوق سئوال شود بدون هیچ تردیدی آنرا ازدل وجان تصدیق وتأیید مینماید .

درخاتمه بجناب آقای وزیردارائی تذکر میدهیم که حق ما راحفظ کنید و تقاضا میکنیم غفلت اسلاف خودرا تکرار نفرمائید.

عموم کارمندان ایرانی شرکت نفت ایران وانگلیس

درخاتمهٔ این بخش لازم است گفته شود که یکی از بزرگترین خبطهای شرکت این بود که با کارمندان وکارگران ایرانی خود خوش رفتاری نمیکرد وتردیدی نیست که اگر درین قسمت مرتکب اشتباه نشده بود اقلا مستخدمین خودرا هواخواه خود نموده و تاحدی ازعواقبی که در انتظار آن میبود میکاست . شرکت خودرا درگوشه‌ای ازایران پنداشته وبتحولاتی که در سایر نقاط کشور صورت میگرفت توجهی نداشت . طرز فکر اولیای شرکت در ابتدای کار باندازه‌ای غیرمنطقی بود که تصور آنهم مشکل است مثلا درسال ۱۹۱۱ وقتیکه لرد استراتکونا رئیس هیئت مدیرهٔ شرکت بود درمجمع عمومی صاحبان سهام چنین گفته بود :

«آنقسمت ازایران که مادرآنجا بعملیات مشغولیم جزوقلمروشیخ محمره وخوانین بختیاری قرار گرفته وتحت نفوذ آنها میباشد . مبارزه‌ای که درشمال ایران بین طرفداران رژیم سابق و هوا خواهان حکومت مشروطه جریان دارد تأثیری در حوزهٔ عملیات ما نکرده است ولذا ماسعادتمند هستیم که میتوانیم وضع سیاسی ایران را با خاطری آسوده نظاره کنیم.»

بیان فوق میرساند که اولیای شرکت، نهضت مشروطهٔ ایران را مؤثردرعملیات خود ندانسته وخوزستان رامشمول آن نهضت نمیدانستند وبعبارت دیگر آن استان را جداومجزا می پنداشتند. این طرزفکر بعدها بواسطهٔ توسعهٔ نفوذقدرت مرکزی تغییریافت ولی هیچگاه کاملا زایل نگردید.

غالب کارمندان خارجی شرکت بخودزحمت این را نمیدادند که ایران وایرانیان را شناخته ودر بارهٔ وضع سیاسی و اجتماعی و اقتصادی کشوری که درآن زیست میکردند اطلاعی بدست آورند . چه بسا کسانی بودند که بیست سال درجنوب مانده وحتی سفری هم بشمال نکرده بودند وشهرهای بزرك مانند تهران واصفهان وشیرازرا ندیده بودند .

آنها ترجیح میدادند که در محوطهٔ محدود نفت زندگی کرده و اندك علاقه‌ای بمردم کشورند اشته باشند . قضاوت آنها راجع بایران و ایرانیان مبنی بر آن بود که در خوزستان میدیدند . ازتحول بزرگی که درعرض سی‌سال اخیر درشرق بوجودآمده بی‌خبر بودند وبالطبع نمیتوانستند درك کنند که مردم خاورزمین در جستجوی زندگی تازه و روح نوینی هستند و این تحول باعث خواهد شد که روزی از زیر بار تحمیلات بیگانگان خودرا آزاد سازند . غفلت درشناختن ایرانیان وبی‌اعتنائی به تاریخ وتمدن و سجایا وسنن مردمی که آنهارا پذیرفته ودرخانهٔ خود ازآنها پذیرائی میکردند موجب سوء تفاهمات بسیاری بود که روابط بین کارکنای خارجی وایرانی شرکت را هیچگاه صمیمانه نمیساخت . بی‌شك افراد خارجی درین باره تقصیری نداشتند وشاید اگر فرصت مناسبی بآنها داده میشد درصددجبران خبطهای گذشته برمیآمدند ولی راه وروش شرکت طوری بود که معاشرتهای آنهارا محدودوافکار آنها را مسموم کرده بود . در سالهای اخیر اندك تشویقی از خارجیان میشد که فارسی را بیاموزند و ایرانیان را هم ترغیب به آموختن زبان انگلیسی میکردند ولی همهٔ قدمهای اصلاحی شرکت نوشداروی پس‌ازمرك سهراب بود .

بخش ششم - صرفه جوئی بسیار درهزینه

ازآغازعملیات شرکت درایران کوشش فراوان میشد که حتی یکشاهی هم اضافه برآنچه لازم وضروری بود خرج نشود ودقت بسیار بکاربرده میشد که هزینهٔ شرکت از حداقل تجاوز ننماید . بکرات مشاهده شد که این مؤسسهٔ عظیم که توفیقش مرهون نفت ایران بود ازصرف چند هزاریالی که ممکن بود نفع آنی برای آن نداشته باشد دریغ داشت وسعی میکرد ازهزینه‌های ضروری هم مضایقه نماید . متأسفانه متصدیان اموردولت هم توجهی باستیفای حقوق خود ومردم نداشتند وچون بازخواستی درکارنبودشرکت راه رابرای مقاصدخودهموارديده وهرچه میخواست میکرد. چندمثالی این امررا واضح میدارد. مادهٔ هفدهم قرارداد ۱۹۳۳ میگوید :

« کمپانی تشکیلات ومخارج تأسیسات وتفتیش وادارهٔ وسائل صحی وصحت عمومی رامطابق جدیدترین طریقهٔ حفظ الصحه معموله درایران درتمام اراضی وابنیه ومساکن اعضا وعملجات خودکه درحوزهٔ امتیازیه کارمیکنند بعهده میگیرد. »

تفسیر و تعبیر صحیح وساده و عادلانهٔ مادهٔ فوق این است که شرکت متعهد بود سازمان کاملی برای بهداشت عموم کارکنان بهزینهٔ خود درتمام اراضی وابنیه ومساکن اعضا وعملجات خودایجاد نماید . همه میدانستند که شرکت برای همهٔ کارکنان خودخانه ومسکن تهیه نکرده بود وقسمت عمدهٔ مستخدمین بایستی ازروی ناچاری درشهرآبادان ویا دردهات اطراف معادن نفت مسکنی برای خود اجاره نمایند . طبق مادهٔ فوق هرجا که کارکنان شرکت سکنی داشتند مشمول بهداشت مذکور فوق میگردید و در حقیقت شرکت موظف بود که درشهرآبادان ونقاط مجاور معادن سازمان بهداشت داشته باشد

گذشته ازاین‌شهر آبادان بواسطهٔ صنعت نفت بوجود آمده بودواگر غفلتی درامور بهداشتی آن میشد وبیماری واگیری درآنجا بروزمیکرد سرایت آن به خانه‌ها ومراکز شرکت حتمی بود وقاعدتاً شرکت بایستی عهده‌دارایجاد وسایلی بشود که بهداشت ساکنین تمام شهر آبادان‌را تأمین کرده وازبروز بیماریهای گوناگون جلوگیری کند ولی‌شرکت‌مدعی بود که در ترجمهٔ مادهٔ فوق اشتباهی رخ داده وعبارتی حذف شده است وترجمهٔ صحیح قسمت آخر ماده باید چنین باشد : «درتمام اراضی و ابنیه و مساکن اعضاء و عملجات خود که درحوزهٔ امتیازیهٔ کارمیکنند وشرکت آنها را برای استفادهٔ مستخدمین خودفراهم میسازد بعهدهٔ میگیرد.»

برخلاف امتیاز دارسی که مقررمیداشت متن فرانسهٔ امتیاز معتبر باشد درقرارداد ۱۹۳۳ چنین مقرراتی موجود نبود وبعلاوه مادهٔ ۲۷ قرارداد صراحت داشت که قرارداد ازتاریخ تصویب آن درمجلس شورای‌ملی وتوشیح ملوکانه قابل اجرا خواهد بود . متن فارسی‌قرارداد (ونه متن فرانسه یا انگلیسی آن) تنها متنی بود که بتصویب مجلس رسید و از لحاظ دولت ایران و مجلس شورای ملی فقط متن فارسی آن معتبر بوده است. درتمام مدت‌قرارداد ۱۹۳۳ اولیای‌دولت توجه‌کافی باین امرنکردند ۱ واگر کرده بودند میتوانستند طبق قرارداد مزبورشرکت را وادار سازند که وسایل بهداشت‌را در تمام شهر آبادان ومناطق نفت‌خیز که مسکن مستخدمین شرکت بود تأمین نماید. تفاوت هزینهٔ این‌کاربرای شرکت اهمیت زیادی نداشت زیرا برفرض که شرکت وسایل‌بهداشت و معالجهٔ تمام نفوس شهر آبادان و مناطق نفت خیز را هم به عهده می گرفت نتیجه‌اش جلب رضایت عموم مردم بود که بالطبع موجب حسن شهرت‌آن میشد و فواید بسیاری عایدش میگردید. گذشته ازینکه چنین کار خیر را نمیکرد صرفه جوئیهای بی - موردی‌هم‌درقسمتهای بهداشت‌وبهداری میکرد که باعث‌تبعیض‌وآزردگی‌خاطرمستخدمین بود . مثلا درسالهای آخر که عده‌ای‌از کارگران مبتلا به‌بیماری سل توسل بقانون‌کار جسته وتقاضای‌درمان وپرداخت دستمزدخودرا تاختم معالجه داشتند شرکت بعذر اینکه بیماری مزبور ناشی ازکار نبوده است از مساعدتهای لازم دریغ میکرد در صورتیکه بهمه کس واضح بود که علت عمدهٔ بیماری آنها یکی تغذیهٔ بد ودیگری مسکن‌نامناسب آنها بوده است که مسئولیت هردو متوجه شرکت میگشت. پس‌از مدتها مباحثه‌باوزارت کار و توصیه های اکید بعضی ازکارمندان ایرانی ، شرکت حاضر شد که برای مدت معینی هزینهٔ درمان آنهارا تقبل نموده و دستمزد آنها را بپردازد درحالیکه‌اگر مدت را محدود نکرده بود و تا ختم‌معالجه دستمزد آنهارا میپرداخت تفاوت مبلغ‌این‌اندازه نبود که گروهی بیمار و ناتوان را از خود رنجانده و در انظار عامه خود را بیعاطفه جلوه گر سازد .

سازمان بهداری شرکت طوری تنظیم شده بود که باکمترین مبلغ‌ممکن اداره گردد وآن‌اندازه وسیع‌وکامل‌نبود که‌حتی‌احتیاجات کلیهٔ‌مستخدمین وخانواده‌های‌آنهارا تأمین‌نماید. درمان کلیهٔ مستخدمین وخانواده‌های آنهادردرمانگاههای‌شرکت‌رایگان بود

(۱) اولین مرتبه‌ای‌که وزارت دارائی‌این قضیه‌را عنوان کرد درسال۱۳۳۶ شمسی‌بود

ولی پذیرش در بیمارستان محدود بکارگران و کارمندان و خانواده‌های کارمندان بود بطوریکه خانواده های کارگران در بیمارستانهای شرکت پذیرفته نمیشدند. وتازه آنهائی هم که پذیرفته میشدند چنانچه محتاج بعمل جراحی بودند که تعویق آن خطر جانی نداشت باید چندین ماه صبر کنند تا نوبت عمل آنها برسد. درقسمت بهداشت هم عملیات شرکت محدود بنقاطی بود که در آنجاخانه ومسکن ساخته بود وشرکت حاضر نبود که از آن قسمت تجاوز کرده ومعاونتی بدیگران بنماید. اینگونه صرفه‌جوئیها برای شرکت باعظمتی که ملیونها استفاده مینمود اثر فوق‌العاده بدی درافکارعامه باقی میگذاشت وموجب یأس و بدبینی عموم میگشت. مردم میدیدند ومیشنیدند که توانگران ومؤسسات بزرگ صنعتی جهان بیمارستانها و درمانگاهها ساخته ووقف عامهٔ مردم میکنند که برایگان آنها را معالجه نمایند و در جراید میخواندند که در ونزوئلا ودیگر کشورهای نفت‌خیز شرکتهای نفت چگونه وسایل کامل بهداری عموم مستخدمین واهالی نواحی عملیات خودرا تأمین میکنند ولی شرکت نفت حتی از معالجهٔ خانواده های کارگران خود در بیمارستان مضایقه داشت. این صرفه جوئیهای بیمورد وناروا مسلم بود که واکنشهای سختی را پدید خواهد آورد واینگونه خبطها بود که احساسات مردم را برمیانگیخت. گزارش سازمان بین‌المللی کار دربارهٔ وضع کارگران نفت که درسال ۱۹۵۰ منتشر گشت چنین میگوید :

« در کشورهای مترقی اروپا عدهٔ تختخوابهائی که در بیمارستانها برای هرهزار نفر نفوس آماده دارند بین ده الی پانزده میباشد. درآبادان شرکت برای هرهزار نفر کارمند خود ۲٤ تخت وبرای هرهزار نفر کارگر ۱٤ تخت ودرناحیهٔ معادن برای هرهزار کارمند ۱۵ تخت وبرای هر هزار نفر کارگر هفت تخت‌خواب در بیمارستان خود دارد. بنظر میرسد که اقلاً درآبادان عدهٔ تختهائی که بکارمندان اختصاص داده شده متناسب با آنچه در کشور های مترقی اروپا معمول است باشد ولی در همان آبادان نظر به کثرت بیماری ووضع بد مسکن که توقف بیماران را درخانه هایشان نامطلوب میسازد واغلب بیماران ناچار ندروی زمین در اطاقهائی که چندنفر دیگر هم سکنی دارند استراحت کنند احتیاج به تختخوابهای زیادتری در بیمارستان مشهود است و علاوه برمستخدمین شرکت احتیاجات خانواده های کارگران را نیز نباید از نظر دور داشت (که عدهٔ آنها سه برابر عدهٔ مستخدمین است) که فقط دردرمانگاه ها معالجه میشوند و به بیمارستان راه ندارند و احتیاج چهل‌هزار نفر اهالی شهر را هم باید درنظر داشت که نه جزو مستخدمین شرکت ونه جزو خانواده های آنها محسوب میگردند. باستثنای موارد بسیار ضروری وفوق‌العاده درهای بیمارستانهای آبادان وناحیهٔ معادن همیشه بروی آنها بسته است.»

هنگامیکه کافی نبودن وسایل بهداشت و فرهنگ وغیره بارلیای شرکت گوشزد میشد جواب میدادند که یك مؤسسهٔ صنعتی الزامی برای تهیهٔ چنین وسایلی ندارد واین وظیفهٔ دولت است که آنرا تهیه نماید. درین مورد هم نمایندگان سازمان بین‌المللی کار درگزارش خود بانهایت متانت چنین گفته‌اند :

« مسائلی که درنواحی نفت‌خیز پیش آمده ناشی از عملیات شرکت است که آنها را بوجود آورده است . دولت تاکنون هزینه های بسیاری در نواحی مزبور بمصرف

رسانده ودیگر نمیتوان انتظار داشت که مبالغ زیادتری و کوشش بیشتری صرف کارگاه عظیمی بنماید که شرکت موجد آن بوده است. ۷

تا سال ۱۳۲۶ شمسی که نویسنده بآبادان انتقال یافت آب سرد نوشیدنی که در هوای گرم خوزستان یکی ازضروریات است وهنگام کار در آن هوای سوزان تااندازه‌ای عطش را فرو مینشاند برای کارگران موجود نبود. اولین اقدامی که نمودم این بود که آب یخ درتمام کارگاه‌ها فراهم گردد و برای تهیهٔ همین آب یخ با مشکلات بسیاری مواجه شدم که بیشتر ناشی از تنگ نظری متصدیان امر بود ولی پس از آنکه توفیق حاصل گشت رؤسای ادارات فنی شرکت اذعان نمودند که در نتیجهٔ فراهم بودن آب یخ در تابستان برای عموم کارگران میزان کار آنها بالا رفته وخرجی را که شرکت برای این امر لازم کرده چندین برابر بیشتر از کارگران استفاده کرده است.

یخچال برقی ودستگاه سردکردن هوا درنقاطی که درجهٔ حرارت در تابستان به چهل و پنجاه میرسد برای کسانی که توانائی خرید آنرا داشته باشند جزو ضروریات بشمار میآید. شرکت اینگونه وسائل را درمقابل اجارهٔ ماهیانه‌ای که دریافت میداشت برای کارمندان عالیرتبه خود فراهم ساخته بود ولی کارمندانی که دارای رتبه عالی نبودند و درعین حال حاضر بپرداخت اجارهٔ ماهیانه بودند ازین نعمت محروم شده بودند. میزان اجاره‌ای که شرکت دریافت میداشت کافی برای هزینهٔ نگاهداری واستهلاک بهای وسائل مزبور بود ولی شرکت از تهیهٔ آن برای عموم کارمندان خودداری مینمود واین تبعیض ناروا عدهٔ زیادی را ناراضی میساخت.

مثالهای فوق تا حدی صرفه جوئیهای بیمورد و بی‌تناسبی را که شرکت میکرد آشکار میسازد. بطور قطع اگر تمام این صرفه جوئیها را با هم جمع میکردند مبلغ گزافی نمیشد و شرکت میتوانست باصرف‌نظر کردن از آن محبت و دلگرمی مستخدمین خودرا بدست آورد که ارزش تجاری واقتصادی آن چندین برابر بود. بنا برین میتوان گفت که یکی دیگر ازخبطهای شرکت آزردن ورنجاندن مستخدمین خود بود.

بخش هفتم ـ اطمینان شرکت به پشتیبانی طبقهٔ حاکمه

خبط دیگر شرکت این بود که تصور میکرد طبقه‌ای که بکشور ایران حکومت میکند و مقدرات آنرا بدست دارد باندازه‌ای پای‌بند و محتاج بدرآمد نفت است که هیچگاه درصدد مطالبهٔ حق بیشتری برنخواهد آمد ولطمه‌ای بکار شرکت وارد نخواهد آورد. ازروی اصول تااندازه‌ای محق باین عقیده بود وتجربیات گذشته هم بآن ثابت کرده بود که طبقهٔ مزبور طالب آن است که درآمد نفت را بخود اختصاص داده و با وسایلی که دردست دارد ازآن استفادهٔ همیشگی بنماید ونیز شرکت میدانست که پشتیبان عمده طبقهٔ حاکمه سیاست بخصوصی میباشد که منافع آن تضادی با شرکت ندارد و چنانچه پشتیبان مزبور از مساعدت وحمایت خود دست بردارد حکمفرمائی طبقهٔ حاکمه ازبین خواهد رفت. بنابرین پیش خود میگفت که مردم ایران را نباید بحساب آورد و

باید متکی بطبقه‌ای بود که موجودیت آن وابسته بسیاست مخصوصی است وچون سیاست مزبور هم هیچگاه راضی نخواهد شد که بشرکت و منافع آن لطمه‌ای وارد آید پس موردی برای نگرانی باقی نمیماند.

شرکت نفت کاملاً آگاه بود که طبقهٔ حاکمه ایران تمام توجهش معطوف باستثمار تودهٔ مردم است وچون خودش هم همان کاررا میکرد یك اشتراك منافع ومساعی بین آنها بوجود آمده بود. شرکت سهم ناچیزی بایران میداد ونفت آنرا میبرد ومیفروخت و درآمد گزافی ازآن بدست میآورد. طبقهٔ حاکمه هم آن سهم ناچیز را بانواع واقسام میربود ومیخورد واجازه نمیداد که یکشاهی ازآن صرف کارهای تولیدی بشود که بحال مردم سودمند باشد. چون هردو دریك راه قدم میگذاشتند وسالکان یك طریقت بودند دلیلی نبود که از هم جدائی حاصل کنند ومساعدت خودرا از یکدیگر دریغ دارند.

نه‌تنها شرکت بلکه همهٔ بیگانگانی که با ایران سروکار داشتند بچشم خود میدیدند که از شهریور ۱۳۲۰ تا ده سال بعد که قضیهٔ ملی شدن نفت بمیان آمد تمام درآمدی که‌از نفت عاید دولت ایران شد بمصارفی رسید که تودهٔ مردم ازآن اندك بهره نبردند. چه بسا کسانی که ارز های حاصل ازنفت را بخود اختصاص داده و بمصرف ورود کالا های مورد احتیاج مردم رساندند وبعد کالاهای مزبوررا احتکار کرده و بقیمتهای گزاف بمردم فروختند و دوباره ارز خریده در بانکهای خارج بامانت سپردند. چه بسیار مردمی که از دولت کنترات گرفته وکاری انجام ندادند واجناسی بیهای گزاف به دولت فروخته استفاده های نامشروع بردند و یا کالا های انحصاری دولت را بقیمت ارزان خریده ودر بازار سیاه بچند برابر فروختند و یا ارز بقیمت رسمی برای ورود کارخانه واسباب یدکی کارخانه گرفته وبعد همانرا دربازار سیاه به بهای زیادتر فروختند وکارخانه را هم وارد نکردند ویا هزاران کارهای نامشروع دیگر کردند که ذکر همهٔ آنها درین‌جا سخن را بدرازا خواهد کشید. شرکت همه این بیدادگریهای طبقهٔ حاکمه را میدید وتفریط های آنها را مشاهده میکرد وپیش خود میگفت وقتیکه طبقهٔ حاکمه چنین کند و بازخواستی درکار نباشد ومردم سکوت کرده تحمل کنند چرا نسبت بآینده نگران باشم ولی غافل از یك نکته بود که ممکن است برای سیاستی که طبقهٔ حاکمه را پشتیبانی میکرد رقیبی هم پیدا شود و ازین نمد کلاهی بخواهد.

شرکت درحسابهای خود سه اشتباه مهم کرد که بدینقرار بود: اول آنکه حاضر نشد سهم ناچیزدولت را بطرز پسندیده‌ای زیاد کند تا طبقهٔ حاکمه‌را ازخود نرنجاند. هنگامیکه بیلان سالهای اخیر شرکت منتشر گشت ومعلوم شد که درآمددولت ایران از مالیاتی که دولت انگلستان ازشرکت میگرفت کمتر بود طبقهٔ حاکمه ایران را باعتراض واداشت ووقتیکه خبردارشد که امریکائیان حاضرشده‌اند درآمد نفت‌را بادولت عربستان سعودی تنصیف کنند وشرکت حاضرنشده است با دولت ایران چنین معامله ای را بکند اعتراض شدیدترشد. دوم اینکه شرکت تصورنمیکرد زمزمه‌هائی ازطرف رقبای آن‌در ایران آغاز گردد ودر گوشه و کنار کسانی پیدا شوند که بگویند عذرشرکت نفت‌ایران و انگلیس‌را بخواهید تاما نفت شمارا بدست گرفته وسهم بیشتری بشما بدهیم. شرکت با

تمام بندوبست هائی که باکارتل نفت داشت باور نمیکرد که چنین رقبائی در ایران پیدا کند و برای اقدامات شرکتهای نفت خارج از کارتل ارزشی قائل نبود . سوم اینکه مردم ایران و تقاضا های آنها را بحساب نمی‌آورد و نمیدانست که دیر یا زود روزی خواهد آمد که طبقهٔ حاکمه هم مصلحت خود را درین بیند که با مردم همصدا شده و برعلیه شرکت اقدام نماید .

شرکت تمام همّ خودرا صرف امور بازرگانی و تحصیل عواید سرشار کرده بود و تشخیص وقایع سیاسی ایران را وظیفهٔ سفارت انگلیس میدانست . فریزر رئیس هیئت مدیرهٔ شرکت تصمیم قاطع داشت که سیاست را بسفارت واگذار نموده و تشخیص و راهنمائی دولت خودرا در امور سیاسی قبول نماید . سفارت هم میدید که دولتهای وقت درامر تصویب قرارداد الحاقی کوتاهی ندارند و مطمئن بود که بالاخره بتصویب مجلس خواهد رسید . در آن ایام بی‌خبرانی بودند که بین راه وروش سفارت انگلیس و شرکت نفت تفاوتی قائل شده و بخیال خود تناقضی مشاهده میکردند . آنها باخلاق و دیسیپلین انگلیسها آشنا نبودند و نمیدانستند که چنین امری محال است . یك شرکتی که اکثریت سهام آن دردست دولت انگلیس است و دو نفر نمایندهٔ دولت انگلستان درهیئت مدیره ناظر اعمال ورویهٔ شرکت میباشند و شرکت هرقدمی را که در ایران برمیدارد بدون مشاورهٔ و صلاحدید اولیای دولت خود انجام نمیدهد چطور ممکن بود که باسفارت خود اختلافی داشته باشد؟ اینگونه تصورات واهی ازطرف کسانی ابراز میشد که بکلی ازهمه چیز بی‌خبر بودند وقوهٔ توهم وتخیل خودرا بمعرض نمایش میگذاشتند. شاید بعضی از سیاستمداران ایران بفکر این افتاده بودند که چنین توهمی را ایجاد و وجود چنین اختلاف غیر موجودی را وسیلهٔ استفادهٔ سیاسی خود قرار دهند ولی آنها هم کوته نظر بوده و بزودی باشتباه خود پی بردند .

یکسانی و یکنواختی منافع شرکت وطبقهٔ حاکمه گاهی هم وضعی را ایجاد میکرد که کاملاً بضرر شرکت تمام میشد. مثال زیر یکی از نمونه‌های برجستهٔ آن است:

دولت استاندار یا مأمور عالیرتبه‌ای بخوزستان اعزام میداشت که برخلاف مأمورین سلف انتظامات را حفظ نموده ورفاه وآسایش عموم را تأمین نماید . غالب چنین مأمورینی که اطمینان به‌دوام مأموریت خود نداشتند سعی میکردند که برای حفظ مقام خود پشت وپناهی بدست آورند ومقدم برهرکار جدیت مینمودند که درکارهای مربوط بشرکت رضایت خاطر اولیای شرکت را به‌بهترین نحوی فراهم سازند. طولی نمیکشید که شرکت بنمایندهٔ خود در تهران اطلاع میداد که مأمور مزبور یکی از بهترین مأمورینی است که تاکنون بخوزستان اعزام شده است. نمایندهٔ شرکت هم بسفارت انگلیس مراتب را اطلاع داده واز آنوقت به بعد سعی بلیغ میشد که مأمور مزبور تغییر نکند ودرخوزستان باقی بماند .

طولی نمیکشید که مأمور مزبور دست بچپاول وغارت مردم میزد ودمار ازروزگار آنها برمیداشت . باقاچاقچیها میساخت وترتیب کار را طوری میداد که آنها با کمال سهولت قاچاق وارد کرده وسهم عمده ازاستفادهٔ خودرا بمأمور عالیرتبه مزبور بپردازند. باسران عشایر بست وبند میکرد وازاختلافات آنها استفاده میکرد . بوسیلهٔ تغییر بی‌جهت مأمورین واعمال نفوذ درکارها وپاپوش دوختن برای این و آن وواگذاری اراضی دولت واجحاف

بمردم وسوء استفاده ازوجوه شهرداریها وهزارگونه کارهای غیرمشروع دیگراین مأمور عالیرتبهٔ دولت درانداك مدتی ملیونرشده وموجب این میشد که مردم فریاد وفغان برآورند که ما چنین مأموری را نمیخواهیم وبدولت متوسل شوند که اورا تغییردهد واین نعمت رااز آنها بازستاند. ولی وقتیکه دولت میخواست اورا تغییردهدوشرکت اورا بکندمواجه باهواخواهی وطرفداری شرکت وسفارت انگلیس میشد که درتعریف وتمجید ازچنین مأموری فروگذار نمیکردند وتغییراورا موجب بی نظمی واختلال می پنداشتند. این جا بود که مردم منافع خودرا باشرکت متناقض شناخته وبعکس توأم بودن منافع شرکت وطبقهٔ حاکمه (که مأمورمزبور هم یکی ازآنها بود) را یکسان میدیدند.

شرکت باکوته نظری و فقدان مآل اندیشی در عوض اینکه منافع خود و مردم خوزستان را یکسان بشناسد واعمال نفوذ کند که مأمورین پاکدامن ودرستکار بآن استان اعزام شوند تاخودومردم از اقدامات وعملیات صحیح اوبهره مند شوند بهواخواهی و طرفداری ناپاکان برمیخاست وبدون آنکه قصدسوئی داشته باشد بسهولت ازطرف مأمورین مزبوراغفال میشد وموجب بدبختی مردم را فراهم میساخت. آنچه شرکت میخواست و طالب بود مسلماً ازطرف مأمورین پاکدامن دولت بهترفراهم میگشت ولی ازآنجائیکه بقایای انگلیسهای هندوستان دیده هنوزدرشرکت بودند راه راست راگذاشته ومنحرف میشدندو بی جهت عوم مردم را باخود طرف میکردند.

بخش هشتم- بی اعتنائی شرکت باحساسات عمومی

ازشهریور ۱۳۲۰ به بعدکه مردم مختصرآزادی برای ابرازاحساسات واعتراضات خود داشتند شروع بانتقاد ازعملیات شرکت نموده و درددلهای خودرا درجراید منتشر میکردند. قسمت عمده این اعتراضات وارد بودوجاداشت که شرکت بآنها توجه نموده و درصدد اصلاح آنها برآید یك قسمت هم مطالب اغراق آمیز وبی اساسی بود که مردم غیر مسئول یا کسانی که نظرهای بخصوصی داشتند تبلیغ میکردند. بهرحال برای یك مؤسسهٔ بزرگی که سالها درکشوری بوده وتمتع حاصل نموده و توقع این را داشت که بازهم کارخود را ادامه دهد ازواجبات بشمارمیآمد که حتی المقدور درصدد رفع سوء تفاهم برآید وروابط خود را بامردم اصلاح کند و اگرمطالب غیرواقعی بآن نسبت میدهند با دلیل وبرهان تکذیب نماید و اگر انتقادات بجا ازآن میکنند درصدد اصلاح برآید. لکن شرکت اعتنائی باین احساسات واعتراضات نداشت و مردم ایران را بحساب نمی آورد وتصور می کرد که سازش باطبقهٔ حاکمه وبهره مندی ازپشتیبانی آن کافی خواهد بود.

تاارتش انگلیس درایران بود اعتراضات از حدود انتقاد لفظی تجاوز نمی کرد وهمهٔ ایرانیان ساعی بودندکاری نشودکه بعملیات جنگی متفقین لطمه ای واردآید ولی همینکه جنگ بپایان رسید اولین قدمی که برای اصلاح کار از طرف کارکنان شرکت برداشته شد همان اعتصاب ۱۳۲۵ بود که شرکت را بیدار کرد و بآن فهماند که تحمل

ناملایمات برای مردم متحمل وصبورهم حدودی دارد وبالاخره یکروزی خواهدآمد که مردم درصدد استیفای حق خود برآیند .

ازآن تاریخ ببعد شرکت ادارهٔ اطلاعات و تبلیغاتی درتهران وآبادان ایجاد کرد وسعی نمود که سوء تفاهمات را تا حدی که مقدور باشد رفع نماید . ایجاد این دستگاه نتیجهٔ دوعامل مهم بود : اول اینکه بسیاری ازکارمندان ایرانی شرکت سخت معترض بودند که تبلیغات دامنه‌داری که برعلیه شرکت جریان‌دارد متوجه آنهانیزمیشود وهیچ دلیلی نیست که کارکنان ایرانی شرکت مسئولیت اعمال وراه و روش شرکت را قبول نمایند وازآتش آن بسوزند . دوم این بود که طبق خصلت دیرینهٔ انگلیسها که بکندی متوجه لزوم اقدام میشوند بالاخره اولیای شرکت درك کردند و اعتصاب بآنها فهماندکه بایدباحساسات عمومی توجه‌داشته ودرصدد اصلاح‌کار برآیند.

متأسفانه موقعی که شرکت ادارهٔ اطلاعات خود را برپا کرد ازیك اصل مسلم تبلیغات احتراز کرد ونتیجهٔ خوبی ازادارهٔ مزبور نگرفت . بشرکت تذکر داده شد که انتشارات واطلاعات هرمؤسسه‌ای باید باروحیات مردم تطبیق نماید و متصدیان چنین دستگاهی باید ایرانی باشند که بروحیهٔ هموطنان خودآشنا باشند ومطالب را با ذوق وسلیقهٔ آنها وفق دهند . شرکت این تذکررا قبول نکرد وتصدی کار را بانگلیسهائی واگذارکرد که شاید از روحیهٔ اهالی کشور خود بخوبی آگاهی داشتند ولی ازافکار واخلاق وطرزفکرایرانیان بی‌اطلاع بودند .

علاوه برین‌تبلیغات درصورتی مؤثراست که تبلیغ کننده بتواند اعتمادی‌درشنونده ایجاد نماید وچنین‌کاری هم با دست خالی نمیشود. یعنی اگر شرکت میخواست رفع سوء تفاهم نماید بایستی اشتباهات گذشته را اعتراف کند و اصلاحات لازمه را برای آینده وعده دهدونمونه هائی هم از اصلاحات اجراشده را نشان‌دهد تاجلب‌اطمینان‌مردم را بنماید.شرکت‌اساس‌تبلیغات‌خودراروی پایه‌ای قرارداده‌بودکه تمامش مربوط‌بعظمت صنعت‌نفت‌ایران بود. مردم ازعظمت صنعت مزبورکم‌وبیش اطلاع داشتندولی‌میخواستند بدانندکه این عظمت چه فایده‌ای برای آنها دارد و چه‌وقت درآمد آنها از نفت زیاد میشود ودر چه مدتی خانه برای عموم‌کارکنان شرکت بنا میشود وچگونه رضایت‌خاطر آنها فراهم میگردد. متأسفانه درین قسمت ادارهٔ اطلاعات شرکت توفیقی حاصل نکرد وادارهٔ مزبور هم موقعی تشکیل شدکه مردم با احساسات مخالف‌شرکت تقریباًاشباع شده بودند .

یکی از موارد مهمی که بی‌اعتنائی شرکت را باحساسات عمومی ظاهر میساخت تبعیضات متعددی بودکه درموردکارکنان خود قائل شده بود . تبعیضات مزبور موجب برانگیختن احساسات‌کارکنان ایرانی شرکت بودکه بهروسیله‌ای که در دسترس آنها قرار میگرفت مقاومت منفی نشان داده واز تبلیغ برعلیه شرکت خودداری نمیکردند .

چند مثال کوچك این نکته را واضح میسازد :

شرکت اتوبوسهائی درآبادان بکار انداخته بودکه‌کارمندان را بطور رایگان‌از نقطه‌ای بنقطهٔ دیگر میبرد. این اتوبوسها تا یکی دوسال پس‌از جنگ فقط اختصاص

به‌کارمندان انگلیسی ومعدودی از ایرانیان عالیرتبهٔ شرکت داشت وروی آنها با خط درشت نوشته شده بود که تنها کارمندان عالیرتبه حق استفاده ازآنرا دارند. این عمل باندازه‌ای زشت وبحدی برای ایرانیان تحقیرآمیز بود که حد نداشت. پس‌از جنگ بشرکت تذکر داده شد که از چنین تبعیضی خودداری نماید و برای آنکه عذری در کار نباشد پیشنهاد شد که هرکارمندی حق داشته باشد بدون هیچگونه تبعیض نژادی از اتوبوسهای مزبور درمقابل کرایهٔ مختصری استفاده نماید. پس‌ازآنکه پیشنهاد مزبور اجرا گشت مشاهده شد که همهٔ کارمندان بانهایت دوستی و مهربانی سوار اتوبوس شده واحترام زیادی برای یکدیگر قائل میشدند. همین‌تبعیض‌درمورد رستورانها وباشگاه‌ها وسینما ها و حوضهای شنا و سایر تأسیسات اجتماعی معمول بود که نویسنده (بدون آنکه بخواهد خودستائی نماید) پس‌از انتقال بآبادان همه‌اش را موقوف نمود و تأثیر بسزائی در روابط بین‌کارمندان مختلف شرکت داشت.

موقعیکه خلع ید از شرکت شد عدهٔ کارکنان خارجی شرکت درحدود ٤٥٢٠ نفر بود که قریب ١٢٠٠ نفر آنها هندوستانی وپاکستانی بودند. ازین ١٢٠٠ نفر نهصد نفرشان کارگر وقریب ٣٠٠ نفرکارمند بودند که شرکت میتوانست با نهایت سهولت ایرانیانرا بجای آنها بگمارد. بقیهٔ ٣٣٠٠ نفر انگلیسی بودند که قریب هفتصد الی هشتصد نفرشان کار های بامسئولیت داشتند ولی بقیه در واقع کارگران انگلیسی بودند که تحت عناوین مختلف بکار هائی که خبرویت و تخصص زیاد لازم نداشت مشغول بودند. اینها کسانی بودند که تحصیلات عالیه نداشته ومعلومات خودرا یادرمدارس‌حرفه‌ای ویا درکارخانه‌ها آموخته بودند ولی وقتیکه بایران میآمدند جزو کارمندان عالیرتبه بحساب‌آمده وبایرانیانی که کار های مشابه انجام میدادند رجحان مییافتند. البته برای شرکت ارزان‌تر و باصرفه‌تر بود اگر این‌عده کارمندان خارجی غیرمتخصص خود را جواب میگفت وجای آنهارا بایرانیان میداد واگر هم تصور میکرد عدهٔ کافی ایرانی برای جانشین شدن‌آنها یافت نمیشود میتوانست درمدت کوتاهی ایرانیان‌را تربیت کرده وبجای آنها بگمارد ولی با سرسختی غریبی ازین‌کار خودداری میکرد. علتش این‌بود که شرکت میخواست کارهای عمده بدست انگلیسها باشد واختیار ازدست آنها خارج نشود واین سبب میشد که ایرانیان رنجیده وآزرده گردند وبرای خود آتیه‌ای‌درخدمت شرکت ندیده وناراضی باشند.

شرط اول ادارهٔ کردن هر مؤسسه‌ای این است که وجه اشتراکی بین کارکنان‌آن موسسه برقرار باشد وهمهٔ اعضای آن خودرا سهیم وشریك درتوفیق آن بدانند.شرکت نفت برخلاف این اصل‌کلی بااستخدام‌کارکنان خود از نژاد های مختلف وشناختن حق اولویت برای انگلیسها چنان نفاق و شقاقی بین‌کارکنان خود ایجاد کرده بود که‌درتمام شئون‌کارش مؤثر بود وغالب باعث عدم پیشرفت‌کار آن میشد.

آنچه درین‌فصل گفته شد شمه‌ای ازخبطهای شرکت بود که موجب‌رنجش‌ایرانیان گشت ونکات فوق را خود انگلیسها پس‌از آنکه‌کار بخلع ید از شرکت منتهی شد اعتراف نموده ودر جراید ومجلات خود متذکر شدند.

فصل دوازدهم

بخش نخستین = سیاست انگلستان در گذشته

بخش دوم = سیاست انگلستان درایام جنگ

بخش سوم = سیاست انگلستان پس از جنگ

فصل دوازدهم

بخش نخستین ـ سیاست انگلستان درگذشته

قرون هیجدهم و نوزدهم میلادی دوره‌ای بود که طی آن کشورهای اروپائی بتجاوز وتصرف کشورهای دیگر پرداخته ودیگران‌را اسیرمطامع خود میساختند. انقلاب صنعتی غرب بکشورهای بزرگ اروپا فرصتی داده بود که بااسلحهٔ جدید و وسایلی که دردست داشتند ، ودیگران فاقدآن بودند ، بکشورهای آسیا وافریقا وامریکا دست‌درازی کرده وتمام افریقا وقسمت عمدهٔ امریکای جنوبی وبرخی از کشورهای آسیا را مستعمرهٔ خود نمایند . در قرن نوزدهم که کشور های غربی اروپا بمنتهای قدرت وثروت رسیدند کار بجائی رسید که امر بخود آنها مشتبه گردید وبیشتر مردمان کشورهای مزبور اعتقاد راسخی پیدا کرده بودند که فقط ساکنین غرب اروپا توانائی درك واجرای اختراعات جدید را داشته ومدعی بودند که مردم شرق بواسطهٔ محافظه‌کاری وسهل‌انگاری قادر به پیشرفت وترقی درزمینهٔ علوم‌جدید نمیباشند وبنابراین اروپائیها باید سلطهٔ دائمی خودرا درشرق برقرار نمایند. بتدریج اینگونه افکارخام بسایر نقاط اروپاهم سرایت کرده ورقابت شدیدی بین همهٔ کشورهای بزرك آن قاره برای دست‌اندازی وتجاوز بکشورهای دیگر رواج یافت و چشم طمع بعضی از کشورهای اروپا بکشورهای، متمدن چین و ایران وعثمانی نیزمتوجه گشت . اروپائیان تصور کردند که تمدن‌مادی آنها باندازه‌ای توسعه یافته ونیرومندشده است که تمدنهای باستانی چین‌وایران وهندوستان را میتوان نادیده گرفت وهمیشه برآن تسلط یافت . ریاکاری وخودپسندی آنها بجائی رسید که یکی از نویسندگان معروف انگلیس بنام رودیارد کیپلینك[1] سلطهٔ غربیان را بدیگران «بارگران سفید پوستان»[2] نامید و تجاوزات استعماری آنانرا یکنوع وظیفهٔ اخلاقی برای آنها دانست که بایدبروندودیگران رااداره نمایند وآنهارا متمدن‌سازنددرحالیکه این بارگران غیرازاستثماروتجاوزوغارت چیزدیگری نبود .

ایران‌هم درقرن نوزدهم گرفتارآفت استعماربود . از طرف شمال روسیهٔ تزاری وازجنوب انگلستان کشورایران‌را مورد تجاوزوتهدید قرارداده بودند . روسها قفقاز و ماوراء النهروبخارا وخیوه و مرورا منتزع کرده و انگلستان موجب شد که افغانستان وقسمتی ازبلوچستان ازایران جداگردد . روسها میخواستند که بآبهای گرم خلیج فارس دست یافته وبنادری که درتمام سال آماده برای وصول وخروج کالا باشد داشته باشند و انگلستان چنین عملی‌را تهدید بهندوستان دانسته وسعی میکرد که ازآن جلوگیری کند .

---

(۱) Rudyard Kipling (۲) The White Man's Heavy Burthen

در تمام قرن نوزدهم کشمکش بین روسیه و انگلیس راجع بایران دوام داشت وفقط هنگامیکه نیروی ثالثی بمیان‌میآمدرقابت وموازنهٔ قوا تعادل خودرا ازدست میدادوتحول جدیدی درصحنهٔ سیاست خاورمیانه پدید میآمد . در اوایل قرن نوزدهم فرانسه بعنوان نیروی سوم وارد صحنه گردید وسعی کرد که نفوذ خودرا درایران مستقرساخته وضربتی بمنافع انگلیس درهندوستان وارد سازد . دراوایل قرن بیستم هم نیروی دیگری وارد صحنه گردید که همان هدف‌را داشت وآن‌آلمان بود . درهردو مورد همینکه انگلستان باچنین خطری مواجه گشت بارقیب دیرین‌خود یعنی‌روسیه سازش کرده واین‌سازش بضرر ایران تمام شد .

درتمام قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم که زمامداران ایران خود را درمقابل دوقدرت متجاوزمیدیدند سیاست بخصوصی‌را پیش گرفته وسعی‌میکردند سیاست موازنهٔ منفی را تعقیب کنند که بهیچیك ازطرفین چیزی ندهند واستقلال وتمامیت ایران‌را حفظ نمایند . کوشش‌آنها متوجه این بود که ازرقابت دوحریف استفاده کرده و بهرنحوی که ممکن باشد از تجاوزات بعدی آنها جلوگیری نمایند. این سیاست موازنه سنتی بود که ازروی ناچاری ودرماندگی وبی‌پناهی ایجادگشته بود و بتدریج سیاستمداران ایرانی را درین‌کار ورزیده کرده وتااندازه‌ای هم دفع شرّ را میکرد .

ازاوایل قرن حاضرفشار روسها برای تسلط بایران شدت یافت ودربار وحکومت ایران تابع سیاست روس تزاری گشت . انگلستان برای خنثی کردن نفوذ رقیب خود به نهضت مشروطه خواهان ایران کمك کرد وتاحدی موقّ ارآن فشارکاست ولی طولی نکشید که توسعهٔ روزافزون نفوذ آلمان درخاورمیانه واحتمال وقوع جنگ ، انگلیسها را وادار بعقدپیمان ۱۹۰۷وسازش باروسیه‌نمودوایران‌وجه‌المصالحه قرارگرفت . پیمان ۱۹۰۷وتقسیم ایران بمناطق نفوذ آشکارساخت که احتیاج‌انگلستان بائتلاف واتحاد با روسیه‌درآنوقت باندازه‌ای‌شدیدبود که‌انگلستان‌حاضرشدرقابت خود را با روسیهٔ تزاری درخاورمیانه تاحدی تعدیل نماید .

درطی جنگ اول جهانی پیمانهای محرمانه‌ای بین روس و انگلیس منعقدگشت (مارس ۱۹۱۵) که بعد ها دولت شوروی متن‌آنها را منتشرساخت . بموجب پیمان های مزبورموافقت شده بود که استانبول وبغازها وداردانل منضم بروسیه گردد و درعوض منطقهٔ بیطرفی که طبق پیمان ۱۹۰۷ در ایران ایجاد شده بود ضمیمهٔ انگلستان گردد . انقلاب روسیه نقشه های گذشته این دورقیب را در بارهٔ ایران برباد داد و صحنه های جدیدی پدیدار گشت .

پس ازجنگ اول جهانی انگلستان تصور کرد که انقلاب روسیه برای مدت‌زیادی جلوتجاوزات‌آنکشور را سد خواهدکرد لذا بفکراین افتاد که نفوذ خود را درسرتاسر ایران مستقرسازد و قراردادی در ۱۹۱۹ بایران تحمیل کرد که همان قرارداد معروف به پیمان وثوق‌الدوله باشد لکن طولی نکشید که دولت‌انقلابی روسیهٔ شوروی جمهوری های قفقاز را تصرف کرد و دوباره همسایهٔ ایران شد و درهمان موقع نهضت جدیدی برضد سیاست استعمارطلبانهٔ انگلیسها درایران‌پدیدآمد که موجب گشت ایرانیان برعلیه

پیمان مزبورقیام نمایند . این قیام و نهضت موجب لغو پیمان مزبور گشت و انگلستان سیاست جدیدی را پیش گرفت که عبارت بود ازهواخواهی از حکومت مقتدری درایران که منافع آنرا تأمین کرده وقادر بجلوگیری ازتوسعهٔ نفوذ کمونیزم درخاورمیانه باشد.

درسال ۱۹۲۷ یك نویسندهٔ امریکائی موسوم به وینسنت شی یان[۱] سفری بایران کرد وپس ازمراجعت کتابی چاپ ومنتشرنمود بنام «ایران جدید» . درصفحهٔ ۱۷۰ این کتاب مؤلف مصاحبه‌ای را که باوزیر مختار انگلیس داشته شرح میدهد که ترجمهٔ آن درزیر نقل میگردد. درآنوقت وزیرمختارانگلیس درایران دیپلمات زبردست وماهری بود بنام سرپرسی لورن[۲] که درموقع تغییررژیم وخلع قاجاریه این سمت راعهده‌دار بود ومصاحبهٔ زیر جامعترین اظهار نظری است که انگلیسها راجع بایران کرده و ضمن آن سیاست خود را توجیه کرده‌اند . مصاحبهٔ مزبور بقرار زیر است :

« هر فرماندهی که بخواهد عملیات جنگی را اجرا نماید دو منظور را تعقیب میکند یکی استراتژی و دیگری تاکتیك . استراتژی هدف عمدهٔ عملیات میباشد و برای آنکه خوب وکامل باشد باید آنرا دائم ویکنواخت تعقیب نمود . تاکتیك وسایل آنی وفوری برای اجرای استراتژی میباشد وممکن است هرروز و یا هر هفته آنرا تغییر داد که متناسب با موقعیت و احتیاجات قرارگیرد ولی استراتژی عامل پایداری است که تغییرات تاکتیك درآن مؤثر نمیشود . درسیاست خارجی استراتژی که انتخاب وقبول شد سیاست کلی را تشکیل میدهد وتاکتیك هائی که برای اجرا وانجام استراتژی بکار میبرند دیپلوماسی نامیده میشود . دیپلوماسی بریتانیای کبیر درموردایران بکرات درطی قرن اخیر تغییر یافته ولی سیاست کلی انگلستان در بارهٔ این کشور هیچگاه تغییر نکرده‌است. سیاست کلی مزبور این است که چون یکی از گرانبها ترین ومهم‌ترین قسمتهای امپراتوری بریتانیا هندوستان میباشد که در همسایگی روسیه قرارگرفته است و ایران هم بین روسیه و هندوستان واقع شده پس باید استقلال ایران را حفظ کرد. عیناً همین وضع در امریکا صورت میگرفت اگر از لحاظ جغرافیائی مکزیك بین ممالك متحدهٔ امریکا وژاپن قرارگرفته بود - ایران ملت ضعیفی است که بین دوملت بسیار نیرومند ، که در عین حال میانهٔ خوبی باهم ندارند ، واقع شده‌است . سیاست انگلستان درایران تاسال ۱۹۰۷ عبارت از جلوگیری ومبارزه باپیشرفتهای روسیه بوسیلهٔ جنگ دیپلوماسی بود وسفارتهای روس وانگلیس درتهران برای تحصیل نفوذ مبارزه میکردند. نتایج این کشمکش در جوار هندوستان تأثیر بسزائی در سرتاسر جهان داشت و واضح بود که فقدان دوستی و وداد بین انگلستان وروسیه خطری برای صلح عمومی ایجاد میکرد . لردگری[۳] و لردکارنك[۴] دو سیاستمدار انگلیسی که مسئول عقد پیمان ۱۹۰۷ بودند خواستند که برای تأمین صلح جهانی مصالحهٔ دیپلوماسی با روسیه بنمایند . سیاست انگلستان از اول این بوده است که کشور ایران را تقویت کرده وآنرا بعنوان یك حائلی بین هندوستان وروسیه حفظ نماید. واضح است که این هدف را دیگر نمیشد با ادامهٔ

---

(۱) Vincent Sheean (۲) Sir Percy Loraine (۳) Lord Grey (۴) Lord Carnock

نقاضت بین انگلیس وروس بدست‌آورد ولذا تصمیم گرفته شد که همکاری و معاضدت بین انگلیس و روس را آزمایش کرد . این تصمیم موجب گشت که نزاع بین روس و انگلیس درایران برای ده‌سال خاتمه یابد ولی بهیچوجه نمیتوان گفت که این آزمایش در زمینهٔ همکاری توفیقی یافت. باقسام مختلف روسها از پیمان مزبور سوء استفاده کردند وبرای انگلستان هم مقدور نبود که با متحدین خود ستیزگی نماید . در۱۹۱۷ ایران ضعیف‌تر و زبون‌تر از هروقت شده بود . چون همکاری باروسیه بنتیجهٔ مطلوب نرسید تاکتیك بعدی ومنطقی این بود که راه عملیات مستقیم را درپیش گیریم بدینمعنی که انگلستان بایران مساعدت کند تاکشور مستقل ونیرومندی گردد . این راه‌حلی بود که لرد کرزن انتخاب کرد و نتیجهٔ آن قرارداد ۱۹۱۹ بود . بموجب قرارداد مزبور انگلستان بایستی میسیونهائی از متخصصین بایران اعزام دارد تا امور مالی ونظامی و اداری را سروصورتی بدهند وبعلاوه وجوهی هم بعنوان مساعده برای اصلاحات لازمه بپردازد. نظرانگلستان این بود که مساعدت‌نموده ویك ایران نیرومندی بوجود آورد و البته موجب تعجب بسیار شد هنگامیکه مجلس ومردم ایران این ترتیب را ردکردند . دولت ایران باسوء ظن بمقاصد انگلستان نظرکرده وسعی وافی برای‌تصویب قرارداد مزبورمبذول نداشت. بنابرین‌تا کنون‌انگلستان سه‌طریق‌مختلف‌را برای‌مساعدت‌به‌ایران بکاربرده‌است:اول‌مبارزهٔ باروسیه،دوم‌همکاری باروسیه،وسوم‌مساعدت‌مستقیم‌بایران. تاکنون همهٔ این‌راه‌ها باشکست مواجه‌شده است‌وایران‌هنوزضعیف‌وزبون‌وبی‌قوه می باشد. آخرین مرحلهٔ دیپلوماسی بریتانیادرایران تنهاراهی‌است که برای‌ما باقی‌مانده‌است‌وآن عبارت می باشد ازیك سیاست خیرخواهانه وبدون فعالیت . نظربااینکه ایران از قبول مساعدت مستقیم ما خودداری کرده است ما ناچارپیشنهادهای خود را مسترد داشته‌ایم ودرانتظار این هستیم که ایران بوسیلهٔ مساعی خویش درصدد اصلاح وضع کار خود برآید . ظهور رضاشاه‌پهلوی وکارهای او واقدامات مستشاران امریکائی‌موجب تقویت بسیاردولت ایران شده ودولت انگلستان اقدامات مزبوررا بارضامندی‌کامل تلقی میکند.»

پس‌ازنقل مصاحبهٔ فوق وینسنت شی‌یان نویسندهٔ کتاب مزبور درصفحهٔ ۱۷٤ کتاب خود چنین مینویسد : -

« تاتعیین سرپرسی لرن بسمت وزیر مختار انگلستان درتهران فعالیت سفارت انگلیس طی تغییرتاکتیك های متوالی‌آن فوق‌العاده بوده است . ایران درسابق مملو ازعمال انگلیس بوده ورشوه وسیلهٔ مسلم‌آنها برای ترغیب وتشویق بوده‌است. مخارج سفارت انگلیس درتهران بسیارگزاف‌بوده وعمال انگلیسی‌علناً درانتخابات ودرمجلس و در همهٔ فعالیت های سیاسی دخیل بوده اند و نام اینگونه فعالیتها را هم « مبارزه بااسلحهٔ مشابه دشمن» میگذاشتند . لکن صرفه جوئیهائی‌که اخیراً در وزارت خارجهٔ انگلستان شده ازچنین فعالیتها میکاهد واگرتغییررویه‌ای‌هم درکارنبود لزوم صرفه‌جوئی فعالیتهای مزبوررا متوقف میساخت . درحال حاضرعمال پنهانی‌انگلیس که بطورمنظم فعالیت‌کنند ومزد بگیرند دیگردرایران‌نیست . سفارت انگلیس درتهران بسیار بزرگ است(حتی ازبعضی سفارت کبراهای انگلیس دراروپا هم بزرگتر است) وشاید بتوان

بنحوی به بازرگانان انگلیسی که درغالب نقاط ایران هستند اطلاق عامل را نمود. لکن ترتیب قدیم جاسوسی ورشوه دادن خاتمه یافته است واگر رشوه‌ای هم درکار باشد تحت عنوان متمدن‌تری داده میشود. معهذا این عدم دخالت بظاهر، درامور ایران باسرعت زیادی موجب تحصیل آبرو وحیثیت برای انگلیسها شده است.»

چنانکه همه میدانید پس‌ازاستقرارسلطنت پهلوی‌دخالت خارجیان درامورداخلی ایران قطع گردید وافزایش قدرت ونفوذ دولت مانع ازاین بود که بیگانگان بتوانند مانند سابق درجزئیات دخالت نمایند. بالطبع انگلستان هم‌ازفعالیتهای سابق‌خوددست برداشت‌وراضی بود که‌حکومت مقتدری‌درایران‌باشدتاازتوسعهٔ‌نفوذ کمونیزم‌درخاورمیانه جلوگیری‌نماید ولطمه‌ای‌هم بمنافع آن‌واردنسازد. حال‌بدین‌منوال‌بود تاآنکه جنگ‌دوم جهانی آغاز گردید.

بخش دوم ـ سیاست انگلیس درایام جنگ

علت اصلی‌هجوم‌ارتشهای انگلیس وروس بایران درشهریور ۱۳۲۰ همان بود که چرچیل‌درجلدسوم کتاب خودراجع بخاطرات‌جنگ دوم جهانی‌ذکر کرده است وماجملاتی ازآن‌را درصفحهٔ ۳۱۵ نقل کردیم. بیطرفی کشور کوچکی‌مانند ایران‌برای مقاصدجنگی دول بزرگ نقض گردید وکشور هائی که مدعی بودند برای برقراری صلح و آزادی و ریشه کن کردن زوروقلدوری هیتلروموسولینی سلاح برداشته‌اند باما همان‌کاری‌را کردند که‌آلمان بانروژوبلژیك وهلند و دانمارك کرد. نکتهٔ مهم این است که این تهاجم به پیشنهاد انگلیسها صورت گرفت وهمانطور که چرچیل‌نوشته است دعوت بحملهٔ ایران‌از طرف اوعنوان‌شد. روسها ساعی بودند که تهاجم‌مزبورمشترکاً صورت گیردوتا اطمینان حاصل نکردند که انگلستان هم درین‌کارشرکت خواهد کرد حاضر باقدام نبودند. چرچیل درکتاب‌خود این‌مطلب را بشرح‌زیرتأیید کرده‌است(جلدسوم‌ـصفحهٔ٤٢٦) :

«درتاریخ۱۳ اوت مسترایدن‌سفیرروس‌مسترمایسکی[۱] را دروزارت‌خارجه‌پذیرفت و راجع به متن یاد داشتهائی که بایستی بایران ارسال شود توافق حاصل کردند. این قدم دیپلوماسی قراربود که آخرین کلام ما باشد. مسترمایسکی‌بوزیرخارجهٔ ما گفته‌بود: پس‌ازتسلیم یادداشت‌بایران دولت‌روسیهٔ شوروی‌حاضرخواهدبودعملیات‌نظامی‌را شروع نماید ولی‌چنین‌اقدامی‌را بدون‌شرکت ماانجام نخواهدداد.»

حال ملاحظه‌کنید سیاستمداران انگلیس حملهٔ بایران را بچه نحوتوجیه کردند. درتاریخ ششم اوت ۱۹٤۱ (۱٤ مرداد ۱۳۲۰) مسترایدن در مجلس مبعوثان انگلیس چنین گفته بود :

«امروز درایران عدهٔ زیادی‌آلمانی میباشند. تجربهٔ گذشته درکشورهای متعدد نشانداده است که‌آلمانها چه سیاح وچه متخصص وچه تحت عنوان دیگردرهر کشوری که

---

(۱) Mr. Maisky

درایام بحرانی باشند فوق‌العاده برای آن کشور خطرناك هستند . بدین‌لحاظ ما توجه دولت ایران‌را معطوف باین نکته کرده‌ایم که این‌عدهٔ زیادآلمانی درآن کشور برای‌خود ایران خطرناك است. امیدوارم که دولت ایران این اخطاری را که ما باکمال دوستی و صمیمیت بآن کرده ایم مورد توجه قرار داده و اقدامات لازمه را برای مقابله با این وضع بنماید.»

درماه های تیرومرداد ۱۳۲۰ دولتین روس وانگلیس تذکاریه هائی بدولت‌ایران تسلیم‌داشتند که اخراج‌قسمت عمده‌ازآلمانیهای مقیم‌ایران را درخواست میکرد. درپاسخ این اظهارات دولت ایران اطمینانهای‌کافی درمراقبت نسبت برفتارکلیهٔ اتباع بیگانه و عدم امکان بروزمخاطراتی‌ازعدهٔ محدودی‌آلمانی که درایران مشغول‌کارهای معینی‌بودند داده شد وبرای مزید اطمینان دولتین مزبور اقدامات مقتضی برای‌کاستن عدهٔ زیادی از آلمانها هم بعمل‌آمدولی‌دولتین مزبورقانع نشده ودر سوم شهریور بایران‌هجوم‌آوردند ودریادداشتهائی که به نخست وزیروقت دادند مطالب گذشته را دربارهٔ اخراج آلمانها تکرارنمودند .

دلیل‌تهاجم بایران چیانکه عنوان شده بود حضور عده‌ای آلمانی درایران ولزوم اخراج آنها بودولی‌درتاریخ‌هشتم شهریوردولتین روس وانگلیس یادداشتی بدولت‌ایران داده وتقاضاکردند که «دولت ایران‌باید تعهد نماید که مانعی‌درراه حمل‌ونقل‌لوازمی که شامل‌ادوات جنگی‌نیزخواهد شد وازوسط خاك ایران بین نیروهای انگلیس و شوروی بعمل‌خواهدآمد قرارنداده بلکه تعهد نمایند وسایل‌تسهیل‌حمل‌ونقل‌این‌قبیل‌لوازم‌را که‌یا بوسیلهٔ راه‌آهن‌ویاازطریق هواحمل‌میشوند فراهم‌سازد.»

نقل دوقسمت دیگراز کتاب چرچیل‌مطلب راواضح‌ترمیسازد . درصفحهٔ ٤٢٧ جلد سوم کتاب خود چنین‌مینویسد :

«نظر به سرپیچی‌دولت‌ایران(ازقبول‌تقاضاهای‌ما) به ژنرال کوئی‌نن[1] که‌فرماندهٔ مادرعراق بوددرتاریخ ۲۲ ژوییه [2] دستورداده شد که خودرا حاضر برای‌اشغال‌پالایشگاه آبادان ومعادن نفت و همچنین معدن نفت واقع در ٤۰۰ کیلومتری شمال معادن مزبور نزدیك خانقین بنماید . پاسخ ایران بیاد داشت مشترك انگلیس و روس بتاریخ هفدهم اوت رضایت بخش نبود و بنابراین تاریخ ورود ارتشهای انگلیس وروس بایران‌برای روز۲۵ اوت تعین شد.»

ودرصفحهٔ ٤۲۸ همان‌کتاب مینویسد :

«مقاومت ایران چنان بسرعت درهم ریخت که تماس ما باکرملین تقریباً دوباره جنبهٔ سیاسی‌را پیدا کرد . قصداصلی‌ما ازپیشنهاد حملهٔ مشترك انگلیس و روس بایران برای این‌بود که راه ارتباط بین خلیج فارس ودریای خزررا باز کنیم . بعلاوه ماامیدوار بودیم که‌بوسیلهٔ‌همکاری‌مستقیم‌بین ارتشهای‌انگلیس وروس‌روابط نزدیکترودوستانه‌تری بامتفق جدید خود برقرارسازیم . البته ماهردو توافق کرده بودیم که یاآلمانها راازسیر

---

(۱) General Quinan

(۲) تقریبا ۳۵روز قبل‌از سوم شهریور ۱۳۲۰ این‌توطئه راآغازکرده بودند.

کرده و یا ازایران اخراج کنیم و نفوذ و تحریکات آنهارا درتهران وجاهای دیگرازمیان برداریم . مسائل عمیق و نغز راجع به نفت و کومونیزم و آینده ایران پس ازجنك در مرحلهٔ بعدی قرار گرفته بودو بنظرمن دلیلی نداشت که مسائل مزبورمانع دوستی وحسن نیت طرفین باشد.»

سرریدر بولارد [۱] که هنگام جنگ سفیرانگلیس درایران بود کتابی بنام« بریتانیاو خاورمیانه »[۲] نوشته ودرصفحهٔ ۱۳٤ آن کتاب ازاشغال ایران بشرح زیردفاع میکند:

«بسیاری ازایرانیان و بعضی نویسندگان خارجی مدعی شده‌اند که بهرصورت متفقین میتوانستند بدون اشغال ایران هم بهدف خود (که حمل مهمات بروسیه بود) نائل گردند. تنها راه دیگرغیرازاشغال این بود که ما ایران را تهدید باشغال کنیم تا بمقصود برسیم لکن تهدید مزبوررجحان اخلاقی باشغال نداشت بلکه تأثیر کمتری هم در برداشت. ارسال مقادیرزیادکالا ومهمات از طریق ایران بروسیه فقط با کنترول وسایل ارتباطیهٔ ایران و حفاظت وسایل مزبورتوسط ارتش متفقین و برقراری یك سرویس ضدجاسوسی نیرومندی که قادر بتوقف ساختن فعالیتهای عمال آلمان باشدمقدور بود.»

پس ازهجوم بایران افکارعمومی جهان سخت برآشفته گشت وجهان آزاد این کاررا شدیداً تقبیح وسرزنش کرد. شش روز پس ازاشغال، مستر ایدن وزیرخارجهٔ آنوقت انگلستان ناچارشد درشهر کاونتری [۳] نطق مفصلی ایرادنماید تا افکارعامه را تسکین دهد. قسمتی از نطق مزبور بشرح زیراست :

«دولت انگلستان حقایق امررا (حضورآلمانهادرایران) چنانکه بنظرش رسیده بود بدولت ایران تذکر داد وتقاضاکرد که دربارهٔ آن اقدام نماید. بهانه و عذر و گذشتهای ناچیز تنها جوابی بود که ایران بما داد. برای ما فقط یکراه باقی مانده بود و آن عبارت ازین بود که افمی آلمان را قبل ازآنکه زهر خودرا بپاشد بکشیم واز میان ببریم . این کار فعلا درجریان است . اطمینان دارم که دولت وملت ایران درقلب خود مسئله‌ای که محرك مادرین اقدام بوده‌است درك کرده‌اند . درنتیجه چنانکه مشهود گشته است ایرانیان فقط اسماً مقاومتی ابراز داشتند و آنهم اکنون قطع شده است . آخرین گزارشی که امروزصبح قبل ازآنکه ازوزارت خارجه خارج شوم رسیدمشعر برین بود که مردم ایران درهمهٔ نقاط رفتاردوستانه‌ای با ارتش مامیکنند . ماودولت شوروی توافق کامل با هم داریم وبزودی دولت ایران از شرایطی که تحمیل خواهیم کرد آگاه خواهدشد. شرایط مزبوراغراق آمیز نبوده والبته جنبهٔ موقت راخواهدداشت. درعین حال لازم است باردیگرنظرخودرا بیان نمائیم ماهیچگونه ادعای ارضی نسبت بایران نداریم وحتی چشم طمع بیك وجب خاك ایران هم نیانداخته‌ایم نظرما ومتفق ما که شورویها باشنداین نیست که هیچ قسمت ازنواحی که ارتش ما اشغال کرده‌اندضمیمهٔ خاك خودسازیم. دولتین انگلستان و شوروی بکرات بدولت ایران اطمینان داده‌اند که عزم راسخ آنها احترام باستقلال سیاسی وتمامیت ارضی ایران‌است . ماهمین اطمینان‌را به متفق خود ترکیه و

---

(۱) Sir Reader Bullard
(۲) Britain And The Middle East
(۳) Coventery

همچنین بکشور های دیگری که همسایهٔ ایران هستند داده ایم و بعهد خود نیز وفادار خواهیم بود. همینکه وضع نظامی اجازه دهد ما ارتش خودرا از ایران خارج خواهیم کرد . امید من این است کـه وقایع درهم و برهم هفته های اخیر منتهی بیك دوستی صمیمانه‌ای بین ایران ومتفقین ما بشود چون آرزوی ماهم همین است . ما میدانیم که ایران سهم بزرگی درفرهنگ وتمدن جهان داشته است ونیز درك میکنیم که‌یك‌ایران مستقل ونیرومند عامل مهمی برای استواری وضع خاورمیانه خواهد بود. هدف مـا در ایران این‌است که اشغال‌آن کشور بجای‌آنکه‌اشغالی ازطرف دشمن باشدتبدیل‌بهمکاری بین دوستان گردد. درین‌جا سیاست ما کاملاً نقطهٔ مقابل سیاست آلمان است . امروز درایران کمیابی آذوقه حکمفرماست زیرا در سالهای اخیر ایران مواد غذائی بسیاری بآلمان صادر کرده است . آلمانها ملخهائی هستند کـه هرجا بروند همه چیز را بلع میکنند. اکنون که ارتش مـابایران رفته‌است درعقب‌آن آذوقه خواهد رفت واین‌آذوقه منحصر بارتش ما نخواهد بود بلکه برای مصرف مردم‌ایران نیز خواهد بود. ما آنچه مقدور باشد خواهیم کرد کـه‌کار بر ایرانیان سهل گردد و امیدوارم درآینده همکاری نزدیکی بین ما برقرار گردد . »

اشغال کشور کوچك بیطرف‌ایران نه‌تنها احساسات‌آزاد مردان جهان‌را برانگیخت وانتقادات آنهارا ، چنانکه ازجراید وقت مشهوداست،تشدید کرد بلکه چیزی نگذشت که نگرانیهائی‌هم برای‌اولیای‌دور بین ومآل‌اندیش‌انگلستان‌فراهم‌ساخت.دوهفته ازهجوم بایران نگذشته بود که لندن نگران شد و در یافت که اشغال ایران ، بنحوی که انجام شده ، ممکن است روسهارا بطمع اندازد تاپس‌از جنگ ایران‌رارها نسازند ودردسر بسیار فراهم کنند .این‌بود که چرچیل و دیگر سیاستمداران خطر رازود درك کرده و شروع باقداماتی نمودند که اولاً رنگ اشغال ایران‌را، که تأثیر بسیار بدی در جهان آزاد کرده بود ، تبدیل به‌پیمان اتحاد کنند تاموجب تسکین افکار عامه گردد وثانیاًعهد وپیمانی درمیان بیاورند که روسها را متعهد بخروج ازایران سازند. اقداماتی که درین زمینه صورت گرفت از نوشته‌های زیر آشکار می گردد .

بیست‌روز پس‌از هجوم بایران چرچیل نخست وزیر انگلیس تلگراف زیر را به استالین‌میفرستد. تاریخ‌تلگراف‌شانزدهم‌سپتامبر ۱۹٤۱ (۲۵شهریور۱۳۲۰) وازصفحهٔ ٤۳۰ جلد سوم خاطرات چرچیل نقل شده است :

« من فوق‌العاده‌شایقم که اتحاد باایرانرا انجام‌داده ویك‌ترتیب مؤثروصمیمانه‌ای برای همکاری باقوای شما درایران بدهم. درایران علائمی از بی‌نظمی شدید بین‌ایلات و درهم ریختن قوای دولت هویداگشته است. اگر بی‌نظمی توسعه یابد نتیجه‌اش این خواهدشد که لشگرهای چندی ازما باید اوقات خودرا باسرکوبی این‌مردم‌تلف‌نمایندو آنهم متضمن این خواهد بود که بار زیادی بوسایل ارتباطیه یعنی جاده ها و راه آهن تحمیل شود تالوازم ومهمات لشگرهای مزبوررا تأمین نماید درصورتیکه نظر ما این است خطوط ارتباط را باز نگاهداشته وآنها را مرمت کرده و توسعه دهیم تا بتوانیم

ملزومات و مهمات را بشما برسانیم . هدف ما باید این باشد که ایرانیان را وادار سازیم یکدیگر را آرام نگاهدارند تا ما بتوانیم عملیات جنگی خود را تعقیب نمائیم. نظریات قاطع آنجناب درین باره موجب تسریع امور ما، که بنحو مطلوبی درین جبههٔ کوچك جریان دارد ، خواهد بود . »

در تاریخ ۱۲ اکتوبر ۱۹٤۱ (۱۹مهر ۱۳۲۰) چرچیل تلگراف دیگری به استالین می کند که ازصفحهٔ ٤۳۱ جلد سوم کتاب او درزیر نقل شده است :

«تنها علاقهٔ ما درایران عبارت است از : اول ایجاد مانعی برعلیه پیشرفت آلمانها روبشرق ودوم ایجاد یك راه مستقیم بدریای خزر برای حمل ملزومات ومهمات. چنانچه شما بخواهید پنج باشش لشگر خودرا ازایران خارج کرده وآنها را درجبههٔ جنگ بکار اندازید ما حاضریم تمام مسئولیت حفظ انتظامات وتعمیر وتوسعهٔ راههای ایران رابعهده گیریم. من ازطرف انگلستان عهد می کنم که چه درایام جنگ وچه بعداز جنگ درصدد تحصیل هیچگونه مزایائی برای خودمان برنیائیم که بزیان منافع مشروع روسیه باشد . بهرحال برای آنکه بی نظمی های داخلی ایران که موجب انقطاع راه خواهدبود توسعه نیابد امضای پیمان سه گانه فوریت دارد. ژنرال ویول[1] در تاریخ هیجدهم اکتوبر در تفلیس خواهد بود تا با ژنرالهای شما هرمطلبی راکه دستور انجام آن داده شود مذاکره نماید. الفاظ کافی برای بیان احساسات ما نسبت بمساعی عظیم و شجاعانهٔ شما نیست . امیدوارم که بزودی بتوانیم باعمل آنرا گواهی دهیم. »

در تاریخ ۲٦ اکتوبر ۱۹٤۱ (سوم آبان ۱۳۲۰) مستر ایدن وزیر خارجهٔ آنوقت انگلستان درشهر منچستر نطقی ایراد کرد که قسمتی از آن که مربوط بایران بود چنین است:

« بطور کلی هدف ما این است که باکمك آمریکا وبوسیلهٔ رساندن لوازم ومهمات بروسیه آنچه که درنتیجهٔ اشغال مراکز صنعتی روسیهٔ شوروی ازدست رفته است جبران نمائیم . این کار نه تنها ازلحاظ تهیهٔ لوازم مزبور بلکه ازلحاظ حمل آن باکشتی امر بس عظیمی است که باید انجام گیرد. مشکلات بسیار و کوششی که لازم است فوق العاده میباشد معهذا مادشواریها را رفع کرده و ازمیان خواهیم برد . قضیهٔ ایران ازلحاظ ارتباطی که بااین کار دارد اهمیت بسیاری پیدا کرده است. اکنون آلمانهائی که درایران بودند دستگیر شده اند. زنان و کودکانشان بآلمان فرستاده شده ومردانیکه مشمول خدمت نظام بوده در توقیف باقی هستند . دولت جدید ایران باما و با شورویها که متفق ما میباشند صمیمانه همکاری کرده و اجرای یك برنامهٔ مترقی برای اصلاحات داخلی را شروع کرده است. سود برنامهٔ مزبور عاید همهٔ طبقات خواهد شد و بفساد وستمگریهائی که درسالهای اخیر شایع بوده خاتمه خواهد داد . شاهنشاه کنونی نسبت باصول دموکراسی تمایل داشته و دولت خودرا تشویق باصلاحات مینماید. ما بدولت ایران پیشنهاد کرده ایم که یك پیمان اتحادی باما و بادولت روسیهٔ شوروی امضا نماید ودولت مزبور اصول پیشنهاد های مارا پذیرفته است . امیدوارم که بزودی بتوانم انعقاد این پیمان را اعلام نمایم چونکه پیمان

---

(۱) General Wavell

مزبورموجب تبات وضع درین‌ناحیه بوده و برای ما وشورویها حائز نهایت‌اهمیت‌است.»

چنانکه میدانیم پیمان مزبورامضا شدودولت مرحوم فروغی که‌آنوقت زمامدار بود مآل‌اندیشی بسیاربخرج داده و باوجود مخالفتهائی که ازطرف پاره‌ای ابراز میشدآنرا بتصویب مجلس رساند. پیمان مزبورچنانکه بعدمعلوم گشت‌سندمحکمی برای‌اخراج ارتش‌های بیگانه شدوآنانیکه غرضی ندارندومنافع کشوررا درنظرمیگیرندبایدنسبت بخدمات مرحوم‌فروغی‌قدردان وحق‌شناس باشند.

معهذا وضع درهم وبرهم‌آنوقت وتسلط ارتشهای خارجی واعمال‌نفوذ بیگانگان مانع ازین شدکه تمام مواد پیمان اجراگردد. آنچه‌که بسود شورویها وانگلیسها در پیمان ذکرشده‌بودبنحوکاملتری اجراگشت وموادی که‌مربوط به منافع ایران بود ومقرر میداشت‌که دولتین روس وانگلیس « بهترین مساعی‌خودرا بکاربرندکه حیات اقتصادی ملت‌ایران‌رادرمقابل‌تضییقات‌واشکالاتی که‌درنتیجهٔ‌جنگ‌حاضرپیش‌بیایدمحفوظ‌بدارند»[1] رعایت نگردید.

درآن ایام‌گروهی‌ازمردم‌که ازرژیم سابق زیان‌دیده بودند مدعی‌شدندکه‌سیاست انگلستان مسئول‌عملیات و اقدامات رژیم مزبوربوده است و دولت انگلیس برای دفاع وتوجیه سیاست خود بیانیه‌ای درتاریخ چهاردهم‌آبان ۱۳۲۰ بشکل سخنرانی ازرادیوی لندن پخش کردکه‌متن‌آن‌بقرارزیراست :[2]

خطاب بملت ایران

«کشور ایران را علی‌الاصول ملت ایران بتوسط امنای خود باید اداره کند بنا براین لازم است‌که از سیاست داخلی وخارجی مملکت خودآگاه‌باشد وما میدانیم که شما ازسیاست دولت انگلیس درایران بدرستی آگاه نیستید و درآن باب اشتباهات دارید باینجهت لازم میدانیم فکرشمارا درین خصوص روشن‌کنیم. بسیاراتفاق میافتد که چیزی ازغایت سادگی وروشنی در پردهٔ خفا میماند، مثلاً ظرف بلورین‌که پرازآب زلال باشد اگرکسی سابقه نداشته باشدگمان میکند خالی‌است وآب را بواسطهٔ غایت روشنی نمی‌بیند. سیاست انگلیس هم درایران همین‌حال را دارد وازبس ساده وروشن است‌کسی بآن‌پی‌نمی‌برد. آن سیاست چیست؟ سیاست انگلیس درایران مبنی بردوستی است. دوستی دوقسم است دوستی بی‌غرض و دوستی باغرض. دوستی بی‌غرض نسبت بایران ازجهت‌آنست‌که ملت ایران ملتی‌است باستانی‌که درطی تاریخ طولانی‌خودآثار مهم ونفیس ازعلم وحکمت وصنعت وشعروادب وفرهنگ وهمهٔ لوازم مدنیت برای عالم انسانیت بیادگار گذاشته است اما این دوستی بی‌غرض نسبت بملت ایران مخصوص دانشمندان‌است‌که باحوال ملت‌ایران وتاریخ‌آن معرفت‌دارند. البته بسیاری ازانگلیسها هستندکه این دوستی بی‌غرض را نسبت بایران‌دارند ویقین‌داریم‌که ازاین‌فقره‌بی‌اطلاع نیستید. اما دوستی‌دولت انگلیس نسبت بایران ونسبت بهیچ کشوردیگردوستی بی‌غرض

---

(۱) رجوع‌شود بفصل‌هفتم پیمان

(۲) عین سخنرانی‌مزبوررا هم‌سفارت انگلیس درتهران چاپ ومنتشرکرد.

نیست و نمی‌تواند باشد . در سیاست بی‌غرض نمی‌توان بود . نهایت اینکه غرض ممکن است صالح باشد وممکن است فاسد باشد . سیاست دولت انگلیس نسبت بایران مبنی برغرض صالح است . باین معنی که ما مصلحت خود را چنین تشخیص داده‌ایم که ایران بایدمستقل وتمامیت خاکی او محفوظ ونظم وامنیت درآنجا مستقر باشد چرا که ایران نه فقط دروازهٔ هندوستان است بلکه دروازهٔ آسیا است و عـدم استقلال و بی‌نظمی واغتشاش درآنجا برای ما مضرّ بلکه خطرناك‌است . اینست وجه دوستی ما نسبت‌بایران که ازروی غرض‌است. اماغرضی‌است صالح واین فقره مبنای‌سیاست دولت انگلیس‌است درایران .بنابرین‌دولت انگلیس‌حتی‌الامکان ازمداخله‌درکارهای ایران احترازدارد زیرا گذشته ازینکه مسلك ما اینست که دخالت یك دولت درکار دولت دیگر شایسته نیست چون مخصوصاً سیاست‌ما مبنی براستقلال ایران‌است نمی‌خواهیم درکارهای ایران دخالت کنیم‌وعلت‌آن‌اینست که‌دولت‌وملت‌ایران بخودی‌خود هرقدرمستقل‌ومقتدر باشداقتدارش‌برای مامضرّ نمیتواندبشود. اینست‌خلاصهٔ‌حقیقت سیاست‌انگلیس درایران.اکنون اگر باین‌حقیقت پی‌بردیدنسبت بعملیات دولت‌انگلیس درایران‌چه‌درگذشته‌وچه درحال‌وچه درآینده بخوبی میتوانید نکته سنجی وقضاوت کنید وبرمیخورید باینکه دولت انگلیس ازین‌سیاست‌اصلی منحرف نمی‌شود ودرکار ایران مداخله نمیکند مگر بیکی ازدوعلت یکی‌اینکه مأیوس شود ازاینکه دولت ایران برپای خود بماند دیگر اینکه منافع حیاتی خود را درایران بمخاطره ببیند درآنصورت چاره ندارد ازاینکه هردست وپائی میتواند بکند وکسی‌هم حق ندارد که براو ملامت کند . مثلا قراردادی که ما درسال ۱۹۰۷ با دولت تزاری روس در سر ایران بستیم وآنرا بمنطقه های نفوذ تقسیم کردیم از جهت این بود که آنزمان پس از چندین سال مجاهده مأیوس شده بودیم ازینکه دولت ایران بتوانـد استقلال خود را حفظ کند و میدیدیم که بسرعت زیردست دولت تزاری میرود . پس بواسطهٔ آن قرارداد خواستیم یك اندازه از تجاوزات روسیهٔ تزاری جلوگیری کنیم . همچنین درزمان جنگ بین‌الملل ما درکارهای‌ایران مداخله کردیم چونکه بسبب شیطنت‌های‌آلمانها وعثمانی‌ها منافع خودمان را درخطردیدیم . ونیز در ۱۹۱۹ که قراردادی باایران بستیم که شما وبسیاری ازمردم گمان بردند که مامیخواهیم ایران‌را تحت‌حمایت خودآوریم بسبب‌آن بود که ازمشاهدهٔ وقایع چندین ساله مأیوس شده بودیم که ایرانیها خودشان‌بتوانند امورخودرا اداره کنند . پس‌ازآنکه دیدیم ملت ایران نسبت‌بآن‌قرارداد بدبین است وآنرا مبنی برغرض فاسد میداند قرارداد را الغا کردیم ودرعوض ازدولت ایران تقویت ومساعدت کردیم که نظم و امنیت واقتدار را درکشورخود برقرارنماید . تمام تقویت و مساعدت ما از رضاشاه پهلوی سرّش این بود و باید انصاف داد که آن پادشاه درچند سال اول زمامداری خود باصلاح امور کشور پرداخت واقداماتیکه برای ترقی وپیشرفت میهن لازم بود نمود وما از این راضی بودیم وگمان میکنیم ایرانیهای میهن‌پرست هم راضی بودند لکن متأسفانه‌آن‌پادشاه بمرورزمان هرچه قدرتش بیشترشد ازراه صحیح بیشترمنحرف شد و بکارهای بیقاعده دست برد وملت‌ایران ناراضی شد و گمان نکنید ماهم راضی بودیم اما چه میتوانستیم بکنیم ؟ دشمنان ما بشما القاآت سوء

می گردند که رضاشاه‌را ما اداره می کنیم وهرچه میکند بدستورما است ولی‌چنین‌نبود . او بحرف کسی گوش‌نمیداد واگرمیخواستیم ازعملیات اوجلوگیری کنیم می‌بایست بزور پیش بیائیم ودرکارمملکت شما مداخله کنیم واین مصلحت نبود وبرخلاف سیاست ما بود وتاممکن بود ازین‌کار خودداری کردیم تاوقتیکه بازدیدیم شیطنت آلمانها وغفلت شاه منافع ما را بخاطر میاندازد . این بود که برخلاف میل خودمان از ناچاری این اقدام اخیررا کردیم و میدانید که ماگرفتارچه جنگ هولناکی‌هستیم که حیات وموجودیت ما را میخواهد از بین ببرد و مجبوریم تا جان داریم بکوشیم و بشما اطمینان میدهیم که بمحض اینکه مخاطرهٔ فعلی رفع‌شد خاك شماراتخلیه کنیم وشمارا درامورکشورخودتان آزاد ومختار بگذاریم ودولت شوروی هم که باما متحد است همین نیت را دارد و از هرحیث باتفاق وبشراکت یکدیگر کار خواهیم کرد . این بود شمه‌ای از مناسبات ما با ایران درزمان گذشته و درسخنرانی آینده شمه‌ای هم ازنظریات خودرا برای‌آینده بشما خواهیم گفت .»

بیانیه فوق کـه بی‌شك در وزارت خارجهٔ انگلستان تنظیم گردیده بود یکی از بهترین وواضح ترین اعترافاتی‌است که دولت‌انگلیس تاکنون دربارهٔ سیاست‌خودنسبت بایران منتشر کرده است. این بیانیه با بی‌پروائی تمام میگوید که هرگاه‌اقتضا نموده‌و منافع‌انگلستان ایجاب کرده‌است بادول دیگر قرارداد بسته وایرانرا بمناطق‌نفوذتقسیم کرده است.هرگاه انگلستان منافع‌حیاتی خودرادرخطر دیده‌درامورداخلی ایران‌دخالت نموده است وهنگامی که صلاح دانسته ارتش خودرا بایران فرستاده وبا تجاوز مقاصد خودرا پروی کرده‌است . این بیانیه بهترین سندی‌است که ثابت می کند انگلستان در روابط خود باایران پای‌بند بقوانین وسنن بین‌المللی نبوده وتشخیص‌خودرا ملاك عمل خویش قرار میداده‌است. هیچ لازم نیست که بتفصیل ازین بیانیه انتقادی‌بشودفقط می‌گوئیم اگر ایران بجای انگلستان وانگلستان بجای ایران بود و ما چنین سیاستی را تعقیب می کردیم آیا ملت انگلیس‌آنرا مقبول وپسندیده میدانست؟آیا مندرجات‌منشور آتلانتیك که سیزده‌روز قبل‌از حملهٔ بایران بامضای رئیس جمهور امریکا و نخست‌وزیر انگلستان رسید منافی با سیاستی‌نبود که دربیانیهٔ فوق ذکر شده است؟ وآیا اظهارات مکرر دولت انگلیس راجع باحترام باستقلال وتمامیت ایران متناقض باآنچه دربیانیهٔ فوق گفته شده‌است‌نبود ؟ قضاوت این‌را بخوانندگان واگذار کرده و به‌تعقیب‌بقیهٔ‌مطلب می‌پردازیم.

اشغال ایران که به‌پیشنهاد انگلستان صورت گرفته بود چنان موجب‌اختلال وضع سیاسی واقتصادی واجتماعی ایران گشت که هنوز هم اثرات‌آن باقی‌است و ملت ایران ازآن رنج می‌برد . ازلحاظ سیاسی واداری دستگاه دولت ضعیف گشت. دیسیپلین‌ونظم ارتش تامدتی مختل شد. برخی از رؤسای ایلات که محدود ومنکوب شده‌بودند طغیان کرده ودر صدد برآمدند که دورهٔ خان‌خانی را دوباره تجدید نمایند . طبقهٔ حاکمه که پس‌از هجوم ارتشهای بیگانه وضع خودرا متزلزل میدید واز شورویها هم ترس‌بسیار

داشت تسلیم محض سفارت انگلیس شد و خواسته های آنان را بی چون و چرا می - پذیرفت. مأمورین عالیرتبهٔ دولت با مشورت و صلاحدید بیگانگان انتخاب می‌شدند. نمایندگان مجلس سیزدهم که قبل از شهریور ۱۳۲۰ انتخاب شده بودند و بعبارت صحیح‌تر منصوب گشته بودند دولتهائی برسرکار میآوردند که مطلوب بیگانگان باشد.

در آن ایام عزت نفس، غرور ملی، میهن پرستی، حس ملیت، مجاهده برای حفظ منافع کشور جای خودرا به تملق وچاپلوسی وتعریف و تمجید از بیگانگان داده بود. بطور کلی بین طبقهٔ حاکمه و انگلیسها تفاهمی حاصل شده بود که طرفین خواسته های یکدیگر را انجام میدادند بدین‌معنی که آنچه خارجیان میخواستند و تحت عنوان احتیاجات زمان جنگ طلب میکردند طبقهٔ حاکمه میپذیرفت و انجام میداد ودرازای آن بیگانگان بعنوان تقویت حکومت وقت ولزوم حفظ امنیت و انتظامات، طبقهٔ حاکمه را برمردم مسلط میداشت. طبقهٔ مزبورچنان تسلط کاملی یافت که نظیر آن درادوار گذشته هم دیده نشده بود و بیدادگری و یغما و چپاول و فساد باشدت زیادی رواج گرفت.

درنتیجهٔ هرج ومرج سیاسی وضع اقتصادی کشورهم بسیاروخیم گشت. اولین ضربت اقتصادی که پس از تهاجم ارتشهای خارجی بایران واردآمد قضیهٔ تورم پول بود. ارتشهای بیگانه برای هزینه‌های خود درایران محتاج بریال بودند وحاضرهم نبودند که بگذارند قانون عرضه وتقاضا نرخ مبادلهٔ بین‌ریال ولیره را تعیین نماید. ازروی قاعده وحساب چون عرضهٔ ارزخارجی زیاد بود بایدقیمت ریال بالا رود ولی قضیه بعکس گردید. سفارت انگلیس ازابتدای کارسخت فشارآورد که نرخ لیره که درشهریور ۱۳۲۰ نزدیك به ۷۰ ریال بود دوبرابرشده وبه ۱٤۲ ریال ترقی یابد وبعدهم که این کار مورد اعتراض شدید مردم واقع گشت قراردادمالی بایران تحمیل شد که نرخ لیره را در ۱۳۰ ریال تثبیت کردو دولت متعهدشد که هرمقدار اسکناس بخواهند چاپ کرده ومنتشر نماید. نتیجه این شد که اسکناس زیادی رواج گرفت وهزینهٔ زندگی بالارفت ودرطی چهارسال پنج برابر گردید[1] وخارجیان که ناچار بودنددرایران مخارجی بنمایندریال بیشتری برای ارزخود بدست آوردند واین کارموجب اختلال وضع اقتصادی ایران گشت.

دومین ضربت اقتصادی که بمردم واردشد این بود که درتولید وتوزیع محصولات داخلی اختلال بزرگی رویداد. روسها که شمال را اشغال کرده بودند اجازه نمیدادند که محصولات شمال بسایرقسمتهای ایران حمل گردد و مازاد محصول شمال تماماً بمصرف ارتش روس میرسید. درقسمتهای وسطی وجنوب هم دوسال متوالی حاصل بدبود بدینمعنی که محصول سال ۱۳۲۰ درتمام نقاط کشور کمتر ازسالهای عادی بود و محصول ۱۳۲۱ استانهای جنوب دچار کم آبی وآفت شده ونقصان بسیارداشت. مالکین فرصت راغنیمت شمرده وگندم را احتکار کردند وبقیمتهای گزافی فروش رساندند. ارتشهای خارجی هم که خریدار گوشت وسبزی و حبوبات بودند بامصرف کنندهٔ داخلی رقابت کرده وبهای

---

(۱) طبق آماری که بانك ملی منتشر میکند شاخص هزینه زندگی درسال ۱۳۱۵ شمسی ۱۰۰ بوده ودرسال ۱۳۲۰ شمسی ۲۴۳ بوده ودرسال ۱۳۲۳ به ۱۰۳۰ بالغ گردید.

این نوع اجناس بالا رفت و کمیاب گردید. کارخانه دارها هم فرصتی بدست آوردند که از محدود بودن واردات سوء استفاده نموده و کالای خود را به قیمت های گزاف عرضه نمایند وچه بسیاری از آنها که ملیونر شده و پولهای گزافی در بانکهای خارجه بامانت سپردند. کمی وسایل حمل و نقل (چه باکامیون وچه باراه آهن که همه در اختیار بیگانگان بود) امر توزیع خواربار را درسراسر کشور مختل ساخت و بالنتیجه تودهٔ مردم گرفتار کمی نان و کمی خواربار و مضیقه های بسیار شدند.

بواسطهٔ قطع رابطهٔ بازرگانی با کشور های خارجی واردات وصادرات تقریبا متوقف گشت. کالاهائی که بازرگانان قبلا وارد کرده ودرانبارهای خود داشتند بقیمتهای سرسام آوری بفروش رسید وکالاهائی که تحت نظر بیگانگان وارد میشد مانند قندوچای و قماش و دارو بدست دولت میافتاد که آنهم بین ایادی و طرفداران خود تقسیم می کرد تا به چند برابر بهائی که وارد شده بود بفروش رسانند. اسماً وزارت خواربار و دستگاه جیره بندی تأسیس شد که کالا هارا عادلانه بین همه طبقات مردم پخش و توزیع نماید لکن فئودالها و خانها و متنفذین بعنوان حق السکوت قندوچای وقماش را بنام بستگان خود از دولت گرفته وبدون آنکه ذره ای از آن را بین آنها توزیع نمایند در بازار بفروش رساندند و حتی در بعضی موارد بهای آنرا هم بدولت نپرداختند. درین میان یکدسته از بازرگانان و گروهی از مستخدمین فاسد ورشوه خوار وعده ای از فئودالها وملاکین وهمهٔ کارخانه داران ثروتهای بسیار اندوختند وتودهٔ مردم از هرسو دوچار استثمار عوامل داخلی و خارجی قرار گرفت و زندگی آنها تیره تر و سخت تر از پیش گشت.

درقسمتهای اجتماعی هم اشغال ایران اختلال بسیار فراهم ساخت که عواقب آن هنوز باقی است. پس از شهریور ۱۳۲۰ تمام کارهای عمرانی متوقف گردید وعدهٔ زیادی از مردم بیکار شدند. تاوقتی که حمل لوازم و مهمات بروسیهٔ ادامه داشت جمعی کار پیدا کرده و مشغولیاتی داشتند ولی همینکه جنگ تمام شد بر عدهٔ بیکاران افزوده گشت. کارگران ودهقانان بیکار که ملجأ وپناهی نداشتند گرفتار سختی معیشت گشتند و آنانیکه سوادی داشته ووسیله ای بدست میآوردند خود را وارد خدمت دولت کردند. چیزی نگذشت که عدهٔ کارمندان دولت چندبرابر شد وقسمت عمدهٔ درآمد دولت صرف پرداخت حقوق هزاران کارمند زاید دولت گردید که امروز وجود های عاطل و باطلی گشته اند. وجوهی که بایستی صرف عمران وآبادی کشور شود وکارهای تولیدی ایجاد کند وبلای بیکاری را رفع نماید امروز صرف پرداخت حقوق کارمندان میگردد و کسر بودجهٔ دائم ومزمن دولت را ایجاد مینماید.

بطور خلاصه نقض بیطرفی ایران موجب اختلال وضع سیاسی واقتصادی واجتماعی ایران گشت که آثار آن هنوز باقی است ولطمات آن ادامه دارد ومردم ایران که باصبرو تحمل بسیار دوچار محرومیتهای بسیار شدند صدمات ولطمات وارده را نتیجهٔ مستقیم سیاست بیگانگان بخصوص انگلیسها دانسته وهمواره مترصد بودند که بهرنحو ممکن باشد آنرا جبران نمایند.

بخش سوم - سیاست انگلستان پس از جنگ

پس ازجنگ ودرموقع مقرر انگلیس ها و امریکائی ها بوعدهٔ خود وفا کرده وایران‌را تخلیه کردند وهنگامی که روس ها ازتخلیهٔ ایران خود داری نمودند دولتین انگلیس وامریکا مجاهدت بسیارنمودندکه ارتش روس ازایران خارج گردد که شرح آن درفصل دیگراین کتاب[1] آمده است .

پس‌از جنگ دوم جهانی سیاست انگلستان درایران عبارت بود ازتردید وفرصت جوئی وبی‌تکلیفی که عاقبت دوچار شکست‌های پی درپی گردید . عوامل اصلی که چنین سیاستی را بوجود آورد یکی استقلال هندوستان و پاکستان بودکه تاحدی از علائق انگلستان درین‌قسمت جهان‌کاست ودیگری فعالیت روزافزون سیاست‌امریکادرخاورمیانه بخاطردست‌اندازی بمنابع نفتی آن ومبارزه باکمونیزم برای‌حفظ وحراست منابع مزبور بودکه تااندازه‌ای سیاست انگلیس‌را تحت‌الشعاع قرارداد . چنانکه همه میدانند جنگ دوم جهانی‌انگلستان را ازهرحیث بسی‌ضعیف کرد وبرعکس برقدرت ونیرومندی‌امریکا وروسیهٔ شوروی افزود بطوری‌که نقش قهرمان سیاست جهان را امروز امریکاوروسیه بازی میکنند وانگلستان مقام اولی را که درسیاست جهان داشت از دست داده است .

پس ازجنگ انگلستان‌کوشش بسیار نمودکه سیادت خود را درخاورمیانه بمیزان پیش ازجنگ محفوظ دارد .اصرار درنگاهداشتن پایگاه نظامی درکانال سوئز ، وپس از اعتراضات‌شدیدمصر، تبدیل‌آن بپایگاه‌کنونی‌قبرس وداشتن‌پایگاه‌های هوائی درداردن وعراق‌وتحمل مخارج گزاف چنین‌پایگاه‌هائی‌همه‌برای این‌بوده‌است که‌سیادت سابق‌خود را ادامه دهد ولی خواه یا ناخواه ناچار شده است که امریکا را درین سیادت شریك نماید وچون زوروپول امریکا برانگلیس فزونی‌دارد بتدریج امریکا دربعضی‌ازقسمتهای خاورمیانه اکنون نقش اول را بازی می کند وازانگلستان جلو افتاده است . برخلاف تصور وتوهم بسیاری ازبی‌خبران هیچ‌گونه تناقض اصولی بین‌سیاست انگلیس وامریکا درخاورمیانه نیست زیرا مبنای سیاست هردوکشور این‌است که بلامانع حداکثر استفاده را ازمنابع نفت این نقطهٔ جهان بنمایند وسدی‌هم درمقابل نفوذکمونیزم ایجاد نمایند که رخنه‌ای درکشورهای خاورمیانه ننماید و فقط اختلافی که گاه‌گاه بین آنها ظاهر میشود برسراین‌است که‌کدام یك نقش مهم‌تررا درین‌صحنه بازی نماید .

نکتهٔ بسیارمهم که موجب تردید وفرصت جوئی وحتی‌عقب‌نشینی سیاست‌انگلستان درتمام خاورمیانه وبخصوص ایران شده این‌است که پس از جنگ انگلستان حاضرنشد ونتوانست احساسات ملی مردم خاورمیانه را بطور شایسته‌ای تشخیص داده وآنرا از روی واقع‌بینی درك نماید ومأمورین آن‌که عهده دار اجرای سیاست‌آن بودندکسانی بودندکه باافکارقرن نوزدهم خوگرفته و از تحولات عظیمی که درخاورمیانه روی داد بی‌خبربودند. گواه‌بارزاین ادعاسیاستی‌بوده‌است که‌انگلستان درسالهای‌اخیردرایران‌بکار

---

(۱) رجوع شود بفصل نهم .

برد ومختصر توضیحی دربارهٔ آن ، مطلب را واضح‌تر میسازد .

در شهریور ۱۳۲۰ که ارتشهای روس و انگلیس بایران تجاوز کرده وآن را اشغال کردند وزیرمختار انگلیس درتهران شخصی بود بنام سرریدر بولارد[۱] . این شخص یکی ازمأمورین سرویس قونسولی انگلیس بود که قسمت عمدهٔ خدمتش رادرشرق گذرانده وبعد که ارتقاء رتبه یافته بودوزیرمختار انگلیس درعربستان سعودی شده بودواز آنجا بتهران انتقال پیدا کرد . سرریدر بولارد مردی است فاضل ونویسنده وخوش قلم ودرادبیات وتاریخ انگلیس واردولی درسیاست پیرومکتب دیپلوماسی قرن نوزدهم . هرکس بااوتماس داشته میداند که او دارای حسن نیت بسیاراست ولی چون پرورش یافتهٔ مکتب قدیم است قضایای سیاسی را بامقیاس قدیم می‌سنجد وتوانائی درك تحولات امروز را ندارد . اوهواخواه سرسخت دموکراسی وعدالت اجتماعی درکشورخود می‌باشد ولی خاورمیانه وایران را آماده برای قبول اصول مترقی نمی‌داند ومعتقد است که اینگونه کشورها تامدت مدیدی محتاج بسرپرست هستند تا بتدریج در طی قرون آینده خود را حاضر برای قبول دموکراسی نمایند .

برای نویسنده چندبارفرصتی پیش آمد که با این دیپلومات انگلیسی به بحث سیاسی بپردازم ودرسه مورد بخصوص بحثی که شده بود درکتابچهٔ خاطرات خودیادداشت کرده‌ام که آنرا باختصاردرزیر نقل میکنم :

شنبه نوزدهم اردی بهشت ۱۳۳۱

«امروز باوزیرمختار انگلیس بحثی راجع بسیاست داشتم . باوتذکردادم که مردم درنهایت سختی زندگی را بسرمیبرندواز بیدادگریهای طبقهٔ حاکمه زجرمی بینند وبسیار ناراضی شده‌اند . شورویها برای آنکه درحمل ونقل لوازم ومهمات که ازراه ایران بروسیه میرود وقفه‌ای حاصل نگردد حاضر شده‌اند فعلا درامورداخلی ایران دخالت نکرده و سکوت اختیار کنند و میدان را برای شما انگلیسها بازگذاشته اند ولی همینکه توفیق آنرا یابند که آلمانهارا ازخاك خودبرانندووضع جنگ بنفع آنها تغییر کندادامهٔ این سکوت راجایز ندانسته ومسلماً اقداماتی درایران خواهند نمودواز عدم رضایت مردم حداکثر استفاده را خواهند کرد. آنها حزب توده را تشکیل داده واز آن تقویت میکنندوخودراهواخواه ستمدیدگان معرفی مینمایند وتردیدی نیست جمع کثیری ازمردم ایران که ازبیدادگریهای طبقهٔ حاکمه بستوه آمده‌اند بحزب مزبورخواهندگروید وکاررا بس مشکل خواهند ساخت پس بهتر است اکنون که شما قدرت ونفوذ بیشتری دارید ودرهمهٔ امور ایران دخالت مینمائید و طبقهٔ حاکمه هم برای بقای خود ازشما حرف شنوی دارد اقلا اقدامی بنمائید که حکومت درستکارولایق ومصلحی روی کارآید که بدرد مردم رسیده ومانع ترکتازی طبقهٔ حاکمه شود واین کارهم میسرنخواهد بود مگرآنکه شما علناً خودرا هواخواه عناصر مترقی و متجدد ومیهن پرست کشور معرفی نمائید . بولارد درجواب گفت اکنون ما گرفتار جنگ هولناکی هستیم و تمام وقت ما مصروف این میشود که مقاصد جنگی خود را ازپیش

---

(۱) Sir Reader Bullard

ببریم. حکومتهای چند ماه گذشته ایران با ما همه گونه مساعدت را نموده‌اند و منظور مارا عمل میکنند لذا دلیلی ندارد که ما طبقهٔ حاکمه ومتنفذ کشور را ازخود برنجانیم. علاوه براین شورویها که باما متفق ومتحدهستند تنها نظرشان این‌است که وضع ایران آرام وساکت باشد تا لوازم ومهمات بآنها برسد وبعدهم گمان نمیکنم نظرسوئی نسبت بایران داشته باشند چون پس‌ازانعقاد صلح آنها باندازه‌ای سرگرم ترمیم‌وضع خودخواهند بود که وقت دخالت درامورایران‌را نخواهندداشت.

بیانات بولارد بسیارموجب‌تعجب‌من گردید زیرا یاریاکاری‌میکردویا درحقیقت از روال کلی سیاست‌درین نقطهٔ ازجهان بی‌خبر بود.»

۵شنبه ۲۲دیماه۱۳۲۳

« درمجلس‌ضیافت چای که امروز درسفارت‌انگلیس منعقدبود چند دقیقه‌ای فرصت پیدا شدکه با سرریدربولارد صحبت کنم. باو گفتم که شنیده‌ام نمایندهٔ یك شرکت‌نفت انگلیسی برای تحصیل امتیاز نفت بلوچستان بایران‌آمده است ومتذکر شدم که‌این‌کار بنظر ایرانیان پسندیده نیست. چه اگر در موقع اشغال ایران امتیازی داده شود مردم خواهندگفت که چنین امتیازی با فشار تحصیل شده است.ولذا دوام واعتباری برای‌آن نمی‌توان قائل شد. علاوه برین روسها هم تحریك شده وبی‌شك امتیازمشابهی‌درشمال خواهند خواست. بولارد کمی درفکر فرورفت ودیگر چیزی نگفت. سپس سئوال کرد عملیات حزب توده برچه منوال است؟ جواب گفتم فعالیت‌آنها باشدت تمام ادامه داردو اگر شما از حزبی که نمایندهٔ طبقهٔ حاکمه است تقویت کنید همهٔ ایرانیان میهن پرست ومتجدد ومردم دوست و خیرخواه را دردامان آنها خواهید انداخت. درین‌باره‌خنده‌ای کرد و گفت تا به‌بینیم چه می‌شود ؟ »

شنبه ۲۸ مهر ۱۳۲۴

«امروزدرمنزل یکی‌ازدوستان به‌ناهاردعوت‌داشتیم‌وسرریدربولارد که‌اکنون‌بمقام سفیر کبیری انگلیس‌ارتقایافته‌حضورداشت‌بعدازناهار باسرریدربولاردبحث مفصلی‌دربارهٔ وضع‌سیاسی‌ایران‌شد. سفیر می گفت که اوازعاقبت رویهٔ روسها درایران بسی‌اندیشناك است‌واطمینان‌میداد که‌دولتین‌انگلیس‌وامریکاازهرنوع‌مساعدتی نسبت‌بایران‌دریغ نخواهند کرد. من‌بحثهائی که درگذشته بااوداشته‌ام یادآورشده و گفتم‌جای‌بسی‌تأسف‌است که دولت‌انگلیس ونمایندگان آن نمیخواهندواقع‌بین‌باشند وهمیشه وضع‌ایران‌رامانندسابق می‌پندارند.هرچه درین‌چندسال‌درایران‌اتفاق افتاده‌است نتیجهٔ‌سوء تشخیص‌شما بوده‌است که‌گمان کرده‌اید ایرانیان امروز بازهم ستمگریهای طبقهٔ بخصوصی‌را که سالها بآنها حکومت کرده‌است تحمل خواهند کرد. من اطمینان دارم که نود درصد اعضای‌حزب‌توده کسانی‌هستند که از روی ناامیدی بآن حزب روی آورده‌اند. شما اگر آنها را ناامید نکرده‌بودید واز پشتیبانی ازطبقهٔ حاکمه خودداری کرده بودید حزب‌توده دوام‌وقوامی درایران پیدا نمی کرد. سفیر بی‌نهایت متأثر شد وابروان خودرا درهم کشیدواخم کرد ومثل اینکه وجدان او حرفهای مرا تأیید کرده است گفت: من درین چند سال توقف

خود در ایران کاملاً واقف برین شده‌ام که طبقهٔ حاکمهٔ ایران بسیار فاسد و اصلاح‌ناپذیر است ولی فراموش نشود که اگر ما می‌خواستیم با آن ستیزگی کنیم امنیت و آرامش کشور از دست میرفت و بعملیات جنگی ما لطمهٔ بسیار وارد میآمد. لکن شما هم در عالم خیال زندگی می‌کنید و نمی‌دانید که مشکلات ما چه‌اندازه زیاد بوده‌است. »

نظر سرریدر بولارد دربارهٔ اعتراضاتی که بسیاست کشور او می‌شد در کتابی که باسم « بریتانیا و خاورمیانه » درسال ۱۹۵۱ چاپ شد ذکر شده و شرح زیر ازصفحات ۱۷٦ و۱۷۷ آن کتاب نقل شده است :

« جوانان پرشور کشور های خاورمیانه غالب اذعان دارند که فداکاری وخدمت افراد موجب احیای کشورهای آنها خواهد گشت ولی مدعی می‌شوند که (اگر دول بزرگ هم آنهارا تاموقع رسیدن بمقصود آسوده بگذارند) طول مدت لازم‌است تا مقصود حاصل گردد ودر هرحال بعضی اصلاحات هست که بدون اقدام ازطرف دولت میسر ومقدور نیست. مثلاً می گویند طرز مالکیت اراضی زراعتی که در بعضی موارد نه‌تنها برزگران‌را بحال نیمه برده وگرسنه نگاه میدارد و مانع از هرگونه پیشرفت در امر زراعت هم هست بدون اقدام دولت اصلاح‌پذیر نیست ویا آنکه باز مدعی‌شوند که وصول مالیات‌از طبقات متمول که برای توسعهٔ فرهنگ وایجاد خدمات اجتماعی وکاهش‌فاصلهٔ‌خطرناك بین‌توانگران ومستمندان‌ضرورت دارد بدون دخالت دولت مقدور نمیباشد. آنهامیپرسند چگونه ممکن است چنین اصلاحاتی‌را ازکسانی توقع داشت که درحال حاضر خودرا بعنوان‌نماینده بکرسیهای‌پارلمان مینشانند وخودرا وزیر انتخاب کرده‌زمامدارمیشوند؟ بعضی اوقات جوانان مزبور بانگلستان ایراد میکنند چرا زمانی که قدرت در دست آن بود رژیم های دموکراسی را در مصر و عراق برقرارنکرد و خیلی مشکل است بآنها فهماند که انگلیس‌ها ناچار بودند باکسانی‌کار کنند که از حیث معلومات و نفوذ معروفیت داشتند واگرغیراین میکردند بایستی در تمام مراحل دخالت کرده و حدود حکومت خودمختاری را محدودتر نمایند . بسیاراوقات ملاحظه شده که سیاست انگلیس درجنگ دوم جهانی مورد انتقاد قرارگرفته است که چرا در ایران بعناصر هواخواه دموکراسی یاری ومساعدت نشد . سیاست اعلام شدهٔ متفقین این بود هردولتی که طبق قوانین اساسی روی‌کار می‌آمدآنرا بپذیرند وباآن کار کنند مشروط برینکه حکومت مزبورحاضرباشد که بامتفقین‌همکاری‌نماید . هرسیاست دیگر که بهرحال بدون‌موافقت شوروی‌هامورد‌قبول‌واقع نمیشدوتعبیرشورویها ازعناصرهواخواه‌دموکراسی‌هم‌ممکن‌بود بانظرما اختلاف کلی داشته باشد-متضمن دخالت درجزئیات اموراین‌بود که منافی باپیمان سه گانه۱۹٤۲ بود ومسئولیت‌عواقب آن‌هم‌بعهدهٔ‌ما باقی می‌ماند. باوجوداین‌مراتب‌ادعاهای جوانان پرشورچندان‌بی‌اساس‌نیست‌وبنظریقین‌میرسد که یاطبقهٔ‌حاکمه‌در کشورهای‌مزبور متوجه لزوم اصلاحات وتغییرات خواهد شد که فعلا متوجه‌آن نیست و یامردمان جدیدی زمام امور کشور های خاورمیانه را بدست‌خواهند گرفت .... حکومت دموکراسی یك فن دشواری است وکشورهای خاورمیانه فاقدآن تجربه‌ای هستند که چندین قرن‌طول کشید تاانگلستان آن‌تجربه‌را آموخت‌وسپس بتحصیل آن فن‌نائل گردید. دولت انگلستان بخاطرمنافع‌خودو بخاطر کشورهای‌خاورمیانه وبخاطردنیاهنوز یکی‌از مدافعین استقلال

کشورهای خاورمیانه میباشدو کاملاً متوجه‌است که دفاع‌از کشورهای‌مزبورتنها باقوای نظامی کافی نیست و باید بارضایت مردم تحکیم گردد . »

چنانکه ازشرح‌فوق ملاحظه میشود حتی سرریدربولارد هم‌اکنون متوجه‌انتقادات ازسیاست انگلیس‌درایران شده ومینویسد که بدون‌جلب رضایت مردم وبدون برکناری طبقهٔ حاکمه‌کارکشور های خاورمیانه اصلاح پذیر نیست . چه خـوب بود که این گونه دیپلوماتها درموقع تصدی باین حقایق پی میبرند و مساعی خود را در راه اصلاحات بکار می بستند .

درایام جنگ عدهٔ زیادی ازمأمورین رسمی‌انگلستان درایران بخبطهای سیاسی دولت خودپی‌برده وکاملاً واقف باین بودندکه عواقب چنین سیاستی جز ایجاد رنجش وآزردگی برای ایرانیان نتیجهٔ دیگری نخواهد داشت ولی درآنموقع ازاظهار عقیده خودداری میکردند . بعدها هم جراید منسوب باحزاب آزادیخواه وکارگرانگلیس در مقالات متعدد ونویسندگان دیگر درکتابها ونوشته های خود از سیاستی که انگلستان درخاورمیانه و ایران تعقیب کرده است انتقادکرده و همواره متذکر میشوند که چنین سیاستی در یك نقطهٔ حساسی از جهان مانند خاورمیانـه عواقب پسندیده و مطلوبی نخواهد داشت ودیر یازود روزی خواهد رسید که مردم کشور های خاورمیانه برعلیه آن قیام‌نمایند .سیرحوادث‌بعدی‌هم حق‌را بانتقادکنندگان‌داد وجالب‌این‌است که بین‌متفکرین ونویسندگان مهم ومسئول جهان وکسانیکه بمطالعهٔ تاریخ معاصر میپردازند وحوادث را درنوشته ها وکتابهای خود بی‌غرضانه‌تجزیه وتحلیل میکنند کمتر کسی یافت میشود که ازسیاست مزبوردفاع نماید .

پس‌ازخروج ارتش انگلیس ازایران سرریدربولارد بلندن احضار شد وجانشین اوبنام سرجان‌لوروژتل[1] بایران‌آمد . هنگام ورود اوغائلهٔ آذربایجان هنوزخاتمه‌نیافته بود ودولت‌کارگری انگلستان علاقهٔ بسیارنشان میداد که غائلهٔ مزبورینفع ایران پایان یابد . وزارت خارجه انگلیس بسفیرجدید خود دستور داده بودکه باسفارت آمریکا در تهران همکاری‌نزدیك کند وبادولت ایران معاضدت نماید تاغائلهٔ مزبورمرتفع گرددولی برخلاف انتظارعموم هیچگونه تغییراساسی‌درسیاست انگلیس‌نسبت بایران‌هویدانگشت. سفیرجدیدگذشته ازینکه سیاست سلف خود را تعقیب کرد عنوان جدیدی هم برای رویهٔ خود انتخاب نمودوبهمه‌کس وانمودکردکه دراموردداخلی‌ایران دخالتی‌ندارد ولی‌درچند سالی که او درایران مأموریت داشت وقایع چندی‌رخ دادکه ذکر آنها درینجا لزومی ندارد ومعلوم‌گشت که اندك تغییری درسیاست انگلستان روی نداده وشواهدبسیاری هم هست که اودرهمهٔ وقایع مزبوردخالت مهمی‌داشته است.[2]

قرارداد الحاقی وامتناع شرکت نفت ازتجدید نظردرآن وفشار بی‌نظیر دولت

---

(۱) Sir John Heller Le Rougetel

(۲) در شماره دسامبر ۱۹۵۳ مجله معروف انگلیسی موسوم به « میزگرد» (Round Table) مقالهٔ بی‌امضائی‌درباره روابط ایران وانگلستان پس‌ازجنگ‌درج شده که‌بظن‌قریب به‌یقین مقاله‌مزبور بقلم یکی‌ازاعضای مهم‌وزارت خارجه انگلستان است . دربن‌مقاله سیاستی‌راکه روژتل‌تعقیب میکرد وسهم او دروقایع آنوقت ایران‌بطورواضح‌شرح داده شده است .

انگلستان برای تصویب قراردادمزبور همه ازکارهای برجستهٔ این دیپلومات انگلیسی بود که بالاخره چنان عدم رضایتی در افکار عامهٔ ایرانیان ایجاد کرد که منتهی بملی شدن نفت گردید .

بطوریکه درمقدمهٔ این فصل اشاره شد موضوع موردنظر مادرین قسمت تجزیه و تحلیل سیاستهای استعماری انگلیس درایران درقرن اخیر وادامهٔ آن بطرز وعنوان دیگری درقرن حاضر بود که نتایج سوء آن تاحدی دامنگیر خود انگلیسها گشت وتأثیر بسیاری در برانگیختن احساسات مردم ایران هنگام ملی شدن نفت داشت وباکمال تأسف بمقدار زیادی نیز بمنافع ملی ایران صدمه زد.

تاآنجا که مقتضیات زمان ومکان اجازه میدادروس مسائل را درین فصل شرح دادیم وتصور میرود بقدرمقدورحق مطلب اداء شده باشد و اگرهم احتیاج بتوضیحات بیشتری باشد خوانندگان را به کتابها ومجلاتی که راجع بموضوع ایران درایام جنك اخیروپس ازجنگ بزبانهای خارجی وحتی مطبوعات داخلی انتشاریافته حواله میدهیم تا جزئیات مطلب را ازمنابع فارسی وغیرفارسی دریابند . خلاصه اینکه اگرسرریدربولارد یعنی آن دیپلومات محافظه کارپیرواصول مکتب قدیم علنی وآشکارتأیید وتقویت طبقهٔ حاکمهٔ فاسد ایران را لازم میدانست وهمانقسم نیزبزیان مردم ایران قدم برمیداشت خلف او روژتل که خودرا نمایندهٔ دولت کارگری میدانست وظاهراً وجه تشابهی باسلف خودابراز نمیکرد ودخالتهای سرریدربولارد را ناشی ازاحتیاجات جنگ معرفی مینمود در مدت مأموریت خود درایران دست باقداماتی زدکه هنوزهم آن یادگارهای شوم وآثارشوم تر آن برای مردم ایران باقی مانده ویکی ازعلل عمدهٔ قیام مردم ایران برضدشرکت نفت و کینه توزی نسبت بانگلیسها که علائم تخفیف آن درباطن تاکنون احساس نشده عملیات ارتجاعی سرریدربولاردوسیاست استعمارمآبی لوروژتل وامثال آنها میباشد .

فصل سیزدهم

بخش نخستین = سیاست دولت شوروی در بارهٔ نفت ایران

بخش دوم = علاقمندی امریکا بنفت ایران

بخش سوم = غفلت های متصدیان امور

فصل سیزدهم

بطوری که خوانندگان ملاحظه نموده‌اند درفصل های گذشته ، هم از غفلت ها و ندانم‌کاریهای متصدیان امور خودمان دربارهٔ قضیهٔ نفت بحث شد و هم ازسیاست دولت های علاقمند بنفت ایران اشاراتی بعمل آمد که البته هردو قضیه درامر ملی شدن نفت ایران اثر غیرمستقیم وبلکه مستقیم داشته است و جادارد که بیشتر راجع بهردوموضوع صحبت شود اما چون برخلاف انتظار حجم کتاب بزرگ شده واز طرفی‌هم نمی‌توان‌از آن دو بحث اساسی صرف‌نظر کرد لذا مجدداً مختصری درآن باره نگاشته می‌شود و برای تفکیك وتوضیح قضایا مطالب این فصل راکه در سه بخش نگاشته شده باید از یکدیگر جدا ومستقل از یکدیگر شناخت .

بخش نخستین- سیاست دولت شوروی دربارهٔ نفت ایران

بارها ما وشما چه از زبان سیاست مآبان وچه درخلال جراید و مجلات شنیده و خوانده‌ایم که چون اتحاد جماهیر شوروی چند هزار کیلومتر با ایران هم‌مرز است لذا باید با آن روابط حسنه داشته باشیم ولی نه‌آن گویندگان ونه‌آن‌نویسندگان هیچگاه زحمت تجزیه وتحلیل قضیه را برخود هموار نساخته‌اند و مردم را از حقایق اوضاع سیاسی واقتصادی واجتماعی این همسایهٔ چندهزار کیلومتری مطلع نکرده‌اند‌درصورتی که اطلاع ازآن برای استقرارهرنوع رابطه‌ای مهم‌تراز طول وعرض مرزهای‌دو کشور میباشد و چه‌بسا که طول وعرض مرزی دو کشور آنقدر هم زیاد نباشد اما وضع‌سیاسی واقتصادی واجتماعی‌آنان موجب شود که ملزم باستقرار روابط حسنه باشند .

بهرحال معلومات واطلاعات مردم ایران از اوضاع اجتماعی وسیاسی‌و اقتصادی همسایهٔ شمالی تاکنون روی دواساس افراطی وتفریطی استوار بوده‌است یعنی ازنظر مطبوعات وتبلیغات حزب توده شوروی سرتاپاکمال بوده است وازطرف دیگرتبلیغات ضدکومونیستی اوضاع شوروی‌رابصورتی مجسم‌ساخته که جزعیب‌ونقص چیزی‌درآن‌یافت نمیشود.آری این نوع تبلیغات‌خارج‌ازاعتدال که ترجمهٔ مطابق بااصل تلقینات این‌وآن بوده موجب گشت که حقایق مسلم اوضاع‌آن کشور براکثریت‌قریب باتفاق مجهول بماند ودرظرف سی‌وچندسالی که رژیم شوروی پدیدآمده متصدیان امور نه‌تنها برای‌روشن ساختن اذهان عمومی از وضع حقیقی شوروی تحقیقات مستقیمی در آن باره انجام نداده‌اند بلکه درصدد هم برنیامده‌اندکه پاره‌ای اطلاعات مأخوذ ازمنابع بی‌طرف را دردسترس مردم قراردهند واین خود یکی از غفلتهای غیرقابل اغماض متصدیان امور است‌که باوجود همه نوع توانائی نخواسته‌اند مردم ایران را بحقایقی که اطلاع برآن ضروری بودآگاه سازند .

بهرحال تحقیق وتتبع راجع باوضاع اتحاد جماهیرشوروی ازنظرکلی و عمومی

نه موضوع بحث این کتاب است و نه باین آسانی ومختصری انجام پذیر میباشد وفعلاً آنچه که بیشتر ازهمه چیز مورد علاقه قرار گرفته آن است که بقدر مقدور از سیاست شوروی دربارهٔ ایران وبویژه نفت ایران اطلاع بیابیم وبرای اطلاع ازین موضوع باید بانهایت بی‌طرفی روش آنان را ازآغاز پیدایش رژیم جدید تاکنون مورد بررسی قرار دهیم وعملیات گذشتهٔ آنها را مقیاس رفتارحال وآینده بسازیم چه که کارهای گذشته دورنمای حال وآینده است واگرواقعاً دلسوز و هواخواهی برای این کشور و مردم یافت شود میتواندازروی آن مقیاس برنامهٔ آیندهٔ ایران را نسبت بهمسایهٔ شمالی تنظیم نماید .

☆☆☆

پس ازانقلاب روسیه وتخلیهٔ ارتش ایران ازارتش تزاری روس و تبلیغاتی که عمال شوروی درایران آغاز کردند معلوم نبود که دولت شوروی چه رویه‌ای نسبت بایران اتخاذ خواهد کرد. ازطرفی شوروی‌ها اعلام داشتند که ازکلیهٔ امتیازات گذشته‌ای که بزور وعنف ازایران گرفته شده بود صرفنظر کرده و مایلند که درآینده روابط حسنه و دوستانه باایران داشته باشند وازطرف دیگر باایجاد جمهوری های مستقل که درقفقاز تشکیل شده بود مخالفت کرده و کوشش میکردند که قفقازرا دوباره بتصرف خود درآورند. اعلامیه های اولیهٔ دولت شوروی همه مشعر برین بود که هرملتی باید حق حاکمیت خود را داشته باشد وملل قفقاز که تازه استقلال خود را اعلان کرده بودند امید داشتند که تجاوزی بآنها نشود ولی بعد معلوم شد که حق حاکمیتی که دولت مسکو اعلام داشته بود شامل آنها نمی گردد وطولی نکشید که ارتش سرخ سرتاسرقفقازرا تصرف کرد وعده‌ای هم بگیلان فرستاد و یك حکومت جمهوری انقلابی کومونیستی درشمال ایران ایجاد کرد . ۱

حزب کومونیست ایران برای اولین مرتبه درشهر بادکوبه پس ازانقلاب روسیه درسال ۱۲۹۶ شمسی ایجاد گردید . اعضای آن بیشترکارگران ایرانی بودند که زبان آذربایجانی حرف زده ودرصنعت نفت بادکوبه کارمیکردند . در ابتدا نام آن حزب «عدالت» بود ودراندك مدتی قریب شش‌هزارنفر بعضویت آن پذیرفته شدند. پیشوایان حزب مزبورحیدرخان عمواغلی وسلطان زاده وجعفر پیشه وری وچند نفردیگر بودند. دردوسه سال اول حزب عدالت عمالی به تبریز ورشت ومازندران وخراسان و تهران اعزام داشت که همه مدعی بودند ازترس بلشویکها فرارکرده و بوطن خود مراجعت کرده‌اند ولی دستورداشتند که درشهرهای مزبور کمیته های محلی تشکیل داده وفعالیت حزبی را آغاز نمایند . همین که ارتش سرخ بندرپهلوی را تصرف کرد وبگیلان تجاوز نمود مرکزحزب ازبادکوبه به بندرپهلوی انتقال یافت ومتعاقب تشکیل حکومت جمهوری شوروی انقلابی درگیلان فعالیت خود را علنی نموده وبتوسعهٔ آن پرداخت .

---

(۱) حکومت انقلابی گیلان در بهارسال ۱۲۹۹ شمسی بوجودآمد وقریب هیجده ماه دوام‌داشت. علاوه برمیرزا کوچك خان که تاچندی باین حکومت پیوست احسان‌الله خان وخالو قربان وحسن خان وحیدرخان‌عمواغلی وجعفرپیشه‌وری نیز درآن شرکت داشتند وعده‌ای ازکومونیست های روسی بعنوان مستشارمأموروهدایت‌راهنمائی اعضای حکومت مزبور بودند.

درتاریخ ۲۹ مرداد ۱۲۹۹ اولین کنگرهٔ حزب کومونیست ایران در شهر انزلی (پهلوی) منعقد گردید که تصمیماتی دربارهٔ برنامهٔ آیندهٔ حزب و توسعهٔ سازمان آن اتخاذ نماید . غالب نمایندگانی که درین کنگره حضور بهمرساندند ایرانیانی بودند که در قفقاز وترکستان زندگی کرده وفقط معدودی ازآنها با زبان فارسی آشنائی داشته و ازاوضاع ایران اطلاعاتی داشتند. سلطان‌زاده که بعدها بعنوان نمایندهٔ حزب کومونیست ایران در کنگرهٔ بین‌المللی کومونیست‌ها درمسکو شرکت کرده بود درتاریخ ۲۲ مرداد ۱۳۰۰ شرح زیر را در بارهٔ حزب مزبور در روزنامهٔ پراودا [۱] چاپ مسکو منتشر کرد: « حزب کومونیست ایران کوشش میکند که مترقی‌ترین عناصری که بین برزگران وکارگران یافت میشود وارد حزب نموده وآنهارا متشکل سازد وتحت رهبری والهام سازمان بین‌المللی کومونیست آنها را بجلو ببرد وهمچنین حزب مزبور ساعی است که اتحادیهٔ کارگران را درتمام شهرهای ایران تشکیل داده واتحادیهٔ برزگران را درتمام دهات کشور ایجاد ومستقر سازد. حزب ما تاکنون ٤٥٠٠ نفر را بعضویت پذیرفته و بواسطهٔ تضییقاتی که موجود است فعالیتهای ما پنهانی صورت میگیرد . با وجود این مراتب ما توانسته‌ایم اتحادیهٔ کارگران و پیشه‌وران را تشکیل دهیم که دارای چهارهزار عضومیباشد .حزب‌ماحداقل‌هدف‌خودرا این‌قرارداده است که قدرت‌دولت ومالکین را از بین ببرد وایران را از قید ستمگریهای سیاسی واقتصادی غارتگران انگلیسی خلاصی بخشدو رژیم دموکراسی‌را برقرارنماید که تحت لوای آن بتواند به‌تبلیغات کومونیستی بپردازد . »[۲]

از نهم تا پانزدهم شهریور سال ۱۲۹۹ شمسی کنگرهٔ ملل شرق را شورویها درشهر بادکوبه تشکیل دادند ومنظورشان از انعقادکنگرهٔ مزبور این بود که مردم کشور های خاور را بکمك ومساعدت دولت جدیدالتأسیس مسکو تجهیز نمایند . عده ای از سران انقلاب روسیه من‌جمله گریگوری زینوویف[۳] کارل‌رادك[۴] بلاکون[۵] و استروسکی[۶] درین کنگره حضور داشتند. مجموع نمایندگانی که درین کنگره اجتماع کرده بودند ۱۸۹۱ نفر بود که ازکشور های بین مراکش ومنچوری آمده بودندوازین عده ۱۲۷۳ نفرشان کومونیست بودند . عدهٔ نمایندگانی که باصطلاح ازایران بکنگرهٔ مزبور رفته بودند بالغ بر۱۹۲ نفر بود که حیدرخان عمواغلی وسلطان‌زاده‌ازمعروفین آنها بودند. مذاکراتی که درین کنگره شد همه دربارهٔ اتحاد ملل شرق برعلیه‌استعمار غرب و هواخواهی از دولت شوروی بود ولی انعقاد این کنگره ــ که درآنوقت بسیار مورد توجه کشور های غرب اروپا واقع گردید ــ ثابت‌نمود که دولت جدید روسیه نظر خاصی بشرق دارد و میخواهد که نفوذ خودرا درهمهٔ کشور های آسیا توسعه دهد .

درنطقهای متعددی که درکنگرهٔ مزبور شد نام ایران بااهمیت خاصی‌ذکرمیشدو

---

(۱) Pravda (۲) ژرژ دوکروك (Georges Ducrocq) دردسامبر۱۹۳۳ مقالهٔ مفصلی‌دربارهٔ «سیاست دولت شوروی درایران » در مجلهٔ «عالم مسلمان» Revue du Monde Musulman منتشر کرد که‌شرح فوق اقتباس ازآنست .

(۳) Gregory Zinoviev (۴) Karl Radek

(۵) Bela Kun (۶) Ostrovsky

چندبار ناطقین ضمن بیانات خود ایران راکلید خاور خطاب کرده گفتند باید سعی نمود حکومت انقلابی درایران هرچه زودتر توسعه یابد تاانقلاب شرق آغاز گردد. زینوویف که بریاست کنگره انتخاب شد در نطق افتتاحیهٔ خود هدف کنگره را بیان کرده و گفت: اگرچه کشورهای شرق هنوز مرحلهٔ سرمایه داری را طی نکرده‌اند ولی نباید بانتظار آن نشست و باید کوشش نمود که انقلاب کمونیستی درسرزمنیهای خاوری طلوع نماید و ضمناً اطمینان داد که دولت شوروی همه گونه مساعدت را برای رسیدن باین هدف خواهد نمود.

در کنگرهٔ مزبور پیشنهادشد که درهمهٔ کشور های خاورمیانه و بخصوص هندوستان مردم را برعلیه انگلیس بشورانند تا دولت انگلیس از کمك بقوای ضد انقلابی دست بردارد و دولت شوروی را برسمیت بشناسد. این پیشنهاد تصویب گردید و کنگره بیانیه‌ای هم خطاب بهمهٔ ملل شرق صادر کرد که آنهارا تشویق وتشجیع بقیام برعلیه استعمار مینمود.

چنانکه از نوشته‌ها وبیانات پیشوایان ونویسندگان روسیهٔ شوروی معلوم میگردد دونظر مختلف دربارهٔ ایران بین آنها حکمفرما بوده است. گروهی معتقد بودند که سلطنت فرسوده وپوسیدهٔ قاجاریه وضعف مزمن حکومت مرکزی ایران زمینهٔ مساعدی فراهم کرده است که ارتش سرخ بایران تجاوز کرده وآنرا ازپای درآورد. آنهامدعی بودند که چون ایران مرحلهٔ فئودالیزم را طی میکند و سخت گرفتار استعمار خارجی میباشد اگر فعالیت حکومت انقلابی گیلان توسعه یابد بنیان فئودالیزم درهم خواهد ریخت وتوده های کارگران وبرزگران بسهولت خواهند توانست حکومت رابدست گرفته واز قید نفوذ بیگانه خلاصی یابند. بعلاوه میگفتند که چون مردم انگلستان از جنگ خسته شده وحاضر نخواهند بود که نزاع جدیدی درخاورمیانه شروع شود فرصت خوبی پیش آمده است که ارتش سرخ بایران استیلا یافته و با خلیج فارس ارتباطی پیدا کندتا بوسیلهٔ تهدید کشور های خاورمیانه وهندوستان دردسری برای انگلستان ایجادشود و آنکشورازمخالفت خودبا رژیم روسیه دست بردارد. نویسندگان مزبور باتفاق معتقد بودند که دستگاه فاسد حکومت ایران قادر بهیچگونه مقاومتی در مقابل هجوم ارتش سرخ نبوده ومردم ایران با دل وجان ازآن استقبال خواهندکرد. یکی از نویسندگان معروف شوروی در اوایل انقلاب موسوم به ترویانوسکی[1] چنین نوشته بود:

« برای ایجاد یك حکومت انقلابی در خاور زمین ایران اهمیت فوق العاده و بخصوصی را حائز میباشد. قیام ایرانیان اعلامی برای آغاز یك سلسله انقلابهائی خواهد بود که بسرعت بتمام آسیا و افریقا سرایت خواهد کرد. هندوستان هدف اصلی ما میباشد وایران درسر راه هندوستان است. توفیق در ایجاد انقلاب شرق متضمن آنست که ما ایرانرا بتصرف خود درآوریم و بدون توجه بقیمتی که این کار برای ما تمام خواهد شد باید ترتیبی دهیم که کلید گرانبهای شرق بدست ما بلشویکها بیفتد. ایران

---

(١) K. Troyanovsky

باید متعلق بما باشد وایران متعلق بانقلاب است.»[1] شاعر انقلابی ابوالقاسم لاهوتی درتأئید این مطلب چنین گفته بود :

تا لندن اتا ماژور بیکاران است — بنیاد نجات کارگر ویران است
از بهر هجوم ما بآن شهر سیاه — مرکز هند است وراه آن ایرانست

گروه دیگر معتقد بودند که ایران هنوز مرحلهٔ انقلاب بورژوازی[2] راطی نکرده ومهیا برای انقلاب اجتماعی نیست واگر تجاوزی بآن شود احتمال کلی دارد که انگلیس ها قسمت های جنوب و غرب ایرانرا اشغال نمایند و مانع ازین شوند که نقشهٔ ایجاد انقلاب درشرق انجام پذیرد . وضمناً میگفتند که تجاوز ارتش سرخ بایران آبروی دولت انقلابی روسیهٔ شوروی را درتمام جهان خواهد برد وهمه کس خواهد گفت که شورویها سیاست امپریالیستی روسیهٔ تزاری را تعقیب کرده وقصد کشورگشائی دارند .

کشمکش بین این دونظر تا وقتیکه انگلیس وفرانسه وامریکا بتحریك وتشجیع مخالفین دولت انقلابی روسیه میپرداختند ادامه داشت و پس از مباحثات بسیار بالاخره نظر پیشوایان انقلاب برین شد که تا وقتیکه انگلیسها تمام ایرانرا تخلیه نکرده اند از حکومت انقلابی گیلان پشتیبانی شود . درآنوقت افکار عمومی انگلستان سخت مخالف این بود که جنگ تازه‌ای شروع گردد و اقدامات بر علیه رژیم جدید روسیه ادامه یابد . دولت انگلیس تحت فشار افکار عمومی قفقاز را تخلیه کرده بود و باعجلهٔ تمام درصدد بود که ارتش خودرا از ایران خارج نماید .

بتدریج ارتشهای ضد انقلابی که باکمك فرانسه وانگلیس برعلیه حکومت انقلابی مسکو میجنگیدند شکست خورده ومنکوب گردیدند ودر مدت کوتاهی که از چند سال تجاوز نکرد قفقاز و ترکستان وسایر قطعات روسیهٔ تزاری که پس از انقلاب خود را از روسیهٔ جدا کرده بودند بتصرف ارتش سرخ درآمد وباستثنای کشور های بالتیك وفنلاند حکومت شوروی درتمام نقاط روسیه مستقر گردید .

پس از دفع دشمنهای داخلی بحث راجع بایجاد انقلاب در سایر کشور ها شروع گردید واین بحث هم مدتی ادامه داشت تااینکه نظر کلی اولیای امور دولت شوروی برین شد که از « ایجاد کمونیزم دریك کشور» پیروی کرده وسیاست « انقلاب دائمی جهانی» را بموقع دیگر واگذارند وتمام توجه آنها معطوف باین گردید که باصلاحات داخلی پرداخته واول رژیم کمونیزم را درروسیه مستقر سازند تا نمونه‌ای برای کشور های دیگر جهان باشد. پیشوایان انقلاب کاملاً متوجه بودند که تمام دنیای سرمایه‌داری با آنها مخالف میباشد وهرگونه رابطه را با روسیهٔ شوروی تحریم کرده است وقدرت نیروی شوروی هم کافی برای مبارزه باکشور های سرمایه‌داری نیست پس پیش خود گفتند بهتر است که بایجاد استقرار رژیم کمونیست در روسیه اکتفا نموده وسعی کنیم که رژیم جدید سرمشقی برای کارگران سایر کشور ها باشد .

درنتیجهٔ قبول این سیاست پیمان سال ۱۹۲۱ (۱۳۰۰ شمسی) بین ایران وروسیهٔ

---

(۱) نقل ازمجلهٔ «شرق وانقلاب» (Vostok i Revolutsia) چاپ مسکو

(۲) Bourgeois اطلاق بطبقهٔ متوسط وبازرگانان میشود

شوروی منعقد گردید و پیمان مزبور حاکی ازین بود که دولت شوروی تصمیم داشت از تحمیل کمونیزم بکشور های خاورمیانه در آن زمان خودداری نماید وقانع باین باشد که حکومتهای ملی و ضداستعماری را در کشور های مزبور تقویت کند تا بتدریج بنیاد فئودالیزم را برانداخته و زمینه را برای عملیات بعدی فراهم سازد. اولین سفیر شوروی بنام روتشتاین[1] در بهارسال ۱۳۰۰ شمسی بایران آمد وسیاست جدید شوروی را آغاز کرد.

چندی پس از ورود خود بتهران سفیر شوروی ضمن نامه‌ای که بمیرزا کوچك خان نوشته بود باو توصیه میکند که با دولت مرکزی سازش نماید وسیاست دولت خودرا چنین بیان میکند:

« من بمقصود خود رسیدم بدین معنی که قشون انگلیس وقشون روس، که عبارت باشد ازقوای روس وآذربایجان، رفتند وخوشوقتم ازینکه اقدامات من بی نتیجه نماند واین اقدامات بانظریات تشکیلات دولتی وحزبی مسکو موافق آمد. درموقع انجام این کار فقط فکرمن این بود که تنها امنیت میتواند ایران را ازجنگ امپریالیست‌های خارجی، که نسبت بایران نظریات طمع کارانه دارند، خلاص کند ... من سردستگی ملیون را بسیارقیمتی میشمارم و باآن امیدی که بدوستی شما دارم بخود اجازه میدهم گوشزد کنم که بواسطهٔ وضعیت مخصوص بین المللی ازبرای شما ممکن نشد باتاکتیك خودتان دولت را ترسانده یامجبور به بعضی تغییرات بکنید ویامملکتی را ازنفوذ وحضور انگلیس‌ها آزادنمائید. بازهم تکرارمیکنم که تقصیرشما نیست بلکه بواسطهٔ وضعیت بین المللی است واز زمان جنگ باینطرف رویداده است. چونکه ما، یعنی دولت شوروی، درین موقع عملیات انقلابی را نه‌تنها بی‌فایده بلکه مضرمیدانیم. این است که فرم سیاست خودرا تغییرداده وطریق دیگری اتخاذ میکنیم. هرچند که از زمان عقد قرارداد ما باایران، که سیاست مارا نشان میدهد، چند ماه بیش نگذشته است و قلیل مدتی است که من درایران توقف دارم باوجود این پیشرفت بسیاری درسیاست خود ملاحظه میکنیم.»[2]

ازآنوقت ببعد سیاست شوروی درایران این بود که باجدیت تمام برعلیه سیاست استعماری انگلیس تبلیغ نموده وبهروسیله‌ای که ممکن باشد باآن مبارزه کند ودرضمن حزب کمونیست ایران را که تشکیلات پنهانی داشت تقویت نماید. کار تبلیغات مزبور در ایران و افغانستان بجائی رسید که دولت انگلیس در ماه مه ۱۹۲۳ (خرداد ۱۳۰۲) اولتیماتوم ده روزه‌ای بدولت شوروی داد که اگرتبلیغات مزبورخاتمه نیابد ومأمورین مسئول آن بخصوص سفیران شوروی درتهران وکابل احضارنگردند روابط تجارتی بین دودولت قطع خواهد گردید. پس ازمبادلهٔ چند یادداشت بین دولتین مزبور سفیر شوروی درکابل احضار گردید وقرارداد جدیدی بین دولتین شوروی وانگلستان منعقد گردید که تاحدی بجنگ تبلیغاتی آنها درایران خاتمه داد.

درآن ایام که تبلیغات شورویها برضدانگلیس رواج کامل داشت شرکت نفت ایران

---

(۱) Theodore P.Rothstein.

(۲) نقل ازروزنامه «پرورش» رشت شمارهٔ شش سال ۱۳۲۲ شمسی. روزنامهٔ مزبوردرشمارهٔ هفت خود جوابی را که میرزا کوچك خان به روتشتاین داده نیز چاپ کرده است.

وانگلیس یکی ازهدفهای عمدهٔ این تبلیغات بود و پس ازآنکه قضیهٔ نفت شمال بمیان آمد (که درفصل‌هشتم‌ذکرشده) ودولت شوروی بواسطهٔ قراردادی‌که باشرکت‌سینکلر منعقدکرده بود بهواخواهی آن برخاست تبلیغات شورویها برعلیه شرکت نفت ، که طرفدار اعطای امتیاز نفت شمال بشرکت استاندارد اویل بـود ، شدت یافت . واین اولین باری بودکه یك دولت خارجی تبلیغات دامنه داری را برعلیه شرکت مزبور آغاز میکرد .

اقدام دیگری‌که شورویها در آن ایام‌کرده و نظرشان ازاقدام مزبور سلطهٔ اقتصادی برایران بود ترتیبی بودکه درامر بازرگانی باایران پیش گرفته بـودند . چنانکه میدانیم راه های شوسهٔ خوب و راه‌آهن وبخصوص راه طهران بخرمشهردرآن اوقات وجود نداشت و قسمت عمدهٔ صادرات ایران بروسیهٔ شوروی حمل می‌گردید . شورویها ازاحتیاج مبرم ایران بفروش‌کالای خود بروسیه نهایت سوء استفاده‌را کرده و تقریباً انحصاری برای قسمت عمدهٔ بازرگانی ایران برای خود ایجادکرده بودندکه زیان‌آور بود .

هنگامی‌که نهضت تغییر رژیم وخلع قاجاریه جریان داشت دو باره بین پیشوایان ونویسندگان شوروی اختلاف نظری در بارهٔ ایران پدیدآمدکه آیا نهضت مزبور را باید تقویت کرد یا باآن مخالفت نمود . دسته‌ای بریاست ویسانوف[1] مدعی بودندکه نهضت تغییر رژیم ایران باجلب‌نظرانگلیسها بوده و بالنتیجه یك نهضت ارتجاعی است که برای تقویت وادامهٔ فئودالیزم ایجادگشته است . دستهٔ مزبور عقیده داشت‌که باید با رژیم جدید ایران مخالفت نمود وکـوشش کردکه برزگران نهضتی شروع کرده واراضی کشاورزی‌را ازمالکین‌بگیرند وخود مالك شوند تابدین وسیله قدرت فئودالیزم ایران ازمیان برود وزمینه برای انقلاب ایران فراهم‌گردد واستعمار ریشه‌کن شود . دستهٔ‌دیگر بپیشوائی گورکـو-کریاژین[2] میگفت که‌تغییررژیم‌یکقدم‌بسوی‌انقلاب‌بورژوازی است وباید ازآن‌تقویت کرد. یك نویسندهٔ روسی‌که مقالات خود را همیشه بنام مستعار «ایرانسکی» منتشرمیکرددرآنوقت‌نوشته‌بود: «رضاشاه‌ازمیان‌مردم‌برخاسته ونهضتی‌که او پیشوای‌آن‌میباشدقدم‌بزرگی‌روبتحول‌جامعهٔ ایران‌است. یك دولت‌نیرومند مرکزی‌که متکی بارتش متحد ملی باشد موجب پیشرفت‌امور بازرگانی وصنعتی وفرهنگی‌درایران خواهد بود وسبب خواهد شدکه ایران ازمرحلهٔ فئودالیزم خارج‌شده وموجودیت جدیدی دراقتصاد وسیاست بدست‌آورد.»[3] بالاخره دستهٔ دوم فائق‌آمده ودولت‌شوروی نه‌تنها باتغییر رژیم مخالفت نکرد بلکه مساعدت هم نمود .

در سال ۱۹۲۷ یکی از نویسندگان امریکائی پرسشهائی ازکمیساریای خارجهٔ شوروی‌کرده بودکه نظرآنها نسبت‌برژیم‌رضاشاه چه‌می‌باشد وسخنگوی وزارت خارجهٔ مزبورچنین گفته بود :-

---

(۱) Vissanov (۲) V.A.Gurko - Kriazhin

(۳) نقل از مجله «شرق جدید» Novy Vostok جلد چهارم صفحه ۲۱۸ تحت عنوان «پنج‌سال روابط شوروی وایران» .

«خیلی مشکل است بپرسشی که این‌اندازه جنبهٔ شخصی‌دارد جواب گفت . رضاشاه درگذشته اقدامات بسیار نیکوئی‌درایجاد اولین ارتش ایران ومبارزه‌بابقایای فئودالیزم کرده است و شالودهٔ حکومت جدیدی را پی ریزی‌کرده‌که موجب پیشرفت و ترقی وضع سیاسی واقتصادی‌کشور ایران خواهد بود . درین موارد و با وجـود اینکه او سوءظن شدیدی نسبت به بلشویزم دارد ازمساعدت‌کامل دولت شوروی بهره مند بوده است. درحال حاضر آشکار نیست که او میخواهد چه‌کاری‌رادرآینده انجام دهد . تمایلات او بطرف انگلیسها ظاهروهویداست ولی شاید این‌مربوط باحتیاجات مالی دولت‌ایران باشد . درهرقدمی که او برای استواری امور کشور وتحکیم‌استقلال ایران‌بردارد بدون تردید ازمساعدت وحسن‌نظرما برخوردارخواهد بود.»[1]

پس ازکامیابی رژیم جدید وخلع‌قاجاریه واستقرارکامل حکومت مرکزی سیاست شوروی درایران تحول یافت وتبلیغات‌آن بظاهر محدودگردید . درآن زمان سیاست شوروی نسبت بکشورهای خاورمیانه این بودکه باامپریالیزم واستعمارکشورهای‌غرب اروپا درکشورهای مزبورمبارزه نماید وزمینه را برای اقدامات آینده فراهم سازد . برای این‌کارمبلغین وعمال‌آزموده لازم بود ودولت شوروی دانشگاهی بنام «دانشگاه کومونیستی برای رنجبران خاور» ایجادکردکه مرکزعمدهٔ‌آن درتاشکند وشعباتی‌هم درایرکوتسک[2] وبادکوبه داشت . درسال ۱۹۲۲ هفتصدنفر دانشجو از۵۷ ملل‌مختلف درین دانشگاه بتحصیل مشغول بودند ولی این‌دانشگاه یك مرکز علمی وفرهنگی‌نبود بلکه‌کانونی بودکه دانشجویان درآن اصول مارکسیزم[3] را فراگرفته وازطرز تبلیغات وتاکتیك‌های انقلاب زحمتکشان آگاهی‌میافتند . دورهٔ‌دانشگاه چهارسال بود وپس‌از ختم تحصیل دانشجویان مأمورکشور هـای خود میشدندکه درآنجا چه در ظاهر وچه درخفا به تبلیغ مشغول شوند. علاوه برین‌دانشگاه مدارس مختلف دیگری‌هم درروسیهٔ شوروی تأسیس‌شدکه فقط‌اختصاص‌به‌یادگرفتن زبانهای‌شرقی‌داشت‌که جوانان کمونیست شوروی در آن تحصیل کرده وبعد ها حاضر بودند که درکشور های خارج یا بعنوان دیپلومات ویابعناوین‌دیگرمشغول کارشوند .

ششمین کنگرهٔ کمینترن[4] درسال ۱۹۲۸ درمسکو تشکیل شد ونمایندگانی‌ازتمام احزاب کومونیست کشورهای مختلف درآن‌حضوربهمرساندندکه دربارهٔ‌خط مشی آیندهٔ خود تصمیماتی بگیرند . نمایندگان حزب کومونیست ایران سلطان زاده (سلطانوف) و شارقی بودندکه شارقی بعضویت کمیسیون نظارت کنگرهٔ مـزبور انتخاب شد وهردو نماینده نطقهای مفصلی راجع بایران کردندکه مورد توجه اعضای کنگره واقع گردید. درین کنگره تصمیم گرفته شدکه درایران تبلیغات بین کارگران توسعه یابـد ومبارزه

---

(۱) نقل ازکتاب «ایران جدید» صفحهٔ ۳۱۰ تألیف Vincent Sheean .

(۲) Irkutsk شهری است درشرق سیبری . (۳) Marxism

(۴) Commintern سازمان‌کومونیزم بین‌المللی بودکه روسها برای ترویج وتبلیغ مرام‌کومونیزم درتمام جهان ایجاد کرده بودند . در موقع جنك دوم جهانی سازمان مزبـور برای تسکین خاطر متفقین دولت شوروی تعطیل شد و پس از جنك بنام کومینفورم Comminform عملیات سابـق را ادامه می‌دهد .

بااستعمار گران شدیدتر شود وسازمان حزب وسیع تر گردد.

اطلاعات راجع بفعالیت حزب کومونیست ایران در آنوقت بسیار کم و ناقص است[1] و آنچه که معلوم می باشد این است که پس از برقراری روابط بین ایران و شوروی در سال ۱۳۰۰ شمسی قسمت عمدهٔ متصدیان امور حکومت انقلابی گیلان بروسیه فرار کردند و بعدها بااسم های مستعار بعضی از آنها بایران مراجعت کرده وفعالیت پنهانی داشتند. اینها علناً خود را عضو حزب معرفی نکرده ووجود حزب را نیز فاش نمیکردند ولی تحت عنوان «آزادیخواه» ومخالف استعمار درهمهٔ دستجات وارد بوده و سعی میکردند که اعمال نفوذ نمایند. بین سالهای ۱۳۰۰ و ۱۳۰٤ حزب مزبور توفیق یافته بود که سازمانی برای اتحادیهٔ کارگران دررشت وتبریز وتهران بدهد و روزنامه‌ای هم درتهران منتشر میکرد بنام «حقیقت» که قسمت عمدهٔ مقالات آنرا جعفر پیشه وری مینوشت. این روزنامه چندماهی بیش دوام نکرد ودرسرلوحه‌اش مینوشت «رنجبران جهان اتحاد» ودر بالای یکی از صفحاتش این رباعی نوشته می‌شد :-

ای آنکه بزور ثروت خود مستی — دانی که بود پی بلندی پستی
گرکارگرامروز شود خوش باتو — فـردا گه انتقام ایمن هستی

پس ازتوقیف روزنامهٔ « حقیقت » که مندرجاتش بسیار افراطی بود روزنامهٔ دیگری بنام « اقتصاد ایران » جای آنرا گرفت که دوام زیادی نکرد وآنهم توقیف گردید. در دورهٔ چهارم مجلس شورای ملی افراد حزب مزبور طرفدار حزب عـامیون اجتماعیون که پیشوائی آنرا سلیمان میرزا داشت بودند وچون عدهٔ آنها کم بود وجرئت هیچگونه تظاهری هم نداشتند توفیق زیادی حاصل نکردند. پس ازخلع قاجاریه وتغییر رژیم دولت اقدامات شدیدی را برعلیه افراد حزب کومونیست شروع کرد که مستمراً تاشهریور ۱۳۲۰ ادامه داشت.

درسال ۱۳۰۸ که کارگران نفت درآبادان اعتصاب کردند معلوم شد که چندنفراز اعضای حزب کومونیست بین آنها تشکیلات مخفی داده وپیشوائی آنها را داشتند. دولت بی درنگ پیشوایان مزبوررا توقیف وزندانی کرد وغائله را خاموش نمود وهمواره از طرف دولت کوشش میشد که ازفعالیت حزب مزبور آگاهی یافته وازفعالیت آن جلوگیری نماید. قانونی هم بتصویب مجلس رسید که عضویت حزب اشتراکی جرم شناخته شده و مرتکبین برای مدت زیادی زندانی میشدند. باوجود تمام جدیتهائی که درین باره میشد بازگاه گاه عملیات حزب مزبورظاهر میگشت. یکبارجمعیتی بنام « فرهنك » دررشت و باردیگر پیروان دکتر ارانی درتهران فعالیتهائی راشروع کردند که کشف شدو توقیف گشتند. تضییقات برای نموحزب مزبورادامهٔ عملیات آن بحدی شدید بود که چندسال قبل ازجنك دوم جهانی تقریباً تمام عملیات آن متوقف گشته بود.

فعالیت عمال شوروی در آن ایام ازسه طریق مختلف انجام میگرفت. اول از

---

(۱) بقرار معلوم سلطان‌زاده کتابی درمسکو بزبان روسی منتشر کرده که نام آن «ایران معاصر» است وشامل اطلاعاتی راجع به حزب کومونیست ایران است. ولی کتاب مزبور درسال ۱۳۰۳ انتشار یافته واطلاعات آن مربوط به پنج سال اول تشکیل حزب میباشد.

مجرای دیپلوماسی دوم بوسیلهٔ حزب کومونیست که دستور های خود را از کمینترن در مسکو دریافت میداشت وسوم بوسیله ادارهٔ سیاسی شوروی موسوم به گ.پ.او . ۱ که عمال مخصوصی درایران داشت وهمه یا عضوسفارت ویاعضوادارات بازرگانی شوروی وقونسولگریها بودند . یکی ازمأمورین اداره گ.پ.او بنام ژرژ اقابکوف ۲ درسال ۱۳۰٦ بایران آمد که کلیهٔ عملیات ادارهٔ مزبوررا درتهران تمرکز داده وریاست آنرا بعهده گیرد. اقابکوف پس ازچندسال مأموریت درایران توانست به بلژیك پناه برده وازخدمت شورویها خلاصی یابد . درآنجا کتابی بزبان فرانسه راجع بعملیات ادارهٔ خودمنتشر کرد که تاحدی پرده ازروی عملیات گ.پ.او.درایران برمیداشت واطلاعات چندی هم دربارهٔ حزب کومونیست ایران داشت.

موقعیکه امتیازدارسی ملغی گردید جراید شوروی اقدام دولت ایران رابسی ستوده وازآن هواخواهی نمودند. یك مقاله ای تحت عنوان «مبارزه برای نفت ایران ووظیفهٔ حزب کومونیست ایران» درروزنامه ارگان کمینترن بنام «مکاتبات مطبوعات بین المللی» ۳ بامضای مازیار ۴ درج گردید که نظرشورویهارادرین باره واضح میساخت که قسمتهائی از آن درزیر نقل میشود :

«منازعه ای که بین امپریالیزم انگلیس و دولت ایران بروز کرده است ، حزب کومونیست ایران وکلیهٔ عناصرانقلابی وتمام مبارزین باامپریالیزم راکه همهٔ آنها هدفهای بامسئولیتی دارند مواجه باقضیهٔ مهمی نموده است . حزب کومونیست ایران وظیفه اصلی خود را این میداند که توده های کارگران را برای مبارزه برعلیه امپریالیزم انگلیس مجهز نماید وازفرصت استفاده کرده آنهارا طی این مبارزه متشکل سازد ودرین نهضت ضد امپریالیستی یك کادر کارگری ایجاد نماید و بدینوسیله پیشوائی کارگران را درین مبارزه بدست آورد . . . ایران استقلال سیاسی خودرا پس ازانقلاب اکتوبر بدست آورد ولی زمامداران آن توفیق یافتند که نهضت انقلاب ملی را درابتدا خفه نمایند . انقلاب گیلان درهم شکسته شد و نهضت ضد امپریالیستی تا بآخر تعقیب نگردید . . . . از لحاظ اقتصادی ایران بهمان شکل نیمه مستعمرهٔ امپریالیزم باقی مانده است . مراکزمهم کشورمانند تجارت خارجی ونفت وبانکداری وحمل ونقل موتوری همه تحت اختیار و نظارت سرمایهٔ انگلیسی است . . . بعضی ازرفیقان مدعی شده اند که زمامدارایران عامل امپریالیزم است . بعضی دیگر بعکس میگویند زمامدارمذکورموجد ترقیات وپیشرفتهای ملی میباشد و تمرکز امور کشوررا با موفقیت انجام داده است . لازم بتذکر نیست که هردو نظرخالی ازخطا واشتباه نیست. مبارزه ای که ایران درمورد نفت مینماید یك مبارزهٔ ملی واصلاح طلبانه ای است وعلائم وآثارحاکی ازین است که بالاخره ایران تسلیم امپریالیزم خواهد شد . قصد دولت ایران درین مبارزه این نیست که ثروت طبیعی کشوررا بازستانند بلکه چانه میزند تا مبلغ زیاد تری بدست آورد . دولت ایران قیمت بیشتری برای نفت خود میخواهد ولی حزب کومونیست ایران مصادرهٔ منابع طبیعی را طالب است . . . .

---

(۱) G.P.U سازمان سیاسی دولت شوروی بود که درداخل وخارج روسیه بکارهای پنهانی سیاسی وجاسوسی میپرداخت.

(۲) Georges Agabekov

(۳) International Press Correspondence

(۴) L. Magyar

حزب کومونیست ایران وظایفی درپیش دارد و گرچه عملیات آن فعلا محدود گشته ودر دایرهٔ تنگ‌تری‌قدم‌میگذارد ولی‌هنگامیکه حزب‌مزبور بتواندتوده‌های‌عظیم‌را بیدارنماند توفیق‌وکامیابی آن حتمی‌خواهدبود .»

پس‌ازظهورحکومت هیتلردرآلمان مسکوتاکتیك خودرا درهمهٔ کشورهاتغییرداد و درصددبرآمدکه باکشورهای غرب اروپا طرح دوستی‌ریخته وروابط نزدیکی با آنها برقرارنماید . درسال ۱۹۳٤ روسیهٔ شوروی عضویت جامعهٔ ملل‌را قبول کرد وبا غالب کشورهای همسایه پیمانهای‌عدم تجاوزامضا نمود وکوشش‌داشت که احزاب کومونیست اروپا با دسته هائی کـه در هر کشور مخالف فاشیزم بودند ائتلاف نموده و یك جبههٔ واحدی بر علیه هیتلر و موسولینی ایجاد نمایند . انعکاس چنین سیاستی درکشور های شرق این‌بود که تبلیغات شورویها برعلیه‌امپریالیزم غربی‌درکشورهای‌مزبورتخفیف‌یافت وتقریباً متوقف گردید .

درسال ۱۹۳۵ هفتمین کنگرهٔ کمینترن درمسکوتشکیل‌شد و سخنرانان همه ساعی بودندکه خطرفاشیزم راگوشزدکرده و احزاب کومونیست را درهمهٔ کشورها برضدآن تجهیز نمایند . البته دراین‌کنگره از مخالفت با امپریالیزم صرف نظر نشدولی بهمهٔ نمایندگانی که درکنگره حضورداشتند خاطرنشان میشدکه دشمن فوری‌وآنی کومونیزم همان فاشیزم است‌که سربلندکرده وباید بهرقیمتی‌هست آن‌را نابودکرد . نفوذآلمان هیتلری درخاورمیانه روبتوسعه میرفت وشورویها تلاش بسیارمیکردندکه چه خودمستقلا وچه باکمك دول‌غرب اروپا باآن مبارزه نمایند لذا ازتبلیغات برضد امپریالیزم غرب کاسته وتمام‌توجه‌آنها معطوف به مبارزه باآلمان شد . همینکه جنگ‌دوم جهانی‌شروع گشت ودول غرب ازتشکیل جبههٔ واحدی با روسیه برعلیه آلمان امساك‌کردند روسیهٔ شوروی سازش موقتی باآلمان نمود ولی پس‌از چندی‌که مورد حملهٔ آلمان واقع‌گشت ائتلاف بادول‌غرب صورت‌گرفت وهمه متحداً برعلیه‌آلمان قیام‌نمودند تاآن‌کشوررا از پای درآوردند .

درشهریور۱۳۲۰ که هجوم ارتشهای بیگانه بایران پیش‌آمدتمام کسانی که‌بجرم داشتن مرام اشتراکی وهمکاری با شورویهابزندان افتاده بودندآزادگردیدند وحضور ارتش سرخ درایران‌میدانرا برای عملیات هواخواهان دولت شوروی بازگذاشت. برای اینکه متفقین شوروی نگویندکه درحین جنك شورویها دست باختلال زده وامنیت‌ایران را ، که برای رساندن‌لوازم‌ومهمات بروسیه واجب‌بوده ، برهم میزنندمأمورین‌شوروی نهایت حزم واحتیاط را بکار بردند واجازه ندادندکه حزب کومونیست ایران تظاهری بنماید وچون قانونی‌درایران وضع شده بودکه ایجاد حزب اشتراکی را مانع میشد و اعضای‌آنرامجرم میشناخت صلاح دراین‌دیدندکه حزب توده را تشکیل‌داده ومرام‌آنرا طوری‌تنظیم‌نمایندکه درظاهرشباهتی‌با حزب کومونیست نداشته باشد. این حزب‌تشکیل شد واولین رهبر وپیشوای آنهم سلیمان میرزا بود ولی بهمهٔ اعضای حزب کومونیست ایران‌که در سابق وجود داشت توصیه شدکه بحزب توده بگروند . پیشه‌وری وچندنفر دیگرکه با پیروان دکترارانی‌نظرخوشی نداشتند ازعضویت حزب‌توده خودداری‌کرده و دسته افراطی دیگری را تشکیل دادند ولی بقیه عضویت حزب توده را قبول کرده و

تحت عنوان و مرام یك حزب آزادیخواه کلیهٔ عملیات یك حزب کومونیستی را تعقیب میکردند.

عملیات حزب توده درده پانزده سال اخیرجزوتاریخ معاصرمحسوب میگرددوشرح وبسط راجع بآن موردی ندارد ولی همینقدرلازم است گفته شود که ازسال۱۳۲۳ به بعد حزب مزبورعامل مؤثری برای انجام مقاصد سیاسی دولت شوروی درایران گردید وطولی نکشید که ماهیت آن برهمه کس معلوم شد وجرایدومطبوعاتی که ازطرف آن حزب منتشر میگردید این نکته را کاملا تائیدوتصریح میکرد.

درقسمت نفت و علاقهٔ شورویها بتحصیل امتیاز نفت شمال مطالب بتفصیل درفصل جداگانه‌ای شرح داده‌شده وتکرارآن درین‌جا زایداست . همینقدرلازم است گفته شود که پس‌ازعدم‌کامیابی شورویها درتحصیل امتیازمزبورو ایجاد غائلهٔ آذربایجان دستگاه تبلیغاتی دولت شوروی و حزب توده تمام توجه خودرا معطوف باین نمودکه بهرقیمتی هست باید اقدام بلغوامتیاز نفت جنوب کرد وازهیچ اقدامی درین‌باره فروگذار نکرد . عدم رضایت عمومی‌ازشرکت نفت ایران و انگلیس بهترین زمینه را برای این‌کارفراهم میساخت وحزب توده بکامل‌ترین وجهی‌ازاین‌عدم رضایت استفاده نمود.مقدمهٔ سازمان کاملی بین کارگران صنعت نفت ایجاد کرد وازعدم رضایت آنها استفاده کرده اعتصاب سال ۱۳۲۵را بوجودآورد وسپس تبلیغات خودرا هم‌آهنك بااعتراضات ملیون نمودوازاین‌راه بهره‌مندی کاملی حاصل کرد .

درین‌جا یادآوری‌دونکته که درفصول پیش ذکرشده لازم‌بنظر میرسد. اول‌جمله‌ای است که درنامهٔ سفیرشوروی‌خطاب به نخست‌وزیرایران بتاریخ۲۸آبان ۱۳۲۶ذکرشده وچنین میگوید :

«دولت شوروی نمیتواند متذکر نشودکه تصمیم مجلس راجع به بی اثر بودن قرارداد تشکیل شرکت مختلط نفت ایران و شوروی برای شمال ایران با وجود بقای امتیازنفت ایران وانگلیس درجنوب ایران تبعیض فاحشی‌نسبت باتحاد جمهوری‌شوروی است .»[۱]

جملهٔ فوق میرساندکه سیاست شوروی از ۱۳۲۶ ببعد متوجه این بوده‌است که‌این‌تبعیض را ازمیان بردارد واقداماتی راکه حزب‌توده درین باره کرده تأئیدی ازسیاست‌مزبور بوده‌است .

دوم مآل‌اندیشی وتوجهی بوده‌است که انگلیسها بحل قضیه نفت شمال داشته‌ودر کنفرانس یالتا[۲] مکرر بروس ها گفته بودندکه آنها با تحصیل امتیاز نفت ازطرف شورویها مخالفتی ندارند . اگرچه این بخشش ازکیسهٔ خلیفه بوده و روسها هم در صمیمیت این‌نظر تردید بسیار داشتند لکن‌وقایعی‌که بعد رخداد ثابت‌میکندکه‌انگلیسها نگرانیهای بسیاری ازطرف روسها داشته و بیم این را داشتندکه شورویها بامتیاز آنها درجنوب لطمه‌ای برسانند .

البته خطای محض است اگرکسی مدعی شودکه ملی شدن نفت ایران دراثر

---

(۱) رجوع شودبه صفحه ۴۸۲

(۲) رجوع شودبصفحهٔ ۴۶۵

تلقین شورویها بوده است زیرا چنین نبوده وعلت آن همان عدم رضایت شدید مردم ایران بوده که پس‌از مجاهدت بسیار برای استیفای حق خود و شنیدن جوابهای یأس آمیز مبادرت باین‌کار نمود ولی منکر هم نمیتوان شد که حزب توده یکی‌از مهمترین عواملی بود که به نهضت ملی‌شدن نفت کمك بسیار نمود وگرچه در بادی امر نهضت مزبور را تخطئه کرده و جدی نمی پنداشت ولی پس‌از آنکه قانون ملی‌شدن نفت به تصویب مجلسین رسید و خلع‌ید از شرکت‌نفت شد حزب مزبور با تمام قوا از نهضت مزبور تشویق و پشتیبانی کرد .

بنا برآنچه گفته شد محقق میگردد که نظریهٔ اتحاد جماهیرشوروی نسبت بایران وبخصوص نفت ایران چندان تفاوتی با نظریهٔ دولتهای غربی ندارد با این فرق که دولت شوروی در درون لفافهٔ حمایت ازکارگر و رنجبر و بوسیلهٔ حزبی که‌ایجاد کرده بود درامور داخلی کشور همسایه‌اش دخالت‌میکرد وموقعی که طالب امتیاز نفت شمال بود با شورشهای تصنعی‌عمال کومونیستی خود خواست بمقصود برسد و همینکه کامیاب نشد بوسیلهٔ همان عمال در صدد تلافی برآمد .

بخش دوم - علاقمندی‌امریکا به نفت ایران

پیش‌ازآنکه علاقمندی امریکارا به نفت ایران‌شرح دهیم‌بیمورد نیست اگربعنوان مقدمهٔ این‌بخش تاریخچهٔ بسیارمختصری ازروابط ایران‌وامریکا درینجاذکرنمائیم.

رابطهٔ ایران وامریکا ازسال۱۸۲۹(۱۲۰۸شمسی) آغازمیگردد .[۱] درآن سال عده‌ای ازمبلغین مذهبی امریکاکه پروتستان بودند بارومیه (رضائیه) آمده وبین‌آسوری های (نصرانیها) ساکن‌آن ناحیه به تبلیغ پرداختند وسپس مدرسه‌ای ایجادکردندکه‌در آن کودکان‌آسوری‌زبان انگلیسی‌راآموخته وآئین پروتستانهارا یاد میگرفتند . طولی نکشیدکه عده‌ای از آسوریها بتدریج بامریکا مهاجرت کرده ودرشهرشیکاگو متوطن شدندکه اکنون‌بازماندگان‌آنها ازشصت هزارهم متجاوزاست . ازسال ۱۸۷۰(۱۲۹۴ شمسی) به‌بعد مبلّغین مذکورعملیات خودرا توسعه داده ودرسال ۱۸۷۲(۱۲۵۱شمسی) در تهران وسال بعد آن‌درتبریزودرسال ۱۸۸۱ (۱۲۶۰شمسی)درهمدان‌مراکزی‌برای تبلیغ برقرار کردند.

تبلیغات آنها درابتدای امر محدود بترویج مذهب پروتستان بین آسوری ها و ارمنیها بود ولی‌بعدها دامنهٔ‌آن وسعت یافت وبین مسلمانان نیزشروع گردید لکن‌توفیق زیادی درین باره حاصل‌نکرده ومخالفت پیشوایان اسلام ومجتهدین‌را هم جلب کردند. مهمترین وسیلهٔ تبلیغ‌آنها ایجاد مدرسه و بیمارستان وکارهای خیریه بود که ازاین راه

---

(۱) اطلاعات بیشتری‌را درین‌باره میتوان ازسه مقاله زیربدست‌آورد : اول‌مقاله‌ای‌تحت عنوان «نخستین رابطه سیاسی باامریکا» که درشماره ششم سال‌اول مجله «یادگار» چاپ شده . دوم مقاله‌ای تحت عنوان «تاریخچه تأسیس‌سفارت ایران درواشنگتن» بقلم ع.ح مفتاح‌که درشماره سوم مجله«ایران وامریکا» چاپ‌شده وسوم مقاله‌ای تحت‌عنوان «تأسیس سفارت امریکادرتهران» بقلم‌علی‌پاشاصالح‌که‌در شماره پنجم همان مجله منتشرشده است .

تماس زیادتری بامردم پیدا کرده ومیتوانستند تبلیغات خودرا ادامه دهند . سالهای بعد مراکز دیگری درشهرهای کرمانشاه و سنندج ورشت ومشهد ایجاد کردند و برنامهٔ آنها این بود که بتدریج درتمام نقاط مهم شمال چنین مراکزی را برقرار نمایند . طبق قراری هم که با مبلّغین انگلیسی داشتند فعالیت مبلّغین امریکائی محدود بنقاط شمالی و غربی ایران بود ومبلّغین انگلیسی درشهرهای مهم جنوب مانند یزد و کرمان واصفهان وشیراز بکار تبلیغ میپرداختند .

درسال ۱۸۵۶ (۱۲۳۵ شمسی) دراستانبول بین فرخ‌خان غفاری ملقب بامین‌الملك (که بعدها امین‌الدوله لقب گرفت) سفیر کبیر ایران و کارول اسپنس[۱] وزیرمختار ممالك متحدهٔ شمالی مقیم دربارعثمانی پیمانی برای برقراری روابط دوستی و بازرگانی برقرار گردید . اولین وزیرمختارامریکا بنام مستر بنجامین[۲] درسال ۱۸۸۳ (۱۲۶۲ شمسی) به تهران آمد و سفارت امریکارا افتتاح نمود واولین وزیرمختارایران بنام حاج حسینقلی خان معتمدالوزاره که بعدها لقب صدرالسلطنه داشت[۳] درسال ۱۸۸۷ (۱۲۶۶ شمسی) به واشنگتن رفت. سالهای متمادی تنها منافعی که امریکا درایران داشت همان حفظ حقوق مبلّغین مذهبی بود که بتدریج بواسطه خدمات فرهنگی و بهداشتی خود محبوبیتی میان مردم برای خود تحصیل کرده بودند . دوری مسافت بین ایران وامریکا واحتراز دولت امریکا ازهرگونه دخالت درامورداخلی ایران و معروفیت امریکا باینکه همیشه طرفدار ملل ضعیف بوده وبااستعمار مخالفت میکرده و ازهمه مهم‌تر خدمات فرهنگی و بهداشتی مبلّغین مذهبی بتدریج محبوبیت بسیاری برای امریکائیان درایران ایجاد نمود . هنگام نهضت مشروطه جرایدامریکا استقبال شایانی ازنهضت مذکور کردند ویکی ازامریکائیان بنام باسکرویل[۴] که دبیرمدرسهٔ امریکائی تبریز بود بمشروطه خواهان آن شهر پیوست و درصف مجاهدین مشروطه خواه جنگید تا کشته شد[۵] واین فداکاری تأثرعمیقی درافکار عموم ایرانیان باقی گذاشت .

پس‌ازبرقراری حکومت مشروطه اولیای وقت بفکراین افتادند که مستشارانی‌از کشورهای بیطرف درامورایران استخدام نموده وادارات دولتی‌را بطرزجدید معمول درممالك اروپا تشکیل‌داده‌واصلاحاتی درآنها بنمایند . این بود که عده‌ای افسرازسوئد برای تشکیل ژاندارمری و اصلاح شهربانی استخدام کرده و ازدولت امریکا هم تقاضا کردند که عده‌ای مستشار آزموده برای اصلاح مالیهٔ ایران اعزام دارد . دولت امریکا یکی‌ازاعضای خزانه داری خودرا بنام مورگان شوستر[۶] معرفی نمود که ریاست هیئت مستشاران‌امریکائی‌را داشته باشدوضمناً بدولت ایران اطلاع داد که هیئت مزبورمستخدم دولت ایران بوده و دولت‌امریکا بهیچوجه درکارهای آنها دخالت نخواهد کرد . شوستر بمعیت چندنفردیگردرماه مه ۱۹۱۱ (خرداد ۱۲۹۰ شمسی) بتهران وارد وشروع بکار نمود

---

(۱) Carroll Spence (۲) S.G.W.Benjamin

(۳) پسرهفتم میرزاآقاخان نوری ملقب باعتمادالدوله که پس‌ازامیرکبیرصدراعظم‌ایران بود . صدرالسلطنه پس‌ازمراجعت ازمأموریت امریکا معروف به حاجی‌واشنگتن شده بود .

(۴) H.C.Baskerville (۵) برای شرح این واقعه رجوع شود بتاریخ مشروطه ایران تألیف کسروی (چاپ سوم) صفحه ۸۹۶-۸۹۱

(۶) W. Morgan Shuster

ولی متأسفانه مواجه بامخالفتهائی شد که کار او را مختل ساخت . در ابتدای امر بعضی از مرتجعین ومؤدیان مالیات مخالفت را با او آغاز کردند وسپس دولتین روس وانگلیس اصلاحات اورا مخالف منافع خود دانسته و با اولتیماتومی که دولت تزاری روس داد ایران را مجبور کردند که بخدمت اوخاتمه دهد . شوستر و همکارانش پس ازهشت ماه خدمت صادقانه ایران‌را ترک گفتند وچندی بعد شوستر کتابی بنام « اختناق ایران »[۱] منتشر نمود که شرح کاملی ازاوضاع سیاسی آنروز ایران‌است . این کتاب بفارسی ترجمه شده و برای کسانی که بخواهند ازاوضاع آنوقت وماهیت کسانی که بمردم حکومت میکردند مطلع گردد مجموعهٔ گرانبهائی میباشد. خدمات شوستر وهمکارانش وفشاری که خارجیان برای خاتمه دادن بخدمت اووارد ساختندومقاومت دلیرانه‌ای که نمایندگان دورهٔ دوم تقنینیه مجلس شورای ملی ظاهر ساختندو ازمستشاران مالی امریکائی قویاً پشتیبانی کردند بایکدیگر توأم شد ومحبوبیت بی نظیری برای امریکائیان بین مردم ایجاد کرد .

پس ازعقد قرارداد ۱۹۱۹ (۱۲۹۸ شمسی) معروف بقرارداد وثوق‌الدوله که ازطرف انگلیسها بایران تحمیل شده بود دولت امریکا علناً مخالفت خودرا با قرارداد مزبور اعلام داشت واین اقدام برمحبوبیت امریکائیان بسی افزود . پس‌ازجنك اول‌جهانی قضیهٔ اعطای امتیاز نفت شمال بمیان‌آمد که شرح مفصل آن درفصل دیگر [۲] ازین کتاب ذکر شده‌است.

درسال ۱۹۲۲ (۱۳۰۱ شمسی) دولت ایران برای باردوم ازدولت امریکا تقاضا کرد که یك میسیون مالی بایران‌اعزام دارد . این‌میسیون بریاست دکترمیلسپو[۳] بایران آمد ودرمدت پنج سال توقف خود درایران خدمات مهمی‌انجام داد. دکترمیلسپوقبل‌از آمدنش بایران مستشار اقتصادی وزارت خارجهٔ امریکا بود وتوفیق او درایران بیشتر بواسطهٔ حسن توجه عامه به میسیون‌اوومساعدتهائی بود که دولت‌وقت‌بااومیکرد وهمینکه کنترات اوتمام‌شد ودولت خواست آنرا تجدیدنماید وازاختیارات اوبکاهد موافقتی بین اوودولت حاصل‌نشدومیسیون مزبورازایران‌رفت .

درفاصلهٔ بین‌دوجنك سیاست بیطرفی دولت امریکانسبت باموراایران وهواخواهی آندولت ازسیاست «درگشوده» هم‌آهنك با سیاست ایران‌بود و محبوبیت امریکائیان درایران پابرجاومستقرباقی ماند.یك امتیازی هم‌برای استخراج نفت‌بشرکت«امیرانیان امریکائی»داده شد که شرح‌آن‌درفصل‌هشتم‌آمده است.

هنگامی که ارتش روس‌وانگلیس‌بایران هجوم آوردند انتظارعموم ایرانیان از امریکا که متحد و متفق با روس وانگلیس شده بود این بود که ازین‌کار ممانعت کرده باشد ولی بعد معلوم گشت که سیزده‌روز قبل ازین تهاجم چرچیل نخست‌وزیرانگلستان بـا رئیس جمهور امریکا ملاقات کرده و بااطلاع او بچنین‌کاری مبادرت کرده است . جنگ دوم جهانی پای ارتش امریکا را هم بایران باز کرد و ارتش مزبور بدون‌اجازه و بدون عقد پیمانی بایران آمد و تـا اندازه‌ای از محبوبیت چندین ساله امریکائیان کاست . معهذا دولت ایران بقصد استفاده ازموقعیت‌درصدد برآمد که بوسیلهٔ توسعهٔ نفوذ

---

(۱) The Strangling of Persia (۲) رجوع شود بفصل‌هشتم (۳) Dr.A.C.Millspaugh

امریکا نیروی سومی درمقابل سیاستهای روس وانگلیس ایجاد نماید ودرسال ۱۳۲۱ شمسی از دولت امریکا تقاضا کرد که چند میسیون‌مختلف برای‌اصلاح‌اموراداری‌بایران اعزام دارد.دولت امریکا این‌تقاضا را پذیرفت ویك میسیون بریاست‌کلنل‌شوراتزکوف[۱] برای ژاندارمری و میسیون دیگری برای اصلاح امور شهربانی و چند نفر مستشار برای بهداری وآبیاری ویك میسیون مالی هم بریاست دکتر میلسپو برای‌تنظیم امور مالی بایران اعزام داشت. دکتر میلسپو تقاضای اختیارات جامعی کرد تابتواندباصلاح مالیه بپردازد وچون درآنموقع اولیای امور ونمایندگان مجلس میل داشتند که‌رضایت خاطر متفقین را تأمین نمایند اختیارات وسیعی راکه دکتر میلسپو خواسته‌بود تصویب و تفویض باو کردند ولی بمجرد اینکه او خواست وضع مالیاتی را تعدیل نموده و تحمیل بیشتری بطبقات متمکن نماید و تااندازه‌ای جلو اجحافات طبقهٔ حاکمه‌را بگیرد بامخالفت شدیدآنها مواجه گشت وعوامل مختلفی بااو مخالفت کردند که‌نتوانست‌درکار خود توفیقی حاصل نماید و بالاخره پس از مدت کمی به‌کنترات او خاتمه دادند و رفت . قویترین عاملی که مانع توفیق میسیون مالی مزبور شد همان طبقهٔ حاکمه بود که با هرگونه اصلاحاتی مخالف بود . دومین عامل معدودی از ایرانیان‌متجدد بودند که از روی کمال حسن‌نیت مخالف این بودند که مستشاران خارجی اختیارات زیادی‌در امور مالی ایران داشته باشند وسومین عامل شورویها بودند که با حضور مستشاران امریکائی در ایران مخالف بوده و بدستیاری حزب توده با میسیون دکتر میلسپو مخالفت کردند.

موقعیکه پیشوایان متفقین در آذرماه ۱۳۲۲ درتهران اجتماع کرده وکنفرانس معروف تهرانرا تشکیل دادند اعلامیه‌ای راجع بایران امضا شدکه اولا هرسه دولت حفظ‌استقلال وحاکمیت وتمامیت ارضی ایران را تعهد کردند و ثانیاً تصدیق نمودند که این جنگ مشکلات اقتصادی خاصی برای ایران فراهم کرده است وثالثاً تعهد کردند که درحین جنگ کمکهای اقتصادی بایران نموده و پس از جنگ هم دررفع مشکلات اقتصادی ایران مساعدت نمایند. این اعلامیه که بامضای چرچیل و استالین و روزولت منتشر شد امید بسیاری برای ایرانیان ایجاد کرد که اقلا خساراتی که بایران‌وارد شده بود جبران خواهد کرد .

پس از خاتمهٔ جنگ ارتش امریکا از ایران خارج شد و مساعدتهای گرانبهای امریکا در خارج کردن ارتش سرخ موجب تقدیر و تحسین ایرانیان واقع گردید ولی تقاضا های مکرر ایران برای کمك و مساعدت مالی امریکا تا مدتها بعد به نتیجه‌ای نرسید. تقاضا های مزبور ناشی از خسارات هنگفتی بود که موقع جنك وهنگام تهاجم وتوقف ارتشهای خارجی بایران واردآمده بود ودولت‌ایران باستناد اعلامیه تهران و مواعید متفقین در صدد بود که خسارات مزبور جبران گردد . پس از جنگ، انگلستان خودرا محتاج به‌کمك امریکا میدانست و روسیهٔ شوروی هم‌کلیهٔ منابع خود را وقف ترمیم وضع اقتصادی خود کرده بود ولی بعکس امریکا در پایان جنگ ثروتمندترین

---

(۱) Colonel H.N.Schwartzkopf

کشور های جهان بشمار میرفت و مساعدتهای بسیاری به متفقین وحتی بآلمان‌وژاپون‌و ایتالیاکه با آن جنگیده بودند می کرد . ازروی حق وانصاف مردم‌ایران متوقع بودند که امریکای غنی وثروتمند با برنامهٔ عمران‌که بنام برنامهٔ هفت‌ساله ایران طرح شده بود مساعدت کند و کوشش بسیار شدکه امریکا را درین باره علاقمند سازند. داستان برنامهٔ مزبور وتقاضای کمك از امریکا هم بقرار زیر بود .

درسال ۱۳۲۵ هیئت وزیران تصویب نمود برای رسیدگی به‌برنامه‌های تنظیمی ازطرف وزارتخانه ها هیئتی باسم هیئت عالی برنامه تشکیل گردد تا برنامه‌ای برای اصلاحات اجتماعی و اقتصادی ایران تنظیم نماید . هیئت مزبور برنامهٔ هفت ساله‌ای تنظیم کردکه مجموع هزینهٔ‌آن بالغ بر۱۸۴۰ ملیون دولار بود ولی پس‌از مطالعاتی که شد باین نتیجه رسیدندکه توانائی مالی کشور برای اجرای نقشهٔ‌وسیعی که‌اصلاحات اجتماعی واقتصادی را دربر داشته‌باشد غیرکافی است لذا دولت بفکر این‌افتادکه‌قسمتی ازهزینهٔ برنامه‌را از راه‌گرفتن وام از بانك بین‌المللی تأمین‌نماید. درسوم‌آبان۱۳۲۵ سفارت ایران در واشنگتن ببانك مزبور مراجعه وتقاضاکرد ۲۵۰ ملیون‌دولار بدولت ایران وام بدهد و پس‌از چندروز بانك جواب دادکه برای مذاکرات مقدماتی حاضر است ولی باید قبلاً بداندکه (الف) وام مورد تقاضا برای چه‌منظور است(ب) نوع‌و هزینهٔ تقریبی عملیاتی‌که قرار است انجام بگیرد چیست (ج) چه مبلغ از هزینه بپول ایران وچه مبلغی بارز باید مصرف شود (د) برنامهٔ مصرف سالیانه چیست (ه) و استهلاك وام دریافتی درچه مدتی مقدور خواهد بود ؟

دولت‌که پاسخ پرسشهای‌فوق را حاضر نداشت درآذر ۱۳۲۵ باشرکت‌موریسن نودسن[۱] امریکائی قراردادی منعقدکردکه شرکت مزبور عده‌ای متخصص و مهندس بایران اعزام و پروژه های دولت را مطالعه‌کرده وگزارش جامعی تهیه نماید. هیئت مهندسین شرکت مذکور پس‌از چندماه توقف درایران و استفاده از آمار و اطلاعات موجودگزارش خودرا در مرداد ۱۳۲۶ تقدیم دولت نمودکه بموجب آن هزینهٔ عملی ساختن‌کلیهٔ پروژه‌ها و طرحهائی‌که صورت داده شده بود ۱۲۵۰ ملیون دولار میشدو ضمناً تذکردادکه برنامه های سبکتری را با ۵۰۰ ملیون و ۲۵۰ ملیون‌دولارمی‌توان انجام داد .

پس‌از وصول‌گزارش فوق دولت در ارقام برنامه تجدیدنظرکرد وهزینهٔ کمتری که درخور توانائی مالی دولت باشد برای اولین برنامهٔ هفت ساله در نظرگرفت‌که جمع آن ۲۱۰۰۰ ملیون ریال (برابر ۶۵۰ ملیون‌دولار)بود و لایحه‌ای برای تصویب برنامهٔ مزبور تقدیم مجلس شورای‌ملی‌کردکه در تاریخ ۲۶ بهمن ۱۳۲۷ بتصویب رسید. ضمناً دولت برای اینکه از نظریات و ملاحظات‌کلی متخصصین در بارهٔ برنامهٔ عمرانی مطلع شود و متخصصین مزبورکسانی باشندکه‌مطالعات‌آنها موردقبول‌اولیای بانك بین‌المللی باشد قراردادی با شرکت مشاورین ماوراء بحار[۲] امریکائی‌منعقدنمود

---

(۱) Morrison-Knudsen International Company

(۲) Overseas Consultants Incorporated

که بموجب آن شرکت مزبور تعهد نمود مطالعاتی کرده و گزارش جامعی بدولت تقدیم دارد . شرکت مزبور پس‌ازمدتی گزارش خود را در پنج جلد کتاب قطور تسلیم دولت کرد ودولت امیدوار بود که گزارش مزبور کمکی خواهد کرد که بانك بین‌المللی یك وام ۲۵۰ ملیون دولاری بدولت بدهد .

چون قسمت عمدهٔ سرمایهٔ بانك بین‌المللی را دولت امریکا پرداخته ونظریات آن دولت درامور بانك تا حد زیادی رعایت میشود دولت ایران ازابتدای‌طرح نقشهٔ برنامه متوقع بود که دولت امریکا توصیهٔ لازم را ببانك نموده ووامی را که تقاضا شده بود تأمین نماید. متأسفانه این توقع عملی نگردید وهردفعه بانك متوسل به‌عذرهائی شد که بالمآل موجب رنجش دولت‌ایران گردید. استخدام شرکتهای امریکائی موریسن - نودسن‌وشرکت مشاورین ماوراء بحار برای تهیهٔ گزارشهای‌مزبور همه‌برای این بود که رضایت‌بانك جلب‌شودولی بانك‌ازپرداخت وام خودداری کرد.درآن ایام شهرت‌داشت که دولت‌امریکا و بانك مدعی بودندکه دولت ایران بادرآمد نفت خود می تواند هزینهٔ برنامه را تأمین کند و لذا پرداخت وامی بآن موجه نیست . جرائد امریکا هم بکرات تذکر میدادندکه دولت انگلستان بواسطهٔ عواید سرشاری که از نفت ایران‌میبرد برای کمك بایران شایسته ترین مقام میباشد و توصیه میکردندکه شرکت نفت در میزان حق‌السهم دولت تجدیدنظر کرده ومبلغ زیادتری بدولت‌ایران بپردازد تا رفع احتیاج آن شده ومحتاج بگرفتن وام از بانك بین‌المللی نباشد.

در تیر ۱۳۲۶ دولت امریکا اعتباری بمبلغ ۲۵ملیون‌دولار برای دولت ایران‌باز کرد که بتواند مقداری اسلحه ومهمات ازامریکا خریداری نماید ودر تاریخ ۲۷ بهمن همانسال مجلس شورای‌ملی قانونی تصویب کرد که از نظر تکمیل وسائل مخابرات و ارتباط وبهداری و ساز وبرگ واسلحه ومهمات مورد نیاز نیرو های زمینی و هوائی ارتش و ژاندارمری وشهربانی وسائل مزبور را درحدود مبلغی که از ده ملیون دولار تجاوز ننماید از ممالك متحدهٔ امریکا خریداری نمایدوبهای آنرا درطی مدتی که کمتر از دوازده سال نباشد با سود سالیانه ازقرار $2\frac{3}{8}$ درصد باقساط متساوی بپردازد و قرار پرداخت هزینهٔ حمل و نقل و بار بندی و بمه وسایر مصارف مربوط به لوازم خریداری را بهمان ترتیب و اقساط که نسبت بپرداخت اصل مبلغ مقرر است بدهد. بعدها معلوم گشت که هزینهٔ حمل‌ونقل و باربندی وغیره در حدود شانزده ملیون دولار بوده واجناس مزبور پس‌از دوسال تحویل دولت گردید .

درمهر۱۳۲۶ قراردادی بین دولتین‌ایران وامریکا برای اعزام یك میسیون‌نظامی امریکائی بایران منعقد گشت که متن آنرا دولت امریکا درتاریخ ۳۰ آذر ۱۳۲۶ بدبیرخانهٔ ملل متحد تسلیم‌نمود . قرارداد مزبور درآخرسال ۱۳۲۷ منقضی‌میشد ولی هرسال قابل تجدید بود وضمناً مقررمیداشت که تاقرارداد مزبور بقوت خود باقی است ایران مسائل نظامی‌خودرا بامتخصصین نظامی کشورهای دیگر بدون جلب‌رضایت امریکا درمیان نگذارد و باآنها مشورت ننماید . قرارداد مزبورموجب اعتراض دولت شوروی واقع گردید وادعا شد که بوسیلهٔ این‌قرارداد پایگاه های‌نظامی بامریکاواگذار

میگردد. درمجلس شورای ملی‌هم ازدولت سئوال شدکه مجوز قانونی برای عقدچنین قراردادی چه بوده است ؟ نخست وزیر وقت[1] جواب دادکـه درآبانماه ۱۳۲۲ بموجب قانونیکه بتصویب‌مجلس‌رسیده بدولت‌اختیارداده‌شده‌است که‌عده‌ای ازافسران امریکائی را بمنظور اصلاح امور ارتش استخدام نماید و در صورت لزوم قرارداد استخدامی آنهارا تجدید نماید . درکابینهٔ سابق[2] دولت لزوم تجدید قراردادآنهارا تشخیص داده وبااجازهٔ قانون‌آنرا تجدید کرد . بنابراین‌اولین مساعدتی که امریکا پس‌ازجنگ‌بایران نمود همین کمك نظامی بود که درفوق گفته شد وعبارت بود از تحویل مقداری اسلحه ومهمات واعزام عده‌ای مستشارامریکائی . درآن‌ایام مردم ایران ازاین کمك مختصری که شده‌بود شکایت داشتند ومیگفتند که کمکهای‌نظامی امریکا باید خیلی‌بیشتر وبطور رایگان باشد واین شکایات واعتراضات طوری درجرایدایران منتشر گردید که انعکاس آن در جراید خارجی نیز بوقوع پیوست چنانکه روزنامهٔ گلاسکوهرالد[3] مورخهٔ ۲۶ اسفند ۱۳۲۶ عقیدهٔ عمومی ایرانیان را بشرح زیربیان کرده بود :-

« اگردولت امریکا میخواهد ایران را مانند یونان وترکیه تقویت نماید و اگر کنگرهٔ امریکا تصور میکندکه ایران درجنگ آینده اولین میدان مبارزه خواهد بود پس امریکا باید احتیاجات ارتش ایران را بطور رایگان تأمین نماید . امریکا باید یك وام عمده‌ای باشرایط بسیارمناسب بدهدکه بمصرف عمران وآبادی ایران برسد . ایرانیان میل ندارندکه کشورشان‌میدان جنگ ومبارزه بین دول بزرگ بشود وعقیده دارندکه لااقل هزینهٔ تجهیزارتش ایران نباید ازآنها مطالبه گردد . »

درطی سال ۱۳۲۷ مذاکرات دولت باشرکت نفت ادامه داشت وصحبت قرارداد الحاقی درمیان بود وبنابراین اقدام مجددی برای جلب مساعدت امریکا صورت‌نگرفت . درتاریخ ۲۰ ژانویه ۱۹۴۹ (۳۰دیماه ۱۳۲۷) ترومن رئیس‌جمهورامریکا نطقی‌ایراد واعلام کردکه چهارمین رکن مهم سیاست خارجی امریکا درآینده عبارت ازاین خواهد بودکه بکشورهائی که از لحاظ اقتصادی عقب هستند کمکهای فنی و اقتصادی بنماید وبعدها اینگونه کمکها بنام «اصل‌چهار» معروف گشت. صدور این‌اعلامیه موجب شدکه اولیای اموراایران امیدواری زیادتری به کمکهای امریکا پیداکنند .

درماه‌آبان ۱۳۲۸ شاهنشاه ایران بموجب دعوت رئیس جمهور امریکا مسافرت کوتاهی بامریکا کردند ودرپایان این‌مسافرت بیانیهٔ مشترکی‌صادرشدکه ضمن‌آن چنین گفته شده بود :-

« ازآنجا که اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران معتقدند وحضرت رئیس‌جمهور نیز با نظر ملوکانه موافقت دارندکه توانائی هرکشوری برای حفظ استقلال خویش بستگی باوضع اقتصادی سالـم ومقرون برفاه دارد بهمین علت دولت ایران برطبق تعلیمات اعلیحضرت همایون شاهنشاه درسال ۱۹۴۶ اقداماتی بمنظور تهیهٔ برنامهٔ‌هفت ساله برای پیشرفت اوضاع اقتصادی واجتماعی کشور بعمل‌آورد و اینك برنامهٔ مزبور که بصورت قانون درآمده با تمام وسایلی که دولت دردست دارد بمورد اجرا گذارده

---

(۱) ابراهیم حکیمی .
(۲)مقصودآخرین کابینه احمد قوام است .
(۳) Glasgow Herald

شده است. حضرت رئیس جمهور امریکا باهمیت این برنامه در پیشرفت اوضاع اقتصادی ایران توجه دارند وعلیهذا دولت امریکا درخواستهای دولت ایران را از بانک بین المللی ترمیم وتوسعه برای اخذ وامهای موجّه اقتصادی تأیید وپشتیبانی خواهد نمود. بعلاوه بشرط اقدام مساعد کنگره درمورد اصل چهار ترومن دولت امریکا حاضر است که بموجب مقررات اصل مزبور توسعهٔ اقتصادیات ایران را تسهیل نموده وهرگونه کمك فنی مشورتی که دراصل چهار مقرر است مبذول دارد ونیز دولت امریکا مخصوصاً متوجه است باینکه بکار افتادن دائم التزاید سرمایه های خصوصی امریکائی دراقتصاد ایران مطلوب میباشد ودولت ایران تدابیری را که برای تشویق بکارانداختن اینگونه سرمایه ها باید اتخاذ شود مورد مطالعه قرار خواهد داد . ازآنجاکه سیاست کشورهای متحدامریکا اینست که درهر موردی که کمك وی ممکن است مؤثر واقع شود ملل آزاد جهانرا در هرکجا که هستند در حفظ آزادی خود مساعدت نماید در نتیجهٔ اجازهٔ اخیر کنگره و برای اجابت تقاضای دولت ایران دولت امریکا همواره حاضر است که بعضی کمکهای نظامی را که برای ایران ضروری باشد مبذول دارد تا بدانوسیله ملت ایران که همّ خود را وقف اجرای مقاصد واصول منشور ملل متحد نموده بتواند تدابیر مؤثری برای دفاع از خود وبمنظور پشتیبانی از اصول ومقاصد مزبور اتخاذ نماید. و نیز کشورهای متحد امریکا احتیاجات دفاعی ایرانرا که مربوط بمساعدتهای خارجی بیشتری میشود وممکن است مورد توجه دولت امریکا قرارگیرد کماکان درنظر خواهد داشت. »

پس ازمسافرت شاهنشاه وصدور بیانیهٔ مشترك امید میرفت که دولت امریکامساعدت های نظامی و اقتصادی خودرا بایران شروع کند ولی باز جرائد امریکا خبرهائی منتشر می کردند که چندان امید بخش نبود وچند نمونهٔ آن درزیر نقل شده است :

مجلهٔ فورتون[1] دربارهٔ وضع آن ایام در شمارهٔ فروردین ۱۳۳۰ نوشته بود : سفیر کبیر امریکا جان وایلی[2] بدولت ایران صریحاً گفته بود که مساعدت امریکا بایران درصورتی عملی خواهد شد که اصلاحاتی دردستگاه دولت انجام گیرد ونقشهٔ اساسی طرح شود که بتوان امیدوار بود کشور ایران درراه تحصیل سطح زندگی بهتری برای مردم قدم برمیدارد .

وروزنامهٔ نیویورك تایمز بتاریخ ٢٤ بهمن ١٣٢٨ از قول خبرنگارخود درتهران نوشته بود : علائم وآثار مشخصی حاکی ازاین است که وزارت خارجهٔ امریکا ایرانرا با چین کومینتانگ مقایسه مینماید واصطلاح « پول دور ریختن » اطلاق بمساعدتهائی میشود که امریکا میخواهد بایران بنماید .

در خرداد ١٣٢٩ قراردادی بین دولتین ایران وامریکا منعقد گردید که بموجب آن بین ده الی پانزده ملیون دولار اسلحه ومهمات بایران تحویل داده میشد. درتاریخ ٢٦ مهر ١٣٢٩ دولت امریکا پانصد هزار دولار از بودجهٔ اصل چهار خود بایران تخصیص داد ودر آبان همان سال بانك صادرات وواردات امریکا اعلام داشت که حاضر است تحت شرایطی بیست وپنج ملیون دولار بایران وام دهد .

---

(١) Fortune

(٢) John C.Wiley درسالهای ٢٩ـ١٣٢٧ سفیرامریکا درایران بود.

قضیهٔ کمك امریکا بایران در کنفرانسهای نمایندگان سیاسی امریکا که در آذر ۱۳۲۸ درقاهره ودرفروردین۱۳۲۹ دراستانبول منعقد گردیدمطرح مذاکره‌واقع گردید ووزارت خارجهٔ امریکا باولیای دولت ایران تذکر داد که کمك امریکا مشروط برین است که دولتی درتهران روی‌کار آید که متعهد باصلاح امور دستگاه دولتی‌باشد . در پنجم تیرماه ۱۳۲۹ دولت سپهبد رزم آرا تشکیل شد و معروف گشت کـه سفیر کبیر امریکا بنام گریدی[۱] گفته‌بوده است تاچنین دولتی‌تشکیل نشوداو بایران نخواهدآمد.

چنانکه میدانیم دکتر مصدق وجبههٔ ملی بادولت رزم‌آرا سخت مخالفت کرده و آنرا یك دولت دیکتاتوری مینامیدند ودر مدت زمامداری دولت رزم‌آرا اتفاق فوق‌العاده‌ای درروابط بین ایران وامریکا رخ نداد وحال بدین‌منوال بود تا آنکه قانون ملی‌شدن نفت بتصویب مجلسین رسید ودولت دکترمصدق زمام اموررا بدست گرفت.در ضمن مطالب فصل بعد اشاراتی بروابط بین ایران وامریکا شده‌است که درواقع‌دنبالهٔ قسمت فوق خواهد بود واینك میپردازیم بعلاقهٔ امریکائیان بنفت ایران .

درفصل هشتم که درباب نفت شمال بحث شد ودرفصل نهم که کشمکش برسر نفت ایران بتفصیل بیان گردید شمه‌ای از علائق امریکائیان بنفت ایران ذکر شده و اینك به بقیهٔ این‌موضوع میپردازیم.

چنانکه درفصول دیگر این کتاب گفته شد[۲] درموقع جنگ دوم‌جهانی شرکتهای نفت امریکا تبلیغات زیادی راجع به‌کم‌شدن ذخایر نفت امریکا کرده واز دولت خـود تقاضا داشتند اقدامی بنماید تا امریکا سهم بیشتری در نفت خاورمیانه بدست آورد . اقدامات مزبور مآلاً به‌نتیجهٔ مطلوب رسید چنانکه از ارقام زیر مشهود است :

سال	سهم امریکادر نفت خاورمیانه	سهم انگلیس وهلاند در نفت خاورمیانه	سهم کشورهای دیگر در نفت خاورمیانه
۱۹۳۹	۱۵ $\frac{۷}{۱۰}$ درصد	۷۸ $\frac{۳}{۱۰}$ درصد	٦ درصد
۱۹٤٦	< ۳۰ $\frac{٦}{۱۰}$	< ٦٥ $\frac{۹}{۱۰}$	< ۳ $\frac{۱}{۲}$
۱۹٥۰	< ٤٤ $\frac{٥}{۱۰}$	< ٥۳ $\frac{٥}{۱۰}$	< ۲
۱۹٥۳	< ٦۰ $\frac{۱}{۱۰}$	< ۳۱ $\frac{۴}{۱۰}$	< ۸ $\frac{۱}{۲}$

جدیت امریکائیان برای تحصیل سهم بیشتری درنفت خاورمیانه تنها محدودباین نبود که امتیازات جدیدی بدست آورند بلکه متوجه این بود کـه از امتیازات موجود هم سهم عمده‌ای بآنها اختصاص داده شود . درسال ۱۹٤۳ که مستر جیمز برنز[۳] رئیس ادارهٔ تجهیزات جنگی دولت امریکا بود[۴] گزارشی برئیس‌جمهورداد که ترجمهٔ‌عین‌آن بقرار زیر است :

Henry F.Grady (۱)

(۲) رجوع‌شود بصفحه ۳٥۷

James F. Byrnes (۳)

Director of War Mobilization (۴)

نامهٔ برنز برئیس‌جمهور بتاریخ پانزدهم اکتوبر ۱۹۴۳

« مذاکرات جدی و شدیدی باید باانگلیسها بشود که یك سوم معادن نفت‌ایران که اکنون تمامش دردست آنها میباشد بامریکا واگذار گردد. این واگذاری‌درمقابل مقادیر نفتی خواهد بود که تحت عنوان « وام واجاره » درطی جنگ‌ازطرف‌ماتحویل شده وهمچنین در ازای ساختن لولهٔ نفتی خواهد بود که از معادن نفت ایران به بندر حیفا ساخته خواهد شد وخرج آن تقریباً درحدود دویست‌ملیون‌دولار خواهد بود . این خط لوله برای بهره‌برداری‌کامل از معادن نفت ایران لازم‌است .»

نامهٔ فوق که توصیه‌ای‌برای سهیم شدن امریکا درنفت‌ایران‌بود وتبلیغات دامنه‌دار شرکتهای بزرگ نفت امریکا برای تحصیل سهم بیشتری‌ازنفت خاورمیانه نگرانیهای بسیاری برای دولت انگلستان وشرکت‌نفت ایران‌وانگلیس ایجادکرد . شرکتهای نفت امریکا مدعی شدند که فقط هشت درصد ازکل مصرف نفت دول‌متفق درجنگ ازمنابعی که‌تحت کنترول‌انگلستان‌است‌تحصیل‌میشوددرصورتیکه‌هشتاد درصد مصرف‌دول‌مزبوررا امریکا ازمنابع خود تأمین مینماید لذا فشار زیادی‌بدولت خود وارد آوردند که جبران این‌کاررا بوسیلهٔ تحصیل سهم بیشتری ازامتیازات نفت خاورمیانه بنماید . دولت‌امریکا بملاحظات سیاسی میل نداشت که در موقع جنگ اختلافاتی بین متفقین برسرنفت ایجاد شودو برای‌خاموش کردن تبلیغات‌واعتراضات شرکتهای‌نفت که قدرت ونفوذفوق‌العاده‌ای در دستگاه دولت مزبور داشته و دارند عنوان کرد که خود واردکارنفت خواهد شد[۲] . شرکتهای نفت امریکا با این رویه سخت مخالفت کرده و میل نداشتند که دولت درامور بازرگانی دخالت نماید ورقیبی برای‌آنها بشود لذا سعی‌نمودند که قضیه را بین خود و شرکت نفت ایـران و انگلیس بهرنحوی که مقتضی باشد حل نمایند . شرکت مزبور هم بتوصیه و صلاحدید دولت انگلستان مصلحت خـود را درین تشخیص داد که بهرنحوی هست‌وسایل ترضیهٔ خاطر شرکتهای بزرگ نفت‌امریکا را فراهم سازد . این بود که درسال ۱۹٤۷ (۱۳۲٦ شمسی) شرکت مزبور قراردادهائی باشرکت های نفت امریکائی‌منعقد کرد وآنهارادرمحصول نفت‌ایران وکویت (نسبت بسهمیهٔ خود ازکویت) شریك ساخت و بابند وبست هائی که شد بین اعضای کارتل بزرگ نفت توافق هائی حاصل گردید .[۳]

بعد ازعقد قراردادهای مزبور روزنامهٔ تایمزلندن درتاریخ ۸ بهمن ۱۳۲٦ چنین نوشت: « قراردادهای‌اخیری که‌بین‌شرکت نفت‌ایران وانگلیس وشرکتهای بزرگ نفت‌امریکا منعقد شده است عنوان یك قرارداد بازرگانی را دارد ولی معناً واجد اهمیت سیاسی واقتصادی ونظامی هست زیرا عامل مؤثری دراستواری وضع خاورمیانه خواهد بود . علاقمندی روزافزون امریکا بخاورمیانه نقش مهمی‌را درسیاست بین‌المللی خواهد داشت وترقی‌وپیشرفت اقتصادی نواحی‌نفت‌خیزخاورمیانه موجب‌ایجاد روابط سیاسی‌دوستانه‌ای

---

(۱) این‌نامه جزو اسنادرسمی دولت امریکاباطلاع عموم‌رسیده‌است

(۲) رجوع شود به صفحه های ۳۵۸ و ۳۵۹ .

(۳) رجوع شود به بخش نهم ازفصل دوم .

خواهد شد که اهمیت آنرا نباید از نظر دور داشت . مطالبی که در بعضی از جراید فرانسه منتشر شده وحاکی ازین است که قرارداد مزبور نشانهٔ یك رقابت جدیدی بین روسیه از یکطرف ودستهٔ امریکا وانگلیس ازطرف دیگر میباشد وجوابی است به مساعی شورویها درتحصیل امتیاز نفت شمال ایران موجه نیست زیرا قرارداد اخیر مبنی برتحصیل امتیاز جدیدی نبوده بلکه فقط طرز بهتری است برای بهره برداری ازامتیازات موجود» .

پس ازتوافق مذکورفوق شرکت نفت ایران و انگلیس تاحدی اطمینان یافت که شرکتهای بزرگ نفت امریکا که عضو کارتل میباشند دیگر تجاوزی بآن نخواهند کرد ولی غافل ازین بود که شرکتهای دیگر امریکا که معروف به «شرکتهای مستقل» هستند سهم وحصه‌ای ازین خوان پربرکت خاورمیانه میخواستند ودرجستجوی فرصت بودند که برعلیه کارتل اقداماتی بنمایند تابمقصود نائل گردند . چنانکه درفصول پیش گفته شد قانونی درامریکا هست بنام قانون ضد «تروست» که حربه‌ای برای شرکتهای کوچکتر درمقابل شرکتهای بزرگتر قرار گرفته است و هروقت شرکتهای بزرگ باشرکتهای مشابه خارجی زد وبندی بنمایند وکارتل یاانحصاری درخارج ایجاد نمایند شرکت های کوچکترمتوسل بقانون مزبورشده وازدولت تقاضا مینمایند که انحصاررا درهم شکنند. موقعی که شرکتهای امریکائی باشرکت نفت ایران وانگلیس قراردادمذکوررا بستند ودر محصول ایران و کویت سهیم گشتند شرکتهای کوچك قانون مذکور فوق را عنوان کرده وفریاد وفغانی راه انداختند که تمام نفت خاورمیانه بانحصارچند شرکت بزرگ درآمده ودولت باید قانون ضد «تروست» را اجرانماید وتهدید کردند که اگرسهمی برای آنها درنفت خاورمیانه منظورنگردداز هیچ اقدامی مضایقه نخواهند کرد . برای ساکت کردن «شرکتهای مستقل» اعضای کارتل اظهارداشتند که درمنطقهٔ بی‌طرف بین کویت وعربستان سعودی نفت موجود وامتیازی هم برای آن تاکنون داده نشده است واعضای کارتل حاضرند که وارد رقابت نشده واشکالی هم برای تحصیل امتیاز ازطرف « شرکتهای مستقل » فراهم نسازند . این بود که درسال ۱۳۲۷ گروهی از «شرکتهای مستقل» وعده‌ای از سرمایه‌داران علاقمند بنفت که عدهٔ آنها به ده میرسید «شرکت نفت مستقل امریکا» را تشکیل داده وامتیاز نفت رادر نصف منطقهٔ بیطرف که متعلق بشیخ کویت بود بدست آوردند . علاوه برین شرکت نفت عربستان سعودی هم که حق تقدمی برای نصفهٔ دیگر منطقهٔ بیطرف (که متعلق بعربستان سعودی بود) داشت حاضرشد که ازآن صرف نظر نماید و راه را برای «شرکتهای مستقل» باز کند . در۱۳۲۸ گروه دیگری ازسرمایه داران امریکائی شرکتی بنام «شرکت پاسیفیك غربی» تشکیل داده وامتیاز نصفهٔ دیگر را ازعربستان سعودی گرفتند وباین ترتیب تاحدی رضایت « شرکت های مستقل » امریکائی هم جلب گردید .

منابع نفت خاورمیانه تحولی هم درامورسیاسی این ناحیه ایجاد کرد که ذکرآن لازم است. درپایان جنگ انگلیسها اولین کسانی بودند که ضعف خود را دراثرجنگ درك کردند وکاملاً متوجه شدند که سیادت سابق آنها درخاورمیانه بدون کمك ویاری کشور دیگری برقرار نخواهد ماند . تحت فشارهای گوناگون استقلال هندوستان و پاکستان

وسیلان وبرمه را شناختند ولذا منافع اقتصادی آنها درخاور میانه محدود بنفت گردید لکن دریافته بودند که همین نفت را هم بدون یاری و کمك دیگران نمی‌توانند حفظ نمایند. این بود که سیاستمداران دوراندیش انگلستان برین عقیده شدند که باید شریك وسهیمی درخاورمیانه پیدا کرد که منافع مشترکی باآنها داشته‌باشد ودرمقابل احساسات ملی ومترقی کشورهای خاورمیانه که خواهان قطع آثار شوم استعمار و استثمار بودند ایستادگی نماید ودرقبال نفوذ روزافزون ونیرومند روسیهٔ شوروی که هوای دخالت در امورخاورمیانه‌را برسردارد مقاومت کند . این بود که درهای سیاست‌را گشوده وامریکا را دعوت کردند که باآنها اشتراك مساعی نموده ودرین منطقهٔ جهان همکاری نماید. وچون امریکا هم سرمایه های هنگفتی درکارنفت خاورمیانه بکار انداخته بود وعلاقهٔ مفرطی بجلوگیری ازبسط نفوذ کومونیزم داشت این دعوت را قبول نموده واز جنگ گذشته به بعد عامل بسیارمؤثری درسیاست های خاورمیانه گشته است .

درتاریخ ششم مارس ۱۹٤٦ (پانزدهم اسفند ۱۳۲٤) چرچیل نطق مهم تاریخی خود را درشهرفولتن[۱] امریکا ایراد نمود که تأثیر بسیاری درسرتاسرجهان و بخصوص امریکاداشت‌وچنانکه‌بعدهامعروف گشت موجب‌تغییر کلی سیاست جهان وایجاد جنگ‌سرد گردید.درآنوقت دیگرچرچیل‌نخست وزیرنبود وفقط سمت نمایندگی مجلس مبعوثان‌را داشت ومسافرتی بامریکا کرده بود تا ملت امریکا را دربارهٔ نیروی روزافزون روسیهٔ شوروی‌آگاه ساخته و افکار عمومی‌آنکشوررا برعلیه سیاست شوروی تجهیز نماید . موقعی که او باین سخنرانی مهم پرداخت رئیس جمهور و عدهٔ زیادی از سیاستمداران سرشناس امریکا درمجلس سخنرانی‌حضور داشتند وتأثیر نطق او درایجاد جنگ سرد وتصمیم قطعی امریکا در مبارزهٔ باکومونیسم درآسیا و اروپا بزودی مشهودگردید . چرچیل درسخنرانی خود اشاره‌ای بتقاضاهائی که روسیهٔ شوروی‌ازایران وترکیه داشت نموده وگفت که ملتین ایران وترك اینك درحال اضطراب ونگرانی بسرمیبرند وعلاوه کرد که گرچه روسیه طالب جنگ نیست ولی‌میخواهد ازمیوه های جنگ بهره‌مند شده وعقاید کومونیستی را بدنیا تحمیل کند ونیروی خود را دائم توسعه میدهد . سپس از امریکائیها دعوت کرد که باانگلستان درتمام نقاط جهان من جمله خاورمیانه همکاری کرده و سیاست متحدی برعلیه تجاوزات روسیهٔ شوروی اتخاذ نماید . یکی از نتایج نطق مزبور این بود که امریکا ازآنوقت به بعد فعالیت سیاسی خود را درخاورمیانه زیادکرد و متوجه شد که انگلستان به تنهائی قادر باین نیست که درمقابل تجاوزات احتمالی شورویها ایستادگی نماید .

بنابرآنچه در بالا ذکرشد ، ازلحاظ سیاست‌کلی که عبارت ازمخالفت باترویج و توسعهٔ کومونیزم درخاورمیانه وحفظ منابع نفت کشور های مزبور باشد اختلاف نظری بین انگلستان و امریکا موجود نبود . از حیث تقسیم منافع نفت هم بین اصحاب کارتل بزرك نفت توافقهائی‌حاصل‌شده و«شرکتهای مستقل» امریکا هم سهمی‌برده بودندپس

---

(۱) شهر Fulton درایالت Missouri امریکا واقع‌گشته است .

تضادی که درآن ایام گفته میشد بین سیاست وروش امریکا و انگلیس درایران موجود بوده وسران جبههٔ ملی درگفته‌ها ونوشته‌های خود بآن استناد میکردند ازکجا سرچشمه میگرفت؟جادارد که‌مطالعات بیشتری‌درین باب‌بعمل‌آید تاشاید حقیقت امرآشکار گردد .

در تاریخ ۹ دیماه ۱۳۲۹ قراردادی بین دولت عربستان سعودی و شرکت نفت امریکائی که درکشورسعودی باستخراج نفت میپرداخت منعقد گردید که بموجب‌آن‌کلیهٔ عواید حاصل‌ازنفت بین طرفین بطورمساوی‌تقسیم میشد . عقد این قرارداد تأثیربسیاری درتمام‌کشورهای نفت‌خیزخاورمیانه داشت وچون درآنموقع دولت ایران باشرکت نفت بریتانیا (که همان شرکت نفت ایران وانگلیس باشد) درمذاکره بود که حق ایران‌را استیفا نماید اعلام عقد قرارداد مذکورفوق فرصتی بایرانیان داد که مقایسه‌ای‌بین‌قرارداد الحاقی که ازطرف شرکت نفت بریتانیا پیشنهاد شده بود وقرارداد جدید با عربستان بنمایند وبالطبع نتیجهٔ این مقایسه این‌بود که اصل تنصیف منافع سودمندتراست .برای بسیاری جای هیچ تردید نبود که اگر شرکت نفت بریتانیا درآنوقت‌همین‌اصل‌را قبول کرده بود وقایع بعدی رخ‌نمیداد وفقط‌تسامح‌واهمال اولیای‌شرکت موجب‌گشت که افکار عامهٔ ایران‌آزرده شده‌وبعملیات شدیدتری‌بپردازد .

از۱۳۲۵ به بعد دولت ایران اصرار میورزیدکه دولت امریکا ببانك بین‌المللی توصیه‌کندکه ۲۵۰ملیون دولاروام بایران بدهد ودولت امریکا درجواب میگفت که‌بانك مزبورتاشرایط موجّهی‌را موجود نه‌بیند باین‌کارمبادرت نخواهدکرد . نظرکلی‌وزارت خارجه امریکا دربارهٔ ایران این بودکه دستگاه دولتی باید اصلاح شود و درآمد نفت اختصاص بسازمان برنامه وکارهای عمرانی داده شود ونیزمعتقد بودکه اگردرآمدنفت بطرز صحیحی خرج شود احتیاجات ضروری ایران رفع‌گـردیده ودیگر احتیاجی بوام نیست. علاوه براین دولت امریکا انتظارداشت که شرکت نفت‌بریتانیا تجدید نظری در روابط خود باایران نموده وعایدات بیشتری را برای‌آن تأمین نماید تا ازتقاضا برای وام مستغنی‌گردد . تامذاکرات راجع بقرارداد الحاقی درجریان بود دولت امریکابامید اینکه مذاکرات مزبور به نتیجهٔ مطلوب خواهد رسید ازهرگونه اقدامی برای تحصیل وام‌برای ایران خودداری نمود وبعدکه به نتیجه نرسید وقرارداد جدید بادولت‌عربستان سعودی اعلام‌گردید بطرفین توصیه مینمودکه قرارداد مزبور و اصل تنصیف عواید را سرمشق قرارداده‌وباهم کنار بیایند.تااینجانظرکلی‌واصولی‌دولت‌امریکاموجّه‌بنظرمیرسید وشبهه‌ای هم نیست که روش دولت امریکا وشرکتهای بزرگ‌نفت‌آن کشوراین نبودکه ضربتی بشرکت نفت بریتانیا زده وآنرا ازایران برانند. لکن تسامح‌شرکت نفت‌موجب گشت که دولت‌امریکابرای‌چندی بانتقاداز آنشرکت بپردازد وانعکاس آن‌درجرایدامریکا هم‌مشهودگشت.این‌خرده گیری‌وانتقادازاوایل کابینهٔ‌منصورشروع‌شدودرتمام‌مدت‌زمامداری سپهبد رزم‌آرا هم ادامه داشت . اظهارات مکرر گریدی ۱ سفیر امریکا درین باب که شرکت‌نفت راه‌خطائی‌میرود ومصلحت دراین‌است که‌تقاضاهای ملیّون‌راانجام‌دهد گواهی برین مدعا است .

Henry F.Grady (۱)

در آن ایام بعضی از جراید انگلیس بگوشه و کنایه مطالبی منتشر میکردند و میگفتند چندنفری پیدا شده‌اند که در کار نفت ایران اخلال میکنند وقصد این را دارند که روابط بین دولت ایران و شرکت نفت را تیره سازند و کاررا بجائی رسانند که امتیاز شرکت مزبور ملغی شده و بامریکائیان واگذار گردد . در بعضی ازجراید امریکا هم نوشته میشد که اگر شرکت نفت حق عادلانه‌ای بایران نپردازد وایران تصمیم باخراج شرکت مزبور بگیرد شرکتهای امریکائی حاضرخواهند بود که نفت ایران‌را بدست گرفته و نصف منافع را بدولت ایران بپردازند . در ابتدای کار یعنی تا موقع ملی شدن نفت مندرجات جراید انگلیس و امریکا در بارهٔ نفت ایران صورت گله وشکایت از یکدیگررا داشت وغالب مطالب بشکل گوشه و کنایه بیان میشد ولی بعدها اختلافات مزبور آشکارتر گردید . در زیراشخاص عمده‌ای را که بعضی ازجرایدانگلستان اسم‌برده و ازاقدامات آنها درکار نفت دلخوش نبودند ذکرمینمائیم:

یکی از آنها که مقام رسمی دردولت امریکا داشت و ازانتقاد شرکت نفت بریتانیا ورفتار آن نسبت بایران خودداری نمیکرد مسترمك گی[1] بود . این شخص درسابق زمین شناس بوده ودرخدمت چند شرکت نفت امریکائی ثروت بسیاری بدست آورده بود. در سال ۱۳۲۵ شمسی بدون سابقه در وزارت خارجهٔ امریکا وارد وبسمت معاونت منصوب گردید وکارهای خاورمیانهٔ آنوزارتخانه را رسیدگی میکرد . تحت عنوان لزوم مساعدت باایران مك گی بکرّات اظهارداشته بود که قرارداد الحاقی کافی برای استیفای حق ایران نیست وباید اصل تنصیف منافع قبول گردد . بقرارمعلوم این اظهارات در دستورهائی که بسفیرامریکا درتهران داده میشد منعکس بود وهروقت دولت ایران ازدولت امریکا تقاضای مساعدتی مینمود جواب گفته میشد که اگر شرکت نفت حق کامل ایران را ادا نماید مساعدت مالی امریکا دیگرموردی پیدانخواهد کرد . بعضی ازجراید انگلیس مدعی بودند که مك گی عامل شرکتهای نفت امریکا میباشد وبانفوذ آنها بمقام معاونت وزارت خارجه رسیده است و هدف او این است که برعلیه شرکت نفت بریتانیا اقدام نماید تا شرکتهای نفت امریکا را جانشین آن نماید . مك گی در سال ۱۳۳۰ از سمت معاونت وزارت خارجهٔ امریکا برکنارشد وبعنوان سفیر کبیرامریکا بترکیه رفت ومعروف گشت که انگلستان بعملیات او معترض بوده و از دولت امریکا تغییر سمت او را خواستار شده بود .

شخص دیگری که درکار نفت ایران عامل مؤثری بود وانگلیسها بکارهای او معترض بودند تورنبرگ[2] بود . این شخص سابقاً نایب رئیس شرکت نفت کالیفرنی- تکساس[3] بود ودرموقع جنك اخیرمستشار نفت وزارت خارجهٔ امریکابود وپس ازجنك شیخ بحرین جزیرهٔ کوچکی درخلیج فارس باو واگذار کرد که در آنجا عمارت بزرگی برای خود بنا کرده وهمهٔ جزیره را درختکاری کرده وآباد نمود . بعدازجنك از طرف شرکتهای نفت امریکا مأموریت پیدا کرد که درتمام کشورهای نفت خیزخاورمیانه بمطالعه پرداخته

---

(۱) George McGhee

(۲) Max Thornburg

(۳) California-Texas Oil Co.

وگزارشی برای آنها تهیه کند. درسال ۱۳۲۷ تورنبرگ بعنوان رئیس شرکت مشاور بن ماوراء بحار در تهران برای کارهای مربوط بسازمان برنامهٔ ایران باماهی شش هزار دولار حقوق بایران آمد واز آنوقت تا ملی شدن نفت ایران با سیاستمداران وسیاست مآبان تهران روابط بسیار نزدیکی داشت وهمینکه قانون ملی شدن نفت بتصویب مجلس رسید دولت انگلستان بحضور اودرایران اعتراض نمود وبدستوردولت امریکا ازایران خارج گردید.

یکی دیگراز کسانی را که انگلیسها مدعی بودند درکار نفت دخالتهای ناروا کرده است همان گریدی سفیر کبیرامریکادرایران بود که درتمام مدت زمامداری سپهبدرزم آرا وقسمتی ازمدت زمامداری دکترمصدق درایران بود. جراید ایران که مخالف دکترمصدق بودند شهرتهائی دربارهٔ اوچاپ کردند که اوعامل شرکتهای نفت بوده است واوهمچون نقش مهمی درکار نفت ایفا کرد پس از ملی شدن نفت از ایران احضار گردید و مقالات متعددی درجراید امریکا نوشته وازسیاست دولت انگلیس وروبهٔ شرکت نفت انتقادهای شدیدی نمود.

مجلهٔ هفتگی نیواستیت من[1] چاپ لندن که از جراید دست چپ است در تاریخ ۳۱ فروردین ۱۳۳۰ چنین نوشته بود: «مذاکرات بین دولتین انگلستان وامریکاراجع بنفت ایران که اخیراً در واشنگتن جریان داشته است موجب اعتراض شدید سفیر کبیر ایران در لندن واقع شده است. یکی از دلایل فوری برای مذاکرات مزبور را روزنامهٔ هرالد تریبون[2] هفتهٔ گذشته افشا نموده است. بی احتیاطیهای تورنبرگ ـ مستشار نفت دولت ایران که سالی ۷۲ هزار دولار ازآندولت حقوق میگرفت ودرسابق رئیس هیئت مهندسین شرکت نفت استاندارد کالیفورنی بوده است ـ حاکی ازاین است که لااقل قسمتی از احساسات ضدانگلیسی که این روزها درایران رواج دارد ناشی از نفوذ شرکتهانی نفت امریکامیباشد. شرکت نفت استاندارد اخیراً قبول کرده است که نصف منافع رابدولت عربستان سعودی تخصیص دهد. دولت ایران ازروی این زمینه میتواند بسهولت قیاس کند که اگر شرکت نفت استاندارد جانشین شرکت نفت بریتانیا شود همان درآمد را خواهد داشت. اطلاعات واصله حاکی است که مستر مك گی معاون وزارت خارجهٔ امریکا که متصدی ادارهٔ امور خاورمیانه میباشد درسفر اخیری که بتهران کرد بخود زحمت این را هم نداد که نظریات انتقادآمیزی که نسبت بشرکت نفت بریتانیا داشت پنهان نماید ولی مستر تورنبرگ درابراز نظریات مشابه خود پا را فراتر گذاشت ولذا بدستوروزارت خارجهٔ امریکا مجبور شد که ایران را ترك کند وقبل از حرکت ازایران امساك نکرده و انتقاد شدیدی از نادانی وکندذهنی انگلیسها کرد.

وزیر خارجهٔ ما ناچار بود که در واشنگتن اقدام مقتضی بنماید تا از اینگونه اظهارات جلوگیری نماید وصلاح درین است که این مذاکرات واشنگتن فقط محدود باین باشد که از رقابت بین انگلیس وامریکا جلوگیری کند زیرا اگر جبههٔ متحدی ازکشور

---

(۱) New Statesman And Nation (۲) Herald Tribune

های‌غرب برای فشار آوردن بایران تشکیل گردد اثرمعکوسی، بجز آنچه‌منظور نظراست؛ خواهد داشت.»

ومجلهٔ هفتگی «اکونومیست»[۱] چاپ‌لندن بتاریخ ۱۳ اردی‌بهشت ۱۳۳۰ چنین نوشته شده بود:

«بزرگترین ومهم‌ترین سرمایهٔ‌انگلیسی که درخارج انگلستان بکار رفته همان سرمایه‌ای است که ما درنفت‌ایران گذاشته‌ایم واگر صنعت‌نفت‌ایران با زوروتهدیدخراب گردد ویا باجبر وعنف مصادره شود هرامتیاز نفت دیگری که درخاورمیانه داده شده مواجه با خطر مشابهی خواهدبود. استخراج وفروش‌نفت آلت دست سیاسیونی خواهد بود که تحت‌تأثیر احساسات قرارمیگیرند وکلیهٔ نقشه‌های نظامی واقتصادی دنیای‌غرب در خاورمیانه مختل خواهدگشت زیراکه نفت امروز از هر مادهٔ خام دیگری مهمتر است. امریکا اگر بخاطر هیچ چیز دیگری هم نباشد فقط بواسطهٔ علاقه‌ای که به خاورمیانه دارد درین مناقشه ذیدخل است وجای نهایت تأسف است اگرنصایح‌واندرز های امریکا درعوض تقویت انگلستان به‌تضعیف آن بپردازد. چنین بنظر میرسد که وزارت خارجهٔ امریکا بطور صحیح و منطقی احساساتی را که بر ملیون خاورمیانه مستولی شده و اقداماتی که برای مقابلهٔ با آن لازم بنظر میرسد درك نمیکندوموجب نهایت تأثر وتأسف خواهدبود اگر دکترمصدق معتقد شده‌باشد که عده‌ای‌ازمتخصصین فنی امریکا حاضرند زمام صنعت نفتی که متعلق بانگلستان بوده و مصادره شده است بدست‌گرفته وآنرا اداره نمایند. کمترین اقدامی که در حال حاضر واشنگتن میتواند بکند این است که بتهران بفهماند چنین اقدامی‌را اجازه نخواهد داد وهیچ شرکت‌نفت امریکائی حاضر نیست امتیاز نفت را بهرشکل که باشد از ایران قبول نماید. . . . . واشنگتن باید بداند که این یک آزمایشی از دوستی و همکاری فیمابین است که اثرات قطعی خواهد داشت واز زیربار آن نمیتوان شانه خالی کرد.»

ومجلهٔ «کانتمپرری ایشیوز»[۲] چاپ لندن درشمارهٔ یازدهم‌سال ۱۹۵۲ ضمن شرح وقایع ملی‌شدن نفت ایران چنین نوشته‌بود:

«امریکا باطرفین (یعنی ایران وانگلیس) بازی دو پهلو کرد. درعین حال که یکطرف را تشویق بختم غائله میکرد روی خوشی هم بطرف دیگر نشان می‌داد ومیفهماند که درحل قضیه شتاب‌لازم نیست. بامواعید وکنایات راجع به‌کمك ومساعدت بطرفین واظهارات رسمی که بعد همان اظهارات مورد تردید وتعبیرمخالفی واقع‌میشد اشکالات زیادی را فراهم کرد.... آنچه که برای امریکا دراین‌گیرودار اهمیت بسزائی داشت تعویق دربراه افتادن مجدد صنعت نفت ایران بود واین‌تعویق بشرکتهای بزرگ نفت امریکا فرصتی داد که بازار های شرکت نفت را تصرف کرده و از دست آن خارج نمایند.»

جراید بزرگ یومیهٔ انگلستان هم‌کم و بیش درتحت لفافه وکنایه نوشتند که گریدی سفیرامریکادرایران ومك گی معاون وزارت خارجهٔ آندولت وتورنبرگ وبعضی

---

(۱) Economist (۲) Contemporary Issues یعنی «قضایای معاصر»

دیگراز اعضای سفارت امریکا درتهران روابط بسیار نزدیکی باسران جبههٔ ملی داشته وآنهاراتشویق میکردند که درمقابل شرکت نفت بریتانیا مقاومت کرده واگر تقاضاهای دولت ایران‌را قبول نمیکند بملی شدن نفت اقدام نمایند. تاچه‌حد این‌اتهامات‌صحیح و وارد میباشدمعلوم نیست‌ولی آنچه مسلم‌میباشد این‌است که‌روزنامه های منتسب به‌جبههٔ‌ملی‌دائم ازتضاد بین‌سیاست امریکاوانگلیس بحث کرده ومیگفتند که‌باید حداکثراستفاده‌را ازآن نمود . استنباط نویسنده این است که مأمورین دولت امریکا بسیارشایق بودند که دولت ایران عواید بیشتری ازنفت خود بدست‌آورد تا بعمران وآبادی کشور پرداخته وسدی در مقابل تبلیغات کومونیزم بنا نماید و محتمل است کسانی مانند تورنبرگ که شخص ماجراجوئی بود مواعیدی هم داده باشد که اگر نفت ملی شد شرکتهای نفت امریکائی بیاری ایران برخاسته وبادادن متخصص و خرید نفت ایران چنین و چنان خواهند کرد ولی باورنمیکند که مأمورین رسمی امریکا ملی‌شدن نفت را ترویج وتشویق میکردند وبهترین دلیل من‌هم این‌است که دولت امریکا متوجه بود که اگر ملی شدن نفت ایران عملی گردد اثرآن در سایر کشور های نفت خیز خاورمیانه که شرکتهای نفت امریکائی امتیازاتی داشتند ظاهرخواهد گشت وبزیان‌آن خواهد بود . علاوه برین فوری پس از تصویب قانون ملی شدن نفت اولیای دولتین امریکا وانگلیس بایکدیگرمشاوره نموده ودرتاریخ ۲۸ اردیبهشت ۱۳۳۰ (بیست روز پس از تصویب قانون اجرای ملی کردن نفت) دولت امریکا بیانیه‌ای منتشر کرد که جملاتی‌چند درزیرازآن نقل میگردد :-

«ازآنجاکه‌دربارهٔ‌روش کشورهای‌متحد امریکا گفتگوهائی‌شده‌است مصلحت‌چنین است‌سیاستی‌راکه درمذاکرات‌خود با نمایندگان ایران وبریتانیای کبیر اتخاذکرده‌ایم تشریح‌نمائیم. لزوم‌حل‌اختلاف‌را بطریق دوستانه‌وازراه‌مذاکرات وهم‌چنین‌لزوم احتراز ازتخویف وتهدید باقدام یك‌جانبه را بهردودولت تأکید کرده‌ایم. هنگام مذاکرهٔ خود با دولت بریتانیای کبیر این عقیده را اظهار کرده‌ایم که باایرانیان ترتیباتی بدهند که کنترول بیشتری درادارهٔ امور نفت ومنافع بیشتری از استخراج منابع نفت خودشان داشته باشند وتمایلی راکه ایرانیان درین‌باب اظهار نموده‌اند شناخته شود . . . . . درمذاکرات خود با دولت ایران اثرات خطیری راکه درنتیجهٔ الغاءیکطرفی‌روابطی که بطور واضح بر قرارداد مترتب است وکشورهای متحد امریکا قویاً مخالف آن خواهد بود تذکر داده‌ایم . . . . . شرکتهای امریکائی که از همه بهتر مجهز بوسائل بهره‌برداری ازمنابع مهم وبزرگ وغامض نفت مانند آنکه در ایران موجود است میباشند بدولت امریکا اظهار داشته‌اندکه نظر باقدام یك‌جانبهٔ دولت ایران بر ضد شرکت انگلیسی مایل نیستند که بهره برداری از معادن نفت ایران را بعهده گیرند. علاوه برین متخصصین نفت چه ازحیث کفایت وچه ازنظر تعدادی که لازم است بجای متخصصینی که اکنون درایران مشغول هستند گمارده شوند بعلت کمیابی‌متخصص دررشتهٔ مخصوص نه در امریکا یافت میشوند ونه درکشور های دیگر. عقیدهٔ ممالك متحدهٔ امریکا براین است که ایران وانگلستان دارای اشتراك منافعی چنان‌قوی‌هستند که باید از طریق مذاکرات دوستانه راه حلی بیابند (و خواهند یافت) تا دوباره روابطی را برقرار سازند که براساس‌آن هریك از طرفین نقش‌کامل خود را در نیل

بدان هدف مشترك بخوبی ایفا نماید . چنین بنظر میرسد که ازطریق این نوع مذاکره آمال ومنافع ایران تأمین گردد ومنافع انگلستان محفوظ بماند و تهیهٔ مهم ولازم نفت ایران ببازار های جهان آزاد کماکان ادامه یابد . ۱۴

تا اینجا علاقهٔ امریکا را بنفت ایران شرح داده و بقیهٔ مطلب درفصل دیگری که جریان ملی‌شدن نفت بتفصیل ذکر شده است بیان خواهد شد .

بخش سوم - غفلتهای متصدیان امور

درضمن فصول پیش هرجا که فرصتی پیش‌آمده است در بارهٔ غفلتهای متصدیان امور ذکری شده ودرین بخش به غفلتهای دیگر آنها میپردازیم تا معلوم شود که عدم رضایت عمومی نسبت بامر نفت تا چه حد مربوط بمتصدیان امور بوده است .

بزرگترین غفلتی که درگذشته متصدیان امور مرتکب شدند ضعف وسستی فوق‌العاده‌ای بود که درقبال شرکت نفت نشان‌داده وازاستیفای حقوق مشروع کشورخودداری کردند . ازموقع عقد قرارداد ۱۹۳۳ ببعد-باستثنای یکی دومورد که متصدیان باکمال جدیت بوظائف خود عمل کردند و نگذاشتند حقی ازایران فوت شود - توجه دیگران همواره معطوف باین بوده است که کاری نکنند وقدمی برندارند که رنجشی بین آنها و اولیای شرکت پیش‌آید وبدین‌لحاظ از اجرای کامل قرارداد خودداری کردند. این اهمال وتسامح از شهریور ۱۳۲۰ ببعد بارزتر وآشکارتر بود زیرا که وزیران‌دارائی دورهٔ باصطلاح دموکراسی همیشه در صدد بودند که مقام خودرا حفظ نمایند و حفظ مقام را هم این‌میدانستند که خارجیان متنفذ درسیاست کشور را از خود آزرده نسازند . مثلاً درسال ۱۳۲۷ گزارشی ازطرف وزارت دارائی تهیه گردید که تحت ۲۵ فقره اختلافات موجود بین دولت و شرکت را شرح میداد . بعضی از اختلافات مزبور در دورهٔ قبل از شهریور بوجود آمده بود و وزیران دولت مقتدر وقت توانائی آنرا داشتند که از حق ایران دفاع نمایند و کوتاهی کردند و بغفلت گذراندند. پارهٔای دیگر از آن اختلافات در موقع جنگ و ایام بعداز جنگ پیش‌آمد که شاید حل آنها کمی دشوارتر بود . پروفسور ژیدل که هنگام مذاکره دربارهٔ قرارداد الحاقی ازطرف دولت استخدام شده بود طی گزارش مبسوطی نظر داده بود که هشت فقره از اختلافات را بسهولت‌میتوان بحکمیت رجوع نمود ونتیجهٔ امید بخشی ازآن حاصل کرد . تاکنون کسی نبوده که از متصدیان امور وبخصوص وزیران دارائی وقت بپرسد چرا درهمین هشت‌مورد که‌دلائل موجهی برای طرح آنها موجود بود اقدامی نکردند واگرهم کسی پیدا شود که چنین سئوالی را بنماید درجواب تمام تقصیر را بگردن خارجیان میاندازند وعظمت‌نفوذ آنها را دلیل موجهی برای سکوت خود عنوان میکنند . از روی حق و انصاف باید گفت که یکقسمت عمده از اجحافاتی که بحقوق این کشور شده بعلت محافظه‌کاری وجهل و فقدان‌شخصیت و تسامح اولیای امور بوده‌است . واضح است که خارجیان پس‌ازملاحظهٔ

---

(۱) عین ترجمهٔ فارسی بیانیه فوق از مطبوعات روز نقل شده است .

چنین ضعف وسستی جری‌تر شده و برجسارت خـود میافزودند و هنگامیکه جسارت و شهامت میدیدند تسلیم شده و حتی به‌تحسین هم میپرداختند .

یك مثال کوچك شاید قضیه را واضح سازد وبرای اینکه ریائی درکار نباشد از ذکر نام اشخاص خودداری میشود . هرسال مرسوم بود که برای تعیین بهای فراورده های نفتی که در ایران بفروش میرسید بارقام قیمتهای خارج از ایران مراجعه کرده و میزانی بدست میآوردند . دربحبوحهٔ جنگ یعنی همان اوقاتیکه‌قدرت‌انگلیسها بواسطهٔ اشغال ایران باوج خود رسیده بود شرکت‌نفت بدولت اطلاع داد که طبق‌مقررات‌مادهٔ نوزده قرارداد باید بربهای فراورده های نفتی افزود . وزیردارائی وقت اظهارداشت که با هزینهٔ روزافزون زندگی چنین‌کاری صلاح ومقدور نیست. رئیس‌کل شرکت از آبادان بتهران آمده و درین امر پافشاری میکرد ومیگفت که باید اصول مندرجه در قرارداد را حفظ نمود . ملاقاتی بین وزیردارائی وقت ورئیس شرکت صورت گرفت و اظهارات طرفین تکرارشد . رئیس شرکت دوباره باصول توسل جست‌وگفت که باید قیمتها بالا رود . وزیردارائی با متانت جواب داد حق باشماست وباید چنین‌کاری را کرد ولی نتیجه‌اش افزایش هزینهٔ زندگی وعدم رضایت عمومی خواهد بود . رئیس شرکت درجواب‌گفت نتیجه هرچه باشد مربوط بشرکت‌نیست. وزیردارائی باخونسردی گفت : « شما و هر شخص دیگری که درین کشور سکنی دارد میداندکه بالا رفتن هزینهٔ زندگی نتیجهٔ‌حضور ارتشهای خارجی است پس قبل‌ازافزایش بهای‌فراورده‌های نفت خوب‌است شرکت اقدام نمایدکه ارتش خارجی ازایران برود تامن افزایش بهای فراورده های نفت را فوری تصویب‌کنم.» رئیس شرکت که با منطق قوی مواجه‌شده بود بیدرنگ تسلیم شد و پس از خروج از وزارت دارائی به‌نویسنده‌گفت : « فلانی بیانش چنان منطقی بودکه نه‌تنها مرا مجاب‌کرد بلکه مرا هم مرید خود ساخت‌وشما باید بداشتن چنین وزیری افتخارکنیدکه حرف حق را با متانت و بدون پروا بیان میکند . » سپس رئیس شرکت نامه‌ای بلندن نوشت و پس از تحسین بسیار از وزیر مزبور شدیداً‌توصیه کرد که دربارهٔ افزایش قیمتها تاجنگ‌باقی‌است ابداً صحبتی‌نشود .

عذرهای متصدیان امور که اگراندك اقدامی‌ازطرف‌آنها برای استیفای حق‌ایران میشد موجب برکناری‌آنها ازکار بود ونتیجه‌ای هم عاید نمیگشت شاید تاحدی مقرون بحقیقت باشد ولی چنین عذری موجه نیست زیرا مقام وزارت دائمی نمیباشد وبهرحال روزی باید کناررفت . حال اگرچنین برکناری نتیجهٔ ایستادگی برای احقاق حق باشد افتخارش بیشتروموجب‌آسودگی وجدان خواهد بود . چنانچه وزیری درمقابل تقاضای غیرمشروع وناروائی‌ایستادگی کند وبیگانهٔ بانفوذی سبب شود که اوازکاربرکنارگردد وکمترین‌اقدامی که‌آنوزیرمیتواند بکند این‌است که شهامت یافته وجریان قضیه رابرای اطلاع عموم منتشرنماید . اگرچنین‌کرد بطورقطع آنوزیرمحبوبیت عامه پیداکرده و بازوال نفوذ بیگانه دوباره دعوت بکار خواهد شد ومقامات بالاتری را احراز خواهد کرد وحداقل نتیجه ای‌که از چنین‌کاری بدست میآید این است که بیگانگان از اقدام وزیرمزبوردرسی آموخته وتقاضای ناروا یا نمیکنند و یا کمترمیکنند . بدبختانه فقدان

شهامت وازخودگذشتگی وعشق بصندلیهائی که ازروی عدم استحقاق بدست آمده‌است نتیجه اش تضییع حقوق مردم بوده‌است وبس.

غفلت دیگری که درگذشته میشد(وهنوزهم ادامه‌دارد) این‌بود که هروقت‌اختلافی باشرکت نفت روی میداد متصدیان امرآنرا پنهان میکردند و ازانتشارآن خود داری داشتند درصورتیکه اگر مردم را ازآن مطلع میساختند وافکار عمومی‌را به پشتیبانی خود تجهیزمیکردند درمقابل‌بیگانگان بهترمیتوانستند ایستادگی کنند ومقاومت نشان دهند . بطورکلی‌بیگانگان بافکار عامه نهایت اهمیت را میدهند و هنگامیکه به بینند قضیه‌ای مورد توجه عموم مردم است زودترتسلیم میشوند . تبلیغ برای احقاق حق یکی ازبهترین‌وسایل‌برای وصول‌بحق‌است ولی متأسفانه هنوزاین‌رویه درکشورما که‌رعایت افکارعمومی خوابی برای‌آزادگان بیش نیست رسم و عادت نشده است و چه بسا که اگر متصدیان امور باافکارعامه تماس گرفته‌وازآن الهام‌گیرند توفیق‌بسیاری‌درکارهای خود تحصیل نمایند .

یك غفلت دیگرمتصدیان که بکرات مرتکب‌آن شده وزیانهای بسیارعایدگردید ترس ووحشت از ارجاع اختلافات بحکمیت بود و اولیای امور بغلط تصورمیکردند که اگرچنین کنندآسمان بزمین خواهدآمد وچنین وچنان خواهد شد در صورتیکه اینطور نبود. اصولاحکمیت برای رفع اختلاف است وطرفین هرمعامله ای که بدوام وبقای آن علاقمند میباشندباید بمجرد بروزاختلاف وعجزازحل‌آن قضیه‌را بشخص ثالث وبیطرفی رجوع نمایند تا بین‌آنها قضاوت کرده وآنرا رفع نماید . باقی گذاشتن اختلاف‌واهمال دررفع‌آن ناشی‌ازسوء نیت است وبسیاربجاوشایسته است که درآینده رویهٔ گذشته‌تعقیب نشود و همینکه دیده شد رفع اختلاف بوسیله طرفین حل نمیشود بحکمیت رجوع کرده وقضیه را فیصله دهند .

بازغفلت‌دیگراین بود که غالب متصدیان امروکسانی که باید امورمربوط‌بشرکت نفت را رسیدگی کنند از وضع خوزستان بی‌اطلاع بودند وحتی برای یکمرتبه هم آن استان را ندیده بودندوعظمت صنعت نفت راکه درتمام شئون اداری وسیاسی‌واقتصادی آن استان‌مؤثربود درك نکرده بودند . شهر های مسجد سلیمان وآبادان استحقاق این را داشت که بهترین مأمورین دولت بآن نقطه اعزام میشدند تادرمقابل خارجیان ابراز شخصیت نموده وحقوق ساکنین نقاط مزبوررا (چه‌آنهائیکه دراستخدام شرکت‌بودند وچه دیگران که نبودند) حفظ نمایند . متأسفانه به‌این نکتهٔ فوق‌العاده مهم درتمام‌مدت امتیازاندك توجهی نشد واغلب واخورده‌های وزارتخانه ها بمراکز نفت مأمورمیشدند که بهیچوجه صلاحیت نداشتند . بیگانگان ساکن خوزستان دولت ایران را بوسیلهٔ نمایندگان‌آن‌میشناختند ودرواقع مظهردولت ایران‌وقوه‌ای که کشوررا اداره میکرد در مأمورین‌دولتی‌مجسم میساختند. چون اهوازمرکزخوزستان میباشدچند مأمورعالیرتبه‌ای که بآن استان مأموریت می یافتند دراهواز مستقرشده و بآبادان که بزرگترین مرکز صنعتی کشوربود توجه شایسته ای نمیشد . جاداشت که دولت برای مراکزنفت مأمورین عالیرتبه وپاکدامن‌وباشخصیت وفرنگ‌دیده وآشنابزبان‌خارجه باحقوق‌ومزایای مکفی

میفرستاد که آبروی دولت وملت را درین مراکز صنعتی به بهترین وجهی حفظ نمایند و بسیار بجا و شایسته است که این اصلاح را هرچه زودتر بنمایند.

یك غفلت دیگر این بود که مأمورین دولت درحوزه های نفت دارای احتیارات کافی برای حل وفصل امور مربوط بنفت نبودند و برای هرامر جزئی محتاج بمراجعه بتهران میشدند . چنین رویه ای ازاهمیت مأمورین کاسته و آنها را درمقابل بیگانگان بی قدر و قیمت جلوه میداد . بخاطر دارم که پس از اقدامات گوناگون شرکت نفت حاضر شده بود که یك بیمارستان آبرومندی برای شهر آبادان بسازد وقسمتی از مخارج آنرا خود بعهده گیرد و بقیه را هم باقساط طولانی از شهرداری آبادان وصول نماید . چهارسال تمام وقت مأمورین مربوطه واعضای شرکت به مکاتبه باتهران تلف شد که نقشه وطرح ریزی بیمارستان بتصویب تهران برسد واین قدر تعلل و تسامح درین کار خیر شد که بالاخره بیمارستان ساخته نشد درصورتیکه اگر بمأمورین محلی یا لااقل مأمورین عالیرتبه مقیم اهواز که با اوضاع محل آشنائی داشتند واحتیاجات مردم آبادان را بهتر درك میکردند اختیارات لازم داده شده بود شاید بیمارستان مذکور سالها پیش ساخته شده ومردم از آن استفاده میکردند .

غفلت دیگر این بود که درمراکز نفت دولت برای مأمورین خود خانه و مسکنی نداشت وخانه های مناسبی هم برای اجاره موجود نبود . مأمور دولت فوری پس از ورود بمسجد سلیمان یا آبادان محتاج باین بود که خانه ای از شرکت بخواهد ومبل واثاثیه مطالبه کند ودستگاه سردکردن هوا و یخچال وغیره را تقاضا کند . اینگونه تقاضاها که غالب باامساك مورد قبول شرکت واقع میگشت مأمور مزبور را تا اندازه ای مدیون اخلاقی شرکت مینمود وچنین مأموری دیگر آن شخصیت لازم را درمقابل شرکت نداشت. دولت میبایستی ازابتدای امر بعدهٔ مأمورین خود خانه ازشرکت تقاضا کند وبدون دخالت شرکت خانه ها را به تناسب مقام و رتبهٔ مأمورین خود بآنها تخصیص دهد بطوریکه خانه های بزرگتر بدارندگان رتبهٔ بالاتر وخانه های کوچکتر بدارندگان رتبه های پائین تر داده شود . البته شرکت درمقابل تقاضای دولت اشکالات بسیار میتراشید ومتعذر میشد که کارمندان آن بی خانه هستند وحق اولویت دارند. جواب این ادعا آن بود که اولا موجودیت آبادان ومسجد سلیمان وسایر نقاط نفت خیز وابستگی به صنعت نفت دارد و اگر نفتی درکار نبود کسی دراینگونه نقاط سکنی نمیکرد وحال که برای خاطر نفت دولت باید هزینهٔ گزاف را تحمل کرده و مأمورینی باین نقاط اعزام دارد حق و انصاف این است که شرکت سرمایهٔ لازم را بکار انداخته وخانه های مناسب بتعداد کافی برای همهٔ آنها فراهم سازد ولی خانه های مزبور را نباید شرکت بمأمورین دولت بدهد که آنها را تحت تعهدات اخلاقی قرار دهد بلکه باید همهٔ خانه ها را بدولت بدهد ودولت برحسب میل وصلاحدید خود بهر مأموری خانه ای بدهد وکرایهٔ آنرا گرفته درآخر هر ماه یك قلم بشرکت بپردازد . اگر دولت از ابتدای امر چنین رویه ای را اتخاذ کرده بود مأمورین آن خودرا محتاج بوسائل زندگی که ازطرف شرکت برای آنها فراهم میگشت ندانسته ودر انجام وظایف خود جدی تر وبا شهامت تر بودند . آنانیکه در خوزستان

بوده‌اند میدانند که دادن خانه ازطرف شرکت بمأمورین دولت چه تعهداتی را برای مأمورین مزبور ایجاد میکرد و چه‌اندازه برای مأمورین پاکدامن ناگوار بود که‌زیر بار منت شرکت بروند .

باز غفلت دیگر این بود که دولت توجه شایسته‌ای بمراکز نفت نداشت‌ودرانتخاب مأمورین خود دقت‌کافی بخرج نمیداد وبسیار اتفاق میافتاد مأمورینی که‌باین‌نقاط‌اعزام میشدند آلوده بفساد بودند. شرکت با دقت بسیار اعمال مأمورین دولت را در نظر میگرفت واز جزئیات اعمال‌آنها باخبر بود . آنانیکه بمردم خدمت‌کرده و پاکدامنی را پیشهٔ‌خودمیساختند مورداحترام اولیای‌شرکت‌بودند وهیچگاه تقاضای‌نامناسبی‌ازآنها نمیشد وبعکس مأمورینی که دچار لغزش میشدند فوری ریزه خوار شرکت شده وکلیهٔ تقاضاهای شرکت را میپذیرفتند.

درین‌جا مثلی بخاطر رسید که ذکر آنرا بی مورد نمیدانم و این نمونه ای از مأمورین‌فاسدی بود که دولت بآبادان فرستاده بود. پس‌ازآنکه شرکت‌برنامهٔ‌ساختمانی خودرا پس‌از جنگ درآبادان توسعه داد عده‌ای زمین خور بفکر این افتادند که از تقاضای روزافزون مردم برای خانه ومسکن سوءاستفادهٔ عظیمی بنمایند وآنچه‌درسال های اخیر دراطراف تهران رویداده است درآبادان تکرار نمایند . گروهی از سرمایه داران شهرآبادان باکمك و مساعدت بعضی از مأمورین ناپاك دولت زمینهای موات اطراف شهررا که بایر ومتعلق بدولت بود به‌ثبت‌دادند وکاررا طوری ترتیب‌داده‌بودند که رئیس دارائی اعتراضی به‌ثبت‌آنها نمیکرد واداره ثبت هم بی‌سروصدااراضی‌مزبور را بنام افراد این گروه به‌ثبت میرساند. این‌کار باتهیهٔ گواهی‌نامه های تصرف که‌ساختگی بود یا بوسائل قباله هائی که بین اشخاص مجهول خرید وفروش شده‌بود انجام گرفت‌و درنتیجهٔ‌آن چندین ملیون متر اراضی دولت‌را این گروه بدستیاری رؤسای دارائی‌وثبت بلع نمودند وهروقت مأموردیگر دولت مطلع شده اعتراضی‌میکرد بوسائلی که‌داشتند اورا ساکت وقانع میساختند . شرکت نفت از جریان این واقعه‌کاملاً مطلع بود وچون خود درمضیقهٔ خانه برای‌کارمندان خویش بود بااین‌گروه زمین‌خوار قراری‌گذاشت‌که مقداری سیمان وآهن های مستعمل وفرسوده بقیمت نازلی بآنها بدهدکه عدهٔ زیادی خانه‌بسازند وآنرا ازمضیقهٔ‌خانه رهائی‌دهند . افرادی ازکارمندان استفاده‌چی‌شرکت‌هم باگروه‌مزبور همدستی کرده‌بزیان‌منافع ملی‌ودولتی‌قدمهائی برداشتند وسوءاستفاده‌های کلانی نمودندکه بالطبع موجب سرافکندگی انبوه‌کارمندان درستکارشرکت‌درمقابل این وآن گردید .

غفلت دیگر متصدیان امور این‌بوده‌است که استفادهٔ شایسته‌ای ازنیروی‌کارگران صنعت نفت نکرده و همیشه بیم‌آن‌را داشته‌اندکه اگر کارگران متشکل گردند ودرحفظ حقوق قانونی خودکوشش نمایند اختلالی کادررهارخ خواهد داد . دولت ونزوئلا از بدو تأسیس صنعت نفت درکشور خود همواره ساعی بوده است که کارگران متشکل بوده واتحادیه‌هائی برای حفظ حقوق خود داشته باشند وبوسیلهٔ استفاده ازنیروی‌عظیم آنها حتی توفیق این را یافته است که بر حق‌السهم دولت نیز بتدریج بیافزاید . شرح

این قضیه در بخش هفتم از فصل سوم آمده است . در سال ۱۳۲۵ کـه اعتصاب بزرگ کارگران صنعت نفت رویداد باولیای دولت واضح و مبرهن شد کـه چه نتایج عمده‌ای از آن عاید گشت و با چه شتاب و عجله‌ای دولت انگلستان بیانیه‌صادر کرد و بشرکت نفت توصیه نمود که اقدام لازم برای رفاه آنها بنماید . اگرمتصدیان امور اجازه میدادند که اتحادیهٔ کارگران صنعت نفت طبق قوانین موضوعه و بدون اندك دخالتی از طرف دولت و باکمال آزادی بوجود آید و اتحادیهٔ حقیقی کارگران باشد وفقط در امور صنفی و صنعتی دخالت نماید چنین اتحادیه ای میتوانست نیروی عظیمی برای تأمین نظریات دولت در قبال بیگانگان قرار گرفته وازمنافع حقهٔ اعضای خود نیزدفاع نماید . متأسفانه درین باره هم غفلتهای زیادی در گذشته شده و هنوزهم ادامه‌دارد .

آنچه در بالا گفته شد شمهٔ مختصری از غفلتهای متصدیان امر بوده استواگر نویسنده بخواهد درین زمینه همهٔ مطالبی را که بخاطر سپرده است بیان نمایدبدون اغراق کتاب جداگانه‌ای لازم است . چنانکه خواننده ملاحظه میکند در بارهٔ وضـع مأمورین دولت قبل از برقراری تسلط حکومت مرکزی بخوزستان ومظالم واجحافات فئودالهای محلی ذکری درین بخش نشده است و شرح آنرا در بعضی از جراید و کتبی که قبل از سال ۱۳۲٤ شمسی در تهران چاپ شده میتوان یافت .

عادت و سنت برین بوده است که در موقع بحث راجع بروابط با بیگانگان- چه دولتها و چه شرکتهای خارجی - همیشه تقصیر را بگردن خارجیان بیاندازیم . این رویه بنظر اشخاص منصف از عقل و حزم دور است و در نظر اهـل بصیرت خطای محض است . آنانیکه صمیمانه طالب اصلاحات میباشند باید کار های بدی کـه شده و میشود چه مرتکب آن خودی یـا بیگانه باشد صریح و بی پروا بگویند و بنویسند تا بهدف برسند و بدون شبهه باید اعتراف کرد که قسمت عمدهٔ لطماتی که بمردم این کشور وارد آمده‌است ناشی ازجهل ونادانی وفساد طبقهٔ حاکمه بوده‌است.

فصل چهاردهم

بخش نخستین- نهضت ملی کردن نفت ایران از نظر کلی

بخش دوم - اطمینان بعاقبت کار

بخش سوم - مذاکرات با هیئت اعزامی ازطرف شرکت نفت

بخش چهارم - مذاکرات باهیئت اعزامی ازطرف دولت انگلیس

بخش پنجم - خلع ید واخراج کارکنان انگلیسی

بخش ششم - شورای امنیت

بخش هفتم - پیشنهاد بانك بین‌المللی

بخش هشتم - دیوان داوری لاهه

بخش نهم - استعفای دولت و تشکیل کابینهٔ دوم مصدق

بخش دهم - پیشنهادهای دولتین امریکا و انگلیس

بخش یازدهم - قطع رابطه باانگلستان

بخش دوازدهم- پیشنهادهای مجدد دولتین امریکا و انگلیس

بخش سیزدهم - وخیم شدن وضع اقتصادی

بخش چهاردهم- آخرین تلاش

بخش پانزدهم - نگرانیهای امریکا

فصل چهاردهم

بخش نخستین - نهضت ملی کردن نفت از نظر کلی

داستان ما دربارهٔ نفت تاآغازملی‌شدن آن درفصل‌دهم پایان پذیرفت وسه‌فصل بعدازآن بعلل وموجبات پیدایش نهضت ملی‌شدن نفت اختصاص یافت واکنون‌آخرین فصل‌این کتاب را بجریان ملی‌شدن‌نفت وعواملی که مؤثر درپیشرفت وتوقف آن گشت اختصاص میدهیم .

درینکه نهضت ملی کردن نفت مانند نهضت ضدرژی تنباکو و نهضت مشروطیت ایران‌و نهضت ضداخراج شوستر امریکائی‌و نهضت تغییررژیم سلطنت قاجاریه یك‌نهضت صددرصد ملی‌بوده وازمنابع‌عمیق احساسات ملت ایران‌سرچشمه گرفته جای هیچگونه شك وتردید نمیباشد . عوامل مؤثر پیدایش این نهضت را ، چنانکه درسه فصل اخیر شرح داده شده است، باید درغفلت وقصورشرکت نفت ایران و انگلیس وسوءسیاست انگلستان و علاقمندی دیگران بنفت ایران و بیعلاقگی طبقهٔ حاکمه نسبت بمنافع ملی ایران جستجو کرد زیرا همینکه عوامل‌مزبوردست بهم دادند ملت ایران را قلباً نسبت بدستگاه نفت یکباره متنفر ساخت و در واقع‌کانونی ازمواد محترقه برای برهم زدن دستگاه آنروزی نفت تدریجاً تکوین یافت . اینها که گفته شد باصطلاح علت‌العلل بود اما علل‌دیگری هم مانند عدم رضایت شدید مردم ازحکومتهائی که بدست طبقهٔ‌حاکمه وباپشتیبانی بیگانگان روی‌کارمیآمد - هزینهٔ روزافزون زندگی - نبودن‌کار برای جمع کثیری ازمردم فهمیده وباسوادوتحصیل کرده - اعتراض عمومی بدستگاه فاسد ادارات دولتی - علاقهٔ شدید مردم بعمران وآبادی‌کشور بوسیلهٔ تحصیل عواید بیشترازنفت - تقاضای مردم برای برقراری یك حکومت دموکراسی واقعی و تأمین آزادی - درهم شکستن سد هائی که مانع روی‌کارآمدن عناصر مترقی بود - و نارضایتی خصوصی‌و شخصی‌پاره‌ای ازرجال‌متنفذ ایران‌ازانگلیسها نیزمزید برعلت گشت وآن‌کانون‌محترقه‌را بطور سهمگین منفجر ساخت .

این انفجار برای شرکت نفت وسیاست انگلستان درخاورمیانه بسی‌سهمگین‌بود ونویسنده بااطلاعاتی که دارد،و برخلاف معدودی بی‌خبران‌ونادانان که هرواقعه ای که درایران رخ میدهد ناشی‌ازقدرت لایزال‌انگلستان دانسته ومانند متعصبین جاهل‌درعالم توهم‌وتصورسیر کرده معتقد بودندکه نهضت ملی‌شدن‌نفت هم‌بدلخواه وارادهٔ‌انگلیسها انجام گرفته، معتقد است که انفجارمزبورزیان‌اقتصادی وسیاسی بسیاری برای انگلیسها داشت و برای‌آنها بسیارگران تمام‌شد . سیاستمداران و نویسندگان وجراید اروپا و امریکا بخصوص انگلستان این‌مطلب راتأییدکرده ودرنظرارباب بصیرت‌جای‌هیچگونه

بحثی درین باره نیست . درعین حال هم باید اعتراف کرد که نهضت ملی شدن نفت طبق وعده هائی که داده میشد برای ایران و ایرانیان کاملاً ثمر بخش واقع نگردید و چنانکه اکنون مشاهده میکنیم مواعیدی که بمردم داده شد انجام نگرفته است. علتش چه بود؟

چون مادر ایامی زندگی میکنیم که معاصر با این واقعات بوده ایم شاید ازعهدهٔ قضاوت بیطرفانه و بیغرضانه برنیائیم ومرور زمان لازم است تا کلیهٔ اطراف و جوانب کار مطالعه شده ومجهولات معلوم گردد ولی تا آنجا که مقدور بوده است کلیاتی درزیر ذکر شده که شاید مفید واقع گردد .

بطور معمول وقتیکه رنجشها وآزردگیها ونارضایتی ها درجامعه ای بروز کند و برای مدت طولانی هم دوام یابد وراهی هم برای رفع آن بوسایل مشروع ومعمول بنظر نرسد احساسات مردم غلیان یافته و مهیای اقدام شدیدتری میگردد . درچنین مواقعی پیشوایان فداکار وازخودگذشته ای پیدا میشوند که مردم را دعوت بقیام واقدام میکنند وبوسیلهٔ تهییج وتشجیع احساسات ، آنها راترغیب وتشویق مینمایند که برعلیه بیدادگری وستمگری برخیزند وحق ازدست رفتهٔ خودرا بازستانند . اینگونه نهضتها درتاریخ بشریت بکرات اتفاق افتاده وجزومقدس ترین وگرانبهاترین اقدامات محسوب میگردد واحساساتی که سرچشمهٔ آن میباشد ازپاکترین وپسندیده ترین احساسات انسانی بشمار میآید . پیشوایان مزبور هم ازدونوع خارج نیستند وصفحات تاریخ نوع دیگری را تا کنون نشان نداده است. بعضی ازآنان قدرت تحریك وتهییج احساسات مردم را توأم باعقل وخرد وواقع بینی کرده وراهنمایان مبرزی میشوند وبرخی دیگر که فقط قدرت تهییج را داشته وفاقد مآل اندیشی وتوانائی تحصیل نتیجهٔ مطلوب میباشند محکوم احساسات گشته ودروسط راه بازمیمانند . رهبرانی که درنهضت های مختلف کامیاب وکامروا شده کسانی بوده اند که واجد صفات «رجل سیاسی» وسیاستمداری بوده اند . اگر بکتابهای لغت درزبانهای اروپائی مراجعه کنیم می بینیم که کلمهٔ «سیاستمدار» را این طور تعریف میکنند: «کسی که در فن حکومت کردن وزمامداری ورزیده باشد ــ رهبر سیاسی که دارای وسعت فکر ونظر خردمندانه ولیاقت وکفایت برجسته باشد .» بنابرین سیاستمدار واقعی آنکسی میباشد که پس از تهییج احساسات و درهم شکستن اساس بیدادگری بی درنك باصلاح کار پرداخته ودرموقع مقتضی ابرازاحساسات را تسکین داده وامکانات را درنظر گرفته وازروی واقع بینی اساس وبنیان جدیدی که مطابق خواسته های مردم باشد بنا نماید . گردانندگان نهضتهائی که تاکنون توفیق یافته آنهائی بوده اند که درمواقع لازم احساسات افراطی را بنفع مردم تسکین و التیام داده و ازشور وهیجان ملی بطور خردمندانه بهره برداری کرده اند ومنطق ومصلحت وامکانات را بدست احساسات نسپرده اند وکشتی متلاطم نهضت را که مسلماً مواجه با مخالفتهای سرسخت بوده است بامتانت وحزم واحتیاط لازم بکرانهٔ نجات رسانده اند وباصطلاح ازآب گل آلود بسود ملت خودماهی صید کرده اند .

درینجا برای توضیح مطلب ازوضع خودمان و انقلابی که تاحدی مربوط بعصر حاضر میباشد شاهدومثال میآوریم . پس ازینکه محمدعلیشاه قاجارمجلس را بتوپ بست سراسرایران برای اعادهٔ مشروطیت ومبارزه با دستگاه استبداد یکپارچه احساسات شد

وازهر گوشه وکنارصدای مخالفت برخاست . پیشوایان ملیّون و سران آزادیخواهان متوجه اهمیت موضوع شدند وازاحساسات بی‌شائبه مردم برای‌استقراررژیم مشروطیت استفاده کرده باجریان احساسات پیش‌آمدندتاآنجاکه تهران راگشودندومحمدعلیشاه راوادار بخلع وکناره گیری‌نمودند اماهمینکه نظراصلی‌آنها یعنی‌خلع پادشاه‌دیکتاتور واعلام حکومت مشروطه مسلم گردید دیگرحب و بغض شخصی وتمایلات‌آمیخته بغرور وجاه طلبی را فراموش کرده درحدود امکانات وتاآنجاکه منافع ملی پیشرفت داشت جلورفتند چون میدانستند که اگرقدمی‌فراترنهند وبجای‌تعیین پسرپادشاه مخلوع‌صحبت های دیگری بمیان آورند نه تنها رنج ومساعی خودشان ومردم فداکار یکباره بهدر میرفت بلکه نام نیکی که درطول‌مدت مبارزه بادستگاه استبداد بدست آورده بودند یکباره لکه‌دارمیگردید وآنان یکدسته پیشوایان جاه طلب و خودخواه وانتقام‌جو و نه ملت پرست وواقع بین معرفی‌میشدند. ازآنرودامنهٔ احساسات وتمایلات وخصوصیات را رها کرده تاحد امکان ازنهضت ملی‌استفاده بردند بقسمی که اکنون پس ازنیم قرن نام‌پیشوایان‌مزبور در تاریخ‌ایران بعنوان رهبران‌واقع بین‌ودوراندیش ثبت شده‌است.

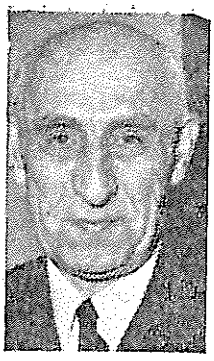
یکی‌ازشرایط توفیق وبهره برداری ازنهضت‌های ملی‌آن است که سران نهضت تاپایان بهره‌برداری ازنهضت باهم‌متحد ومتفق باشند وازآغازکاربواسطهٔ عدم‌تجانس فکری وغیره مانند وصلهٔ ناجوربشمارنیایند زیرا همین ناجوربودن آنهاسبب میگردد که ازاواسط نهضت تفرقه بین‌آنها افتاده ومخالفین نهضت از آن‌سوء استفاده نمایند.

اکنون باید دید رهبران نهضت ملی نفت ایران ازکدام یك از دو دستهٔ فوق بوده‌اند . اگر خواننده را عقیده برین است کـه رهبران نهضت در تهییج احساسات توانائی بسیار داشته و فقط بآن اکتفاکردند آنوقت علت‌عدم توفیق‌کامل آنهارازود درك خواهدکرد و اگر بعکس برای رهبران مزبور هردو صفت را قـائل بوده ـ یعنی هم تهییج احساسات و هم سیاستمداری و خردمندی ـ آنوقت باید دلایل‌دیگری را برای عدم کامیابی آنها جستجوکرد . بهرحال بهترین و ساده‌ترین راهی که بنظر میرسد این است که جریان ملی شدن نفت را بطور اختصار مرورکرده وسپس‌قضاوت کند و درین فصل اظهارات وتصمیمات مهمی که درجریان ملی‌شدن نفت اتخاذ شد نقل میگردد تا خواننده بتواند از روی استنباط خود قضاوت نماید .

بخش دوم ـ اطمینان بعاقبت کار

در تاریخ ۲۶ آذر ۱۳۲۹ دکتر مصدق نطقی در مجلس ایرادکرد (مکی بواسطهٔ کسالت دکترمصدق نطق اوراخوانده است) که جملات زیرازآن‌نقل‌شده‌است:

« اما حقیقت این است که کشور ایران دچار هیچگونه ضرر اقتصادی و ارزی هم در اثر ملی کردن صنعت‌نفت‌نخواهدشد زیرااگر فرض‌کنیم که ایرانیان بجای ۳۰ ملیون‌تن استخراجی شرکت درسال ۱۹۵۰ فقط ده ملیون تن استخراج کنند و برای هرتن که شرکت یك لیره خرج میکند دو لیره مصرف نمایند بازهم براساس فروش هرتن پنج لیره (که قیمت فرضی خلیج فـارس خواهد بود) دولت ایران ۳۰ ملیون لیره عایدی خواهد داشت و حال آنکه با استخراج سی‌ملیون تن درسال۱۹۵۰وطبق



دکتر محمد مصدق

اظهار وزیردارائی عایدی‌دولت ایران حداکثر ۲۵ ملیون لیره خواهد گردیدوتازه‌هم۲۰ملیون‌تن باقی مانده که‌صد ملیون‌ارزش داردذخیره‌خواهد ماند تا فرزندان آتیهٔ ایران‌بتوانند از آن‌بنفع خود بهره بهرداری نمایند.محاسن‌و برتریهای دیگری که اهمیت سیاسی‌دارد و با ملی کردن‌صنعت‌نفت تأمین‌خواهدشد این‌است که (۱)-دولت وملت‌ازاعمال‌نفوذ هائی که شرکت ودولت انگلیس معمول داشته وشمه‌ای‌ازآنرا درجلسهٔ‌یکشنبه۱۲ آذرماه ۱۳۲۹ بعرض‌مجلس شورای‌ملی‌رسانیدم مصون‌خواهدماند. (۲) -سایر کشورهاهم بهانه‌ای‌برای تقاضای‌این‌قبیل امتیازات که‌بااستقلال وتمامیت مملکت‌متعرض‌است نخواهند داشت وملت ایران‌خواهد توانست راه ترقی را بدون‌هیچگونه‌اعمال نفوذ و موانع خارجی درمحیط صلح وصفا به پیماید . . . . . در خاتمه برای‌اینکه نشان دهم که دراثر ملی کردن صنعت نفت هیچگونه‌مزاحمت‌سیاسی‌ممکن‌نیست برای‌ملت‌ایران‌پیش‌آمد کند جریان‌مجلس‌شورای‌ملی انگلستان راکه مستر پین کرتن راجع بملی کردن صنایع در بیرمانی از وزیر امور خارجهٔ انگلستان سئوال‌نموده است باطلاع نمایندگان محترم میرسانم . »

در جلسهٔ ۲۸ آذر ۱۳۲۹ مجلس شورای‌ملی دکتر شایگان نطقی ایراد کرد که قسمتی ازآن درزیر نقل میشود : « بعون‌الله محیط بین‌المللی هم امروز مساعد است برای اینکه این قدم مردانه را ملت ایران بردارد این‌کاررا بکنید اگر نشد گردن من را بزنید . اگر نتوانست ملت ایران این‌را اداره بکندگردن‌من‌را بزنید. غرض‌بنده‌این‌است که‌این شبهه‌هارا که برای ملت ایران ایجاد میکنند شما این قدم را بردارید. ملت‌ایران همیشه خودش را اداره‌کرده و اداره هم خواهدکرد حالا آنقدم مردانه‌راآقایان‌باید بردارید . »

درهمان‌جلسه‌محمود نریمان(یکی‌دیگرازاعضای‌جبههٔ ملی) نطقی کرده‌وچنین گفت :

« درینجا لازم‌میدانم این مطلب را بعرض آقایان نمایندگان مجلس‌شورای‌ملی برسانم که راجع بامکان بهره‌برداری از معادن نفت جنوب ازطرف دولت‌ایران‌نباید تردیدی بخود راه بدهند چه با برچیده شدن دستگاه‌کمپانی نفت جنوب طرز ادارهٔ امورکارها درین‌کشور تغییر فوری و محسوسی خواهد نمود و جریان‌کار ها بمجرای طبیعی ومطلوب خود خواهد افتاد . »

در جلسهٔ سوم دیماه ۱۳۲۹ مجلس شورای‌ملی دکتربقائی نطق مفصلی ایراد نمودکه بعضی از قسمتهای‌آن در زیر نقل میشود :

« یك سئوال دیگری.هم‌کرده بودم وآن این است‌که اگر صنعت نفت ایران بدست ملت ایران استخراج شده بود آیا باین وسعت میرسید یا خیر ؟ البته اولیای شرکت نفت و مزدوران آن اینطور وانمود میکنندکه ملت ایران خودش نمیتواند چنین‌کاری را بکند واین یك مطلب بسیار دقیق و بسیار طولانی است که‌اگر چاقو-کشهای دولت وقوای شهربانی مجالی دادند انشاءالله بتفصیل‌خواهم نوشت تا اینکه ثابت‌کنیم با وضعیت فعلی ایران و باداشتن‌مهندسین تحصیل‌کرده وکارگران‌باتجربه

باکمال سهولت وآسانی قادر هستیم که خودمان نفت خودمان را اداره بکنیم .....
با تمام این احوال ایرانی میتواند نفت خودرا استخراج کند . بااینکه انگلیسهادرین پنجاه سال اخیر نگذاشتند ایرانیها در رأس مشاغل حساس قرار بگیرند و با اینکه مانع میشدند که باصطلاح فوت و فن کاسه گری استخراج نفت را یاد بگیرند همان نبوغ و هوش فوق العادهٔ ایرانی سبب شده که حتی این کارگر های ایرانی در کار خودشان مهارت بسیار زیادی پیدا کنند و تازه بفرض محال که تخصص باندازهٔ کافی نداشته باشیم چه مانعی دارد از ممالك بیطرف متخصص استخدام میکنیم یا بالاتر ازاین چه مانعی دارد که از انگلستان استخدام بکنیم . آنکه میآید برای شرکت نفت کار می کند و حقوق میگیرد ممکن است برای ما کار بکند و حقوق بگیرد گرچه شاید بعضی از آنها حاضر نباشند بحقوق گرفتن از ما و بعضیشان راهم صلاح نیست که ما استخدام بکنیم ولی اشخاص متخصص درهمه جای دنیاودر تمام ممالك هستند. تازه یك موضوع دیگر اگرما نفت را تصفیه نکنیم چه میشود چون تمام این قسمتها واستدلالات راجع بتصفیهٔ نفت است تاآدم میگوید چی میگویندآقا این پنجاه ماده است تصفیه اش مشکل است متخصص لازم دارد ودرتمام دنیا ده نفر بیشتر راجع بنفت اطلاع ندارند وازین حرفها میزنند . ما نمیخواهیم نفتمان را تصفیه بکنیم . نفت خام میفروشیم . این هیچ چیز لازم ندارد . میدانید این چاهها بااین ترتیبی که تعبیه میشود نفط ازآنها فوران میکند. ما تصفیه نشده میفروشیم . چه مانعی دارد که ما نفت خام که خواهان بسیار هم در دنیا دارد وبطوری که گفته شد الان بسیاری ازممالك خودشان برای خودشان تصفیه خانه میسازند که نفت خام بخرند و بیاورندآنجا تصفیه کنند . بااین لوله نفت خدا داده کشتی میآید کنار بندر ده هزارتن نفت میخواهد . یکی دیکرمیآید ۳۰۰ تن نفت میخواهد . پولش را می گیریم نه تصفیه خانه میخواهد نه متخصص . چه مانعی دارد این دیگر کاری است بیرون آوردن نفت خام وفروش آن بدون تصفیه . این کاریست که هرایرانی کودن میتواند بکند ولی البته بفکر رجال باهوش ما نمیرسد وآقایان این را مطمئن باشید که ما بدون احتیاج به تصفیه خانه وبهیچ چیز میتوانیم دردنیا نفت فروشی کنیم وبشماقول میدهم که اسکله های بنادرما مثل دکانهای نانوائی - درآنموقع که تیمسار لازم داشتند - فشار باشد برای نان نه در زمان حکومت خودشان . همانجورکشتیها برای بردن نفت خواهندآمد ومن ازآن بالاترمیگویم اصلا ما نفت نداشته باشیم ویك بمب اتم بیاید وتمام منابع نفت ما را نابود بکند که ای کاش از روز اول نداشتیم . اگرما ازروز اول نفت نداشتیم اقلاً مثل افغانستان بودیم وروی پای خودمان بودیم که دیگرافغانستان نتواندآب هیرمند را ببرد وزور ازاو نشنویم . چرا اینطورشدیم؟ برای اینکه نفت داریم . برای اینکه انگلیسها میخواهند منفعت ببرند.آقایان بیائید این صنعت را ملی بکنید ولوحداکثرش را بگیریدکه این نفت نابود بشود وفرض کنید که نابود بشود ودست اینها کوتاه بشود می نشینیم وبا هم زندگی میکنیم بهمان کشاورزی خودمان میپردازیم وهمان آبادان را آباد میکنیم ..... شما بواسطهٔ ملاحظه فقط روی ملاحظه فلان سرجنبان که میگویدمصلحت نیست ما باانگلیسهادر بیفتیم میترسید.

آخرچه مصلحتی نیست ؟ کدام خلاف مصلحت است که ما بگوئیم نفت خودمان‌را میخواهیم ملی کنیم . شما مطمئن باشید روسیه‌ای که برای رد" مقاوله نامهٔ قوام - سادچیکف هیچ اظهار خصمانه‌ای نکرد اگرما قرارداد ملغای ۱۹۳۳ را درضمن ملی کردن صنایع نفت از بین ببریم ورای بدهیم من‌بشما قول میدهم آنروسیه‌ای که درآن موقع اظهارخشم‌نکرد اگرما این‌کاررا بکنیم و آنها (۱) بخواهند بما تجاوز بکنند دفاع خواهند کرد . آقایان دنیا در یك وضعیت خاصی‌است . اگر یکی ازین کشور های بزرگ ، ازین امضا کنندگان منشور ملل متفق واعلامیهٔ حقوق‌بشر،یکی ازینها بخواهند بماحمله بکنند مامیتوانیم دفاع کنیم نه اینکه خودمان زورداشته باشیم افکار عمومی دنیاپشتیبان ماست .آن کشوری که بخواهد بماحمله کند بایداعلان جنگ بدنیا بدهد . حملهٔ بایران یعنی اعلان جنك جهانی‌سوم. »

درجلسهٔ بیست و چهارم کمیسیون مخصوص نفت که بتاریخ هشتم آذرماه ۱۳۲۹ تشکیل شده بود اللهیارصالح چنین گفته بود :-

« اما راجع باینکه‌آیا ملی نمودن صنعت نفت ایران عملی میشود یانه اولا ما نباید فکر کنیم که امروزدولت انگلستان هرکاری بخواهد میتواند انجام دهد ملاحظه میفرمائید دولت شوروی بااینکه یکی اززورمند ترین دول جهان‌است و باجمعیت چین و کشورهای شرق اروپا که تحت تسلط او هستند تقریباً بنصف جمعیت دنیا حکومت میکند امروز درمقابل افکارعمومی محتاج بسازمان ملل متحد میباشد و نمایندهٔ چین کومونیست‌برای اظهارمطلب خود بشورای امنیت میرود وقتی که دولت شوروی قادر نیست هرکاری دلش میخواهد انجام دهد بطریق اولی بریتانیای کبیر که خودش یکی ازتشکیل دهندگان وطرفداران سازمان ملل‌متحد میباشد قادرنخواهدبودارادهٔ خودرا بملت ایران بر خلاف حق و انصاف تحمیل‌نماید. بطوریکه‌آقایان اطلاع دارند حتی قبل ازتشکیل سازمان ملل متحد دولت مکزیك در مقابل کشورهای‌متحد امریکا که همسایهٔ قوی مکزیك میباشد نفت خود را ازدست امریکاگرفت وآنرا ملی‌نمود منتها خسارت امریکا را داد . بنده تصدیق میکنم که شاید اهالی مکزیك نتوانسته‌اند نفت خود را بخوبی امریکائیها اداره کنند ولی این نتیجه را لااقل گرفتند که نفت مکزیك امروز دست خودشان است . بعقیدهٔ بنده هرگاه درایران نیزاختیارنفت دردست خود ایرانیان باشد ولوتمام چاه‌های نفت ماراکد بماند بهتراست ازینکه دولت انگلستان سیل لیره بطرف کشورما سرازیر نماید ولی‌آن لیره هارا برای فساد ملت ایران و خرابی‌دستگاه‌حاکمهٔ‌ما بکاربرد . بنابرین‌هدف‌ماایرانیها باید این باشد که بهرقیمتی تمام شود سایهٔ شوم شرکت نفت را ازسرایران برداریم وخودمان را از دست‌آن ها خلاص کنیم وتصورنفرمائید هرگاه ما این‌کاررا بکنیم انگلیسها کشتی جنگی‌خواهند آورد وقشون پیاده خواهندکرد . ما میتوانیم ازهمین متخصصین انگلیسی که الان در نفت جنوب کارمیکنند یااشخاص بیکار دیگر که درانگلستان یاکشورهای دیگر هستند متخصصینی‌را استخدام نمائیم‌وبتدریج نفت‌خودمان‌را استخراج وباهمان کشتیهای حامل

(۱) مقصود انگلیسهااست

نفت آنرا بیازارخارجه بفروشیم.»[۱]

درجلسهٔ بیست وششم کمیسیون نفت مورخهٔ ۹-۱۱-۲۹عبدالرحمن فرامرزی چنین گفته بود :-

« راجع بملی بودن نفت که جناب آقای قشقائی پیشنهاد کردند حقیقت این است که اینجا نشسته‌ایم ممکن است یك تصمیمی بگیریم که در وضع مملکت تأثیر عظیمی داشته باشد وحتماً تأثیرعظیمی دارد یامثلا اعلان میکنیم که صنعت‌نفت ملی بشود واین تصمیم را می گیریم واین امرعملی‌است ومیشود وآن‌روز روز عید ملی‌ماست یااینکه تصمیم می گیریم وبعد هم نمیتوانیم وازعهده برنمیآئیم وکارهای ما میخوابد این‌کاررا سرسری‌نمیشود گرفت‌و در حیات ما تأثیر خیلی عظیم دارد من هنوز راجع بملی شدن صنعت نفت چیزی درست حالی‌ام نشده که این را میتوانیم ملی بکنیم یا نمیتوانیم ؟ استدعائی که من دارم این است که روی احساسات قطعی نرویم وزیاد فکربکنیم‌اگر آقایان معتقدند که این‌کار عملی‌است بما ثابت کنند وما قبول میکنیم واگرعملی‌نیست این را بهانه قرار بدهیم برای اینکه یك پول زیادی بگیریم .... جناب آقای دکتر مصدق فرمایشی راجع باصلاحات کردند که نحوی عملی بشود که ما محصول نفت را بگیریم وخرج اصلاحات کنیم البته این‌بسیارصحیح است ولی‌آنچه ما میترسیم این‌است که این محصول فعلی هم ازبین برود والا اگرما میدانستیم که باید باطریق دیگری جز باشرکت نفت این مسئله را حل بکنیم چه بهتر بود ..... در خصوص نامه‌ای که که مرقوم فرمودید درصورتی که ما بدانیم دولت‌ایران میتواند اداره بکند ولوآنکه فعلا منافع ما کمتر باشد بنده خودم حاضرهستم که زیر بیرق شما سینه بزنم که باید صنعت نفت ملی بشود . اگردولت بگوید که میتوانم اداره بکنم تا دوملیون کمترش هم راضی میشویم (درین‌جا دکترمصدق گفته است ، استدعا میکنم تاپنجاه درصدکمتر ازعایدات فعلی‌هم بما بدهند راضی بشوید .) آنچه بنده شخصاً میترسم این است که پوست کنده بگویم که ما نتوانیم اداره کنیم یعنی من ازآن میترسم همین حالتی‌را که درکارخانه ها ومعادن ماست درآنجا هم جاری بشود یعنی مجبور بشویم که ما وضع یك مالیاتی بکنیم که ازآن مالیات صرف ادارهٔ آن بکنیم.»[۲]

درهمان جلسه حسین مکی درجواب فرامرزی چنین گفته بود :-

« آقای فرامرزی فرمودند ممکن است استخراج این منابع نفتی ازبین برود. دنیای امروز سی‌ملیون تن نفت‌را نمیتواند ازجای دیگراستخراج بکند الان یك‌منبعی وجود ندارد که سی‌ملیون تن نفت را استخراج بکند مجبورهستند اگرتنی پنجاه لیره هم شده پول بدهند وما استخراج بکنیم . این یك رقم عمده‌ای است که دنیا نمیتواند ازآن صرفنظر بکند .آنهامجبورهستند حتی مهندسین مجانی هم باختیاردولت ایران بگذارند برای اینکه بتوانند بازار دنیا را اداره بکنند پس منابع نفتی ما نه تنها

---

(۱) صورت مذاکرات کمیسیون مخصوص نفت مجلس‌شورای‌ملی‌صفحه ۳۳۳-۳۴۲ از دوره اول.

(۲) صورت مذاکرات کمیسیون مخصوص نفت مجلس‌شورای‌ملی دورهٔ دوم وسوم صفحات۳۶و۳۷ و ۴۴ و ۴۵ .

نخواهد خوابید بلکه همه نوع کمکی دنیا بما خواهد کرد. فرانسه-سوئیس - ایتالیا و حتی امریکا احتیاج دارد. شصت‌درصد ازاستخراج مواد نفتی‌را خود امریکامصرف میکندواما ما نمیخواهیم که این نفت را ترشی بیندازیم درحدود هفت ملیون‌تن تنها بحریهٔ انکلیس احتیاج دارد وما حاضریم باقیمت عادله بخود آنها بفروشیم و همین مهندسینی که الان بکار مشغولند استخدام میکنیم[۱] .... بنده عرایضم راجع بملی شدن صنعت نفت بادلیل ورقم همه را روی‌کاغذ ارائه میدهم.»[۲]

ودر همان جلسه دکترمصدق در جواب فرامرزی چنین گفته بود :

« بنده صدی صد اطمینان میدهم که این نفت از چاه بیرون خواهد آمد و احتیاج طرف مقابل سبب بیرون آوردن نفت از چاه میشود . »[۳]

درجلسهٔ سی و پنجم کمیسیون نفت مورخهٔ چهاردهم اسفند ۱۳۲۹ حسین مکی چنین گفته بود :

« بنده بار ها عرض کردم که سی‌ملیون‌تن استخراج از لحاظ قوهٔ تولید نفت در دنیا یك رقم کوچکی نیست و مکرر عرض کرده‌ام که شصت درصد نفت دنیا را امریکا مصرف میکند . ما هرروزیکه خواستیم نفتمان را اداره بکنیم تمام کشور ها از لحاظ فابریکا سیون و تعادل دنیا بهم نخورد بنفت ما احتیاج دارندومیخرندوحتی حاضرند متخصصین مجانی هم دراختیار ما بگذارند . »[۴]

درجلسهٔ سی و ششم کمیسیون نفت بتاریخ شانزدهم اسفند ۱۳۲۹ دکتر مصدق نامه‌ای را که بکمیسیون مزبور درجواب نامهٔ نخست‌وزیروقت نوشته بود خواند که ضمن آن چنین گفته بود :

« البته برخلاف آنچه که آقای نخست‌وزیر بمنظور نگران‌ساختن‌اذهان‌عمومی نسبت بخواستهٔ ملت ایران یعنی « ملی‌شدن صنعت‌نفت درسراسر ایران»اظهارمیدارند جبههٔ ملی با عدهٔ زیادی از کارشناسان فنی و قضائی واقتصادی‌که اطلاعات خود را از روی نهایت عشق واخلاص دراختیار جبهه گذارده اند در تماس دائم بوده و با نهایت دقت تمام اطراف و جوانب‌کاررا مطالعه و با اطمینان‌کامل پیشنهاد خودرا که مورد قبول قاطبهٔ ملت ایران واقع شده است تقدیم نموده و از نظر سیاسی هم با سابقهٔ ممتدی‌که اکثریت باتفاق افراد جبههٔ‌ملی درامور سیاسی دارند وصلاحیت‌آنان درین زمینه بمراتب از افراد دست نشانده‌ای‌که بنام وزارت‌امورخارجه ولی بااعمال نظر خاص آقای نخست وزیر انتخاب شده واظهارات نفرت‌انگیزی نموده‌اند بیشتر باین نتیجه قطعیه رسیده اندکه تنها ملی‌کردن صنعت‌نفت‌درسراسرایران ازهرجهت

---

(۱) بی مناسبت نیست اگر گفته شود که در همان سال اولی‌که نفت ایران‌ملی‌شد محصول‌کویت از هفده‌ملیون‌تن سال‌پیش به ۳۷ ملیون تن ترقی داده شد - محصول عراق از ۷ملیون‌تن به۱۵ ملیون‌تن رسید و محصول عربستان سعودی از ۳۶ ملیون‌تن به۴۹ ملیون‌تن افزایش یافت (۲) صورت مذاکرات کمیسیون مخصوص نفت دورهٔ دوم وسوم صفحهٔ ۲۸و ۲۹ (۳) ازهمان‌صورت‌مذاکرات صفحهٔ ۳۶ (۴) از همان صورت‌مذاکرات‌صفحهٔ۱۷۷

بنفع ملت‌ایران است و هیچگونه خطری با اعمال‌آن متوجه منافع اقتصادی‌یاسیاسی یا اخلاقی کشور ایران نخواهدگردید . . . . . ملت‌ایران مطمئن است که نه‌تنها فروش این مقدار نفت با توجه به نیازمندی دنیا برای او مقدور است بلکه میتواند در همان سال اول ملی‌شدن صنعت نفت بیش ازینها بدنیا بفروشد و میزان عوایدخودرا بالا ببرد . . . . . ملت ایران حاضراست برای تشویق‌شرکتها وترستهای‌نفت با خرید نفت ما که هرتن‌کمتر از یك‌لیره تمام ودر خلیج‌فارس‌پنج‌لیره دادوستدمیشودبین یك‌الی دولیره تخفیف داده وآنرا درحدود هرتن سه تا چهار لیره بفروش رساند و باین ترتیب با فروش نفت بیشتری که بحد اکثر ثلث استخراج‌فعلی شرکت نفت خواهد شد همین عواید ارزی را برای خود تأمین‌کند و نگذاردشرکت آنرا تاراج نماید . »[۱]

از بیانات رسمی زعمای جبههٔ ملی که درفوق بتفصیل ذکر شد آشکار است که هیچیك ازآنها اطلاع‌کافی دربارهٔ تجارت بین‌المللی نفت وطرز فروش و توزیع آن نداشته و تصور میکردندکه احتیاج دنیا بنفت ایران باندازه‌ای است که خریداران‌با کشتیهای خود بساحل ایران آمده و با منت زیاد نفت را خریده وقیمت‌آنراخواهند پرداخت . چنانکه معلوم است آنها آگاه نبودندکه بدون وسائل حمل‌ونقل وتوزیع و دستگاه فروش و بازارهای متعدد، فروش نفت در دنیـای امروز مقدور نیست و ضمناً متوجه نبودندکه قسمت اعظم وسایل مزبور دراختیارشرکتهای بزرك‌هفتگانه‌ای است که معروف به کارتل نفت میباشد (و شرح عملیات آنها دربخش نهم از فصل دوم این کتاب شرح داده شده است) . آنانیکه بامور نفت اندك آشنائی داشتند از اول میدانستندکه اعضای‌کارتل بقدری با یکدیگر روابط نزدیك دارند وقرارداد هائی‌که بین‌آنها منعقد شده باندازه‌ای آنها را باهم مرتبط ساخته‌کـه ممکن نبود برای خاطر ما شرکت نفت ایران وانگلیس را رها نمایند و شرکتهای دیگرهم‌که عضوکارتل نبودند وسائطووسایل‌لازم وکافی‌رابرای‌فروش وتوزیع نفت نداشتندکـه داوطلب خرید نفت ما بشوند . از همهٔ این‌هاگذشته‌کارتل بین‌المللی نفت باآن‌قدرت عظیمی‌که حاصل‌کرده است هیچگاه اجازه نمیدادکـه نفت ایران ببهای ارزانتری (چنانکه زعمای جبههٔ‌ملی درنظرداشتند) دربازار های جهان‌آمده ولطمه‌ای‌به‌تجارت آن وارد سازد. در قسمت سیاسی حساب‌زعمای جبههٔ‌ملی درست بود ووضع بین‌المللی اجازهٔ این‌را نمیدادکه دولت انگلستان بحمایت شرکت نفت بر خاسته و بسبك قرن نوزدهم و روشهای استعماری تجاوزی بایران نماید ولی در قسمتهای اقتصادی و بازرگانی جبههٔ‌ملی مشاورین مطلع و آزموده‌ای نداشت‌که مطلب را واضح سازدو آنانیکه ادعای اطلاع میکردند از وضع فروش نفت بی‌خبر بودند چنانکـه بعد هـا معلوم‌گشت .

---

(۱) صورت‌مذاکرات‌کمیسیون مخصوص نفت مجلس‌شورای‌ملی (دوره دوم‌وسوم) صفحات۱۹۷و۱۹۸ و ۲۰۲ و ۲۰۳

بخش سوم - مذاکرات باهیئت اعزامی از طرف شرکت

پس از آنکه قانون اجرای ملی شدن نفت در تاریخ دهم اردیبهشت ۱۳۳۰ بتصویب مجلسین رسید ودکترمصدق زمام امور را بدست گرفت شرکت نفت ایران و انگلیس ودولت انگلستان اعتراضات شدیدی بدولت ایران کرده وقانون ملی شدن نفت را نقض یکطرفی قرارداد ۱۹۳۳ قلمداد کردند. هربرت ماریسون[1] وزیرخارجهٔ دولت کارگری انگلستان توسط سفیرایران درلندن پیامی برای دکترمصدق فرستاد و تقاضا کرد که اقدامی ازطرف دولت ایران نشود تامذاکرات بین دولت ایران وشرکت نفت دوباره شروع گردد وراه حلی برای فیصلهٔ کار پیدا شود. دکترمصدق درجواب پیامی فرستاده وپس ازابرازعلاقه به‌تشیید مبانی مودت بین دولتین اظهارداشت که ملت ایران میخواهد ازحق حاکمیت ملی خود استفاده کند وجزاجرای قانون ملی شدن صنایع نفت مقصودی ندارد واضافه کرد که پس ازتشکیل هیئت مختلط که درقانون مقررشده است ازشرکت نفت برای ترتیب کار واجرای قانون دعوت بعمل خواهدآمد.

روز بعد ازارسال جواب پیام وزیرخارجهٔ انگلستان یعنی درتاریخ ۱۷ اردیبهشت ۱۳۳۰ نمایندهٔ شرکت نفت درتهران طبق موادقرارداد ۱۹۳۳ تقاضای ارجاع اختلاف را بداوری کرد وداور شرکت را نیزمعرفی نمود. درتاریخ ۲۸ اردی بهشت دولت امریکا بیانیه‌ای راجع بنفت ایران درواشنگتن منتشر کرد ودرآن اظهارداشت که نگرانی عمیقی دربارهٔ اختلاف بین دولتین ایران وانگلیس پیدا کرده و بطرفین توصیه نمود که اختلاف خود را بطریق دوستانه وازراه مذاکرات حل نمایند و ضمناً اظهارداشت که شرکتهای نفت امریکا بدولت خود اظهار داشته‌اندکه نظر باقدام یك جانبه‌ای که دولت ایران برعلیه شرکت نفت ایران وانگلیس کرده آنها مایل نیستندکه بهره‌برداری ازمعادن نفت ایران را برعهده گیرند. همان روز تذکاریه‌ای ازطرف دولت انگلیس بدولت ایران تسلیم شدکه معتبربودن قرارداد ۱۹۳۳ را مجدداً تذکر داده واظهارداشته بودکه دولت انگلیس حاضر است فوراً هیئتی را بتهران اعزام دارد تانسبت بشرایط قرارداد جدیدی مذاکره نماید و درخاتمه متذکر شده بودکه امتناع دولت ایران از آغازمذاکره وهراقدامی ازطرف آن برای اجرای قانون اخیربروابط دوستانهٔ طرفین لطمهٔ شدید وارد خواهد نمود وعواقب بسیاروخیمی را دربرخواهد داشت.

در تاریخ ۲۹ اردی بهشت وزارت دارائی جوابی بنامهٔ نمایندهٔ شرکت مورخهٔ ۱۷ اردی‌بهشت داده ودرآن گفته بودکه ملی کردن صنایع ناشی از حق حاکمیت ملل است وقرارداد های خصوصی برفرض آنکه صحت آنهاهم محرز باشد نمیتواند ازاجرای این حق که مبتنی براصول مسلمهٔ حقوق بین‌المللی است ممانعت کند و امر ملی کردن صنعت نفت قابل‌ارجاع بحکمیت نیست وضمناً ازشرکت نفت‌دعوت نمودکه برای‌ترتیب کار واجراء قانون مزبورفوراً نمایندگان خود را معرفی نماید.

---

(۱) Herbert Morrison

درتاریخ ۳۰ اردیبهشت‌هم دولت ایران بدولت امریکا تذکاریه‌ای فرستاد و گفت که بیانیهٔ دولت امریکا راجع بنفت ایران درمحافل مربوطهٔ ایران تأثیرات غیرمنتظر ونامطلوبی ایجاد کرده‌است وصلاح اندیشی دوستانهٔ یك دولت خارجی بهرعنوان‌وعبارتی باشد جزمداخلهٔ دراموردا‌خلی بچیزدیگری نمیتواند تلقی‌شود وتقاضانمود که درینمورد مانند سابق روش بیطرفانه و دوستانهٔ خود را ازدست ندهد .

درتاریخ ۳۰خرداد ۱۳۳۰ دکترمصدق مصاحبهٔ مطبوعاتی باخبرنگاران جراید داخلی وخارجی داشت و بآنها چنین گفت :-

« برای نجات ملت ایران که بعقیدهٔ من مقدمهٔ لازم برای نجات دنیا از جنگ سوم‌جهانی‌است باید باین‌اوضاع اسف بارخاتمه داد. اینجانب وهمکاران‌من ورجال دلسوز مملکت چارهٔ این بیچارگی‌ها را درفراهم‌آوردن سرمایهٔ کافی و صرف آن در بهبود حال عموم و بالا بردن سطح زندگی مردم این مملکت میدانند . سرمایهٔ کافی بیکی ازاین دوراه ممکن است فراهم شود یا بوسیلهٔ قرضه ازخارج یا بوسیلهٔ عوائد ملی که مهمترین‌آنها عایدات سرشارنفت جنوب است . اما از حیث استقراض خارجی تاکنون مذاکرات چندین سالهٔ ما بنتیجه نرسیده‌است وحال‌آنکه عایدات نفت مال ماست واحدی نمیتواند حق ما را انکارکند . از عوائد نفت میتوانیم تمام احتیاجات خود را رفع کنیم وبفقروجهل و بیماری ملیون‌ها مردم زحمتکش این‌مملکت خاتمه دهیم وبعلاوه باکوتاه کردن دست شرکت سابق نفت‌کانون انتریك وفساد ومداخله در امور داخلی ما بهم میخورد وایادی شرکت سابق نفت که درتمام شئون ما مداخلات نا روا مینمایند قطع خواهد شد وباین ترتیب استقلال اقتصادی وسیاسی‌ما تأمین خواهدگردید .... مخالفین مخصوصاً عمال شرکت سابق نفت میخواهند دردنیا عمل ملی‌شدن صنعت نفت‌را بعنوان مصادره اموال غیرقلمدادکنند وحال آنکه هرگز دولت ایران در صدد مصادره کردن اموال کسی نبوده است . دولت ایران عمل صنعت نفت را میخواهد خود بعهده گیرد وشرکت سابق نفت جزتحویل مال بصاحب مال چاره‌ای ندارد.البته‌اگرشرکت‌سابق دعاوی حقه‌ای داشته باشد دولت وملت‌ایران هیچوقت ازاحقاق حق هیچکس روگردان نبوده ونخواهد بود وپس از رسیدگی حق هرکس را خواهد پرداخت و بهمین دلیل است که در مادهٔ دوم قانون اجراء ملی شدن صنعت نفت برای دعاوی احتمالی شرکت ۲۵درصد عایدات‌جاری نفت بعنوان‌وثیقه تعیین گردیده که دربانك مرضی‌الطرفین بودیعه گذاشته‌شود. دیگراینکه‌ایادی‌شرکت‌سابق‌دردنیاانتشارداده‌اند که‌دولت ایران میخواهد مؤسسات نفت را من‌غیرحق اشغال کند ومتخصصین را جواب گوید وناچار باین ترتیب دستگاه نفت تعطیل یامتوقف خواهدشد . این‌ادعاکذب محض ومحض کذب است زیرا دولت‌ایران بانهایت حزم واحتیاط بخلع‌ید شرکت نفت‌اقدام خواهد کرد وابداً اقدامی بعمل نخواهدآورد که درصنعت نفت کوچکترین وقفه‌ای حاصل شود و نیز درنظرندارد متخصصین فنی را ازشرکت بیرون کند . »

نقل قسمتهای مهم مصاحبهٔ فوق که روز بعد در سراسر جهان منتشرگشت برای

این است که معلوم دارد دولت دکترمصدق درآغازکارهدف اصلی واساسی‌خودرا بهبود وضع اقتصادی کشور قرارداده بود . دقت دربیانات فوق واضح میدارد که درآنوقت دکترمصدق تنهاراه نجات کشوررا تحصیل عایدات بیشتر وصرف آن دربالا بردن سطح زندگی مردم میدانسته ونظرواقعی او این بوده است که صنعت نفت بکار خود ادامه داده ودرآمد آن که مهمترین عایدات کشور بود افزایش یابد . درآنموقع بهیچوجه صحبتهائی مانند «اقتصاد بدون نفت» دربین نبود وبعکس تمام امیدواریها روی ادامهٔ کار وبدست‌آوردن عایدی بیشتروبهبود وضع عمومی بوده است .

درتاریخ ٦خرداد سفارت انگلیس نامه‌ای بوزارت خارجهٔ ایران نگاشته واطلاع دادکه چون دولت ایران تقاضای شرکت نفت را در بارهٔ ارجاع قضیه بحکمیت رد کرده است دولت انگلستان خود را ناگزیر دیده که ازدیوان بین‌المللی لاهه تقاضا نماید رأی دهندکه دولت ایران بسبب اختلاف خود باشرکت نفت تعهد قانونی برای رجوع بحکمیت دارد وباضافه رای دهندکه دولت ایران حق تغییر امتیازنامه را ولو اینکه ازطریق وضع قانون باشد ندارد مگر ازطریق توافق با شرکت . و درهمان تاریخ تلگرافی از دیوان دادگستری بین‌المللی بوزارت خارجهٔ ایران مخابره شده و اطلاع داده بودکه چنین تقاضائی ازطرف دولت انگلستان واصل شده است .

درتاریخ ۹ خرداد وزارت دارائی نامه‌ای بنمایندهٔ شرکت نفت درتهران ارسال و اطلاع دادکه برای اجرای مادهٔ دوم قانون اجرای ملی شدن صنعت نفت و ادارهٔ موقت شرکت ملی نفت ایران هیئتی مرکب از سه نفر بعنوان هیئت مدیرهٔ موقت از طرف دولت انتخاب شده که بخوزستان اعزام میشوند وهیئت مزبور دارای کلیهٔ اختیارات لازمه برای ادارهٔ امور شرکت خواهد بود و ضمن نامهٔ مزبورگفته شده بودکه: « ازآنجاکه دولت میل دارد این امر مهم ملی درکمال صحت و اتقان انجام گیرد وازتجارب واطلاعات شرکت سابق نفت استفاده کند اگر پیشنهادهائی ازطرف شما بشودکه با اصل ملی شدن مباینت نداشته باشد دولت پیشنهاد ها را مورد توجه قرارخواهد داد . »

درتاریخ‌دهم‌خرداد مسترترومن رئیس جمهورامریکا پیامی بدکترمصدق فرستاده ونگرانی شدید دولت امریکا را دربارهٔ اختلاف بین‌ایران و انگلستان اظهار و چنین گفته بود :«من‌معتقدم که دولت‌ایران‌ودولت‌انگلستان هردو مایلند وعلاقه واشتیاق دارند ترتیبی بدهند که این مقاصد انجام شود . این مسئله روشن است که اجرای مقاصد فقط درصورتی ممکن است که دولت ایران حاضر شود همهٔ مسائل معوقهٔ مورد اختلاف را بانمایندگان بریتانیای کبیر مورد مذاکره قرار دهند بدون اینکه مذاکرات را صرفاً بجزئیات فنی محدود سازند . جداً و صمیمانه امیدوارم در مجاهدتی که دولت ایران برای اجرای برنامهٔ ملی کردن مینماید این اقدام را بوسیلهٔ مذاکرات دوستانه بعمل آورد . »

درتاریخ۱۲خرداد شرکت نفت‌آمادگی‌خود را برای‌مذاکره بادولت ایران اعلام وبوزارت دارائی اطلاع‌دادکه بزودی‌نمایندگان آن ازلندن به‌تهران خواهند آمد .

درتاریخ ۲۰ خرداد دکترمصدق جوابی به پیام مسترترومن رئیس‌جمهورامریکا داد که نکات برجستهٔ آن بقرار زیر بود :

« افتخار دارم ازوصول پیام گرامی که بوسیلهٔ جناب سفیر کبیر آنحضرت ارسال شده بود خالصانه تشکر نمایم . ملت ودولت ایران همواره کشور های متحد امریکا را دوست صمیمی وخیرخواه میدانند وباین دوستی مستظهرند . درخصوص ملی‌شدن صنعت نفت درایران اطمینان داشته باشید که دولت ومجلسین ایران‌هم مانندآن حضرت علاقمند هستند که ازین‌تصمیم ملی کوچکترین‌لطمه‌ای بممالکی که تاکنون‌ازآن‌استفاده کرده‌اند وارد نیاید لکن ازینکه نگرانی دولت کشور های متحده را بیان فرموده‌اید چنین استنباط میشود که مطلب کاملا برآن حضرت روشن نیست وبنابرین اجازه میخواهم از فرصت استفاده نموده‌شمه‌ای ازسوابق‌قضیه واقداماتی که اکنون‌درجریان‌است باستحضار برسانم . سالهاست که دولت شاهنشاهی‌ایران ازرفتار شرکت‌سابق نفت‌ایران وانگلیس ناراضی بوده است واگر دوستدار بخواهم تعدیات آن شرکت را شرح بدهم باذکر سوابق ومدارك متقن روشن نمایم که حساب این مؤسسه باحقیقت مطابقت نداشت ودر حساب‌ظاهری هم سهمی که برای ملت‌ایران یعنی‌برای صاحب ومالك معادن نفت منظور میداشتند بقدری ناچیز بود که هرمنصفی را تحریك میکند موجب تصدیع خاطر محترم خواهد شد وازحوصلهٔ این پیام خارج‌است . ملت ایران این‌اوضاع را سالها تحمل کرد و نتیجهٔ آن فقر و پریشانی هولناکی است که اکنون گریبان ما را گرفته است لیکن ادامهٔ این بردباری با اوضاعی که جنگ بین‌المللی دوم درکشور ما ببارآورده است امکان‌نداشت.... ازآنحضرت انصاف میخواهم آیاملت بردبارایران که باتحمل این‌شدایدومحرومیتهای یأس‌آور تاکنون توانسته است درمقابل تبلیغات قوی وانقلابی‌ایستادگی کرده واسباب زحمت دنیارا فراهم نیاورد قابل تحسین وتقدیرهست یانیست ؟ وآیا جز ملی کردن صنایع نفت برای استفاده ازثروت خدا داد وخاتمه دادن بکار یك شرکت بی انصاف چارهٔ دیگری داشته است ؟ اکنون که مختصری از علل تصمیم ملی کردن صنعت نفت درایران باستحضار رسید هرگاه بمتن قانون توجه فرمایند تصدیق خواهند فرمود که مجلسین ایران در وضع این قانون از جادهٔ حق و عدالت بهیچوجه منحرف نشده‌اند . این قانون بطوریکه مکرر ازپشت تریبون مجلسین ودرطی مصاحبه هااعلام گردیده مصادره وتصاحب اموال‌را تجویز نکرده بلکه برعکس‌تأدیهٔ غرامات وخسارات احتمالی‌را پیش‌بینی‌و تأمین نموده است‌وازطرف دیگر بادامهٔ معاملات نفت باممالکی که تاکنون‌ازمنابع ایران‌استفاده نموده‌اندتوجه‌خاص‌نموده‌ونظرمشتریان‌سابق راصریحاً تأمین کرده‌است...راجع بعمل‌خلع‌یدوتصفیهٔ‌حساب باشرکت سابق که برطبق‌مقررات قانون مصوب مجلسین باید بعمل بیایدچون‌یك امرداخلی ایران‌است البته‌تصدیق می‌فرمائید که‌دولت جزبا نمایندگان‌شرکت سابق نمیتواندبادیگری داخل‌مذاکره شود.دولت انگلیس‌وقتی می‌تواندااظهار نگرانی نماید که ایران در اجراء قانون ملی کردن صنعت نفت نسبت بشرکت سابق ازحدود حق‌وقانون تجاوز کند واطمینان داشته‌باشید که چنین تجاوزی

نخواهد شد .ماهمیشه ساعی خواهیم بود که روابط دوستی خود رابادولت انگلستان حفظ کنیم وهرگونه نگرانی که آن دولت ازمسئلهٔ رسیدن نفت ایران بنیازمندی های انگلستان برطبق قانون داشته باشد رفع نمائیم وبااین ترتیب دیگر هیچ موجبی برای ادامهٔ نگرانی های دولت وملت انگلستان درروابط خودبادولت وملت ایران باقی نخواهدماند .»

روز بعد پیامی دکتر مصدق بدانشجویان ایرانی مقیم خارج از کشور فرستاده ودر آن هم مطالب بالارا تکرار وضمناً چنین گفته بود :

«دولت ایران برای عملی کردن این مقاصد حاضر است که برطبق قوانین فوق الاشعار بااولیای شرکت نفت واردمذاکره بشود ودر راه حل هر نوع مشکلات بکوشد وآنچه درعهده دارد برای حل مسالمت آمیز قضیه وآرزوی تمام ملل بخصوص مورد توضیح خاص حضرت رئیس جمهوری ممالک متحده امریکاست سعی وهمکاری نماید .»

درتاریخ ۲۰ خرداد هیئت مدیرهٔ موقت مأمور اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت مرکب ازمهندس بازرگان ودکتر علی آبادی ومهندس بیات دفتر خود رادرعمارت مرکزی شرکت درخرمشهر مستقرساخت واعلامیه ای صادر کرده اظهارداشت که کارشناسان وکارمندان وکارگران ایرانی خارجی شرکت کماکان بخدمت خود باقی وازاین تاریخ ببعد مستخدم شرکت ملی نفت ایران شناخته میشوند .درهمان روزهم هیئت نمایندگان اعزامی شرکت نفت بریاست مستر جاکسن[۱] برای مذاکره بادولت بتهران واردشدند .



مستر جاکسن

درتاریخ ۲۲ خرداد سفیر کبیر انگلستان درتهران ضمن مصاحبه ای باخبر نگاران انگلیسی و امریکائی اظهار داشت:اخیراً طی ملاقاتی که باآقای دکتر مصدق نخست وزیر بعمل آورده خاطر نشان ساخته ام تبلیغاتی که فعلادر ایران علیه خارجی ها شروع شده است احتمالا درآبادان اوضاعی را بوجود خواهد آورد که نتایج وخیمی دربر داشته باشد. دولت انگلستان همان طورکه بکرات اعلام نموده دولت ایران را مسئول مال و جان اتباع خارجی درایران میداند ومسلماً مأمور حفظ آن ها ارتش شاهنشاهی میباشد مع الوصف ما نیز برای جلوگیری از حوادث غیر مترقبه اقدامات احتیاطی بعمل آورده ایم وفعلا درآبهای اطراف خلیج فارس سه رزمناو ویك ناوشکن انگلیسی متوقف هستند .

---

(۱) B. R. Jackson درآن وقت معاون هیئت مدیرهٔ شرکت نفت ایران وانگلیس بود واز فروردین ۱۳۳۵ ریاست هیئت مدیره شرکت مزبور راعهده دارخواهدشد. باتفاق او سه نفر دیگر از مدیران شرکت هم جزو هیئت مزبور بایران آمده بودند .

در تاریخ ۲۵ خرداد دکتر مصدق نویسنده را احضار کرده اظهار داشت که : بسیارعلاقمند است قانون ملی شدن صنعت نفت بمسالمت وباموافقت شرکت نفت بموقع اجرا گذارده شود و چون شما (یعنی نویسنده) سوابق ممتدی در شرکت نفت داشته وبارؤسای آن آشنائی دارید تقاضا دارم نهایت سعی و کوشش را بنمائید که حضرات بانظریات دولت توافق نموده وبطرزشایسته‌ای قانون اجرا گردد .

نظر به سابقه وآشنائی دیرینه‌ای که بین دکتر مصدق و نویسنده موجود بود بحث مفصلی درین ملاقات پیش‌آمد که ازدوساعت تجاوزکرد وخلاصهٔ آن را در زیر نقل میکنم : —

پس ازتمجید وتحسین ازجدیت ایشان درراه استیفای حق‌ایران وتذکراینکه‌اگر واقع بینی درنظرگرفته شود توفیق‌کامل حاصل خواهد شد وتعهد باینکه آنچه مقدور و درخور توانائی من هست اقدام خواهم کرد که مدیران شرکت بعمق نهضت و شدت احساسات مردم پی برده ونظریات دولت‌را بپذیرند ازایشان سئوال کردم که‌اگرتوافقی باشرکت‌حاصل‌نشدواختلاف‌نظرزیادبود چه اندیشیده‌اند و به چه‌قسم میخواهند که‌نفت را بفروش‌رسانند؟ایشان‌درجواب گفتند که‌احتیاج‌دنیابنفت‌ایران‌بحدی زیاداست که‌اگرتوافقی باشرکت حاصل نشد دیگران بانهایت سهولت‌آنرا خواهند خرید واندك نگرانی ازین بابت دربین نیست . من تاحدی که ممکن بود مشکلات فروش نفت وقدرت عظیم کارتل و احتیاج بوسائل حمل ونقل دریائی و ضرورت داشتن دستگاه توزیع نفت را برای ایشان‌شرح‌دادم وگفتم که درصورت فقدان‌وسایل مزبور باید دست‌کم بندوبستی بایکی ازشرکتهای بزرگ نفت‌داشت تابتوان نفت ایران‌را بفروش رساند . ضمناً توجه ایشان را به مسائل زیرمعطوف داشتم : —

اعتقاد باینکه درجهٔ احتیاج ونیازمندیهای انگلیسها بنفت ایران باندازه‌ای است که بدون کشمکش ومبارزه حاضرخواهند شد که مانند مشتریان عادی وبدون هیچگونه دخالتی نفت مارا خریده وصادر نمایند چندان بنظرصحیح نمیآید زیرا قضیهٔ نفت تنها یك‌معاملهٔ سادهٔ بازرگانی‌نیست ونفت خاورمیانه باندازه‌ای مرتبط با مسائل استراتژی وحیات اقتصادی دول ذیعلاقه میباشد که انگلستان برای‌اینکه انگشتی درین‌حلوا داشته باشد حتی ازمبارزهٔ علنی باایران هم خودداری نخواهد کرد . درسابق تمام پنج‌انگشت آن درین نفت بوده ومنافع هنگفتی برده وبصاحب اصلی آنهم سهم عادلانه‌ای نداده است ولی اکنون حاضرشده است چند انگشت خود را خارج نماید و ملی شدن را هم تصدیق کند وکلیهٔ دارائی شرکت نفت را هم تحت شرایطی بدولت ایران واگذارکند ولی میخواهد بقیهٔ انگشتهای خود را درین ظرف حلوا نگاهدارد وبدون هیچ تردیدی آنچه درقوه دارد برای تأمین‌مقصود خود بکارخواهدبرد . اگر شرکت نفت ازمحصول نفت ایران محروم‌گردد از حیث تحصیل نفت خام درمضیقه نخواهد بود زیرا بامختصر جدیتی میتواند محصول نفت‌کویت و عراق را افـزایش داده و درمدت‌کمی کسر عمل بازرگانی خود را جبران نماید . معادن جدید نفت هم‌اکنون دربصره کشف شده است که باجدیت زیادکوشش میکنند خطوط لوله‌ای بین‌بصره و«فاو» درخلیج فارس کشیده

ونفت معادن مزبوررا بیازار بیاورند . درناحیهٔ «قطر» واقع درساحل عربستان بمیزان استخراج افزوده‌اند وخط لولهٔ بزرگی که جدیداً ازمعادن نفت موصل بسوریه درساحل مدیترانه میسازند نزدیك باتمام است که آنهم موجب افزایش عمدهٔ محصول معادن مزبور خواهدبود. شرکت نفت درتمام معادن مزبورسهیم میباشد ودراندك مدتی احتیاجات نفت خام خود را تأمین خواهد کرد ولی ازحیث پالایشگاه آبادان ضربت بزرگی برای آن خواهد بود . این قسمت هم موقتی خواهد بود وشاید چندسالی بیش طول نکشد زیرا شرکتهای بزرگ نفت من‌جمله شرکت نفت ایران وانگلیس مشغول ساختن پالایشگاه‌های متعددی دراروپا میباشند . همه کس تصدیق میکند که امروز وضع بین‌المللی بانگلستان اجازه نخواهد داد که با عملیات نظامی خـود ایران را ازپای درآورد زیرا همه میدانند که اگرمبادرت بعملیات نظامی شود روسها هم بهانه پیدا کرده ودرشمال عملیات مشابهی خواهندکرد وموازنهٔ سیاست واقتصاد و استراتژی خاورمیانه بهم خواهد ریخت . ازین گذشته امریکا هم مانع بزرگی برای این‌کار خواهد بود و افکار عمومی دنیا هم دیگر چنین رویه های پوسیده را نمی‌پسندد . لکن انگلستان جنگ اقتصادی را شروع خواهد نمود وچون استطاعت آن ازما زیادتراست عواقب خوبی برای ما نخواهد داشت . یقین بدانید که کارمندان انگلیسی خدمت شرکت ملی نفت را قبول نخواهندکرد و صادرات نفت ما قطع خواهد شد وانگلستان بهروسیله‌ای که بتواند از فروش نفت ما جلوگیری خواهدکرد . اگرکسانی باشند که تصورکنند امریکای سرمایه‌دار ـ امریکائی که منافع عظیمی درنفت‌خاورمیانه دارد ـ امریکائی که شرکتهای نفت آن نفوذ بسیاری دردستگاه حکومت خود دارند انگلستان را رهاکرده وجانب ما را خواهدگرفت سخت دراشتباه هستند. بنظربنده باید واقع بین‌بود وتمام اطراف کاررا باید ملاحظه کرد .

ضمناً درین ملاقات مندرجات نامه‌ای را که چندی پیش بایشان نوشته وراه حلی را که منطبق باقانون اجرای ملی شدن نفت بود پیشنهادکرده بودم شرح دادم . مفاد نامهٔ مذکور بقرار زیربود :

۱ـ شرکت نفت کرمانشاه که عملیاتش شامل معدن نفت شاه و پالایشگاه شهر کرمانشاه است بایران واگذارگردد .

۲ـ کلیهٔ تأسیسات پخش درسرتاسرایران بایران واگذارگردد .

۳ـ کلیهٔ معادن نفت جنوب بانضمام خطوط لوله و تمام تأسیسات مربـوط باستخراج وهمچنین تأسیسات بندرمعشورکه فقط اختصاص بصدورنفت خام دارد بایران واگذارگردد .

٤ـ تأسیسات مندرجه دربند سوم را میتوان درحال‌حاضربوسیلهٔ مهندسین‌ایرانی واروپائیانی که ازطرف شرکت ملی نفت استخدام خواهند شد اداره کرد ولی‌استخدام یك هیئت عالی فنی برای سرپرستی از عملیات کلی مربوط باستخراج وکشف معـادن جدید و تنظیم برنامهٔ حفاری و غیره ضرورت دارد . این هیئت را ازدوطریق میتوان

استخدام نمود . اول اینکه شرکت ملی نفت اعضای آنرا مستقیماً استخدام نماید وعملیات را تحت نظر آن قرار دهد . دوم اینکه قرارداد فنی باشرکتی منعقد نماید که چنین هیئتی را درمقابل مبلغ معینی بایران اعزام و مسئول حسن عمل آن باشد . کنترات مزبور را میتوان برای مدت کوتاهی منعقد نمود تا آنکه شرکت ملی نفت طی آن مدت ایرانیان را برای عهده‌دار شدن وظایف هیئت مزبور تربیت ومجهز نماید . چون ممکن است خریداران نفت متعذر باین شوند که اگرعمل استخراج بطرز صحیح فنی انجام نگیرد شرکت ملی نفت قادر بتحویل نفت دراوقات معین نخواهد بود اشکالی نخواهد داشت که هیئت مزبور بامشورت خریداران نفت استخدام شود تارفع این محظور بگردد .

۵ــ درقسمت پالایشگاه آبادان مشکلات زیادتراست واداره آنرا بسه‌طریق میتوان انجام داد: (الف) بطورامانی که ازطرف یك شرکت فنی خارجی بخرج دولت اداره شود . (ب) بطرز اجاره که پالایشگاه بشرکتی برای مدت محدودی اجاره داده شودودرمقابل آن مال‌الاجاره‌ای بدولت بپردازد. (ج) که بنظرمن بهترین شقوق میباشد این است که شرکت ملی نفت یك شرکت فرعی تشکیل دهد که عهده دار کلیهٔ امورآبادان و پالایشگاه باشد . اکثریت اعضای هیئت مدیرهٔ شرکت فرعی مزبورایرانی خواهندبود ولی عده‌ای هم خارجی درآن عضویت خواهد داشت ورئیس هیئت مدیره هم باید حتماً ایرانی باشد . پس از تعیین میزان غرامتی که باید بشرکت نفت ایران وانگلیس پرداخت شرکت مزبور بهمان میزان دراین شرکت فرعی سهم خواهد داشت مشروط برینکه ازنصف سهام کمتر باشد (بسته به چانه زدن وتعیین نحوهٔ غرامت) ودرهیئت مدیره هم بهمان تناسب عضوخواهد داشت . مثلاً اگر بتوان کاری کرد که ۷۵ درصد سهام متعلق بشرکت ملی نفت و بقیه دردست شرکت خارجی باشد معاملهٔ مناسبی خواهد بود . و برای اینکه این مشارکت یك عمل دائمی نباشد قراری باید گذاشت که هرسال قسمتی ازسود سهام شرکت ملی نفت اختصاص به باز خرید سهام شرکت نفت ایران و انگلیس داده شود تا بتدریج درطی چند سال کلیهٔ سهام متعلق بشرکت ملی نفت گردد .

فوائد راه حل فوق بقرار زیراست :

۱ــ عمل استخراج وپخش بی‌درنگ بتصرف دولت درخواهدآمد .

۲ــ فقط درقسمت پالایشگاه یك شرکت خارجی اقلیت سهام را خواهد داشت که جلو تمام بهانه های آنها را خواهدگرفت وضمناً قضیهٔ غرامت را حل خواهدکرد و از معلومات فنی آنها هم استفاده کامل خواهد شد .

۳ــ پیشنهاد فوق هیچگونه مغایرتی باقانون ملی شدن نفت نخواهد داشت زیرا کنترول تمام کارهای صنعت نفت ازابتدای کاربدست دولت ایران خواهد بود و انتخاب هیئت عالی فنی برای سرپرستی استخراج نفت بامشورت خریداران ومشارکت آنها در امر پالایشگاه که هردو موقتی خواهد بود فورمول و طریقهٔ حلی است که راه اعتراض آنها را مسدود خواهدکرد . علاوه برین پرداخت فوری غرامت درکارنخواهدآمدواز منافع آینده بتدریج تأدیه خواهد شد .

چنانکه در بالا گفته شد پیشنهاد فوق را کتباً در تاریخ ۱۸ خرداد برای نخست‌وزیر فرستاده بودم و ضمن ملاقات هم بآن اشاره کرده و توضیحاتی دادم.

پس از اظهار مطالب فوق دیدم که ایشان با احاطهٔ کاملی که بمسائل سیاسی روز دارند از قضیهٔ معضل فروش نفت و انحصار بازار های جهان بدست کارتل بین‌المللی نفت بی‌خبر میباشند و توجهی باین نکتهٔ مهم ندارند و استنباط کردم که مشاورین ایشان هم دقت لازم را درین باب نکرده و امکانات را بهیچوجه درنظر نگرفته‌اند. وضع آنروز وغلیان احساسات و قدرت فوق‌العادهٔ ایشان مانع ازین بود که توجهی بمطالب من بنمایند و پس از خروج از خانهٔ ایشان بسیار متأثر شدم که چنین شخصی مشاورین وارد بکار و مطلعی ندارد که اورا از حقایق امر آگاه سازند و تهییج احساسات عمومی هم باندازه‌ای شدید شده که اگر کسی اندك اظهار نظری کند که بوی انتقاد از آن بیاید دچار اتهامات گوناگون خواهد شد. شرح این ملاقات را در یادداشت های روزانهٔ خود ثبت کرده‌ام واکنون که بآن مراجعه میکنم بیش از پیش متأثر میشوم که چرا امکانات درنظر گرفته نشد و بگفته های بیغرضان توجهی نکردند و اظهارات کارشناسان خلق‌الساعه نفت موجب وقایع بعدی گردید. بهرحال درخاتمهٔ این ملاقات چندبار تأکید کردم که از هیئت اعزامی شرکت حداکثر استفاده را میتوان نمود زیرا افکار عامه در انگلستان با رویهٔ گذشتهٔ شرکت توافقی ندارد و صلاح اندیشی کردم که مذاکرات با هیئت مزبور را طولانی و دامنه‌دار بنمایند تا مقصود ومنظور دولت حاصل گردد و مخصوصاً از ایشان استدعا کردم که امکانات را درنظر گرفته و سیاست واقع بینی را منظور بدارند.

درجلسه‌ای که روز ۲۸ خرداد بین نمایندگان دولت و هیئت اعزامی ازطرف شرکت نفت منعقد گردید پیشنهاد زیر ازطرف نمایندگان شرکت تقدیم گردید و در فاصلهٔ کمی در همان جلسه بدون بحث مفصل ازطرف دولت رد گردید. پیشنهاد مزبور بقرار زیر بود:-

« دریادداشتی که جناب آقای وزیر دارائی روز هشتم خرداد بنمایندهٔ عمدهٔ شرکت در تهران تسلیم نمودند بشرکت اطلاع داده شده بود که دولت شاهنشاهی ایران مایل است از تجارب واطلاعات شرکت استفاده نماید وحاضر است پیشنهادی را که شرکت تقدیم کند مورد توجه قرار دهد مشروط برینکه منافی با اصل ملی شدن نفت نباشد. اینك شرکت میخواهد بلادرنگ پیشنهاد مثبتی که جنبهٔ موقت دارد تقدیم نموده بدینوسیله ثابت کند که مایل است هرچه زودتر یك ترتیب عملی داده شود که طبق آن دولت بتواند از تجربهٔ شرکت استفاده نماید. بنابرین هیئت نمایندگی ازطرف شرکت اجازه دارد مبلغ ده‌ملیون لیره دراختیار دولت بگذارد. این مبلغ مساعده‌ای خواهد بود از بابت وجوهی که درنتیجهٔ موافقت نهائی بین دولت وشرکت طلب دولت خواهد بود و بااین تفاهم پرداخت میشود که دولت تعهد نماید مادام که مذاکرات در جریان است مانع عملیات شرکت نشود. همچنین ما حاضرهستیم از ماه ژوییه ببعد هرماه مبلغ سه ملیون لیره تا وقتیکه ترتیبی مقرر شود بدولت بپردازیم. درجلسهٔ قبل اینجانب اظهار کردم

که ما باحفظ کامل کلیهٔ حقوق خود بسیار مایل هستیم که بوسیلهٔ مذاکره باآقایان محترم طریقهٔ رضایت‌بخشی پیدا کنیم که حسن ارادهٔ صنعت‌را تأمین نموده و با اصل ملی شدن هم منطبق باشد. بنظر شرکت چنین میرسد که ممکن است براساس طرحی مشتمل بر کلیات زیر ترتیبی داده شود. دارائی ایرانی شرکت بیك شرکت ملی نفت‌ایران منتقل گردیده وشرکت مزبور در ازای این واگذاری حق استفاده از دارائی مزبوررا به شرکت جدیدی که ازطرف شرکت سهامی نفت انگلیس وایران تأسیس میشود تفویض خواهد نمود . شرکت جدید عده‌ای مدیر ایرانی در هیئت مدیرهٔ خود خواهد داشت و ازطرف شرکت‌ملی نفت ایران عمل خواهدکرد . عملیات پخش درایران بشرکتی منتقل خواهد شدکه مالکیت وادارهٔ آن‌کاملا ایرانی باشد وانتقال دارائی موجودبآن‌شرکت طبق شرایط مساعدی انجام خواهدگرفت . شرح فوق فقط کلیات طرز عملی است که امکان‌پذیر میباشد وشرکت آنرا بعنوان یکقدم مثبت در راه پیداکردن‌اساس‌مذاکره پیشنهاد مینماید . ما نکاتی را که جناب آقای وزیر دارائی در جلسهٔ ۲۳ خردادبیان فرمودند مورد توجه کامل قرار داده‌ایم . اگر در مفهوم خود اشتباه نکرده باشیم پیشنهاد جناب ایشان این بودکه از تاریخ ۲۹ اسفند شرکت بایستی مجموع درآمد فروش نفت ایران را (منهای هزینه) بدولت تحویل دهدکه بیست و پنج درصدآن‌در بانك مرضی‌الطرفینی برای پرداخت مطالبات احتمالی شرکت تودیع گردد . ما یك چنین پیشنهادی را نمی توانیم قبول کنیم . هیئت برای مذاکره بایران آمده است و بعقیدهٔ ما عنوان یك چنین تقاضائی از طرف دولت ایران قبل از اینکه مذاکرات‌حتی شروع هم شده باشد عمل غیر موجهی است . بعلاوه ما اطمینان داریم که وقتی ما در ضمن مذاکرات آینده طرز جریان و ادارهٔ کار خود را با تفصیل بیشتری برای آقایان توضیح دادیم آقایان با ما هم عقیده خواهند شدکه یك چنین تقاضائی نه از لحاظ تجارتی ممکن و نه برای هیچ شرکت نفتی قابل قبول است.[۱]

نکتهٔ جالب دقت در بارهٔ یادداشت مزبور این بودکه اولا پیشنهاد فوق جنبهٔ موقت را داشت و ثانیاً چنانکه تذکر داده شده بود فقط قدمی در راه پیدا کردن اساس مذاکرات آینده بود . روز بعد سفیرکبیر امریکا این نکته را ضمن نامهٔ خود به نخست وزیر تذکر دادکه متن‌آن بقرار زیر است :

« لازم میداند از فرصت استفاده کرده از نقطهٔ نظر رعایت منافع‌ایران‌مطالبی را که روزگذشته در ملاقات و مذاکرات خویش اظهار داشته‌ام تکرار نمایم بدین معنی که جنابعالی و مشاورینتان توجه بیشتری نسبت به پیشنهاد های اخیر انگلستان مبذول داشته تا در نتیجه از قطع رشتهٔ مذاکرات فعلی بین دولت شما و نمایندگان شرکت نفت خودداری شود . بنظر اینجانب پیشنهاد های اخیر بریتانیا از نقطهٔ نظر اصل ملی کردن نفت اساسی برای اجرای مقاصد و تقاضا های دولت ایران میباشد . »[۲]

۱ــ نقل از صورت مذاکرات مجلس شورای‌ملی (دوره شانزدهم)

۲ــ نقل ازکتاب « اسناد نفت »

روز ۲۹ خرداد وزیر خارجهٔ انگلیس نطقی در مجلس مبعوثان کرده و پس‌از ذکر پیشنهاد های شرکت چنین اظهار داشت : « درین پیشنهاد از پرداخت پول برای رفع احتیاج ضروری ایران و همچنین قبول اصلی ملی شدن نفت و نیز مشارکت بطرز ثمربخش پیش بینی شده است و دولت انگلستان معتقد است که کلیهٔ مردمان منصف پیشنهاد های شرکت‌را منصفانه و منطقی تلقی مینمایند لکن متأسفانه هیئت نمایندگی ایران فقط نیم ساعت وقت برای بررسی پیشنهاد مزبور صرف کرده و اعلام داشت که پیشنهاد شرکت با قانون ملی شدن صنعت نفت مباینت دارد . رئیس‌هیئت‌نمایندگی شرکت در پاسخ اظهار داشت حتی اگر پیشنهاد شرکت منطبق با قانون‌ملی شدن نمیباشد بااصل ملی شدن که تطبیق مینماید و بلاشك با تفسیر منصفانهٔ قانون جور در میآید . از فحوای کلام هیئت نمایندگی ایران اینطور استنباط میشد که‌انتظار داشتند نمایندگان شرکت بدون بحث و گفتگو کاملاً تسلیم نظر آنها بشوند و با کمال تأسف ملاحظه شد که تصمیم ایرانیها برین بود که مذاکرات قطع شود.»

روز ۳۰ خرداد نخست وزیر گزارشی در مجلس خوانده و متن پیشنهاد شرکت را باطلاع نمایندگان رساند و گفت چون پیشنهاد مزبور کاملاً با قوانین راجع بملی شدن مباینت داشت ردگردید و واضح‌است که دولت در مذاکره با نمایندگان شرکت بوظیفه قانونی خود عمل کرده واکنون باید مستقلاً اجراء تام وتمام قانون را بپایان برساند و در خاتمهٔ بیانات خود تقاضای رأی اعتماد کرد که از ۹۳ نفر عدهٔ حاضر به اکثریت ۹۱ رأی موافق بدولت دکترمصدق رأی اعتماد داده شد .

روز ۲۹ خرداد تصمیماتی از طرف دولت و هیئت مختلط بشرح زیر اتخاذ گردید :

« ۱ ـ تصمیمات و دستور های هیئت مدیره یا مدیر عامل شرکت سابق نفت ازین‌ببعد قابل اجرا نیست مگراینکه آن تصمیمات ودستورها بامضای هیئت‌مدیرهٔ‌موقت شرکت ملی نفت ایران نیز رسیده باشد .

۲ ـ مأمورینی برای خلع ید در قسمت نفت شاه و تصفیه خانهٔ غرب تعیین شدند (کرمانشاه) .

۳ـمأمورینی برای قسمت های‌مختلف شرکت‌سابق نفت در مرکز و فروشگاه‌ها انتخاب شدند.

٤ ـ دستور داده شد که ادارهٔ اطلاعات شرکت سابق نفت منحل شود .

٥ ـ دستور داده شد که در همه جا نام شرکت‌سابق بنام شرکت‌ملی نفت‌ایران تبدیل گردد .

٦ ـ عواید فروش نفت ازین ببعد در همه جا باید فقط بشعبات بانك ملی ایران بحساب شرکت نفت ملی ایران گذاشته شود و در صورت نبودن شعبهٔ بانك بصندوق دارائی محل تحویل گردد . »

ساعت ده بعداز ظهر روز ۲۹ خرداد نخست وزیر پیامی از رادیو بمردم ایران

فرستاد که پس‌از شرحی دربارهٔ نهضت ملی‌شدن نفت چنین گفت :

« شرکت سابق در جواب اخطار خلع‌ید که ازطرف دولت ایران باو ابلاغ‌شد اظهار داشت که پیشنهاد هائی در زمینهٔ قانون ملی شدن صنعت‌نفت دارد و نمایندگان خودرا برای بیان مطلب بتهران اعزام میدارد . دولت شاهنشاهی با حسن نیت کامل ورود آن هیئت و حتی تمدیدی را که خواسته بودند پذیرفت ولی دیشب پس‌ازآنکه پرده از روی پیشنهاد های آنها برداشته شد معلوم‌گردید که زبان ما را نخواسته‌اند بفهمند . من مکرر چه در مجلس وچه دریادداشتها و بیانیه‌ها ومصاحبه ها اعلام‌کرده بودم که بهیچوجه دراجرای قانونی که مظهر آرزو و ارادهٔ ملت ایران است نمیتوانم قصور ومسامحه بکار برم. گویا نمایندگان شرکت این حقیقت‌را ندیده‌گرفته‌اند وراه ادامهٔ مذاکرات را برما بستند . بنابرین برای اینکه اجرای قانون ادامه پیدا کند و تأخیر ووقفه‌ای درکار روی ندهد صبح امروز باتصویب‌کمیسیون مختلط و هیئت دولت تصمیمات لازمه اتخاذ شد ودستور دادم عملیات اجرائی ادامه داده شود . »

روز ۳۰ خرداد هیئت‌مدیرهٔ موقت شرکت ملی نفت ایران اعلامیه‌ای درخرمشهر صادر نموده واظهار داشت که (الف) بموجب امر دولت‌کلیهٔ‌کارکنان شرکت اعم از ایرانی وخارجی مستخدم شرکت‌ملی نفت ایران شناخته میشوند وکلیه حقوق ومزایای آنها مانند سابق ازطرف شرکت ملی نفت ایران پرداخته خواهد شد . (ب) با اینکه از طرف هیئت مدیره شرکت‌ملی نفت ایران هیچگونه ممانعتی برای صدور مواد نفتی نمیشود وفقط اخذ رسید ازکشتیهائی که نفت تحویل میگیرند مطالبه شده است کشتیها از دادن رسید امتناع میکنند و میخواهند نفت ایران را بدون هیچگونه سندی ببرند لذا هیئت‌مدیره تصمیم گرفته‌است‌هر کشتی که ازدادن‌قبض‌بطور مطلق خودداری کند حق حرکت ندارد .

روزچهارم تیرماه ۱۳۳۰ وزیرخارجهٔ‌انگلستان درمجلس مبعوثان‌انگلیس بیاناتی بشرح زیر نمود :

« من باید بنمایندگان اطلاع دهم که پیش‌آمد های اخیر درقضیهٔ نفت‌ایران‌خیلی ناگوار و جدی است . هیئت‌مدیرهٔ موقت اصرار داشته که‌تمام‌کشتیهای نفتکش که‌برای بارگیری بآبادان میآیند باید رسیدی حاکی از تصدیق اینکه نفت متعلق بشرکت ملی نفت ایران است امضا نمایند و بکشتیهائی که ازامضای این رسید استنکاف کنند یا بخواهند مطلبی بمنظور حفظ حقوق قانونی شرکت نفت اضافه‌کنند از طرف‌گمرك اجازهٔ حرکت داده نخواهد شد . . . . . کوشش نمایندگان شرکت‌درتعدیل این روش بجائی نرسیده‌است بنابرین شرکت باموافقت دولت انگلستان بتمام‌کشتی‌های نفتکش دستور داده است که ازآبادان خارج شوند وحتی اگر لازم باشد نفتی‌را هم که بارگیری کرده‌اند تخلیه نمایند. پیش‌آمد نامطلوب‌دیگر این‌است که درتاریخ ۳۰ خرداد لایحه‌ای بمجلس ایران تسلیم شد حاکی ازینکه هرکس نسبت بعملیات مربوط بنفت قصد سوئی داشته باشد و بخرابکاری از قبیل قطع لولهٔ نفت یا از کار انداختن

بالایشگاه یا وسائل نقلیه دست زند در محاکم نظامی دادرسی شده و بمجازاتهائی تامجازات اعدام محکوم خواهد شد . این لایحه هنوز درمجلس تصویب نشده است .

اگر این لایحه بصورت قانون درآید دولت ایران گناه هر حادثه‌ای را در مناطق نفت خیز که ازعدم شایستگی یا دخالت دیگران پیش آید برگردن کارمندان شرکت خواهد انداخت وآنها را بدادگاه های نظامی‌خواهد کشاند ودر نتیجه‌کارمندان شرکت در موقعیت غیر قابل تحملی قرار خواهندگرفت . هم‌اکنون هیئت مدیرهٔ موقت کاغذی به مستردریك[1] رئیس شرکت نوشته وگفته است عمل وی درجلوگیری ازامضای رسید ازطرف ناخدایان کشتی‌صادرات نفت‌را فلج‌میکند وازین‌نظر این‌عمل خرابکاری‌محسوب میشود . بادرنظرگرفتن این اتهام بی‌اساس و اولتیماتومی‌که بوی داده شده‌که امور شرکت را بشرکت ملی نفت ایران تحویل بدهد باموافقت دولت‌انگلستان بمستردریك دستورداده شدکه به بصره برود و درآنجا همچنان ریاست امور شرکت را در ایران و عراق در دست بگیرد ..... بلاشك ممکن است وضع وخیمی درجنوب ایران پیش‌آید که مسئولیت‌آن برعهدهٔ دولت ایران خواهد بود . نخست وزیر ایران ودولت وی باید بدانندکه برطبق قوانین بین‌المللی مسئول حفظ جان و مال اتباع انگلیس در ایـران میباشند واگرنتوانند این وظیفه را انجام دهند دولت‌انگلستان خودآنرا بعهده خواهد گرفت وبرای انجام این‌منظور وسائل‌لازم را بکارخواهد برد . مجلس میتواند مطمئن باشدکه ما تهیهٔ این‌کار را دیده‌ایم و میتوانیم سریعاً اقدام کنیم . البته مجلس انتظار نخواهد داشت‌که چگونگی این امر را بتفصیل شرح دهم ولی من میتوانم بنمایندگان اطلاع دهم‌که به رزمناو «موریشوس»[2] فرمان داده شده است‌که فوراً به حومهٔ آبادان عزیمت نماید . ما هنوزهم مانند همیشه حاضریم در بارهٔ حل دوستانه موضوع عملیات آیندهٔ شرکت نفت بادولت ایران مذاکره‌کنیم . بعقیدهٔ ما تنها راه ادامهٔ صادرات نفت ایران ببازارهای دنیا حل این موضوع میباشد وجای بسی تأسف است اگردولت ایران دست باقداماتی زندکه نتیجهٔ غیرمطلوبی برای سعادت‌آیندهٔ کشور ایران بارآورد.»

نطق فوق صراحت داشت‌که اگردولت ایران درحفظ جان و مال اتباع انگلیس غفلتی نماید دولت انگلستان خود بدینکاراقدام خواهد نمود و جملات آخرنطق حاکی ازین بودکه انگلستان تصمیم دارد ازصدورنفت ایران جلوگیری‌کند مگرآنکه توافقی راجع بدعاوی شرکت نفت بدست آید . آژانسهای خارجی هم خبر میدادندکه عده‌ای سرباز چترباز انگلیسی بپایگاههای نظامی انگلیس درخاورمیانه اعزام شده و برعدهٔ ناوگان جنگی انگلیس درخلیج فارس هم افزوده شده است .

درهمان روزی‌که وزیرخارجهٔ انگلیس نطق‌فوق‌را ایرادکرد دکترمصدق پیامی بکارمندان وکارگران خارجی شرکت نفت درجنوب فرستاد وگفت : «ازقراریکه شنیده میشود صحبت استعفای دست جمعی‌آقایان بمیان‌آمده‌است درصورتیکه هیچگونه مجوزی

---

(۱) A . E . C - Drake درسال ۱۳۲۹ بریاست کل شرکت درایران منصوب‌گردید .

(۲) Mauritius

برای این‌کار نیست و چنین اقدامی نه فقط برای دولت شاهنشاهی ایران مستلزم ضرر است بلکه برای دول مصرف کنندهٔ نفت ایران هم متضمن ضرر هنگفت خواهد بود . آقایان باید بدانند که برخلاف شایعات تحریك آمیز هیچگونه نگرانی نسبت بمال وجان ورفاه وآسایش شما قابل تصور نیست اگرشما بخواهید با صداقت و خیرخواهی فعالیت مثمرخودرا درکار نفت ادامه دهید البته کشورما شمارا بانهایت گرمی مانند اینکه درخانهٔ خودتان هستید خواهد پذیرفت.»[۱]

چند روز پیش از نطق وزیرخارجهٔ انگلیس یعنی روز اول تیر ۱۳۳۰ روزنامهٔ تایمزلندن سرمقالهٔ مفصلی راجع بایران چاپ کرد که سیاست انگلستان را تشریح کرده بود وجملاتی‌چند ازآن درزیرنقل میشود :-

« تااندازه‌ای که میتوان قضاوت نمود همهٔ نمایندگان مجلس مبعوثان معتقدند که درصورت لزوم باید بوسیلهٔ قشون جان‌کارمندان انگلیسی که درشرکت نفت‌کار میکنند حفظ نمود ونیزعقیدهٔ اکثریت نمایندگان و همچنین دولت برین است که نباید باعجله وشتاب‌آبادان را تخلیه کرد بلکه تاممکن است باید کارمندان فنی‌انگلیس را درآبادان نگاهداشت تا شاید روزی دولت ایران رویهٔ مناسبی پیش گیرد . لکن باید اذعان نمود که هرقدرتوقف کارمندان مزبور درآنجا طولانی‌ترشود خطرحملهٔ بآنها زیادتر خواهد بود ..... منافع انگلستان را درایران و سایرنقاط فقط درصورتی میتوان حفظ نمود که قوه‌ای برای حفظ آن موجود باشد واگرچنین نیروئی موجود نیست تنها راه این‌است که قراردادهائی منعقد نمود که مقبول وبنفع طرفین باشد . انتقادی که ازدولت حاضر میشود این‌است که پس‌ازاستقلال هندوستان وپاکستان ومخالفتهای مصر وسایرتغییراتی که رویداده وموجب تضعیف وضع دولت انگلیس در خاورمیانه شده است چرا دولت بفوریت درصدد این برنیامد قراردادی با ایران منعقد نماید که حفظ آن زور و نیرو نخواهد ؟ وانتقاد عمده‌ای که ازدولت امریکا میشود این است که پس ازآنکه شرکت نفت قرارداد جدیدی را پیشنهاد کرد چرا دولت مزبور بانفوذ و قدرتی که داشت از پشتیبانی آن خودداری نمود ؟ اکنون که فرصت ازدست رفته وامید به حل عادلانهٔ قضیهٔ منتفی شده است باید یکی ازدوراه را انتخاب کرد بدین معنی که یاهرچه دولت ایران میگوید باید قبول کرد و یا آنکه متوسل بزور شده و از پایمال شدن حقوق ما جلوگیری نمود . لکن نیرو را نمی‌توان گاه‌گاه بکار برد بلکه باید بطرز مداوم و مستمر و متکی بواقعیات استعمال نمود . این اشتباه است اگر ادعا شود که بااعزام یك لشکر چتر باز همه کارها را میتوان در ایران اصلاح کرد زیرا اگر قرار باشد که لشکر مزبور بطور موقت آنجا باشد و پشت سر آنهم قوای دیگری اعزام نشود بهتر این است که متوسل بقوه نشویم . اعزام سربازان انگلیسی را ایرانیان یك عمل خصمانه ای تلقی خواهند کرد و نتیجه‌اش این خواهد شد که یا حکومت فعلی سقوط کرده و

---

(۱) ازکتاب «اسناد نفت» صفحه ۱۶۸ .

یك دولت توده‌ای (کمونیستی) روی کار خواهد آمد و یـا ایرانیان دست پیش را گرفته و مندرجات پیمان ایران و شوروی منعقده در سال ۱۹۲۱ را بکمك خود بر میانگیزند. مادهٔ شش پیمان مزبور میگوید که اگر دولت ایران نتواند از دخالت مسلحانهٔ دولت دیگری جلوگیری کند شوروی حق خواهد داشت کـه بایران قشون آورده و بعملیات نظامی که برای دفاع ایران لازم است مبادرت نماید. البته احتمال نمیرود که چنین قدمی منتهی به زد و خورد با روسها و جنك سوم جهانی شود ولـی واضح است که اگر روسها شمال ایران را اشغال کردند انگلستان ناچار است کـه باپشتیبانی دول‌غرب جنوب ایران را اشغال نماید و درنتیجه یك مرز تازه وخطرناکی ایجاد خواهد گشت . . . . . دولت حـاضر اشتباهات بسیاری درین قضیه نفت مرتکب شده است که مهمترین آن فقدان مآل اندیشی بود و درین اشتباه شرکت هم دخیل بوده است. دولت همیشه تردید داشته است که آیـا با دولت ایران وارد مذاکره شود یا صبر نماید تا دولت بهتری در ایران روی کار آمده و باآن‌مذاکره نماید. دولت در بارهٔ قبولی اصل ملی شدن خیلی دیر تصمیم گرفت. پیشنهاد شرکت هم دیر بدولت ایران تسلیم شد و پس از تسلیم هم توضیحات کافی در بارهٔ آن داده نشد. باید گفت که عذر های دولت موجه نیست ولی بـا همه این مراتب عزم دولت در انتخاب راه مذاکره برای حل قضیه و امتناع از بکار بردن قوه ـ با معرفت باینکه قوای موجود نتیجه مطلوب را حاصل نخواهد کرد ـ و هم چنین رویهٔ اخیر شرکت‌راه و روش خردمندانه‌ای بوده است. تصمیم راجع بآنچه در پیش است سخت تر خواهد بود چون اگر وضع ازین بدترشود دولت باید تشخیص دهد که آیا راه مؤثر دیگری غیر از تخلیه ایران موجود است یا نه؟

مجله « پترولیوم‌پرس‌سرویس»[۱] که درامور مربوط بنفت وارد است در شمارهٔ ماه ژوئن ۱۹۵۱ خود چنین نوشته بود:

« بندرت دیده شده است که عقیده‌ای اظهار و تعقیب گردد بدون اینکه عواقب آن در نظر گرفته شود و این عیناً همان کاری است که دولت ایران کرده است. روی امواج احساسات دکتر مصدق نفت ایران را ملی کرده و اکنون باید آنچه را باکمك الفاظ بیان کرده موجه ساخته و بموقع اجرا گذارد . . . . . نخست وزیر ایران هنوز برین عقیده است که تمام بدبختی هـای ایران مانند ثروتمندی یك عدهٔ معدود و فقر اکثریت مردم و بی سوادی عامه و فساد ادارات تمام ناشی از عملیات شرکت نفت میباشد و بقرار معلوم او توانائی این را ندارد که مسئولیت این معایب را بدوش وضع اجتماعی ایران و غفلتهای حکومت آن کشور بگذارد. حقیقت امر این است که دوای درد را باید در ایران جستجو کرد و اصلاح را باید از خانه خود شروع نمود. البته خیلی سهل‌تر است کـه تقصیر را بگردن بیگانگان بیاندازند زیرا چنین راه و

---

(۱) Petroleum Press Service

روشی درگذشته هم قبولیت عامه داشته و موجب شده است که عوامل مختلفی مانند هواخواهان دکتر مصدق که از دست راستیها هستند با توده‌ای های کومونیست در مخالفت با شرکت نفت همساز نماید . وقتیکه دکتر مصدق راجع بصنعت نفت صحبت میکند بیانات او راجع بصنعتی است که حتی یکدفعه‌هم چشم او بچنین دستگاهی نیفتاده و با وجود اینکه فقط چند صد میل تا تهران فاصله بیش ندارد ظاهراً هیچگاه او این صنعت را بازدید نکرده است . »

روز پنجم تیرماه وزیرخارجهٔ امریکا بیانیهٔ زیررا دربارهٔ ایران منتشر نمود :

« نگرانی من که در هفتهٔ گذشته دربارهٔ تحولات ایران اظهارنمودم باآنچه که ظرف چند روز گذشته درآنکشور بوقوع رسیده افزایش یافته است . متأسفم که اظهار دارم دولت‌ایران بطرزی‌درملی کردن‌صنعت نفت مشغول اقدام‌است که پالایشگاه بزرگ آبادان را بمتوقف شدن تهدید میکند واین‌امرعدم‌ثبات وضع ایران ومشکلات‌اقتصادی آنرا موجب گردیده وبرای مردم ایران هم اثرات سوئی دربر خواهد داشت . امریکا کراراً و علناً همدردی خود را نسبت بآمال مردم ایران برای تسلط یافتن برمنابع طبیعی خود را اظهارداشته است معهذاقویاً تأکید نموده که هرگونه تغییراتی‌درمناسبات بین دولت ایران ومؤسسات ذینفع انگلیس بایستی براساسی که موافق بامسئولیت های بین‌المللی هردو کشور باشد فراهم گردد . عقیدهٔ راسخ‌امریکا این‌است که میتوان‌اساسی را برای موافقت پیدا کرد . بنابراین ما مأیوس شدیم ازاینکه پیشنهاد آخرانگلیس بایران که اصل ملی شدن را قبول نموده ونظریات پیشنهادی مساعدی‌را نیزدربرداشت غفلةً وبدون مطالعه وتشخیص اینکه‌آیا ممکن خواهد بودآن‌پیشنهاد اساس مذاکرات بیشتری واقع گردد ازطرف دولت ایران رد شد . محیط فعلی ایران ظاهراً طوری‌است که اداره کردن دستگاه وسیع تولید و تصفیهٔ نفت را برای کارشناسان انگلیسی ویاکارشناسان هرکشوردیگری بی‌نهایت مشکل ساخته است . این‌محیط بیم وتهدید که ناشی ازاقدامات عجولانه است برای اجبار همکاری در اجرای قانون ملی کردن نفت نتیجه‌ای دربرنخواهد داشت مگراینکه روحیهٔ کارمندان وبالنتیجه تمایل‌آنهارا بماندن درایران سخت متأثرسازد . بعلاوه وقفهٔ فعلی که درمحصولات نفتی‌حاصل‌شده وابستگی این صنعت را بوسائل حمل وکشتیرانی و فروش دربازار های خارجی نشان میدهد . بدیهی است در صورتی که ترتیباتی سریعاً بعمل نیاید که حمل مجدد نفت را بکشتیهای نفتکش که حالیه متوقف شده‌اند اجازه دهد وسایل ذخیرهٔ نفت پرخواهدشد وپالایشگاه دوچار وقفه خواهدگردید . حاجت بآن نیست که نتایج و اثراتی را که این‌کار متضمن خواهد بود مورد تأکید قرار دهم . نظر بخطرات بزرگی که وضع کنونی ایران دربر دارد وبنابعلاقهٔ شدید امریکا باینکه مشاهده نماید که ملت‌ایران بدون درخطرانداختن اقتصادیات وجامعهٔ خود بآمال ملی‌خود نائل گردد قویاً امیدوارم که ایران در اقدامات کنونی‌خود تجدیدنظرنموده وطریقی را اتخاذ خواهدکرد که از مخاطرات خطی مشی فعلی احتراز وادامهٔ عمل صنعت نفت را ممکن سازد ودرصورتیکه درحال حاضرحصول

توافق بریك مساعی شایسته امکان پذیرنباشد صمیمانه‌امیدوارم پاره‌ای ترتیبات موقتی بعمل آید که بموقعیت طرفین لطمه‌ای وارد نسازد بلکه بکارشناسان انگلیسی اجازه دهد که درایران باقی بمانند ومسئلهٔ تولید وحمل‌نفت بدون وقفه ادامه یابد تااینکه بعداً ترتیبات دیگر که جنبهٔ ثابت‌تری داشته باشد فراهم گردد.»[1]

روز پنجم تیرماه دکترمصدق پیام زیررا برای رئیس‌جمهوری‌امریکا ارسال داشت:-

« نظر بعلاقه‌ای که ازطرف شخص حضرت رئیس‌جمهور نسبت بمصالح کشور ما عموماً ونسبت بمسئلهٔ نفت خصوصاً ابرازشده وحتی درتاریخ ۳ژوئن ۱۹۵۱ (۱۲خرداد ۱۳۳۰) شخصاً پیامی باینجانب فرستاده‌اند لازم میداند باردیگر باستحضارخاطرعالی برساند که دولت شاهنشاهی ایران برحسب وظیفه‌ای که از طرف مجلس شورایملی وسنا باو محول شده مکلف بود قانون ملی کردن صنعت نفت ایران‌را درسراسر کشور وطرز اجرای‌آنرا دراسرع اوقات بموقع اجرا بگذارد. بااینهمه بعلت لزوم اقدامات اولیه ازطرفی وبرای ایجاد توافق بین دولت و شرکت سابق نفت از طرف دیگرعمل اجرا بانهایت احتیاط وبتدریج‌آغاز گردید تافرصت باقی برای‌مذاکرات بین نمایندگان دولت و شرکت سابق دست دهد. دولت شاهنشاهی باکمال صداقت حاضر بود ازین فرصت حداعلای استفاده بشود. مخصوصاً براثر پیام‌آنحضرت و وساطت دوستانهٔ جناب سفیرکبیرامریکا باین موضوع توجه بیشتری معطوف داشت و باتقاضای شرکت سابق راجع بتمدید مهلت‌برای شروع‌مذاکرات موافقت‌کرد وبدین‌ترتیب یکماه ونیم ازوضع قانون‌گذشت. دولت ایران قبلاً وکراراً اعلام‌کرده بودکه درحدود قانون ملی شدن صنعت نفت وقانون طرز اجرای‌آن میتواند با نمایندگان شرکت وارد مذاکره شود و حاضراست درمسائل مختلفی نظیر موضوع خسارت محتملهٔ شرکت سابق و فروش نفت بخریداران سابق وامثال‌آن باکمال میل مذاکره نماید وازین لحاظ آمدن نمایندگان شرکت سابق نفت‌رابتهران حسن‌استقبال‌کرد ومغتنم‌شمرد ولی باکمال تأسف‌نمایندگان شرکت سابق پیشنهادهائی برخلاف قوانین ملی شدن‌صنعت نفت دادندکه دولت‌نتوانست بمذاکرات ادامه دهد. دولت شاهنشاهی چون تصمیم دارد بهرعنوان‌که باشد نگذارد دربهره‌برداری و فروش نفت بخریداران سابق حتی یك روز وقفه حاصل شود بکرات اعلام نمودکه حاضراست‌کارمندان وکارشناسان وکارگران‌خارجی‌راباهمان‌مزایا وحقوق وهمچنین حقوق تقاعد استخدام‌کند و وسائل هرگونه تشویق‌آنان را فراهم آورد و بترکیب وترتیب تأسیسات شرکت سابق دست نزند ومقررات شرکت سابق را تاآنجا که باقانون ملی شدن تناقض نداشته باشد مرعی و مجری دارد ولی بانهایت تأسف مشهود میگرددکه اولیاء شرکت سابق شروع بعملیاتی نموده‌که ناچاردرصادرات نفت وقفه خواهد نمود بدینمعنی که:

اولاً- کارمندان‌را بترك محل‌خدمت تشویق ودولت‌را باستعفای دسته‌جمعی آنان تهدید میکنند.

---

(۱) ازکتاب «اسناد نفت» صفحه ۱۷۰.

ثانیاً ـ کشتیهای حامل مواد نفتی را وادار میکنند از دادن رسید بهیئت مدیرهٔ شرکت ملی نفت خودداری نمایند . گرچه ملت ایران برای انجام مقصود خودرا برای هرگونه محرومیت آماده کرده است با اینحال تردید ندارد که خوابیدن دستگاه بهره برداری تنها بضرر ما نیست بلکه بضرر انگلستان وکلیه دولی که از محصول معادن نفت جنوب ایران استفاده میکنند تمام میشود و اولیای شرکت سابق نفت بایستی این عاقبت وخیم را متذکر باشند . بدیهی است دولت و ملت ایران با تمام قوا و وسائل ممکنه اهتمام خواهد نمود که جریان نفت قطع نشود ولی در صورتیکه در نتیجه دست از کار کشیدن دسته جمعی کارمندان انگلیسی یـا تأخیر در بارگیری حمل مواد نفتی بعلت ندادن رسید وقفه‌ای ولو بطور موقت حاصل شود موجب نهایت تـأسف است و درینصورت مسئول عواقب نامطلوب این امر رؤسای شرکت سابق نفت خواهند بود . این نکته را نیز لازم است متذکر شود کـه با وجود ابراز احساسات ملی در ایران بهیچوجه خطری نسبت بامنیت جانی ومالی اتباع انگلیس متوجه نیست وانتشار اینگونه اخبار بی اساس از طرف عمال شرکت سابق نفت بخودی خود ممکن است تولید نگرانی و ایجاد اختلال کند حال آنکه اگر شرکت سابق مطابق‌انتظار دولت ایران رفتار کند ابداً جای نگرانی نیست و دولت شاهنشـاهی کاملا بر اوضاع مسلط است . نظر باینکه بین ملتین ایران وامریکا همواره روابط دوستانه برقرار بوده و رجاء واثق هست که هیچوقت کوچکترین خللی بـاین حسن روابط وارد نشود و ملت بزرك و ارجمند امریکائی از طرفداران جدی آزادی و حاکمیت ملل شناخته شده و فداکاری هـای آن ملت نیك نهاد در دو جنگ اخیر بهترین گواه این معنی است لذا لازم دانستم خاطر آنحضرت را از جریانات اخیر مستحضر سازم و یقین دارم کـه دولتهای آزاد جهان و خصوصاً دولت دوست ما امریکا درین موضوع مهم ازمعاضدت بآمال ملی ایران خودداری نخواهند کرد . در خاتمه احترامات فائقه وادعیه خالصانه و خیرخواهانه خودرا تقدیم میدارد . ۱۷

پیام فوق طرز تفکر دکتر مصدق را در آنوقت و همچنین چند نکته مهم‌دیگر را واضح میسازد . اول آنکه دکتر مصدق حاضر نبود بغیر از قضیه غرامت و فروش نفت مذاکرهٔ دیگری با شرکت نفت بنماید و رد فوری پیشنهاد شرکت هم روی همین فکر بود. دوم اینکه او سعی داشت بدنیا وبخصوص امریکائیان بگوید که دولت ایران باعث متوقف شدن صدور نفت نبوده است زیرا در آنوقت جنك کره با شدت جریـان داشت و قسمتی از احتیاجات نفت ارتشهای غربی را ایران میداد و لذا دکتر مصدق ساعی بود نگذارد انگلیسها از متوقف شدن صدور نفت پیراهن عثمانی ساخته وافکار امریکائیان را مشوب سازند. سوم اینکه با وسائل مختلف دولت کوشش میکرد ثابت نماید که امنیت کامل برای اتباع انگلیس درایران فراهم میباشد.

---

(۱) از کتاب « اسناد نفت » ۱۷۳ـ۱۷۴

تبلیغاتی که در جراید جهان درباب فقدان امنیت درایران میشد ناشی از دوعلت بود . یکی آنکه موقع ورود نمایندگان هیئت مختلط بخوزستان یکی از آنها از روی بی‌اطلاعی و ناپختگی نطقهای بیموردی برای مردم کرد که تحریك آمیز بود و این بهانه‌ای بدست انگلیسها داد که بر علیه ایران تبلیغات نموده و اعزام چترباز و کشتی جنگی را عنوان کنند و دیگر بیم آن میرفت که عمال کومونیستی بتحریك کارگران پرداخته حادثه‌ای ایجاد کنند تا اتباع انگلیس صدمه‌ای دیده و انگلستان به بهانهٔ عدم امنیت بعملیات نظامی بپردازد و روس ها هم فرصت یافته در شمال عملیات مشابهی را انجام دهند . خوشبختانه دکتر مصدق مطلب‌را زود درك کرد ودستوراکید داد که نطقها و بیانات تحریك آمیز بفوریت موقوف شود و مردم را اندرز دهند که متانت‌وآرامش را رعایت نمایند وطرح لایحه‌ای را هم که در باب مجازات‌خرابکاران صنعت نفت بمجلس تقدیم داشته بود موقوف ساخت . ولی از همه مهم‌تر استنباط خردمندانه‌ای بود که‌کارگران وکارمندان از وضع روز کرده ودرتمام‌مدت نصایح‌دولت را پذیرفته وهیچگاه متانت را ازدست ندادند.

درهمان ایام بحث غریبی درانگلستان بین‌احزاب درگرفته‌بود وحزب محافظه‌کار علم مخالفت را برضد حزب‌کارگر برافراشته وتقاضا میکرد که قشون بایران اعزام‌شده ومنافع انگلیس را با زور طبق سنن قرنهای گذشته تأمین نماید .

روز ۲۹ خرداد مجلس مبعوثان انگلیس قضیه ایران را مطرح کرده و در باره وقایعی که درین کشور رخ داده بود بحث مفصلی درآن مجلس‌شد. مستر ایدن درخاتمهٔ یك نطق طولانی گفته بود : « بنظر من تخلیه آبادان یك عمل خطرناکی خواهدبود وبمنزلهٔ تسلیم به زور خواهدبود . دولت عمل صحیحی کرده وجنبهٔ قضائی‌آنرا بدیوان داوری لاهه رجوع کرده است . دعوا برسر این نیست که چه‌کسی مالك نفت ایران میباشد زیرا هیچگاه ما تردیدی در مالکیت ایران نسبت به نفت آن نکرده‌ایم بلکه دعوا عبارت ازین است که آیا ایرانیان حق این را دارند که یکجانبه تأسیسات ما را تصرف نمایند . اکنون دولت تقاضای تأمین موقت از دیوان مزبور کرده است . در عین حال تاوقتیکه دیوان مزبور بقضیه رسیدگی میکند واضح است که کارکنان انگلیسی باید در ایران باقی بمانند و توقف آنها بنفع ایران و انگلستان است . لکن اگر ازآنها تقاضا شود که در سر کار خود باقی‌بمانند وظیفه حتمی‌دولت است که‌برای حفظ‌آنها هرگونه اقدامی که لازم‌باشدبنماید. دولت می‌تواند‌اطمینان‌داشته باشد که اقدامات مزبور ازهرنوع که باشد مورد پشتیبانی ما (یعنی‌حزب محافظه‌کار) خواهد بود.» نمایندهٔ دیگری ازحزب محافظه‌کار بنام‌مسترسندیز[1] پارا فراتر گذاشته وچنین گفته‌بود: « من‌میل‌ندارم که استخوان‌لای زخم بگذارم. هرگونه اقدامی خطری‌را دربردارد.ولی بایدبدولت تذکردهم که درین‌قضیه بخصوص‌اگرهم‌اقدامی‌نشودخطراتی‌را

---

(۱) Mr. Sandys داماد چرچیل است .

ایجاد خواهد کرد و مسلم اقدام نکردن خطرش از اقدام کردن زیادتر میباشد . اگر بنا شود که ما قشون بجنوب ایران اعزام داریم شبهه‌ای نیست که روسها بموجب پیمانی که باایران دارند حق خواهند داشت که قشون بشمال ایران وارد کرده وآنرا اشغال نمایند . ولی مسئله این است که اگر نکنیم پس چه باید کرد ؟ اگرما جنوب‌را ازدست بدهیم استخراج نفت متوقف خواهد شدوازدرآمددولت ایران کاسته خواهد گردید وچنانکه مستر ایدن گفت یك هرج ومرج اقتصادی درآن کشورحکمفرما خواهد شد . شکی نیست که نتیجهٔ این پیش‌آمد روی کارآمدن حزب توده خواهد بود که ازمسکو الهام میگیرد ودرواقع معنی‌آن این است که روسها مالك الرقاب تمام ایران خواهند شد . بنابرین خاطرنمایندگان را مستحضرمیسازم که اگرما مواجه باین وضع ناگوارشویم که یاایران راتقسیم ویابگذاریم که تمام‌آن کشورتحت سلطهٔ روسها قرارگیرد شك نیست که تقسیم ایران ضررش کمترخواهدبود . سیاست ما درگذشته این بوده و صحیح هم بوده است که ازیك ایران آزاد ومستقلی پشتیبانی نمائیم ولی اگر بواسطهٔ جهالت ایرانیان ما مجبور به‌ترك‌چنین‌سیاستی‌شویم‌مسئولیت‌آن متوجه‌انگلستان نخواهدبود. گفته میشوداگر ما مجبور شویم قشون بآبادان اعزام داریم این بهانه‌ای برای روسها خواهد شد که جنگ جهانی را آغاز نمایند .آنچه لازم میدانم گفته شود این‌است که هرگاه روسها موقعی‌را تشخیص دهند که مناسب برای نبرد بادنیای غرب باشد پیداکردن بهانه برای آنهاکارمشکلی نخواهد بود وبسهولت میتوانند چنین بهانه‌ای را ایجاد نمایند . بگمان من طراحان کرملین اگرموقع را مناسب تشخیص ندهند برای حادثه‌ای درخلیج فارس مبادرت بچنین عمل دامنه داری نخواهندکرد.»[۱]

مجلهٔ متمایل بدست چپ موسوم به «نیواستیتزمن»[۲] در تاریخ ۸ تیرماه ۱۳۳۰ مقاله‌ای دربارهٔ مذاکرات مجلس مبعوثان ووقایع ایران نوشته بود که نقل قسمت های مهم‌آن بی‌مورد نیست :

« بحثی که درمجلس مبعوثان راجع بایران شده واضح میدارد که عدهٔ زیادی از نمایندگان هنوزآلوده بافکارقرون گذشته میباشند . مسترایدن و پیروان او و همچنین برخی ازنمایندگان حزب سوسیالیست باسختی تمام از دولت تقاضا کردند که بوسیلهٔ اعزام قشون واعمال زور نفت ایران را استخراج وبارکشتیهای شرکت نفت بنماید . چنین اقدامی متضمن این خواهد بود که ما بیك کشور مستقل و دوستی تجاوزکنیم ومواجه باءمقاومت ارتش ایران شویم که امروز بااسلحهٔ امریکائی مجهزمیباشد وتحت فرماندهی یك افسرامریکائی‌است ـ وحداقل دولشکربرای چنین‌کاری لازم خواهد بود ویکدسته ناوگانی مرکب ازیکصد وپنجاه کشتی لازم است که این‌ارتش‌را حمل نماید. این‌حقایق ساده‌راگویا محافظه‌کارانی که ازوزیرخارجه انتقاد میکنند درنظرنگرفته‌اند وواضح است که اعضای‌حزب محافظه‌کارهنوز درعصرطلائی امپریالیزم انگلیس زندگی میکنند که اعزام چندکشتی کوچك جنگی بخلیج فارس و یك تیپ سربازهندی به بصره

---

(۱) بیانات فوق عینا ازصورت مشروح مذاکرات مجلس مبعوثان ترجمه و نقل شده است .

(۲) New Statesman که ترجمهٔ آن « سیاستمدار جدید » است یکی ازمجله های سیاسی و باقوق انگلستان است .

کافی بود که متمردین را سرجای خود نشاند ..... جای بسی خوشوقتی است که دولت حاضر بدون درنگ این تقاضای بی‌جارا رد کرده است ووزیرخارجه اظهارداشته است کشتی جنگی برای این است که جان و مال اتباع انگلیس را حفظ نماید ولی بنظرما حتی این‌عمل هم موجه نیست . ظاهراً وزیرخارجه امیدواراست که خارج کردن کارکنان انگلیسی ومتوقف ساختن رفت وآمد کشتیهای نفتکش موجب خواهد شد که ایرانیان راه معتدلی را درپیش گیرند . بی‌شك چنین رویه‌ای تهران‌را مواجه بااین‌مسئله‌خواهد کرد که چگونه حقوق‌مستخدمین دولت وهزینهٔ ارتش‌را بپردازد وازدرآمد نفت‌صرفنظر نماید ولی محاصرهٔ اقتصادی هم راه حل مناسب ومعقولی‌نیست زیراممکن‌است ایرانیان را مصمم‌ترنماید که درعدم رعایت واقع بینی جری‌ترشوند . دیر یا زود ما باکمك و مساعدت امریکائیها وفرانسویها وهلندیها باید سیاست مشترکی راجع بنفت خاورمیانه اتخاذ نمائیم وچون تاکنون بچنین‌کاری مبادرت نکرده‌ایم اکنون ضررآنرا میبریم .... درحال حاضر ایران کشورعقب افتاده‌ای است که برزگران‌آن درنهایت فقروبیچارگی زندگی میکنند ومبتلا بامراض‌مختلف میباشند . مجلس‌ملی‌آن دردست یك گروه‌مالکین منحط‌قرارگرفته‌است . مستخدمین کشوری‌غالب بی‌کفایت ونادرست میباشندوتأسیسات اجتماعی ورفاه درآن کشور تقریباً نایاب است ..... غالب‌ادعا میشود که احساسات ملی کشورهای خاورمیانه ناشی ازغلیان احساسات بیمورد وغیرموجه است زیرا که ایرانیان ومصریها وعراقیها متوقع هستند که باآنها همان رفتاری بشود که با دیگران میشود . ولی حقیقت قضیه این است که دعوای بین لندن وتهران نه سر پول است ونه منازعه‌ای است بین مدیران شرکت نفت وگروهی که زمام امـور ایران را دردست دارند . در پشت پردهٔ این منازعات ظاهری و مذاکرات مالی و اقتصادی صحنه دیگری قرارگرفته است که آغاز سیاست عالیتری را نشان میدهد و آن عبارت است از یك انقلاب ملی و اجتماعی که بتدریج سرتاسر آسیارا فرا خواهد گرفت . یا باید با این انقلاب سازش‌نمود ویاروزی‌خواهدآمد که‌انقلاب مزبور مارادرتنگنا خواهدگذاشت.»

کسانی که باسیاست بین‌المللی و جریان های‌مختلف آن آشنائی دارند میدانند که حکومت‌کارگری انگلستان در قضیه نفت ایران سعی بسیار نمودکه واقع بینی را شعار خود قرار داده و از توسل بحربه های پوسیده محافظه‌کاران خود داری نماید . جرائد آزادیخواه انگلستان و آنانیکه متمایل بچپ بودند نیز درین‌باره کمك های بسیاری نمودند و در مقابل فشار محافظه‌کاران که تقاضای تجاوز نظامی بایران را داشتند ایستادگی قابل تحسینی نمودند . علاوه برین دولت امریکا هم درین میـان نقش عمده‌ای را بازی کردو بحزب محافظه‌کار انگلستان فهماندکه با سیاست تجاوز بایران موافق نیست و بالاخره توانست از شور و غلیان آنهـا بکاهد . یك نکته فوق‌العاده مهمی هم که در تمام حسابهای سیاستمداران انگلیس و امریکا بحساب‌آمد وکمتردیده شدکه در جراید بآن اشاره‌ای‌شود احساسات وتمایلات‌کارکنان صنعت نفت ایران‌بود. سیاستمداران مآل‌اندیش وواقع بین‌مدعی‌بودندکه‌برفرض‌اینکه تجاوز نظامی بایران صورت گیرد و بگفته مستر سندیز روسها هم عکس‌العملی بخرج ندهند چگونه میتوان‌صنعت مزبوررابامخالفت‌کارکنان ایرانی‌آن اداره کرد وبرخلاف میل‌آنها ازآن

بهره‌برداری نمود. متأسفانه این اهمیت بسزائی را که بیگانگان باحساسات کارمندان وکارگران صنعت نفت ایران میدادند در خودکشور و بین سیاست مآبان تهران‌مورد تقدیر واقع نگشت و در تمام مدتی که‌دولت با انگلیسها درکشمکش بوده بهره‌مندی شایسته‌ای ازآن نشد.

روز ۸ تیرماه ۱۳۳۰ وزیرخارجهٔ انگلیس پیام دیگری‌برای نخست‌وزیر ایران فرستاده و بمتوقف‌شدن صدور نفت اشاراتی کرده ودرخاتمه چنین گفته‌بود :

« دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان لازم میداند متذکرگردد که مسئولیت احضارکشتیهای نفت‌کش وتعطیل شدن تدریجی تأسیسات شرکت که نتیجهٔ‌آن ازدست رفتن درآمد ایران و بیکار شدن دست‌جمعی‌کارگران ایرانی خواهد بود ناشی‌ازرویهٔ فعلی دولت ایران است‌که نه تنها از قبول پیشنهاد مکرر جهت انجام مذاکرات خودداری کرده‌اند بلکه بدون مطالعهٔ صحیح یا مشورت قبلی اصرار بتعقیب یك‌سلسله اقداماتی نموده‌اندکه عواقب وخیمی را دربر خواهد داشت. دولت اعلیحضرت‌پادشاه انگلستان نمیتواند باور نمایدکه دولت ایران حتی درین لحظهٔ‌آخر تشخیص ندهدکه ناسازگاری آندولت روش خردمندانه نیست.»

روز یازدهم تیر نخست وزیر مصاحبه‌ای با کینگزبوری اسمیت[1] مدیر سرویس اروپائی خبرگزاری بین‌المللی نیوزسرویس[2] کردکه سئوال وجواب زیر درآن ذکر شده بود واز لحاظ اهمیت در زیر نقل میشود :

« سئوال - بعقیدهٔ جنابعالی‌آیا هدف مبارزهٔ فعلی برای ملت ایران بیشترتأمین استقلال‌کشور و رهائی از سلطهٔ نفوذ انگلستان است یـا آنکه موضوع فقط تأمین درآمد بیشتری از ممر منابع نفتی است؟

جواب - درین باب سه موضوع را بـاید درنظر داشت : اول - دولت ایران باید بتواند خودش را کاملا مستقل نگاهدارد تا هیچ دولت خارجی نتواند در امور داخلی او دخالت‌کند. دوم - وقتی یکدولت دخالت‌کرد چطور میتوانیم از سایرین انتظار داشته باشیم‌که دخالت نکند. سوم - ما هیچ راهی برای برطرف‌کردن این فقر شدید و بیچارگی نداریم مگر ازطریق عایدات‌نفت‌که متعلق بماست وما بدست خود بگیریم .عدم‌دخالت دول‌خارجی درین‌کشور واصلاح وضع مردم‌سبب خواهدشدکه جنك بین‌الملل لا اقل ازین مملکت در نگیرد. ما صنعت نفت را ملی‌کردیم برای اینکه وضعیت ما بهتر شود ولی ازین ملی‌کردن نفت هیچ‌وقت درنظر نداشتیم بدولی که از نفت ما استفاده میبرند ضرری برسد. تا وقتیکه عدهٔ متخصصین فنی خود ما کافی نشود ما نمیخواهیم‌که متخصصین خارجی ما بروند. ما حاضریم بدولی‌که از نفت ایران تا کنون متمتع میشدند آنچه لازم است اطمینان بدهیم‌که در بهره‌برداری و تقسیم نفت بین آنها خودداری نخواهیم‌کرد : ملت ایران از ملی شدن نفت خود

---

(۱) Kingsbury Smith

(۲) European Service of International News Service که یك خبرگزاری امریکائی است.

یك هدف عمده دارد و آن این است که دیگران درامور داخلی ما دخالت نکنند.

سئوال - شرکت نفت میترسد جبران کافی برای لغو امتیازش باو داده نشود در صورتیکه موضوع ملی شدن نفت کاملا شناخته شود آیا حضرتعالی حاضرید حکمیت بیطرفانه‌ای را در باب ادعا های قانونی شرکت نفت در باب از دست دادن امتیاز خود قبول کنید بشرط آنکه این هیئت بیطرف ادعا های دولت ایران را در مقابل شرکت نیز موردنظر قرار دهد؟

جواب - بلی کاملا موافقیم. ما هیچوقت نمیخواهیم اموال کسی را مصادره کنیم. مافقط مایلیم که دستگاه نفت مال ملت ایران شود ولی ما حاضریم ادعاهای احتمالی شرکت را مورد مطالعه قراردهیم بشرط آنکه مطالبات ما ازشرکت نیز موردمطالعه قرار گیرد.

سئوال - آیاتصور می‌فرمائید ممکن باشد مجدداً مذاکرات باشرکت آغاز گردد؟

جواب - فقط برای تصفیهٔ حساب نه برای ادامهٔ عملیات توسط شرکت.»[1]

درتاریخ هفتم تیرماه ۱۳۳۰ دولت ایران به رئیس دیوان بین‌المللی دادگستری در لاهه اطلاع داد که درخواست دولت انگلیس را مبنی براقدامات تأمینی ردّ مینماید واظهار داشت که دولت انگلیس صلاحیت این را ندارد که درقضیهٔ اختلاف بین‌دولت ایران و شرکت نفت دخالت نماید و نظر به فقد اختیار قضائی مدعی و باتوجه باینکه اجرای حقوق حاکمیت قابل رجوع بدیوان نیست از دیوان مزبور تقاضا کرد اعلام نماید که موضوع از صلاحیت آن خارج است. درتاریخ سیزدهم تیرماه دیوان بین‌المللی دادگستری باکثریت آراء اعلام داشت که تقاضای دولت انگلیس بعنوان حمایت سیاسی از یك شرکت انگلیسی بوده و عبارت از نقض حقوق بین المللی می باشد و ازحیطهٔ قضاوت بین‌المللی خارج نیست و لهذا اقدامات تأمینی ذیل را تعیین نمود:

۱ - دولت ایران و دولت انگلیس هرکدام مراقبت نمایند که از هرگونه عمل زیان آور نسبت بحقوق طرف دیگر دراجرای رائی که دیوان ممکن است در ماهیت امر صادر نماید جلوگیری کند.

۲ - دولت ایران ودولت انگلیس هرکدام مراقبت نمایند که از هرگونه عملی از هرقبیل که ممکن است اختلاف مرجوع بدیوان را تشدید یا توسعه‌دهد جلوگیری کند.

۳ - دولت ایران ودولت انگلیس هرکدام مراقبت نمایند که هیچگونه اقدامی از هرقبیل بمنظور ممانعت از ادامهٔ بهره برداری صنعتی و بازرگانی شرکت نفت انگلیس‌وایران بنحوی که‌شرکت نامبرده قبل‌ازاول‌ماه می ۱۹۵۱ (دهم‌اردیبهشت ۱۳۳۰) عمل میکرد اجرا نشود.

٤ - بهره برداری شرکت در ایران تحت ریاست اعضای مدیرهٔ آن بشکلی که

---

(۱) نقل ازکتاب « اسناد نفت » صفحه ۲۵٦ — ۲۵۵

قبل‌از اول‌ماه می ۱۹۵۱ موجود بود باقیدتغییراتی که ممکن‌است باموافقت کمسیون نظارت مذکور در بند ٥ بعمل آید ادامه یابد.

٥ - برای تأمین اجرای کامل مقررات فوق که بهرحال اعتبار خودرا حفظ می‌نمایند باتوافق دولت ایران و دولت انگلیس کمیسیونی بنام کمیسیون نظارت مرکب از دوعضو بتعیین هریك از دول فوق ویك عضو پنجم تبعهٔ یك دولت ثالث که باتوافق دول مزبور یا درصورت عدم توافق بنا بتقاضای مشترك طرفین توسط رئیس دیوان تعیین شود تشکیل گردد. وظیفهٔ کمیسیون عبارت ازین خواهد بود که مراقبت نماید که بهره برداری شرکت مطابق مقررات مذکور فوق ادامه یابد منجمله وظیفه‌دار خواهد بود که درآمد ها را رسیدگی کند و مراقبت نماید که وجوه حاصله از درآمد های دریافتی که اضافه بر هزینه های ضروری جریان عادی بهره برداری و سایر عوارض عادی متعلق بشرکت نفت انگلیس وایران باشد بمؤسسات بانکی که کمیسیون مزبور انتخاب خواهد نمود پرداخت شود و مؤسسات بانکی مزبور تعهد نمایند که آن وجوه را جز برطبق نتایجی که خواه از تصمیمات دیوان و خواه از موافقت طرفین حاصل شود بمصرف نرسانند. »[۱]

دونفرازقضات دیوان که یکی‌مصری ودیگری لهستانی بودند بارأی فوق‌مخالفت کردند ورأی دیوان هم بطرفین ابلاغ گردید. دوروز بعد سفیر کبیر انگلیس درتهران نامه‌ای بدولت‌نوشته واظهارداشت که دولت‌انگلستان برأی دادگاه تسلیم بوده وحاضر است توصیه های‌آنرا قبول نماید ولی دولت‌ایران‌اعلام داشت که دیوان لاهه را صالح نشناخته وارزشی‌هم برای رأی‌آن قائل نیست. بعلاوه درتاریخ ۱۷ تیر تلگرافی‌بدبیر کل سازمان ملل متحد ارسال واظهار داشت که چون دیوان مزبور از جادهٔ عدالت خارج شده و اعتماد عمومی را نسبت بخود متزلزل ساخته است لذا دولت ایران از ازین تاریخ اعلامیهٔ مورخ‌دوم اکتوبر ۱۹۳۰ خودرا دربارهٔ قبول قضاوت‌اجباری دیوان مزبورمسترد میدارد.

درتاریخ ۱۷تیر مسترترومن رئیس‌جمهورامریکا نامه‌ای بنخست‌وزیرایران‌ارسال و درآن چنین گفته بود -:

« بی‌اندازه‌ای متشکرم که جنابعالی درنامهٔ اخیرخودتان شرح‌کامل و صادقانه‌ای دربارهٔ جریان اختلاف نامناسب ونامسعودی که بین دولت شما ومنافع نفتی بریتانیا در ایران پیش آمده است مرقوم فرموده بودید. این موضوع برای سعادت‌کشور شما وبریتانیای‌کبیر وهمهٔ کشورهای آزاد دنیا بحدی خطر دارد که من با نگرانی شدید همواره فکر خود را معطوف باین قضیه نموده‌ام . . . . . من با نگرانی ناظر قطع جریان مذاکره بوده‌ام و می‌بینم دارد وضعی پیش میآید که عملیات تصفیه و استخراج نفت بهم فروریخته وازین راه ضررهای بسیاری بایران ودنیا وارد میشود. یقیناً این پیش‌آمد مصیبتی‌است که میتوان باتدبیر و سیاستمداری راهی برای جلوگیری‌آن پیدا

(۱) نقل ازکتاب « نفت ایران ومراجع بین‌المللی» تالیف عزت‌الله یزدان‌پناه صفحه ۴۸

نمود . اخیراً باین عقیده رسیده‌ام که برای آنکه مسائل مختلف و بغرنجی که در میان است وممکن است بعلت کمبود وقت سبب بسته شدن پالایشگاه گردد بطورکلی تصفیه شود (زیرا ادامهٔ وضع حاضرحتماً منجر به بستن پالایشگاه میشود) لازم است قرار موقت قابل اجرائی داده شود که درعملیات تصفیه و استخراج نفت وقفه حاصل نگردد وضمناً باچنین قرارموقت لطمه بمنافع هیچیك ازطرفین وارد نشود. پیشنهادات مختلفی که درین‌باره شده است منتج به نتیجه نشده وزمان بسیار کوتاه است . درین موقع یك‌امرمهم وتازه‌ای نیزانجام گرفت ودیوان‌دادگستری بین‌المللی که دولت شما ودولت بریتانیا ودولت ما همگی درآن عضو هستیم وبا سایر ملل همکاری میکنیم تا عدالت بیطرفانه وانصاف دردنیا حفظ گردد پیشنهادی برای یك قرارموقت نموده‌است ..... بنابرین دوستدار میخواهد بجنابعالی جداً توصیه کند که به پیشنهاد دیوان بین‌المللی توجه خیلی عمیقانه مبذول فرمائید . دوستدارصلاح میداندکه جنابعالی باینکه این‌نظر باموارد فنی وقانونی‌تطبیق‌میکند یانمیکند توجهی نفرمائید بلکه نظردیوان‌را بعنوان پیشنهاد یك‌هیئت بیطرفی‌که همّ خود را جهت عدالت و انصاف و برای دنیائی متکی بمبانی‌مزبوروقف مینماید تلقی فرمائید . . . . . دوستدارصمیمانه‌آرزرمندم‌که تاآنجا که بتوانم درین مورد کمك نمایم . من باآقای اورل هریمن[۱] که همانطورکه اطلاع دارید ازمشاورین نزدیك بنده ویکی ازامریکائیهای عالیقدرمیباشد مفصلاً درین باره مذاکره کرده‌ام . چنانچه جنابعالی‌مایل باشید ایشان‌را بپذیرید من باکمال خوشوقتی ایشان را بعنوان نمایندهٔ شخصی خود روانه تهران میکنم تادربارهٔ این مسئلهٔ فوری ومشکل باجنابعالی مشاوره نماید.»[۲]

روزبیستم تیرماه دکتر مصدق جوابی بنامهٔ رئیس جمهور امریکا داده و چنین گفت : —

« پیام دوستانه وجوابیهٔ آنجناب مورخ ۹ ژوییه (۱۷تیر) کمی بعد از آنکه دولت ایران تصمیم خود را نسبت بقراردادگاه بین‌المللی‌اتخاذ وابلاغ کرده‌بود توسط جناب سفیرکبیرامریکا رسید . لازم‌میدانم یکباردیگرازتوجه‌آنجناب‌که نسبت بمصالح ایران همواره ابراز فرموده‌اید تشکرکنم . . . . . باکمال تأسف تاآنجا که دولت ایران تشخیص داده است تاکنون از ناحیهٔ شرکت سابق راجع بقبول اصل ملی شدن صناعت نفت مطابق قوانینی‌که از مجلسین‌گذشته و دولت ملزم است آنرا اجرا کند اظهاری بعمل نیامده و پیشنهادی نشده بلکه نمایندگان شرکت در یادداشت مورخ ۲۸ خردادماه ۱۳۳۰ (۱۹ ژوئن ۱۹۵۱) پیشنهادهائی برخلاف قوانین مذکور دادند که منجر بقطع مذاکرات‌شد. دولت وملت‌ایران بشرطی‌که حق مسلم ملی ما مطابق قوانین ملی شدن نفت مورد موافقت‌گردد حاضراست بلافاصله برای حل‌کلیهٔ اختلافات وارد مذاکره بشود تاوقفه‌ای درکار بهره برداری که دولت‌ایران همواره‌ازآن احتراز

---

(۱) Averell Harriman

(۲) متن‌کامل این پیام درکتاب «اسنادنفت» صفحات ۲۸۷ - ۲۸۵ چاپ شده است .

داشته وچنانکه فرموده‌اید مورث خسارت برای همه است حاصل نگردد . . . . دولت ایران بااطلاعی که نسبت بتجارب زیاد و شخصیت آقای هریمان دارد باتوجه باینکه بسمت نمایندگی آنجناب بتهران میآیند این‌موضوع‌را حسن‌استقبال میکند وامیدواراست ازمشاورهٔ باچنین شخصی بهره‌مند شود.»[۱]

درجلسهٔ ۱۶۷ دورهٔ شانزده مجلس شورای ملی مورخهٔ ۲۰ تیرماه دکتر مصدق نطق مفصلی ایراد کرد که اهم مسائل مذکور درآن بشرح زیر بود وازنقل متن نطق برای اجتناب ازتطویل خودداری میشود . قسمت اول نطق اختصاص به تاریخچهٔ‌وقایع سیاسی چندسال اخیرداشت وسپس نخست‌وزیر گفت : -

« امروز دیگر برای مردم ومجلس‌ایران مبالغه واغراق نیست وشاید درشمارهٔ واقعیات وبدیهیات باشد اگر گفته شود که شرکت سابق نفت سلسله جنبان وعلت‌العلل همهٔ بدبختیهای سیاسی واجتماعی واقتصادی این کشور بوده است ویقین است که اگر دست این شرکت را کوتاه کنیم هیچ فرد ودولتی یارای‌آن نخواهد داشت که جریان امور را بهمان صورت سابق نگاهدارد . . . . . دولت بارها اعلام داشته که قانوناً مکلف‌است‌کاری کند تاجریان‌نفت وفروش‌آن بخریداران سابق قطع نشود وحتی‌دولت اینجانب حاضرشد برای اینکه وقفه‌ای درین‌امرحیاتی رخ ندهد مختصراً باگرفتن‌رسید نفت صادرشود ولی مسئولین شرکت سابق درین‌راه دست بکارشکنی عظیمی زده‌اند. دنیا بداندکه مسئولیت قطع جریان نفت بادولت‌ایران نیست . ما آنچه درقوه‌داشتیم برای ادامهٔ کار شرکت سابق نفت انجام دادیم . . . . . دردسرندهم اینجانب تصمیم راسخ دارم که به پشتیبانی ملت ایران و اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و با تقویت مجلسین برطبق موازین قانونی بدون اندك انحرافی بوظیفهٔ خود با نهایت ثبات و استقامت‌عمل کنم . . . . . ایندولت بهیچوجه خودرا حاضر برای‌دخالت درامرانتخابات آینده نمی‌بیند . ایندولت تازمانیکه‌کار نفت خاتمه نیافته خواهد ماند . . . . مشکلات فعلی ازسه طریق پیدا شده یکی ازآنها مشکلات ارزی‌است که بمناسبت عدم دریافت لیره های شرکت سابق نفت بوجودآمده وبانك‌ملی ایران نیز درین خصوص طی‌نامه باینجانب یادآوری نموده‌است که اقداماتی که تاکنون ازطرف بانك بعمل‌آمده برای رفع این بحران احتمالی کافی نمیباشد ودولت را متوجه نموده است که نسبت بجریان معاملات خارجی ومخصوصاً واردات ضروری هرقدر زودتردست بکاراقدامات مؤثرتری بشود علیهذا بامشورت متخصصین فن لایحه‌ای تدارك شده است که بموجب‌آن میتوان از ارز های موجود درحساب پشتوانه اسکناس موقةً وبتدریج مبالغی لیره دریافت وبوسیلهٔ آن قسمت مهمی ازواردات ضروری کشوررا تأمین نموده واتفاقاً انتقال لیره های تضمینی از خارج بایران از جهات عدیده قرین مصلحت میباشد[۲] مشکلات دیگر

---

(۱) متن‌کامل این جواب درصفحات ۳۰۹-۳۰۸ همان‌کتاب «اسنادنفت» مندرج است .

(۲) لایحهٔ برداشت چهارده میلیون لیره ازپشتوانهٔ اسکناس درجلسهٔ ۶ مرداد مجلس‌شورایملی بتصویب رسید .

مربوط بانجام قانـون ملی شدن صنعت نفت و نگاهداری این دستگاه عظیم است که تابجریان افتادن معاملات بامشتریان‌سابق باید تحمل مخارجی‌را نمود . . . . بااعتماد بعواطف واحساسات عمومی لایحه‌ای تدوین شده که بموجب‌آن مبلغ دو میلیارد ریال از داخلهٔ کشور استقراض شود این لایحه نیز تقدیم میگردد[۱] . . . . . در دنبال مذاکرات بابانك صادرات و واردات امریکا مجدداً صحبت شده‌است که اعتباری بمبلغ ۲۵ ملیون دولار که دورهٔ استهلاکش ۱۵ سال طول خواهد کشید برای خرید ماشین ـ آلات کشاورزی وراه گرفته و بخرید وحمل‌آن ماشین‌آلات زودتراقدام شود.»

درین بخش بتفصیل جریان مذاکرات باهیئت‌اعزامی‌ازطرف شرکت‌نفت ووقایع بعداز آن تاآمدن مستر هریمن بتهران ذکرشده است ولازم است‌گفته شود که قبل‌از آمدن هریمن قسمت‌عمدهٔ کارکنان‌انگلیسی شرکت‌نفت ازایران‌رفته و صدور نفت‌متوقف گشته‌بود . سناتور دکتر متین دفتری‌درگزارشی که روز ۱۹ تیرماه درجلسهٔ مجلس سنا خواند وضع‌آنروز را بشرح زیرخلاصه‌کرده بود : ـ

«متأسفانه یك محیط متشنجی فراهم شده وخبطهائی میشود که بروخامت‌اوضاع می‌افزاید ومادام‌که تشنج باقی است وافکار عمومی‌ما درغلیان است حل مسئله وحصول توافق مشکل است . اگر طرفداران‌کمپانی سابق از نقطهٔ نظر حقوقی خودشان همین طور پافشاری‌کنند و بقرارداد ۱۹۳۳ محکم بچسبند و باصل ملی شدن صنعت نفت در ایران نخواهند آشنا شوند هرگز اختلاف حل نخواهد شد.اگر فشاراقتصادی را بخواهند ادامه دهند و ما هم نتوانیم تحمل‌کنیم و هلاك شویم از تباهی‌ما معلوم نیست دنیای غرب خوشبخت شود و من عاقبت این فشار ها را وخیم می بینم . دنیای غرب بداندکه اگر اینطور عرصه را برملت ایران روزبروز تنگترکند و حال یأس برین ملت عصبانی وگرسنه مستولی‌شود میترسم راهی را پیش‌گیرندکه تاکنون‌ازآن احترازداشتند. پس‌صلاح‌خودآنهاست‌که ازتهدید وفشارصرف‌نظرکرده باما راه بیایند و مشکل های ما را خودشان حل‌کنند و بعقیدهٔ بنده با حسن نیت بوسیلهٔ همین قانون ملی شدن صنعت نفت و اساسنامه‌که باید هرچه زودتر بتصویب مجلسین برسد میتوان راه حل های اطمینان بخشی پیدا کرد و همهٔ اختلافات را رفع نمود . لجاج و عناد بهیچوجه صلاح‌نیست. هم روزگار ما را تباه می‌کند وهم آنها طرفی نخواهندبست.»

چنانکه از مندرجات جراید خارجی معلوم میشد در آن ایام انگلیسها توانسته بودند امریکائی ها را قانع سازندکه اگر ملی شدن نفت ایران بطرزی‌که دولت ایران میخواست عملی‌گردد سایرکشور های نفت خیز خاورمیانه هم همین راه را خواهند رفت و سرمایه های عظیمی‌که شرکتهای نفت امریکا در صنعت نفت خاور ـ میانه بکار انداخته اند هدر خواهد رفت . ازین رو کـارتل بین‌المللی نفت تصمیم گرفته بودکه بهر قیمتی هست با شرکت نفت ایران و انگلیس مساعدت نماید و نگذاردکه نفت ایران در خارج بفروش رسد . علاوه برین پس از آنکه صادرات

(۱) این لایحه هم درجلسهٔ ۱۳ مرداد مجلس شورایملی بتصویب رسید .

نفت ایران متوقف گردید دولت امریکا از نوزده شرکت نفت امریکائی که در خارج ازامریکا بفروش نفت اشتغال‌داشتند دعوت کرد که با« کمیتهٔ تدارکات نفت خارجی »[۱] اشتراك مساعی کرده و جبران متوقف شدن صادرات نفت ایران را بنماید. درآنوقت جنك کره بشدت ادامه داشت و شرکتهای عضو کارتل نفت بایکدیگر معاضدت نمودند و نگذاشتند که شرکت نفت انگلیس وایران بی نفت بماند [۲] بدینمعنی که مسیر محصول پالایشگاه های بحرین و رأس‌التنوره را که سابق باروپا میرفت تغییرداده و مقصد آنرا کشور های شرق آسیا وهندوستان قرار دادند ومقداری نفت هم از امریکا و ونزوئلا برای اروپا آوردند که لطمه‌ای ببازار ها وارد نیاید .

درین‌جا بی‌مناسبت نیست اگر قسمتی از مقاله‌ای راکه مجلهٔ « پترولیوم پرس سرویس» چاپ انگلستان مورخهٔ ژوییه ۱۹۵۱ منتشر کرد ونظر محافل نفتی‌را منعکس میساخت نقل نمائیم . مجلهٔ مزبور چنین نوشته بود :

« روزیکه شرکت نفت ایران و انگلیس از ایران خارج شود صدور نفت از آن کشور متوقف خواهد گشت و صنعتی که در اقتصاد ایران نقش بسیار مهمی دارد راکد خواهد ماند . . . . . اقدامات دوستانه‌ای که دولتین امریکا و انگلیس و بخصوص شخص رئیس جمهور امریکا برای حل قضیه نموده تا کنون بیفایده بوده است . . . . . اگر در آیندهٔ نزدیك تغییراتی در وضع سیاسی ایران روی دهد امیدواری بحل‌قضیه بیشتر خواهدبود ولی عدهٔ سیاستمداران میانه‌روی که حاضر باشند نتایج عملیات دکترمصدق را بارث برده و با آن عمل نمایند محدود میباشد . شاید مدتی وقت لازم باشد تا توقف ناگهانی درآمد نفت و تأثیر آن در حیات اقتصادی کشور ظاهر گردد و هنگامیکه این‌حقایق‌تلخ آشکار گردید امید تغییرات مزبور بیشتر خواهد بود . . . . . ازدست رفتن سی ملیون تن محصول نفت خام و پالایشگاه ۲۵ ملیون تنی آبادان یکی‌ازارکان‌عمدهٔ صنعت نفت‌جهانی‌را متزلزل‌خواهد کرد ولی صنعت مزبور توانائی این را دارد که باچنین حادثه‌ای مقابله‌نمایدوجنبهٔ بین‌المللی‌آن طوری‌است که استعداد انعطاف‌بسیار داشته وقادراست که گلیم خودرا ازآب درآورد. بحرانی که در ایران پیش‌آمده چندان هم غیرمترقبه نبوده است زیرا در ماهها وهفته های اخیر که بحران مزبور پدیدار شد نقشه های دقیقی طرح گردیدکه در صورت وقوع آن و متوقف شدن نفت ایران چه‌اقداماتی‌رابایدشروع کرد . شبهه‌ای نیست که وضع کنونی سختیها وزحماتی را تولیدکرده است ولی رفع احتیاجات‌مصرف کنندگان در تمام نقاط بیش‌از آنچه در ابتدای امر تصور میشد تأمین گردیده است . . . . . باور نمیتوان کرد که ایرانیان برای مدت مدیدی تحمل نتایج وخیم سیاست و قصور روحی دکتر مصدق را بنمایند ولی اگر این رویه را ادامه دهند بزودی درك‌خواهند کرد که صنعت نفت جهانی باسرعت میتواند جبران کمبودیهارا بنماید وآنوقت‌مشاهده

---

(۱) Foreign Petroleum Supply Committee

(۲) درکتابی که Leonard M. Fanning بنام Foreign Oil and the Free world نوشته (صفحهٔ ۲۲۴) این‌مطلب شرح داده شده است.

خواهند کرد که برای نفت ایران کمتر جائی در بازار های جهان باقی خواهدماند. »

آنچه در بالا گفته شد نظر محافل محافظه‌کاران بود و شرح زیر که از مجلهٔ «نیواستیتزمن» مورخهٔ ۱۵ تیر ۱۳۳۰ نقل میشود نظر حزب کارگر ومحافل دست‌چپ میباشد :

« از بیانات شدید مستر موریسن وزیر خارجه چنین معلوم میشود که او دیگر امیدی از دکترمصدق ندارد ودر صدد میباشد باشخص دیگری که کمتر غیرمنطقی باشد بمذاکره پردازد . اگر چنین فرصتی بدست آید دونکتهٔ مهم را باید رعایت نمود . اول آنکه ما از بکاربردن نیروی نظامی باید خودداری نمائیم . تهدید باشغال جنوب ایران موجب تقویت دکترمصدق خواهد بود و بعکس تهدید بتخلیهٔ ایران و نتایج اقتصادی که دربر خواهد داشت باعث تضعیف وی خواهد شد . دوم آنکه نظر ما نسبت بملی‌شدن نفت باید کاملا واضح گردد . . . . . تا وقتیکه ما حاضر نشویم اصل تنصیف منافع را توأم با تنصیف مسئولیت واداره کردن صنعت توأم کنیم ایرانیان گمان خواهند برد که شناختن اصل ملی‌شدن صنعت نفت ایران ازطرف ما فقط جنبهٔ ریاکاری را دارد وقصد ما این است که کنترول صنعت‌را منحصراً برای خودمان تأمین نمائیم. »

بخش چهارم — مذاکرات با هیئت اعزامی از طرف دولت انگلستان

روز بیست و سوم تیرماه ۱۳۳۰ مستر هریمن باتفاق دونفر از همراهان خود[۱] بتهران وارد شد وهمانروز حزب‌توده تظاهرات زیادی برعلیه ورود او نمود که‌قوای انتظامی دخالت نموده ومنجر بقتل بیست‌نفر و زخمی‌شدن بیش‌از دویست‌نفر گردید . در میتینگ بزرگی که حزب‌توده در میدان بهارستان تشکیل داد شعار های زیادی برعلیه امریکا وانگلیس داده شد وآشکار گشت که حزب مزبور والهام دهندگان آن باهرگونه‌حل قضیهٔ نفت‌مخالف بوده وسیاست کلی آنها مبنی برین است که صنعت نفت راکد بماند تاوضع اقتصادی کشور وخیم‌تر شده وراه برای تسلط حزب‌توده و ایجاد حکومت کومونیستی درایران هموار گردد. حوادث بعدهم معلوم داشت که برنامهٔ حزب توده عبارت بود از (الف) طرفداری جدی از دولت دکترمصدق وتقویت آن‌تاوقتیکه او روش منفی‌را تعقیب میکرد وسیاستش منتهی برکود صنعت نفت میشد (ب) مخالفت با هرگونه راه حلی که موجب تجدید حیات صنعت نفت بود وتحریم پرداخت‌هرگونه

---

(۱)همراهان هریمن یکی مستر Rountree رئیس ادارهٔ‌خاورمیانه دروزارت‌خارجه امریکا ودیگری Walter Levy متخصص امور نفت بود .

غرامتی بشرکت نفت (ج) تشویق وتشجیع کلیهٔ عناصری که مخالف همکاری ایران با دول غرب بودند (د) تسریع در وخامت وضع اقتصادی ایران (ه) مهیا کردن وضع سقوط دکترمصدق درآینده وبدست گرفتن حکومت.

مسترهریمن چندروزی را بمذاکره با نخست‌وزیر واولیای دولت وهیئت مختلط نفت پرداخت. نمایندگان دولت سوابق امر نفت را باو توضیح‌داده ومخصوصاً کوشش کردند باو خاطرنشان نمایندکه نهضت‌ملی کردن نفت یك امر داخلی میباشد ومبتنی برهیچگونه تشویقی از طرف شورویها نبوده است وضمناً باو اطلاع دادندکه اگر قانون اجرای ملی کردن نفت اجرا نشود روسها تقاضای خود را برای تحصیل امتیاز نفت شمال تجدید خواهند نمود وعناصر افراطی قوی شده ودشواریهای‌سیاسی‌بسیاری ایجاد خواهدگشت. این مذاکرات دولت برای این بودکه اثر تبلیغات انگلیسها را خنثی نماید وبنمایندهٔ رئیس‌جمهور امریکا واضح سازدکه مساعدت با دولت ایران در امر ملی کردن نفت لازم میباشد. هریمن لزوم حسن‌نیت را از دوطرف واجب‌شمرده وسعی میکردکه توافقی بین طرفین ایجاد نماید واز قرار معلوم تظاهرات حزب‌توده در روز ورود او واطلاعات دیگری که نمایندگان دولت دربارهٔ عملیات حزب مزبور باو دادند تاثیربسزائی در اوکرد وضمن مذاکرات خود بدولت اظهار داشت که‌دولت امریکا حاضر است مساعدتهای مالی خود را بدولت ایران تحت عنوان اصل چهار بیفزاید و بخبرنگاران خارجی هم‌گفت که این مساعدت مشروط به حل قضیهٔ نفت نیست.



هریمن

روز هفتم مرداد مستر موریسون وزیرامور خارجهٔ انگلستان نطقی در مجلس مبعوثان ایراد کرده وضمن‌آن چنین‌گفت: «ادراکات وآرمان های ملی هردو مطلوب و پسندیده‌اند ولی‌تفاوت بسیاری بین میهن پرستی و نفرت از بیگانگان هست‌که ما و سایر مردمان مغرب زمین آنرا دریافته‌ایم. امروز ملل دنیا باندازه‌ای‌بایکدیگر مربوط شده‌اندکه نمیتوان منافع یکی را بضرر دیگری توسعه داد. احساسات ملی افراطی در بعضی از نقاط خاورمیانه موجب خصومت و سوء ظن بکشورهای دیگرشده است‌که متهم باستعمار طلبی شده‌اند. اگرما میخواستیم سیاست استعمار طلبی را در پیش گیریم تعقیب آن برای ما بسی سهل و آسان بود ولی ما چنین رویه‌ای را اتخاذ نکرده ایم. مللی که قیمومیت آنها از طرف جامعهٔ ملل بما واگذار شده

بود تشویق گردیم که تأسیسات ملی خود را توسعه دهند وآنهارا آمادهٔ این گردیم که آزادی خودرا بدست‌آورند . درطی‌چند سال مللی که امروز بنام عراق واردن‌هاشمی نامیده میشوند استقلال یافتند وبجای‌آنکه ما آزادی را ازآنها سلب نمائیم هرگونه اقدامی که‌لازم بود کردیم تاآنها باستقلال‌کامل رسیدند وامروز درنتیجهٔ چنین سیاستی بهترین روابط دوستی‌ومودت بین‌ما وآندولتها برقراراست. . . . ایران بهترین‌نمونه ازآن نقاطی‌است که احساسات افراطی ملی وفقدان واقع‌بینی وسیاستمداری مشکلاتی را برای آن‌کشور ایجادکرده است . یك امتیازی را شرکت نفت داشته و بموجب مقررات آن سالها در جنوب ایران بهره برداری میکرده است . این امتیاز فرصتی بانگلیسها داده بودکه بامعلومات فنی وبازرگانی‌خود بیاری‌ایران رفته ومنابع‌طبیعی آن‌کشور را استخراج نمایند ودرآمد مهمی را برای دولت ایران تأمین‌نمایند . . . دولت انگلستان بژنرال رزم‌آرا که درآنموقع نخست وزیر ایران بود اطلاع دادکه امتیاز شرکت مزبوررا نمیتوان ازراه قانونی بوسیله ملی کردن‌نفت لغونمود ودرینجا ازنمایندگان محترم تقاضا دارم بخاطرخود بسپارندکه در تاریخ دهم فوریه دولت انگلستان بدولت‌ایران اطلاع دادکه حاضراست قرارداد جدیدی روی‌اصل‌تنصیف‌منافع منعقد نماید. چندی پس‌ازاین اطلاع بودکه رزم‌آرا بقتل‌رسید وعده‌ای بنام پیشوایان جبههٔ ملی سیاست ملی کردن نفت را پیش کشیده وبرنامهٔ بی‌مطالعه‌ای را آغازکردند که عواقب‌آن برای اقتصاد ایران مطلوب نبودوبحران کنونی را بوجودآورده‌است. بنا برآنچه باطلاع نمایندگان رساندم معلوم است که دولت انگلستان وشرکت نفت در هرموقع حاضر بوده‌اندکه بآرمانهای مشروع مردم ایران مساعدت نمایند و اگر بواسطهٔ قتل رزم آرا نبود قراردادی که مورد قبول طرفین باشد در ماه‌ماه مارس گذشته امضا شده بود . . . . . درحال‌حاضر دولت‌ایران بوسیلهٔ مسترهریمن پیشنهاد هائی برای شروع مذاکره بین دولتین داده است وماهم ازآمدن مسترهریمن بلندن استفاده‌کرده پیشنهاد های مذکور را با او بحث‌کرده‌ایم واکنون چند نکتهٔ دیگر باقی‌است که باید حل شود تامیسیونی ازطرف دولت انگلستان بریاست مهردار سلطنتی مستراستوکس[1] بتهران اعزام شود ومذاکرات را شروع نماید. »

نتیجهٔ مذاکرات اولیهٔ مسترهریمن بانخست‌وزیر و اولیای دولت وهیئت مختلط درنطقی که دکترمصدق روزسیزدهم مرداد درمجلس شورای‌ملی‌ایرادکرد خلاصه شده وبشرح زیراست :-

« در نتیجهٔ این مذاکرات در جلسهٔ دوشنبهٔ ۳۱ تیرماه هیئت وزیران و هیئت مختلط که درمنزل اینجانب تشکیل گردید فرمول ذیل طرح وموردتصویب قرارگرفت وبعنوان نظریهٔ قطعی دولت ایران بآقای هریمن تسلیم‌شد : اولا - درصورتیکه دولت انگلیس بوکالت ازطرف شرکت سابق نفت انگلیس‌وایران‌اصل ملی‌شدن صنعت نفت‌را

---

(۱) Mr. Stokes

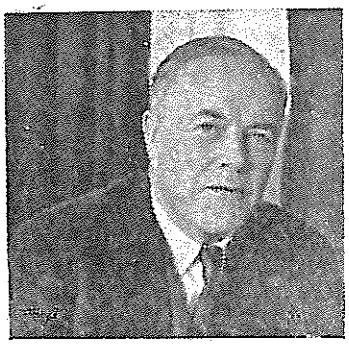
در ایران بشناسد دولت ایران حاضر است با نمایندگان دولت انگلیس بوکالت از طرف شرکت سابق واردمذاکره شود . ثانیاً ـ دولت انگلستان قبل ازاعزام نمایندگان بتهران موافقت خود را بوکالت از طرف شرکت سابق بااصل ملی شدن صنعت نفت رسماً اعلام نماید . ثالثاً ـ مقصود ازملی شدن صنعت نفت پیشنهادی است که در کمیسیون مخصوص نفت مجلس شورای ملی تصویب شده و در قانون مورخهٔ ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ تأیید گردیده است ومتن آن ذیلاً درج میشود : (بنام سعادت ملت ایران و بمنظور کمك بتأمین صلح جهان امضا کنندگان ذیل پیشنهاد مینمائیم که صنعت نفت ایران در تمام مناطق کشور بدون استثناء ملی اعلام شود یعنی تمام عملیات اکتشاف و استخراج و بهره برداری دردست دولت قرار گیرد) . برای استحضار آقای هریمن یك نسخه از یادداشتی را که نمایندگان شرکت سابق نفت راجع بطرزقبول اصل ملی شدن صنعت نفت بدولت ایران داده‌اند ومورد قبول واقع نشده باطلاع ایشان برسد . رابعاً ـ دولت ایران حاضراست راجع بطریقهٔ اجرای قانون تاآنجا که مربوط بمنافع انگلیس است وارد مذاکره شود . . . . . آقای هریمن داوطلب شده‌اند که شخصاً این فرمول را باطلاع دولت انگلستان برسانند و بدین‌منظور روزجمعهٔ چهارم مرداد باهواپیما بلندن حرکت کردند . . . . . روز بعد (۸مرداد) آقای هریمن باهواپیما بایران مراجعت نمودند وسه روز بعد ازآن یعنی روزجمعه یازدهم مرداد آقای میدلتن[۱] کاردار سفارت کبرای انگلستان دروزارت امورخارجه حضوریافته ونامه‌ای بمضمون ذیل بآقای وزیر خارجه تسلیم نمودند :

جناب آقای باقر کاظمی ـ برحسب دستور دولت متبوع خود محترماً باستحضار خاطر آنجناب میرساند که آندولت فرمول دولت شاهنشاهی را برای مذاکره فیمابین دولت شاهنشاهی و دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان بوکالت ازطرف شرکت نفت انگلیس و ایران و مذاکره در موضوعهای مربوطه بمنافع متقابل دولتین توسط مسترهاریمن دریافت نموده است . دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان فرمول مزبوررا مورد استفاده قرار داده و حاضر است طبق آن فرمول مذاکره نماید ولیکن دولت شاهنشاهی تصدیق خواهند نمود که مذاکراتی که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان در قسمت خود باکمال حسن نیت وارد آن خواهد شد نمیتوان بطریق رضایت بخشی پیشرفت نماید مگراینکه تسکینی درمحیط فعلی داده شود . برطبق اطمینانیکه دولت شاهنشاهی حقیقت مزبوررا درنظرمیگیرد وما نیز باهمان روح وارد مذاکره خواهیم شد میسیونی که بریاست یکنفر وزیرکابینه خواهد بود بلافاصله حرکت خواهد نمود . دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان ازطرف خود واز طرف شرکت ، اصل ملی شدن صنعت نفت را قبول مینماید . »

---

(۱) G. H. Middelton

روز دوازدهم مرداد میسیون دولت انگلستان بریاست مستر ریچارد استوکس[۱] وارد تهران شد . نمایندگانی‌هم که ازطرف دولت‌برای مذاکره باهیئت مزبورانتخاب شدند عبارت بودند ازوارسته وزیردارائی - دکترمتین دفتری - دکتررضازاده شفق- اللهیارصالح - دکترشایگان - دکترسنجابی ومهندس حسیبی .



استوکس

روز پانزدهم مرداد استوکس مسافرتی بآبادان کرد تابازدیدی از مؤسسات نفت نموده وباکارکنان انگلیسی مذاکراتی بنماید .کارکنان مزبور باو اطلاع دادندکه ادامهٔ کار در محیط آغشته باحساسات مخالف برای آنهامشکل میباشد و فقط درصورتی ممکن است بکار خود ادامه دهندکه رئیس آنها انگلیسی باشد وصدی پنجاه هم برحقوق آنهاافزوده گردد . روز بعد استوکس بتهران مراجعت کرد و مذاکرات با نمایندگان دولت‌را شروع نمود . درابتداکوشش‌استوکس متوجه این بود که یك قرار موقتی درکار بدهد تاصدورنفت متوقف‌نگردد وشرکت نفت مشتریان‌خودرا ازدست ندهد ولی نمایندگان دولت قرارهای موقتی را قبول نکرده سعی داشتندکه غائله را یکباره خاتمه دهند . روز ۲۱ مرداد استوکس یاد داشتی مشتمل برهشت ماده تسلیم نمایندگان دولت کرد و اظهار داشت که یاد داشت مزبور بامحفوظ بودن حقوق طرفین در دعوا تنظیم گشته است .

روز سی‌ام مرداد دکترمصدق گزارشی دربارهٔ مذاکرات با مستر استوکس در مجلس شورای‌ملی قرائت کردکه قسمتی ازآن در زیر نقل میگردد.درابتدای گزارش شرحی راجع به بیانات استوکس ذکر کرده وسپس چنین گفت :

« در جلسهٔ بعد بتاریخ ۱۶ مرداد جناب آقای وارسته رئیس نمایندگی ایران جوابی را که با موافقت دولت وهیئت مختلط تهیه شده بود شفاهاً باطلاع نمایندگان دولت‌انگلستان‌رسانیده‌وعین آنرا بصورت یادداشتی‌تسلیم کردند. متن جواب‌مزبور بقرار ذیل‌است :اینجانب لازم میدانم که بنمایندگی‌ازطرف‌دولت ایران بار دیگر ازتشریف

---

(۱) Richard Stokes وزیرمشاور کابینه حکومت کارگرانگلستان که عنوان مهردارسلطنتی‌راداشت. سایراعضای هیئت‌اعزامی عبارت‌بودند از Sir Donald Fergusson مدیر کل وزارت سوخت و نیرو - D r.W.L.F.Nuttall مشاورفنی‌وزارت‌سوخت M.T.Flett رئیس‌قسمت‌مالی‌وزارت‌دارائی انگلستان- P E.Ramsbotham رئیس‌اداره‌روابط اقتصادی‌دروزارت‌خارجه E.H.O-Elkington یکی ازمدیران‌شرکت نفت‌وچهارنفر دیگر ازاعضای‌شرکت‌مزبور

فرمائی آقایان اظهار تشکر و خرسندی نمایم . اینکه دولت پادشاهی انگلستان‌لازم دانسته است که میسیونی مرکب از بعضی از اعضاء کابینه خودرا بوکالت از طرف شرکت‌سابق نفت برای مذاکره با دولت ایران راجع بطرز اجرای قوانین ملی‌شدن صنعت نفت در قسمتی که مربوط بمنافع انگلستان است بایران اعزام دارد نشانهٔ تفاهم بیشتری است که خوشبختانه نسبت بحسن نیت دولت و مفهوم قوانین ایران درکشور شما پیدا شده است. چون دراساس فعلی دولت وپارلمان ایران عواملی غیراز حقیقت وعدالت ومنطق نبوده خوشوقتیم که بالاخره حق وعدالت مثل همیشه راه خودرا باز کرده وموفق شده‌است که سوء تفاهمات را زایل سازد . امیدوارم که اقامت‌چندروزهٔ شما در ایران و مخصوصاً سفر دوروزه مستر استوکس بآبادان عمق احساسات ملت ایران و ضرورت عمل انجام شده وحسن‌نیت دولت ایران را برایشان وسایر همکاران محترم ایشان‌کاملا روشن‌کرده باشند . بطوریکه‌آقایان توجه فرموده‌اند ملت ایران ملی‌شدن صنعت‌نفت را برای خود یك رنسانس وحیات جدید میداند. آقای استوکس درتوضیحات‌کلی و مقدماتی جلسهٔ گذشتهٔ خود بیاناتی فرمودندکه اگر اشتباه نکرده باشم اساس‌آن جلب‌توجه نسبت بچند نکته اساسی بود . اول‌آنکه فعالیت صنعت نفت بطور عادی ومرتب ادامه داشته واز وسایل وکارشناسان ومتخصصین موجود استفاده شود . دوم اینکه در تسویه امر نفت اصول عدالت ونصفت رعایت‌گردد . سوم آنکه صدور جریان منظم نفت بخارج برای اقتصاد ایران و دنیای آزادکمال اهمیت و ضرورت را دارد . این مسائل‌کاملا مورد توجه دولت ومجلسین ایران بوده و اصول آنرا قانونگزار پیش‌بینی کرده‌است . دولت ایران مایل نیست‌که حتی یکروزفعالیت منظم صنعت نفت او متوقف ومختل بشود ونهایت علاقه را داردکه ازکارشناسان و متخصصین‌وکارگران وکارمندانیکه درامور مربوط بنفت مجرب‌شده صنایع‌نفت‌ایران را اداره‌کرده‌اند در شرکت ملی نفت ایران‌کمافی‌السابق استفاده نماید وحاضر است که نظم حقوق و سایر مزایای آنانرا بموجب قرارداد هائیکه باشرکت سابق نفت داشته‌اند محفوظ داشته و سوابق خدمت وبازنشستگی آنها را رعایت‌کند. اشخاصیکه تاکنون در خدمت یك شرکت تجارتی بوده اند معلوم نیست چرا حاضر نخواهند شد با همان مزایا در خدمت یکدولت و برای امری‌که نتایج و ثمرات آن عاید بشریت میشود باقی بمانند . برای تسویهٔ امر شرکت سابق نیز قانون ترتیب‌جبران خساراتی را که مبتنی برعدالت وانصاف باشدکرده وحتی تا ۲۵ درصد از عواید خالص‌نفت‌را وثیقهٔ آن قرار داده است . اکنون دولت ایران حاضراست‌که درین‌باب واردمذاکره شده وبحساب مطالبات و دعاوی حقهٔ شرکت ودولت ایران‌بوسیلهٔ کارشناسان‌رسیدگی بعمل‌آید.در مرحلهٔ‌سوم ماکمال علاقه راداریم‌که‌کما فی‌السابق وبلکه بیشتر ازسابق معامله وتجارت نفت مابامشتریان عادی وسابق ادامه وتوسعه داشته باشد واین‌امرنیز بطورکامل‌درقانون پیش بینی‌شده است . برای اجرای این اصل ما حاضر هستیم وارد

مذاکره بشویم و ترتیبی قرار بدهیم که موجب توسعهٔ صادرات نفت ایران و اعتماد و اطمینان بیشتر مشتریان ما بشود . درخاتمهٔ بیانات خود این نکته را اضافه مینمایم که اینجانب نیز مثل مستر استوکس معتقد است که گفتگوی از کدورتها و اختلافات گذشته بی حاصل است ولی در عین حال نمیتوان در اختیار راه حل آنرا نادیده گرفت . با حسن نیت و اعتماد متقابل و اطمینان باینکه طرفین میخواهیم به نتایجی برسیم که شالودهٔ صفا و صمیمیت بادوام بین دو ملت و موجب اعتلاء حق و عدالت در جهان آزاد باشد تقاضا میکنم که فوراً مذاکرات را براساسی قرار بدهیم که منتج نتیجهٔ مثبت بشود . پس از چند جلسه مذاکره در تاریخ ۲۱ مرداد هیئت نمایندگی انگلستان اصول پیشنهادات خودرا درهشت ماده بشرح ذیل بهیئت نمایندگی تسلیم نمودند . (۱) شرکت سهامی نفت انگلیس و ایران تمام مؤسسات و ماشین آلات و دستگاههای ملزومات خودرا در ایران بشرکت نفت ملی ایران واگذار خواهد نمود . درمورد دارائی واقع درجنوب ایران غرامتی که باید ازطرف شرکت ملی نفت ایران بشرکت نفت انگلیس و ایران تأدیه شود جزو هزینهٔ ادارهٔ صنعت نفت در آن ناحیه محسوب خواهدشد . موضوع غرامتی که بایددرمقابل آن قسمت ازدارائی که درگذشته برای عملیات پخش و فروش در ایران مورد استفاده بوده تأدیه شود تابع ترتیبات جداگانه ای خواهد بود که در بند ۷ شرح آن داده خواهد شد . (۲) سازمانی بعنوان سازمان خرید تشکیل خواهد شد که وسیلهٔ مطمئنی برای تأمین صدور نفت ایران فراهم سازد زیرا صنعت نفتی بعظمت صنعت نفت ایران فقط براساس یك چنین ترتیبی میتواند وضع خودرا تأمین نماید . این منظور بوسیلهٔ انعقاد قرارداد طویل المده ای مثلا برای ۲۵ سال باشرکت نفت ملی ایران حاصل خواهد شد که بموجب آن مقادیر بسیار زیادی نفت خام و فراورده‌های نفتی از جنوب ایران تحویل بندر ایران (F.O.B) ابتیاع گردد (۳) گذشته از ترتیبی که بصورت بالا مقرر خواهد شد شرکت نفت ملی ایران خواهد توانست معاملات اضافی برای فروش نفت انجام بدهد ولی باین شرط عادی تجارتی که اینگونه فروشها نوعی صورت گیرد که بمنافع سازمان خرید لطمه ای وارد نیاورد . (٤) طبق قرارداد مزبور سازمان خرید دستگاه وسیع دنیائی برای حمل و نقل و پخش و فروش دراختیار شرکت نفت ملی ایران خواهد گذاشت که ازجمله یکی از بزرگترین دستگاههای حمل و نقل دریائی نفت که درتمام دنیا موجود است جزو آن خواهد بود و تعهدات قطعی درمقابل مشتریهای خود خواهد نمود که برای ایفای آن متکی به محصول نفت ایران خواهد بود . بنابراین طبق عمل عادی تجارتی سازمان نامبرده باید اطمینان حاصل نماید که نفت بمقادیر و از نوع مورد احتیاج درمواقع لازم موجود خواهد بود . برای تأمین این منظور سازمان خرید باشرکت ملی نفت ایران توافق درباب یك سازمان عامل خواهد

نمود که تحت امر شرکت ملی نفت ایران و از طرف شرکت ملی نفت ایران عملیات اکتشاف وتولید وحمل‌ونقل وتصفیه و بارگیری نفت‌را درناحیهٔ مربوطه اداره نماید. سازمان خرید ترتیب پرداخت هزینهٔ لازم‌را برای اجرای عملیات ازمحل درآمد جاری خواهد داد. (۵) برای اینکه سازمان خریدکه موضوع پیشنهاد میباشد بتواند تعهد خرید مقادیرزیادی نفت ایران طی‌سالهای متمادی بنماید شرایط تجارتی بایستی‌نوعی قرارداده شودکه ازشرایطی‌که سازمان‌خرید درسایرنقاط چه بوسیلهٔ خریدوچه‌بوسیلهٔ مباشرت تولید میتواند بدست آوردکم صرفه‌ترنباشد باینمعنی‌که سازمان خرید نفت به قیمتهای تجارتی .F.O.B تحویل بکشتی دربندرایران خواهد خریدکه درقیمت مزبور تخفیفی بشرح‌زیرمنظورخواهدشد. این‌تخفیف برروی‌هم مساوی خواهدبود باسودی‌که برای شرکت‌ملی‌نفت‌ایران پس‌ازوضع‌تخفیف‌وهزینهٔ تهیه‌نفت برای‌فروش بسازمان‌خرید باقی‌میماند .(٦)درصورتی‌که پیشنهادهای‌بالارا بعنوان مبنای عمل آتیهٔ‌صنعت‌نفت درجنوب ایران مورد قبول دولت ایران واقع شود پیشنهاد میشودکه مفادآنها بصورت رئوس مسائل مورد موافقت تنظیم شودکه بعداًقراردادخرید تفصیلی بین دولت‌ایران‌وسازمان خریدی‌که موضوع پیشنهاداست روی‌اساس‌آن تهیه شود. درضمن رئوس مسائل مورد موافقت ترتیبی هم برای تجدید فوری عملیات در جنوب ایران بر اساس موقت مقرر خواهدگردید. (۷) پیشنهاد میشودکه تمام‌دارائی‌متعلق بشرکت سهامی‌نفت‌کرمانشاه که نفت را برای مصرف ایران استخراج و تصفیه مینماید بانضمام تمام مؤسسات وماشین‌آلات ودستگاه‌ها ودارائی منقول‌شرکت‌نفت‌انگلیس وایران‌که درگذشته‌برای پخش وفروش فراورده های تصفیه شده درایران بکارمیرفته است با شرایط مساعدی بدولت ایران واگذارشود. (۸) درهیئت مدیرهٔ سازمان‌عامل«یاهیئت مشابه دیگر» دولت ایران نمایندگانی خواهد داشت والبته سازمان ازکارکنان غیرایرانی فقط در درمواردی استفاده خواهد نمودکه برای حصول نتیجه ازعملیات استخدام‌آنان‌ضروری باشد وهمچنین نسبت بهربرنامه کارآموزی‌که شرکت ملی نفت ایران بخواهد عملی نماید باشرکت نامبرده منتهای همکاری را خواهد نمود. این پیشنهادات‌که برخلاف اصل ملی شدن صنعت نفت وبرخلاف فورمول‌چهارمادهٔ تسلیمی بآقای هریمن‌که مورد موافقت دولت انگلستان نیز قرارگرفته بود تشخیص داده شد طبیعةً نمیتوانست‌مورد موافقت دولت ایران واقع شود . . . . . و نیز در همان جلسه خلاصهٔ جوابی‌که از طرف‌کمیسیون مذکور تهیه شده بود بشرح ذیل‌درهیئت دولت وهیئت مختلط مطرح ومورد موافقت‌گردید . . . بنابرین مسائلیکه طبق فرمول مذکور میتوان دراطراف آن مذاکره‌کرد سه مورد ذیل میباشد :

(۱) موضوع خرید نفت برای‌احتیاجات انگلستان (۲)موضوع رسیدگی بدعاوی

حقهٔ دولت ایران و شرکت سابق نفت (۳) موضوع ادامهٔ خدمت متخصصین فنی انگلیسی. بدیهی است هر نوع نظری در باب مسائل سه گانه فوق طبق فورمول ۲۳ تیر ۱۳۳۰ اظهار شود مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.»

خوانندگانی که بخواهند از جزئیات مذاکرات بین دکتر مصدق و استوکس آگاهی یابند بایستی بصورت مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی و بقیه گزارش نخست وزیر رجوع نمایند که نقل تمام آن درین کتاب بعلت طولانی بودن مقدور نبوده است. بطور خلاصه پس از مبادلهٔ نظریات طرفین برای حل اختلاف دو ملاقات بین نخست وزیر و استوکس باحضور هریمن صورت میگیرد که درضمن آن استوکس تاحدی حاضر میشود که هیئت مدیرهٔ شرکت ملی نفت عهده‌دار اداره کردن صنعت نفت باشد و نخست وزیر هم قبول میکند که عده‌ای کارشناس درجه اول ازممالك بیطرف برای عضویت هیئت مدیره استخدام نماید وحتی اکثریت را هم بآنها بدهد. ولی استوکس مدعی میشود که چون کارشناسان انگلیسی حاضر نیستند تحت ریاست کسی که ازملت انگلیس نباشد انجام وظیفه نمایند بهتر است که مدیر عامل انگلیسی باشد تاکلیه عملیات اکتشاف و استخراج و بهره برداری تحت دستور واختیار او قرار گیرد. نخست وزیر درجواب میگوید خوب است سایر مسائل را حل کنیم و بعد باین مرحله برسیم ولی استوکس تأکیداً اظهار میدارد که تامسئلهٔ مدیرعامل حل نشود مذاکره درسایر مسائل بیهوده است.

روز ۲۹ مرداد استوکس نامه‌ای بنخست وزیر نوشته و پیشنهاد هشت ماده که برای اساس مذاکرات تسلیم دولت کرده بود مستردداشت ودر نامهٔ خود گفت که اگر تاروز بعد دولت استخدام مدیرعامل انگلیسی راقبول ننماید مذاکرات ادامه نخواهد یافت. روز سی ام مرداد دکتر مصدق گزارش مذاکرات خودرا بمجلسین شورای ملی و سنا تقدیم وهردو مجلس با اکثریت زیادی باو رأی اعتماد دادند. روز سی و یکم مرداد میسیون استوکس تهران را ترك و بلندن مراجعت کرد.

هریمن هم نامه‌ای بنخست وزیر نوشت و در آن اظهار تأسف ازبی نتیجه بودن مذاکرات نموده و نظریات چندی هم درآن نامه اظهار داشت که نقل چند جملهٔ آن در زیر بی مناسبت نیست:

«مثلا بدولت شاهنشاهی ایران یادآور گردیدم که هرگاه بخواهند مقادیر زیادی از نفت را برای فروش بازارهای دنیا عرضه بدارند بایستی ترتیباتی بایك سازمانی که وسائل حمل و نقل و توزیع نفت را بمقادیر زیاد دردسترس داردوارد مذاکراتی بشوند. از نقطهٔ نظر تجارتی هیچ شرکتی حاضر نمیشود که واردعقد قراردادی بادولت ایران بشود مگر اینکه بداند که نفت ایران را میتواند بقیمت نازلتری ازسایر کشور های نفت خیز بدست بیاورد و بعلاوه متذکر گردیدم که طبق اصول تجارتی تنها شرکتی که بازار موجودی برای نفت ایران دارد خواهد توانست خرید آن را بمقادیر زیادی بعهده بگیرد.

.... دولت شاهنشاهی ایران درمذاکرات بااینجانب ابراز فرموده‌اند که‌قصد مصادره اموال شرکت سابق نفت‌را ندارند. نظردولت من برین‌است که قبضهٔ مایملك یك شرکت خارجی بوسیلهٔ دولتی بدون پرداخت پاداش فوری ومکفی ومؤثرویادادن ترتیبی که مرضی‌الطرفین بوده باشد بایستی‌مصادره نامیده شودنه ملی‌شدن... کمال تأسف رادارم که مساعی مبذوله برای پیداکردن راه‌حلی تابحال بنتیجهٔ مثبتی‌نرسیده ورجاء واثق دارم که‌دولت شاهنشاهی ایران‌نظریات اینجانب‌را که ازروی‌کمال‌صداقت ودوستی میباشد مورد مداقهٔ‌کامل قرار بدهند.»

پس‌از ارسال نامهٔ فوق هریمن هم درتاریخ اول شهریور ازتهـران حرکت و بامریکا مراجعت نمود. درین ضمن شرکت نفت بتدریج تمام‌کارکنان خارجی خودرا از نواحی نفت‌خیزخارج کرد واعلام نمود که ازین‌ببعد حقوق ومزدکارکنان نواحی‌مزبور را نخواهد پرداخت. درآن تاریخ فقط ۳۵۰ نفرانگلیسی‌کارمند شرکت درایران‌باقی مانده بودند که‌همهٔ‌آنها درآبادان‌بودند وگرچه شرکت میخواست‌آنها راهم‌بانگلستان بفرستد ولی‌بتقاضای دولت‌انگلستان این‌کاررا بتعویق‌انداخت .

بخش پنجم - خلع ید واخراج کارکنان انگلیسی

درتاریخ سی ویکم مرداد وزارت‌خارجه انگلیس درلندن اعلامیه‌ای منتشر کرد که قسمتی‌ازآن درزیر نقل میشود:

«متن تصویب نامهٔ هیئت وزیران که مورد توافق طرفین واقع شد وباید مبنای مذاکرات قرارگیرد منتشرشده است. بنابرمذاکراتی که بین‌مسترهریمن ودولت ایران صورت‌گرفته بود دولت پادشاهی انگلستان در آنوقت چنین عقیده پیـدا کرده بود که دولت ایران اصرارنخواهدکرد که مذاکرات روی‌اساس قانون‌نه‌ماده‌ای صورت‌گیرد. قانون مزبور که برای اجراکردن اصل ملی شدن وضع‌شده بود باعجله تنظیم شده و بدون مشورت بامتخصصین فن‌تدوین‌گشته بود ودرنظر دولت انگلستان نه‌تنها درعمل اجراپذیر نبود بلکه بطورواضح ناقض تعهدات دولت ایران نیزمیبود .... درضمن مذاکرات با نمایندگان دولت انگلیس معلوم‌گشت که دولت ایران حاضر نیست روی اساسی که مسترهریمن با هردودولت توافق‌کرده است مذاکره نماید وبعکس دولت مزبوراصرار داشت که قانون نه‌ماده‌ای‌کاملا اجراگردد. علاوه‌برین هیچ‌اقدامی هم‌برای تخفیف دخالتهائی که درامورکارکنان شرکت میشد بعمل‌نیامد وبالاخره دولت‌ایران‌از قبول ترتیبی که‌کارمندان‌انگلیسی بتوانند تحت‌شرایط مناسب وزیرنظر ریاست مقبولی کارکنند خودداری نمود. امروز صنعت‌عظیم نفت‌ایران متوقف‌گشته وسودی‌ازآن‌عاید هیچکس نمیشود بلکه هزینهٔ بسیاری راهم برای‌دولت ایجادکرده‌است. اکنون دولت

انگلستان باید روی تصمیم موقتی که دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه صادر کرده ایستادگی نماید.... نظر بمتوقف شدن عملیات در نواحی نفت‌خیز که در نتیجهٔ اقدامات دولت ایران بوده است شرکت نفت ایران و انگلیس مجبور شده که تمام کارمندان خود را از نواحی مزبور خارج نماید ولی دستور داده است که عده‌ای از آنان در آبادان باقی بمانند تا هروقت دولت ایران اجازه داد برای اجرای تصمیم دیوان لاهه حاضر باشند.»

درمصاحبه‌ای که مسترهریمن پس‌ازمراجعت ازایران بامطبوعات لندن‌داشت ودر تاریخ ششم شهریوردرغالب جراید منتشرشد چنین گفته بود:-

«مسترهریمن اظهار داشت که ازشکست وعدم توفیق مذاکرات تهران نا امید نشده است وعقیده داشت‌راه حلی که متضمن کنترول و نظارت صنعت نفت طبق خواستهٔ ایرانیان وشامل تأمین منافع‌انگلستان باشد میسر است. او هم مانند مستر استوکس عقیده داشت که قدم بعدی راباید دولت ایران برداردواظهارداشت که اگرازشدت‌قضیه کاسته گردد کاربهتر پیشرفت خواهد کرد. مسترهریمن گفت هیچگونه اختلاف‌نظری بین اوومستراستوکس‌موجود نبودولی‌علاوه کرد که دربارهٔ‌هشت‌مادهٔ پیشنهادی‌مستراستوکس سوء تفاهم بسیاری درتهران ایجاد گشت. پیشنهاد اوبعنوان‌پایه واساس مذاکرات‌تنظیم گشته بود ولی‌متأسفانه قبل‌ازآنکه راجع بآن بحث وگفتگوی حقیقی‌بشود در جراید تهران منتشر گشت وبسیاری ازمردم تفسیرهائی ازآن کردند که انشاء کننده چنین‌قصدی ازآن نداشت.... مسترهریمن گفت احساسات شدیدی که اکنون درایران حکمفرماست مذاکره وبحث رابسیاردشوار ساخته است وعامل دیگری هم که باین دشواری اضافه گشته این‌است که دولت‌ایران مشاورین مطلع وآزموده‌ای که درامور بازرگانی نفت ووسعت عمل جهانی آن‌اطلاعات‌کافی داشته باشند ندارد. نظر باین مراتب خیلی طبیعی بود که فشارهای سیاسی بی‌تناسب دولت ایران را تحت تأثیرخود قراردهد ومانع از حل قضیه گردد . بعقیدهٔ مستر هریمن مباحثات اخیر تهران از اختلافات بین طرفین کاسته واگر تفاهم بیشتری حاصل گردد میتوان مذاکرات متوقف شده را دو باره شروع نمود.»

پس‌ازعزیمت استوکس وهریمن عده‌ای ازنمایندگان مجلس وگروهی که بادکتر مصدق مخالف بودند عدم‌توفیق مذاکرات راپیش کشیده وبشدت ازدولت انتقاد کردند ومدعی شدند که ازوساطت امریکاهم استفادهٔ مطلوب نشد ولازم است که دولت‌ساقط گردد تادولت جدیدی روی‌کارآمده وقضیهٔ نفت راحل نماید. طرفداران دولت هم با مخالفین خود مبارزهٔ شدیدنموده واظهار میداشتند که بایدمقاومت نمودتا بمقصودرسید. درینگونه مواقع نخست‌وزیرمتوسل بتبلیغات دامنه‌داری میشد وازمردم استمدادمیکرد وباید اعتراف نمود که در تمام مدت حکومت دکتر مصدق دستگاه تبلیغات دولت به بهترین وجهی اداره میشد ونتایج بسیاری عاید دولت میساخت . روز نهم شهریور

۱۳۳۰ نخست وزیر پیامی ازرادیو بمردم ایران فرستاد و پس از تجلیل و تشجیع احساسات آنها چنین گفت:

« هرانتقادی ازدولت بشود بیجا و بیمورد خواهدبود وتضعیف دولت وانتقادات نابجا بسود آنهائی تمام خواهدشد که مارا برای پیشرفت کارخود همواره زبون وضعیف میخوانند و ایجاد نفاق واختلاف بین ما فرصت مناسبی بحریف خواهد داد که قوای پراکندهٔ خودرا جمع ومجهز ساخته وبملت هجوم آورد. ازطرفی عجله وشتاب دررسیدن بچنین مقصود عظیمی جزآنکه موجب خطا وانجام کاری بی‌مطالعه ونسنجیده باشد نتیجه‌ای نخواهد داشت والبته تحولات اجتماعی واموریکه بسرنوشت یك ملت ومملکتی بستگی دارد کوچك وناچیز نیست و بدون تحمل رنج وبردباری فراوان گنج حاصل نمی‌شود وکسانیکه تنها بهمین علت یعنی عدم نتیجهٔ فوری دولت را مورد حمله قرار میدهند اگر گفتار ورفتارشان بغرض‌ورزی حمل نشود عقلا دربی تجربگی آنان تردید نمی کنند .»

روز ۱۳ شهریور نخست وزیر نطقی درمجلس سنا ایراد کرد و در خاتمهٔ آن چنین گفت : -

« درآخرین جلسهٔ مذاکرات با هیئت نمایندگی انگلستان دولت ایران اصول نظریات خود را بآقای استوکس تسلیم کرد وپس از آن لازم نمیدانست پیشنهاددیگری بنماید ولی‌چون تأخیر درین‌امرسبب خواهد شد که عمال کمپانی سابق نفت سوء استفاده کنند وبرای آنکه دولت وملت ایران را درنتیجهٔ عدم تولید وفروش نفت گرفتارمضیقهٔ مالی نمایند حاضرنشوند باین زودی داخل درمذاکره گردند دولت ایران درنظردارد برطبق نظریاتی که فوقاً بعرض‌رسید پیشنهاد نماید که درظرف دوهفته ازتاریخ پیشنهاد برای مذاکره حاضرشوند ویا چنانچه نظریات و پیشنهاد های متقابلی دارند اظهار نمایند . پس ازانقضای مدت مذکور چنانچه جواب رضایت بخشی نرسد جواز اقامت کارشناسان انگلیسی در ایران لغو خواهد گردید . دولت ایران بیش ازین نمیتواند تأمل و برد باری نماید . البته تصدیق میفرمائید تازمانی که کارمندان شرکت سابق نفت باین وضع درخاك ایران باقی هستند ومتخصصین کشورهای دیگر اطمینان حاصل ننمایند که بساط کمپانی سابق بطورقطع برچیده‌شده‌است ودولت ایران مسلط برادارهٔ امورنفت خود میباشد پیشنهاد خرید نفت عرضه نخواهد نمود . »

پس‌ازایراد نطق‌فوق مجلس سنا بادادن رأی اعتماد تصمیم نخست‌وزیررا تأیید نمود و روز ۱٤ شهریور وزارت خارجهٔ انگلیس درلندن اعلامیه‌زیررا منتشرنمود:

« نطق‌اخیر نخست وزیرایران درمجلس‌سنا بطورقطع نشان میدهد که هرگونه مذاکرهٔ دیگری بادولت کنونی ایران بی‌نتیجه خواهد بود وبنابرین دولت انگلستان اعلام میدارد مذاکراتی که ازطرف مهردارسلطنتی شروع شده بود دیگرمعلق نیست بلکه آنراقطع شده باید تلقی کرد .در باب تهدید بلغو جوازاقامت کارمندان انگلیسی

شرکت واضح است که اقدام دولت دراخراج آنها یك نقض مجددی از تصمیم دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه خواهد بود . »

بواسطهٔ مخالفت بعضی نمایندگان بارویهٔ دولت جلسهٔ مجلس شورای‌ملی تاروز ۱۷ شهریور تشکیل نشد ولی درآنروزجلسه تشکیل ونخست وزیر نطقی‌را که چهار روز پیش در مجلس سنا کرده بود تکرارکرد ولی از مجلس شورای ملی تقاضای رأی اعتماد نکرد . روز ۱۹ شهریور مستر گریدی سفیرکبیر امریکا در تهران که هواخواه جدی دولت دکترمصدق بشمارمیرفت تهران‌را ترك کرد وعازم امریکاگردید وشهرت یافت که تغییراو بواسطهٔ مخالفتی بوده است که او باانگلیسها داشته ومانع‌از فیصله‌کار بوده‌است . سرفرانسیس شپرد[1] سفیرکبیر انگلیس در تهران بی‌پروا درهمهٔ محافل اظهارمیداشت که حل قضیهٔ نفت بادولت دکترمصدق امکان پذیر نیست وجراید لندن هم این عقیده را منعکس کرده واظهار میداشتند که مذاکرات به بن‌بست رسیده وتادولت دیگری روی‌کارنیاید قضیهٔ نفت حل نخواهد شد . شرکت نفت هم اخطاری درهمهٔ جراید دنیا منتشرکرد که اگرکسی از ایران نفت خریداری نماید در محاکم مربوط ازطرف شرکت نفت موردتعقیب قرارخواهدگرفت وبکارکنان ایرانی‌خود نیز اخطارنمود که از ۲٤ شهریور به بعد دیگرحقوق‌آنهارا نخواهد پرداخت .

روز ۲۰ شهریور نخست وزیر نامه‌ای به‌مسترهریمن‌نوشت ودرآن اظهارداشت که دولت ایران نمیتواند پیشنهاد استوکس را دربارهٔ ایجاد یك‌سازمان عامل ویایك مدیرعامل انگلیسی بپذیرد ولی حاضراست هیئت مدیرهٔ مختلطی مرکب از متخصصین ممالك بیطرف وکارشناسان ایرانی تشکیل دهد تاامور اداری وفنی شرکت ملی نفت تحت نظرآن هیئت اداره شود ونیزحاضراست برای ترتیب تسویهٔ دعاوی و مطالبات حقهٔ شرکت نفت اقدام نماید ودرخاتمه از هریمن تقاضا کرد بدولت انگلستان اطلاع دهدکه اگر تا پانزده روز بعد نتیجهٔ رضایت بخشی برای تجدید مذاکرات بومبنای نظریات دولت حاصل نشد دولت ایران باکمال تأسف ناگزیر خواهد بـود که جواز اقامت‌کارمندان انگلیسی شرکت را لغو نماید . سه روز بعد مسترهریمن جوابی برای نخست وزیر فرستاد و درآن گفته بود : « نظرکلی اینجانب در بارهٔ این پیشنهادات این‌است که علی‌الظاهرمشابه باهمان پیشنهاداتی‌میباشدکه دولت‌ایران درحین‌مذاکرات درتهران ابرازمینمودند وهیئت نمایندگی بریتانیا نمیتوانستند بعلت تطبیق‌آنهاباجهات عملی وتجارتی صنعت نفت‌آنرا مورد قبول خود قرار بدهند وحتی دربعضی جهات این پیشنهادات نشان میدهدکه ازمواردی‌که درحین انجام مذاکرات بآن واصل شده‌بودند اکنون بازگشتی حاصل شده است . . . . . بطوریکه قبلاً هـم عرض کردم کمال اشتیاق را دارم تا جائیکه اوضاع واحوال اجازه بدهد مفید واقع بشوم ولی بدلائلی که درفوق بعرض رسید باکمال تأسف بایدبگویم که نمیتوانم باتقاضای جنابعالی‌درین مورد بخصوص موافقت بنمایم.»

---

(۱) Sir Francis Shepherd

دراوایل مهرماه نخست وزیر گزارشی راجع باقدامات خود در بارهٔ نفت تهیه کرده بود که درمجلس شورای ملی بخواند ولی بواسطهٔ عدم‌حصول اکثریت‌کافی برای مذاکره گزارش مزبور درجلسهٔ علنی‌خوانده‌نشد ومتن‌آن درچهارم مهرماه برای‌پخش درراديو ودرج‌درمطبوعات داده شد که قسمتهائی ازآن درزیر نقل میشود :-

« پس ازوصول نامهٔ آقای هریمن روزی برای عرض گزارش شرفیاب حضور اعلیحضرت همایون شاهنشاه شده لزوم تسریع در فیصله دادن قضیهٔ نفت را بعرض رسانید . درین ضمن بنظررسید قبل ازاینکه رسماً ومستقیماً بدولت انگلیس یادداشتی فرستاده شود بهتراست مساعی لازمه بکار رود بلکه زمینه‌ای برای اساس مذاکرات فراهم‌آید . باین منظور دولت‌ورقه‌ای‌بعنوان زمینهٔ مذاکرات تهیه نمود که درآن تسهیلاتی برای فروش وحمل نفت قائل شده بود تا شاید بدینوسیله با توافق طرفین قضیهٔ نفت خاتمه پذیرد . این ورقهٔ غیر رسمی یعنی ورقه‌ای که بدون امضا وتاریخ وعنوان تنظیم شده بود بعرض رسید وازجناب‌آقای وزیر دربار تقاضا شدآن را بسفیر کبیر انگلیس بطورخصوصی تسلیم‌کنند . اینك متن ورقه : ازآنجا که دولت ایران سعی دارد درحدود قانون ترتیباتی فراهم نمایدکه ملی شدن صنعت نفت‌ایران بدولت وملت انگلیس لطمه‌ای وارد نیاورد ومسائلی‌که ازملی شدن صنعت نفت بوجود آمده هرچه زودتر بطریق عادلانه حل شودآخرین نظرخودرا درین‌باب بنحو اختصاردرینجا توضیح میدهد .(۱)رسیدگی بغرامات‌شرکت‌سابق‌نفت ودعاوی‌ومطالبات دولت ایران- دولت‌ایران‌حاضراست‌بیکی ازطرق سه‌گانهٔ ذیل‌دعاوی‌ومطالبات حقهٔ‌شرکت سابق نفت را بارعایت دعاوی ومطالبات دولت ایران تسویه نماید . (الف) از روی قیمت سهام شرکت سابق نفت (بقیمت قبل ازملی‌شدن صنعت نفت) . (ب) برطبق‌قوانین وقواعدی که درمورد ملی‌کردن صنایع درهریك ازکشورها بموقع اجرا گذاشته شده وشرکت سابق آنرا بیشتر بنفع خود بداند . (ج) بهرطریق دیگری‌که مورد توافق طرفین واقع شود . (۲) فروش نفت بدولت انگلیس- دولت ایران حاضراست مقدارنفتی را که دولت و ملت انگلیس سابقاً خریداری میکرده اند در آینده نیز بقیمت عادلهٔ بین‌المللی تحویل بندرایران بدولت مذکورطبق قرارداد طویل‌المدت بفروش رسانند . دولت انگلیس‌میتواندبا برداشت‌نصف‌بهای‌نفت‌خریداری خودغرامات‌موضوع‌بند یك‌این نامه را استهلاك نماید. (۳) انعقاد قرارداد بامتخصصین‌خارجی- شرکت‌ملی نفت‌ایران متخصصین‌خارجی‌موردنیازرا با تمام‌حقوق‌ومزایائی‌که درشرکت سابق‌نفت‌دارا بوده‌اند نگاهداری نموده با هریك ازآنها قرارداد منعقد میکند . وبرای اینکه در تشکیلات شرکت سابق تغییری حاصل نشود ودرین صنعت عظیم اختلالی روی ندهدکلیهٔ مقررات اداری وفنی سابق را محفوظ خواهد داشت (جزآنچه با ملی‌شدن صنعت‌نفت مغایرت داشته‌باشد) وتمام قسمتهای فنی واداری را بهمان‌ترتیب سابق بجریان‌خواهد انداخت واین قسمتها را بدست متخصصین فنی اعم از خارجی یا داخلی خواهد سپرد ودر کار

های جاری وروزانه برؤسای قسمتها اختیارات کافی خواهد داد تـا برای پیشرفت کار خود آزادی عمل داشته باشند . بعلاوه دررأس تشکیلات استخراج وتصفیه یکنفرمدیر فنی خارجی که ملیت آنرا بعداً دولت ایران تعیین خواهد کردخواهد گماشت.مدیرفنی که مستخدم ایران و رابط بین کارشناسان خارجی و هیئت‌مدیره‌است تحت‌نظرمستقیم‌هیئت مدیرهٔ شرکت‌ملی نفت ایران انجام وظیفه خواهد نمود . (٤) حمل‌نفت ـ شرکت ملی نفت ایران نفت را بیك یا چند مؤسسه که ازطرف مشتریان سابق معرفی‌شوندتحویل خواهد داد . دولت ایران چنانکه مکرر اظهار داشته حاضر است از طریق مذاکره مسائل‌مذکوره در فوق‌را حل‌وفصل نماید و انتظار دارد اگربا شروع مذاکرات بر اساس این برنامه موافقت دارند هرچه زودتر نظریات خودرا اظهارکنند تا اینکه‌از تاریخ تسلیم این نامه تا یکهفته مذاکرات آغاز شود . جناب آقای وزیر دربار هم بهمین نحو عمل فرموده ورقهٔ غیر رسمی را برای سفارت انگلیس فرستادند . اینك جوابی که از طرف سفارت رسیده بعرض میرسد : بتاریخ ۳۰ شهریور ۱۳۳۰ـ جناب آقای علاء عزیزم ـ در موقع شرفیـابی بحضور اعلیحضرت همایونی در تاریخ ۲۵ شهریور اعلیحضرت بدوستدار فرمودندکه نخست وزیرشان مایلند مذاکرات راجـع بموضوع نفت را مجدداً افتتاح نمایند . اگرچه پیشنهادات جناب آقای نخست‌وزیرکه از طرف اعلیحضرت همایونی بدوستدار اعلام شد بنظر دوستدار زمینهٔ مناسبی‌رابرای مذاکرات در واقع نوید نمیداد معذالك از لحاظ احترام باعلیحضرت‌همایونی‌دوستدار موافقت نمودم که اگر دولت ایران پیشنهادات خود را روی کاغذ بیاورند عیناً جهت دولت متبوعهٔ خود ارسال دارم . عصر روز ۲۷ شهریور آنجناب ورقه‌ای‌رابدوستدار تسلیم فرمودندکه باید متذکر شوم روی کاغذ رسمی نبوده ودارای تاریخ وامضا نیز نبوده است.این‌ورقه‌نه تنهاپیشرفتی‌نسبت برویهٔ سابق دولت ایران نشان نمیدهد بلکه بیشتر حاکی از برگشت از آن میباشد و بعلاوه از آن ظاهر نمیشودکه نظریاتی‌را که‌آقای هریمن بیان نموده‌اند درنظرگرفته شده باشد و شامل نکاتی که‌ازفرمایشات ملوکانه استنباط شدکـه آقای دکتر مصدق اکنون پیشنهاد خواهندکرد نیز نبوده است . در واقع جواب مطالب این ورقه در نامه‌ای که‌آقای هریمن بعنوان‌آقای‌دکتر مصدق نوشته و مورد موافقت‌کامل اعلیحضرت پادشاه انگلستان میباشد داده شده است . بنابرین متأسفانه باید باستحضار خاطر آنجناب برسانم‌که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان نمیتواند ورقهٔ مزبور را سند رسمی تلقی‌کند و محتویات آنرا هم نمیتواند اساس و زمینه‌ای قرار دهدکه برروی‌آن بتوان مذاکرات‌را ازنو آغازنمود امضا ـ شپرد . . . . . بنا براین دولت‌دراجرای‌تعهدی که راجع‌به تعیین تکلیف‌قطعی کارشناسان خارجی در مجلس سنا و شورا نموده بود بهیئت مدیرهٔ موقت دستورداد فوراً بهریك ازکارشناسان انگلیسی اطلاع دهندکه چون تاکنون حاضر بقبول‌خدمت

در شرکت ملی نفت ایران نشده‌اند و حضور آنها در خوزستان برای شرکت ملی نفت منشأ اثر نیست دیگر دلیلی برای ادامهٔ اقامت آنها وجود ندارد و باید درظرف یکهفته وسائل حرکت خودرا فراهم نمایند . »

در خلال این احوال دولت انگلستان چند اقدام اقتصادی برعلیه ایران کرد که بقرار زیر است :

در تاریخ ۱۸ شهریور خزانه داری انگلستان اعلام داشت که نظر به قطع مذاکرات راجع بحل قضیهٔ نفت مزایای استثنائی‌راکه تاکنون در بارهٔ ایران رعایت میکرده وعبارت بوده است از تبدیل لیره بدولار از آن تاریخ ببعد موقوف خواهد داشت و داد وستد های لیره با ایران درآینده موکول باجازهٔ خزانه‌داری انگلیس خواهد بود . و نیز در اعلامیهٔ خزانه‌داری انگلستان ذکر شده بود که چون نفت ایران درگذشته کمك عمده‌ای باقتصاد انگلستان میکرد[1] خرید بعضی کالا های کمیاب از انگلستان که بطور عادی مشمول پروانهٔ صدور بوده ودر مورد ایران بدون پروانه صادر میشده است در آینده موقوف خواهد شد . دو روز بعد یعنی در تاریخ ۲۰ شهریور وزارت خارجهٔ انگلستان اعلام داشت که از لحاظ حفظ منافع اقتصادی انگلستان دولت مزبور تصمیم گرفته است سه‌هزار تن ریل و دو هزار تن شکری که از انگلستان برای ایران حمل شده است در راه متوقف ساخته و بکشتیها دستور داده است که کالا های مذکوررا بانگلستان برگردانند .

روز چهارم مهرماه سفیر کبیر انگلیس در تهران یادداشتی بدولت‌ایران تسلیم‌و بر علیه تصمیم دولت در بارهٔ لغو جواز اقامت کارشناسان انگلیسی اعتراض نمود و مسئولیت عواقب امر را بعهدهٔ دولت ایران گذاشت . همان روز هیئت وزیران انگلستان جلسه‌ای تشکیل داده و تصمیم گرفتند که نخست وزیر انگلیس تلگرافی برئیس جمهور امریکا نموده و از او درخواست مساعدت نماید . درین تلگراف نخست وزیر گفته بود که اگر کارشناسان انگلیسی از ایران اخراج گردند لطمه‌ای به حیثیت و آبروی انگلستان در خاورمیانه وارد خواهد شد و راه دیگر این است که انگلستان متوسل به نیروی نظامی شود تا از اخراج آنها جلوگیری نماید . رئیس‌جمهور فوری جواب داده و بدولت انگلستان توصیه نمود که از بکار بردن قوای نظامی خودداری نماید و علاوه نمود که اگر انگلستان مبادرت بچنین کاری نماید دولت امریکا از آن پشتیبانی نخواهد کرد . همانروز رئیس جمهور امریکا بدولت ایران توصیه نمود که از تصمیم خود عدول نماید زیرا اجرای آن موجب خواهد شد که حل قضیهٔ نفت رامشکل‌تر سازد[2] .

---

(۱) بطوریکه جرایدانگلستان مینوشتند یك‌چهارم دولاری‌که انگلستان از تجارت خارجی خود بدست‌میآورد ازفروش نفت‌ایران عاید آنکشور میگشت.

(۲) شرح‌فوق راجع بتلگراف نخست‌وزیر انگلستان وجواب رئیس جمهور امریکا از روزنامه San Francisco Chronicle مورخه چهارم‌مهرماه ۱۳۳۰صفحه ۵ نقل شده‌است .

روز چهارم مهر ماه پالایشگاه آبادان از طرف سربازان ایرانی اشغال شد و ورود خارجیان بآن منع گردید . روز هشتم مهر ماه وزارت خارجهٔ انگلستان اعلام داشت که کارشناسان انگلیسی از آبادان خارج خواهند شد و روز دهم مهرماه همهٔ آنها خارج شده و عازم بصره گردیدند .

بخش ششم - شورای امنیت

روز پنجم مهر ماه وزارت خارجهٔ انگلستان اعلامیهٔ مفصلی در لندن منتشر کرده و پس از شرح وقایع گذشته و اقداماتی که برای حل قضیهٔ نفت صورت گرفته بود اشعار داشت که تصمیم دولت ایران در بارهٔ اخراج ۳۵۰ نفر کارشناسان انگلیسی مخالف اصول بین‌المللی میباشد و با وجود اینکه چنین تصمیمی بکار بردن قوای نظامی را برای حفظ منافع انگلستان موجه می‌سازد معهذا دولت انگلستان برای آنکه قدرت ملل متحد را پایدار سازد از اقدام بچنین امری خودداری خواهد نمود و قضیه را به شورای امنیت احاله خواهد داد و در عین حال متوسل بهر گونه اقدام عملی خواهد شد تا آنکه ایران نتواند نفت را بدیگران بفروش رساند . همانروز دولت انگلستان طی نامه‌ای به شورای امنیت اطلاع داد که چون دولت ایران اقدامات تأمینی که از طرف دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص شرکت نفت انگلیس و ایران تعیین شده رعایت نکرده است تقاضا دارد که موضوع مزبور در دستور شورا ثبت گردد . و نیز تقاضا نمود که چون دستور اخراج کارشناسان انگلیسی روز یازدهم مهر عملی خواهد گردید جلسهٔ شورای امنیت برای رسیدگی باین موضوع در تاریخ ۸ مهر تشکیل گردد .

در جلسهٔ هشتم مهر شورای امنیت نمایندگان روسیهٔ شوروی و یوگوسلاوی اظهار داشتند که مسئلهٔ ملی کردن صنعت نفت در ایران و اقامت اتباع خارجه از جمله موضوع هائی است که منحصراً در صلاحیت ملی ایران و مربوط بامور داخلی آن کشور میباشد که شورا حق دخالت در آن را ندارد . نمایندگان ترکیه و فرانسه و هندوستان و اکوادور و چین موافق بودند که قضیه در دستور قرار گیرد و پس از شنیدن دعاوی طرفین شورا در باب صلاحیت خود تصمیم بگیرد . نمایندهٔ انگلیس با توجه بوضع شورا و مخالفت شدید نمایندگان شوروی و یوگوسلاوی فوری متوجه شد که ممکن است تقاضای او مورد قبول همهٔ اعضاء شورا واقع نگردد و عنوان کرد که طبق مادهٔ ۳۵ منشور هریك از اعضای سازمان ملل متحد حق دارد در مورد هر گونه اختلافی که صلح و امنیت بین‌المللی را بمخاطره اندازد توجه شورای امنیت را بدان جلب نماید و لذا تقاضا کرد که شورا باستناد مادهٔ ۳۵ باین اختلافات رسیدگی نماید . پس از این اظهار رئیس شورا موضوع ثبت کردن شکایت دولت انگلستان را در دستور

روز برأی اعضا واگذار کرد و بجز نمایندگان شوروی و یوگوسلاوی که اصولاً با ثبت موضوع هم مخالفت کردند نمایندگان سایر دول رأی موافق دادند و لذا با نه رأی موافق و دو رأی مخالف موضوع در دستور شورا وارد گردید . سپس رئیس شورا از نمایندهٔ ایران دعوت کرد که در جلسه حضور بهمرساند و نمایندهٔ مزبور اظهار نمود که چون دولت وی نمایندگان مخصوصی به شورا اعزام خواهد داشت که جواب دعاوی انگلستان را بدهند لذا تقاضا دارد که طرح قضیه برای ده‌روز بتعویق افتد و چند روز بعد هم برئیس شورا اطلاع داد که چون نخست وزیر ایران شخصاً به نیویورك خواهدآمد که در جلسهٔ شورا شرکت نماید لذا تقاضا دارد که‌طرح‌مسئله پنج روز دیگر بتعویق افتاده وموکول به ۲۲ مهرماه شود .

روز هفدهم مهرماه دولت انگلستان عرض حالی بدیوان بین‌المللی دادگستری درلاهه تقدیم وتقاضا کرد که دیوان مزبور اعلام دارد که لغوامتیازشرکت نفت‌وامتناع ازارجاع اختلاف بداوری چنانکه در امتیاز نامه مقرر شده است موجب محرومیت شرکت نفت‌ازاجرای عدالت بوده وباعث‌نقض قوانین بین‌المللی شده‌است.

علاوه براقدام‌فوق دولت‌انگلستان درقطعنامهٔ‌اولیهٔ خود که بشورای امنیت‌پیشنهاد کرده بود تجدیدنظر نموده ومدعی‌شد که چون اخراج کارشناسان‌انگلیسی ازآبادان عمل‌انجام یافته‌ای‌است اکنون‌قضیه شکل‌دیگری پیدا کرده ولهذاالازم‌است که‌درقطعنامهٔ پیشنهادی خود تجدیدنظر نماید. قطعنامهٔ دومی که تصویب‌آنرا تقاضا کرد این بود که مذاکرات بین دولتین بمنظورحل اختلاف طبق قرارتأمینی دیوان بین‌المللی‌دادگستری دراسرع اوقات انجام‌گیرد ودرعین حال طرفین ازهرگونه اقدامی که بروخامت وضع بیفزاید وبحقوق ودعاوی هریك ازطرفین خللی واردسازد خودداری‌نمایند.

پس‌ازآنکه معلوم‌شد دولت انگلیس‌بشورای امنیت مراجعه کرده‌است نمایندگان مجلس شورای‌ملی که دراقلیت بوده وبادولت دکترمصدق مخالف بودند درجلسهٔ نهم مهرماه اظهارداشتند که: «بحکم سنت دیرین ونیاکانی‌خودمان که هرموقع ملت‌ایران باخارجی مواجه شده اختلافات داخلی راکنارگذاشته است وهمین‌حقیقت بارز بوده‌است که مارا دربرابر سیل حوادث قرنها حفظ کرده وهمهٔ‌رفقای اقلیت بدون‌استثناء تصمیم گرفتند که موقتاً تاموضوع‌نفت ایران درشورای امنیت مطرح‌است ازروش اقلیت‌وشأن اقلیت که انتقاد وحملهٔ بدولت‌است صرفنظر بکنند وموقتاًسکوت کنند ودولت‌را درین موقع که بایك دولت خارجی درکارنفت‌اختلاف داردتضعیف نکنند.»

درجلسهٔ یازدهم مهرماه مجلس شورایملی‌نخست وزیردربارهٔ دعوت‌شورای‌امنیت ازدولت ایران‌چنین گفت :

«بطوری که استحضار حاصل فرموده‌اید مارابشورای امنیت سازمان ملل متحد دعوت نموده‌اند. محافل‌رسمی ومطبوعات ودستگاه‌های تبلیغاتی انگلستان برآشفته و

متغیرند که چرا درایران شرکت سابق نفت بعنوان شرکت استعماری نام برده میشود. اگر این شرکت استعماری نبود سیاست انگلستان درپشت سرآن قرار نداشت واین همه هیاهو در بارهٔ برچیده شدن بساط آن در محافل بین‌المللی برپا نمیکرد ... علی رغم تمایلات مادولت انگلستان خودرا درین معرکه وارد کرده وهرروز مشکل تازه‌ای در کارما ایجاد میکند ومارا ازمرحله‌ای بمرحلهٔ دیگرمیکشاند و بصورت جدیدی مورد تهدید قرارمیدهد. ملتی که میخواهد باشرف و افتخار دردنیا زندگی کند وحقوق حقهٔ خویش رابدست آورد باید دربرابر این مشکلات ایستادگی نماید وازاین تهدیدها بیم و هراس بخود راه ندهد. اینجانب باتائید خداوند متعال و بهدایت افکار عمومی ملت ایران وتوجهات ملوکانه وپشتیبانی نمایندگان محترم مجلسین باارادهٔ محکم مانند یك سرباز وظیفه شناس وفرمانبردار ملت درین پیکار واردشده ومراحل صعب این راه پرمخاطره را طی کرده‌ام واینك نیز مصمم تاوصول بهدف نهائی که چندان دورنیست ازپای ننشینیم و قریباً باهمراهان خود بمقرشورای امنیت حرکت خواهم کرد وزبانحال ملت ایران در برابر افکارجهانیان خواهم بود.»

روزچهاردهم مهرماه نخست وزیر وهمراهان که چهارنفرآنها عضویت مختلط بودند (دکترمتین دفتری- اللهیارصالح- بیات- دکترشایگان) بسوی نیویورك عزیمت کرده ودرجلسات شورای امنیت که از۲۱تا۲۶ تشکیل شدوراجع بشکایت دولت انگلستان بحث نمودشرکت کردند. قسمت عمدهٔ مذاکرات شورای امنیت درجرایـد وقت منتشر گردید ودوکتاب هم دربارهٔ جنبه حقوقی قضیهٔ نفت ایران منتشرشده که جریان کامل مذاکرات شورای امنیت ودیوان بین‌المللی دادگستری راشرح میدهدکه مراجعهٔ بآن برای خوانندگانی که بخواهند ازجزئیات مذاکرات مزبورآگاهی یابند بسیارسودمند است [۱].

پس‌از مراجعت ازامریکا دکترمصدق گزارش بسیار مهمی راجع بمسافرت خود بامریکا درجلسهٔ سوم آذرماه ۱۳۳۰ مجلس شورای ملی خواندکه قسمتهائی‌ازآن در زیر نقل میشود:-

«روزیکشنبهٔ ۲۱ مهراولین جلسهٔ شورای امنیت برای رسیدگی بشکایت بی‌اساس دولت انگلیس تشکیل‌شد. بهانهٔ انگلستان درعرض‌حال خود این بودکه دولت ایران تصمیم دیوان بین‌المللی دادگستری درباب اقدامات تأمینیه راجع بدعوای شرکت سابق نفت انگلیس رابموقع اجرانگذاشته وامتناع دولت ایران ازاجرای تصمیم مزبورممکن است صلح دنیارا بخطراندازد وبنابرین شورای امنیت باید باین کاررسیدگی کند و

---

(۱) یکی‌از این دوکتاب بفارسی نوشته‌شده‌و نامش «نفت ایران‌ومراجع بین‌المللی» میباشدکه‌عزت‌الله یزدان‌پناه تالیف‌کرده و درسال ۱۳۳۲ درتهران بچاپ‌رسیده‌است. دیگری کتابی است بزبان انگلیسی که‌درسال ۱۹۵۴ درامریکا چاپ‌شده ومولف آن‌شخصی‌است بنام فورد Alan W.Ford The Anglo-Iranian Oil Dispute که نقش قانون‌رادرروابط بین کشورهاشرح‌میدهد.

دولت ایران را باجراء تصمیم دیوان بین‌المللی وادار نماید.آقایان نمایندگان توجه فرموده‌اند که اولاً- دولت ایران بصلاحیت دیوان‌بین‌المللی دادگستری معترض بود و این اعتراض بآنجا کشید که دولت‌ایران قبول قضاوت اجباری دیوان‌را مسترد داشت. ثانیاً- دولت ایران صلح‌دنیا رامطلقاً بخطر نیانداخته بود واگردولت انگلیس ببهانه های بی‌اساس‌میخواست دخالت‌مسلحانه کندوصلح‌دنیارا بخطراندازد بدولت‌ایران‌ایرادی واردنبود.کارهیئت نمایندگی درشورای امنیت این بود که‌عدم صلاحیت‌شورای‌امنیت را در رسیدگی باختلاف بین دولت ایران وشرکت سابق نفت که دولت انگلیس خودرا بدون حق وارد آن نموده بود باثبات رساند . درین زمینه دلائل دولت ایران را در ردّ صلاحیت شورای‌امنیت بتفصیل درهمان جلسهٔ اول بیان نمودم ضمناً ازموقع‌استفاده کرده سوابق‌کارنفت ایران ومظالم شرکت سابق و تجاوزات عمال آن شرکت در مداخله بامور داخلی ما و غارت عوائد نفت و محروم ساختن ملت ایران از حد اقل زندگی وسرپیچی شرکت ازتعهداتی که بموجب امتیازنامهٔ دارسی و قرارداد مخدوش ۱۹۳۳ بعهده داشته وهمچنین‌آمال وآرزوی مشروع ملت ایران‌را که میخواهد ازین ببعد از استقلال کامل سیاسی واقتصادی خود برخوردار باشد وباعزم راسخ و سائل رفاه وآسایش وترقی وسعادت خودرا فراهم‌کند ومخصوصاً بهیچ‌دولتی اجازهٔ مداخله درامورداخلی خود را ندهد بسمع شورا رسانیدم یعنی از یکطرف شرکت سابق را چنانکه باید بشورای‌امنیت وازآنجا بعموم مردم دنیا و مخصوصاً بملت امریکا معرفی کردم وازطرف دیگرتحولی را که ملت رشیدایران بآن‌دست زده بدنیای متمدن‌اعلام داشتم. دیگرازمطالبی که درآنجااظهارشد چگونگی‌ملی‌شدن صنعت‌نفت‌درایران وعلل واسباب‌آن وپیشنهاد های مکرر دولت ایران بشرکت سابق درباب رسیدگی عادلانه بدعاوی طرفین وفروش نفت با شرایط مساعد بنحوی‌که در قانون پیش بینی شده بانگلستان و همچنین استخدام و نگاهداری کارشناسان انگلیسی بود . پیشنهاد اخیر یعنی استخدام‌کارشناسان تاروز حرکت‌آنها از ایران پیوسته مورد تأیید دولت ایران بود ولی البته فعلا دیگرمورد ندارد . جلسات شورای‌امنیت درباب‌کارنفت در۲۲و۲۳ و۲۴و۲۶ مهرماه تشکیل شد ودرجلسهٔ آخرچنانکه باطلاع‌آقایان‌رسیده‌است برخلاف تقاضای انگلیس شورا ازلحاظ آئین نامهٔ داخلی خود مقررداشت‌که تادیوان‌بین‌المللی دادگستری راجع بصلاحیت خود اظهار نظر ننموده موضوع مسکوت بماند . بنابرین رجوع بشورای امنیت بضرر دولت انگلیس تمام شد ومأموریت هیئت نمایندگی‌ایران خاتمه‌یافت.معذالك چون‌آقای‌ترومن رئیس جمهور ممالك‌متحده‌ازاینجانب‌قبل‌ازحرکت ازایران دعوت نموده بود که اورا ملاقات‌کنم بواشنگتن رفتم که ازآنجا هرچه زودتر بایران مراجعت نمایم . درملاقات آقای ترومن پس از یك سلسله مذاکرات مقدماتی در موضوع نفت قرار برین شدکه اولیای وزارت امور خارجهٔ امریکا درین خصوص بااینجانب تماس بگیرند. متعاقب‌آن‌آقای‌آچسن وزیرامورخارجه‌در بیمارستان‌اینجانب‌را

ملاقات نمود وچون فردای آنروز برای شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل متحد عازم پاریس بود آقای مك‌گی معاون وزارت امورخارجه را معرفی کرد که درین باب بااینجانب وانگلیس‌ها درتماس باشد ولی تماسی که ایشان با طرفین گرفتند و مساعی که در تهیهٔ پیشنهاد مرضی‌الطرفین بعمل‌آوردند بنتیجهٔ مطلوبه نرسید زیرا انگلیسها کاری جزطفره وغرضی جزمماطله نداشتند . ضمناً انتخابات انگلستان وتغییردولت نیز وسیلهٔ خوبی برای گذراندن وقت بدست آنها داد . درینجا باید صریحاً عرض کنم که سیاست انگلستان ازاول‌هم‌همین بوده که باطول‌زمان دولت‌وملت ایران‌را از پای‌درآورد. انگلیسها چنانکه مکرر نوشته وگفته‌اند منتظرند دولت فعلی‌سقوط کند و دولت‌دیگری روی‌کار بیاید و مقاصد آنها را تأمین نماید . و اما مقصود و منظور غائی‌آنهادر باب نفت این است که اولا نفت‌کماکان بدست خود آنها تصفیه و حمل و توزیع‌شود و بهیچوجه حاضر نیستند صنعت نفت بدست ایرانیها باشد ولو اینکه از متخصصین خارجی هم‌کمك لازم بگیریم . ثانیاً میخواهند تمام نفت ایران منحصراً با ثمن‌بخسی برطبق قرارداد بآنها واگذار شود . خلاصه میخواهند ظاهراً اوضاع تغییر کرده‌باشد ولی همان فوایدی را که از امتیازات ظالمانه و مخدوش سابق میبرده اند بطریق تازه‌ای ببرند. آقایان‌محترم‌انگلستان‌دوفایدهٔ‌عظیم‌ازین مملکت میبرده که حاضر نیست بسهولت دست از آنها بردارد یکی فایدهٔ سرشار مادی و دیگری تسلط ونفوذ بر تمام ارکان این مملکت که ضمنا استیلای آنها را بر خاورمیانه نیز کاملا تأمین‌نماید. فایده مادّی که انگلستان تاکنون برده است بالغ بر پنج میلیارد دولار است و حال آنکه در تمام این مدت مجموعاً بدولت ایران قریب ۱۱۰ میلیون لیره پرداخته‌اند . تسلط آنها بر ارکان مملکت محتاج بتوضیح نیست آقایان بهتر از من بجزئیات سیاست انگلستان درایران‌ودخالتهای‌نامشروع‌آندولت توسط عمال شرکت نفت‌واقف هستند . بدیهی است که اینجانب نمیتوانستم نظریات آنهارا که مغایر با قوانین‌مصوبه و مخالف آمال و آرزو های ملت مبارز ایران بود بپذیرم . در تاریخ ۲۱ آبان نظر باینکه قصد مراجعت داشتم نامه‌ای بآقای ترومن که در خارج واشنگتن بود نوشتم . در آن نامه طبعاً از سوابق کار نفت شمه‌ای ذکر شد . درباب اوضاع‌فعلی ایران نیز شرحی نوشته اجمالا اظهار داشتم که این وضع از زمان جنك بین‌الملل دوم شروع شده . . . . . خلاصه پس از ذکر اوضاع ایران ومخصوصا برای اینکه جای ابهام برای هیچکس باقی نماند صریحاً تقاضا کردم قرضه‌ای‌بدولت ایران بدهند تا در صورت حاضر شدن زمینه مراتب برای تصویب قوهٔ مقننه بعرض مجلسین برسد که بتوانیم در ظرف یکسال اوضاع مالی خود را سر و صورتی داده

و چرخهای اقتصادی کشور را براه اندازیم[۱] آقای ترومن در جوابی که داد نوشته بود در باب قرضه دولت امریکا موضوع را « بدقت مورد توجه قرار خواهد داد » .این نکته را ناگفته نمیگذارم که علاقه و منافعی که پاره‌ای از دول بزرك در نفت خاورمیانه دارند بی تأثیر در مشکلات کار نبوده و برای اینکه نمونه ای ازین طرز فکر بدست آید بی‌مناسبت نمیدانم ترجمهٔ مقالهٔ یکی‌از روزنامه های مهم‌امریکا « نیویورك تایمز » را باستحضار برسانم . نیویورك تایمز مینویسد : « انگلیسها باید فعلا بیش از یك ملیون دولار روزانه بعلت از دست دادن نفت ایران پرداخت نماید .آنها مایلند یك شرکت بین‌المللی برطبق قراردادی که با دولت ایران منعقد میشود ادارهٔ نفت ایرانرا بعهده بگیرد . بنظر لندن تا دکتر مصدق سر کار است فیصلهٔ امر میسر نیست.میگویند جانشین او معتدل خواهد بود . بعقیده‌آنها اظهارات راجع بخطر کومونیزم اغراق آمیز است . انگلیسها برای جلب کمك امریکائیها میگویند اگر تسلیم دکتر مصدق بشوند در خاورمیانه و مخصوصا درعراق‌وعربستان سعودی که شرکتهای امریکائی در آنجا مشغول‌کار هستند مشکلات ایجاد خواهد شد. در مذاکرات واشنگتن دولت امریکا بین طرفین گرفتار شده بود زیرا ازطرفی خطر کومونیزم را در ایران بی اهمیت تلقی نمیکرد و از طرفی دیگر نمیخواست با انگلیسها مخالفت کند و نه میل داشت برای خرید نفت بآنها دولار بپردازد زیرا بالمآل این پول از جیب خود امریکائیها درمیآید . با این اشکالات مختلف‌ومتنازع دولت امریکا قادر نبود راه حلی را از پیش ببرد . » ــ در ضمن مذاکرات نفت و اقامت در واشنگتن لازم دیدم در بارهٔ معاملات ارزی و قرضه هائی که دولت ایران سابقاً از بانك های امریکا تقاضاکرده بود نیز اقدام کنم و همچنین با اشخاصی که حاضر برای خرید نفت یا کمك فنی یا مالی بودند یا بوجهی از وجوه بایران‌اظهار علاقه مینمودند و دلیلی بر علاقهٔ آنها مشهود بود ملاقات و مذاکره نمایم . شرح

---

(۱) عین‌متن نامه دکترمصدق بترومن درقسمت مربوط بتقاضای قرضه که درنطق‌مجلس او ذکر نشده بقرار زیراست :

«اما وخامت‌اوضاع اقتصادی‌ما فعلاطوری است که اگریك چاره‌فوری‌نشودجریان امورمملکت دچارتشنج واختلال خواهدشد وخدای‌نخواسته اوضاعی ممکن‌است پیش‌آیدکه برای صلح جهان‌که موردعلاقه آنحضرت‌است خالی‌از خطرنباشد وقهرآعواقب وخیم‌پیش‌آمدهائی‌که درجریانات واوضاع جهان تاثیردارد دولت امریکارا دچارمشکلات خطیرمی‌کند واگرباتوجه بمسئولیتی‌که دولت امریکا در امور بین‌المللی بعهده‌دارند همیشه علاج‌واقعه‌راقبل ازوقوع بفرمائید حتماکم زحمت‌تر وکم خرج‌تر خواهدبود .دراینصورت تصورمی‌کنم‌که هرگاه ازمحل همین اعتبار مهمی‌که باختیار آنحضرت‌گذاشته شده‌یا هرمحل سهل‌الحصول دیگری‌که مقتضی بدانید یك‌مساعدت فوری‌ومؤثری بکشورایران بفرمائید بسیار بموقع ولازم‌خواهد بود. واینکه تقاضای‌کمك ازاعتبار مذکورمی‌کنم علت‌آن این‌است‌که‌این‌یك اعتبارمصوب وآماده‌است و بطوری‌که از مذاکرات شفاهی استنباط شده‌گرفتن هرگونه وام دیگری فورمالیته هائی‌داردکه نتیجه‌آن بزودی حاصل‌نمی‌شود والا مقصودگرفتن هدیه‌وکمك بلاعوض نیست وهرکارگشائی فوری‌که بفرمائید ازاولین برداشت عایدات‌نفت مااسترداد خواهدشد تاکیدبیش‌از این‌را زائددانسته وانتظاردارد درصورت امکان‌از تصمیمی‌که اتخاذمی‌فرمائید اینجانب‌را قبل از حرکت از واشنگتن قرین‌استحضار وامتنان‌فرمائید .»

این مطالب مفصل است بعلاوه غالب آنها هنوز خاتمه نیافته . درینجا برای اطلاع نمایندگان محترم بچند اقدامی که به نتیجه رسیده یا در شرف انجام است اشاره میکنم. ۱ — معاملهٔارزی با صندوق بین‌المللی پول - چون دولت ایران عضوصندوق بین‌المللی است حق دارد برای رفع اشکالات ارزی خود بآن مؤسسه رجوع کند . فعلا صندوق ۸۷۵۰۰۰۰ دولار در سه قسط که قسط اول آن نقد و دو قسط دیگر در ظرف دو ماه هر قسط بفاصلهٔ بیست روز ببانك ملی ایران بپردازد وبانك‌معادل قیمت ریالی این مبلغ را بحساب بستانکاری صندوق میگذارد . این معامله بهمین صورت پس از دوماه مجدداً میسراست . باید توضیحاً عرض کنم که این‌عمل‌راصندوق نسبت باعضای خود بصورت عادی وطبق اساسنامهٔ خود انجام میدهد وعنوان‌وام‌ندارد ویك معاملهٔ بانکی ساده و معمول است . ۲ — قرضه از بانك صادرات و واردات - باین قرضه که مبلغ آن ۲۵ میلیون دولار ومخصوص اصلاحات کشاورزی وراه‌سازی و عمرانی است اصولا موافقت شده و شرایط آن برطبق قانونی که ازمجلس شورای ملی گذشته تهیه گردیده و اینك در شرف انجام است . ۳ - کمکهای راجع باصل چهار ترومن - کمك اصل چهار برای عمران بطورکلی از قبیل برق ولوله کشی و آبیاری و غیره است . آقای وارن معاون سابق وزارت کشور امریکا مأمور این کار شده .سال گذشته از پانصد هزار دولاری که میتوانستیم از این ممر استفاده کنیم‌فقط دویست هزار دولار گرفته شده . امسال قرار است ۲۳ میلیون دولار کمك کنند . امیدوارم امسال بر خلاف سال گذشته تمام این اعتبار بمصرف برسد و از آن کاملا استفاده شود . . . . . ملت ایران درین مبارزهٔحیاتی‌تمام مساعی‌ممکنه‌را بعمل آورده که با انگلیسها به ترتیبی که با شرافت و شئون ملی او سازگار باشد کنار بیاید و قرارکار را بطریقی که هم خود او هم مللی که تا کنون ازنفت ایران استفاده میکرده‌اند بتوانند منصفانه و عادلانه از نفت ایران بهره‌مند شوند بدهدولی متأسفانه از مساعی او درجلب موافقت دیگران تاکنون نتیجه‌ای چنانکه باید حاصل نشده .اکنون وظیفهٔ ملی مردم این مملکت است که دامن همت بکمر زنندو مستقلا و بیاری خدا باصلاح امور خود بپردازند . . . . . آقایان محترم در این مبارزه عظیم حیاتی بهیچوجه نباید در ارادهٔ ما رخوت و فتوری حاصل شود زیرا مشکلات طرفین تقریبا مساوی است . اگر ما احتیاج بعوائد نفت خود داریم دیگران‌هم بهمان اندازه بنفت ما نیازمند هستند . اگر بودجهٔ ما از تعادل خارج شده و اصلاح آن مستلزم فداکاری است دیگرانهم از همین جهات با مشکلات عظیم دست بگریبانند. اگر ما باید در زندگی خود صرفه جوئی کنیم و چندی با عسرت و سختی روبرو شویم آنها هم بهمین مشقات و زحمات دچار هستند . بنابرین دلیل ندارد که‌درمبارزهٔ خود غالب نشویم . این نکته شایان عنایت مخصوص است که درین مبارزهٔ بین حق‌و باطل چون حق با ماست بیاری خدای بزرك فتح هم با ما خواهد بود . »

بیانات فوق که بسیار مهم وجامع بود چند نکته را واضح میساخت . اول آنکه طرح قضیه درشورای امنیت فرصت بسیار مناسبی برای هیئت نمایندگی ایران بود که مطالب خود را در یك مرکز مهم بین‌المللی اظهار بدارد و تبلیغات وسیعی که بضرر ایران شده بود خنثی نماید . دوم آنکه نخست وزیر و همراهان او درین سفر تماس بیشتری با سیاستمداران امریکا و متصدیان شرکتهای نفت امریکا پیدا کرده و تااندازه‌ای مستحضر شدند که کارتل قوی و نیرومند نفت هیچگاه حاضر نخواهد شد که درآمد نفت ایران ازدرآمد کشورهای نفت خیز خاورمیانه افزونی یابد . سوم آنکه اعتقاد راسخ اولیای اموروقت باین که دنیای آزاد باندازه‌ای محتاج نفت ایران میباشد که همهٔ شرایط دولت ایران را برای بدست آوردن نفت قبول خواهد کرد تاحدی متزلزل گشت.چهارم آنکه شرکتهای بزرگ نفت امریکا حاضر نبودند که برخلاف تعهدات خود درکارتل جانب شرکت نفت ایران وانگلیس را رها کرده وبیاری ایران برخیزند . رویهمرفته نطق نخست وزیر حاکی از این بود که اقدامات او درشورای امنیت توأم با کامیابی کامل بوده است ولی بواسطهٔ مشکلات بسیاری که در راه او ایجاد کرده بودند اوضاع و احوال نوید این را نمیداد که جریان صدور نفت ایران بسهولت انجام گیرد .

دولت انگلستان چنانکه ازمندرجات جرایدانگلیس وبیانات سیاستمداران مسئول آن آشکار بود معتقد شده بود که هیچگونه سازشی بادولت دکتر مصدق امکان پذیر نیست و سعی وافی داشت که دولت مزبور سقوط نماید . هنگامیکه میسیون استوکس بایران آمد دکترمصدق حاضرشد که گذشت عمده‌ای نموده و هیئت مدیرهٔ شرکت ملی نفت‌را ازایرانیان وکارشناسان خارجی‌تشکیل‌دهد وحتی‌تلویحاً قبول کرد که مدیرعامل انگلیسی را بخدمت قبول نماید که برکارشناسان انگلیسی ریاست داشته ورابطی بین هیئت مدیره وآنها باشد تا کار بجریان افتد . این گذشت اوکار را حل نکرد زیرا دکترمصدق حاضرنشد که اصل تنصیف منافع را قبول نماید وکار به بن بست رسید . موقعیکه بامریکا رفت وملاحظه کرد که نه تنها انگلیسها بلکه کارتل بین‌المللی نفت، که اعضای مهم آن امریکائی هستند ، طرفدار جدی اصل تنصیف منافع میباشد و جز این طریقهٔ دیگری را قبول نمیکنند کار ازکارگذشته بود ودیگر باتمام تعهدات ونطقها وتبلیغاتی که دولت دکترمصدق درمقابل‌مردم ایران کرده بود عدول ازقانون نه ماده‌ای اجرای ملی شدن نفت برای او مقدورنبود . سوابق سیاسی دکترمصدق ، طرزعمل‌او، برنامه‌ای که برای دولت خود تنظیم کرده بود ، شدت احساسات مردم که دربرانگیختن وگرم نگاهداشتن‌آن دولت دکترمصدق سهم بسزائی داشت ، تعهداتی که ضمن‌نطقها و خطابه ها در مقابل مردم شده بود ، اهمیت فوق‌العاده‌ای که پیشوایان جبههٔ ملی به حیثیات شخصی وآیندهٔ سیاسی خود میدادند همه دست بهم داده ووضعی ایجاد شده بود که متصدیان امر توانائی بازگشت از آنرا نداشتند وضمناً حاضر نبودند که کنار

رفته و بگذارند دیگری بیاید تا قضیه را درحدود امکانات تسویه نماید . ازآن وقت ببعد سیاستهای مختلفی که درایران تعقیب شد وتأییدآن دروقایع بعدی مشاهده گردید بقرار زیر بود : -

١- انگلستان سعی میکرد که ایران را درفشاراقتصادی قراردهد تاازرویه‌ای که آن اتخاذکرده بود عدول نماید وراه این کاررا سقوط دولت دکترمصدق می‌پنداشت . تأیید این مطلب را دربیانات رسمی سیاستمداران انگلیس ومندرجات جرایدآن کشور میتوان یافت .

٢- دولت شوروی علاقمند بود که هیچگونه سازشی با شرکت نفت ودول غرب صورت نگیرد وضع اقتصادی‌ایران وخیم‌تر گردد وعدم رضایت تودهٔ‌مردم افزایش یابد ودولت دکترمصدق‌سقوط نکند تاآنکه زمینه برای‌برقراری‌رژیم‌جمهوری دموکراتیک فراهم گردد . تأیید این سیاست هم در راه و روشی که حزب توده درپیش گرفته بود مشاهده میگشت .

٣- دولت امریکا میل داشت که سازشی بین ایران وانگلستان درامرنفت بدست آید و نگرانی بسیار داشت که اگر چنین سازشی حاصل نشود وضع اقتصادی ایران وخیم‌ترشده و نفوذکومونیست ها زیاد خواهد شد وضمناً میل نداشت که سازش مزبور بطرزی انجام گیرد که منافع نفتی‌آنرا درسایرکشورهای نفت خیز خاورمیانه بخطر اندازد و بیش ازنصف منافع عاید ایران گردد و ملی شدن بطرزی که دولت ایران میخواست سرمشقی برای دیگران شود . امریکا حاضر بود که بایران کمك مادی در حدود معینی بنماید ولی نگران بود که چنین مساعدتی موجب آزردگی‌انگلستان شود وشرکتهای بزرگ نفت‌امریکا که عضو کارتل‌نفت‌بودند باشرکت نفت ایران وانگلیس هم‌آهنگی کرده و بوسیلهٔ اعمال نفوذ در دستگاه دولتی امریکا مانع شوندکه دولت ایران ازمساعدتهای دولت‌امریکا بطرزمطلوب وشایسته‌ای برخوردارشود . تأیید این نکات را درمندرجات بانفوذترین روزنامهٔ امریکا یعنی‌نیویورك تایمز که دکترمصدق درنطق خود ازآن نقل کرده بود وهمچنین در اقداماتی که دولت امریکا برای تسویهٔ امرنفت ایران مینمود میتوان ملاحظه نمود .

٤ - دولت دکتر مصدق سیاستی را در پیش گرفته بود که بواسطهٔ خصوصیات اخلاق و افکار و روش سیاسی رئیس دولت نمیتوانست امکانات و واقعیات را در نظر گرفته تجدید نظری درسیاست خودبنماید و توانائی آنراهم‌نداشت که ازبحران‌های سیاسی و اقتصادی که در پیش داشت جلوگیری نماید بعبارت دیگر هیچگونه انعطافی را قائل نبودو از روی ناچاری متوسل بسیاست روزمره بود تا به بینند چه پیش میآید . با انگلستان مبارزه شدید و سرسختی را پیش گرفته بود که بعضی‌اوقات بمرحلهٔ عناد و ستیزگی میرسید . با امریکا دوستی و موافقت میکرد تا کمك آنرا بدست آورد و در عین حال گاه‌گاهی جلو عملیات عناصر چپ را باز می‌گذاشت تا امریکا را نگران کرده و تشویق بمساعدت نماید . با روسها هیچگونه صمیمیتی که

ازحد معمول خارج باشد ابراز نمیداشت. ودرسیاست داخلی هم‌چون از پشتیبانی‌افکار عمومی بهره‌مند بود مضایقه‌ای نداشت که برای کوبیدن مخالفین خود متوسل بهمان وسایلی شود که سالها ازآن انتقادکرده و بآنها خرده گرفته بود. در نظر ارباب بصیرت واضح بود که چنین وضعی نمیتوانست برای مدت زیادی دوام یابد و آنچه بعد ازین وقت درایران رویداد این‌نظر را تائید کرد.

چند روز قبل‌از عزیمت دکترمصدق از واشنگتن یعنی در تاریخ بیست و یکم آبان ماه وزارت خارجهٔ امریکا بیانیه‌ای صادرکرده و گفت: اگرچه در مذاکرات با نخست‌وزیر ایران پیشرفتهائی حاصل شده ولی متأسفانه دولت امریکا باین نتیجه رسیده است که هیچگونه مبنا و اساسی که راه حل عملی ومناسبی را در قضیهٔ نفت ایران نوید دهد حاصل نگشته است ولی با وجود این دولت امریکا از هرگونه اقدامی که موجب توافق بین ایران و انگلستان بشود مضایقه نخواهدکرد. روز بعد دکترمصدق‌درباشگاه‌ملی مطبوعات امریکانطقی ایرادکرد وگفت که دولت ایران از دولت امریکا تقاضای قرضه‌ای کرده است وگرچه مبلغ آن‌ذکرنکردلکن‌شهرت‌داشت که تقاضای مزبور برای ماهی ده ملیون دولار برای مدت یکسال که جمعاً ۱۲۰ ملیون دولار میشود بوده است.

پس از کامیابی حزب محافظه‌کار در انتخابات انگلستان دولت کارگر از کار برکنار شد و چرچیل دوباره نخست وزیر شد و مستر ایدن هم وزیر خارجهٔ دولت جدیدگردید. در تاریخ چهاردهم آبان جملهٔ زیر در نطق پادشاه انگلستان هنگام گشایش پارلمان ذکر شده بود: « وزیران من کوشش خواهندکرد صدمه‌ای که به حقوق ومنافع ما در ایران وارد آمده است مرمت نمایند. »

و نخست‌وزیر جدید در اولین نطق خود درمجلس مبعوثان چنین گفت:

« ما نمیتوانیم رفتار نامناسبی که در مورد نفت ایران با ما شده است قبول نمائیم و دولت انگلستان حاضر است دربارهٔ تسویه امر روی مبنای اشتراك مساعی عادلانه ای بمذاکره بپردازد. »

و روز ۲۷ آبان مستر ایدن وزیر خارجه ضمن بحث در بارهٔ روابط خارجی دولت انگلیس شرحی راجع بقضیهٔ نفت ایران‌گفت‌که حاکی از سیاست انگلستان بود وبقرارزیر است:

« تاکنون خبرمهمی راجع به پیشرفت درحل قضیهٔ نفت بمن نرسیده‌که بتوانم باطلاع نمایندگان محترم برسانم. آخرین خبری که درین‌مورد دارم سفرنخست‌وزیر ایران بواشنگتن‌است. اکنون دکترمصدق بکشور خود مراجعت نموده ودولت‌امریکا هم بیانیه‌ای راجع بمذاکرات با او منتشرکرده است‌که چون درجراید چاپ شده از تکرار آن خودداری میکنم و فقط متذکر میشوم‌که دولت انگلستان با متن بیانیهٔ مذکورکمال موافقت را دارد. پرسش میشودکه پس وضع حاضر راجع باینموضوع

چیست ؟ و جواب آن این است که صنعت عظیم نفت ایران اکنون تقریباً متوقف گشته و بنظر میرسد که وضع اقتصادی ایران با شدت و سرعت رو بخرابی برود . لازم است دربارهٔ چند عامل مربوط بنظر دولت انگلستان توضیحی بدهم . ما نسبت بکوششهای خستگی ناپذیر دوستان امریکائی خود سپاسگزاریم که سعی نموده اند در مذاکرات بادکتر مصدق مبنائی برای تجدید مذاکرات پیدا نمایند . ما نیز راجع بخرابی روزافزون وضع داخلی ایران نگران میباشیم. ما با کشور ایران دوستی دیرینه داشته و استقلال و سعادت کشور مزبور باید همواره یکی از هدفهای سیاست خارجی انگلستان باشد. ما نیز متوجه بعضی حقایق هستیم و نمایندگان محترم باید همواره درنظر داشته باشند که پایه واساس اختلاف کنونی احساسات عمیق ووسیع مردم ایران است که میخواهند صنعت نفت ایران بطرزی اداره شود که زیانی برای استقلال سیاسی و اقتصادی آن نداشته باشد و قسمت غیر عادلانه‌ای از منافع حاصله از صنعت مزبور بخارج کشور نرود. اینگونه احساسات قابل ملاحظه میباشد ودر هرراه حلی که مآلاً برای این مشکل درنظر گرفته شود باید این نکات بحساب آید لکن آنچه را ما نمیتوانیم قبول کنیم همان طریقه هائی است که دولت ایران تاکنون برای رسیدن بمقاصد خود انتخاب کرده است . اگر بتوان مردم ایرانرا در بارهٔ حسن نیت اساسی این کشور قانع نمود قدم بزرگی در راه تجدید حس اعتماد برداشته شده است ولی ایجاد چنین اعتمادی کار سهل وآسانی نیست و سعی و کوشش من این خواهد بود که آنرا برقرار نمایم زیرا من کاملاً متوجه ارزش آن بوده و میدانم هر راه حلی که پیدا شود منوط بآن خواهد بود. درعین حال لازم میدانم اظهار دارم که دولت پادشاهی انگلستان حاضر است در هرموقع مذاکرات را برای این اختلاف دردناك تجدید نماید . ادامهٔ این اختلاف برای هیچکس سودی ندارد و اگر من هم اکنون عوامل اصلی را که بنظر ما برای رفع اختلاف لازم است بیان نمایم شاید کمك بآنانی باشد که طالب حل اختلاف مزبور میباشند . این عوامل سه گانه بوده وهیچیك از آنها با اصل ملی شدن صنعت نفت ایران تناقضی ندارد . عامل اول که ازهمه مشکل تر میباشد عملی بودن راه حل است و مقصود من ازین عملی بودن این است که اقتصاد ایران بدون اینکه صنعت نفت آنکشور در تمام مراحل باکفایت تام اداره شود تأمین نمیگردد . این اصل مربوط است به معادن نفت و به پالایشگاه و همچنین بسازمان فروش . مثلاً هیچ شرکتی (که ملیت آن تفاوتی نخواهد داشت) قادر باین نخواهد بود که برای مدت معینی تعهد توزیع فراورده های نفت را در بازار های جهان بنماید مگر اینکه اطمینان داشته باشد که استخراج نفت از معادن و تصفیهٔ آن در پالایشگاه در وقت معین و بقیمت باصرفه‌ای دردسترس آن قرار خواهد گرفت. باین لحاظ است که من این عامل را ازهمه مشکل تر پنداشته ام. عامل دوم این است که منافع صنعت نفت ایران باید بطرز عادلانه‌ای بین ایران و کسانی که منابع نفت آن را استخراج میکنند تقسیم گردد و این تقسیم باید طوری باشد که اجازه دهد قیمت نفت ایران با نفت سایر نقاط رقابت نماید. بنابراین بین قیمت

نفت ایران وقیمتی که در کشور های دیگر معمول است باید رابطه‌ای موجود باشد. عامل سوم این است که غرامت عادلانه بایستی در ازای ملی شدن نفت و نتایج حاصلهٔ ازآن پرداخته شود ومبلغ غرامت باید یا بوسیلهٔ توافق بین‌طرفین ویا بوسیلهٔ داوری تعیین گردد زیرا چنین غرامتی را تنها یك طرف دعوا نمیتواند تعیین نماید. بنظر من تنظیم قراردادی که شامل این سه‌عامل باشد غیرممکن نیست و بهرحال ما ناامید از عقد چنین قراردادی نیستیم. بنا باین مراتب قصد ما این است که بامشاورهٔ بسیار نزدیکی با دولت امریکا راه حلی برای این‌قضیه بیابیم و اگرچه امیدواری زیادی‌را نمیخواهم وعده‌دهم ولی در عین‌حال ناامید هم نیستم.»

چنانکه از نطق مذکور فوق معلوم است مندرجات آن خطاب بامریکا وبرای جلب افکار عمومی آن کشور تنظیم گشته بود ودر واقع بیانیه‌ای راجع بروش آیندهٔ حزب محافظه‌کار انگلیس درقضیهٔ نفت بود.

پس از آنکه دکتر مصدق از امریکا مراجعت نمود تصمیم گرفت که انتخابات دورهٔ هفدهم مجلس شورای ملی را شروع نماید و تا وضع اقتصادی وخیم‌تر نگشته واز طرفداران او کاسته نگردیده مجلس جدیدی‌تشکیل دهد که از سیاست‌او پشتیبانی نماید. تصمیم مزبور موجب گشت که مخالفین او متحد شده وبرای سقوط حکومت‌او هر اقدامی که ممکن‌است بنمایند ولی‌امید زیادی‌بتوفیق خود نداشتند و قسمت عمدهٔ فعالیت آنها در تبلیغات برعلیه دولت چه در مجلس و چه در خارج تمرکز یافت.

روز چهاردهم آذر حزب توده متینگ سیاری ترتیب داده بود تا اعضای‌آن‌در خیابانهای تهران تظاهر نموده و قدرت نمائی کنند. قصد اصلی آنها ازین متینگ این بود که قدرت خود را بدولت نشان داده ودر انتخابات دورهٔ هفدهم سهمی برای خود بدست آورند. یکی از مخالفین دولت[۱] درجلسهٔ آذرماه تظاهرات‌حزب‌مزبوررا چنین توصیف کرد.

«از تیرماه تا بحال این دومین قتل و غارتی است که درپایتخت کشور بوقوع پیوسته و مسببین آنها درکمال آزادی در خیابانها وپشت‌میزها مشغول کار میباشند. در ۲۳ تیرماه یعنی روزی که هریمن نمایندهٔ مخصوص رئیس جمهور امریکا بتهران وارد شد نمایش مصنوعی که مقدمات آن بانظر وزیر کشور تهیه دیده شده بودظاهر گردید وسپس مردم بیچاره و بی‌نوا را بباد گلوله بسته ضدها مردمیکه‌ازشهرستانها با دادن پنجاه و شصت تومان بتهران آورده بودند مقتول و مجروح نمودند. . . . آنروز دکترمصدق میخواست نشان بدهد که ایران در لب پرتگاه کمونیستی است‌و اگر امریکا با این نقشهٔ او موافقت نکند ایران کمونیست میشود. برای‌آنکه این دروغ را بخلق امریکا فروکند آن الم‌شنگه راه‌راه انداخته سیصدنفر زن ومرد را در جلو مجلس در خون آغشته نمود . . . . . در پنجشنبه ۱۴ آذرماه‌دولت

(۱) عبدالقدیر آزاد

میخواست بامریکائیها نشان بدهد که چگونه باکومونیست مبارزه میکند ولی عوض مبارزهٔ با کومونیست رفتند روزنامه های ضدکومونیستی را غارت و چپاول نمودند.»

دولت قبلا بتظاهر کنندگان اطلاع داده بود که از متینگ آنها جلوگیری خواهد کرد ولی صبح ۱۴ آذر متینگ تشکیل و زد و خورد شدیدی بین قوای انتظامی و تظاهر کنندگان در گرفت که پنج نفر کشته و بیش از دویست نفر زخمی شدند. بعداز ظهر آنروز گروهی که گفته میشد ازطرفداران دولت هستند بادارات جرایدی که مخالف دولت بودند حمله کرده واثاثیهٔ آنهارا بغارت بردند.

درجلسهٔ نوزدهم آذر مجلس شورای ملی نمایندگان اقلیت حملات بسیارشدیدی بدولت کردند. مثلا لیدر اقلیت[1] خطاب بنخست‌وزیر چنین گفت:

«این نخست‌وزیر است یا هوچی یا انقلابی. نخست وزیر این حرف را میزند که من میروم با مردم حرف میزنم. شما ورق بزنید اوراق دموکراسی دنیا را به بینید یك همچو غلطی یك نخست‌وزیری درعمرش کرده است؟ حالا آمده ازما رأی میخواهد، از ما پشتیبانی میخواهد، آن اعمالش آن وضعیت مملکت آن قضیهٔ ۲۳ تیر. چه بگویم رفتارش، سکناتش، اعمالش، آن اداراتش. لااله‌الاالله. مملکت را بآتش کشانده و میخواهد بیش ازین بکشد. من نمیدانستم ایشان اینقدر جاه‌طلب است. این را فرض نمیکردم. میدانستم که از زنده‌باد و مرده باد خوشش میآید. می‌دانستم که هوچی است ولی جاه طلبی او را اینقدر نمی دانستم. من اینقدر فرض نمیکردم یك پیرمرد هفتاد وچند ساله ای که همیشه تمارض میکند وقتی وارد این مملکت میشود میرود زیر لحاف ولی در امریکا شلنگ وتخته میاندازد. این آدم اینقدر سماجت بخرج میدهد که من نمیدانم برای چی یك روز دکان نفت بازمیکند، هشت ماه میگذرد بعدمی بیندغلط رفته مگرول میکند. می بیند این دکان بسته شد دکان انتخابات بازمیکند بعد دکان خبازی ودکان نعلبندی بازمیکند برای اینکه مردم را فریب‌دهد. آقا آخرش چیست؟ چه کردی برای این مملکت؟ چه کردی درین هشت ماه جز بدبختی، فلاکت، نکبت، دوئیت، چه ایجاد کردی؟ چیزعجیبی‌است؟ من‌عرض کردم عقلم قاصراست. شما نمایندگان ملت که علی رغم ایشان نماینده‌اید بگوئید. او که شما را نماینده نمیداند. چاقوکشهای جلوی مجلس را نماینده میداند. ولی حق هم این است که باشما اینطور رفتارشود، همین حق‌است. آقا روی سخنم باایشان‌نیست ایشان معتقد باین حرفها نیست، معتقد به مملکت نیست، معتقدبنظم وآرامش نیست. او یك سرشت خاصی‌است. خدا یك‌مرضهائی گاهی برای تنبیه جامعه ایجاد میکند. دکتر مصدق هم یکی ازآن امراض است که خدا برای ایران فرستاده‌است. . . . . .

. . . . آقای دکترمصدق بجان شما این مقامی که درآن شما نشسته‌اید اگر دنیا را

---

(۱) جمال امامی

بدهند ارزشی ندارد که آدم به بیند خودش موجب انقراض وسقوط مملکت خودش است. یك مردی که ۷۰ سال بغلط آمده معروف شده اقلاً خودت ازین استفاده کن مردم نکردند ، خودت استفاده ازین بکن . آخرچه بگویم ؟ ازجان مملکت چه میخواهی؟ میگوید من خلع ید کردم . خوب خلع ید کردی ونفت را هم کردی زیر زمین . تنها منبع عایدات این مملکت را که نفت بود جلوش را بستی حالا چه میگوئی؟»

نخست‌وزیر پس ازشنیدن نطقهای مخالفین خود نطق مفصلی درجواب ایراد نمود که حاوی مطالب بسیارمهمی بود . نقل تمام این نطق بواسطهٔ طولانی بودن آن مقدور نیست ولی بعضی ازقسمتهای آن درزیر نقل میشود :-

« درواشنگتن باآقای مك گی[۱] مدت ۲۰ روز متجاوز یا ۲۶ روز حالا درست بخاطر ندارم همه روزه درتماس بودم وبعضی روزها اتفاق میافتاد که آقای ژرژمك گی دومرتبه بدیدن من میآمدند وبسیارشخص مهربان و خیرخواهی بودند ولی متأسفانه مذاکرات ما بجائی نرسید ومن آنچه حدس میزنم وحس میکنم چهار دلیل برای عدم موفقیت وجود داشت . دلیل اول این که دولت انگلیس نمیخواست دولت امریکا درکاری که راجع بایران و انگلیس است وارد مذاکره شود . دلیل دوم اینکه تغییر دولت کارگری سبب شد که ما نتوانستیم نتیجه‌ای بگیریم زیرا حکومت کارگری حکومتی بود که ملی شدن صنایع را درمملکت خود قبول کرده بود ولی حکومت محافظه‌کار که بروی کارآمد قبل از انتخابات اظهاراتی نمود که برخلاف ملیت صنایع بود باین جهت دولت محافظه‌کار نمیتوانست بزودی برخلاف آنچه را گفته بود عمل بکند وباما قراردادی منعقد کند . دلیل سوم این بود که درمذاکرات وقتی که میگفتند یك شرکت بیطرفی درایران بیاید وکار نفت را اداره کند اینطورمیگفتند که چون متخصصین انگلیسی عجالتاً بیکارند باید یکعده‌ای از متخصصین انگلیسی هم درکار یك شرکت بیطرفی بایران میآید شرکت کنند . من بآنها گفتم از روزیکه من بااین هیئت ایران وارد اروپا وامریکا شده‌ایم هرفردی ازافراد،هریك از رجال امریکا بما تبریك و تهنیت گفتند که ایران استقلال سیاسی خود را بدست آورده است ومن هرقدرفکرمیکنم برای

---

(۱) George C. McGhee یکی از معاونین وزارت خارجهٔ امریکا که ریاست ادارهٔ روابط باکشورهای خاورمیانه را درآن وزارتخانه داشت . یکی ازکمیته های کنگرهٔ امریکا موسوم به کمیتهٔ مخصوص برای رسیدگی به مؤسسات بازرگانی کوچك Report of The Select Committee on Small Business درگزارشی که بمجلس سنای امریکا داده وگزارش مزبور ازطرف دولت امریکا منتشرشده‌است شرحی راجع بوساطت امریکا در قضیه نفت ایران دارد که ضمن آن میگوید : « مساعی دولت امریکا برای وساطت درقضیهٔ نفت ایران بواسطهٔ نفوذ بلاتردیدی که کشورهای متحدامریکا درخاورمیانه دارد ممکن بود کاملا مؤثرواقع گردد ولی لازم است متذکرگردید که مأمور رسمی دولت امریکا که دروزارت - خارجه عهده دار امورخاورمیانه بود نسبت پنج شرکت بزرگ نفت امریکا تمایلاتی داشت و این درصورتی است که نسبت دیگری باو داده نشود . و کارشناس اقتصادی موسوم به لوی که باهریمن بتهران رفت درآن موقع حقوق بگیر ازبعضی شرکت های تابعه پنج شرکت مذکور بود . »

تحصیل این استقلال غیر از اخراج انگلیسها از جنوب ایران کار دیگری نکرده‌ایم . بنابرین اگرمن حاضرشدم ملت ایران هیچوقت حاضرنیست استقلالی را که بااین‌همه فداکاری بدست‌آورده است برایگان ازدست بدهد . انگلیسها میتوانند درتمام نقاط کشور تجارت کنند ، توقف کنند ، ولی وجود انگلیسها و دخالت انگلیسها در نفت جنوب سبب خواهد شد که دنیا بملت ایران نسبت جنون بدهد . دنیا خواهدگفت ای ایرانی توکه برای حفظ استقلال سیاسی خود این‌همه تحمل مشقت و زحمت کشیده‌ای چطورشد که مجدداً اراضی شده‌ای که انگلیسهائی که درنفت جنوب بودند و خارج شدند مجدداً وارد ایران شوند . بنابرین اخراج انگلیسها در دست دولت بود ولی رجعت آنها دردست دولت نیست . من یقین دارم که ملت ایران هیچوقت راضی نخواهد شد که‌آنها بایران مخصوصاً برای کارنفت مراجعت کنند . دراثنائی که ما با ژرژ مك گی مذاکره میکردیم بانك بین المللی هم بوسیلهٔ سفارت کبرای پاکستان بامن داخل مذاکره شد . بانك بین‌المللی اظهار میکرد که من برای اینکه کار نفت راه بیفتد حاضرم پولی وجهی بیاورم در اینجا واین کار را راه بیاندازم . من بهیچوجه طالب امتیاز نیستم . من فقط میخواهم که کار نفت راکد نماند و دربازار بین‌المللی جریان پیدا کند . من هم با این قسمت اول موافقت کردم وبانك بین‌المللی بانکی نیست که ظاهراً مربوط بیکی ازدول باشد وبانك بین‌المللی نمیخواهد ازما تعهداتی بگیرد..... این دولت بهیچوجه غیر از صلاح مملکت نظری نداشته است . این دولت هر کاری که کرده‌است روی‌مصالح‌مملکت بوده‌است‌وعلت‌اینکه کارما پیشرفت نکردسوءسیاست‌شرکت سابق نفت‌بوده‌است‌اگرشرکت‌سابق‌نفت‌در دورهٔ پانزدهم‌همین پنجاه‌درصد که‌الان‌حاضر است بایران بدهدقبول کرده بودمن یقین‌دارم که هیچ‌اختلافی بین‌شرکت‌وملت ایران نبود[1] ولی شرکت یك سماجت هائی کرد . شرکت خواست که ازین‌منابع ما بقدری استفاده بکند که بایران هیچ ندهد . این بود که ملت ایران را عصبانی کرد . . . . . و اما راجع بااینکه چرا ما موفقیت کامل حاصل نکردیم اینجا لازم است عرض کنم که دولت امریکا گرچه ظاهراً بادولت ایران هم‌آهنگی میکند ولی نمایندگان آندولت بقسمی درتحت تأثیرانگلیس هستند که نمیتوانند برای ایران کاری بکنند . من دراروپا سفرای امریکا را دیدم که همگی‌ازرفتار وزارت خارجهٔ امریکا شکایت میکنند . ازآن جمله آقای دریفوس ،آقای والاس مری ،آقای گریدی که اخیراً هم مقالاتی درجرایدامریکا بنفع ایران وبرعلیه وزارت خارجهٔ امریکا منتشر کرده است . بنده صاف و بی پرده عرض میکنم که آقای ژرژمك گی بامن درین مدت ۲۵ روز مثل یك برادرصمیمی بود. آقای ژرژمك گی تمام مطالب منطقی دولت ایران‌را تصدیق میکرد ولی‌همین تصدیق سبب شدکه ایشان‌را بلافاصله مأمورسفارت‌آنکارا بکنند . . . . . درامریکا که بودیم اگر یك‌سخنی درمجلس گفته میشد این‌را روزنامه هائی که هواخواه سیاست انگلیس بودند باآب وتابی انتشارمیدادند ومیخواستند برسانند که این دولت درمجلس ودرین

(۱) البته خواننده باین قسمت بسیارمهم‌از بیانات‌دکترمصدق توجه خواهد نمود .

مملکت هواخواهی ندارد . . . . . اگرما استقلال سیاسی خودرا حفظ کردیم بطریق اولی میتوانیم استقلال اقتصادی خودرا حفظ کنیم . اگرآن حرفهائی که درروزنامه‌ها مینویسند ومیگویندکه این دول توانستند نفت خود را ازمنابع نفتی دیگر بدست‌آورند صحیح است آنها را باما چکار؟ ما که بخیل نیستیم . ما که حسادت نداریم که این دول بتوانندآنچه را که از ایران میبردند ازراه دیگر بدست‌آورند . اگراین حرف صحیح نیست‌آنها مجبورند بیایند باما قراردادی منعقدکنند . پس اگراختلافی بین ما دیدند قراردادی بنفع خود تنظیم میکنند واگردیدند ملت ایران دست بدست هم داده نه درمجلس شورایملی نه درخارج هیچ اختلافی بین مجلسین و دولت نیست آنها هم مجبورمیشوندکه هرچه میگوئیم قبول کنند . . . . . اگراین‌آقایانی که میتینگ دادند آقایان وطن‌پرستی هستند میبایستی درك بکنندکه چنانچه برخلاف نظریات این‌دولت که امروز وارد یك کارمهمی‌است ، وارد یك مبارزه‌ای است ، ودرصلاح مملکت‌است که اقدامی نکنند . پس‌اقدام این‌آقایان اگرهم سوء قصد نداشتندبضررایران تمام شد ومن بهیچوجه متأثرنیستم اگر به بعضی ازاینها صدمه‌ای وارد شده‌باشد زیرا هرکس برخلاف نظامات رفتار بکند اگردولتی هست باید شدیداً جلوگیری کند والا نظامات درمملکت برقرارنخواهد شد وموجب هرج ومرج میشود . . . . . ازقضیهٔ بعد ازظهر پنجشنبه نه تنها دولت بلکه خداشاهد است‌که تمام این افراد دولت متأسف و متأثر هستند . بعد ازظهر پنجشنبه‌کارهائی اتفاق افتادکه بهیچوجه مرضی دولت‌نبود وگمان هم نمیکنم که هیچکس ازآقایان محترم هم باین عملیات رضا بدهند . . . . . بنده میخواهم درین‌باب اکنون عرض‌کنم وحتی خدا را بشهادت میطلبم‌که بهیچوجه مایل نبودم درانتخابات دخالت‌کنم ولی قضیهٔ نفت سبب شدکه من بمانم و درانتخابات هم دخالت‌کنم.مدتی که‌من‌بیشتر درامریکا ماندم ازین نظر بودکه بکار نفت خاتمه دهم . متأسفانه همانطورکه عرض کردم این‌کار انجام نشد . اکنون وجداناً فکر میکنم‌که اگرمن بروم واگر این‌کارنفت مطابق مرام وآمال ملی‌ایران انجام‌نشودلعنت‌ابدی‌را برمن خواهندکرد و خواهندگفت شما آمدیدکاری را خراب‌کردید ونتوانستید بپایان برسانید . این است‌که من باحالت‌کسالت ، باحالت ناتوانی ، تانفسم درمیآید درینجا میمانم بلکه بتوانم دربارهٔ نفت خدمتی‌که درنظراست بمملکت بکنم. حالا اگرتصور میکنندکه ازمن خدمتی ساخته نیست وتصور میکنندکه نظریات من برخلاف مصلحت مملکت است شما یك رأی آبی بمن بدهید من میآیم اینجا روی آقایان را می‌بوسم ومرخص میشوم . »

روز ۲۰ آذرماه دولت ایران نامه‌ای به ۱۲ سفارت‌کبرا و ۲۴ سفارت‌که در تهران نمایندگی دولتهای خود را داشتند فرستاده اشعارداشت‌که اگرافراد وشرکت هائی‌که تابعیت‌کشورهای مزبور را دارند تا ده روز بعد برای معاملهٔ خرید نفت مراجعه نکنند دولت ایران آزادی عمل جهت فروش نفت بهر مشتری‌که تقاضا کند

خواهد داشت ودرین صورت حق تقدمی که درصورت تساوی شرایط طبق قانون اجرای ملی شدن نفت برای خریداران سابق منظور شده بود دیگر موردی نخواهد داشت. پس از انقضای ده روز مذکور دولت انگلستان جواب داد « مادام که این قضیه در دیوان لاهه مطرح نشده است موضوع باید «تحت محاکمه» تلقی شود . بنابرین چون موافقتی راجع بعملیات صنعت نفت بادولت ایران موجود نیست دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان نمیتواند با خرید نفت ایران بوسیلهٔ افراد ملت انگلیس موافقت کند و حق قانونی برای دولت ایران دربارهٔ فروش نفت برسمیت نمیشناسد. »

روز ۱۸ دیماه وزیر خارجهٔ ایران یاد داشتی بسفارت انگلیس ارسال و چنین نوشته بود : -

« برطبق گزارشهای واصله بدولت فعالیت و مداخلات صریح مأمورین دولت انگلستان درایران دراین اواخر شدت یافته ودولت متبوع دوستدار حاضر نیست بیش ازین تحمل این رویهٔ نامطلوب را که برخلاف اصول دوستی و مقررات جاریه بین المللی است بکند وشدیداً بآن اعتراض مینماید ولزوماً یادآور میشود که چنانچه مأمورین آن دولت درایران رفتار خودرا تغییر ندهند دولت متبوع دوستدار ناگزیر خواهد شد تصمیمات جدی برای خاتمه دادن باین وضعیت نامطلوب اتخاذ نماید . »

دوروز بعد سفارت انگلیس بعذر اینکه یادداشت مزبور درهمان موقعیکه بسفارت داده شده درراديو پخش شده است واین کار برخلاف نزاکت بین المللی بوده است عین آنرا برای وزارت خارجه پس فرستاد . درروز ۲۱ دیماه دولت یادداشت دیگری بسفارت انگلیس ارسال وتقاضا کرد که کلیهٔ سرکنسولگریها وکنسولگریها وکنسولیاریهای انگلستان درتمام نقاط ایران بلااستثناء تاسی ام دیماه جاری منحل گردند . تقاضای دولت ایران درموعدمقرر انجام گرفت ودولت انگلستان هم سفیرخود را بلندن احضار کرد .

درتاریخ ۲۹ دیماه دولت امریکا بدولت ایران اطلاع داد که معادل ۲۳ ملیون دلار بعنوان کمك اصل چهار درسال مالی که به ۳۰ ژوئن ۱۹۵۲ ختم میشود بمنظور اجرای کمکهای فنی دردسترس دولت ایران خواهد گذاشت . این کمك تأثیر بسیار مهمی درتحکیم امورسیاسی واقتصادی دولت دکترمصدق داشت .

بخش هفتم - پیشنهاد بانك بین المللی

هنگامیکه هیئت نمایندگی ایران در نیویورك بود پیشنهاد های متعددّی برای حل قضیهٔ نفت ایران بآن رسید . یکی ازپیشنهاد هائی که به هیئت مزبور داده شد از طرف « اتحادبین المللی شرکتهای تعاونی»[۱] بود . اتحاد مزبور یك سازمان بین المللی بود مرکب ازشرکتهای تعاونی سی ونه کشورمختلف ومربوط به شورای اقتصادی و

(۱) International Co-operative Alliance

اجتماعی ملل متحد بود . درسال ۱۹۴۷ اتحاد مزبور پیشنهاد کرده بود که کمیسیونی تحت نظر ملل متحد برای حفظ منابع نفت جهان ودسترسی‌عموم به موجودیهای نفت وکنترول قیمت ها تشکیل شود . پیشنهادی که اتحاد مزبور به هیئت نمایندگی ایران تسلیم کرده عبارت بود ازاین که ملی شدن نفت ایران برسمیت شناخته شود وقرارداد طویل‌المدتی بین ایران واتحاد مزبور وشرکت نفت ایران و انگلیس منعقد گردد که بموجب آن اتحاد مزبور بهای عادلانه‌ای بشرکت نفت برای استفاده ازکشتیها ووسایل فروش آن بپردازد وبایران هم بهای عادلانه‌ای برای نفت خام وتصفیه شدهٔ آن تأدیه نماید . هیئت مدیرهٔ سازمانی که برای این امرتشکیل میشد مرکب بود از نه نفر که سه نفر آنها را ایران وسه نفر را شرکت نفت و سه نفردیگر را کشور های مصرف کنندهٔ نفت انتخاب میکردند وسرمایه‌ای که برای راه انداختن این سازمان لازم بود ازطرف بانك بین‌المللی تضمین میگردید . این‌پیشنهاد ازطرف هیئت نمایندگی‌ایران ردگردید ومورد قبول واقع نشد .

پیشنهاد دیگری که به هیئت نمایندگی ایران تسلیم شد ازطرف بانك بین‌المللی بود وچون ایران وانگلیس هردوعضو بانك‌مزبوربوده وسهامی درآن داشتند پیشنهاد مداخلهٔ بانك درحل قضیهٔ نفت‌ایران باحسن قبول طرفین تلقی گردید . درتاریخ‌چهارم آذر ۱۳۳۰ مستررابرت‌گارنر[۱] معاون بانك بلندن رفت وبا اولیای وزارت خارجهٔ انگلستان مذاکرات مفصلی درین باب نمود . خلاصهٔ پیشنهاد بانك که درلندن تنظیم شد این بودکه بانك بعنوان امانت داری صنعت‌نفت‌ایران را اداره نماید وسرمایه‌ای که لازم است برای این‌کار تهیه‌کند وسپس محصول نفت‌ایران‌را بشرکت نفت‌ایران وانگلیس بقیمت معمول درخلیج فارس بفروشد وپس‌ازوضع تخفیف معینی‌آنرا بدولت ایران تأدیه نماید . وزارت خارجهٔ انگلیس اصرارداشت که کارشناسان فنی انگلیسی دوباره درصنعت نفت ایران استخدام شوند .

درجراید خارج چنین وانمودکرده بودندکه مبتکرطرح دخالت بانك بین‌المللی درامر نفت غلام محمد فرمانروای کل پاکستان بوده که توسط سفیرپاکستان درواشنگتن بادکترمصدق تماس گرفته وطرح مزبوررا پیشنهادکرده است ولی‌حقیقت امر این بود که بانك بین‌المللی باغوای کارتل نفت ازدولت پاکستان که دولت مسلمانی‌بود تقاضای وساطت درین امر را کرده بود . بهرحال وقتیکه خبرمذاکرات معاون بانك بادولت انگلیس توسط خبر گزاریهای خارجی درتهران منتشر گشت مهندس حسیبی و دکتر شایگان که هردو از نزدیکان دکترمصدق و عضو هیئت مختلط بودند ضمن مصاحبه با روزنامهٔ کیهان اظهار داشتند[۲] که پیشنهاد بانك بین‌المللی برخلاف اصول صریح قانون ملی شدن صنعت نفت است بدین معنی که قانون ملی شدن نفت بهره برداری واستخراج ازنفت ایران را برای هرمؤسسه یادولت بیگانه منع کرده‌است . وچند روز

---

(۱) Robert L. Garner

(۲) کیهان مورخهٔ ۲۶ آذرماه ۱۳۳۰ .

بعد باز مهندس حسیبی درمصاحبهٔ باروزنامهٔ کیهان (دوم دیماه) گفته بود «نفت‌ایران برای دول غرب وبرای جهان ارزش حیاتی دارد وبدلایل زیر بهیچوجه دنیا نمیتواند کمبود نفت ایران را باین زودیها وحتی تاپنج سال دیگر از بازار بین‌المللی جبران کند.» [۱]

درتاریخ ۱۶ آذرگارنرمعاون بانك بین‌المللی بامریکا مراجعت نمود وسه روز بعد ازآن مستر بلاك[۲] رئیس بانك مزبور بلندن رفت تا با چرچیل و ایدن‌ومتصدیان وزارتخانه‌های دارائی وخارجه وسوخت مذاکرات‌را ادامه دهد. مستر بلاك نظر بعضی ازاولیای امور انگلستان را دربارهٔ قسمتی ازپیشنهاد های بانك چندان مساعد نیافت وبعد معلوم شد علت این‌امرسفری بود که چرچیل در پیش داشت وقرار بود بزودی بواشنگتن رفته وبا رئیس جمهور امریکا ملاقات نماید. قصد دولت انگلیس این بود که قبل ازملاقات مذکور تعهدی ننماید تا آنکه توافق کاملی بین سیاست امریکا وانگلستان درقضیهٔ نفت ایران حاصل گردد. این‌بود که بلاك بواشنگتن مراجعت‌نمود تاطرح پیشنهادی بانك را بادرنظر گرفتن اعتراضات طرفین تکمیل نماید.

درتاریخ نهم دیماه دونفرازاعضای بانك بین‌المللی باسم‌پرودوم[۳] وریبر[۴] بتهران وارد و بنمایندگی ازطرف بانك بادولت وارد مذاکره شدند. پرودوم رئیس ادارهٔ وام بانك بین‌المللی بود وریبرمشاوربانك درامورنفت بود. ریبر درصنعت نفت‌امریکا سابقهٔ طولانی داشت وازسال ۱۹۰۵ با شرکت نفت تکساس ارتباط داشت و برای مدت پنج سال قبل از جنگ دوم جهانی ریاست شرکت مزبور را عهده دار بود. نمایندگان بانك نامهٔ مستر گارنر معاون بانك بین‌المللی را بتاریخ ۶ دیماه[۵] تسلیم نخست وزیر نمودند و نخست وزیر هم جواب نامهٔ مزبور را درتاریخ ۱۲ دی ماه بآنها داد.

مستر گارنر درنامهٔ خود نوشته بود: بانك درنظر ندارد بطور دائم یا بعنوان یك عمل تجارتی وارد صنعت نفت شود وتنها مقصود بانك درموضوع نفت ایران یکی آنست که ازضرر اقتصادی که در نتیجهٔ قطع شدن عملیات نفت ایران پیش‌آمد میکند جلوگیری نماید ودیگرآنکه دونفر ازاعضاء خود را بحل اختلافاتی که بین‌آنها پیش آمده است موفق سازد لذا وظیفهٔ بانك این نیست که در مورد این اختلافات قضاوت نموده یاحکمیت نماید. بانك پیشنهادی برای راه حل دائمی تهیه نمینماید بلکه برعکس میخواهد یك ترتیب موقتی برای راه انداختن عملیات وسیع نفت در جنوب ایران پیشنهاد کند تابدین وسیله بدون اینکه ضرری بحقوق طرفین ذینفع وارد شود جریان‌دائم‌درآمدتأمین گردد. پیشنهادهای بانك بقرارزیر بود: (الف)عملیات صنعت نفت

---

(۱) افزایش بی‌نظیر محصول نفت‌کویت وعربستان سعودی وعراق درچند سال اخیر وساختن پالایشگاه‌های متعدد دراروپا بطلان نظرفوق را ثابت‌کرده است.

(۲) Eugene Black (۳) H. Prudhomme (۴) Torkild Rieber

(۵) متن این دونامه درجراید تهران مورخهٔ ۱۳ دیماه درج شده است.

تحت‌مدیریت هیئتی ازاشخاص بیطرف که بوسیلهٔ بانک‌انتخاب‌ودرمقابل‌بانک مسئول‌باشند اداره شود. بانک اختیارداشته‌باشدکارمندان دیگررا که برای حسن ادارهٔ عملیات لازم تشخیص دهد استخدام یا از خدمت معاف نماید. البته سیاست بانک این خواهد بود که فقط تا حدی که بنظر بانک لازم باشدکارمند غیر ایرانی استخدام نماید. کلیهٔ‌هیئت مدیره وکارمندان وسایر اعضا درمقابل بانک مسئول باشند.

(ب) به بانک اختیارات کامل که لازم برای اجرای ترتیب موقت و حسن ادارهٔ عملیات باشد داده خواهد شد.

(ج) خدمات بانک فقط جنبهٔ موقتی داشته باشد وفهمیده شودکه پیشنهاد بانک و ترتیب موقت هیچگونه خدشه‌ای بحقوق طرفین ذینفع وارد نخواهد ساخت.

(د) خدمات بانک بدون سود بوده وتحت شرائطی باشدکه بانک را در مقابل خطرات بیمورد مصون نگاهدارد.

(ه) بانک تعهد میکند تا زمانیکه درآمد های کافی واصل نشده‌است وجوه‌لازم برای پرداخت مخارج براه انداختن صنعت نفت را تأمین نماید.

(و) بانک قراردادی برای‌صدورکلی نفت وفروش‌آن ازطرق توزیعی که‌اکنون مستقر وموجود میباشد منعقد خواهد ساخت.

(ز) وجوه حاصل‌از فروش نفت بعد از وضع هزینه ها بطریق‌زیر تقسیم‌میشود: یکقسمت بایران ـ یك قسمت بخزیدارکل ـ و بقیه بطور امـانت نزد بانك باقی میماند.

(ح) این ترتیب برای مدتی در حدود دوسال خواهد بود (در صورتیکه درین مدت یك راه حل قطعی پیدا نشود) ولی درنظر گرفته می‌شود که ازآن‌ببعد نیز ادامه یابد مگر اینکه یکی از طرفین آنرا فسخ کند. بانك حق‌خواهد داشت در هر موقع این ترتیب‌را فسخ کند.

در جوابی که نخست‌وزیر بنامهٔ فوق داد طرزتقسیم منافع را بطوریکه‌پیشنهاد شده بود رد کرد و اشعار داشت‌که دخالت بانك در امور بهره برداری باید بعنوان مأموریت از طرف دولت ایران باشدکه باید نفت را بدستور دولت ایران اداره کند و حساب آنرا بدهد و هرگونه مخارجی که نموده با سود منصفانه و حق‌الزحمهٔ خود در حساب منظور دارد و هیچگونه تعهدی غیر ازین دولت ایران بـا بانك نخواهد داشت. در بارهٔ سایر مواد نیز توضیحاتی خواست تا پیشنهاد بانك واضح‌تر گردد.

پس از خاتمهٔ مذاکرات بین ترومن و چرچیل در واشنگتن روز ۱۸ دیماه بیانیه‌ای در بارهٔ مذاکرات مزبور منتشرشد که جملات زیر درآن‌مندرج شده بود :ـ

« دولتهای ما مصمم هستند که سکون و آرامش وترقیات صلح‌جویانه وسعادت کشور های خاورمیانه را تشویق و ترویج نمایند. بین ما توافق نظر کاملی راجع

بهدفهائی که درین قسمت جهان داریم موجود است و وزیران خارجهٔ کشور های ما سعی خواهند نمود که متفقاً سیاستهائی که مورد موافقت ما میباشد اجرا نمایند . . . . ما هردو امیدواریم ابتکاری که از طرف بانك بین‌المللی شده منتهی به حل قضیهٔ نفت ایران بشود بطرزی که مورد پذیرش همهٔ علاقمندان مربوطه واقع گردد . »

روز بیستم دیماه ایدن وزیر خارجهٔ انگلستان ضمن نطقی که در دانشگاه کولومبیا واقع درشهر نیویورك ایراد کرد چنین گفت : « در ایران ما در صدد این هستیم که بین آرمانهای ملی و حقیقی مردم و احتیاجات ملل آزاد سازشی بدست آوریم. ما آرزوداریم صنعت بزرك نفت آنکشور که ما ایجاد کنندهٔ آن بوده‌ایم دوباره بکار افتد تا موجب سعادت مردم ایران شده و بر منابع اقتصادی دنیا نیز بیفزاید . درین آرزو هیچ گونه طمعی موجود نیست . ما تاکنون نتوانسته‌ایم پیشنهادهای عملی درین باره از دولت ایران بدست آوریم تا روی آنها بمذاکره بپردازیم ولی بانك بین‌المللی اکنون با دولت مزبور تماس گرفته و ما صمیمانه امیدواریم که این قدم منتهی بمذاکرات ثمر بخشی خواهد شد . ما اصول کلی پیشنهاد بانك مزبوررا قبول داریم و عقیده‌مند هستیم که پیشنهاد های مزبور عادلانه میباشند. »

روز ۲۲ دیماه دو نفر نمایندگان بین‌المللی که بتهران آمده و مسافرتی هم بجنوب برای بازدید مؤسسات نفت کرده بودند از تهران عزیمت نموده و بامریکا رفتند تا پیشنهاد های بانك را تهیه کرده وبعد تقدیم دولت بدارند .

در ملاقاتی که روز ٦ بهمن سفیرکبیر انگلیس با نخست‌وزیر برای خداحافظی کرده پیام زیر را نخست وزیر توسط او برای دولت انگلستان فرستاد :

« دولت و ملت ایران همیشه خواهان این بوده‌اند که با هیچ دولتی هیچوقت کوچکترین اختلافی نداشته باشند و من نمیدانم چرا دولت انگلستان کاری راکه با حسن نیت وسهولت می‌توان تمام کرد تمام ننموده و این‌اختلاف بین دودولت تاکنون باقی است . چنانچه راهی که درگذشته طی شده بمنفعت دولت انگلستان است مانع ندارد که همان راه را طی نمایند ولی اگر غیراز این‌است بایستی راه دیگری انتخاب نمود تا این‌اختلافات مرتفع گردد. »

روز ۱۵ بهمن ایدن وزیر خارجهٔ انگلیس در مجلس مبعوثان چنین گفت :

« در خصوص ایران و پیشرفت امور در آنجا گزارش امید بخشی ندارم که بعرض مجلس برسانم . پاسخ بدوی دولت ایران ببانك بین‌المللی در اوایل ماه گذشته چندان امیدبخش نبود با وصف این من اینطور استنباط میکنم که بانك در کاری که پیش گرفته پا فشاری دارد و مصمم است بداند چه کمکی میتواند بنماید که این کاررا ازین مرحلهٔ بن بست خارج سازد . هفتهٔ پیش که سفیرکبیر ما برای خداحافظی نزد دکتر مصدق رفته بود پیامی باو داده شد که بدولت انگلیس برساند . درین پیام

دکتر مصدق گفته بود چرا دولت انگلستان کاری را که باحسن نیت و سهولت میتوان تمام کرد تمام نکرده واین اختلاف بین دو دولت هنوز باقی است . باید اعتراف کنم که پیام مزبور موجب تعجب بسیاری برای من شد و حیرت‌انگیز بود . این پیام‌را باید درمقابل اقدام دولت ایران قرارداد که قونسولگریهای مارا بسته و از قبول‌سفیر کبیر جدید ما که شخص برجسته و پسر شخص برجسته‌ای است خودداری مینماید . ادعای نخست وزیر ایران که متصدیان قونسولگریهای ما در امور داخلی ایران دخالتهای ناروائی میکنند کاملاً بی‌اساس است و هیچگونه دلیل و مدرکی که ادعای مزبور را ثابت کند و اقدام مذکور را موجه سازد ابراز نداشته‌اند . معهذا شاید اقدام دولت ایران مبتنی بر ملاحظات خارجی نبوده ومسبب آن سیاستهای داخلی بوده است که طبق اطلاعات واصله از ایران تا حدی پیچیده میباشد . در بارهٔ تعیین سفیرکبیرجدید دولت ایران اعلام داشته است کسانی را که سابق در ایران بوده‌اند نخواهدپذیرفت و اگرچه ایرادی بانتخاب مستر هانکی ندارند معهذا چون او سابقاً در ایران بوده از پذیرفتن او امتناع دارند . و نیز شنیده‌ام که چون او بزبان فارسی آشنا میباشد مطلوب آنها نیست و چنین ایرادی بنظر بسیاری غریب میآید . با این وضع دولت فعلا در نظر ندارد که سفیر دیگری بایران اعزام دارد و باوجود تمام این پیش‌آمد های نامطلوب ماجدیت خواهیم کرد که درروابط بین دو کشور بهبودی حاصل‌شود . »

روز ۲۱ بهمن دومین میسیون بانك بین‌المللی بریاست گارنر بتهران وارد شد و مذاکرات با دولت را تجدید نمود . روز ۲۵ بهمن شهرت یافت که‌مذاکرات با نمایندگان بانك به بن‌بست رسیده و روز ۲۶ بهمن عده‌ای از سناتور ها از طرف مجلس سنا انتخاب شدند که با نخست وزیر تماس گرفته و نگرانی مجلس سنا را درین باب اظهار دارند . همانروز نمایندگان سنا با نمایندگان بانك ملاقات کرده و مذاکراتی بین آنها صورت گرفت و تا حدی از وقفهٔ مذاکرات جلوگیری‌شد . روز ۳۰ بهمن گارنر و پرودوم از تهران عزیمت نموده و اظهار داشتند که برای امکان خروج نفت ایران اقدامات خود را تعقیب می کنند . گارنر پس از حرکت از تهران بلندن و واشنگتن رفت و با اولیای دولت انگلیس و امریکا مذاکره نمودو بالاخره روز سیزدهم اسفند پرودم بتهران مراجعت نمود که مجدداً بادولت‌مذاکراتی بنماید .

روز ۲۶ اسفند اعلامیه مشترك دولت ونمایندگان بانك بشرح زیر در تهران منتشر گشت :

« نمایندگان بانك بین‌المللی چندین جلسه از ۲۲ بهمن تا ۲۵ اسفند باآقای نخست وزیر و مشاورین ایشان در باره مسئلهٔ نفت مذاکره نمودند . این مذاکرات که خیلی روشن و دوستانه انجام گرفت شامل مسائل عمده مربوط بعملیات صنعت نفت

بود . در بعضی نکات تا حدی موافقت حاصل شد ولی متأسفانه در بارهٔ چند مسئلهٔ مهم حصول توافق میسر نگردید . نمایندگان بانك ازتعطیلات عید نوروزوعید پاك استفاده نموده و بواشنگتن خواهند رفت تا نتیجهٔ این مذاکرات را به هیئت مدیره بانك گزارش دهند و در صورتی که بنظر برسد که پیشرفتهای دیگری در مذاکرات ممکن است حاصل‌شود نمایندگان بانك حاضرخواهند بود که مجدداً مراجعت نمایند.»

علت عدم توفیق بانك بین‌المللی در حل قضیهٔ نفت ایران درگزارشی که نخست وزیر در تاریخ سی و یکم اردیبهشت ۱۳۳۱ به مجلس سنا داد ذکر شده و بدینقرار است :

« همانطورکه در بالا بعرض رسید نظریات هیئت نمایندگی بانك بین‌المللی طوری بودکه قبول آن برای دولت ایران مقدور نبود و خلاصهٔ مذاکرات این بود که :

۱ـ راجع بکارشناسان خارجی - نظر دولت اینجانب این بوده است که عدهٔ مورد لزوم از ملیت های بیطرف انتخاب گردیده و به‌کارگمارده شوند در صورتیکه نمایندگان بانك یکی از شرایط اصلی امکان حل قضیهٔ نفت را بازگشت کارشناسان انگلیسی تلقی می کردند .

۲ – در طرز اداره موقت منابع نفتی ایران از طرف بانك بین‌المللی - نظر دولت‌ایران برین اساس استوار بودکه بانك باید خودرا درین عمل نماینده یا نایب مناب دولت ایران بداند و با توجه به نتیجهٔ حاصله از عمل خلع‌ید بهره‌برداری مجدد دستگاه را شروع نماید ولی نظر بانك این بودکه بهیچوجه خودرا با موضوع خلع آشنا نکند و بدون اینکه وضع حاصل از خلع ید را در نظر بگیرد ودولت‌ایران را متصرف بشناسد عمل بهره‌برداری را مستقلا انجام دهد.

۳ - راجع بقیمت نفت خام - نظر بانك این بودکه از قیمت هربشکه نفت خام که در خلیج فارس یك دولار و هفتاد و پنج سنت است . اولا ۵۸ سنت یعنی یك ثلث تخفیف برای‌خریدارکل‌محسوب شود.ثانیاً ۳۰ سنت برای هزینهٔ تولید نفت خام منظورگردد . ثالثاً ۳۷ سنت بعنوان سپرده در نظر گرفته شودکه تا خاتمهٔ رفع اختلاف نزد بانك بماند . رابعاً بقیهٔ مابغ که ۵۰ سنت می‌شود بدولت ایران تأدیه گردد .

٤ – راجع بقیمت نفت تصفیه شده - هم نظر بانك این بودکه برای هربشکه یك دولار وهفتاد و پنج سنت بشرحی که در قسمت راجع بقیمت نفت‌خام‌متذکر گردید منظور نموده و ضمناً ۵۰ سنت بابت مخارج تصفیه و سه سنت بعنوان استفاده از دستگاه تصفیه‌خانه بدولت بپردازد . بایستی متذکر گردم که قیمت متوسط هر بشکه نفت تصفیه شده با توجه به نسبت محصولات مختلفی که از نفت ایران بدست میآید

بر اساس قیمت خلیج مکزیك معادل دو دولار و هفتاد وپنج سنت میباشد.

روز ۲۹ اسفند ۱۳۳۰ وزارت خارجهٔ امریکا اعلامیه‌ای در واشنگتن انتشارداد وطی آن رویهٔ امریکا را نسبت بقضیهٔ نفت بشرح زیرروشن ساخت :-

« دولت ایران چندبار کتباً وشفاهاً ازکشورهای متحد امریکا درخواست وام وکمك مالی مستقیم کرده تابتواند مشکلات خویش را که براثر از دست دادن عوائد نفت خود پیش‌آمده حل نماید . رویهٔ کشورهای متحد امریکا درپاسخ درخواستهای مزبور این بوده که امریکا بااینکه علاقمند است بایران کمك لازم و مقتضی بنماید معهذا دولت امریکا نمیتواند مادام که برای ایران مقدور است درآمد شایسته‌ای از صنعت نفت خود بدون زیان وارد ساختن بتمایلات ملی خویش بدست آورد این نوع کمك راموجه سازد . همچنان خاطر نشان گردیده که کشورهای متحد امریکا بارسنگین مالی بمنظور ایجاد صلح ثابت وپایدار برعهده گرفته‌است وتقبل تعهدات دیگرازطرف امریکا نسبت بکشوری که وسائل کمك بخود را دارد امر بسیار دشواری خواهد بود . کشور های متحد امریکا هیچگاه چنانکه درجراید ایران انعکاس یافته اعطای کمك بایران را مشروط باین نکرده که دولت ایران باید شرایط پیشنهاد های خاصی را قبول کند . امریکا همواره برین عقیده بوده است که حل قضیهٔ نفت ایران بنحوی که منافع مشروع ایران وانگلیس محفوظ بماند وادارهٔ صنعت نفت ازلحاظ اقتصادی باردیگرعملی گردد امکان پذیر میباشد . ما معتقدیم که پیشنهاد بانك بین‌المللی برای کمك باین موضوع فرصت مناسبی را برای رسیدن بمقصود مذکور فراهم آورده است گو اینکه حل این قضیه بطور موقت صورت بگیرد . ما همچنین امیدواریم که فورمولی پیدا شود که برای طرفین قابل قبول باشد . »

روز چهارم فروردین ۱۳۳۱ پرودوم نمایندهٔ بانك بین المللی که از ایران بلندن رفته بود اظهارداشت که مأموریت بانك بین‌المللی را درتهران باید خاتمه یافته تلقی کرد . ایرانیان در مورد استخدام کارشناسان خیلی سختگیری میکنند درصورتیکه دکترمصدق موقعیکه در واشنگتن بود بنمایندگان بانك اختیار تام داده بود که اگر بخواهند کارشناسان انگلیسی‌را هم دعوت کنند . درموقع ورود به‌نیویورك هم پرودوم اظهارداشت مأموریت بانك بین‌المللی درایران بپایان رسیده و درمحیط فعلی ایران حصول توافق درقضیهٔ نفت امکان پذیر نیست .

روز ٦ فروردین ۱۳۳۱ دولت ایران اعلامیه‌ای درجواب اعلامیهٔ وزارت خارجهٔ امریکا منتشر کرد که قسمتی از آن درزیر نقل میشود :-

« درموضوع تقاضای وام هم لازم است توضیح داده شود موقعی که اینجانب (دکترمصدق) برای دفاع ازحق حاکمیت ملت ایران عازم امریکا بودم قبل ازحرکت

ازطرف حضرت پرزیدنت ترومن دعوت شدم که بواشنگتن بروم وازملاقات ایشان کسب فیض نمایم . چون درضمن ملاقات علاقهٔ مفرطی برفاه و آسایش ملت ایران اظهار نمودند وبراینجانب معلوم و مسلم بود که دولت انگلستان با وسایلی که همیشه ملل ضعیف را تحت استثمار درآورده وبا وجود احتیاج مبرمی که دنیا بنفت ایران دارد باین‌زودی نخواهد گذاشت که حتی‌دول‌اروپای شرقی هم قطره‌ای ازنفت ما خریداری کنند بنابرین بوسیلهٔ دونامه ازحضرت ایشان تقاضای وامی‌نمودم واین تقاضا بدلایل ذیل‌موجه‌بود .اول‌آنکه‌ـدولت امریکابموجب‌اعلامیهٔ تهران که بامضاء مرحوم‌پرزیدنت روزولت رسیده بدولت ایران وعدهٔ کمکهای اقتصادی داده‌است . دوم‌آنکه ـ دولت انگلیس بواسطهٔ نقصان عوایدی که ازملی شدن صنعت نفت درایران حاصل کرده بود و نمیتوانست بودجهٔ تسلیحاتی خود را تأمین کند ازدولت امریکا تقاضای وام نمود و دولت امریکا هم‌آنرا اجابت کرد . جواب مساعد قبول دولت امریکا بتقاضای دولت انگلیس سبب شد که دولت ایران هم که در وضعیت مشابهی قرارگرفته بود و یکی ازاعضاء وفادار سازمان ملل متحد است و بواسطهٔ عدم فروش نفت خـود نمیتوانست حقوق کارگران‌آبادان و کسربودجهٔ خود را تأمین کند از دولت‌امریکا همان تقاضارا بکند. اینك برطبق اعلامیهٔ وزارت خارجهٔ امریکا معلوم شده است که آندولت نظر مساعدی درین باب ندارد دولت ایران هم موضوع‌را تعقیب نخواهدکرد . درموضوع پیشنهاد بانك بین‌المللی هم دولت ایران کراراً حسن نیت خودرا برای پیدا شدن راه حل عادلانه که مطابق تمایلات ملت ایران یعنی در حدود قانون ملی شدن صنعت نفت باشد نشان داده است و هرگاه بانك بین‌المللی راه حلی پیشنهاد نمایدکه باتمایلات ملت ایران مغایرت نداشته باشد دولت ایران باکمال میل در پیشرفت آن همکاری خواهدکرد . »

بخش هشتم ـ دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه

دولت انگلستان در تاریخ چهارم خرداد ۱۳۳۰ دادخواستی علیه ایران تقدیم دادگاه لاهه نموده تقاضاکردکه دیوان مزبور یااعلام داردکه طبق مواد ۲۲ و ۲۶ قرارداد ۱۹۳۳دولت‌ایران موظف بوده اختلاف خودرا باشرکت نفت‌ایران وانگلیس بداوری رجوع نماید ویا آنکه اعلام داردکه تغییر و الغای قرارداد ۱۹۳۳ برخلاف موازین حقوق بین‌المللی بوده ودولت ایران باید بشرکت مزبـور غرامت پرداخته وترضیهٔ آنرا فراهم‌آورد .

در تاریخ پانزدهم خرداد دیوان مزبور قراری بعنوان اقدامات تأمینیه بـرای جلوگیری ازاجراء خلع یدکه دولت‌ایران شروع کرده بود صادرکردکه دولت‌ایران

بواسطهٔ عدم صلاحیت دیوان لاهه مردود و بی‌اعتبار شناخت. درتاریخ هفدهم مهرماه ۱۳۳۰ لایحهٔ اولیهٔ دولت انگلیس‌راجع بصلاحیت دعوای آندولت برعلیه ایران‌بدیوان تسلیم شد و باطلاع دولت ایران رسید. لایحهٔ مزبور مورد مطالعه قرارگرفت‌وپس‌از بررسی و مشاوره با متخصصین حقوقی جوابی تحت عنوان « ملاحظات مقدماتی راجع بردّ صلاحیت دیوان ازطرف دولت ایران» تهیه و در تاریخ ۱۵ بهمن ۱۳۳۰ تسلیم دیوان گردید.

پس از آنکه درتاریخ چهارم فروردین ۱۳۳۱ دولت‌انگلستان لایحهٔدوم خودرا تسلیم دادگاه نمود دادگاه مزبور بدواً روز ششم ماه مه‌رابرای‌رسیدگی تعیین وقت کرد ولی برحسب استمهالی که دولت ایران تقاضا کرد جلسه بروز ۱۹خردادمو کول گردید. دولت ایران پروفسورهانری‌رولن[۱] و مسیو مارسل سلوزنی[۲] را بعنوان‌مشاور حقوقی ووکیل‌مدافع خود انتخاب کرده بود و وکلای دولت انگلستان‌هم عبارت بودند از سراریك بکت[۳] مستشار حقوقی وزارت خارجهٔ انگلستان‌و سرلایونل‌هیلد[۴] دادستان کل انگلستان.

روز چهارم خرداد دکترمصدق نامه‌ای بمجلس شورایملی نوشته و کسب اجازه برای رفتن به لاهه نمود و درین نامه ذکر کرده بود که: « دولت‌ایران صلاحیت‌دیوان دادگستری بین‌المللی را دررسیدگی باینموضوع طبق دلایلی که درلایحهٔ جوابیه تسلیم دیوان مزبور نموده نمیتواند قبول کند و چنانچه قراری مبنی برصلاحیت خود صادر نماید بملاحظهٔ اینکه دخالت در حق حاکمیت ملی ما است برای دولت ایران غیرقابل قبول میباشد و تصمیم اینجانب در مسافرت بلاهه فقط بمنظور بیان ردّ صلاحیت دیوان و درضمن ایراد بصلاحیت ذکر دلایل ملت ایران درلزوم ملی کردن صنایع نفت‌میباشد. بدیهی است که بحث ایراد عدم صلاحیت عنوان محاکمه نخواهد داشت. »

همانروز دکترمصدق نطقی از رادیو خطاب بمردم ایران ایراد و در ضمن آن چنین گفت:

« اکنون که بخواست خداوند متعال بار دیگر برای دفاع از حق ملت ایران سفری دشوار در پیش دارم وظیفهٔ خود میدانم از عموم هموطنان عزیز که با کمال بردباری و شکیبائی در برابر مشکلات عظیمی که پیش آمده ثبات و استقامت خودرا از دست نداده‌اند سپاسگزاری و تشکر نمایم. . . . . اینك دادگاه لاهه علاوه بر ماجرا های گذشته با مظالم جدیدی مواجه است که بعداز تاریخ صدور رأی‌شورای امنیت نسبت بما اعمال شده‌است. محاصرهٔ اقتصادی ـ جلوگیری از فروش‌متاع‌موجود ـ تحریکات در داخله ـ کارشکنی در خارجه ـ تهدید بخریداران نفت ـ اغوای‌همسایگان

---

(۱) Henri Rolin (۲) Marcel Sluszny (۳) Sir Eric Beckett
(۴) Sir Lionel Heald

و مجاورین علیه ما - دسائس در بحرین و جزائر خلیج فارس - تعطیل ارتباطات تجارتی - توقیف امتعه و اشیائی که باید بما تحویل دهند و اقدامات دیگر ازین‌قبیل. اینها مصائبی است که بعداز جریان شورای امنیت برای ما فراهم آورده و عرصه را بما تنگ ساخته و از بسیاری مواد مورد احتیاج مردم کشور را محروم نموده‌اند. حریف خواسته است ز فشار های اخیر دو نتیجه بدست آورد - یکی آنکه بواسطهٔ ایجاد اشکالات و اختلافات عده‌ای از شما ها از پشتیبانی این خدمتگزار منصرف شوید تا از قوای دفاعی ما در دادگاه لاهه‌کاسته شود. دیگر آنکه مرا از پیشرفت منویات ملی مأیوس و ناامید نموده شاید خودبخود کنار بروم و میدانرا برای اجرای روش دیرینهٔ آنها خالی‌گذارم . . . . . بهرحال بـا توکل بحضرت احدیت و اتکاء بسلاح حق و حقیقت و استظهار بتوجهات خاصهٔ اعلیحضرت همایون‌شاهنشاهی‌وپشتیبانی مجلسین و قاطبهٔ هموطنان عزیز سفر پر خطر خودرا برای دفاع ازحق مشروع ملت ایران بانجام‌میرسانم.»

روز هفتم‌خرداد نخست‌وزیر باتفاق دکترشایگان- الله‌یار صالح- مهندس‌حسیبی- دکتربقائی - دکتر علی‌آبادی - بلاهه عزیمت نمودند. روز نوزدهم خرداد اولین‌جلسهٔ دادگاه تشکیل و نخست‌وزیر ایران نطقی ایرادکردکه قسمتهائی از آنرا آژانسهای خارجی بشرح زیر بتهران مخابره ودر جراید همانروز تهران منتشر گردید. پاره‌ای‌از بیانات او بشرح زیر است :

دکتر مصدق طی نطقی‌که در افتتاح جلسه ایرادکردگفت شما نمیتوانید ملت کوچکی را از دفاع حقوق خود در برابر حملات مزورانه یك ملت بزرك‌که از لحاظ صنعتی واقتصادی ومالی قوی میباشد بازدارید. من از شما تقاضا میکنم که‌باحساسات ملی ما واقف شوید و اطمینان دارم‌که این کاررا خواهیدکرد. هدف اصلی و عمدهٔ سیاست انگلستان این است‌که نفت ایرانرا در انحصار خود درآورد و تاکنون منافع زیادی از آن برده است. او دولت انگلستانرا بامپریالیزم متهم‌کرد و خاطر نشان ساخت‌که قبل از احالهٔ دعوای خود بدادگاه انگلستان باعمال زور و فشار مبادرت نمود. وی عملیات‌شرکت نفت را نمونه‌ای از امپریالیزم خواند وگفت پس از اینکه قانون ملی شدن بتصویب رسید دولت انگلیس با اعزام چتربازان بکشور های همسایهٔ ایران و ارسال سفاین جنگی بآبهای ایران بتهدید و تخویف ایران دست زد. دولت انگلستان توطئه هائی علیه ایران چیده بود تا زندگی مالی و اقتصادی ما را دچار اخلال کند و ازین وضع بنفع خود استفاده ببرد. دولت انگلیس با مراجعه بدادگاه بین‌المللی خواسته است خود را در اختلاف ایران و شرکت نفت قربانی شده قلمداد نماید. دکتر مصدق خاطرنشان ساخت‌که برای مدت سی سال بر اثر نفوذی‌که دولت انگلیس بردولتهای وقت ایران داشت‌کشور ایرانرا درحالت فساد وخرابی‌نگاهداشت

ولی پس از ملی شدن صنعت نفت بتمام این اوضاع خاتمه داده شده است . دولت انگلیس شرکت نفت را بصورت دولتی در داخل قلمرو دولت ایران درآورده بود . شرکت مزبور نه تنها در داخل حوزهٔ عملیاتش بلکه درسراسر ایران‌سرویس‌جاسوسی ترتیب داده بود . انگلیسها با بدبخت ساختن مردم ایران میکوشیده‌اند جیب خود را پر کنند . همه‌چیز در دست آنها بود و ایران ازلحاظ حق السهمی که میگرفت درواقع در تاریکی و گمنامی مانده بود . دولت انگلیس بآنهم اکتفا نکرده و حمل و نقل نفت را نیز در انحصار خودگرفت وکلیهٔ امور حساس فنی نیز بدست انگلیسها اداره میشد .

پس از نطق نخست وزیر پروفسور هانری رولن حقوقدان معروف بلژیکی دلایل ایران‌را دائر بعدم صلاحیت‌دیوان مطرح نموده و گفت که دیوان نسبت‌برسیدگی بپاره‌ای از دعاوی انگلستان صلاحیت ندارد زیرا که دولت ایران قبلا قبولی خود را نسبت بصلاحیت اجباری دیوان پس‌گرفته است ونیز گفت که مسئلهٔ نفت از اختیارات و مسائل داخلی ایران است و نمیتواند در دیوان مورد بحث واقع شود وقرارداد۱۹۳۳ بین دولت ایران و شرکت نفت منعقد شده و نه بین دو دولت لذا رسیدگی بآن از حدود صلاحیت دیوان خارج است .

بیانات وکیل‌ایران در دادگاه چندروز طول‌کشید و پس از او وکلای‌انگلستان شروع باظهار مطالب خودکردند و این جریان تا روز دوم تیرماه ادامه یافت . روز سوم تیر ماه نخست وزیر از لاهه بتهران مراجعت‌کرد و روز سی و یکم تیر دیوان بین‌المللی دادگستری باکثریت نه رأی در مقابل پنج رأی عدم صلاحیت خود را نسبت بادعای انگلستان در قضیهٔ نفت اعلام داشت . قاضی روسیه شوروی بواسطهٔ کسالت‌در جلسات دادگاه حضور بهم نرسانده بود و قاضی هندوستان هم بعلت اینکه در موقع طرح قضیهٔ ایران در شورای امنیت سمت نمایندگی دولت خودرا درشورا داشت در جلسات حضور نیافت . قضاتی که در اقلیت بوده و دیوان را صالح برای رسیدگی میدانستند عبارت بودند از قاضی امریکا وکانادا و شیلی و برزیل و از جمله قضات اکثریت که بعدم صلاحیت دیوان رأی دادند قاضی انگلیسی بودکه موجب تحسین بسیاری قرار گرفت .

روز اول مرداد ۱۳۳۱ در مجلس مبعوثان انگلستان از چرچیل نخست‌وزیرآن کشور سئوال شدکه پس‌از رأی‌دیوان لاهه نظر دولت انگلستان دربارهٔ نفت ایران چه خواهد بود واو درجواب چنین گفت :

« دولت انگلستان درموارد عدیده توضیح داده است که بنظرآن فراورده‌های صنعت نفت در جنوب ایران متعلق بشرکت نفت ایران وانگلیس میباشد وبهمین جهت هرگونه اقدام عملی که برای جلوگیری از فروش نفت ایران باشخاص ثالث لازم

باشد بعمل خواهد آمد . این که دیوان لاهه خود را صالح برای رسیدگی بشکایت دولت انگلستان ندانسته فقط مشعر برین است که دادگاه مزبور نتوانسته است راجع بماهیت قضیه وارد شود و این تصمیم بهیچوجه حقانیت دعوای ما را از بین نمیبرد و تأثیری در حق بلاتردید ما در حفظ منافع یکی از اتباع خود که همان شرکت نفت ایران وانگلیس باشد نخواهد داشت . دولت انگلستان مساعی خودرا برای حقی که از آن ضایع شده ادامه خواهد داد . »

بخش نهم - استعفای دولت وتشکیل کابینهٔ دوم دکتر مصدق

پس از مراجعت دکترمصدق از امریکا و تصمیم بشروع انتخابات دورهٔ هفدهم مجلس شورای ملی کسانیکه داوطلب نمایندگی مجلس بودند وامیدی بمساعدت دولت برای انتخاب خود نداشتند بوسایل گوناگون مخالفت خودرا بادولت ابراز میداشتند. انتخابات دورهٔ هفدهم نیز مانند ادوار گذشته جریان یافت و اعمال نفوذ با شدت تمام حکمفرما بود ولی چون طبق معمول دولت میخواست طرفداران و هواخواهان خودرا درمجلس جای دهد و رقیبان آنها راضی نبودند مبارزهٔ شدیدی بین عمال دولت و سایر متنفذین که از مساعدت دولت برخوردار نبودند درگرفت بطوریکه انتخابات بسیاری نقاط معوق ماند و زد وخورد های شدیدی بین دوقسمت از طبقهٔ حاکمه که داوطلب انتخاب شدن بودند بوقوع پیوست.

درانتخابات تهران که روز ۲۰ بهمن ۱۳۳۰ باتمام رسید تمام وسایلی که دولتهای سابق برای انتخاب نامزدهای خود بکار میبردند اعمال شد و همهٔ نامزد های دولت انتخاب گردیدند وعدهٔ آرائی که خوانده شد بالغ بریکصد و چهل هزار رأی بود و آشکارمیساخت که همان آلات وابزار سابق بکار رفته است تا این عده انتخاب گردند بخصوص که چندنفر ازکاندید های دولت اشخاص نسبةً گمنامی بودند که نام آنهارا هم مردم تاقبل ازانتخابات نشنیده بودند . دولت کوشش بسیارنمود که کاندید های حزب توده درهیچیك ازنقاط ایران انتخاب نشوند ودرین باره مساعی دولت کاملاً ثمربخش واقع گردید . درولایات هم هرجا که دولت کامیابی برای کاندیدهای خود نمیدید انتخاب آن نقطه را یا بتعویق میانداخت ویاآنکه درحین انتخابات عملیات را متوقف میساخت. باوجود این مراتب باید اذعان کرد که انتخابات دورهٔ هفدهم کاملاً ازروی لیست و باصطلاح فرمایشی نبود زیرا مبارزات سخت وخونریزیها وتشنجاتی که درجریان انتخابات مشهود گشت دلیل برین بود که دربعضی نقاط کم وبیش آزادی عمل برای متنفذین موجود بود وچنانکه دربالا گفته شد مبارزات مزبور بین دودسته ازطبقهٔ حاکمه یعنی هواخواهان دولت ومخالفین آن جریان داشت .

روز ۲۶ اسفند ۱۳۳۰ بیست نفر ازسناتورها تقاضای جلسهٔ خصوصی مجلس‌سنا را کرده ودرآن جلسه دربارهٔ اوضاع عمومی کشور و سیاست اقتصادی دولت مفصلاً بحث کرده ونگرانیهای خود را اظهارداشتند وتصمیم گرفتند که نایب رئیس مجلس سنا ودونفردیگرازاعضاء هیئت رئیسه سنا بانخست وزیرملاقات کرده وازدولت بخواهند که قبل ازتعطیلات عید مجلس را ازنظریات وسیاست عمومی خود مستحضر دارد . روز ۲۸ اسفند این ملاقات صورت گرفت‌وپس ازآن سخنگوی دولت مفاد ملاقات مذکوررا بشرح زیرمنتشر کرد : -

« امروز نمایندگان سنا باآقای نخست وزیرملاقات واظهاراتی باین‌شرح بیان داشتند : مجلس‌سنا ازاوضاع‌عمومی کشورنگران‌است. مخصوصاً دوموضوع‌است که‌مورد توجه وبحث درسنا است یکی امنیت عمومی ویکی‌هم وضعیت اقتصادی وفقرعمومی‌است که همه شریك هستیم وآقای نخست وزیر که مسئولیت هردوقسمت را بعهده دارند ما مأمورشده‌ایم از طرف مجلس سنا که سئوال بکنیم برنامهٔ دولت بـرای این دوامر چیست ؟ آقای نخست وزیر اظهارداشتند این دولت از بدو ورود مرامش استخلاص مملکت ازاستعمار واستثمار بوده واگر بعضی ازدول خاورمیانه بتوانند این رژیم را تحمل بکنند وضعیت جغرافیائی ایران بهیچوجه اجازه نمیدهدکه ایران این رژیم را ادامه دهد زیرا ادامهٔ این رژیم‌کارمملکت‌را بجائی خواهد رسانیدکه استقلال وآزادی خود را بکلی ازدست بدهد . روی این اصل چون شرکت سابق نفت بزرگترین وسیلهٔ استعمار و استثمار بود لازم شدکه بواسطهٔ ملی شدن صنعت نفت این وسیله بکلی از بین برود وملت ایران بآزادی حقیقی خود رسیده واستقلال خودرا برای همیشه تأمین کند . بدیهی است اشخاصی‌که ازین رژیم استفاده میکرده‌اند راضی نمیشوند منافع شخصی‌آنها ازبین برود والبته سعی وکوشش میکنندکه وضعیت سابق بحال خودباقی واین قضایای ناامنی دربعضی نقاط وهمچنین وقایعی‌که دردومرتبه درشهرتهران اتفاق افتاد معناً بواسطهٔ دخالت آنها درکار بوده است . البته یك ملتی‌که بخواهد بنعمت آزادی واستقلال برسد تحمل این قبیل امور را که ملل بزرگ هزار درجه بیش‌ازین مبتلا بشدائد شده‌اند و جنگها کرده‌اند و ملیونها نفوس را ازدست داده‌انـد مسئلهٔ بزرگی نیست. درینجا بـایدمجلس‌سنا تصمیم‌بگیردکه یابرای آزادی واستقلال مملکت کار بکند وحاضر بشود هرگونه فداکاری را بکند و یا اینکه حاضر بشود همان رژیم درمملکت ادامه پیدا کند . انتخاب ایندو طریقه مربوط بخود مجلس سنا است‌که از هرجهت صلاحیت دارد وصاحب مملکت است . بعضی مسائل‌ازضرب و شتم ویاقتل نفس اینها چیزهائی نیست که درعهد این دولت رخ داده باشد . قبل ازین دولت هم درین مملکت بوده است . همچنانکه سوء قصد نسبت باعلیحضرت همایون شاهنشاهی کردند وفاعل را همانوقت ازبین بردندکه قضایا کشف نشود . واما راجع بمسئله اقتصادی -

کاراقتصاد این مملکت چیزی نیست که درزمان این‌دولت خراب شده باشد . کسر بودجه ما سالها بوده است وازشهریور ۱۳۲۰ عدهٔ واردین بخدمت دولت سه برابرشده‌است. البته آنهائی که میخواهند مملکت ایران صورت صحیحی بخود نگیرد و همیشه پریشان ومستأصل باشد هیچوقت حاضر نمیشوند که مملکت ایران درکاراقتصادی خود قدمی بنفع ملت بردارد و هروقت که ملت خواسته است درین کار اقدامی بکند بمشکلات زیادی برخورده‌است. البته وظیفهٔ مجلس سنا است که درین باب مطالعاتی بکند و به بیند اگرصلاح مملکت درین است که بانظریات شرکت سابق موافقت بشود و یك پولی که بهیچوجه متناسب باحق ملت ایران نیست بگیرند وآنرا صرف کارهائیکه تاکنون شده وبهیچوجه برای ملت ایران مفید فایده نبوده است بشود البته این کار باید بشود واگرصلاح این است که ما مثل بعضی ملل که بهیچ وجه عایدات نفت ندارند ازعایدات نفت صرف‌نظر بکنیم و بودجهٔ کشورخودرا بصورت تعادل دربیاوریم وچنانچه عایدات نفتی‌رسید صرف مخارج تولیدی بشود و اگر هم نرسید برای چند ملیون لیره استقلال مملکت از دست نرود باید این‌کار بشود . درهرحال چه درامور انتظامی وچه در امور اقتصادی وظیفهٔ مجلس سنا است که شور و بحث کند و هرطور صلاح مملکت است عمل بکند . دولت حاضرغیرازخیرخواهی وغیر ازآمال ملی نظردیگری ندارد و هروقت مجلس سنا ازین دولت اظهارعدم رضایت بکند دولت بوظیفهٔ قانونی‌خود عمل خواهدکرد . واما راجع بمسائل‌اقتصادی نظردولت این‌است که اینکار باید بادست مجلس‌سنا ومجلس شورایملی انجام بگیرد وهرطورکه مجلسین صلاح مملکت را بدانند اظهارنظر بفرمایند ودولت عمل بکند . »

شرح فوق یکی از بهترین نمونه های روش دفاعی دکتر مصدق است . چون مجلس سنا انتقاداتی کرده و نگرانیهائی اظهار داشته بود نخست وزیر بطرز فوق همهٔ انتقادات‌را برخلاف مصلحت‌مملکت شناخته وازانتقادکنندگان خرده گرفته بود وتلویحاً به سنا تذکرداده بودکه درمسائل کلی باید مجلسین مشترکاً تصمیم بگیرند و درغیاب مجلس شورای ملی اظهارات‌آنها تأثیرقانونی ندارد .

دربارهٔ انتخابات مجلس شورای ملی هم‌که بسیاری از مردم انتقادکرده وخرده گرفته بودند دفاع نخست وزیر بشرحی بودکه درزیرنقل شده‌است واین هم بازنمونهٔ دیگری ازروش دفاعی او میباشد .

دکترمصدق درپیامی‌که بمناسبت عید نوروز ۱۳۳۱ ازرادیو برای مردم فرستاد چنین گفت : -

« راجع بانتخابات- بجهاتیکه محتاج بعرض نیست قانون انتخابات درمجلس شورای ملی تجدید نظر نشده و بنابرین بسیارمشکل بودکه اینجانب بتوانم انتخاباتی

را بروفق صلاح مملکت و نظریات مردم انجام دهم ولی دوچیز سبب شد که شانه ازکار خالی نکنم . اول اینکه کار نفت با مجلس پیوستگی داشت و لازم بود جریان کار روز بروز بمجلس‌عرضه شده وازآراء صائبه نمایندگان ملت استفاده شود وفترت بین مجلس شانزده وهفده بهیچوجه مصلحت نبود زیرا تجربه حاصل شده که بیگانگان هروقت خواسته‌اندکاری برضرر کشورانجام دهند ایجاد فترت کرده‌اند ودرمدت انفصال مجلس شورای ملی نیات شوم خود را بکشور وملت تحمیل نموده‌اند و برای کوتاه ساختن ایام فترت ناچاربودم که انتخابات را بهرفرض واحتمال خوب‌یابدی شروع کنم. روی این اصل‌آن عده ازمأمورین‌دولت ازقبیل فرماندار وبخشدار ومأمورین‌شهربانی وژاندارمری و دارائی که احتمال نفوذ آنها در انتخابات بود عوض شدند و روابط مأمورین دست نشانده باکسانیکه آنها را بکارگماشته بودند قطع گردید ولی بااین عمل هم دوچیز سبب شدکه انتخاباتی که باید صدی صد بنفع ملت تمام شود مقدور نگردید. اول‌آنکه برای انجام انتخابات اشخاص موردااعتمادبحدکافی‌نبود وناچار بودم که از همان مأمورین سابق که نسبةً مورد اعتماد بودند استفاده‌کنم و برای اثبات بیغرضی بقید قرعه‌آنها را ازمحلی بمحل دیگرانتقال‌دهم والبته هرصفتی ازخوبی وبدی که درآنهابودباخود بمحل مأموریت‌بردند وقهراً بعضی‌قسمتها خوب‌عمل نشد ودربعضی ایجاد عدم رضایت کرد . دیگرآنکه ازمداخلات بعضی از مأمورین و مردمی که ثروت ونفوذ محلی داشتندبطورکامل‌جلوگیری مقدورنگردید وآزادی بیسابقهٔ انتخابات‌موجب شدکه انجمنهای نظارت هم‌که در ادوار سابق مطیع مأمورین دولت بودند در بعضی نقاط ازین آزادی سوء استفاده‌کرده بجای اینکه یك برگ رأی مشکوك را باطل‌کنند بابطال صندوقها پرداختند، بااینحال اطمینان کامل دارم که ۸۰ درصد از نمایندگانی که بمجلس میروند نمایندهٔ حقیقی ملت خواهند بود.وجز بصلاح مملکت‌کاری نمیکنند وازهمین نظراست که هواخواهان شرکت سابق نفت سعی دارند قبل‌از تشکیل مجلس هفدهم بااعتراضات غیرمنطقی دولت‌راساقط نموده وبمقصود خودبرسند.هموطنان عزیزآنچه از بررسی اخبار خارجی مستفاد میشود امیدواری بیگانگان باین است که اختلافی بین ماموجود باشدکه بتوانند نظرخودرا بما تحمیل‌کنند یادولتی راکه گمان میبرند باخواسته‌های‌آنها موافقت نکند ساقط‌کنند.شمابابد بدانیدکه اینجانب‌باکسالت وضعف مزاج کناره‌گیری ازکار بسیاربرایم مفیداست ولی برای‌آنکه‌کار بصلاح کشور تمام شود پایداری واستقامت را ادامه خواهم داد وامانتی راکه مجلس شانزدهم به اینجانب سپرده است بمجلس هفدهم باسرع وقت خواهم سپرد تابعنایت خداوند متعال‌و توجهات ملوکانه وراهنمائی مجلسین راهی‌راکه به نیمهٔ آن رسیده‌ایم بپایان برسد. در خاتمه این‌اندرز صمیمانه را بهموطنان عزیزم عرض میکنم که تفرقه و یأس ونومیدی برّنده ترین حربهٔ حریف‌است وباید ملت ایران‌بیش‌ازپیش بیدار ومراقب اوضاع‌بوده و ازآن حذرکند. »

درتمام دورهٔ زمامداری دکتر مصدق زبردستی ومهارت فوق‌العاده‌ای که‌درسیاست داخلی بکاربرده میشد درمراحل گوناگون آشکار ونمایان میگشت.دراواخر سال ۱۳۳۰ طبقهٔ حاکمه ومتنفذین وثروتمندان بواسطهٔ اینکه حل قضیهٔ نفت به‌بن‌بست رسیده بود و مذاکرات باشرکت نفت ومیسیون اعزامی دولت انگلستان ونمایندگان بانك بین‌المللی بجائی نرسیده بود سخت‌نگران شده وبیم این‌راداشتند که بحران اقتصادی موجب این شود که عناصر متمایل‌بچپ توفیقهائی درنقشه های خود حاصل کنند. عقیدهٔ نخست‌وزیر پس‌ازمسافرت بامریکا این شده‌بود که باید باصبر وتحمل قضیهٔ نفت را حل‌کرد وهنوز عقیده داشت که‌اگرمدتی تأمل‌درکارشده‌واستقامت‌نشان‌داده شود انگلستان بناچارشرائط اورا قبول‌کرده وقضیه راحل خواهدکرد. این بود که میخواست درداخل اتحادواتفاقی مانندآنچه درایام اولیهٔ حکومت اوموجودبود همواره برقرارباشد تا درفرصت مقتضی کارنفت را بانجام برساند. لکن انتخابات دورهٔ هفدهم وبحران اقتصادی‌طبقهٔ حاکمه را نگران‌کرده بود ومیبایستی بهرنحوی هست‌آنها راساکت و آرام نگاهدارد. هروقت لازم میشدکه ازمتنفذین استمالتی بشود دولت‌اقدامات شدیدی برعلیه حزب‌توده مینمود وهرگاه به‌میتینك وتظاهرات احتیاجی پیدا میگشت‌آزادی عمل‌بیشتری بدسته های چپ داده میشد. دراوایل سال ۱۳۳۱ دولت متوجه شدکه بایدمتنفذین‌راساکت وآرام نمود ولذا فشاررامتوجه عناصر چپ کرد.

درهفتهٔ اول فروردین ۱۳۳۱ تظاهرات غیر منظمی از طرف جوانان دموکرات که منتسب بحزب‌توده بودند ابرازشد ودستهٔ پان ایرانیستهاکه هواخواه دولت بودندبا آنها مخالفت‌کرده وکار بزد و خورد هائی در کوچه ها وخیابانهای تهران کشیدکه قریب به‌پنجاه نفرازطرفین مجروح وتوقیف شدند. روز ۸ فروردین‌متینگ بزرگی از طرف‌کانون جوانان دموکرات درمیدان فوزیه‌ترتیب داده‌شدکه عدهٔ کثیری درآنشرکت کردند وسخنگویان حملات شدیدی بامریکا وانگلستان ودولت وارتش نمودندودرپایان میتینك‌دستورداده شدکه شرکت‌کنندگان بطور دسته جمعی بطرف خانهٔ‌صلح وکانون جوانان دموکرات مراجعت‌کنند. درمراجعت تظاهرکنندگان شعارهای «امریکائی به کشور خودبرگرد» را مکررمیگفتند ورو بروی سفارت انگلیس تظاهرات شدیدی کردند. درخیابان نادری مأمورین انتظامی دستور دادندکه جمعیت متفرق شودولی‌این دستوراجرا نگردید وزد وخورد باپلیس شروع شدکه منتهی‌بکشته شدن دونفر وزخمی شدن بیش‌ازپنجاه نفرگردید. روزدهم فروردین دولت اعلامیه‌ای‌صادرکرده وگفت‌چون چندی است اجتماعاتی ظاهراً برای سخنرانی ولی عملا برای اقداماتی برعلیه امنیت و انتظام تشکیل داده میشود و درنتیجه جلوگیری مأمورین وحملهٔ اشخاص مفسده جو اغتشاش وآشوب بپا شده‌منجرباتلاف نفوس میگرددواین اقدامات دامنه‌دار برای‌ایجاد

اختلال امنیت وانتظام امورعمومی صورت میگیرد لهذا ازروزدهم فروردین برای یکماه حکومت نظامی درتهران وحومه برقرارمیشود.

روز ۲۳ فروردین نخست وزیرازنمایندگان دورهٔ هفدهم مجلس شورای ملی که تاآنوقت انتخاب شده بودند درمنزل خود جلسهٔ معارفه‌ای تشکیل داد وبیانات زیر را برای آنها ایرادنمود :

« بعد از تشکر و اظهار امتنان از آقایان نمایندگان محترم که بیشتر آنها از راه دور تحمل زحمت نموده و اینجانب را سرافراز فرموده‌اند اجازه‌میخواهم‌مطالبی راکه بنظر اینجانب واجد اهمیت بوده و لازم بعرض میدانم درینجا بیان نمایم.مطالب منظوره جزء اسرار نیست ولی علاج آنها از مشکلاتی‌است که بابد بهمت و کمك‌قاطبهٔ ملت که امروز شما آقایان نماینده آنها هستید صورت بگیرد . البته آقایان انتظار دارید و درین انتظار نیز محق هستید که تصور فرمائید همانطور که دولت در خلع‌ید شرکت اقدام نموده بایستی بفوریت درفروش محصولات نفتی هم اقدام میکرد که این بحران کنونی پیش نیاید . این منظور شما عین مطلوب دولت نیز بوده وهست ولی چه باید کرد که پیش‌آمد هائی رخ داد که کاملاً غیرمنتظره بود و نمیشد قبلاً پیش‌بینی نمود . روزیکه تصمیم گرفته شد اتباع انگلیس ازخوزستان خارج‌شوند وقسمتی‌ازخاك کشوررا که قبضه کرده بودند ترك کنند پاره‌ای مشکلات پیش‌بینی میشد . تصور میشد که بجای ۳۲ ملیون تن مواد نفتی که در سال اخیر شرکت سابق نفت تهیه میکرده ما بتوانیم خودمان لااقل پنج ملیون تن تهیه کنیم که قسمتی از حاصل فروش صرف‌مخارج بهره برداری شده و قسمت دیگر آن احتیاجات مالی ما را مرتفع کند و کارشناسان خارجی هم تصدیق میکنند که بدون کمك دیگران میتوانیم این مقدار نفت‌را تهیه کنیم. متأسفانه مشکلات بحدی بوده است که تا حال نتوانستیم ازنظر اقتصادی کامیاب‌شویم و این مشکلات بعضی داخلی وبرخی خارجی است که لازم میدانم هریك‌ازآنهارا توضیح وتشریح کنم .مامیدانستیم آنهائی که بواسطهٔ‌حمایت بیگانگان وفساددستگاه‌ما که آنهم معلول دخالت اجنبی در امور داخلی است موفق شده‌اند ثروت هنگفتی بدست آورند کوچکترین کمکی درین موقع تنگدستی بدستگاه این دولت نخواهند کرد وغلبه ملت را بر اجنبی موجب اضمحلال خود میدانند و بنابرین درمبارزهٔ ملت ایران با اجانب محال است که بکمك ملت خود برخیزند کما اینکه اوراق قرضهٔ ملی را بجز معدودی از متمکنین اشخاصی خریدند که بهیچوجه استطاعت مالی نداشتند . ما میدانستیم که بین ارباب جراید ونمایندگان مجلسین کسان معینی هستند که درخدمت‌وحمایت بیگانگان آنقدر تعصب دارند که از هیچگونه ناسزا و افتراء نسبت بهموطنان خود خودداری ندارند . . . . . ۱ و اما راجع بمشکلات خارجی ، ما تصور میکردیم اگر

(۱) دربین مطالب نقل شده از گفته های دیگران غالب قسمتهائی بوده که ربطی به مقصود نداشته ویا تکرار مطالب سابق بوده است و هرجاکه حذف آنها ازنظراختصارلازم بنظر رسیده جای آن چند نقطه گذاشته شده است .

بعوائد نفت احتیاج داریم دولت انگلیس هم بنفت ما نیازمند است چه نفت ما علاوه بر سوخت برای او در حکم کالائی بود که از انگلستان به ممالك دیگر صادر میکرد وبدینوسیله ازفروش نفت ایران تحصیل ارز مینمود و احتیاجات دیگر خودرا از سایر کشورها مرتفع میکرد[۱] ولی متأسفانه دولت انگلیس احتیاجات خود را بوسیلهٔ کمك امریکابرطرف نمود یعنی از امریکا دولار گرفت ونفت مورداحتیاج‌را خریداری کردو نتیجه‌این‌شد که بتواند مارا تحت‌فشارقراردهدیعنی‌هر کسی‌خواست‌ازما نفت‌بخرداورا از معاملهٔ باما منصرف ودستگاه نفت مارا متوقف کرد بطوریکه‌هر کسی‌هم که‌تاکنون‌باما قراردادی بسته آنرا اجرا نکرده است و اکنون ما درسر یك دوراهی واقع شده‌ایم که فی‌المثل یکی مارا بجهنم میبرد وآندیگری به بهشت.[۲] اگرما به حیثیات ملی خود پشت پا بزنیم وآزادی واستقلال خود را ازدست بدهیم واز تمام مفاخر تاریخی خود صرفنظرنموده طوق بندگی ورقیت را بگردن نهیم وباهرگونه شرائطی که بانکهای بین‌المللی بما تحمیل کنند موافقت کنیم این همان راهی است که ما را بجهنم میبرد و گمان ندارم چنین فرض‌شومی مورد رضای پادشاه محبوب شما ویامجلس هفدهم وسنا باشد . این‌نکته مسلم است درهراقدامی که بضرر یکطرف قوی صورت پذیرد حصول نتیجه ازآن اقدام‌آنقدرها آسان نیست . ملل رنجدیده که دچار پنجه های غدار وطماع دول استعماری هستند باید فداکاریها بنمایند تابتوانندآزادی واستقلال کامل خود را تأمین کرده ومنابع خدا داد کشورخویش‌را ازدست دیگران بدرآورده استفاده هائی‌را که دیگران ازکشور آنها میبردند خودشان ببرند . نیل باین مقصود مقدس درابتدای شروع بعمل مستلزم محرومیتها وازخودگذشتگیها وناکامیها میباشد . نا برده رنج گنج میسر نمیشود . تاریخ نشان‌نداده‌است که ملتی بدون تحمل‌شدائد درتأمین‌آزادی واستقلال خود توفیق حاصل کند . اگر کسانی تصور کنند که ممکن بود نفت‌این‌منبع زرخیز کشور را اززیر سلطهٔ بیگانه بیرون‌آورد وبانهایت سهولت مورد استفاده قرارداد ومسیرسیل طلا را ازلندن متوجه تهران نمود یقین‌است فکری خطا وناروا کرده‌اند . یاما بایستی بهمان سهمیهٔ ناچیزخود ازنفت اکتفا کرده واقدامی نمینمودیم ویاوقتیکه اقدام کرده‌ایم چاره‌ای جزاین نداریم که انواع تشبثات وضدیتها وکارشکنیهای حریف را تحمل‌نمائیم. . . . . ازمراتب وطن‌پرستی واستقلال دوستی هموطنان انتظارکامل دارم که دولت‌را درین مرحله تقویت نموده نگذارند منویات سودبران خارجی وطرفداران داخلی آنها پیشرفت نماید وعملیات یکساله ملت ودولت را خنثی نماید . مطالعات عموم‌علاقمندان

---

(۱) این اولین دفعه‌ای بود که دکتر مصدق باشتباه خود در بارهٔ احتیاج مبرم دیگران بنفت ایران اعتراف نمود و اگر این گفتار او با گفته های سابق او مقایسه شود معلوم خواهد گشت‌که تا چه اندازه کارشناسان خلق‌الساعه نفت او را اغفال‌کرده بودند .

(۲) در موقعی‌که بیانات فوق ایراد میگشت تازه ارقام افزایش بی‌نظیر محصول نفت کویت وعراق وعربستان سعودی درهمان سال اول بعد از ملی شدن نفت ایران منتشرگشته بود ولی هنوز توجه عمومی را جلب نکرده بودکه توقف استخراج نفت را در ایران با افزایش نفت‌کشورهای دیگر خاورمیانه جبران میکنند .

باین‌جا رسیده‌است که مشکل نفت صرفاً باصبروتحمل حل‌شدنی‌است واولین‌دوا وآخرین علاج را درین دانسته‌اند» .

بقیهٔ نطق فوق شرح و تفصیل برنامهٔ اقتصادی بود که نخست وزیر تقاضا داشت نمایندگان مورد مطالعه قرارداده ودراجرای‌آن مساعدت نمایند .

کمك های نظامی امریکا بایران چندماه بود که قطع شده بود ومذاکراتی بین دولت وسفارت امریکا جریان‌داشت که قرارداد راجع به‌کمك مزبوررا تجدید نمایند . قانونی که کنگرهٔ امریکا تصویب کرده مقررمیدارد کشورهائی که کمك نظامی‌واقتصادی ازدولت امریکا دریافت میدارند باید متعهد شوند که به نیروی دفاعی جهان آزاد کمك نموده‌ودرآن شرکت نمایند ولی‌درهمان قانون ماده‌ای هست که بصلاحدید رئیس‌جمهور میتوان بعضی ازکشورها را ازچنین تعهدی در مورد کمکهای اقتصادی معاف نمود . دولت دکترمصدق ازقبول چنین تعهدی درازای کمکهای‌امریکا امتناع داشت وبالاخره پس ازمدتها مذاکره فورمولی پیدا کردند و درتاریخ چهارم اردیبهشت دکتر مصدق نامه‌ای بسفارت امریکا نوشته وپس ازاستقبال ازکمك امریکا اظهارداشت : « وتاآنجا که منابع ثروت واوضاع عمومی ایران اجازه دهد ازاصول منشور ملل متحد پشتیبانی ودفاع مینماید وهمچنین برای‌تقویت‌استعداد دفاعی‌خودآنچه میتواند میکند وازهرطرفی که مورد حمله قرارگیرد با تمام قوا ازآزادی و استقلال خود دفاع خواهدکرد . » فوری پس ازارسال این نامه‌کمك اصل چهار بمبلغ ۲۳ ملیون وکسری بجریان افتاد و وزارت خارجهٔ امریکا اعلام داشت که کمك نظامی امریکا بایران ادامه‌خواهد یافت. این توفیق وضع دولت دکترمصدق‌را تقویت کرد ومعلوم داشت که دولت‌امریکابادولت انگلستان هم‌عقیده نیست که حکومت دکترمصدق را بافشاراقتصادی ساقط نماید .

روز هفتم اردی‌بهشت ۱۳۳۱ هفدهمین دورهٔ مجلس شورای‌ملی ازطرف‌شاهنشاه افتتاح گردید ودرنطق افتتاحیه این جمله دربارهٔ نفت ذکرشده بود :-

« تأمین رفاه مردم وبالابردن سطح زندگانی‌افراد مخصوصاً طبقهٔ کشاورزان وکارگران بوسیلهٔ اعمال تولیدی واستفاده ازمنابع طبیعی کشورازآنجمله بهره‌برداری ازمنابع نفت که صنعت‌آن درسراسرایران ملی‌شده‌است.»

دکترمصدق بواسطهٔ کسالت درموقع آئین‌گشایش مجلس حضور نداشت وسفیر روسیهٔ شوروی هم ازحضور درمراسم مزبورخودداری کرده‌بود. شهرت داشت که غیبت او بواسطهٔ عقد قرارداد جدید باامریکا راجع به‌کمك های نظامی بوده است .

روز دهم اردیبهشت دکترمصدق نامه‌ای به مجلس شورای ملی نوشت و درآن گفته بود که دولت بانهایت جدیتی که درصحت جریان امرانتخابات دورهٔ هفدهم بخرج داده آنطوریکه انتظارداشت توفیق حاصل نکرد و نتوانست از تجاوزات متخلفین جلوگیری کند ودرنتیجه انتخابات بعضی ازحوزه ها بصورتی درآمده که مورد اعتراض

شدیدمردم واقع شده است . سپس‌درین‌نامه چنین تذکرداده‌بود: « اکنون‌که مملکت ازخطرفترت نجات یافته ومقدرات‌کشور بدست اکثریت بزرگی از نمایندگان حقیقی ملت سپرده شده مجلس بخوبی میتواند روی انتخابات مخدوش خط بطلان بکشد و اشخاصی که‌نمایندهٔ حقیقی مردم نیستند وبرخلاف حق دربین نمایندگان واردکرده‌اند ردکند . »

واضح است که مقصود ازین‌نامه این بودکه اعتبارنامهٔ کسانی که مخالف دولت بودند رد شود ولی‌نمایندگان مجلس توجه‌زیادی بمندرجات این‌نامه نکردند وبرحسب معمول اعتبارنامه های یکدیگررا تصویب نمودند .

سناتور مرتضی قلی بیات مأمور فوق‌العادهٔ دولت در شرکت ملی نفت و کلیهٔ استان خوزستان‌که از تاریخ ۲۳ اردی بهشت بآبادان رفته بود طی مصاحبه ای بـا خبرنگارکیهان چنین اظهار داشت : ۱

« من برای تنظیم و ترتیب کار در شرکت ملی نفت و افزایش درآمد وکم کردن مخارج و بازرسی در مورد شایعات حیف ومیل شدن اموال شرکت‌ملی نفت و بررسی‌کامل از دارائی شرکت‌وتنظیم صورتهای منظم‌کار ورسیدگی‌کامل‌بامورمذکور باین استان آمده‌ام. آقای بیات درمورد شایعهٔ حیف ومیل‌شدن اموال شرکت ملی نفت واینکه‌چه اشخاصی مورد سوء ظن و مقصر شناخته‌اندگفت فعلا نمیتوانم اطلاعات‌کاملی اظهار دارم و آنطور هم‌که این شایعه درتهران شیوع یافته حقیقت ندارد ولی البته در تحویل و تحول اموال شرکت از انگلیسها بایرانیها حیف و میل هائی شده است که مورد تحقیق و رسیدگی است . در مورد نارضایتی هائی که هم‌اکنون درکارمندان وکادر فنی شرکت ملی نفت‌وجود دارد ومتأسفانه روزبروز روبتزاید است آقای‌بیات گفتند البته تحریکاتی وجود دارد (منبع این تحریکات را نگفت) معهذا کارمندان و کارگران همیشه جنبهٔ وطن پرستی و حفظ منافع عالیه مملکت را درنظر دارند و اگر اشخاصی در صدد تحریك و دامن زدن بـاین نارضایتی‌ها باشند مؤثر نبوده‌وجلوگیری خواهد شد . »

روز ۲۸ خردادکشتی نفتکش « روزمری » که حامل نفت ایران بمقصد ایتالیا بود وارد بندر عدن شدودر نتیجهٔ عرض حال شرکت نفت ایران و انگلیس بدادگاه عدن و صدور قرار از طرف دادگاه مزبور محمولات کشتی مزبور توقیف گردید . خریدار نفت یك شرکت ایتالیائی موسوم به «اپیم» بود و بـارکشتی قریب به ۹۰۰ تن نفت خام وخریدار بابت قیمت آن ۸۰۰۰ دولار نزد شرکت‌ملی نفت ودیعه گذاشته بود . این کشتی بطرز فوق‌العاده مرموزی مسیر عادی خودرا تغییر داده و به‌بندر عدن رفته بود ونمایندهٔ شرکت ایتالیائی «اپیم» درتهران ضمن نامه‌ای‌که بروزنامهٔ کیهان نوشته ودر شمارهٔ مورخهٔ دوم تیرماه درج شده مدعی بودکه توطئهٔ عمال شرکت نفت ایران و انگلیس ومالك کشتی موجب توقیف کشتی شده بود.

---

(۱) این مصاحبه در روزنامه‌کیهان ٦ خرداد ۱۳۳۱ چاپ شده بود

روز ١٤ تیر مجلس شورای ملی پس از تصویب اعتبارنامه ها آمادگی خود را اعلام کرد و طبق معمول دکتر مصدق استعفای دولت را بشاهنشاه تقدیم نمود . روز ١٥ تیرماه مجلس شورای ملی باکثریت به نخست وزیری مجدد دکترمصدق ابراز تمایل کرد . در موقع رأی درجلسهٔ خصوصی عدهٔ شرکت کنندگان در رأی ٦٥ نفر بودند که ده نفر ورقه سفید داده و ٥٢ رأی باسم دکترمصدق دو رأی باسم احمدقوام ویك رأی هم باسم نصرالله انتظام بود . روز ١٦ تیرماه مجلس سنا طی عریضه‌ای از شاهنشاه تقاضا کرد که فرمان نخست‌وزیری دکترمصدق صادر شود تا پس‌ازتشکیل کابینه ودقت در برنامه دولت نظر قطعی سنا اعلام گردد . همانروز دکتر مصدق اظهار داشت که تامجلس صریحاً اظهارتمایل بزمامداری او نکند از قبول مسئولیت معذور است . روز ١٣ تیرماه از ٣٦ نفرعدهٔ حاضر درجلسهٔ خصوصی مجلس سنا ١٤ نفر بنخست‌وزیری دکترمصدق ابراز تمایل کردند وبقیه آرا عبارت بود ازیك ورقه باسم سرلشگر زاهدی ١٩ ورقهٔ سفید ودو ورقه هم باطله . درابتدا دکترمصدق نسبت بکمی رأی خود در مجلس سنا معترض بود ولی‌هیئت رئیسهٔ مجلس سنا بااوملاقات کرده واورا قانع‌ساختند که زمامداری کشوررا دوباره قبول نماید .

روز ١٩ تیرماه فرمان نخست وزیری دکترمصدق ابلاغ شد و روز ٢٢ تیر وی درجلسهٔ خصوصی مجلس شورای ملی حضور بهمرسانده وتقاضای اختیارات فوق‌العاده نمود . اکثریت نمایندگان باتصویب چنین‌اختیاراتی موافق‌بوده ومعتقد بودند که برای اجرای اصلاحات ضروری اینگونه اختیارات لازم است و بعکس گروهی هم با این‌کار مخالف بودند .

پس از بحث مفصلی که درجلسهٔ خصوصی بوقوع پیوست قرار برین شد که تصمیم موکول بجلسهٔ بعد گردد . روز٢٥تیرماه نخست وزیر قریب سه‌ساعت باشاهنشاه ملاقات کرد وپس ازملاقات مزبوراستعفای خود را بشرح زیرتقدیم نمود :-

پیشگاه مبارك اعلیحضرت همایون شاهنشاهی

چون درنتیجهٔ تجربیاتی که دردولت سابق بدست آمده پیشرفت کار درین موقع حساس ایجاب میکند که پست وزارت جنگ را فدوی شخصاً عهده دار شود واین کار مورد تصویب شاهانه واقع نشده البته بهترآن است که دولت آینده را کسی تشکیل دهد که کاملاً مورد اعتماد باشد و بتواند منویات شاهانه را اجرا کند . با وضع فعلی ممکن نیست مبارزه‌ای را که ملت ایران شروع کرده پیروزمندانه خاتمه دهد

فدوی «دکترمحمدمصدق »

خبراستعفای دکترمصدق چه درداخل وچه درخارج مانند بمبی که ناگهان منفجر شود تأثیر فوق‌العاده‌ای نمود وتمام توجهات معطوف باین قضیه گردید که پس ازین قضیه چه وقایعی درایران رخ خواهدداد . نمایندگان جبههٔ ملی بی‌درنگ اعلام داشتند که بازمامداری هرکس جزدکتر مصدق مخالفت خواهند کرد و درمجلس شورای ملی متحصن‌شدند .روز ٢٦ تیرماه جلسهٔ‌خصوصی مجلس‌شورای ملی تشکیل‌وفقط ٤٢ نفر از

نمایندگان (که بیش ازنصف نمایندگان حاضر در مرکز بودند) درآن حضور یافتند و با ٤٠ رأی بنخست وزیری احمد قوام اظهار تمایل کردند.

روز ٢٧ تیرماه فرمان نخست وزیری احمد قوام صادرشد و نخست وزیرجدید به خبرنگاران جراید اظهارداشت اواختلاف نظر با کسانیکه صنعت نفت را ملی کرده‌اند ندارد ولی باراکد گذاردن صنعت مزبور مخالف میباشد همان‌روز اعلامیه‌ای صادر کرد که لحن آن شدید ومندرجات آن بدون‌واقع بینی وحزم واحتیاط تنظیم گردیده بود که تأثیر بسیارسوئی درافکار عمومی کرد وهمه تعجب کردند که یك سیاستمدار مجرب و آزموده‌ای که درگذشته موقع‌شناسی ومهارت خودرا مخصوصا درسیاست داخلی نشان داده است چرابا ید چنین اعلامیه‌ای راصادرنماید. بعدها معلوم گشت که کسالت مزاج و تلقینات بعضی از نزدیکان نادان موجب اغفال و گمراهی احمد قوام شده که دراعلامیهٔ خودگفته بود: «بهمان اندازه که ازعوام فریبی درامورسیاسی بیزارم درمسائل مذهبی نیز ازریا وسالوس منزجرم کسانیکه ببهانهٔ مبارزه با افراطیون سرخ ارتجاع سیاه را تقویت نموده‌اند لطمهٔ شدیدی بآزادی وارد ساخته زحمات بانیان مشروطیت را ازنیم قرن باینطرف بهدرداده‌اند. من‌درعین احترام بتعالیم مقدسه اسلام دیانت‌را ازسیاست دورنگاه خواهم داشت وازنشرخرافات و عقاید قهقرائی جلوگیری خواهم کرد... بعموم اخطارمیکنم که دورهٔ عصیان‌سپری‌شده وروزاطاعت ازاوامر ونواهی‌حکومت‌فرارسیده است. کشتیبان راسیاستی دگرآمد.»

صبح روز ٢٦ تیربیست وهشت نفرازنمایندگان مجلس شورای ملی که هوا خواه جدی دکترمصدق بودند اعلامیه‌ای‌صادر کرده واظهارداشتند که درشرایط فعلی ادامهٔ نهضت ملی جز بازمامداری دکترمصدق‌میسر نیست ودرتعقیب این‌اعلامیه بیانیه‌های‌متعددی ازطرف گروه های مختلف سیاسی منتشر گشت که همهٔ آنها ازدکتر مصدق طرفداری کرده ومردم رادعوت‌بقیام برعلیه‌هرحکومت‌دیگری که تشکیل‌شودمینمودند. آژانس‌های خارجی خبرسقوط حکومت دکترمصدق راباخوشوقتی توزیع نموده وجرایدانگلستان‌و امریکا تغییر دولت ایران‌را بفال نیك گرفته واظهارمسرت میکردند. درتهران شهرت یافت که احمد قوام بشاهنشاه پیشنهاد کرده‌است که فرمان انحلال مجلس شورای ملی صادرشود وقصد داردیك حکومت دیکتاتوری و ارتجاعی بنفع بیگانگان ایجاد نماید. حزب توده‌هم که تاآنوقت هواخواهی آشکار ازدکترمصدق‌نکرده بود علناً بهواخواهی او برخاست وبعموم اعضای خوددستورصادر کرد که خودرا مجهز برای اعادهٔ حکومت دکترمصدق بنماید.

درروزهای ٢٨ و٢٩ تیر بازارهای تهران تعطیل وتظاهرات ازطرف‌مردم برعلیه حکومت قوام ادامه داشت وزد وخوردهای‌شدیدی بین‌قوای انتظامی وتظاهرکنندگان بوقوع پیوست. قاطبهٔ مردم معتقدبودند که‌نهضت ملی باروی‌کارآمدن دولت‌قوام تضعیف خواهد شد وزحماتی که دریکسال گذشته درراه ملی کردن نفت‌تحمل شده وبامحرومیت های بسیار توأم بوده‌است نقش‌برآب خواهد گشت. روز ٣٠ تیر مردم تهران‌دست‌بتعطیل عمومی زدند وهزاران نفر زن ومرد درتظاهرات شدید وبی سابقه برعلیه دولت قوام

شرکت نمودند وعدهٔ زیادی بضرب گلوله و سرنیزهٔ قوای انتظامی مقتول و مجروح گردیدند. خبرهائی هم که ازشهرستانها میرسید حاکی ازاین بود که تظاهرات دامنه‌داری برعلیه دولت قوام وطرفداری ازدکترمصدق انجام گرفته بود. روزنامهٔ کیهان مورخهٔ ۳۰ تیر درسرمقالهٔ خودچنین نوشته بود:

«متأسفانه مأمورین انتظامی بجای اینکه بارویهٔ مسالمت‌آمیز خودازوقوع حوادث ناگوار جلوگیری کنند ومردمی را که حتی حاضرند برای نیل بهدفها وآرمان های ملی خود سینهٔ خویش راسپر نیزه وتفنگ سازند باحسن سلوك بحفظ نظم دعوت نمایند دست برفتاردور ازانتظاری زدند که مایهٔ تأثرعموم است وهیچ فرد بی‌انصافی باآن موافقت نتواند کرد. بروی مردمی که برادران آنها هستند و برای هدف وسعادتی که خود آنها هم درآن سهیمند ورشیدانه مبارزه می کنند تیرخالی کردند.» ونیزهمان روزنامه نوشته بود که درتظاهرات ۳۰تیر بیست نفر کشته وبیش ازهزارنفر مجروح ودویست نفربازداشت شده‌اند.

کسانی که ناظروشاهد وقایع روز ۳۰تیر بودند گواهی میدادند که تهران درآنروز خشمگین ومنقلب بود. مردم عصبانی ومصمم بودند که برای دفاع ازشرافت ومنافع ملی خود ازسروجان بگذرند. درمبارزهٔ وسیع روز ۳۰تیرهمه طبقات مردم سهیم وشریك بودند ولی ناظرین بیطرف وآگاه میگفتند که عناصرچپ واعضای حزب توده نقش مهمی را بازی کردند ودرمبارزهٔ مزبورسهم عمده‌ای داشتند.

بعدازظهر ۳۰تیرچندنفرازنمایندگان مجلس که عضوجبههٔ ملی بودند بکاخ سلطنتی رفته وجریان احساسات مردم رابشاهنشاه عرضه‌داشتند. عصرآنروزاحمد قوام ازنخست وزیری استعفاداد. صبح‌روز ۳۱تیرجلسهٔ خصوصی مجلس‌شورای‌ملی باحضور ٦٤ نفراز نمایندگان تشکیل وپس‌ازاخذرأی معلوم شد که ٦١نفرازحاضرین بنخست‌وزیری مجدد دکترمصدق اظهارتمایل نموده‌اند. عصر همانروز دکترمصدق درکاخ سعدآباد احضار گردید ودرهمانموقع بود که خبررأی‌دیوان بین‌المللی دادگستری هم در تهران انتشار یافت ومردم‌بواسطهٔ سقوط حکومت چند روزهٔ احمد قوام وتوفیق درلاهه غرق مسرت گردیدند. روزاول مرداد درجلسهٔ خصوصی‌مجلس از ٤١ سناتور حاضر ۳۳نفراظهارتمایل بنخست وزیری‌دکترمصدق نمودند وفرمان نخست‌وزیری اوصادر گردید. روز پنجم‌مرداد دولت جدیددکترمصدق بمجلس شورایملی معرفی شدوپست وزارت جنك‌راهم‌خودنخست وزیر عهده‌دار بود.

روزهشتم مرداد بانك انگلیس درخاورمیانه (که درسابق بنام بانك شاهنشاهی ایران معروف‌بود) فعالیت خودرا درایران متوقف ساخت وکارهای‌بانکی‌خودرا تعطیل کرد. نظر باینکه دولت ایران درشهریور ۱۳۳۰ معاملات‌ارزی بانك انگلیس را ممنوع کرده بود دیگربرای بانك‌مزبورصرف نداشت که فعالیت خودرادرایران‌ادامه دهدوبسته شدن بانك‌انگلیس یك‌توفیق‌دیگری برای‌دولت دکترمصدق درمبارزهٔ باانگلستان‌محسوب گردید.

درجلسهٔ ۱۲ مردادمجلس‌شورای‌ملی قانونی تصویب‌شد که‌مادهٔ اول آن‌چنین‌میگفت:- [۱]

(۱) این‌قانون درتاریخ‌هفتم تیرماه۱۳۳۱ ملغی شد

« چون احمد قوام یکی از عوامل مؤثر قتل وفجایع جریان اخیر که منتهی به کشتار دسته‌جمعی روز سی‌ام تیرماه ۱۳۳۱ وقیام مسلحانه علیه ملت ایران شده است تشخیص و مفسدفی‌الارض شناخته شده علاوه بر تعقیب و مجازات قانونی بموجب این قانون کلیهٔ اموال ودارائی منقول وغیرمنقول احمد قوام ازمالکیت اوخارج میگردد.»

درهمان جلسه قانون‌اختیاراتی که دکترمصدق تقاضا کرده بود بااکثریت زیادی بشرح زیر تصویب گردید : « بشخص‌آقای دکتر محمد مصدق نخست‌وزیر اختیار داده میشود که از تاریخ تصویب این قانون تا مدت شش‌ماه لوایحی که برای اجرای مواد نه‌گانهٔ برنامه دولت ضروری است ودر جلسهٔ هفتم مرداد ۱۳۳۱ درمجلس شورای‌ملی ودر جلسه یازدهم مرداد درمجلس سنا بشرح ذیل :

۱ - اصلاح قانون‌انتخابات مجلس‌شورای‌ملی‌وشهرداریها

۲- اصلاح امور مالی وتعدیل بودجه بوسیله تقلیل درمخارج وبرقراری مالیات های مستقیم ودرصورت لزوم مالیاتهای غیرمستقیم

۳- اصلاح امور اقتصادی بوسیله افزایش تولید و ایجاد کار و اصلاح قوانین پولی وبانکی

٤- بهره‌برداری از معادن نفت‌کشور با رعایت قانون نه ماده‌ای اجرای قانون ملی‌شدن صنعت نفت و تهیه وتدوین اساسنامه شرکت‌ملی نفت

۵ - اصلاح سازمانهای اداری وقوانین استخدام کشوری وقضائی‌ولشکری

٦ - ایجاد شورای‌محلی‌دردهات بمنظور اصلاحات اجتماعی بوسیلهٔ‌وضع عوارض

۷ - اصلاح قوانین دادگستری

۸ - اصلاح قانون مطبوعات

۹ - اصلاح امور فرهنگی وبهداشتی وارتباطی

تصویب شده است تهیه نموده و پس‌از آزمایش آنها را منتهی درظرف‌ششماه که مدت این اختیارات است تقدیم مجلسین نمایند وتا موقعیکه تکلیف‌آنها در مجلسین معین نشده لازم‌الاجرا میباشد . »

در مجلس سنا قانون فوق با مخالفتهای چندی مواجه گشت ولی‌درآن مجلس‌هم بالاخره درتاریخ ۲۰ مرداد بتصویب رسید . نکته‌ای که در ضمن مذاکرات جلسه ۲۰ مرداد مجلس سنا بیان شد وذکرآن حائز اهمیت است این میباشد که دکتر متین‌دفتری از قول دکترمصدق چنین گفت : «آقای نخست‌وزیر درجلسه دیروز اعتراف کردند که دادن اختیارات مطابق قانون اساسی نیست ولی وضع فوق‌العاده است. »[۱]

در خاتمهٔ این بخش اظهار نظر یك روزنامه انگلیسی و یك روزنامه امریکائی را دربارهٔ حکومت جدید دکترمصدق بطور نمونه نقل میکنیم . روزنامه تایمز لندن مورخه دوم مرداد ۱۳۳۱ در سرمقاله خود چنین نوشته بود :

« اغتشاش وآشوب واعتصاب ودرهم ریختن وضع موجب استعفای‌حکومت‌قوام شده‌است واکنون‌هرتقاضائیکه دکترمصدق‌بکند موردقبول شاهنشاه‌واقع‌خواهد گردید.

---

(۱) نقل از روزنامه کیهان مورخهٔ ۲۰ مرداد ۱۳۳۱ . دکتر متین‌دفتری برادر زاده و داماد دکترمصدق است و مسلماً نقل قولی‌که‌کرده صحیح بوده است و الا ازطرف دکترمصدق تکذیب‌میشد.

این نوع وقایع را میتوان بمنزلهٔ یك انقلابی بحساب آورد ونیروئی که موجد آن بوده همان نیروئی است که درایران جدید ظاهر گشته وعبارت است از نفرت از بیگانگان که دکترمصدق بترویج آن پرداخته وتعصب‌های مذهبی که کاشانی هادی وراهنمای آن بوده وبی‌اعتنائی عمومی بروش اقتصادی معقولانه وهواخواهی عمیقی از وضع نامرتب اداری. دکترمصدق همواره پیروی از سیاستهائی کرده است که مورد قبول احساسات عمومی بوده وبعواقب مادی آن اندك توجهی نداشته‌است. بااخراج شرکت نفت بیگانه، یك نوع ازاحساسات بخصوص ایرانیان راقانع وراضی کرده‌است ولی بطورمداوم ازتعقیب یك برنامهٔ جدی ومفید برای دولت امتناع کرده است. توده‌های مردم نظر اورا تأیید کرده وباونیرو داده‌اند. مآلاً قیمتی که ایران برای‌چنین رویه‌ای باید بپردازد بسیار گران خواهد بودلکن درحال‌حاضر ایران‌قیمت مزبوررا بحساب نمیآورد .»

وروزنامهٔ نیویورك تایمز مورخهٔ سوم مرداد ۱۳۳۱ چنین‌نوشته بود :-

«برای کسانی که بامنطق وبرهان سرو کاردارند درك این مطلب بسیار مشکل است که چگونه عدم مسئولیت اشخاص و انبوه مردم باعث شده که ایران درچنین وضع نامطلوبی قرارگیرد . احساسات ملی پر شور عامل مهمی در سیاست جهان میباشد مشروط برآنکه مثبت و سودمند باشد ولی هنگامیکه احساسات مزبور تبدیل بیك انتحار دست جمعی شود ازمرحلهٔ سلامت خارج شده و وارد مرحلهٔ بیماری روحی میگردد. ظاهراً دکترمصدق یك سیاستمدار ماهری بنظر میرسد واو باید بداند که با قبول مساعدت حزب کومونیستی توده (هرچند که چنین مساعدتی موقت باشد) برای ایجادآشوبهای ضدخارجی اوخود وکشورش را دریك وضع خطیری قرارداده است . اوباید بداند که ملل‌متحد تاکنون یکبار ایران را ازضمیمه‌شدن بروسیهٔ‌شوروی نجات داده وراهی راکه اکنون اوپیش گرفته‌است نجات‌ثانوی رادیگر موجه نخواهدساخت. طریقی راکه دکتر مصدق برای متشکل ساختن احساسات ملی اختیارکرده موجب ورشکستگی کشورش شده است ونتیجهٔ مستقیم دستورها وبیانات او که مبتنی برنفرت ازبیگانگان‌است هرروز برعدهٔ گرسنگان ایران میافزاید. دولت قوام هواخواه‌قانون و ازترور وقتل ونفس بیزاربود. اومیخواست که قضیهٔ نفت بطرز سریع وعادلانه‌ای‌حل گردد. او اعتدال رادرروابط باخارجیان ونظم وترتیب رادرداخل کشور پیروی‌میکرد وبعلت پیروی ازچنین سیاستی آشوبگران توده‌ای فریاد میکردندکه او را باید بدار آویخت. عناصری درین‌صحنه نمودار گشته است که ازرقص مرك یادآوری‌میکند. بطور قطع قانون ونظم وآراستگی ومنطق رخت بربسته‌است. این‌وضع حاکی ازاحساسات ملی‌نیست بلکه دیوانگی‌میباشد .»

بخش دهم - پیشنهاد های دولتین امریکا و انگلیس

درتاریخ ۱۶ مرداد وزارت‌خارجهٔ ایران نامهٔ زیررا بسفارت‌انگلستان‌ارسال داشت : -

«وزارت امورخارجهٔ شاهنشاهی بااظهار تعارفات خودبسفارت کبرای انگلستان توقیراً مراتب ذیل راباستحضار میرساند :

۱- ازآنجاکه ملی کردن صنایع ومؤسسات ازحقوق‌مسلم هرملتی است وباستناد همان اصل عده‌ای ازدول منجمله انگلستان بعضی‌از صنایع ومؤسسات اقتصادی را در کشور خود ملی کردند دولت ایران‌هم باتکاء همان‌اصل درنتیجهٔ اقدامات خلاف‌قاعده وظالمانه شرکت سابق‌نفت انگلیس وایران بنا براراده و پشتیبانی قاطبهٔ ملت ایران صنایع نفت رادرسراسر کشورملی اعلام نمود. شرکت سابق وهمچنین‌دولت انگلستان بدون توجه باین‌حق مسلم دولت ایران بطرح دعوای بی‌اساسی در دیوان بین‌المللی دادگستری مبادرت ورزیده ودیوان مزبور درتاریخ ۲۲ ژوییه ۱۹۵۲ رأی خودرا مشعر برعدم صلاحیت دررسیدگی بموضوع اعلام وقرارمورخ ۵ ژوییه ۱۹۵۱ راجع به اقدامات تأمینیه راباطل نمود .

۲- شرکت سابق نفت‌علاوه براینکه هیچگاه بتعهدات خود عمل ننموده ودولت انگلستان راوادارکرده که برخلاف حق بطرح دعوای بی‌اساسی در دیوان بین‌المللی دادگستری مبادرت نماید برای جلوگیری ازفروش نفت ایران در سراسر جهان نیز اقداماتی بعمل آورده‌که توقیف‌کشتی روزماری یکی از شواهد بارز آن است . شرکت سابق ودولت انگلیس از جهات متعدد بدولت ایران خسارت‌کلی وارد آورده است وموجبات مضیقهٔ مالی ومشکلات اقتصادی کشورایران رافراهم کرده‌اندکه بعضی ازآنها بقراریست‌که ذیلا شرح‌داده‌میشود :

الف) عدم تأدیهٔ دیون شرکت سابق‌بدولت ایران بابت‌سالهای‌اخیرکه بتصدیق شرکت سابق‌برده‌ها میلیون لیره بالغ میشود.

ب- خسارات ناشیه ازتأخیردیون مذکور .

ج- عدم تأدیهٔ وجوه متعلق بدولت ایران‌که دربانک‌های انگلستان تودیع‌شده.

د - خسارات ناشیه ازتأخیر وجوه مذکوره .

ه - مطالبات دولت ایران ازشرکت سابق وهمچنین خسارات دولت‌ایران ناشی ازاعمال‌آنشرکت ودولت انگلیس.

و- خسارت ناشیه ازجلوگیری ازفروش نفت ایران‌که براثر تهدید وارعاب و اسباب‌چینی شرکت سابق وکمک‌آندولت بشرکت‌مزبوربعمل‌آمده ودولت ایران‌را در فروش نفت خود دچاراشکالات ساخته‌است .

۳- باتوجه‌بمراتب مذکوره درفوق دولت شاهنشاهی انتظاراردلااقل وجوهی که تعلق‌آن بدولت ایران مورد تصدیق خودشرکت سابق‌است وتاکنون‌پرداخته‌نشده فوراً تأدیه‌گردد وهمچنین وجوه دیگری‌که متعلق بدولت شاهنشاهی است ودر بانک های انگلستان تودیع‌گردیده تحت اختیار دولت‌شاهنشاهی قرارگیرد ومخصوصا برای حفظ مناسبات وروابط حسنه ورفع هرگونه سوءتفاهم بین دوملت شرکت سابق نفت ازین ببعد ازاقدامات ناروا درجلوگیری ازفروش نفت ایران خودداری کند.

دولت شاهنشاهی باحسن نیتی که در مواد عدیده بثبوت رسانیده اینك نیز اعلام میدارد که بمنظور پیدا کردن راه‌حل برای رسیدگی بمطالبات ودعاوی حقهٔ شرکت‌در حدود قانون ۹ اردیبهشت ۱۳۳۰ و همچنین مطالبات و دعاوی متقابل دولت ایران حاضر است بانمایندگان شرکت واردمذاکره شود. ودرصورتیکه از طریق‌مذاکرات مستقیم بین نمایندگان‌شرکت سابق و دولت شاهنشاهی‌توافقی در اینباره حاصل‌نگردد شرکت میتواند دعاوی خود را در محاکم صالحه ایران اقامه نماید . دولت ایران انتظاردارد این‌حسن نیت دولت شاهنشاهی‌ازطرف دولت انگلستان‌چنانکه‌باید استقبال شده وبشرکت‌سابق‌توصیه کنند که نمایندگان‌خودرا برای‌مذاکره‌دراین امر بادولت‌ایران تعیین نماید .لزوماً متذکرمیشودچنانچه در پرداخت وجوه متعلق‌بدولت ایران‌ازطرف بانکهای انکلیس و شرکت سابق تأخیر ومسامحه شود و یا شرکت سابق ودولت انگلستان اقدامات نامشروع‌خودرا بهرصورت که باشد علیه‌ایران‌ادامه دهند مسئولیت کلیهٔ اقدامات مزبور و خسارات ناشیه ازآن من جمیع‌الجهات متوجه دولت انگلیس و شرکت سابق نفت خواهد بود . »

روز هشتم شهریور ۱۳۳۱ اعلامیهٔ زیر از طرف نخست وزیر بوسیلهٔ رادیو پخش گردید : -

« درتاریخ چهارشنبهٔ پنجم شهریورماه جاری برابر با ۲۷ اوت۱۹۵۲ جنابان لوی هندرسن[1] سفیرکبیرامریکا وژرژ میدلتن‌کاردارسفارت‌انگلستان اینجانب‌را ملاقات وپیام ذیل را ازجانب رؤسای دولتین خود تسلیم فرمودند . اینجانب با دلائل قویه ثابت کردم که این پیام دربین مردم حسن‌اثرنخواهد داشت و انتظار این بود که جواب یادداشت مورخ ۱٦ مرداد ۱۳۳۱ برابر با۷ اوت ۱۹۵۲دولت ایران را داده باشند. آقایان جواب دادند که بنابرین موضوع مستور و نا دیده و محرمانه بماند تایکهفتهٔ دیگرجواب یادداشت را خواهیم‌آورد . امروز ساعت سه ونیم بعد از ظهر متفقاً از اینجانب ملاقات وعین پیام چند روز قبل خود را تسلیم نمودند ومعتقد بودند که چون ازروی حسن نیت تنظیم شده است حسن اثرخواهد داشت . اینجانب‌نظرسابق خودرا تأیید نمودم واظهارداشتم که این دولت بااین پیام بهیچوجه نمیتواند موافقت کند ودر مردم سوء اثرخواهد کرد وبرای‌آنکه تبادل نظری با نمایندگان مجلسین و پیشوایان ملی شده وازافکارعمومی نیزکسب نظری شده باشد اینك بانتشار آن اقدام مینمایم وازآقایان نمایندگان خارج از مرکز وخارج ازکشور خواهش میکنم[2] هرچه زودتر درمرکزحاضرشوند و همین که هریك از مجلسین بحد نصاب قانونی رسید نمایندگان نظرخودرا اعلام دارندتاجواب‌پیام مزبور طبق‌تصویب مقامات قانونی ملی‌داده‌شود .

---

(۱) Loy Henderson

(۲) درآنموقع مجلسین تعطیل وغالب نمایندگان به مرخصی رفته بودند.

۲۰ اوت ۱۹۵۲ (هفتم شهریور۱۳۳۱)

جناب آقای دکترمحمد مصدق نخست وزیر ایران

افتخارداریم طبق تعلیماتی که از دولتهای مربوطهٔ خود دریافت داشته‌ایم پیام مشترکی‌را که رئیس‌جمهوری کشورهای متحده‌امریکا و نخست‌وزیر بریتانیای کبیر بعنوان جنابعالی فرستاده‌اند بدین‌وسیله تقدیم کنیم .

لوی . و . هندرسن — سفیر کبیر کشورهای متحده امریکا

ج . ه . میدلتون — کاردارموقت علیاحضرت ملکه انگلستان

ترجمهٔ متن پیام رئیس جمهوری کشورهای متحد امریکا و نخست وزیر کشور متحد انگلستان بآقای دکترمصدق نخست وزیرایران

اینجانبان تلگرافهای واصله از سفارت های کبرای مربوطهٔ خود را در ایران دربارهٔ مذاکرات اخیری که باجنابعالی بعمل آمده است وهمچنین یادداشتی را که در در هفتم‌اوت ۱۹۵۲ (۱۶مرداد۱۳۳۱) بعنوان‌دولت علیاحضرت ملکه انگلستان ارسال داشته بودید مورد مطالعه قرار داده‌ایم . بنظر اینجانبان مطلب روشن است که حل رضایت‌بخش مسئلهٔ نفت مستلزم اقدام فوری ازطرف هرسه دولت خواهد بود .

اینك پیشنهاد اقداماتی را که دولتین ما حاضرند بعمل آورند بضمیمه ارسال میداریم‌وصمیمانه امیدواریم که مورد تصویب آنجناب واقع‌شود ومنتج بحل‌رضایت‌بخش موضوع گردد .

محرك ما احساسات دوستی صمیمانه و تاریخی است که نسبت بملت و مردم ایران داریم وقلباً آرزومندیم‌هرچه‌زودترموجبات حل‌سریع ومنصفانهٔ اختلاف کنونی‌را فراهم سازیم .

هری . س . ترومن — **وینستن س . چرچیل**

ضمیمه

۱ــ موضوع غرامتی که بابت ملی شدن مؤسسات شرکت نفت انگلیس و ایران واقع درایران باید پرداخته شود بادرنظرگرفتن وضع حقوقی‌طرفین که بلافاصله قبل ازملی شدن موجود بوده است وباتوجه بکلیهٔ دعاوی ودعاوی متقابلهٔ طرفین بدیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع خواهد شد .

۲ــ نمایندگان مناسبی از طرف دولت ایران و شرکت نفت انگلیس وایران تعیین خواهند شد که بایکدیگرمذاکره کنند و ترتیب جریان نفت را از ایران ببازار های دنیا بدهند .

۳- چنانچه دولت ایران باپیشنهادهای مندرجه دردو بند فوق موافقت فرمایند :

الف - نمایندگان شرکت نفت انگلیس وایران برای حمل نفتی که هم اکنون درایران ذخیره‌است اقدام بتهیهٔ وسائل لازم خواهند نمود وهمینکه موافقتهائی دربارهٔ قیمت حاصل شود وشرائط فنی برای بارگیری اجازه دهد بابت‌هرمقدارنفتی که بتوان هرچه زودترحمل کرد پرداخت مقتضی بعمل خواهدآمد .

ب - دولت علیاحضرت ملکه انگلستان پاره‌ای تضییقات موجوده نسبت بصادرات (کالا) را بایران ونسبت باستفاده ایران از (وجوه) استرلینگ مرتفع خواهد ساخت.

ج - دولت کشور های متحد امریکا فوراً مبلغ ده میلیون دلار بلاعوض بدولت ایران برای کمك دررفع مشکلات بودجه‌ای‌آن دولت خواهد پرداخت .

قرارداد مخصوص

دولت کشورمتحدهٔ بریتانیای کبیر وایرلند شمالی ازیکطرف ودولت شاهنشاهی ایران ازطرف دیگرموافقت نموده‌اندکه موضوع غرامتی را که باید بابت ملی شدن مؤسسات شرکت نفت انگلیس وایران واقع درکشور ایران پرداخت شود با رعایت وضع حقوقی طرفین که بلافاصله قبل ازملی‌شدن موجود بوده و با توجه بکلیهٔ دعاوی ودعاوی متقابلهٔ طرفین بحکمیت رجوع نمایند . این قرارداد بتصویب دوکشورخواهد رسید و سند تصویب هرچه زودتر در تهران مبادله خواهد شد . پس از مبادلهٔ اسناد تصویب این قرارداد ممکن‌است ازطرف هریك ازطرفین بدیوان دادگستری بین‌المللی اعلام گردد. درتصدیق مراتب‌فوق امضاء کنندگان زیر که‌ازطرف‌دولت های‌مربوطهٔ‌خود اجازه واختیاردارند ذیل قرارداد حاضررا امضاء نموده‌اند .

در این روز در دونسخه بانگلیسی وفارسی تنظیم و متن هردو دارای اعتبارمتساوی خواهد بود . »

درتاریخ۲۵شهریور ۱۳۳۱ نخست وزیر گزارش‌زیررا به مجلس‌شورای‌ملی‌داد :-

« لازم بعرض و اظهار نیست که پس ازملی شدن صنعت نفت دولت این جانب به پیروی ازافکارعمومی کمال حسن نیت را برای حل منصفانهٔ این مشکل بکاربرد اما متأسفانه ازهمان‌آغازکار دولت انگلستان که بدون حق خودرا درین‌اختلاف وارد کرده بود نگذاشت این‌کار بموقع وباحسن تفاهم و برطبق موازین قانونی تصفیه و تمام شود وکوشش بسیار نمود تاموضوع رابعنوان اختلاف دو دولت بشورای امنیت برده بعنوان اینکه ملی شدن صنایع نفت درایران صلح جهانی را تهدید میکند از شورای امنیت داوری وحکمیت طلب کند درصورتیکه جریان امرکاملا برخلاف آن‌بود چه دولت بپیروی ازتمایلات ملی درحدود اختیاراتیکه هرملت درامور داخلی خود دارد ومنشور ملل متفق نیزآنرا تأییدکرده است دست باینکارزد ودراین‌باره مجال حرف وچون و

چرا نبود وحقاً اگرمیبایست بشورای‌امنیت‌شکایتی شود این‌شکایت‌ازطرف دولت‌ایران میبایست بشود. زیرا دولت‌انگلستان بافرستادن‌قوای‌زمینی‌وهوائی‌ودریائی‌خود بسرحدات مجاورایران مارا باشغال نظامی تهدیدمیکرد وتمام قدرت خودرا بکارمیبردتا باتهدید وارعاب مقاومت دلیرانه ملت ایران رادرهم شکسته وباردیگر تسلط شرکت سابق‌را برنواحی نفت خیزمستقر کند وبازسالیان درازملت ایران درفقرومسکنت بسوزدوبسازد وعواید نفت خودرا بکیسهٔ سرمایه داران طمع وزر بریزد. خوشبختانه این‌اقدام‌بجائی نرسید وحقانیت ملت ایران وطمع‌کاری شرکت‌سابق ودخالت‌های ناروای‌عمال‌انگلیس درامور داخلی ایران همه ازپرده بیرون افتاده وبسمع جهانیان رسید وموجب شدکه شورای امنیت نتواند تصمیمی برضرر ایران اتخاذکند وچنین اظهار نظرکندکه چون موضوع دردیوان‌بین‌المللی‌دادگستری‌لاهه‌مطرح‌است تا اتخاذتصمیم‌ازآن دیوان‌موضوع در دستور بماند. درنتیجهٔ این تصمیم شکایت دولت انگلیس دردیوان لاهه‌که قانوناً مرجع رسیدگی باختلاف بین دو دولت است تعقیب شد ودولت ایران در مقابل تمام تحریکات عوامل داخلی‌وخارجی سخت مقاومت‌نمود وعدم صلاحیت دیوان‌مزبوررا اعلام داشت. برای‌جلوگیری ازتبلیغات سوء دولت انگلستان‌که میکوشدتا برخلاف حق‌ایران را بموازین واصول بین‌المللی بی‌اعتنا نشان دهد و باصطلاح برای ما پرونده بسازد اینجانب تصمیم‌گرفتم شخصاً درداد‌گاه حاضرشوم ودلائل خودرا مبنی برعدم صلاحیت دیوان عرضه بدارم. دراین وهله نیز حق وعدالت پیروزشد ونظریهٔ دولت‌ایران مورد تصویب دیوان‌لاهه قرارگرفت وبا این‌رأی منصفانه مساعی دولت انگلستان دروانمود کردن عدم حقانیت مردم ایران نقش برآب‌شد ودنیا ادامهٔ مظالم یکدولت استعماری راکه برای بسط نفوذ وتسلط دیرینهٔ خود دریك‌کشور ضعیف بانواع حیل و دسائس توسل وتمسك میجست بیش‌ازاین نپسندید وباید عرض‌کنم مااین پیروزی‌را از همان ابتدای نهضت ملی‌درافکارعمومی جهان بدست‌آورده بودیم‌ودولت انگلیس بیهوده‌می‌کوشدکه حق راباطل جلوه دهد وباطل‌را برکرسی حق‌بنشاند.

پس ازصدوررأی دیوان چنین بنظرمیرسیدکه دولت انگلستان ازمظالم دیرین خود دست‌بکشد ودوستی ملت ایران رابرمنافع مادی‌خودکه جبران‌آن ازطرق دیگر برای‌آن دولت‌آسان بود رجحان دهد. متأسفانه بازهم این لجاج وعناد ادامه یافت و قریب ۱۵ روز از رأی دیوان لاهه‌گذشت ولی آثاری‌که دال بر ابراز حسن نیت باشد از آن دولت مشهود نگردید تا اینکه در تاریخ ۱۶ مرداد ماه ۱۳۳۱ دولت اینجانب یادداشتی بوسیلهٔ سفارت‌کبرای انگلیس برای آندولت فرستاد. و باز دولت ایران انتظار داشت‌که باتوجه بوضع وخیم اقتصادی‌ایران دولت‌انگلیس از محاصرهٔ اقتصادی‌که برخلاف موازین بین المللی ایجادکرده بود دست بکشد وبه شرکت سابق توصیه نماید با پرداخت فوری ده‌ها ملیون لیره مطالبات دولت ایران

برای تأمین میزان غرامت عادلانهٔ مایملك خودباتوجه بدعاوی متقابل‌ما بادولت وارد مذاکره شود. ولی‌دولت‌انگلیس که‌ازسیاست‌دفع‌الوقت زیان‌ندیده‌ومردم‌ایران‌را گرفتار بحران اقتصادی ساخته بودباین امیدکه ادامهٔ بحران مقدمهٔ گشایشی درکار او بشوددر ارسال پاسخ‌آنقدر تأخیر وتعلل رواداشت‌که اینجانب موضوع را بنمایندهٔ آن دولت تذکر داده و علت این تأخیر را جویا شدم تاسرانجام روزپنجم شهریورماه ساعت‌ده صبح سفیر کبیر امریکاو کاردارسفارت‌انگلیس بدیدن این‌جانب‌آمده‌متن پیامی که بامضای پرزیدان ترومن ومسترچرچیل رسیده بودتسلیم نمودند. مذاکرات طرفین بیش‌از سه ساعت بطول انجامید درآن جلسه باطلاع نمایندگان دولتین رسانیدم که پیام مزبور برای ملت ایران قابل‌قبول نیست وتقاضا کردم که پس‌ازمذاکره بادولتین‌آنرا مسترد کنند. این تقاضا را پذیرفتند وقبل‌ازاینکه بادول متبوعه خود داخل درمذاکره شوند پیام را پس‌گرفتند و چنین قرارشدکه مذاکرات طرفین .مکتوم بماند تا بتوانند در ظرف یك هفته جواب یادداشت ١٦ مرداد دولت ایران را بدهند . ولی قبل از انقضای مدت از اینجانب مجدداً ملاقات و اظهار نمودندکه جواب یادداشت همان پیام است‌که بزعم‌آنها ازروی‌کمال حسن‌نیت تنظیم شده وهیچگونه تغییری در آن میسرنیست پیام مزبور وضمائم آن برای استحضار آقایان نمایندگان محترم عیناً بعرض میرسد (در بالا نقل شده) چون لازم بودکه علت‌عدم قبول را باطلاع عموم برسانددر٢٦ شهریورماه١٣٣١درجلسه‌ای مرکب‌از جرائد داخلی وخارجی‌نظر خودرا بصورت‌اعلامیه بمضمون ذیل‌منتشر نمود.

«آقایان محترم»

چنانکه خاطرمحترم‌آقایان مسبوق است پس‌ازرأی دیوان دادگستری لاهه‌مبنی برعدم صلاحیت خود دررسیدگی‌بدعاوی غیروواردانگلستان برای اینکه‌دولت‌ایران بار دیگر حسن‌نیت خود را بجهانیان ثابت‌کند در تاریخ ١٦مرداد ١٣٣١مطابق ٧ اوت ١٩٥٢ ضمن یادداشتی‌که بدولت انگلستان فرستاد آمادگی خود را برای تجدید مذاکرات‌اعلام‌نمود . انتظار میرفت‌که پس‌ازصدور حکم دیوان‌دادگستری بین‌المللی و رعایت پیشنهاد دولت انگلستان باحترام و تبعیت از اصول و مقررات بین‌المللی و رعایت تأمین صلح جهانی در روش خود نسبت بایران تجدید نظر نماید . متأسفانه پیام اخیر نشان میدهدکه اولیای امور انگلستان در لفافهٔ عبارات تازه عیناً وبلکه شدیدتر همان مقاصد سابق خود را دنبال‌میکنند ووقعی باحساسات ملل و تحولاتیکه در ایران و سایر نقاط جهان بوجود آمده نمیگذارند و مطلقاً توجهی باوضاع و احوال بین‌المللی ندارند . علل عدم موافقت دولت اینجانب با پیام اخیر دولتین امریکا و انگلیس متعدد است اینك بذکر پاره‌ای از آنها میپردازم :

بدواً لازم است باین نکته توجه بفرمائید که درپیام مزبور چنین اظهار شده: «محرك ماا حساسات دوستی صمیمانه وتاریخی است که نسبت بملت ومردم ایران داریم و قلباً آرزومندیم هرچه‌زودتر موجبات حل‌سریع ومنصفانه اختلاف کنونی را فراهم‌سازیم.» دولت و ملت ایران باوجود صدماتی که ازحکومت هائی مختلف انگلستان در قرن اخیر متحمل شده‌اند همیشه آرزوی‌تشیید روابط‌حسنه باملت انگلستان‌راداشته‌ودارند. همچنین در باب حل سریع اختلاف کنونی با شرکت سابق گمان نمیکنم محتاج باشد گفته شود که دولت اینجانب پیوسته نهایت علاقه‌را بتسریع حل اختلاف داشته و دارد ولی‌متأسفانه بامساعی زیادی که دراینراه بکاررفته چنانکه می‌دانیدتا کنون توفیقی‌حاصل نشده است. اما راجع بحل منصفانه اختلاف به نظر اینجانب تمام اختلاف در همین نکته راه حل منصفانه است زیرا راه حلی که در این پیام پیشنهاد شده نه تنها بهیچوجه منصفانه نیست بلکه بمراتب ازراه حلهای سابق شدیدتر وغیرعملی‌تراست. پیش ازاین که دلائل غیرمنصفانه بودن پیام را باتحلیل وتجزیه اجمالی شرایط منضمه به پیام توضیح دهم از ذکر این نکتهٔ اساسی ناگزیرم که بطورکلی از پیام وشرایط منضمه بآن چنین مستفاد میشود که بدینوسیله میخواهند یك مسئلهٔ کاملاً داخلی را بصورت یك اختلاف بین دول درآورند یعنی نتیجهٔ تمام زحمات و مبارزاتی را که دولت ایران در راه دفاع از حق حاکمیت خود متحمل شده و توفیقی را که در دیوان دادگستری بین‌المللی بدست آورده با تحمیل این شرایط از میان ببرند. توضیح آنکه دولت انگلیس‌چون باوجود تشبثات عدیده ازطرفی نتوانست بقرارداد تحمیلی ۱۹۳۳ عنوان قرارداد بین دو دولت بدهد و از طرف دیگر چون محاکم ایران برطبق اصول حقوقی حاضر بقبول دعوای شرکت سابق هستند بهانهٔ استنکاف ازاحقاق حق هم ازدست‌آن دولت گرفته شده ودیگر باین عنوان نمیتواند اذهان ملل دنیا را مشوب کرده بعنوان حمایت ازشرکت وارد اختلاف شود میخواهد از این راه اسباب مداخلهٔ خود را فراهم سازد و حال آنکه مداخلهٔ آندولت در روابط بین دولت ایران و شرکت سابق بهیچوجه مورد ندارد. زیرا دولت ایران همانطور که مکرر اظهار داشته و در یادداشت ۱۶ مرداد ۱۳۳۱ هم مجدداً تذکر داده پیوسته حاضر است بدعاوی شرکت سابق خواه بوسیلهٔ مذاکرات مستقیم و خواه بوسیلهٔ محاکم صالحه رسیدگی نموده با رعایت حقوق طرفین رفع اختلاف کند.

پس‌ازاین مقدمهٔ کلی بتحلیل وتجزیه اجمالی شرایط منضمه بپیام می‌پردازم:

مادوهٔ اول - درمادهٔ اول علاوه برنکتهٔ اساسی مذکوره درفوق یعنی سعی در تبدیل‌اختلاف داخلی‌باختلاف بین دول که بهیچوجه‌قابل‌قبول نیست موضوعات‌دیگری‌را بمیان‌آورده‌اند.ازجمله یکی‌موضوع‌ارجاع‌تشخیص‌وتعیین«غرامت»است بدیوان‌دادگستری

بین‌المللی. برآقایان محترم پوشیده‌نیست که پس از قرار عدم‌صلاحیت‌دیوان‌دادگستری بین‌المللی دیگردرسراسرجهان مرجع قضائی که صالح برای رسیدگی باختلاف دولت ایران وشرکت سابق نفت باشد جزمحاکم ایران وجود ندارد .حال اگر شرکت‌نفت برطبق اصول‌کلی آئین دادرسی بخواهد بمحکمهٔ صالحه یعنی محاکم‌ایران‌رجوع کند البته میتواند هرنوع ادعائی را تحت عنوان غرامت درعرضحال خـود بگنجاند. زیرا هرمدعی وقتی بمحکمه‌ای که بالاصاله واجد شرایط رسیدگی‌است رجوع کندحق دارد موضوع دعوای خود را هرقدر بخواهد توسعه دهدولی همین‌مدعی اگرخواست بمحکمهٔ دیگر یعنی بمحکمه‌ای که بخودی خـود واجدصلاحیت‌نیست‌مراجعه کندموافقت‌مدعی‌علیه هم لازم میآید و اولین شرط توافق‌اینست که طرفین‌درماهیت وحدود اختلاف فیمابین باهم‌کنار بیایند یعنی معلوم‌کنند چه مطالبی را میخواهند بمحکمه مورد توافق رجوع کنند. بعبارت واضح تر شرکت سابق‌ودولت ایران باید معلوم نمایند که‌چه‌موضوعاتی را میخواهند در دعوای خود مورد رسیدگی قرار دهند . من‌باب‌مثل بعضی از دعاوی متقابلهٔ ایران را که باید مورد رسیدگی‌قرارگیرد ازاین قبیل است:

الف ـ تأدیهٔ دیون شرکت سابق بدولت ایران بابت سالهای اخیر و خسارت تأخیر تأدیهٔ آن .

ب ـ خسارات ناشیه ازجلوگیری ازفروش نفت ایران‌که براثر تهدید و ارعاب واسباب چینی شرکت سابق وکمك دولت انگلیس بشرکت مزبور بعمل‌آمده ودولت ایران را درفروش نفت خود دچاراشکالات ساخته است .

ج ـ حقوق‌گمرکی وانحصاری دولت ایران‌که درعهدهٔ شرکت سابق است .

د ـ مالیات مواد نفتی مصرفی نیروی متفقین درایران .

شرکت سابق هم باید بهمین نحو معلوم ومعین نماید که چه دعوائی‌را میخواهد بعنوان غرامت مورد رسیدگی قرار دهد . پس از توافق در این امر البته ممکن است موضوع اختلاف را بمحکمهٔ مورد توافق ارجاع نمود و بعکس تا درموضوع دعوای غرامت موافقت حاصل نشود توافق‌در ارجاع‌امر بمحکمه‌ئی سوای محکمهٔ‌ایران میسر نیست. مطلب دیگراین‌ماده راجع است بعبارت « وضع حقوقی طرفین‌که بلافاصله قبل ازملی شدن موجود بوده‌است . »

خاطر آقایان مستحضر است‌که ملت ایران قرارداد تحمیلی ۱۹۳۳ را باطل و کان لم یکن میداند و حتی باید بگویم‌که بدون‌شك محرك اساسی مبارزات ملت ایران تحمیل ظالمانهٔ همین قرارداد و آثار مترتبه بر آن بوده است بنا بر این واضح است‌که بهیچوجه من‌الوجوه ملت ایران حاضر نیست‌که به آن قرارداد کمترین ترتیب‌اثری بدهدوحال‌آنکه باقید عبارت «وضع‌حقوقی‌طرفین» میخواهند آن قرارداد منحوس را زنده‌کنند . گمان میکنم فعلاً بیش‌ازاین لازم نیست درباب

مادهٔ اول صحبت شود .

مادهٔ دوم - اگرمنظور ازآن ماده ترتیب قرارداد خرید نفت باشد دولت‌ایران حاضر بودن خودرا برای‌فروش نفت بتمام خریداران مکرراعلام داشته‌است وخریداران میتوانند نفت را پس از موافقت در قیمت هرقدرکه بخواهند خریداری کنند ولی اگر منظوردیگری درمیان باشد مثلاً بخواهند بدینوسیله درامورادارى وفنى نفت مداخله کنند واضح است که این‌امرقابل قبول نیست .

مادهٔ سوم - غیرمنصفانه وحتی‌موهن بودن پیام درمادهٔ سوم بیش ازهمه جا هویدا است، زیرا مفاد مادهٔ سوم این است که دولت‌انگلیس همه قسم فشارغیرقانونی بدولت وملت ایران وارد آورده و هرمضیقه‌ای که ممکن بود برای ما فراهم کرده است ولی اینك میگوید اگربشرایط پیشنهادی من عمل کنید ازاین ببعد ازسخت‌گیری‌وفشارخود میکاهم . خوب توجه فرمائید که‌صرف این‌پیشنهاد قطع‌نظرازموضوعات‌آن‌چقدرمنصفانه ودوستانه است ! اماموضوعات‌این‌ماده درسه‌بند بیان‌شده : موضوع بند الف اینست که دولت‌انگلیس‌میگویدشرایط ناروائی‌راکه دراین پیام‌ذکرشده بپذیرید تا مشتری، یعنی شرکت سابق ، نفت موجود شمارا خریداری کند . آیا بزعم آقایان نفت موجود را خریدن و قیمت آنرا پرداختن معامله است یا چنان مساعدت وکمك بی مانندیست که درازاء آن دولت ایران باید تن بقبول چنین شرایط سنگین بدهد ؟ آیا انصافاً معامله نفت هیچ ارتباط و ملازمه‌ای با تحمیل این شرایط دارد ؟ حال بفرض محال دولت ایران این شرایط را هم پذیرفت آیا تصور میفرمائید پس از قبول آن شرایط نفت موجود ایران بقیمت عادله بفروش خواهد رسید؟ متأسفانه باید عرض کنم خیر زیرا برفرض هم که دولت ایران این شرایط را قبول کرد چون شرط اساسی معامله یعنی‌تعیین قیمت نفت برطبق همین بند الف ببعد موکول شده خریدار بازمجال خواهد داشت که قیمت خودرا بفروشنده تحمیل کند چه پس‌ازقبول شرایط دولت ایران یا باید قیمتی‌را هم که شرکت سابق می گوید بپذیرد ویا با وجود اینکه سایرشرایط را پذیرفته‌ازفروش‌نفت‌صرفنظر کندیعنی‌درهردوحال بادست خوداسباب‌ضرروزیان‌خودرا فراهم‌سازد. موضوع‌بند (ب) مادهٔ‌سوم‌اینست که‌دولت‌انگلیس پس‌ازتحمیل‌تمام‌این‌شرایط فقط پارهٔ ازتضییقاتی‌راکه تاکنون‌روا میداشته برطرف مینماید ودررفع تضییقات‌دیگر منجمله عدم پرداخت وجوه نقد متعلق بایران که صریحاً درترازنامه‌های شرکت سابق مذکوراست وسایرمطالبات دولت‌ایران که در یادداشت ۱۶ مرداد دولت ایران اجمالا ذکرشده سخنی‌درمیان نیست .

پیش ازختم کلام ازاین نکته نمیتوانم‌صرفنظرکنم که ازسراپای این‌پیام اینطور

استنباط میشود که برای دولت انگلستان چنین تصور باطلی حاصل شده که در نتیجهٔ تضییقات آن دولت اکنون دولت و ملت ایران بآن درجه از استیصال رسیده اند که بقبول هر قسم شرایطی حاضر شده و بمعاملهٔ اضطراری گردن گذارند وحال آنکه باوجود تمام مشکلات اقتصادی ومالی ملت ایران بهیچ قیمتی حاضر بقبول شرایط ناروا که باستقلال سیاسی یا اقتصادی یا خدای نخواسته بحیثیت وشرافت ملت ایران لطمه وارد سازد تن درنخواهد داد. این بود مجملاً عللی که دولت ایران را ازموافقت بایادداشت مشترك دولتین ممنوع نمود البته دولت پس از کسب نظر مجلسین جواب یادداشت را خواهد داد.

بااینکه یقین داشتم پیام دولتین مورد تأیید ملت ومجلسین نیست نخواستم بدون مشورت مجلسین جوابی به آن داده باشم و باین جهت از نمایندگان محترم تقاضا شد که با تشکیل جلسات فوق العاده وشور و مذاکره در پیام تکلیف دولت را صریحاً تعیین فرمایند. اما نظریات دولت نسبت به پیام :

چنانکه بعرض رسید پیام مزبور مانند پیشنهادهای سابق باقوانین ملی شدن صنعت نفت سازگار نیست ودولت انگلستان که خوب ازاین نکته آگاهست ازارسال این پیام نظری جز تأخیروطفره ندارد. البته آنچه در ابتدای پیام نسبت بایجاد روابط دوستانه برای حل سریع اختلافات دو کشور ذکر شده مطابق آمال وآرزوی ملت ایران است چه ملت ایران با وجود خسارات فراوان و صدمات بی پایانی که در قرن اخیر از سیاست استعماری انگلیس متحمل شده همواره درتشیید روابط حسنه با ملت انگلیس کوشا بوده وهست. ولی لازم است بعرض برسانم که دولت اینجانب ازآغاز کارچنانکه مدارك واسناد وشواهد حاکی است هیچگونه غفلتی دراین قسمت روا نداشته وهمه وقت درحدود موازین قانونی برای تصفیه وحل این موضوع حاضر بمذاکره بوده است و اینکه تاکنون کار بجائی نرسیده چنانکه همه میدانند بآن علت است که دولت انگلیس می خواهد برخلاف قوانین مصوبه و برخلاف حقوق و تمایلات ملت ایران نفوذ ومنافع شرکت سابق را تحت عناوین دیگری بهمان صورت و کیفیت قدیم حفظ کند واین کار برای ملت ایران قابل تحمل نبوده است. نکتهٔ مهم دیگری که دراین پیام جالب توجه است کلمهٔ «منصفانه» است که در پیام گنجانده شده وسپس دردنبال همین کلمه راه حلی پیشنهاد کرده اند که نه تنها منصفانه نیست بلکه بمراتب ازراه حل ها و پیشنهادهای سابق غیرمنصفانه تراست. در پیام اخیر دولت انگلیس خواسته بایك اقدام ماهرانه سیاسی موضوع نفت را که امرداخلی است و دیوان لاهه نیز بارأی خود آنرا تأئید کرده است باامضای مقاوله نامه ای بصورت اختلاف بین دو دولت درآورد. درمادهٔ اول ضمیمه پیام سخن ازغرامتی است که درمقابل ملی شدن صنعت نفت باید بشرکت سابق پرداخته شود واین ماده چنان تنظیم شده که درموقع لزوم میتوانند

بوسیلهٔ آن قرارداد باطل۱۹۳۳ را که هیچگاه موردقبول ملت‌ایران نبوده است‌قانونی کنند وازآن استفاده نمایند وبهمین جهت هم سخن‌از « دعاوی طرفین بلافاصله قبل‌از ملی‌شدن صنعت نفت» بمیان آورده‌اند درصورتی که اگر مقصود تأدیه غرامت مایملك شرکت سابق درایران است دولت اینجانب همواره حاضربوده است با رعایت دعاوی طرفین واردمذاکره شودوراه‌حل عادلانه ومنصفانه‌ای پیدا کند واگرمقصودآن بوده که درصورت‌عدم‌توافق‌موضوع بدیوان بین‌المللی‌دادگستری واگذارشودآن‌هم باید بین‌دولت ایران وشرکت‌سابق نفت‌درارجاع‌امر بآن‌دیوان‌توافق‌شود واحتیاجی بقرارداد بین‌دودولت نیست . وهمچنین درمادهٔ دوم ضمیمه اگر مقصود خریداری نفت است که دولت ایران همواره حاضر بفروش بوده وآن را بدنیا اعلام کرده است وچنانچه مقصود واگذاری حق انحصارخرید بیك شرکت معین‌ودخالت‌مجدد درادارهٔ امورنفت است این امرهرگز مورد تصویب ملت ایران نخواهدبود زیرا دردنبالهٔ این انحصار ودخالت ممکن است ایجاد بحرانهای اقتصادی وکارشکنی هائی باشدکه وضع را بهمان صورت قبل‌از ملی شدن صنعت نفت بکشاند . اما درخصوص‌مادهٔ سوم‌دراین‌ماده صریحا اعتراف کرده‌اند که منظوردولت انگلستان ازاقدامات گذشته فشاراقتصادی بملت ایران‌بوده‌تابه شرایط غیرمنصفانه آن‌دولت تن دردهد زیرا دربندالف ازاین‌ماده مینویسد :

اگرسایرشرایط پذیرفته شد حاضرند نفت موجود درآبادانرا حمل‌کنند ولی‌در باب‌قیمت هیچ‌سخنی‌نگفته وآنرا موکول‌بموافقت بعدی نموده‌انددرصورتیکه اگرمقصود مساعدت‌وکمك بودمیبایست نظرصریح.خودرادرباره قیمت هم‌اظهارکنند تادولت‌ایران بتواند تصمیم‌قطعی‌اتخاذکند .

دربند ب ازهمین ماده موضوعی که مکرر مورد اعتراض دولت ایران بوده یعنی تضییقات موجوده نسبت بصادرات (کالا) ونسبت باستفادهٔ ایران از وجوه (استرلینك) عنوان شده وتصریحاً وجود چنین تضییقاتی‌راکه تاکنون بعمل‌آورده اند اقرارنموده و قول‌داده‌اند درصورت‌پذیرفته شدن‌سایرشرایط این تضییقات را مرتفع کنند وحال‌آنکه اولا رفع تضییقات غیرقانونی‌را موکول‌بقبول شرایطی نمودن دوستانه ومنصفانه‌نیست وثانیاً تضییقات دولت انگلیس نسبت‌بدولت وملت‌ایران هم‌چنانکه‌آقایان میدانندمنحصر باین دوموضوع نمیباشد. باتوضیحاتیکه عرض شد ملاحظه میفرمایندکه پیام اخیرهیچ راهی برای قبول‌نداردودولت اینجانب حاضرنیست‌که بیش‌ازاین درمقابل‌فشاراقتصادی وکارشکنی‌هائی که‌میشود سکوت‌کند.دولت انگلیس‌خود بهترمیداندکه بعدازرأی‌دیوان لاهه هیچ‌گونه راهی‌برای آندولت جزاحترام بحق حاکمیت ملی‌ایران وجود ندارد و اگردولت انگلیس دولتی‌عدالت خواه وپای‌بند باصول ومقررات بین‌المللی است باید بدون درنك ازتعدی وفشارنسبت بیك ملت محروم رنج‌دیده دست بردارد وبگذاردکه دراین‌جهان پرآشوب ملت‌ایران برای نجات و احیاء اقتصادیات خود ازمنابع طبیعی و خداداده خویش بهر طریق‌که میخواهد استفاده‌کند. چه دلیل دارد که مردم تنگدست

و تهی کیسهٔ ایران رنج بکشند و باز هم ثمرهٔ کوشش و مجاهدات خود را بسرمایه‌دارانی که‌قرنهاست عادت بغارت وچپاول ملل ضعیف دارند تسلیم کنند . رعایت احترام بموازین قانونی وحقوق ملل ضعیف نه‌تنها از قدر ومنزلت دول بزرگ نمی‌کاهد بلکه برمرتبه و مقام آنها خواهد افزود . اینجانب بار دیگر بصراحت اعلام میکنم اولا ـ دولت اینجانب بی نهایت مشتاق است که اختلافات‌موجوده هرچه زودتر مرتفع شود تا هردوملت در سایهٔ حسن تفاهم‌بتوانند از نتایج همکاری ومساعدت با یکدیگر برخوردار گردند ودراین‌راه‌آرزومندم که هرچه زودترغباراین کدورتها زدوده شود و باصرف نظر کردن از گذشته هردوملت سهم‌خودرا درحفظ صلح جهانی به‌بهترین وجه ادا کنند .

ثانیاً ـ محاکم ایران که بعد از رأی دیوان لاهه یگانه مرجع رسیدگی دعاوی شرکت سابق می‌باشد برای رسیدگی به شکایت شرکت سابق و احقاق حق‌آماده و مهیاست .

ثالثاً ـ درصورتیکه شرکت مزبورنخواهد دعاوی خودرا بمرجع قانونی‌ارجاع کند دولت اینجانب حاضراست پس‌ازحصول‌توافق درمسائل ذیل‌قضاوت دیوان لاهه را قبول‌نماید .

۱) تعیین میزان وتقسیط پرداخت غرامت اموالی که شرکت سابق درموقع ملی شدن صنعت نفت درایران داشته براساس هرقانونی که دریکی‌ازممالك برای ملی‌شدن صنایع بکاررفته وشرکت سابق‌آنرا قبول‌کند . این تنها غرامتی است‌که دولت ایران بشرکت سابق خواهد پرداخت و غیراز این شرکت ادعـای هیچگونه غرامت دیگری نخواهد داشت .

۲) رسیدگی بدعاوی‌وحل‌اختلافات طرفین از۱۹۳۳ تاآخر۱۹٤۷ براساس قرارداد تحمیلی۱۹۳۳ وازاول۱۹٤۸ تاسی‌ام‌آوریل ۱۹۵۱ مطابق نهم اردیبهشت ماه ۱۳۳۰ (تاریخ تصویب قانون‌ملی‌شدن صنعت نفت) براساس قرارداد تحمیلی ۱۹۳۳ وقرارداد الحاقی گس ـ گلشائیان که‌شرکت‌سابق‌آنرا قبول‌وامضاء کرده ودولت‌ومجلس‌ایران‌آنرا برای استیفای حقوق ملت‌ایران کافی ندانسته‌اند . استناد بقراردادهای ۱۹۳۳ و گس گلشائیان فقط‌از نظرحل‌اختلافات طرفین‌آن‌هم درظرف مدتهای تعیین‌شده‌در بالامیباشد وازتاریخ تصویب قانون ملی‌شدن صنعت نفت هیچکدام‌ازآن‌قراردادها نمیتواند بنحوی ازانحاء مورداستفاده واستناد هیچیك‌ازطرفین واقع‌شود ویدشرکت‌هم پس‌ازآن تاریخ یدامانی‌است .

۳ـ رسیدگی‌وتعیین میزان خسارت دولت ایران‌ناشی‌ازمشکلات وموانعی که‌دولت انگلیس وشرکت سابق‌درراه فروش نفت ایران‌ایجاد کرده‌اند وهمچنین خسارات‌ناشی ازتضییقات نسبت بصادرات‌کالا واستفاده‌ازوجوه استرلینك که دولت‌انگلیس‌در بندب ماده ۳ضمیمه پیام‌آنرا تصدیق کرده است .

٤ـ تأدیهٔ قبلی‌وعلی‌الحساب ٤۹ملیون‌لیره‌ئی که شرکت سابق ضمن‌بیلان۱۹۵۰

بابت افزایش حق الامتیاز و مالیات و حق السهم ایران از ذخائر بحساب آورده است. ازین مبلغ هر مقداری که مربوط بحق الامتیاز و مالیاتست چون براساس طلا تضمین شده است بایستی بصورت قابل تبدیل بدلار پرداخت گردد. گرچه مبلغ بالا از قروض مسلم شرکت بدولت ایران میباشد ولی از نظر ابراز نهایت حسن نیت دولت ایران قبول میکند که اگر دیوان بین المللی دادگستری تمام یا قسمتی از آن وجوه را حق ایران ندانست آن مبلغ بصورتیکه دریافت شده دین دولت ایران بشرکت سابق تلقی گردد. با این پیشنهاد صریح و با حسن نیت طرفین امیدوارم هرچه زودتر موضوع نفت خاتمه داده شود و چنانچه سیاست انگلیس بخواهد بیش از این با امرار وقت و ارسال یادداشت-های بی حاصل فشار اقتصادی خود را ادامه دهد و مانع فروش نفت بشود مورد تردید نخواهد بود که سیاست آن دولت نسبت بایران دوستانه نیست وحال آنکه غرض از ادامهٔ مناسبات سیاسی بین دو کشور حفظ منافع طرفین وایجاد روابط حسنه و حسن نیت متقابل است و با وضع فعلی ادامهٔ مناسبات سیاسی برای طرفین حاصلی نخواهد داشت لذا دولت ایران بخود حق میدهد که برای حفظ منافع خویش از هرگونه اقدامی هر چند منجر بقطع روابط سیاسی بشود فروگذار نکند و مسئولیت عواقب چنین پیش آمدی البته بعهدهٔ دولت انگلیس خواهد بود. اکنون اگر مجلس شورای ملی رویهٔ دولت را نسبت بموضوع نفت تأیید میکند درخواست میشود که این رویه بوسیلهٔ دادن رأی اعتماد بدولت تأیید وتصویب گردد.»

گزارش فوق در تاریخ ٢٦ شهریور در مجلس مناقرائت و باتفاق رأی اعتماد بدولت داده شد ومجلس شورای ملی هم روز بعد بدولت رأی اعتماد داده ودولت را درباره رد کردن پیشنهاد مشترك امریکا و انگلیس تأیید نمود.

در تاریخ دوم مهرماه ١٣٣١ نخست وزیر جوابی به پیام چرچیل فرستاد ورونوشت آنرا هم برای رئیس جمهور امریکا ارسال داشت. مطالبی که درین پاسخ ذکر شده بود تقریباً همان است که در گزارش بمجلسین داده بود ودرخاتمه متذکر شده بود که پس از توافق در موضوع غرامت واساس رسیدگی بدعاوی وتعیین خسارات وپرداخت ٤٩ ملیون لیره علی الحساب بطرزیکه در قسمت آخر گزارش نخست وزیر بمجلسین ذکر شده دولت ایران حاضر خواهد بود قضاوت دیوان لاهه را در بارهٔ غرامت قبول کند ودرینصورت از دیوان مزبور تقاضا خواهد شد که هرچه زودتر وحتی الامکان در ظرف شش ماه رأی نهائی خود را صادر نماید.

درهمین ایام مستر آلتون جونز[1] رئیس شرکت سیتیز سرویس[2] بنا بدعوت دکتر مصدق بتهران آمد و بازدیدی هم از مناطق نفت خیز و آبادان نمود. موقع عزیمت از ایران درمصاحبه‌ای که باخبرنگاران کرد اظهار داشت که او و همراهانش مطالعه و بررسی وسیع

---

(١) Mr. Alton Jones

(٢) Cities Services Oil Company یکی از شرکتهای بزرك نفت امریکاست که جزو کارتل بزرك نفت نیست وامتیازی هم در یك قسمت ازشبه جزیرهٔ عربستان دارا می باشد.

وبسیطی دربارهٔ جنبه‌های اقتصادی وطبیعی مسئله‌نفت بعمل‌آورده وعملیاتی‌راکه برای تجدید فعالیت‌صنعت‌نفت ایران ضروری‌است‌مورد توجه وبررسی قرارداده ویك‌گزارش مقدماتی هم درین‌باره بنخست وزیر تقدیم کرده‌است .

درمصاحبه‌ای که‌آلتون جونز باخبرنگاران جرایـد درپاریس‌داشت ومتن‌آن در روزنامهٔ تایمز لندن مورخهٔ سوم مهر۱۳۳۱ چاپ شده گفته بود که اکنون موقع مناسبی است که توافقی بین‌ایران وانگلیس دربارهٔ حل‌قضیهٔ نفت روی‌دهد وعلاوه کرده بود که اگرچنین توافقی بزودی حاصل‌نشود بصرفهٔ پاره‌ای ازشرکت های نفت امریکا خواهد بود که ازایران نفت خریده وبامریکاصادرنمایند. برخی ازجراید انگلیس‌اظهارداشتند که ردّ پیشنهاد مشترك ترومن و چرچیل تـا حدی مربوط باندرز هائی بوده کـه آلتون جونز به دکترمصدق داده و اورا نسبت بصدور نفت ایران در آینده امیدوار کرده‌است.

درتاریخ ۱۳ مهرایدن وزیرخارجهٔ انگلستان پیامی بشرح زیربرای دکترمصدق ارسال داشت :ـ

«مسترچرچیل واینجانب وهمکاران مادردولت علیا حضرت ملکهٔ انگلستان‌از اینکه طبق پیام‌واصله ازآنجناب پیشنهادات اخیر مابرای حل‌قضیه نفت از چندین جهت مورد سوء تفاهم واقع شده است متأسفیم . بیم ونگرانی که آنجناب درینمورد ابراز فرموده‌اندبی‌اساس است. پیشنهادات ارسالی‌بهیچوجه حاکی از عدم شناسائی‌عمل‌دولت ایران وملی کردن صنایع نفت خودنبوده ومنظورآن احیای امتیاز۱۹۳۳ نمی‌باشد. در پیشنهادات مزبور اشاره باینکه صنایع نفت‌ایران بدست اتباع خارجی اداره‌شودنبوده چه‌رسد باینکه این‌موضوع یکی ازشرایط قرارداده شود وازطرفی‌نیز درنظرنداشته‌ایم که خرید نفت درانحصارما باشد. پیشنهادات مزبور برای تصفیهٔ دعاوی ودعاوی‌متقابله طرفین بوسیلهٔ قضاوت بیطرفانه حاوی یك‌طریقهٔ عادلانه بوده وحال آنکه نمیکوئیم طریقهٔ‌مزبور یك‌طریقهٔ منحصربفرد بوده .اگردرخصوص قیمت نفت‌ذکری نکردیم‌بعلت آن بود که این موضوعی است که باید بین فروشنده وخریدار مورد بحث قرارگیرد نه بین دودولت. منظوراینجانب از ارسال این پیام آن است کـه اعم ازینکه پیشنهادات فوق‌الذکررا آنجناب بپذیرند یانپذیرند جنابعالی وهموطنان‌آن جناب ازمقصود ماعیناً مستحضربوده باشید.»

ودرهمان تاریخ وزیرخارجهٔ امریکا هم پیام زیررا بـرای دکتر مصدق ارسال داشت :ـ

« از روزیکه پیام جنابعالی بتاریخ ۲٤ سپتامبر ۱۹۵۲ (دوم مهرماه ۱۳۳۱) بآقای رئیس‌جمهور امریکا رسیده است با ایشان در تماس بوده‌ام و چون ایشان درین هنگام در پایتخت نیستند بدوستدار اجازه داده‌اند وصول نامهٔ جنابعالی را اشعار دارم . اینکه‌جنابعالی پیشنهاد هائی راکه درتاریخ ۳۰ ماه اوت (۸شهریورماه)فرستاده شد قابل‌قبول ندانسته‌اید مایهٔ یأس ایشان است . ما چنین استنباط کرده بودیم که‌روش

دولت ایران این بوده است که مذاکرات مربوط باختلاف نفت باید بادر نظر گرفتن این نکات باشد: (الف) واقعیت ملی شدن یعنی ملی شدن نفت امر واقع شده یا انجام شده‌ای است (ب) استقلال کامل ایران برای ادارهٔ صناعت نفت خود و (ج) آزادی ایران برای فروش نفت خود بر مبنای غیر انحصاری . عقیدهٔ حقیقی ما چنین بوده وهست . پیشنهادهائی که در تاریخ ۳۰ اوت فرستاده شد حاوی این نکات بوده است. این پیشنهاد ها واقعیت ملی شدن را بطور وضوح شناخته و در صدد احیاء امتیاز ۱۹۳۳ یا هر امتیاز دیگری هم نبوده است. موضوع اداره کردن صناعت نفت بدست خارجی‌ها شرط نشده وحتی پیشنهادهم نشده بود و بهیچوجه چنین قصدی هم نبوده است که پیشنهاد انحصار خرید نفت داده شود . دربارهٔ ادعای غرامت از طرف شرکت و دعاوی متقابل ایران ما طریقه‌ای برای تسویهٔ کل دعاوی پیشنهاد کردیم که بوسیلهٔ بیطرفانه‌ای احقاق حق طرفین بشود . بدون شبهه طرق منصفانهٔ دیگری نیز وجود دارد . دربارهٔ موضوع قیمتی که باید برای نفت ایران پرداخته شود ما پیشنهاد کردیم که این امر باید بین خریدار وفروشنده حل شود نه بین دولتها. قطع نظر از قابل قبول بودن پیشنهادهای سی ام اوت مایهٔ تأسف ما است که در معنای آن سوء تفاهم شده است . بعلت اهمیت واقعی این امر که سخنان ما را آنطور که مقصود ما بوده است جنابعالی نیز توجه فرمائید سعی کرده ایم این سوء تفاهم را هم تصحیح کنیم .

درتاریخ ۱۵ مهرماه نخست وزیر نامهٔ زیر را برای ایدن وزیر خارجهٔ انگلستان ارسال داشت :

« پیام مورخ ۵ اکتبر ۱۹۵۲ جنابعالی مبنی برشناسائی کامل عمل دولت ایران در ملی کردن صنعت نفت واعلام عدم قصد احیاء امتیازنامهٔ باطل ۱۹۳۳ وهمچنین عدم مداخلهٔ در نحوهٔ اداره صنعت نفت ایران و شناسائی آزادی دولت ایران در فروش محصولات نفتی خود بوسیله کاردار سفارت کبرای انگلستان در تهران واصل گردید.

با درنظر گرفتن اینکه مفاد پیام مزبور در قسمت های فوق الذکر منطبق با حقوق مسلم ملت ایران میباشد نسبت بمراتب بالا اتخاذ سند می نماید و ضمناً متأسف است در این پیام که در پاسخ پیام مورخ دوم مهرماه ۱۳۳۱ (بیست و چهارم سپتامبر ۱۹۵۲) اینجانب رسیده است اشاره ای به پیشنهاد های متقابل مورخ دوم مهر ماه ۱۳۳۱ (بیست وچهارم سپتامبر ۱۹۵۲) نفرموده اید ، اینجانب لازم میداند باردیگر به استحضار برساند که مقصود از پیشنهاد متقابل جلوگیری از اتلاف وقت و ارائهٔ طریق منصفانه برای رسیدگی بدعاوی شرکت سابق نفت و دعاوی متقابل دولت ایران بوده است. واکنون نیز بهمین منظور بار دیگر آمادگی خودرا برای مذاکره وتسویه این موضوع اعلام می دارد و برای آنکه هرچه زودتر تکلیف قطعی اختلاف فوق الذکر روشن شود بدینوسیله از نمایندگان تام الاختیار شرکت سابق نفت ایران و انگلیس جهت مذاکرات لازم در حدود پیشنهاد متقابل دولت ایران دعوت مینماید که از این

تاریخ تایك هفته بتهران عزیمت نمایند وبادرنظرگرفتن تأخیر پرداخت چندین سالهٔ دیون شرکت سابق بدولت ایران وهمچنین ازنظراحتیاجی که دولت ایران بکارگشائی فوری دارد قبل از اعزام نمایندگان خود ، شرکت سابق نفت مبلغ بیست میلیون لیره قابل تبدیل بـدلار از چهل و نه میلیون لیره موضوع ماده (٤) پیشنهاد متقابل مورخ دوم مهرماه ١٣٣١ (٢٤ سپتامبر ١٩٥٢) اینجانب را باختیار وزارت دارائی ایران بگذارد وباقیماندهٔ مبلغ مزبوررا درپایان مذاکرات که مدت آن حداکثر سه هفته پیش بینی میشود بحساب دولت ایران بگذارند .

در خاتمه انتظار داردکمال حسن نیت دولت ایران را درحل منصفانهٔ اختلافات که اینك بوسیلهٔ این پیام باردیگر تأیید میشود مورد حسن تلقی و استفاده قرارگیرد و مخصوصاً توجه آن جناب را باین نکته جلب مینماید که دولت ایران همواره عواقب سوء ناشی ازمماطله وتأخیردرحل سریع وقطعی اختلاف را متذکر گردیده است واکنون هم عدم امکان ادامه این وضع را مجدداً یادآوری ومسئولیت هرگونه پیش آمدی را که درنتیجهٔ تعقیب این روش بوجود آید متوجه خود نمیداند . »

وبهمان تاریخ نامه‌ای هم نخست‌وزیر برای وزیرخارجهٔ امریکا بشرح زیر فرستاد :-

«جواب پیام متقابل این جانب را که ازطرف رئیس جمهور کشورهای متحدامریکا بوسیلهٔ جناب آقای سفیر کبیر آندولت در تهران ارسال فرموده بودید واصل گردید . توضیحاتیکه برای رفع ابهام پیام مشترك مورخ هشتم شهریور ١٣٣١ (٣٠ اوت ١٩٥٢) داده شد مورد توجه وتشکر این جانب قرار گرفت، ازاینکه مساعی اولیای محترم دولت متبوع جنابعالی درجهت حل موضوع اختلافات جاری بکار افتاده است کمال امتنان را دارم. اما درقسمتی که نوشته شده : « ... اینکه جنابعالی پیشنهاداتی را که درتاریخ سی‌ام ماه اوت (هشتم شهریورماه) فرستاده شده قابل قبول ندانسته‌اید مایهٔ یأس ایشان است» گمان میکنم درپیشنهادات متقابل اینجانب مورخ (٢٤ سپتامبر ١٩٥٢) بحدکافی علل عدم قبول پیام مشترك توضیح شده باشد . ممکن است حضرت رئیس جمهور بخاطر نداشته باشند که اکنون نوزده ماه ازتاریخ ملی شدن صنعت نفت درسراسر کشور ایران میگذرد وحال آنکه کارمفیدی برای حل اختلاف صورت نگرفته و موضوع تعیین غرامت تمام بمکاتبه ومسامحه برگذارشده است . دولت وملت ایران هرروز بامشکلات اجتماعی واقتصادی تازه‌ای نیز که ناشی از محاصرهٔ اقتصادی دولت علیاحضرت ملکهٔ انگلستان میباشدمواجه میباشند. کمال حسن نیت وحداکثر گذشتی را که ممکن بوده است درراه حل این قضیه بکاررود درپیشنهادات متقابل اینجانب بعمل آمده است وبرای اینکه یکباردیگر این حسن نیت وعلاقمندی بانجام کار کاملا مشهود گردد درجواب پیام جناب آقای ایدن وزیر امورخارجه دولت علیاحضرت ملکه انگلستان که یك نسخهٔ آن به پیوست ازنظرجنابعالی میگذرد پیشنهاد کرده‌ام که نمایندگان تام‌الاختیار شرکت سابق نفت ایران وانگلیس را برای مذاکره در بارهٔ مواد پیشنهاد متقابل اینجانب مورخ ٢٤ سپتامبر ١٩٥٢ بتهران اعزام دارند وازنظراینکه کارگشائی درکاراقتصادی ومالی ایران شده باشد ونشانه‌ای نیز از انجام تعهدات گذشتهٔ شرکت سابق بظهور رسد به پیشنهاد مزبور اضافه شده

است که قبل ازعزیمت نمایندگان تام‌الاختیار شرکت که از این تاریخ تایك هفتهٔ دیگر خواهد بـود بیست میلیون لیره قابل تبدیل بدلار از (٤٩) ملیون لیره علی الحساب مطالبات ایران را دراختیار وزارت دارائی‌دولت شاهنشاهی بگذارند وترتیب‌پرداخت بقیهٔ آنرا نیز درپایان مذاکرات که پیش‌بینی میشود تاسه هفته بطول انجامد بدهند . محتاج بتوضیح نیست که دراین یکسال‌ونیم اخیردولت وملت ایران برائرمماطله‌ومبادله یادداشتها ومکاتبات خسارات‌هنگفت متحمل‌شده‌اند بطوریکه هرعاقبت وخیم وجریان سوئی که درنتیجهٔ ادامهٔ این رویه پیش‌آید مسئولیت آنرا هیچ‌فرد منصف و بی‌غرضی متوجه دولت وملت ایران نخواهد دانست . نظر دقیق شخص جنابعالی را بمفهوم‌جدی واساسی جملهٔ اخیر و اوضاع موجود جلب نموده و اطمینان دارم که تصدیق میفرمائید حل سریع وفوری این‌کار کمك بزرگ ومهمی بتأمین‌صلح وامنیت عمومی یکی‌ازمناطق حساس جهان خواهد بود ، از آنجناب خواهشمندم احترامات‌فائقهٔ دوستدار را بحضرت رئیس جمهوری ابلاغ وتشکرات صمیمانهٔ مرا برای مساعی که درجستجوی‌راه اختلافات موجود بکار برده ومیبرند قبول‌فرمایند. »

درتاریخ ٢٢ مهرماه وزیرخارجهٔ انگلیس نامهٔ دیگری برای‌نخست وزیرارسال داشت که درقسمت‌آخرآن شرایط چهارگانهٔ دولت ایران را ردکرده‌بود ودرآخرنامه چنین نوشته بود : -

« بطوریکه فوقاً اشعار گردید دولت‌ایران ضمن‌جملهٔ اول یادداشت‌خود پیشنهادات مشترك را بنحوی تشریح نموده‌اند که میرساند هنوزسوء تفاهماتی موجود است بنابرین دولت علیاحضرت ملکهٔ انگلستان مایل است موضوع را کاملاً روشن سازد :

(١) دولت علیا حضرت ملکه انگلستان وشرکت نفت انگلیس وایران ملی‌شدن صنایع نفت ایران رابمنزلهٔ یك‌امر واقع شده میپذیرند لکن درعوض دولت علیاحضرت ملکهٔ انگلستان ازطرف شرکت مزبور ادعای پرداخت غرامت عادلانه را دارد .

(٢) دولت علیاحضرت‌ملکه انگلستان عقیده داردکه موضوع غرامت‌باید‌بقضاوت بیطرفانهٔ دیوان دادگستری بین‌المللی واگذارشود .

(٣) دولت علیاحضرت ملکه انگلستان ازطرف شرکت نفت انگلیس وایران از بابت لغویکطرفهٔ قرارداد امتیازی ١٩٣٣ که برخلاف تعهد صریحی‌است که درآن‌بعمل آمده مبنی براینکه قرارداد مزبورلغونخواهد شد ادعای پرداخت غرامت مینماید.

(٤) نه دولت علیاحضرت ملکه انگلستان ونه‌شرکت نفت انگلیس وایران‌هیچ‌کدام درصدد احیای قرارداد امتیازی ١٩٣٣ ازجهات دیگر نمیباشند.

(٥) بمحض اینکه نسبت بشرایطی که بموجب آن موضوع غرامت مورد داوری قرارگیرد توافق حاصل‌شود، شرکت نفت انگلیس ایران حاضر خواهد بود بطوریکه درپیشنهادات مشترك‌قیدشده‌است مذاکرات راآغازنماید. بطوریکه قبلاً اشعار گردیده نه دولت علیاحضرت ملکهٔ انگلستان ونه‌شرکت نفت انگلیس و ایـران هیچیك اصرار ندارند که حق‌انحصار نفت‌ایران رابدست‌آورند.

(٦) تاهنگام موافقت درشرایطی که طبق آن موضوع غرامت باید بقضاوت واگذار شود دولت علیاحضرت ملکهٔ انگلستان حقوق قانونی کامل خود وشرکت نفت انگلیس وایران را محفوظ میدارد .»

پس ازمبادلهٔ پیامها ونامه هائی که درفوق ذکرشد جرایدانگلیس وامریکا بتبلیغات شدیدی برعلیه ایران پرداخته و اظهار داشتند که دولت انگلیس از تمام تقاضا های سابق خودصرفنظر کرده وگذشتهای بسیاری نموده و فقط میگوید بابت ضبط اموال شرکت نفت غرامت بپردازید و هرکاری هم که میخواهید بانفت خود بکنید لکن دکتر مصدق این پیشنهاد راهم قبول نکرده است. تحت این عنوان تبلیغات وسیعی در جراید خارجی کردند تا افکار عمومی جهان را برعلیه ایران تجهیز نمایند وباید گفت که توفیق بسیاری هم یافتند زیرا در آنموقع غالب جراید امریکا گذشتهای انگلستان را بزرك جلوه داده ومی گفتند که دولت ایران حاضر نیست قدم مثبتی برای حل قضیه نفت بردارد.

وزارت خارجهٔ انگلستانهم برای توجیه اظهارات خود وجلب افکارعمومی بیانیه‌ای درتاریخ ۲۳ مهرماه انتشارداد که بشرح زیر بود :-

« دریادداشتی که درتاریخ ۲۲مهرماه ازطرف دولت علیاحضرت ملکهٔ انگلستان تسلیم دولت ایران شده‌است دولت علیاحضرت ملکهٔ انگلستان سعی نموده است مفاد و مفهوم پیشنهادات مشترك راکه ازطرف نخست‌وزیر انگلستان ورئیس جمهوری امریکا درتاریخ ۸شهریور بعنوان آقای دکترمصدق نخست وزیر ایران در خصوص حل وفصل قضیهٔ نفت ارسال شده صریح و روشن سازد. همچنین درین پیشنهادات علل و جهات عدم قبول پیشنهادات متقابل راکه درتاریخ دوم مهرماه ازطرف دولت ایران تسلیم‌شده بود ودوباره درتاریخ ۱۵ مهریادآورشده بودند ذکرشده است. دولت ایران در یادداشت مورخ دوم مهرخود یك سلسله بیانات نادرست نسبت بروش سیاسی دولت علیا حضرت ملکه انگلستان ورفتار وکردار شرکت نفت انگلیس وایران نسبت بایران نموده‌است. بنابرین دولت علیاحضرت ملکه انگلستان مایل است حقایق مشروح ذیل رادرینخصوص بیان‌نماید دولت‌علیاحضرت ملکه انگلستان هرگونه ابرازعلاقه ازطرف دولت ایران‌را برای بسط وتوسعهٔ روابط دوستانه بین‌دوکشور بنحوی که دریادداشت مورخ ٢٤سپتامبر آندولت بدان اشاره شده بود حسن استقبال می‌نماید وبسهم خودسعی می کندآنچه در قوه دارد وبهرنحومیسر گردد چنین روابطی را ترقی دهد. ولی بین این‌ادعا وتحریف وسوء تعبیری که درپاسخ آقای دکترمصدق بپیشنهادات مشترك بعمل آمده واشارتی که بسیاست باصطلاح امپریالیستی دولت علیاحضرت ملکه انگلستان شده سازش غیرمیسر است . دولت ایران بخوبی واقف وآگاه است که حفظ استقلال وتمامیت ارضی ایران همواره هدف سیاست دولت علیاحضرت ملکه انگلستان بوده است. اگر احیاناً نفوذ و قدرت انگلستان که آقای دکتر مصدق (وصله امپریالیزمی بآن میچسباند) بنفع کشور ایران بکاربرده نمیشد قطعاً سرنوشت ایران درقرون ۱۹و۲۰ مسلما غیر ازاین بود . خاطرات فراموش شدنی است لیکن‌ملت ایران مسلماً حوادث سال ۱۹٤٦ را فراموش نکرده است این نکته‌راهم بطورکلی نباید فراموش کرد درروزگاری که انگلستان و

ایران درجنك گذشته متحد بودند (جنگی که صدمات وسختی های ناشیه ازآن برای انگلستان بالنسبه بیش‌ازآن‌بوده که متوجه ایران گردید) دولت انگلستان مقدارزیادی مواد ضروری بالاخص گندم‌بایران برای حوائج وضروریات مردم کشوری تحویل نمود. ونیز طبق مقررات پیمان منعقده بین دودولت در پایـان جنك دولت انگلستان معادل ۸۳۰۰۰۰۰ لیره استرلینك بابت استفاده ازراههای ایران جهت منظور مشترك بدولت ایران پرداخت کرد ونیزدولت‌علیاحضرت ملکه انگلستان کمکهای ممکنه رابرای‌اجرای برنامه‌هائی که متضمن بهبود وترقی منابع اقتصادی ایران وبهداشت عمومی ورفاه حال مردم ایران بود نمود ونیزپیوسته درازدیاد درآمدخزانه ایران ازصنایع نفت در نتیجهٔ اقدامات روزافزون کوشا بود بلکه وسایلی فراهم گرددکه این برنامه‌ها بمرحله اجرا وعمل گذارده شود واگر اینکارها بنحوی که امید وانتظارمیرفت جامهٔ عمل نپوشید این قصور راتحت هیچ عنوان نمیتوان ازناحیهٔ دولت علیاحضرت ملکه انگلستان ویاشرکت نفت انگلیس وایران دانست، گفته‌های دولت ایران بااعمالش‌منطبق‌نیست مخصوصاً در قضیه بستن قنسولگری های انگلیس درایران. دولت ایران برخلاف تعهدات مندرج در پیمانها ونزاکت بین المللی از پذیرفتن سفیرکبیر انگلستان بعلت اینکه این شخصیت سیاسی سابقاً در ایران خدمت کرده است امتناع نمود . وهمچنین نسبت ببانك انگلیس درایران وخاورمیانه ونیز در اخراج اتباع انگلیسی از ایران ویا عدم اعطاء روادید بکسانی که‌قصدمسافرت بایران‌را دارند تبعیض قائل‌شده است. بین‌دو کشوری که‌روابط دوستانه بایکدیگردارند معمول نیست که مکاتبات سیاسی‌فیمابین باذکر کلمه‌ضرب‌الاجل رد وبدل‌شود باپیش گرفتن‌چنین‌رویه‌ای کمتراحتمال‌میرود که دوستی بین‌مردم‌این‌دو کشور ادامه‌یابد.دولت‌علیاحضرت‌ملکه‌انگلستان دراین‌موقع علاقمنداست ولوبطور اختصارواز نظرکلی باشد نسبت باظهارات‌آقای دکترمصدق درخصوص شرکت‌نفت انگلیس‌وایران توضیحاتی بدهد. اولا این‌شرکت یك شرکت انگلیسی است ودولت علیا حضرت ملکه انگلستان اتهام دکترمصدق رابااینکه دولت علیاحضرت ملکه انگلستان حق ندارد از مصالح این شرکت که ملیت‌انگلیسی دارد برای جبران رفتارناهنجاری که دولت ایران بانقض یکطرفی قرارداد ۱۹۳۳ درآن نموده حمایت کند جداًتکذیب میکند بعلاوه نه قضاوت دیوان بین‌المللی لاهه ونه‌هم تصمیم شورای‌امنیت (دایربرعدم اقدام درموضوع نفت ایران مادام که موضوع بدیوان لاهه مراجعه شده) هیچ‌یك نمیرساند که شورای امنیت و دیوان بین‌المللی لاهه بـا عمل دولت ایران موافقت دارند و یا حمایت دولت علیا حضرت ملکهٔ انگلستان را از شرکت محروم می کند . رأی دیوان بین‌المللی لاهه این نبودکه منازعه بین دودولت وجود نداردکـه بتوان آنرا بقضاوت بین‌المللی احاله‌کرد بلکه این بودکه شرطی کـه دولت ایران برای قبول مادهٔ اختیاری مربوط بقضاوت اجباری قائل شده بود اجازه نمیدادکـه بدون رضایت ایران دیوان لاهه قضاوت‌کند و این رضایت را هم دولت ایران نداد. دولت علیا حضرت ملکه همچنان اتهاماتی راکه نسبت بشرکت نسبت داده می‌شودکه درامور ایران دخالت میکرده ویا ازآزادی عمل دولت ایران جلوگیری می‌نموده ویا تعهدات خود را بر طبق قرار داد

انجام نمیداده رد میکند. این اتهامات ناروا کراراً برای منظور تبلیغاتی بشرکت نفت نسبت داده شده وثابت شده است که همه بی‌اساس‌اند. دولت علیاحضرت ملکه انگلستان نسبت باین اتهام که اقدامات اقتصادی ومالی آن در گذشته بدین منظور بعمل آمده که ایران را مجبور بتسلیم بشروط غیرعادلانه نماید جداً اعتراض میکند واین حرف را که پیشنهادات مشترك مؤید این اتهامات است رد مینماید.

دولت علیاحضرت ملکه انگلستان کراراً توضیح داده است که بعضی سهولتهای مخصوص که در گذشته بایران اعطا میشد ازاین نظر بود که بلوك استرلینك ازجریان نفت ایران بهره‌مند میگردید ولی حالا که دیگر نفت ایران ببازارهادنیا جاری نمیشود این سهولتها دیگر موردی ندارد وآنهم نتیجهٔ مستقیم عمل دولت ایران است. درخاتمه دولت علیاحضرت ملکه انگلستان هنوز امیدوار است که راهی برای حل منازعه نفت برطبق مصالح وحقوق طرفین پیدا شود. دولت علیاحضرت ملکه انگلستان کاملا معتقد است که حل این منازعه بر اساس پیشنهاد مشترك سی ام اوت که هم ایران و هم دنیا از آن منتفع شود امکان پذیر است»

بخش یازدهم — قطع رابطه با انگلستان

روز ۲۴ مهرماه دکترمصدق گزارشی برای تقدیم بمجلس شورای ملی تهیه کرده بود ولی بواسطهٔ آنکه گروهی از نمایندگان درجلسهٔ مجلس حضور بهم نرساندند وحد نصاب حاصل نشد گزارش مزبور ازرادیو تهران بشرح زیر پخش گردید:

«مجلس شورای ملی — آقایان نمایندگان محترم مستحضرند که جنبش ملی ایران ازروزاول باکارشکنی‌ها وتحریکات عوامل شرکت سابق ودولت انگلیس در داخل و خارج کشور روبرو گردید. این تلاشها وتشبثات که زحمات فوق‌العاده برای ما فراهم نمود ضمناً بآبروی خود آنها نیز لطمه زد زیرا هریك ازاین اشتباهات پردهٔ تازه‌ای از روی رفتار ظالمانه زورمندان برداشت وچهرهٔ سیاست استعماری آنان رابیشتر نمایان ساخت بامختصر تأملی آقایان بخاطرخواهند آورد که ازروز ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ تا امروز که قریب نوزده ماه ازاولین تصمیم مجلسین میگذرد چه مشکلاتی درراه موفقیت ما بوجود آورده وتاچه حد دامنهٔ تحریك وآشوب واغتشاش رافقط بخاطرمنفعت طلبی و استفاده‌جوئی توسعه داده‌اند. پس از آنکه صنعت نفت بتصویب مجلسین ملی شد وملت ایران باین آرزوی خود رسید دولت انگلیس برای جلوگیری ازاجرای آن نخست دست بحربهٔ ارعاب و اخافه زد و برخلاف شرائط دوستی که پیوسته ازآن دم میزد ملت صلح دوست ما را بسزای آنکه ازیکی ازحقوق اولیهٔ خود استفاده کرده بود بکشتیهای موریشس و فلامنگو و قوای زمینی و دریائی وهوائی متمرکز دردوروزنزدیك مرزهای ایران تهدید نمود.

ملت ایران که درراه رسیدن بآمال ملی خویش برای تحمل هرگونه سختی ومشقت خود را آماده کرده ودراین راه تاپای جان ایستاده بود ازاین تهدیدات باکی نداشت خاصه آنکه میدانست با وجود بیداری ملتهائی که قرنها طعم تلخ حرمان ازآزادی

وعدالت را چشیده‌اند و باوجود منشورملل متفق وسایرمقررات وعهود بین‌المللی ازاین پس دیگرامکان تجاوزوتعدی دولتهای زورمند بخاك ملتهای ضعیف وجود ندارد مگر آنکه بخواهند بدستاویز وعنوانی آتش‌جنگ بین‌المللی‌سوم را روشن کنند واین کارهم چنان جنایت عظیمی است که هیچ یك از ملل جهان گمان نمیرود حاضر بقبول مسئولیت آن باشد. چون‌حربهٔ ارعاب‌حریف براثر ثبات‌ومقاومت‌ملت‌ایران ازکارافتاد دولت‌انگلیس تدبیری دیگر اندیشید وهنگامی که از قدرت نمائی طرفی‌نبست قیافهٔ مظلومانه بخود گرفت وآنچه توانست کوشید تاملت ایران را درانظارجهانیان مردمی‌غاصب ومتجاوز بحقوق دیگران معرفی کند . دولت‌انگلیس دراین‌راه ازکلیهٔ وسائلی که دراختیارداشت استفاده کرد ازجمله ازسرمایهٔ بادآوری که محصول دسترنج‌کارگران پابرهنه وگرسنه ومظلوم ایران بود سهمی برای مطبوعات و تبلیغات در پاره‌ای ازکشورها اختصاص داد.شرکت‌سابق نیز باقدرت‌واعتبارمالی که‌ازیغمای‌ثروت ملت‌ایران‌اندوخته‌بودسعی کرد ازهرگونه‌اقدام وعملی که‌نهضت‌ملی ایران‌رادرداخله‌درهم‌بشکند وازانعکاس‌آن درخارج جلوگیری کندفروگذارننماید.دولت‌انگلیس که‌بهیچ‌عنوان‌حق‌دخالت‌دراین‌امررا نداشت باتمام‌قوااز نقشه‌هاونیرنگهای شرکت‌سابق‌پشتیبانی‌میکردتاآنجاکه‌کاراختلاف بین‌دولت ایران ویك شرکت طمع‌کار خارجی‌را بصورت اختلاف بین دو دولت بشورای امنیت کشانید.بیداری ملت رشید ایران درطول این مبارزهٔ حیرت بخش تاریخی که هرگونه تشبثات خارجی برای ایجاد شکاف درداخلهٔ مملکت را خنثی میکرد بدولتی که نمایندهٔ مردم بود نیرو وقدرت دادکه باتمام ناتوانی مادی بتواند مظالم شرکت سابق وآثار شوم‌آنرا که درتمام شئون اجتماعی ما ریشه ونفوذ داشت بسمع جهانیان برساند .

نتیجهٔ مذاکرات شورای امنیت این شدکه تاصدور رأی نهائی دیوان بین‌المللی دادگستری دربارهٔ صلاحیت خود ، مذاکرات درآن شوری متوقف و موضوع مسکوت بماند ودولت‌انگلیس نه تنها ازاقدام خودطرفی‌نبست بلکه بدین وسیله مظالم شرکت سابق و دخالتهای ناروای دولت انگلیس برجهانیان روشن شد و حقانیت ایران هم درآن شوری مسلم‌گردید چنانکه ازمیان‌اعضاء شورای‌امنیت که ازمردمی بصیرومطلع ومحیط براصول حقوق بین‌المللی تشکیل شده بودحتی یکنفر هم نبودکه اذعان نکند اقدام‌مردم‌ایران‌بملی کردن‌صنعت‌نفت‌خودعملی‌است که‌هرملت آزادومستقل‌درحدودحاکمیت خویش‌میتواندانجام‌دهد. نبایدفراموش کرد که‌درحین‌اجرای‌قانون‌خلع‌ید،انگلستان‌توانسته بودباشتباه کاری‌قراری‌بعنوان‌قرارموقت‌ازدیوان‌بدست‌آورد.دولت‌انگلیس‌ازاین‌راه‌افکار عمومی جهانرا مشوب میکردکه ایران بمقررات وعهودبین‌المللی بی‌اعتناست. ولی‌ماکه بوضوح و بداهت حقانیت خود مطمئن و بانصاف و بصیرت قضات دیوان بین‌المللی دادگستری‌آگاه بودیم برای جلوگیری ازاین‌تبلیغات بعنوان‌اعتراض بصلاحیت دردیوان شرکت کردیم ونتیجه این شدکه دیوان عدم صلاحیت خودرا اعلام کرد ودولت انگلیس

دراینراه نیز شکست خورد و برای شرکت سابق دیگرچاره‌ای نماندجزاینکه برای اقامه هرگونه دعوائی بمحاکم ایران مراجعه کند.

اکنون ازحربهٔ دیگری که استفاده میکنند همان فشاراقتصادی ومالی است که با قوتی هرچه تمامتر از روزنخست تا امروزآنرا بکاربرده ومی برند وباکمال وضوح بدون اعتناء بحقوق بین‌المللی و منشور ملل متفق خود دولت انگلیس هم ضمن پیام رسمی هشتم شهریور ماه ۱۳۳۱ باین تجاوز علنی اعتراف واذعان نموده است. منظور ازفشاراقتصادی وتضییقات مالی ازقبیل توقیف وجوه واموال دولت ایران که باهیچ قانونی وفق نمیدهد اینست که دولت انگلیس بدین وسیله مردم این مملکت را مستأصل وپریشان کند وزمینه رابرای قبول تحریکات ایادی خود در ایران فراهم نماید شاید بتواند بموقع مقتضی بوسائلی که دنیا وملت ایران بآن آشناست دوباره اوضاع را بحال سابق در آورد و حال آنکه در مقابل ملت هشیار وبیداردل ایران این آرزوها جز خواب وخیال واین تشبثات جز تحریکات مذبوحانه چیزی نیست واعادهٔ اوضاع سابق ازمحالات است زیرا ملت قهرمان ما میداند که حیات بدون استقلال وآزادی معنا ومفهومی ندارد. این نخستین بار نیست که ملت ایران گرفتار این قبیل سختی‌ها ومشقت‌ها شده است ملت کهنسال ما درطول تاریخ پرافتخارخوداز این حوادث بسیار دیده وازاین رنجها فراوان کشیده است. خدای توانا برای صبر واستقامت در برابر مصائب ومشکلات نیروئی شکست ناپذیر بما اعطاء فرموده است وما این طوفان زندگی را که میدانیم مقدمهٔ فرجی عظیم خواهد بود بعادت قلبی دیرینهٔ خود با آرامش خاطر پذیرفته‌ایم و با توکل بخداوند متعال راه دراز ودشواریرا که درپیش گرفته‌ایم برای حصول بهدف عالی که داریم ادامه می‌دهیم وتردید نداریم اکنونکه قسمت مهمی ازاین راه طی شده افق روشن بزودی پدیدار خواهدشد. ملت ایران تربیت یافتهٔ تعالیم مقدس اسلامی است وصبر درمقابل شدائد را ازفرایض دینی خودمیداند علی‌الخصوص آنجاکه پای حفظ ناموس ملت ودفاع ازشرافت مملکت درمیان باشد. اگردولت انگلیس بمقررات بین‌المللی واصول منشورملل متفق معتقدمیبود پس از رأی دیوان لاهه پیشنهاد دولت ایران را استقبال میکرد وآنرا با نهایت خوشوقتی میپذیرفت واین آتشی راکه مدتهاست بدست یك شرکت منفعت پرست افروخته شده خاموش میکرد خاصه آنکه دولت ایران درپیشنهاد خودحاضرشده است غرامت مایملك شرکت را درایران برطبق قانون خود انگلیس ویاهرقانون دیگری که در هریك از کشورهای جهان برای حل این موضوع وضع شده وشرکت سابق آن را بسود خود میداند قبول کند وقضاوت این امررا بعهدهٔ دیوانی که قضات آن از ممالك دیگرند ودر بیطرفی آنان تردید نیست محول نماید ولی دولت انگلیس باین حسن نیت توجه نکرده وبرای درهم شکستن نهضت ملی وتمام‌هم" اومصروف براین است که بطفره و تعلل دفع‌الوقت کند تاوضعی برای ملت ما پیش آید که آخرین رمق اقتصادی خودرا هم ازدست داده تسلیم مطامع آندولت شود.

اکنون دولت ایران بدون اینکه از استفاده از منابع نفت خودصرف نظر کرده باشد میخواهد اصلاحات اقتصادی ومالی خود را قطع نظر ازعایدات نفت شروع کند

وتوازن بودجه مملکت را بر اساس عوائد جاری وقطعی خود تأمین نماید و اطمینان دارد که ملت ونمایندگان مجلسین برای اجراء این برنامه نهایت تقویت و پشتیبانی را نسبت بدولت مبذول خواهند داشت. پس از بیان این مقدمات اینک بعرض اقداماتی که بعد از آخرین گزارش خود به مجلس در تاریخ ۲۵ شهریور ماه انجام شده است می پردازد : اینجانب در ضمن گزارش اخیر مورخ ۲۵ شهریور ماه ۱۳۳۱ صریحاً بعرض رسانیدم که روابط سیاسی بین دولتها فقط وسیله ایست برای حفظ دوستی وهمکاری متقابل وچنانچه این نتیجه حاصل نشود و این روابط سیاسی فقط وسیلهٔ حفظ منافع و مطامع یکطرف قرار گیرد مصلحت ایجاب میکند که با قطع روابط بتحریکات وتشبثات روز افزون خاتمه داده شود. درهمان موقع که گزارش اخیر بعرض مجلسین رسید باستحضار نمایندگان محترم رسانیدم که اگر دولت انگلیس روش فعلی خود را ادامه دهد معلوم خواهد شد که مناسبات آن دولت باما دوستانه نیست ودر اینصورت ملت ایران جز قطع رابطهٔ سیاسی بادولت انگلستان چاره ای ندارد .پیشنهاد متقابل دولت که با کمال حسن نیت تنظیم شده بود راه را برای حل اختلاف باز میگذاشت و گذشت ایران در این پیشنهاد بآنجا رسیده بود که قضاوت دیوان لاهه را که خود نیز اظهار عدم صلاحیت نموده است با شرائطی بپذیرد ولی این آخرین پیشنهاد ایران نیز چنانکه ملاحظه خواهند فرمود ازطرف اولیاء دولت انگلستان مانند همیشه مورد توجه قرار نگرفت و به نتیجه نرسیده است.

دولت ایران برای نشان دادن حداکثر حسن نیت و گذشت در جواب پیام مشترك حضرت ترومن وجناب آقای چرچیل پاسخی بشرح ذیل فرستاد : (متن پاسخ درصفحات پیش نقل شده است .) با اینحال دولت انگلستان بدون توجه بمفاد این پیشنهاد که از روی نهایت حسن نیت تنظیم شده و راه عملی موضوع را روشن ساخت در تاریخ ۱۳ مهرماه ۳۱ بارسال این نامه مبادرت نمود (متن پیشنهاد ایدن واچه سون قبلاذکر شده است) چون روزنهٔ امیدی درپیام جناب آقای ایدن وزیر امورخارجه دیده میشد ولی مصرح وروشن نبود برای اینکه بار دیگر دولت ایران حسن نیت خود را اظهار واز قطع روابط سیاسی احتراز کند از نمایندگان شرکت سابق دعوت نمود که بتهران بیایند شاید بین دولت وآنان توافق حاصل شود. اکنون نامه ای که دراین باب نوشته شده عیناً نقل می شود: (متن جواب دکتر مصدق بیادداشت های ایدن واچه سون قبلاً نقل شده است) پس از انقضاء یك هفته از ارسال نامه های فوق ساعت شش و نیم بعد از ظهر روز سه شنبه ۲۲ مهرماه ۱۳۳۱ کاردار سفارت انگلیس درتهران یادداشت ذیل را باینجانب تسلیم نمود. (قسمتی ازین یادداشت در صفحات پیش نقل شده است) گزارش امروز بعد از ۲۵ شهریور بعرض رسید و آقایان نمایندگان محترم کاملا از آن مستحضر شدند ولی قبل از اطلاع از نظر دولت لازم است توضیحاتی چند راجع بآخرین جواب دولت انگلیس داده شود.

۱) درپیامهای دولت انگلیس مکرر از سوء تفاهماتی که بدون جهت برای دولت

ایران حاصل شده بحث نموده و بدنیا و مخصوصاً بملت ایران خواسته‌اند ثـابت کنند که احتیاطات دولت ایران مبنی بر سوء تفاهم است و اساس ندارد . یادداشت اخیر دولت انگلیس بخوبی روشن میکند که نگرانی های دولت ایران مبنی بر سوء تفاهم نیست بلکه ناشی از دقت وتوجه کامل بمنویات آنهاست زیرا در این یادداشت ذکر شده است که : «دولت علیاحضرت ملکه انگستان درموقع اقامهٔدعاوی شرکت ازدیوان تقاضا خواهد نمود که رسیدگی باینموضوع نماید که چه‌مبلغ‌غرامت نه‌تنها بابت ازدست رفتن تأسیسات شرکت درایران‌بلکه‌نیز بابت لغو یك طرفه امتیازنامه سال ۱۹۳۳ که برخلاف تعهد صریحی است که در امتیاز نامه مبنی برنهی ازاینطریق بعمل‌آمده باید تأدیه شود». درهیچ یك از ممالك‌دنیا که صنایع خودراملی کرده‌اند برای از میان‌رفتن قراردادهای خصوصی نافذ وصحیح‌هم غرامتی نپرداخته‌اند. دولت‌انگلیس‌میخواهدازملت ستمدیده ایران بعنوان‌لغوقرارداد غرامت بگیرد یعنی مدعی‌است که دولت ایران نه‌فقط قیمت دارائی شرکت سابق در ایران را باید بحساب بیاورد بلکه بعنوان غیرمعقول عدم‌النفع از ایران مطالبه غرامت مینماید و حال آنکه قرارداد ۱۹۳۳ نه تنهـا بـاطل است و بهیچ عنوان قدرت قانونی ندارد بلکه اگر هم صحیح میبود اکنون با ملی شدن صنعت نفت کان لم یکن شده و هیچگونه اثر قانونی ندارد . بی‌مورد نیست در این جا یـاد آوری شود قرارداد ۱۹۳۳ زادهٔ کودتای ۱۲۹۹ می باشد و دولت انگلستان باتقویت دیکتاتوری در ایران اهم منظورهای خود را کـه صورت سازی برای تجدید و تمدید قرارداد دارسی بـود تحت عنوان امتیاز ۱۹۳۳ بر اینکشور تحمیل نمود و همین قرارداد باطل را که هرگز ملت ایران آن را نپذیرفته است اکنون وسیلهٔ مطالبهٔ غرامت قرارمیدهد ونمیخواهد باین نکتهٔ مهم توجه کند که امروزدیگر وضع جهان اجازه نمیدهد که دولت های استعماری از اینگونه امتیازات که با اجبار و اکراه تحصیل کرده‌اند استفاده کنند. (۲) دولت انگلیس چنین وانمود می کند که دولت ایران حاضر نیست قضاوت امر را بطورکلی بمحاکم دادگستری واگذارنماید. این ادعا نیز برخلاف حقیقت است‌زیرا چنانکه سابقاً بعرض رسانیده‌ام . « پس از صدور قرار عدم صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری در سراسر جهـان مرجع قضائی دیگری که صالح برای رسیدگی باختلاف دولت ایران و شرکت سابق نفت باشد جز محاکم وجـود ندارد اگر شرکت نفت برطبق اصول‌کلی‌آئین دادرسی بخواهد بمحکمهٔ صالحه یعنی محاکم ایران رجوع کند البته میتواند هرنوع ادعائی را تحت عنوان غرامت در عرضحال خـود بگنجاند . زیرا هرمدعی وقتی بمحکمه‌ای که بالاصاله واجد شرایط رسیدگی است رجوع کند حق دارد موضوع دعوای خود را هرقدرمیخواهدتوسعه دهد ولی همین مدعی اگرخواست بمحکمهٔ دیگر یعنی بمحکمه‌ایکه بخودی خود واجد صلاحیت‌نیست مراجعه کند موافقت مدعی‌علیه هم لازم می‌آید واولین شرط توافق اینستکه طرفین در ماهیت و حدود اختلاف فیمابین باهم کنار بیایند یعنی

معلوم گنند چه مطالبی را میخواهند بمحکمهٔ مورد توافق رجوع کنند بعبارت واضح‌تر شرکت سابق ودولت ایران باید معلوم نمایندکه چه موضوعاتی‌را میخواهند دردعوای خود مورد رسیدگی قراردهند ودولت ایران درپیام های خود این موضوع را معلوم وتصریح نموده‌است.» اکنون بااین‌توضیحات آقایان‌نمایندگان محترم‌تصدیق‌میفرمایندکه دولت‌اینجانب تاآنجاکه ممکن بوده سعی‌ومجاهدت خودرا برای حل‌اختلاف بکاربرده ولی باکمال تأسف دولت انگلیس تاکنون مانع حصول توافق شده وملت ایران را برخلاف موازین بین‌المللی همچنان درفشاراقتصادی قرارداده است واکنون نیز باادامهٔ مکاتبات بی‌حاصل میخواهد ازمرورزمان بنفع خود استفاده کند ومارا از تعقیب رویهٔ اقتصادی دیگری که باعث‌نجاح‌وفلاح مردم ایران باشد بازدارد . هرچند دربارهٔ روش دولت نسبت بحل موضوع نفت درگزارش سابق بعرض مجلسین رسیده ودرآن تصریح شده است هرگاه نتیجهٔ آخرین پیشنهاد وگذشتهای دولت‌اینجانب اثرمطلوب ومترتب نداشته باشد ناچار باید رویهٔ دولت انگلستان را مخالف با شرایط دوستی که همیشه ازطرف دولت ایران رعایت میشده بدانیم و روابط سیاسی موجود را بی‌اثر بشناسیم و آقایان نمایندگان محترم نیز با آن موافقت فرموده‌اند معذلك اکنون‌که متأسفانه دولت مجبور باتخاذ تصمیم مبتنی برقطع روابط سیاسی شده است لازم میداند مجدداً مراتب را باستحضارآقایان نمایندگان محترم برساند . درپایان‌باید اضافه‌کنم‌که قطع روابط سیاسی دولتین بادولت انگلستان مستلزم قطع علائق‌دوستی بین‌دوملت نمیباشد زیرا ملت ایران همیشه بملت انگلیس بدیدهٔ احترام نگریسته و امیدوار است که زمامداران‌آندولت نیزاندکی بیشتر بحقایق اوضاع فعلی‌جهان وبیداری ملل توجه‌کنند وازروشی‌که تاامروز معمول داشته‌اند منصرف شوند وسیاست خود را با وضع دنیای امروزمنطبق سازند تاملتین انگلیس وایران بتوانند بوسیلهٔ تجدید مناسبات‌سیاسی از روابط دوستی ووداد برخوردار شوند . اکنون برعموم افراد ملت ایران فرض و لازم است‌که بیش ازپیش مراقب اوضاع باشند وبا بیداری و استقامت راهی را که در پیش گرفته‌اندادامه دهند وتردیدی ندارم‌که چون‌این‌مجاهدت درراه‌حق‌انجام میشود خداوند متعال مدد خواهد فرمودکه بنتیجهٔ مطلوب برسد . »

روز سی‌ام مهرماه ۱۳۳۱ وزیر خارجهٔ ایران یادداشت زیررا بسفارت انگلیس فرستاد :

« توقیراً تصمیم دولت شاهنشاهی ایران را مبنی بر قطع رابطهٔ سیاسی‌بادولت علیاحضرت ملکهٔ انگلستان باطلاع شما میرساند. دولت ایران بسیار متأسف است کـه مجبور باتخاذ این تصمیم شده است . در جریان اختلاف بـا شرکت سابق نفت دولت دوستدار همواره سعی وکوشش‌لازم بکار برده‌که این اختلاف لطمه‌ای‌بروابط‌دوستانه بین دو دولت واردنیاورد وعقیده داردکه هرگاه دولت انگلستان بمنظور ملت ودولت ایران‌که منحصراً درصدد استیفای حقوق تضییع شدهٔ خود بوده وهست توجه عادلانه و

مطابق با انصاف و دوستی مبذول داشته بود هرگز روابط بین دو دولت باین‌مرحله نمیرسید ولی متأسفانه دولت متبوع شما درین امر که برای ملت ما حیاتی است نه تنها کمك بحل اختلاف نکرد بلکه با حمایت غیرقانونی از شرکت سابق مانع از حصول نتیجه گردید. بعلاوه بعضی از مأمورین رسمی آندولت‌نیز بواسطهٔ تحریکات‌ومداخلات ناروای خود مشکلاتی بقصد اخلال در نظم وآرامش کشور فراهم ساختند. دولت شاهنشاهی ایران امیدوار است که دولت علیاحضرت ملکهٔ انگلستان به کیفیت و حقیقت نهضت وآرزو های ملت ایران پی برده ودر روش سیاسی خود تجدید نظر خواهد نمود. در صورتیکه چنین محیط مساعد و حسن تفاهمی ایجاد شود دولت ایران که همواره علاقمند بروابط حسنه بین دو دولت بوده باکمال میل درتجدید روابط سیاسی اقدام‌خواهد کرد. درخاتمه باستحضار میرساند که باعضای سفارت کبرای‌دولت‌شاهنشاهی در لندن دستور داده شده است که در ظرف یکهفته از تاریخ سی‌ام مهر ماه ۱۳۳۱ بتهران حرکت نمایند.»

قبل از عزیمت کاردار و اعضای سفارت انگلیس ازتهران دکترمصدق پیام‌مفصلی خطاب بملت انگلیس انشا کرده و از کاردار مزبور تقاضا کرد آنرا باخودبانگلستان ببرد ولی کاردار از قبول آن خودداری نمود. پیام مزبور روز دهم آبان از رادیوی تهران پخش گردید ومشعر بر طمع ورزی شرکت نفت و افراط دولت انگلستان در حمایت از منافع موهوم و نامشروع شرکت بود که منتهی بقطع رابطهٔ بین دو دولت گردید ودر خاتمهٔ آن چنین گفته‌بود:

«دولت‌ایران صریحاً اعلام میکند که بین ملت‌ایران وملت‌انگلیس نهایت‌صمیمیت باقی و برقرار و روابط دوستانه بین دو ملت همچنان استواراست. بهمین‌جهت‌اکنون که آخرین مأمورین سیاسی امپراتوری پایتخت ایران را ترك میگویند برای افراد انگلیسی اعم از بازرگانان یا مسافرکمترین مشکلی ایجاد نشده است. اینجانب یقین دارم که اگر روزی دفاتر شرکت سابق نفت در برابر چشم ملت حق پرست انگلیس گذارده شود و مداخلات و حق‌کشی ها و سیاست بازیها و تحریکات و یغمای او را یکایك نظاره کند بدون شك بصبر و بردباری و طاقت ملت ما آفرین خواهند گفت ولی پردهٔ سیاه تبلیغات ناروای شرکت در خارج و داخل انگلستان جلو نشر حقایق را گرفته و یکبار دیگر این جریانات ثابت کرد که هنوز قدرت پول حق وعدالت‌قرن بیستم را مسخره می کند ولی ملت ما آنقدر مبارزهٔ شرافتمندانهٔ خودرا ادامه‌خواهدداد که اکثریت افراد و ملت انگلیس بقضاوت بیطرفانه آقای مکنر[۱] برسند و سطوری چند از آنچه را ایشان خوانده و شنیده‌اند بخوانند و بشنوند.»

بسیارکسانی بودند که میپرسیدند چرا دکترمصدق روابط سیاسی ایران را با دولت انگلستان قطع کرد و هنگامی که انگلستان حاضر شده بود ملی شدن نفت را

---

(۱) Sir Arnold Mc Nair قاضی انگلیسی دردیوان بین‌المللی دادگستری لاهه که رأی بعدم صلاحیت دادگاه لاهه در رسیدگی بقضیهٔ نفت ایران داد.

بعنوان یك امر واقع شده‌ای بشناسد و و از انحصار خرید نفت ایران و دخـالت در امور صنعت نفت خودداری کند و تقاضای خودرا بمطالبهٔ غرامت محدود نمایدچرا بچنین کاری مبادرت ورزید ؟ جواب این سئوال را دکترمصدق در مصاحبه‌ای که باخبرنگار روزنامهٔ نیویورك هرالدتریبون[۱] بنام مارگریت‌هیگینز[۲] داشته داده است . شرح این مصاحبه در روزنامهٔ مزبور بتاریخ سیزدهم آبان چاپ شده وبقرار زیر است :

« بنا بگفتهٔ دکتر مصدق قطع رابطه بـا انگلستان بیشتر از لحاظجلوگیری از اغتشاشاتی بودکه پیش بینی میشد و دکتر مصدق عقیده داشت کـه انگلیسها در صدد این بودند که ازهرعدم‌رضایتی استفاده کرده و یك‌دیکتاتوری نظامی مانندآنکه‌ژنرال نجیب درمصر برپاکرده بوجود آورند » سپس خبرنگار مزبور از قول‌خودمینویسد که دکترمصدق مصمم میباشدکه از توسعهٔ کومونیزم درایران جلوگیری کند و چنانچه دول باختری معتقد باین هستندکه باید ایران را از محور روسیهٔ شوروی خارج‌ساخت صلاح درین است که با ایران کمك کنند نه اینکه با تضییقات اقتصادی مانع ازپیشرفت آن گردند .

داستان جریان ملی شدن نفت تا این‌جاکه گفته شد حاکی ازاین بودکه در ابتدا انگلیسها بی‌میل نبودندکه نیرو بکار برده واز تخلیهٔ آبادان‌جلوگیری کنند ولی‌امریکا روی خوشی بچنین سیاستی نشان نداد وآنها هم منصرف شدند . سپس دولت امریکا کوشش فراوان کردکه قضیهٔ نفت را با توافق ایران و انگلستان حل نمـاید و عقیده داشت که حل قضیه بدست دکترمصدق بهترین طریقی برای این‌کار میباشد و مخصوصاً پس از رأی دیوان‌لاهه و تجدید حکومت‌دکترمصدق جدیت فراوانی نمودکه‌انگلیسها از دعـاوی خود کاسته وگذشتهائی برای حل قضیه بنمایند . بعکس انگلیسها از ابتدا عقیده داشتندکه دکترمصدق مخالف هرگونه کار مثبتی است و تا وقتیکه زمـام کشور بدست او می باشد امیدی برای تصفیهٔ امر نخواهد بـود . از موقعیکه دکتر مصدق پیشنهـاد مشترك رئیس‌جمهور امریکا و نخست‌وزیر انگلستان را رد نمود تغییر عقیدهٔ فاحشی در بین زمامداران امریکا پدیدارگشت و انگلیسها بوسیلهٔ تبلیغات‌خود توانستند امریکائی‌ها را بانظر خود همراه نمایندکه‌حل قضیهٔ‌نفت بدون تغییر حکومت‌ایران‌میسر نیست . ولی درعین حال امریکائی‌ها هواخواهی مردم را از دکتر مصدق مشاهده کرده و می گفتندکه نباید دولت ایران را باندازه‌ای تحت فشار اقتصادی گذاشت کـه زمینه برای توسعهٔ عملیات حزب توده آماده گردد . در آن ایام دولت انگلستان‌سعی‌داشت که حل قضیه بمسامحه بگذرد تا انتخابات ریاست‌جمهور امریکا خاتمه یابد و حکومت جدیدی روی‌کارآیدکه نظرش باانگلیسها درمورد ایران یکی باشد و بتدریج موجبات تغییر دولت درایران فراهم گردد . کم وبیش همه می‌دانستندکه‌شانس واقبال ایزنهاور در انتخـابات آینده زیاد است واگر حزب جمهوریخواه که طرفدار سرمایه‌دار هـای

---

(۱) New York Herald Tribune

(۲) Marguerite Higgins

بزرك امریکا و بالطبع کارتل بزرك نفت است توفیق حاصل کند توافق‌نظر بیشتری بین امریکا و انگلیس طبق دلخواه انگلیسها فراهم خواهد گشت . این بود که از طرفی دستگاه تبلیغات انگلستان ساعی بود که دکترمصدق را سیاستمدار کینه‌توز و غیرعملی و خودخواه و منفی معرفی کند و ازطرف دیگر کاررا بتعویق اندازد تاحکومت جدید امریکا زمام اموررا بدست گیرد .

بخش دوازدهم - پیشنهادهای مجدد دولتین امریکا و انگلیس

از موقعی که رابطهٔ سیاسی بین دولت ایران و دولت انگلستان قطع گردید تاهنگامیکه ایزنهاور بریاست جمهوری امریکا انتخاب شد اقدام مؤثردیگری برای‌حل قضیهٔ نفت ایران صورت نگرفت . در خلال این مدت بعضی ازشرکتهای مستقل نفت امریکا بفکراین بودند که مقداری نفت به‌بهای ارزان، که ایران‌حاضرشده بود بفروشد، خریداری کرده وبامریکا حمل نمایند . درتاریخ ١٦ آذر وزارت خارجهٔ امریکا بیانیه‌ای بشرح زیر صادر کرد :-

« پرسش هائی در مورد روش فعلی دولت امریکا نسبت بخرید نفت ایران از طرف اتباع یاشرکتهای امریکائی‌شده‌است ومقتضی‌است که هم‌اکنون نظروزارتخارجه درین باره روشن گردد . قبل ازتصویب قانون ملی شدن صنعت نفت در ایران سالیانه بین ٢٠ تا٣٢ ملیون تن نفت یا تقریباً ٢٤٠ ملیون بشکه نفت خام و مواد نفتی تصفیه شده درین کشورتهیه وعرضه میشد . عواید کلی ایران از محل حق‌الامتیاز و مالیات و دستمزد بالغ بر١٠٠ ملیون دلار درسال میگردید وبنابرین واضح است که صنعت‌نفت ایران متضمن یك‌فعالیت وسیع تجاری بود که در آن بزرگترین دسته‌کشتیهای نفتکش شرکت داشتند ونیز یك سازمان بزرگ توزیع وفروشی دراختیارداشت . ازروزی که جریان‌نفت‌قطع وپالایشگاه آبادان تعطیل گردید امریکا ازهرگونه‌کوششی برای کمك به حل اختلاف بین طرفین ذینفع دریغ نداشته‌وآرزوی امریکا این‌بوده که‌ایران هرچه زودتر ازعوائد نفت استفاده نماید وازلحاظ تأمین منافع دنیای‌آزاد نیز امریکا آرزو داشته است که ازتعطیل یك صنعت بزرگ جلوگیری نماید . اززمان قانون ملی شدن صنعت نفت درایران شرکت نفت انگلیس وایران برای تأمین مواد نفتی خود بمنابع دیگرروی‌آورده است . ازطرف دیگر نظر به بن بست قضیهٔ نفت تسهیلات و وسایل شرکت نفت نیز برای حمل وفروش نفت ایران دیگردراختیارایران نبوده است . بنظر وزارت خارجهٔ امریکا مسئلهٔ حمل مقدار جزئی نفت خام یا مواد نفتی تصفیه شدهٔ ایران درمقابل لزوم پیدا کردن راهی که منجر بحل قضیهٔ نفت و صدور مجدد مقادیر زیادی نفت ایران بخارج گردد چندان حائز اهمیت نبوده و بهمین جهت ما معتقدیم که صدور وتوزیع وفروش مقدارجزئی مواد نفت‌ایران بدون‌استفاده ازکشتیهای نفتکش‌ووسایل

پخش قضیهٔ نفت را حل نخواهد کرد ومنافع قابل ملاحظه‌ای نیز ازین صنعت نفت عظیم عاید ایران نخواهد شد . درحقیقت چنین بنظرمیرسد که این گونه صدور نفت ایران که اشکالات پیچیدهٔ قانونی را دربرخواهد داشت بحل مسئلهٔ نفت‌لطمه وارد خواهدآورد. نظر باوضاع واحوال کنونی دولت امریکا معتقد است که اتخاذ تصمیم مبنی برینکه‌آیا باید نفت ایران‌را خرید یانه موکول بنظراشخاص وشرکتهای ذینفع خواهدبود وخود آنها باید دربن باره قضاوت نمایند واشکالات و مخاطرات قانونی چنین عملی‌را هم اشخاص وشرکتهای مذکور باید درنظرگرفته و بحل و فصل آن بپردازند . و اما وزارت خارجهٔ امریکا همچنان مساعی‌لازم را برای حل مرافعهٔ نفت‌ایران مبذول خواهد داشت تااصول اساسی بین‌المللی درمورد پرداخت غرامت‌کافی ومؤثرمجری وایران نیز ازتجدید فعالیت دامنه دار صنعت نفت خود بهره‌مند شود . »

روز بعد بیانیهٔ فوق در مجلس مبعوثان انگلستان مطرح مذاکره قرارگرفت ونمایندگان حزب‌کارگر ازوزیرخارجهٔ انگلیس سئوال کردندکه آیا مفهوم این بیانیه این‌است که فتوری درحفظ حقوق ومنافع شرکت نفت‌انگلیس وایران روی داده وآیا شرکت های نفت امریکا میخواهند جانشین شرکت مزبور شوند ؟ وزیرخارجه درجواب اظهار داشت که بیانیهٔ وزارت خارجهٔ امریکا حاکی ازین است که دولت مزبور طالب حل‌کلی قضیهٔ نفت ایران می‌باشد و تأکید می‌کندکه فروش مقادیر مختصری نفت از طرف ایران کمکی به تسویهٔ امرنخواهدکرد . بیانیهٔ مزبورتوجه عموم‌را به مخاطراتی که متوجه خریداران نفت ایران میشود جلب‌کرده است . درمورد مخاطرات مزبورلازم است گفته شودکه دولت انگلستان طبق اعلامیه های مختلفی‌که داده‌است محصول نفت ایران را متعلق بشرکت نفت انکلیس و ایران دانسته و هرگونه حقی‌را برای خود و شرکت مزبور محفوظ میداردکه تاموقع حل نهائی قضیهٔ نفت ایران برعلیه خریداران نفت ایران درمحاکم مربوطه اقامهٔ دعوا نماید .

همانروزکه بیانیهٔ فوق مورد بحث مجلس مبعوثان بود جراید انگلستان تصریح می‌کردندکه دولت امریکا نبـاید شرکتهای امریکائی را تشویق بخرید نفت ایران نماید . برای نمونه ازمندرجات جرائد مذکور شرح‌زیر از روزنامهٔ «برمینگهام‌پست»[۱] مورخهٔ ۱۷ آذر نقل میگردد :

« وقت آن رسیده است که انگلستان با نهایت صراحت و شدت عقیدهٔ خود را اظهار دارد . ما باین‌کار نداریم که ترس ازکمونیزم چه تأثیری درسیاست‌امریکادارد ولی لازم میدانیم گفته شودکه تسلیم بایران نتیجه‌اش این خواهد بودکه سایرکشور های خاورمیانه هم از دکترمصدق پیروی‌کرده و مخاطراتی برای سرمایه های هنگفت انگلیس و امریکا فراهم سازند . امریکا باید بداندکـه تولید اشکال برای رفقایش منتهی بایجادگرفتاری های گوناگون برای خودش نیز خواهد بود وبمصلحت‌آن‌کشور است اگر دربارهٔ شخصیت دکتر مصدق مطالعه و تجدید نظری نموده و بسنجدکه‌آیا عقد قراردادی بااین شخص ارزش دارد یا نه . »

---

(۱) Birmingham Post

روزنامهٔ دیلی تلگراف هم سرمقاله‌ای روز ۱۸ آذر چاپ کرده وچنین نوشته بود :

« هیچگونه علائم و شواهدی در دست نیست که بتوان گفت شرکتهای بزرگ نفت امریکا در صدد معامله با ایران باشند ولی اگر چند شرکت کوچك امریکائی وارد این معامله شده و نفت ایران را خریداری کنند و بالنتیجه شرکت نفت انگلیس و ایران بتعقیب قانونی آنها اقدام کند بروابط حسنهٔ بین امریکا و انگلیس آسیب فراوانی خواهد رسید و تنها کسی که از آن منتفع خواهد شد روسیهٔ شوروی خواهد بود . نظر باینکه هدف اصلی امریکا این است که ایران کمونیست نشود پس بهتر است که دولت امریکا توجه بیشتری به تعبیر بیانیهٔ خود نماید . وظیفهٔ دولت ما درین امر واضح و آشکار میباشد وآن عبارت است از حفظ منافع یك شرکت انگلیسی و درین راه ما پایداری خواهیم کرد . »

روز هیجدهم آذر سخنگوی دولت در تهران راجع به بیانیهٔ وزارت خارجهٔ امریکا چنین گفت :

« گرچه مشکلاتی که درراه فروش نفت ایران ایجاد شد ضمن اینکه صنایع دول مغرب را از نظر احتیاج مبرم باین مادهٔ حیاتی ومشتقات آن درمضیقه گذاشته وازطرف دیگر فقدان عواید آن برای دولت ایجاد مشکلات مالی نموده است معهذا چون وضع حاضر در ازاء عدم مداخله خارجیان در امور داخلی ایران حاصل گردید بهیچوجه مایهٔ تأثر نیست و ملت ما این تضییقات را با گشاده روئی تحمل می کند و ضمناً از هیچگونه تلاش برای یافتن راه حلی که منطبق با قوانین موضوعه باشد کوتاهی نخواهد نمود . صدور ۳۲ میلیون تن نفت از کشور و پرداخت وجه ناقابلی بعنوان حق الامتیاز ودخالت واعمال نفوذشدید درصرف این مبلغ بنحوی که حتی المقدور ثمره ونفعی عاید مردم ومملکت نگردد ازنظر ملت ایران حقیقت مسلمی است که هیچ فرد ایرانی دیگر تن بتجدید آن نخواهدداد. دولت ایران باتوجه بوضع وموقعیت خاص دولت کشورهای متحدهٔ امریکا بهیچوجه ازاین جریان گله‌مند نیست که چرا امریکا متحد خودرا از ادامهٔ روش جابرانه علیه ایران بازنداشته بلکه انتظار معقول وموجه ما این است که دولت مزبور اگرمارا درمشکلاتیکه روبروهستیم یاری نکرده ودرین مورد ازحق وعدالت طرفداری نمیکنند لااقل باکمك مستقیم مادی خودروشی اتخاذ نکنند که عملاً قرینه خاص برای تشجیع وتشویق زورمندان باشد تادرنتیجه صلح وامنیت بین المللی که منظور نظر کلیه ملل آزادیخواه جهان است مختل گردد. درآنقسمت ازاعلامیه اخیروزارت خارجهٔ امریکا که نسبت به بیم زیان حقوق شرکتهای صادر کنندهٔ نفت ایران اشاره‌ای شده محتاج به توضیح نیست که از نظر حقوق بین المللی وسوابقی که در مورد ملی شدن صنایع و بخصوص رویهٔ قضائی که درمورد ملی شدن صنعت نفت موجوداست بهیچوجه بیم زیان حقوقی برای هیچ فرد وشرکت خریدارنفت ایران درمیان نخواهد بود زیرا محصولات نفتی کشورایران مالك دیگری جزملت ایران ندارد چنانکه جریان شورای امنیت و رأی دیوان دادگستری لاهه جهانیان راهم متوجه حقانیت کامل ملت ایران واثبات این حقیقت نموده است.

برای جبران خسارت عـادلانه و تصفیهٔ محاسبه طرفین نیزگذشته ازاینکه درقانون ملی‌شدن صنعت نفت اینمورد تصریح گردیده دولت ایران نیزهمه وقت آمادگی خودرا برای حل منصفـانه موضوع و پرداخت غرامت پس ازرسیدگی بدعاوی متقابل اعلام داشته است.»

درآذرماه ملاقاتی بین وزیران خارجهٔ امریکا وانگلیس درپاریس صورت گرفت و وزیرخارجهٔ امریکا پیشنهادی بشرح زیر بوزیرخارجهٔ انگلیس ارائه داد : (الف) یکعده شرکتهای بزرگ نفت امریکا باتفاق بانك بین‌المللی مبلغی‌را بعنوان غرامت بشرکت نفت انگلیس وایران بپردازند تاکلیهٔ دعاوی شرکت مزبور تسویه گردد . (ب) سپس شرکتهای امریکائی با شرکت ملی نفت ایران شریك شده و شرکت جدیدی بنام شرکت نفت ایران وامریکا تشکیل دهند تاازمعادن نفت ایران و پالایشگاه آبادان بهره برداری کند . (ج) فراورده های نفتی ایران را شرکتهای نفت امریکا وشرکت نفت انگلیس وایران طبق قراردادی که مدت آن طولانی باشد خریداری خواهندکرد . (د) و مبلغی که بعنوان غرامت بشرکت نفت انگلیس و ایران پرداخته می‌شود درمدت ده سال ازدرآمد ایران مستهلك گردد . پیشنهاد مزبور ازطرف وزیرخارجهٔ انگلستان رد شد زیرا او اصرار داشت که قضیهٔ غرامت بدیوان داوری ارجاع گردد .

هندرسن سفیرامریکا درتهران دراواخر آبان بعنوان مرخصی مسافرتی بامریکا نمود ودردیماه بتهران مراجعت کرد . پس‌ازبازگشت چندین‌ملاقات پی‌درپی بانخست‌وزیر کرد وشهرت یافت که پیشنهاد تازه‌ای باخود بهمراه‌آورده است و میخواهد زمینه را قبلاً حاضر کند تابعد پیشنهاد را تسلیم دولت نماید . مفاد پیشنهاد جدید او این بود که اگردولت ایران قضیهٔ غرامت را بداوری رجوع کند امریکا ترتیبی فراهم خواهدکرد که نفت ایران بفروش رسد ومساعدت های مالی هم بایران خواهدکرد . دکترمصدق درجواب به هندرسن گفته بود که ازارجاع قضیهٔ غرامت بداوری مضایقه ندارد ولی باید معلوم کرد که حدودغرامت‌چیست تاتصمیم مقتضی گرفته شود . درتاریخ ۱۵ دیماه روزنامه کیهان خبرزیررا منتشر کرد : -

امروز یك منبع مطلع وابسته بسفارت امریکا بخبرنگار ما گفت که در سومین ملاقات هندرسن بادکترمصدق که عصرروزجمعه صورت گرفت آقای دکترمصدق موضوع نفت‌را بیکسو گذاشتند ودامنهٔ سخن‌را بوضع ایران کشاندند . آقای‌نخست‌وزیر بسفیر کبیر امریکا گفته‌اند :

« مگردولت امریکا وضع ایران وفقر وفلاکت مردم آنرا نمی‌بیندکه این طور رفتارمیکند . امریکا بکشور هائی که درمعرض خطرکومونیزم هستند همه نـوع کمك تابحال کرده است ولی باحساسیت موقعیت ایران معلوم نیست چرا دولت ایران تمام وعده هائی را که برای کمك وجبران خسارات ایران داده نادیده گرفته است . امریکا باید باین حقیقت ایمان بیاوردکه اگرباین رویهٔ باری بهرجهت‌ادامه‌دهدتسلط کومونیزم برایران حتمی است . »

در تاریخ ۱۹ دیماه دکتر مصدق نامه‌ای به ژنرال ایزنهاور[۱] که در انتخابات ریاست جمهوری امریکا توفیق یافته بود نوشته وپس‌ازتبریك اظهارداشت : «امیدوارم حکومت جدیدی که بریاست آنحضرت تشکیل میشود درآغاز کار باهمیت مبارزهٔ حیاتی ملت ایران کاملاً پی ببرد و برای رفع موانعی که ملت ایران را از نیل بآمال خـود بازداشته ونگذاشته‌است درپرتو استقلال سیاسی‌واقتصادی اززندگانی بهتری بهره‌مند شود یاری وهمراهی کنند . » روز بعد ایزنهاور بنامهٔ مزبورجواب داده وپس ازتشکر ازتبریکات دوستانهٔ نخست وزیر نوشته بود: «ازینکه شمه‌ای ازنظرات خودرا دربارهٔ وضع کشورایران مرقوم داشته‌اید نهایت مسرت حاصل است وبسهم خودآنها را بادقت وحسن‌نظرمورد مطالعه قرارخواهم داد . »

روز ۲۰ دیماه دادگاه عالی عدن در رسیدگی بشکایت شرکت نفت انگلیس وایران راجع به محمولهٔ نفت‌کشتی روزماری برعلیه ایران رأی داد . روز ۲۹ دیماه نفتکش ایتالیائی میریلا برای حمل نفت واردآبادان گردید وروز ۲۵ بهمن که به بندر ونیز درایتالیا واردگردید دچارشکایت شرکت نفت انگلیس وایران در محاکم ایتالیا گردید ولی محکمه شکایت شرکت مزبوررا وارد ندانست .

روز ۲۹ اسفند ۱۳۳۱ دکترمصدق سخنرانی مفصلی که حاوی تاریخچهٔ اقدامات او راجع بنفت بود ازرادیو ایرادکرد ودرقسمت‌آخرآن پرده از روی مذاکرات خود باسفیرامریکا برداشت وچنین گفت :-

« پس ازآن تاریخ دولت‌امریکا بوسیلهٔ سفیرکبیرخود جناب‌آقای هندرسن علاقهٔ خود را باادامهٔ مذاکرات بمنظور پیداکردن راه حلی برای رفع اختلافات مکررابراز کرده ودولت ایران نیز امیدواربودکه ازین طریق راه حل منصفانه‌ای‌که برای‌طرفین قابل قبول باشد پیدا شود . مـذاکرات جناب سفیرکبیر و این جانب بیشتر در بارهٔ دوموضوع‌بود : اول قطع‌وفصل‌دعاوی دولت ایران وشرکت سابق‌نفت ، دوم‌فروش‌نفت بخارج بمقداری‌که دستگاه نفت‌آبادان‌را کاملاً بکاراندازد . اینك دربارهٔ هریك ازین دوموضوع توضیحاتی داده می‌شود . (۱) درموضوع دعاوی شرکت سابق راجع بغرامت ودعاوی متقابل دولت ایران . بطوری‌که هموطنان عزیزاطلاع دارند دولت‌ایران ضمن جوابی‌که در دوم مهرماه ۱۳۳۰ به پیام مشترك ترومن و چرچیل داد قضاوت دیـوان بین‌المللی دادگستری را با شرایطی قبول کرده بود . . . . دولت ایران خواهـان قطع وفصل سریع دعاوی بود لذا قضاوت دیـوان بین‌المللی را قبول نمود و چون در هرمرافعه‌ای موضوع دعوا باید معلوم باشد دولت ایـران تقاضا نمودکه موضوع دعوا را معین کنند تابارو‌شن شدن مابه‌الاختلاف دولتین بتوانند دعاوی خود را بدیوان بین‌المللی‌دادگستری مراجعه نمایند . دولت‌انگلیس درپیشنهاد شهریورماه ۱۳۳۱ مبنای دعوای خود را بطریق ذیل معین‌کرده بود : « غرامتی‌که بابت ملی شدن مؤسسات شرکت نفت انگلیس وایران واقع درایران باید پرداخته شود با رعایت وضع حقوقی طرفین‌که بلافاصله قبل ازملی شدن موجود بود وباتوجه بکلیهٔ دعاوی ودعاوی متقابلهٔ

---

(۱) General Dwight D. Eisenhower

طرفین . » دولت ایران درجواب این پیشنهاد اظهارداشت که مفهوم عبارات « وضع حقوق طرفین بلافاصله قبل ازملی شدن صنعت نفت » این است که قرارداد باطل ۱۹۳۳ را که هیچگاه مورد قبول ملت ایران نبوده ونیست قانونی کنند واین امر برای دولت ایران بهیچوجه قابل قبول نیست . این اشکال ومعلوم نبودن موضوع غرامت که برچه اساس ومبنائیست باعث شد که پیشنهادات ومذاکرات شهریور ومهرماه به نتیجه نرسیده ومذاکرات مستقیم قطع گردید . درمذاکرات اخیری که جناب آقای هندرسن سفیر کبیر امریکا بااینجانب بعمل آورد دولت انگلستان پیشنهاد نموده بود که بجای جملهٔ (وضع حقوقی طرفین بلافاصله قبل ازملی شدن نفت) عبارت (غرامت منصفانه برای از دست رفتن کسب وکار شرکت گذاشته شود . قبول این مبنای مبهم ونامعین برای تعیین غرامت موانع عدیده‌ای دربرداشت . . . . . هموطنان عزیز تصدیق میفرمائید که اگر اساس غرامت را ازدست رفتن چنین (کسب وکاری) قبول کنیم باید تمام عوائد نفت خود را یکسره بعنوان غرامت تسلیم شرکت سابق نمائیم . . . . . خلاصه بعلل مشروحهٔ بالا ازدست رفتن کسب وکار بعنوان اساس غرامت ازطرف دولت ایران نمیتوانست پذیرفته شود. دولت ایران درمقابل پیشنهاد کرد که اساس غرامت را ارزش اموال وتأسیسات شرکت سابق درایران قراردهند زیرا این تنها غرامتی بود که طبق اصول مقررهٔ جهانی دولت ایران میتوانست قبول کند . (۲) مسئلهٔ فروش نفت ــ دربارهٔ مذاکرات مربوط بفروش نفت کافی است بطوراختصارعرض شود که مذاکرات مزبور مبتنی برین بود که پس ازامضاء وورود بمرحلهٔ اجرای قرارداد بین دولت ایران ودولت انگلیس درموضوع غرامت یك مؤسسهٔ امریکائی مقداری نفت باتخفیف کلی بارزش ۱۳۳ ملیون دولار از شرکت ملی نفت ایران خریداری نماید ومبلغ پنجاه میلیون دولار پس از امضاء قرارداد فوراً بشرکت ملی نفت ایران بعنوان مساعده پرداخت کند . . . . . چون این معاملات موکول بامضاء واجراء قرارداد غرامت شده بود لذا بدون توافق درامرغرامت نمیتوانست منجر بنتیجه شود . . . . . اینك که جریان مذاکرات نفت تااندازه‌ای بسمع ملت ایران رسید نظردولت را درباب نفت بصراحت عرض می کنم: (۱) چنانچه شرکت سابق برای تعیین میزان غرامت بامبنا واساسی موافقت کند که قابل قبول دولت ایران باشد ویا حد اکثر مدعا به خودرا که درنظردولت ایران منصفانه باشد اظهار کند دولت ایران حاضرخواهد بود دعوای غرامت شرکت ودعاوی دولت ایران بقضاوت دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع شود. (۲) دولت ایران حاضراست هرمبلغی که بموجب حکم دیوان بین‌المللی دادگستری از بابت غرامت شرکت سابق تعیین شود ازمحل بیست وپنج درصد عواید خالص ویا باتحویل نفت خام یامواد تصفیه شده بقیمت عادلانهٔ بین‌المللی درکمترین مدت پرداخت نماید . (۳) دولت ایران حاضربوده وهست بجای اینکه بدیوان بین‌المللی دادگستری مراجعه شود بانمایندهٔ تام‌الاختیار شرکت سابق ودولت انگلیس وارد مذاکره شده و دعاوی طرفین بطریق دوستانه حل وتصفیه شود . »

روز اول فروردین ۱۳۳۲ سخنگوی وزارت خارجهٔ انگلیس درلندن راجع بسخنرانی دکترمصدق چنین گفت : -

« پیشنهادی را که دکترمصدق درسخنرانی خود ذکر کرده پس از توافق بین

دولتین امریکا وانگلستان درتاریخ اول اسفند۱۳۳۱ توسط سفیرامریکا باوتسلیم‌شده بود . پیشنهاد مزبورعادلانه بود ولی دکترمصدق درسخنرانی‌خود تعبیرات ناصوابی‌از آن کرده که مخالف بامتن عبارت و روح پیشنهاد مذکور است . پیشنهاد بااین نظر تنظیم شده بود که دکترمصدق حاضر است قضیهٔ غرامت را بوسیلهٔ داوری روی مبنای قانون ملی کردن صنایع انگلستان که مورد پذیرش شرکت نفت باشد حل نماید ولی وقتی که قرارشد مبنای عمل روی‌کاغذ بیاید دکتر مصدق اصرار بتدوین عبارتی داشت که نه محکمهٔ بین‌المللی و نه هیئت داوری دیگری قادر باین بود که اصول قانون ملی شدن صنایع انگلستان را درموردآن عمل نماید . دکترمصدق درسخنرانی‌خود گفته‌است که طبق پیشنهاد ما تمام درآمدنفت بمصرف پرداخت غرامت خواهد رسید درصورتیکه چنین‌نیست. درتاریخ اول اسفند دوطرح قرارداد غرامت باوتسلیم‌شد که یکی‌ازآنها را انتخاب نماید و درهردوطرح ذکرشده بود که ۲۵ درصد ازکل درآمد ناویژه حاصل ازفروش نفتی که ازایران صادرمیشود بلیره برای غرامت قبل از رأی داوری پرداخته شود . ودرطرح دوم ذکر شده بود که پس از صدور رأی بقیهٔ غرامتی کـه باید ایران بلیره بپردازد از۲۵ درصدازکل فروش تجاوزنکند مگرآنکه دریکسال چنین پرداختی کمتر ازپنج درصد ازکل مبلغ غرامت باشد و نیز درطرح دوم ذکر شده بود که اگر ایران فروش نقدی نداشته باشد غرامت را می‌تواند با تحویل نفت خام تأدیه نماید . علاوه برین ذکر این نکته که پنج درصدکل غرامت درهرسال پرداخته خواهدشد چنین معنی‌میدهد که غرامت بیست ساله پرداخت خواهد شد . »

پس ازسخنرانی دکتر مصدق که در فوق ذکرشد جراید امریکا و انگلیس متفقاً اظهارداشتند که تجدید مـذاکره با دکتر مصدق عمل بیهوده‌ای است وباید مذاکرات با اورا قطع کرد .

بخش سیزدهم — وخیم شدن وضع اقتصادی

بطور مقدمهٔ این بخش ارقامی در زیر نقل میشود که جالب توجه است . سال ۱۳۲۹ آخرین سال قبل از ملی شدن نفت بوده و حکومت دکترمصدق هم در مرداد ۱۳۳۲ ساقط گردید . طبق آماری که از طرف بانك ملی منتشر میشود شاخص هزینهٔ زندگی در طی چند سـال اخیر بشرح زیر بوده است :

سال	شاخص هزینه
۱۳۲۹	۷۸٤
۱۳۳۰	۸٤۹
۱۳۳۱	۹۰۹
۱۳۳۲	۹۹۲
۱۳۳۳	۱۱۵۱

وطبق آمار بازرگانی که از طرف ادارهٔ گمرك منتشر میگردد وضع بازرگانی کشور هم در سالهای اخیر بقرار زیر بوده است :

سال	واردات بملیون ریال	صادرات بملیون ریال
١٣٢٩	٦٢٤٣	٣٤٩٤
١٣٣٠	٧٠١١	٤٣١٩
١٣٣١	٥٠٣١	٥٧٥٠
١٣٣٢	٥٣٢٤	٨٣١٨

نتیجه‌ای که از ارقام فوق بدست میآید این است که افزایش هزینهٔ زندگی مرتب رو بترقی بوده و درسال بعد از سقوط حکومت دکترمصدق این افزایش بیشتراز پیش بوده است . در قسمت بازرگانی هم سال قبل از ملی شدن نفت کسر بازرگانی کشور زیاد بوده و بعد بتدریج از واردات کاسته شده و بر صادرات افزوده گشته تا آنکه در سال ١٣٣٢ صادرات مبلغ کلی بر واردات فزونی داشته است . این ارقام را بعضی دلیل بر سلامتی وضع اقتصادی کشور در سالهای ٣٢-١٣٣٠ گفته‌اند ولی حقیقت مطلب غیر ازین است .

بطورکلی هنگامیکه وضع اقتصادی کشور هائی مانند ایران رو بوخامت میرود اثر آن در زندگانی تودهٔ مردم خیلی دیرتر از سایر کشور ها محسوس است زیرا تودهٔ مردم قسمت عمدهٔ احتیاجاتش محدود بفراورده های داخلی میباشد و بغیر از چند قلم کالای خارجی مانند قند و چای و قماش و دارو حاجت مبرمی بواردات دیگر از خارج ندارد . در چنین وضعی اگر بتوان کاری کرد که همهٔ مردم کار داشته باشند و بهای آن چند قلم کالای واجبی را هم که باید از خارج وارد کرد ثابت نگاهداشت و از ترقی بهای کلیهٔ کالا های دیگری هم که از خارج وارد شده و میشود بوسیلهٔ جیره بندی و نظارت دقیق جلوگیری نمود برای مدت مدیدی میتوان چنین کشوری را روی پای خود نگاهداشت . البته سطح زندگی مردم پائین خواهد رفت و محرومیت‌هازیاد خواهد شد و امور عمران وآبادی تا حد زیادی متوقف خواهدگشت ولی در صورت لزوم و مشروط برینکه شرائط فوق کاملا رعایت گردد میتوان اقتصاد محدودی برای کشور تعبیه کرد وآنرا پایدار نمود . آنهائی که صحبت از اقتصاد بدون نفت میکردند شاید قصدشان همین زندگانی محدود اقتصادی بود ولی فراموش می کردند که اولاً شرایط فوق در ایران موجود نبود یعنی کنترول و نظارت دقیق میسر نمیشد و ثانیاً سطح زندگی مردم خیلی پائین میرفت که مآلاً تولید عدم رضایت شدید کرده و زمینه را برای اعتراض وانقلاب فراهم میساخت .

اقتصاد روسیهٔ شوروی در سالهای اول بعد از انقلاب روی مبنای اقتصادمحدود قرار گرفته بود و کنترول ونظارت وجیره بندی‌وسهمیه کالاها بی‌نهایت شدیدو بازرگانی خارجی در انحصار دولت واجبار به‌افزایش‌تولید هم باشدت هرچه‌تمامتر حکمفرما بود. سطح زندگی مردم پائین رفت و طرز حکومت طوری بود که ابراز عدم رضایت

را اجازه نمیداد و سرمایه های شخصی هم تمامش ملی شده ودر اختیـار دولت بود ؛ بتدریج در طی چندین سال محرومیت و سختی تولید برمصرف فزونی یافت و سرمایهٔ کافی برای عمران‌وآبادی موجودگشت وکم کم اقتصاد محدود جای خودرا بیك‌اقتصاد وسیع تولیدی دادکه نتیجهٔ آن توانائی تحمل مصائب جنگ دوم جهانی و بعدهم‌ترقی وسیع و دامنه‌دار در صنعت بوده است . ولی آیا عواملی که در روسیهٔ شوروی بوجود آمد ممکن بود بسهولت درایران فراهم گردد ؟

مثال دیگر که خیلی بما نزدیکتر است همان زندگانی اقتصادی خودمان قبل از سال ۱۳۰۰ شمسی است . درآنوقت درآمد نفت ایران باندازه‌ای نبودکه در زندگی اقتصادی ما عامل مهمی محسوب شود و ما فاقد راه و راه‌آهن و جادهٔ شوسه‌وکارخانه و اوتومبیل وچیز های دیگر بودیم وبعبارت دیگر زندگی اقتصادی ما محدود وحوائج مـا معدود و سطح زندگی قاطبهٔ مردم بسیار پـائین ودر مراحل اولیه بود . برگشت بچنین زندگانی دیگر مقدور نبود و تقلید از زندگانی اقتصادی شوروی هم بواسطهٔ فقدان عواملی کـه ذکر شد میسر نمیگشت پس بنابرین اقتصاد بدون نفت غیر ممکن و دست کم غیرمقدور بود .

شاید برخی ادعاکنندکه تعادل بازرگانی خارجی کـه در سالهای ۳۲-۱۳۳۱ روی داد نشانه‌ای از امکانات بود ولی فراموش می کنندکه محدودکردن واردات کار آسانی است مشروط برینکه یك کشوری تصمیم بپائین آوردن سطح زندگی مردم را بگیرد. در سالهای مزبور تمام‌کار های عمرانی متوقف گشت ـ اوتوموبیل و کامیون و وسائل حمل و نقل دیگر وارد نشد ـ راه آهن بوضع مفلوکی دچارشد ـ سرمایه‌های داخلی متوجه سفته بازی و افزایش بهـای زمین گشت ـ بیکاری روبفزونی رفت ـ از میزان کار های تولیدی‌کاسته گردید و اگر مدت بیشتری دوام‌کرده بود هزینهٔ زندگی بطور سرسام آوری بالا میرفت و عواقب بسیار وخیمی برای کشور ایجاد میگشت . بنابرین بایدگفت که هواخواهان اقتصاد بدون نفت چنین عقیده‌ای را جدی نمی‌پنداشتند وفقط برای تبلیغات بکار میبردند .

پس از خلع ید از شرکت نفت و بمصرف رساندن چهارده ملیون لیرهٔ پشتوانهٔ اسکنـاس دولت متوجه شدکه حل قضیهٔ نفت ممکن است طولانی بـاشد و بفکر این افتادکه نهایت صرفه جوئی را در هزینه های عمومی بنماید . در مهر ماه ۱۳۳۰دولت تصویب‌نامه‌ای صادرکردکه پانزده درصد از هزینه های عمومی‌کاسته شود ودستورا کید دادکه نهایت صرفه‌جوئی در مخارج بعمل آید و ضمناً سی در صد بمالیات دخانیـات‌و پنجاه درصد بعوارض ورودی اتوموبیلهای سواری افزود . بتدریج که از موجودی ارز خارجی کاسته شد واردات محدودگردید و بهای کالا های خارجی افزایش یافت ولی صادرات هم بالا رفت .

دولت چند طریقه را برای رفاه حال تودهٔ مردم درنظرگرفت و تا آخر کار هم تعقیب کرد . اول آنکه اعلام نمودکه از عدهٔ کارکنـان دولت نخواهدکاست وهیچکس را از ادارات دولتی خارج نخواهدکرد . دوم اینکه بهای احتیاجات تودهٔ مردم را که عبارت ازقند وچای و دارو وقماش باشدکم و بیش ثابت نگاهداشت که تحمیل بیشتری

بآنها نشود . سوم اینکه اعلام نمود که حقوق و دستمزد عموم کارکنان صنعت نفت را تا آخر خواهد پرداخت .

درسفری که دکترمصدق بامریکا کرد توفیق یافت که هشت ملیون دولار و کسری ازصندوق بین‌المللی وام بگیرد ودولت امریکاهم مبالغی بعنوان اصل چهارشروع بخرج کردن نمود. درآذرماه ۱۳۳۰ دولت اولین قرضهٔ ملی را بمبلغ پانصد ملیون ریال منتشر کرد ولی سرمایه‌داران ایرانی از آن استقبال شایانی نکرده وفقط طبقات متوسط مبلغی از آن راخریداری کردند. درشهریور ۱۳۳۱ ازدکترشاخت آلمانی [۱] دعوت شد که بایران آمده وطرح اقتصادی برای کشورتنظیم نماید . اوچهار روز در تهران ماند وبدولت توصیه کرد که بهرنحوی هست قضیهٔ نفت را زودترحل نماید تا بحران اقتصادی خاتمه یابد . یکماه بعد مسیو کامیل گوت [۲] وزیرسابق دارائی بلژیك بایران دعوت شد که در بارهٔ اقتصادکلی ایران وامور بانك ایران مطالعاتی نموده وگزارشی تهیه کند. متأسفانه تمام این اقدامات بجائی نرسید وبحران اقتصادی روزبروزشدیدتر میشد ودر اواخرکار دکترمصدق بطورمحرمانه دست بانتشاراسکناس زد وتورم پول را شدیدترنمود .

ازتیر ۱۳۳۱ وضع اقتصادی روبوخامت گذاشت وطبقهٔ حاکمهٔ ایران بسیارناراحت ونگران شده وشروع بمخالفت باحکومت دکترمصدق رانمود . سایرطبقات باوجود افزایش هزینهٔ زندگی ومحرومیت‌های بسیار حاضر بودند که استقامت بیشتری بخرج دهند ولی طبقهٔ ثروتمند نگرانی بسیاری پیدا کرد ومخالفت بادولت راآغاز نمود.

درقسمت فروش نفت هم توفیق بسیاری حاصل نشد. درماه خرداد ۱۳۳۰ دکتر گارافا [۳] نایب رئیس شرکت ملی نفت ایتالیا بتهران آمد و پس از مذاکراتی بدولت گفت که شرکت اوقراردادی برای خریدنفت باشرکت نفت ایران وانگلیس برای مدت ده سال دارد واگرشرکت مزبورغفلتی درتحویل نفت کرد اوبادولت ایران واردمذاکره شده ونفت ایران راخواهد خرید . بعدها معلوم شد که مسافرت دکتر گارافا با اطلاع شرکت نفت ایران وانگلیس انجام گرفته وشرکت ملی نفت ایتالیا باشرکت نفت ایران وانگلیس در مالکیت بزرگترین پالایشگاه نفت ایتالیا که نزدیك شهرونیزاست شریك میباشند.

دولت ایران حاضر بود که تخفیف کلی درقیمت نفت بخریداران بدهد واین تخفیف درچند مورد به‌صدی پنجاه یانصف بهای نفت درخلیج فارس تنزل داده شد وبعلاوه دولت ایران حاضر بود که تحویل نفت راتضمین نماید تاخریداران مطمئن شده ومعامله نمایند. دربهمن ماه ۱۳۳۰ شرکت ملی نفت ایران قراردادی باشخصی بنام کنت دلازونکا [۴] که خودرا مدیرشرکت اپیم [۵] ایتالیا معرفی کرده بود منعقد نمود. طبق این قرارداد شرکت اپیم درسال ۱۹۵۲ چهارصد هزارتن وازآن سال به‌بعد تاده سال هرسال دوملیون تن نفت ازایران خریداری میکرد . اولین کشتی که شرکت اپیم برای حمل نفت بایران فرستاد همان کشتی روزماری بود که دربندرعدن توقیف شد وشرح آن دربخش پیش گفته شد . یك شرکت ایتالیائی دیگر بنام شرکت سوپور [۶] قرداد خرید مقادیر عمدهٔ نفت باشرکت

---

(۱) Dr. Hjalmar Schacht (۲) Camille Gutt (۳) Dr. Garaffa
(۴) Count Ettore della Zoncac (۵) Ente Petrolifero Italia -- Medio -- Oriente (۶) Supor

ملی ایران منعقد کرد واولین کشتی آن پنجهزارتن دردیماه ۱۳۳۱ صادر نمود وبعدهم مرتب کشتی‌های آن بایران آمده و نفت صادرمیکردند . شرکت نفت ایران وانگلیس نسبت بصادرات مزبوردرمحاکم ایتالیابرعلیه شرکت سوپوراقامهٔ دعوا کرد ولی توفیقی نیافت. چندی بعد شرکت سوپور قرارداد خود را باشرکت ملی نفت توسعه داد ویك قرارداد تهاتری منعقدگردیدکه بموجب آن پول نفت در ایتالیا بمصرف خرید کالاهای ایتالیائی میرسید .

یك شرکت ژاپونی بنام ایدمیتسو[1] هم قرارداد خرید نفت باتخفیف کلی باشرکت ملی نفت درسال ۱۳۳۲ منعقدکرد وکشتیهای خودرا مرتب به بنادرایران فرستاده ونفت بژاپون صادرمیکرد . درژاپون‌هم شرکت نفت ایران وانگلیس برعلیه صادرات نفت ایران در محاکم ژاپون اقامهٔ دعوا کرد وتوفیقی نیافت. اگرچه کارتل بین‌المللی نفت توأم بانفوذ انگلستان درهمه‌جا مانع صدورنفت ایران میشد معهذا کوشش دولت ایران برای تهیهٔ مشتری بی‌اثر نبودودرمدت زمامداری دکترمصدق مقدار کمی نفت ایران بخارج صادر گردید. البته بهای چنین صادراتی بواسطهٔ تخفیف عمده‌ای که داده‌شد بسیار نازل ودوغیرازاین ترتیب مشتریها حاضرنبودندکه بامخاطرات مواجه‌شده ونفت ایران راخریداری نمایندولی تردیدی نیست که دولت ایران میتوانست بقیمت کم نفت خودرا بمقادیرمحدودی بفروشد ومعلوم نیست که آیاچنین عملی بااصول اقتصادی وفق میداد یانه . رویهمرفته باهمهٔ کوشش و تلاشی که شد وباتخفیف عمده‌ای که بخریداران نفت عرضه میشدمقدارنفتی راکه دولت دکترمصدق بفروش رساند ازیکصد وبیست هزارتن تجاوزنکرد .

چنانکه درپیش گفته شدانگلیسها از روز اول معتقد بودندکه دکترمصدق قادر بانجام کارهای مثبت نیست وتااو زمامدار ایران میباشد حل قضیهٔ نفت ایران غیرممکن و بلکه محال خواهد بود . بعکس امریکائیان عقیده داشتندکه حل قضیهٔ نفت درصورتی پایداروبرقرارخواهد بودکه بدست پیشوای نهضت ملی انجام گیرد وکوشش بسیارنمودند که بهرترتیبی ممکن باشد این کاردرحکومت دکترمصدق انجام گیرد. کشمکش بین این‌دو نظرمدتها دوام‌داشت‌ودولت انگلستان‌ساعی بودکه بامرور زمان‌نظرخودرا بامریکائیان بقبولاند و بزرگترین پشتیبان نظرانگلیسها درامرنفت همان‌کارتل بین‌المللی نفت‌بود که ازپنج شرکت بزرك نفت امریکائی وشرکت نفت انگلیس و ایران و یك شرکت مختلط انگلیسی وهلاندی تشکیل شده بود. معروف است که حزب دموکرات امریکا نمایندهٔ طبقات متوسط وسرمایه‌داران نسبتهً کوچك‌تراست وبعکس حزب جمهوریخواه تحت نفوذ سرمایه داران بزرك وشرکتهای عظیم مانندکارتل بین‌المللی نفت میباشد. پس ازوقایع تیرماه ۱۳۳۱ که دولت دکترمصدق دوباره زمام‌امورایران رابدست گرفت انگلیسها متوجه بودندکه درهمان سال‌انتخابات ریاست جمهور امریکا درپیش است و اگردرحل قضیهٔ نفت عجله‌ای نشود وحزب جمهوریخواهان هم توفیق حاصل کندکارتل نفت خواهد توانست نظرخودرا بدولت جدید امریکا تحمیل نماید. همینکه آثار وعلائم انتخاب ایزنهاوربریاست جمهورامریکا ظاهرگشت جراید امریکا بتدریج شروع بانتقاد

---

(۱) Idemitsu

ازدولت ایران نمودند ومخصوصاًجراید طرفدارحزب جمهوریخواه مدعی‌شدندکه بحران اقتصادی ایران وسرسختی دکترمصدق درامرنفت عاقبت‌کار را بجائی خواهد رساندکه حزب‌توده درایران قوی شده وحکومت رابدست‌گیرد . پس ازانتخاب ایزنهاور درماه آبان این انتقادات شدیدتر شد و دولت ترومن که چند ماه بعد حکومت را تحویل جمهوریخواهان میداد ناچاربودکه تصمیمات مهم را بامشورت حزب مخالف خود اتخاذ نماید ولذا درمورد قضیهٔ نفت ایران قدم تازه‌ای برنداشت .

آنانیکه بسیاستهای پیچ‌اندرپیچ جهان آشنائی دارند میدانندکه کشورهای دنیا امروز بیکدیگر کاملا مربوط بوده وهیچ کشوری به تنهائی نمیتواند زندگی کرده واز سیاستهای کشورهای بزرگ دوری‌جوید . خواه‌ناخواه وقایع عمده‌ای که درجهان روی میدهد درراه وروش کشورهای دیگر بخصوص کشورهای کوچك تأثیر بسزائی دارد و انتخاب ایزنهاورهم‌بواسطهٔ ارتباط‌کارتل نفت باحزب‌جمهوریخواه نمیتوانست‌درقضایای نفت بی تأثیرباشد .

پس‌ازتشکیل دومین دولت دکترمصدق امید بحل‌قضیهٔ نفت ضعیف‌ترگشت ووضع اقتصادی ایران وخیم‌ترشد ومخالفت بادکترمصدق‌هم باشکال مختلف آغازگشت. دکتر مصدق بهیچوجه حاضرنبودکه در راه وروش خود تغییری داده وقائل بانعطاف باشد و بنابرین بانهایت سرسختی ازدولت خود دفاع‌میکرد وبهروسیله‌ای که‌ممکن‌بودبکوبیدن مخالفین خود میپرداخت. قطع رابطهٔ سیاسی باانگلستان‌اولین قدمی بودکه برداشت زیرا چنانکه درپیش گفته شد اومعتقد بودکه عمال انگلیس با مخالفین او ارتباطاتی دارند و اخراج مأمورین سیاسی موجب قطع روابط مذکور خواهدگشت . پس ازاین اقدام وقایع سیاسی دیگری درایران رخ دادکه برای اجتناب ازطول‌کلام باید بطور اختصار ذکری ازآنها نمود .

درتاریخ ۲۱مهرماه دولت عده‌ای را درتهران توقیف‌کرد وطی اعلامیه‌ای بمردم گفت‌که بموجب‌گزارشهای واصله توقیف شدگـان بمعیت سرلشگر فضل‌الله زاهدی (که درآنوقت سناتور بود) و بعضی افراد دیگری‌که دارای مصونیت پارلمانی هستند بنفع‌یك‌سفارت اجنبی مشغول‌توطئه وتحریك برضد دولت میباشند. دو روز بعدسرلشگر زاهدی طی اعلامیهٔ مفصلی این اتهام را تکذیب‌کرده چنین‌گفت : -

«چقدرجای‌تأسف است‌که ملت‌ایران‌باآنهمه‌امید وآرزو وقبول انواع‌محرومیتها امروز ازدولت مصدق بغیراز فقر وبیکاری وهرج ومرج و تجاوز بنوامیس وجان ومال خود حاصلی ندارد و بایدبجای امنیت و آسایش هر روز هوچیگری و تبلیغات توخالی تحویل‌گیرد. کمال‌آرزوی من‌آنست‌که درپیشگاه ملت حقیقی ایران من و دکترمصدق محاکمه شویم تاپرده ازروی ریاکاری‌ها بردارم و مردم ستمدیده و محروم ایران را برحقایق‌امورآگاه وازعواقب‌وخیمی‌که مقدمات‌آنراجاهلانه یامغرضانه فراهم‌کرده‌اند آگاه سازم. مگرتاقیامت‌هم میشود درسنگرنفت باحربهٔ فرسودهٔ نوکر استعمار وخادم بیگانه مردم را اغفال‌کرد ؟ آیا برای زندگی مردم ورفع این آشوب واصلاح اوضاع عمومی چه نقشه دارید و چه‌کرده‌اید ؟ »

پس‌ازصدوراعلامیهٔ فوق معلوم‌گشت که سرلشکرزاهدی پیشوائی مخالفین‌حکومت دکترمصدق را برعهده‌گرفته وازآنروزبه‌بعد هرکس بادکترمصدق مخالف‌بودبه‌یاری زاهدی برخاست وبطورآشکار ومحرمانه ازاو پشتیبانی‌نمود . روز اول‌آبانماه‌طرحی باسه فوریت درمجلس شورای ملی بتصویب رسیدکه مدت دورهٔ مجلس سنارا بدوسال تقلیل میداد و در واقع موجب تعطیل مجلس سنا میگشت تا آنکه سناتورهای مخالف دولت را از میدان بدربرد. طرح مزبوربشرح زیربود :-

«مجلس شورای ملی با توجه بمفهوم‌کلی قانون اساسی و باتکای اصول پنج و چهل وچهار وپنجاه قانون اساسی اصل چهارقانون اساسی را چنین تفسیر مینمایدکه مدت نمایندگی منتخبین هر دورهٔ تقنینیه اعم از مجلس شورای ملی و مجلس سنا دوسال است . »

درماه‌آذر معروف شدکه نقاری بین دکترمصدق وسیدابوالقاسم‌کاشانی پیداشده ونخست وزیر ازدخالتهائی که درامموردولت میشود وتوصیه‌های متعددی که بوزارتخانه‌ها میشود خسته ودلتنگ شده است وبهمهٔ وزارتخانه‌هادستورداده که درآینده دیگرترتیب اثری به‌توصیه‌های مزبورندهند . دردیماه‌هم بین‌اعضای مؤثرجبههٔ ملی اختلافاتی‌دربارهٔ انتخاب اعضای هیئت مدیرهٔ شرکت ملی نفت روبداد . این اختلافات منتهی بشکافی‌بین پیروان دکترمصدق گردیدکه کم وبیش تا اواخرحکومت او ادامه داشت .

نخست‌وزیر بموجب قانون اختیارات شش‌ماهه‌که بتصویب مجلس رسیده‌بودطرح جدیدی برای قانون انتخابات تهیه‌کرده و منتشرکردکه قبل‌از تصویب هرکس نظری نسبت بآن دارد اظهار نماید. طرح مزبور برای بعضی از نمایندگان تولید شبهه‌کرده بودکه اجرای قانون جدید انتخابات ممکن است موجب تعطیل دورهٔ هفدهم مجلس شورایملی‌گردد . درجلسهٔ ۱۴ دیماه عده‌ای از نمایندگان طرحی با سه‌فوریت تقدیم مجلس‌کردندکه میگفت « هیچ طرح ویا لایحه‌ای نمیتواند بموجب امضاء رئیس‌دولت باعث تعطیل یا فلج‌شدن مجلس فعلی‌گردد . » روز پانزدهم‌دیماه نخست‌وزیر نطقی ازرادیو خطاب بملت‌ایرادکرد وتوضیح دادکه قانون جدید انتخابات‌راکه او میخواهد تصویب وبموقع اجراگذارد عطف بماسبق نشده وتوهمی‌که برای بعضی از نمایندگان حاصل شده بیمورد است . نطق مزبور انتقادات شدیدی نسبت به بعضی از اعضای جبههٔ ملی‌که مخالف دولت شده بودند داشت ودر پایان‌آن نخست‌وزیرچنین‌گفت: «ملت ایران ــ فرزندان عزیز من ــ امروز یکبار دیگر دنیا چشم بدرایت‌وکاردانی وموقع شناسی و انضباط شما دوخته است. فرد فرد شما نباید مسئولیتی را که در پیشگاه خدای بزرگ ووجدان پاك خود و دینی را که بپرچم و تاریخ پرافتخار خویش دارید لحظه‌ای ازیاد ببرید . حساسیت زمان وعظمت مبارزه وآشفتگی‌جهان وخرابی‌اوضاع هشیاری شما را در همه حال ایجاب میکند . فرزندان عزیز وطن - با چشمان باز و بیدار مراقب سرنوشت خانهٔ کهن سال خود باشید تا مبادا تاریخ فردا از نسل امروز بدی یادکند و مارا مستحق نفرین ولعنت بشناسد . »

روز ۱۶ دیماه اعضای حزب توده تظاهراتی درخیابانها کردند و بین آنها و

دستجات دیگر زد وخوردی واقع شد که بموجب اعلامیهٔ حکومت نظامی یکنفر مقتول و ۱۲ نفر مجروح شدند. روز ۱۷ دیماه مجلس شورای ملی با اکثریت زیاد بدولت رأی اعتماد داد. روز ۱۸ دیماه نخست وزیر نامه‌ای بمجلس شورای ملی نوشته وتقاضا کرد مادهٔ واحده‌ای تصویب شود که اختیارات او برای تصویب موقت قوانین برای یکسال دیگر تمدید گردد. همینکه نامهٔ نخست وزیر خوانده شد حسین مکی استعفای خود را از نمایندگی مجلس نوشته تقدیم رئیس نمود وازمجلس خارج گردید. چند نفر دیگر از نمایندگان هم معترض بـه تمدید اختیارات دکتر مصدق بودند ومخالفت خود را ابراز داشتند. درجلسهٔ ۲۵ دیماه مجلس شورای ملی دکتر بقائی نطق مفصلی کرده و باتمدید اختیارات دکتر مصدق مخالفت نمود وهمانروز جراید تهران نوشتند که مذاکرات نفت بمرحلهٔ حساس خود نزدیک شده است وانتظار میرود که تا ٤٨ ساعت دیگر اعلامیهٔ رسمی درین باره منتشر گردد، وعلاوه کردند که انگلستان با ارجاع مسئله غرامات و رسیدگی بادعاهای متقابل ایران بیک هیئت داوری بیطرف و حمل نفت ایران به بازار های غربی و کمك اقتصادی بایران موافقتهائی کرده که توسط سفیرامریکا بدولت اطلاع داده شده‌است. این خبر تا اندازه‌ای ازمخالفت نمایندگان بالایحهٔ تمدید اختیارات دولت کاست ومحیط مجلس رامساعد بادولت نمود. درجلسهٔ ۲۸ دیماه مجلس حسین مکی استعفای خودرا مسترد داشت وحائری زاده نطق شدیدی برعلیه تمدید اختیارات دکتر مصدق نمود و رئیس مجلس هم طی نامه‌ای بنمایندگان اطلاع داد که طرح لایحهٔ تمدید اختیارات رئیس دولت مخالف با قانون اساسی میباشد. روز ۲۹ دیماه بازار تهران تعطیل شد و تظاهرات شدیدی به پشتیبانی از دولت صورت گرفت و دکتر مصدق بنمایندگان گفت که باید هرچه زودتر تکلیف لایحهٔ تمدید اختیارات اورامجلس روشن کند والامسئولیت حفظ انتظامات کشور بعهدهٔ مجلس خواهد بود. روز ۳۰ دیماه مجلس لایحهٔ تفویض اختیارات یکساله بدکتر مصدق راتصویب کرد. درجلسهٔ مزبور عدهٔ حاضر ۷۷ نفر وموافقین بالایحهٔ دولت ۵۹ نفر بودند.

روز دوم بهمن دکتر مصدق پیامی از رادیو خطاب بملت ایران ایراد کرد وباوجود وعده‌ای که جراید تهران دربارهٔ حل قضیهٔ نفت درچندروز پیش داده بودند هیچ اشاره‌ای بمذاکرات خود باسفیرامریکا نکرد. درین سخنرانی دکتر مصدق چنین گفت:

«مراقبت و بیداری گران قیمتی را که مردم ونمایندگان آنها طی دوهفتهٔ اخیر بحرانی بکار بردند از نظر آنهائی که ازدور ونزدیك اوضاع سیاسی وطن مارا مطالعه میکنند ارزش بسیار داشت. یکمرتبه دیگر ایرانی ثابت کرد که نهضت او عمیق تر وریشه دارتر از آنست که بسادگی بتوان آنرا دستخوش طوفان اختلاف وتشتت قرارداد. این مبارزه باروح وجان ملت پیوند دارد ومردم ایران بخوبی درك کرده‌اند که این جهادعظیم ملی برسر هست ونیست ومرگ وبقای یك مملکت شروع شده وبا وحدت واتفاق وفداکاری باین مرحله از پیروزی رسیده است .... من ازانتقادات بجا واصولی یاران موافق ودوستان مخالف نه‌تنها هرگز نمی‌رنجم ودرحساب مملکت احساسات شخصی را مداخله نمیدهم بلکه نصایح وانتقادات ایشان را بمنزلهٔ چراغ راهنمای خود میشمارم ... اختیاراتی که

مجلس شورای ملی در موارد معینه باینجانب تفویض کرده است فقط برای این است که لوایحی تهیه و بعنوان آزمایش بموقع اجرا گذاشته شود . »

روز ۸ بهمن دکتر مصدق و کاشانی بایکدیگر ملاقات و پس از چهار ساعت مذاکره اعلامیه مشترکی مبنی بررفع اختلاف نظر و ادامهٔ همکاری رئیس دولت و رئیس مجلس منتشر کردند ولی ارباب بصیرت میدانستند که ادعای رفع اختلاف ظاهری بود و در باطن اختلافات برقرار وعده‌ای از سران نهضت ملی من جمله حائری‌زاده و دکتر بقائی هم دیگر موافقتی با دکتر مصدق ندارند .

روز سوم اسفند نخست وزیر بنمایندگان فراکسیون نهضت ملی اطلاع داد که تحریکاتی علیه دولت وجود دارد و توسط چند نفر از آنها جریان تحریکات مزبور را بعرض شاهنشاه رسانید . روز ششم اسفند سرلشگر فضل‌الله زاهدی بموجب مادهٔ پنج حکومت نظامی توقیف شد . روز نهم اسفند شهرت یافت که شاهنشاه قصد مسافرت بخارج ایران را دارند و باهواپیما حرکت خواهند کرد. بتقاضای رئیس مجلس و علما و نمایندگان واصرار و پافشاری مردم پایتخت که ازصبح روز نهم در دربار اجتماع کردند سرانجام موجب انصراف شاهنشاه از مسافرت شدند واعلامیهٔ زیر عصر همانروز ازطرف وزارت دربار منتشر گردید : -

« اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بواسطهٔ عارضهٔ کسالت تصمیم داشتند مسافرت کوتاهی از راه عراق پس از زیارت اعتاب مقدسه بخارج بفرمایند . این تصمیم شاهانه موجب نگرانی و بروز احساسات میهن پرستانه از طرف قاطبهٔ مردم محترم گردید و با اجتماع و تظاهرات شایستهٔ تقدیری خواهان انصراف اعلیحضرت همایون شاهنشاهی از مسافرت شدند . چون خاطر خطیر شاهانه پیوسته معطوف برعایت افکار عامه میباشد با سپاسگزاری و قدردانی از احساسات پاك مردم فعلا از مسافرت انصراف حاصل فرمودند . »

عصر روز نهم اسفند نخست وزیر در جلسهٔ خصوصی مجلس شورای ملی حضور بهمرسانده واظهارداشت که بواسطهٔ موانعی که درراه پیشرفت کارها رویداده خیال داشته است رفراندوم کند وسپس اعلیحضرت همایونی اظهارتمایل بمسافرت کردند وصبح روز نهم او وسایر وزیران برای عرض خداحافظی شرفیاب شدند که مواجه باتظاهرات مردم گشتند وبعد هنگامیکه نخست‌وزیر بخانهٔ خود مراجعت کرد مشاهده کرده است که یك جیپ ارتشی وعده‌ای بمنزل او حمله کردند . قضیهٔ روز نهم اسفند بحران سیاسی دیگری ایجاد کرد که منتهی به تحصن ۲۸ نفر از نمایندگان درمجلس شورای ملی گردید و احزاب طرفدار دکتر مصدق چند روز متوالی بتظاهر پرداختند وعده‌ای از افسران بازنشسته و جمعی دیگر توقیف شدند . روز دوازدهم اسفند نخست‌وزیر پیامی خطاب بملت منتشر کرد وازعموم طبقات تقاضا کرد که به تعطیل عمومی خاتمه داده ومتانت وآرامش را حفظ نمایند و نمایندگان هم به تحصن خود درمجلس خاتمه دادند. یك هیئت هشت نفری هم از نمایندگان مجلس انتخاب شدند که برای رفع اختلافات بین دربار و دولت اقدام مقتضی بنمایند . هیئت مزبور پس از تماس بادربار ونخست وزیر گزارشی تهیه کردند که درجلسهٔ خصوصی مجلس شورای ملی مورخهٔ ۲۱ اسفند قرائت گردید وحاکی ازین بود که

« بین اعلیحضرت همایونی و رئیس دولت کوچکترین اختلافی که ناشی از نظریات شخصی وخصوصی باشد موجودنیست وبعلاوه اعلیحضرت همایونی فرموده‌اند که‌همواره علاقهٔ کامل خود رابرعایت اصول قانون‌اساسی تصریح وزحمات جناب‌آقای دکترمصدق را درپیشرفت نهضت ملی ایران تقدیرنموده‌اند . » ونیزدرگزارش مزبورذکرشده بود که ادارهٔ کلیهٔ امورکشوری ولشگری ازحقوق هیئت دولت ووزیران‌است وچنانکه گفته شدگزارش مزبور مورد موافقت شاهنشاه ونخست وزیرقرارگرفته بود. روز۲۶ اسفند سرلشگرزاهدی ودیگرانی که پس‌از واقعهٔ نهم اسفند توقیف شده بودندآزادگردیدند وبدین نحوبحران سیاسی اسفند ماه خاتمه یافت .

پس ازعید نوروز جراید تهران نوشتند که درآخرین‌ملاقاتی که سفیرکبیر امریکا بانخست وزیرداشته ازطرف رئیس دولت بوی اخطارشده بودکه رفتارنامبرده درمورد قضایای داخلی‌ایران طوری‌است که دولت ایران‌نمیتواندآنرا نادیده بگیرد. نخست‌وزیر ملاقات سفیرکبیرامریکا را باوزیر دربار در روز نهم اسفندکه شاهنشاه عزم سفرخارج ازکشور را داشتند بعنوان مداخله درامورداخلی‌ایران تلقی کرده وبسفیرمزبورگوشزد کرده که باوجود علاقه‌ای که دولت بحفظ مناسبات حسنه بادولت امریکادارد درصورت ادامهٔ این وضع ودخالت مقامات امریکائی در امور داخلی ایران از واشنگتن تقاضای احضار اورا خواهدکرد .

روز ۱۵ فروردین دالس وزیر خارجهٔ امریکا دریك مصاحبهٔ مطبوعاتی اظهار داشت :

« همانطورکه قبلاً نیزاعلام کرده‌ام نظردولت امریکا آن است که پیشنهاداخیر امریکا وانگلیس که چندی پیش (۲۹ اسفند) ازطرف دکترمصدق ردشد عادلانه میباشد وفعلاً امریکا پیشنهاد دیگری برای حل مسئلهٔ نفت‌ایران ندارد» این‌اظهارتأثیربسیاری درمحافل سیاسی‌ایران نمود ومعلوم داشت سیاست حکومت جمهوریخواه امریکابادولت انگلستان همسازگشته است .

روز۱۶ فروردین‌نخست وزیرپیامی‌ازرادیو به‌مردم ایران‌فرستاد وچنین گفت : -

« هموطنان عزیز ــ روزنهم اسفندگذشته باین عنوان که دکتر مصدق میخواهد اعلیحضرت همایون شاهنشاهی را بخارج روانه‌کند عده‌ای جلوی کاخ اختصاصی آمده بودند و قصدشان این بودکه درموقع خروج ازکاخ کار مرا یکسره سازند ولی بهدف نرسیدند. پس‌ازآن جلوخانهٔ اینجانب‌آمدند وبازکامیاب نشدند. گرچه توضیحات راجع بتصمیم این مسافرت را همان شب درجلسهٔ خصوصی مجلس شورای ملی داده‌ام ولی‌نظر باینکه رسماً وکاملاً منتشرنشد وحتی بمردم چنین وانمودکردندکه ابتکار این مسافرت بااینجانب بوده واختلاف‌شخصی بین‌اعلیحضرت همایونی واینجانب وجود دارد این‌است که لازم میدانم چگونگی را برای روشن ساختن اذهان عمومی باستحضار هموطنان عزیز برسانم . . . . . پس از اینکه بارادهٔ ملت مجدداً اینجانب مأمور تشکیل دولت شدم روز اول مرداد ۱۳۳۱ که احساسات مردم باوج عظمت خود رسیده بود وهمه از جریان‌آن واقعه استحضارکامل دارند برای اینکه بکلی‌رفع نگرانی ازاعلیحضرت بشود

ودشمنان مملکت درین موقع که ما گرم مبارزه بااجنبی هستیم هرروز نتوانند بنوعی ذهن ایشان را مشوب نموده اختلافی میان دربار ودولت بیندازند و ازین راه باساس نهضت ملی ضربتی برسانند این شرح را « دشمن قرآن باشم اگر بخواهم برخلاف قانون اساسی عمل کنم وهمچنین اگرقانون اساسی‌را نقض کنند ورژیم مملکت را تغییر دهند من ریاست جمهوررا قبول نمایم» درپشت کلام‌الله مجید نوشته وآنرا بحضورشان فرستادم....درخاتمه لازم‌است تأییدکنم به‌قسمی که‌نسبت باعلیحضرت همایون شاهنشاهی یادکرده‌ام همیشه وفادارم واطاعت از اصول قانون اساسی را نه فقط درصلاح مملکت بلکه درصلاح مقام سلطنت نیزمیدانم . ولی‌چون قبل ازنهضت اخیر که سیاست خارجی درامورمملکت دخالت میکرد هیچگونه اختلاف اساسی بین دربار و دولتهای وقت وجود نداشت واین اختلاف پس ازملی‌شدن صنعت نفت بوجودآمده امیدوارم که مجلس شورای ملی هرقدر زودتر تکلیف گزارش هیئت هشت نفری حل اختلاف را معلوم کنند و بروح قانون اساسی مفهوم واقعی خود را بازگردانند تاهیچوقت بین دربار و دولتها جای اختلاف نباشد . درمملکت مشروطه برای اینکه مقام سلطنت محفوظ ومصون از تعرض باشد پادشاه مسئول نیست وبهمین جهت است که گفته‌اند پادشاه سلطنت میکند نه حکومت . »

نکته‌ای که درپیام فوق جلب‌توجه عامه‌را کرد این‌بود که درشرحی که دکترمصدق پشت قرآن نوشته وفرستاده بود گفته بود که « اگرقانون اساسی را نقض کنند و رژیم مملکت را تغییردهند » برای بسیاری ازصاحبنظران این عبارت بسیارسنگین‌آمد زیرا درآنوقت چنین نظری دربین هیچیك ازطبقات مردم بغیرازطرفداران حزب‌توده موجود نبود و ازآنوقت به بعد بسیاری حدس زدند که چنین‌نظری ممکن است دردستگاه دولت درحال تکوین باشد .

از ماه اسفند ۱۳۳۱ به بعد معلوم بود که قضیهٔ نفت به بن‌بست‌رسیده واختلافات داخلی رو بشدت گذاشته ودر بین سران نهضت‌ملی شکاف عمیقی پیدا شده وطبقهٔ‌حاکمه دچار نگرانیهای بسیارگشته و دولت امریکا هم با نظر انگلیسها موافق شده‌است که حل قضیهٔ نفت با دولت مصدق دیگر میسر نیست . قصد عزیمت شاهنشاه به خارج بر نگرانیهای مردم بسی افزود و هنگامیکه وزیردربار درمصاحبهٔ مطبوعاتی‌اظهارداشت که پیشنهاد مسافرت شاهنشاه از طرف سه‌تن از اعضای جبههٔ‌ملی بوده‌است بسیاری از مردم درین اندیشه بودند که مبادا نقشه هائی طرح شده باشد که عواقب وخیمی برای مردم ایجادکند . دکترمصدق برای حفظ موقعیت خود بیشتر از پیش متوسل‌به‌پیامهای رادیوئی و تشدید فعالیت دستگاه تبلیغاتی دولت برعلیه مخالفین وتظاهرات دسته‌های طرفدار خود در خیابانها ومیدانهای تهران گشت ولی اینگونه‌کارها درصورتی‌سودمند بود که مردم امیدوار بآینده می‌شدند درصورتیکه درآن هنگام یأس و ناامیدی تأثیر بسیاری درافکار عمومی کرده بود . بتدریج از هواخواهان دکترمصدق کاسته میشد و بعکس برفعالیت‌حزب توده افزوده میگشت.اگردرتظاهرات‌سال۱۳۳۱ یك سوم‌جمعیت اعضای حزب توده بوده ودوسوم دیگران بودند از اوایل ۱۳۳۲ قضیه برعکس‌شده و میتینگ ها و تظاهراتی که بنفع دولت صورت میگرفت دوسوم آنرا اعضای حزب

توده تشکیل میدادند . دولت تصور میکرد که براوضاع مسلط میباشد وحزب توده پاداشی درمقابل خدمات خود مطالبه نخواهد کرد ولی درنظر ارباب بصیرت واضح بود که نقشهٔ حزب توده این‌است که بتدریج دولت‌را محتاج‌خود سازد تابتواند مقاصدخودرا انجام‌دهد.وضع اقتصادی‌هم رو بوخامت‌میرفت وشهرت‌اینکه دولت بطورمحرمانه‌مبادرت به نشر اسکناس کرده است هزینهٔ زندگی‌را بالا میبرد وطبقهٔ متمکن گرفتار هراس و نگرانی بسیار شده بود و از افزایش نفوذ حزب توده ناراحت ومشوش بود . خلاصه اینکه در اوایل سال ۱۳۳۲ اضطراب ونگرانی عمیقی در بین طبقات مختلف مردم حکمفرما بود ووقایع بعد هم هرروز برشدت آن میافزود .

بخش چهاردهم — آخرین تلاش

از اوایل اسفندماه ابوالقاسم بختیار درجنوب علیه قوای انتظامی ودولت قیام کرده بود وپس از اعزام قوا ومحاصرهٔ او وبستگانش دراواخر فروردین‌تسلیم قوای دولتی گردید.دولت دکترمصدق رفتار ابوالقاسم‌بختیاررا به‌حساب‌مخالفین خود گذاشته وباجدیت بسیاربسرکوبی او اقدام کرد . روزاول اردیبهشت سرتیپ افشارطوس رئیس کل شهربانی مفقودگشت وشش‌روز بعد جسد او در تپه های لشگرك واقع در شمال تهران کشف گردید . روز سوم اردیبهشت حسین علا وزیر دربار از شغل خود استعفا داد و ابوالقاسم امینی بکفالت وزارت دربارشاهنشاهی منصوب گردید. روزدوازدهم اردی‌بهشت فرماندار نظامی تهران اعلامیه‌ای صادر کرده و چنین گفت :

آنچه از مجموع بازجوئیهائیکه از متهمین قتل افشارطوس بعمل‌آمده واقاریر واعترافات صریح آنها مستفاد میگردد این‌است که عده‌ای از افسران بازنشسته که‌از پیش آمد بازنشستگی خود عصبانی شده بودند تصمیم میگیرند که بوسائلی متوسل شده تا بتوانند بمقام وشغل خود برگردند ولی پس‌از آنکه از تشبثات عادی مأیوس شدند ناگزیر با مخالفین دولت پیوند کرده تا باقدرت وقوت بیشتری دولت‌را تضعیف و ازین راه بمرام خویش نائل گردند . این فکر واندیشه آنها را بطورکلی وادار کرد که باشخاص مخالف دولت مراجعه واز طرفی مخالفین هم در صدد بودند که از وجود ناراضیها استفاده نمایند . سپس اعلامیهٔ مزبور بشرح کامل‌ماجرا پرداخته‌وتلویحاً متذکرشده بود که دکتربقائی و سرلشگر فضل‌الله زاهدی در این قضیه وارد بوده‌اند .

روز ۱۴ اردیبهشت سرلشگر فضل‌الله زاهدی در مجلس شورای ملی متحصن شد و بخبرنگاران جراید اظهار داشت : « چون اطمینان ندارم که دستگاه دولت مطابق قانون و حیثیت اشخاص با من رفتار خواهد کرد بخانهٔ ملت پناهنده شدم وبرای دادن توضیح بمقامات صلاحیتدار حاضرم در بارهٔ پروندهٔ قتل افشارطوس من ازخودم‌مطمئن هستم مادام که نتوانم مانند یك فرد ساده ازآزادی استفاده کنم درمجلس‌میمانم . »

روز ۲۱ اردی‌بهشت فرمان ملوکانه صادر شد که بموجب آن‌کلیهٔ املاك پهلوی بدولت واگذار گردید که دولت آنرا اداره کند ودر عوض سالیانه مبلغ شصت ملیون

ریال بسازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی بدهد که با نظارت دولت برای امور خیریه مصرف گردد . همان روز سخنگوی دولت اظهار داشت که روابط دولت و دربار صمیمی بوده واکنون یك همکاری صمیمانه و نزدیك بین‌دولت ودربار وجود دارد .

روز ٢٤ اردیبهشت وزیر دادگستری طی نامه‌ای خطاب بمجلس شورای ملی اظهار داشت که مطابق گزارش وزارت دفاع ملی و دلایل ومدارك پیوست دکتر بقائی متهم بمعاونت در قتل افشارطوس است وتقاضای سلب مصونیت اورا کرد .

در اواخر اردیبهشت دالس وزیر خارجهٔ امریکا مسافرتی بکشورهای خاورمیانه و پاکستان کرد و هندرسن سفیر کبیر امریکا در تهران برای ملاقات او بکراچی عزیمت نمود . در مراجعت از کراچی هندرسن بیانیهٔ زیر را در تاریخ ٤ خرداد در تهران منتشر کرد : ـ « طبق دستور آقای دالس وزیر امور خارجه ایالات متحده امریکا بامداد امروز بیانیهٔ زیر از طرف نامبرده توسط آقای هندرسن سفیر کبیر امریکا هنگام بازگشت بایران صادر گردیده است : « متأسفم ازینکه برایم میسر نگردید که درطی مسافرت خود بکشور های خاورمیانه وآسیای جنوبی از ایران دیدن نمایم . امیدوارم که درمسافرت آتیهٔ خود باین قسمت از جهان بتوانم بایران آمده و بامردم آنکشور ازنزدیك آشنا شوم و با زمامداران ایرانی دربارهٔ مسائل مورد علاقهٔ دو کشورمذاکره نمایم. مردم امریکا علاقهٔ قلبی نسبت بایران داشته و با ابراز همدردی شاهد مبارزات ایرانیان در راه آزادی و آمال ملی خود بوده‌اند . دولت و ملت امریکا مخصوصاً اشتیاق دارند که ایران در حل مشکلات خود موفق شود و اصولی را هم ملاك عمل خود قرار دهد که در مناسبات مللی که درین جهان به‌یکدیگرمتکی می‌باشندمعمولاً حکمفرماست ونیز دولت وملت امریکا مخصوصاً اشتیاق دارند که‌ملت‌ایران باآینده‌ای که شایستهٔ گذشتهٔ ممتازآن میباشد مستقل ونیرومند ازمشکلات کنونی‌خودخارج‌شود .»

نیامدن دالس بایران و جملهٔ « اصولی را هم ملاك عمل خود قرار دهد که در مناسبات مللی که درین جهان بیکدیگر متکی میباشند معمولا حکمفرماست » که در بیانیهٔ او ذکر شده بود واضح میساخت که دولت امریکا سیاست دولت ایران‌را دربارهٔ نفت دیگر بانظر مساعدی تلقی نمی کند و خواستار این است که ایران درحل‌مشکلات خود اصول دیگری غیر از آنچه تعقیب کرده است قبول نماید . برای کسانیکه با زبان دیپلوماسی آشنا میباشند بیانیهٔ فوق واضح‌میساخت که دولت جمهوریخواه‌امریکا دیگر حاضر نبود که در امر نفت واسطه قرارگرفته و میانجی گری کند مگر اینکه در روش دولت ایران تغییر کلی حاصل گردد. چندروز پس‌از انتشار بیانیهٔ‌فوق‌هندرسن بعنوان مرخصی بامریکا عزیمت نمود .

ازفروردین١٣٣٢ تاآخرخرداد کشمکش‌های‌فراوانی بین‌نمایندگان‌طرفداردولت ومخالفین‌ادامه‌داشت‌ودرنتیجهٔ آن‌فقط چندجلسهٔ‌مجلس‌شورای‌ملی‌تشکیل‌شد که‌آنهم‌صرف مشاجرات‌بود . روز ٢٩ خرداد فراکسیون نهضت ملی مجلس میتینگ بزرگی درمیدان بهارستان تشکیل داده وبیاناتی درتأیید وپشتیبانی از دولت دکتر مصدق ایراد کرد . روز چهارم تیرماه نخست وزیر ازنمایندگان فراکسیونهای مجلس دعوت کرده وبآنها

اظهارداشت که تعطیل مجلس بهیچوجه جائز نیست وهردولت ملی باید تمام مساعی خودرا بکاربرد که مجلس وجود داشته وبوظایف خود عمل نماید. و نیز گفت وظایف قانونی مجلس بعهدهٔ اکثریت و اقلیت است که اولی پشتیبان ودومی راهنمای دولت می باشد ومنفردین که عقیدهٔ خودرا صریحاً نمی گویندنمی توانندبوظیفهٔ خودعمل نمایند. درخاتمه گفت: « تعطیل مجلس بنفع هیچیك ازنمایندگان محترم نیست وامیدوارم قبل ازآنکه اوضاع واحوال بچنین امراضطراری منجرشود نمایندگان وطن پرست،مجلس را بطریق منطقی سوق داده دولت وملت را ازین بن بست نجات دهند. »

بیانات نخست وزیر درواقع یك اخطاری بنمایندگان وبخصوص نمایندگان منفرد بود که تکلیف خود را بادولت معین کنند وضمناً تهدیدی بود که اگررویهٔ مجلس تغییر نیابد تعطیل آن در پیش خواهد بود. روز دهم تیرماه دکترمعظمی بریاست مجلس شورای ملی انتخاب شد ومخالفین دولت که کاندیدشان کاشانی بود توفیقی نیافتند.

درتاریخ ۲۰ تیرماه متن نامه های متبادله بین نخست‌وزیر ورئیس جمهورامریکا بشرح زیردرتهران انتشاریافت :-

متن پیام نخست وزیر به ژنرال آیزنهاور

حضرت رئیس جمهورعزیز :

در جواب نامهٔ ملاطفت آمیز مورخ ۱۱ ژانویه ۱۹۵۳ پیام اینجانب که پیشنهاد فرموده‌اید نظریاتی را که مورد علاقهٔ مشترك ما بوده است مستقیماً و یا ازمجرای دیپلماتیك باستحضارخاطرعالی برسانم. درآن پیام مختصری، از پریشانی‌ها و مضایقی که ملت ایران در راه تحقق بخشیدن بآمال خود دردوسال اخیرتحمل نموده وهمچنین مشکلاتی‌را که دولت انگلستان برای پشتیبانی ازادعاهای غیرمنطقی یك شرکت مستعمراتی برای ایران ایجاد کرده است بعرض برسانم. دراین چند ماهی‌هم که از تاریخ این پیام میگذرد ملت ایران گرفتار مضایق مالی و دسایس سیاسی شرکت سابق نفت و دولت انگلستان بوده ازآن جمله خریداران نفت ایران‌را ازدادگاهی به دادگاه دیگر کشانده وباتمام وسایل تبلیغاتی ودیپلماسی موانع غیرقانونی درسرراه فروش نفت ایران ایجاد کرده وباآنکه دادگاههای ایتالیا وژاپن فروش نفت ایران را بلامانع اعلام نمودند از اقدامات برخلاف حق واصول تاکنون دست برنداشته‌اند گرچه امید میرفت که درزمان تصدی آن حضرت توجه بیشتری بوضعیت ایران بشود ولی متأسفانه هنوز درروش دولت امریکا تغییری حاصل نشده است. درپیامی که آقای وزیر خارجهٔ امریکا از کراچی برای اینجانب ارسال داشته‌اند اظهارتأسف کرده‌اند ازاینکه تاکنون امریکا درمجاهدت خود برای کمك بحل مسئلهٔ غرامت توفیق حاصل نکرده است. باید بخاطر داشت که دولت ایران حاضرشد دیوان بین‌المللی دادگستری قیمت اموال شرکت سابق درایران را هرقدرتعیین کند بپردازد ونیزحاضرشد که صلاحیت دیوان مزبور را در بارهٔ غرامت باین شرط قبول کند که قبلاً دولت انگلستان مبلغ مدعا به خود را درحدودحق وانصاف تعیین نماید. بدیهی است که دولت ایران هم ازشرکت سابق نفت ودولت انگلیس مطالباتی

دارد که در موقع طرح دعوی اظهار میکرد . چون دولت انگلیس باین امید است که وضعیت سابق خودرا درایران تجدید کند بهیچیك ازین پیشنهادات ترتیب اثر نداده اکنون دراثر اقدامات شرکت سابق ودولت انگلستان ملت ایران دربرابر مشکلات اقتصادی وسیاسی بزرگی قرار گرفته است که ادامه این وضع ازنقطه نظر بین‌المللی نیزممکنست عواقب خطیری داشته باشد واگر دراین موقع کمك مؤثر وفوری باین مملکت نشود شاید اقداماتیکه فردا بمنظور جبران غفلت امروز بعمل آید خیلی دیر باشد . البته دراینمدت کمك‌هائی ازطرف دولت امریکا بایران‌شده که موجب تشکراست ولی آنقدر نبوده است که مشکلات ایران را مرتفع کند وصلح جهانی را که هدف وآمال دولت و ملت شرافتند امریکا است تأمین نماید . سطح زندگی مردم ایران در نتیجهٔ یکقرن سیاست استعماری خیلی پائین بوده وبالا بـردن آن بدون برنامه‌های عمرانی دامنه‌دار امکان پذیر نخواهد بود . متأسفانه کمکهائی که تاکنون شده اصولا در حدود کمکهای فنی بوده و حتی دراین قسمت نیز گاهی اوقات مساعدتهائی که لازم بوده نشده است من‌باب مثل یادآوری میشود که بانك صادرات که میبایست ۲۵ ملیون دولار برای امور کشاورزی بایران کمك کند بواسطهٔ دخالت های ناروای دیگران منصرف گردید . ملت ایران امیدواراست که بامساعدت وهمراهی دولت امریکا موانعیکه در راه فروش نفت ایران ایجاد شده برطرف شود وچنانچه رفع موانع مزبور برای آن دولت مقدور نیست کمکهای اقتصادی مؤثری بفرمایند تا ایران بتواند از سایر منابع خود استفاده نماید کشور ایران غیرازنفت دارای ثروت‌های طبیعی دیگرنیزهست که بهره‌برداری از آنها مشکلات فعلی کشوررا حل خواهد نمود ولی این‌امربدون کمکهای اقتصادی میسر نمیباشد. درخاتمه توجه موافق واثربخش آن حضرت را بوضع فعلی ایران جلب‌نموده ویقین دارم‌تمام نکات این پیام راباهمیتی که شایسته‌است تلقی خواهند فرمود.خواهشمند است احترامات فائقه دوستدار را قبول فرمائید.

دکتر محمد مصدق

متن پاسخ رئیس جمهور

۱۲ تیر ماه ۱۳۳۲

جناب آقای نخست وزیر

محترما پیامی راکه رئیس جمهوری دول متحده امریکا در جواب نامهٔ آن جناب بتاریخ هفتم خرداد ماه ۱۳۳۲ (مطابق ۲۸مه ۱۹۵۳) ارسال داشته‌اند تقدیم میدارم. ازآن جناب خواهشمندم باردیگراحترامات فائقه دوستدار را قبول فرمایند

کردن . ـ متیسون

کاردار موقت

ضمیمه ـ رونوشت پیام رئیس جمهوری دول متحده به‌نخست وزیر ایران

آقای نخست وزیر عزیز . نامه آن جناب بتاریخ هفتم خرداد ماه ۱۳۳۲ (۲۸ مه ۱۹۵۳) واصل گردید . درنامهٔ مزبوراوضاع سخت کنونی ایران را شرح داده و اظهار امیدواری فرموده بودید که دول متحده آمریکا شاید بتواند بایران کمك کند تا ایران

برپاره‌ای ازمشکلات‌خود فائق‌آید. تأخیری که درعرض جواب پیش‌آمد بدان‌سبب بوده است که میخواستم بامستردالس ومسترهندرسن سفیر کبیر فرصت مشورت داشته باشم و اکنون که بنوشتن‌این پاسخ مبادرت میکنم‌محرک‌دوستدارهمان روح صداقت دوستانه‌ای است که درنامهٔ خود جنابعالی منعکس می‌بینم.

تاریخ نشان میدهد که حکومت‌امریکا ومردم‌آمریکا همیشه احساسات عمیق‌دوستی نسبت بایران ومردم ایران داشته وهنوزهم‌دارند. حکومت‌آمریکاومردم امریکاصمیمانه امیدوارند که ایران بتواند استقلال خودرا حفظ کند ومردم ایران نیز بحصول‌آمال ملی خودکامیاب ونیزموفق شوند ملتی خشنود و آزاد بوجود آورند که بترقی و پیشرفت و صلح دنیا کمک کند. اولا بعلت همان امیدواری بود که حکومت دول متحده امریکا در طی دو سال از صمیم قلب جد وجهد نمود برای رفع اختلافاتی کـه بین ایران وکشور متحد انگلستان روی‌داده وازملی شدن‌صنعت‌نفت‌ایران ناشی گردیده است‌مساعدت کند. عقیدهٔ دول متحد امریکا این بوده است که چنانچه قراری در بارهٔ غرامت داده شود درسراسردنیا حس اعتماد و اطمینان باین معنی تقویت خواهد شد که ایران مصمم است کاملا متمسك باصولی باشد که بموجب‌آن جامعه باشکوهی ازملل‌آزاد امکان پذیر گردد واین‌امرمؤید اعتبار بین‌المللی ایران خواهدبود وسبب خواهد شد پاره‌ای معضلات‌مالی واقتصادی که اکنون‌متوجه ایران است حل شود. چون ایران وکشور متحدهٔ انگلستان نتوانسته اند نسبت بغرامت توافقی حاصل نمایند این مسأله حکومت دول متحدهٔ امریکا را از مجاهداتی که برای کمك بایران بعمل آورده باز داشته است. در ممالك متحده امریکا وحتی‌درمیان‌امریکائیانی که نسبت‌بایران ومردم ایران منتهای همدردی ودوستی دارند این فکرقوت داردکه تازمانی که ایران نتواند ازفروش نفت و محصولات نفتی خود وجوهی بدست‌آورد وباانعقاد قرارداد معقول وعادلانه‌ای دربارهٔ غرامت باردیگر نفت ایران بمقادیر زیادی فروخته شود هـرگاه حکومت دول متحده بخواهد بمیزان معتنابهی ازطرق اقتصادی بایران کمك کند درحق‌مؤدیان مالیاتی امریکا شرط انصاف را رعایت نکرده‌است. همینطور بسیاری از مردم امریکا تاوقتی که اختلاف نفت قطع وفصل نگردیده است با خرید نفت ایران از طرف حکومت دول متحده عمقاً مخالفت خواهند کرد. این‌احساسات نیز درممالك متحده بمیزان معتنابهی‌وجوددارد که هرگاه بناشود صرفاً برمبنای از دست رفتن دارائی مادی یعنی تأسیسات شرکتی که ملی شده است مسأله پرداخت غرامت حل گردد این ترتیب راه حلی نخواهد بود که بتوان‌آنرا عادلانه خواند وتوافق دربارهٔ چنین راه‌حلی ممکن است اعتماد متقابل ملل‌آزاد راکه باهم ارتباط دوستانه اقتصادی دارند بضعف متمایل سازد. بعلاوه بسیاری ازهموطنان دوستدارکه ازجریانات مربوط باین اختلاف اسف‌آور آگاهی‌دارند واطلاعات لازمه را پیوسته بدست آورده‌اند معتقدندکه نظر باحساسات پر هیجانی که هم در ایران وهم درکشور متحد انگلستان برانگیخته شده است کوششهائی که بوسیلهٔ مذاکره مستقیم بمنظور تعیین مبلغ غرامت بعمل آید بیشتر ممکن است بجای ایجاد حسن تفاهم مایهٔ افزایش اصطکاك و اختلاف گردد. عقیدهٔ آنها پیوسته چنین بوده است که عملی‌ترین و

منصفانه‌ترین وسیلهٔ قطع وفصل مسألهٔ غرامت آنست که این امر به یك هیئت بین‌المللی بیطرفی ارجاع گردد و آن هیئت کلیهٔ دعاوی طرفین را براساس ماهیت دعوی مورد مطالعه قراردهد. کاملاً توجه دارم باینکه حکومت ایران بایستی خود تشخیص دهد کدام سیاست وروش خارجی وداخلی برای ایران ومردم ایران نافعترین سیاستهاست و با بیان این مطالب سعی ندارم برای حکومت ایران مصلحت اندیشی کنم و بگویم چه‌چیز بیشتر بنفع حکومت ایران است. صرفاً سعی من توضیح این نکته است که بااین اوضاع واحوال چرا حکومت دول متحده اکنون درمقام وموقعی نیست که بتواند بیشتر از پیش بایران کمك بکند یا نفت ایران را خریداری نماید. در صورتیکه ایران مایل باشد حکومت دول متحده امیدوار است کمکهای فنی ونظامی خودرا براساسی که نظیر کمکهای سال گذشته باشد ادامه دهد. از نگرانی که در نامهٔ آنجناب نسبت باوضاع خطرناك کنونی ایران منعکس است استحضار یافته وصمیمانه امیدوارم تافرصت باقی ودیر نشده است ازطرف حکومت ایران اقداماتی درحدود قدرت خود برای جلوگیری از بدترشدن وضع کنونی بعمل آید. از آقای نخست وزیر خواهشمندم تجدید احترامات فائقه دوستدار را بپذیرند.

دوایت د. ایزنهاور

مبادلهٔ نامه‌های فوق آخرین تلاشی بود که دکترمصدق برای حل قضیهٔ نفت نمود و بجائی نرسید و پس از آن بر همه کس واضح بود که دولت امریکا از حل قضیهٔ بدست دکترمصدق کاملاً مأیوس گشته است ودر جواب اعلام خطری هم که دکترمصدق در نامهٔ خود کرده و خواسته بود بامریکا بفهماند که خطر شیوع کمونیزم در ایران افزایش یافته است رئیس جمهور امریکا فقط اظهار امیدواری کرده بود که دولت ایران اقدام مقتضی را خواهد نمود.

بخش پانزدهم - نگرانیهای امریکا

هنگامی که دکترمصدق ونمایندگان مجلس شورای ملی، که هواخواه او بودند، مشاهده کردند که کار های دورهٔ هفدهم مجلس فلج شده واکثریت کاملی موجود نیست که تمام خواسته های دولت را مانند دورهٔ قبل انجام دهد وتظاهرات و میتینگ‌ها و پیامهای رادیوئی هم تأثیرش را از دست داده است مصمم شدند که دورهٔ هفدهم مجلس شورای ملی را بپایان رسانند ومجلس دیگری انتخاب کنند که منویات آنهارا بموقع اجرا گذارد. این بود که روز ٢٤ تیرماه بیست وهفت نفر نمایندگان عضو فراکسیون نهضت ملی دست‌جمعی از وکالت استعفا دادند ودرنامه‌ای که برئیس مجلس نوشتند چنین گفته بودند:

« چون با کمال تأسف چنانکه سابقاًهم اعلام شده وضع کنونی مجلس شورایملی مساعد برای ادامهٔ وظیفهٔ نمایندگی نیست ناگزیرما امضاکنندگان ذیل اعضای فراکسیون نهضت ملی بدینوسیله استعفای خودرا از نمایندگی دورهٔ هفدهم مجلس شورای ملی تقدیم میداریم . »

درتعقیب این استعفا ۲۵ نفر دیگر از نمایندگان که عضوفراکسیون نهضت ملی نبودند ولی خود را هواخواه دولت دکترمصدق دانسته ومیخواستند زمینهٔ انتخاب شدن خود را دردورهٔ بعد بامساعدت دولت فراهم سازند مبادرت باستعفا کردند وبدین ترتیب تشکیل جلسات مجلس شورای ملی بواسطهٔ فقدان حدنصاب دیگرمیسر نبود .

روز ۳۰ تیر ۱۳۳۲ تظاهرات بزرگ ووسیعی ازطرف دسته‌های مختلف بیادبود قیام ملی سی‌ام تیر ۱۳۳۱ انجام گرفت وتظاهرکنندگان که جمعیت انبوهی را تشکیل میدادند پشتیبانی خود را برای ادامهٔ نهضت ملی وزمامداری دکتر مصدق اعلام داشتند. دکترمصدق هم بمناسبت سی‌ام تیر نطقی ازرادیو ایراد و درضمن آن حملاتی بمخالفین خود نمود وآنهارا عده‌ای معدود نفع طلب نامید .

روز پنجم مرداد دکترمصدق پیامی ازرادیو خطاب بمردم ایران ایراد کرد که قسمتهای مهم آن درزیر نقل میشود :-

« هموطنان عزیزچنانکه عرض شد هرقدمی که تاکنون برداشته شده بعدازمشیت الهی بواسطهٔ اتحادکلمه وپشتیبانی وحمایت عموم ملت ایران بوده است وهرکس ادعا کند که درین کارسهمی وحقی بیش ازدیگران داشته ادعایش باطل و بی‌اساس است . ما همه درین مبارزه باهم همکاری کرده‌ایم و نتایجی هم که بدست آمده براثرهمین همکاری متقابل وصمیمانه بوده است . امروز هم اگر براثراغراض خصوصی عده‌ای منحرف شده باشند درصورتیکه ملت ایران بامنحرف شدگان همکاری نکند وآنانرا ازخود براند اقدامات اجانب بجائی نخواهد رسید ودولت بهدایت ملت بی‌دغدغه خاطر راه خود را باکمال ثبات واستقامت ادامه خواهد داد . درمیان مخالفین امروزی عدهٔ قلیلی هستند که درشروع این نهضت ازهمقدمان وهمراهان بوده‌اند ولی بعلتی که ترک ذکرآن اولی است اکنون ملت را درآخرین مراحل پیروزی رها ساخته و درتضعیف دولت وجلوگیری ازپیشرفت آمال ملی حتی ازمخالفین قدیم هم پیش افتاده‌اند . . . . . آیا مخالفین فعلی تصور نمیکنند در صورت ادامهٔ این وضع ثمرهٔ فداکاریها وجانبازی چندین سالهٔ ملت ایران که اکنون بآخرین مراحل خود نزدیك میشود بهدر رود ولعن ونفرین ابدی برای آنان درتاریخ ایران باقی بماند ؟ در مبارزه‌ای که اکنون درپیش گرفته‌ایم دوراه بیشتروجود ندارد یامقاومت وپایداری که پایان آن سعادت و استقلال واقعی وعظمت ملت ایران است یا انقیادوتسلیم که نتیجه‌اش ننگ ورسوائی ابدی ومحرومیت ازمزایای حکومت ملی وتحمل مفاسدومظالم حکومتهای فردی ودیکتاتوری است. هموطنان عزیز - اکنون بیگانگان باتمام قوا میکوشند که درصفوف متحد ملت ایران رخنه کنند. متأسفانه درمجلس شورای ملی هم که حقاًمیبایست بزرگترین مبارزه بااینگونه افکار باشد کانونی برای پیشرفت مقاصد شوم آنها تشکیل شده است. درین مجلس گروهی ازمخالفین وایادی

سیاست بیگانه با بعضی ازمنحرف‌شدگان میکوشند که زمام امور را بدست دولتی بدهند که بتوانند مطامع بیگانگان ومنافع آنان را تأمین کند و برای انجام این منظور تریبون مجلس را وسیله برای تبلیغات مضره قرارداده‌اند. با مشکلات فراوانی که درپیش است دولت نمیتواند این کارشکنی‌ها ودسائس را تحمل کند و باین عده مجال دهد که باسرنوشت ملت ایران بازی کرده ومجلس شورای ملی را جولانگاه مقاصد شوم خود قرار داده وعرصه را براکثریت نمایندگان دلسوز وعلاقمند بمصالح کشور تنگ کنند. . . . . شما همه ازجریان کار مجلس شورایملی خوب با خبرید وهیچیك ازجزئیات آن ازنظرشما پوشیده وپنهان نیست. دولت ناچاراست صریحاً اعلام کند که باوضع کنونی مجلس امید هیچگونه موفقیتی درمبارزهٔ ملت ایران نیست وناچاراست ازشما مردم وطن‌پرست تقاضا کند عقیدهٔ خود را درابقاء یاانحلال آن صریحاً اظهارکنید. . . . . این تنها ملت ایران یعنی بوجودآورندهٔ قانون اساسی ومشروطیت ومجلس ودولت است که میتواند درین باره اظهارنظر کند لاغیر. قانونها - مجلس ها - دولتها - همه برای خاطرمردم بوجودآمده‌اند نه مردم بخاطر آنها. وقتی مردم یکی ازآنها را نخواستند میتوانند نظرخود را دربارهٔ آن ابرازکنند. درکشورهای دموکراسی و مشروطه هیچ قانونی بالاترازارادهٔ ملت نیست. بهمین جهت دولت درین‌لحظهٔ حساس تاریخی‌مشکلی راکه باآن مواجه شده باملت درمیان میگذارد وراجع باین‌مجلس ازخود مردم سؤال‌میشود که اگر با ادامهٔ وضع کنونی مجلس تا سپری شدن دورهٔ هفدهم تقنینیه موافقت دارند دولت دیگری روی کار بیاید که بتواند با این مجلس همکاری کند واگر با این دولت ونقشه وهدف‌آن موافقند رأی بانحلال‌آن بدهند تامجلس‌دیگری تشکیل‌شود که بتواند درتأمین آمال ملت بادولت همکاری کند.»

مخالفین دولت اظهارمیداشتند که طبق اصل ٤٨ قانون اساسی حق‌انحلال مجلس شورایملی یامجلس سنا فقط باپادشاه است ودرهرموردی که مجلسین یا یکی ازآنها منحل‌گردد باید در فرمان انحلال علت ذکر شده وامر بتجدید انتخابات نیز بشود بنابرین رفراندم برای انحلال مجلس شورایملی یك تجاوز صریحی به حقوق پادشاه ونقض یکی‌ازاصول قانون‌اساسی میباشد. ونیزمیگفتند که استعفای ٥٢ نفرازنمایندگان دورهٔ هفدهم مجلس که عملاً موجب تعطیل مجلس شده بود دلیل موجهی برای دولت است که ازرئیس مملکت تقاضای صدور فرمان انحلال مجلس را بنماید. دکترمصدق استدلال مخالفین را قبول نمیکرد زیرا مدعی بود که اصل ٤٨ قانون اساسی بتصویب مجلس مؤسسان رسیده وتشکیل مجلس مؤسسان را هم قانونی نمیدانست وعلاوه برین چنانکه درنطق خود گفته بودارادهٔ ملت را مافوق تمام قوانین میدانست وادعا میکرد که استفسار از مردم بوسیلهٔ رفراندم جنبهٔ قانونی دارد درصورتیکه رفراندم ومراجعه بآراء عمومی هیچگاه درایران سابقه نداشته است.

بهرحال دکترمصدق طبق نظامنامه‌ای که خود وضع کرد در تاریخ ١٢ مرداد رفراندم را درتهران ودرتاریخ ١٩ مرداد درشهرستانها انجام داد و چنانکه پیش‌بینی

میشد دسته های موافق دولت بخصوص اعضای حزب توده درین رفراندم شرکت کرده وانحلال دورهٔ هفدهم مجلس شورایملی را تأییدکردند . مخالفین دولت هم دررفراندم شرکت نکرده وعلیه آن اعلام جرم کردند و بیانیه‌های متعددی منتشر کرده ورفراندم را غیرقانونی شناختند .

درخلال این احوال درامریکا نگرانی بسیاری راجع بوضع ایران پیدا شده بود ومحافل سیاسی امریکا معتقد شده بودندکه نفوذ حزب توده رو بتزاید میباشد و اگر وضع همین‌طور ادامه یابد مخاطراتی درپیش است که ایران درپشت پردهٔ آهنین قرار گیرد وضربت بسیارعظیمی بسیاست کلی کشورهای غرب وارد آید . مجلهٔ «تایم» در تاریخ ۲۲تیرماه چنین نوشته بود : «اگرچه دکترمصدق درمورد انتخاب دکترمعظمی بریاست مجلس پیروزی پارلمانی دیگری تحصیل کرده ورقیب خود کاشانی را شکست داده است معهذا قدرت نخست‌وزیر بتدریج روبکاهش میرود ودلایل آن بقرارزیراست: اول آنکه کوشش او برای انجام مسافرت شاه بخارج و بدست گرفتن ارتش و ایجاد دیکتاتوری بدون مخالف. دوم عدم‌توفیق او درراه درهم‌شکستن محاصره‌ای که انگلیسها ایجادکرده و مانع فروش نفت خام شده‌اند . سوم تنزل بهای پول ایران که دوسال پیش ٤٧ ریال وسال گذشته ٧٤ ریال وهفتهٔ گذشته ۱۱۸ ریال برابر بایك دلار بود وچهارم رخنهٔ حزب غیرقانونی توده در وزارتخانه ها . هنگامیکه بدکتر مصدق گفته میشود که روش ناسازگار او کشورش را بکمونیزم سوق میدهد وی این اتهام را مسخره کرده وانکارمیکند ولی‌ارباب بصیرت آگاه هستند که رخنهٔ حزب توده درادارات دولتی باندازه‌ای پیشرفت کرده است که اکنون در برخی از موارد سیاست دولت را آنها تنظیم میکنند . »

روز۲۹ژوییه(۷مرداد) وزیرخارجهٔ امریکادرمصاحبهٔ مطبوعاتی‌خودچنین گفته بود:

« تشدید فعالیت حزب غیرقانونی توده درایران واغماضی که دولت ایران نسبت بفعالیت حزب مزبور روا میدارد باعث نگرانی امریکا گردیده وموجب شده است که اعطاء کمك ازطرف امریکا بایران را مشکلتر سازد . »

روزنامهٔ نیویورك تایمز درسرمقالهٔ چهارم‌اوت (۱۳مرداد) خودچنین نوشته بود:-

« عمل دکترمصدق نخست وزیر ایران در مراجعه بآراء عمومی و نحوهٔ اجرای رفراندم ازهرحیث بااقدامات هیتلر درآلمان نازی شبیه میباشد . طرز اجرای‌رفراندم مسخره‌آمیز بوده و نه تنها رعایت اصل اخذ رأی سرّی نشد بلکه در خیابانهائی که بمحل رأی مخالفین باانحلال مجلس منتهی میگردید نوشته شده بود آنهائی که درین محل رأی میدهند خائنین بوطن هستند . »

درتاریخ ٦ اوت (۱۵مرداد) ایزنهاوررئیس‌جمهورامریکا درکنفرانس‌مطبوعاتی خود چنین گفته بود :-

« توسعهٔ نفوذکومونیزم درآسیا موجب‌نگرانی بسیاراست واین‌امر برای امریکا عاقبت شومی را در بر خواهد داشت . صبح امروز در روزنامه ها خوانده‌اید که دکترمحمد مصدق نخست وزیر ایران سرانجام توانست خود را از زیر بار انتقادات

مجلس ایران خلاص کند وآنرا منحل ساخت ولی البته برای رسیدن بمقصود از کومونیستها مدد گرفت . رئیس جمهور گفت لازم است دولت امریکا برای جلوگیری ازتوسعهٔ نفوذ کومونیزم در کشورهای آسیا منجمله ایران اقدامات لازم بعمل آورد وهم اکنون تصمیماتی برای انجام این کار اتخاذ شده‌است . دیر یازود راه توسعهٔ کومونیزم را باید درآسیا محدود کرد وما مصمم باین کارهستیم. »

روز نهم اوت (۱۸مرداد) مجلهٔ نیوزویك چاپ امریکا چنین نوشته بود :

« حزب تودهٔ ایران بتدریج موقعیت خاصی پیدا میکند . تظاهرات منظم افراد این حزب درروزسی‌ام تیر که درآن بین ۳۵تا۵۰هزارنفر شرکت کردند وشمارهٔ آنها از تظاهر کنندگان دیگر که طرفدار دولت بودند فزونی داشت نشانهٔ قوت گرفتن کومونیست ها درایران میباشد . این حوادث نشان میدهد که ممکن‌است دکترمصدق نخست وزیرایران بزودی یا کومونیستهارا درادارهٔ اموردولتی شرکت دهد ویادرمقابل آنها باشکست مواجه شود . یکی ازهدفهای حزب توده ازبین بردن نفوذغرب دراین کشور میباشد . این‌حزب مایل‌است شاه که یك قدرت معنوی درایران بشمارمیرود واز قرنها پیش وجودش جزء سنن این کشور بوده ازکار برکنار شود . روی کار آمدن ناگهانی دکترمصدق درآوریل ۱۹۵۱ درواقع فرصتی برای حزب توده بود که نظیر آن کمترممکن بود اتفاق بیفتد . ناسیونالیزم ضد انگلیسی دکتر مصدق و حملات او علیه استعمارگران خارجی با برنامهٔ کومونیستهای ایران مطابقت داشت . صرف‌نظر ازاینکه مصدق باحزب توده موافق یامخالف باشد این حزب ازوی پشتیبانی کرد ولی ضمناً حق انتقاد از وی را نیز برای خود محفوظ نگاهداشت . حزب توده از حملهٔ شدید بدکترمصدق خودداری کرده است زیرا سیاست دکترمصدق موجب‌شدت وخامت زمینه برای پیشرفت کومونیزم خواهد بود . مصدق چندین بار در لحظات بحرانی پشتیبانی‌حزب توده را مورد قبول قرارداد والبته حزب‌توده نیز ازین موفقیتهاحداکثر استفاده را کرده است . نامهٔ مورخ ۲۹ ژوئن ایزنهاور بمصدق بوی ثابت کرد که دیگر بکمك‌امریکا نمیتواند پشت گرم باشد . هندرسن سفیرکبیرامریکا درایران‌هنوز درخارج کشور بسرمیبرد. دکترمصدق که مصمم‌است همچنان برسرکار بماند اجباراً بطرف اتحاد باحزب توده کشانده میشود . دکترمصدق میتواند از قانونی شناختن حزب توده خودداری کند ولی فشار روزافزون این حزب ومخالفت مداوم با برسمیت شناختن آن ممکن‌است سبب شود که کومونیستها درایران بزورمتوسل شوند ودرینصورت اغتشاشاتی بروزخواهد کرد . »

دراواخرمرداد ۱۳۳۲ مملکت از هرجهت وضع غیرعادی پیدا کرده بود چون دکترمصدق وطرفدارانش بخوبی احساس میکردند که از پشتیبانی دول غربی محروم گشته‌اند وازطرف دیگرهم چون افکار وتمایلات عمومی مردم سازش با عقاید افراطی چپ نداشت توجه بآن‌سیاست‌هم بواسطهٔ مخالفت‌شدیدافکارعمومی بی‌نتیجه بنظر میرسید . مجلسی هم وجود نه‌اشت که تاحدی نقطهٔ اتکاء دولت باشد تاذراین موقع بحرانی برای بهبود اوضاع قدمی بردارد . خلاصه روش رئیس دولت که بتدریج ازاوایل سال۱۳۳۲ شدت یافته بود و فعالیت جدی مخالفین برای سقوط دولت که آشکار و پنهان انجام

میگرفت موجب شد که هر کس وهمه کس منتظرحوادث وتحول جدیدی باشد و بالاخره شب ۲۵ مرداد طلیعهٔ این تحول پدیدار گردید باین قسم که فرمان عزل نخست وزیری دکترمصدق توسط رئیس گارد شاهنشاهی بوی تسلیم گشت ودرهمان موقع وزیرخارجه ووزیرراه دولت وقت وهمچنین معاون ستاد ارتش ازطرف نظامیان دستگیر شدند .

صبح روز ۲۵ دولت اعلامیه‌ای صادر کرد که شب گذشته یك کودتای نظامی بوسیلهٔ افسران گارد شاهنشاهی درتهران واقع شد ولی بی‌نتیجه ماند وهمانوقت گارد شاهنشاهی خلع سلاح شده ووزیران خارجه وراه ومعاون ستاد ارتش که درباز داشت بودند آزاد شدند وسپس خبررسید که شاهنشاه و ملکه ازرامسر باهواپیما عازم بغداد گشتند . از صبح ۲۵ تاصبح ۲۸ مرداد اوضاع تهران وبسیاری ازشهرستانها غیرعادی بود باین معنی که طرفداران دکترمصدق باانجام پاره‌ای تظاهرات بمخالفین دولت سخت میتاختند وبیش ازهمه توده‌ایها میدان‌دارشده بودند وعلناً ازتغییر رژیم سخن میراندند . عمال ومأمورین دولت هم نه تنها باین گونه تظاهرات اعتراضی نداشتند بلکه بعضی ازاعضای کابینهٔ دکترمصدق و پیشوایان جبههٔ ملی آشکارا ازآن نظریات طرفداری میکردند چنانکه همان اشخاص روز ۲۵ مرداد درمیدان بهارستان میتینگ بزرگی دادند وعلاوه برتأیید حکومت مصدق نظریات افراطیون را هم کم وبیش تأیید نمودند .

روز ۲۶ مرداد سفیرامریکا که مدتی ازتهران غائب ودرامریکا واروپا بسرمیبرد بتهران مراجعت کرده وروز ۲۷ مرداد بملاقات دکترمصدق رفته وعواقب خطرناك ناشی ازفعالیت افراطیون چپ را باو گوشزد نمود . روز ۲۶ و۲۷ عده‌ای ازکسانی که متهم بدخالت درکودتای نظامی بودند بازداشت شدند و فرماندار نظامی اعلام داشت که صد هزار ریال جایزه بکسی داده میشود که ازمحل سکونت سرلشگر زاهدی اطلاعی بفرمانداری بدهد . روز ۲۷ مردادهم وضع بهمین منوال گذشت وتظاهرات طرفداران دکترمصدق ادامه یافت وهیجان ونگرانی در همه جا حکمفرما بود .

صبح روز ۲۸ مرداد وضع بطورناگهانی تغییر کرد وقوای انتظامی که تاآنوقت تماشاچی وبیطرف وبلکه مطیع دولت وقت بودند تغییر مسیر داده بمخالفین دولت پیوستند ودسته های مخالفین دکترمصدق که شاید از تعرض مأمورین انتظامی اندیشه میکردند همینکه آنهارا همراه دیدند بصورت متشکل درآمدند وبرای سرکوب ساختن طرفداران عقاید افراطی جنبهٔ تهاجم بخود گرفتند درصورتیکه تاآن ساعت وضع دفاعی هم نداشتند .

ازظهر روز ۲۸ مرداد کارتظاهرمخالفین وموافقین بزد وخوردانجامید . مخالفین دولت بخانهٔ دکتر مصدق حمله آوردند و چون درآنجا با مقاومت مستحفظین نظامی مواجه گشتند چند ساعتی زدوخورد ادامه یافت تاسرانجام دکترمصدق سنگر را تخلیه کرد وازخانهٔ خود خارج شد . درهمان گیرودار نخست‌وزیری سرلشگرفضل‌الله زاهدی اعلام شد ومعلوم شد که فرمان انتصاب او چند روز پیش صادرشده بود وازآن تاریخ سرلشگر زاهدی زمام اموررا بدست گرفت .

این بود جریان مختصر سه‌روز پرحادثه که برای اطلاع ازجزئیات آن خوانندگان را بجراید وقت حواله میدهیم .

جلد دوم

درینجا مطالب جلد اول این کتاب بپایان میرسد که قسمتهای اول آن حاوی اطلاعات کلی راجع بنفت و بقیهٔ آن داستان نفت ایران وشرح موجباتی بود که منتهی بملی شدن نفت گردید و قضیهٔ نفت را تا بوضع حاضر کشانید و نتیجهٔ کنونی را بار آورد.

خشنود هستم که جلد اول را تا آنجا که ممکن بود بانشر حقایق یعنی مطالبی که برای نسل حاضر و آینده سودمند باشد باطلاع خوانندگان رساندم و آنچه را که سالهای متمادی گفتنش برای نویسنده مقدور نبود اکنون بیان کردم ووعده میدهم که از اولین فرصت وامکان استفاده نموده اساسی را که بااین نظر حقگوئی پی ریزی نمودم باانتشار جلد دوم که عبارت ازتجزیه وتحلیل قرارداد باکنسورسیوم و عملیات شرکت ملی نفت و آیندهٔ نفت ایران است تکمیل کنم.

تصور میرود بکار بردن عبارت «تجزیه وتحلیل» درمورد قرارداد کنسورسیوم از عبارات بمورد باشد زیرا باکمال تأسف متن قرارداد بقدری پیچیده تنظیم شده که برای فهم اشخاص عادی محتاج بتجزیه وتحلیل اشخاص وارد واهل فن میباشد وامید است که توفیق این خدمتگزاری را درموقع مناسب دریابم.

تهران ـ فروردین ماه ۱۳۳۵ خورشیدی

فهرست نامها

نامهائی مانند ایران وامریکا و انگلستان و روسیه و دکتر مصدق وآبادان که بکرات درمتن کتاب آمده درفهرست زیر ذکر نشده است .

حرف آ صفحه

آتن ۸
آرژانتین ۳۵/۶۰/۷۴/۱۶۱/۱۶۲
آرشمیدس ۲۴۱
آسام ۴۰
آقا بکوف ـ ژرژ ۴۸۸
آلاسکا ۳۲
آلبانی ۵۱/۶۱
آلبرتا ۱۴/۳۲
آلزاس ۱۲
آلوارو ـ اوبرگون ۱۳۶
آمیانوس ـ مارسلینوس ۹
آناتولی ۱۴۴
آنکارا ۳۴۱
آهی ـ مجید ۳۵۵
آیزنهاور ۲۳۱/۶۳۶/۶۴۱
۶۴۷/۶۴۸/۶۵۶/۶۵۹/۶۶۲
آینشتاین ۲۳۲

حرف الف صفحه

ابقیق ۴۴/۱۸۷/۲۰۲/۲۰۴
ابن البلخی ۱۰
ابن سعود ـ عبدالعزیز
۱۸۵/۱۸۶/۱۹۳/۳۹۷
ابوحدریه ۴۴
ابوظبی ۱۹۸
اپیکوروس ۲۱۷
اپیم ـ شرکت ۶۴۶
اتریش ۵۱/۶۱
اتلی ۳۹۶
اثیر ۱۹۷
اچسن ۵۷۱/۶۳۲
ادمونتون ۳۲
اراك ۳۰۸
اران ۷
ارانی ـ دکتر ۴۸۷/۴۸۹
اردریکا ۸
ارجان ۱۱
اردن ۴۸/۷۸/۲۰۰/۲۰۶
ارسطو ۱۱/۲۱۷
ارگی روپولو ـ مسیو ۲۵۲
ارمنستان ۳۳۱
اسپانی ۷۴
اسپنس ـ کارول ۴۹۲
اسپنسر ـ هرولد ۳۴۱
استالین ۳۵۲/۳۶۱/۳۶۲/۳۶۸
۳۶۹/۳۷۰/۳۷۲/۳۷۳
۳۷۵/۴۶۵/۴۹۴
استانبول ۱۴۵/۱۴۶/۳۴۱/۴۵۹
استاندارد واکوم ۴۰
استت تینوس ـ ادوارد ۳۶۳/۳۶۴/۳۶۵
استراباد ۳۲۸/۳۳۳/۳۳۶/۳۳۸
استرابو ۱۱
استراتکونا ـ بانو ۳۲۳
استراتکونا ـ لرد
۲۵۷/۲۵۹/۲۷۸/۴۴۷
استرالیا ۳۷/۴۰/۷۴/۱۳۱/۲۲۹
۲۳۵/۲۵۱/۳۱۰
استریتر ۲۵۳
استرمر ـ کارول ۲۲۰

استروسکی ٤٨١
استرکس-ریچارد ٥٥٤/٥٥٦/٥٦٠
٥٦٢/٥٦٣/٥٦٤
اسرائیل ٤٣/٤٨/٧٤/١٦٠/١٦٨
١٧٨/١٩٩
اسکاتلند ١٥
اسکندر ٨
اسکویت ٢٦٢
اسلید دریادار ٢٦٣
اسمیت-ارمیتاژ ٢٧٥/٢٧٧/٢٧٨/٢٨٥
اسمیت - کینگزبوری ٥٤٥
اسیره ١١
اشروسنه ١١
اشیگو ١٣
اصل ٤٨
اصل چهار - ادارهٔ ٢٠٤/٤٩٧
اعتضادالسلطنه ٢٤٧
افشارطوس - سرتیپ ٦٥٤
افغانستان ٥٠/٢٩٨/٣٤٣/٤٥٩
اقبال - دکتر ٣٩١
اکدیها ٧
اکباتان ٨
اکسموت - خلیج ٤٠
اکوادور ٣٦/٦٠/٩٦
الاحساء ٤٤/١٨٥/١٨٦
الجاسم‌الثانی - شیخ‌عبدالله ١٩٥
الجزیره ٥٢/١٤٨/٢٤٢
الرمیله ٤٣/١٨٢
القصیر ١٨٢
الکینگتن ٤٢٦/٤٢٧
الگنی - جبال ٧٨
الن - ژرژ ٣٨٠
المعتمد ٩
المنأ الاحمدی ٤٠١/١٩١
المنأسعود ١٩٤
المینا عبدالله ١٩٤
الوند - پالایشگاه ٤٢
الوند - رود ١٧٤
الیاس ١٣٦
ام سعید ٤٦/١٩٦
امامی - نظام‌الدین ٣٩١
امبا ٥٠
امپراتوری‌عثمانی ١٤٤/١٤٥/١٤٦/
١٧٣/١٧٤/١٨٥/
١٩٥/٢٥٥/٢٧٢/
امیرمنظم - قفقازی ٣٤٧
امین‌السلطان ٢٤٨/٢٥٢/٢٥٣/
٢٥٤/٢٧٠
امین‌الملك - پاشاخان ٢٤٧
امین معادن - عبدالحسین ٣٤٦
امین‌معادن - حاج علی‌اکبر
٣٤٤/٣٤٥/٣٤٦
امینی - ابوالقاسم ٦٥٤
انارك ٢٣٥
انتظام - نصرالله ٢٩٢/٦٠٥
اندونزی ٣٧/٣٨/٣٩/٤٤/
٥٥/٦٠/٧٣/١٠٧/
١٣١/١٥٥/١٨٥/٣١٦
اندیمشك ٢٨٥
اوتوهان ٢٢٣
اورال ٤٩/٥٠
اوردیب ٣٤٣
اوفا ٤٩
اوکلاهوما ١٨/٩٢/٣٣٧
اوهایو ٢٨
اهواز ٨٤/٢٥٧/٢٥٨/٢٧٢/٣١٨
٤٢٣/٤٢٧
ایتالیا ٥١/٦١/٧٢/٨٢/١٠١/
١٢٦/١٥٢/٢٠٤/٣١٤/
٣١٧/٣٥١/٦٤٦/٦٤٧
ایدمیتسو - شرکت ٦٤٧

ایدن- سرانتونی //٣١٦/٣٦٣/٣٦٥
٤٦٢/٤٦٤/٤٦٦/٥٤٢/
٥٤٣/٥٧٧/٥٨٦/٥٨٨/٦٢٥
ایرافشان ٣٤٣
ایراوادی ٤٠
ایرکوتسك ٤٨٦
ایلری ـ روزنامهٔ ٣٤١
ایکس ـ مستر ٣٥٩
ایمبرت ١٣
ایمبری ـ ماژور ٣٣٩/٣٤٠/٣٤١
اینچبالد ٣٠٠

حرف ب

باباگرگر ٤٣/١٧٦
بابل ٦/٧
بابینگتن اسمیت ـ سر ١٤٦
باتمن ٤٨
بادکوبه /١٠/١١/١٨/٢٧/٤٩/١٢٢
١٤٥/١٥١/١٥٢/٣٥٢/٣٦٩
بارکو ـ معادن ٣٤
بازرگان- مهندس ٥٢٨
باسکرویل ٤٩٢
باقر ـ حاج سید ٢٧٢
بانك بین‌المللی /٢٠٣/٥٠٣/٥٨٤
٥٨٥/٥٨٦/٥٨٧/٥٨٨/
٥٨٩/٥٩٠/٥٩١/٥٩٢/
بانك‌ملی ایران ٢٩٢
بانك‌ملی‌عراق ١٨١
بانك مورگان ٣٣٦
بانکی‌ـحاج محمدصادق ٣٤٥/٣٤٦
بانوی عظمی ٣٤٤
باواریا ١٢
باورده ٣١٠
بحرالمیت ٦
بحرین /٤٣/٤٤/٤٥/٦٠/٧٣
١٢٥/١٦٠/١٦٧/١٦٨/
١٨٣/١٨٥/١٩٥/٢٠٤/
٢٠٦/٢١٠/٣٥٩/٥٥٠
بخارا ١١
بخت‌النصر ٦
بختیار- ابوالقاسم ٦٥٤
بدیه آبی ١١
بدیه صاهك ١١
برزیل ٣٦/٣٧/٦٠/٧٤
برقن ٤٦/١٩٠/٢٠٢
برلز- مستر ٢٥٢
برلن ٣٥١
برمه ١٣/٤٠/٦٠/٣١٦
برمینگهام‌پست ٦٣٨
برنئو ٣٧/٣٨/٣٩/٦٠/٧٤/١٠٨
برنز-جیمز ٣٦٨/٣٧٣/٣٧٤/٤٩٩
بروجرد ٣٠٨
بروس‌گلاسگو ـ دکتر ١٤٦
بروسترجنینگ ـ مستر ٤٥
بروستر-سناتور ٣٥٧
بریتیش کولومبیا ٣٢
بسطام ٣٤٤/٣٤٦
بصره /٤٣/١٥١/١٧٩/١٨٩/
٢٠٢/٢٥٥/٢٧٢/٤٠٧
بطمه ـ معدن ١٨٢
بغداد ١٤٤/١٧٧/١٨١/١٨٩/٢٥٥
بقائی-دکتر ٥١٨/٥٩٤/٦٥٠/٦٥١
٦٥٤/٦٥٥
بکت ـ سراریك ٥٩٣
بلاك- یوجن ٥٨٦
بلخ ٧
بلژیك ٧٤/٢٢٧/٢٣٣/٣٥١
بلغارستان ٣٥٢

بلوچستان ٤١/٤٧٤
بنجامین ـ مستر ٤٩٢
بندر بانیاس ٤٣/١٧٩/٢٠٠
بندرشاه ٣٤٢
بندرعباس ٢٣
بندرلنگه ٢٣
بندرمعشور ٣١٠/٣٢٠/٣٢١
بنش ـ دکترادوارد ٢٩٢
بوخارست ١٢
بور- نیلز ٢١٨
بوریسف ٤٤٣
بوریمی ١٩٨
بوسفور ١٦١
بوشهر ٢٤٨/٢٧٥/٢٨٠
بوفون ٢٤١
بولارد ـ سرریدر
٣٧١/٤٧٣/٤٦٤/٤٧٤/٤٧٥
٧٤٦/٤٧٧
بولیوی ٣٥/٣٧/٦٠
بوین - ارنست ٣٧٠/٤٠٣/٤١٧/٤٣٨
به آباد ٣٤٣
بهبهان ٣٩٩
بیات ١١
بیات ـ مرتضی‌قلی ٤٣٧/٥٧٠/٦٠٤
بیات ـ مهندس ٥٢٨
بیرحسن ٤٣/١٨٢
بیرمیگهام ٢٦٣/٢٨٢
بیروت ٢٠٠
بیزانس ٦/٩
بیسل ١٥/١٦
بیسمارك ٢٩٧
بیلی ـ پروفسور ٦
بی کی نی ٣٢٩/٣٢٠

حرف پ

پاپوا ٣٩
پارانتیس ٥٢
پارسنز ١٤
پاریس
١٥٢/٢٠٣/٢٥٠/٢٩٠/٣٤١/٣٤٨
پازنون ٤١/١٠/٣٢٠
پاسفیك ٤٨
پاکروان ٢٧٩
پاکستان ٤١/٦٠/١٧٠/١٧٢/٢٠٤
پالما ١٢
پالی ویلیام ١٧٠
پاناما ٨١/٨٢/١٤٣
پترا ٩
پرتی‌من ـ مستر ٢٥٦/٢٥٧/٢٦٦
پرو ١٤/-٥/٣٦/٦٠/٧٤/١٦٠
پرودم ٥٨٦/٥٨٩/٥٩١
پروکوپیوس ٩
پشتکوه ٢٨٠
پشلبرون ١٢/٥٢
پلوتارك ٨
پلوتارکو ١٣٦
پلینی ١١
پنجاب ٤١
پنسیلوانیا ١٤/١٦/١٨/٧٨
یوئرتولاکروز - بندر ١٦٦
پوارتومکزیکو ٣١
پوزاریکا ـ معادن ٣٠/٣١
پیتزبورگ ١٨
پیرگاه ٢٨٠
پیرنیا ـ دکترحسین ٣٩٠/٣٩١/٤٣٧
پیرنیا ـ مشیرالدوله ٢٥٤/٢٧٧/٣٣١
پیرنیا ـ مؤتمن‌الملك ٢٥٤
پیشه وری ـ جعفر ٣٦٥/٣٧٩/٤٨٠
٤٨٧/٤٨٩
پین کرتن ـ مستر ٥١٨

حرف ت

تاتارستان ٥٠
تاراکان ـ جزیرهٔ ٣٨

تاربل ایدا ١٠٣
تاشکند ٤٨٦
تامپیکو ٣٠،١٣٥
تخت جمشید ٢٠
تخت سلیمان ٨
ترکیه ١٤٦،١٤٥،١٤٤،٦٠،٤٨
١٤٧،١٤٨،١٥٠،١٦٠،١٦٧
١٦٨،١٧٥،١٧٦،١٨٩،٣٤١
٤٦٤
ترنرولی ٣١
ترومب ـ فلیکس ٢٤٢
ترویانوسکی ٤٨٢
ترومن ـ هاری
١٧٠،١٧١،٣٥٧،٣٧٥،٤٩٨
٥٢٧،٥٤٧،٥٧١،٦١٢،٦٣٢،٦٤٨
تریپولی ـ بندر ١٧٩
تری نیداد-جزیره ١٤،٣٥،٥٩،٧٤،٢٨٢
تقی زاده ـ سید حسن
٢٧١،٢٩٢،٢٩٥،٢٩٨
٢٩٩،٣٠٠،٣٠١،٣٠٢
تکساس ٢٨،٣٠،١٦٦
تلوزان ـ دکتر ٢٤٧
تماهه ٢٨٠
تمبی ٢٦٠
تنسی ٦٨
تنکابن ٣٢٦
تورنبرگ ـ ماکس
٣٩٤،٥٠٤،٥٠٥،٥٠٧
توماس ـ شرلی ١٣
تونس ١٤٨
تویچل ـ کارول ١٨٥،١٨٦
تهرانی ـ حاج علی‌اصغر ٣٤٤
تی‌تسویل ١٦
تیمورتاش-عبدالحسین ٢٨٥،٢٨٧،٢٩٠
٢٩٧/٢٩٨/٢٩٩/٣٤٧
تی نی کو ـ ژنرال ١٤٢

حرف ج

جاکس ٢٩٧،٣٠٠،٣١٣،٤٢٥
جاکسن ٥٢٨
جامبور ٤٣،١٨٢
جاوه ٣٨،١٠٧
جده ١٦١،١٨٦،١٩٤،٢٠٨
جزایر هند غربی ٧٣
جمسه ٤٧
جندق ٣٤٣
جنینگ ـ بروستر ١١٣
جورجیا ٢٤٣
جونز ـ التون ٦٢٢،٦٢٣
جونز ـ جك ٤٣٨
جهانگیر ـ نصرالله ٣٨٦،٣٩٠،٣٩١
جیکوب ـ جان ٨١

حرف چ

چاه سرخ ٢٥٥
چدویك ـ سرجیمز ٢٢٢،٢٢٦
چرچیل-سروینستن ٢٦٢،٢٦٣،٢٦٤
٢٦٥،٢٦٦،٣٥٢،٣٦٢
٣٦٣،٣٦٨،٤٦٢،٤٦٥
٤٩٣،٤٠٤،٥٠٢،٥٧٧
٥٨٦،٥٨٧،٥٩٥،٦١٢
٦٣٢
چستر ـ دریادار ١٤٦،١٤٧
چك‌اسلواکی ٥٢،٦١،٢٣٥،٢٩٢
٣١٩،٣٥١
چلینگر ٢٨٠
چین ١٣،٣٧،٤٠،٥٩،٦١،٢٣٩

حرف ح

حائری‌زاده ٦٥٠،٦٥١
حاجی‌آباد ـ سمنان ٣٤٧
حبشه ١٢١
حجاز ١٩٧

حرض ٤٥،١٨٧
حزب ایران‌نو ٢٩٩
حسیبی-مهندس ٥٥٦،٥٨٥،٥٨٦،٥٩٤
حضرموت ١٩٨
حکمت - مشارالدوله ٣٤٦
حکیمی - ابراهیم ٣٦٥،٣٧١،٣٨٦،٣٨٧
حلیم‌پاشا ١٤٧
حمدالله مستوفی قزوینی ١١
حمزوی- آقامیر ٣٤٥،٣٤٧
حمص ١٧٩
حیفا ٤٢،٤٣،١٧٨،١٩٩،٢٠٠،٢١١

حرف خ

خانقین ٤٢،١٥١،١٧٤
خراسان ٢٣٣،٣٣٤،٣٣٦،٣٤٧،٣٧٣
خرقانی- حاج سیداسدالله ٣٤٦
خرم‌آباد ٢٨٥،٢٨٦،٣٠٨
خرمشهر ٢٦٠،٤٠٧
خزعل-شیخ ٢٦١،٢٧٢،
٢٧٥،٢٨٢،٤٢٥
خسروآباد ٣١٠
خلیج فارس ٤٤،٤٥،٤٦،١٢٥،١٢٦
١٦٩،١٧٩،١٩٦،٢٠٨،٢٣٥
٣٤٢،٣٥٢،٣٦٤،٤٥٨
خلیج‌مکزیك ١٢٥،١٢٦،١٦٧
خلعتبری-سپهسالار
٣٢٦،٣٢٧،٣٢٨،٣٣١
خوریان ٣٤٤،٣٤٥،٣٤٦،٣٤٨،٣٥٥
خوزستان ٢٦٠،٢٦٦،٢٧٢،٢٧٩،٢٨٥
خوشتاریا ٣٢٦،٣٢٧،٣٣١،٣٣٣
٣٣٩،٣٤٥،٣٤٧
خیابانی ٢٦٥
خیاط باشی ٢٧١،٢٧٢

حرف د

داربی‌شیر - استان ١٣
داردانل ٣٥٢
دارخوین ٢٦٠
دارسی-ویلیام
١٧٣،٢٥٠،٢٥١،٢٥٢،٢٥٣
٢٥٤،٢٥٥،٢٥٦،٢٥٧،٢٥٩
٢٦٥،٢٦٨،٢٨٥،٢٨٦،٢٨٩
٢٩٢،٢٩٣،٢٩٤،٢٩٥،٢٩٧
٣٠٦،٣٠٧،٣٣٣
داروین ١٥
داغستان ٤٩
دال‌پری ٢٨٠
دالتن ٢٥٢
دالس ٦٥٢،٦٥٥،٦٥٨
دالکی ١٠،٢٤٨،٢٤٩
دامغان ٧،٣٤٣،٣٤٤،٣٤٦
دانمارك ٢٤،٨٢،٢١٨،٣٥١
داور-علی‌اکبر ٢٨٧،٢٩٢،٢٩٦،٢٩٩
٣٠٠،٣٨٦،٤٣١
دبیرالملك - حسین ٢٤٧
دتردینگ ١٠٧،١٣١،١٣٢،
١٤٥،٢٥٠،٢٦٣
دجله ١٧٤
دخان ٤٦،١٩٥،١٩٦
دربند ٩،١٠
درخزینه ٢٦٠،٢٧٣،٢٨٠،٣٢١،٤٢٣
دریای خزر ٥٠
دریای سرخ ٤٨
دریفوس ٥٨٢
دریك-سرهنك ١٥،١٦،١٧،٢٢،٥٥
دریك - مستر ٥٣٦
دشتی - علی ٢٩١،٢٩٢
دفتری-دکترمتین
٥٥٠،٥٥٦،٥٧٠،٦٠٨
دلور - استان ٣٤٢
دمام ١٨٦،١٨٧
دمان ٢٠٢
دموکرتیوس ٢١٧
دوبی ١٩٨

دورم ـ مسیو ٧
دومارس- معادن ٣٤
دومرگان ٢٥٠،٢٥١
دونشیر ـ استان ٢٥١
دوها ١٩٥،١٩٦
دوهنی ٣٣٨
دهقان ـ احمد ٤٠٤
دهلران ٢٨٠
دیاز ١٣٤
دیزل ٢٢
دیفی‌سیل ٣٤
دیلمستان ١٠
دیلی‌تلگراف ٦٣٩
دیملر ٢٢
دیوان داوری ٢٩٢
دیوان دادگستری ٥٤٢،٥٤٦،٥٤٧
٥٤٨،٥٩٢،٥٩٣،٥٩٤
٦١٣،٦١٤،٦١٥،٦١٦
٦٢١،٦٢٦،٦٢٨،٦٢٤
٦٣٣،٦٤١،٦٤٢

حرف ر

رأس‌التنورة ٤٣،٤٥،١٨٧،٥٥١
رأس غارب ٤٧
رأی مطرمه ٤٨
رادك ـ کارل ٤٨١
رادمنش ـ دکتررضا ٣٥٣،٣٥٤
راکفلر ١٠٣،١٠٥،٢٥٠
رامهرمز ٢٥٧،٢٦٩
رتفورد ٢١٨،٢٢٢
رحیمیان ـ غلامحسین ٣٥٦،٣٥٧
ردواتر ٣٢
رزم‌آرا ـ علی ٤٠٤،٤٩٩،٥٠٣
٥٠٥،٥٥٤
رضاشاه ٢٨٥،٢٩٨،٢٩٩،٣٤٢،٤٦٩
رمان داغ ٤٨
روال پندی ٤١
روتشتاین ٤٨٤
روچیلد ١٠٨،١٣١
روحی ٢٩١
رودزیا ٢٣٥
روزماری ٦٤١،٦٤٦
روزولت ٣٥٢،٣٥٨،٣٦٢،٣٦٣،
٣٦٨،٤٩٤،٥٩٢
روسو ٣٩٩
رولن‌ـهانری ٥٩٣،٥٩٥
روم ٢٠
رومانی ١٢،١٥،١٩،٥٠،٥١،٦١،١١٤
١٢٤،١٢٥،١٣٠،١٣٢،١٤٨،٣٥١
رویتر-جولیوس ٢٤٥،٢٤٦،٢٤٧،٢٤٨
ریاض ١٦١،١٩٤،٢٠٨
ریبر ـ تورکیلد ٥٨٦
ری‌پی ١٣٧
ریشم ٣٤٣
رینولدز ٢٥٥،٢٥٧،٢٥٨

حرف ز

زاهدی ـ فضل‌الله ٤٠٣،٦٠٥،٦٤٨،
٦٥٤
زبیر ٤٢،١٧٩،١٨٢،٢٠٩
زرتشت ٨٠
زرگنده ٢٥٣
زکاکلین ٣٤٧
زلاند جدید ٣٧،١٨٣،٢١٨
زلای ٢٨٠
زنجان ٨
زندیه ٢٩٩
زوریتوس ٣٦
زونکا ـ کنت دولا ٥٤٦
زیشکا ـ انتون ٢٥٠
زیگفرید ـ مارکوس ٢٢
زینوویف ـ گریگوری ٤٨١،٤٨٣

حرف ژ

ژاپون ١٣،٣٧،٣٩،٤٠،٥٠،٦٠،٧٣،
٨٢،١٤٩،١٩٤،٢٢٧،٣١٦،
٣٥١،٣٥٢،٣٦٢،٤٦٧
ژن ١٢،١٥٢
ژنو ٢٩٢،٢٩٦
ژولین ٩
ژیدل-پروفسور ٣٨٨،٣٨٩،٣٩٠،٣٩١
٣٩٩،٥٠٨

حرف س

ساخالین ١٣،٤٠،٥٠،٥٧،٣٣٧،٣٥٢
سادچیکف ٣٧٧،٣٨٠،٣٨٢،٥٢٠
ساردین ٢٧١
سارنیا ٣٢
سازانوف ٣٢٦
سازمان بین‌المللی کار ٤٤٣
سازمان کشاورزی وخوراکی ٢٠٣
سازمان ملل متحد ٣٧٣،٣٧٦،٣٨٠
ساعد ـ محمد ٣٥٤،٣٥٥،٣٨٨،٣٩١
٣٩٩،٤٠١
سالسومگیور ١١
ساموئل - مارکوس ١٠٧،١٠٩
سایکس- سرپرسی ٢٤٦
سبزوار ٣٤٤،٣٤٦
سپتیموس سوروس ١١
سپهسالاراعظم ٢٤٥
ستره ٤٤
ستوده ـ حاج میرزا علی‌اکبر
٣٤٥،٣٤٦،٣٤٧
سرام ٣٨
سرداراسعد ٢٨٦
سرنفتك ٢٨٠
سریا ٣٩
سزچوان ١٣
سعدالدوله ٢٦٨،٢٦٩،٢٧٠،٢٧٢
سعدی ١٠
سلطان زاده ٤٨٠،٤٨١،٤٨٦
سلطان عبدالحمید ١٤٤
سلوزنی ـ مارسل ٥٩٣
سلیمان میرزا ٤٨٧،٤٨٩
سمرقند ٥٠
سمنان ٤٢،١٧٣،٢٤٩،٣٤٤
٣٤٦،٣٤٧،٣٤٨،٣٥٥،٣٧٢
سنت مارسه ٥٢
سنجابی ـ دکتر ٥٥٦
سندیز ـ مستر ٥٤٢،٥٤٤
سندیکای امتیازات ٢٥٧،٢٥٨
سندیکای شرقی وعمومی ١٨٣
سندیکای نفت مصر ٢٠١
سن رمو ٢٨٣
سن فرانسیسکو ٤٥
سوئد ٧٤،٨٢
سوئز ـ کانال ٤٦،٤٧،٢٠١
سوئی ٤١
سوپریور ٣٢
سوپور ـ شرکت ٦٤٦،٦٤٧
سوریه ٤٣،٤٨،٧٨،١١٨،١٤٤،١٤٨
١٧٩،١٨٣،١٩٩،٢٠٠،٢٠٩،٣١٥
سوکونی واکیوم ٤٥
سوماترا ٣٨،١٠٧،١٨٥
سومریان ٦
سویس ١٢،٣١٩
سیدر ٤٨
سیسیل ـ جزیرهٔ ١١،٥١،٣١٧
سیلی‌من ١٥،١٦
سیمور ٣٣٩،٣٤٠
سینا ٤٨،٢٠١
سینکلر ٣٣٦،٣٣٧،٣٣٨،٣٤١
سینیز ١٠

حرف ش

شاخت ـ دکتر ٦٤٦
شارقی ٤٨٦

شاه‌آباد ٢٨٠
شاهپور دوم ٩
شاهرود ٣٧٣، ٣٤٦، ٣٣٤
شایگان ـ دکتر ٥١٨، ٥٥٦، ٥٧٠، ٥٨٥، ٥٩٤
شبانکاره ١١
شپرد ـ سرفرانسیس ٥٦٦، ٥٦٤، ٤٠٧
شرجه ١٩٨
شرکت استانداردواکیوم ٣٥٣، ١١٥، ٣٥٤
شرکت استریك اسکات ٤٢٤، ٢٧٩، ٤٢٩
شرکت الگمین اکسپلوراتی ماچاپیچ ٣٤٣
شرکت بریتانیائی توسعهٔ نفت ١٧٧، ١٧٦
شرکت بهره برداری اولیه ٣١٢، ٢٧٤، ٢٦١
شرکت تکساس ١٨٥، ١٨٤، ١١٥، ١١٠، ١٠٥، ٣٥٩، ٢٠٠، ١٨٧
شرکت توسعهٔ خاورمیانه ١١٥
شرکت توسعهٔ عثمانی وامریك ١٤٣
شرکت توسعهٔ نفت قطر ١٩٧
شرکت حمل ونقل شل ١٠٧
شرکت دارسی ١٤٥
شرکت ذخائر نفت ٣٥٩
شرکت رافدین ١٧٥
شرکت سی بورد ٣٤٢
شرکت سیتیز سرویس ٦٢٢، ١٩٨، ١٠٦
شرکت سهامی نفت کویرخوریان ٣٤٧
شرکت شل امریکا ١٣٢
شرکت شل کالیفورنی ١٣٢
شرکت عقاب مکزیك ١٤١، ١٣٤
شرکت غربی پاسیفیك ٥٠١، ١٩٢
شرکت کالتکس ٤٠
شرکت کالیفورنی وتکساس ١١٥
شرکت کانال سوئز ٢٨٣
شرکت کراول ١٥٧
شرکت لاپیدوت ١٩٩
شرکت لولهٔ نفت ایران ٣٤٣
شرکت مختلط نفت ایران وشوروی ٣٨١، ٣٧٨
شرکت مستقل نفت امریکائی ٥٠١، ١٩٣، ٤٧
شرکت مشاورین ماوراء بحار ٤٩٥
شرکت مطالعات ایران وفرانسه ٣٤٨
شرکت معادن ایران ٢٤٩
شرکت معادن نفت کنترول شدهٔ بریتانیا ١٤٢
شرکت ملی نفت ایران ٥٣٠، ١٧٥، ١٧٤، ١٧٣
شرکت ملی نفت مصر ٢٠١
شرکت موریسن نودسن ٤٩٥
شرکت نفت آرامکو ٤٠٥، ١٩٨، ١٥٩، ١٢٧، ١٢٥، ١١٥
شرکت نفت آفتاب ١٠٦
شرکت نفت استاندارد اندیانا ١٠٦
شرکت استاندارد اوهایو ١٠٦
شرکت نفت استاندارد کالیفورنی ١٨٤، ١٦٢، ١٦١، ١١٥، ١١٠، ١٠٥، ٢٥٩، ٢٠٠، ١٨٧، ١٨٦
شرکت نفت استاندارد نیوجرزی ١١٥، ١١٠، ١٠٥، ١٠٣، ٩٧، ٩٦، ١٢٣، ١٢٢، ١٢٠، ١١٩، ١١٨، ١١٧، ١٥٠، ١٣٤، ١٣٢، ١٣١، ١٣٠، ١٢٧، ١٩٩، ١٩١، ١٨٧، ١٨٤، ١٦١، ١٥٢، ٤٨٥، ٣٣٦، ٣٣٥، ٣٣٤، ٣٣٣، ٢٤٠
شرکت نفت استاندارد نیویورك ١٢٢
شرکت نفت امرادا ١٠٦
شرکت نفت امریکا وایران ٣٤٢

شرکت نفت انگلیس وایران ۱۵۰
۱۸۳،۲۵۸،۲۵۹،۲۶۱،۲۶۲،۲۶۳
۲۶۴،۲۶۵،۲۷۴،۲۷۷،۲۷۸،۲۷۹
۲۸۷،۲۸۹،۳۱۳،۳۲۱،۳۲۲،۳۲۳
۳۲۴،۳۳۶،۳۴۳،۳۴۵،۳۴۷،۳۹۰
۴۰۲،۴۰۵،۴۰۶،۴۰۸،۴۱۰،۴۱۸
۴۱۹،۴۲۴،۴۴۰،۶۲۵،۶۲۶،۶۲۸
شرکت نفت انگلیس ومصر ۲۰۱
شرکت نفت اوهایو ۱۰۶
شرکت نفت بحرین
۱۲۵،۱۸۴،۱۸۵،۱۸۹
شرکت نفت بختیاری ۲۶۱،۲۷۴
شرکت نفت بصره ۱۷۷،۱۷۹،۱۸۰
۱۸۲
شرکت نفت برمه ۲۵۷،۲۵۸،۲۵۹
۲۶۴،۲۷۸،۲۸۹،۳۱۳،۳۲۳،۳۳۱
۴۲۴
شرکت نفت بریتانیا ۱۱۰،۱۱۵،۱۱۶
۱۱۷،۱۱۸،۱۲۲،۱۲۳،۱۳۰،۱۳۱
۱۴۳،۱۴۶،۱۴۷،۱۴۸،۱۴۹،۱۷۳
۱۷۴،۱۷۷،۱۸۹،۱۹۰،۱۹۵،۱۹۷
۱۹۸،۱۹۹،۲۰۴،۳۳۰
شرکت نفت پالایش اطلس ۱۰۶
شرکت نفت پتروفینا ۳۴۸
شرکت نفت پنسیلونیا ۱۶
شرکت نفت تایدواتر ۱۰۶
شرکت نفت ترکیه ۱۴۷،۱۷۵،۱۷۶
شرکت نفت خالص ۱۰۶
شرکت نفت خانقین ۱۷۵،۱۷۷
شرکت نفت خلیج ۱۰۵،۱۱۰،۱۱۶
۱۱۷،۱۱۹،۱۲۰،۱۸۴،۱۸۶،۱۸۹
۱۹۰،۱۹۱
شرکت نفت رویال دچ ۱۰۸،۱۱۵
۱۱۹،۱۲۰،۱۲۲،۱۲۳،۱۳۰،۱۳۱
۱۳۲،۱۳۴،۱۴۱،۱۴۳،۱۴۵،۱۴۸
۱۵۱،۱۵۲،۱۵۶،۱۶۲،۲۶۳،۳۳۰
شرکت نفت ریچفیلد ۱۰۶،۱۹۸
شرکت نفت سوکونی واکیوم
۱۰۵،۱۱۰،۱۱۵،۱۱۸،۱۸۷
۱۹۱،۲۰۱
شرکت نفت سینکلر ۱۰۶،۳۳۶،۳۳۷
۳۴۱،۳۴۲،۳۵۳،۳۵۴،۴۸۵
شرکت نفت شل ۴۹،۹۶،۱۰۵،۱۰۶
۱۰۸،۱۱۰،۱۱۶،۱۱۷،۱۱۹،۱۳۱
۱۴۶،۱۸۳،۱۹۱،۱۹۷،۱۹۹،۲۰۱
۳۱۰،۳۵۲،۳۵۴
شرکت نفت عراق ۱۱۵،۱۷۶،۱۷۷
۱۷۸،۱۷۹،۱۸۱،۱۸۲،۱۸۴،۱۸۶
۱۹۵،۱۹۸،۱۹۹،۲۰۱،۲۰۴
شرکت نفت عرب وامریکا ۱۸۷
شرکت نفت عربستان سعودی
۱۸۸،۱۸۹،۱۹۳،۱۹۳،۲۰۸
شرکت نفت عربستان غربی ۱۹۷
شرکت نفت فرانسه ۱۱۳،۱۴۸،۱۹۹
شرکت نفت فیلیپز ۱۰۶
شرکت نفت کرمانشاه ۳۰۷
شرکت نفت کویت ۱۱۶،۱۹۰،۱۹۱
شرکت نفت کنتی نانتال ۱۰۶
شرکت نفت متحدهٔ کالیفورنی ۱۰۶
شرکت نفت موصل ۱۷۷،۱۷۹،۱۸۲
شرکت نفت منه گراند ۱۱۹،۱۲۰
شرکت نفت‌های شمال ایران ۳۳۱،۳۳۲
شرکت هوتز ۲۴۸،۲۴۹
شریف آباد ۳۶۵
شعبانی ـ ابراهیم ۳۴۷
شط العرب ۴۲
شفق ـ دکتر رضا زاده ۵۵۶
شکوه الملك ۲۸۶،۳۰۲
شوارتز کف ـ کلنل ۴۹۴
شوستر ـ مورگان ۴۹۲
شورای جامعهٔ ملل ۲۹۲،۲۹۵،۲۹۶
شوش ۲۵۰

شوشتر ٣١٨،٢٦٦،٢٥٨،٢٥٢
شیخ‌الملك ٢٧٠
شیراز ٤٤٨
شیروان ١٠
شیز ٨
شیلی ١٠٧،١٠٦،٣٦،٣٥
شی‌یان ـ وینسنت ٤٦١،٤٦٠

حرف ص

صالح‌ـالله‌یار ٥٩٤،٥٧٠،٥٥٦،٥٢٠
الصباح ـ شیخ‌احمد ١٩٣
صدیق‌السلطنه ـ عبدالعلی‌صدری ٢٧١،٢٧٠،٢٦٩،٢٦٨
صدیق حضرت ٢٦٨
صفانیا ١٨٧،٤٥
صلح‌آباد ٢٨٠
صمصام‌السلطنه ٣٣٠
صیدا ٢٠٠،٤٥

حرف ط

طرابلس ٢٠٠،١٧٩،١٧٨،٤٣،٤٢
طومسون ٢٤٧
طهماسبیان ـ خلیل ٤٠٧

حرف ظ

ظل‌السلطان ٣٤٤
الظهران ١٨٨،١٨٦
ظهران ـ جبل ٤٣

حرف ع

عدن ٦٤١،٦٠٥،١٩٧،٧٦،٧٤
عراق ١٤٤،١١٨،٧٦،٦٠،٤٣،٤٢،٥
١٦٩،١٦٨،١٦٧،١٥٩،١٥١،١٤٨
١٧٨،١٧٦،١٧٥،١٧٤،١٧٣،١٧١
٢٠٢،١٩٩،١٩٧،١٨٣،١٨٠،١٧٩
٢١٢،٢٠٩،٢٠٦،٢٠٥،٢٠٤،٢٠٣
٣١٦،٣١٥،٢٨٠،٢٥٥
عربستان سعودی ٧٩،٧٨،٦٠،٤٥،٤٣
١٥٩،١٤٤،١٢٧،١٢٥،١٢١،١١٥
١٧١،١٦٩،١٦٨،١٦٧،١٦٦،١٦٠
١٩٨،١٩٣،١٨٩،١٨٨،١٨٥،١٧٨
٢٠٨،٢٠٦،٢٠٤،٢٠٣،٢٠٢،٢٠١
٤٠٥،٣٥٩،٣٥٠،٢١٢
عطشان ١٨٢
عمادالدوله ـ محمدعلی‌میرزا ٢٤٧
عمان ١٩٨
عمواغلی ـ حیدرخان ٤٨١،٤٧٠
علا ـ حسین ٣٣١،٣٠٠،٢٩٦،٢٩٢
٦٥٤،٦٦٦،٥٠٧،٤٠٧،٣٧٤
علی‌آبادی ـ دکتر ٥٩٤،٥٢٨
عین زاله ١٨٢،٤٢

حرف غ

غزه ١٩٩
غفاری ـ فرخ خان ٤٩٢
غفاری ـ معاون‌الدوله ٢٨٦
غفاری ـ مهندس‌الممالك ٢٥٤
غلام محمد ٥٨٥
غور ١٨٧،٤٤

حرف ف

فال ٣٣٨
فاطمی‌ـ مصباح ٤٣٩
فاو ١٨٢،٤٣
فرات ١٧٤،٤٢
فراسان‌ـ جزایر ١٩٧
فرامرزی ـعبدالرحمن ٥٢١
فرانسه ١٠١،٨١،٧٣،٦١،٥٥،٥٢،١٥
١٧٨،١٦٩،١٤٩،١٤٨،١٣١
٣١٥،٢٤٢،٢٤١،٢٢٦
٤٥٩،٣٤٨
فتوحی قیام ـ مرتضی ٣٤٧،٣٤٦،٣٤٥
فردوسی ٨
فرغانه ٥٠،١١
فرمز ٤٠
فروغی ـ محمد علی ٤٦٧،٣٠٢،٣٠١،٣٠٠
فروهر‌ـ ابوالقاسم ٢٤٧

فروهر ـ غلامحسین ٢٤٧
فریدالسلطنه ٢٧٧
فریزر ـ ویلیام
٣٠٠،٣٠١،٣١٣،٣٩٠
٣٩١،٣٩٢،٣٩٣،٤٣١،٤٥٣
فضیلی ـ معدن ٤٤
فلامنگو ٦٢٩
فلسطین (اسرائیل)
٦،١٤٤،١٥٠،١٦٩
٣١٩،٣٣٥،٤٣٥
فنلاند ٣٥٢
فوت ـ مایکل ٤٣٧
فولتن ٥٠٢
فهروج ٣٤٣
فهیمی ـ خلیل ٤٠٧
فیروز ـ نصرت‌الدوله
٢٧٥،٢٧٦،٢٧٧،٢٨١،٢٩٩
فیشر ـ تروپش ٥٦،٥٧
فیشر ـ دریاسالار لرد
٢٤،٢٥،٢٥٦،٢٦٢
فیض ـ میرزا عیسی‌خان ٢٨٤،٢٨٧

حرف ق

قاجاریه ٢٩٩
قاضی‌زاده ٣٤٧
قبرس ٢٠١
قراجه‌داغ ٢٤٩
قرداغه ـ معدن ٤٧
قره‌سو ـ رودخانه ٣٠٨
قزوین ٣٠٨
قشقائی ٥٢١
قشم ـ جزیرهٔ ٢٤٩،٢٨٠
قصرشیرین ٤٢،١٧٣،٢٥٥،٢٦٩
٢٧٠،٢٧١،٣٠٧
قطر ٤٦،٦٠،١١٥،١٦٠،١٦٧
١٦٨،١٩٥،١٩٦،١٩٨
٢٠٤،٢٠٩،٣٠٦،٥٣٠
قطیف ٤٤،١٨٧،٢٠٢
قفقاز ٩،١٢٢،١٤٥،١٥٢
٣٣١،٣٤٢
قم ٤٢،٣٠٨
قوام ـ احمد ٣٧٢،٣٧٣،٣٧٤،٣٧٥
٣٧٨،٣٧٩،٣٨١،٣٨٢
٣٨٦،٦٠٥،٦٠٩
قوام‌الدوله ـ محمد ٢٤٧
قوچان ٣٥٦
قهرمان ـ سردار اعظم ٣٤٤،٣٤٥

حرف ك

کاراخان ٢٩٨
کارانزا ١٣٥
کاردناس ١٣٨
کارنك ـ لرد ٤٦٠
کارون ٤٢
کاری‌بین ـ دریای ٢٧،٣٣،٣٥
کازابه ٣٤
کاشانی ـ سید ابوالقاسم
٦٤٩،٦٥١،٦٥٦،٦٦٢
کاشیت ٣٤٣
کاظمی ـ باقر ٥٥٥
کافتارادزه
٣٥٥،٣٥٦،٣٥٧،٦٠٤،٦٥٠
کاکس ـ سرپرسی ١٩٣
کاك کرافت ـ سرجان ٢٢٦
کالس ١٣٦،١٣٧
کالیفرنیا ٢٨
کالی‌مانتان ٣٨
کامبیز ٧٧
کامرون ٥٢
کامینی ٢٤١

کانادا ۱۴،۳۱،۳۲،۵۶،۵۷،۷۳
۹۷،۱۲۱،۱۶۱،۱۶۴،۲۲۶
۲۲۷،۲۳۳،۲۳۵،۲۵۷
کاناری ـ جزیره ۷۴
کانال سوئز ۱۵،۷۸،۷۹،۱۱۸
کانساس ۲۸،۳۳۷
کانسو ـ استان ۴۰
کاونتری ۴۶۴
کتابچی‌خان ۲۵۰،۲۵۱،۲۵۲،۲۵۳
۲۶۸،۲۶۹،۲۷۰،۲۷۱
کتبرت ۴۳۸
کجور ۳۲۶
کدمن ـ لرد ۱۵۰،۲۶۳،۲۷۹،۲۸۴
۲۸۵،۲۸۶،۲۸۷،۲۸۸
۲۸۹،۲۹۰،۲۹۷،۳۰۰
۳۰۱،۳۱۳،۳۳۴،۳۳۵
۳۴۲،۴۲۷،۴۲۸
کرج ۳۷۳
کرد محله ۳۴۳
کرزن ـ لرد
۱۳۲،۱۴۹،۲۴۵،۴۶۰،۴۶۱
کرکوک ۸،۴۲،۴۳،۱۷۶،۱۷۷،۱۷۸
۱۷۹،۱۸۲،۲۰۰،۲۰۲،۲۰۹
کرمان ۲۳۵،۲۴۹،۲۹۱
کرمانشاه ۴۲،۱۷۳،۳۰۷،۳۰۸
کره ۳۷۸
کریاژین ـ گورکو ۴۸۵
کریستف کلمب ۱۴
کرین ـ س . ر . ۱۸۵
کستاریکا ۱۴۲،۳۳۶
کسلر ۱۰۷
کلاپ ۳۰۰
کلارستاق ۳۲۶
کلانتر شیرازی ـ ابراهیم ۲۹۹
کلمانسو ۱۳۲،۱۳۳
کمپ ـ نرمان ۴۰۵
کنتوکی ۱۴،۲۸
کنکوی ـ بلژیك ۲۳۵
کوئی بیشف ۵۰
کوئی‌نن ـ ژنرال . ۴۶۳
کوبا ۳۷،۶۰
کوت‌عبدالله ۲۶۰،۲۸۱
کودینوس ۱۱
کودری ـ لرد ۱۳۴،۱۴۳
کورتیس ۲۵۳،۲۵۴،۳۹۴،۳۹۹
کولورادو ۵۷
کولومبیا
۳۴،۳۶،۵۹،۷۴،۹۲،۱۴۳
کومودورو ۳۵
کون ـ بلا ۴۸۱
کوندك ۲۸۰
کونولی ـ ژنرال ۳۶۹
کویت ۴۶،۶۰،۱۱۶،۱۱۷،۱۱۸،۱۲۱
۱۶۰،۱۶۷،۱۶۸،۱۶۹،۱۷۱
۱۷۵،۱۸۳،۱۸۹،۱۹۰،۱۹۲
۱۹۳،۲۰۱،۲۰۲،۲۰۴،۲۰۹
۳۶۱،۴۲۳
کیپلینگ ۴۸۸
کی‌یر ـ ساموئل ۱۸

حرف گ

گارافا ـ دکتر ۶۴۶
گارنر ـ رابرت ۵۸۵،۵۸۶،۵۸۹
گالیسی ۴۹
گالیسیا ۱۲
گچ خلج ۲۸۰
گچساران
۴۱،۲۰۲،۲۹۰،۳۱۰،۳۱۷،۳۲۱
گرجستان ۳۴۵
گرزن ۴۸
گرگلناد ۳۴۷

گرمسار ٣٧٣
گروزنی ٤٩
گری ـ سرادوارد ٢٦٧
گری ـ لرد ٤٦٠
گریدی ٥٠٣،٥٠٥،٤٩٩،٤٠٤
٥٠٦،٥٦٤،٥٨٢
گرینوی ـ سرچالز
٢٥٩،٢٧٧،٢٧٨،٢٨٠
٣٣١،٣٣٣
گس ـ ن . ا . ٣٨٦،٣٩٠،٣٩٢،٣٩٣
٣٩٥،٣٩٨
گلاسگو ٢٥٧
گلبنکیان ١٤٥،١٤٦،١٤٧،١٤٨
١٥١،١٧٨،٣٩٩
گلشائیان ٣٨٨،٣٨٩،٣٩٠،٣٩١
٣٩٣،٣٩٥،٤٠٢،٤٠٣
گوت ـ کامیل ٦٤٦
گیبسن ٢٠٣
گیلان ٣٢٨،٣٣٣،٣٣٦،٣٣٨
گینهٔ جدید ٣٨،٣٩،٦٠
گیوم دوم ٢٩٧

حرف ل

لابریاپارنیاس ٣٦
لاك ٥٢
لالی ٤٢،٢٩٠،٣٠٨،٣٢٠
لاووازیه ٢٤٢
لاهوتی ـ ابوالقاسم ٤٨٣
لاهه ١٠٧
لاهیجان ٣٥٣
لبنان ٤٥،٧٨،١٤٤،١٤٨،١٦٨
٢٠٠،٢٠١،٢٠٦
لدوك ٣٢
للوید ـ مستر ٢٧٦،٤٢٤
لگت ـ سرفردریك ٤٣٨
لندن ٨١،١٠٧،١٠٨،١٢٤،١٤٥،١٤٦
٢٥١،٢٥٨،٢٧٠،٢٧٥،٢٨٥
٢٨٨،٢٩٠،٢٩٧،٢٩٨،٣٠١
٣١٢،٣٣٤،٣٣٩،٣٤٢
٣٤٣،٣٤٥،٣٦٨،٣٨٦،٣٨٧
لنین ٣٥٢
لنینگراد ٣٤١
لوئی ـ چهاردهم ٢٤١
لوئی زیانا ٢٨
لودن ـ سرپرسی ٤٦٠
لوروژتل ـ سرجان ٤٧٦،٤٧٧
لوزان ٢٩٠
لوس انجلس ١١٣
لوهاور ١٤١
لهستان ١٢،٦١،١٣٠،٣٥١
لی ـ فردریك ٤٣٨
لیبی ـ دکتر ٢٣٠
لیبری ٨١،٨٢

حرف م

مادرو ١٣٤،١٣٥
مارا کیبو ٣٣
مارکوپولو ١٠
مارو ١٣٧
ماریسون ـ هربرت ٥٢٤،٥٥٣
مازندران ٣٢٨،٣٣٣،٣٣٨
مال امیر ٢٥٨
مالفت ٤٤٣
ماماتین ٢٥٧،٢٥٨،٢٧١،٢٨٠
مایسکی ٤٦٣
متیسون ٦٥٧
مجارستان ٦١
مجدالدولة ٣٢٧
محال ثلاثة ٣٢٦
محمدتقی ـ سید ٢٧١
محمدشاه ١١
محمدرضاشاه ٣٧١

محمدعلیشاه ٥١٦
مدرس ـ سیدحسن ٣٣٩
مدیترانه ٤٢،٤٣،٤٥
مراغه ٨
مراکش ٦١،١٤٨
مرکز ملی تحقیقات علمی ٢٤٢
مرو ٤٥٨
مری ـ والاس ٣٧١،٥٨٢،٦٠٥
مسجدسلیمان ٧،٤١،٤٢،٦٣،٢٠٢
٢٠٣،٢٥٨،٢٥٩،٢٦٠
٢٦٧،٢٧٢،٢٧٣،٢٨٠
٢٨٢،٢٨٦،٢٩٠،٣٠٨
٣١٠،٣١١،٣١٨،٣٢٠
٣٢١،٤٢٣،٤٢٦
مسعودی ـ ابوالحسن ١٠
مسقط ١٩٨
مسکو ٢٩٧،٢٩٨،٣٣٧،٣٥٢
٣٥٥،٣٦٤،٣٧٥
مشیرالدوله ـ نصرالله ٢٥٤
مشهدی رضای قزوینی ٣٤٦
مصر ٢٠،٤٧،٤٨،٦٠،٧٤
٧٧،١٢١،١٦٥،١٦٧،١٦٨
١٦٩،٢٠١،٣١٠
مظفرالدین‌شاه ٢٤٩،٢٥٢
معتمدالملك ـ یحیی ٢٤٧
معتمدالوزراه ـ حسینقلی ٤٩٢
معظمی ـ دکتر ٦٥٦،٦٦٢
معین‌التجار ٢٦٩،٢٧٢
مك گی ـ جورج
٥٠٤،٥٠٥،٥٠٧،٥٧٢،٥٨١
مکحول ـ جبل ١٨٢
مکدونالد ـ رمزی ٢٦٦
مکزیك ٣٠،٣١،٦٠،٧٣،١١٣،١٢٥
١٣٠،١٣١،١٣٢،١٣٣،١٣٤
١٣٦،١٣٧،١٣٨،١٤٠،١٤١
١٤٩،١٥٧،١٦٤
مکلین ٥٣
مکلین‌تاك ـ ویلیام ٧٦،٣٠٠
مك‌نر ـ سرارنلد ٣٥
مکی ـ حسین ١٧،٥٢١،٥٢٢،٦٥٠
ملاثانی ٦
ملایر ٠٨
منامه ٣،٢١٠
منچستر ٦٦
منشورالملك ٢٨
منصور ـ علی ٠٤
منطقهٔ بیطرف ٦٧
مؤسسهٔ نفت انگلیس ٠٣
مؤسسهٔ نفت امریکا ٣٥
مودنا ٢
مورگان ٣٧،٢٥٠،٢٥١،٢٥٨
موریشس ٢٩
موسولینی ١٢،٤٨٩
موسی
موشه ٤٢
موصل ١١،١٤٤،١٧٥،٥٣٠
مولوتوف ٠،٣٥١،٣٥٢،٣٦٤
٦٥،٣٧٢،٣٧٣
مون‌لوئی ٤٢
مونت‌مورگان ٥١
مونرو ـ اصل ٤٢
میانودی مدیسانو ٢
میدان نفتون ٥٨
میدلتون ـ جورج ٥٥،٦١١
میرزاحسین خان ـ سپهسالار ٤٦
میرزا سعیدخان ٤٧
میرزا طاهر ٧١
میرزا کوچك‌خان ٨٤
میرزا محسن ٧٠
میری ٩
میریلاـ کشتی ٤١

میلسپو ـ دکتر ٤٩٣،٤٩٤
میکاپ ٤٩

حرف ن

ناپل ٢٦٢
ناپلئون ١٦٩
نادرشاه ١١
ناصرالدین شاه
٢٤٦،٢٤٧،٢٤٨،٣٢٦
٣٢٧،٣٣٤
ناصرالملك ـ قراگوزلو ٢٤٧
ناگااوکا ٢١٨
ناگاساکی ٢٢٧
نجد ١٨٥
نجیب ـ ژنرال ٦٣٦
نروژ ٨٢،٣٥١
نریمان ـ محمود ٥١٨
نظام‌الدوله ـ دوستعلی ٢٤٧
نفت خانه ٤٢،١٥١،١٧٤،١٧٥،٣٠٧
نفت داغ ٥٠
نفت سفید ٤١،٢٠٢،٢٩٠،٣٠٨،٣٢٠
نفت شاه ٤٢،١٧٣،١٧٤،٢٠٢،٣٠٨
نوبل ١٣١،١٥١
نوح ٥
نیوتون ابوت ٢٥١
نیومکزیکو ٢٢٧
نیویورك ٢٨،١٢٤،١٤٦،٣٣٩،٣٧٤

حرف و

وات ـ جیمز ٢١
واتسن ـ رابرت ٣٣١
وادی‌الفیران ٤٨
وارسته ـ محمدعلی ٥٥٦
وارن ٥٧٤
والپول ٤٢٥
والش ٣٣٨
وانادیوم ٣٦
وایلی ـ جان ٤٩٨
وثوق‌الدوله ١٧٥،٢٧٧،٣٢٨،٣٣٠
٣٣٤،٤٥٩،٤٩٣
وراکروز ١٣٥
وست‌ورجینیا ٢٨
وفره ٤٧،١٩٤
ولز ـ اچ . جی ١٠٣،١٠٤
ولف ـ سردرموند ٢٤٨،٢٥٢
ونزوئلا ٣٣،٣٤،٣٥،٤٩،٥٧
٥٩،٧٣،٨٦،٩٧،١١٣
١١٩،١٢٠،١٢١،١٢٧،١٤٣
١٤٤،١٥٥،١٥٦،١٥٨،١٥٩
١٦٢،١٦٦،١٦٩،٣٩٠،٣٩٤،٤٤٢،٤٥٠
ونکوور ٣٢
ویس ٣١٨
ویسانوف ٤٨٥
ویلسون ـ سرآرنلد
٢٥٧،٢٥٨.٤٢٥
ویلسون ـ وودرو ١٣٥
وین ٢٢
ویول ـ ژنرال ٣١٥،٤٦٦

حرف ه

هاتف ٢١٩
هاردینگ ـ پرزیدانت ٣٣٧
هاردنیگ ـ سرآرتور ٢٥٢،٢٥٣
هانکی ٥٨٩
هانیبال ٣٤٧
هخامنشیان ٧
هد ـ سرتیپ ٤٣٧
هدایت ـ مهدیقلی ٢٩٧
هراکلیوس ٦
هرتزفلد ـ پروفسور ٦
هرودوت ١ ،٨،٦
هربس ٤٤٣
هریمن ـ اورل
٥٤٢،٥٤٩،٥٥٠،٥٥٥
٥٦٠،٥٦١،٥٦٢،٥٦٥
٥٦٦،٥٨١

هژیر ــ عبدالحسین
٣٨٧،٣٨٨،٤٠٣
هفتکل
٤١،٢٠٢،٢٨١،٢٩٠،٣٠٨
٣١٠،٣١١،٣٢٠
هلاند ٣٨،٥٢،٥٥،٦١،٨٢،١٠١
١٠٧، ٤٩،١٥٥،٣٥١
همدان ٣٠٨
هندرسن ــ لوی ٦١١،٦٤٠،٦،١٦٤٢
٦٥٥،٦٥٨،٦٦٣
هند شرقی ٥٥
هند وچین ٣٧٩
هندوستان
٣٧،٤٠،٥٠،٦٠،٧٤،١٢٢،١٢٤،١٦٥
١٦٩،١٧٠،١٧٢،٢٣٥،٢٣٩،٢٥٨
٢٥٩،٢٦٦،٢٧٩،٢٨٤،٣١٥،٤٢٤
٤٣٥،٤٥٨،٤٦٠،٤٦٨
هوئرتا ١٣٤،١٣٥
هوئرتا ــ دولا ١٣٦
هوستن ١٦٦
هولمن ــ یوجین ٢٤٠
هومز ــ فرانك ١٨٣،١٨٤،١٨٥،١٩٥
هوور ــ هربرت ٣٥٣،٣٥٤
هیت ــ هرولد ١٥٧
هیتلر
٣١٥،٣٥١، ٧٣،٤٦٢،٤٨٩
هیروشیما ٢٢٧
هیلد ــ سرلایونل ٥٩٣
هیگینز ــ مارگریت ٦٣٦

حرف ی

یأجوج ومأجوج ٨
یافه ١٩٩
یاقوت ــ حموی ٧،١٠
یالتا ٣٦٢
یزدان‌پناه ــ سپهبد ٢٨٦
یمن ١٩٧
ینگ ــ دکتر ١٥،٢٦٠،٣٠١،٤٢٦
ینگ ــ جیمز ١٣،١٨،٥٧
یوگواسلاوی ٦١
یونان ٦،٢٠،٣١٩
ییتز ــ سرهنگ ١٤٣
ییل ــ دانشگاه ١٦

پایان